



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

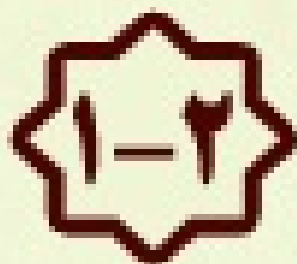
.net

.ir

توسعه اقتصادی

بر پایه آیت قرآن و حدیث

محمدی‌های شهری



ترجمه

سید ابوالقاسم حسینی (شرفا)

با همکاری

سید رضایی حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	جلد ۱
۱۹	اشاره
۲۵	پیشگفتار
۲۹	پیش درآمد
۲۹	اشاره
۳۱	پایه های توسعه اقتصادی در اسلام
۳۴	۱. دانش
۳۴	۲. برنامه ریزی
۳۵	۳. کار
۳۶	۴. بازار
۳۶	۵. مصرف
۳۶	۶. دولت
۳۷	۱. تعریف توسعه
۳۷	یک. توسعه در ادبیات اقتصادی
۳۹	ویژگی های توسعه اقتصادی در اسلام
۴۰	دو. توسعه در اسلام
۴۲	۲. هدف توسعه
۴۳	۳. نظام های توسعه و راهبردهای آن ها
۴۴	یک. نقش ارزش های معنوی در توسعه اقتصادی
۴۶	دو. تکامل معنوی از درون توسعه مادی
۴۸	سه. تأمین نیازهای اصلی نیازمندان

۵۱	چهار . حفظ توازن محیط
۵۳	بخش یکم : پیشرفت اقتصادی
۵۳	اشاره
۵۵	فصل یکم : اهمیت پیشرفت اقتصادی
۵۵	۱ / ۱ خوشبختی دنیا و آخرت
۶۹	۲ / ۱ آبادسازی زمین و بهره‌وری از مواهب آن
۷۳	۳ / ۱ ثروتمندی جامعه ، از نعمت های خدا است
۷۵	۴ / ۱ دعا برای پیشرفت اقتصادی
۸۹	فصل دوم : برکت های پیشرفت اقتصادی
۸۹	۱ / ۲ برپایی دین و دنیا
۹۵	۲ / ۲ یاری رساندن به تقوا
۹۷	۳ / ۲ چند برابر کردن پاداش
۱۰۱	۴ / ۲ حفظ آبرو
۱۰۳	۵ / ۲ پوشاندن عیب ها
۱۰۳	۶ / ۲ جلوه کردن جوانمردی
۱۰۳	۷ / ۲ آسایش روانی
۱۰۷	۸ / ۲ مایه بزرگواری در دنیا
۱۱۱	فصل سوم : واپس ماندگی اقتصادی
۱۱۱	۱ / ۳ فقر جامعه از مجازات های خداوند است
۱۲۱	۲ / ۳ سختی و تلخی فقر
۱۲۸	۳ / ۳ پناه جستن از فقر
۱۳۴	فصل چهارم : زبان های واپس ماندگی اقتصادی
۱۳۴	۱ / ۴ کفر
۱۳۸	۲ / ۴ نادانی
۱۳۸	۳ / ۴ خواری
۱۴۰	۴ / ۴ فراموشی

۱۴۲ ۵ / ۴ گوناگون
۱۴۶ فصل پنجم : توسعه نوید داده شده در اسلام
۱۵۸ فصل ششم : ستایش فقر و مفهوم آن
۱۵۸ ۱ / ۶ روایات درباره ستایش فقر
۱۶۷ ۲ / ۶ روایات نشان دهنده برتری فقر بر توانگری
۱۷۱ ۳ / ۶ روایات توضیح دهنده فقر ستودنی
۱۸۰ نکاتی درباره روایات ستاینده فقر
۱۸۵ بخش دوم : پایه های توسعه
۱۸۵ اشاره
۱۸۷ فصل یکم : دانش
۱۸۷ ۱ / ۱ نقش دانش در پیشرفت اقتصادی
۱۹۱ ۲ / ۱ نقش نادانی در واپس ماندگی اقتصادی
۱۹۵ فصل دوم : برنامه ریزی
۱۹۵ ۱ / ۲ برنامه ریزی صحیح و توسعه
۲۰۱ ۲ / ۲ برنامه ریزی نادرست و واپس ماندگی
۲۰۵ فصل سوم : کار
۲۰۵ ۱ / ۳ تشویق به کار
۲۰۵ ۱ / ۳ روزی جستن
۲۱۱ ۲ / ۳ رنج بردن در طلب روزی
۲۱۳ ۳ / ۳ تحمل غربت در جست و جوی روزی
۲۱۵ ۴ / ۳ کار جسمانی
۲۱۹ ۵ / ۳ بوسیدن دست کارگر
۲۱۹ ۶ / ۳ روش پیامبر و جانشینانشان در روزی جستن
۲۳۷ ۲ / ۳ برحذر داشتن از سستی در کار
۲۳۷ ۱ / ۲ زیان های سستی
۲۴۵ ۲ / ۳ نکوهش سر بار دیگران بودن

- ۲۴۷ ----- نکوهش دعاکننده بی تلاش ۳۲/۳
- ۲۴۹ ----- نکوهش فرو نهادن خانواده ----- ۴۲/۳
- ۲۴۹ ----- پذیرفته نشدن دعای فرد بی تلاش ----- ۵۲/۳
- ۲۵۱ ----- خودداری امام از دعا برای فرد ناکوشنده ----- ۶۲/۳
- ۲۵۳ ----- تشویق به تولید ----- ۳/۳
- ۲۵۳ ----- کشاورزی و درختکاری ----- ۱۳/۳
- ۲۶۱ ----- دامپروری ----- ۲۳/۳
- ۲۶۹ ----- صنعتگری ----- ۳۳/۳
- ۲۷۳ ----- آن چه پیشه ور را سزا است ----- ۴/۳
- ۲۷۳ ----- جست و جوی حلال ----- ۱۴/۳
- ۲۸۷ ----- سحرخیزی ----- ۲۴/۳
- ۲۸۹ ----- پیوستگی در پیشه فراهم شده برای انسان ----- ۳۴/۳
- ۲۹۱ ----- فصل چهارم : بازار -----
- ۲۹۱ ----- تشویق به بازرگانی ----- ۱/۴
- ۳۰۱ ----- بازداشتن از احتکار ----- ۲/۴
- ۳۰۷ ----- آن چه درباره قیمت گذاری ، بیان شده است ----- ۳/۴
- ۳۰۷ ----- قیمت گذار ، خدا است ----- ۱۳/۴
- ۳۰۷ ----- خودداری پیامبر از قیمت گذاری ----- ۲۳/۴
- ۳۱۱ ----- فرمان جاری کردن قیمت های عادلانه ----- ۳۳/۴
- ۳۱۱ ----- بازداشتن از گرانی ، به صورت غیر مستقیم ----- ۴۳/۴
- ۳۱۱ ----- بازداشتن از برنهادن قیمتی پایین تر از قیمت بازار ----- ۵۳/۴
- ۳۱۴ ----- نگاهی به احادیث قیمت گذاری -----
- ۳۲۱ ----- آن چه فروشنده را سزاوار است ----- ۴/۴
- ۳۲۱ ----- فروش کالا به قیمت روز ----- ۱۴/۴
- ۳۲۱ ----- مایل گرفتن کفه ترازو ----- ۲۴/۴
- ۳۲۳ ----- آن چه فروشنده را سزاوار نیست ----- ۵/۴

- ۳۲۳ ۱۵ / ۴ سود بسیار گرفتن
- ۳۲۷ ۲۵ / ۴ بازگرداندن سود اندک
- ۳۲۷ ۳۵ / ۴ بر معامله برادر مؤمن درآمدن
- ۳۲۹ ۴۵ / ۴ سوگند خوردن
- ۳۳۱ ۶ / ۴ آن چه در معامله حرام است
- ۳۳۱ ۱۶ / ۴ ربا
- ۳۳۷ ۲۶ / ۴ ناراستی
- ۳۳۷ ۳۶ / ۴ فریبگری
- ۳۴۱ ۴۶ / ۴ کم فروشی
- ۳۴۵ ۵۶ / ۴ فریفتن کسی که به انسان اعتماد کرده است
- ۳۴۷ ۷ / ۴ آن چه مشتری را زوا است
- ۳۴۷ ۱۷ / ۴ چانه زدن به هنگام بیم از فریب
- ۳۵۱ ۲۷ / ۴ دعا به هنگام خرید
- ۳۵۳ ۳۷ / ۴ نیکو گزینی
- ۳۵۳ ۴۷ / ۴ جنگ آداب معامله
- ۳۶۱ فصل پنجم : مصرف
- ۳۶۱ ۱ / ۵ آن چه در مصرف دارایی های خصوصی روا است
- ۳۶۱ ۱ / ۵ مصرف به اندازه نیاز
- ۳۶۹ ۲ / ۵ تعادل میان درآمد و بخشش
- ۳۷۱ ۳ / ۵ در نظر گرفتن اولویت ها
- ۳۷۵ ۴ / ۵ در نظر گرفتن ویژگی های زمانی
- ۳۷۹ ۵ / ۵ سبکباری
- ۳۸۳ ۶ / ۵ انفاق در راه خدا
- ۳۹۵ ۷ / ۵ میانه روی
- ۴۰۳ ۸ / ۵ ابراز توانگری
- ۴۰۹ ۲ / ۵ آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی روا نیست

۴۰۹ اسراف و ریخت و پاش ۱۲ / ۵
۴۱۹ پرداخت هزینه گناهان ۲۲ / ۵
۴۱۹ آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی ، ناپسند است ۳ / ۵
۴۱۹ انفاقِ نابجایِ مال ۱۳ / ۵
۴۲۳ صرفِ دارایی در ساخت و سازِ بیش از نیاز ۲۳ / ۵
۴۲۷ تباه کردنِ مال ۳۳ / ۵
۴۲۹ نهی از شباهت جستن به بیگانه در شیوه مصرف ۴ / ۵
۴۳۱ نهی از کوتاه آمدن در مصرف ۵ / ۵
۴۵۲ بدترین مال ۶ / ۵
۴۵۴ فصل ششم : دولت
۴۵۴ حکومت شایسته و توسعه ۱ / ۶
۴۶۲ ستم حکمران و عقب ماندگی اقتصادی ۲ / ۶
۴۶۴ بهره وری شخصی از غنایم [و اموال عمومی و] عقب ماندگی اقتصادی ۳ / ۶
۴۶۸ راه های تأمین درآمد؛ و توسعه ۴ / ۶
۴۸۴ نظارت بر بازار ۵ / ۶
۴۹۶ آن چه در هزینه کردن اموال عمومی واجب است ۶ / ۶
۴۹۶ تقسیم برابر ۱ / ۶
۵۱۰ درنگی در شیوه توزیع اموال عمومی در صدر اسلام
۵۱۴ تأمین نیازهای اساسی همگان ۲ / ۶
۵۲۵ پارسا پيشگی و احتیاط ورزی ۳ / ۶
۵۲۷ برتری ندادنِ فرزندان و خویشان ۴ / ۶
۵۲۷ حرام بودنِ بخشش اموال عمومی ۵ / ۶
۵۳۱ جلد ۲
۵۳۱ بخش سوم : اصول توسعه
۵۳۱ اشاره
۵۳۳ اصول ، موانع ، و آفاتِ توسعه

۵۵۱	فصل یکم : اصول اعتقادی
۵۵۱	۱ / ۱ خداوند روزی بخش است
۵۶۱	۲ / ۱ ویژگی های روزی
۵۶۱	۱ ۲ / ۱ روزی تقدیر و تقسیم شده است
۵۷۰	۲ ۲ / ۱ روزی تقسیم شده از حلال است
۵۷۴	۳ ۲ / ۱ حرص ورزیدن روزی را افزایش نمی دهد
۵۸۰	۴ ۲ / ۱ روزی برای جوینده آن ضمانت شده است
۵۸۲	۵ ۲ / ۱ گاه روزی بدون برنامه ریزی به دست آید
۵۸۶	۳ / ۱ گونه های روزی
۵۹۲	۴ / ۱ حکمت تنگنا و گشایش
۶۰۴	۵ / ۱ کسانی که از جایی که گمان نمی رود ، روزی دریافت می کنند
۶۰۴	۱ ۵ / ۱ تقوای پیشه
۶۱۰	۲ ۵ / ۱ توکل کننده
۶۱۶	۳ ۵ / ۱ پژوهنده دین
۶۱۸	فصل دوم : اصول حقوقی
۶۱۸	۱ / ۲ دارایی از آن خدا است
۶۲۰	۲ / ۲ احترام داشتن مال مسلمان
۶۲۸	۳ / ۲ احترام داشتن مال نامسلمانی که با مسلمانان پیمان دارد
۶۳۰	۴ / ۲ عدل و توسعه
۶۳۴	۵ / ۲ حقوقی دارایی
۶۴۰	۶ / ۲ پرداخت نکردن حقوق و واپس ماندگی
۶۴۴	۷ / ۲ نگاهداری درست از مال
۶۴۸	۸ / ۲ بهره وری از دارایی
۶۴۸	۹ / ۲ نگهداری زمین
۶۵۰	۱۰ / ۲ نگهداری مال
۶۵۴	۱۱ / ۲ مسؤلیت جامعه برای ادای حقوق

۶۵۸	فصل سوم : اصول اخلاقی
۶۵۸	۱ / ۳ نیک نیت بودن
۶۵۸	۲ / ۳ نیک خوی بودن
۶۶۰	۳ / ۳ مدارا
۶۶۲	۴ / ۳ خوش گفتاری
۶۶۲	۵ / ۳ پارسایی
۶۶۴	۶ / ۳ پرهیزگاری
۶۶۶	۷ / ۳ ذکر
۶۶۶	۸ / ۳ شکرگزاری
۶۷۸	۹ / ۳ میانه روی
۶۸۰	۱۰ / ۳ رضایتمندی
۶۸۴	۱۱ / ۳ قناعت
۶۹۲	۱۲ / ۳ صبر
۶۹۴	۱۳ / ۳ ترجیح دادن آخرت
۶۹۸	۱۴ / ۳ نگرستن به آن که زندگی فروتری دارد
۷۰۲	۱۵ / ۳ پاکدامنی
۷۰۴	۱۶ / ۳ امانت شمردن دارایی
۷۰۶	فصل چهارم : اصول عبادی
۷۰۶	۱ / ۴ آمرزش خواستن
۷۱۶	۲ / ۴ نماز
۷۲۲	۳ / ۴ نماز شب
۷۲۴	۴ / ۴ نماز باران
۷۲۴	۵ / ۴ خواندن قرآن
۷۳۰	۶ / ۴ پرداختن به ذکر و دعا از سپیده دم تا طلوع خورشید
۷۳۲	۷ / ۴ حج و عمره
۷۳۸	۸ / ۴ زیارت امام حسین

۷۴۰	۹ / ۴ همواره با طهارت بودن
۷۴۰	۱۰ / ۴ دعا
۷۴۴	۱۱ / ۴ دعای پنهان برای برادران [مؤمن]
۷۴۶	۱۲ / ۴ دعاهاى روايت شده در طلب روزى
۷۵۲	۱۳ / ۴ ذکرهای روايت شده برای فقرزدایی
۷۵۸	فصل پنجم : اصول اجتماعى
۷۵۸	۱ / ۵ ازدواج
۷۶۲	۲ / ۵ خودآرایى
۷۶۶	۳ / ۵ پیوند با خویشان
۷۷۲	۴ / ۵ نیک همسایگی
۷۷۲	۵ / ۵ امانت داری
۷۷۴	۶ / ۵ راستگویی و وفاداری
۷۷۴	۷ / ۵ همکاری
۷۸۰	۸ / ۵ انفاق
۷۸۲	۹ / ۵ زکات
۷۸۶	۱۰ / ۵ طعام دادن
۷۸۸	۱۱ / ۵ نیکی کردن
۷۹۲	فصل ششم : اصول بهداشتی
۷۹۲	۱ / ۶ پاکیزگی
۷۹۴	۲ / ۶ وضو گرفتن پیش و پس از غذا
۷۹۶	۳ / ۶ خلال کردن و مسواک زدن
۷۹۸	۴ / ۶ چیدن ناخن ها
۸۰۰	فصل هفتم : روایات پراکنده
۸۰۶	بخش چهارم : موانع توسعه
۸۰۶	اشاره
۸۰۸	فصل یکم : موانع اخلاقی

۸۰۸	آزمندی ۱ / ۱
۸۱۵	حسد ۲ / ۱
۸۱۷	دروغ گویی ۳ / ۱
۸۱۷	ناسپاسی نعمت ۴ / ۱
۸۲۷	سرمستی از نعمت ۵ / ۱
۸۳۱	موسیقی غنایی ۶ / ۱
۸۳۳	فصل دوم : موانع اجتماعی
۸۳۳	اختلاف ۱ / ۲
۸۳۷	ستمگری ۲ / ۲
۸۴۳	خیانت ۳ / ۲
۸۴۵	گسستن پیوند از خویشان ۴ / ۲
۸۴۷	پس راندن نیازمند ۵ / ۲
۸۵۵	فصل سوم : موانع عملی
۸۵۵	گناهان ۱ / ۳
۸۶۳	ربا ۲ / ۳
۸۶۸	پیشه پلید ۳ / ۳
۸۷۰	زنا ۴ / ۳
۸۷۲	سوگند ناروا ۵ / ۳
۸۷۲	ابراز نیاز ۶ / ۳
۸۷۶	خواب پیش از طلوع خورشید ۷ / ۳
۸۷۸	توضیح:
۸۸۰	گوناگون ۸ / ۳
۸۹۶	بخش پنجم : آفات توسعه
۸۹۶	اشاره
۸۹۸	فصل یکم : فخر فروشی با ثروت
۸۹۸	۱ / ۱ پرهیز دادن از فخر فروشی با ثروت

- ۹۱۰ ۲ / ۱ پرهیز دادن از زر اندوزی
- ۹۲۶ ۳ / ۱ شروط تحقق زراندوزی
- ۹۲۶ ۱۳ / ۱ هزینه نشدن مال
- ۹۲۶ ۲۳ / ۱ پرداخت نکردن زکات مال
- ۹۳۰ ۳۳ / ۱ گوناگون
- ۹۳۵ معنای زراندوزی در قرآن و حدیث
- ۹۴۴ ۴ / ۱ ویژگی های منفی ثروت
- ۹۴۴ ۱۴ / ۱ مایه شهوت ها
- ۹۴۴ ۲۴ / ۱ دام ابلیس
- ۹۴۸ ۳۴ / ۱ فتنه جان
- ۹۵۰ ۴۴ / ۱ فراخوان رنج
- ۹۵۲ ۵۴ / ۱ چپاول حوادث
- ۹۵۲ ۶۴ / ۱ سرکرده بدکاران
- ۹۵۴ ۵ / ۱ پرهیز دادن از مال پرستی
- ۹۵۸ ۶ / ۱ نکوهش ترجیح دادن مال
- ۹۷۱ ۷ / ۱ زیان های فخرفروشی با ثروت ، بیش از زیان های فقر است
- ۹۷۷ ۸ / ۱ زیان های فخرفروشی با ثروت
- ۹۷۷ ۱۸ / ۱ سرکشی
- ۹۸۱ ۲۸ / ۱ فراموش کردن خدا
- ۹۸۷ ۳۸ / ۱ سرپیچی از جهاد
- ۹۸۷ ۴۸ / ۱ پله پله فرو افتادن
- ۹۹۵ ۵۸ / ۱ اندوه فراوان
- ۹۹۷ ۶۸ / ۱ بسیار شدن گناهان
- ۹۹۷ ۷۸ / ۱ فاسد شدن دل ها
- ۹۹۹ ۸۸ / ۱ سیاه رویی
- ۹۹۹ ۹۸ / ۱ ناز و نعمت برای وارث

۹۹۹ ۱۰ / ۱ سختی مرگ
۱۰۰۱ ۱۱ / ۱ حسابرسی سخت
۱۰۰۱ ۱۲ / ۱ دشواری نجات یافتن
۱۰۰۷ ۱۳ / ۱ نابودی
۱۰۱۵ ۱۴ / ۱ شر دنیا و آخرت
۱۰۱۷ ۱۵ / ۱ مجموعه زیان های زراندوزی
۱۰۲۳ فصل دوم : نازپروردگی
۱۰۲۳ ۱ / ۲ پرهیز دادن از نازپروردگی
۱۰۳۹ ۲ / ۲ نازپروردگان دشمنان پیامبراند
۱۰۴۱ ۳ / ۲ همنشینی با نازپروردگان
۱۰۴۱ ۱ / ۳ دوری جستن از همنشینی با نازپروردگان
۱۰۴۳ ۲ / ۳ پرهیز دادن از گرامی داشتن توانگر برای توانگری اش
۱۰۴۵ ۴ / ۲ سرانجام نازپروردگی
۱۰۵۱ فصل سوم : آن چه آفت می آورد
۱۰۵۱ ۱ / ۳ غفلت از آخرت
۱۰۵۳ ۲ / ۳ آهسته یابی روزی
۱۰۵۵ ۳ / ۳ کم شمردن روزی
۱۰۵۹ ۴ / ۳ طلب حرام
۱۰۶۹ فصل چهارم : آن چه از آفات باز می دارد
۱۰۶۹ ۱ / ۴ یاد خدا
۱۰۷۱ ۲ / ۴ ترجیح دادن آخرت
۱۰۷۳ ۳ / ۴ اعتدال در طلب
۱۰۸۱ ۴ / ۴ اکتفا کردن به مقدار نیاز
۱۰۹۷ ۵ / ۴ غم نخوردن برای روزی فردا
۱۱۰۲ توضیحاتی درباره آفات توسعه و پرهیز از آن ها
۱۱۴۹ فهرست منابع و مأخذ

توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور: توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث / محمدی ری شهری؛ با همکاری رضا حسینی؛ ترجمه ابوالقاسم حسینی (ژرفا).

مشخصات نشر: قم: دار الحدیث، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ج.

فروست: مرکز تحقیقات دار الحدیث ۵۷/۱؛ ۵۷/۲

شابک: ۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۱)؛ ج. ۱. ۹۶۴-۴۹۳-۱۱۴-۹: ۶۰۰۰۰ ریال: دوره: ۹۶۴-۴۹۳-۱۱۶-۵؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲. ۹۶۴-

۷-۱۱۵-۴۹۳-۹۶۴: چاپ دوم: X-۴۸-۷۴۸۹؛ ۶۰۰۰۰ ریال: ج. ۲، چاپ دوم: ۷-۱۱۵-۴۹۳-۹۶۴

یادداشت: ج. ۱ (چاپ اول: ۱۳۸۲).

یادداشت: ج. ۱ (چاپ دوم: ۱۳۸۵).

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: رشد اقتصادی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: رشد اقتصادی -- جنبه های قرآنی.

شناسه افزوده: حسینی، رضا، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده: حسینی، سید ابوالقاسم، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده: دار الحدیث. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۲ م ۳۳۴ ت ۹۳ ۱۳۰۰ ای

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۶۰۵۴

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

پیشگفتار

پیشگفتار بسم الله الرحمن الرحيم سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است؛ و سلام و درود بر بنده برگزیده اش، محمد، و خاندان پاک و یاران نیکویش. توسعه اقتصادی، یکی از مهم ترین دلمشغولی ها و نگرانی های روزگار کنونی، به ویژه در جهان سوم به شمار می رود. از این روی، بررسی این موضوع از دیدگاه اسلام، از اهمیت فراوان برخوردار است. ما بر آنیم که ارائه مجموعه دیدگاه اسلام درباره توسعه؛ و نیز تبیین توسعه اقتصادی، به طور خاص، از دید اسلام، آشکارا جهان شمولی اسلام را نشان می دهد و از برتری آن بر مکاتب دیگر در عرصه توسعه که بر پایه مادی استوارند، حکایت می کند. نیز این تلاش می تواند پایه های نظام اقتصادی تازه ای را استوار نماید که بحران های اقتصادی معاصر را چاره کند و بدین سان، تفکر توسعه اسلامی راهی نو برای گسترش و شکوفایی اسلام بگشاید. این کتاب که نهمین مجلد از دایره المعارف میزان الحکمه به شمار می رود، گامی است فراسوی همین هدف؛ که به بیان مبانی تفکر توسعه اقتصادی، با اسلوبی نو و بر پایه متون کتاب و سنت می پردازد.

در پایان، چکیده روش خود در این تحقیق را بیان می‌کنیم: ۱. از نگاه ما احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام در واقع، حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در تصریح به این مطلب، امام رضا علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ**. (۱) ما (اهل بیت)، از خدا و پیامبرش حدیث می‌کنیم. و نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **حَدِيثُ أَبِي، وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ، وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ**. (۲) حدیث من حدیث پدرم، و حدیث پدرم حدیث جدّم، و حدیث جدّم حدیث حسین، و حدیث حسین حدیث حسن، و حدیث حسن حدیث امیر المؤمنین، و حدیث امیر المؤمنین حدیث پیامبر خدا، و حدیث پیامبر خدا سخن خداست. از این رو، کلمه «حدیث» در عنوان کتاب، این معنا را می‌رساند که همه احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او مورد استفاده و استناد کتاب قرار گرفته است. ۲. در حد توان کوشیده ایم که روایات مختلف مربوط به یک موضوع، از مصادر روایی شیعی و سنی، پس از فیش برداری مستقیم، با کمک گرفتن از نرم افزارهای رایانه ای گرد آید و سپس، جامع ترین، استوارترین و کهن ترین مصدر گزینش شود، و ادعیه غیر مستند به معصومین جز در مواردی معدود مورد استفاده قرار نگرفته است. ۳. از تکرار روایات پرهیز شده است؛ مگر در موارد ذیل: هر گاه نکته ای مهم در الفاظ و اصطلاحات مورد اختلاف نهفته باشد. هر گاه میان متون شیعی و سنی تفاوتی به چشم آید. هر گاه متن روایت از آن دو باب باشد مشروط به این که از یک سطر درنگذرد. ۴. آن گاه که متنهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان نقل شده باشد، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در متن می‌آید و آدرس روایت سایر معصومان در پاورقی مگر اینکه روایت منقول از سایر معصومان علیهم السلام جاوی نکته جدیدی هم باشد که در این صورت متن آن روایت هم اخذ شده است. ۵. پس از ذکر آیات در هر موضوع، روایات به ترتیب معصومان علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آلهتا

۱- رجال الکشی: ۲ / ۴۹۰ / ۴۰۱ از یونس بن عبدالرحمان، بحار الأنوار: ۲ / ۲۵۰ / ۶۲.

۲- الکافی: ۱ / ۵۳ / ۱۴، منیه المرید: ۳۷۳ هر دو از هشام بن سالم و حمّاد بن عثمان و جز آنان، الإرشاد: ۲ / ۱۸۶، بحار الأنوار: ۲ / ۱۷۹ / ۲۸. نیز، ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث: ۱ / ۲۶۱ (حدیث آنها همان حدیث پیامبر خداست).

امام دوازدهم، نقل می‌گردد؛ مگر آنکه روایتی در تفسیر آیه وارد شده باشد که بر تمامی روایات، مقدم می‌شود و یا آنکه تناسب موضوعی روایات، این ترتیب را بر هم زند . ۶. در ابتدای روایات، فقط نام رسول خدا و دیگر معصومان ذکر می‌شود؛ مگر آنکه راوی، ناقل فعل معصوم باشد یا سؤال و جوابی در میان باشد، و یا آنکه راوی، لفظی را در متن آورده که سخن مروی عنه نیست . ۷. با توجه به تعدد اسامی معصومان علیهم السلام نام واحدی برای آنها انتخاب شده که در ابتدای روایت ذکر می‌شود . ۸. مصادر روایات، در پاورقی و به ترتیب معتبرترین مصدر، تنظیم شده است . البته گاهی به خاطر پرهیز از تکرار ذکر اختلاف مصادر و نیز برای عدم تکرار راوی یا مروی عنه، این ترتیب در غیر مصدر اول رعایت نشده است که بر اهل تحقیق پوشیده نیست . ۹. در صورتی که دسترسی به منابع اولیه، ممکن باشد، حدیث از مصادر اولیه نقل می‌گردد؛ مگر نشانی بحار الأنوار در احادیث شیعه و کنز العمال در احادیث اهل سنت که در پایان نشانی آن خواهد آمد . ۱۰. پس از ذکر مصادر، گاه ارجاعاتی به برخی از منابع با تعبیر «انظر» داده شده است. در چنین مواردی، متن مورد نظر، تفاوت فاحشی با متن اخذ شده داشته است . ۱۱. ارجاعاتی که به ابواب دیگر این کتاب داده شده، به جهت تناسب محتوایی میان روایات آنهاست . ۱۲. در آمد، توضیحات و جمع بندی هایی در پایان برخی فصول و ابواب ذکر شده که چشم انداز کلی روایات کتاب و باب، و گاه حل پاره ای از دشواری های موجود در احادیث را نشان می دهد . ۱۳. و مهم ترین نکته اینکه تلاش شده حتی المقدور از طریق تأیید مضمون

احادیث باب، به وسیله قرائن عقلی و نقلی، تحصیلِ نوعی وثوق به صدور مجموعه آنها امکان پذیر باشد. در پایان، سپاس فراوان خویش را از همه برادران گرانقدری که در فراهم آوری این اثر ارزشمند سهم داشتند، ابراز می داریم؛ به ویژه برادر فاضل و بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین سید رضا حسینی که در انجام این مهم سهم بسیار داشته است. خداوند بهترین پاداش هر دو سرای را به همه ایشان عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین. ۱۴ صفر الخیر ۱۴۲۲ ۱۸ اردی بهشت ۱۳۸۰

محمّدی ری شهری

پیش درآمد هَمَّیت «توسعه اقتصادی» و نقش بارز آن در بنا نهادن جامعه ای آرمانی ، در شمارِ مسلّماتِ کتاب و سنّت است . جست و جو در متون اسلامی در این زمینه ، نشان می دهد که اسلام در پرداختن به مسائل و مباحث مربوط به توسعه اقتصادی ، از همه مذاهب و مکاتب دیگر پیشی گرفته است . در دیدگاه اسلامی ، توسعه اقتصادی برای جامعه ، دستاوردِ برنامه های اسلام در اجرای احکام الهی و جامه عمل پوشاندن به تعالیم آسمانی است . (۱) نیز در این دیدگاه ، جامعه انسانی هر گاه فرصت یابد تا دین خدا را به شیوه ای درست در زمین جاری سازد ، شاهد شکوفایی اقتصادی بیش از آن چه در تصوّرش گنجد خواهد بود ؛ و چنین روزی بی شک خواهد آمد (۲) . اسلام ، پدیده ثروتمندیِ جامعه را از نعمت های خداوند برای انسان قلمداد می کند و مردم را برمی انگیزد که این نعمت را پاس دارند و نیز از ایشان می خواهد که ثروت را در مسیری که به تکامل آنان بینجامد ، به کار گیرند (۳) . در این نظرگاه ، ثروت بهترین یاورِ تقوا و خودسازی است که رادمردی را

۱- .بنگرید به: ص ۳۷ (خوشبختی دنیا و آخرت).

۲- .بنگرید به: ص ۱۲۵ (توسعه نوید داده شده در اسلام).

۳- .بنگرید به: ص ۵۳ (ثروتمندی جامعه ، از نعمت های خدا است).

آشکار می سازد؛ کاستی ها و عیب ها را می پوشاند؛ آرامش و ثبات درون را در پی می آورد؛ پاداش کسی را که از آن به نیکی و درستی بهره برد، افزون می کند؛ و در یک کلام، مایه پایداری دین و دنیا است (۱). در این رهگذار، قرآن کریم مردم را برمی انگیزد که با کار و تلاش پیوسته، زمین را آباد کنند و از ایشان می خواهد که موهبت ها و برکت های زمین را آن سان که برای زندگانی ابدی شان سودمند افتد، به کار گیرند. پیشوایان و راهبران بزرگ اسلام، پیشگامان عرصه توسعه اقتصادی بودند. ایشان را می نگری که همت هاشان را در تلاش سختکوشانه و پیوسته صرف می کنند و از پروردگار خویش خاضعانه می خواهند که از فقر نجاتشان بخشد و از تنگنای اقتصادی دورشان دارد (۲). در جانب دیگر این دیدگاه، می نگریم که اسلام، واپس ماندگی اقتصادی را نکوهش می کند و آن را از گونه های بلا و مصیبت و نیز از مجازات های خداوند و نشانه خشم او و ناخشنودی اش از جامعه، می شمارد (۳). در آینه اسلام، فقر سزاوار نکوهش است و همه نیروهای ویرانگری و تباه سازی در آن گرد آمده؛ هم عامل نادانی است و هم زمینه ساز بدرفتاری؛ ریشه انواع فساد و تباهی است که ناآرامی های روحی و جسمی در سطوح فردی و اجتماعی از آن زاییده می شود. بدین سان، فقر تهدیدی جدی برای ارزش های جامعه دینی است که ثبات آن را از میان می برد، همانند طوفانی که در روزی بادخیز، علف های خشک را به هوا پراکند (۴). آیا در بیان مفسده های فقر، کلامی رساتر از احادیث شریف، از جمله

۱- بنگرید به: ص ۶۹ (برکت های پیشرفت اقتصادی).

۲- بنگرید به: ص ۱۹۷ (روش پیامبران و جانشینانشان در روزی جُستن).

۳- بنگرید به: ص ۹۱ (فقر جامعه، از مجازات های خداوند است).

۴- بنگرید به: ص ۱۱۳ (زیان های واپس ماندگی اقتصادی).

پایه های توسعه اقتصادی در اسلام

گفتارهای رسول امین صلی الله علیه و آله یافت می شود، همچون: «نزدیک است که فقر به کفر بینجامد»؟ احادیث با این مضمون بسیارند و در مجموع، بر این حقیقت دلالت می کنند که هر کس نیازمندی های زندگی مادی اش را برطرف نکند و از پس تأمین دنیای خویش برنیاید، زندگانی معنوی اش را نیز از کف می دهد و جهان آخرتش را هم تأمین نمی کند (۱). این در حالی است که راهبران این دین و امامان پاک، مردم را از بلای بزرگ فقر برحذر می داشتند و به ایشان تأکید می کردند که در ورطه واپس ماندگی اقتصادی نیفتند؛ و خود، از مصیبت فقر به خداوند پناه می بردند و از آن بزرگ برتری می جستند (۲).

پایه های توسعه اقتصادی در اسلامدانش، برنامه ریزی، کار، بازار، مصرف، و دولت شش پایه توسعه اقتصادی اند و هر یک، جایگاهی در خور و نقشی مهم در این جهت ایفا می کند (۳).

-
- ۱- در این زمینه، جمله ای معروف یافت می شود: «من لا - معاش له لا - معاد له». این عبارت، گرچه سخن معصوم نیست، مضمونش با روایات مربوط به نکوهش فقر، تأیید می شود.
 - ۲- بنگرید به: ص ۱۰۷ (پناه جستن از فقر).

ص: ١٥

..

۱. دانش

۲. برنامه ریزی

کلمات پیشوایان این دین، آکنده از آموزش های پربار و سهمی گرانسنگ در باب این ارکان و نقش آن ها است که تفصیل آن در دفتر دوم این کتاب خواهد آمد. تا آن هنگام، اکنون اشاره ای کوتاه به هر یک از این ارکان و اصول داریم:

۱. دانش امروز، بیش از هر زمان دیگر، آشکار شده که علم نقش اول را در رشد اقتصادی ایفا می کند. در این حقیقت هرگز نمی توان تردید کرد، حال آن که اسلام پیش از چهارده قرن قبل، آن را اعلان کرده بود: «خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ، وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ (۱)؛ خیر دنیا و آخرت، با علم تأمین می شود؛ و شر دنیا و آخرت آمیخته جهل است».

۲. برنامه ریزیافزون بر دانش، اسلام بر برنامه ریزی و نقش برجسته آن در رشد اقتصادی تأکید ورزیده است. از نظرگاه اسلام، مدیریت توانمند اگر با برنامه ریزی و طراحی صحیح همراه گردد، می تواند فقر را از جامعه ریشه کن سازد: «لَا فَقْرَ مَعَ حُسْنِ تَدْبِيرٍ (۲)؛

۱- بنگرید به: ح ۲۴۵ و ۲۵۴.

۲- بنگرید به: ح ۲۶۷.

۳. کار

اگر تدبیر نیکو باشد، فقر وجود نخواهد داشت». چهره مقابل این حقیقت نیز صادق است؛ یعنی با برنامه ریزی نادرست، نمی توان توسعه اقتصادی را انتظار داشت؛ زیرا برنامه ریزی نادرست اقتصادی پیشاپیش عوامل اصلی بروز واپس ماندگی اقتصادی خودنمایی می کند: «سوءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ (۱)؛ برنامه ریزی نادرست، کلید فقر است».

۳. کار دانش و برنامه ریزی، دو عنصری هستند که با کار به ثمر می نشینند و نتیجه مطلوب از آن دو برآورده می شود. به همین دلیل، اسلام بر عامل کار در چهارچوب توسعه اقتصادی، بسیار تأکید ورزیده، به ویژه در فعالیت های تولیدی، و به طور اخص در کشاورزی، دامپروری، و صنعت. در فرهنگ اسلامی، کار جایگاهی والا دارد، تا آن جا که رسول خدا دست کارپیشه را گرفت و آن را بوسید و فرمود: «هَذِهِ يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ أَبَدًا (۲)؛ این، دستی است که هرگز آتش به آن نمی رسد». نزد قلّه های رفیع که پیامبران بزرگ خدا و جانشینان ارجمندشان در رأس آنهاست، کار عبادت محسوب می شود و آنان، خود، پیشگامان تلاش های تولیدی بوده اند. این برگزیدگان، جامعه را از تبلی، سستی، و مسؤولیت ناپذیری برحذر می داشتند و یادآور می شدند که خداوند سبحان، کار را در نظام آفرینش، وسیله ای برای تأمین نیازهای اقتصادی جامعه قرار داده، تا آن جا که

۱- بنگرید به: ح ۲۸۵.

۲- بنگرید به: ح ۳۲۷.

۴. بازار

۵. مصرف

۶. دولت

بدون آن ، دعا نیز سودی ندارد (۱).

۴. بازاربخشی مهم از مباحث مرتبط با توسعه اقتصادی در روایات اسلامی ، مربوط به فعالیت های بازار است . حتی از پیامبر گرامی روایت شده است: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ (۲) ؛ نُهْ دَهْمِ رَوْزِي دَر بَازَرِگَانِي است» (۳). افزون بر بیان اهمیت بازارگانی و نقش برجسته آن در شکوفایی اقتصادی ، در فصل چهارم از دفتر دوم این کتاب به ذکر آموزش ها و ضوابط و احکام استواری خواهیم پرداخت که در زمینه تنظیم بازار و بهره گیری درست از فعالیت های آن مؤثر هستند .

۵. مصرف چند سرانه در آمد داخلی افزایش یابد ، اگر مصرف درست تحقق نیابد ، توسعه مطلوب حاصل نخواهد شد . این مبحث و مباحث مرتبط با آن ، موضوع فصل پنجم از دفتر دوم است که به بیان الگوی مصرف در نظرگاه اسلام می پردازد . از بارزترین این نکات ، لزوم توازن میان درآمد و مصرف ؛ مصرف به قدر نیاز ؛ رعایت اعتدال در مصرف و دوری از افراط و تفریط ؛ و دوری جستن از اسراف و سختگیری است ۴ .

۶. دولتمسؤولیت های اصلی در ایجاد و تقویت مراکز پژوهشی علمی ؛ پدید آوری

۱- بنگرید به: ص ۲۱۵ (بر حذر داشتن از سستی در کار).

۲- بنگرید به : ح ۴۹۴ .

۳- بنگرید به: ص ۳۳۹ (مصرف).

۱. تعریف توسعه

یک. توسعه در ادبیات اقتصادی

مدیریت‌های توانمند اقتصادی؛ فراهم آوردن کار؛ تنظیم فعالیت‌های بازار؛ و گسترش الگوی سالم مصرف، بر دوش دولت است. دولت باید از رهگذر وضع و اجرای قانون‌های مناسب، نظارت دقیق بر کار بخش خصوصی، و دخالت مستقیم در موارد ضرور، زمینه مناسب برای رشد اقتصادی را فراهم سازد؛ همان‌گونه که مردم نیز وظیفه دارند در همه این موارد، یار و پشتیبان دولت باشند (۱). این اصول که از آن‌ها به مثابه ارکان توسعه اقتصادی در اسلام یاد شد، در حقیقت، اصول عام توسعه در همه مکتب‌ها و رویکردها هستند و کسی را نمی‌توان یافت که نقش این ارکان در توسعه اقتصادی را انکار کند. البته آن‌چه ممکن است محل بحث باشد، میزان نقش و تأثیر این اصول و ارکان شش‌گانه در مسیر توسعه و افق حرکت آن‌ها، براساس تعریف و هدف فرض شده برای توسعه، است. البته اسلام، ضمن باور داشتن این ارکان برای توسعه اقتصادی، به آن‌ها اکتفا نمی‌ورزد و در جهان بینی خاص خود و تعریف ویژه‌اش برای توسعه و اهداف آن، ارکان دیگری را نیز به آن‌ها می‌افزاید و تحقق پایه‌های دیگری را هم ضرور می‌شمارد. در عین حال، آنچه مهم‌تر است، لزوم برطرف کردن موانع و درمان آفت‌های دستیابی به توسعه اقتصادی است. به همین منظور و بر این پایه، مهم‌ترین بحث ما در این پیش درآمد

۱- توجه به دولت به مثابه یکی از ارکان عملی توسعه اقتصادی، به معنای نادیده گرفتن نقش مردم نیست؛ بلکه از بررسی متون این مجموعه درباره پنج رکن دیگر توسعه، روشن می‌شود که اسلام، برای مردم، و به طور خاص «بخش خصوصی»، نقش اساسی در توسعه اقتصادی قائل است. در کنار این، اسلام بر آن است که تحقق اهداف رشد اقتصادی، از طریق شکوفایی استعدادهای فطری انسان و بروز توانمندی‌های درونی او حاصل می‌گردد. از این رو، اسلام همه فعالیت‌های اقتصادی مطلوب بخش خصوصی را به خود مردم واگذار کرده، مشروط به این که منجر به زیان‌هایی نشود که ناشی از انحصار این فعالیت‌ها در دست بخش خصوصی است.

و بلکه در این کتاب ، آن است که نظرگاه خاصّ اسلام در باب ویژگی های توسعه اقتصادی را دریابیم ، بدان امید که تبیین این نظرگاه در آشکار سازی افق های اقتصاد اسلامی مؤثر افتد و مقدمه ای در تدوین «نظام اقتصاد اسلامی» باشد .

ویژگی های توسعه اقتصادی در اسلام

ویژگی های توسعه اقتصادی در اسلام ۱. تعریف توسعه‌ییک. توسعه در ادبیات اقتصادیات دهه چهل میلادی به این سو ، «توسعه» به صورت اصطلاحی اقتصادی رواج یافته است . در آغاز ، توسعه را مترادف «رشد تولید ناخالص داخلی» می دانستند (۱) ؛ اما با گذشت یک دهه ، تجربه کشورهای که برای تحقق توسعه ، راه افزایش تولید ناخالص داخلی را پیموده بودند ، نشان داد که توسعه تنها پدیده ای اقتصادی نیست ، بلکه حالتی است که ابعاد دیگر نیز دارد ؛ ابعادی همچون توسعه سیاسی ، توسعه اجتماعی ، و مانند آن ها (۲) . با گذشت زمان ، مفهوم توسعه دارای ابعاد گوناگون و گسترده ای شد ، به گونه ای که امروز شامل توسعه محیط و توسعه انسانی نیز می شود . به موازات این تحوّل مفهومی ، معیارهای توسعه نیز شاهد تحوّل و تکامل شد ، به حدّی که در زمان ما تا دویست شاخصه برای آن برشمرده اند که مهم تر آن ها عبارت است

-
- ۱- .ولفگانگ زاكس : نگاهی نو به مفاهیم توسعه ، ترجمه فریده فرحی و وحید بزرگی ، ص ۲۲.
 - ۲- .در یکی از گزارش های سازمان ملل متحد ، توسعه به این صورت تعریف شده است: «توسعه عبارت است از رشد ، افزون بر تغییر . تغییر تنها شامل جنبه اقتصادی و عددی نیست ، بلکه ابعاد اجتماعی ، فرهنگی ، و کیفی را نیز شامل می شود. نکته اساسی در این میان ، آن است که کیفیت زندگی انسانی بهبود یابد (همان ، ص ۲۴).

دو . توسعه در اسلام

از: نرخ درآمد ناخالص داخلی، سرانه آموزش، نسبت اشتغال، امیدواری به زندگی، توزیع درآمد، تعداد پزشکان و پرستاران و مجموعه های درمانی و خدمات بهداشتی برای هر نفر، امکان دستیابی به آب آشامیدنی سالم، و عواملی از این قبیل.

دو. توسعه در اسلام از زیبایی تعریف رایج توسعه نشان می دهد که این تعریف مبتنی بر نگرش مادی به حیات است. آن چه انسان معاصر از توسعه می فهمد، از پیشرفت و رفاه مادی و از مرزهای این دنیا فراتر نمی رود. بر پایه این نگرش و جهان بینی، توسعه با همه شاخصه هایش، از دایره رفاه مادی در نمی گذرد. اقیانوس جهان بینی اسلامی، وضع فرق می کند. در چهارچوب بینش اسلامی، انسان موجودی است که از جسم و روح ترکیب یافته و افزون بر نیازهای مادی، خواست های معنوی نیز دارد؛ پس زندگی وی در میان دیوارهای این دنیا محدود نمی شود، بلکه او موجودی است ابدی که مراحل حیاتش متفاوت هستند. اسلام، ذاتا، شیوه ای برای توسعه و تکامل؛ برنامه ای برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان؛ و طرحنامه ای جهت برآوردن خواسته های دنیایی و آخرتی او است، به گونه ای که از رهگذر آن، انسانیت بتواند به جایگاه نمونه و سعادت مندانه حیات بشری ارتقا یابد، همان سان که امام امیرالمؤمنین علیه السلام آفاق آن را رسم فرموده و در این چشم انداز به تصویر کشیده است: «اعلموا عباد الله، انّ المتقين ذهبوا بعاجل الدنيا و آجل الآخرة، فشاركوا أهل الدنيا في دنياهم، ولم يشاركوا أهل الدنيا في آخرتهم؛ سيكنوا الدنيا بأفضل ما سيكنت، وأكلوها بأفضل ما أكلت، فحظوا من الدنيا بما حظى به المترفون، وأخذوا منها ما أخذته الجبابرة»

الْمُتَكَبِّرُونَ ، ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَالْمَتَجَرِّ الزَّابِحِ (۱)؛ ای بندگان خدا! بدانید که تقوای پیشگان هم در این دنیای زودگذر و هم در جهان آینده آخرت سود برند. با اهل دنیا در دنیاتان شریک شدند، در حالی که اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. در دنیا در بهترین مسکن ها سکنا گزیدند و از بهترین خوراکی ها تناول کردند. از دنیا بهره بردند آن سان که اهل ناز و نعمت بهره مند شدند؛ و از آن کامیاب گشتند، آن چنان که گردنکشان خودکامه کام گرفتند. آن گاه، با رهتوشه ای که آنان را به مقصد رساند و با تجارتي سودبخش، از این دنیا گذشتند». در نگاه اسلام، جهان بینی مادی نمی تواند به نیازهای واقعی انسان پاسخ گوید، هر چند که صدها شاخص دیگر را به شاخص های توسعه بیفزاید؛ این نوع نگرش قادر نیست جامعه انسانی را به قلّه مطلوبش رهنمون گردد. بشریت برای دستیابی به توسعه همه جانبه، راهی ندارد جز آن که شیوه خدایی دین را پی گیرد که بر پایه شناخت واقعی انسان و درک نیازهای فطری او استوار است. در پرتو این نگرش، ویژگی نخست توسعه اسلامی، فراگیری و شمول آن در دایره همه ابعاد حیات است. دیگر اجزای این بنا نیز بر همین پایه استوارند و بازگشت دیگر ویژگی های توسعه اسلامی نیز به همین ویژگی است. به همان اندازه که در ادبیات اقتصادی معاصر، توسعه دارای مفهومی محدود است و میان دیوارهای نیازهای مادی انسان جای می گیرد، در جهان بینی اسلامی، افقی گسترده دارد و با نیازهای فراگیر و نامحدود انسان سازگار است.

۲. هدف توسعه

۲. هدف توسعه‌رگانه توسعه را در چهارچوب تعریف متداول ارزیابی کنیم، درمی یابیم که هدف اسلام از توسعه اقتصادی با هدف توسعه در نگرش مادی متفاوت است. در منظومه تمدن مادی، توسعه مادی الگویی است ایده آل و نهایی مطلوب که انسان در جست و جوی آن است. بر پایه این تصور و با بهره گیری از دستگاه های عظیم تبلیغاتی، کشورهای پیشرفته از رهگذر توسعه اقتصادی، توانسته اند این گونه وانمود کنند که الگوی زندگی و شیوه انسانی آنان، از دیگر ملت ها برتر و با معیارهای بشری سازگارتر است. وقتی همه امور در یک چیز به نام هدف تمرکز می یابد، طبیعی است که آن هدف مرکز ثقل همه ارزش ها و آرمان ها گردد و مرکزی شود برای جذب همه تلاش ها و رویکردها. این، همان جایگاهی است که توسعه اقتصادی در عصر جدید یافته است. در سال های پس از جنگ دوم جهانی که گفت و گوی جدی درباره دو مقوله پیشرفت و واپس ماندگی پیش آمد، مجموعه کشورهای جهان سوم به سوی توسعه اقتصادی جهان غرب به مثابه الگوی عالی و چهارچوب نمونه و مطلوب روی آوردند، در آن مرحله، این رویکرد به قالبی فکری تبدیل شد که افکار بسیاری از متفکران جهان سوم را به محور توسعه اقتصادی و ضرورت ایجاد تحول در دو زمینه فرهنگی و اجتماعی به منظور دستیابی به رشد اقتصادی، سوق داد (۱).

۱- البته بسیاری از متفکران کشورهای پیشرفته دریافته اند که این فرهنگ عقیم است، زیرا زیان های عظیم انسانی و محیطی را که نتیجه فرهنگ مادی و غلبه رشد اقتصادی است، لمس کرده اند. با این حال، همین شیوه تفکر همچنان فضای فکری پیشینه کشورهای واپس مانده را انباشته و بر آن ها سیطره یافته است.

۳. نظام های توسعه و راهبردهای آن ها

اما در تمدن اسلامی، توسعه اقتصادی هدف برتر نیست. در این تمدن، هدف آن است که همه استعداد های انسانی شکوفا گردد و نهفته های او هویدا شود تا به سوی کمال مطلق راه برسد و به سعادت ابدی و پایدار دست یابد. توسعه اقتصادی، تنها مقدمه ای برای رسیدن به همین هدف است. با همین رویکرد است که اسلام، جامعه انسانی را نیازمند تحقق رفاه فراگیر و ارتقا یافتن به کمال مطلق می داند تا در کنار شاخصه های مادی و دنیایی، همچون درآمد ناخالص ملی، سرانه آموزش، دستیابی به امکانات گوناگون زندگی، آزادی انتخاب، مشارکت سیاسی، و همانند آن ها، به ضرورت های دیگر که در رشد و ارتقای شاخصه های معنوی، همچون ایمان و اخلاق و اعمال صالح متجلی می شوند، نیز عنایت ورزد.

۳. نظام های توسعه و راهبردهای آن ها همه می دانیم که نظام های توسعه در جهان معاصر و راهبردهای آن ها، به دو طرز تفکر سرمایه داری و سوسیالیسم باز می گردند. مکتب سرمایه داری بر آن است که برقراری نظام بازار، برترین طریق دستیابی به این هدف است، در حالی که سوسیالیسم تصمیمات خود در این زمینه را بر مبنای شیوه برنامه ریزی مرکزی پایه نهاده و از این رو، نظام اقتصاد دولتی را ترجیح داده است. بدین گونه، نمی توان از اجماع دانشوران و کارشناسان اقتصادی در زمینه نظام های توسعه اقتصادی و راهبردهای آن ها سخن گفت (۱).

۱- اقتصاددانان، به حسب وابستگی فکری و گرایش خود به یکی از این دو نظام موجود، به راه حل های گوناگونی روی آورده اند. دیدگاهی که مشکل اصلی را کمبود منابع و سرمایه گذاری می داند و هدف را افزایش درآمد ملی می شمارد، پناه بردن به سیستم های مالی، اقتصاد آزاد، صنعتی سازی، و همانند آن ها را پیشنهاد می کند. در برابر، دیدگاهی که فقر و تبعیض و نبود عدالت در توزیع را مشکلات اصلی اقتصادی برمی شمارد، راهبردهای دیگری را برمی گزیند؛ همچون: بازنگری در توزیع درآمد و توجه به خواست های اصلی. بدین سان، به حسب خاستگاه های فکری، گزینه ها و اولویت گذاری های این دو گروه نیز متفاوت هستند.

یک . نقش ارزش های معنوی در توسعه اقتصادی

مسلم است که اسلام دستاوردهای فکری اقتصاددانان معاصر را که مبتنی بر یکی از دو طرز تفکر حاکم ، سرمایه داری و سوسیالیسم ، است ، نه به طور مطلق رد می کند و نه مطلقاً می پذیرد . هرگز چنین نیست ؛ کارشناسان اقتصاد اسلامی وظیفه دارند نکات مثبت هر یک از این دو نظام را اقتباس کنند و عناصر منفی آن ها را کنار نهند تا به برنامه ای رسند که نظام اسلامی برای توسعه و راهبردهای آن را نشان دهد ، مشروط به این که برنامه ریزی مذکور در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام و برخاسته از رویکرد اقتصادی در اسلام باشد . اگر این برنامه ریزی سامان یابد ، گامی بس بزرگ برداشته می شود که خدمتی است سترگ به جامعه اسلامی و به طور واقعی سبب ترویج فرهنگ اسلامی در سطح جهان می شود . در پرتو آموزه های اسلامی ، این نظام و راهبردهایش دارای سه ویژگی هستند:

یک . نقش ارزش های معنوی در توسعه اقتصادی از بیان هر گونه توضیح درباره نقش امور معنوی در توسعه اقتصادی ، اشاره به این نکته ضرورت دارد که در چهارچوب جهان بینی اسلامی ، اعتقاد به تأثیر معنویات در اقتصاد ، مترادف با نفی سبب های مادی نیست و از نقش این سبب ها در اقتصاد نمی کاهد . مقصود آن است که اسلام ، افزون بر عوامل مادی مؤثر در توسعه ، به عواملی دیگر نیز ایمان دارد که در توسعه مؤثرند ، اما ناشناخته مانده اند .

به بیان دیگر، اسلام این شش رکن توسعه اقتصادی را باور دارد: دانش، مدیریت، کار، تنظیم بازار، اتکا به الگوی مصرف صحیح و مناسب، و برنامه ریزی هدفمند و درست دولت؛ همچنین اسلام اعتقاد دارد که باید تلاش کرد تا درآمد ناخالص ملی افزایش یابد و سطح فنی تولید بالا-رود؛ نیز تنظیم برنامه هایی برای کاستن از میزان فقر و تعدیل ثروت در جامعه را ترغیب می کند. با ای ۱ ن همه، اسلام معتقد است که باورهای درست دینی، اخلاق نیکو، و اعمال صالح نیز در توسعه اقتصادی نقش دارند. (۱) این همان مفهوم حقیقی قائل بودن به نقش ایمان و معنویات در اقتصاد از دیدگاه اسلام است که هرگز مرادف با نادیده انگاشتن عوامل مادی و طبیعی نیست. قرآن به همین حقیقت اشاره دارد و تصریح می کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَ الْأَرْضِ». «و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، هر آینه برکت ها از

دو . تکامل معنوی از درون توسعه مادی

آسمان و زمین بر آنان می گشادیم.» (۱) «اسْتَتَفَرُّوْا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا.» «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را به مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد.» (۲) افزون بر آنچه گفته شد ، از دیدگاه جهان بینی اسلامی ، پایه های توسعه سازنده و پایدار در جامعه استوار نخواهد شد ، مگر آن گاه که با ارزش های اعتقادی و اخلاقی و علمی همراه گردد . در غیر این صورت ، آفات توسعه ، جامعه را به لرزه در آورده ، ارکان آن را آسیب خواهد زد . (۳)

دو . تکامل معنوی از درون توسعه مادی نکته دیگر که بسیار اهمیت دارد ، آن است که در دیدگاه اسلامی ، نه تنها ارزش های معنوی بر جریان توسعه اقتصادی اثر می نهند ، بلکه عکس آن نیز صادق است . از لحاظ اصولی ، در روشمندی اسلامی تکامل انسان و اجتماع ، هیچگونه جدایی میان تکامل معنوی و توسعه اقتصادی وجود ندارد ؛ بلکه توسعه مادی از بطن تکامل معنوی شکوفا می گردد و خط سیر تکامل معنوی نیز از میانه توسعه مادی عبور می کند . قرآن کریم تأکید می کند که هرگاه ایمان در جامعه استقرار یابد و ارکانش استوار گردد ، برکت ها بر انسان فرو می بارد و زمین سرچشمه نعمت می شود تا

۱- .سوره اعراف ، آیه ۹۶.

۲- .سوره نوح ، آیه ۱۰ ۱۲.

۳- .بنگرید به: ص ۸۶۱ (آفت های توسعه).

آن گاه که وجود انسان از خیر سرشار می گردد و جامعه در رفاه و آسایش اقتصادی افزون بر تصور، به سر می برد. متون اسلامی آکنده از گفتار درباره نقش مثبت خصلت های پسندیده (۱) و عواملی همچون آمرزش خواهی، نماز، حج، و دعا (۲) در ایجاد رفاه مادی و برقراری توسعه اقتصادی اند، در حالی که این امور در دایره ارزش های معنوی جای دارند. از دیگر سو، می نگریم که اسلام رفاه اقتصادی را یاورِ تقوا و افزایشِ اجر معنوی می داند؛ همان گونه که از این منظر، رفاه اقتصادی می تواند زمینه شکوفایی و بالندگی ارزش های والای انسانی باشد. (۳) از این جهت است که اسلام ارزشی بالا برای فعالیت سالم اقتصادی قائل است، تا آن جا که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ، تِسْعُهُ أَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ (۴)؛ عبادت ده بخش است؛ نه بخش آن، جستن روزی حلال است». این سخن، از حقیقتی پرده برمی دارد که آشکارا می گوید: هرگاه اهداف اقتصادی در مسیری صحیح تنظیم گردند و سازندگی انسان را نشانه روند، اهداف معنوی او هم تا حدی بالا تأمین می گردند. از همین اشاره که به نقش ارزش ها در توسعه شد، می توان دریافت که نبود ارزش ها، در واپس ماندگی و دست نیافتن به توسعه نقشی سلبی دارد. در کوتاه سخن، از منظر اسلام، عواملی علاوه بر موانع و دشواری های مادی، به عقب ماندگی می انجامند. باورهای نادرست، اخلاق ناسالم، و اعمال ناشایست

۱- بنگرید به: ص ۶۲۷ (اصول اخلاقی).

۲- بنگرید به: ص ۶۷۵ (اصول عبادی).

۳- بنگرید به: ص ۶۹ (برکت های پیشرفت اقتصادی).

۴- بنگرید به: ح ۴۵۲.

سه . تأمین نیازهای اصلی نیازمندان

بخش های چهارم و پنجم این کتاب به همین مبحث خواهند پرداخت در مجموع عوامل عقب ماندگی و آفت دستیابی به توسعه اند . پس همان گونه که توسعه در تکامل معنوی نقش دارد ، عکس آن نیز صادق است و عقب ماندگی احیانا در انحطاط معنوی ریشه دارد .

سه . تأمین نیازهای اصلی نیازمندان اگر جامعه انسانی بتواند روش و برنامه اسلامی در توسعه همه جانبه را عملی کند ، فقر از اجتماع بشری رخت بر می بندد و ریشه کن می شود . این همان تصویر تابناکی است که پیشوایان و رهبران اسلام در سایه توسعه نوید داده شده ، برای روزی از روزهای بشر ترسیم کرده اند . آری ؛ در اجتماع موعود اسلامی ، انسان در جست و جوی نیازمندی برمی آید تا به وی کمک کند ، اما او را نمی یابد . (۱) اما ضمن انتظار کشیدن برای رسیدن جامعه به چنان سطحی ، یکی از اهداف اقتصاد اسلامی ، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و محتاجان است ، به گونه ای که از طریق آن ، هر یک از افراد جامعه به زندگی کرامت مندانه ای دست یابد . این مهم ، نه تنها یکی از اهداف اقتصادی است ، بلکه از عناصر اصلی در فرایند توسعه به شمار می آید . در دیدگاه اسلامی ، اگر مردم به ادای حقوق مالی خود پردازند ، (۲) نیاز همه نیازمندان تأمین می شود ، تا آن جا که دیگر فقیری باقی نمی ماند . امام صادق علیه السلام به همین مطلب اشاره فرموده است: «لَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتاج أَحَدٌ (۳) ؛

۱- بنگرید به : ص ۱۲۵ (توسعه نوید داده شده در اسلام).

۲- بنگرید به : ص ۶۰۹ (پرداخت نکردن حقوق و واپس ماندگی)

۳- بنگرید به : ح ۱۳۶۴ .

اگر مردم زکات اموالشان را پردازند ، هیچ کس نیازمند نخواهد بود» . همین حقیقت با مضامینی دیگر در بیان دیگر آن بزرگوار به چشم می خورد: « و إِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا احتاجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ (۱) ؛ همانا مردم به فقر و احتیاج و گرسنگی و برهنگی دچار نشده اند ، مگر از رهگذر گناهان ثروتمندان» . در این میان ، سخنی دیگر از امام امیرالمؤمنین علیه السلام به چشم می خورد که در آن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ ، فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا - بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ ، وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِمَتِكَ (۲) ؛ همانا خداوند سبحان ، خوراک فقیران را در دارایی ثروتمندان واجب فرموده است . پس هیچ فقیری گرسنه نمانده ، مگر به دلیل آن که ثروتمندی از حق او بهره مند شده ؛ و خداوند والا ایشان را بدین جهت بازخواست خواهد کرد» . می توان گفت که این احادیث ، خود ، برگرفته از سخن پیامبرند که فرمود: «لَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ زَكَاهَ الْأَغْنِيَاءِ لَا تَكْفِي الْفُقَرَاءَ لَأَخْرَجَ مِنْ غَيْرِ زَكَاتِهِمْ مَا يُقْوِيهِمْ ، فَإِذَا جَاعَ الْفُقَرَاءُ فَبَطَلَمِ الْأَغْنِيَاءِ لَهُمْ (۳) ؛ اگر خداوند می دانست که زکات ثروتمندان پاسخگوی نیاز فقیران نیست ، از غیر زکات آنان به تأمین نیاز ایشان می پرداخت . پس اگر فقیران گرسنه مانند ، به دلیل ستم ثروتمندان به ایشان است» .

۱- کتاب من لایحضره الفقیه ، ج ۲ ، ص ۴ ، ح ۶.

۲- بنگرید به : ح ۱۰۱۷ .

۳- کنز العمال ، ج ۶ ، ص ۳۱۰ ، ح ۱۵۸۲۴.

در پی ، چند روایت دیگر می آید که دلالت می کند ادای حقوق مالی ، علاوه بر تأمین نیازهای نیازمندان ، ابزار توسعه اقتصادی نیز هست: از رسول خدا روایت شده است: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُثْرِيَ مَالُكَ فَزَكَّهُ (۱)؛ اگر خواستی مالت افزون گردد ، زکات آن را پرداز» . از امام علی علیه السلام نقل شده است: «فَرَضَ اللَّهُ ... وَالزَّكَاةَ تَسْبِيحًا لِلرِّزْقِ (۲)؛ خداوند زکات را واجب فرموده است ... تا زمینه ساز افزایش روزی باشد» . از امام موسی کاظم علیه السلام همچنین روایت کرده اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَضَعَ الزَّكَاةَ قَوْلًا لِلْفُقَرَاءِ ، وَتَوْفِيرًا لِأَمْوَالِكُمْ (۳)؛ همانا خداوند زکات را خوراک فقیران و مایه افزایش دارایی شما قرار داده است» . به عکس ، در اسلام ، تأمین نکردن نیازهای نیازمندان از موانع اساسی در مسیر توسعه اقتصادی و شکوفایی معیشتی تلقی می شود . از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: «إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا (۴)؛ هر گاه مردم زکات نپردازند ، زمین برکت های خود ، همچون کشت و میوه و معدن را ، یکسر ، از ایشان باز می دارد» .

۱- بحار الأنوار ، ج ۸۵ ، ص ۱۶۴ ، ح ۱۲ .

۲- بنگرید به : ح ۱۳۶۰ .

۳- بنگرید به : ح ۱۳۶۵ .

۴- بنگرید به : ح ۱۰۳۱ .

چهار . حفظ توازن محیط

چهار . حفظ توازن محیط در برخی از متون اسلامی ، توسعه اقتصادی در خلال مفاهیمی چون «برکت های آسمان و زمین» (۱) ، «باغ ها و جوی ها» (۲) ، و «آبادانی زمین» (۳) بیان شده است . ممکن است یکی از مدلول های این عبارات آن باشد که حفظ توازن محیط از برجسته ترین ویژگی های فرایند توسعه در اسلام است . در اسلام ، به درختکاری و آباد سازی زمین و کاشت درخت بسیار اهمیت داده شده ، تا آن جا که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت گشته است: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقَوْمَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا (۴) ؛ هر گاه ، یکی از شما را هنگامه قیامت فرا رسد و در دستش قلمه درختی باشد ، اگر برایش ممکن است ، پیش از برخاستن ، باید آن را بکارد» . بدین سان ، در دیدگاه اسلامی ، هر گونه عمل منتهی به تخریب محیط و زیان زنده به تداوم و شکوفایی توسعه و آسیب رسان به سلامت انسان ، در مسیر توسعه و نظام های آن ، مردود شمرده شده است (۵) .

- ۱- «و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند ، هر آینه برکت ها از آسمان و زمین بر آنان می گشادیم» (سوره اعراف ، آیه ۹۶) .
- ۲- «تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را به مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد» (سوره نوح ، آیه ۱۱ و ۱۲) .
- ۳- بنگرید به: دانش نامه امیرالمؤمنین ، ج ۴ ، سیاست های اقتصادی ، ص ۲۱۱: «آبادانی شهرها» .
- ۴- میزان الحکمه ، ج ۶ ، ص ۲۶۷۱ ، ح ۹۱۴۰ ؛ کنز العمال ، ج ۳ ، ص ۸۹۲ ، ح ۹۰۵۶ . نیز بنگرید به: میزان الحکمه ، «شجر زرع» .
- ۵- بر آگاهان و اهل فن پوشیده نیست که ادله این ادعا در همین ها منحصر نیست . برای مثال ، اسلام ، زیاده روی در مصرف منابع طبیعی را مصداق اسراف و ضایع ساختن ثروت دانسته و از آن بسیار نهی فرموده ، همان گونه که هر نوع بهره وری از منابع طبیعی را که به تخریب محیط و آسیب رسانی به سلامت انسان بینجامد ، بر طبق قاعده «لا ضرر» ، ممنوع شمرده است .

بخش یکم: پیشرفت اقتصادی

اشاره

بخش اول: پیشرفت اقتصادی فصل یکم: اهمیت پیشرفت اقتصادی فصل دوم: برکت های پیشرفت اقتصادی فصل سوم: واپس ماندگی اقتصادی فصل چهارم: زیان های واپس ماندگی اقتصادی فصل پنجم: توسعه نوید داده شده در اسلام فصل ششم: ستایش فقر و مفهوم آن

الفصل الأول: أهميته التقدم الاقتصادي ١ / ١ سعادة الدنيا والآخرة الكتاب: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا . (١)»

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ * وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْآءِ نَجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ
إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ . (٢)»

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ . (٣)»

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَ اصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَقَبَةُ لِلْمُتَّقِينَ . (٤)»

١- النساء: ١٣٤ .

٢- المائدة: ٦٥ و ٦٦ .

٣- الأعراف: ٩٦ .

٤- الأعراف: ١٢٨ .

فصل یکم: اهمیت پیشرفت اقتصادی

۱ / ۱ خوشبختی دنیا و آخرت

فصل یکم: اهمیت پیشرفت اقتصادی ۱ / ۱ خوشبختی دنیا و آخرت قرآن: «هر که پاداش این جهان خواهد ، پس [بداند که] پاداش این جهان و آن جهان نزد خداست و خدا شنوا و بینا است.»

«و اگر اهل کتاب ایمان آورند و پرهیزگار شوند ، هر آینه بدی هاشان را از آنها بزداایم و آنان را به بهشت های پر نعمت درآوریم * و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را که از پروردگارشان به سوی ایشان فرود آمده ، برپا می داشتند ، هر آینه از بالای سرشان و از زیر پاشان برخوردار می شدند . از ایشان گروهی میانه روآند و بسیاری از آنان ، آنچه می کنند بد است .»

«و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند ، هر آینه برکت ها از آسمان و زمین بر آنان می گشادیم؛ ولیکن [پیام ها و نشانه های ما را] دروغ شمردند ، پس آنها را به سزای آنچه می کردند ، گرفتار ساختیم.»

«موسی قوم خود را گفت: «از خدا یاری بخواهید و شکیبایی ورزید؛ که زمین از آن خدا است ، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد ، به میراث می دهد ، و سرانجام [نیک] پرهیزگاران را است.»»

«لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . (١)»

«وَيَقَوْمٍ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ . (٢)»

«وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ . (٣)»

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . (٤)»

«وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ . (٥)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: أصلحوا دنياكم ، واعمَلوا لِآخِرَتِكُمْ ؛ فَإِنَّكُمْ تَمُوتُونَ غَدًا . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَسُبُّوا الدُّنْيَا ؛ فَنِعَمَتِ مَطِيئَةُ الْمُؤْمِنِ ؛ فَعَلَيْهَا يَبْلُغُ الْخَيْرَ ، وَبِهَا يَنْجُو مِنَ الشَّرِّ . إِنَّهُ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : لَعَنَ اللَّهُ الدُّنْيَا ، قَالَتِ الدُّنْيَا : لَعَنَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ . (٧)

١- . يونس : ٢٦ .

٢- . هود : ٥٢ .

٣- . النحل : ٣٠ .

٤- . النحل : ٩٧ .

٥- . القصص : ٧٧ .

٦- . الفردوس : ١ / ١٠١ / ٣٣٤ عن أبي هريره .

٧- . أعلام الدين : ٣٣٥ عن أبي موسى الأشعري ، إرشاد القلوب : ١٧٦ عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ٧٧ /

١٧٨ / ١٠ وراجع ربيع الأبرار : ١ / ٦٦ و ٦٧ .

«برای کسانی که نیکویی کردند، [پاداشی] نیکوتر باشد و فزونی ای؛ و رخسارشان را گرد تیره [گناهان] و خواری نبوشاند. اینانند اهل بهشت که در آن جاویدان باشند.»

«و ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ آن گاه، به او بازگردید، تا باران را بر شما پیایی و فراوان فرستد و نیرویی بر نیروتان بیفزاید؛ و بزهکارانه پشت مکنید و روی مگردانید.»

«و به کسانی که پرهیزگاری کردند، گفته شود: «پروردگار شما چه چیز فرستاده است؟» گویند: «خیر را»؛ برای کسانی که نیکی کردند، در این جهان نیکی است و همان سرای واپسین بهتر است و به راستی، نیکو است سرای پرهیزگاران.»

«هر کس، از مرد و زن، که کاری شایسته کند، در حالی که مؤمن باشد، هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم؛ و مزدشان را بر پایه نیکوترین کاری که می کردند، پاداش دهیم.»

«و در آنچه خدا به تو داده است، سرای واپسین را بجوی و بهره خویش را از دنیا فراموش مکن و نیکی کن، چنان که خدا به تو نیکی کرده؛ و در زمین تباہکاری مجوی؛ که خدا تباہکاران را دوست ندارد.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیای خویش را به سامان آورید و برای آخرت خود کار کنید؛ زیرا فردا خواهید مرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا را دشنام مدهید که نیکو مَرکبی است برای مؤمن؛ سوار بر آن به خیر دست می یابد و با آن از شر رهایی می جوید. همانا هر گاه بنده ای بگوید: «خداوند دنیا را لعنت کناد!»، دنیا هم می گوید: «خداوند از میان ما کسی را لعنت کناد که در برابر پروردگارش سرکش تر است.»

عنه صلى الله عليه وآله: نِعِمَّتِ الدُّنْيَا لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا لِأَخْرَجَتْهُ حَتَّى يُرِضِيَ رَبَّهُ عِزًّا وَجَلًّا ، وَبَسَّتِ الدُّنْيَا لِمَنْ صَدَّقَتْهُ عَنْ أَخْرَجَتْهُ ، وَقَصَّرَتْ بِهِ عَنْ رِضَاءِ رَبِّهِ . وَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ : قَبَّحَ اللَّهُ الدُّنْيَا ، قَالَتِ الدُّنْيَا : قَبَّحَ اللَّهُ أَعْصَانَا لِرَبِّهِ . (١)

الأمالى للطوسى عن أبو برده الأسلمى عن أبيه: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَامَ الصُّبْحَ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى يَسْمَعَ أَصْحَابُهُ يَقُولُ : «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي جَعَلْتَهُ لِي عِصْمَةً» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ؛ «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي جَعَلْتَ فِيهَا مَعَاشِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ؛ «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي جَعَلْتَ إِلَيْهَا مَرْجِعِي» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ؛ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَيِّئِ خَطَايَاكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ؛ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، لَا مَنَاعَ لِمَا أُعْطِيَتْ ، وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» . (٢)

الإمام علي عليه السلام فى كتابه إلى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَأَهْلِ مِصْرَ : عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ؛ فَإِنَّهَا تَجْمَعُ مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يَجْمَعُ غَيْرُهَا ، وَيُدْرِكُ بِهَا مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُ بِغَيْرِهَا ؛ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَخَيْرِ الْآخِرَةِ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ قَالَُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنَعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ . (٣) » اَعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ ، أَنَّ الْمُؤْمِنَ يَعْمَلُ لثَلَاثٍ مِنَ الثَّوَابِ : إِمَّا لِخَيْرِ (الدُّنْيَا) فَإِنَّ اللَّهَ يُثَبِّتُهُ بِعَمَلِهِ فِي دُنْيَاةٍ ؛ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِإِبْرَاهِيمَ : « وَ آتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ، (٤) » فَمَنْ عَمِلَ لِلَّهِ تَعَالَى أَعْطَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، وَ كَفَاهُ الْمَهْمَ فِيهِمَا . وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « يَعْبادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ إِنَّمَا يُؤَفِّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ، (٥) » فَمَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِبْهُمْ بِهِ فِي الْآخِرَةِ . قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَ زِيَادَةٌ ، (٦) » فَالْحُسْنَى هِيَ الْجَنَّةُ ، وَ الزِّيَادَةُ هِيَ الدُّنْيَا . (وَ إِمَّا لِخَيْرِ الْآخِرَةِ) فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُكْفِرُ بِكُلِّ حَسَنَةٍ سَيِّئَةٍ ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّكِرِينَ ، (٧) » حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسِبَتْ لَهُمْ حَسَنَاتُهُمْ ، ثُمَّ أُعْطَاهُمْ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْرَ أَمْثَالِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « جَزَاءٌ مِمَّنْ رَزَقْتَ عَطَاءً حِسَابًا ، (٨) » وَقَالَ : « أَوَّلَءَ كَ لَهُمْ جَزَاءٌ الضَّعِيفِ بِمَا عَمِلُوا وَ هُمْ فِي الْعُرْفَةِ ءَامِنُونَ . (٩) » فَارْغَبُوا فِي هَذَا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَ اَعْمَلُوا لَهُ ، وَ تَحَاضُّوا عَلَيْهِ . وَ اَعْلَمُوا يَا عِبَادَ اللَّهِ ، أَنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَ آجِلَهُ ؛ شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ ، وَ لَمْ يُشَارِكُهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ ؛ أَبَاحَهُمُ اللَّهُ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَفَاهُمْ وَ بِهِ أَغْنَاهُمْ ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . (١٠) » سَيَكُونُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سُكِّنَتْ ، وَ أَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ ؛ شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ ، فَأَكَلُوا مَعَهُمْ مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَأْكُلُونَ ، وَ شَرَبُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا يَشْرَبُونَ ، وَ لَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ ، وَ سَيَكُونُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَسْكُونُونَ ، وَ تَزَوَّجُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَزَوَّجُونَ ، وَ رَكِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرَكِبُونَ ؛ أَصَابُوا لَعْنَةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا ، وَ هُمْ غَدَا جِيرَانُ اللَّهِ ، يَتَمَنَّوْنَ عَلَيْهِ فَيُعْطِيهِمْ مَا تَمَنَّوْهُ ، وَ لَا يُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ ، وَ لَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبًا مِنَ اللَّذَّةِ . فَالْيَاقِ هَذَا يَا عِبَادَ اللَّهِ يَشْتَاقُ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ ، وَ يَعْمَلُ لَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (١١)

العمّال : ٣ / ٢٣٩ / ٦٣٤١ .

٢- .الأمالى للطوسى : ١٥٨ / ٢٦٥ وراجع سنن النسائى : ٣ / ٧٣ .

٣- .النحل : ٣٠ .

٤- .العنكبوت : ٢٧ .

٥- .الزمر : ١٠ .

٦- .يونس : ٢٦ .

٧- .هود: ١١٤ .

٨- .النبأ: ٣٦ .

٩- .سبأ : ٣٧ .

١٠- .الأعراف : ٣٢ .

١١- .الأمالى للمفيد : ٣ / ٢٦١ ، الأمالى للطوسى : ٢٥ / ٣١ كلاهما عن أبى إسحاق الهمدانى ، بحار الأنوار : ٣٣ / ٥٤٣ / ٧٢٠ و

ج ٧٧ / ٣٨٦ / ١١ وراجع الغارات : ١ / ٢٣٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکو خانه ای است دنیا کسی را که برای آخرتش از آن توشه بگیرد تا پروردگارش را خشنود کند؛ و بد خانه ای است کسی را که از آخرت بازش دارد و دستش را از خشنودی پروردگارش کوتاه سازد. هرگاه بنده ای بگوید: «خداوند دنیا را رسوا کناد!»، دنیا هم می گوید: «خداوند از میان ما کسی را رسوا کناد که در برابر پروردگارش سرکش تر است».

امالی طوسی از ابو برده اسلمی از پدرش: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه نماز صبح می گزارد، با صدایی بلند چنان که یارانش بشنوند سه بار می گفت: «بار خدایا! دین مرا برایم به سامان آور؛ همان را که مایه پناه من ساخته ای». و نیز سه بار می گفت: «بار خدایا! دنیای مرا به سامان آور؛ همان را که مایه زندگانی من قرار داده ای». و سه بار هم می گفت: «بار خدایا! آخرت مرا سامان بخش؛ همان را که بازگشتم را به سوی آن مقرر فرموده ای». سپس سه بار می گفت: «بار خدایا! من از خشم تو به خشنودی ات پناه می جویم؛ و از مجازاتت به گذشتت». و سه بار می گفت: «بار خدایا! من از تو به تو پناه می جویم؛ بخششت را بازدارنده ای نیست و آنچه را منع فرموده ای بخشنده ای نیست؛ و آن را که تو بی نیاز و بهره مندش ساخته ای، بهره دیگر سود نمی بخشد».

امام علی علیه السلام در نامه اش به محمد بن ابی بکر و مصریان: بر شما باد تقوای خدا پیشه کردن؛ که تقوا چندان خیر گرد می آورد که جز آن، چیزی چنین نمی کند؛ و با آن، چندان خیر دنیا و آخرت فرادست می آید که با جز آن، نمی آید. خداوند فرموده است: «و به کسانی که پرهیزگاری کردند، گفته شود: «پروردگار شما چه چیز فرستاده است؟» گویند: «خیر را»؛ برای کسانی که نیکی کردند، در این جهان نیکی است و همانا سرای واپسین بهتر است و به راستی، نیکو است سرای پرهیزگاران». ای بندگان خدا! بدانید که همانا مؤمن برای دستیابی به سه گونه پاداش کار می کند؛ یا برای خیر دنیا، که خداوند به پاس عملش، در دنیایش او را پاداش می بخشد. خداوند سبحان در حق ابراهیم فرمود: «و در این جهان، پاداش او را بدادیم و همانا او در جهان دیگر، از نیکان و شایستگان است». پس هر که برای خدای تعالی کار کند، خداوند پاداش او را در دنیا و آخرت عطا می کند و هم در دنیا و هم در آخرت، نیاز او را تأمین می کند. خداوند فرموده است: «ای بندگان من که ایمان آورده اید! از پروردگار خویش پروا کنید. برای آنان که نیکی کرده اند، در این جهان پاداش نیکو است. و زمین خدا فراخ است. همانا به شکیبایان مزدشان را تمام و بی شمار می دهند»؛ پس آنچه را خداوند در دنیا به ایشان عطا فرموده، در آخرت محاسبه نخواهد کرد. خدا فرموده است: «برای کسانی که نیکویی کردند، [پاداشی] نیکوتر باشد و فزونی ای». در این جا، مراد از پاداش نیکوتر، بهشت است و منظور از فزونی، [نعمت] دنیا. و گاه مؤمن برای خیر آخرت کار می کند. در این حال، خداوند با هر کار نیک، کار بدی را می پوشاند. خدا فرموده است: «همانا خوبی ها، بدی ها را از میان می برد. این یادکردی است برای یادآوران». و این، چنان است که در روز قیامت، کارهای نیکشان برای ایشان محاسبه می شود و آن گاه، خداوند در برابر هر کار نیک، از ده تا هفتصد برابر پاداش به آنان عطا می فرماید. خدای فرموده است: «پاداشی است از پروردگارت؛ بخششی حساب شده». و نیز فرموده: «اینانند که بدانچه کردند، پاداشی دو چندان دارند و ایشان در کوشک های بلند بهشت، ایمن و آسوده باشند». پس ای شما که خداوند مهرتان ورزد، در این پاداش رغبت ورزید و برای آن بکوشید و بدان ترغیب کنید. ای بندگان خدا! بدانید که تقوای پیشگان به خیر دنیا و آخرت دست یافتند؛ در

دنیای دنیاداران شریک گشتند ، ولی دنیاداران در آخرتِ ایشان شریک نشدند . خداوند از دنیا ، آنچه ایشان را کفایت کرد و بی نیاز ساخت ، برایشان مباح فرمود . خدای نامش والا باد فرموده است: «بگو : چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو : اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است ، در حالی که در روز رستاخیز ویژه ایشان است . بدین گونه ، آیات خود را برای گروهی که بدانند ، به تفصیل بیان می کنیم» . در دنیا به نیک ترین گونه سکنا گزیدند و از بهترین چیزها خوردند . با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند و همراه آنان از خوراک های پاک خوردند و شربت های پاک را آشامیدند و پوشاک های برتر را پوشیدند و در مساکن بهتر مسکن گزیدند و با همسران نیکوتر ازدواج کردند و بر مرکب های مناسب تر سوار شدند ؛ با اهل دنیا از دنیا لذت بر گرفتند ، در حالی که فردا همسایگان خدایند ؛ از خدا طلب می کنند و او آنچه را می خواهند ، به ایشان می بخشد و هیچ خواهششان را رد نمی کند و هیچ بهره ای از کامیابی را دریغشان نمی دارد . پس ای بندگان خدا! هر که عقل دارد ، به همین ها مشتاق می شود و با پیشه کردن تقوای خدا ، برای آن می کوشد . و هیچ توان و نیرویی نیست ، مگر از جانب خدا!

الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ»: فَأَمَّا الْحُسْنَىٰ فَالْجَنَّةُ ، (١) وَأَمَّا الزِّيَادَةُ فَالذُّنْيَا ، مَا أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا لَمْ يُحَاسِبْهُمْ بِهِ فِي الْآخِرَةِ ، وَيَجْمَعُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَيُثَبِّتُهُمْ بِأَحْسَنِ أَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» (٣) : رِضْوَانُ اللَّهِ وَالْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ ، وَالسَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَالْمَعَايِشِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا . (٤)

١- في المصدر: «فأما الحسنى الجنة» وما أثبتناه من بحار الأنوار نقلاً عن المصدر .

٢- تفسير القمى: ١ / ٣١١ عن أبي الجارود ، بحار الأنوار: ٧ / ٢٦٠ / ٦ و ج ٧٠ / ٦٦ / ١٠ .

٣- البقره: ٢٠١ .

٤- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٥٦ / ٣٥٦٦ ، معانى الأخبار: ١ / ١٧٤ ، الكافي: ٥ / ٧١ / ٢ ، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٧ / ٩٠٠ وليس فيهما «والسعه فى الرزق» وكلها عن جميل بن صالح ، تفسير العياشى: ١ / ٩٨ / ٢٧٤ عن عبد الأعلى وفيه «والسعه فى المعيشه» ، بحار الأنوار: ٧١ / ٣٨٣ / ١٨ نقلاً عن الأمالى للصدوق و ج ٩٥ / ٣٤٨ / ٢ .

امام باقر علیه السلام درباره سخن خدای (تعالی): «کسانی که نیکویی کردند، [پاداشی] نیکوتر باشد و فزونی ای»: مراد از پاداش نیکوتر، بهشت است و منظور از فزونی، [نعمت] دنیا. آنچه را خداوند در دنیا به ایشان عطا فرموده، در آخرت به حسابتان نخواهد نوشت و پاداش دنیا و آخرت، هر دو، را به آنان می دهد و به ازای بهترین کارهایشان در دنیا و آخرت، به آنان پاداش می بخشد.

امام صادق علیه السلام (درباره سخن خدای: «پروردگارا! ما را در این جهان نیکویی ده و در آن جهان نیز نیکویی بخش و ما را از عذاب آتش دوزخ نگاه دار»): مراد، خشنودی خدا و بهشت است در آخرت؛ و گشایش در روزی و مایه های معیشت و نیکی اخلاق در دنیا.

صحيح البخارى عن أنس: كَانَ أَكْثَرَ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ رَبَّنَا! آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفَنَا عَذَابَ النَّارِ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: بِشْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالسَّنَاءِ، وَالرَّفْعَةِ، وَالِدِّينِ، وَالنَّصْرِ، وَالتَّمْكِينِ فِي الْأَرْضِ. (٢)

الإمام على عليه السلام: اِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الآخِرَةِ، فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ، وَلَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ؛ سَيَكُونُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَيَكُنْتَ، وَأَكَلُوهَا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلْتَ، فَحَظُوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَى بِهِ الْمُتَرَفُونَ، وَأَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَابِرَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ، ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَالْمَتَجَرِّ الرَّابِحِ؛ أَصَابُوا لَعْدَهُ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ، وَتَيَقَّنُوا أَنَّهم جِيرَانُ اللَّهِ غَدًا فِي آخِرَتِهِمْ؛ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَلَا يَنْقُصُ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنْ لَدَّهِ. (٣)

١- صحيح البخارى: ٥/٢٣٤٧/٦٠٢٦، صحيح مسلم: ٤/٢٠٧٠/٢٦، سنن أبى داود: ٢/٨٥/١٥١٩، مسند ابن حنبل: ٤/٢٠٣/١١٩٨١ كَلَّهَا نَحْوَهُ.

٢- مسند ابن حنبل: ٨/٤٤/٢١٢٧٨، المستدرک على الصحيحين: ٤/٣٤٦/٧٨٦٢ وفيه «والرفعه والنصره والتمكى . . .»، شُعب الإيمان: ٧/٢٨٧/١٠٣٣٥ وليس فيه «والدين» وج ٥/٣٣٤/٦٨٣٣ وفيه «والرفعه والنصره والتمكين . . .»، صحيح ابن حبان: ٢/١٣٢/٤٠٥ وليس فيه «والرفعه والدين» وكلها عن أبى بن كعب، كنز العمال: ١٢/١٥٧/٣٤٤٦٥؛ إعلام الورى: ١/٨٩ عن أبى بن كعب وفيه «والرفعه والنصره والتمكى . . .»، بحار الأنوار: ١٨/١٢١/٣٦.

٣- نهج البلاغه: الكتاب ٢٧، بحار الأنوار: ٣٣/٥٨١/٧٢٦.

صحیح البخاری از اُنس: بیشینه دعای پیامبر صلی الله علیه و آله چنین بود: «بار خدایا، پروردگارا! در دنیا به ما نیکویی ده و در آخرت نیکویی بخش و ما را از عذاب آتش دوزخ نگاه دار».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این اَمّت را مژده ده به روشنی، شکوه، دینداری، پیروزی، و مسلط شدن [بِز، و] در زمین.

امام علی علیه السلام: بندگان خدا! بدانید که پرهیزگاران هم در این دنیای زودگذر و هم در جهان آینده آخرت سود بَرند. با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند، در حالی که اهل دنیا در آخرتِ آنان شریک نشدند. در دنیا، در بهترین مسکن ها سکنا گزیدند و از بهترین خوراک ها تناول کردند. از دنیا بهره بردند آن سان که اهل ناز و نعمت بهره مند شدند؛ و از آن کامیاب گشتند، آنچنان که گردنکشان خودکامه کامیاب شدند. آن گاه، باره توشه ای که آنان را به مقصد رساند و با تجارتی سودبخش، از این دنیا گذشتند. لَدَتِ زهد (۱) را در دنیایشان چشیدند و یقین کردند که فردا در آخرت، همسایگان خداوندند؛ دعایشان به اجابت می رسد و نصیبشان از لَدَتِ دنیا کاسته نمی شود.

۱- در روایت شماره ۵ که در حقیقت اصل این روایت است، و این روایت در واقع بخشی از آن است که توسط سید رضی تقطیع شده است، از واژه زُهد نشانی نیست. علاوه بر این، وجود کلمه مزبور با معنای مجموعه روایت سازگار نیست و نشان می دهد که در نتیجه بی دقتی در معنای روایت، این کلمه به متن اصلی افزوده شده است.

عنه عليه السلام: أوصيكم عباد الله بتقوى الله؛ فإنها الزمام والقوام، فتمسكوا بوثائقها، واعتصموا بحقائقها؛ تؤل بكم إلى أكنان الدعة، وأوطان السعة. (١)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوب إليه: الدنيا مطية المؤمنين، عليها يرتحل إلى ربه، فأصلحوا مطاياكم؛ تُبلغكم إلى ربكم. (٢)

الإمام الحسن عليه السلام: لو أن الناس سجعوا قول الله عز وجل ورسوله؛ لم أعطتهم السماء قطرها، والأرض بركتها، ولما اختلف في هذه الأمة سيفان، ولأكلوها خضراء خضرة إلى يوم القيامة. (٣)

١ / ٢ عمارة الأرض والاستمتاع بمواهبها الكتاب: «هو أنشأكم من الأرض واستعمركم فيها. (٤)»

«يَبْنِي آدَمَ خُدُوعًا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ * قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. (٥)»

١- نهج البلاغة: الخطبة ١٩٥، بحار الأنوار: ٧ / ١١٥ / ٥٠.

٢- شرح نهج البلاغة: ٢٠ / ٣١٧ / ٦٤٠.

٣- الأمالى للطوسي: ٥٦٦ / ١١٧٤ عن عبد الرحمان بن كثير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، بحار الأنوار:

١٠ / ١٤٢ / ٥ وراجع العدد القويّه: ٥١ / ٦٢ و الاحتجاج: ٢ / ٦٦ / ١٥٦.

٤- هود: ٦١.

٥- الأعراف: ٣١ / ٣٣.

۱ / ۲ آبادسازی زمین و بهره‌وری از مواهب آن

امام علی علیه السلام: بندگان خدا! شما را به تقوای خدا سفارش می‌کنم؛ که تقوا هم وسیله مهار و هم مایه استواری شما است. پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید و به حقیقت‌های آن پناه آورید تا شما را به سرمنزل آرامش و جایگاه‌های وسیع برساند.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او: دنیا مَرکَب مؤمن است که سوار بر آن، به سوی پروردگارش کوچ می‌کند. پس مَرکَب‌های خویش را به سامان آورید تا شما را به پروردگارتان برسانند.

امام حسن علیه السلام: اگر مردم سخن خدا و رسولش را به گوش می‌گرفتند، آسمان باران خویش را به آنان می‌بخشید و زمین برکتش را به ایشان عطا می‌کرد و هیچ‌دو شمشیری در این امت [به نزاع] ردّ و بدل نمی‌شد و تا روز رستاخیز، مردم از سرسبزی و طراوت زمین می‌خوردند و بهره‌وری می‌بردند.

۱ / ۲ آبادسازی زمین و بهره‌وری از مواهب آنقرآن: «او شما را از زمین آفرید و شما را به آبادانی آن واداشت.»

«ای فرزندان آدم! نزد هر مسجدی، آرایش خویش فراگیرید؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید، که او اسرافکاران را دوست ندارد * بگو: چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: اینها در زندگی دنیا برای مؤمنان است، در حالی که در روز رستاخیز ویژه ایشان است. بدین گونه، آیات را برای گروهی که بدانند، به تفصیل بیان می‌کنیم * بگو: همانا پروردگارتان زشتکاری‌ها را چه آشکار باشند و چه پنهان و گناهکاری و ستم و سرکشی به ناحق را حرام کرده؛ و این که چیزی را با خدا شریک سازید که بدان حجتی فرو نفرستاده؛ و این که بر خدا آنچه نمی‌دانید، بگویید.»

انظر: النحل: ١١١٠، الملك: ١٥.

الحديث: الإمام علي عليه السلام: أميا ما جاء في القرآن من ذكر معاش الخلق وأسبابها فقد أعلمنا سبحانه ذلك من خمسه أوجه: وجه الإشاره، ووجه العماره، ووجه الإجاره، ووجه التجاره، ووجه الصدقات... وأما وجه العماره فقوله: «هو أنشأكم من الأرض واستعمركم فيها» (١) فأعلمنا سبحانه أنه قد أمرهم بالعماره؛ ليكون ذلك سببا لمعايشهم بما يخرج من الأرض من الحب والثمرات وما شاكل ذلك مما جعله الله تعالى معاش للخلق. (٢)

عنه عليه السلام في كتابه للأشتر النخعي لما ولأه مصر: هذا ما أمر به عبد الله علي أمير المؤمنين، مالك بن الحارث الأشتر في عهده إليه حين ولأه مصر: جباية خراجها، وجهاد عيودها، واستصلاح أهلها، وعماره بلادها... وليكن نظرك في عماره الأرض أبلغ من نظرك في استجلاب الخراج؛ لأن ذلك لا يدرك إلا بالعماره، ومن طلب الخراج بغير عماره أضر البلاد، وأهلك العباد. (٣)

١- هود: ٦١.

٢- بحار الأنوار: ٩٣ / ٤٦ نقلاً عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام.

٣- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ١٢٦ وفيه «ومجاهده» بدل «وجهاد» و«فإن الجلب» بدل «لأن ذلك»، بحار الأنوار

: ٣٣ / ٦٠٦ / ٧٧ و ٢٥٣ / ١.

ر.ك: النحل: ۱۰ و ۱۱، الملك: ۱۵.

حدیث: امام علی علیه السلام: اَمَّا آنچه در قرآن، در پیرامون معیشت مردم و سبب های آن آمده، خداوند سبحان از پنج نظرگاه ما را بدان ها آگاه فرموده است: اشاره [به این نعمت ها]، آبادگری [زمین]، به خدمت گرفتن، بازرگانی، و پرداختِ صدقات... و اَمَّا نظرگاه آبادگری؛ خداوند فرموده است: «او شما را از زمین آفرید و شما را به آبادانی آن واداشت». خدای ما را آگاه فرموده که مردم را به آباد سازی زمین امر کرده تا زمینه ساز معیشت آنان باشد از رهگذر تولید غلات و میوه ها و دیگر رُستنی های زمین که خداوند تعالی آنها را مایه معیشت مردم قرار داده است.

امام علی علیه السلام برگرفته نامه اش به [مالک] اشتر نخعی، آن گاه که به ولایت مصرش گماشت: این، فرمانی است که بنده خدا علی، امیرالمؤمنین، در پیمان خود، به مالک بن حارث اشتر ابلاغ کرد، در زمانی که او را به ولایت مصر گماشت تا مالیاتش را گرد آورد و با دشمنش جهاد کند و کار مردمش را به سامان آورد و شهرهایش را آباد سازد... باید بیش از آن که درباره گردآوری مالیات می اندیشی، در فکر آبادی زمین باشی؛ زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به دست نیاید؛ و هر کس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد.

عنه عليه السلام: شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خِصْبَ . (١)

عنه عليه السلام: فَضِيلَةُ السُّلْطَانِ عِمَارَةُ الْبُلْدَانِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًّا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ، وَالْعَدْلُ، وَالْخِصْبُ . (٣)

١ / ٣ غِنَى الْمُجْتَمَعِ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الْكَتَابُ: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْجِدِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَهُ وَرَبُّهُ غَفُورٌ . (٤)»

«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . (٥)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: طوبى لِكُلِّ غَنِيٍّ تَقِيٍّ . (٦)

١- غرر الحكم: ٥٦٨٤ .

٢- غرر الحكم: ٦٥٦٢ .

٣- تحف العقول : ٣٢٠ .

٤- سبأ : ١٥ .

٥- البقره : ٢٦٨ .

٦- كنز العمال : ٣ / ١٥٦ / ٥٩٤٦ نقلاً عن العسكري في الأمثال عن أنس .

۱ / ۳ ثروتمندی جامعه ، از نعمت های خدا است

امام علی علیه السلام: بدترین سرزمین ، آن است که نه امتیّت دارد و نه آبادانی .

امام علی علیه السلام: فضیلت حاکم بدان است که سرزمین ها را آباد کند .

امام صادق علیه السلام: سه چیز است که مردم یکسره بدان نیازمندند : امتیّت ، عدالت ، و آبادانی .

۱ / ۳ ثروتمندی جامعه ، از نعمت های خدا استقرآن: «هر آینه مردم سبا را در جای سکونتشان نشانه ای [از قدرت و نعمت ما] بود: دو بوستان ، از دست راست و از دست چپ [شهر و خانه هاشان] . [گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را سپاس گزارید ، شهری است خوش [و پر نعمت] و خداوندی آمرزگار .»

«شیطان شما را از درویشی و بینوایی می ترساند و به زشتکاری و ناشایست فرمان می دهد؛ و خدا شما را به آمرزش و بخشش خویش نوید می دهد؛ و خداوند گشایش بخش و دانا است .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوش باد هر توانگر تقوایپیشه را .

سنن ابن ماجه عن عبد الله بن خبيب عن أبيه عن عمه: كُنَّا فِي مَجْلِسٍ ، فَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى رَأْسِهِ أَثَرُ مَاءٍ ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُنَا : تَرَاكَ الْيَوْمَ طَيِّبَ النَّفْسِ ، فَقَالَ : أَجَلٌ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ . ثُمَّ أَفَاضَ الْقَوْمُ فِي ذِكْرِ الْغِنَى ، فَقَالَ : لَا بَأْسَ بِالْغِنَى لِمَنْ اتَّقَى ، وَالصَّحَّةُ لِمَنْ اتَّقَى خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى ، وَطَيِّبُ النَّفْسِ مِنَ النَّعِيمِ . (١)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مِنَ النَّعْمِ سَعَةِ الْمَالِ ، وَأَفْضَلُ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ ، وَأَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ . (٢)

عنه عليه السلام: نِعَمَ الْبَرَكَهَ سَعَةُ الرِّزْقِ . (٣)

عنه عليه السلام: مِنْ هَنَى النَّعْمِ سَعَةُ الْأَرْزَاقِ . (٤)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي خَصَلَتَيْنِ : الْغِنَى ، وَالتَّقَى . (٥)

١ / ٤ الدعاء للتقدم الإقتصادي الكتاب: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا . (٦)»

١- سنن ابن ماجه: ٢/٧٢٤/٢١٤١، مسند ابن حنبل: ٩/٥٤/٢٣٢١٨ و ص ٧٠ / ٢٣٢٨٨ وفيه «أميه» بدل «أبيه»، المستدرک علی الصحیحین: ٢ / ٤ / ٢١٣١، أسد الغابه: ٦ / ٣٦٢ / ٦٤٦٦ كلها نحوه .

٢- شرح نهج البلاغه: ١٩ / ٣٣٧ / ٣٩٥؛ الأمالی للطوسی: ١٤٦ / ٢٤٠ عن أبي وجزه السعدي عن أبيه نحوه، بحار الأنوار: ٧٢ / ٥٣ / ٨٣ نقلاً عن نهج البلاغه .

٣- غرر الحكم: ٩٨٨٣ .

٤- غرر الحكم: ٩٢٨٩ .

٥- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٣٠١ / ٤٤٦ .

٦- النساء: ٣٢ .

۱ / ۴ دعا برای پیشرفت اقتصادی

سنن ابن ماجه از عبدالله بن خبيب از پدرش از عمويش: در مجلسي بوديم كه پيامبر صلي الله عليه و آله آمد ، در حالي كه رطوبت آب بر سرش باقي بود . يكي از ما به وي گفت: «امروز تو را نيك حال مي بينيم» . فرمود: «آري! سپاس خدای را» . سپس افراد در وصف ثروتمندی فراوان سخن گفتند . پيامبر فرمود: «آن را كه تقوا پيشه كند ، باكي از توانگري نيست ؛ و براي چنين كسي ، تندرستي بهتر از توانگري است ؛ و نيك حالي از نعمت ها [ي خداوند] است» .

امام علي عليه السلام: ثروت فراوان ، از نعمت ها است ؛ و برتر از آن ، تندرستي است ؛ و بهتر از تندرستي ، تقواي دل .

امام علي عليه السلام: گشاده روزي ، چه نيكو بر كتي است!

امام علي عليه السلام: از نعمت هاي گوارا ، گشادگي روزي است .

امام علي عليه السلام از كلمات حكيمانه منسوب به او : خير دنيا و آخرت در دو ويژگي است: توانگري و تقواپيشگي .

۱ / ۴ دعا برای پیشرفت اقتصاديقرآن: «و آنچه را كه خدا بدان چيز برخي از شما را بر برخي فزوني و برتري داده است ، آرزو مكنيد. مردان را از آنچه به دست آورده اند ، بهره اي است و زنان را نيز از آنچه به دست آورده اند ، بهره اي است؛ و خدای را از فزون بخشي اش درخواست كنيد ، كه خداوند به هر چيزي دانا است .»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ غِنَايَ وَغِنَى مَوْلَايَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله فى المُنَاجَاةِ لِطَلْبِ الرِّزْقِ : وَاسْئَلْنِي اللَّهُمَّ سَرَائِلَ السَّعَةِ ، وَجَلَابِيبَ الدَّعَةِ ؛ فَإِنِّي يَا رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِإِنْعَامِكَ بِحَذْفِ الْمَضِيْقِ ، وَلِتَطْوُلِكَ بِقَطْعِ التَّعْوِيْقِ ، وَلِتَفْضُلِكَ بِإِزَالِهِ التَّقْتِيرِ ، وَلِوُصُولِ حَبْلِى بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسِيرِ ، وَأَمْطِرِ اللَّهُمَّ عَلَيَّ سَيِّمَاءَ رِزْقِكَ بِسَجَالِ الدَّيْمِ ، وَأَغْنِنِي عَنِ خَلْقِكَ بِعَوَائِدِ النَّعْمِ ، وَارْمِ مَقَاتِلَ الإِقْتَارِ مِنِّي ، وَاحْمِلْ كَشْفَ الضَّرِّ عَنِّي عَلَى مَطَايَا الإِعْجَالِ ، وَاضْرِبْ عَنِّي الضُّيْقَ بِسَيْفِ الإِسْتِصَالِ ، وَأُتْحَفْنِي رَبُّكَ مِنْكَ بِسَعَةِ الإِفْضَالِ ، وَأَمُدَّنِي بِنُموِّ الأَمْوَالِ ، وَاحْرُسْنِي مِنَ ضَيْقِ الإِقْلَالِ ، وَاقْبِضْ عَنِّي سَوْءَ الحَيْدِ ، وَابْسِطْ لِي بِسَاطَ الخِصْبِ ، وَاسْقِنِي مِنْ مَاءِ رِزْقِكَ عَدَقًا ، وَانْهَجْ لِي مِنْ عَمِيمِ يَدْلِكَ طُرُقًا ، وَفَاجِنِّي بِالثَّرْوَةِ وَالمَالِ ، وَانْعَشْنِي بِهِ مِنَ الإِقْلَالِ ، وَصَيِّحْنِي بِالإِسْتِظْهَارِ ، وَمَسِّنِي بِالتَّمَكِينِ مِنَ اليَسَارِ ؛ إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ العَظِيمِ ، وَالفَضْلِ العَمِيمِ ، وَالمَنْنِ الجَسِيمِ ، وَأَنْتَ الجَوَادُ الكَرِيمُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله فى مَا عَلَّمَهُ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَضَاءِ الدَّيْنِ : اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَالِكَ عَنِ حَرَامِكَ ، وَأَغْنِنِي مِنْ فَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ . (٣)

- ١- مسند ابن حنبل : ٥/٣٤٣/١٥٧٥٤ ، الأَدَبُ المَفْرُودُ : ١٩٩/٦٦٢ ، المَعْجَمُ الكَبِيرُ : ٢٢/٣٢٩/٨٢٨ ، كَنْزُ العَمَالِ : ٢ / ٢١٣ / ٨١٩ .
- ٢- مُهْجُ الدَّعَوَاتِ : ٣١٢ عَنْ أَحْمَدَ بنِ الحَارِثِ النُّوفَلِيِّ عَنِ الإِمَامِ الجَوَادِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، المَصْبَاحُ لِلْكَفْعَمِيِّ : ٢٢٨ وَليْسَ فِيهِ «وَالْمَنَّ الجَسِيمِ» ، بحار الأنوار: ٩٤ / ١١٦ / ١٧ نقلًا عن البلد الأمين .
- ٣- سنن الترمذى : ٥ / ٥٦٠ / ٣٥٦٣ ، مسند ابن حنبل : ١ / ٣٢٣ / ١٣١٨ ، المَسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ : ١ / ٧٢١ / ١٩٧٣ ، الدَّعَاءُ لِلطَّبْرَانِيِّ : ٢ / ٣١٧ / ١٠٤٢ وَفِيهِ «أَغْنِنِي» بِدَلِّ «اكْفِنِي» وَكُلُّهَا عَنِ أَبِي وَائِلٍ عَنِ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، كَنْزُ العَمَالِ : ٦ / ٢٣٨ / ١٥٥١٨ وَ ص ٢٥٣ / ١٥٥٦٣ ؛ الأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ : ٤٧٢ / ٦٣١ ، الأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ : ٤٣١ / ٩٦٣ وَفِيهِمَا «أَغْنِنِي» بِدَلِّ «اكْفِنِي» وَكِلَاهُمَا عَنِ جَابِرِ عَنِ الإِمَامِ البَاقِرِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ الإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بحار الأنوار: ٩٥ / ٣٠١ /

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! توانگری خویش و [کسانِ نزدیک و] همراهم را از تو درخواست می کنم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مناجاتِ درخواستِ روزی: بار خدایا! مرا جامه گشاده روزی بر تن کن و تن پوش رفاه در بر فرما . ای پروردگارا! من در انتظارم که به لطف خویش ، تنگنا را بزدایی ؛ به بخششت ، بازداشتگی [از رفاه] را پایان بخشی ؛ به فضلت ، تنگدستی را از میان برداری ؛ و به کرمیت ، رشته زندگی ام را به تن آسانی برسانی . بار خدایا! آسمان روزی ات را با قطره های درشت بر من بباران ؛ با نعمت های پُر بار مرا از خلقت بی نیاز فرما ؛ قتلگاه های تنگدستی را از من دور فرما ؛ به شتاب ، روزگار سختی و دشواری را از من بردار ؛ تنگ حالی را از کار و بار من ریشه کن فرما ؛ ای پروردگارا! با بخشش گسترده از جانب خود به من هدیه عطا نما ؛ با افزایش دارایی مرا یاری کن ؛ نگاهبانم باش که به تنگنای کم مایگی در نیفتم ؛ بدحالی خشکسالی را از من بردار ؛ بساط سرسبزی و خرمی را برایم بگستر ؛ از آبِ روزی ات به سرشاری نصیبم فرما ؛ از بخشش گسترده ات راه هایی بر من باز فرما ؛ ثروت و مال ناگهانی به من عطا کن و با آن ، مرا از تنگ مایگی رهایی بخش و پشتگرمی ام ده و گشاده حالی ام عنایت کن . همانا تو دارای بخششی بسیار ، فضلی سرشار ، و لطفی فراوان هستی و بس بخشنده ای و کریم!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شمار آنچه برای ادای دین ، به علی علیه السلام تعلیم فرمود: بار خدایا! با حلال خویش مرا از حرمت بی نیاز کن و با فضل خود ، مرا از غیر خویش توانگری عطا فرما .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرِّزْقَ لَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ عَلَى عَيْدٍ قَطَرِ المَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قُدِّرَ لَهَا ، وَلَكِنَّ لِلَّهِ فُضُولٌ ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ فَضُولًا مِنْ رِزْقِهِ يَنْحَلُّهُ مَنْ يَشَاءُ مِنْ خَلْقِهِ ، وَاللَّهُ بِاسِطٍ يَدَيْهِ عِنْدَ كُلِّ فَجْرٍ لِمُذْنِبِ اللَّيْلِ هَلْ يَتُوبُ فَيَغْفِرَ لَهُ! وَيَبْسُطُ يَدَيْهِ عِنْدَ مَغِيبِ الشَّمْسِ لِمُذْنِبِ النَّهَارِ هَلْ يَتُوبُ فَيَغْفِرَ لَهُ! (٢)

المستدرک علی الصحیحین عن عائشه: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو: اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّي وَانْقِطَاعِ عُمُرِي . (٣)

تفسير العياشى عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله رجلاً من أهل البادية، فقال: يا رسول الله، إن لى بنين وبنات وإخوة وأخوات، وبنى بنين وبنى بنات وبنى إخوة وبنى أخوات، والمعيشة علينا خفيفة، فإن رأيت يا رسول الله أن تدعو الله أن يوسع علينا. قال: وبكى، فرق له المسلمون. فقال رسول الله عليه وآله السلام: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (٤) مَنْ كَفَلَ بِهِذِهِ الْأَفْوَاهِ الْمَضْمُونَةَ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا ، صَبَّ اللَّهُ عَلَيْهِ الرِّزْقَ صَبًّا كَالْمَاءِ الْمُنْهَمِرِ ؛ إِنْ قَلِيلٌ فَقَلِيلًا ، وَإِنْ كَثِيرٌ فَكَثِيرًا . قَالَ : ثُمَّ دَعَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَمَّنَ لَهُ الْمُسْلِمُونَ . قَالَ : قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَحَدَّثَنِي مَنْ رَأَى الرَّجُلَ فِي زَمَنِ عُمَرَ ، فَسَأَلَهُ عَنْ حَالِهِ ، فَقَالَ : مِنْ أَحْسَنِ مَنْ حَوَّلَهُ حَالًا ، وَأَكْثَرِهِمْ مَالًا . (٥)

١- قرب الإسناد: ١١٧ / ٤١١ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ٥ / ١٤٥ / ١ وج ٩٣ / ٢٨٨ / ٤ .

٢- ثواب الأعمال: ٢١٤ / ٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الجعفریات: ٢٢٨ نحوه، بحار الأنوار: ٦ / ٢٩ / ٣٤ وج ١٠٣ / ٢٩ / ٥١ .

٣- المستدرک علی الصحیحین: ١ / ٧٢٦ / ١٩٨٧ عن عائشه، المعجم الأوسط: ٤ / ٦٢ / ٣٦١١، كنز العمال: ٢ / ١٨٨ / ٣٦٨٢ .

٤- هود: ٦ .

٥- تفسير العياشى: ٢ / ١٣٩ / ٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا روزی از آسمان به زمین می بارد، همانند قطره های باران که به هر کس به اندازه معین شده برای او نصیب می رسد؛ اما خدای را بخشش های افزون نیز هست، پس خداوند را از بخشش افزونش طلب کنید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای را از روزی اش بخشش های افزون هست که به هر که خواهد، عطا فرماید. هر بامداد، خداوند را برای گناهکار شب هنگام دست گشاده بخششی هست؛ که آیا توبه می کند تا وی را ببخشاید! و هر غروب، برای گناهکار روز هنگام، دست گشوده لطفی هست؛ که آیا به سویش باز می آید تا بیامرزدهش!

المستدرک علی الصحیحین از عایشه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین دعا می کرد: بار خدایا! بیشینه روزی ات را به هنگام سالخوردگی و سپری شدن ایام، به من عطا فرما!

تفسیر العیاشی از جابر از امام باقر علیه السلام: مردی بیابانی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! مرا پسران و دختران و برادران و خواهران و پسرزادگان و دخترزادگان و برادرزادگان و خواهرزادگانی است؛ و روزگار ما سخت است، باشد که نظر فرمایی و خدای را درخواستی که به ما گشاده روزی عطا فرماید. راوی گفت: سپس آن مرد گریست و مسلمانان را دل بر او سوخت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر خدا است و قرارگاه آن و جایگاه نگاهداشت آن، همه را می داند؛ همه در کتابی روشن هست»؛ هر کس این آیات را که خداوند در آن تأمین روزی را ضمانت فرموده، پیوسته بخواند، خدا روزی را چون آبی روان بر او فرو می بارد، خواه اندک اندک و خواه بسیار بسیار. راوی گفت: سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دعا کرد و مسلمانان دعایش را آمین گفتند. راوی گفت: امام باقر فرمود: «کسی که آن مرد را در روزگار عمر دیده بود، مرا روایت کرد که وی را حال پرسیده و او گفته است: خداوند بیشترین حلال و فراوان ترین مال را روزی ام فرمود».

الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ . . . وَأَغْنِنَا عَنْ مَدِّ الْأَيْدِي إِلَى سِوَاكَ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام: وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى ، وَالْعِفَافَ ، وَالِدَّعَةَ ، وَالْمُعَافَاةَ ، وَالصَّحَّةَ ، وَالسَّعَةَ . (٢)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ارزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَالًا طَيِّبًا كَثِيرًا فَاضِلًا لَا يُطْغِينِي ، وَتِجَارَةً نَامِيَةً مُبَارَكَةً لَا تُلْهِينِي . (٣)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَغْنِنَا عَنْ هَبِّهِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ . (٤)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ لِلْمُهَيَّمَاتِ : وَبِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَأَغْنِنِي . (٥)

١- نهج البلاغه : الخطبة ٩١ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، غرر الحكم: ١٠٠٥٧ ، بحار الأنوار: ٥٧ / ١١٤

/ ٩٠ و ج ١٧ / ٣٣١ / ٧٧ .

٢- .الصحيفه السجّاديه : ٢٠١ الدعاء ٤٧ .

٣- .بحار الأنوار: ٩٤ / ١٣٣ / ١٩ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

٤- .الصحيفه السجّاديه : ٣٥ الدعاء ٥ .

٥- .الأمالى للطوسى : ١٧ / ١٩ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٩٥ / ١٨٣ / ١ .

امام علی علیه السلام: بار خدایا!... ما را بی نیاز فرما از این که به سوی غیر تو دست نیاز آوریم .

امام زین العابدین علیه السلام: در من این صفت ها را گرد آور: توانگری ، پاکدامنی ، آسایش ، دوری از گزند ، تندرستی ، و گشاده حالی .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! از فزون بخشی ات ، مرا دارایی پاک فراوان و سرشار عطا فرما که به سرکشی ام واندارد ؛ و داد و ستدی رشد افزا و برکت خیز مرا ده که فرییم ندهد .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! با بخشش خویش ، ما را از بخشش بخشنندگان [دیگر] بی نیاز فرما .

امام زین العابدین علیه السلام بر گرفته دعای وی در سختی ها :و مرا با حلال ، از حرام بی نیاز ساز .

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ خْتَمِ الْقُرْآنِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلْتَنَا مِنْ عَيْدَمِ الْإِمْلَاقِ ، وَسُقِ إِلَيْنَا بِهِ رَغَدَ الْعَيْشِ ، وَخِصَبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ . (١)

عنه عليه السلام : زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَسَعِهِ مَا عِنْدَكَ ؛ فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ ، وَصَلِ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَنَعِيمِهَا ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ إِذَا كَبُرْتُ . (٣)

عنه عليه السلام : وَتَوَجَّنِي بِالْكَفَايَةِ ، وَسَيِّمْنِي حُسْنَ الْوِلَايَةِ ، وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهِدَايَةِ ، وَلَا تَفْتِنِّي بِالسَّعَةِ ، وَامْنَحْنِي حُسْنَ الدَّعَةِ ، وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا . (٤)

عنه عليه السلام : أَعْنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي ، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا . (٥)

عنه عليه السلام : اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ . (٦)

الإمام الباقر عليه السلام فِي دُعَائِهِ كَانَ يُسَيِّمُهُ الدُّعَاءَ الْجَامِعَ : أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي ؛ مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ ، وَأَبْلَغَ بِهَا رِضْوَانِكَ ، وَأَصْبِرُ بِهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ عَدَا . اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا - يَكْفِينِي ، وَلَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي ، وَلَا تَبْتَلِينِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ ؛ أَعْطِنِي حَظًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي ، وَمَعَاشًا وَاسِعًا هَنِيئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا ، وَلَا تَجْعَلِ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا ؛ أَجْرْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا ، وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسِعِي فِيهَا مَشْكُورًا ، اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي فِيهَا بِسَوْءٍ فَأَرِدُهُ ، وَمَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدُهُ . (٧)

١- .الصحيفة السجادية : ١٦٠ الدعاء ٤٢ ، مصباح المتهجد : ٥٢١ / ٦٠٣ .

٢- .الصحيفة السجادية : ٢٠٩ الدعاء ٤٨ ، مصباح المتهجد : ٨١ / ١٣٢ وزاد فيه «إني إليك من الراغبين ، يا أرحم الراحمين» و ص ١٩٧ / ٢٧٤ و ص ٢٤٣ / ٣٥٦ و ص ٣٧٥ / ٥٠١ .

٣- .الصحيفة السجادية : ٨٤ الدعاء ٢٠ .

٤- .الصحيفة السجادية : ٨٦ الدعاء ٢٠ .

٥- .الصحيفة السجادية : ١٩٨ الدعاء ٤٧ .

٦- .مصباح المتهجد : ٥٩٥ / ٦٩١ ، الإقبال (الطبعة الحجرية) : ٧٤ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ٩٨ / ٩١ / ٢ .

٧- .تهذيب الأحكام : ٣ / ٧٧ / ٢٣٤ ، الكافي : ٢ / ٥٨٨ / ٢٦ وليس فيه «اللهم ارزقني رزقا حلالا- يكفيني» وكلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ٨٧ / ٣٠١ / ٨٥ نقلًا عن مصباح المتهجد و ج ٩٧ / ٣٧٩ / ١ نقلًا عن الإقبال .

امام زین العابدین علیه السلام بر گرفته دعای ختم قرآن: بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بسیار فرست و با قرآن ، تنگدستی ما را به بی نیازی اصلاح فرما و گشایش زندگی و خرمی روزی بسیار را به سوی ما روان گردان .

امام زین العابدین علیه السلام: مرا از فضل خویش و گسترای آن چه نزد تو است ، فزونی عطا فرما ؛ که همانا تو گستر بخش و کرم افزایی ؛ و این نعمت را به خیر و نعمت آخرت پیوند ده ، ای مهرورزترین مهرورزان!

امام زین العابدین علیه السلام بر گرفته دعای مکارم الأخلاق: بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بسیار فرست و گشاده ترین روزی ات را در هنگامه پیری من مقرر فرما!

امام زین العابدین علیه السلام: و با بی نیازی مرا تاجدار ساز و خوب دوست داشتن را ملازم من فرما و رهیافتگی راستین را نصیب کن و به توانگری گمراهم مساز و رفاه نیکو عطایم کن و زندگی ام را سخت و دشوار قرار مده!

امام زین العابدین علیه السلام: مرا از آن که به من نیاز ندارد ، بی نیاز ساز و نداری و فقرم به درگاه خویش را بیفزا!

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! مرا گشادگی در روزی و امتیث در وطن عنایت فرما!

امام باقر علیه السلام بر گرفته دعایی که خود ، آن را دعای جامع می نامید: بار خدایا! از تو می خواهم تا آن گاه که زنده ام می داری ، زندگانی ام را در رفاه داری ، چندان که برای بندگی ات نیرو یابم و با آن ، به خشنودی ات دست یابم و از رهگذر آن ، فردا ، از جانب تو به سرای زندگانی [حقیقی] سیر کنم . بار خدایا! مرا روزی حلالی بخش که کفایت کند و روزی ای مرا نده که به سرکشی واداردم و مرا به فقری دچار مساز که به سبب آن ، به تنگنا در شقاوت افتم . مرا در آخرتم ، نصیبی سرشار عطا فرما و در دنیایم ، زندگانی گشاده گواری شیرینی نصیب ساز . دنیا را زندان من مکن و فراق آن را مایه اندوه من مکن ؛ مرا از فتنه اش رهایی ده و عملم را در آن پذیرفته قرار ده و تلاشم را در خور ستایش فرما . بار خدایا! هر کس در دنیا برایم بد بخواهد ، تو برایش بد بخواه ؛ و هر کس در دنیا به من حيله ورزد ، تو به او حيله ورز!

عنه عليه السلام: إذا أنت انصيرفت من الوتر فقل: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» ثلاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَقُولُ: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا بَرُّ يَا رَحِيْمُ، يَا غَنِيُّ يَا كَرِيْمُ، أَرْزُقْنِي مِنَ التَّجَارَةِ أَعْظَمَهَا فَضْلًا، وَأَوْسَعَهَا رِزْقًا، وَخَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً؛ فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي مَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ». (١)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْسِمْ لِي... غِنَى تَسُدُّ بِهِ عَنِّي بَابَ كُلِّ فَقْرٍ. (٢)

عنه عليه السلام في الدعاء عند الإفاضة من عرفات: اللَّهُمَّ... أَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِي مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ، أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِي. (٣)

-
- ١- من لا يحضره الفقيه: ١ / ٤٩٤ / ١٤٢٢ عن زراره، مصباح المتهجد: ١٦٣ / ٢٥١ وفي صدره «فإذا سلم سبح تسبيح الزهراء عليها السلام، ثم يقول ثلاث مَرَّاتٍ: سبحان...»، بحار الأنوار: ٨٧ / ٢٢٤ / ٣٥ وص ٢٨٧ / ٨٠.
 - ٢- الإقبال: ١ / ٣٦٣ عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار: ٩٨ / ١٥٥ / ٤.
 - ٣- تهذيب الأحكام: ٥ / ١٨٧ / ٦٢٢، من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٥٤٣ / ٣١٣٧ كلاهما عن أبي بصير.

امام باقر علیه السلام: هرگاه از نماز و تر فارغ شدی ، سه بار بگو: «منزه است پروردگار من ؛ همان حکمران پاک عزتمند باحکمت». سپس بگو: «ای زنده ، ای هماره پابرجا ، ای نیکی کننده ، ای مهرورز ، ای بی نیاز ، ای بخشنده! از کسب و داد و ستد ، پرسودترینش و بیشینه روزی ترینش و نیک فرجام ترینش را به من روزی بخش ؛ که هیچ خیری نیست در آن چه فرجام نیکی ندارد» .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر محمّد و خاندانش بسیار درود فرست و مرا نصیب فرما . . . بی نیازی ای که با آن ، دریچه هر فقری را به رویم ببندی .

امام صادق علیه السلام در دعایی به هنگام حرکت از عرفات : بار خدایا ! . . . مرا برترین خیر و برکت و رحمت و خشنودی و آمرزشی که به هر یک از ایشان داده ای ، عطا فرما و در خاندان و اموالم و هر چیز کم و زیادی که دارم و [پس از این سفر] به سویشان باز می گردم ، برایم برکت مقرر فرما و برای آن ها نیز در من برکت قرار ده!

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عِزًّا وَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ (فَقَدِ) افْتَقَرَ. (١)

عنه عليه السلام: سَلُوا اللَّهَ الْغِنَى فِي الدُّنْيَا وَالْعَافِيَةَ، وَفِي الْآخِرَةِ الْمَغْفِرَةَ وَالْجَنَّةَ. (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام: أَنْقَلْنِي مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَى عِزِّ الْغِنَى. (٣)

الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَدْعُ اللَّهَ عِزًّا وَجَلًّا أَنْ يَرْزُقَنِي الْحَلَالَ. فَقَالَ: أَتَدْرِي مِمَّا الْحَلَالَ؟ قُلْتُ: الَّذِي عِنْدَنَا الْكَسْبُ الطَّيِّبُ. فَقَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: «الْحَلَالَ هُوَ قُوَّةُ الْمُصْطَفَيْنِ». ثُمَّ قَالَ: قُلْ: أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ. (٤)

١- الكافي: ٢ / ٤٦٧ / ٤ عن عمرو بن جميع، مكارم الأخلاق: ٢ / ٧ / ١٩٧٧، الاختصاص: ٢٢٣، الدعوات: ١١٧ / ٢٦٨، بحار الأنوار: ٩٣ / ٢٩٤ / ٢٣ و ص ٣٦ / ٣٠٠ و ص ٣٧ / ٣٠١.

٢- الكافي: ٥ / ٧١ / ٤ عن عبد الأعلى.

٣- مُهْجِ الدَّعَوَاتِ: ٢٧٥ عن أبي الوضّاح عن أبيه، بحار الأنوار: ٩٤ / ٣٢٧ / ١.

٤- الكافي: ٢ / ٥٥٢ / ٩ و ج ٥ / ٨٩ / ١ وفيه «قوت النبيين» بدل «قوت المصطفين»، قرب الإسناد: ٣٨٠ / ١٣٤٢، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٢ / ٤.

امام صادق علیه السلام: هر کس فضل خداوند را از او درخواست نکند، دچار فقر می شود.

امام صادق علیه السلام: از خداوند، در دنیا بی نیازی و تندرستی بخواهید؛ و در آخرت، آمرزش و بهشت را.

امام کاظم علیه السلام: [خداوند!] مرا از خواری فقر به سربلندی توانگری برسان.

الكافی از احمد بن محمد بن ابی نصر: به حضرت رضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم! از خداوند بخواه که روزی حلال نصیب من فرماید. فرمود: «می دانی حلال چیست؟» گفتم: هر آن چه در مذهب ما درآمد پاک به شمار آید. فرمود: «علی بن الحسین علیهما السلام می گفت: حلال، خوراکِ برگزیدگان است.» سپس فرمود: «بگو: روزی فراوانت را از تو می خواهم»

الفصل الثانی: بركات التقدّم الاقتصاديّ بِرَكَاتِ التَّقَدُّمِ الْاِقْتِصَادِيِّ ٢ / اقوام الدين والدنيا الكتاب: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا . (١)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله: الدنانير والدراهم حواتم الله في أرضه ، من جاء بخاتم مولاة قضيت حاجته . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله: إذا كان في آخر الزمان ؛ لا يبدل للناس فيها (٣) من الدراهم والدنانير يقيم الرجل بها دينه ودنياه . (٤)

١- النساء : ٥ .

٢- المعجم الأوسط : ٦ / ٣١٦ / ٦٥٠٧ عن أبي هريره ، كنز العمال : ٣ / ٢٣٨ / ٦٣٣٢ .

٣- كذا وردت في كلا المصدرين ، والسياق يقتضى التعبير ب «فيه» ، وإن كان يحتمل عود الضمير على محذوف مقدر .

٤- المعجم الكبير : ٢٠ / ٢٧٩ / ٦٦٠ عن المقداد بن معديكرب ، كنز العمال : ٣ / ٢٣٨ / ٦٣٣٣ .

فصل دوم: برکت های پیشرفت اقتصادی

۲ / ۱ برپایی دین و دنیا

فصل دوم: برکت های پیشرفت اقتصادی ۲ / ۱ برپایی دین و دنیا قرآن: «و مال های خود را که خداوند وسیله برپا بودن زندگی شما قرار داده، به کم خردان مدهید و از درآمد آن مال ها بخورانید و بپوشانیدشان و به آنها سخنی نیکو و پسندیده گویند.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دینارها و درهم ها انگشتی های (۱) خدا در زمین وی هستند؛ هر کس انگشتی مولای خویش را بیاورد، خواهشش برآورده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون آخر الزمان فرا رسد، مردم را چاره ای جز داشتن درهم ها و دینارها نیست تا هر فرد دین و دنیای خود را با آن برپای دارد.

۱- چون انگشتی در دیرینه ایام به عنوان مُهر نیز استفاده می شده است، از این رو به آن، خاتم (= مُهر) نیز می گفتند.

عنه صلى الله عليه وآله: الفاقه لأصحابي سعادة، والغنى للمؤمن في آخر الزمان سعادة، إن استطعتم أن تكونوا أغنياء فكونوا. (١)

مسند ابن حنبل عن عمرو بن العاص: قال ليرسول الله صلى الله عليه وآله: يا عمرو، اشدد عليك سراحك وثيابك وأتني. ففعلت، فجئتته وهو يتوضأ، فصعد في البصير وصوبه وقال: يا عمرو، إنني أريد أن أبعثك وجهاً، فيسلمك الله ويغنمك، وأرغب لك من المال رغبة صالحه. قلت: يا رسول الله، إنني لم أسلم رغبة في المال؛ إنما أسلمت رغبة في الجهاد والكينونه معك. قال: يا عمرو، نعماً بالمال الصالح للرجل الصالح. (٢)

الإمام الباقر عليه السلام كان يقول: اللهم أعني على الدنيا بالغنى، وعلى الآخرة بالتقوى. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: نعم العون على الآخرة؛ الدنيا. (٤)

١- الفردوس: ٣/١٥٨/٤٤٢٧ عن ابن مسعود، كنز العمال: ٣/٢٣٩/٦٣٣٨ نقلاً عن الرافعي، وليس فيه ذيله.

٢- مسند ابن حنبل: ٦/٢٤٠/١٧٨١٨ و ص ٢٢٨ / ١٧٧٧٨ ، الأدب المفرد: ٩٧ / ٢٩٩ وفيه «أزعب» بدل «أرغب» و «زعبه» بدل «رغبه»، المستدرک علی الصحیحین: ٢ / ٣ / ٢١٣٠ ، المصنّف لابن أبي شيبة: ٥ / ٢٥٩ / ٩ ، مسند أبي يعلى: ٦ / ٤٢٣ / ٧٢٩٨ ، كنز العمّال: ١١ / ٧٢٩ / ٣٣٥٧٧ ؛ تنبيه الخواطر: ١ / ١٥٨ ، تفسير مجمع البيان: ٣ / ١٤ وفيهما «نعم المال الصالح للرجل الصالح» .

٣- البيان والتبيين: ٣ / ٢٧١ ؛ نثر الدرّ: ١ / ٣٤٥ وفيه «بالعفو» بدل «بالتقوى» .

٤- الكافي: ٥/٧٢/٩ و ح ٨ و ص ٧٣/١٤ عن عليّ الأحمسي عن رجل عن الإمام الباقر عليه السلام وح ١٥ ، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٥٦ / ٣٥٦٧ ، الأصول الستة عشر: ٨٨ كلّها عن ذريح المحاربي ، الزهد للحسين بن سعيد: ٥١ / ١٣٦ عن عليّ الأحمص عمّن أخبره عن الإمام الباقر عليه السلام وفيها «الدنيا على الآخرة»، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٢٧ / ١٢٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای اصحاب من ، تنگدستی مایه خوشبختی است ، اما در آخر الزمان برای مؤمن ، توانگری سعادت است . [در آن حال] اگر می توانید ، در شمار توانگران باشید .

مسند ابن حنبل از عمرو بن عاص : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود : «ای عمرو! سلاح بگیر و جامه بر تن پوش و نزد من بیا!» من چنین کردم و نزد وی رفتم ، در حالی که مشغول وضو گرفتن بود . مرا از پای تا سر نیک و رانداز کرد و پسندید و فرمود: «ای عمرو! قصد دارم تو را به ناحیه ای روانه کنم ، امید که خداوند سلامت و غنیمت ارمغانت دهد ؛ و دوست می دارم که بهره ای مناسب از مال داشته باشی» . گفتم : «ای پیامبر خدا! من اسلام نیاوردم تا به مال دست یابم ، بلکه برای میل به جهاد و همراهی با تو ، اسلام آوردم» . فرمود : «چه نیکو است مال شایسته برای مرد شایسته!» .

امام باقر علیه السلام چنین می گفت : بار خدایا! مرا در دنیا با توانگری ، و در آخرت با تقوا یاری بخش .

امام صادق علیه السلام : نیکو یآوری است دنیا برای آخرت .

الأمالى للطوسى عن خلاد: قال رَجُلٌ [لِلإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: يَا جَعْفَرُ، الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ مَالٌ فَيَصِيغُهُ فَيَذْهَبُ؟ قَالَ: إِحْتَفِظْ بِمَالِكَ؛ فَإِنَّهُ قَوَامٌ دِينِكَ. ثُمَّ قَرَأَ: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا (١). (٢)»

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَيَصْنَعُ فِيهَا (فِيهَا) الْمَعْرُوفَ؛ فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ. (٣)

عنه عليه السلام: غِنَى يَحْبُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ. (٤)

عنه عليه السلام: خَمْسٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّ بِالْعَيْشِ: الصَّحَّةُ، وَالْأَمْنُ، وَالْغِنَى، وَالْقَنَاعَةُ، وَالْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ. (٥)

عنه عليه السلام: لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ؛ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ، وَيَقْضَى بِهِ دَيْنَهُ، وَيَصِلُ بِهِ رَحِمَهُ. (٦)

١- النساء: ٥.

٢- الأمالى للطوسى: ٦٧٩ / ١٤٤٤، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٩٢ / ٧.

٣- الكافى: ٤ / ٢٥ / ١ عن عبد الخالق الجعفى، مشكاة الأنوار: ٣١٩ / ١٠١٣ نحوه، مستدرک الوسائل: ١٢ / ٣٣٩ / ١٤٢٢٥ نقلاً عن كتاب معاوية بن حكيم.

٤- الكافى: ٥ / ٧٢ / ١١ عن أحمد بن محمد بن خالد رفعه، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٨ / ٩٠٤ عن أحمد بن أبى عبد الله رفعه، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٦ / ٣٦١٤.

٥- الأمالى للصدوق: ٣٦٧ / ٤٥٨ عن ابن سنان، المحاسن: ١ / ٧١ / ٢٥ عن أبى خالد الجهنى، مشكاة الأنوار: ٧٧١ / ٢٦٠، بحار الأنوار: ١ / ٨٣ / ٣ وج ٦٩ / ٣٦٩ / ٨.

٦- الكافى: ٥ / ٧٢ / ٥ عن عمرو بن جميع، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٦ / ٣٦١٥، تهذيب الأحكام: ٧ / ٤ / ١٠ وفيه «عن الحرث بن عمرو قال: سمعته يقول...»، ثواب الأعمال: ١ / ٢١٥ وليس فيه «ويصل به رحمه».

امالی طوسی از خلّاد: کسی [به امام صادق علیه السلام] گفت: «ای جعفر! [رای تو چیست درباره کسی که مالی دارد و آن را ضایع می کند و آن مال از کف می رود؟] فرمود: «مالت را حفظ کن؛ که برپادارنده دین تو است». سپس [این آیه را] قرائت کرد: «و مال های خود را که خداوند وسیله برپا بودن زندگی شما قرار داده، به کم خردان مدهید».

امام صادق علیه السلام: از مایه های پایداری مسلمانان و اسلام آن است که اموال نزد کسی باشد که در [حفظ] آن، حق را می شناسد و رفتار پسندیده را پیشه می کند. و از مایه های نابودی اسلام و مسلمانان آن است که اموال در دست کسی باشد که در [حفظ] آن، با حق آشنا نیست و رفتار پسندیده در پیش نمی گیرد.

امام صادق علیه السلام: توانگری ای که از ظلم بازت دارد، بهتر از فقری است که به گناهکاری واداردت.

امام صادق علیه السلام: آن کس که از پنج ویژگی بهره نداشته باشد، از لذت زندگی نصیب نمی برد: تندرستی، امانت، توانگری، قناعت، و همدم سازگار.

امام صادق علیه السلام: خیری نیست در آن کس که گردآوردن مال از راه حلال را دوست نمی دارد؛ تا با آن آبروی خویش را حفظ کند، دینش را ادا نماید، و با خویشانش پیوند داشته باشد.

٢ / ٢ العَوْنُ عَلَى التَّقْوِيرِ رسول الله صلى الله عليه و آله :نِعَمَ العَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللّهِ الغِنَى . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :نِعَمَ العَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللّهِ عز و جل المالُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :نِعَمَ العَوْنُ عَلَى الدِّينِ قُوْتُ سَنِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :لَوْلَا الخُبْرُ مَا صُمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا ، وَلَا أَدِينَا فَرَانِضَ رَبَّنَا عز و جل . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللّهُ عز و جل قَالَ : إِنَّا أَنْزَلْنَا المَالَ لِإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَلَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وَإِدِّ لَأَحَبَّ أَنْ يَكُونَ إِلَيْهِ ثَانٍ ، وَلَوْ كَانَ لَهُ وَادِيَانِ لَأَحَبَّ أَنْ يَكُونَ إِلَيْهِمَا ثَالِثٌ ، وَلَا يَمَلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ ، ثُمَّ يَتَوَبُّ اللّهُ عَلَى مَنْ تَابَ . (٥)

مسند ابن حنبل عن مسروق :قُلْتُ لِعَائِشَةَ : هَلْ كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ شَيْئًا إِذَا دَخَلَ البَيْتَ؟ قَالَتْ : كَانَ إِذَا دَخَلَ البَيْتَ تَمَثَّلَ : لَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وَادِيَانِ مِنْ مَالٍ لَابْتَغَى وَادِيَا ثَالِثًا ، وَلَا يَمَلَأُ فَمَهُ إِلَّا التُّرَابُ ، وَمَا جَعَلْنَا المَالَ إِلَّا لِإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَيَتَوَبُّ اللّهُ عَلَى مَنْ تَابَ . (٦)

- ١- الكافي: ٥/٧١/١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، من لا- يحضره الفقيه : ٣/١٥٦/٣٥٧٠ ، تحف العقول: ٤٩ ، الجعفریات: ١٥٥ ، بحار الأنوار: ٧٧/١٥٣/١١٦ ؛ مسند الشهاب: ٢/٢٦٠/١٣١٧ عن محمد بن المنكدر .
- ٢- الفردوس : ٤ / ٢٥٦ / ٦٧٥٦ عن جابر ، إحياء علوم الدين : ٤ / ١٥٢ ، كنز العمال : ٣/٢٣٩/٦٣٤٢ .
- ٣- الفردوس : ٤ / ٢٥٦ / ٦٧٥٥ ، كشف الخفاء : ٢ / ٣٢٠ / ٢٨١٩ كلاهما عن معاوية بن حيدة ، كنز العمال : ٣ / ٢٣٨ / ٦٣٣٥ .
- ٤- الكافي : ٦ / ٢٨٧ / ٦ و ج ٥ / ٧٣ / ١٣ ، المحاسن : ٢ / ٤١٦ / ٢٤٦٠ كلهما عن أبي البختری رفعه ، مكارم الأخلاق : ١ / ٣٣٣ / ١٠٧١ وفيه «فرض الله» ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٢٧٠ / ٦ .
- ٥- مسند ابن حنبل : ٨ / ٢١٠ / ٢١٩٦٥ ، المعجم الكبير : ٣ / ٢٤٧ / ٣٣٠١ كلاهما عن أبي واقد الليثي و ج ٨ / ٢٤٧ / ٧٩٧٠ عن أبي أمامه نحوه ، كنز العمال : ٣ / ٢٠٠ / ٦١٦٥ .
- ٦- مسند ابن حنبل : ٩ / ٣١٥ / ٢٤٣٣٠ ، مسند أبي يعلى : ٤ / ٢٨٠ / ٤٤٤٣ نحوه .

۲ / ۲ یاری رساندن به تقوا

۲ / ۲ یاری رساندن به تقوا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چه یاور خوبی است توانگری برای تقوای خدایی!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نیکو یآوری است مال برای تقوای خدایی!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :داشتن خوراک سال ، نیک یاری است برای دین!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر نان نبود ، روزه نمی گزاردیم ، نماز نمی خواندیم ، و واجب های پروردگار خویش را به جای نمی آوردیم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هر آینه خداوند فرموده است: «همانا مال را نازل کردیم تا نماز برپا شود و زکات پرداخت گردد . اگر فرزند آدم را گستره ای از مال باشد ، دوست می دارد که گستره ای دیگر نیز از آن او گردد ؛ و اگر دو گستره داشته باشد ، می خواهد که گستره ای سوم نیز به ملک او درآید . درون فرزند آدم را چیزی جز خاک پُر نمی کند و از آن پس ، خداوند از هر که توبه کند ، توبه پذیر است» .

مسند ابن حنبل از مسروق :به عایشه گفتم: «آن گاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خانه درمی آمد ، آیا سخنی می فرمود؟» گفت : «هر گاه به خانه درمی آمد ، چنین مثل می زد : «اگر فرزند آدم را دو گستره از مال باشد ، گستره ای سوم می طلبد ؛ و دهان او را چیزی جز خاک پُر نمی کند . مال را نیافریده ایم جز برای برپا داشتن نماز و پرداخت زکات ؛ و خداوند از هر که توبه کند ، توبه پذیر است» .

الإمام علي عليه السلام: المال عون الزكاه . (١)

٢ / ٣ مضاعفه الأجر الكتاب: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصَّغْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ . (٢)»

«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . (٣)»

الحديث: الإمام الصادق عليه السلام: جاء الفقراء إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقالوا: يا رسول الله، إن الأغنياء لهم ما يُعْتَقُونَ وليس لنا، ولهم ما يُحْجُونَ وليس لنا، ولهم ما يتصدقون وليس لنا، ولهم ما يُجاهدون وليس لنا؟ فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: من كبر الله عز وجل مائة مائة كان أفضل من عتي مائة رقبته، ومن سبى الله مائة مائة كان أفضل من سبى مائة بيده، ومن حمد الله مائة مائة كان أفضل من حملان مائة فرس في سبيل الله بسيرجها ولجمها وركبها، ومن قال: لا إله إلا الله مائة مائة كان أفضل الناس عملاً ذلك اليوم، إلا من زاد. قال: فبلغ ذلك الأغنياء فصنعوه. قال: فعاد الفقراء إلى النبي صلى الله عليه وآله فقالوا: يا رسول الله، قد بلغ الأغنياء ما قلت، فصنعوه؟! فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء . (٤)

١- مسند زيد : ٢٠١ .

٢- سبأ : ٣٧ .

٣- البقره : ٢٦٨ .

٤- الكافي : ٢ / ٥٠٥ / ١ عن هشام بن سالم وأبي أيوب ، ثواب الأعمال : ٢٥ / ١ ، الأمل للصدوق : ١٢٨ / ١١٦ كلاهما عن مالك بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ٢ / ٧٦ / ٢١٨٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

۲ / ۳ چند برابر کردن پاداش

امام علی علیه السلام: مال، یاری کننده زکات است.

۲ / ۳ چند برابر کردن پاداش قرآن: «و مال ها و فرزندانان، آن [فضیلتی] نیست که شما را به ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آوردند و کار نیک و شایسته کردند. پس اینانند که بدانچه کردند، پاداشی دو چندان دارند؛ و ایشان در کوشک های بلند بهشت، ایمن و آسوده باشند.»

«شیطان، شما را از درویشی و بینوایی می ترساند و به زشتکاری و ناشایست فرمان می دهد؛ و خدا شما را به آمرزش و فزون بخشی خویش نوید می دهد. و خداوند گشایش بخش و دانا است.»

حدیث: امام صادق علیه السلام: فقیران نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده، گفتند: «ای رسول خدا! مالداران با ثروت خویش، بنده آزاد می کنند و حج می گزارند و صدقه می دهند و جهاد می کنند؛ و ما مال نداریم [که چنین کنیم].» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس صد بار الله اکبر گوید، برتر از آزاد کردن صد بنده است؛ و هر کس صد بار سبحان الله گوید، بهتر از آن است که صد شتر پیشکش کند؛ و هر که صد بار الحمد لله گوید، نیکوتر از آن است که صد اسب را با زین و لگام و سوار [برای جهاد] در راه خدا روانه سازد؛ و هر که صد بار لا اله الا الله گوید، در آن روز [= رستاخیز] نیکو کردارترین افراد است. مگر آن که کسی [بر این ذکرها] بیفزاید». [امام] فرمود: «این خبر به توانگران رسید؛ آن ها نیز چنین کردند». [امام] فرمود: «فقیران نزد پیامبر صلی الله علیه و آله باز گشتند و گفتند: «ای رسول خدا! آن چه گفتی به گوش توانگران رسید و آنان هم همان گونه کردند!» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این بخشش افزون خداوند است که به هر که خواهد، عطا فرماید.»

تاريخ بغداد عن أبو هريره: أتى فقراء المسلمين رسول الله صلى الله عليه وآله فقالوا: يا رسول الله، ذهب ذوو الأموال بالدراجات؛ يصيّلون كما نصيّلنى، ويحجّون كما نحجّ، ويصومون كما نصوم، ولهم فضول أموال يتصدّقون منها، وليس لنا ما نتصدّق! فقال: ألا- أدلّكم على أمر إذا فعلتموه أدركتم من سبقكم، ولم يلحقكم من خلفكم، إلا- من عمل بمثل ما عملتم به؟ تسيّبون الله دبر كل صلاة ثلاثا وثلاثين، وتحمدونه ثلاثا وثلاثين، وتكبرونه أربعاً وثلاثين. فبلغ ذلك الأغنياء، فقالوا مثل ما قالوا، فأتوا النبي صلى الله عليه وآله فأخبروه، فقال: ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إن لله تعالى ذكره عباداً ميامين مياسير، يعيشون ويعيش الناس في أكنافهم، وهم في عباده بمنزلة القطر (٢).

١- تاريخ بغداد: ٣ / ٦٤ / ١١٠٨، مسند ابن حنبل: ٨ / ١٦٦ / ٢١٧٦٨ عن أبي الدرداء، كنز العمّال: ٢ / ٦٤٣ / ٤٩٧٥ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزاق وكلاهما نحوه .

٢- الكافي: ٨ / ٢٤٧ / ٣٤٥ عن أبي عبيد المدائني، تحف العقول: ٣٠٠، بحار الأنوار: ٦٦ / ١٨٠ / ٧٨.

تاریخ بغداد از ابو هریره: فقیران مسلمان نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: «ای رسول خدا! مالداران به رتبه هایی رسیده اند. همچون ما نماز می خوانند و حج به جای می آورند و روزه می گزارند؛ اما اموالی بیشتر دارند که از آن صدقه می دهند، حال آن که ما مالی برای صدقه دادن نداریم». پیامبر فرمود: «آیا کاری نیاموزمتان که اگر انجامش دهید، پیشی جستگان را پشت سر نهد و پشت سرماندگان هرگز نتوانند به شما رسند، مگر آن که همچون شما عمل کنند؟ پس از هر نماز، سی و سه بار سبحان الله گوید؛ و سی و سه بار الحمد لله گوید؛ و سی و چهار بار الله اکبر». این خبر به توانگران رسید. ایشان نیز همان را گفتند که فقیران. پس فقرا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و از آن به وی خبر دادند. فرمود: «این افزون بخشی خداست که هر که را خواهد، شامل شود».

امام باقر علیه السلام: همانا خدای برتر باد یادش! را بندگانی فرخنده حال و آسان بخش است که می زیند و مردم نیز در سایه [بذل و بخشش] آنان زندگی می کنند. اینان در میان بندگان خدا، همانند باران هستند.

علل الشرايع عن أبو بصير: ذكّرنا عند أبي جعفر عليه السلام من الأغنياء من الشديعة، فكأنه كره ما سمع منا فيهم؛ قال: يا أبا محمّد، إذا كان المؤمن غنياً ورحيماً وصولاً له معروفاً إلى أصحابه، أعطاه الله أجر ما ينفق في البرّ أجره مرّتين ضِعْفَيْن؛ لأنّ الله تعالى يقول في كتابه: «وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ (١). (٢)»

٢ / ٤ صِيَانَةُ الْوَجْهِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ، وَلَا تَبْدُلْ جَاهِي بِالِإِقْتَارِ؛ فَاسْتَرْزِقْ طَالِبِي رِزْقِكَ، وَأَسْتَعِظْ شَرَارَ خَلْقِكَ، وَأُبْتَلِي بِحَمْدِكَ مَنْ أَعْطَانِي، وَأُفْتِنَنَّ بِعَدَمٍ مَنْ مَنَعَنِي، وَأَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَالْمَنْعِ؛ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (٣)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه: مُحِبُّ الدَّرَاهِمِ مَعْدُورٌ وَإِنْ أَدْنَتْهُ مِنَ الدُّنْيَا؛ لِأَنَّهَا صَانَتُهُ عَنِ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا. (٤)

١- سبأ: ٣٧.

٢- علل الشرايع: ٦٠٤ / ٧٣، تفسير القمّي: ٢ / ٢٠٣ نحوه وفي صدره «ذكر رجل عند أبي عبد الله عليه السلام الأغنياء ووقع فيه . .»، بحار الأنوار: ٧٢ / ٦٣ / ١٠ / ج ١٠٣ / ٣ / ٢.

٣- نهج البلاغه: الخطبه ٢٢٥، الصحيفه السجّاديه: ٨٧ الدعاء ٢٠ نحوه.

٤- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٢٩٢ / ٣٤٨.

۲ / ۴ حفظ آبرو

علل الشرایع از ابوبصیر: نزد امام باقر علیه السلام از توانگران شیعه سخن گفتیم . گویا وی آن چه را از ما درباره آنان شنید ، خوش نمی داشت ؛ فرمود : «ای ابو محمّد! هر گاه مؤمن توانگر و مهرپیشه باشد و همواره از جانب او به یارانش خیر برسد ، خداوند پاداشِ انفاق نیکش را دو برابر عطا می فرماید ؛ که او ، خود ، در کتابش فرموده است : «و مال ها و فرزندان ، آن [فضیلتی] نیست که شما را به ما نزدیک گرداند ، مگر کسانی که ایمان آوردند و کار نیک و شایسته کردند ؛ پس اینانند که بدانچه کردند ، پاداشی دو چندان دارند و ایشان در کوشک های بلند بهشت ، ایمن و آسوده باشند» .

۲ / ۴ حفظ آبرو امام علی علیه السلام: بار خدایا! با گشاده حالی ، آبرویم را حفظ فرما و با تنگدستی ، احترامم را مَبَر تا ناچار شوم از کسانی که خود جوینده روزی تواند ، طلب روزی کنم و از بندگان بدت درخواست نمایم و به ستایشگری از آن که به من بخشش می کند و بدگویی از آن که مرا چیزی نمی بخشد ، گرفتار آیم ؛ در حالی که در پس همه این ها ، تویی که بخشیدن یا نبخشیدن را در اختیار داری . همانا تو بر هر چیز توانایی!

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : آن را که دوستار درهم [و مال] است ، گناهی نیست هر چند این دوستی او را به دنیا نزدیک می کند زیرا مال و درهم ، او را از نیازادگان حفظ می کند .

٢ / ٥ سَتْرُ الْعُيُوبِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ ، وَالْفَقْرُ وَالْجَهْلُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ اسْتُرْنَا بِالْغِنَى وَالْعَافِيَةِ . (٢)

٢ / ٦ ظُهُورُ الْمُرُوءَةِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعَ الشَّرِّ تَظْهَرُ الْمُرُوءَةُ . (٣)

٢ / ٧ رَاحَةُ النَّفْسِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوْتَهَا اسْتَقَرَّتْ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ أَصْفَرٌ وَلَا أَيْضٌ لَمْ يَتَّهَنَّ بِالْعَيْشِ . (٥)

١- الفردوس: ٣ / ٧١ / ٤٢٠٠ عن ابن عباس ، كنز العمال : ١٠ / ١٣٤ / ٢٨٦٦٩ .

٢- من لا يحضره الفقيه: ١ / ٣٣٨ / ٩٨٣ ، مكارم الأخلاق: ٢ / ٢٤ / ٢٠٥٧ كلاهما عن مسمع كردين ، بحار الأنوار: ٨٦ / ١٩٠ / ٥١ .

٣- غرر الحكم: ٩٧٣٥ .

٤- الكافي: ٥ / ٨٩ / ٢ عن ابن بكير عن الإمام الرضا عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٦ / ٣٦١٩ عن الإمام الصادق عليه السلام .

٥- المعجم الكبير: ٢٠ / ٢٧٩ / ٦٥٩ ، حليه الأولياء: ٦ / ١٠٢ ، كنز العمال: ٣ / ٢٤٠ / ٦٣٤٦ .

۲ / ۵ پوشاندنِ عیبِ ها

۲ / ۶ جلوه کردنِ جوانمردی

۲ / ۷ آسایشِ روانی

۲ / ۵ پوشاندنِ عیبِ های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش و دارایی، هر عیبی را می پوشانند؛ و نداری و نادانی هر عیبی را آشکار می سازند.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! با توانگری و تندرستی، [عیوب] ما را بپوشان.

۲ / ۶ جلوه کردنِ جوانمردی امام علی علیه السلام: با ثروت، جوانمردی جلوه می کند.

۲ / ۷ آسایشِ روانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی، هر گاه وسایل زندگی اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می یابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم را زمانی فرا می رسد که هر کس طلا و نقره [= مال و منال] نداشته باشد، زندگانی گوارایی نخواهد داشت.

الإمام الصادق عليه السلام رَدَا عَلَى قَوْمٍ مِنَ الصُّوفِيَّةِ : ... فَأَمَّا سَلْمَانُ فَكَانَ إِذَا أَخَذَ عَطَاءَهُ رَفَعَ مِنْهُ قُوَّتَهُ لِسَنَّتِهِ حَتَّى يَحْضِرَ عَطَاؤُهُ مِنْ قَابِلٍ . فَقِيلَ لَهُ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، أَنْتَ فِي زُهْدِكَ تَصْنَعُ هَذَا وَأَنْتَ لَا تَدْرِي لَعَلَّكَ تَمُوتُ الْيَوْمَ أَوْ غَدًا؟! فَكَانَ جَوَابُهُ أَنْ قَالَ : مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِيَ الْبَقَاءَ كَمَا خِفْتُمْ عَلَيَّ الْفَنَاءَ؟! أَمَا عَلِمْتُمْ يَا جَهْلَهُ ! أَنَّ النَّفْسَ قَدْ تَلْتَاثَ عَلَى صَاحِبِهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا مِنَ الْعَيْشِ مَا يُعْتَمَدُ عَلَيْهِ ، فَإِذَا هِيَ أَحْرَزَتْ مَعِيشَتَهَا اطْمَأَنَّتْ؟! (١)

من لا يحضره الفقيه عن يعقوب بن سالم : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَكُونُ مَعِيَ الدَّرَاهِمُ فِيهَا تَمَائِيلٌ وَأَنَا مُحْرِمٌ ، فَأَجْعَلُهَا فِي هِمْيَانِي وَأَشُدُّهُ فِي وَسْطِي؟ فَقَالَ : لَا بَأْسَ ، أَوْ لَيْسَ هِيَ نَفَقَتُكَ وَعَلَيْهَا اعْتِمَادُكَ بَعْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟! (٢)

من لا يحضره الفقيه عن يونس بن يعقوب : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُحْرِمُ يَشُدُّ الْهِمْيَانَ فِي وَسْطِهِ؟ قَالَ : نَعَمْ ، وَمَا خَيْرُهُ بَعْدَ نَفَقَتِهِ؟! (٣)

الإمام الرضا عليه السلام : إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا أَدْخَلَ طَعَامَ سِنَّتِهِ خَفَّ ظَهْرُهُ وَاسْتَرَاحَ ، وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَا يَشْتَرِيَانِ عُقْدَةً حَتَّى يُحْرِزَا طَعَامَ سِنَّتَيْهِمَا . (٤)

١- الكافي : ٥ / ٦٨ / ١ عن مسعده بن صدقه ، تحف العقول : ٣٥١ ، بحار الأنوار : ٤٧ / ٢٣٥ / ٢٢ و ج ٧٠ / ١٢٥ / ١٣ .

٢- من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٢٨٠ / ٢٤٤٩ ، المحاسن : ٢ / ١٠٤ / ١٢٧٨ وفيه «أليس هي نفقتك تعينك بعد الله» ، بحار الأنوار : ٨٣ / ٢٤٨ / ٧ و ج ٩٩ / ١٤٥ / ١٥ .

٣- من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٣٤٦ / ٢٦٤٥ .

٤- الكافي : ٥ / ٨٩ / ١ ، قرب الإسناد : ٣٩٢ / ١٣٧٣ وفيه «يدخلا» بدل «يحرز» وكلاهما عن الحسن بن الجهم .

امام صادق علیه السلام در پاسخ گروهی از صوفیه: . . . و امّا سلمان؛ هرگاه سهم خویش از بیت المال را می گرفت، به اندازه نیاز یک سالش از آن برمی گرفت تا نوبت آینده دریافتش فرا رسد. به وی گفته شد: «ای ابو عبدالله! با آن که زاهدی، چنین می کنی [= برای رفع نیازت کار می کنی]، حال آن که نمی دانی امروز می میری یا فردا!». پاسخ امام چنین بود: «چرا همان گونه که مرگم را بیم دارید، زندگی ام را امید نمی برید؟ ای نادانان! مگر نمی دانید آن گاه که آدمی نتواند نیاز زندگی اش را تأمین کند، روانش با او ناآرامی می کند و هر گاه نیازش را تأمین سازد، روانش آرامش می یابد؟»

من لا يحضره الفقيه از يعقوب بن سالم: به امام صادق عليه السلام گفتم: «همراه من درهم هایی نقش دار است. آیا در حالی که مُحَرَّم هستم، جایز است آن ها را در همیانم گذارم و به میان برندم؟» فرمود: «باکی نیست. مگر نه این است که آن درهم ها زادِ راه تواند و پس از خدا، تکیه تو بر آن ها است؟»

من لا يحضره الفقيه از يونس بن يعقوب: به امام صادق عليه السلام گفتم: «آیا مُحَرَّم را جایز است که همیان را به کمر برنند؟» فرمود: «آری؛ مؤمن اگر زادِ راه نداشته باشد، چه خیری در او است؟»

امام رضا عليه السلام: هر گاه انسان به قدر خوراک سالش را فراهم آورد، سبکبار و آسوده خاطر می شود. امامان باقر و صادق علیهما السلام مادام که به قدر خوراک سالشان را تدارک نمی کردند، ملکی نمی خریدند.

٢ / ٨ شَرَفُ الدُّنْيَا رسول الله صلى الله عليه وآله : شَرَفُ الدُّنْيَا الغِنَى ، وَشَرَفُ الآخِرَةِ التَّقْوَى . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : حَسَبُ المرءِ ماله . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَحْسَابَ أَهْلِ الدُّنْيَا الَّذِي يَذْهَبُونَ إِلَيْهِ الْمَالُ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : الحَسَبُ الْمَالُ ، وَالكَرْمُ التَّقْوَى . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : الجَاهُ أَحَدُ الرِّفْدَيْنِ ، وَالآخِرُ الْمَالُ . (٥)

الإمام علي عليه السلام : الغِنَى يُسَوِّدُ غَيْرَ السَّيِّدِ ؛ الْمَالُ يَقْوَى غَيْرَ الْأَيْدِ . (٦)

الإمام الصادق عليه السلام : الحَسَبُ الْفِعَالُ ، وَالشَّرَفُ الْمَالُ . (٧)

-
- ١- الفردوس : ٢ / ٣٥٨ / ٣٦٠٠ عن عمر بن الخطاب ، كنز العمال : ٣ / ٩٢ / ٥٦٥٠ .
 - ٢- الأُمَالِي لِلطُّوسِي : ٥٩٠ / ١٢٢٣ عن علي بن حمزة العلوي عن الإمام الرضا عن آباءه عليهم السلام ، الجعفریات : ١١٢ ، غرر الحكم : ٤٨٩٠ ، بحار الأنوار : ١ / ٩٤ / ٢٥ .
 - ٣- سنن النسائي : ٦ / ٦٤ ، مسند ابن حنبل : ٩ / ١٨ / ٢٣٠٥١ ، المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ١٧٧ / ٢٦٨٩ ، السنن الكبرى : ٧ / ٢١٩ / ١٣٧٧٥ وليس فيه «الذي يذهبون إليه» وكلها عن ابن بريده عن أبيه ، كنز العمال : ٣ / ١٨١ / ٦٠٥٧ .
 - ٤- سنن الترمذي : ٥ / ٣٩٠ / ٣٢٧١ ، سنن ابن ماجه : ٢ / ١٤١٠ / ٤٢١٩ ، مسند ابن حنبل : ٧ / ٢٥٣ / ٢٠١٢٢ ، المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ١٧٧ / ٢٦٩٠ ، السنن الكبرى : ٧ / ٢١٩ / ١٣٧٧٦ ، كلها عن سمره ، كنز العمال : ٣ / ٩٠ / ٥٦٣٤ ؛ تحف العقول : ٣٧٣ عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، الجعفریات : ١١٢ بإسناده عن الإمام علي عليه السلام وفيه «الحسب هو المال» .
 - ٥- بحار الأنوار : ٧٧ / ١٦٥ / ٢ نقلًا عن عوالي اللآلي .
 - ٦- غرر الحكم : ٤٦٠ و ٤٦١ .
 - ٧- معاني الأخبار : ٤٠٥ / ٦٧ عن الوليد بن العباس ، بحار الأنوار : ٧٠ / ٢٩٢ / ٣٢ .

۲ / ۸ مایه بزرگواری در دنیا

۲ / ۸ مایه بزرگواری در دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مایه بزرگواری دنیا، توانگری است؛ و مایه بزرگواری آخرت، تقوا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شرف و گوهر مرد، دارایی او است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا مایه شرافت مردم دنیا که انسان ها به آن می گرایند، دارایی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مایه شرافت، دارایی است؛ و مایه کرامت، تقوا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از دو تکیه گاه، رتبه است؛ و دیگری دارایی.

امام علی علیه السلام: توانگری، آن کس را که سروری ندارد، سروری می بخشد؛ و دارایی، آن را که نیرو ندارد، نیرو می دهد.

امام صادق علیه السلام: گوهر آدمی به رفتار او است و شرافتش به دارایی اش.

الكافي عن الحجاج: قُلْتُ لِجَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا أَتَاكُمْ شَرِيفُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ؟» قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ لَهُ: وَمَا الشَّرِيفُ؟ قَالَ: قَدْ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: الشَّرِيفُ مَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ. قُلْتُ: فَمَا الْحَسِيبُ؟ قَالَ: الَّذِي يَفْعَلُ الْأَفْعَالَ الْحَسَنَةَ بِمَالِهِ وَغَيْرِ مَالِهِ. قُلْتُ: فَمَا الْكَرْمُ؟ قَالَ: التَّقْوَى. (١)

الكافی از حَجَّال: به جَمیل بن دَرَّاج گفتم: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر گاه بزرگوارِ قومی نزد شما آمد ، احترامش نهید . گفت: «آری!» گفتم: «بزرگوار کیست؟» گفت: «در این باره ، از امام صادق علیه السلام سؤال کردم . فرمود : بزرگوار آن است که مال دارد .» گفتم: «نژاده و با گوهر کیست؟» گفت: «آن کس که با مال و غیر مال خویش ، کار نیکو کند .» گفتم: «کرامت چیست؟» گفت: «تقوا» .

الفصل الثالث: التخلف الاقتصادي ٣ / افقر المجتمع من نعم الله الكتاب: «ضربت عليهم الذلة أين ما تقفوا إلا بحبل من الله وحبل من الناس وبأو بعصب من الله وضربت عليهم المسكنة ذلك بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله ويقتلون الأنبياء بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون. (١)»

«كذاب آال فرعون والذين من قبلهم كفروا بآيات الله فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوي شديد العقاب * ذلك بأن الله لم يك مغيراً نعمه أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وأن الله سميع عليم. (٢)»

«ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفراً وأحلوا قومهم دار البوار. (٣)»

١- آل عمران : ١١٢ .

٢- الأنفال : ٥٢ و ٥٣ وراجع الرعد : ١١ .

٣- إبراهيم : ٢٨ .

۳ / ۱ فقر جامعه از مجازات های خداوند است

فصل سوم: واپس ماندگی اقتصادی ۳ / ۱ فقر جامعه از مجازات های خداوند استقرآن: «هر جا یافته شوند [مُهر] خواری بر آنان زده شده است ، مگر آن که به زنهاری [= امانی یا پیمانی] از خدای و زنهاری از مردم [= پیمان مسلمانان] روند و با خشمی از خدای بازگشتند [= سزاوار خشم خدای گشتند] و [مُهر] درماندگی و بیچارگی بر آنان زده شده؛ این ، بدان سبب است که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناروا می کشتند . این ، از آن رو است که نافرمانی کردند و از اندازه در می گذشتند .»

«همانند عادت و روش فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند که به آیات خدا کافر شدند؛ پس خدا آن ها را به سزای گناهانشان بگرفت ، زیرا که خدا نیرومند و سخت کیفر است * این [کیفر] از آن رو است که خدا هرگز بر آن نبوده که نعمتی را که بر مردمی ارزانی داشته ، دگرگون کند تا آن که آن ها آن چه را که در خودشان است ، دگرگون سازند [= حال خود را به کفر و ناسپاسی و ستمگری بگردانند] و خدا شنوا و دانا است .»

« وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمًا كَانَتْ أَمَانَهُمْ مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ . (١) »

« فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِنِ أَكُلِ الْخَمِطِ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ . (٢) »
 « وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ . (٣) »

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا غَضِبَ اللَّهُ عَلَى أُمَّةٍ وَلَمْ يُنَزِلْ بِهَا الْعَذَابَ ، غَلَّتْ أَسْعَارُهَا ، وَقَصُرَتْ أَعْمَارُهَا ، وَلَمْ تَرْبِحْ تُجَارُهَا ، وَلَمْ تَزْكُ ثِمَارُهَا ، وَلَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا ، وَحُبِسَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا ، وَسَلَّطَ عَلَيْهَا شِرَارُهَا . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ تَعَالَى فِي خَلْقِهِ : عَدْلُ سُلْطَانِهِمْ ، وَرُخْصُ أَسْعَارِهِمْ . وَعَلَامَةُ غَضَبِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ : جَوْرُ سُلْطَانِهِمْ ، وَغَلَاءُ أَسْعَارِهِمْ . (٥)

١- النحل : ١١٢ .

٢- سبأ : ١٦ .

٣- الشورى : ٣٠ .

٤- الكافي : ٥ / ٣١٧ / ٥٣ عن الأصمغ بن نباته عن الإمام عليّ عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ١ / ٥٢٤ / ١٤٨٩ ، تهذيب الأحكام : ٣ / ١٤٨ / ٣١٩ وفيه «تعذب» بدل «تغزر» ، الأمالي للصدوق : ٦٧٨ / ٩٢٢ عن الأصمغ بن نباته عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأمالي للطوسي : ٢٠١ / ٣٤٣ عن إبراهيم بن زياد عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٥٥ / ١٢٨ نقلًا عن تحف العقول ؛ الفردوس : ١ / ١٦١ / ٥٩٨ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كنز العمال : ٧ / ٨٣٩ / ٢١٦١١ .

٥- الكافي : ٥ / ١٦٢ / ١ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٥٨ / ٧٠٠ ، الأصول الستة عشر : ٣ كلّها عن عبد الله ابن جعفر ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٦٩ / ٣٩٧٤ ، تحف العقول : ٤٠ ، بحار الأنوار : ٣٦ / ١٤٣ / ٧٧ .

«آیا ننگریستی به کسانی که [سپاس] نعمت خدا را به کفران و ناسپاسی بدل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند؟»

«و خداوند شهری را مثل می زند که امن و آرام بود، روزی آن به فراوانی از هر جای می رسید، اما [مردم آن] نعمت های خدای را ناسپاسی کردند. پس خدا به سزای آن چه می کردند، جامه گرسنگی و ترس به [مردم] آن چشاند.»

«پس روی گردانیدند [از فرمان خدا یا از سپاسگذاری] و سیل سخت بر آنان فرستادیم و دو بوستانشان را به دو بوستانی دیگر بدل کردیم با میوه ای تلخ و شوره گز و اندکی از کُنار.»

«و هر مصیبتی که به شما رسد، به سبب کارهایی است که دست هاتان کرده و از بسیاری [گناهان] در می گذرد.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند بر امتی خشم گیرد و بر آن عذاب نازل نکند، قیمت ها در آن بالا می رود، آبادانی اش کاهش می یابد، بازرگانانش سود نمی برند، میوه هایش رشد نمی کنند، جوی هایش پُر آب نمی گردند، باران بر آن فرو نمی بارد، و بدانند بر آن سلطه می یابند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه خشنودی خداوند در میان آفریدگانش چنین است: دادگری حکمرانشان و کاهش قیمت هاشان؛ و نشانه خشم خدای تبارک و تعالی بر آفریدگانش این است: بیداری حکمرانشان و افزایش قیمت هاشان.

الإمام الصادق عليه السلام فى قولِ الله عز و جل : « إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ (١) » : كَانَ سِعْرُهُمْ رَخِيصًا . (٢)

تفسير الطبرى عن ابن عباس : « إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ » قَالَ : رُحِصُ السَّعْرِ . « وَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (٣) » قَالَ : غَلَاءُ السَّعْرِ . (٤)

الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُدْرَأُ عَنْهُ الرِّزْقُ . وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : « إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ * وَ لَا يَسْتَشْتُونَ * فَطَافَ عَلَيْهَا طَآءِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ هُمْ نَآءٍ مُّوْنٌ (٥) . (٦) »

تفسير القرآن العظيم عن جهم عن إبراهيم : أَوْحَى اللَّهُ عز و جل إِلَى نَبِيِّ مِّنْ أَنْبِيَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ : إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ وَلَا أَهْلِ بَيْتٍ يَكُونُونَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ فَيَتَحَوَّلُونَ مِنْهَا إِلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا تَحَوَّلَ اللَّهُ مِمَّا يُحِبُّونَ إِلَى مَا يَكْرَهُونَ . ثُمَّ قَالَ : إِنَّ تَصْدِيقَ ذَلِكَ فِى كِتَابِ اللَّهِ : « إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (٧) . (٨) »

١- هود : ٨٤ .

٢- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٦٨ / ٣٩٦٨ ، الكافي : ٥ / ١٦٤ / ٧ عن أحمد بن محمد بن بعض أصحابه رفعه ، تفسير العياشى : ٢ / ١٥٩ / ٦١ عن أحمد بن محمد بن عيسى عن بعض أصحابنا عنه عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٢ / ٣٨٧ / ١٤ .

٣- هود : ٨٤ .

٤- تفسير الطبرى : ٧ / الجزء ١٢ / ٩٨ ، الدر المنثور : ٤ / ٤٦٦ نقلاً عن ابن جرير وأبى الشيخ .

٥- القلم : ١٧ / ١٩ .

٦- الكافي ٢ / ٢٧١ / ١٢ و ص ٢٧٠ / ٨ وفيه « فيزوى » بدل « فيدراً » وكلاهما عن الفضيل ، الخصال : ١٠ / ٦٢٠ عن محمد بن مسلم وأبى بصير عن الإمام الصادق عن آباءه عن الإمام على عليهم السلام ، عدّه الداعى : ١٩٧ عن ابن مسعود عن رسول الله صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه ؛ سنن ابن ماجه : ٢٢ / ٤٠٢٢ / ٢ / ١٣٣٤ ، الزهد لابن المبارك : ٢٩ / ٨٦ كلاهما عن ثوبان عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيهما « إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ » .

٧- الرعد : ١١ .

٨- تفسير القرآن العظيم لابن أبى حاتم الرازى : ٧ / ٢٢٣٢ / ١٢٢٠١ ، الدر المنثور : ٤ / ٦١٧ .

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای که «من شما را در خوشی و آسایش می بینم»: قیمت [کالاها در میان] ایشان پایین بود .

تفسیر طبری از ابن عباس: [درباره آیه] «من شما را در خوشی و آسایش می بینم» [ابن عباس گفته است: [مراد] پایین بودن قیمت ها است؛ [و درباره آیه] «و بر شما از عذاب روزی فراگیر می ترسم» [ابن عباس] گفته است: [مراد] بالا بودن قیمت ها است .

الکافی از فضیل از امام باقر علیه السلام: «هر آینه، آن گاه که انسان گناهی را مرتکب می شود، روزی از او روی می گرداند». آن گاه، امام این آیه را تلاوت فرمود: «ما آن ها [اهل مکه] را بیازمودیم [= به آن ها نعمت دادیم، ولی کفر ورزیدند]، چنان که خداوندان آن بوستان را آزمودیم؛ آن گاه که سوگند خوردند که هر آینه بامداد پگاه [پنهان از مستمندان] میوه آن را خواهیم چید* و نگفتند: اگر خدای خواهد* پس شبانگاه که خفته بودند، آفتی از سوی پروردگارت بر گرد آن [بوستان] بگردید» .

تفسیر القرآن العظیم از جهم از ابراهیم: خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل وحی کرد که به امتش بگوید: «هر مردم آبادی ای یا اعضای خانه ای که نخست خدای را فرمان می برند و سپس به نافرمانی خدا روی می آورند، بی گمان، خداوند آن چه را آنان می پسندند به آن چه نمی پسندند، تغییر می دهد». سپس [آن پیامبر] گفت: تأیید این سخن، در کتاب خدای چنین است: «همانا خداوند آن چه را گروهی دارند [از نعمت ها]، دگرگون نمی کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است [= صفات و اعمال خود را] دگرگون کنند» .

الكافي عن أبو حمزة الثماليّ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حُطْبَتِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْكَوَّاءِ الْيَشْكُرِيُّ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَوْ تَكُونُ ذُنُوبٌ تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ؟! فَقَالَ: نَعَمْ وَيْلَكَ! قَطِيعَةُ الرَّحِمِ، إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَجْتَمِعُونَ وَيَتَوَاسُونَ وَهُمْ فَجْرَةٌ فَيَرِزُقُهُمُ اللَّهُ، وَإِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَتَفَرَّقُونَ وَيَقْطَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَحْرِمُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ أَتْقِيَاءُ. (١)

الإمام عليّ عليه السلام: وَاللَّهِ، مَا نَزَعَاللَّهُ مِنْ قَوْمٍ نَعْمَاءَ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحَوْهَا، فَارِبَطُوهَا بِالشُّكْرِ، وَقَيِّدُوهَا بِالطَّاعَةِ. (٢)

عنه عليه السلام في حديث الأربعمائة: مَا زَالَتْ نِعْمَةٌ وَلَا نَضَارَةٌ عَيْشٍ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحَوْا؛ إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ. (٣)

عنه عليه السلام: حَاصِلُ الْمَعَاصِي التَّلَفُ. (٤)

١- الكافي: ٢ / ٣٤٧ / ٧، بحار الأنوار: ٧٤ / ١٣٧ / ١٠٧.

٢- إرشاد القلوب: ١٥٠.

٣- الخصال: ١٠ / ٦٢٤ عن محمد بن مسلم وأبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، نهج البلاغه: الخطبه ١٧٨، تحف العقول: ١١٤ كلاهما نحوه، غرر الحكم: ٩٦٢٩ وفيه «غضاره» بدل «نضاره»، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٥٠ / ٤٧ و ج ٩٣ / ٢٨٩ / ٥.

٤- غرر الحكم: ٤٩١٣.

الکافی از ابو حمزه ثمالی: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه خویش فرمود: «پناه می جویم به خداوند از گناهایی که مرگ را زودرس می کنند». پس عبدالله بن کواء یشکری برخاست و گفت: «ای امیر المؤمنین! آیا به راستی گناهایی هستند که مرگ را زودرس کنند؟» امام فرمود: «وای بر تو! آری؛ بریدن پیوند از خویشاوندان چنین است. هر آینه، برخی خانواده ها هستند که گرد هم می آیند و با یکدیگر همراهی و همدلی می کنند و با آن که بدکارند، خداوند به ایشان روزی عطا می کند؛ لیکن برخی خانواده ها دچار پراکندگی می شوند و از هم پیوند می بُرند و با آن که نیک کردارند، خداوند روزی ایشان را قطع می کند.

امام علی علیه السلام: به خدا سوگند! خدای از هیچ گروهی، نعمت ها را نمی ستاند، مگر به سبب گناهایی که مرتکب می شوند. پس با شکرگزاری، نعمت ها را به چنگ آورید و با فرمان بردن از خدا، آن ها را نگاه دارید.

امام علی علیه السلام: هیچ نعمت و زندگانی خرمی از میان نرفت، مگر به سبب گناهایی که [مردم] انجام دادند؛ به راستی که خدای هرگز به بندگان ستم نمی ورزد.

امام علی علیه السلام: رهاورد گناهان، از میان رفتن [نعمت ها] است.

عنه عليه السلام: إذا ظَهَرَتِ الْجِنَايَاتُ اِرْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ . (١)

عنه عليه السلام في دُعَائِهِ اللَّهُمَّ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى الْغَيِّ ، وَيُضِلُّ عَنِ الرُّشْدِ ، وَيُقِلُّ الرِّزْقَ ، وَيَمْحَقُ التَّلَدَّ ، وَيُخْمِلُ الدُّكْرَ . (٢)

عنه عليه السلام في الإِسْتِسْقَاءِ : أَلَا- وَإِنَّ الْأَرْضَ الَّتِي تُقْلِكُمْ وَالسَّمَاءَ الَّتِي تُظْلِكُمْ مُطِيعَتَانِ لِرَبِّكُمْ ، وَمَا أَصْبَحْتَا تَجُودَانِ لَكُمْ بِبَرَكَتَيْهِمَا تَوْجَعَا لَكُمْ ، وَلَا- زُلْفَهَ إِلَيْكُمْ ، وَلَا لِخَيْرٍ تَرْجُوَانِهِ مِنْكُمْ ؛ وَلَكِنْ أَمْرَتَا بِمَنَافِعِكُمْ فَأَطَاعْتَا ، وَأَقِيمْتَا عَلَى حُدُودِ مَصَالِحِكُمْ فَقَامْتَا . إِنَّ اللَّهَ يَتَلَى عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقِصِ الثَّمَرَاتِ ، وَحَسِبِ الْبَرَكَاتِ ، وَإِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ ؛ لِيَتُوبَ تَائِبٌ ، وَيُقْلَعَ مُقْلَعٌ ، وَيَتَذَكَّرَ مَتَذَكِّرٌ ، وَيَزِدَّجِرَ مُزِدَّجِرٌ . وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبِيلاً لِدُرُورِ الرِّزْقِ ، وَرَحْمَةً الْخَلْقِ ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ : « اِسْتِغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَبَيْنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا . (٣) » فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اسْتَقْبَلَ تَوْبَتَهُ ، وَاسْتَقَالَ خَطِيئَتَهُ ، وَبَادَرَ مَتِيئَتَهُ . (٤)

عنه عليه السلام في الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : مَا ضَرَبَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِسَوْطٍ أَوْجَعَ مِنَ الْفَقْرِ . (٥)

١- غرر الحكم : ٤٠٣٠ .

٢- البلد الأمين : ٣٩ ، بحار الأنوار : ٨٧ / ٣٢٧ / ٥ .

٣- نوح : ١٢١٠ .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٤٣ ، بحار الأنوار : ٩١ / ٣١٢ / ٣ .

٥- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٠١ / ٤٤٤ .

امام علی علیه السلام: هر گاه گناهان جلوه گر شوند، برکت‌ها رخت برمی‌بندند.

امام علی علیه السلام در دعای خویش: بار خدایا! از تو آمرزش می‌جویم برای هر گناهی که به گمراهی فرا خواند، از هدایت باز دارد، روزی را کاهش دهد، سود و ثمر را نابود سازد، و یاد [و نام آدمی] را محو کند.

امام علی علیه السلام در طلب باران: بدانید زمینی که شما را بر پشت خود حمل می‌کند و آسمانی که بر سرتان سایه گسترده است، فرمانبردار پروردگارتان هستند و اگر برکت‌ها، خود را بر شما ارزانی می‌دارند، بدان سبب نیست که بر شما دل می‌سوزانند یا می‌خواهند به شما تقرّب جویند یا از شما امید خیری دارند؛ بلکه خداوند آن دو را فرمان داده که به شما سود رسانند و آن دو هم اطاعت کرده‌اند. خداوند زمین و آسمان را برای حفظ مصالح شما بر پای داشته و آن دو نیز بر پای ایستاده‌اند. همانا خدای، بندگانش را که اعمال ناشایست مرتکب شوند، به کاستن میوه‌هاشان و نگه داشتن برکت‌ها از ایشان و فرو بستن گنجینه‌های خیر به روی آنان، می‌آزماید؛ تا توبه‌کننده توبه کند، گناهکار از گناه باز ایستد، پندگیرنده پند گیرد، و آن که اراده گناه کرده متزجر شود. خداوند، آمرزش خواستن را سبب فراوانی روزی و رحمت بر آفریدگان قرار داده، که فرماید: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید، که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را به مال‌ها و پسران یاری کند و به شما بوستان‌ها دهد و برایتان جوی‌ها پدید آورد». پس خداوند رحمت کند کسی را که به توبه روی آورد و از خطاهای خود بخشش طلبد و بر مرگ خود پیشی گیرد [= تدارک امر آخرت کند].

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او: خداوند، بندگان را با تازیانه‌ای درد آورتر از فقر نمی‌زند.

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ قَضَى قَضَاءً حَتْمًا أَنْ لَا يُنْعَمَ عَلَى الْعَبْدِ بِنِعْمَةٍ فَيَسْلُبَهَا إِيَّاهُ، حَتَّى يُحَدِّثَ الْعَبْدُ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ النَّقْمَةَ. (١)

عنه عليه السلام: أَيُّمَا نَاشٍ نَشَأَ فِي قَوْمِهِ ثُمَّ لَمْ يُؤَدِّبْ عَلَى مَعْصِيَةِ بَيْتِهِ، كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا يُعَاقِبُهُمْ فِيهِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَرْزَاقِهِمْ. (٢)

عنه عليه السلام: لِلَّهِ عُقُوبَتَانِ: إِحْدَاهُمَا أَمْرُ الرُّوحِ، وَالْأُخْرَى تَسْلِيْطُ بَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ؛ فَمَا كَانَ مِنْ قَبْلِ الرُّوحِ فَهُوَ الشُّقْمُ وَالْفَقْرُ... (٣)

٣ / ٢ شِدَّةُ الْفَقْرِ وَمَرَارَتُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: الْفَقْرُ (أَيْ) مِحْنُ الْإِسْلَامِ. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَلَقْتُكَ وَابْتَلَيْتُكَ بِنَارِ نُمْرُودَ، فَلَوْ ابْتَلَيْتُكَ بِالْفَقْرِ وَرَفَعْتُ عَنْكَ الصَّبْرَ فَمَا تَصَنَعْتَ؟ قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ، الْفَقْرُ إِلَيَّ أَشَدُّ مِنْ نَارِ نُمْرُودَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَبِعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا خَلَقْتُ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَشَدَّ مِنَ الْفَقْرِ. (٦)

-
- ١- الكافي: ٢ / ٢٧٣ / ٢٢ عن أبي عمرو المدائني وص ٢٧٤ / ٢٤ عن سماعه نحوه، تفسير العياشي: ٢ / ٢٠٦ / ١٩ عن أبي عمرو المدائني نحوه وفي ذيله «وذلك قول الله: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ...»، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٣٤ / ١٩ ج ٦ / ٥٦ / ٤.
 - ٢- ثواب الأعمال: ٢٢٣ عن الحسين بن سالم، بحار الأنوار: ١٠٠ / ٧٨ / ٣٢.
 - ٣- علل الشرايع: ١٠٨ / ٥ عن السكوني، تحف العقول: ٣٥٥ وفيه «من الروح» بدل «أمر الروح»، بحار الأنوار: ٦١ / ٢٩٦ / ٦.
 - ٤- جامع الأخبار: ٢٩٩ / ٨١٦، بحار الأنوار: ٧٢ / ٤٧ / ٥٨.
 - ٥- معاني الأخبار: ٤٠٢ / ٦٦ عن محمد بن عبد الحميد عمّن حدّثه، بحار الأنوار: ٦ / ١١٩ / ٢.
 - ٦- جامع الأخبار: ٢٩٩ / ٨١٧، بحار الأنوار: ٧٢ / ٤٧ / ٥٨.

۳ / ۲ سختی و تلخی فقر

امام صادق علیه السلام: پدرم می فرمود: «همانا خداوند حکم قطعی فرموده که هرگاه نعمتی به بنده ای داد، دیگر آن را از وی نستاند، مگر این که آن بنده گناهی مرتکب شود که سزاوار چنین مجازاتی گردد.

امام صادق علیه السلام: هرگاه نوجوانی در میان قومی رشد کند [و گناه مرتکب شود] و به سبب گناهش تأدیب نشود، نخستین مجازات خداوند برای آن قوم این است که روزی شان را می کاهد.

امام صادق علیه السلام: خدای را دو گونه مجازات است؛ یکی مجازات جاری در درون انسان، و دیگری مسلط ساختن برخی از مردم بر برخی دیگر. مجازات های جاری در درون انسان ها از این قرارند: بیماری، فقر، ...

۳ / ۲ سختی و تلخی فقر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر، سخت تر از کشتار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقیران، بلاهای اسلامند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای تعالی به ابراهیم علیه السلام وحی فرمود: «تو را آفریدم و به آتش نمودم. اگر به فقر بیازمایمت و به تو صبر ندهم، چه می کنی؟» ابراهیم علیه السلام گفت: «پروردگارم! نزد من، فقر سخت تر از آتش نمودن است». خدای تعالی گفت: «پس به سرافرازی و شکوهم سوگند! در آسمان و زمین، سخت تر از فقر نیافریده ام».

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلِيُّ ، أربَعَةٌ مِنْ قِوَاصِمِ الظَّهْرِ : . . . فَفَقْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبَهُ مُدَاوِيَا . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :ما أَشَدَّ حُزْنَ النَّسَاءِ ، وَأَبْعَدَ فِرَاقَ المَوْتِ ! وَأَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَفَقْرٌ يَتَمَلَّقُ صَاحِبَهُ ثُمَّ لَا يُعْطَى شَيْئًا . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :الفَقْرُ سَوَادُ الوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ . (٣)

الإمام عَلِيُّ عليه السلام :ثَلَاثٌ هُنَّ المُحْرِقَاتُ المَوْبِقَاتُ : فَفَقْرٌ بَعْدَ غِنًى ، وَذُلٌّ بَعْدَ عِزٍّ ، وَفَقْدُ الأَحِبِّهِ . (٤)

عنه عليه السلام :ثَلَاثٌ يَهْدُدْنَ القُوَى : فَفَقْدُ الأَحِبِّهِ ، وَالفَقْرُ فِي الغُرْبَةِ ، وَدَوَامُ الشَّدَّةِ . (٥)

عنه عليه السلام :الغِنَى فِي الغُرْبَةِ وَطَنٌ ، وَالفَقْرُ فِي الوَطَنِ غُرْبَةٌ . (٦)

عنه عليه السلام :لَيْسَ فِي الغُرْبَةِ عَارٌ ؛ إِنَّمَا العَارُ فِي الوَطَنِ الإِفْتِقَارُ . (٧)

١- من لا- يحضره الفقيه : ٤ / ٣٦٥ / ٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال : ٢٠٦ / ٢٤ عن أنس بن محمّد أبي مالك عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، روضه الواعظين : ٤٢٤ وليس فيه «يا عليّ» ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٣٩ / ٣٥ و ج ٧٥ / ٣٣٨ / ١١ .

٢- الكافي : ٨ / ٢٢٠ / ٢٧٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام .

٣- عوالي اللآلي : ١ / ٤٠ / ٤١ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٣٠ .

٤- غرر الحكم : ٤٦٨٢ .

٥- غرر الحكم : ٤٦٨٣ .

٦- نهج البلاغه : الحكمه ٥٦ ، روضه الواعظين : ٤٩٧ ، مشكاة الأنوار : ٢٢٨ / ٦٣٧ ، غرر الحكم : ١٤٢٣ و ١٤٢٢ وفيه «ممتهن» بدل «غربه» ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٦ / ٥٧ .

٧- غرر الحكم : ٧٥١٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! چهار چیز کمر را می شکنند؛ ... فقری که فرد مبتلا به آن، چاره ای برایش نیابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه سخت است اندوهگینی زنان؛ و چه دوری آفرین است جدایی مرگ! اما از این همه سخت تر، فقری است که فرد مبتلا به آن، چاپلوسی می کند، لیکن چیزی نمی یابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر، در هر دو جهان، مایه سیه رویی است.

امام علی علیه السلام: سه چیز، سوزاننده و هلاکت آورند؛ فقر پس از توانگری، خواری پس از سرافرازی، و از دست دادن دوستان.

امام علی علیه السلام: سه چیز توان ها را درهم می کوبند؛ از دست دادن دوستان، فقر در غربت، و پایداری روزگار سختی.

امام علی علیه السلام: توانگری در غربت، [همچون] وطن داشتن است؛ و فقر در وطن، [همچون] غربت.

امام علی علیه السلام: غریب بودن ننگ نیست؛ ننگ، فقیر بودن در وطن است.

عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَغْنَى كَرَّمَ عَلَى أَهْلِهِ ، وَمَنْ افْتَقَرَ هَانَ عَلَيْهِمْ . (١)

عنه عليه السلام: الْفَقِيرُ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ . (٢)

عنه عليه السلام: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ . (٣)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام: يَا بَنَى ، إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ ، وَأَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْبَدَنِ ، وَأَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْقَلْبِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْفَقْرُ مَعَ الدَّيْنِ الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ ؛ الْفَقْرُ مَعَ الدَّيْنِ الشَّقَاءُ الْأَكْبَرُ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ ابْتُلِيَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ تَمَنَّى الْمَوْتَ: فَفَقْرٌ مُتَتَابِعٌ ، وَحُرْمَةٌ فَاضِحَةٌ ، وَعَدُوٌّ غَالِبٌ . (٦)

عنه عليه السلام: أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ: النَّارُ ، وَالْعِدَاوَةُ ، وَالْفَقْرُ ، وَالْمَرَضُ . (٧)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ [حِكَايَةٌ عَنْ نَبِيِّهِ]: «لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسَيَّرْتُكَ مِنَ الْخَيْرِ وَ مَا مَسَّنَى الشُّؤْمُ ؛ (٨)» يَعْنَى الْفَقْرَ . (٩)

١- غرر الحكم : ٨٨٧٩ .

٢- الكافى : ٨ / ٢١ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، غرر الحكم : ٣٩٢ .

٣- نهج البلاغه : الحكمه ١٦٣ ، الخصال : ١٠ / ٦٢٠ عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام ، الأمالى للمفيد : ١٨٩ / ١٥ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٧٠ كلاهما عن رفاعه عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ٢ / ٤٣٦ عن أبى الجارود عن الإمام الباقر عليه السلام ، تفسير العياشى : ١ / ١٢٠ / ٣٧٩ عن عمرو بن جميع رفعه ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٥ / ٥٤ .

٤- الأمالى للطوسى : ١٤٦ / ٢٤٠ عن أبى وجزه السعدى عن أبيه ، نهج البلاغه : الحكمه ٣٨٨ ، تحف العقول : ٢٠٣ وفيه «ألا إنّ...» ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٥٣ / ٨٣ و ص ١٢٤ / ١ .

٥- غرر الحكم : ١٣٠٨ و ١٣٠٩ وراجع ميزان الحكمه: الفقر : ٣٢٣٠ الفقر من الدين موت احمر .

٦- تحف العقول : ٣١٨ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٢٣٢ / ٣١ .

٧- نشر الدرّ : ١ / ٣٥١ ؛ شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٢٧٦ / ١٩٠ عن الإمام علىّ عليه السلام نحوه .

٨- الأعراف : ١٨٨ .

٩- معانى الأخبار : ١٧٢ / ١ ، تفسير العياشى : ٢ / ٤٣ / ١٢٤ كلاهما عن خلف بن حماد عن رجل ، طب الأئمّه لابنى بسطام :

٥٥ عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ٢٦/١٠٢ و ج ١٦ / ١٤٣ .

امام علی علیه السلام: هر که توانگر باشد، پیش خاندانش گرامی است؛ و هر که فقیر باشد، نزد ایشان خوار.

امام علی علیه السلام: گور بهتر از فقر است.

امام علی علیه السلام: فقر، مرگ سخت تر است.

امام علی علیه السلام در سفارش وی به فرزندش حسن علیه السلام: جانِ پسر! تنگدستی، بلا است؛ سخت تر از آن، ناتندرستی؛ و از آن سخت تر، بیماری دل!

امام علی علیه السلام: فقر در حال و آمداری، مرگ سرخ است؛ و تیره روزی سخت تر.

امام صادق علیه السلام: سه چیزند که هر کس به یکی از آن‌ها گرفتار شود، مرگ را آرزو می‌کند: فقر دنباله دار، برباد رفتگی ناموس، چیرگی دشمن.

امام صادق علیه السلام: چهار چیزند که اندکشان هم بسیار است؛ آتش، دشمنی، فقر، و بیماری.

امام صادق علیه السلام: هر آینه خدای تعالی [از زبان پیامبرش] می‌فرماید: «و اگر غیب می‌دانستم، همانا نیکی و خواسته بسیار گردد می‌کردم و هیچ بدی و گزندى به من نمی‌رسید»؛ و مراد از بدی و گزند، فقر است.

عنه عليه السلام: مَرَضَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَادَهُ قَوْمٌ فَقَالُوا لَهُ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ: أَصْبَحْتُ بِشَرٍّ. فَقَالُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ! هَذَا كَلَامٌ مِثْلِكَ؟ فَقَالَ: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «وَنَبَلُّوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»، (١) «فَالْخَيْرُ الصَّحَّةُ وَالْغِنَى، وَالشَّرُّ الْمَرَضُ وَالْفَقْرُ؛ ابْتِلَاءٌ وَاجْتِبَارًا». (٢)

عنه عليه السلام: كَانَ فِي مَا أَوْصَى بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ أَنْ قَالَ: يَا بُنَيَّ... ذُقْتُ الْمَرَارَاتِ كُلَّهَا فَلَمْ أَذُقْ شَيْئًا أَمَرَ مِنَ الْفَقْرِ. (٣)

٣ / ٣ الاستعاذه من الفقر رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْفَقْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ. (٤)

١- الأنبياء: ٣٥.

٢- الدعوات: ١٦٨ / ٤٦٩، تفسير مجمع البيان: ٧ / ٧٤ نحوه.

٣- الأموال للصدوق: ٧٦٦ / ١٠٣١ عن حماد بن عيسى، قصص الأنبياء: ١٩٦ / ٢٤٧ عن يحيى بن سعيد القطان، بحار الأنوار: ١٣ / ٤٢١ / ١٦ وراجع الكافي: ٤ / ٢٢ / ٨ وكنز الفوائد: ٢ / ٦٦.

٤- سنن النسائي: ٣ / ٧٤ وج ٨ / ٢٦٢، مسند ابن حنبل: ٧ / ٣٠٦ / ٢٠٤٠٣ وص ٣٢١ / ٢٠٤٦٩، المستدرک علی الصحیحین: ١ / ٩٠ / ٩٩ و ص ٣٨٣ / ٩٢٧ كلها عن أبي بكره، كنز العمال: ٢ / ٢٠٠ / ٣٧٤٦ نقلًا عن المعجم الكبير عن عثمان بن أبي وقاص؛ من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٥٤٣ / ٣١٣٥ عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه

۳ / ۳ پناه جستن از فقر

امام صادق علیه السلام: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیمار شد . گروهی به دیدار او رفتند و به وی گفتند: «ای امیرالمؤمنین! چگونه ای؟» فرمود: «بدحالم» . گفتند: «سبحان الله! چون تویی چنین می گوید؟» فرمود: «خدای تعالی فرموده است: «و شما را به شر و خیر می آزماییم ، آزمودنی ؛ و به سوی ما بازگردانده می شوید» . مراد از خیر ، تندرستی و توانگری است ؛ و مراد از شر ، بیماری و نداری ؛ به منظور آزمایش و امتحانِ آدمیان» .

امام صادق علیه السلام: از جمله سفارش های لقمان به پسرش این بود : جانِ پسر! . . . همه تلخی ها را چشیدم ؛ چیزی تلخ تر از فقر نیافتم .

۳ / ۳ پناه جستن از فقر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! هر آینه از کفر و فقر و عذاب قبر به تو پناه می جویم .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ ؛ فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صِلَيْنَا وَلَا صِيحْنَا ، وَلَا أَدِينَا فَرَائِضَ رَبَّنَا .
(١)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام فى قُنُوتِهِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَقِنِّعْنِي بِحَلَالِكَ عَن حَرَامِكَ ، وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفَقْرِ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: نَعُوذُ بِكَ ... مِنْ فِقْدَانِ الْكَفَافِ ... وَمِنَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ ، وَمِنَ مَعِيشِهِ فِي شِدَّةٍ . (٤)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ... وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَدًّا كَدًّا ، وَلَا تَزِدْ دُعَائِي عَلَيَّ رَدًّا ؛ فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ لَكَ ضِدًّا ، وَلَا أَدْعُو مَعَكَ نِدًّا . (٥)

الإمام الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ ... لَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِينِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضَيِّقًا عَلَيَّ ، أَعْطِنِي ... مَعَاشًا وَسِعًا هَنِيئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ ، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا . (٦)

١- الكافي : ٥ / ٧٣ / ١٣ وج ٦ / ٢٨٧ / ٦ ، المحاسن : ٢ / ٤١٦ / ٢٤٦٠ كلها عن أبي البختري رفعه ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٢٧٠ / ٦ .

٢- مُهَجِ الدَّعَوَاتِ : ١٣٤ ، نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : الْخُطْبَةُ ٢١٥ ، بحار الأنوار : ٩٤ / ٢٤٢ / ٩ .

٣- بحار الأنوار : ٨٥ / ٢٦١ / ٥ نقلًا عن البلد الأمين .

٤- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ٤٦ الدَّعَاءُ ٨ وراجع مُهَجِ الدَّعَوَاتِ : ٣٦ .

٥- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ٨٦ الدَّعَاءُ ٢٠ .

٦- الكافي : ٢ / ٥٨٩ / ٢٦ ، تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ : ٣ / ٧٧ / ٢٣٤ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، إقبال الأعمال : ١ / ١٠٨ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٩٧ / ٣٧٩ / ١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! برای ما در نان برکت قرار ده و میان ما و آن، جدایی مینداز. اگر نان نبود، ما نماز نمی خواندیم و روزه نمی گزاردیم و واجب های پروردگارمان را انجام نمی دادیم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! هر آینه به تو پناه می جویم از این که در [سایه] توانگری ات، دچار فقر شوم.

امام علی علیه السلام در قنوت خویش: بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فراوان فرست و مرا با حلالیت از حرمت بی نیاز ساز و از فقر در امانم دار.

امام زین العابدین علیه السلام: به تو پناه می جویم... از توان نداشتن برای تأمین نیازهای خود... و از فقر نزد همگنان و از زندگانی سخت.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای مکارم الأخلاق وی: بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فراوان فرست و زندگانی ام را سخت مساز و دعایم را باز مگردان؛ که هر آینه من برای تو ناسازی قرار نمی دهم و با تو شریکی را نمی خوانم.

امام باقر علیه السلام: بار خدایا... مرا روزی ای مده که سرکشم سازد و به فقری دچارم مکن که به سبب ابتلا در تنگنا به تیره بختی افتم... مرا در دنیایم زندگانی گشاده و شیرین و گوارا عطا فرما و دنیا را زندان من مساز.

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ : ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ ، وَمِنْ شَمَاتِهِ الأَعْدَاءِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... لَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ إِذْ أَعْنَيْتَنَا . (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام في دُعَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ : اللَّهُمَّ بِذَلِكَ فَكَفِنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّنَةِ وَأَفَاتِهَا ، وَأَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا ، وَشُرُورَهَا وَأَحْزَانَهَا ، وَضِيقَ المَعَاشِ فِيهَا . (٣)

١- الكافي : ٢ / ٥٢٥ / ١٣ عن أبي بصير ، مصباح المتهجد : ٩٥ / ١٥٣ ، بحار الأنوار : ٨٦ / ٢٦٤ / ٣٤ نقلاً عن مكارم الأخلاق

٢- تهذيب الأحكام : ٣ / ١٢٦ / ٢٦٨ ، البلد الأمين : ٢٣٥ كلاهما عن أبي بصير .

٣- الكافي : ٤ / ٧٣ / ٣ ، تهذيب الأحكام : ٣ / ١٠٨ / ٢٦٦ ، المقنعه : ٣٢٣ كلّها عن علي بن رثاب ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ١٠٤ / ١٨٤٨ ، الإقبال : ١ / ١١٧ .

امام صادق علیه السلام: پدرم صبحگاهان می فرمود: «... بار خدایا! هر آینه به تو پناه می برم از این که تیره بختی را درک کنم و از دشمنان سرزنش بینم. به تو پناه می جویم از فقر و سنگین باری؛ و از این که در خاندان و دارایی و فرزندانم، چهره ای زشت یابم».

امام صادق علیه السلام: بار خدایا!... از آن پس که مرا توانگری بخشیدی، به فقر گرفتارم مکن.

امام کاظم علیه السلام در دعای ماه رمضان: بار خدایا! بدین سان، بیم و آفت های این سال و بیماری ها و فتنه و بدی ها و اندوه ها و تنگنای معیشت در آن را از من دور بدار.

الفصل الرابع: مضارّ التخلف الاقتصادي ٤ / ١ الكُفْر رسول الله صلى الله عليه وآله: كاذّ الفقْرُ أن يكون كُفْرًا . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: لولا رَحْمَةُ رَبِّي عَلَى فُقَرَاءِ أُمَّتِي ، كاذّ الفقْرُ يكون كُفْرًا . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا يَخْشَى الْمُؤْمِنُ الْفَقْرَ مَخَافَةَ الْآفَاتِ عَلَى دِينِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الشَّيْءِ الْفَقْرُ ، لَوْلَا أَنَّهُ يَهَيِّجُ فِتْنَاءَ الْكُفْرِ . (٤)

١- الكافي : ٢ / ٣٠٧ / ٤ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ١٢ / ٤٠ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الأمل للصدوق : ٣٧١ / ٤٦٥ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ١ / ١٥٨ ؛ حليه الأولياء : ٣ / ٥٣ وص ١٠٩ وج ٨ / ٢٥٣ ، تاريخ أصبهان : ١ / ٣٤٢ / ٦٢٢ ، مسند الشهاب : ١ / ٣٤٢ / ٥٨٦ كلّها عن أنس عنه صلى الله عليه وآله .

٢- جامع الأخبار : ٣٠٠ / ٨١٧ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٧ / ٥٨ .

٣- ربيع الأبرار : ٤ / ١٤٢ .

٤- الفردوس : ٤ / ٢٦١ / ٦٧٧٠ عن محمّد بن الجنيد .

فصل چهارم: زیان های واپس ماندگی اقتصادی

۴ / ۱ کفر

فصل چهارم: زیان های واپس ماندگی اقتصادی ۴ / ۱ کفر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر، انسان را در آستانه کفر قرار می دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر پروردگار من به فقیران اتمم مهر نمی ورزید، فقر آنان را در آستانه کفر قرار می داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جز این نیست که بیم مؤمن از فقر از آن رو است که دینش آفت می پذیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر فقر، کفر را به میدان داری بر نمی انگیخت، نیکو چیزی بود .

عنه صلى الله عليه وآله: اذْكُرْ اللهَ الْوَالِيَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى أُمَّتِي ، أَلَا يَرْحَمُ عَلَى جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ ؛ فَأَجَلَ كَبِيرَهُمْ ، وَرَحِمَ ضَعِيفَهُمْ ، وَوَقَّرَ عَالِمَهُمْ ، وَلَمْ يَضُرَّ بِهِمْ فَيْدَلَّهُمْ ، وَلَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيُكْفِرْهُمْ . (١)

ربيع الأبرار : سُئِلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّ شَيْءٍ أَقْرَبُ إِلَى الْكُفْرِ؟ فَقَالَ : ذُو فَاقَةٍ لَا صَبْرَ لَهُ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام : الْفَقْرُ طَرَفُ الْكُفْرِ . (٣)

عنه عليه السلام في الحِكمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : لَا يَكُنْ فَقْرَكَ كُفْرًا ، وَغِنَاكَ طُغْيَانًا . (٤)

عنه عليه السلام في الدِّيوانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ : بَلَوْتُ صُرُوفَ الدَّهْرِ سِتِّينَ حِجَّهُوَجَّرَبْتُ حَالِيهِ مِنَ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ فَلَمْ أَرِ بَعْدَ الدِّينِ خَيْرًا مِنَ الْغِنْيِ لَمْ أَرِ بَعْدَ الْكُفْرِ شَرًّا مِنَ الْفَقْرِ (٥)

٢ / ٤ الْجَهْلُ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيَانِ جُنُودِ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ : وَالْغِنَى وَضِدُّهُ الْفَقْرُ . (٦)

١- الكافي : ١ / ٤٠٦ / ٤ ، قرب الإسناد : ١٠٠ / ٣٣٧ كلاهما عن حنان بن سدير عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار :

٢٢ / ٤٩٥ / ٤١ وج ٢٧ / ٢٤٦ / ٤ .

٢- ربيع الأبرار : ٢ / ٥١٧ .

٣- مطالب السؤل : ٥٦ ؛ بحار الأنوار : ٧٨ / ١٢ / ٧٠ .

٤- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٢٩٦ / ٣٨٨ .

٥- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ٢٦٢ / ١٨٥ .

٦- الكافي : ١ / ٢٢ / ١٤ ، الخصال : ١٣ / ٥٩٠ ، علل الشرايع : ١١٤ / ١٠ ، المحاسن : ١ / ٣١٣ / ٦٢٠ ، مشكاة الأنوار : ٤٤٢ /

١٤٨٥ كلّها عن سماعه بن مهران ، بحار الأنوار : ١ / ١٥٨ / ٣٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن کس را که پس از من بر ائمتّم حکمرانی یابد، به یاد خدا توصیه می کنم؛ که حتما بر جماعت مسلمانان مهر ورزد؛ بزرگسالانشان را گرامی شمارد، بر ناتوانانشان رحمت آورد، دانشمندانشان را بزرگ دارد، و آنان را زیان نرساند که خوارشان سازد و به فقر دچارشان نکند که کافرشان کند.

ربیع الابرار: از امام علی علیه السلام پرسیده شد: «چه چیز به کفر نزدیک تر است؟» فرمود: «[فقر] فقیری که او را صبر نیست». امام علی علیه السلام: فقر، کناره کفر است.

از امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او: مباد که فقرت به کفر بینجامد و توانگری ات به سرکشی!

از امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: شصت سال، دگرگونی های روزگار را آزمودم و هم حالت تنگنایش را تجربه کردم و هم حال آسانی اش را پس چیزی را ماورای دین، بهتر از توانگری نیافتمو چیزی را ماورای کفر، بدتر از فقر ندیدم

۴ / ۲ نادانیا امام صادق علیه السلام در شمارش سپاهیان دانش و نادانی: و [دیگر از سپاهیان دانش] توانگری است که ضدّ آن، فقر است.

عنه عليه السلام: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ ؛ فَأَوَّلُهَا : صِحَّةُ الْيَدَيْنِ ،
وَالثَّانِيَةُ : الْأَمْنُ ، وَالثَّلَاثَةُ : السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ ... (١)

الإمام عليّ عليه السلام لابنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَلْمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ ؛ فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ . (٢)

٣ / ٤ الذَّلِيلُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْقَلَّةُ ذَلَّةٌ . (٣)

عنه عليه السلام : إِنَّ الْفَقْرَ مَذَلَّةٌ لِلنَّفْسِ ، مَدَهَشَةٌ لِلْعَقْلِ ، جَالِبٌ لِلْهُمُومِ . (٤)

عنه عليه السلام : الْفَقِيرُ فِي الْوَطَنِ مُمْتَهَنٌ . (٥)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : مَنْ أَثْرَى كَرُمَ عَلَى أَهْلِهِ ، وَمَنْ أَمْلَقَ هَانَ عَلَى وُلْدِهِ . (٦)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : إِذَا أَيْسَرَتْ فَكُلُّ الرَّجَالِ رِجَالُكَ ، وَإِذَا أَعْسَرَتْ أَنْكَرَكَ أَهْلُكَ . (٧)

١- الخصال : ٢٨٤ / ٣٤ عن أبي خالد السجستاني ، بحار الأنوار : ٧٤ / ١٨٦ / ٥ .

٢- جامع الأخبار : ٣٠٠ / ٨١٨ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٧ / ٥٨ .

٣- مطالب السؤل : ٥٦ ؛ بحار الأنوار : ٧٨ / ١٢ / ٧٠ .

٤- غرر الحكم : ٣٤٢٨ .

٥- غرر الحكم : ١٤٢٢ .

٦- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٠٨ / ٥٢٩ .

٧- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٢٨٩ / ٣٠٩ .

۴ / ۲ نادانی

۴ / ۳ خواری

امام صادق علیه السلام: پنج ویژگی اند که هر کس یکی از آن‌ها را نداشته باشد، همواره زندگی اش کاستی دارد، عقلش زوال می‌پذیرد، و دلش دغدغه دارد؛ یکم تندرستی، دوم امتیث، سوم گشایشِ روزی،

امام علی علیه السلام به پسرش حسن علیه السلام: کسی را که در پی روزی است، سرزنش مکن؛ که هر کس بی‌روزی ماند، خطاهایش بسیار می‌شود.

۴ / ۳ خوار یا امام علی علیه السلام: کم داشتن، خواری است.

امام علی علیه السلام: هر آینه فقر، خواریِ جان است و مایه سرگشتگیِ عقل و فراهم آورنده اندوه.

امام علی علیه السلام: فقیر در وطن، فرومایه است.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او: آن که توانگر باشد، نزد خاندانش گرامی است؛ و آن که تنگدست باشد، نزد فرزندانِ خواری.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او: هر گاه گشاده دست باشی، همه مردانِ مردانِ تو را می‌شناسند؛ و هر گاه به تنگدستی افتی، خانواده ات نیز تو را نمی‌شناسند.

عنه عليه السلام في الحكم المنسوب إليه: نَظَرْتُ إِلَى كُلِّ مَا يُدِلُّ الْعَزِيزَ وَيَكْسِرُهُ، فَلَمْ أَرِ شَيْئًا أَذِلُّ لَهُ وَلَا أُكْسِرُ مِنَ الْفَاقِهِ. (١)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوب إليه: سَوْءُ حَمَلِ الْغَنِيِّ يُوْرِثُ مَقْتًا، وَسَوْءُ حَمَلِ الْفَاقِهِ يَضَعُ شَرَفًا. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: خَمْسَةٌ مِنْ خَمْسِهِ مُحَالٌ: ... وَالْهَيْبَةُ مِنَ الْفَقِيرِ مُحَالٌ. (٣)

الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: مَسَاكِينُ أَهْلِ الْفَقْرِ حَتَّى قُبُورُهُمْ عَلَيْهَا تُرَابُ الذُّلِّ بَيْنَ الْمَقَابِرِ (٤)

٤ / ٤ النسيان رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ، هَلْ يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ إِلَّا غِنَى مُطْعِمًا، أَوْ فَقْرًا (٥) مُنْسِيًا؟! (٦)

الإمام علي عليه السلام: الْفَقْرُ يُنْسِي. (٧)

١- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٢٩٣ / ٣٥٥.

٢- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٢٨٧ / ٢٨٥.

٣- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٥٨ / ٥٠٩٢، الخصال: ٢٦٩ / ٥ عن أبي عبد الله البرقي رفعه، بحار الأنوار: ٧٨/١٩٤/٩.

٤- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ٢٦٤ / ١٨٧.

٥- في المصدر: «فقيراً» وما نقلناه هو الصحيح كما في مكارم الأخلاق.

٦- الأمالي للطوسي: ٥٢٧ / ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ٢ / ٣٦٤ / ٢٦٦١ كلاهما عن أبي الأسود الدؤلي، بحار الأنوار: ٧٧ / ٧٦

٧ / ٢ وج ١٨٨ / ١٨٨ / ٤٥ نقلًا عن الدعوات للراوندي؛ المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٣٥٧ / ٧٩٠٦ عن أبي هريره نحوه، كنز

العمال: ١٥ / ٩٠٦ / ٤٣٥٦٤.

٧- غرر الحكم: ٢٤.

۴ / ۴ فراموشی

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او: نگریستم به هر چه عزیز را خوار و سرشکسته می کند؛ هیچ چیز را برای خوار ساختن و سرشکسته کردن وی بدتر از فقر ندیدم.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او: بد بهره بردن از توانگری، کینه و نفرت را بر جای می نهد و بد تحمّل کردن فقر، شرافت را می کاهد.

امام صادق علیه السلام: پنج چیز از پنج کس ناممکن است: . . . و فقیر را شکوهمندی ممکن نیست.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: فقیران نیازمند [چنان خوارند که] حتی بر گورهایشان نیز در میانه گورستان ها، خاکِ خواری نشسته است.

۴ / ۴ فراموشی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابوذر! آیا هر یک از شما انتظار دارد جز توانگری سرکشی زا یا فقر فراموشی آور را؟

امام علی علیه السلام: فقر، فراموشی آور است.

٤ / ٥ التَّوَادِرُ رسول الله صلى الله عليه وآله: الْفَقْرُ وَالْجَهْلُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ . (١)

الإمام علي عليه السلام: الْجِرْمَانُ خِدْلَانٌ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ افْتَقَرَ فِيهَا [أَى فِي الدُّنْيَا] خَزِنَ . (٣)

عنه عليه السلام: لَقَدْ عَلِقَ بِنِيَابِ هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةٌ هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ ، وَذَلِكَ الْقَلْبُ ، وَذَلِكَ أَنَّ لَهُ مَوَادَّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَأُضْدَادًا مِنْ خِلَافِهَا . . . وَإِنْ عَصْتَهُ الْفَاقَهُ شَعَلَهُ الْبَلَاءُ . (٤)

عنه عليه السلام: ضَرُورَةُ الْفَقْرِ تَبَعَتْ عَلَي فَطِيحِ الْأَمْرِ . (٥)

عنه عليه السلام: الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطْنَ عَنِ حُجَّتِهِ ، وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ . (٦)

عنه عليه السلام: الدَّوْلَةُ تَرُدُّ خَطَاءَ صَاحِبِهَا صَوَابًا ، وَصَوَابَ ضِدِّهِ خَطَاءً . (٧)

عنه عليه السلام لِابْنِهِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنِيَّ ، الْفَقِيرُ حَقِيرٌ ؛ لَا يُسْمَعُ كَلَامُهُ ، وَلَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ ، وَلَوْ كَانَ الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسَيِّمُونَهُ كَاذِبًا ، وَلَوْ كَانَ زَاهِدًا يُسَيِّمُونَهُ جَاهِلًا . يَا بَنِيَّ ، مَنْ ابْتَلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدْ ابْتَلِيَ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ : بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ ، وَالنُّقْصَانِ فِي عَقْلِهِ ، وَالرَّقَّةِ فِي دِينِهِ ، وَقِلَّةِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ ، فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ . (٨)

١- الفردوس : ٣ / ٧١ / ٤٢٠٠ عن ابن عباس ، كنز العمال : ١٠ / ١٣٤ / ٢٨٦٦٩ .

٢- غرر الحكم : ١٠١ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ٨٢ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ١١٨ ، تحف العقول : ٢٠١ ، الأمالي للسيد المرتضى : ١/١٠٧ ، الاختصاص : ١٨٨ ، بحار الأنوار : ٧٣/١٢٠/١١٠ ؛ مطالب السؤل : ٥٢ ، المناقب للخوارزمي : ٣٦٤ / ٣٧٩ عن عبيد الله بن محمد التقى عن شيخ من بنى عدى ، كنز العمال : ٣ / ٧٢٠ / ٨٥٦٧ .

٤- نهج البلاغه : الحكمه ١٠٨ ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ٩٧ نحوه ، بحار الأنوار : ٧٠ / ٦٠ / ٤١ .

٥- غرر الحكم : ٥٨٩٤ .

٦- نهج البلاغه : الحكمه ٣ ، أعلام الدين : ١٥٩ ، روضه الواعظين : ٤٩٧ ، مشكاه الأنوار : ٢٢٨ / ٦٣٧ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٦ / ٥٧ وراجع دستور معالم الحكم : ٢٣ .

٧- غرر الحكم : ١٨٠٦ .

٨- جامع الأخبار : ٣٠٠ / ٨١٨ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٧ / ٥٨ .

۴ / ۵ گوناگون

۴ / ۵ گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناداری و نادانی، هر عیبی را آشکار می کنند.

امام علی علیه السلام: بی روزی ماندن، خوارمائیگی است.

امام علی علیه السلام: هر که در آن [= دنیا] گرفتار فقر شود، اندوهگین است.

امام علی علیه السلام: به رگ دل انسان، پاره ای گوشت آویخته است که از شگفت ترین چیزها است؛ و آن، قلب او است که در آن، مایه هایی از حکمت است و مایه هایی خلاف آن... و اگر به فقر دچار آید، به بلا افتد.

امام علی علیه السلام: ناچاری فقر، انسان را به کار[های] زشت و وحشت انگیز وا می دارد.

امام علی علیه السلام: فقر، زبان زیرک را از بیان حجتش برمی بندد و بینوا در شهر خود غریب است.

امام علی علیه السلام: دولتمندی، نادرست توانگر را درست جلوه می دهد و درست فقیر را نادرست.

امام علی علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام: جانِ پسر! فقیر کوچک است؛ سخنش شنیده نمی شود؛ و رتبه اش دانسته نیست. فقیر هر چند که راستگو باشد، دروغگویش می خوانند و اگر زهد پیشه کند، نادانش می شمارند. جانِ پسر! هر کس گرفتار فقر شود، به چهار خصلت مبتلا گردد: سستی در باورش، کاستی در خردش، سبکی در دینش، و کم حیایی در چهره اش. پس از فقر به خداوند پناه می جویم.

عنه عليه السلام لا يبيِّن الحنفية: يا بُنَيَّ ، إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: في الفقرِ الحاجةُ إلى البخيلِ . (٢)

عنه عليه السلام: غلاءُ السَّعْرِ يُسِيءُ الْخُلُقَ ، وَيُذْهِبُ الْأَمَانَةَ ، وَيُضْجِرُّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ . (٣)

الإمام الرضا عليه السلام: الْمَسْكَنَةُ مِفْتَاحُ الْبُؤْسِ . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: غَالَبَتْ كُلَّ شَدِيدَةٍ فَعَلَبَتْهَا وَالْفَقْرُ غَالِبُنِي فَأَصْبَحَ غَالِيًا إِنْ أُبْدِيَ يَفْضَحُ وَإِنْ لَمْ أُبْدِهِ يَفْتُلْ فَقَبِحَ وَجْهُهُ مِنْ صَاحِبِ (٥)

١- نهج البلاغه: الحكمه ٣١٩ ، بحار الأنوار: ٧٢ / ٥٣ / ٨٣ .

٢- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٤٠١ / ٥٨٦٢ ، الخصال: ١٥٣ / ١٨٨ ، الأمالى للصدوق: ٤٧١ / ٦٢٩ كلها عن عبد الله بن مسكان ، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٠١ / ٥ وج ٧٨ / ١٩١ / ٣ .

٣- الكافي: ٥ / ١٦٤ / ٦ عن حفص بن عمر عن رجل .

٤- العُدَدُ الْقَوِيَّةُ: ٢٩٧ / ٢٨ ، الدرّ الباهره: ٣٧ ، نزهه الناظر: ١٢٩ / ١٣ وفيهما «المسأله» بدل «المسكنه» ، بحار الأنوار: ٧٨ / ٣٥٣ .

٥- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ٧٢ / ٢٩ .

امام علی علیه السلام به پسرش محمد بن حنفیه: جانِ پسر! هر آینه از فقر بر تو بیمناکم. پس از فقر به خدا پناه جوی؛ که فقر سبب کاستی دین، زشت اندیشی، و زمینه ساز کینه و دشمنی است.

امام صادق علیه السلام: در [حال] فقر، نیاز به بخیل پیش می آید.

امام صادق علیه السلام: افزایش قیمت [ها] سبب بد رفتاری است؛ امانتداری را از میان می برد؛ و انسان مسلمان را به ستوه می آورد.

امام رضا علیه السلام: نیازمندی، کلید تیره روزی است.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به او: با هر دشواری رویارو گشتم و بر آن چیره شدما تا فقر که با من روبه رو شد، بر من چیره گشت. اگر آشکارش کنم، مایه رسوایی است و اگر پوشانمش، مرا می کشد؛ پس چه بدهمنشینی است که رویش سیاه باد!

الفصل الخامس: التنبيه الموعوده فى الإسلام الكتاب: « وَعَيْدَ اللَّهِ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَ لَكُمْ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيَتَّيَدُوا لَهُمْ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ .»

١ (١) لحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله : لا- تقوم الساعة حتى يكثر فيكم المال ، فيفيض حتى يهيم رب المال من يقبل صدقته ، وحتى يعرضه فيقول الذى يعرضه عليه : لا أرب لى . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : يخرج فى آخر أمتى المهدي ؛ يسقيه الله الغيث ، وتخرج الأرض نباتها ، ويعطى المال صحاحا ، وتكثر الماشية ، وتعظم الأمة ، يعيش سبعا أو ثمانيا يعنى حججا . (٣)

١- .النور : ٥٥ .

٢- .صحيح البخارى : ٢ / ٥١٢ / ١٣٤٦ وج ٦ / ٢٦٠٦ / ٦٧٠٤ ، صحيح مسلم : ٢ / ٧٠١ / ٦١ ، مسند ابن حنبل : ٣ / ٦٢٧ / ١٠٨٦٤ كلاهما نحوه وكلها عن أبيهريه ، كنز العمال : ١٤ / ٢٠٤ / ٣٨٤٠١ .

٣- .المستدرک على الصحيحين : ١ / ٨٦٧٣ / ٤ / ٦٠١ عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ١٤ / ٢٧٣ / ٣٨٧٠٠ .

فصل پنجم: توسعه نوید داده شده در اسلام

فصل پنجم: توسعه نوید داده شده در اسلامقرآن: «خدا آن کسان از شما را که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند ، وعده داده که هر آینه آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند ، چنان که کسانی را که پیش از ایشان بودند ، جانشین کرد و دینشان را که برایشان پسندیده است ، بر جای و استوار سازد و بیمشان را به ایمنی دگرگون کند ، در حالی که مرا پرستند و چیزی را با من شریک نسازند؛ و هر که پس از آن کفر ورزد و ناسپاسی کند ، آنانند بدکارانِ نافرمان .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رستاخیز برپا نمی شود مگر آن که [پیش از آن] مال در میان شما فراوان گردد و فراگیر شود ، چندان که صاحب مال نگرانِ یافتنِ کسی باشد که صدقه اش را بپذیرد و به هر که مالش را عرضه کند ، گوید: «مرا نیازی نیست» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در امت واپسین من ، مهدی برمی خیزد که خداوند باران را به او می نوشاند و [بدین سان] زمین رویدنی هایش را برون می آورد ؛ مال به درستی بخشیده می شود ؛ چهارپایان فزونی می گیرند ؛ امت شکوه می یابد . او هفت یا هشت سال [حکمرانی و] زندگی می کند .

عنه صلى الله عليه و آله :يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ ، إِنَّ قَصِيرَ فَسَيْبِجٍ وَإِلَّا- فَتَسْعُ ، فَتَنَعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نَعَمَهُ لَمْ يَنْعَمُوا مِنْهَا قَطُّ ؛ تُوتَى [الأَرْضُ] أَكَلَهَا ، وَلَا تَدْخِرُ مِنْهُمْ شَيْئًا ، وَالْمَالُ يَوْمِنْدٍ كُدُوسٌ ؛ فَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي ، فَيَقُولُ : خُذْ . (١)

مسند ابن حنبل عن أبو سعيد الخدرى : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ؟ يُبَعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَلٍ ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا ؛ يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ ؛ يَقْسِمُ الْمَالَ صَاحِحًا . فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ : مَا صَيَّحَا؟ قَالَ : بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ . قَالَ : وَيَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله غِنًى ، وَيَسِيءُ لَهُمْ عَدْلُهُ ، حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا فَيُنَادِي فَيَقُولُ : مَنْ لَهُ فِي مَالٍ حَاجَةٌ ؟ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ ، فَيَقُولُ : إِبْتِ السَّدَانَ يَعْنِي الْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ : إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِنِي مَالًا- ، فَيَقُولُ لَهُ : أَحْتُ ، حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حِجْرِهِ وَأَبْرَزَهُ نَدِمَ ؛ فَيَقُولُ : كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّهُ مُحَمَّدٍ نَفْسًا ، أَوْ عَجَزَ عَنِّي مَا وَسِعَهُمْ!؟ قَالَ : فَيُرْدُهُ ، فَلَا يُقْبَلُ مِنْهُ ، فَيَقَالُ لَهُ : إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أَعْطَيْنَاهُ . (٢)

-
- ١- .سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٦٧ / ٤٠٨٣ ، المستدرک علی الصحیحین : ٤ / ٦٠١ / ٨٦٧٥ كلاهما عن أبي سعيد الخدرى ، المعجم الأوسط : ٥ / ٣١١ / ٥٤٠٦ عن أبي هريره نحوه ، كنز العمال : ١٤ / ٢٧٤ / ٣٨٧٠٦ ؛ بحار الأنوار : ٥١ / ٨٨ .
- ٢- .مسند ابن حنبل : ٤/٧٥/١١٣٢٦ وص ١٠٤/١١٤٨٤ ، الصواعق المحرقة: ١٦٦ كلاهما نحوه ، عقد الدرر: ١٦٤ ، كنز العمال: ١٤/٢٦١/٣٨٦٥٣ ؛ دلائل الإمامه : ٤٧١/٤٦٣ نحوه ، الملاحم والفتن: ٣٢٢ / ٤٦٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اَمّت من مهدی [حاکم] خواهد بود و دوران حکومتش دست کم هفت سال و حداکثر نه سال خواهد بود. در آن دوره، اَمّت من از چنان نعمتی برخوردار خواهد بود که تا پیش از آن، هرگز از آن برخوردار نبوده است. زمین خوردنی هایش را می بخشد و هیچ چیز را از آنان پنهان نمی دارد. در آن هنگام، مال خرمن خرمن است؛ فرد برمی خیزد و می گوید: «ای مهدی! مرا مالی بخش»؛ پس وی می فرماید: «برگیر [آن قدر که می خواهی]». .

مسند ابن حنبل از ابوسعید خدری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را به مهدی نوید دهم؟ آن گاه که مردم دچار اختلاف و لرزش های شدید باشند، وی در میان اَمّت من برانگیخته خواهد شد و زمین را همان گونه که از ستم و زور انباشته شده، از عدل و داد سرشار کند. هم آن که در آسمان سکونت دارد و هم آن که در زمین ساکن است، از او خوشنود است. او مال را به درستی بخش می کند». . مردی به وی گفت: «به درستی یعنی چه؟» فرمود: «[یعنی مال را] به مساوات میان مردم [تقسیم می کند]». و فرمود: «و خداوند دل های اَمّت محمّد را از توانگری سرشار می کند و عدل مهدی همه آن ها را فرا می گیرد، چندان که ندا دهنده ای بانگ برآورد: آیا کسی هست که به مالی نیاز داشته باشد؟ از مردم، جز یک نفر، کسی بر نمی خیزد. مهدی به وی می فرماید: نزد خزانه دار رو و به وی بگو: مهدی فرمانت می دهد که به من مال عطا کنی. سپس به وی می گوید: تقسیم کن تا آن گاه که خزانه دار دامنش را از مال پُر و برجسته می کند. در این حال، آن فرد پشیمان می شود و می گوید: من آزمندترین کس در اَمّت محمّد بودم؛ آیا آن چه ایشان را فراپوشاند، نمی تواند مرا هم فرا پوشاند؟» فرمود: «آن گاه، آن مال ها را باز می گرداند، اما دیگر از وی پذیرفته نمی گردد و به وی گفته می شود: ما آن چه را که بخشیده ایم، بازپس نمی گیریم». .

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ، يَمَلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَتَمَطَّرُ السَّمَاءُ مَطْرًا كَعَهْدِ آدَمَ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا، وَتَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ قَطُّ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: يَرْضَى عَنْهُ [أَيِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام] سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَّتْهُ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ مَائِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، حَتَّى تَتَمَنَّى الْأَحْيَاءُ الْأَمْوَاتَ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي دُنْيَاهُ [أَيِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام] نِعْمًا لَمْ تَنْعَمْ مِثْلَهُ قَطُّ، الْبُرُّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرُ؛ تُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا، وَالْمَالُ كُدُوسٌ، يَأْتِيهِ الرَّجُلُ فَيَحْتَوِلُهُ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ؛ تُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تُزْرَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ إِلَّا أَخْرَجَتْهُ، وَالْمَالُ كُدُوسٌ؛ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي، فَيَقُولُ: خُذْ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: وَاللَّهِ لَيُتَمَنَّ هَذَا الْأَمْرُ، حَتَّى يَسِيرَ الزَّارِكُ مِنْ صِنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ، أَوِ الذُّئْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ. (٥)

١- الملاحم والفتن: ٣٢٢ / ٤٦٤؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ٨ / ٦٧٨ / ١٨٤ نحوه وكلاهما عن أبي سعيد الخدرى .

٢- المصنّف لعبد الرزاق: ١١ / ٣٧٢ / ٢٠٧٧٠، المستدرک على الصحيحين: ٤ / ٥١٢ / ٨٤٣٨ نحوه، الفتن لابن حمّاد: ١ / ٣٥٨ / ١٠٣٨ وفيه «نباتها» بدل «مائها»؛ شرح الأخبار: ٣ / ٣٨٥ / ١٢٦١ كلّها عن أبي سعيد الخدرى، بحار الأنوار: ٥١ / ١٠٤ / ٣٩.

٣- الملاحم والفتن: ٢٧٩ / ٤٠٥؛ الفردوس: ٥ / ٤٥٧ / ٨٧٣٧ نحوه وكلاهما عن أبي سعيد الخدرى .

٤- الفتن لابن حمّاد: ١ / ٣٦٠ / ١٠٤٨ عن أبي سعيد الخدرى، المعجم الأوسط: ٥ / ٣١١ / ٥٤٠٦ عن أبي هريره وفيه «تدخر» بدل «تزرع»، كنز العمال: ١٤ / ٢٧٣ / ٣٨٧٠١؛ بحار الأنوار: ٥١ / ٨٣ / ٣٧ نقلًا عن كشف الغمّه وفيه إلى «أخرجته» .

٥- صحيح البخارى: ٣ / ١٣٢٢ / ٣٤١٦ وج ٦ / ٢٥٤٦ / ٦٥٤٤، سنن أبي داود: ٣ / ٤٧ / ٢٦٤٩، مسند ابن حنبل: ٧ / ٤٥٣ / ٢١١٢٦ وج ١٠ / ٣٤٧ / ٢٧٢٨٦ وفيه «من المدينة» بدل «من صنعاء» وكلّها عن خباب، كنز العمال: ١ / ٢٦٣ / ١٣٢٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهدی در میان امت من خواهد بود و آن را همان گونه که از ستم و زور لبریز شده، از عدل و داد سرشار خواهد کرد. آن گاه، همانند دوران حضرت آدم علیه السلام، آسمان باران خواهد بارید؛ زمین برکتش را برون خواهد داد؛ و امتم در روزگار وی از چنان زندگانی ای بهره می برند که تا آن زمان هرگز نبرده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از او [= مهدی علیه السلام] هم ساکن آسمان خشنود است و هم ساکن زمین؛ آسمان هیچ قطره ای از قطره هایش را وانمی گذارد مگر آن که پیوسته بباراند و زمین از آبش هیچ بهره ای را وانمی نهد مگر آن که برون می تراود، چندان که زندگان آرزو می کنند [باز زنده شدن] مردگان را.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه امت من، خواه نیکوکار و خواه بدکردار، در روزگار او [= مهدی علیه السلام] از چنان نعمت هایی برخوردار می شوند که تا پیش از آن هرگز نشده اند؛ آسمان بارانی فراوان و پیوسته بر ایشان می بارد و زمین هیچ یک از رویدنی هایش را پنهان نمی کند؛ و مال خرمن خرمن است، چندان که هر کس نزد او آید، وی مال می بخشدش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روزگار مهدی علیه السلام، امت من از چنان نعمتی برخوردار می شود که تا پیش از آن هرگز برخوردار نبوده است؛ آسمان باران فراوان و پیوسته بر ایشان می بارد و در زمین هیچ یک از رویدنی ها کشت نمی شود مگر آن که ثمر می دهد؛ و مال خرمن خرمن است، چندان که هر کس برخیزد و بگوید: «ای مهدی! مرا مالی بخش»، او فرماید: «برگیر!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدای سوگند! هر آینه این امر تحقق خواهد پذیرفت، چندان که سواره ای از صنعا به خَضَرَموت رهسپار می شود و تنها از خدای بیم دارد و از گرگ بر گوسفندانش؛ اما شما [برای فرارسیدن چنان روزی] شتاب می کنید.

الإمام علي عليه السلام في حديث الأربعمائة: ما أنزلت السماء [من] قطره من ماء منذ حبسه الله عز وجل ، ولو قد قام قائمنا لما أنزلت السماء قطرها ، ولأخرجت الأرض نباتها ، ولذهبت الشحناء من قلوب العباد ، واصطلحت السباع والبهايم ؛ حتى تمشي المرأة بين العراق إلى الشام لا تضع قدميها إلا على النبات ، وعلى رأسها زينتها ، لا يهيجها سبغ ولا تخافه . (١)

الإمام الحسين عليه السلام: لتنزلن البركة من السماء إلى الأرض حتى إن الشجرة لتقصف مما يزيد الله فيها من الثمره ، وتؤكل ثمره الشتاء في الصيف وثمره الصيف في الشتاء ، وذلك قول الله تعالى: « وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا (٢) . (٣) »

الإمام زين العابدين عليه السلام: إذا قام القائم أذهب الله عن كل مؤمن العاهه ، ورد إليه قوته . (٤)

١- الخصال : ١٠ / ٦٢٦ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ١١٥ نحوه ، بحار الأنوار : ١١ / ٣١٦ / ٥٢ .

٢- الأعراف : ٩٦ .

٣- مختصر بصائر الدرجات : ٥١ عن أبي سعيد سهل رفعه إلى الإمام الباقر عليه السلام ، الخرائج والجرائح : ٢ / ٨٤٩ / ٦٣ عن جابر عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام وفيه «يريد» بدل «يزيد» ، بحار الأنوار : ٥٢ / ٦٣ / ٥٣ .

٤- الغيبة للنعماني : ٣١٧ / ٢ عن حريز عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، الخصال : ٥٤١ / ١٤ عن أبي فاخته عن أبيه نحوه ، بحار الأنوار : ٥٢ / ٣٦٤ / ١٣٨ .

امام علی علیه السلام: از آن هنگام که خداوند باران را دربند کند، آسمان قطره ای فرو نخواهد فرستاد و آن گاه که برپا شونده ما برپای شود، هر آینه آسمان بارانش را فرو می فرستد؛ زمین رویدنی هایش را برون می آورد؛ کین توزی و دشمنی از دل های بندگان رخت برمی بندد؛ درندگان و چهارپایان به صلح و دوستی می گرایند؛ و چنان می شود که زنی از عراق تا شام پیاده راه می سپرد و جز بر رویدنی ها گام نمی گذارد، در حالی که زینتش را بر سر دارد؛ نه درنده ای او را برمی آشوباند و نه وی از آن بیمناک می شود.

امام حسین علیه السلام: هر آینه برکت از آسمان به زمین فرو فرستاده می شود، چندان که درخت از فراوانی بر و باری که خداوند بر او افزوده، کمر خم می کند و میوه زمستان در تابستان خورده می شود و میوه تابستان در زمستان. و چنین است فرموده خدای تعالی: «و اگر مردم آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، هر آینه برکت ها از آسمان و زمین بر آنان می گشادیم و لیکن [پیام ها و نشانه های ما را] دروغ شمردند».

امام زین العابدین علیه السلام: هر گاه برپاشونده برپا شود، خداوند هر گونه آفت و آسیب را از هر مؤمنی دور می سازد و توان او را به وی باز می گرداند.

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهِهِ بَرِيءٌ، وَمِنْ ذِي ضَعْفٍ قَوِيٌّ . (١)

عنه عليه السلام: كَأَنِّي بِجَدِّيْنِمْ هَذَا لَا يَزَالُ مُتَخَضِّضًا يَفْحَصُ بِدَمِهِ ثُمَّ لَا يَزُدُّهُ عَلَيْكُمْ إِلَّا رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ؛ فَيُعْطِيكُمْ فِي السَّنَةِ عَطَاءَيْنِ ، وَيَرْزُقُكُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ ، وَتُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ ، حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَسُنَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: يُنْبِئُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مَنِيَّ وَأَنَا مِنْهُ ، يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ؛ فَيَنْزِلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا ، وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بَذْرَهَا ، وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسِبَاعُهَا ، وَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا ، وَيَقْتُلُ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: لَوْ كَانَ هَذَا مِنْ ذُرِّيَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهَلَجِمْتُ! (٣)

عنه عليه السلام: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ . . . تَظْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا ، وَيَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَيَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ ؛ اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ . (٤)

الغيبه للنعماني عن الكاهلي عن أبي عبد الله عليه السلام: تَوَاصَلُوا وَتَبَارَزُوا وَتَرَاحَمُوا ؛ فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ ، لَيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَا يَجِدُ أَحَدُكُمْ لِدِينَارِهِ وَدِرْهَمِهِ مَوْضِعًا يَعْنِي لَا يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مَوْضِعًا يَصْرِفُهُ فِيهِ ؛ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعًا بِفَضْلِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَرَثَتِهِ . فَقُلْتُ : وَأَنْتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ : عِنْدَ فَقْدِكُمْ إِمَامِكُمْ ، فَلَا تَزَالُونَ كَذَلِكَ حَتَّى يَطَّلِعَ عَلَيْكُمْ كَمَا تَطَّلِعُ الشَّمْسُ آيَسَ مَا تَكُونُونَ . (٥)

١- مختصر بصائر الدرجات: ١١٦، الخرائج والجرائح: ٢ / ٨٣٩ / ٥٤ كلاهما عن أبي بكر الحضرمي، بحار الأنوار: ٥٢ / ٣٣٥ / ٦٨ .

٢- الغيبه للنعماني: ٢٣٩ / ٣٠ عن حمran بن أعين، بحار الأنوار: ٥٢ / ٣٥٢ / ١٠٦ .

٣- الغيبه للطوسي: ١٨٨ / ١٤٩ عن يحيى بن العلاء الرازي، بحار الأنوار: ٥١ / ١٤٦ / ١٦ .

٤- الإرشاد: ٢ / ٣٨١، إعلام الوري: ٢ / ٢٩٣ كلاهما عن المفضل بن عمر، روضه الواعظين: ٢٨٩ وفيه «من فضيله» بدل «من يصله» .

٥- الغيبه للنعماني: ١٥٠ / ٨، بحار الأنوار: ٥١ / ١٤٦ / ١٧ .

امام باقر علیه السلام: هر کس برپاشونده اهل بیت مرا درک کند، اگر دچار آسیبی بوده باشد، از آن می رهد؛ و اگر ناتوان بوده باشد، توان می یابد.

امام باقر علیه السلام: گویا می بینم که این دین شما پیوسته در اضطراب و لرزش است و در خون خود دست و پا می زند. سرانجام، کسی دینتان را به شما باز نمی گرداند جز مردی از ما اهل بیت؛ همو که هر سال دو بار به شما بخشش می کند و هر ماه دو بار روزی تان می دهد. در روزگار وی، حکمت به شما عطا می شود، چندان که زن در خانه خویش، بر پایه کتاب خدای تعالی و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله قضاوت می کند.

امام صادق علیه السلام: خدای تعالی در این امت مردی را پدید می آورد که او از من است و من از اویم و به سبب وی، برکت های آسمان ها و زمین را روان می سازد؛ آسمان بارانش را فرو می فرستد؛ زمین دانه هایش را ثمر می بخشد؛ جانوران وحشی و درندگان زمین [رام و] آرام می شوند؛ و او زمین را چنان که از ستم و بیداد آکنده شده، از داد و عدل سرشار می کند؛ و [آن قدر سزاواران کشته شدن را] می کشد که نادان گوید: «این اگر از نسل محمد صلی الله علیه و آله بود، رحم می ورزید!».

امام صادق علیه السلام: همانا هر گاه برپا شونده ما برپا شود... زمین گنج های خویش را آشکار می کند، چندان که مردم آن ها را روی زمین می بینند؛ و کسی از شما به دنبال فردی می گردد که مالش را بستاند و زکاتش را بپذیرد، اما هیچ کس را نمی یابد که چنین کند، [زیرا] مردم از رهگذر روزی هایی که خداوند با فزون بخشی خویش به ایشان عطا فرموده، بی نیاز شده اند.

الغیبه للنعمانی از کاهلی از امام صادق علیه السلام: با هم پیوند داشته باشید، به یکدیگر نیکی کنید و مهر ورزید؛ که سوگند به آن که دانه را شکافت و جانداران را پدیدار ساخت، هر آینه روزگاری بر شما فراخواهد رسید که هیچ یک از شما برای دینار و درهم خویش محلّ خرجی نخواهد یافت یعنی: در زمانه ظهور آن برپا شونده، فرد جایی برای مصرف پولش نمی یابد؛ زیرا همه مردم به فضل خدا و ولی او، بی نیاز شده اند. گفتم: «چه زمان چنین خواهد شد؟» فرمود: «آن گاه که امامتان را از دست دهید و همواره چنان مانید تا وقتی که وی بر شما طلوع کند، همان سان که خورشید سر بر می زند، در حالی که از همه وقت نومیدتر گشته اید».

ص: ۱۳۴

..

الفصل السادس: مدح الفقر ومعناه ٦ / ١١ ما رُوِيَ في مَدْحِ الْفَقْرِ رسول الله صلى الله عليه و آله: الْفَقْرُ مَخْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ ، لا يَبْتَلَى بِهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله: الْفَقْرُ مِحْنَةٌ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ ، لا يَبْتَلَى بِهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله: الْفَقْرُ فَخْرِي . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله: الْفَقْرُ فَخْرِي ، وَبِهِ أَفْتَخِرُ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله: الْفَقْرُ فَخْرِي ، وَبِهِ أَفْتَخِرُ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ . (٥)

١- الفردوس : ٣ / ١٥٦ / ٤٤٢٣ عن الإمام علي عليه السلام .

٢- كنز العمال : ٦ / ٤٨٤ / ١٦٦٥٠ نقلاً عن السلمى عن الإمام علي عليه السلام .

٣- جامع الأخبار : ٣٠٢ / ٨٢٨ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٩ / ٥٨ .

٤- عدّه الداعى : ١١٣ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٥٥ / ٨٥ ؛ كشف الخفاء : ٢ / ٨٧ / ١٨٣٥ .

٥- عوالى اللآلى : ١ / ٣٩ / ٣٨ ، المواعظ العددية : ٣٧٨ وزاد فيآخره «والمرسلين» ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٣٢ .

فصل ششم: ستایش فقر و مفهوم آن

۶ / ۱ روایات درباره ستایش فقر

فصل ششم: ستایش فقر و مفهوم آن ۶ / ۱ روایات درباره ستایش فقر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر گنجینه ای است نزد خدا که به آن گرفتار نمی شود مگر مؤمنی که خداوند دوستش می دارد (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر آزمونی است از سوی خداوند که کسی را به آن مبتلا نمی کند، مگر مؤمنی را که دوستش بدارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر مایه افتخار من است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر مایه افتخار من است و به آن مباهات می ورزم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر مایه افتخار من است و با آن بر دیگر پیامبران مباهات می ورزم.

۱- از عابدی پرسیده شد: «چه تفاوت است میان سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله که فقر مایه افتخار من است و فقر سبب سیاهرویی در هر دو جهان است و فقر، انسان را در آستانه کفر قرار می دهد؟» گفت: «بدان که فقر یعنی نیازمندی؛ و آن، سه گونه است: تنها نیاز به خدا، تنها نیاز به مردم، و نیاز به هر دو. حدیث نخست به معنای نخست اشاره دارد، یعنی نیاز به خدا؛ حدیث دوم به معنای دوم می پردازد، یعنی نیاز به مردم؛ و حدیث سوم به معنای سوم نظر دارد، یعنی نیاز به مردم و خدا. این سخن را خوب دریاب.»

عنه صلى الله عليه و آله :يا عَلِيُّ ، مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ . . . أَنْ يَكُونَ الْفَقْرَ شِعَارَهُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :تُحَفَّهُ الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا الْفَقْرُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :الْفَقْرُ أَزِينٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ مِنَ الْعِذَارِ الْحَسَنِ عَلَى خَدِّ الْفَرَسِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :الْفَقْرُ شَيْنٌ عِنْدَ النَّاسِ ، وَزَيْنٌ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :الْفَقْرُ ذُلٌّ فِي الدُّنْيَا ، وَفَخْرٌ فِي الْآخِرَةِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله :اللَّهُمَّ تَوَفَّنِي فَقِيرًا ، وَلَا تَوَفَّنِي غَنِيًّا ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسَاكِينِ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ لِي حِرْفَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ ؛ فَمَنْ أَحْبَبَهُمَا فَقَدْ أَحْبَبَنِي ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي : الْفَقْرُ وَالْجِهَادُ . (٧)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ قَلَّ مَالُهُ ، وَكَثُرَ عِيَالُهُ ، وَحَسِدَتْ صِیْلَاتُهُ ، وَلَمْ يَغْتَبِ الْمُسْلِمِينَ ؛ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ مَعَى كَهَاتَيْنِ .

(٨)

١- التمهيد: ٧٤ / ١٧١ ، بحار الأنوار : ٦٧ / ٣١١ / ٤٥ .

٢- الفردوس : ٢ / ٧٠ / ٢٣٩٩ عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ٦ / ٤٧٢ / ١٦٦٠١ .

٣- المعجم الكبير : ٧ / ٢٩٥ / ٧١٨١ عن شداد بن أوس ، الزهد لابن المبارك : ١٩٩ / ٥٦٨ عن سعد بن مسعود نحوه ، كنز العمال : ٦ / ٤٧٠ / ١٦٥٩٤ ؛ الكافي : ٢ / ٢٦٥ / ٢٢ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام ، التمهيد : ٤٩ / ٨٠ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما «الحسن» ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٥٢ / ٧٦ و ص ٢٨ / ٢٤ .

٤- جامع الأخبار : ٣٠٢ / ٨٢٩ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١١٩ وليس فيه «يوم القيامة» ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٩ / ٥٨ ؛ الفردوس : ٣ / ١٥٤ / ٤٤١٨ عن أنس ، كنز العمال : ٦ / ٤٧١ / ١٦٥٩٥ .

٥- إرشاد القلوب : ١٩٤ .

٦- شعب الإيمان : ٤ / ٣٨٩ / ٥٤٩٩ ، تنبيه الغافلين : ٢٣٤ / ٣٠٢ وزاد في آخره «يوم القيامة» وكلاهما عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ٦ / ٤٨٩ / ١٦٦٧١ ؛ إرشاد القلوب : ١٩ عن الإمام عليّ عليه السلام .

٧- إحياء علوم الدين : ٤ / ٢٨٦ ، الفردوس : ٣ / ٣٣٩ / ٥٠٢١ عن أنس نحوه ؛ المحجّة البيضاء : ٧ / ٣٢١ ، مستدرک الوسائل : ١١ / ١٤ / ١٢٢٩٥ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب نحوه .

٨- مسند أبي يعلى : ١ / ٤٦٣ / ٩٨٦ ، تاريخ بغداد : ١١ / ٢٥٩ / ٦٠١٧ وكلاهما عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ٣ / ٤٠٠ /

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! از ویژگی های مؤمن این است که . . . فقر نشان او باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ارمغان مؤمن در دنیا، فقر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر برای مؤمن زینده تر است از داغ و نشانی زیبا بر گونه اسب .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر نزد مردم عیب است و نزد خدای، در روز رستاخیز، زیور و آرایه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر در دنیا خواری است و در آخرت، افتخار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! مرا فقیر بمیران، نه توانگر؛ و روز قیامت، مرا در شمار مستمندان برانگیز .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرا دو خوی است که هر که آن دو را دوست می دارد، مرا هم دوست دارد؛ و هر که آن دو را دشمن شمرد، مرا دشمن شمرده: فقر و جهاد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مالش اندک باشد و خانوارش پُرشمار و نمازش نیکو، و از مسلمانان غیبت نکند، روز رستاخیز چنان با من پیوسته و همراه است که این دو [انگشت کنار هم] هستند .

جامع الأخبار: سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا الْفَقْرُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خِزَانَةٌ مِنْ خَزَائِنِ اللَّهِ تَعَالَى. قِيلَ ثَانِيًا: مَا الْفَقْرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: كَرَامَةٌ مِنَ اللَّهِ. قِيلَ ثَالِثًا: مَا الْفَقْرُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَيْءٌ لَا يُعْطِيهِ اللَّهُ إِلَّا نَبِيًّا مُرْسَلًا أَوْ مُؤْمِنًا كَرِيمًا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى. (١)

عيسى عليه السلام: أَرْبَعٌ هُنَّ عَجَبٌ، وَلَا يُحْفَظَنَّ إِلَّا بِعَجَبٍ: الصَّمْتُ، وَهُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَالتَّوَضُّعُ، وَقِلَّةُ الشَّيْءِ. (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: حُبُّ الْفَقْرِ يُكْسِبُ الْوَرَعَ. (٣)

عنه عليه السلام: الْفَقْرُ زِينَةُ الْإِيمَانِ. (٤)

عنه عليه السلام: الْفَقْرُ مَخْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ بِمَنْزِلَةِ الشَّهَادَةِ يُؤْتِيهِ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ. (٥)

١- جامع الأخبار: ٢٩٩ / ٨١٥، المواعظ العددية: ١٢٦، بحار الأنوار: ٧٢ / ٤٧ / ٥٨.

٢- الزهد لهناد: ١ / ٣٢٦ / ٥٩٤ عن سفيان، المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٣٤٦ / ٧٨٦٤، المعجم الكبير: ١ / ٢٥٦ / ٧٤١ كلاهما عن أنس نحوه.

٣- غرر الحكم: ٤٨٧٣.

٤- غرر الحكم: ٢٦٠.

٥- جامع الأخبار: ٣٠٠ / ٨١٩، التمهيد: ٥١ / ٩٦، مشكاة الأنوار: ٥٠٤ / ١٦٨٧ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «إِنَّ الْفَقْرَ مَخْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ، لَا يَبْتَلَى بِهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، بحار الأنوار: ٧٢ / ٤٨ / ٥٨.

جامع الاخبار: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: «فقر چیست؟» فرمود: «گنجینه ای است از گنجینه های خدای تعالی»
. دیگر بار پرسیده شد: «ای رسول خدا! فقر چیست؟» فرمود: «ارجمندی ای از سوی خدای». سه باره پرسیده شد: «فقر چیست؟» فرمود: «آن است که خداوند جز به پیامبر برانگیخته شده به رسالت یا مؤمنی که نزد خدای تعالی ارجمند است، عطا نمی فرماید».

عیسی علیه السلام: چهار چیز مایه شگفتی اند و جز به شگفتی حفظ نمی شوند: سکوت که سرآمدِ عبادت است؛ یاد خدا در هر حال؛ فروتنی؛ و دارایی کم.

امام علی علیه السلام: دوست داشتن فقر، زمینه پرهیزگاری را فراهم می کند.

امام علی علیه السلام: فقر، آرایه ایمان است.

امام علی علیه السلام: فقر همانند شهادت است که گنجینه ای است نزد خدا و او به هر که خواهد، عطایش فرماید.

عنه عليه السلام: فَوْتُ الْغِنَى غَنِيمَةُ الْأَكْيَاسِ ، وَحَسْرَةُ الْحَقْمَى . (١)

عنه عليه السلام: الْفَقْرُ صَلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَمُرِيحُهُ مِنْ حَسَدِ الْجِيرَانِ ، وَتَمَلُّقُ الْإِخْوَانِ ، وَتَسَلُّطُ السُّلْطَانِ . (٢)

مستدرك الوسائل عن عمار بن ياسر: بَيْنَا أَنَا أَمْشَى بِأَرْضِ الْكُوفَةِ ، إِذْ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ ، وَهُوَ يَصِفُ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مَا يَصْلُحُ لَهُ ، فَقُلْتُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، أَيُوحِدُ عِنْدَكَ دَوَاءَ الذُّنُوبِ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، إِجْلِسْ ، فَجَثَوْتُ عَلَى رُكْبَتَيْ حَتَّى تَفَرَّقَ عَنْهُ النَّاسُ ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ : خُذْ دَوَاءً أَقُولُ لِمَكَ . قَالَ : قُلْتُ : قُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ . قَالَ : عَلَيْكَ بَوْرَقِ الْفَقْرِ ، وَعُرُوقِ الصَّبْرِ ، وَهَلِيلِجِ الْكِتْمَانِ ، وَبَلِيلِجِ الرِّضَا ، وَغَارِيقُونَ الْفِكْرِ ، وَسَقَمُونِيَا الْأَحْزَانِ ، وَاشْرَبْهُ بِمَاءِ الْأَجْفَانِ ، وَاغْلِهِ فِي طَنْجِيرِ الْقَلْعِ ، وَدَعَهُ تَحْتَ نِيرَانِ الْفَرْقِ ، ثُمَّ صَفِّهِ بِمُنْخَلِ الْأَرْقِ ، وَاشْرَبْهُ عَلَى الْحَرَقِ ؛ فَذَاكَ دَوَاكَ وَشِفَاكَ ، يَا عَلِيلُ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: الْمَصَائِبُ مَنَحٌ مِنَ اللَّهِ ، وَالْفَقْرُ مَخْرُوفٌ عِنْدَ اللَّهِ . (٤)

تحف العقول: قَالَ لَهُ [أَى لِلْإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] رَجُلٌ : أَوْصِنِي . قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَتَقَبَّلْ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : تَوَسَّدِ الصَّبْرَ ، وَاعْتَنِقِ الْفَقْرَ ، وَارْفُضِ الشَّهَوَاتِ . (٥)

١- غرر الحكم : ٦٥٣٥ .

٢- غرر الحكم : ٢٠٧٧ .

٣- مستدرك الوسائل : ١٢ / ١٧١ / ١٣٨٠٣ نقلًا عن أصل لبعض القدماء .

٤- الكافي : ٢ / ٢٦٠ / ٢ عن سعدان ، التمهيد : ٥١ / ٩٦ عن عبد الله بن سنان وليس فيه «المصائب منح من الله» ، بحار الأنوار : ٥ / ٨ / ٧٢ .

٥- تحف العقول : ٤٥٥ ، بحار الأنوار : ١ / ٣٥٨ / ٧٨ .

امام علی علیه السلام: از دست رفتنِ توانگری ، برای زیرکان غنیمت است و نابخردان را مایه حسرت .

امام علی علیه السلام: فقر ، مایه راستی و استواری مؤمن است و او را از حسادت همسایگان ، چاپلوسیِ دوستان ، و چیرگی حکمران می رهاند .

مستدرک الوسائل از عمّار بن یاسر: در زمین کوفه راه می سپردم که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را دیدم که نشسته و گروهی از مردم گردش را گرفته اند و او آن چه را برای هر انسان راستی و درستی ارمغان می آورد ، برمی شمرد . من پرسیدم: «ای امیرالمؤمنین! آیا دواي گناهان نیز نزد تو یافت می شود؟» فرمود: «آری ؛ بنشین» . بر دو زانو نشستم تا مردم از گردش پراکنده شدند . سپس وی فرایش من آمد و گفت: «دوایی را که برایت وصف می کنم ، بستان!» عمّار می گوید: گفتم: «برگوی ای امیرالمؤمنین!» فرمود: «بر تو باد به : برگ گیاه فقر ، ریشه گیاه صبر ، زقوم سخن پوشی ، قطره های خرسندی ، قارچ اندیشیدن ، گیاه محموده اندوه ؛ و آن را بیاشام با اشک دیدگان ؛ و بگذار در دیگ اضطراب و بگذار زیر آتش جدایی ؛ سپس با غربال شب بیداری صاف کن و بر آتش بنوش ؛ این دوا و شفای تو است ، ای ناتندرست!»

امام صادق علیه السلام: مصیبت ها هدیه های خداوندند و فقر ، گنجینه ای است نزد خدای .

تحف العقول: فردی به او [=امام جواد علیه السلام] گفت: «مرا سفارشی کن» . فرمود: «می پذیری؟» گفت: «آری» . فرمود: «بر بالش صبر سرینه ؛ فقر را در آغوش بگیر ؛ و شهوت ها را از خود بران!»

٦ / ٢ ما يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْفَقْرَ خَيْرٌ مِنَ الْغِنِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ كَانَ الْفَقْرُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنِيِّ ، فَلَمَّا اجْتَهَدَ عِبَادُ الْحَرَمِينَ أَنْ يُدْرِكُوا مَا أُعْطِيَ مَا أُدْرِكُوا . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : ما عُبِدَ اللَّهُ بِمِثْلِ الْعَقْلِ ، وما تَمَّ عَقْلُ امْرِئٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ : . . . الْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنِيِّ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : الْفَقْرُ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْغِنِيِّ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : الْفَقْرُ رَاحَةٌ ، وَالْغِنَى عُقُوبَةٌ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : شَيْئَانِ يَكْرَهُهُمَا ابْنُ آدَمَ : يَكْرَهُ الْمَوْتَ ؛ وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْفِتْنَةِ ، وَيَكْرَهُ قَلَّةَ الْمَالِ ؛ وَقَلَّةَ الْمَالِ أَقْلٌ لِلْحِسَابِ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : الْفَقْرُ فَقْرَانِ : فَقْرٌ فِي الدُّنْيَا ، وَفَقْرٌ فِي الْآخِرَةِ ؛ فَفَقْرُ الدُّنْيَا غِنَى الْآخِرَةِ ، وَغِنَى الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ ، وَذَلِكَ الْهَلَاكُ . (٦)

١- . كنز العمال : ١٥ / ٨٠٥ / ٤٣١٩٩ نقلاً عن الديلمي عن ابن عمر ؛ الأملى للشجرى : ٢ / ١٨٣ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه عنه صلى الله عليه وآله نحوه .

٢- . علل الشرايع : ١١٦ / ١١ عن عليّ الأشعري رفعه ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٣٩٥ / ٧٨ .

٣- . الجعفریات : ١٥٥ ، التمهيص : ٤٩ / ٨٥ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

٤- . شعب الإيمان : ٥٠٤٠ / ٣٨٨ / ٥ ، الفردوس : ٣ / ١٥٥ / ٤٤١٩ كلاهما عن عائشه ؛ جامع الأحاديث للقمي : ١٠٥ وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٥٦ .

٥- . الخصال : ٧٤ / ١١٥ عن محمود بن لبيد ، روضه الواعظين : ٥٣٣ ، بحار الأنوار : ٦ / ١٢٨ / ١٣ وج ٧٢ / ٣٩ / ٣٣ ؛ مسند ابن حنبل : ٩ / ١٥٩ / ٢٣٦٨٦ عن محمود بن لبيد .

٦- . مشكاة الأنوار : ٢٢٩ / ٦٤٣ ، روضه الواعظين : ٤٩٨ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤٧ ؛ الفردوس : ٣ / ١٥٦ / ٤٤٢٢ عن ابن عباس ، كنز العمال : ٦ / ٤٩٠ / ١٦٦٧٦ .

۶ / ۲ روایات نشان دهنده برتری فقر بر توانگری

۶ / ۲ روایات نشان دهنده برتری فقر بر توانگری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس فقر برایش دوست داشتنی تر از توانگری باشد، اگر عبادت کنندگانِ دو حرم [= مکه و مدینه] فراوان بکوشند تا آن چه را به وی عطا شده، درک کنند، نمی توانند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند با هیچ چیز همچون عقل عبادت نمی شود؛ و عقل انسان کمال نمی پذیرد، مگر آن که ده ویژگی در او باشد: . . . فقر برایش دوست داشتنی تر از توانگری شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای مؤمن، فقر بهتر از توانگری است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر آرامش است و مالداری، کیفر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو چیزند که فرزند آدم، آن ها را خوش نمی دارد: از مرگ بیزار است، حال آن که مرگ مؤمن را از فتنه می رهاوند؛ و تنگدستی را دوست نمی دارد، حال آن که تنگدستی سبب می شود حسابرسی [روز رستاخیز] آسان تر گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر دو گونه است؛ فقر دنیا و فقر آخرت. فقر دنیا مایه توانگری آخرت است و توانگری دنیا مایه فقر آخرت؛ و این، نابودی است.

المستدرک علی الصحیحین عن بلال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بِلَالُ، إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَلَا تَلْقَهُ غَنِيًّا. قُلْتُ: وَكَيْفَ لِي بِذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِذَا رُزِقْتَ فَلَا تَخْبَأْ، وَإِذَا سُئِلْتَ فَلَا تَمْنَعْ. قُلْتُ: وَكَيْفَ لِي بِذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: هُوَ ذَاكَ وَإِلَّا فَالْتَأَرْ. (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ: يَا مُوسَى، إِرْضَ بِكِسْرِهِ خُبْزٍ مِنْ شَعِيرٍ تَشِيدُ بِهَا جُوعَتَكَ، وَخِرْفَةٍ تُوَارِي بِهَا عَوْرَتَكَ، وَاصْبِرْ عَلَى الْمُصِيبَاتِ؛ فَإِذَا رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً فَقُلْ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ عَقُوبَةً عَجَلَتْ فِي الدُّنْيَا، وَإِذَا رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُدْبِرَةً وَالْفَقْرُ مُقْبِلًا فَقُلْ: مَرَحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: فِي مُنَاجَاةِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُوسَى، إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ: مَرَحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ، وَإِذَا رَأَيْتَ الْغِنَى مُقْبِلًا فَقُلْ: ذَنْبٌ عَجَلَتْ عَقُوبَتُهُ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: ضَرَرُ الْفَقْرِ أَحْمَدُ مِنْ أَشْرِ الْغِنَى. (٤)

١- المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٣٥٢ / ٧٨٨٧، المعجم الكبير: ١ / ٣٤١ / ١٠٢١، حليه الأولياء: ١ / ١٤٩ كلاهما نحوه، كنز العمال: ٦ / ٣٨٧ / ١٦١٨٣.

٢- كنز العمال: ١٦٦٥١/٤٨٤/٦ نقلاً عن الديلمي عن أبي الدرداء؛ عدّه الداعي: ١٠٧، إرشاد القلوب: ١٥٦ وفي ذيلهما «يا موسى، لا تعجبن بما اوتى فرعون وما تمتع به، فإنما هي زهره الحياه الدنيا».

٣- الكافي: ١٢/٢٦٣/٢ عن حفص بن غياث وج ٨ / ٤٨ / ٨ عن علي بن عيسى رفعه مع تقديم وتأخير، الأمالي للصدوق: ١٠٢٨/٧٦٥، تفسير القمي: ١/٢٠٠ وفيه «كانت مناجاة الله لموسى عليه السلام: يا موسى...» وكلاهما عن حفص بن غياث، تحف العقول: ٤٩٥ مع تقديم وتأخير، بحار الأنوار: ٧٢ / ١٥ / ١٤؛ حليه الأولياء: ٦ / ٥ عن كعب الأجبارة، الفردوس: ٣ / ١٧٥ / ٤٤٦٩ عن أبي سعيد الخدري.

٤- غرر الحكم: ٥٩٠٤.

المستدرک علی الصحیحین از بلال: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای بلال! در حالی که فقیری ، با خدا دیدار کن ، نه با توانگری». گفتم: «ای پیامبر خدا! چگونه چنین کنم؟» فرمود: «هر گاه روزی داده شدی ، آن را نگهداری مکن ؛ و هر گاه از تو چیزی خواسته شد ، از بخشش خودداری موزر». گفتم: «ای پیامبر خدا! این چگونه ممکن است؟» فرمود: «سخن همین است ؛ و گرنه دچار آتش خواهی شد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرستاد: «ای موسی! به پاره نان جوینی که با آن از گرسنگی رها شوی ، خرسند باش ؛ و به تکه جامه ای که عورت تو را بپوشاند ، رضایت ده ؛ و بر مصیبت ها شکبیا باش . پس هر گاه دیدی که دنیا به تو روی آورده ، بگو: هر آینه از آن خداییم و به سویش بازگشت کنانیم ؛ این کیفری است که در دنیا پیش افتاده است ؛ و هر گاه دیدی که دنیا از تو روی برگردانده و فقر به تو روی نهاده ، بگو: «خوش آمدی ای نشانه شایستگان» .

امام صادق علیه السلام: در سخن گویی خدا با موسی علیه السلام آمده است: «ای موسی! هر گاه فقر را دیدی که به تو روی نهاده ، بگو: خوش آمدی ای نشانه شایستگان ؛ و هر گاه توانگری را روی کنان دیدی ، بگو: گناهی است که کیفرش زود افتاده .

امام علی علیه السلام: زیان فقر ، ستوده تر از سرمستیِ توانگری است .

عنه عليه السلام فى الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ : دَلِيلُكَ أَنَّ الْفَقْرَ خَيْرٌ مِنَ الْغِنْيِ وَأَنَّ قَلِيلَ الْمَالِ خَيْرٌ مِنَ الْمَثْرَى لِقَاؤِكَ مَخْلُوقًا عَصَى اللَّهَ بِالْغِنْيِ لَمْ تَرَ مَخْلُوقًا عَصَى اللَّهَ بِالْفَقْرِ . (١)

٦ / ٣ ما يُبَيِّنُ الْفَقْرَ الْمَمْدُوحَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْفَقْرُ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنَ الْغِنْيِ ، إِلَّا مَنْ حَمَلَ كَلًّا ، وَأَعْطَى فِي نَائِيهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : أَلَا يَا رَبَّ نَفْسٍ طَاعِمَةٍ نَاعِمَةٍ فِي الدُّنْيَا ؛ جَائِعَةٍ عَارِيَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ! أَلَا يَا رَبَّ نَفْسٍ جَائِعَةٍ عَارِيَةٍ فِي الدُّنْيَا ؛ طَاعِمَةٍ نَاعِمَةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ! (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : يَا مَعْشَرَ الْمَسَاكِينِ ، طَيَّبُوا نَفْسًا ، وَأَعْطُوا اللَّهَ الرِّضَا مِنْ قُلُوبِكُمْ ؛ يُثَبِّتُكُمْ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا عَلَى فَقْرِكُمْ ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَلَا ثَوَابَ لَكُمْ . (٤)

- ١- مطالب السُّؤُول: ٦١؛ الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام: ٢٦٤/١٨٨ وفيه «للغنى» بدل «بالغنى».
- ٢- التَّمْحِيص: ٤٩ / ٨٥ عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر: ١ / ٣٠٣ عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «أو أعطى» ، الجعفرِيَّات: ١٥٥ وفيه «لأمتى» بدل «للمؤمن» ، جامع الأحاديث للقمي: ١٠٤ عن موسى بن إسماعيل عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ونحوه ، بحار الأنوار: ٧٢ / ٥٦ / ٨٦.
- ٣- شُعب الإيمان: ٢ / ١٧٠ / ١٤٦١ ، الطبقات الكبرى: ٧ / ٤٢٣ وليس فيه «ألا يا رب نفس جائعه عاريه . . .» وكلاهما عن أبى البجير ، كنز العمال: ١٥ / ٨٨٣ / ٤٣٥٠٢ وص ٩٣٥ / ٤٣٦٠٥ ؛ عدّه الداعى: ١٠٩ نحوه ، تنبيه الخواطر: ٢ / ٢١٦ .
- ٤- الكافي: ٢ / ٢٦٣ / ١٤ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال: ٢١٨ / ٢ عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار: ٧٢ / ١٧ / ١٦ وص ٤٣ / ٤٨ وراجع الفردوس: ٥ / ٨٢١٦ / ٢٩١ .

۳ / ۶ روایات توضیح دهنده فقرِ ستودنی

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: تو را نشانه این که فقر از توانگری، و اندک مال از ثروتمند برتر است، آن است که: دیده ای آفریده ای را که در حال توانگری، خدای را نافرمانی می کند؛ اما ندیده ای کسی را که فقیر باشد و عصیانِ خدا پیشه کند.

۳ / ۶ روایاتِ توضیح دهنده فقرِ ستودنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای مؤمن، فقر بهتر از توانگری است، جز این که عیال بسیار داشته و به مصیبتِ گران تن داده باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هَلا که بسا آدمیان در دنیا نیکوخوراک و لطیف پوشند و در روز قیامت، گرسنه و برهنه اند. هَلا که بسیا آدمیان در دنیا گرسنه و برهنه اند و در روز قیامت، نیکو خوراک و لطیف پوش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای جماعت مستمندان! خوشدل باشید و رضایت و خوشدلی تان را نزد خدا اظهار کنید تا وی شما را بر فقرتان پاداش دهد؛ که اگر چنین نکنید، پاداشی برایتان نیست.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ السَّلَامَةَ فَلْيُؤَثِّرِ الْفَقْرَ ، وَمَنْ أَحَبَّ الرَّاحَةَ فَلْيُؤَثِّرِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا . (١)

عنه عليه السلام: رَبُّ فَقْرٍ عَادَ بِالْغِنَى الْبَاقِي ، رَبُّ غِنَى أَوْرَثَ الْفَقْرَ الْبَاقِي . (٢)

عنه عليه السلام: كَمِ مِنْ غِنَى يُسْتَغْنَى عَنْهُ! كَمِ مِنْ فَقِيرٍ يُفْتَقَرُ إِلَيْهِ! (٣)

عنه عليه السلام: الْفَقْرُ الْفَادِحُ أَجْمَلُ مِنَ الْغِنَى الْفَاضِحِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْفَقِيرُ الرَّاضِي نَاجٍ مِنْ حَبَائِلِ إِبْلِيسَ ، وَالْغَنِيُّ وَقَعَ فِي حَبَائِلِهِ . (٥)

عنه عليه السلام: الصَّبْرُ عَلَى الْفَقْرِ مَعَ الْعِزِّ أَجْمَلُ مِنَ الْغِنَى مَعَ الذُّلِّ . (٦)

عنه عليه السلام: الْحِرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ . (٧)

عنه عليه السلام: فَاقَهُ الْكَرِيمُ أَحْسَنُ مِنْ غَنَاءِ اللَّئِيمِ . (٨)

عنه عليه السلام لجابر بن عبد الله الأنصاري: يا جابر، قوام الدين والدنيا بأربعه: عالم مستعمل علمه، وجاهل لا يستنكف أن يتعلم، وجواد لا يبخل بمعروفه، وفقير لا يبيع آخرته بدينه... وإذا بخل الغني بمعروفه باع الفقير آخرته بدينه. (٩)

١- غرر الحكم: ٨٩٤٧.

٢- غرر الحكم: ٥٣٢٧ و ٥٣٢٨.

٣- غرر الحكم: ٦٩٢٥ و ٦٩٢٦.

٤- غرر الحكم: ١٥٣٦.

٥- غرر الحكم: ١٩٢٩.

٦- غرر الحكم: ٢٠٢٢.

٧- نهج البلاغه: الكتاب ٣١، غرر الحكم: ١٩٧٤.

٨- غرر الحكم: ٦٥٨٦.

٩- نهج البلاغه: الحكمه ٣٧٢، روضه الواعظين: ١١، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ٤٠٢ / ٢٧٤ عن

جابر بن عبد الله وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ٢ / ٣٦ / ٤٤؛ المناقب للخوارزمي: ٣٦٨ / ٣٨٨ عن جابر بن عبد الله.

امام علی علیه السلام: هر کس سلامت را دوست می دارد، فقر را برگزیند و هر که آسایش را خوش می دارد، زهد در دنیا را اختیار کند.

امام علی علیه السلام: بسا فقر که به توانگری جاودان انجامد و بسا توانگری که فقر همیشه بر جای نهد.

امام علی علیه السلام: چه بسا توانگر که از او بی نیازی جسته می شود؛ و چه بسا فقیر که به او نیاز آورده می شود.

امام علی علیه السلام: فقر ناگوار زیباتر از توانگری رسواگر است.

امام علی علیه السلام: فقیر خرسند از دام های ابلیس می رهد؛ اما توانگر در آن گرفتار می شود.

امام علی علیه السلام: صبر ورزیدن شکوهمندان بر فقر، زیباتر از توانگری خوارگونه است.

امام علی علیه السلام: پیشه وری پاکدامنانه بهتر از توانگری زشت کارانه است.

امام علی علیه السلام: تنگدستی انسان بزرگوار نیکوتر از توانگری فرد خسیس و فرومایه.

امام علی علیه السلام خطاب به جابر بن عبدالله انصاری: ای جابر! مایه استواری دین و دنیا چهار است: عالمی که به علم خویش عمل کند؛ نادانی که از آموختن سر باز نزند؛ بخشنده ای که در احسان بخل نرزد؛ و فقیری که آخرتش را به دنیایش نفروشد... و هر گاه توانگر در احسان بخل ورزد، فقیر آخرتش را به دنیایش می فروشد.

عنه عليه السلام: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عُقُوبَاتٍ بِالْفَقْرِ وَمَثُوبَاتٍ بِالْفَقْرِ؛ وَمِنْ عِلَامَاتِ الْفَقْرِ إِذَا كَانَ مَثُوبَةً: أَنْ يَحْسُنَ عَلَيْهِ خُلُقُهُ، وَيُطِيعَ بِهِ رَبَّهُ، وَلَا يَشْكُو حَالَهُ، وَيَشْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى فَقْرِهِ. وَمِنْ عِلَامَاتِهِ إِذَا كَانَ عُقُوبَةً: أَنْ يَسُوءَ عَلَيْهِ خُلُقُهُ، وَيَعْصِي رَبَّهُ بِتَرْكِ طَاعَتِهِ، وَيُكْثِرُ الشُّكَايَةَ، وَيَتَسَخَّطُ الْقَضَاءَ. (١)

تاريخ دمشق عن محمد بن يزيد المبرّد: قِيلَ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنَّ أَبَا ذَرٍّ يَقُولُ: الْفَقْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْغِنَى، وَالسُّقْمُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الصُّحَّةِ! فَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ أَبَا ذَرٍّ! أَمَا أَنَا فَأَقُولُ: (٢) فَمَنْ اتَّكَلَ عَلَى حُسْنِ اخْتِيَارِ اللَّهِ لَهُ، لَمْ يَتَمَنَّ أَنْهُ فِي غَيْرِ الْحَالِ الَّتِي اخْتَارَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ، وَهَذَا حَدُّ الْوُقُوفِ عَلَى الرِّضَا بِمَا يُصْرَفُ بِهِ الْقَضَاءُ. (٣)

معاني الأخبار عن فضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام: لَا يَبْلُغُ أَحَدُكُمْ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحَيَاةِ، وَالْفَقْرُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْغِنَى، وَالْمَرَضُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الصُّحَّةِ. قُلْنَا: وَمَنْ يَكُونُ كَذَلِكَ؟ قَالَ: كُلُّكُمْ. ثُمَّ قَالَ: أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيَّ أَحَدُكُمْ: يَمُوتُ فِي حُبْنًا أَوْ يَعِيشُ فِي بُغْضِنَا؟ فَقُلْتُ: نَمُوتُ وَاللَّهِ فِي حُبِّكُمْ أَحَبُّ إِلَيْنَا. قَالَ: وَكَذَلِكَ الْفَقْرُ وَالْغِنَى وَالْمَرَضُ وَالصُّحَّةُ؟ قُلْتُ: إِي وَاللَّهِ. (٤)

١- إحياء علوم الدين: ٤ / ٣٠١؛ المحجّة البيضاء: ٧ / ٣٣١ نحوه .

٢- في المصدر: «أما أنا أقول» وما أثبتناه كما في كنز العمال هو الأوفق مع قواعد اللغة العربيّة .

٣- تاريخ دمشق: ١٣/٢٥٣، البدايه والنهايه: ٨/٣٩ وفيه «أحد» بدل «حدّ» و«تعرف» بدل «يصرف»، الرساله القشيريّه: ١٩٥ نحوه وفيه «قيل للحسين بن عليّ عليهما السلام...»، كنز العمال: ٣ / ٧١٢ / ٨٥٣٨ وراجع تحف العقول: ٢٣٤ ونزهه الناظر: ٩٤ / ٢٧ وأعلام الدين: ٣٠٠ .

٤- معاني الأخبار: ١٨٩ / ١، الكافي: ٨ / ٢٥٣/٣٥٧ عن أبان بن تغلب وعدّه نحوه، بحار الأنوار: ٦ / ١٣٠ / ٢٠ و ج ٧٢ / ٤٠ /

امام علی علیه السلام: هر آینه خدای تعالی را از رهگذر فقر، کیفرها و پاداش هایی است؛ از نشانه های فقر پاداشی چنین است: خُلق فقیر نیکو گردد؛ در عین فقر، از پروردگارش فرمان بَرَد؛ از حال خود شکوه نکند؛ و خدای تعالی را بر فقر خویش سپاس گوید. و از نشانه های فقر کیفری چنین است: خُلق فقیر زشت گردد؛ با فرمان نبردن از پروردگارش او را سرکشی کند؛ فراوان شکوه کند؛ و از قضای خداوند خشمناک باشد.

تاریخ دمشق از محمد بن یزید مبرَد: به حسن بن علی علیه السلام گفته شد: «ابوذر می گوید: برای من فقر دوست داشتنی تر از توانگری و بیماری محبوب تر از تندرستی است.» فرمود: «خدای ابوذر را رحمت کند؛ اما من می گویم: «هر کس بر آن چه خداوند به نیکی برایش گزیده، توکل کند، دیگر آرزو ندارد که در حالی جز آن چه خدای تعالی برایش پیش آورده، به سر بَرَد؛ و بدین سان می توان خوشنودی از پیشامدِ قضا را دریافت.

معانی الأخبار از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام: «هیچ یک از شما به حقیقت ایمان دست نمی یابد، مگر این که در وی سه ویژگی باشد: مرگ برایش دوست داشتنی تر از زندگی باشد؛ و فقر محبوب تر از توانگری؛ و بیماری خواستنی تر از تندرستی.» گفتیم: «چه کسی چنین است؟» فرمود: «همه شما.» سپس فرمود: «کدام یک برای هر یک از شما دوست داشتنی تر است؛ مرگ با دوستی ما یا زندگی با دشمنی ما؟» گفتم: «به خدای سوگند! برای ما محبوب تر است که در دوستی شما بمیریم.» فرمود: «و همچنین است فقر و توانگری؛ و بیماری و تندرستی؟» گفتم: «به خدا سوگند! چنین است.»

الكافي عن شعيب العرقوفى: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَيْءٌ يُرَوَى عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: ثَلَاثٌ يُبْغِضُهَا النَّاسُ وَأَنَا أُحِبُّهَا: أَحِبُّ الْمَوْتَ، وَأُحِبُّ الْفَقْرَ، وَأُحِبُّ الْبَلَاءَ؟ فَقَالَ: إِنَّ هَذَا لَيْسَ عَلَى مَا يَرَوُونَ؛ إِنَّمَا عَنِيَ: الْمَوْتُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْحَيَاةِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَالْبَلَاءُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الصَّحَّةِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَالْفَقْرُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْغِنَى فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ. (١)

رجال الكشي عن محمد بن الحسن بن ميمون: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْكُو إِلَيْهِ الْفَقْرَ، ثُمَّ قُلْتُ فِي نَفْسِي: أَلَيْسَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْفَقْرُ مَعَنَا خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ عَدُوِّنَا، وَالْقَتْلُ مَعَنَا خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاةِ مَعَ عَدُوِّنَا؟! فَرَجَعْتُ الْجَوَابُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُمَحِّضُ أَوْلِيَاءَنَا إِذَا تَكَاثَفَتْ ذُنُوبُهُمْ بِالْفَقْرِ، وَقَدْ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ، وَهُوَ كَمَا حَدَّثَتْ نَفْسَكَ؛ الْفَقْرُ مَعَنَا خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ عَدُوِّنَا. (٢)

١- الكافي: ٨/٢٢٢/٢٧٩، معاني الأخبار: ١/١٦٥، الأمل للمفيد: ١٧/١٩٠ نحوه، بحار الأنوار: ٧٢/٣٩/٣٦.

٢- رجال الكشي: ٢/٨١٤/١٠١٨، الخرائج والجرائح: ٢/٧٣٩/٥٤ وفيه «شمون» بدل «ميمون»، المناقب لابن شهر آشوب: ٤/٤٣٥، كشف الغمّة: ٣/٢١١ كلها نحوه، بحار الأنوار: ٧٢/٤٤/٥٣.

الكافی از شعیب عقرقوفی: به امام صادق علیه السلام گفتم: «از ابوذر نقل می شود که می گفت: سه چیز را مردم دشمن می شمارند و من دوست می دارم: مرگ و فقر و بلا». فرمود: «چنان نیست که روایت می کنند. جز این نیست که مراد او چنین بوده: مرگ در حال بندگی خدا برای من دوست داشتنی تر است از زندگی در حال نافرمانی خدا؛ و بلا دیدن در بندگی خدا برایم محبوب تر است از تندرستی در نافرمانی خدا؛ و فقر در بندگی خدا نزد من گرامی تر است از توانگری در حال نافرمانی خدا».

رجال الکشیّ از محمد بن حسن بن میمون: «به امام عسکری علیه السلام نامه نوشتم و از فقر به او شکایت بردم. آن گاه، با خود گفتم: مگر نه این است که امام صادق علیه السلام فرموده است: فقر، همراه ما، بهتر است از توانگری، همراه دشمن ما؛ و کشته شدن، همراه ما، برتر است از زندگی، همراه دشمن ما؟». پاسخ چنین باز آمد: «همانا هرگاه گناهان دوستان ما انبوه می شود، خداوند با [مبتلا کردن ایشان به] فقر، گناهانشان را می کاهد و از [جرم های] بسیار درمی گذرد. همچنان که با خود نجوا کرده ای: فقر، همراه ما، بهتر است از توانگری، همراه دشمن ما».

الاختصاص: من مواعظ لقمان لابنه: يا بُنَيَّ، الْفَقْرُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَظْلِمَ وَتَطْغَى. (١)

الإمام عليّ عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: النَّفْسُ تَجْزَعُ أَنْ تَكُونَ فَقِيرًا هَوَّ الْفَقْرُ خَيْرٌ مِنْ غِنَى يُطْغِيهَا (٢)

١- الاختصاص: ٣٣٦، بحار الأنوار: ١٣ / ٤٢٧ / ٢٢.

٢- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ٦٣٢ / ٤٨٨، الملاحم والفتن: ٣٦١.

الاختصاص از پندهای لقمان به فرزندش: جانِ پسر! فقر بهتر است از آن که ستم و سرکشی کنی .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به او: امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به او: نَفْس آدمی از این که فقیر شود ، بی تابی می کند؛ اما فقر بهتر است از توانگری ای که او را به سرکشی وادارد .

نکاتی درباره روایات ستاینده فقر

نکاتی درباره روایات ستاینده فقر در نگاه نخست به نظر می‌رسد که میان روایات دسته‌های اول و دوم این فصل با آیات و روایات فصل‌های گذشته تعارض وجود دارد. این روایات فقر و فرودستی اقتصادی را می‌ستایند و آن را بر توانگری و رفاه ترجیح می‌دهند، در حالی که آیات و احادیث فصل‌های پیش، توسعه اقتصادی را ارجمند می‌شمرند و شکوفایی معیشتی را گرانمایه، بابرکت، و از آثار برنامه‌وعده داده شده توسعه اقتصادی در اسلام می‌نامند و خطرهای فقر و پیامدهای فاجعه‌بار واپس ماندگی اقتصادی را گوشزد می‌کنند. اکنون باید دید مراد از روایات ستاینده فقر چیست و آیا می‌توان به مفاد آن‌ها ملتزم شد و معنای برآمده از آن‌ها را پذیرفت. دانشمندان مسلمان و کارشناسان علم حدیث، برای سازگاری بخشیدن به این متون، راه‌های مختلفی را پیموده‌اند. برخی مفهوم فقر موجود در احادیث ستایشگر فقر را از مفهوم فقر در روایات سرزنشگر آن، متمایز شمرده‌اند. بعضی، ویژگی‌های فقر ستوده و فقر نکوهیده را متفاوت دانسته‌اند. گروه سوم هم روایات ستایشگر فقر را کنار نهاده‌اند، زیرا سندهای آن‌ها را ضعیف شمرده‌اند و روایات نکوهنده فقر را معتبر دانسته‌اند. (۱) با این حال، به نظر می‌رسد که آیات و روایات این مبحث چنان چینش شده‌اند که پژوهشگر به سادگی می‌تواند از رهگذر تأمل در آن، دیدگاه اسلام را

۱- بنگرید به: المحججه البیضاء: ج ۷، ص ۳۱۹-۳۳۰ و بحار الأنوار: ج ۷۲، ص ۷۶ و ۳۴ و معراج السعاده: ص ۹۱ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و مسلکنا للمشکینی: ص ۱۸۲ و تفسیر نمونه: ج ۱۶، ص ۱۷۴.

در باب توسعه اقتصادی دریابد و بدین سان ، به مفهوم روایات ستاینده فقر ، با فرض درستی اسناد آن ها ، پی ببرد . برای آن که این دریافت وضوحی بیشتر یابد ، تأمیل در نکات زیر مفید است: ۱ . در فصول پنجگانه نخست این کتاب ، آیات و احادیثی درباره اهمّیت توسعه اقتصادی و زیان های ناشی از فقر آمده است . دیگر بخش های این اثر نیز متضمّن مباحثی در باب اصول و مبانی توسعه و پیامدها و آفات آن هستند . با ملاحظه مجموع این مباحث ، جای هیچ تردیدی در این نکته باقی نمی ماند که اسلام هرگز به فقر گرایش ندارد و به سوی آن جهت گیری نمی کند ، بلکه توسعه اقتصادی ، به شکلی برجسته ، از اهداف مهمّ این دین به شمار می رود . به بیان دیگر ، جهت گیری و مبارزه اسلام در رویارویی با فقر و برنامه ریزی هایش در مسیر توسعه اقتصادی ، از اصول مسلمّ اسلامی است . بر این پایه ، هر گاه روایاتی به چشم خوردند که ظاهراً مردم را به سوی فقر دعوت می کنند ، پس از قطعی شدن انتساب آن ها به پیشوایان دین ، چاره ای جز آن نیست که مقصود روایات مزبور را در ظاهر آن ها نجویم . ۲ . توانگری و فقر ، از هر جهت همانند دانش و نادانی اند و می توان آن ها را از دو زاویه ارزیابی کرد . از یک زاویه ، دارایی به طور مطلق و همانند دانش ، ارزش تلقی می شود ؛ زیرا از مظاهر نظام آفرینش است که در خدمت انسان و نیازمندی های وی قرار دارد ؛ در برابر فقر که به ازای خواست های انسان ، همچون نادانی ، دارای بار منفی ارزیابی می شود . اما از زاویه دیگر ، دارایی با توجه به نقشی که در زندگی انسان ایفا می کند ، ارزیابی می شود . این نکته را می توان با چنین تعبیری نیز بیان کرد: در نگاه اول ، آن چه ارزیابی می شود ، ثروت و علم است ؛ اما در نگاه دوم ، ثروتمند و عالم ارزیابی می گردد . آن گاه که ثروت از زاویه نگاه آفرینشی ارزیابی شود ، بی شک در برابر فقر ،

دارای ارزش و نوعی نعمت شمرده می شود، همانند دانش در برابر نادانی. امّا آن گاه که ثروت از زاویه ارتباطش با انسان ثروتمند ارزیابی گردد، این معادله شکلی دیگر می پذیرد. همان گونه که دانش برای هر دانشمندی سودمند و نادانی برای هر جاهلی زیانمند نیست (۱)، ثروت هم چنین است. هر توانگری از ثروت سود نمی برد، همان گونه که هر فقیری از فقر زیان نمی بیند؛ بلکه به تعبیر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام: «بسا توانگری ای که فقر جاویدان بر جای نهد» (۲) و «بسا فقیری که به توانگری همیشگی بینجامد» (۳) و «بسا کاسته که سودمند است و بسا افزوده که زیان بخش». (۴) بر این پایه، آن گاه که ثروت از جهت نوع ارتباطش با ثروتمند، و فقر از ناحیه چگونگی پیوندش با فقیر ارزیابی گردد، نمی توانیم با قاطعیت بگوییم که ثروت مطلقاً ارزش یا ضدّ ارزش است. در این حال، سزاوار است که ارزیابی را از رهگذر نتایج به دست آوریم؛ اگر ثروتمند از ثروتش به شکل مطلوب بهره برده باشد، ثروت ارزش است؛ و گرنه، نه! درباره فقر نیز چنین است؛ اگر فقر به خواری و ویرانی بینجامد، عاملی منفی است؛ امّا اگر موضع گیری های صحیح فقیر او را از فقر به غنای حقیقی برساند و راه کمال او را هموار کند، چنین فقری ارزشمند است. به طور کلی، فصول پنجگانه نخست این کتاب، موضوع توسعه اقتصادی را از دریچه نگاه نخست، بررسی کرده و آیات و روایات فصل ششم، آن را از نظر گاه دوم نگریسته؛ پس تعارضی میان این دو دسته نیست.

-
- ۱- همانگونه که از امام علی علیه السلام روایت شده: «رُبَّ جاهلٍ نجاؤه جهله». ر. ک: خردگرایی در قرآن و حدیث: ص ۳۳۳ (نادانی پسندیده) و علم و حکمت در قرآن و حدیث: ص ۳۹۳ (پرسیدن از چیزهایی که پاسخش زیانبار است).
 - ۲- غرر الحکم: ح ۵۳۲۸.
 - ۳- غرر الحکم: ح ۵۳۲۷.
 - ۴- غرر الحکم: ح ۶۹۶۰.

۳. گروه سوم از روایات فصل ششم، چند معیار را در ارزیابی فقر و توانگری به دست می دهند که می توان آن ها را چنین دسته بندی کرد: ا. ثروت برای انسان ثروتمند خیر است و فقر برای انسان فقیر، شر؛ امّا نه به طور مطلق، بلکه با توجه به نقشی که در زندگی انسان ایفا می کنند. با این معیار، ثروت برای همگان خیر نیست، همان گونه که فقر برای همه شر به شمار نمی آید (۱). ب. از جهت استفاده نیازمندان اجتماع از ثروت، توانگری ارزشمند و مثبت است (۲). ج. در جامعه ای که فقر در آن رواج دارد، انتخاب فقر به منظور خدمت به نیازمندان، یک ارزش پسندیده به شمار می رود (۳). د. هر گاه فقر با حفظ ارزش ها و پایبندی به مواضع درست همراه گردد، برتر از ثروتی است که با اعمال نادرست و ضد ارزش درآمیزد (۴). ه. برای گروهی که در مسیر اوج و دستیابی به کمال گام نهاده اند، فقر و توانگری یکسان است (۵)؛ زیرا اینان می توانند از هر گونه فضا و وضعیتی، برای رسیدن به ترقی و کمال بهره ببرند. ۴. در اصطلاح قرآن و حدیث، فقر دارای معانی متفاوت است؛ گاه به معنای نیاز در اصل وجود است، چنان که خداوند سبحان می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ، (۶)» «ای مردم! شما باید نیازمندان به خدا»؛

۱- بنگرید به: ص ۱۴۹، ح ۲۲۷ و ص ۱۵۱، ح ۲۳۰.

۲- بنگرید به: ص ۱۴۹، ح ۲۲۶.

۳- بنگرید به: ص ۱۵۱، ح ۲۲۹ و ۲۳۶.

۴- بنگرید به: ص ۱۴۹، ۱۵۳، ح ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۰.

۵- بنگرید به: ص ۱۵۳، ح ۲۳۹.

۶- فاطر: ۱۵.

گاه به معنای احتیاج مادی است ، چنان که خدای سبحان می فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ ، (۱)» «همانا صدقه ها برای نیازمندان و درماندگان است» ؛ گاهی به مفهوم فقر معنوی است ، همان سان که در بیان رسیده از امام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده: «فَقْرُ النَّفْسِ شَرُّ الْفَقْرِ» ؛ (۲) «فقر جان ، بدترین فقر است» . و گاه نیز به مفهوم احساس نیاز به خداوند و احتیاج به او است ، همان طور که در حدیث شریف پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْإِفْتِقَارِ إِلَيْكَ» ؛ (۳) «بار خدایا! مرا با فقر به درگاه خود ، بی نیازی بخش» . آشکار است که در برخی از احادیث بخش نخست از فصل ششم ، فقر به همین معنای چهارم آمده است و این پس از فراغت جستن از اعتبار سندی آن احادیث است همچون: «الْفَقْرُ فَخْرِي ، وَبِهِ أَفْتَحِرُ» ؛ (۴) فقر مایه افتخار من است و به آن مباهات می ورزم» . در پرتو این بیان ، آشکار می شود که این دسته از روایات ، با مبحث توسعه اقتصادی ، خواه به شکل اثباتی و خواه به صورت نفی ، هیچ پیوندی ندارند .

۱- .التوبة: ۶۰ .

۲- .غرر الحکم: ۶۵۴۷ .

۳- .مفردات ألفاظ القرآن: ۶۴۲ .

۴- .بنگريد به : ص ۱۳۷ ، ح ۱۹۵ .

بخش دوم: پایه های توسعه

اشاره

بخش دوم: پایه های توسعه فصل یکم: دانشفصل دوم: برنامه ریزیفصل سوم: کارفصل چهارم: بازارفصل پنجم: مصرففصل ششم: دولت

الفصل الأول: العلم ١ / ١ دور العلم في التقدم الاقتصادي الكتاب: «يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين أوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبير» (١)

«و من يؤت الحكمة فقد أوتي خيرا كثيرا» (٢)

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله: خير الدنيا والآخرة مع العلم (٣)

عنه صلى الله عليه و آله: العلم رأس الخير كله (٤)

١- المجادلة : ١١ .

٢- البقرة : ٢٦٩ .

٣- مشكاة الأنوار : ٢٣٩ / ٦٩١ ، روضه الواعظين : ١٧ ، بحار الأنوار : ١ / ٢٠٤ / ٢٣ .

٤- جامع الأحاديث للقمي : ١٠٢ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٧٥ / ٩ .

فصل یکم: دانش

۱ / ۱ نقش دانش در پیشرفت اقتصادی

فصل یکم: دانش ۱ / ۱ نقش دانش در پیشرفت اقتصادیقرآن: «تا خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند [پایه ای] و کسانی را که به ایشان دانش داده شده ، پایه ها بالا بَرَد؛ و خدا به آن چه می کنید ، آگاه است.»

«و هر که را حکمت دهند ، به راستی او را نیکی ها بسیار داده اند.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خیر دنیا و آخرت ، همراه دانش است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :دانش ، سرآمد همه خیرها است .

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام :الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ . (٣)

عنه عليه السلام :بِالْعَقْلِ تُنَالُ الْخَيْرَاتُ . (٤)

عنه عليه السلام :إِنِّي إِذَا اسْتَحَكَمْتُ فِي الرَّجُلِ خَصَلَةً مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ احْتَمَلْتُهُ لَهَا ، وَاعْتَفَرْتُ لَهُ فَقَدَ مَا سِوَاهَا ، وَلَا أَعْتَفَرُ لَهُ فَقَدَ عَقْلٍ وَلَا عُدَمَ دِينٍ ؛ لِأَنَّ مُفَارَقَةَ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْأَمْنِ ، وَلَا تَهْنَأُ حَيَاةٌ مَعَ مَخَافِهِ ، وَعُدَمَ الْعَقْلِ عُدَمُ الْحَيَاةِ ، وَلَا تُعَاشِرُ الْأَمْوَاتُ . (٥)

عنه عليه السلام :لِطَالِبِ الْعِلْمِ عِزُّ الدُّنْيَا وَفَوْزُ الْآخِرَةِ . (٦)

الإمام الحسن عليه السلام :بِالْعَقْلِ تُدْرِكُ الدَّارَانِ جَمِيعًا ، وَمَنْ حُرِمَ مِنَ الْعَقْلِ حُرِمَهُمَا جَمِيعًا . (٧)

١- الكافي : ١ / ٤٤ / ٣ عن ابن فضال عمّن رواه عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ٤٧ ، المحاسن : ١ / ٣١٤ / ٦٢١ عن الحسن بن عليّ بن فضال عمّن رواه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، أعلام الدين : ٣٠٩ عن الإمام الجواد عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٥٠ / ٨٧ ؛ من لا يحضره الفقيه والمتفقه : ١ / ١٩ عن عمر بن عبد العزيز .

٢- تحف العقول : ٥٤ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٥٨ / ١٤٣ .

٣- غرر الحكم : ٨١٨ .

٤- غرر الحكم : ٤٢١٢ .

٥- غرر الحكم : ٣٧٨٥ .

٦- غرر الحكم : ٧٣٤٩ .

٧- كشف الغمّة : ٢ / ١٩٧ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١١١ / ٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر پایه ای جز دانش رفتار کند، بیش از آن که اصلاح کند، فساد به بار می آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جز این نیست که سراسر خیر با عقل درک می شود؛ و آن را که عقل نیست، دین نباشد.

امام علی علیه السلام: دانش ریشه هر خیر است.

امام علی علیه السلام: با عقل می توان به خیرها دست یافت.

امام علی علیه السلام: هر گاه ویژگی ای نیکو را در کسی استوار دیدم، او را به سبب داشتن آن تحمل می کنم و از نبود ویژگی های دیگر در او چشم می پوشم؛ اما نبود عقل و دین را در کسی نمی بخشم؛ زیرا جدایی از دین [به منزله] جدایی از امت است و زندگی با ترس گوارا نیست؛ و نبود عقل [به منزله] مرگ است و با مردگان همزیستی نشاید کرد.

امام علی علیه السلام: جوینده دانش را سرافرازی دنیا و رستگاری آخرت است.

امام حسن علیه السلام: با عقل، از هر دو سرای می توان بهره بُرد؛ و هر که از عقل نصیب نداشته باشد، از هر دو سرای بی بهره است.

١ / ٢ دَوْرُ الْجَهْلِ فِي التَّخْلِيفِ الْاِقْتِصَادِيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام :الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ . (٣)

عنه عليه السلام :الْجَهْلُ فَسَادٌ كُلُّ أَمْرٍ . (٤)

عنه عليه السلام :لا غِنَى لِجَاهِلٍ . (٥)

عنه عليه السلام :الْجَهْلُ وَالْبُخْلُ مَسَاءَةٌ وَمَضْرَةٌ . (٦)

عنه عليه السلام :لِلْجَاهِلِ فِي كُلِّ حَالٍ خُسْرَانٌ . (٧)

عنه عليه السلام :الْجَاهِلُ صَخْرَةٌ لَا يَنْفَجِرُ مَاؤُهَا ، وَشَجَرَةٌ لَا يَخْضِرُ عَوْدُهَا ، وَأَرْضٌ لَا يَظْهَرُ عُشْبُهَا . (٨)

١- مشكاة الأنوار : ٢٣٩ / ٦٩١ ، روضه الواعظين : ١٧ ، بحار الأنوار : ١ / ٢٠٤ / ٢٣ .

٢- جامع الأحاديث للقمي : ١٠٢ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٧٥ / ٩ .

٣- غرر الحكم : ٨١٩ .

٤- غرر الحكم : ٩٣٠ .

٥- غرر الحكم : ١٠٤٥٠ .

٦- غرر الحكم : ١٥٨٥ .

٧- غرر الحكم : ٧٣٢٩ .

٨- غرر الحكم : ٢٠٨١ .

۱ / ۲ نقش نادانی در واپس ماندگی اقتصادی

۱ / ۲ نقش نادانی در واپس ماندگی اقتصادی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شَرِّ دُنْیَا و آخِرَت ، همراه نادانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نادانی سرآمد همه بدی ها است .

امام علی علیه السلام : نادانی ریشه هر بدی است .

امام علی علیه السلام : نادانی هر کاری را به تباهی می کشد .

امام علی علیه السلام : نادان را توانگری نباشد .

امام علی علیه السلام : نادانی و بُخل ورزیدن ، بدرفتاری و زیانکاری است .

امام علی علیه السلام : نادان در هر حال زیانکار است .

امام علی علیه السلام : نادان صخره ای است که آبی از آن نمی جوشد ؛ درختی است که چوبش سبز نمی شود ؛ و زمینی است که گیاهش سر بر نمی زند .

عنه عليه السلام: دَوْلَةُ الْجَاهِلِ كَالْغَرِيبِ الْمُتَحَرِّكِ إِلَى التُّقْلَةِ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ لَنْ تُحْصِلُوا بِالْجَهْلِ أَرْبًا ، وَلَنْ تَبْلُغُوا بِهِ مِنَ الْخَيْرِ سَبَبًا ، وَلَنْ تُدْرِكُوا بِهِ مِنَ الْآخِرَةِ مَطْلَبًا . (٢)

١- غرر الحكم : ٥١٠٨ .

٢- غرر الحكم : ٣٨٥٦ .

امام علی علیه السلام: چیرگی و دولتمندی نادان همانند غریبی است که همواره از جایی به جایی در حرکت است .

امام علی علیه السلام: همانا شما با نادانی هرگز به خواسته ای دست نمی یابید ، هرگز دستاویزی به سوی خیر نمی جوئید ، و هرگز در آخرت به دستاوردی نایل نمی شوید .

الفصل الثاني: التّدير ٢ / ١ حُسْنُ التّديرِ وَالتّنيهِرِ سولِ اللّهِ صلي اللّهِ عليه و آله: مَنْ أَحْسَنَ تَدبيرَ مَعيشَتِهِ رَزَقَهُ اللّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى .

(١)

عنه صلي اللّهِ عليه و آله: إِنَّ مِنْ عَقْلِ الرَّجُلِ اسْتِصْلَاحَ مَعيشَتِهِ . (٢)

عنه صلي اللّهِ عليه و آله: مِنْ فِقهِ الرَّجُلِ أَنْ يُصْلِحَ مَعيشَتَهُ ، وَليسَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا طَلَبُ مَا يُصْلِحُكَ . (٣)

الإمام عليّ عليه السلام: لا فَقرَ مَعَ حُسْنِ تَدبيرٍ . (٤)

١- أسد الغابه : ٥ / ٣٣٦ / ٥٢٩٤ ، كنز العمال : ٧ / ١٨٨ / ١٨٦١٤ نقلًا عن ابن النجار وكلاهما عن أبي السليل عن أبيه .

٢- الفردوس : ١ / ٢١٤ / ٨١٥ عن أبي الدرداء .

٣- شُعب الإيمان : ٥ / ٢٥٤ / ٦٥٦٣ عن ابن عمر ، كنز العمال : ٣ / ٥٠ / ٥٤٣٩ عن أبي الدرداء .

٤- غرر الحكم : ١٠٩٢٠ .

فصل دوم: برنامه ریزی

۲ / ۱ برنامه ریزی صحیح و توسعه

فصل دوم: برنامه ریزی ۲ / ۱ برنامه ریزی صحیح و توسعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای گذرانِ زندگانی خویش به درستی برنامه ریزی کند، خدای تبارک و تعالی روزی اش می بخشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا نشانه عاقل بودن انسان آن است که گذرانِ زندگی اش سامان بخشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشان ژرف اندیشی هر فرد این است که گذرانِ زندگی اش را به سامان آورد. این که در جست و جوی سامانِ زندگی ات باشی، دنیادوستی شمرده نمی شود.

امام علی علیه السلام: با برنامه ریزی صحیح، فقر پدید نمی آید.

عنه عليه السلام: صلاح العيش التَّدييرُ . (١)

عنه عليه السلام: القليلُ مع التَّدييرِ أبقى من الكثيرِ مع التَّدييرِ . (٢)

عنه عليه السلام: التَّدييرُ نصفُ المعونهِ . (٣)

عنه عليه السلام: حُسنُ التَّدييرِ وتجنُّبُ التَّدييرِ من حُسنِ السِّيَاسهِ . (٤)

عنه عليه السلام: قِوامُ العيشِ حُسنُ التَّقدييرِ ، وملاكهُ حُسنُ التَّدييرِ . (٥)

عنه عليه السلام: حُسنُ التَّدييرِ يُنمى قليلَ المالِ ، وسوءُ التَّدييرِ يُفنى كثيرَهُ . (٦)

عنه عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبِ إليه : لا مالَ لِمَن لا تَدبيرَ لَهُ . (٧)

تهذيب الأحكام عن سدير عن الإمام الباقر عليه السلام: من علاماتِ المؤمنِ ثلاثٌ : حُسنُ التَّقدييرِ في المعيشهِ ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبِهِ ، وَالتَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ . وقالَ : ما خَيْرٌ في رَجُلٍ لا يَتَقَصِدُ في مَعيشَتِهِ ؛ ما يَصْلُحُ لا لِدُنْيَاهُ ولا لِآخِرَتِهِ . (٨)

الإمام الباقر عليه السلام: الكَمالُ كُلُّ الكَمالِ : التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبِهِ ، وَتَقْدِيرُ المَعيشِهِ . (٩)

١- غرر الحكم : ٥٧٩٤ .

٢- غرر الحكم : ١٩٤٨ .

٣- غرر الحكم : ٥٦٦ .

٤- غرر الحكم : ٤٨٢١ .

٥- غرر الحكم : ٦٨٠٧ .

٦- غرر الحكم : ٤٨٣٣ .

٧- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣١٧ / ٦٣٨ .

٨- تهذيب الأحكام : ٧ / ٢٣٦ / ١٠٢٨ عن سدير .

٩- الكافي : ١ / ٣٢ / ٤ عن ربعي عن رجل وج ٥ / ٨٧ / ٢ عن ربعي عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، تحف

العقول : ٢٩٢ ، منيه المريد : ٣٧٦ ، دعائم الإسلام : ٢ / ٢٥٥ / ٩٦٩ عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٧٢ / ٣ .

امام علی علیه السلام: سامان بخشِ گذرانِ زندگی ، برنامه ریزی است .

امام علی علیه السلام: مال اندک ، با برنامه ریزی ، پایدارتر از مال فراوانی است که ریخت و پاش شود .

امام علی علیه السلام: برنامه ریزی ، نیمِ دستمایه [ی زندگی] است .

امام علی علیه السلام: نشانه سیاستِ درست ، برنامه ریزی صحیح و پرهیز از ریخت و پاش است .

امام علی علیه السلام: مایه پایداری زندگی ، خوب سنجیدن است و پایه آن ، برنامه ریزی است .

امام علی علیه السلام: برنامه ریزی درست ، مالِ کم را افزایش می بخشد ؛ و برنامه ریزی نادرست ، مال بسیار را نابود می کند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به او : آن را که برنامه ریزی نیست ، دارایی نباشد .

تهذیب الأحکام از سدیر از امام باقر علیه السلام: سه چیز از نشانه های مؤمن هستند : خوب اندازه نگه داشتن در گذرانِ زندگی ، صبر بر بلای سخت ، ژرف کاوی در دین . و فرمود: کسی که در گذران زندگی اش اندازه نگه نمی دارد ، نه خیری در او است و نه دنیا و آخرتش را سامان می دهد .

امام باقر علیه السلام: سراسرِ کمال در این ها است: ژرف کاوی در دین ، صبر بر بلای سخت ، اندازه نگه داری در گذرانِ زندگی .

الإمام الصادق عليه السلام: التَّقْدِيرُ نِصْفُ الْعَيْشِ . (١)

عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ ، خَفِيفُ الْمُؤُونَةِ ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ ، لَا يُلْسَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ . (٢)

الكافي عن الفضل بن كثير المدائني عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ . . . فَقَالَ [الإمام الصادق عليه السلام] لَهُ : إِضْرِبْ يَدَكَ إِلَى هَذَا الْكِتَابِ فَاقْرَأْ مَا فِيهِ وَكَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ كِتَابٌ أَوْ قَرِيبٌ مِنْهُ فَنَظَرَ الرَّجُلُ فِيهِ فَإِذَا فِيهِ : . . . لَا مَالَ لِمَنْ لَا تَقْدِيرَ لَهُ ، وَلَا جَدِيدَ لِمَنْ لَا خَلْقَ لَهُ . (٣)

الأمالي للطوسي عن أيوب بن الحرّ: سَمِعْتُ رَجُلًا يَقُولُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَلَّغْنِي أَنَّ الْإِقْتِصَادَ وَالتَّدْبِيرَ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْكَسْبِ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا ، بَلْ هُوَ الْكَسْبُ كُلُّهُ ، وَمِنَ الدِّينِ التَّدْبِيرُ فِي الْمَعِيشَةِ . (٤)

الكافي عن داود بن سرحان: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكِيلُ تَمْرًا بِيَدِهِ ، فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ أَمَرْتَ بَعْضَ وُلْدِكَ أَوْ بَعْضَ مَوَالِيكَ فَيَكْفِيكَ ، فَقَالَ : يَا دَاوُدُ ، إِنَّهُ لَا يُصْلِحُ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِلَّا ثَلَاثَةٌ : التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ ، وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ . (٥)

١- من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٤١٦ / ٥٩٠٤ عن زراره ، الخصال : ١٠ / ٦٢٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ١٠٤ ، تحف العقول : ١١١ كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٠٤ / ٧٣ / ٢٢ .

٢- الكافي : ٢ / ٢٤١ / ٣٨ عن إسحاق بن عمّار ، بحار الأنوار : ٦٧ / ٣٦٢ / ٦٧ .

٣- الكافي : ٥ / ٣١٧ / ٥٢ و ج ٦ / ٤٦٠ / ٣ عن الفضل بن كثير المدائني عمّن ذكره ، بحار الأنوار : ٤٧ / ٤٥ / ٦٣ .

٤- الأمالي للطوسي : ٦٧٠ / ١٤١٠ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٩ / ٢٠ .

٥- الكافي : ٥ / ٨٧ / ٤ وراجع من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٦ / ٣٦١٨ وتحف العقول : ٣٥٨ .

امام صادق علیه السلام: اندازه نگه داشتن ، نیم گذرانِ زندگی است .

امام صادق علیه السلام: مؤمن نیک یار است و سبکبار ؛ برای گذرانِ زندگی اش خوب برنامه ریزی می کند ؛ از سوراخ لانه یک گزنده ، دوبار گزیده نمی شود .

الکافی از فضل بن کثیر مدائنی از نامبرده خویش از امام صادق علیه السلام : یکی از یاران امام صادق علیه السلام بر وی درآمد . . . و امام به او فرمود: «به این نوشته دست بگشای و آن چه را در آن است ، برخوان» و برابرِ امام یا نزدیکِ او نوشته ای بود . مرد در آن نگریست و چنین دید: «آن را که اندازه نگه نمی دارد ، دارایی نیست ؛ و آن را که کهنه نیست [= در مصرف میانه رو نباشد] ، نو هم نباشد» .

امالی طوسی از ایوب بن حر : شنیدم که کسی به امام صادق علیه السلامی گوید : «خبرم رسیده که میانه روی و برنامه ریزی برای گذرانِ زندگی ، نیم درآمد است» . امام صادق علیه السلام فرمود : «نه! بلکه همه درآمد است . برنامه ریزی برای گذرانِ زندگی ، نشانه دینداری است» .

الکافی از داوود بن سرحان : امام صادق علیه السلام را دیدم که به دست خویش ، خرما را پیمانه می کرد . گفتم: «فدایت شوم! تو را بس است که به یکی از فرزندان یا خدمتگزارانت دستور دهی [که چنین کند]» . فرمود: «ای داوود! جز سه چیز ، انسان مسلمان را به سامان نیاورد : ژرف کاوی در دین ، صبر بر بلای سخت ، و درست اندازه نگه داشتن در گذرانِ زندگی» .

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا- أَتَى جَعْفَرًا صِلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ شَبِيهَا بِالْمُسْتَنْصِحِ لَهُ ، فَقَالَ لَهُ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، كَيْفَ صَدَرَتْ اتَّخَذْتَ الْأَمْوَالَ قِطْعًا مُتَفَرِّقَةً ؛ وَلَوْ كَانَتْ فِي مَوْضِعٍ (وَاحِدٍ) كَانَتْ أَيْسَرَ لِمُؤَوَّنَتِهَا وَأَعْظَمَ لِمَنْفَعَتِهَا!؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اتَّخَذْتُهَا مُتَفَرِّقَةً ؛ فَإِنْ أَصَابَ هَذَا الْمَالَ شَيْءٌ سَلِمَ هَذَا الْمَالُ ، وَالصُّرَّةُ تُجْمَعُ بِهَذَا كُلِّهِ . (١)

٢ / ٢ سوء التدبير والتخلُّف رسول الله صلى الله عليه وآله ما أخاف على أمتي الفقر ، ولكن أخاف عليهم سوء التدبير . (٢)

الإمام علي عليه السلام : سوء التدبير مفتاح الفقر . (٣)

عنه عليه السلام : لا غنى مع سوء تدبير . (٤)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه : لا مال لمن لا تدبير له . (٥)

١- الكافي : ٥ / ٩١ / ١ عن معمر بن خلاد ، بحار الأنوار : ٤٧ / ٥٨ / ١٠٩ .

٢- عوالي اللآلي : ٤ / ٣٩ / ١٣٤ .

٣- غرر الحكم : ٥٥٧٢ .

٤- غرر الحكم : ١٠٩١٩ .

٥- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣١٧ / ٦٣٨ .

۲ / ۲ برنامه ریزی نادرست و واپس ماندگی

امام رضا علیه السلام: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و چنان که می خواهد پندش دهد ، به وی گفت: «ای ابو عبدالله ! چرا دارایی هایت را بخش بخش کرده ای ، حال آن که اگر یکجا بود ، هم کم هزینه تر بود و هم پر سودتر؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «آن را پراکنده ساختم ؛ زیرا اگر آن یک را آسیبی رسد ، این یک از آن آسیب دور می ماند و بدین سان ، مجموعه مال حفظ می شود» .

۲ / ۲ برنامه ریزی نادرست و واپس ماندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر امت خویش ، نه از فقر ، که از برنامه ریزی نادرست بیم دارم .

امام علی علیه السلام : برنامه ریزی نادرست ، کلید فقر است .

امام علی علیه السلام : با برنامه ریزی نادرست ، توانگری حاصل نمی شود .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : آن را که برنامه ریزی نیست ، دارایی مباد .

عنه عليه السلام: آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ . (١)

عنه عليه السلام: سَبَبُ التَّدْمِيرِ سُوءُ التَّدْبِيرِ . (٢)

عنه عليه السلام: تَرَكُّ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ يورثُ الْفَقْرَ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ تَأَخَّرَ تَدْبِيرُهُ تَقَدَّمَ تَدْمِيرُهُ . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ تَعَجَّلَ تَدْمِيرُهُ . (٥)

عنه عليه السلام: مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ كَانَ هَلَاكُهُ فِي تَدْبِيرِهِ . (٦)

عنه عليه السلام: مَنْ سَاءَ تَدْبِيرُهُ بَطَلَ تَقْدِيرُهُ . (٧)

عنه عليه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِدْبَارِ بِأَرْبَعٍ : سُوءِ التَّدْبِيرِ وَقُبْحِ التَّنْبِيرِ ، وَقَلَّةِ الْإِعْتِبَارِ ، وَكَثْرَةِ الْإِعْتِدَارِ . (٨)

عنه عليه السلام: مَنْ تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ غَيْرِ نَازِرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِمُفْطَعَاتِ النَّوَائِبِ ، وَالتَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ .

(٩)

١- غرر الحكم : ٣٩٦٥ .

٢- غرر الحكم : ٥٥٤٩ و ٥٥٧١ مع تقديم وتأخير .

٣- الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاق ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٧ / ١٣ .

٤- غرر الحكم : ٨٠٤٥ .

٥- غرر الحكم : ٧٩٠٦ وح ٨٣٤٦ .

٦- غرر الحكم : ٨٧٦٨ .

٧- غرر الحكم : ٨٠٤٧ .

٨- غرر الحكم : ١٠٩٥٨ .

٩- من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٣٨٨ / ٥٨٣٤ ، الكافي : ٨ / ١٩ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول :

٩٣ وليس فيهما ذيله .

امام علی علیه السلام: آفتِ گذران زندگی ، برنامه ریزی نادرست است .

امام علی علیه السلام: برنامه ریزی نادرست ، مایه نابودی است .

امام علی علیه السلام: اندازه نگه نداشتن در گذران زندگی ، فقر به بار می آورد .

امام علی علیه السلام: هر کس در برنامه ریزی واپس ماند ، نابودی اش پیش افتد .

امام علی علیه السلام: هر که برنامه ریزی اش درست نباشد ، نابودی اش پیش می افتد .

امام علی علیه السلام: هر کس برنامه ریزی اش نادرست باشد ، هلاکتش در همان تدبیر اوست .

امام علی علیه السلام: هر که بد برنامه ریزی کند ، اندازه گیری او تباه می گردد .

امام علی علیه السلام: نشانه های بخت برگشتگی چهار چیزند : بدیِ برنامه ریزی ، زشتیِ ریخت و پاش ، اندکیِ عبرت گیری ، و فراوانیِ عذرخواهی .

امام علی علیه السلام: هر که بدون عاقبت اندیشی ، در کارها فرو رود ، خود را به بلاهای سخت رسواکننده دچار کند . و برنامه ریزی پیش از هر کار ، از پشیمانی ایمنت خواهد ساخت .

الفصل الثالث: العمل ٣ / الحثُّ على العمل ٣ / ١ اطلب الرزق الكتاب: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . (١)»

«وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَشْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . (٢)»

«رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلُكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا . (٣)»

١- .الجمعه : ١٠ .

٢- .التقصص : ٧٣ .

٣- .الإسراء : ٦٦ .

فصل سوم : کار

۳ / ۱ تشویق به کار

۳ / ۱۱ روزی جُستن

فصل سوم: کار ۳ / ۱ تشویق به کار ۳ / ۱ - روزی جُستنقرآن: «پس چون نماز گزارده شد ، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا [با کسب و کار ، روزی] بجویید و خدای را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید .»

«و از بخشایش او است که شب و روز را برای شما قرار داد تا در آن [= شب] آرام گیرید و [در روز] از فزون بخشی او [روزی] بجویید؛ و باشد که سپاس گزارید .»

«پروردگار شما آن است که برای شما کشتی را در دریا می راند تا از فزون بخشی او [روزی] بجویید؛ که او به شما مهربان است .»

«وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا . (١)»

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا حَلِيَّةً تُبْسُونَهَا وَ تَرَى الْفُلُكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . (٢)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ قَالَ: خُلِقَ النَّهَارُ لِتُؤَدَّى فِيهِ الصَّلَاةُ الْمَفْرُوضَةُ الَّتِي عَنْهَا تُسْأَلُ وَبِهَا تُحَاسَبُ، وَبِرَّ وَالِدَيْكَ، وَأَنْ تَضْرِبَ فِي الْأَرْضِ تَبْتَغِيَ الْمَعِيشَةَ؛ مَعِيشَةَ يَوْمِكَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: طَلَبُ الْكَسْبِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَعَى عَلَى نَفْسِهِ لِيُعْزَّهَا وَيُغَيِّبَهَا عَنِ النَّاسِ فَهُوَ شَهِيدٌ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ الْجِهَادُ أَنْ يَضْرِبَ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ إِنَّمَا الْجِهَادُ مَنْ عَالَ وَالِدَيْهِ وَعَالَ وَلَدَهُ، فَهُوَ فِي جِهَادٍ . وَمَنْ عَالَ نَفْسَهُ يَكْفُفُهَا عَنِ النَّاسِ فَهُوَ فِي جِهَادٍ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: السَّاعَى عَلَى وَالِدَيْهِ لِيَكْفُفَهُمَا أَوْ يُغَيِّبَهُمَا عَنِ النَّاسِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَمَنْ سَعَى عَلَى زَوْجٍ أَوْ وَلَدٍ لِيَكْفُفَهُمْ وَيُغَيِّبَهُمْ عَنِ النَّاسِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالسَّاعَى عَلَى نَفْسِهِ لِيُغَيِّبَهَا وَيَكْفُفَهَا عَنِ النَّاسِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالسَّاعَى مُكَاتِرَةٌ فِي سَبِيلِ الشَّيْطَانِ . (٧)

١- الإسراء: ١٢ .

٢- النحل: ١٤ وراجع: فاطر: ١٢ .

٣- الدر المنثور: ٧ / ٣٠٣ نقلاً عن ابن مردويه عن عبد الله بن مغفل؛ بحار الأنوار: ٥٨/٢٠٨ / ٣٨ .

٤- جامع الأحاديث للقمي: ٩٨، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٧ / ٧٩؛ الفردوس: ٢ / ٤٤١ / ٣٩١٨، كنز العمال: ٤ / ٩ / ٩٢٣١ كلاهما عن ابن مسعود .

٥- كنز العمال: ٤ / ٦٠٧ / ١١٧٦٠ نقلاً عن مسند عمر .

٦- حليه الأولياء: ٦ / ٣٠٠، تاريخ دمشق: ٢١ / ١٧٢ / ٤٧٦٥ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ١٦ / ٤٦٩ / ٤٥٤٩٤ .

٧- المعجم الأوسط: ٨ / ٢٧٧ / ٨٦٣٠ عن أنس، كنز العمال: ٤ / ١٠ / ٩٢٣٧ .

«و شب و روز را دو نشانه ساختم؛ پس نشانه شب را زدودیم [=تاریکی آن را با تابش خورشید محو کردیم] و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا از پروردگارتان [روزی] افزونی بجوید و تا شمار سال ها و دیگر شمارها را بدانید؛ و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم.»

«و او است آن که دریا را رام کرد تا از آن، گوشت تازه بخورید و زیوری بیرون آورید که آن را می پوشید؛ و در آن، کشتی ها را بینی که شکافندگان [آب] آند [تا بدان برخوردار شوید] و تا از فزونی و بخشش خدا [روزی] بجوید؛ و شاید سپاس دارید.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «روز آفریده شد تا در آن نماز واجب را ادا کنی که از آن بازخواست و با آن حسابرسی خواهی شد؛ و تا به پدر و مادرت نیکی کنی؛ و تا در زمین گام زنی و در پی گذران زندگی روزانه خود برآیی.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از ادای نماز واجب، روزی جستن واجب است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بکوشد تا خود را عزیز و از مردم بی نیاز دارد، [همرتبه] شهید است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جهاد [فقط] آن نیست که [کسی] در راه خدا شمشیر زند؛ هر آینه جهاد، آن [نیز] است که فرد، پدر و مادر و فرزندان را سرپرستی کند؛ پس چنین کسی در حال جهاد است. و [نیز] آن کس که خود را تأمین می سازد تا از مردم بی نیاز باشد، او هم در حال جهاد است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که بکوشد تا پدر و مادرش را تأمین کند یا آنان را از مردم بی نیاز سازد، [کارش] در راه خدا است؛ و آن کس که بکوشد تا همسر یا فرزندان را کفاف بخشد و از مردم بی نیاز کند، [نیز] در راه خدا است؛ و آن که تلاش می کند تا خودش را بی نیاز کند و از مردم مستغنی سازد، [نیز] در راه خدا است؛ و آن که تلاش می کند تا بر دارایی خود بیفزاید، در راه شیطان است.

دعائم الإسلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ مَرَّ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ بِشَابِّ جَلِيدٍ يَسُوقُ أَبْعَرَةً سِمَانًا ، فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَوْ كَانَتْ قُوَّةُ هَذَا وَجَلَدُهُ وَسِمَانُ أَبْعَرَتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَكَانَ أَحْسَنَ ! فَدَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : أَرَأَيْتَ أَبْعَرَتَكَ هَذِهِ ، أُمَّ شَيْءٍ تُعَالِجُ عَلَيْهَا؟ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لِي زَوْجَةٌ وَعِيَالٌ ، فَأَنَا أَكْسِبُ عَلَيْهَا مَا أَنْفَقُهُ عَلَى عِيَالِي أَكْفُهُمْ عَن مَسْأَلَةِ النَّاسِ وَأَقْضِي دَيْنًا عَلَيَّ . قَالَ : لَعَلَّ غَيْرَ ذَلِكَ ! قَالَ : لَا . فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَئِن كَانَ صَادِقًا إِنَّ لَهُ لَأَجْرًا مِثْلَ أَجْرِ الْغَازِي وَأَجْرِ الْحَاجِّ وَأَجْرِ الْمُعْتَمِرِ! (١)

الإمام علي عليه السلام: لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ : فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ ، وَسَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ ، وَسَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَّتِهَا فِي مَا يَحِلُّ وَيَجْمَلُ . وَلَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ : مَرَمِهِ لِمَعَاشٍ ، أَوْ خُطُوهُ فِي مَعَادٍ ، أَوْ لَذَّةً فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ . (٢)

عنه عليه السلام في كتابه إلى ابنه الإمام الحسن عليه السلام: لَا تَدْعِ الطَّلَبَ فِي مَا يَحِلُّ وَيَطِيبُ ؛ فَلَا يُدِّدُ مِنْ بُلْغِهِ ، وَسَيَأْتِيكَ مَا قَدَّرَ لَكَ . (٣)

١- دعائم الإسلام: ٢ / ١٤ / ٧ ، عوالي اللآلي: ٣ / ١٩٤ / ٨ .

٢- نهج البلاغه: الحكمة ٣٩٠ ، تحف العقول: ٢٠٣ ، الأمالي للطوسي: ١٤٧ / ٢٤٠ عن أبي وجزة السعدي عن أبيه وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٢ / ٥٦ .

٣- كنز العميال: ١٦ / ١٧٧ / ٤٤٢١٥ عن وكيع والعسكري في المواعظ ؛ تحف العقول: ٨١ وفيه «وَاطْلُبْ فَإِنَّهُ يَأْتِيكَ مَا قَسَمَ لَكَ» ، بحار الأنوار: ٧٧ / ٢٢٨ / ٢ .

دعائم الإسلام: در جنگ تبوک، پیامبر صلی الله علیه و آله به جوانی نیرومند برخورد که شتران فربه‌ی را می‌راند. یاران پیامبر به وی گفتند: «ای رسول خدا! اگر نیرومندی و چابکی این جوان و فربه‌ی شترانش در راه خدا صرف می‌شد، هر آینه بهتر بود». پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را فراخواند و فرمود: «با این شتران، در نظر داری که چه کنی؟» گفت: «ای رسول خدا! من همسر و خانواده‌ای دارم. با این شتران به کسب درآمد می‌پردازم تا آنان را از حاجت خواهی نزد مردم بی‌نیاز سازم و بدهی ام را بپردازم». فرمود: «مباد هدف‌ت جز این باشد». گفت: «نه». آن‌گاه که جوان راهی شد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر راست گفته باشد، او را پاداشی است همانند پاداش رزمنده و حج گزارنده و عمره به جای آورنده».

امام علی علیه السلام: مؤمن را سه وقت است: وقتی که در آن، با پروردگارش مناجات می‌کند؛ و وقتی که گذران زندگی اش را سامان می‌دهد؛ و وقتی که از آن چه حلال و زیبا است، برای خود لذت برمی‌گیرد. و خردمند را سزاوار نیست که جز در پی سه چیز باشد: سامان دادن معیشت، گام نهادن برای روز قیامت، یا لذت برگرفتن از آن چه حرام نیست.

امام علی علیه السلام در نامه اش به فرزندش امام حسن علیه السلام: جست و جوی آن چه را حلال و پاک است، وامگذار؛ پس چاره‌ای نیست از آن چه زندگی را کفاف دهد؛ و زودا که آن چه برایت مقدر است، تو را در رسد.

عنه عليه السلام: ما غُدُوهُ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمٍ مِنْ غُدُوَّتِهِ يَطْلُبُ لِوَلَدِهِ وَعِيَالِهِ مَا يُصْلِحُهُمْ . (١)

عنه عليه السلام: أَوْصِيكُمْ بِالْحَشِيئَةِ مِنَ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ . . . وَالْإِكْتِسَابِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى . (٢)

الكافي عن شهاب بن عبد ربّه: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ ظَنَنْتَ أَوْ بَلَغَكَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ كَائِنٌ فَيَغْدٍ فَلَا تَدْعَنَّ طَلَبَ الرِّزْقِ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَكُونَ كَلًّا فَافْعَلْ . (٣)

الكافي عن هشام الصيدلاني: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هِشَامُ، إِنْ رَأَيْتَ الصَّافِينَ قَدِ اتَّقَيَا فَلَا تَدْعَ طَلَبَ الرِّزْقِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ . (٤)

٣ / ١ / ١٢ التَّعَبُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَبًا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ أَمْسَى كَالًّا مِنْ عَمَلٍ يَدِيهِ؛ أَمْسَى مَغْفُورًا لَهُ . (٦)

١- السرائر: ٢ / ٢٢٨، دعائم الإسلام: ٢ / ١٥ / ٩، عوالي اللآلي: ٣ / ١٩٤ / ٦ .

٢- تحف العقول: ٣٩٠ عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ١ / ١٤١ / ٣٠ وج ٧٨ / ٣٠٤ / ١ .

٣- الكافي: ٥ / ٧٩ / ٩ .

٤- الكافي: ٥ / ٧٨ / ٧، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٤ / ٨٩٢ وفيه «الصيدناني» بدل «الصيدلاني» .

٥- كنز العمال: ٤ / ٤ / ٩٢٠٠، إتحاف السادة: ٥ / ٤١٥ كلاهما نقلًا عن الفردوس عن الإمام علي عليه السلام .

٦- المعجم الأوسط: ٧ / ٢٨٩ / ٧٥٢٠ عن عبد الله بن عباس، كنز العمال: ٤ / ٧ / ٩٢١٤ .

۳ / ۲۱ رنج بردن در طلبِ روزی

امام علی علیه السلام: بامدادان برون شدن یکی از شما [برای جهاد] در راه خدا، ارجمندتر از بامدادان برون شدنش برای سامان بخشیدن به زندگی فرزندان و خانواده اش نیست.

امام علی علیه السلام: شما را سفارش می‌کنم که در پنهان و آشکار از خدا بیم ورزید... و خواه در فقر و خواه در توانگری، در پی کسبِ [روزی] باشید.

الکافی از شهاب بن عبد ربّه: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: «اگر گمان کردی یا خبر یافتی که فردا این امر [=قیام حضرت قائم علیه السلام یا مرگ تو] تحقق می‌یابد، [باز هم] جست و جویِ روزی را وامگذار؛ و اگر می‌توانی سر بارِ کسی نباشی، چنین کن.

الکافی از هشام صیدلانی: امام صادق علیه السلام فرمود: «ای هشام! [حتی] اگر دیدی که دو گروه رویاروی هم صف آراسته‌اند، در آن روز، جست و جویِ روزی را وامگذار».

۳ / ۱ - رنج بردن در طلبِ روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه خدای تعالی دوست می‌دارد که بنده اش را ببیند که در طلبِ روزی رنج می‌برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، خسته از کارِ خود، روز را به پایان ببرد، آمرزیده روزش را به پایان برده است.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ بَاتَ كَالاً مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ ؛ بَاتَ مَغْفُوراً لَهُ . (١)

٣ / ١ / ٣ الاغتربُ في طلبِ الرزق الكتاب: «وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٢)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله :سَبَعَهُ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ . . . رَجُلٌ خَرَجَ ضَارِباً فِي الْأَرْضِ يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ؛ يَكْفُفُ بِهِ نَفْسَهُ، وَيَعُودُ بِهِ عَلَى عِيَالِهِ. (٣)

تفسير القرطبي عن علقمه: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا مِنْ جَالِبٍ يَجْلِبُ طَعَامًا مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ فَيَبِيعُهُ بِسِعْرِ يَوْمِهِ إِلَّا كَانَتْ مَنَزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنَزِلَةَ الشُّهَدَاءِ . ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَءَاخِرُونَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٤)»

١- .الأمالى للصدوق : ٣٦٤ / ٤٥٢ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٦٧ عن أحمد بن عمر الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام ، جامع الأخبار : ٣٨٩ / ١٠٨١ ؛ كنز العمال : ٤ / ٧ / ٩٢١٥ نقلاً عن ابن عساكر عن أنس .

٢- .المزمل : ٢٠ .

٣- .مسند زيد : ٤١٠ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ٢ / ١٥ / ٨ ، عوالى اللآلى : ٣ / ١٩٤ / ٩ وليس فيهما «سبعه» .

٤- .تفسير القرطبي : ١٩/٥٥ ، المغنى عن حمل الأسفار : ١/٤٢٢/١٦٠١ ، الدرّالمنثور : ٣٢٣/٨ كلاهما عن ابن مردويه عن ابن مسعود .

۳ / ۱ / ۳ تحمّل غربت در جست و جوی روزی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ، خسته از جست و جوی مال حلال ، روز را به شب آورد ، آمرزیده روز را به شب آورده است .

۳ / ۱ - ۳ تحمّل غربت در جست و جوی روزیقرآن: «و برخی دیگر به جست و جوی فضل خدا [= روزی] در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می کنند.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش نباشد ، هفت تن زیر سایه آنند . [یکی از ایشان] کسی است که در زمین گام می زند تا از فضل خدا [روزی] بجوید و از آن ، نیاز خود را برطرف کند و با آن ، به سوی خانواده اش بازگردد .

تفسیر القرطبی از علقمه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ کس نیست که خوراکی را از سرزمینی به سرزمین دیگر برد تا به قیمت روز بفروشد ، مگر این که نزد خدا منزلت شهیدان را دارد.» سپس پیامبر صلی الله علیه و آله [این آیه را] قرائت فرمود: «و برخی دیگر به جست و جوی فضل خدا [= روزی] در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می کنند.»

- الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُحِبُّ الْإِعْتِرَابَ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ . (١)
- عنه عليه السلام: إِذَا سَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِعَبْدِ الرِّزْقِ فِي أَرْضٍ ، جَعَلَ لَهُ فِيهَا حَاجَةً . (٢)
- ٣ / ١٤١ العَمَلُ بِالْيَدْرِسِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ ، ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا . (٣)
- عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا ، فُتِّحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ . (٤)
- عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ ، مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ . (٥)
- عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ ، كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ ، وَيَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ . (٦)
- عنه صلى الله عليه وآله : الْكَاسِبُ مِنْ يَدِهِ خَلِيلُ اللَّهِ . (٧)
- عنه صلى الله عليه وآله : مَا كَسَبَ الرَّجُلُ كَسْبًا أَطْيَبَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ . (٨)

١- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٥٦ / ٣٥٧١ عن عمر بن أذينة .

٢- من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٦٥/٢٣٨٨ ، المحاسن : ٢/٧٩/١٢٠٤ كلاهما عن إبراهيم بن الفضل ، مكارم الأخلاق: ١ / ٥١٣ / ١٧٨٤ ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٢٢١ / ٤ .

٣- جامع الأخبار : ٣٩٠ / ١٠٨٧ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٩ / ٤٠ .

٤- جامع الأخبار : ٣٩٠ / ١٠٨٦ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٠ / ٤١ .

٥- جامع الأخبار : ٣٩٠ / ١٠٨٥ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٩ / ٣٩ .

٦- جامع الأخبار : ٣٩٠ / ١٠٨٨ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٠ / ٤٢ .

٧- نهج الفصاحه : ٢١٩٠ .

٨- سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٢٣ / ٢١٣٨ عن المقدم بن معديكرب الزبيدي ، كنز العمال : ٩ / ٤ / ٩٢٢٩ .

۳ / ۴۱ کار جسمانی

امام صادق علیه السلام: هر آینه و همانا ، خدای تبارک و تعالی تحمّل غربت در جست و جوی روزی را دوست می دارد .

امام صادق علیه السلام: هر گاه خداوند برای بنده ای ، در زمین روزی ای نهاده باشد ، او را بدان نیازمند می کند .

۳ / ۱ - ۴ کار جسمانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از دسترنج خویش بخورد ، خداوند به رحمت در او بنگرد و هرگز عذابش نکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس ، به حلال ، از دسترنج خود بخورد ، دروازه های بهشت به رویش گشوده گردند و او از هر یک که خواهد ، درون شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که از دسترنج خویش خورد ، همچون آذرخشی پرشتاب ، راه [بهشت] را می پیماید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از دسترنج خود خورد ، روز قیامت در شمار پیامبران است و پاداش ایشان را می گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که با [کار] دست خود کسب درآمد کند ، دوست خالص خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس پیشه ای پاکیزه تر از کار جسمانی پیش نگرفته است .

عنه صلى الله عليه و آله : ما أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوَدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ خَيْرَ الْكَسْبِ كَسْبُ يَدَيْ عَامِلٍ إِذَا نَصَحَ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : ما أَكَلَ الْعَبْدُ طَعَامًا أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ كَدِّ يَدِهِ ، وَمَنْ بَاتَ كَالًا مِنْ عَمَلِهِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ . (٣)

مسند ابن حنبل عن رافع بن خديج : قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَيُّ الْكَسْبِ أَطْيَبُ؟ قَالَ : عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ ، وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ . (٤)

تفسير مجمع البيان : رُوِيَ أَنَّهُمْ [أَي حَوَارِيِّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَام] كَانُوا إِذَا جَاعُوا قَالُوا : يَا رُوحَ اللَّهِ جُعْنَا ، فَيَضْرِبُ بِيَدِهِ عَلَى الْأَرْضِ سَهْلًا كَانَ أَوْ جَبَلًا ، فَيَخْرُجُ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ رَغِيفِينَ يَأْكُلُهُمَا ، وَإِذَا عَطَشُوا قَالُوا : يَا رُوحَ اللَّهِ عَطَشْنَا ، فَيَضْرِبُ بِيَدِهِ عَلَى الْأَرْضِ سَهْلًا كَانَ أَوْ جَبَلًا ، فَيَخْرُجُ مَاءً فَيَشْرَبُونَ . قَالُوا : يَا رُوحَ اللَّهِ ، مَنْ أَفْضَلُ مِنَّا؟ إِذَا شَبَّثْنَا أَطْعَمْتَنَا ، وَإِذَا شَبَّثْنَا سَقَيْتَنَا ، وَقَدْ آمَنَّا بِكَ وَاتَّبَعْنَاكَ! قَالَ : أَفْضَلُ مِنْكُمْ مَنْ يَعْمَلُ بِيَدِهِ ، وَيَأْكُلُ مِنْ كَسْبِهِ . فَصَارُوا يَغْسِلُونَ الثِّيَابَ بِالْكَرَاءِ . (٥)

١- صحیح البخاری : ٢/٧٣٠/١٩٦٦ ، السنن الكبرى : ٦/٢٠٩/١١٦٩١ ، حليه الأولياء : ٥ / ٢١٧ / ٥ كلها عن المقدم بن معديكرب ، كنز العمال : ٤ / ٨ / ٩٢٢٣ وراجع مسند ابن حنبل : ٦ / ٩٣ / ١٧١٨١ .

٢- مسند ابن حنبل : ٣ / ٢٧٨ / ٨٦٩٩ و ص ٢٣٢ / ٨٤٢٠ ، الفردوس : ٢ / ١٨٠ / ٢٩١٠ كلها عن أبي هريره ؛ جامع الأحاديث للقمي : ٧٦ .

٣- تاريخ دمشق : ١٤ / ١٠ / ١٤٨٣ عن المقدم بن معديكرب ، كنز العمال : ٤ / ٩ / ٩٢٢٨ .

٤- مسند ابن حنبل : ٦ / ١١٢ / ١٧٢٦٦ ، المستدرک على الصحيحين : ٢ / ١٣ / ٢١٦٠ ، السنن الكبرى : ٥ / ٤٣٣ / ١٠٣٩٨ عن البراء بن عازب ، المعجم الكبير : ٤ / ٢٧٦ / ٤٤١١ عن رفاعه عن أبيه نحوه ، كنز العمال : ٤ / ٩ / ٩١٩٦ ؛ مسند زيد : ٢٥٥ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام نحوه .

٥- تفسير مجمع البيان : ١ / ٧٥٧ ، بحار الأنوار : ١٤ / ٢٧٦ / ٧ و ج ٧٣ / ١١ / ٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس هرگز خوراکی بهتر از آن چه حاصل دسترنج او باشد، نخورده است؛ و همانا پیامبر خدا، داوود علیه السلام، از دسترنج خویش می خورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا بهترین درآمد، از آن دستان کارگری است که کارش بی آلاش باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای خوراکی نخورده است که نزد خدا دوست داشتنی تر از حاصل دسترنج وی باشد؛ و هر که خسته از کار خویش روز را به شب رساند، آمرزیده روز را به شب رسانده است.

مسند ابن حنبل از رافع بن خدیج: گفته شد: «ای رسول خدا! کدام شیوه کسب درآمد، پاکیزه تر است؟» فرمود: «کار جسمانی؛ و هر خرید و فروش راست و بی نیرنگ».

تفسیر مجمع البیان: روایت شده که ایشان [= حواریون حضرت عیسی علیه السلام] هر گاه گرسنه می شدند، می گفتند: «ای روح الله! گرسنه ایم». آن گاه، عیسی بر زمین، خواه دشت و خواه کوه، دست می کوبید و برای هر کسی دو قرص نان برمی آورد و ایشان می خوردند. و [نیز] هر گاه تشنه می شدند، می گفتند: «ای روح خدا! تشنه ایم». سپس عیسی بر زمین، خواه دشت و خواه کوه، دست می کوبید و آب برمی آورد و آنان می آشامیدند. آنان گفتند: «ای روح الله! برتر از ما کیست؟ هر گاه بخواهیم، ما را می خورانی و می آشامانی، در حالی که به تو ایمان آورده ایم و از تو پیروی می کنیم». فرمود: «برتر از شما، کسی است که با اعضای خویش کار کند و از درآمد خود می خورد». از آن پس، ایشان به مزدوری، لباس می شستند.

الإمام عليّ عليه السلام في قولِ الله عز و جل : «وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ (١)» : أغنى كلَّ إنسانٍ بِمَعِيشَتِهِ ، وأرضاهُ بِكَسْبِ يَدِهِ .
(٢)

٣ / ١ ٥تقبيلُ يَدِ العامِلِأسد الغابه عن أنس بن مالك : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَقْبَلَ مِنْ غَزْوَةِ تَبُوكَ اسْتَقْبَلَهُ سَيِّعِدُ
الْأَنْصَارِيُّ ، فَصَافَحَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، ثُمَّ قَالَ لَهُ : مَا هَذَا الَّذِي أَكْتَبَ يَدَيْكَ ؟ قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَضْرِبُ بِالْمِرِّ
وَالْمِسْحَاهِ فَأَنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِي . فَقَبَّلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَقَالَ : هَذِهِ يَدٌ لَا تَمْسُهَا النَّارُ أَبَدًا . (٣)

٣ / ١ ٦سيرة الأنبياء والأوصياء في طلب الرزق النبوي آدم عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ إِلَى
الْأَرْضِ ، أَمَرَهُ أَنْ يَحْرُثَ بِيَدِهِ فَيَأْكُلَ مِنْ كَدِّهِ بَعْدَ الْجَنَّةِ وَنَعِيمِهَا . (٤)

١- .النجم : ٤٨ .

٢- .معاني الأخبار : ٢١٥ / ١ ، تفسير القمى : ٣٣٩ / ٢ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ،
الجعفریات : ١٧٩ .

٣- .أسد الغابه : ٢ / ٤٢٠ / ١٩٦٧ ، تاريخ بغداد : ٧ / ٣٤٢ / ٣٨٦٤ .

٤- .تفسير العياشى : ١ / ٤٠ / ٢٤ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ٦١ / ٧٩ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه
صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ١١ / ٢١٢ / ١٩ .

۳ / ۵۱ بوسیدن دست کارگر

۳ / ۶۱ روش پیامبر و جانشینانشان در روزی جُستن

امام علی علیه السلام درباره این سخن خدا: «وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى»؛ «و او است که توانگری بخشد و خشنودی دهد»: هر کس را با گذرانِ زندگی اش، توانگری بخشد؛ و با درآمدِ کار جسمانی اش، خشنودی اش دهد.

۳ / ۱ - ۵ بوسیدن دست کارگر اُسد الغابه از انس بن مالک: همانا آن گاه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از نبرد تبوک بازگشت، سید انصاری به پیشواز وی آمد. پیامبر پس از آن که دست او را فشرد، به وی فرمود: «به چه سبب دستانت این گونه رشته رشته شده است؟» گفت: «ای رسول خدا! به ریسمان و بیل دست برمی کشم و هزینه خانواده ام را فراهم می آورم» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست وی را بوسید و فرمود: «این دستی است که هرگز آتش به آن نمی رسد».

۳ / ۱ - ۶ روش پیامبر و جانشینانشان در روزی جُستالف. حضرت آدم علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه آن گاه که خداوند آدم را به زمین فرود آورد، وی را فرمان داد که با دستش کشت و کار کند و از دسترنج خویش بخورد، حال که بهشت و نعمت آن را پشت سر نهاده است.

ب النَّبِيِّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَا يَأْكُلُ إِلَّا مِنْ عَمَلٍ يَدِهِ . (١)

الإمام علي عليه السلام: لقد كان [داود عليه السلام] يعمل سفائف الخوص بيده ، ويقول لجلسائه : أيكم يكفيني بيعها؟ ويأكل قرض الشعير من ثمنها . (٢)

عنه عليه السلام: أوحى الله عز وجل إلى داود عليه السلام : إِنَّكَ نِعَمَ الْعَبْدِ لَوْلَا إِنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا . فَبَكَى دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ : أَنْ لِنَ لِعَبْدِي دَاوُدَ ، فَأَلَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ ، فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعًا فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ ، فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةَ وَسِتِّينَ دِرْعًا ، فَبَاعَهَا بِثَلَاثِمِائَةِ وَسِتِّينَ أَلْفًا ، وَاسْتَغْنَى عَنِ بَيْتِ الْمَالِ . (٣)

عوالي اللآلى: حكى عن داود عليه السلام أنه كان يتوحي من تلقاه من بنى إسرائيل فيسأله عن حاله ، فيثني عليه ، حتى لقي رجلاً ، فقال : نعم العبد لولا خصلته فيه ، فقال : وما هي؟ قال : إنه يأكل من بيت المال . فبكى داود وعلم أنه قد أتى ، فأوحى الله عز وجل إلى الحديد : أن لن لعبدى داود ، فألان الله له الحديد ، فكان يعمل كل يوم درعا يبيعها بألف درهم ، فعمل ثلاثمائة وستين درعا ، فباعها بثلاثمائة وستين ألفا ، فاستغنى عن بيت المال . (٤)

١- صحيح البخارى: ٢ / ٧٣٠ / ١٩٦٧ وج ٣ / ١٢٥٦ / ٣٢٣٥ نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمال: ٤ / ٨ / ٩٢٢٢ وراجع السنن الكبرى : ٦ / ٢٠٩ / ١١٦٩١ .

٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٦٠ ، بحار الأنوار : ١٤ / ١٥ / ٢٥ .

٣- الكافى : ٥ / ٧٤ / ٥ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٢ / ٣٥٩٤ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢٦ / ٨٩٦ كلها عن الفضل بن أبى قره عن الإمام الصادق عليه السلام ولم يسنده الأخير عن الإمام علي عليه السلام .

٤- عوالي اللآلى : ٣ / ١٩٩ / ١٨ .

ب . حضرت داوود علیه السلام را خدا صلی الله علیه و آله : همانا داوود علیه السلام جز از دسترنج خود نمی خورد .

امام علی علیه السلام : هر آینه داوود علیه السلام با دست خویش ، از برگ خرما بوریا می بافت و به هم نشینانش می گفت : « کدام یک از شما برای فروش آن ، مرا یاری می کند؟ » و آن گاه ، از بهای آن ، قرص نان جو می خورد .

امام علی علیه السلام : خداوند به داوود علیه السلام چنین وحی فرمود : « اگر از بیت المال نمی خوردی و به دست خویش کار می کردی ، بنده ای شایسته بودی . داوود چهل بامداد گریست و خداوند به آهن وحی فرمود : « برای بنده ام داوود نرم شو! » ؛ پس خداوند آهن را برای وی نرم کرد و او هر روز زرهی می ساخت و به هزار درهم می فروخت . او سیصد و شصت زره ساخت و به سیصد و شصت هزار [درهم] فروخت و از بیت المال بی نیاز گشت .

عوالی اللالی : حکایت شده است که حضرت داوود علیه السلام تبت داشت که هر گاه یکی از بنی اسرائیل را می پذیرفت ، نظر وی را درباره خویش باز می پرسید ؛ و وی نیز او را می ستود ، تا آن که با مردی دیدار کرد که گفت : « [داوود] خوب بنده ای است ، اگر خصلتی در او نباشد! » فرمود : « آن خصلت چیست؟ » گفت : « او از بیت المال می خورد . داوود گریست و دانست که [این تذکر خدا است که] به وی هدیه شده است . سپس خداوند به آهن وحی فرمود : « برای بنده ام داوود نرم شو! » آن گاه ، خدای آهن را برای او نرم ساخت و او هر روز زرهی می ساخت و به هزار درهم می فروخت . پس سیصد و شصت زره ساخت و به سیصد و شصت هزار [درهم] فروخت و از بیت المال بی نیاز شد .

ج النَّبِيُّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الزَّهْدُ لِابْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ: كَانَ بَيْنَ أَصْحَابِ الْإِبِلِ وَالْغَنَمِ تَنَازُعٌ ، فَاسْتَطَالَ أَصْحَابُ الْإِبِلِ عَلَى أَصْحَابِ الْغَنَمِ ، فَبَلَّغْنَا أَنَّ ذِكْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بُعِثَ مُوسَى وَهُوَ رَاعِي غَنَمٍ ، وَبُعِثَ دَاوُدُ وَهُوَ رَاعِي غَنَمٍ ، وَبُعِثْتُ أَنَا وَأَنَا أُرْعَى غَنَمًا لِأَهْلِي بِأَجْيَادٍ . (١)

مسند ابن حنبل عن أبو سعيد الخدرى: إِفْتَحَرَ أَهْلُ الْإِبِلِ وَالْغَنَمِ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . . . وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بُعِثَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَرْعَى غَنَمًا عَلَى أَهْلِهِ ، وَبُعِثْتُ أَنَا وَأَنَا أُرْعَى غَنَمًا لِأَهْلِي بِجِيَادٍ . (٢)

صحيح البخارى عن أبو هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله : ما بعث الله نبيا إلا رعى الغنم . فقال أصحابه : وأنت؟ فقال : نعم ، كنت أرها على قرارىط لأهل مكة . (٣)

تاريخ الطبرى عن ابن إسحاق: لَمَّا بَلَغَهَا [أَى خَدِيجَةَ سَيِّدَتِهَا] عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمَا بَلَغَهَا مِنْ صِدْقِ خَدِيجَتِهِ وَعِظْمِ أَمَانَتِهِ وَكَرَمِ أَخْلَاقِهِ ، بَعِثَتْ إِلَيْهِ ، فَعَرَضَتْ عَلَيْهِ أَنْ يَخْرُجَ فِي مَالِهَا إِلَى الشَّامِ تَاجِرًا . . . فَقَبِلَهُ مِنْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَخَرَجَ فِي مَالِهَا ذَلِكَ . (٤)

١- الزهد لابن المبارك: ٤١٥/١١٧٧ وراجع كتر العمال: ١٢/٤٥٢/٣٥٥٤٣ وج ١٤/١٨٣/٣٨٣١٠ .

٢- مسند ابن حنبل: ٤/١٩٢/١١٩١٨ ، مسند أبي داود الطيالسى: ١٨٥/١٣١١ ، أسد الغابه: ١/٣٨٢/٤٢٢ كلاهما عن بشر بن حزن النصرى وفيهما « ... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : بعث داود وهو راعى غنم ، وبعث موسى وهو راعى غنم ، وبعث ... » ، فتح البارى: ٤ / ٤٤١ نحوه ، كتر العمال: ١١ / ٥٠٩ / ٣٢٣٧٨ .

٣- صحيح البخارى: ٢/٧٨٩/٢١٤٣ ، سنن ابن ماجه: ٢/٧٢٧/٢١٤٩ ، السنن الكبرى: ٦/١٩٥/١١٦٤١ ، السيره النبويه لابن كثير: ١ / ٢٦٥ كلها نحوه ، كتر العمال: ٤ / ١١ / ٩٢٤٣ .

٤- تاريخ الطبرى: ٢ / ٢٨٠ ، السيره النبويه لابن هشام: ١ / ١٩٩ ، السيره النبويه لابن كثير: ١ / ٢٦٢ ، أسد الغابه: ١ / ١٢٤ وفيه «فقبله منها رسول الله صلى الله عليه وآله وخرجه فى مالها إلى الشام» وج ٧ / ٨١ / ٦٨٧٤ .

ج . حضرت محمد صلی الله علیه و آله از هذلابن المبارک از ابو اسحاق :میان شترداران و گوسفندداران گفت و گو در گرفت و شترداران در برابر گوسفندداران گردن افرازی کردند . خبردار شدیم که این رویداد برای پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شد و او فرمود: «موسی علیه السلام در حالی [به پیامبری] برانگیخته شد که گوسفند می چرانید ؛ و داوود [هم] در حالی [به پیامبری] برانگیخته شد که گوسفند می چرانید ؛ و من [نیز] در حالی برانگیخته شدم که در [منطقه] اجیاد ، برای طایفه ام گوسفند می چرانیدم» .

مسند ابن حنبل از ابوسعید خدری :شترداران و گوسفندداران نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به یکدیگر فخر می فروختند . . . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «موسی علیه السلام برانگیخته شد ، در حالی که برای طایفه اش گوسفند می چرانید ؛ و من [نیز] برانگیخته شدم ، در حالی که در [منطقه] اجیاد ، برای طایفه ام گوسفند می چرانیدم» .

صحیح البخاری از ابوهریره از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند هیچ پیامبری را برنمیگزید مگر آن که گوسفند می چرانید . یارانش گفتند: «تو نیز؟» فرمود: «آری ؛ من [نیز] با گرفتن یک قیراط (یک بیست و چهارم دینار) ، برای مردم مکه گوسفند می چرانیدم» .

تاریخ الطبری از ابن اسحاق :آن گاه که راست گفتاری ، امانت داری ، و والا-منشی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای حضرت خدیجه سلام الله علیها مسلم گشت ، فرستاده ای نزد وی گسیل داشت و به وی پیشنهاد کرد که دارایی اش را برای بازرگانی به شام ببرد . . . رسول خدا صلی الله علیه و آله پذیرفت و با دارایی او بدان مقصد روان شد .

د. امام علی علیه السلام: یک بار در مدینه سخت گرسنه شدم؛ پس بیرون گشتم تا در حومه مدینه کاری بیابم. زنی را دیدم که خاک گرد می آورد. گمان ورزیدم که می خواهد آن را بخیساند. نزد او رفتم و با وی قرار نهادم که برای هر دلو بزرگ آب، یک خرما بستانم. آن گاه، شانزده دلو بزرگ آب برکشیدم، چندان که دستانم تاول زد. پس نزد آب رفته، از آن برگرفتم و سپس مقابل آن زن رفته، گفتم: «دست من چنین شده است». . . پس شانزده خرما برایم برشمرد، آن گاه، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، او را از آن حال آگاه کردم. او از آن خرما با من خورد.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: خرسند نمی شوم اگر از کار دنیا، سراسر، بی نیاز گردم؛ زیرا من از بیکارگی بیزارم.

امام باقر علیه السلام: مردی، امیرالمؤمنین علیه السلام را دید که یک بار شتر از هسته خرما در اختیار دارد. به وی گفت: «ای ابوالحسن! این چیست که در اختیار داری؟» فرمود: «اگر خدای خواهد، صد هزار خوشه خرما است». گفت: سپس امام آن هسته ها را کاشت و حتی یکی را رها نکرد.

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَضْرِبُ بِالْمَرِّ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمَسُّ النَّوَى وَيَغْرِسُهُ فَيَطَّلِعُ مِنْ سَاعَتِهِ ، وَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ مَالِهِ وَكَدَّ يَدِهِ . (١)

عنه عليه السلام عِنْدَ ذِكْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ ، لَقَدْ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ لَوَجْهِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ ، ذَبَرَتْ فِيهِمْ يَدَاهُ . (٢)

عنه عليه السلام : إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ . (٣)

عنه عليه السلام عِنْدَ ذِكْرِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَقَدْ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ صُدُوبِ مَالِهِ ، كُلُّ ذَلِكَ تَحْفَى فِيهِ يَدَاهُ ، وَتَعَرَّقَ جَبِينُهُ ؛ التَّمَّاسَ وَجْهَ اللَّهِ عِزِّ وَجَلُّوا الْخَلَاصَ مِنَ النَّارِ . (٤)

عَدَّهُ الدَّاعِي : يُرَوَى عَنْ سَيِّدِنَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يَفْرُغُ مِنَ الْجِهَادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَالْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ ، فَإِذَا يَفْرُغُ مِنْ ذَلِكَ اشْتَعَلَ فِي حَائِطٍ لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ يَدِيهِ ، وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ . (٥)

من لا يحضره الفقيه: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرُجُ فِي الْهَاجِرَةِ فِي الْحَاجَةِ قَدْ كَفَيْهَا ، يُرِيدُ أَنْ يَرَاهُ اللَّهُ يُتَعَبُ نَفْسَهُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ . (٦)

١- الكافي: ٥ / ٧٤ / ٢ عن الفضل بن أبي قره ، بحار الأنوار : ١٧ / ٣٨٨ / ٥٦ .

٢- الكافي: ٨ / ١٦٥ / ١٧٥ عن معاوية بن وهب وراجع الإرشاد: ٢ / ١٤٢ والأمالى للصدوق: ٣٥٦/٤٣٧ و شرح الأخبار: ٣ / ٢٧٢ / ١١٧٥ وروضه الواعظين: ١٣١ .

٣- الكافي: ٥ / ٧٤ / ٤ ، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٦ / ٨٩٥ ، المحاسن: ٢ / ٤٦٤ / ٢٦٠٨ كلها عن زيد الشحام ، الغارات: ١ / ٩٢ ، دعائم الإسلام: ٢ / ٣٠٢ / ١١٣٣ كلاهما نحوه .

٤- الكافي: ٨ / ١٦٣ / ١٧٣ عن الحسن الصيقل ، تنبيه الخواطر: ٢ / ١٤٨ عن الحارث بن المغيرة ، بحار الأنوار: ٤١ / ١٣٠ / ٤٠ .

٥- عدّه الداعى: ١٠١، إرشاد القلوب: ٢١٨ وفيه «وروى أنه عليه السلام كان إذا...»، بحار الأنوار: ١٠٣/١٦/٧٠ .

٦- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٣ / ٣٥٩٦ ، عوالى اللآلى: ٣ / ٢٠٠ / ٢٤ .

امام صادق علیه السلام: امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بیل می زد و زمین ها را برای کشت آماده می کرد؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هسته خرما را با دهان خویش می مکید و آن را می کاشت و همان هنگام خرمابُن شکوفه برمی آورد. و هر آینه امیرالمؤمنین علیه السلام هزار بنده را از مال و دسترنج خویش آزاد فرمود.

امام صادق علیه السلام در یادکرد از امام علی علیه السلام: امام صادق علیه السلام در یادکرد از امام علی علیه السلام: به خدای سوگند! هزار بنده را برای خشنودی خدا آزاد کرد و در این راه، دستانش جراحت برداشت.

امام صادق علیه السلام: امیرالمؤمنین علیه السلام هزار بنده را از دسترنج خود آزاد فرمود.

امام صادق علیه السلام در یادکرد از امام علی علیه السلام: همانا هزار بنده را با اصل مال خود آزاد فرمود و در این راه، دستانش سخت در کار شد و پیشانی اش به عرق نشست، تا خشنودی خدای را طلب کند و از آتش رهایی یابد.

عده الدّاعی: روایت شده است که سالارمان امیرالمؤمنین علیه السلام هر گاه از جهاد فراغت می جست، به آموزش مردم و داوری میان آنان روی می آورد و چون از این کارها هم فارغ می شد، در بستانانی از آن خویش، با دست خود به کار می پرداخت؛ و در همین حال، خدای جلّ جلاله را ذکر می گفت.

من لایحضره الفقیه: امیرالمؤمنین علیه السلام در گرمای سخت نیمروز، پی حاجتی می رفت که از آن بی نیاز بود؛ و می خواست که خدای او را ببیند که خودش را در طلب حلال به زحمت می افکند.

حليه الأولياء: كَانَ [عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام] إِذَا لَزِمَهُ فِي الْعَيْشِ الصِّقُّ وَالْجَهْدُ أَعْرَضَ عَنِ الْخَلْقِ ؛ فَأَقْبَلَ عَلَى الْكَسْبِ وَالْكَدِّ . (١)

شرح نهج البلاغه: إِنَّهُ [أَيْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام] كَانَ يَعْمَلُ بِيَدِهِ ؛ يَحْرُثُ الْأَرْضَ ، وَيَسْتَقِي الْمَاءَ ، وَيَغْرِسُ النَّخْلَ ، كُلُّ ذَلِكَ يُبَاشِرُهُ بِنَفْسِهِ الشَّرِيفَةِ ، وَلَمْ يَسْتَبِقْ مِنْهُ لَوْ قَتَهُ وَلَا لِعَقِبِهِ قَلِيلًا وَلَا كَثِيرًا ، وَإِنَّمَا كَانَ صَدَقَهُ . (٢)

المصنّف لابن أبي شيبه عن عبد الرحمان بن أبي ليلي: بَيْنَمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَفَرَ مِنْ أَصْحَابِهِ ، فَأَرْسَلَ إِلَى نِسَائِهِ فَلَمْ يَجِدْ عِنْدَ امْرَأَةٍ مِنْهُنَّ شَيْئًا ، فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ هُمْ بِعَلِيٍّ قَدْ أَقْبَلَ أَشْعَثَ مُعْبَرًا ، عَلَى عَاتِقِهِ قَرِيبٌ مِنْ صَاعٍ مِنْ تَمْرٍ قَدْ عَمِلَ بِيَدِهِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَرَحِبًا بِالْحَامِلِ وَالْمَحْمُولِ ! ثُمَّ أَجْلَسَهُ فَنَفَضَ عَنْ رَأْسِهِ التُّرَابَ ، ثُمَّ قَالَ : مَرَحِبًا بِأَبِي تُرَابٍ ! فَكَلَمُوا حَتَّى صَدَرُوا ، ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَى نِسَائِهِ إِلَى كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ طَائِفَةً . (٣)

السنن الكبرى عن ابن عباس: أَصَابَ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خِصَاصَةٌ ، فَبَلَغَ ذَلِكَ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَام ، فَخَرَجَ يَلْتَمِسُ عَمَلًا لِيَصِيبَ مِنْهُ شَيْئًا يَبْعَثُ بِهِ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَتَى بُسْتَانًا لِرَجُلٍ مِنَ الْيَهُودِ ، فَاسْتَقَى لَهُ سَبْعَةَ عَشَرَ دَلْوًا ؛ كُلُّ دَلْوٍ بِتَمْرِهِ ، فَخَيَّرَهُ الْيَهُودِيُّ مِنْ تَمْرِهِ سَبْعَ عَشْرَةَ تَمْرَةً عَجْوَةً ، فَجَاءَ بِهَا إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ : مِنْ أَيْنَ هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ؟ قَالَ : بَلَغَنِي مَا بِكَ مِنَ الْخِصَاصَةِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، فَخَرَجْتُ أَلْتَمِسُ عَمَلًا لِأَصِيبَ لَكَ طَعَامًا . قَالَ : فَحَمَلَكَ عَلَى هَذَا حُبُّ اللَّهِ وَرَسُولِهِ؟ قَالَ عَلِيٌّ : نَعَمْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ . (٤)

١- .حليه الأولياء : ١ / ٧٠ .

٢- .شرح نهج البلاغه : ١٥ / ١٤٧ .

٣- .المصنّف لابن أبي شيبه : ٧ / ٥٠٠ / ٣٤ ؛ المناقب للكوفي : ٢ / ٥ / ٤٩٧ و ص ٩٠ / ٥٧٦ .

٤- .السنن الكبرى : ٦ / ١٩٧ / ١٦٦٤٩ ، كنز العمال : ٦ / ٦١٨ / ١٧١١١ وراجع سنن ابن ماجه : ٢ / ٨١٨ / ٢٤٤٦ و ٢٤٤٨ وفضائل

الصحابه لابن حنبل : ١ / ٥٣٧ / ٨٩٦ والزهد لابن حنبل : ١٦٤ .

حلیه الاولیاء: علی علیه السلام هر گاه در گذران زندگی دچار تنگنا و سختی می شد، از مردم روی می گرداند و به کسب درآمد و تلاش روی می آورد.

شرح نهج البلاغه: هر آینه او [= امیرالمؤمنین علیه السلام] با دست خویش کار می کرد؛ زمین را شخم می زد؛ آب برمی کشید، خرمائین می کاشت؛ و این همه را با تن مبارکش، خود، انجام می داد و از [حاصل] آن، خواه در آن زمان و خواه برای آینده، چیزی، کم یا زیاد، باقی نمی نهاد و همه را صدقه می داد.

المصنّف لابن ابی شیبیه از عبدالرحمان بن ابی لیلی: گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آلهتزد وی درآمدند. پیامبر در پی زنان خویش فرستاد، اما نزد هیچ یک از ایشان چیزی [برای پذیرایی از مهمانانش] نیافت. در همین حال بودند که دیدند علی روی می آورد، در حالی که ژولیده موی و غبارآلود است و بر دوشش حدود سه کیلو خرما است که با دست خویش کاشته و برداشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «درود بر این باربرنده و آن بار!» سپس علی را نشانید و از سرش خاک برگرفت و فرمود: «درود بر ابوتراب!» پس او را نزدیک تر فرابرد. آن گاه، همه خوردند تا برون شدند. سپس برای هر یک از همسرانش، مقداری فرستاد.

السنن الکبری از ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را تنگنایی مالی پیش آمد. این خبر به علی علیه السلام رسید. وی در پی کاری برون شد تا از آن درآمدی کسب کند و آن را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بفرستد. پس به باغی درآمد که از آن مردی یهودی بود. برای وی هفده دلو آب برگرفت، هر دلو در برابر یک خرما، مرد یهودی او را وانهاد که هفده خرمای نیکو بگیرد. علی آن ها را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. پیامبر فرمود: «ای ابوالحسن! این از کجا فراهم شده است؟» گفت: «ای پیامبر خدا! خبر یافتم که در تنگنای مالی هستی؛ پس در پی کاری برون شدم تا برای تو خوراکی فراهم آورم». فرمود: «دوستی خدا و رسولش تو را به این کار واداشت؟» علی علیه السلام گفت: «آری ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله».

علل الشرايع عن ابن عمر: بينا أنا مع النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي تَخِيلِ الْمَدِينَةِ وَهُوَ يَطْلُبُ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، إِذَا انْتَهَى إِلَى حَائِطٍ ، فَاطَّلَعَ فِيهِ ، فَنَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَعْمَلُ فِي الْأَرْضِ وَقَدْ اغْبَارَ ، فَقَالَ : مَا أَلَوْمُ النَّاسِ إِنْ يُكْنُوكَ أَبَا تُرَابٍ! (١)

ه الإمام الباقر عليه السلام الإمام الصادق عليه السلام: إن ابن مُحَمَّدٍ الْمُنْكَدِرَ كَانَ يَقُولُ: مَا كُنْتُ أَرَى أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَيَّدَعُ خَلْفًا أَفْضَلَ مِنْهُ حَتَّى رَأَيْتُ ابْنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، فَأَزَدْتُ أَنْ أَعْظُهُ فَوَعَّظَنِي ، فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: بِأَيِّ شَيْءٍ وَعَظَّكَ؟ قَالَ: خَرَجْتُ إِلَى بَعْضِ نَوَاحِي الْمَدِينَةِ فِي سَاعَةِ حَارِّهِ ، فَلَقَيْتَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ [عَلَيْهِمَا السَّلَامُ] وَكَانَ رَجُلًا بَادِنًا ثَقِيلًا. وَهُوَ مُتَّكِيٌّ عَلَى غُلَامَيْنِ أَسْوَدَيْنِ أَوْ مَوْلِيَيْنِ ، فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: سُبْحَانَ اللَّهِ! شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا! أَمَا لَأَعْظَنَّهُ ، فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ، فَزَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ بِنَهْرٍ وَهُوَ يَتَصَابُ عَرَقًا ، فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؛ أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَأَنْتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَا كُنْتَ تَصْنَعُ؟ فَقَالَ: لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَأَنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ جَاءَنِي وَأَنَا فِي [طَاعَةٍ مِنْ] طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، أَكْفُ بِهَا نَفْسِي وَعِيَالِي عَنْكَ وَعَنِ النَّاسِ ، وَإِنَّمَا كُنْتُ أَخَافُ أَنْ لَوْ جَاءَ الْمَوْتُ وَأَنَا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . فَقُلْتُ: صَدَقْتَ ، يَرْحَمُكَ اللَّهُ! أَرَدْتُ أَنْ أَعْظَكَ فَوَعَّظْتَنِي . (٢)

١- .علل الشرايع : ١٥٧ / ٤ ؛ المعجم الكبير : ١٢ / ٣٢١ / ١٣٥٤٩ .

٢- .الكافي : ٥ / ٧٣ / ١ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢٥ / ٨٩٤ ، الإرشاد : ٢ / ١٦١ ، إعلام الوری : ١ / ٥٠٧ / ١ كلها عن عبد الرحمان بن الحجّاج ، بحار الأنوار : ٤٦ / ٣٥٠ / ٣ .

علل الشرایع از ابن عمر: در خُرمازار مدینه با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و او علی را می جُست؛ تا آن که به بوستانی رسید و در آن نگریست و علی علیه السلام را دید که بر زمین کار می کند و بر وی غبار نشسته است، فرمود: «مردم را سرزنش نمی کنم که تو را ابوتراب کنیه داده اند».

ه. امام باقر علیه السلام امام صادق علیه السلام: ابن محمّد مُنکبِر می گفت: «نمی پنداشتم که علی بن حسین علیه السلام جانشینی برتر از خود بر جای نهاده باشد، تا آن گاه که فرزندش محمّد بن علی علیه السلام را دیدم و خواستم او را پند دهم؛ ولی وی مرا پند داد». دوستانش به او گفتند: «تو را به چه چیز پند داد؟» گفت: «در هوایی سوزان، به پیرامون مدینه رفتم. ابوجعفر محمّد بن علی را دیدم که اندامی درشت و فربه داشت و بر دو بنده یا آزادشده سیاه تکیه کرده بود. با خود گفتم: سبحان الله! یکی از پیران قریش در این ساعت و با این حال، در طلب دنیا است! حَقّاً که باید او را پند دهم. پس به وی نزدیک شده، سلام دادم. او در حالی که غرق عرق بود، با گشاده رویی سلامم را پاسخ داد. گفتم: خدایت خیر دهد! یکی از پیران قریش در این ساعت و در این حال، در طلب دنیا است؟ آیا اندیشیده ای اگر در این حال، مرگ به سراغ تو آید، چه می کنی؟» فرمود: اگر در این حال، مرگ به سراغ من آید، در حالی آمده که مشغول بندگی خدایم و با این کار، خود و خانواده ام را از تو و مردم بی نیاز می سازم. من آن گاه بیم می ورزیدم که مرگ بیاید و در حال نافرمانی خدا باشم. گفتم: راست گفتی؛ خدایت رحمت کناد! خواستم تو را اندرز دهم، اما تو مرا اندرز دادی».

و الإمام الصادق عليه السلام الكافي عن إسماعيل بن جابر: أتيت أبا عبد الله عليه السلام وإذا هو في حائط له بيده مسحاه، وهو يفتح بها الماء، وعليه قميص شبه الكرايس كأنه مخيط عليه من ضيقه. (١)

الكافي عن أبو عمرو الشيباني: رأيت أبا عبد الله عليه السلام وبيده مسحاه وعليه إزار غليظ يعمل في حائط له، والعرق يتصاّب عن ظهره، فقلت: جعلت فداك! أعطني أكفك، فقال لي: إني أحب أن يتأذى الرّجل بحرّ الشمس في طلب المعيشه. (٢)

الكافي عن الفضل بن أبي قره: دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام وهو يعمل في حائط له، فقلنا: جعلنا الله فداك! دعنا نعمل لك أو تعمله الغلمان. قال: لا، دعوني فإنني أشتهي أن يراني الله عز وجل أعمل بيدي وأطلب الحلال في أذى نفسي. (٣)

الكافي عن عبد الأعلى مولى آل سام: استقبلت أبا عبد الله عليه السلام في بعض طرق المدينة في يوم صائف شديد الحرّ، فقلت: جعلت فداك! حالك عند الله عز وجل قرابتك من رسول الله صلى الله عليه وآله وأهلوانك تجهّد لِنفسك في مثل هذا اليوم! فقال: يا عبد الأعلى، خرجت في طلب الرّزق لأستغني عن مثلك. (٤)

١- الكافي: ٥ / ٧٦ / ١١، بحار الأنوار: ٤٧ / ٥٦ / ٩٩.

٢- الكافي: ٥ / ٧٦ / ١٣، بحار الأنوار: ٤٧ / ٥٧ / ١٠١.

٣- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٣ / ٣٥٩٥، عوالي اللآلي: ٣ / ٢٠٠ / ٢٣.

٤- الكافي: ٥ / ٧٤ / ٣، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٤ / ٨٩٣.

و. امام صادق علیه السلام الکافی از اسماعیل بن جابر: نزد امام صادق علیه السلام رفتم ، در حالی که بیل در دست ، در بستانی بود و راه آب می گشود و بر تنش پیراهنی از گونه کرباس بود که از شدت تنگی ، گویا بر تنش دوخته بودند .

الکافی از ابو عمرو شیبانی: امام صادق علیه السلام را دیدم که بیل در دست و جامه ای درشتناک بر تن ، در بوستانی از آن خود ، کار می کرد و عرق از پشتش جاری بود . گفتم: «فدایت شوم! آن را به من ده تا به جای تو کار کنم» . به من فرمود: «هر آینه دوست می دارم که در طلب معیشت ، به گرمای آفتاب آزار بینم» .

الکافی از فضل بن ابوقرّه: نزد امام صادق علیه السلام رفتیم ، در حالی که در بوستانی از آن خود ، سرگرم کار بود . گفتیم: «خدای ما را فدایی تو سازد! اجازه ده که ما برایت کار کنیم یا غلامان چنین کنند» . فرمود: «نه ؛ مرا واگذارید ؛ زیرا میل می ورزم که خداوند مرا ببیند که با دستم کار می کنم و در حال آزار تن ، روزی حلال می جویم» .

الکافی از عبدالاعلی همپیمان خاندان سام: در روزی آفتابی و بس سوزان ، در یکی از راه های مدینه به امام صادق علیه السلام برخوردم . گفتم: «فدایت شوم! نزد خدا چنین مقامی و با رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان خویشاوندی ای داری ؛ و در چنین روزی برای گذران زندگی ات مشغول کاری؟» فرمود: «ای عبدالاعلی! در جستن روزی برون شده ام تا نیازمند امثال تو نباشم» .

الإمام الصادق عليه السلام: أُنِّي لَأَعْمَلُ فِي بَعْضِ ضِيَاعِي حَتَّى أَعْرَقَ ، وَإِنَّ لِي مَنْ يَكْفِينِي ؛ لِيَعْلَمَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ أَنْتَى أَطْلُبُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ . (١)

عنه عليه السلام: إِنِّي أُرَكَّبُ فِي الْحَاجَةِ الَّتِي كَفَاهَا اللَّهُ ، مَا أُرَكَّبُ فِيهَا إِلَّا التَّمَاسَّ أَنْ يَرَانِي اللَّهُ أَضْحَى فِي طَلَبِ الْحَلَالِ ، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ : «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ (٢) » ؟! (٣)

ز الإمام الكاظم عليه السلام الكافي عن علي بن أبي حمزة: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ لَهُ قَدْ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ ، فَقُلْتُ لَهُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ! أَيْنَ الرَّجَالُ؟ فَقَالَ : يَا عَلِيُّ ، قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فِي أَرْضِهِ وَمِنْ أَبِي . فَقُلْتُ لَهُ : وَمَنْ هُوَ؟ فَقَالَ : رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَآبَائِكُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ ، وَهُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ . (٤)

١- الكافي : ٥ / ٧٧ / ١٥ عن أبي بصير .

٢- الجمعة : ١٠ .

٣- عدّه الداعي : ٨١ عن عمر بن يزيد ، تفسير مجمع البيان : ١٠ / ٤٣٥ ، بحار الأنوار : ٨٩ / ١٢٩ وج ١٠٣ / ١٣ / ٦٥ ، مستدرک الوسائل : ١٣ / ١٤ / ١٤٥٩٢ نقلاً عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٤- الكافي : ٥ / ٧٥ / ١٠ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٢ / ٣٥٩٣ ، عوالى اللآلى : ٣ / ٢٠٠ / ٢٢ ، بحار الأنوار : ٤٨ / ١١٥ / ٢٧ .

امام صادق علیه السلام: هر آینه من در املاک خود کار می‌کنم تا عرق ریزم هر چند کسانی دارم که به جای من کار کنند تا خداوند بداند که در جست و جوی روزی حلال هستم .

امام صادق علیه السلام: من در پی حاجتی راه می‌پیمایم که خداوند آن را تأمین فرموده است ؛ و چنین نمی‌کنم جز بدین نیت که خدا مرا ببیند که در طلب حلال حرکت می‌کنم . آیا سخن خدای را نشنیده‌ای: «پس چون نماز گزارده شد ، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا [با کسب و کار ، روزی] بجویید» ؟

ز . امام کاظم علیه السلام کافی از علی بن ابی حمزه : امام کاظم علیه السلام را دیدم که در زمینی کار می‌کرد و گام‌هایش در عرق خیس شده بود . به وی گفتم: «فدایت شوم! مردان [پیشکار و کارگر] کجایند؟» فرمود: «ای علی! آن کس که از من و پدرم بهتر بود ، در زمین خویش و با دست خود کار می‌کرد» . به وی گفتم: «او که بود؟» فرمود: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و همه پدران من با دست خود کار می‌کردند ؛ و این ، کردار پیامبران و رسولان و جانشینان ایشان و شایستگان است» .

٣ / ٢ التَّحْدِيدُ مِنَ التَّوَانِي فِي الْعَمَلِ ٣ / ٢ مَضَارُّ التَّوَانِيرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ التَّوَانِيَّ وَالْكَسِيلَ ، فَزَوَّجَهُمَا فَوُلِدَ بَيْنَهُمَا الْفَاقَهُ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : أَحْشَى مَا خَشِيتُ عَلَى أُمَّتِي : كِبْرُ الْبَطْنِ ، وَمُدَاوِمَةُ النَّوْمِ ، وَالْكَسْلُ ، وَضَعْفُ الْيَقِينِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : لَا تَضَجِرْ فَيَمْنَعَكَ الضَّجْرُ مِنَ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا . (٣)

جامع الأخبار عن ابن عباس : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى الرَّجُلِ فَأَعْجَبَهُ قَالَ : هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ؟ فَإِنْ قَالُوا : لَا ، قَالَ : سَقَطَ مِنْ عَيْنِي . قِيلَ : وَكَيْفَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام : هَيْهَاتَ مِنْ نَيْلِ السَّعَادَةِ السُّكُونُ إِلَى الْهُوَيْنَا وَالْبَطَالَةِ . (٥)

عنه عليه السلام : إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَّا ازْدَوَجَتْ ازْدَوَجَ الْكَسْلُ وَالْعَجْزُ ، فَتَنَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ . (٦)

١- الفردوس : ٢ / ١٨٨ / ٢٩٤٠ ، تاريخ بغداد : ٣ / ٢٤ / ٩٤٦ نحوه وكلاهما عن أنس .

٢- كنز العمال : ٣ / ٤٦٠ / ٧٤٣٤ نقلاً عن الدار قطنى فى الأفراد عن جابر .

٣- تحف العقول : ٤٢ ، مشكاة الأنوار : ١٤٤ / ٣٤٥ عن أبى بصير عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «حظك للآخرة» بدل «من الآخرة» ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٤٥ / ٤٥ .

٤- جامع الأخبار : ٣٩٠ / ١٠٨٤ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٩ / ٣٨ .

٥- غرر الحكم : ١٠٠٢٨ .

٦- الكافي : ٥ / ٨٦ / ٨ عن علي بن محمد رفعه ، تحف العقول : ٢٢٠ .

۲ / ۳ برحذر داشتن از سستی در کار

۲ / ۳ از زیان های سستی

۲ / ۳ برحذر داشتن از سستی در کار ۲ / ۳ - از زیان های سستی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند سستی و تنبلی را آفرید و میان آن دو را پیوند داد ؛ پس از آن دو ، فقر زاده شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر امت خود ، از این چیزها بیمناک ترینم : بزرگی شکم ، پیوسته در خواب بودن ، تنبلی ، و ضعیف شدن یقین .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بی حوصلگی مکن ؛ که آن ، تو را از آخرت و دنیا باز می دارد .

جامع الأخبار از ابن عباس : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه به کسی می نگریست و او در چشمش خوش می افتاد ، می فرمود : «آیا کار و پیشه ای دارد؟» ؛ اگر می گفتند : «نه» ، می فرمود : «از چشمم افتاد» . گفته شد : «ای رسول خدا! چگونه چنین است؟» فرمود : «زیرا مؤمن اگر کار و پیشه ای نداشته باشد ، با دینش زندگی می گذراند» .

امام علی علیه السلام : تن دادن به تن آسانی و بیکارگی ، از دستیابی به خوشبختی بسی فاصله دارد .

امام علی علیه السلام : آن گاه که چیزها ازدواج کردند ، تنبلی و ناتوانی با یکدیگر پیوند خوردند و از آن ها فقر زاده شد .

عنه عليه السلام: فِي التَّوَانِي وَالْعَجَزِ أُنتَجَبَتِ الْهَلَكَةُ . (١)

عنه عليه السلام: بِالتَّوَانِي يَكُونُ الْفَوْتُ . (٢)

عنه عليه السلام: مِنْ سَبَبِ الْحِرْمَانِ التَّوَانِي . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ تَرَكَ الْعُجْبَ وَالتَّوَانِي لَمْ يَنْزِلْ بِهِ مَكْرُوهٌ . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام: الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُّنْيَا . (٥)

عنه عليه السلام: إِنِّي لَمَأْبَغُضُ الرَّجُلِ أَوْ أَبْغَضُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ ، وَمَنْ كَسَلَّ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلٌ . (٦)

عنه عليه السلام: لَا خَيْرَ فِي الْكَسَلِ ؛ إِذَا كَسَلَّ الرَّجُلُ أَنْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَطَهْرَهُ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ آخِرَتِهِ ، وَإِذَا كَسَلَّ عَمَّا يُصْلِحُهُ بِمَعِيشَتِهِ دُنْيَاهُ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ دُنْيَاهُ . (٧)

الإمام الصادق عليه السلام: شِرَاءُ الْحِنَظَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ ، وَشِرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ ، وَشِرَاءُ الْخُبْزِ مَحَقٌّ . (٨)

١- . كتر الفوائد : ١ / ٣٦٧ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٢ / ١٥ .

٢- . غرر الحكم : ٤٢٤٧ .

٣- . تحف العقول : ٨٠ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٢٨ / ٢ ؛ دستور معالم الحكم : ٢٢ ، كتر العمال : ١٥ / ١٧٧ / ١٦ نقلًا عن وكيع والعسكري في المواعظ .

٤- . غرر الحكم : ٨٨٠٥ .

٥- . تحف العقول : ٣٠٠ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٨٠ / ٦٤ .

٦- . الكافي : ٥ / ٨٥ / ٤ ، الأصول الستة عشر : ١٥٣ وليس فيه «ومن كسل عن أمر دنياه» وكلاهما عن محمد بن مسلم ، دعائم الإسلام : ٢ / ١٤ / ٢ عن الإمام علي عليه السلام نحوه .

٧- . تنبيه الخواطر : ١ / ٣٠٣ عن عمّار السجستاني عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ٥ / ٨٥ / ٣ عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

٨- . الكافي : ٥ / ١٦٦ / ١ عن عباد بن حبيب ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٦٢ / ٧١٤ عن عائذ بن جندب .

امام علی علیه السلام: در [پیوند] سستی و ناتوانی ، نابودی زاده شد .

امام علی علیه السلام: مرگ ، نتیجه سستی است .

امام علی علیه السلام: سستی ، از پایه های ناکامی است .

امام علی علیه السلام: هر کس خودپسندی و سستی را ترک کند ، ناخوشایندی بر او فرود نمی آید .

امام باقر علیه السلام: تنبلی به دین و دنیا زیان می رساند .

امام باقر علیه السلام: هر آینه من دشمن می شمارم کسی را که در کار دنیایش تنبلی ورزد ؛ زیرا آن کس که در کار دنیایش تنبلی کند ، در کار آخرتش بیشتر تنبلی می ورزد .

امام باقر علیه السلام: در تنبلی ، خیری نیست . هر گاه فرد در تکمیل رکوع و طهارت خود تنبلی ورزد ، خیری در کار آخرتش نیست ؛ و آن گاه که در سامان بخشیدن به گذرانِ زندگی دنیایش تنبلی کند ، خیری در کار دنیایش نباشد .

امام صادق علیه السلام: خرید گندم ، فقر را دور می کند ؛ خرید آرد فقر می آورد ؛ و خرید نان (۱) ، [مایه] نابودی است .

۱- اشاره به نقش کار و تولید در توسعه اقتصادی است. بدین گونه که هرچه جامعه از کار و تولید فاصله بگیرد، به فقر و تهی دستی نزدیک تر می شود.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَسَلَ عَنْ طَهْوَرِهِ وَصِيَلَاتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ آخِرَتِهِ ، وَمَنْ كَسَلَ عَمَّا يُصْلِحُ بِهِ أَمْرَ مَعِيشَتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ دُنْيَاهُ . (١)

الكافي عن مسعده بن صدقه : كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ : . . . لَا تَكْسَلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَالَّذِي عَلَى غَيْرِكَ أَوْ قَالَ : عَلَى أَهْلِكَ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام : إِيَّاكَ وَالْكَسَالَ وَالضَّجَرَ ؛ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ ؛ إِنَّهُ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا ، وَمَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ . (٣)

عنه عليه السلام : إِيَّاكَ وَالْكَسَالَ وَالضَّجَرَ ؛ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٤)

عنه عليه السلام : لَا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ ؛ فَإِنَّ آبَاءَنَا قَدْ كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَيَطْلُبُونَهَا . (٥)

عنه عليه السلام : أَيَعِجُزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ مِثْلَ النَّمْلَةِ؟! فَإِنَّ النَّمْلَةَ تَجُرُّ إِلَى جُحْرِهَا . (٦)

١- الكافي : ٥ / ٨٥ / ٣ عن زراره .

٢- الكافي : ٥ / ٨٦ / ٩ .

٣- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٨ / ٣٦٣٤ عن عمر بن يزيد ، تحف العقول : ٢٩٥ وفيه «شَرٌّ» بدل «سوء» ، كشف الغمّه : ٢ / ٣٤٤ نحوه وكلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٧٥ / ٣١ ؛ حليه الأولياء : ٣ / ١٨٣ عن الإمام الباقر عليه السلام .

٤- الكافي : ٥ / ٨٥ / ٢ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٤٠٨ / ٥٨٨٥ ، مستطرفات السرائر : ٨٠ / ٩ كلّها عن سعد بن أبي خلف وكلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٣٩٥ / ٧٩ .

٥- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٥٧ / ٣٥٧٦ عن حماد اللّحام .

٦- الكافي : ٥ / ٧٩ / ١٠ عن العلاء .

امام صادق علیه السلام: هر کس در طهارت و نمازش سستی کند، خیری در کار آخرتش نباشد؛ و هر که در سامان بخشی به گذران زندگی اش سستی ورزد، خیری در کار دنیایش نباشد.

الکافی از مسعده بن صدقه: امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش نوشت: «... در گذران زندگی ات، تنبلی مکن؛ که آن گاه، سر بار غیر خود یا: سر بار خانواده خود خواهی بود».

امام صادق علیه السلام: از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز؛ که آن دو کلید هر زشتی اند. هر آینه هر کس تنبلی ورزد، حقی را ادا نمی کند؛ و هر کس بی حوصلگی کند، بر حقی صبر نمی ورزد.

امام صادق علیه السلام: از تنبلی و بی حوصلگی دوری کن؛ که آن دو، تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند.

امام صادق علیه السلام: در جست و جوی اسباب گذران زندگی تان تنبلی مکنید؛ که همانا پدران ما در طلب آن می دویند و آن را می جُستند.

امام صادق علیه السلام: آیا کسی از شما نمی تواند همانند مورچه باشد؟ همانا مورچه [دانه را] به سوی لانه اش می کشاند.

عنه عليه السلام: لا تَدَعِ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ؛ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ، وَعَاقِلٌ رَاحِلَتَكَ وَتَوَكَّلْ. (١)

الأمالى للمفيد أبو إسماعيل عن فضيل بن يسار: قال أبو عبد الله عليه السلام: أَيْ شَيْءٍ تُعَالِجُ؟ قُلْتُ: مَا أَعَالِجُ الْيَوْمَ شَيْئًا. فَقَالَ: كَذَلِكَ تَذَهَبُ أَمْوَالُكُمْ. وَاشْتَدَّ عَلَيْهِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ: اِعْتَبِرْ يَا مُفْضَلُ بِأَشْيَاءِ خُلِقَتْ لِمِآرِبِ الْإِنْسَانِ وَمَا فِيهَا مِنَ التَّدْبِيرِ، فَإِنَّهُ خُلِقَ لَهُ الْحَبُّ لِطَعَامِهِ وَكُلْفٌ طَحْنُهُ وَعَجْنُهُ وَخَبْزُهُ، وَخِلَاقٌ لَهُ الْوَبْرُ لِكِسْوَتِهِ فَكُلْفٌ نَدْفُهُ وَغَزْلُهُ وَنَسْجُهُ، وَخُلِقَ لَهُ الشَّجَرُ فَكُلْفٌ غَرَسَ بِهَا وَسَقِيَهَا وَالْقِيَامَ عَلَيْهَا، وَخُلِقَتْ لَهُ الْعَقَاقِيرُ لِأَدْوِيَّتِهِ فَكُلْفٌ لِقَطْعِهَا وَخَلْطِهَا وَصُنْعِهَا، وَكَذَلِكَ تَجِدُ سَائِرَ الْأَشْيَاءِ عَلَى هَذَا الْمِثَالِ. فَانظُرْ كَيْفَ كُفِيَ الْخَلْقَهِ الَّتِي لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ فِيهَا حِيلَةٌ، وَتُرِكَ عَلَيْهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ مَوْضِعٌ عَمَلٍ وَحَرَكَهٍ لِمَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الصَّلَاحِ! لِأَنَّهُ لَوْ كُفِيَ هَذَا كُلَّهُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ فِي الْأَشْيَاءِ مَوْضِعٌ شُغْلٍ وَعَمَلٍ لَمَا حَمَلَتْهُ الْأَرْضُ أَشْرًا وَبَطْرًا، وَلَبَلَغَ بِهِ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يَتَعَاطَى أُمُورًا فِيهَا تَلْفٌ نَفْسِهِ، وَلَوْ كُفِيَ النَّاسُ كُلُّ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ لَمَا تَهَنَّنُوا بِالْعَيْشِ، وَلَا وَجَدُوا لَهُ لَعْدَةً؛ أَلَا تَرَى لَوْ أَنَّ امْرَأً نَزَلَ بِقَوْمٍ فَأَقَامَ حِينًا بَلَغَ جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَطْعَمٍ وَمَشْرَبٍ وَخِدْمَةٍ لَتَبَرَّمَ بِالْفِرَاحِ، وَنَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى التَّشَاغُلِ بِشَيْءٍ! فَكَيْفَ لَوْ كَانَ طَوْلَ عُمُرِهِ مَكْفِيًا لَا يَحْتَاجُ إِلَى شَيْءٍ؟! وَكَانَ مِنْ صَوَابِ التَّدْبِيرِ فِي هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي خُلِقَتْ لِلْإِنْسَانِ أَنْ جُعِلَ لَهُ فِيهَا مَوْضِعٌ شُغْلٍ لِكَيْ لَا تُبْرِمَهُ الْبُطَالَةُ، وَلِتَكْفَهُ عَنِ تَعَاطَى مَا لَا يَنَالُهُ وَلَا خَيْرَ فِيهِ إِنْ نَالَهُ. (٣)

١- الأمالى للمفيد: ١٧٢ / ١، الأمالى للطوسى: ٣٢٦ / ١٩٣ وفيه «أعون» بدل «عون» وكلاهما عن عمرو بن سيف الأزدي، بحار الأنوار: ١٣٧ / ٧١ / ٢٠.

٢- الكافي: ٥ / ١٤٨ / ٥.

٣- بحار الأنوار: ٨٦ / ٣ نقلاً عن الخبر المشهور بتوحيد المفضل.

امام صادق علیه السلام: جُستَنِ روزی حلال را رها مکن؛ که آن، یاریگر دین تو است. اُشتر خویش را مهار بربند و آن گاه توکل کن!

الأمالی للمفید از ابو اسماعیل از فضیل بن یسار: امام صادق علیه السلام فرمود: «به چه مشغولی؟» گفتم: «امروز به چیزی مشغول نیستم». فرمود: «چنین است که اموالتان از میان می رود»؛ و بر این نکته تأکید ورزید.

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر: ای مفضل! اندیشه کن در چیزهایی که برای [تأمین] نیازهای انسان آفریده شده اند و تدبیری که در آن ها به کار رفته است. پس هر آینه دانه برای او آفریده شد [تا خوراکش تأمین شود] و به آرد کردن و خمیر زدن و نان پختن واداشته شده؛ و برایش پشم پدید آمده تا خود را بپوشاند، پس به حلاجی و رسیدن و بافتنش مکلف گشته؛ و برایش درخت پدیدار آمده، پس به کاشتن و آبیاری و مراقبت از آن وظیفه یافته؛ و برایش ریشه های گیاهی آفریده شده تا با آن ها درمان کند، پس به برگرفتن و آمیختن و ساختن آن تکلیف یافته است. و بر همین قیاس، دیگر چیزها را می توانی یافت. پس بنگر که چگونه از آن چه وی را در آن چاره و راهی نیست، معاف و بی نیاز گشته؛ و در هر چیز برایش جای تلاش و حرکتی قرار داده شده، به گونه ای که سامان کار او در آن است؛ زیرا هر آینه اگر از این هم به گونه ای بی نیاز می شد که دیگر در هیچ چیز نیازمند پیشه و کاری نبود، آن گاه چنان مغرور و سرمست می شد که زمین نمی توانست او را بکشد و غرور او را به جایی می رساند که دست به کارهایی زند که هلاکتش در آن است. و اگر مردم از همه آن چه بدان احتیاج دارند [بدون کار و تلاش] بی نیاز می شدند، دیگر گوارایی زندگی را نمی چشیدند و از آن لذتی بر نمی گرفتند. آیا نمی نگری که اگر کسی بر گروهی وارد شود و زمانی بماند و به هر آن چه از خوراک و نوشیدنی و خدمات نیاز دارد، دست یابد، از آسایش ملول می گردد و می خواهد به کاری مشغول شود؟ پس اگر در همه عمر، به هیچ چیز نیاز نداشته باشد، حالش چگونه خواهد بود؟ از نشانه های تدبیر درست در این چیزهای آفریده شده برای انسان، همین است که در آن ها جایی برای مشغولیت نهاده شده تا بیکاری انسان را ملول نکند و [ضمناً] از آن چه نمی تواند به آن دست یابد یا اگر دست یابد، خیری در آن نیست، بی نیازش کند.

٣ / ٢ ذَمُّ الْكَلِّ عَلَى النَّاسِرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يَكُونَ كَلًّا وَعِيَالًا عَلَى الْمُسْلِمِينَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ! مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعُولُ! (٢)

تنبيه الخواطر :مَرَّ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِإِسْكَافٍ فَقَالَ : يَا هَذَا ، اِعْمَلْ وَكُلْ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ يَعْمَلُ وَيَأْكُلُ وَلَا يَعْمَلُ . (٣)

روض الجنان وروح الجنان فى تفسير القرآن :فِي الْخَبْرِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَى يَوْمًا جَمَاعَةً فَقَالَ : مَنْ أَنْتُمْ؟ قَالُوا : نَحْنُ قَوْمٌ مُتَوَكِّلُونَ . قَالَ : فَإِنْ كُنْتُمْ مُتَوَكِّلِينَ فَمَا بَلَغَ بِكُمْ تَوَكُّلُكُمْ؟ قَالُوا : إِذَا وَجَدْنَا أَكْلَنَا وَإِذَا فَقَدْنَا صَبْرَنَا . قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَكَذَا تَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا! قَالُوا : فَمَا نَفْعَلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟! قَالَ : كَمَا نَفْعَلُ ؛ إِذَا فَقَدْنَا شُكْرَنَا وَإِذَا وَجَدْنَا آثْرَنَا . (٤)

١- .مسند زيد : ٣٨٨ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

٢- .الكافى : ٩ / ١٢ / ٤ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢٧ / ٩٠٢ نحوه وكلاهما عن عليّ بن غراب عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٦٨ / ١٧٤١ ، تحف العقول : ٣٧ وفيه صدره .

٣- .تنبيه الخواطر : ١ / ٤٢ .

٤- .روض الجنان وروح الجنان فى تفسير القرآن : ١٩ / ١٢٦ .

۳ / ۲۲ نکوهشِ سر بارِ دیگران بودن

۳ / ۲ - ۲ نکوهشِ سر بارِ دیگران بود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در گناهکاری هر فرد همین بس که سر بار و نان خوارِ مسلمانان باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن کس که سر بارِ دیگران شود، ملعون است، ملعون؛ و آن کس که نان خوارِ خود را تأمین نکند، ملعون است، ملعون.

تنبيه الخواطر: حضرت داوود علیه السلام از کنار صنعتگری عبور کرد و فرمود: «ای مرد! کار کن و بخور؛ که خدای دوست می دارد کسی را که کار می کند و می خورد؛ و دوست نمی دارد آن را که می خورد، ولی کار نمی کند».

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن: در خبر است که روزی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گروهی را دید و فرمود: «کیستید؟» گفتند: «تو کُل پیشگانیم». فرمود: «اگر تو کُل پیشه اید، تو کُل شما را به چه جایگاهی رسانده است؟» گفتند: «هر گاه بیابیم، می خوریم؛ و هر گاه نیابیم، صبر می کنیم». فرمود: «نزد ما، سگان نیز چنین می کنند». گفتند: «پس چه کنیم، ای امیرالمؤمنین؟» فرمود: «همان گونه که ما انجام می دهیم؛ هر گاه نیابیم، شکر می کنیم؛ و هر گاه بیابیم، ایثار می کنیم».

الإمام الصادق عليه السلام: اسْتَعِينُوا بَعْضَ هَذِهِ عَلَى هَذِهِ ، وَلَا تَكُونُوا كُلُّوًّا عَلَى النَّاسِ . (١)

الكافي عن خنيس: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ وَأَنَا عِنْدَهُ ، فَقِيلَ لَهُ : أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ . قَالَ : فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ؟ قِيلَ : فِي الْبَيْتِ يَعْتِيدُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ . قَالَ : فَمِنْ أَيْنَ قُوَّتُهُ؟ قِيلَ : مِنْ عِنْدِ بَعْضِ إِخْوَانِهِ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ ، الَّذِي يَقُوَّتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ! (٢)

٣ / ٢ / ٣ ذمُّ الدَّاعِي غَيْرِ الْكَادِحِ إِلَى إِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي أَجِدُنِي أَمَقْتُ الرَّجُلَ يَتَعَدَّرُ عَلَيْهِ الْمَكَاسِبُ فَيَسْتَلْقِي عَلَى قَفَاهُ وَيَقُولُ : «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي» وَيَدْعُ أَنْ يَنْتَشِرَ فِي الْأَرْضِ وَيَلْتَمَسَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ، وَالذَّرَّةُ تَخْرُجُ مِنْ جُحْرِهَا تَلْتَمِسُ رِزْقَهَا! (٣)

عوالي اللآلي: فِي الْحَدِيثِ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى : «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (٤) «انْقَطَعَ رِجَالٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي بُيُوتِهِمْ وَاشْتَغَلُوا بِالْعِبَادَةِ ؛ وَثُوقًا بِمَا ضَمِنَ لَهُمْ ، فَعَلِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ فَعَابَ مَا فَعَلُوهُ ، وَقَالَ : إِنِّي لَأَبْغُضُ الرَّجُلَ فَاغْرَا فَاؤُهُ إِلَى رَبِّهِ يَقُولُ : «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي» وَيَتْرُكُ الطَّلَبَ . (٥)

١- الكافي: ٥ / ٧٢ / ٦ عن القاسم بن الربيع .

٢- الكافي: ٥ / ٧٨ / ٤ ، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٤ / ٨٨٩ .

٣- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٥٨ / ٣٥٧٩ .

٤- الطلاق: ٢ و ٣ .

٥- عوالي اللآلي: ٢ / ١٠٨ / ٢٩٦ .

۳ / ۲ / ۳ نکوهش دعاکننده بی تلاش

امام صادق علیه السلام: از برخی [مواهب] این دنیا به نفع آخرت یاری گیرید؛ و سر بارِ مردم نباشید.

الکافی از خنیس: نزد امام صادق علیه السلام بودم که درباره مردی سؤال کرد. به وی گفته شد: «وی نیازمند شده است». فرمود: «اکنون چه می کند؟» گفته شد: «در خانه، پروردگارش را عبادت می کند». فرمود: «روزی اش از کجا می رسد؟» گفته شد: «از سوی برخی دوستانش». امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدای سوگند! آن کس که روزی او را می رساند، از او عبادت پیشه تر است».

۳ / ۲ - ۳ نکوهش دعاکننده بی تلاش امام باقر علیه السلام: همانا در درون خود چنین می یابم که بیزارم از کسی که کسب و کار بر او دشوار می آید و بر پشت می خوابد و می گوید: «بار خدایا! مرا روزی بخش» و روان شدن در زمین و طلب کردن فضل خدا را و می نهد، در حالی که مورچه کوچک [نیز] از لانه خود بیرون می شود و روزی اش را می جوید.

عوالی اللالی: در حدیث است که چون این آیه نازل شد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ «و هر که از خدا پروا کند، برای او راه بیرون شدن [از هر دشواری و اندوهی] پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد؛ روزی می دهد». برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله خانه نشینی گزیدند و به عبادت روی آوردند، بدین اعتماد که روزی ایشان تضمین گشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله از این ماجرا آگاه شد و کار ایشان را ناروا شمرد و فرمود: «همانا بیزارم از کسی که به سوی پروردگارش دهان می گشاید و می گوید: بار خدایا! مرا روزی ده و طلب [روزی] را وامی گذارد».

٣ / ٢ ذُمَّ تَضِيْعُ الْعِيَالِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يُضَيِّعُ مَنْ يَعُولُ ! (١)

عنه صلى الله عليه و آله : كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُضَيِّعَ مَنْ يَقْوَتْ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَكْبَرَ الْإِثْمِ عِنْدَ اللَّهِ أَنْ يُضَيِّعَ الرَّجُلُ مَنْ يَقْوَتْ . (٣)

٣ / ٢ ٥٤٤ دُمَّ اسْتِجَابَهُ دُعَاءِ تَارِكِ الطَّلَبِ الْكَافِي عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ : قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَجُلٌ قَالَ : لَأَقْعِدَنَّ فِي بَيْتِي وَلَأُضَيِّلَنَّ وَلَأُصَوِّمَنَّ وَلَأُعْبِدَنَّ رَبِّي ، فَأَمَّا رِزْقِي فَسَيَأْتِينِي ! فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَذَا أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ .

(٤)

الإمام الصادق عليه السلام : أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ بَيْتَهُ وَأَعْلَقَ بَابَهُ أَوْ كَانَ يَسْقُطُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمَاءِ؟! (٥)

- ١- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٨ / ٣٦٣١ و ص ٥٥٥ / ٤٩٠٧ عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٢- سنن أبي داود : ٢ / ١٣٢ / ١٦٩٢ ، مسند ابن حنبل : ٢ / ٥٥٤ / ٦٥٠٥ و ص ٦٢٧ / ٦٨٣٣ وفيه «للمرء»، المستدرک علی الصحیحین : ١ / ٥٧٥ / ١٥١٥ و ج ٤ / ٥٤٥ / ٨٥٢٦ كلها عن عبد الله بن عمرو، المعجم الكبير : ١٢ / ٢٩٢ / ٣٤١٤ عن ابن عمر ؛ من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٨ / ٣٦٢٩ عن الإمام الصادق عليه السلام ، مسند زيد : ٢٠٠ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ٢ / ٢٥٤ / ٩٦١ و ص ١٩٣ / ٦٩٩ وفيه «هلاكا» بدل «إثما» ، الجعفریات : ١٦٥ وفيها «يعول» بدل «يقوت» .
- ٣- كنز العمال : ١٦ / ٢٨٤ / ٤٤٤٨٩ نقلاً عن الطبراني عن ابن عمرو .
- ٤- الكافي : ١ / ٧٧ / ٥ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢٣ / ٨٨٧ ، مستطرفات السرائر : ١١ / ١٣٩ .
- ٥- الكافي : ٥ / ٧٧ / ٢ عن عمر بن يزيد .

۳ / ۲ / ۴ نکوهشِ فرو نهادنِ خانواده

۳ / ۲ / ۵ پذیرفته نشدن دعای فرد بی تلاش

۳ / ۲ - ۴ نکوهشِ فرو نهادنِ خانواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ملعون است ، ملعون آن که خانواده خود را فرو نهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در گناهکاریِ فرد همین بس که نان خورانِ خود را فرو گذارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر آینه بزرگترین گناه نزد خدا آن است که انسان ، نان خوران خود را واگذارد .

۳ / ۲ - ۵ پذیرفته نشدن دعای فرد بی تلاش کافی از عمر بن یزید : به امام صادق علیه السلام گفتم : «کسی می گوید: در خانه ام می نشینم و نماز می خوانم و روزه می گزارم و پروردگارم را عبادت می کنم ؛ و روزی ام ، خود ، به سوی من می آید!» امام صادق علیه السلام فرمود : «این یکی از آن سه تن است که دعایشان پذیرفته نمی شود» .

امام صادق علیه السلام : آیا گمان می کنی اگر کسی به خانه درآید و در را ببندد ، چیزی از آسمان [برای روزی وی] بر او فرود می آید؟

الكافي عن علي بن عبد العزيز: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: ما فعل عمر بن مسلم؟ قلت: جعلت فداك! أقبل على العبادة وترك التجارة، فقال: ويحه! أما علم أن تارك الطلب لا يستجاب له؟! إن قوما من أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله لما نزلت «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» أغلقوا الأبواب وأقبلوا على العبادة وقالوا: قد كفينا، فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وآله فأسل إليهم فقال: ما حملكم على ما صنعتم؟ قالوا: يا رسول الله، تكفل لنا بأرزاقنا فأقبلنا على العبادة، فقال: إنّه من فعل ذلك لم يستجب له، عليكم بالطلب. (١)

٣ / ٢ / ١٦ امتناع الإمام عن الدعاء لغير الكادجالإمام الصادق عليه السلام: إن رجلاً سأله [أي علينا عليه السلام] أن يدعوا الله له أن يرزقه في دعه، فقال: لا أدعو لك، أطلب كما أمرت. وقال: ينبغي للمسلم أن يلتمس الرزق حتى يصيبه حر الشمس. (٢)

عنه عليه السلام عندما قال له رجل: جعلت فداك! ادع الله لي أن يغنيني عن خلقه: إن الله قسم رزق من شاء على يدي من شاء، ولكن سل الله أن يغنيك عن الحاجه التي تضطرّك إلى لئام خلقه. (٣)

١- الكافي: ٥ / ٨٤ / ٥، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٣ / ٨٨٥، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٩٢ / ٣٧٢١، بحار الأنوار: ٢٢ / ١٣١ /

٢- دعائم الإسلام: ٢ / ١٤ / ٣، عوالي اللآلي: ٣ / ١٩٣ / ٣ و ٤.

٣- الكافي: ٢ / ٢٦٦ / ١ عن بكر الأرقط أو عن شعيب.

۳ / ۲ - خودداری امام از دعا برای فردِ ناکوشنده

الکافی از علی بن عبدالعزیز: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «عمر بن مسلم چه می کند؟» گفتم: «فدایت شوم! به عبادت روی آورده و تجارت را ترک کرده است». فرمود: «وای بر او! آیا نمی داند آن که روزی طلبیدن را رها کند، دعایش پذیرفته نمی شود؟ گروهی از یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که این آیه نازل شد: و هر که از خدا پروا کند، برای او راه بیرون شدن [از هر دشواری و اندوهی] پدید آورد؛ و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می دهد، درها را بر بستند و به عبادت روی آوردند و گفتند: ما [از روزی جستن] بی نیاز شده ایم. این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید؛ پس آنان را فراخواند و فرمود: چه چیز شما را به این کار واداشت؟ گفتند: ای پیامبر خدا! روزی ما تضمین شده است؛ پس ما به عبادت روی آوریم. فرمود: هر کس چنین کند، دعایش پذیرفته نمی شود. وظیفه شما روزی طلبیدن است.»

۳ / ۲ - خودداری امام از دعا برای فردِ ناکوشنده امام صادق علیه السلام: مردی از او [= حضرت علی علیه السلام] خواست که برای وی از خداوند روزی در عین رفاه را طلب کند. امام فرمود: «برایت دعا نمی کنم. همان گونه که خداوند فرمانت داده، در پی روزی برآ». و فرمود: «مسلمان را سزاوار نیست که روزی بخواهد، مگر آن که گرمای آفتاب بر وی بتابد».

امام صادق علیه السلام در پاسخِ مردی که به وی گفت: «فدایت شوم! برایم از خدای بخواه که مرا از خلقش بی نیاز کند»: هر آینه خداوند روزی هر کس را که خواهد، به دست هر کس که خواهد، مقدر فرموده است؛ اما از خدای بخواه که تو را بی نیاز سازد از حاجتی که به آفریدگان فرومایه اش دچارت کند.

٣ / ٣ الْحَثُّ عَلَى الْإِنْتاجِ ٣ / ٣ الزَّرْعُ وَالْعَرْسُ رسول الله صلى الله عليه وآله : اطلبوا الرزق في حبايا الأرض . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : عَلَيْكُمْ بِالْغَنَمِ وَالْحَرْثِ ؛ فَإِنَّهُمَا يَرُوحَانِ بِخَيْرٍ وَيَغْدُوَانِ بِخَيْرٍ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْغَنَمِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ لَهُ : مُهْرُهُ مَأْمُورَةٌ ، أَوْ سِكَكُهُ مَأْمُورَةٌ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : نِعَمَ الْمَالِ النَّخْلُ ؛ الرَّاسِخَاتُ فِي الْوَحْلِ ، الْمُطْعِمَاتُ فِي الْمَحْلِ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله : فِي جَوَابِ مَنْ سَأَلَ : أَيُّ أَمْوَالِنَا أَفْضَلُ ؟ : الْحَرْثُ وَالْغَنَمُ . (٦)

١- .مسند أبي يعلى : ٤/٢٥٢/٤٣٦٧ ، شُعب الإيمان : ٢/٨٧/١٢٣٣ ، المعجم الأوسط : ١/٢٧٤/٨٩٥ وفيه «التمسوا» بدل «اطلبوا» ،

الفردوس : ١ / ٨٠ / ٢٤٣ وزاد في آخره [يعنى فى الحرث والزراعه] وكلها عن عائشه ، كنز العمال : ٤ / ٢١ / ٩٣٠٢ .

٢- .الخصال : ٤٥ / ٤٤ عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام ، المحاسن : ٢ / ٤٨٧ / ٢٦٩٦ عن أبي إسحاق عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ٤٤ / ١٢٠ / ٤ .

٣- .كنز العمال : ٤ / ٣٢ / ٩٣٥٤ نقلاً عن الديلمي عن ابن مسعود .

٤- .مسند ابن حنبل : ٥/٣٧٣/٥٨٤٥ ، السنن الكبرى : ١٠/١٠٩/٢٠٠٢٩ ، المعجم الكبير : ٧/٩١/٦٤٧٠ ، كنز العمال : ٤ / ٣١ / ٩٣٤٤ ؛ معانى الأخبار : ٢٩٣ / ٢ / كلها عن سويد بن هبيرة ، بحار الأنوار : ٦٦ / ١٤٢ / ٦١ نقلاً عن مسند الشهاب .

٥- .مسند الشهاب : ٢ / ٢٥٨ / ١٣١٢ عن عليّ بن المؤمل عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، كنز العمال : ١٢ / ٣٤٢ / ٣٥٣١٩ ؛ بحار الأنوار : ٦٦ / ١٤٢ / ٦١ .

٦- .المصنّف لعبد الرزّاق : ١١ / ٤٦٠ / ٢١٠٠٦ عن قتاده ، الفائق فى غريب الحديث : ٢ / ٤٠٥ وفيه «الماشيه» بدل «الغنم» ؛ بحار الأنوار : ٦٤ / ١٢٤ / ٥ .

۳ / ۳ تشویق به تولید

۳ / ۳ کشاورزی و درختکاری

۳ / ۳ تشویق به تولید ۳ / ۳ - ۱ کشاورزی و درختکاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزی را در نهران گاه های زمین بجوئید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد دام [داری] و کشاورزی؛ زیرا این دو شب و روز، پیوسته خیرند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن گاه که خداوند اسباب گذران زندگی را آفرید، برکت ها را در کشت و دام قرار داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین مال انسان برایش یا کوزه ماده اسبی است که تازه تولد یافته باشد و یا ردیف درختان خرما ی باردار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوب مالی است درخت خرما؛ استوار در گل و لای، خوراک بخش خشکسالی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ کسی که پرسید: «کدام دارایی ما برتر است؟»: دام و کشت .

عنه صلى الله عليه و آله : ما من مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أو يَزْرَعُ زَرْعًا ، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أو إنسانٌ أو بهيمةٌ ، إلا كانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام : سئلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله : أئى المالِ خَيْرٌ؟ قالَ : الزَّرْعُ زَرَعَهُ صاحِبُهُ وأصلحُهُ ، وأذى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ . قالَ : فأئى المالِ بَعْدَ الزَّرْعِ خَيْرٌ؟ قالَ : رَجُلٌ فى غَنَمٍ لَهُ قَد تَبَعَ بِهَا مواضِعَ القَطْرِ ، يُقيمُ الصَّلَاةَ وَيؤتى الزَّكَاةَ . قالَ : فأئى المالِ بَعْدَ الغَنَمِ خَيْرٌ؟ قالَ : البَقْرُ تَغْدُو بِخَيْرٍ وتروخُ بِخَيْرٍ . قالَ : فأئى المالِ بَعْدَ البَقْرِ خَيْرٌ؟ قالَ : الرَّاسِيَّاتُ فى الوَحْلِ ، وَالْمُطْعِمَاتُ فى المَحَلِّ ؛ نَعَمَ الشَّيْءُ النَّخْلُ ، مَنْ باعَهُ فَإِنَّمَا ثَمَنُهُ بِمَنْزِلِهِ رَمادٍ على رَأْسِ شاهِقٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فى يَوْمٍ عاصِفٍ ، إلا أن يُخْلِيفَ مَكانَها . قيلَ : يا رَسولَ اللهِ ، فأئى المالِ بَعْدَ النَّخْلِ خَيْرٌ؟ قالَ : فَسَكَتَ ، قالَ : فَقامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقالَ لَهُ : يا رَسولَ اللهِ ، فأينَ الإِبِلُ؟ قالَ : فىهِ الشَّقَاءُ وَالجَفَاءُ وَالعَناءُ وَبَعْدُ الدَّارِ ، تَغْدُو مُدْبِرَةً وتروخُ مُدْبِرَةً ، لا يَأتى خَيْرُها إلا مِن جانِبِها الأَشْأَمِ ، أما إنَّها لا تَعْدَمُ الأَشْقياءَ الفَجْرَةَ (٢) . (٣)

١- صحيح البخارى : ٢ / ٨١٧ / ٢١٩٥ وج ٥ / ٢٢٣٩ / ٥٦٦٦ نحوه ، صحيح مسلم : ٣ / ١١٨٩ / ١٢ كلَّها عن أنس وص ١١٨٨ / ١٠٧ كلَّها عن جابر نحوه ، مسند ابن حنبل : ٤ / ٢٩٥ / ١٢٤٩٧ عن أنس وج ١٠ / ٢٩٥ / ٢٧١١١ عن أمِّ مِيسِرَ نحوه ، السنن الكبرى : ٦ / ٢٢٧ / ١١٧٤٧ عن أنس .

٢- حكى فى مرآة العقول عن الفيروزآبادى : «الإدبار فى الإبل» لكثرة مؤونتها وقلة منفعتها بالنسبة إلى مؤونتها، وكثرة موتها. وعن الصدوق فى من لا يحضره الفقيه : «لا يأتى خيرها إلا من جانبها الأَشْأَمِ»؛ هو أنَّها لا تُحلب ولا تُركب ولا تحمل إلا من الجانب الأيسر. وعن الشيخ فى النهاية : «الشقاء» : الشدَّة والعسر، و «الجفاء ممدودا» : خلاف البرِّ، وإنَّما وصف به لأنَّه كثيراً ما يهلك صاحبه.

٣- الكافى : ٦ / ٥٢٦٠ عن السكونى ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٢٩١ / ٢٤٨٨ ، الخصال : ١٠٥ / ٢٤٦ عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، معانى الأخبار : ٣ / ١٩٧ ، الأمالى للصدوق : ٤٣١ / ٥٦٨ كلاهما عن إسماعيل بن أبى زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٤ / ١٠٣ / ٦٤٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که نهالی بکارد یا زراعتی کشت کند و پرنده ای یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد، جز این که آن برایش صدقه به شمار می رود.

امام صادق علیه السلام: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد: «کدام دارایی بهتر است؟» فرمود: «زراعتی که صاحبش آن را کشت کند و به سامان آورد و به هنگام درو، حقش را به جای آورد». پرسید: «پس از زراعت، کدام دارایی برتر است؟» فرمود: «[گوسفند است به گونه ای که] انسان همراه گوسفندانش به دنبال بارش گاه ها برود و [در این سیر] نماز بگزارد و زکات بپردازد». پرسید: «پس از گوسفند، کدام مال بهتر است؟» فرمود: «گاو است که روز و شب، پیوسته منشأ خیر است». پرسید: «پس از گاو، کدام دارایی برتر است؟» فرمود: «استوارها در گل و لای، و خوراک بخش ها در خشکسالی [یعنی درختان خرما]؛ چه خوب چیزی است درخت خرما! هر کس آن را بفروشد، قیمتی که می ستاند همانند خاکستری است بر بلندای قله ای که در روزی طوفانی، باد سخت بر آن بوزد، مگر آن که به جای آن [درختانی را] جایگزین سازد». گفته شد: «ای رسول خدا! پس از درخت خرما، کدام مال بهتر است؟» [راوی] می گوید: «پیامبر سکوت ورزید». [راوی] می گوید: «آن گاه، مردی به سوی پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! شتر چه جایگاهی دارد؟ فرمود: «در آن، تیره بختی و درشتی و رنج و دوری از خانه است. روز و شبش، پیوسته، بخت برگشتگی است؛ خیرش جز از جانب شومش نمی رسد؛ هلا که [غالباً] شترداران نگون بخت و بد کارند. (۱)».

۱- میان این روایت با دو روایت ۴۳۵ و ۴۳۷ ناسازگاری نیست؛ زیرا این دو گونه روایت، به دو نوع ویژگی شتر اشاره دارند. حاصل همه این روایات آن است که شترداری، گرچه غالباً با رنج و سختی و کم سودی همراه است و در آن زمان معمولاً بدکاران به شترداری می پرداخته اند، اما نمی توان منافع آن را نادیده گرفت، همان گونه که برخی از پیشوایان معصوم گاه شتر داشته اند و نیز بعضی از صحابه بزرگوار، همچون صفوان جمال به پیشه شترداری مشغول بوده اند.

مستدرك الوسائل: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمًا لَا يَزْرَعُونَ ، قَالَ : مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا : نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ . قَالَ : لَا ، بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكَلِّفُونَ . (١)

الإمام عليّ عليه السلام: قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ فَقَالَ : يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ ، إِنَّكُمْ تُحِبُّونَ الْمَاشِيَةَ فَأَقْلُوا مِنْهَا ؛ فَإِنَّكُمْ بِأَقْلٍ الْأَرْضِ مَطْرًا ، وَاحْتَرِثُوا فَإِنَّ الْحَرثَ مُبَارَكٌ ، وَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الْجَمَاجِمِ . (٢)

عنه عليه السلام: خَيْرُ الْمَالِ الْعَقْرُ . (٣)

عنه عليه السلام كَانَ يَقُولُ : مَنْ وَجَدَ مَاءً وَتُرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ ؛ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ . (٤)

عنه عليه السلام: إِنَّ مَعَايِشَ الْخَلْقِ خَمْسَةٌ: الْإِمَارَةُ ، وَالْعِمَارَةُ ، وَالتَّجَارَةُ ، وَالْإِجَارَةُ ، وَالصَّدَقَاتُ . . . وَأَمَّا وَجْهُ الْعِمَارَةِ فَقَوْلُهُ تَعَالَى : «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ، (٥)» فَأَعْلَمْنَا سُبْحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَةِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سَبَبًا لِمَعَايِشِهِمْ بِمَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ ؛ مِنَ الْحَبِّ ، وَالثَّمَرَاتِ ، وَمَا شَاكَلَ ذَلِكَ مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَايِشَ لِلْخَلْقِ . (٦)

١- مستدرك الوسائل : ١١ / ٢١٧ / ١٢٧٨٩ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب .

٢- السنن الكبرى : ٦ / ٢٢٩ / ١١٧٥٣ عن عمر بن عليّ بن الحسين عن أبيه عليهما السلام ، كنز العمال : ٤ / ٣٣ / ٩٣٥٩ .

٣- الفردوس : ٢ / ١٧٨ / ٢٨٩٢ ، كنز العمال : ١٢ / ٨٧ / ٣٤١٠٩ .

٤- قرب الإسناد : ١١٥ / ٤٠٤ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٠ / ٦٥ .

٥- هود : ٦١ .

٦- وسائل الشيعة : ١٣ / ١٩٥ / ١٠ نقلًا عن تفسير النعمانى عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار :

٩٣ / ٤٦ و ٤٧ .

مستدرک الوسائل: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردمی را دید که به کشت و کار نمی پردازند. فرمود: «شما کیستید؟» گفتند: «ما توکل پیشگانییم». فرمود: «نه؛ بلکه سربارانید».

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مدینه وارد شد و فرمود: «ای گروه قریش! شما چهارپایان را دوست می دارید، اما از آن بکاهید؛ زیرا در سرزمینی کم باران هستید؛ و به کشاورزی مشغول شوید، که کاری است مبارک؛ و در کشتزارهای خود، استخوان مترسک وار بسیار بگذارید».

امام علی علیه السلام: بهترین مال، کشت و کار است.

امام علی علیه السلام می فرمود: هر کس آب و خاکی بیابد و فقیر باشد، خدا او را رانده است.

امام علی علیه السلام: اسباب گذران زندگی مردم، پنج دسته اند: کارگزاری، آباد سازی، بازرگانی، مزدگیری، و صدقه گیری... و اما گونه آبادسازی؛ پس خداوند تعالی فرموده است: «او شما را از زمین آفرید و به آبادانی آن واداشت». بدین ترتیب، خدای سبحان به ما آموخت که انسان ها را به آباد سازی زمین دستور داده تا این سبب گذران زندگی شان به واسطه برون آمدنی های زمین از قبیل دانه ها و میوه ها و امثال آن باشد که خداوند آن ها را مایه معیشت مردم قرار داده است.

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَكْتُبُ إِلَى أَمْرَاءِ الْأَجْنَادِ: أُنشِدُكُمْ اللَّهَ فِي فَلَاحِي الْأَرْضِ أَنْ يُظَلِّمُوا قِبَلَكُمْ .
(١)

عنه عليه السلام: كَانَ أَبِي يَقُولُ: خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْثُ، تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبُرُّ وَالْفَاجِرُ؛ أَمَّا الْبُرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ إِسْتَغْفَرَ لَكَ، وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعَنَهُ، وَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبِهَائِمُ وَالطَّيْرُ . (٢)

عنه عليه السلام: الْكِيمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ . (٣)

عنه عليه السلام: الزَّارِعُونَ كُنُوزُ الْأَنْسَامِ يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عِزُّ وَجَلُّ، وَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا، وَأَقْرَبُهُمْ مَنزِلَةً، يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ . (٤)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عِزُّ وَجَلُّ لَمَّا أَهْبَطَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمْرَهُ بِالْحَرْثِ وَالزَّرْعِ . (٥)

عنه عليه السلام لِرَجُلٍ قَالَ لَهُ: أَسْمَعُ قَوْمًا يَقُولُونَ: إِنَّ الزَّرَاعَةَ مَكْرُوهَةٌ؟: اِزْرَعُوا وَاغْرِسُوا؛ فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَلَا أَطْيَبَ مِنْهُ، وَاللَّهِ لَيُزْرَعَنَّ الزَّرْعُ، وَلَيُغْرَسَنَّ النَّخْلُ بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ . (٦)

تهذيب الأحكام عن يزيد بن هارون الواسطي: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ الْفَلَاحِينَ، فَقَالَ: هُمُ الزَّارِعُونَ؛ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَمَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الزَّرَاعَةِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا، إِلَّا إِدْرِيسَ فَإِنَّهُ كَانَ خَيْطًا . (٧)

١- قرب الإسناد: ١٣٨ / ٤٨٩ عن أبي البختری عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ١٠ / ٣٣ / ١٠٠ .

٢- الكافي: ٥ / ٢٦٠ / ٥ عن أحمد بن أبي عبد الله عن بعض أصحابنا، جامع الأحاديث للقمي: ١٨٨ عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليهما السلام .

٣- الكافي: ٥ / ٢٦١ / ٦ .

٤- الكافي: ٥ / ٢٦١ / ٧ عن يزيد بن هارون .

٥- الكافي: ٦ / ٣٩٣ / ٢ عن إبراهيم .

٦- الكافي: ٥ / ٢٦٠ / ٣، تهذيب الأحكام: ٧ / ٢٣٦ / ١٠٣٣، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٢٥٠ / ٣٩٠٧ كلُّها عن سيابة، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٦٨ / ٢٤ .

٧- تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٨٤ / ١١٣٨، عوالي اللآلي: ٣ / ٢٠٣ / ٤٠ وفيه «سأل هارون بن يزيد الواسطي الإمام الباقر عليه السلام...» .

امام باقر علیه السلام: همانا علی علیه السلام به فرماندهان سپاه می نوشت: «شما را به خدا سوگند می دهم! مبدا کشاورزان [کار کننده بر] زمین، از سوی شما ستم بینند».

امام باقر علیه السلام: پدرم می فرمود: «بهترین کار کشاورزی است؛ تو می کاری و از آن، نیک کردار و بدکار بهره مند می شوند. امّا نیک کردار، هر چه از آن خورد، برای تو آموزش می جوید؛ و امّا بدکار، هر چه از آن خورد، آن چیز او را لعنت می گوید؛ و [نیز] چهارپایان و پرندگان از آن می خورند».

امام صادق علیه السلام: کیمیای برتر، کشاورزی است.

امام صادق علیه السلام: کشاورزان گنج های مردمند که آن پاکیزه را که خداوند برون آورده، کشت می کنند. ایشان در روز رستاخیز، نیک پایه ترین مردمند و از دیگران به خدا نزدیک تر و «مبارک» خوانده می شوند.

امام صادق علیه السلام: هر آینه، آن گاه که خداوند آدم علیه السلام را بر زمین فرود آورد، فرمانش داد که به کشت و زرع پردازد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت: «شنیده ام که برخی می گویند: کشاورزی ناپسند است»: کشت کنید و بکارید؛ که به خدا سوگند! مردم کاری حلال تر و پاک تر از کشاورزی انجام نمی دهند. و به خدای سوگند! پس از بیرون شدن دجال [در عصر ظهور امام موعود علیه السلام] فراوان کشاورزی می شود و بسی درخت خرما کاشته خواهد شد.

تهذیب الأحکام از یزید بن هارون واسطی: از حضرت صادق علیه السلام درباره کشاورزان پرسیدم. فرمود: «آنان کشت کنندگان و گنج های خدا در زمینش هستند؛ و نزد خدا کاری دوست داشتنی تر از کشاورزی نیست؛ و خداوند هیچ پیامبری را برننگیخت جز آن که کشاورز بود، مگر حضرت ادریس علیه السلام که خیاط بود».

٣ / ٢ تَرْبِيَةُ الْمَوَاشِي وَالْأَنْعَامِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشَّاهُ الْمُنْتَجِبُ بَرَكَةٌ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الْمَالِ الشَّاهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: الشَّاهُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ ، وَالِدَّجَاحُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: الشَّاهُ بَرَكَةٌ ، وَالْبَيْتُ بَرَكَةٌ ، وَالتَّنُورُ بَرَكَةٌ ، وَالْقَدَاحُ بَرَكَةٌ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ عِنْدَهُمْ شَاهٌ إِلَّا وَفَى بَيْتِهِمْ بَرَكَةٌ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: الشَّاهُ فِي الْبَيْتِ بَرَكَةٌ ، وَالشَّاتَانِ بَرَكَتَانِ ، وَالثَّلَاثُ بَرَكَاتٌ . (٦)

١- .الجعفریات : ١٦٠ ، جامع الأحاديث للقمي : ٨٨ ، بحار الأنوار : ٦٤ / ١٣٨ / ٣٦ نقلًا عن أصل من أصول أصحابنا وكلاهما عن ابن فضال عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

٢- .الكافي : ٦ / ٥٤٤ / ٢ ، المحاسن : ٢ / ٤٨٣ / ٢٦٨٠ كلاهما عن عمرو بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ١١ / ١٢٩ / ٦٤ .

٣- .كنز العمال : ١٢ / ٣٢٦ / ٣٥٢٣٨ نقلًا عن الحاكم في تاريخه عن أنس .

٤- .تاريخ بغداد : ٨ / ٤٩٦ / ٤٦٠٩ عن أنس وراجع الفردوس : ٢ / ٣٦٤ / ٣٦٢٦ .

٥- .كنز العمال : ١٢ / ٣٢٥ / ٣٥٢٣١ نقلًا عن ابن سعد عن أبي الهيثم بن التيهان .

٦- .الأدب المفرد : ١٧٤ / ٥٧٣ عن ابن الحنفية عن الإمام علي عليه السلام ، الفردوس : ٢ / ٣٦٤ / ٣٦٢٦ عن أنس نحوه ، كنز

العمال : ١٢ / ٣٢٤ / ٣٥٢٢٣ ؛ طب النبي صلى الله عليه وآله : ٦ وفيه «ثلاث شياه غنيمه» بدل «الثلاث بركات» ، بحار الأنوار : ٢٩٥ / ٦٢ .

۳ / ۳ دامپروری

۳ / ۳ - دامپروری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گوسفند زاینده ، برکت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوب مالی است ، گوسفند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گوسفند در خانه و [نیز] مرغ در خانه مایه برکتند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گوسفند و چاه و تنور و سنگ آتشنزن ، مایه برکتند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ خانواده ای نیست که گوسفند نگاه دارد و در خانه اش برکت نباشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : یک گوسفند در خانه ، [یک] برکت است ؛ دو گوسفند ، دو برکت ؛ و سه گوسفند ، برکت

ها .

الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَمَّتِهِ: مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَّخِذِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَهً؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْبَرَكَهُ؟ قَالَ: شَاهٌ تُحَلَبُ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ فِي دَارِهِ شَاهٌ تُحَلَبُ أَوْ نَعَجَةٌ أَوْ بَقْرَةٌ تُحَلَبُ، فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ. (١)

عنه عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أُمِّ سَلَمَةَ فَقَالَ لَهَا: مَا لِي لَا أَرَى فِي بَيْتِكَ الْبَرَكَهَ؟ قَالَتْ: بَلَى وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، إِنَّ الْبَرَكَهَ لَفِي بَيْتِي! فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ ثَلَاثَ بَرَكَاتٍ: الْمَاءَ وَالنَّارَ وَالشَّاهَ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى أُمِّ أَيْمَنَ، فَقَالَ: مَا لِي لَا أَرَى فِي بَيْتِكَ الْبَرَكَهَ؟ فَقَالَتْ: أَوْلَيْسَ فِي بَيْتِي بَرَكَهٌ؟ قَالَ: لَسْتُ أَعْنِي ذَلِكَ؛ ذَاكَ شَاهٌ تَتَّخِذِينَهَا، تَسْتَعْنِي وَوَلَدِكَ مِنْ لَبْنِهَا، وَتَطْعَمِينَ مِنْ سَمْنِهَا. (٣)

سنن ابن ماجه عن عروه عن أم هانئ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهَا: اتَّخِذِي غَنَمًا؛ فَإِنَّ فِيهَا بَرَكَهً. (٤)

سنن ابن ماجه عن أبو هريره: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْغَنَمِ، وَأَمَرَ الْفُقَرَاءَ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ. (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ فِي بَيْتِهِ شَاهٌ تُحَلَبُ جَاءَهُ اللَّهُ بِرِزْقِهَا، وَكَانَتْ فِي بَيْتِهِ بَرَكَهٌ، وَقُدِّسَ كُلُّ يَوْمٍ تَقْدِيسَةً، وَانْتَقَلَ عَنْهُ الْفَقْرُ مَرَحَلَةً؛ وَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ شَاتَانِ يَحْلِبُهُمَا جَاءَهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِمَا، وَانْتَقَلَ الْفَقْرُ عَنْهُ مَرَحَلَتَيْنِ، وَقُدِّسَ كُلُّ يَوْمٍ تَقْدِيسَتَيْنِ؛ وَمَنْ كَانَ فِي بَيْتِهِ ثَلَاثُ شَيَاهٍ يَحْلِبُهُنَّ جَاءَهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِنَّ، وَكَانَتْ فِي بَيْتِهِ ثَلَاثُ بَرَكَاتٍ، وَقُدِّسَ كُلُّ يَوْمٍ ثَلَاثَ تَقْدِيسَاتٍ، وَانْتَقَلَ عَنْهُ الْفَقْرُ ثَلَاثَ مَرَاحِلَ. (٦)

١- الكافي: ٦ / ٥٤٥ / ٧، المحاسن: ٢ / ٢٦٨٦ / ٤٨٥ كلاهما عن جابر، بحار الأنوار: ١٧ / ١٣٠ / ٦٤.

٢- الكافي: ٨ / ٥٤٥ / ٦، المحاسن: ٢٧٠٠ / ٢٧٠٠ / ٢٧٠٠ كلاهما عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ٦ / ١٣٤ / ٦٤.

٣- المحاسن: ٢ / ٤٨٥ / ٢٦٨٧ عن أبي خديجه، بحار الأنوار: ٦٤ / ١٣١ / ١٨ وج ٨٣ / ٣٢٦ / ٢٦.

٤- سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٧٣ / ٢٣٠٤، المعجم الكبير: ٢٤ / ٢٢٧ / ١٠٣٩ و ١٠٤٠، حياه الحيوان الكبرى: ٢ / ١٨٨، كنز العمال

: ١٢ / ٣٢٣ / ٣٥٢١٨.

٥- سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٧٣ / ٢٣٠٧؛ مكارم الأخلاق: ١ / ٣٤٨ / ١١٣٢ عن جابر، بحار الأنوار: ٦٥ / ١٠ / ١٣ وج ٦٦ / ٧٤ / ٦٩.

٦- كنز العمال: ١٤ / ١٨٤ / ٣٨٣١١ نقلًا عن ابن جرير بإسناده عن مسند الإمام علي عليه السلام.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عمّه اش فرمود: «چه چیز بازت می دارد از این که در خانه ات برکتی برای خود برگیری؟» گفت: «ای رسول خدا! برکت چیست؟» فرمود: «گوسفندی شیرده؛ هر آینه هر کس در خانه اش گوسفندی شیرده یا میش یا گاوی شیرده باشد، همگی برکت هستند».

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد امّ سَیْلَمَه آمد و به وی فرمود: «چرا در خانه ات برکت نمی بینم؟» گفت: «سپاس خدای را که در خانه ام برکت هست!» فرمود: «همانا خداوند سه برکت را فرو فرستاد: آب، آتش، گوسفند».

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزد امّ ایمن آمد و فرمود: «از چه روی در خانه ات برکت نمی بینم؟» گفت: «آیا خانه من بی برکت است؟» فرمود: «مرادم این نبود. [مرادم این است که] گوسفند را نگاهداری کن تا فرزندان از شیر آن بهره گیرند و از روغن آن خوراک سازی».

سنن ابن ماجه از عروه از امّ هانی: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امّ هانی فرمود: «گوسفند نگاهدار که هر آینه در آن، برکت است».

سنن ابن ماجه از ابوهریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به توانگران دستور داد که گوسفند نگاهدارند و فقیران را فرمان داد که مرغ داشته باشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در خانه اش گوسفندی شیرده داشته باشد، خداوند روزی آن را می آورد و در خانه اش برکت حضور می یابد و هر روز یک بار تقدیس (۱) می شود و فقر از او گامی دور می شود. و آن کس که دو گوسفند شیرده نزد خود داشته باشد، خداوند روزی آن دو را می رساند و فقر از او دو گام دور می شود و هر روز دو بار تقدیس می شود. و هر که سه گوسفند شیرده داشته باشد، خداوند روزی آن سه را عطا می فرماید و در خانه اش سه برکت حاضر است و هر روز سه بار تقدیس می شود و فقر از او سه گام دور می گردد.

۱- مقصود از تقدیس، چنان که از روایات بعدی استفاده می شود، دعا برای برکت توسط فرشتگان است.

الإمام علي عليه السلام: أفضل ما يتخذهُ الرَّجُلُ في مَنْزِلِهِ لِإِيَالِهِ الشَّاهُ؛ فَمَنْ كَانَتْ في مَنْزِلِهِ شَاهٌ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ في كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً، وَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ شَاتَانِ قَدَّسَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ مَرَّتَيْنِ في كُلِّ يَوْمٍ، وَكَذَلِكَ في الثَّلَاثِ؛ تَقُولُ: بوركَ فيكم! (١)

الكافي عن محمد بن عجلان: سَمِعْتُ أبا جَعْفَرَ عليه السلام يَقُولُ: ما مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَكُونُ عِنْدَهُمْ شَاهٌ لَبُونٌ إِلَّا قُدِّسُوا في كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ. قُلْتُ: وَكَيْفَ يُقَالُ لَهُمْ؟ قَالَ: يُقَالُ لَهُمْ: بوركتم بوركتم! (٢)

من لا- يحضره الفقيه عن محمد بن مارد: سَمِعْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ما مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ لَهُ في مَنْزِلِهِ عَنزٌ حَلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَبوركَ عَلَيْهِمْ، فَإِنْ كَانَتْ اثْنَتَيْنِ قُدِّسُوا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا: كَيْفَ يُقَدَّسُونَ؟ قَالَ: يُقَالُ لَهُمْ: بوركَ عليكم، وطبتم وطاب أدامكم! (٣)

١- الخصال: ١٠ / ٦١٧ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ١٠٧، بحار الأنوار: ٦٤ / ١٢٦ / ٧.

٢- الكافي: ٥ / ٥٤٤ / ٦، المحاسن: ٢ / ٤٨٨ / ٢٦٩٩ كلاهما عن محمد بن عجلان، بحار الأنوار: ٦٤ / ١٣٣ / ٢٥.

٣- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٣٤٩ / ٤٢٢٦ عن محمد بن مارد، بحار الأنوار: ٧٦ / ١٦٣ / ١.

امام علی علیه السلام: بهترین چیزی که مرد در خانه برای خانواده اش نگاه می دارد، گوسفند است. هر کس در خانه اش گوسفندی باشد، فرشتگان روزی یک بار او را دعا می کنند؛ و هر که نزدش دو گوسفند باشد، فرشتگان روزی دو بار او را دعا می کنند؛ و اگر سه گوسفند باشد، سه بار؛ [و آن فرشتگان] می گویند: «خیر و برکتان افزون باد!». .

الکافی از محمّد بن عجلان: شنیدم که امام باقر علیه السلام مالکافی از محمّد بن عجلان: شنیدم که امام باقر علیه السلام می فرماید: «هیچ خانواده ای نیست که گوسفندی شیرده داشته باشد، مگر این که روزی دو بار تقدیس می شوند». گفتیم: «و به آنان چه گفته می شود؟» فرمود: «به آنان گفته می شود: برکتان افزون باد؛ برکتان افزون باد!». .

من لا یحضره الفقیه از محمّد بن مارد: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ مؤمنی نیست که در خانه اش ماده بُزی شیرده داشته باشد، جز آن که اهل آن خانه تقدیس شوند و برای برکت آنها دعا خواهد شد؛ و اگر دو ماده بز باشند، اهل خانه را روزی دو بار تقدیس شوند». یکی از اصحاب ما گفت: «چگونه تقدیس می شوند؟» فرمود: «به ایشان گفته می شود: برکتان افزون باد؛ خود و خوراکتان پاک باد!». .

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ بَيْتِ شَاءَ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِرِزْقِهَا ، وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ ، وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَةً ؛ فَإِنْ اتَّخَذَ شَاتَيْنِ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا ، وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ ، وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَتَيْنِ ؛ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةَ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ ، وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا . (١)

رسول الله صلى الله عليه و آله :الْبَرَكَهُ فِي نَوَاصِي الْخَيْلِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :الإِبِلُ عِزٌّ لِأَهْلِهَا ، وَالْغَنَمُ بَرَكَهٌ ، وَالْخَيْرُ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِي الْخَيْلِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :الْخَيْلُ مَعْقُودٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :أَطْلُبُوا الْخَيْرَ فِي أَخْفَافِ الإِبِلِ وَأَعْنَاقِهَا ؛ صَادِرَةٌ وَوَارِدَةٌ . (٥)

١- الكافي: ٤/٥٤٤/٦، المحاسن: ٢/٤٨٦/٢٦٩٠ نحوه وكلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ٦٤/١٣٢/٢٠.

٢- صحيح البخارى: ٣/١٠٤٨/٢٦٩٦، صحيح مسلم: ٣/١٤٩٤/١٠٠، سنن النسائي: ٦/٢٢١، مسند ابن حنبل: ٤/٢٢٨/١٢١٢٦ وص ٢٥٦/١٢٢٩٢، السنن الكبرى: ٦/٥٣٥/١٢٨٩٢ كلها عن أنس.

٣- سنن ابن ماجه: ٢/٧٧٣/٢٣٠٥، مسند أبي يعلى: ٦/٢٠٣/٦٧٩٣ وليس فيه «إلى يوم القيامة» وكلاهما عن عروه البارقي رفعه، صحيح البخارى: ٣/١٠٤٧/٢٦٩٤ عن عبد الله بن عمر، صحيح مسلم: ٢/٦٨٣/٢٦ عن أبي هريره، سنن النسائي: ٦/٢٢٢ عن عروه البارقي، مسند ابن حنبل: ٢/٣٠٨/٥١٠٢ عن ابن عمر وفي الأربعة الأخيره من «والخير...»، كنز العميال: ١٢/٣٢٥/٣٥٢٢٨.

٤- الكافي: ٥/٤٨/٢ عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام وح ٣ وص ٨/١٥ وكلاهما عن معمر عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٨٣/٢٤٥٩، ثواب الأعمال: ٢/٢٢٦/٢ نحوه، المحاسن: ٢/٤٧٢/٢٦٤٠ وكلاهما عن عمر بن أبان عن الإمام الصادق عليه السلام عليه و آله، الأمالي للطوسي: ٣٨٣/٨٣٠ عن الحارث عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار: ٦٤/١٥٩/١.

٥- الخصال: ١٠/٦٣٠ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ١١٩، بحار الأنوار: ١٠/١٠٨/١ وج ٩٩/١٠٤/٥.

امام صادق علیه السلام: هر گاه خانواده ای گوسفندی نگاه دارند ، خداوند روزی اش را می دهد و روزی خود آنان را می افزایش دهد و فقر گامی از آنان دور می شود ؛ و اگر دو گوسفند نگاه دارند ، خدای روزی آن دو را عطا می فرماید و روزی خود ایشان را می افزایش دهد و فقر از آن ها دور می شود ؛ و اگر سه گوسفند نگاه دارند ، خداوند روزی آن سه را می دهد و فقر از ایشان به کلی دور می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برکت در موهای پیشانی اسبان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تا روز قیامت ، شتر برای صاحب خویش مایه سرافرازی است ؛ گوسفند برکت است ؛ و خیر در موهای پیشانی اسبان گره خورده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :تا روز قیامت ، خیر در موهای پیشانی اسبان گره خورده است .

امام علی علیه السلام :خیر را در کف پا و گردن شتر بجویید ، آن گاه که از آبشخور باز می گردد و آن گاه که به آبشخور می رود .

الإمام الصادق عليه السلام: تَسَعُهُ أَعْشَارِ الرَّزْقِ مَعَ صَاحِبِ الدَّابَّةِ . (١)

راجع: ص ٢٦٨ (الحث على التجاره) ح ٤٩٤ و ٤٩٥ .

٣ / ٣ / ٣ الصَّنَاعَاتُ كِتَاب: «يَجِبُ أَوْ بِمَعَهُ وَ الطَّيْرُ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ أَعْمَلَ سَبْعَتِ وَ قَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَ أَعْمَلُوا صِيْلِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . (٢)»

«وَ عَلَّمَنَّهُ صَنْعَةَ لُبُوسٍ لَكُمْ لِتُحَصِّنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ . (٣)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا تَلْعَنُوا الْحَاكَةَ ؛ فَإِنَّ أَوَّلَ مَنْ حَاكَ أَبِي آدَمَ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله: عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنْ رِجَالِ أُمَّتِي الْخِيَاطَةُ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ النِّسَاءِ الْمِغْزَلُ . (٦)

١- الكافي: ٦ / ٥٣٥ / ٢ عن عبد الله بن جندب قال: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ : ٦٤ / ١٦١ / ٣ .

٢- سبأ: ١٠ و ١١ .

٣- الأنبياء: ٨٠ .

٤- ربيع الأبرار: ٢ / ٥٣٩ عن أنس ، كنز العمال: ٣ / ٦١٧ / ٨١٩٠ .

٥- تاريخ بغداد: ٩ / ١٥ / ٤٦١٣ ، ربيع الأبرار: ٢ / ٥٣٥ كلاهما عن سهل بن سعد ، كنز العمال: ٤ / ١ / ٩٣٤٧ ؛ تنبيه الخواطر: ١ / ٤١ وليس فيهما «أمتي» .

٦- تاريخ بغداد: ٩ / ١٥ / ٤٦١٣ ، ربيع الأبرار: ٢ / ٥٣٥ كلاهما عن سهل بن سعد ، كنز العمال: ٤ / ٣١ / ٩٣٤٧ ؛ تنبيه الخواطر: ١ / ٤١ وفيه «الغزل» بدل «المغزل» .

۳ / ۳ / صنعتگری

امام صادق علیه السلام: نه دهم روزی ، از آن چهارپادار است .

ر. ک: ص ۲۶۹ (تشویق به بازرگانی) ، حدیث ۴۹۴ و ۴۹۵.

۳ / ۳ - ۳ صنعتگریقرآن: «ای کوه ها و ای مرغان هوا! با او [= داوود] همنا شوید. و آهن را برای او نرم گردانیدیم * که زره هایی فراخ و گشاده بساز و در بافتن و پیوند دادن [حلقه های آن] اندازه نگه دار؛ و [ای داوود همراه با قومت] کارهای نیک و شایسته کنید ، که من بدانچه می کنید ، بینايم .»

«و برای شما ، ساختن زره را به او [= داوود] آموختیم تا شما را از سختی و گزندتان نگاه دارد . پس آیا شما سپاس می دارید؟»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بافندگان را دشنام مگویید ؛ که نخستین بافنده پدرم آدم بود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیشه مردان نیک اّمت من ، دوزندگی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیشه زنان نیک ، ریسندگی است .

الإمام علي عليه السلام: حِرْفَةُ الْمَرْءِ كَنْزُهُ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْكَسْبَ وَهُوَ أَنْ يَكُونَ حَازِقًا بِعِلْمٍ ، مُؤَدِّيًا لِأَمَانِهِ فِيهِ ، مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ. (٢)

عنه عليه السلام في الحِكمِ الْمَنسُوبَةِ إِلَيْهِ : لَا تَطْلُبْ سُرْعَةَ الْعَمَلِ ، وَاطْلُبْ تَجْوِيدَهُ ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَسْأَلُونَ : فِي كَمْ فُرْغَ مِنَ الْعَمَلِ ؟ إِنَّمَا يَسْأَلُونَ عَنِ جُودِهِ صَنْعَتِهِ. (٣)

قصص الأنبياء عن وهب بن منبه: أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى إِدْرِيسَ ثَلَاثِينَ صَحِيفَةً ، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ حَطَّ بِالْقَلَمِ ، وَأَوَّلُ مَنْ خَاطَ الثِّيَابَ وَلَبَسَهَا ، وَكَانَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ يَلْبَسُونَ الْجُلُودَ ، وَكَانَ كُلَّمَا خَاطَ سَبَّحَ اللَّهُ وَهَلَّلَهُ وَكَبَّرَهُ ، وَوَحَّدَهُ وَمَجَّدَهُ. (٤)

الزهد لابن حنبل عن سعيد بن المسيب: إِنَّ لِقَمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ خَيْطًا. (٥)

ربيع الأبرار: سَأَلَ دَاوُدُ عَنِ نَفْسِهِ فِي الْخُفْيَةِ ، فَقَالُوا : يَعْدِلُ إِلَّا أَنَّهُ يَأْكُلُ مِنْ أَمْوَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ، فَسَأَلَ اللَّهُ أَنْ يُعَلِّمَهُ عَمَلًا ، فَعَلَّمَهُ اتِّخَاذَ الدَّرُوعِ. (٦)

تفسير العياشي عن محمد بن خالد الضبي: مَرَّ إِبْرَاهِيمُ النَّخَعِيُّ عَلَى امْرَأَةٍ وَهِيَ جَالِسَةٌ عَلَى بَابِ دَارِهَا بُكْرَةً وَكَانَ يُقَالُ لَهَا : أُمُّ بَكْرٍ وَفِي يَدَيْهَا مِغْزَلٌ تَغْزِلُ بِهِ ، فَقَالَ : يَا أُمَّ بَكْرٍ ، أَمَا كَبِرَتْ ؟! أَلَمْ يَأْنِ لَكَ أَنْ تَضَعِي هَذَا الْمِغْزَلَ ؟! فَقَالَتْ : وَكَيْفَ أَضَعُهُ وَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : هُوَ مِنْ طَيِّبَاتِ الْكَسْبِ ؟! (٧)

١- المواعظ العددية : ٥٥ .

٢- بحار الأنوار : ١٧ / ١٨٢ .

٣- شرح نهج البلاغة : ٢٠ / ٢٦٧ / ١٠٣ .

٤- قصص الأنبياء : ٧٩ / ٦١ وراجع تفسير مجمع البيان : ٦ / ٨٠٢ وبحار الأنوار : ١١ / ٢٧٩ / ٩ .

٥- الزهد لابن حنبل : ٦٤ ، ربيع الأبرار : ٢ / ٥٣٥ ، البدايه والنهايه : ٢ / ١٢٧ ، الدر المنثور : ٦ / ٥١٠ نقلًا عن ابن أبي شيبة وابن المنذر .

٦- ربيع الأبرار : ٢ / ٥٤٦ .

٧- تفسير العياشي : ١ / ١٥٠ / ٤٩٤ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٥٣ / ١٥ .

امام علی علیه السلام: پیشه وری (۱) برای مرد ، گنجینه است .

امام علی علیه السلام: هر پیشه وری باید از سه ویژگی برخوردار باشد تا با آن بتواند کسب روزی نماید: دانش آن کار را به کمال بداند؛ در آن پیشه امانتداری پیش گیرد؛ و به زیردستانش محبت ورزد .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: به دنبال شتاب در کار نباش ، بلکه نیک به جای آوردنش را دنبال کن ؛ زیرا مردم نمی پرسند: در چه مدت ، کار را انجام داد ؛ بلکه از کیفیت صنعتگری فرد سؤال می کنند .

قصص الأنبياء از وهب بن مته: خداوند بر ادریس علیه السلام سی لوح فرود آورد . و او نخستین کسی بود که با قلم نوشت ؛ و [نیز] نخستین دوزنده و پوشنده جامه بود . پیش از او ، مردم پوست جانوران را بر تن می کردند ؛ و او هر گاه دوزندگی می کرد ، خدای را به پاکی و یکتایی و بزرگی و یگانگی و شکوه یاد می کرد .

الزهد لابن حنبل از سعید بن مسیب: هر آینه لقمان علیه السلام دوزنده بود .

ربیع الابرار: داوود علیه السلام در نهان ، درباره خویش [از مردم] سؤال کرد . گفتند: «رفتارش درست است ، جز این که از دارایی بنی اسرائیل می خورد» . پس وی از خداوند خواست که به او کاری بیاموزد ؛ و خداوند زره سازی را به او آموخت .

تفسیر العیاشی از محمد بن خالد ضَبّی: ابراهیم نخعی بر زنی ، با کنیه ام بکر ، گذشت که پگاهان کنار خانه خود نشسته ، دوک در دست ، مشغول ریسندگی بود . گفت: «ای ام بکر! آیا پیر نشده ای؟ آیا وقت آن نرسیده که این دوک را کنار نهی؟» گفت: «چگونه کنارش نهم ، که از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که می فرمود: ریسندگی از پیشه های پاک است؟» .

الكافي عن أم الحسن النخعيه: مرَّ بي أمير المؤمنين عليه السلام فقال: أيُّ شَيْءٍ تَصْنَعِينَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ؟ قُلْتُ: أَغْزِلُ، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ أَحَلُّ الْكَسْبِ أَوْ مِنْ أَحَلِّ الْكَسْبِ. (١)

الإمام عليّ عليه السلام في كتابه لِلْأَشْتَرِ لَمَّا وُلَّاهُ مِصْرَ: ثُمَّ اسْتَوْصَ بِالتَّجَارِ وَذَوِي الصَّنَاعَاتِ، وَأَوْصَ بِهِمْ خَيْرًا: الْمُقِيمِ مِنْهُمْ، وَالْمُضْطَرِّبِ بِمَالِهِ، وَالْمُتَرَفِّقِ بِيَدَيْهِ؛ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ، وَأَسْبَابُ الْمَرَافِقِ، وَجُلَابِئِهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَالْمَطَارِحِ، فِي بَرَكٍ وَبَحْرِكَ وَسَيِّهْلِكَ وَجَبَلِكَ، وَحَيْثُ لَا يَلْتَنِمُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا، وَلَا يَجْتَرِثُونَ عَلَيْهَا؛ فَإِنَّهُمْ سَلَامٌ لَا تُخَافُ بِإِثْمَتِهِ، وَصَلَحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتَهُ. (٢)

راجع: ص ١٩٦ (سيره الأنبياء والأوصياء في طلب الرزق).

٣ / ٤ ما يَتَّبَعِي لِلْمُكْتَسَبِ ٣ / ٤ طَلَبُ الْحَلَالِ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَحْمَدُ، إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ، تَسَعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ، فَإِنْ أَطِيبَ مَطْعَمُكَ وَمَشْرَبُكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَكُنْفِي. (٣)

١- الكافي: ٥ / ٣١١ / ٣٢، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٨٢ / ١١٢٧.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ١٤٠ نحوه، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٨٨ / ٩.

٣- إرشاد القلوب: ٢٠٣، بحار الأنوار: ٧٧ / ٢٧ / ٦.

۳ / ۴ آن چه پیشه ور را سزا است

۳ / ۱۴ جست و جوی حلال

الکافی از امّ حسن نخعیّه: امیرالمؤمنین علیه السلام بر من گذشت و فرمود: «ای امّ حسن! چه می کنی؟» گفتم: «ریسندگی می کنم». فرمود: «بدان که این ، حلال ترین پیشه یا از حلال ترین پیشه ها است».

امام علی علیه السلام در نامه به اشتر ، آن گاه که وی را به کارگزاری مصر گماشت : پس سفارش مرا در حقّ بازرگانان و صنعتگران بپذیر و درباره ایشان [به کارگزاری] نیکو سفارش کن ، خواه آن ها که در یک جای مقیم هستند و خواه آنان که با سرمایه خویش این سو و آن سو سفر کنند و با دسترنج خود زندگی نمایند ؛ زیرا این گروه ، مایه های منافع و اسباب آسودگی اند و آن را از راه های دشوار و دور خشکی و دریا و دشت ها و کوهساران و جای هایی که مردم در آن گرد نیابند و جرئت رفتن به آن نکنند ، به دست می آورند . پس اینان مردمی مسالمت جویند که از فتنه گری شان بیمی نیست ؛ و اهل آشتی اند ، که از آسیب رسانی شان باکی نباشد .

ر. ک: ص ۱۹۷ (روش پیامبران و جانشینانشان در روزی جستن).

۳ / ۴ آن چه پیشه ور را سزا است ۳ / ۴ - ۱ جست و جوی حلالارشاد القلوب در [رویدادهای] شب معراج : خدای تعالی فرمود : «ای احمد! همانا عبادت را ده بخش است ؛ نه بخش آن جست و جوی حلال است . پس اگر خوردن و نوشیدن پاک باشد ، در نگاهداشت و حمایت منی» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ، تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلْبِ الْحَلَالِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا، أَفْضَلُهَا طَلْبُ الْحَلَالِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا جَاءَنِي جِبْرِيْلُ إِلَّا أَمَرَنِي بِهَا تَيْنِ؛ قَالَ: تَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي طَيِّبًا، وَاسْتَعْمِلْنِي صَالِحًا . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً اِكْتَسَبَ طَيِّبًا، وَأَنْفَقَ قَصْدًا، وَقَدَّمَ فَضْلًا لِيَوْمِ فَقْرِهِ وَحَاجَتِهِ! (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَطَابَ كَسْبُهُ . (٥)

١- .جامع الأحاديث للقمي : ٩٩ عن إسماعيل بن موسى بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٩ / ٣٧
وص ١٨ / ٨١ .

٢- .الكافي : ٥ / ٧٨ / ٦ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢٤ / ٨٩١ كلاهما عن أبي خالد الكوفي رفعه إلى الإمام الباقر عليه السلام ،
معاني الأخبار : ٣٦٦ / ١ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ٢١٥ / ١ عن محمد
بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري بإسناده عنه صلى الله عليه وآله وفيه «سبعة» تحف العقول : ٣٧ وفيه «سبعة»
أجزاء» بدل «سبعون جزءا»؛ الفردوس : ٣/٧٩/٤٢٢١ عن الإمام الحسين عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «العبادة سبعون بابا
أفضلها طلب الرزق الحلال» .

٣- .نوادير الأصول : ١ / ٤٢٧ عن حنظله ، كنز العمال : ٢ / ٢٢٤ / ٣٨٦١ وج ٤ / ٧ / ٩٢١١ وفيهما «الدعوتين» بدل «قال : تقول» .

٤- .كنز العمال : ٤ / ٦ / ٩٢٠٧ نقلاً عن ابن النجار عن عائشه وراجع دعائم الإسلام : ٢ / ٦٦ / ١٨٤ .

٥- .المعجم الكبير : ٥ / ٧١ / ٤٦١٥ ، السنن الكبرى : ٤ / ٣٠٦ / ٧٧٨٤ ، شعب الإيمان : ٣ / ٢٢ / ٣٣٨٨ كلها عن ركب المصري ،
كنز العمال : ١٥ / ٩١٧ / ٤٣٥٨٢ ؛ نهج البلاغه : الحكمة ١٢٣ قال الشريف الرضي : «ومن الناس من ينسب هذا الكلام إلى
رسول الله صلى الله عليه وآله» ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ٩٩ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٢ /
٢ / ٢ نقلاً عن تفسير القمي .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عبادت ده بخش دارد ؛ نُه بخش آن ، جُستنِ حلال است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عبادت را هفتاد بخش است ؛ برترین آن ، جست و جوی حلال است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل نزد من نیامد جز آن که به این دو چیز فرمانم داد ؛ گفت: «بگو : بار خدایا! مرا روزی پاکیزه عطا فرما ؛ و در کارِ شایسته ام مدار .» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند رحمت کند کسی را که پیشه پاکیزه داشته باشد ، به اعتدال انفاق کند ، و برای روز فقر و نیاز خویش [=قیامت] ، خیری پیش فرستد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوش باد حال کسی که در درون ، رام [پروردگار] و پیشه اش پاکیزه است .

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ كَسْبِ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ الرَّجُلِ مَعِيشَتَهُ فِي الْحَلَالِ صَدَقَةٌ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :طَلَبُ الْحَلَالِ جِهَادٌ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :الكَأَدُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله :الشَّخِصُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ سَعَى عَلَى عِيَالِهِ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٧)

١- السنن الكبرى : ١١٦٩٥ / ٢١١ / ٦ ، المعجم الكبير : ١٠ / ٧٤ / ٩٩٩٣ ، مسند الشهاب : ١ / ١٠٤ / ١٢٢ وليس فيهما «كسب» ، حليه الأولياء : ٧ / ١٢٦ وليس فيه «طلب» ، الفردوس : ٢ / ٤٤١ / ٣٩١٨ وزاد في آخره «وجهاد» وكلها عن عبد الله بن مسعود ؛ جامع الأحاديث للقمي : ٩٨ وليس فيه «الحلال» ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٧ / ٧٩ .

٢- جامع الأخبار : ٣٨٩ / ١٠٧٩ ؛ المعجم الأوسط : ٨ / ٢٧٢ / ٨٦١٠ ، الفردوس : ٢ / ٤٤٠ / ٣٩١٤ عن أنس وفيهما «طلب الحلال واجب على كل مسلم» ، إحياء علوم الدين : ٢ / ١٣٣ وص ١٣٤ وليس فيهما «ومسلمه» ، كنز العمال : ٤ / ٥ / ٩٢٠٤ .

٣- الفردوس : ٢ / ٤٤٤ / ٣٩٢٢ عن أبي بكر .

٤- مسند الشهاب : ١ / ٨٣ / ٨٢ ، الفردوس : ٢ / ٤٤٢ / ٣٩١٩ كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال : ٤ / ٦ / ٩٢٠٥ نقلاً عن حليه الأولياء عن ابن عمر .

٥- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٨ / ٣٦٣١ ، عوالي اللآلي : ٣ / ١٩٩ / ٢٠ وج ٢ / ١٠٩ / ٢٩٧ ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٢٠٨ ، عدّه الداعي : ٧٢ ، الكافي : ٥ / ٨٨ / ١ عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام وليس في الأربعة الأخيره «من حلال» .

٦- جامع الأحاديث للقمي : ٩٠ ، دعائم الإسلام : ٢ / ١٥ / ٩ ، عوالي اللآلي : ٣ / ١٩٤ / ٧ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٧ / ٧٨ .

٧- روضه الواعظين : ٥٠١ ؛ السنن الكبرى : ٩ / ٤٣ / ١٧٨٢٤ عن أبي هريره وليس فيه «في طلب الحلال» ، كنز العمال : ٤ / ١٢ / ٩٢٥٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جُستَنِ در آمد حلال ، واجبی است از پی واجب دیگر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جُستَنِ حلال ، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این که انسان گذران زندگی اش را از حلال بخواهد ، مایه نزدیکی به خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جُستَنِ حلال ، جهاد است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که خانواده خویش را از حلال روزی می دهد ، مانند مجاهد در راه خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در پی روزی حلال ، به سیر و سفر می پردازد ، همانند مجاهد در راه خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در جست و جوی حلال ، برای گذران زندگی خانواده اش بکوشد ، [تلاش] او در راه خدا است .

عنه صلى الله عليه وآله: لَعَثْرَةٌ فِي كَدِّ حَلَالٍ عَلَى عَيْلٍ مَحْجُوبٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ ضَرْبِ سَيْفٍ حَوْلًا كَامِلًا لَا يَجِفُّ دَمًا مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصِيْرَةٌ ، مَنْ يَأْخُذْ مَالًا بِحِلِّهِ يُبَارِكْ لَهُ فِيهِ ، وَرُبَّ مُتَخَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَالِ رَسُوْلِهِ فِي مَا شَاءَتْ نَفْسُهُ ، لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: أَقْلٌ مَا يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَخٌ يُوْتَقُّ بِهِ ، أَوْ دِرْهَمٌ مِنْ حَلَالٍ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا ؛ اسْتَعْفَا عَنِ الْمَسْأَلَةِ ، وَسَدَّ عَنِ أَهْلِهِ ، وَتَعَطَّفَا عَلَى جَارِهِ ، لَقِيَ اللَّهَ وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ . (٤)

تاريخ بغداد عن أبو هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ طَلَبَ مَكْسَبَهُ مِنْ بَابِ الْحَلَالِ يَكْفُفُ بِهَا وَجْهَهُ عَنِ مَسْأَلَةِ النَّاسِ وَوُلْدَهُ وَعِيَالَهُ ، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ هَكَذَا وَأَشَارَ بِإصْبَعِهِ السَّبَابِيهِ وَالْوَسْطَى . (٥)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا تَعَطَّفَا عَلَى الْوَالِدِ أَوْ وَلَدِهِ أَوْ زَوْجِهِ ، بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَوَجْهَهُ عَلَى صُورَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ . (٦)

- ١- تاريخ دمشق: ١٣ / ٣٣ / ٣٠٣٧ عن عثمان بن عفان ، كنز العمال : ٤ / ٦ / ٩٢٠٩ .
- ٢- حليه الأولياء : ٢ / ٦٤ / ١٤٣ ، المعجم الكبير : ٢٤ / ٢٢٨ / ٥٧٧ و ح ٥٧٨ ، سنن الترمذى : ٤ / ٥٨٧ / ٢٣٧٤ ، مسند ابن حنبل : ١٠ / ٢٩٩ / ٢٧١٢٢ كلها عن خوله بنت قيس نحوه ، كنز العمال : ٣ / ٢٠١ / ٦١٦٦ .
- ٣- تحف العقول: ٥٤ ، بحار الأنوار: ٧٧/١٥٧/١٤١؛ حليه الأولياء: ٤/٩٤ عن ابن عمر ، تاريخ دمشق : ٥٥ / ١٠٦ / ١١٦٣٢ عن ميمون بن مهران و كلاهما نحوه ، كنز العمال : ٤ / ٤ / ٩١٩٧ عن عمر .
- ٤- المصنّف لابن أبي شيبة : ٥ / ٢٥٨ / ٧ ، شُعب الإيمان : ٧ / ٢٩٨ / ١٠٣٧٥ ، مسند إسحاق بن راهويه : ١ / ٣٥٣ / ٣٥٢ ، حليه الأولياء : ٣ / ١١٠ / ٨ و ٢١٥ / ٨ كلها عن أبي هريره ؛ الكافي : ٥ / ٧٨ / ٥ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢٤ / ٨٩٠ كلاهما عن أبي حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام .
- ٥- تاريخ بغداد : ٨ / ١٦٨ / ٤٢٧٧ ، كنز العمال : ٤ / ١٢ / ٩٢٤٨ نقلًا عن الديلمي .
- ٦- مسند زيد : ٢٥٥ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جهاد در طلب روزی برای خانواده ناتوان، نزد خداوند برتر است از یک سال پیوسته شمشیر زدن همراه امام عادل.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا شیرین و خرم است؛ هر که از مال حلال آن بخورد، برایش مایه خیر و برکت است. و بسا کسی که در مال خدا و رسولش، چندان که خواهد، غوطه خورد و روز قیامت، آتش از آن او باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در زمانه واپسین، آن چه از همه کم تر است، دوستی قابل اعتماد است یا درهمی مال حلال.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دنیا را از راه حلال و به انگیزه حیا ورزیدن از عرض نیاز [به مردم]، تلاش برای خانواده خود، و لطف روا داشتن بر همسایه اش، بجوید، خدای را در حالی دیدار می کند که چهره اش همانند قرص کامل ماه است.

تاریخ بغداد از ابوهریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس از راه حلال به جست و جوی درآمد پردازد تا از دست دراز کردن نزد مردم بی نیاز شود و فرزندان و خانواده اش را تأمین نماید، روز رستاخیز با چنین حالتی همراه پیامبران و راستی پیشگان خواهد بود» و به انگشتان سیّابه و میانی اش اشاره فرمود.

امام علی علیه السلام: هر کس با انگیزه مهر ورزیدن به پدر [یا مادر] یا فرزند یا همسرش، از راه حلال در پی دنیا باشد، خدای تعالی او را [در قیامت] در حالی برمی انگیزد که چهره اش همانند قرص کامل ماه است.

عنه عليه السلام: يوشكُ أن يفقدَ النَّاسُ ثلاثاً: درهماً حلالاً، ولساناً صادقاً، وأخاً يستراحُ إليه . (١)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الخُلُقِ فى ثلاثٍ: اجْتِنَابِ المَحَارِمِ، وَطَلَبِ الحَلَالِ، وَالتَّوَسُّعِ عَلَى العِيَالِ . (٢)

عنه عليه السلام: من توفيقِ الحُرِّ اكتسابُهُ المالَ من حِلِّهِ . (٣)

عنه عليه السلام فى ما كَتَبَهُ إِلَى الإمامِ الحَسَنِ عليه السلام: وَارْجُ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ الأَرْضِ والأَقْوَاتِ وَالسَّمَاوَاتِ، وَسَيَلُهُ طَيْبِ المَكَّاسِبِ؛ تَجِدُهُ مِنْكَ قَرِيباً وَلَكَ مُجِيباً . (٤)

الأمالى للمفيد عن الحسن بن أبى الحسن البصرى: دَخَلَ أميرُ المُؤْمِنِينَ سوقَ البَصْرَةِ، فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ، فَبَكَى عليه السلامُ بُكَاءً شَدِيداً، ثُمَّ قَالَ: يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا وَعُمَمَالَ أَهْلِهَا، إِذَا كُنْتُمْ بِالنَّهَارِ تَحْلِفُونَ، وَبِاللَّيْلِ فى فُرْشِكُمْ تَنَامُونَ، وَفى خِلَالِ ذَلِكَ عَنِ الآخِرَةِ تَغْفُلُونَ، فَمتى تُحْرِزُونَ الزَّادَ، وَتُفَكِّرُونَ فى المَعَادِ؟! فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أميرَ المُؤْمِنِينَ، إِنَّهُ لا بُدَّ لَنَا مِنَ المَعَاشِ، فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟! فَقَالَ أميرُ المُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ طَلَبَ المَعَاشِ مِنْ حِلِّهِ لا يَشْغَلُ عَنِ عَمَلِ الآخِرَةِ، فَإِنْ قُلْتَ: لا بُدَّ لَنَا مِنَ الإِحْتِكَارِ، لَمْ تَكُنْ مَعذُوراً، فَوَلَّى الرَّجُلُ بِأَكْبَارِهِ . (٥)

١- تذكرة الخواص: ١٣٦؛ بحار الأنوار: ٧٨ / ٧٠ / ٣٠ نقلاً عن حليه الأولياء .

٢- تنبيه الخواطر: ١ / ٩٠، بحار الأنوار: ٧١ / ٣٩٤ / ٦٣ .

٣- غرر الحكم: ٩٣٩٣ .

٤- كنز العمال: ١٦ / ١٨٠ / ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .

٥- الأمالى للمفيد: ١١٩ / ٣، بحار الأنوار: ٧٧ / ٤٢٢ / ٤١ وج ١٠٣ / ٣٢ / ٦٠ .

امام علی علیه السلام: چیزی نمانده است که مردم [= مردم باید مراقب باشند که مبادا] سه چیز را از دست دهند: درهمی مال حلال، زبانی راستگو، و دوستی که از او آرامش توان یافت.

امام علی علیه السلام: نیک رفتاری در سه کار است: دوری گزیدن از حرام‌ها، جست و جوی حلال، و گشاده گرفتن بر خانواده.

امام علی علیه السلام: از مایه‌های موفقیت آزادمرد، این است که مال حلال را به دست آورد.

امام علی علیه السلام در نامه‌ای که به امام حسن علیه السلام نگاشت: به کسی امید داشته باش که گنجینه‌های زمین و روزی‌ها و آسمان‌ها در دست او است؛ و از او درآمد پاکیزه بخواه؛ که او را نزدیک و اجابتگر می‌یابی.

الأمالی للمفید از حسن بن ابوالحسن بصری: امیرالمؤمنین علیه السلام به بازار بصره درآمد و مردم را نگریست که سرگرم خرید و فروشند؛ آن‌گاه، سخت گریست. سپس فرمود: «ای بندگان دنیا و کارگزاران اهل دنیا! روزانه سوگند یاد می‌کنید و شبانه در بسترهاتان می‌آرامید و در این میان، از آخرت غافلید، پس کدام هنگام توشه [ای آخرت] برمی‌گیرید و به بازگشت می‌اندیشید؟» مردی به وی گفت: «ای امیرالمؤمنین! ما از گذران زندگی ناچاریم؛ پس چه کنیم؟» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «طلب روزی از راه حلال، انسان را از کار آخرت باز نمی‌دارد. امّا اگر بگویی: از احتکار [هم] ناگزیریم عذرت پذیرفته نیست». پس آن مرد بازگشت، در حالی که می‌گریست.

الإمام الباقر عليه السلام: قام أبو ذرٍّ رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ عِنْدَ الكَعْبَةِ فَقَالَ: . . . اجْعَلِ الدُّنْيَا كَلِمَتَيْنِ : كَلِمَةً فِي طَلَبِ الحَلَالِ ، وَكَلِمَةً لِلاَخِرَةِ ، وَالثَّالِثَةُ تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ لَا تُرِدْهَا . ثُمَّ قَالَ : قَتَلَنِي هُمَّ يَوْمٍ لَا أُدْرِكُهُ . (١)

عنه عليه السلام في صِفَةِ أولِيَاءِ اللهِ تَعَالَى : وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : اِكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللهِ ، لَا يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخُرَ وَالتَّكَاثُرَ ، ثُمَّ أَنْفَقُوا فِي مَا يَلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقِ وَاجِبِهِ ، فَأَوْلِيكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللهُ لَهُمْ فِي مَا اِكْتَسَبُوا ، وَيُثَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِإِخْرَجَتِهِمْ . (٢)

عنه عليه السلام : عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ ، وَطَلَبِ الحَلَالِ ، وَصِلِهِ الرَّحِمِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا أَصْبَحَ خَرَجَ غَادِيَا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ ، فَقِيلَ لَهُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللهِ ، أَيْنَ تَذْهَبُ؟ فَقَالَ : أَتَصَدَّقُ لِعِيَالِي . قِيلَ لَهُ : أَتَتَصَدَّقُ؟! قَالَ : مَنْ طَلَبَ الحَلَالَ فَهُوَ مِنَ اللهِ عِزٌّ وَجَلَّ صَدَقَةٌ عَلَيْهِ . (٤)

١- الخصال : ٢٦ / ٤٠ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للمفيد : ٢١٥ / ١ عن جابر بن يزيد ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٢٨٢ / ٢٤٥٦ وفيه «رُوي أنه قام أبو ذرٍّ رحمه الله عند الكعبة فقال . . .» ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١١٩ / ١٦ وراجع دعائم الإسلام : ١ / ٢٧٠ .

٢- تفسير العياشي : ٢ / ١٢٤ / ٣١ عن بريد العجلي ، تفسير مجمع البيان : ٥ / ١٨١ عن ابن زيد نحوه ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٢٧٧ / ١١ .

٣- الكافي : ٢ / ٤٨٨ / ١ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام ، قرب الإسناد : ٣٨٦ / ١٣٥٨ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام فيه «بالصدق» بدل «بالصبر» ، بحار الأنوار : ٩٣ / ٣٦٧ / ١ .

٤- الكافي : ٤ / ١٢ / ١١ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ٤٦ / ٦٧ / ٣٢ .

امام باقر علیه السلام: ابوذر رحمت خدا بر او کنار کعبه برخاست و گفت: «... دنیا را دو کلمه قرار ده [= در دو چیز خلاصه کن]؛ کلمه ای در جست و جوی حلال، و کلمه ای برای آخرت. سوم، همه زیان است و سودی ندارد؛ آن را طلب مکن». سپس گفت: «غمِ روزی که هنوز فرا نرسیده، مرا کشت!».

امام باقر علیه السلام در وصفِ دوستانِ خدای (تعالی): در کتاب علی بن حسین علیه السلام چنین یافتیم: «روزی پاکیزه خدا را فراهم آوردند، بی این که از آن، در پی فخرورزی و افزون طلبی باشند؛ سپس در حدود حقوق واجبی که بر عهده ایشان است، به انفاق پرداختند؛ پس ایشانند که خداوند در درآمدشان برکت قرار داده و به پاس آن چه برای آخرتشان پیش فرستاده اند، پاداش می یابند.

امام باقر علیه السلام: بر تو باد شکیبایی و جُستنِ حلال و پیوند با خویشان.

امام صادق علیه السلام: علی بن حسین علیه السلام هر صبحگاه در طلبِ روزی، برون می شد. به او گفته می شد: «ای فرزند رسول خدا! کجا می روی؟» می فرمود: «برای خانوارم صدقه فراهم می آورم». پرسیده می شد: «آیا صدقه فراهم می آوری؟» می فرمود: «هر کس روزی حلال طلب کند، آن صدقه خداوند برای وی است».

عنه عليه السلام: إذا كان الرَّجُلُ مُعْسِراً، فَيَعْمَلُ بِقَدْرِ مَا يَقْوَتْ بِهِ نَفْسُهُ وَأَهْلُهُ وَلَا يَطْلُبُ حَرَاماً، فَهُوَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (١)

عنه عليه السلام: كانَ في بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ عَابِدٌ، وَكَانَ مُحْتَاجاً، فَأَلَحَّتْ عَلَيْهِ امْرَأَتُهُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ، فَابْتَهَلَ إِلَى اللَّهِ فِي الرِّزْقِ، فَرَأَى فِي النَّوْمِ: أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ: دِرْهَمَانِ مِنْ حِلٍّ أَوْ أَلْفَانِ مِنْ حَرَامٍ؟ فَقَالَ: دِرْهَمَانِ مِنْ حِلٍّ، فَقَالَ: تَحْتَ رَأْسِكَ، فَانْتَبَهَ فَرَأَى الدَّرْهَمَيْنِ تَحْتَ رَأْسِهِ، فَأَخَذَهُمَا وَاشْتَرَى بِدِرْهَمٍ سَيْمَكَةً، فَأَقْبَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَلَمَّا رَأَتْهُ الْمَرْأَةُ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ كَاللَّائِمَةِ وَأَقْسَمَتْ أَنْ لَا تَمَسَّهَا، فَقَامَ الرَّجُلُ، فَلَمَّا شَقَّ بَطْنَهَا إِذَا بِدُرَّتَيْنِ، فَبَاعَهُمَا بِأَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ . (٢)

عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مَنْ طَابَ مَكْسَبُهُ . (٣)

عنه عن أبيه عليهما السلام: قِيلَ لَهُ: مَا بَالُ الْمُؤْمِنِ قَدْ يَكُونُ أَشْحَى شَيْءٍ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَكْسِبُ الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ، وَمَطْلَبُ الْحَلَالِ عَزِيزٌ، فَلَا يُحِبُّ أَنْ يُفَارِقَهُ شَيْئُهُ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ عَزِّ مَطْلَبِهِ، وَإِنْ هُوَ سَخَتْ نَفْسُهُ لَمْ يَضَعُهُ إِلَّا فِي مَوْضِعِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: لَا تَدَعِ طَلْبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ؛ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ، وَاعْقِلْ رَاحِلَتَكَ وَتَوَكَّلْ . (٥)

١- الكافي: ٥ / ٨٨ / ٣ عن فضيل بن يسار .

٢- قصص الأنبياء: ١٨٤ / ٢٢٤ عن حفص بن غياث ، بحار الأنوار: ١٤ / ٤٩٣ / ١٣ .

٣- الكافي: ٢ / ٢٣٥ / ١٨ عن آدم أبي الحسين اللؤلؤي ، الخصال: ٣٥١ / ٣٠ عن أحمد بن محمد وغيره بإسناده رفعاه إلى الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار: ٦٧ / ٢٩٣ / ٦ .

٤- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٥٦٠ / ٤٩٢٤ ، علل الشرايع: ٥٥٧ / ١ وفيه «عسر» بدل «عز» وكلاهما عن مسعدة بن صدقة الربيعي ، بحار الأنوار: ٦٧ / ٢٩٩ / ٢٤ .

٥- الأماشي للمفيد: ١٧٢ / ١ ، الأماشي للطوسي: ١٩٣ / ٣٢٦ وفيه «أعون» بدل «عون» وكلاهما عن عمرو بن سيف الأزدي ، بحار الأنوار: ٧١ / ١٣٧ / ٢٠ .

امام صادق علیه السلام: هر گاه مردی تنگدست باشد و به اندازه نیاز خود و خانواده اش کار کند و در پی حرام نرود، همانند مجاهد در راه خدا است.

امام صادق علیه السلام: در میان بنی اسرائیل مردی عبادت پیشه و نیازمند بود. همسرش به وی اصرار می کرد که در پی روزی رود، اما او از خداوند طلب روزی می کرد. در خواب دید [که از او می پرسند]: «کدام یک برایت دوست داشتنی تر است؛ دو درهم مال حلال یا دو هزار درهم مال حرام؟» گفت: «دو درهم مال حلال». گفت: «زیر سرت نهفته است». بیدار شد و زیر سرش دو درهم دید. آن ها را برداشت و با یکی ماهی ای خرید و به سوی خانه رفت. وقتی همسرش او را دید، به سرزنش وی پرداخت و سوگند خورد که به آن ماهی دست نزند. مرد، خود، برخاست و چون شکم ماهی را درید، دو گوهر در آن یافت و آن ها را به چهل هزار درهم فروخت.

امام صادق علیه السلام: مؤمن آن است که کسبش حلال باشد.

امام صادق علیه السلام از پدرش: به وی گفته شد: «از چیست که مؤمن، گاه بسیار تنگ نظر می شود؟» فرمود: «زیرا وی روزی را از راه حلال به دست می آورد؛ و روزی حلال بسی کمیاب است؛ پس از آن جا که می داند به چه سختی به دستش آورده، دوست نمی دارد مالش از وی جدا شود و هر چند که از درون، بخشنده است، آن را جز در جای خود صرف نمی کند».

امام صادق علیه السلام: جستنِ روزی از راه حلال را وامگذار؛ که آن، یاریگرِ دین تو است؛ و مرکب خویش را ببند و توکل کن.

الكافي عن موسى بن بكر: قال لى أئيو الحسن عليه السلام: مَنْ طَلَبَ هَذَا الرَّزْقَ مِنْ حِلِّهِ لِيَعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ ، كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِيهِ عِيَالَهُ ، أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٢)

الإمام علي عليه السلام فى الديوان المنسوب إليه: كُنْ طَالِبًا لِلرَّزْقِ مِنْ بَابِ حِلِّهِ يُضَاعَفُ عَلَيْكَ الرَّزْقُ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ (٣)

راجع: ص ١٩٢ (العمل باليد).

٣ / ٤ / ٢٤ البكور رسول الله صلى الله عليه وآله: بَاكِرُوا طَلَبَ الرَّزْقِ وَالْحَوَائِجِ ؛ فَإِنَّ الْغُدُوَّ بَرَكَهٌ وَنَجَاحٌ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنِّي لِأَجِبُّ أَنْ أَرَى الرَّجُلَ مُتَحَرِّفًا فِي طَلَبِ الرَّزْقِ ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا . (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْأَرْزَاقَ تُقَسَّمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَارِكٌ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ فِي بُكُورِهَا . (٦)

-
- ١- الكافي: ٥ / ٩٣ / ٣ ، تهذيب الأحكام: ٦ / ١٨٤ / ٣٨١ ، قرب الإسناد: ٣٤٠ / ١٢٤٥ ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣ / ٦ .
 - ٢- الكافي: ٥ / ٨٨ / ٢ عن زكريا بن آدم ، تحف العقول: ٤٤٥ عن الفضيل بن يسار وفيه «من فضل يكف به» بدل «من فضل الله عز وجل ما يكف» ، بحار الأنوار: ٧٨ / ٣٣٩ / ٢٩ .
 - ٣- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ٦٢ / ٢٠ .
 - ٤- المعجم الأوسط: ٧ / ١٩٣ / ٧٢٥٠ عن عائشه ، كنز العمال: ٤ / ٤٨ / ٩٤٤٥ .
 - ٥- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٥٧ / ٣٥٧٣ عن علي بن عبد العزيز ؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٥٢ / ٢٢٣٦ ، مسند ابن حنبل: ١ / ٣٢٨ / ١٣٣٨ . كلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيهما ذيله فقط وراجع عيون أخبار الرضا: ٢ / ٣٤ / ٧٣ وقرب الإسناد: ١٢٢ / ٤٢٨ / .
 - ٦- الأمالي للمفيد: ٥٤ / ١٦ عن محمد بن هلال المذحجى ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٤١ / ٤ .

۳ / ۲۴ سحرخیزی

الکافی از موسی بن بکر: امام کاظم علیه السلام مرا فرمود: «هر کس این روزی را از راه حلال بجوید تا با آن به نیاز خود و خانواده اش پردازد، همچون جهاد کننده ای در راه خدا است.»

امام رضا علیه السلام: هر که از فضل خدا آن را می جوید که خانواده اش را تأمین کند، پاداشی برتر از جهادگر در راه خدا دارد.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: روزی را از طریق حلالش به کف آورتا از هر سوی، بر تو افزوده گردد.

ر. ک: ص ۱۹۳ (کار جسمانی)

۳ / ۴ - ۲ سحرخیزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بامدادان در پی روزی و حاجت روید؛ که سحرخیزی مایه برکت و رستگاری است.

امام صادق علیه السلام: هر آینه من دوست می دارم که مرد در پی روزی، به این سو و آن سو روان شود. همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بار خدایا! برای امت من در سحرخیزی اش برکت قرار ده.»

امام صادق علیه السلام: همانا روزی ها پیش از سر برزدن آفتاب، تقسیم می شوند و خداوند تعالی برای این امت در سحرخیزی اش برکت قرار داده است.

عنه عليه السلام: إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَمُرُّكُمْ إِلَّا بِمَا نَأْمُرُ بِهِ أَنْفُسَنَا ، فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ ، وَإِذَا صَبَّحْتُمْ الصَّبْحَ وَأَنْصَبْتُمْ رَفْتُمْ فَبَكْرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ ، وَاطْلُبُوا الْحَلَالَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَيَرْزُقُكُمْ وَيُعِينُكُمْ عَلَيْهِ . (١)

٣ / ٤ / ٣ مُلَازِمُهُ مَا تَيَسَّرَ لَهُ مِنَ الْمَكْسَبِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا سَبَبَ اللَّهُ لِأَحَدِكُمْ رِزْقًا مِنْ وَجْهِ فَلَا يَدَعُهُ حَتَّى يَنْغَيِّرَ لَهُ ، أَوْ يَتَنَكَّرَ لَهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ رُزِقَ فِي شَيْءٍ فَلْيَلْزِمَهُ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا رُزِقْتَ فِي شَيْءٍ فَالْزِمَهُ . (٤)

راجع : ص ١٠١٢ (ما يوجب الآفات) . ص ١٠٣٠ (ما يعصم من الآفات) .

١- الكافي : ٥ / ٧٨ / ٨ عن خالد بن نجیح .

٢- سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٢٧ / ٢١٤٨ ، مسند ابن حنبل : ١٠ / ٩٤ / ٢٦١٥١ ، شعب الإيمان : ٢ / ٨٩ / ١٢٤٤ كلاهما نحوه وكلها عن عائشه .

٣- شعب الإيمان : ٢ / ٨٩ / ١٢٤١ عن أنس وح ١٢٤٢ عن هلال وفيه «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ رِزْقًا» بدل «مَنْ رُزِقَ» ، مسند الشهاب : ١ / ٢٣٨ / ٣٧٥ ، الفردوس : ٣ / ٦٣١ / ٥٩٧٤ كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ٤ / ١٩ / ٩٢٨٦ ؛ جامع الأحاديث للقمي : ١١٦ .

٤- الكافي : ٥ / ١٦٨ / ٣ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٤ / ٦٠ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٩ / ٣٦٣٦ كلها عن بشير التبال وراجع سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٢٦ / ٢١٤٧ .

۳ / ۴ پیوستگی در پیشه فراهم شده برای انسان

امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند! هر آینه من شما را به چیزی فرا نمی خوانم مگر همان که خود را نیز به آن فرا می خوانیم. پس بر شما باد تلاش و سختکوشی. آن گاه که نماز صبح را گزاردید و باز آمدید، بامدادان در پی روزی روان شوید و مال حلال بجوئید؛ که همانا خداوند به زودی روزی تان می بخشد و شما را بر آن یاری می فرماید.

۳ / ۴ - پیوستگی در پیشه فراهم شده برای انسان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند از طریقی برای یکی از شما روزی را مقرر فرمود، آن را رها نکند، مگر آن گاه که تغییری در آن حاصل شود یا از آن بیزار گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از هر راه روزی می جوید، همان را ادامه دهد.

امام صادق علیه السلام: هر گاه به طریقی روزی یافتی، همان را ادامه ده!

ر. ک: ص ۱۰۱۳ (آن چه آفت می آورد).: ص ۱۰۳۱ (آن چه آفت باز می دارد).

توضیح: این روایات اشاره به آن است که هر کس، استعداد تلاش در زمینه خاصی را در زمینه های اقتصادی دارد. از این رو تلاش او تنها در همان زمینه ثمربخش است. بنابراین هر کس باید کسب و کار خود را منطبق با استعدادهای ذاتی خود انتخاب نماید.

الفصل الرابع: السوق ٤ / الحث على التجار رسول الله صلى الله عليه وآله: البركة عشرة أجزاء ، تسعة أعشارها في التجاره ،
والعشر الباقي في الجلود . (١)

عنه صلى الله عليه وآله تسعة أعشار الرزق في التجاره ، والجزء الباقي في السابياء يعنى الغنم . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إن البركة في التجاره ، ولا يفتقر الله صاحبها إلا تاجرا حالفا . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : الفقراء أصدقاء الله تعالى ، ورأس مالهم الليل والنهار ، فطوبى لمن اتجر قبل أن يذهب رأس ماله . (٤)

١- الخصال : ٤٤٥ / ٤٤ عن عبد المؤمن الأنصارى عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ٦٤ / ١١٨ / ١ وج ١٠٣ / ٤ / ١٣ .

٢- الخصال : ٤٤٥ / ٤٤ ، بحار الأنوار : ٦٤ / ١١٨ / ١ وج ١٠٣ / ٥ / ١٤ .

٣- مستدرک الوسائل : ١٣ / ٩ / ١٤٥٧٤ نقلاً عن تفسير أبى الفتوح الرازى عن ابن عباس .

٤- الفردوس : ٣ / ١٥٧ / ٤٤٢٤ عن الإمام على عليه السلام .

فصل چهارم : بازار

۴ / ۱ تشویق به بازرگانی

فصل چهارم: بازار ۴ / ۱ تشویق به بازرگانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برکت ده بخش دارد؛ نه دهم آن در بازرگانی است و یک دهم باقیمانده در دامداری.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نه دهم روزی در بازرگانی است و بخش باقیمانده در دامداری.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا برکت در بازرگانی است و خداوند بازرگان را به فقر دچار نمی کند، مگر آن که [به دروغ] سوگند یاد کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقیران، دوستان خدای تعالی هستند و سرمایه شان روز و شب است؛ و خوشا به آن کس که پیش از نابود شدن سرمایه اش، به بازرگانی پردازد. (۱)

۱- شاید مراد، فراهم آوردن توشه برای آخرت باشد.

الإمام علي عليه السلام: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ ؛ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ . (١)

تهذيب الأحكام عن الفضل بن أبي قره: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ وَأَنَا حَاضِرٌ ، فَقَالَ : مَا حَبَسَهُ عَنِ الْحِجِّ ؟ فَقِيلَ : تَرَكَ التَّجَارَةَ وَقَلَّ سَعْيُهُ ، فَكَانَ مُتَكِنًا فَاسْتَوَى جَالِسًا ، ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : لَا تَدْعُوا التَّجَارَةَ فَتَهُونُوا ، ائْتَجِرُوا يُبَارِكِ اللَّهُ لَكُمْ . (٢)

الكافي عن الفضيل بن يسار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي قَدْ كَفَفْتُ عَنِ التَّجَارَةِ وَأَمْسَكْتُ عَنْهَا . قَالَ : وَلِمَ ذَلِكَ؟ أَعْجَزُ بِكَ؟ كَذَلِكَ تَذْهَبُ أَمْوَالُكُمْ ، لَا تَكْفُوا عَنِ التَّجَارَةِ ، وَالتَّمَسُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٣)

من لا يحضره الفقيه عن الفضيل بن يسار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي قَدْ تَرَكَتُ التَّجَارَةَ ، فَقَالَ : لَا تَفْعَلْ ، اِفْتَحْ بِأَبِكَ ، وَابْسُطْ بِسَاطِطِكَ ، وَاسْتَرِزِقِ اللَّهَ رَبَّكَ . (٤)

دعائم الإسلام عن جعفر بن محمد عليهما السلام: أَنَّهُ سَأَلَ بَعْضَ أَصْحَابِهِ عَمَّا يَتَّصِرُ فِيهِ ، فَقَالَ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ! إِنِّي كَفَفْتُ يَدِي عَنِ التَّجَارَةِ . قَالَ : لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ : اِنْتِظَارِي هَذَا الْأَمْرَ . قَالَ : ذَلِكَ أَعْجَبُ لَكُمْ ، تَذْهَبُ أَمْوَالُكُمْ ؛ لَا تَكْفُفُ عَنِ التَّجَارَةِ ، وَالتَّمَسْ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ ، وَافْتَحْ بِأَبِكَ ، وَابْسُطْ بِسَاطِطِكَ ، وَاسْتَرِزِقِ رَبَّكَ . (٥)

١- الكافي: ٥ / ١٤٩ / ٩ ، الخصال: ١٠ / ٦٢١ ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٩٦ / ٢١ .

٢- تهذيب الأحكام: ٧ / ٣ / ٦ ، الكافي: ٥ / ١٤٩ / ٨ وفيه «شيئه» بدل «سعيه» و«بارك» بدل «يبارك» ، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٩٣ / ٣٧٢٤ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

٣- الكافي: ٥ / ١٤٩ / ١١ .

٤- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٥ / ٣٦٠٦ .

٥- دعائم الإسلام: ٢ / ١٦ / ١٤ .

امام علی علیه السلام: به بازرگانی روی آورید؛ که در آن، بی نیازی تان از آن چه مردم دارند، نهفته شده است.

تهذیب الأحکام از فضل بن ابو قزّه: من، خود، در محضر امام صادق علیه السلام بودم که وی درباره مردی سؤال کرد و فرمود: «چرا به سفر حج نرفته است؟» گفته شد: «بازرگانی را رها کرده و تلاش اقتصادی اش کاهش یافته است». امام که پیش از این، تکیه داده بود، راست نشست و به آنان فرمود: «بازرگانی را رها نکنید؛ که ضعیف می شوید. تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد».

الکافی از فضیل بن یسار: به امام صادق علیه السلام گفتم: «من از تجارت دست شسته ام و دیگر به آن نمی پردازم». فرمود: «از چه روی؟ آیا ناتوان شده ای؟ بدین سان، اموال شما از میان می رود. از بازرگانی دست نکشید و فضل خدای را طلب کنید».

من لا یحضره الفقیه از فضیل بن یسار: به امام صادق علیه السلام گفتم: «من تجارت را کنار نهاده ام». فرمود: «چنین نکن. در [دگان]ت را بگشای و بساطت را بگستر و از خدای، پروردگار خویش، روزی خواه».

دعائم الإسلام از امام صادق علیه السلام: وی یکی از یارانش را پرسید که چه می کند. گفت: «فدایت شوم! از بازرگانی دست کشیده ام». فرمود: «از چه روی؟» گفت: «در انتظار این امر [= فرج یا مرگ] هستم». فرمود: «این از شما بسی شگفت است. اموالتان از میان می رود. از بازرگانی دست نکش و فضل خدای را جست و جو کن و در [دگان]ت را بگشای و بساطت را بگستر و از پروردگارت روزی بخواه».

تهذيب الأحكام عن أسباط بن سالم: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا عِنْدَهُ عَنِ مُعَاذِ بَيْعِ الْكِرَابِيسِ ، فَقِيلَ : تَرَكَ التَّجَارَةَ ، فَقَالَ : عَمَلُ الشَّيْطَانِ! عَمَلُ الشَّيْطَانِ! إِنْ مَن تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثَا عَقْلِهِ ، أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدِمَتْ عِيرٌ مِنَ الشَّامِ فَاشْتَرَى مِنْهَا وَاتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ؟! (١)

الكافي عن أسباط بن سالم: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلْنَا عَنْ عُمَرَ بْنِ مُسْلِمٍ مَا فَعَلَ؟ فَقُلْتُ : صَالِحٌ وَلَكِنَّهُ قَدْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَمَلُ الشَّيْطَانِ! ثَلَاثًا أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدِمَتْ عِيرًا أَتَتْ مِنَ الشَّامِ فَاسْتَفْضَلَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ وَقَسَمَ فِي قَرَانَتِهِ! يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ ، (٢)» يَقُولُ الْقَضِي أَيْ : إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَكُونُوا يَتَّجِرُونَ . كَذَبُوا! وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَدْعُونَ الصَّلَاةَ فِي مِيقَاتِهَا ، وَهُوَ أَفْضَلُ مِمَّنْ حَضَرَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يَتَّجِر . (٣)

الكافي عن محمد بن الزعفراني عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَغْنَى عَنِ النَّاسِ ، قُلْتُ : وَإِنْ كَانَ مُعِيلاً؟ قَالَ : وَإِنْ كَانَ مُعِيلاً؛ إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التَّجَارَةِ . (٤)

١- تهذيب الأحكام: ٧ / ٤ / ١١ ، عوالي اللآلي : ٣ / ١٩٣ / ٥ وفيه «عَمِلَ الشَّيْطَانُ» بدل «عَمِلَ الشَّيْطَانُ عَمِلَ الشَّيْطَانُ» .

٢- النور : ٣٧ .

٣- الكافي : ٥ / ٧٥ / ٨ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢٦ / ٨٩٧ ، بحار الأنوار : ٨٣ / ٤ .

٤- الكافي : ٥ / ١٤٨ / ٣ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٣ / ٥ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٣٣ / ٣٨٥٨ عن روح وفيه ذيله فقط .

تهذیب الأحکام از أسباط بن سالم: روزی که من ، خود ، در محضر امام صادق علیه السلام بودم ، وی درباره مُعَاذِ کَرَباس فروش سؤال فرمود ، گفته شد: «او تجارت را ترک کرده است». فرمود: «این کار شیطان است ، کار شیطان! هر کس بازرگانی را رها کند ، دو سوم عقلش از میان می رود . آیا نمی داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بار قافله ای را که از شام می آمد ، خرید و با آن ، به تجارت پرداخت و چندان سود بُرد که توانست وام هایش را بپردازد؟»

الکافی از أسباط بن سالم: نزد امام صادق علیه السلام رفتم . از ما پرسید که عمر بن مسلم چه می کند . گفتم: «کارش به خیر و صلاح است ؛ اَمَّا تجارت را رها کرده است». امام صادق علیه السلامه بار فرمود: «این کار شیطان است». [آن گاه فرمود: «آیا نمی داند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارِ کاروانی را که از شام می آمد ، خرید و از آن چندان سود برد که وام هایش را پرداخت و بخشی را بین خویشانش تقسیم کرد؟ خداوند می فرماید: «مردانی که بازرگانی و داد و ستد ، آنان را از یاد خدا باز نمی دارد . . .». قصّه پردازان می گویند: این اَمّت تجارت نمی کرده اند . دروغ می گویند ؛ البتّه این اَمّت نماز ابتدای وقت را رها نمی کرده اند ؛ و این بهتر از آن است که کسی در نماز حضور یابد ، اَمَّا تجارت نکند» .

الکافی از محمّد زعفرانی از امام صادق علیه السلام: «هر کس در پی بازرگانی رود ، از مردم بی نیاز می شود». گفتم: «هر چند پُر خانوار باشد؟» فرمود: «[آری ؛]هر چند پُر خانوار باشد . همانا نه درهم روزی در بازرگانی است» .

الكافي عن ابن فضال عن أبي عماره الطيار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قَدْ ذَهَبَ مَالِي وَتَفَرَّقَ مَا فِي يَدِي وَعِيَالِي كَثِيرٌ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَدِمْتَ الْكُوفَةَ فَافْتَحْ بَابَ حَانُوتِكَ، وَابْسُطْ بِسَاطِكَ، وَضَعْ مِيزَانَكَ، وَتَعَرَّضْ لِرِزْقِ رَبِّكَ. قَالَ: فَلَمَّا أَنْ قَدِمَ فَتَحَ بَابَ حَانُوتِهِ وَبَسَطَ بِسَاطَهُ وَوَضَعَ مِيزَانَهُ، قَالَ: فَتَعَجَّبَ مَنْ حَوْلَهُ بِأَنْ لَيْسَ فِي بَيْتِهِ قَلِيلٌ وَلَا كَثِيرٌ مِنَ الْمَتَاعِ وَلَا- عِنْدَهُ شَيْءٌ! قَالَ: فَجَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: اشْتَرِ لِي ثُوبًا، قَالَ: فَاشْتَرَى لَهُ وَأَخَذَ ثَمَنَهُ وَصَارَ الثَّمَنُ إِلَيْهِ. ثُمَّ جَاءَهُ آخَرٌ، فَقَالَ لَهُ: اشْتَرِ لِي ثُوبًا، قَالَ: فَطَلَبَ لَهُ فِي السُّوقِ، ثُمَّ اشْتَرَى لَهُ ثُوبًا فَأَخَذَ ثَمَنَهُ، فَصَارَ فِي يَدِهِ، وَكَذَلِكَ يَصْنَعُ التُّجَّارُ يَأْخُذُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ. ثُمَّ جَاءَهُ رَجُلٌ آخَرٌ، فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَاعِمَارَةَ، إِنَّ عِنْدِي عَدْلًا مِنْ كَتَّانٍ، فَهَلْ تَشْتَرِيهِ وَأُوخِرُكَ بِثَمَنِهِ سَنَةً؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِحْمِلْهُ وَجِئْنِي بِهِ، قَالَ: فَحَمَلَهُ فَمَا اشْتَرَاهُ مِنْهُ بِتَأْخِيرِ سَنَةٍ، قَالَ: فَسَأَلَ الرَّجُلَ فَذَهَبَ. ثُمَّ أَتَاهُ آتٍ مِنَ أَهْلِ السُّوقِ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا عِمَارَةَ، مَا هَذَا الْعَدْلُ؟ قَالَ: هَذَا عَدْلُ اشْتَرَيْتَهُ، قَالَ: فَبِعْنِي نِصْفَهُ وَأَعْجِلْ لَكَ ثَمَنَهُ، قَالَ: نَعَمْ، فَاشْتَرَاهُ مِنْهُ وَأَعْطَاهُ نِصْفَ الْمَتَاعِ وَأَخَذَ نِصْفَ الثَّمَنِ، قَالَ: فَصَارَ فِي يَدِهِ الْبَاقِي إِلَى سَنَةٍ. قَالَ: فَجَعَلَ يَشْتَرِي بِثَمَنِهِ الثُّوبَ وَالثُّوبِينَ وَيَعْرِضُ وَيَشْتَرِي وَيَبِيعُ حَتَّى أَثْرَى، وَعَرَّضَ وَجْهَهُ وَأَصَابَ مَعْرُوفًا. (١)

الكافي عن صفوان بن يحيى عن عبد الرحمان بن الحجاج: كَانَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا بِالْمَدِينَةِ، فَضَاقَ ضَيْقًا شَدِيدًا وَاشْتَدَّتْ حَالُهُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذْهَبْ فَخُذْ حَانُوتًا فِي السُّوقِ وَابْسُطْ بِسَاطًا، وَلِيَكُنْ عِنْدَكَ جِرَّةٌ مِنْ مَاءٍ، وَالزَّمْ بَابَ حَانُوتِكَ، قَالَ: فَفَعَلَ الرَّجُلُ، فَمَكَثَ مَا شَاءَ اللَّهُ. قَالَ: ثُمَّ قَدِمْتَ رُفْقَهُ مِنْ مِصْرَ فَالْقُوا مَتَاعَهُمْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ عِنْدَ مَعْرِفَتِهِ وَعِنْدَ صِدْقِهِ حَتَّى مَلَّؤُوا الْحَوَانِيتَ، وَبَقِيَ رَجُلٌ مِنْهُمْ لَمْ يُصِبْ حَانُوتًا يُلْقَى فِيهِ مَتَاعُهُ، فَقَالَ لَهُ أَهْلُ السُّوقِ: هَاهُنَا رَجُلٌ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَلَيْسَ فِي حَانُوتِهِ مَتَاعٌ، فَلَوْ أَلْقَيْتَ مَتَاعَكَ فِي حَانُوتِهِ، فَذَهَبَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: أَلْقِ مَتَاعِي فِي حَانُوتِكَ؟ فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ، فَأَلْقَى مَتَاعَهُ فِي حَانُوتِهِ، وَجَعَلَ يَبِيعُ مَتَاعَهُ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ، حَتَّى إِذَا حَضَرَ خُرُوجَ الرُّفْقَةِ بَقِيَ عِنْدَ الرَّجُلِ شَيْءٌ يَسِيرٌ مِنْ مَتَاعِهِ، فَكَّرَ الْمَقَامَ عَلَيْهِ، فَقَالَ لِصَاحِبِنَا: أَخْلَفْ هَذَا الْمَتَاعَ عِنْدَكَ تَبِيعُهُ وَتَبِعْتُ إِلَيْ بَثْمَنِهِ؟ قَالَ: فَقَالَ: نَعَمْ. فَخَرَجَتِ الرُّفْقَةُ وَخَرَجَ الرَّجُلُ مَعَهُمْ وَخَلَفَ الْمَتَاعَ عِنْدَهُ، فَبَاعَهُ صَاحِبِنَا وَبَعَثَ بِثَمَنِهِ إِلَيْهِ. قَالَ: فَلَمَّا أَنْ تَهَيَّأَ خُرُوجَ رُفْقَةِ مِصْرَ مِنْ مِصْرَ بَعَثَ إِلَيْهِ بِبِضَاعِهِ، فَبَاعَهَا وَرَدَّ إِلَيْهِ ثَمَنَهَا، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ الرَّجُلُ أَقَامَ بِمِصْرَ وَجَعَلَ يَبِيعُ إِلَيْهِ بِالْمَتَاعِ وَيُجْهِّزُ عَلَيْهِ. قَالَ: فَأَصَابَ وَكَثُرَ مَالُهُ وَأَثْرَى. (٢)

١- الكافي: ٣ / ٣٠٤ / ٥، تهذيب الأحكام: ٧ / ٤ / ١٣ نحوه، بحار الأنوار: ٤٧ / ٣٧٦ / ٩٩.

٢- الكافي: ٥ / ٣٠٩ / ٢٥، بحار الأنوار: ٤٧ / ٣٧٧ / ١٠٠.

الکافی از ابن فضال از ابوعمار طیار: به امام صادق علیه السلام گفتم: «مالم از کف رفته و آن چه داشته ام نابود شده و نانخورانم بسیارند». امام صادق علیه السلام به وی فرمود: «هر گاه به کوفه رسیدی، در دکانت را بگشای و بساطت را بگستر و ترازویت را در میان نه و به روزی پروردگارت روی آور». گفت: «چون باز آمد، در دکانش را گشود و بساطش را گستر و ترازویش را در میان نهاد». گفت: «پیرامونیانش در شگفتی شدند، زیرا نه در خانه اش کالایی کم یا زیاد بود و نه نزدش چیزی». گفت: «پس مردی نزد وی آمد و گفت: برای من جامه ای بخر». گفت: «برای آن مرد جامه ای خرید و قیمتش را ستاند و مبلغ نزد او ماند». سپس کسی دیگر نزد او آمد و به وی گفت: «برایم جامه ای بخر». گفت: «او در پی جامه در بازار گشت و برایم جامه ای خرید و بهایش را ستاند و آن هم نزدش ماند». و تاجران چنین عمل می کردند؛ یعنی برخی از دیگران کالایی را [به امانت] می گرفتند [و بعد بهایش را می دادند]. سپس مردی دیگر نزدش آمد و گفت: «ای ابوعمار! مرا دو لنگه بار کتان است. آیا آن را می خری، بدین گونه که بهایش را یک سال بعد از تو بستانم؟» گفت: «آری؛ آن را بگیر و نزد من آور». گفت: «آن مرد، بار را نزد وی آورد و او آن را از مرد خرید، بدین گونه که یک سال بعد بهایش را بپردازد». گفت: «آن مرد برخاست و برفت. آن گاه، یکی از بازاریان نزد وی آمد و گفت: ای ابوعمار! این لنگه بار چیست؟ گفت: این لنگه باری است که خود، خریده ام. گفت: نیمی از آن را به من بفروش و من بهایش را پیشتر به تو می پردازم. گفت: چنین می کنم. و آن را به وی فروخت؛ نیمی از کالا را داد و نیمی از قیمت را ستاند. گفت: «بدین سان، باقیمانده کالا تا یک سال در دست وی بود». گفت: «پس با بهای آن، یک جامه و دو جامه خرید و عرضه کرد و باز خرید و فروخت تا آن که ثروتمند شد و آبرویی یافت و به جایگاهی شایسته رسید.

الکافی از صفوان بن یحیی از عبدالرحمان بن حجاج: مردی از یاران ما در مدینه به تنگنای شدید دچار گشت و روزگار بر او سخت شد. امام صادق علیه السلام به وی فرمود: «برو و در بازار دکانی بگیر و بساط بگستر و کوزه ای آب نزد خود گذار و همواره بر در مغازه ات باش!» گفت: «آن مرد چنین کرد و در این کار پایداری ورزید». گفت: «پس از چندی، کاروانی از مصر در رسید و هر یک از افراد کالایش را به آشنایی و دوستی سپرد، چندان که دکان ها را پر کردند. یک تن باقی ماند که دکانی نیافت تا کالایش را در آن نهد. بازاریان به او گفتند: این جا مردی است قابل اعتماد که در دکانش کالایی نیست. خوب است کالایت را در دکان او گذاری! مرد نزد وی آمد و به او گفت: کالایم را در دکانت گذارم؟ گفت: آری. پس کالایش را در دکان وی نهاد و فروش کالایش را، یک به یک، آغاز کرد. آن گاه که وقت حرکت کاروان رسید، اندکی از کالایش باقی مانده بود. او که نمی خواست بر سر آن مقدار بماند، به دوست ما گفت: آیا این کالا را نزد تو وانهم تا بفروشی و قیمتش را برایم بفرستی؟». گفت: «مرد جواب داد: آری. پس کاروان برون شد و مرد با آنان برفت و کالا را نزد وی نهاد. دوست ما آن را فروخت و بهایش را برای وی فرستاد». گفت: «دیگر بار که کاروان مصر آماده حرکت از مصر شد، آن مرد کالایی برای وی فرستاد و او آن را فروخت و بهایش را برایم ارسال کرد. آن مرد، چون چنین دید، در مصر بماند و برای وی کالا می فرستاد و متاعش را فراهم می ساخت». گفت: «بدین سان، توفیق یافت و مالش افزون گشت و ثروتمند شد».

تهذيب الأحكام عن علي بن عقبه: قال أبو عبد الله عليه السلام لمولاي له: يا عبد الله، احفظ عزك، قال: وما عزى جعلت فداك؟ قال: غدوك إلى سوقك، وإكرامك نفسك. وقال لآخر مولاي له: ما لي أراك تركت غدوك إلى عزك؟ قال: جنازة أردت أن أحضرها. قال: فلا تدع الرواح إلى عزك. (١)

تهذیب الأحكام از علی بن عقبه: امام صادق علیه السلام به یکی از خدمتکارانش فرمود: «ای عبدالله! عزّت خود را نگاه دار». گفت: «فدایت شوم، عزّتم در چیست؟» فرمود: «صبحگاهان روان شدنت به بازار و [از این طریق] حفظ کرامت خود». و به یکی دیگر از خدمتکارانش فرمود: «چرا می بینمت که صبحگاهان به سوی عزّت خویش روان نشده ای؟» گفت: «می خواستم در تشییع جنازه ای حاضر شوم». فرمود: «پس، در پی آن، حرکت به سوی عزّت خود را ترک مکن».

من لا يحضره الفقيه عن معلى بن خنيس: رَأَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ تَأَخَّرْتُ عَنِ السُّوقِ فَقَالَ لِي: اُغْدُ إِلَى عَزِّكَ . (١)

الإمام الكاظم عليه السلام كَانَ يَقُولُ لِمُصَادِفٍ: اُغْدُ إِلَى عَزِّكَ يَعْنِي السُّوقَ . (٢)

١٢ / ٤ النَّهْيُ عَنِ الإِحْتِكَارِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحْتَكَرَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ طَعَامًا ضَرَبَهُ اللَّهُ بِالْجُذَامِ وَالْإِفْلَاسِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُّ حُكْرِهِ تَضُرُّ بِالنَّاسِ وَتُعْلِي السُّعْرَ عَلَيْهِمْ فَلَا خَيْرَ فِيهَا . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: يُكْرَهُ أَنْ يُحْتَكَرَ الطَّعَامُ وَيُذَرُّ النَّاسَ لِأَشْيَاءَ لَهُمْ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ ، وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَمَنَّى الْعَلَاءَ عَلَى أُمَّتِي لَيْلَةً ، أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ أَرْبَعِينَ سَنَةً . (٧)

١- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٩٢ / ٣٧١٩ .

٢- الكافي: ٥ / ١٤٩ / ٧ ، تهذيب الأحكام: ٧ / ٣ / ٤ كلاهما عن هشام بن أحمد .

٣- سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٢٨ / ٢١٥٥ عن عمر بن الخطّاب، كنز العمال: ٤ / ٩٧ / ٩٧١٨ وص ١٨١ / ١٠٠٦٦؛ طبّ النبي صلى الله عليه وآله: ٤ ، بحار الأنوار: ٦٢ / ٢٩٢ .

٤- دعائم الإسلام: ٢ / ٣٥ / ٧٨ .

٥- عوالي اللآلي: ٢ / ١٣٨ / ٣٨٠ .

٦- الكافي: ٥ / ١٦٥ / ٦ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، تهذيب الأحكام: ٧ / ١٥٩ / ٧٠٢ عن أبي العلاء عن الإمام الصادق عليه السلام صلى الله عليه وآله ، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٢٦٦ / ٣٩٦١ ، التوحيد: ٣٦ / ٣٩٠ عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٢٨ / ٢١٥٣ ، سنن الدارمي: ٢ / ٦٩٩ / ٢٤٤٩ ، السنن الكبرى: ٦ / ٥٠ / ١١١٥١ كلّها عن عمر ، كنز العمال: ٤ / ٩٧ / ٩٧١٦ .

٧- تاريخ بغداد: ٤ / ٦٠ / ١٦٧٦ ، تاريخ دمشق: ٥٧ / ٤ / ١١٩٠٥ كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمال: ٤ / ٩٨ / ٩٧٢١ .

۴ / ۲ بازداشتن از احتکار

من لا- يحضره الفقيه از معلی بن حنیس: در رفتن به بازار تأخیر کرده بودم که امام صادق علیه السلام مرا دید و فرمود: «صبحگاهان به سوی عزت خود روان شو!»

امام کاظم علیه السلام به کسی که با او روبه رو می شد، می فرمود: به سوی عزت خود یعنی بازار بامدادان روانه شو!

۴ / ۲ بازداشتن از احتکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوراک مسلمانان را احتکار کند، خداوند او را به جذام و ورشکستگی تنبیه می فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر انبار کردنی که به مردم زیان رساند و قیمت ها را به ضرر ایشان گران کند، بی خیر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مایه بیزاری است که خوراکی احتکار شود و مردم به حال خود رها گردند، در حالی که چیزی از آن نداشته باشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: طلب کننده روزی، رزق می یابد و احتکار کننده ملعون است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک شب گرانی را برای امت من بخواهد، خداوند عملِ چهل سالش را تباه می سازد.

عنه صلى الله عليه وآله: يُحَشِّرُ الحَاكِرُونَ وَقَتْلَهُ الأَنْفُسِ فِي دَرَجِهِ ، وَمَنْ دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنْ سِعْرِ المُسْلِمِينَ يُغْلِبُهُ عَلَيْهِمْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَذِّبَهُ فِي مُعْظَمِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (١)

المستدرک علی الصحیحین عن أبو أمامه : نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يُحْتَكِرَ الطَّعَامَ . (٢)

الإمام علي عليه السلام : الإحتكارُ داعيةُ الحرمانِ . (٣)

عنه عليه السلام : المُحتَكِرُ محرومٌ نِعْمَتُهُ . (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام : مرَّ رسولُ الله صلى الله عليه وآله بِالمُحتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الأَسْوَاقِ وَحَيْثُ تَنْظُرُ الأَبْصَارُ إِلَيْهَا ، فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : لِمَ قَوِّمْتَ عَلَيْهِمْ ! فَغَضِبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى عُرِفَ الغَضَبُ فِي وَجْهِهِ وَقَالَ : أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ؟! إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ . (٥)

مسند ابن حنبل عن أبو يحيى عن فروخ مولى عثمان : إِنَّ عُمَرَ وَهُوَ يَوْمَئِذٍ أَمِيرُ المُؤْمِنِينَ خَرَجَ إِلَى المَسْجِدِ فَرَأَى طَعَاماً مَنثوراً ، فَقَالَ : مَا هَذَا الطَّعَامُ ؟ فَقَالُوا : طَعَامٌ جُلِبَ إِلَيْنَا ، قَالَ : بَارَكَ اللَّهُ فِيهِ وَفِي مَنْ جَلَبَهُ ، قِيلَ : يَا أَمِيرَ المُؤْمِنِينَ ، فَإِنَّهُ قَدْ احْتَكَرَ ، قَالَ : وَمَنْ احْتَكَرَهُ ؟ قَالُوا : فَرُوخٌ مِوَلَى عُثْمَانَ وَفُلَانٌ مِوَلَى عُمَرَ ، فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمَا فَدَعَاهُمَا فَقَالَ : مَا حَمَلَكُمَا عَلَى احْتِكَارِ طَعَامِ المُسْلِمِينَ ؟ قَالَا- : يَا أَمِيرَ المُؤْمِنِينَ ، نَشْتَرِي بِأَمْوَالِنَا وَنَبِيعُ ! فَقَالَ عُمَرُ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ : مَنْ احْتَكَرَ عَلَى المُسْلِمِينَ طَعَامَهُمْ ضَرَبَهُ اللَّهُ بِالإِفْلَاسِ أَوْ بِجُرْدَامٍ . فَقَالَ فَرُوخٌ عِنْدَ ذَلِكَ : يَا أَمِيرَ المُؤْمِنِينَ ، أَعَاهَدُ اللَّهَ وَأَعَاهِدُكَ أَنْ لَا أَعُودَ فِي طَعَامٍ أَبَدًا ، وَأَمَّا مَوْلَى عُمَرَ فَقَالَ : إِنَّمَا نَشْتَرِي بِأَمْوَالِنَا وَنَبِيعُ ! قَالَ أَبُو يَحْيَى : فَلَقَدْ رَأَيْتُ مَوْلَى عُمَرَ مَجْدُومًا . (٦)

١- . الترغيب والترهيب : ٢ / ٥٨٤ / ٧ نقلًا عن رزين عن أبي هريره ومعتل بن يسار .

٢- . المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ١٤ / ٢١٦٣ ، السنن الكبرى : ٦ / ٤٩ / ١١١٤٨ ، شعب الإيمان : ٧ / ٥٢٤ / ١١٢١٢ ؛ دعائم الإسلام : ٢ / ٣٥ / ٧٧ نحوه .

٣- . غرر الحكم : ٢٥٦ .

٤- . غرر الحكم : ٤٦٥ .

٥- . التوحيد : ٣٣ / ٣٨٨ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٦٥ / ٣٩٥٥ كلاهما عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٦١ / ٧١٣ ، الاستبصار : ٣ / ١١٥ / ٤٠٨ كلاهما عن ضميره عن الإمام علي عليه السلام .

٦- . مسند ابن حنبل : ١ / ٥٥ / ١٣٥ ، كنز العمال : ٤ / ١٨١ / ١٠٠٦٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :احتکار کنندگان و قاتلان مردم در یک رتبه [به روز قیامت] برانگیخته می شوند . و هر کس در بخشی از [بازار و] قیمت [کالاهای] مسلمانان راه یابد تا آن را بر ایشان گران کند ، سزاوار است که خداوند در روز قیامت ، او را در بخش بزرگ آتش درآورد .

المستدرک علی الصحیحین از ابو اُمّامه :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از احتکار کردن خوراک باز می داشت .

امام علی علیه السلام :احتکار ، فراخوانِ ناکامی است .

امام علی علیه السلام :احتکار کننده از نعمتِ [مخصوص] خود ، ناکام می ماند .

امام زین العابدین علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به احتکار کنندگان برگزشت و فرمان داد تا آن چه احتکار کرده اند ، به میان بازار آورده شود ، به گونه ای که تماشاگران آن را ببینند . سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: «خوب بود خود ، برای آنان قیمت تعیین می کردی!» وی به خشم درآمد چندان که غضب در چهره اش نمود یافت و فرمود: «من برای آنان قیمت تعیین کنم؟ قیمت گذاری تنها از آن خدا است ؛ هر گاه خواهد ، بالایش برَد و هر گاه خواهد ، پایش آورد» .

مسند ابن حنبل ابو یحیی از فروخ ، خدمتکار عثمان :در روزگاری که عُمر حاکم مسلمانان [در متن : امیرمؤمنان] بود ، به مسجد درآمد و خوراکی پراکنده دید . گفت: «این خوراک چیست؟» گفتند : «خوراکی است که برای ما فراهم آمده است» . گفت : «خدای برکت دهد این خوراک را و فراهم آورنده اش را» . گفته شد: «ای امیرالمؤمنین! این خوراکی است احتکار شده!» گفت: «چه کسی آن را احتکار کرده است؟» گفتند : «فُروخ ، خدمتکار عثمان ؛ و فلانی ، خدمتکار عُمر» . وی در پی آن دو فرستاد و گفت: «به چه انگیزه ، خوراک مسلمانان را احتکار کردید؟» گفتند : «ای امیرالمؤمنین! با دارایی خود ، می خریم و می فروشیم» . عُمر گفت: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر کس خوراک مسلمانان را احتکار کند ، خداوند او را به ورشکستگی یا جذام تنبیه فرماید» . در این حال ، فروخ گفت: «ای امیرالمؤمنین! با خدا و تو عهد می بندم که دیگر هرگز به سراغ [احتکار] خوراک نروم» . اما خدمتکار عمر گفت: «ما فقط با دارایی خود ، می خریم و می فروشیم» . ابویحیی گفت: «من ، خود ، خدمتکار عمر را دیدم که دچار جذام شد» .

الإمام علي عليه السلام من كتابه إلى رفاعه: إنه عن الحكره، فمن ركب النهي فأوجعه، ثم عاقبه بإظهار ما احتكر. (١)

عنه عليه السلامين كتابه للأشتر النخعي حين ولّاه مصر: أعلم مع ذلك أن في كثيرٍ منهم ضيقاً فاحشاً، وشحاً قبيحاً، واحتكاراً للمنافع، وتحكماً في البيعات، وذلك باب مَصْرَه للعامة، وعيبت على الولاه، فأمنع من الاحتكار؛ فإن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منع منه. وليكن البيع بيعاً سيمحاً: بموازينٍ عدلٍ، وأسعارٍ لا تُجحف بالفريقتين من البائع والمبتاع. فمن قارف حكرة بعد نهيك إياه فنكل به، وعاقبه في غير إسراف. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مكروه أن يُحتكر الطعام ويُترك الناس ليس لهم طعام. (٣)

١- دعائم الإسلام: ٢ / ٣٦ / ٨٠.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ١٤٠، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٨٨ / ٩.

٣- عوالي اللآلي: ٢ / ٢٤٢ / ٤.

امام علی علیه السلام از نامه اش به رفاعه : احتکار را نهی کن ؛ و هر کس از این نهی سرپیچید ، مجازاتش کن و آن گاه او را وادار که آن چه را احتکار کرده ، آشکار سازد .

امام علی علیه السلام از نامه اش به اشتر نخعی ، آن گاه که وی را به کارگزاریِ مصر گماشت : با این همه ، بدان که بسیاری از ایشان [=بازرگانان] مردمی تنگ نظر و سخت بخیل هستند و احتکار می کنند و به میل خود برای کالاها قیمت می گذارند و با این کار ، به مردم زیان می رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند . پس از احتکار باز دار ؛ که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را منع فرمود . و باید خرید و فروش آسان و بر موازین عدل باشد ، با قیمت هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار . پس از آن که احتکار را ممنوع کردی ، اگر کسی باز به احتکار روی آورد ، مجازاتش کن ، ولی در مجازات وی زیاده روی مکن .

امام صادق علیه السلام : مایه بیزاری است که خوراک احتکار شود و مردم بی خوراک رها گردند .

٣ / ٤ ما وَرَدَ فِي التَّسْعِيرِ ٣ / ٤ الْمَسْعَرُ هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَوَّلَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا لَا أُسْعَرُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الْمَسْعَرُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الغلاء والرخص جندان من جنود الله تعالى، يسمي أحدهما: الرغبه، والآخر: الرهبه، فإذا أراد الله تعالى أن يغليه قذف الرغبه في صدور التجار فرغبوا فيه فحبسوه، وإذا أراد أن يرخصه قذف الرهبه في صدور التجار فأخرجوه من أيديهم. (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إن الله عز وجل وكل بالسعر ملكاً يدبره بأمره. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إن الله عز وجل وكل بالأسعار ملكاً يدبرها. (٤)

٣ / ٤ امتناع النبي عن التسعير أسد الغابه عن ابن نضله: إنهم قالوا للنبي صلى الله عليه وآله في عام سنه: سحر لنا يا رسول الله، فقال: لا يسألني الله عن سنه أحدثتها فيكم لم يأمرني بها، ولكن سلوا الله من فضله. (٥)

١- تنبيه الغافلين: ١٩٢ / ٢٤٦.

٢- تاريخ بغداد: ٨ / ٥٠ / ٤١٠٩، الفردوس: ٣ / ١١٣ / ٤٣١٢ كلاهما عن أنس، كنز العمال: ٤ / ١٠٢ / ٧٤٧

٣- الكافي: ٥ / ١٦٣ / ٣، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٢٦٨ / ٣٩٧٠، التوحيد: ٣٨٩ / ٣٤، كلها عن أبي حمزه الثمالي، بحار الأنوار: ٥ / ١٤٨ / ٩.

٤- الكافي: ٥ / ١٦٣ / ٤ عن يعقوب بن يزيد عن ذكره، بحار الأنوار: ٥ / ١٤٨ / ١٠ وراجع الكافي: ٥ / ١٦٢ / ٢.

٥- أسد الغابه: ٦ / ٣٤٣ / ٦٤٠١، كنز العمال: ٤ / ١٠٣ / ٩٧٤٨ نقلاً عن الطبراني وفيه «أصاب الناس سنه فقالوا...».

۴ / ۳ آن چه درباره قیمت گذاری ، بیان شده است

۴ / ۳ قیمت گذار ، خدا است

۴ / ۳ خودداری پیامبر از قیمت گذاری

۴ / ۳ آن چه درباره قیمت گذاری ، بیان شده است ۴ / ۳ - قیمت گذار ، خدا است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من قیمت تعیین نمی کنم ؛ که همانا قیمت گذار ، خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گرانی و ارزانی دو سپاه از سپاهیان خدای تعالی هستند ؛ یکی از آن ها «خواستاری» نامیده می شود و دیگری «بیمناکی» . پس هر گاه خدای تعالی بخواهد کالایی را گران کند ، خواستاری آن را در دل های بازرگانان می اندازد و ایشان در آن رغبت می ورزند و در بندش می کشند ؛ و هر گاه خواهد آن را ارزان سازد ، بیمناکی از آن رادر دل های بازرگانان می اندازد و ایشان آن را از کف خویش برون می کنند .

امام زین العابدین علیه السلام : همانا خداوند ، فرشته را کار گزار قیمت کرده است که آن را به امر او ، تدبیر می کند .

امام صادق علیه السلام : همانا خداوند ، فرشته ای را بر قیمت ها گمارده تا آن ها را تدبیر کند .

۴ / ۳ - ۲ خودداری پیامبر از قیمت گذاری یاسد الغابه از ابن نضله : در سال قحطی ، ایشان به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند : «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن» . فرمود: «خداوند مرا به سبب برنهادن سنتی در میان شما که مرا به آن امر نفرموده ، بازخواست نخواهد کرد ؛ لیکن فضل خدا را طلب کنید [تا قحطسالی از شما بگذرد]» .

الإمام الصادق عليه السلام: نَفِدَ الطَّعَامُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَتَاهُ الْمُسْلِمُونَ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَدْ نَفِدَ الطَّعَامُ وَلَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا عِنْدَ فُلَانٍ ، فَمَرَهُ يَبِيعُهُ النَّاسَ . قَالَ : فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ، ثُمَّ قَالَ : يَا فُلَانُ ، إِنَّ الْمُسْلِمِينَ ذَكَرُوا أَنَّ الطَّعَامَ قَدْ نَفِدَ إِلَّا شَيْئًا عِنْدَكَ ، فَأَخْرِجْهُ وَبِعْهُ كَيْفَ شِئْتَ ، وَلَا تَحْبِسْهُ . (١)

سنن الترمذى عن أنس بن مالك: غَلَا السُّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، سَعَّرَ لَنَا ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُسَعِّرُ ، الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الرَّازِقُ ، وَإِنِّي لأَرْجُو أَنْ أَلْقَى رَبِّي وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ يَطْلُبُنِي بِمَظْلَمَةٍ فِي دَمٍ وَلَا مَالٍ . (٢)

من لا يحضره الفقيه: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَوْ سَعَّرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَتَنْقُصُ! فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِيَدِهِ لَمْ يُحْدِثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا ، فَدَعَوْا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ ، وَإِذَا اسْتَنْصَحْتُمْ فَانصَحُوا .

(٣)

الإمام علي عليه السلام: رُفِعَ الْحَدِيثُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَحَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا ، فَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَوْ قَوْمَتَ عَلَيْهِمْ! فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ ، فَقَالَ : أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ؟! إِنَّمَا السُّعْرُ إِلَى اللَّهِ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ . (٤)

١- الكافي: ٢ / ١٦٤ / ٥ ، تهذيب الأحكام: ٧ / ١٥٩ / ٧٠٥ وفيه «فقد» بدل «نفد» وكلاهما عن حذيفة بن منصور .

٢- سنن الترمذى: ٣/٦٠٥/١٣١٤ ، سنن أبي داود: ٣/٢٧٢/٣٤٥١ ، سنن ابن ماجه: ٢/٧٤١ / ٢٢٠٠ ، سنن الدارمى: ٢ / ٦٩٩ / ٢٤٥٠ ، مسند ابن حنبل: ٤ / ٥٧١ / ١٤٠٥٩ وص ٣١٣ / ١٢٥٩٢ نحوه ، كنز العمال: ٤ / ١٨٤ / ١٠٠٧٧ .

٣- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٢٦٨ / ٣٩٦٩ ، التوحيد: ٣٣ / ٣٨٨ وليس فيه «وإذا استنصحتهم فانصحو» .

٤- تهذيب الأحكام: ٧ / ١٦١ / ٧١٣ عن عبد الله بن ضميره عن أبيه عن جدّه ، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٢٦٥ / ٣٩٥٥ ، التوحيد: ٣٣ / ٣٨٨ عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

امام صادق علیه السلام: در دوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، [یک بار] خوراک نایاب شد . مسلمانان نزد وی آمدند و گفتند: «ای رسول خدا ، خوراک نایاب شده و هیچ چیز از آن باقی نمانده ، مگر نزد فلانی ؛ او را فرمان ده تا آن را به مردم بفروشد» . [راوی] گفت : «پس پیامبر سپاس و ستایش خدای را به جای آورد و سپس فرمود : ای فلانی! مسلمانان گفته اند که خوراک نایاب شده جز مقداری که نزد تو است ؛ پس آن را برون آور و هر گونه که خواهی ، بفروش ؛ و آن را دربند نکن» .

سنن الترمذی از انس بن مالک: در روزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، نرخ ها بالا رفت . گفتند : «ای رسول خدا! برای ما قیمت تعیین کن» . فرمود: «همانا خداوند قیمت گذار است و همو است که [روزی ها را] برمی بندد و می گشاید و رزق می بخشد . و هر آینه من امید دارم که خدا را دیدار کنم ، در حالی که هیچ یک از شما در خون یا مال ، از من دادخواهی نکند» .

من لایحضره الفقیه: به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: «خوب است برای ما قیمت گذاری ؛ زیرا قیمت ها بالا می روند و پایین می آیند» . فرمود: «من چنان نیستم که خدا را دیدار کنم در حالی که بدعتی نهاده ام که او مرا در آن مُجاز نفرموده است . پس اجازه دهید که بندگان خدا از [داد و ستد با] یکدیگر روزی بخورند . و هر گاه از شما اندرز خواستم ، اندرزم دهید» .

امام علی علیه السلام: سخن به رسول خدا صلی الله علیه و آله کشیده شد که وی به احتکار کنندگان برگذشت و فرمان داد تا آن چه را احتکار کرده اند ، به میان بازار آورده شود ، به گونه ای که تماشاگران آن را ببینند . سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: «خوب بود خود ، برای آنان قیمت تعیین می کردی!» وی به خشم درآمد چندان که غضب در چهره اش نمود یافت و فرمود: «من برای آنان قیمت تعیین کنم؟ قیمت گذاری تنها از آن خدا است ؛ هر گاه خواهد ، بالایش برَد و هر گاه خواهد ، پایشش آورد» .

٤ / ٣ / ٣ الأَمْرُ بِإِقَامَةِ الْأَسْعَارِ الْعَادِلِهَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كِتَابِهِ لِلْأَشْتَرِ النَّخَعِيِّ حِينَ وُلَّاهُ مِصْرَ: فَامْتَنَعَ مِنَ الْإِحْتِكَارِ؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمَنْعَ مِنْهُ . وَلَيْكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا : بِمَوَازِينِ عَدْلٍ ، وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ . (١)

٤ / ٣ / ٤ الْمَنْعُ عَنِ الْغَلَاءِ غَيْرِ الْمُبَاشِرِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ : مَا سَعَّرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَحَدٍ ، وَلَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنِ بَيْعِ النَّاسِ قِيلَ لَهُ : بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَإِلَّا فَارْفَعْ مِنَ السُّوقِ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطْيَبَ مِنَ طَعَامِ النَّاسِ . (٢)

٤ / ٣ / ٥ الْمَنْعُ مَتَى الْإِنْقَاصِ عَنِ قِيَمَةِ السُّوقِ الْمُسْتَدْرَكِ عَلَى الصَّحِيحِينَ عَنِ الْيَسَعِ بْنِ الْغَيْرِهِ : مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْمَرْجُلِ بِالسُّوقِ يَبِيعُ طَعَامًا بِسِعْرِ هُوَ أَرْخَصُ مِنَ سِعْرِ السُّوقِ ، فَقَالَ : تَبِيعَ فِي سَوْقِنَا بِسِعْرِ هُوَ أَرْخَصُ مِنْ سِعْرِنَا ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : صَبْرًا وَاحْتِسَابًا؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : أَبَشِّرْ ! فَإِنَّ الْجَالِبَ إِلَى سَوْقِنَا كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَالْمُحْتَكِرَ فِي سَوْقِنَا كَالْمُلْحِدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ . (٣)

١- نهج البلاغه : الكتاب ٥٣ ، تحف العقول : ١٤٠ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٨٨ / ٩ .

٢- دعائم الإسلام : ٢ / ٣٦ / ٨١ .

٣- المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ١٥ / ٢١٦٧ ، کنز العمال : ٩٩ / ٤ / ٩٧٣٠ .

۴ / ۳ فرمان جاری کردن قیمت های عادلانه**۴ / ۳ بازداشتن از گرانی ، به صورت غیر مستقیم****۴ / ۳ بازداشتن از برنهادن قیمتی پایین تر از قیمت بازار**

۴ / ۳ - ۳ فرمان جاری کردن قیمت های عادلانه امام علی علیه السلام از نامه وی به اشتر نخعی ، آن گاه که او را به کارگزاری مصر گماشت : پس از احتکار بازدار ؛ که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را منع فرمود . و باید خرید و فروش آسان و بر موازین عدل باشد ، با قیمت هایی که نه به فروشنده زیان رساند و نه به خریدار .

۴ / ۳ - ۴ بازداشتن از گرانی ، به صورت غیر مستقیم امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤالی درباره قیمت گذاری : امیر المؤمنین علیه السلام برای هیچ کسی قیمت گذاری نکرد ؛ اما هر کس در مقایسه با معاملات [رایج] مردم ، فروگذاری می کرد ، به وی گفته می شد: «همان گونه که مردم خرید و فروش می کنند ، عمل کن ؛ و گرنه از بازار کناره گیر!» مگر آن که خوراک [و کالای وی] بهتر از خوراک [و کالای] دیگران بود .

۴ / ۳ - ۵ بازداشتن از برنهادن قیمتی پایین تر از قیمت بازار امامتدرک علی الصحیحین از یسع بن غیره : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بازار به مردی برگذشت که خوراکی را با قیمتی پایین تر از قیمت بازار می فروخت . فرمود : «آیا در بازار ما ، با قیمتی کم تر از قیمت ما می فروشی؟» گفت: «آری» . فرمود : «به انگیزه صبوری و از خدا پاداش گرفتن؟» گفت: «آری» . فرمود : «تو را بشارت باد! همانا آورنده جنس به بازار ما همانند جهاد کننده در راه خدا است ؛ و احتکار کننده در بازار ما همانند کسی است که در کتاب خدا ، کافر شمرده شده است» .

ص: ٢٩٠

راجع: (كنز العمال: ٤ / ١٨٣ / ١٠٠٧٥ و ١٠٠٧٦).

ص: ٢٩١

ر.ك: (كتر العمال: ٤ / ١٨٣ / ١٠٠٧٥ و ١٠٠٧٦).

نگاهی به احادیث قیمت گذاری

نگاهی به احادیث قیمت گذاری همان گونه که پیش تر در متن اشاره شد ، احادیث قیمت گذاری را می توان به چند دسته تقسیم کرد که از این قرارند : دسته یکم : احادیثی که تصریح می کنند خداوند سبحان قیمت گذار و تعیین کننده بهای کالاها است یا همو است که فرشته ای را بر این کار گماشته تا آن را تدبیر کند . دسته دوم : احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که مضامین احادیث دسته یکم را تأیید می کنند و به موجب آن ها ، وی پیشنهاد قیمت گذاری را که مردم طرح کردند ، سخت رد کرده ، آن را ستم و بدعت می شمارد . دسته سوم : روایتی که در آن ، امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمان می دهد که از احتکار پیشگیری کند و با تنظیم برنامه ای ، قیمت ها را به شکلی عادلانه تنظیم نماید ، چندان که به فروشنده یا خریدار ستم نشود . دسته چهارم : روایتی که بر پایه آن ، امام امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت غیر مستقیم ، از بالا بردن قیمت ها جلوگیری کرد ، بدین سان که به فروشنده اجازه نفرمود بهایی افزون تر از بهای رایج در بازار را از مشتری بگیرد حال آن که از کالا کاسته و کالایی بهتر عرضه نکرده است و آن گاه که کسی بخواهد چنین

معامله ای کند، امام فرمان داد که او را از بازار بیرون کنند. (۱) دسته پنجم: حدیثی که به موجب آن، پیامبر صلی الله علیه و آله خشنود نبود که فروشنده ای کالایش را به قیمتی پایین تر از بهای بازار بفروشد، مگر آن که برای انگیزه ای خدایی باشد. احادیث دسته های یکم و دوم و چهارم دلالت دارند که در نظام اسلامی، نمی توان برای کالاها قیمت گذاری کرد؛ و این، خلاف فرمانی است که امام امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر داد تا قیمت ها را به صورتی عادلانه و دور از اجحاف تنظیم نماید. برای روشن شدن مراد این احادیث و دریافتن معنایی استوار و معین از آن ها، پاسخ گویی به این سؤالات ضرورت دارد: ۱. مراد از این که خداوند سبحان قیمت گذار است، چیست؟ ۲. چرا در زمان خشکسالی، پیامبر قیمت گذاری را مردود دانست و آن را به سختی رد کرد؟ ۳. اگر نظام قیمت گذاری در اسلام مجاز نیست، چرا امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمان داد که قیمت ها عادلانه و دور از اجحاف تنظیم شود؟ قیمت گذار بودن خداوند می توان قیمت را به دو گونه تقسیم کرد: طبیعی و غیر طبیعی. قیمت طبیعی در چهارچوب وضعیت و زمینه های واقعی کالا و بازار قرار دارد، مانند نوع، تعداد، سختی تولید، توزیع، نگهداری، تقاضا، و هر چه در تعیین قیمت حقیقی کالا

۱- یکی از پژوهشگران این روایت را همچون دسته پنجم معنا کرده، یعنی فروشنده نباید کالا را با بهایی کم تر از بهای بازار بفروشد (السوق فی ظلّ الدوله الاسلامیه). اما با اندیشیدن در بخش پایانی روایت، آشکار می شود که تفسیری که ما ارائه کرده ایم، به واقعیت نزدیک تر است.

تأثیر دارد. اما قیمت غیرطبیعی ناشی از وضعیّت های غیر طبیعی است که فروشنده پدید می آورد، مانند احتکار، تبانی و توطئه بر قیمت معین، و ایجاد بازار سیاه. در پرتو این تقسیم بندی، قیمت خدایی همان قیمت طبیعی است. ظاهراً روایاتی که قیمت گذاری را به خداوند سبحان نسبت می دهند، از این مفهوم حکایت دارند که هر کالایی دارای قیمتی برآمده از زمینه های واقعی ایجاد و تولید آن کالا و حالت طبیعی بازار است. پس آن چه حاصل میزان سختی تولید و وضع طبیعی بازار است، در قیمت طبیعی جلوه می یابد که به موجب این احادیث، از جانب خدای سبحان است و چنان چه عوامل غیر طبیعی به میان نیایند، همین قیمت در بازار رواج می یابد. مخالفت پیامبر صلی الله علیه و آله با قیمت گذاری دسته بندی دوگانه قیمت که به آن اشاره شد، موضع دولت در مسأله قیمت گذاری را تبیین می کند. یعنی اگر قیمت گذاری دولتی به معنای پایین آوردن قیمت طبیعی کالا باشد، در حقیقت ستم به تولید کننده و آسیب رسانی به حرکت تولید است. شک نیست که پایین آوردن تولید موجب واپس ماندگی اقتصادی است و از این روی، دولت حق ندارد قیمت کالاها را پایین تر از قیمت طبیعی که با سختی تولید و وضع طبیعی بازار هماهنگ است، تعیین کند حتی اگر بحران یا کمبود کالا پیش آمده باشد؛ بلکه وظیفه دارد با عوامل غیر طبیعی که قیمت ها را از حدّ طبیعی بالاتر می برند، رویارویی کند. بر این اساس، روشن می شود که چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و امام امیرالمؤمنین علیه السلام با

قیمت گذاری مخالفت کرده و ضمناً با احتکار هم ستیزیده اند. این موضع گیری، از سویی، زیان و ظلم به تولید کننده را پیشگیری می کند این ظلم، خود، به پایین آمدن سطح تولید می انجامد و از دیگر سو، عوامل افزایش بی ضابطه قیمت ها را از میان می برد. بدین ترتیب، فقیهانی که قیمت گذاری را به صورت مطلق غیر مجاز شمرده اند، ظاهراً به این معنا نظر داشته اند. (۱) عادلانه بودن قیمت ها در روزگار امام امیرالمؤمنین علیه السلام با ملاحظه آن چه گذشت، روشن می شود که فرمان امام امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک برای آسان سازی خرید و فروش با موازین عادلانه و قیمت های متناسب با حق فروشنده و مشتری، نه تنها با موضع پیامبر صلی الله علیه و آله در مخالفت با قیمت گذاری منافات ندارد، بلکه در همان سمت و سو است، لیکن از زاویه رویارویی با عوامل مؤثر در افزایش بی ضابطه قیمت ها. به بیان روشن تر: فرمان امام امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر، تأکیدی است بر این که داد و ستد باید آسان باشد و قیمت ها با موازین عادلانه تنظیم گردد. بدین جهت، امام به وی فرمان نداده که قیمت ها را پایین آورد و تردیدی نیست

۱- گروهی از فقیهان قیمت گذاری را غیر مجاز دانسته اند، از جمله شیخ طوسی در نهاییه (ص ۳۷۴) و مبسوط (ج ۲، ص ۱۹۵)؛ ابن زهره در غنیه (الجوامع الفقهیه، ص ۵۲۸)؛ محقق در شرایع (ج ۲، ص ۲۱)؛ علامه در قواعد (ج ۱، ص ۱۳۲) و مختصر (ص ۱۲۰). حتی در مفتاح الکرامه این نظر اجماعی دانسته شده و چنین آمده: «به دلیل اجماع و خبرهای متواتر، آن گونه که در سرائر آمده؛ و نبودن اختلاف میان مسلمانان در این مسأله، چنان که در مبسوط آمده؛ و نبودن اختلاف میان شیعیان در این مسأله، آن سان که در تذکره آمده است». حضرت خوئی پس از فتوا دادن به جایز نبودن قیمت گذاری، گفته است: «آری؛ اگر فروشنده در قیمت گذاری اجحاف کند، چندان که گونه ای از احتکار شمرده شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیش تر که در حدّ توان خرید مردم باشد، آن کالا را بفروشد. مثلاً اگر بهای یک کیسه گندم صد فلس باشد و احتکار کننده آن را به دو دینار بفروشد، این کار نیز نوعی احتکار است، چنان که پوشیده نیست» (مصباح الفقاهه، ج ۵، ص ۵۰۰).

که تنظیم قیمت ها با موازین عادلانه به معنای زیان رساندن به تولید کننده یا فروشنده نیست ، بلکه همان سان که امام ، خود ، در فرمانش تصریح فرموده ، هدف آن است که قیمت ها به گونه ای تنظیم گردد که نه به فروشنده و نه به مشتری ستم روا نشود ، و این ، تنها هنگامی جامه تحقّق می پوشد که دولت زمینه مناسب را برای عرضه کالا به قیمت طبیعی فراهم آورد . بر همین پایه است که شماری از فقیهان ، فتوا داده اند که در صورت اجحافِ فروشنده ، حاکم می تواند به قیمت گذاری پردازد . (۱) اگر با دقّت به این تحلیل روی آوریم ، می توانیم گفت که فتوای جایز نبودنِ قیمت گذاری ، به قیمت گذاری در مقابل قیمت طبیعی نظر دارد ؛ امّا فتوای جواز مربوط به قیمت گذاری و تعیین قیمت خاص در مقابل قیمت غیر طبیعی ، به انگیزه رویارویی با عوامل ساختگیِ ماورای افزایش قیمت ها به صورت وهمی و غیر واقعی است . بر این مبنا ، میان فتوای فقیهان درباره قیمت گذاری ، ناسازگاری یافت نمی شود .

۱- . فتوای جواز قیمت گذاری ، به این فقیهان نسبت داده شده است: شیخ مفید در مقنعه (ص ۹۶)؛ ابن حمزه در وسیله (الجوامع الفقهیه ، ص ۷۴۵)؛ شهید در دروس (ص ۳۳۲) . در مفتاح الکرامه (ج ۴ ، ص ۱۰۹) آمده است : «در کتب وسیله ، مختلف ، ایضاح ، دروس ، لمعه ، مقتصر ، وتنقیح آمده که حاکم شرع به قیمت گذاری می پردازد ، اگر فروشنده قیمت را ظالمانه تعیین کند ، زیرا این کارش موجب ضرر رسانی به دیگران است که شرع آن را نپذیرفته است» (ولایه الفقیه ، ج ۲ ، ص ۶۶۰) . حضرت خمینی گفته است: «و امّا قیمت گذاری ، در ابتدا جایز نیست؛ لیکن اگر فروشنده اجحاف کند ، ناچار می شود که قیمت را کاهش دهد؛ و گرنه ، حاکم شرع او را ناچار می کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاحدید حاکم ، بفروشد . پس روایات دلالت کننده بر جایز نبودن قیمت گذاری ، شامل این قبیل نمونه ها نمی شوند؛ زیرا در این حال ، قیمت نگذاشتن به احتکار منجر می شود؛ همان گونه که اگر فروشنده برای فرار از فروش کالا ، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ کس نتواند آن را بخرد. بدون اشکال حاکم شرع حقّ تصمیم گیری دارد؛ و آن روایات شامل این حالت نمی شود (کتاب البیع ، ج ۳ ص ۴۱۶).

ارزانیِ خطرناک! در روایتی گذشت که پیامبر صلی الله علیه و آله از کار کسی که می خواست کالایش را با انگیزه غیر خدایی ارزان تر از قیمت بازار بفروشد، اظهار ناخشنودی کرد و آن گاه که عمل او را در چهارچوبی اخلاقی و با انگیزه خدایی (= با صبوری و پاداش خواهی از خدا) قرار داد، از کار او چشم فرو بست. این روایت که از لحاظ سند ضعیف است، از جنبه محتوایی با ضوابط اسلامی سازگار است و با توضیحی که درباره مراد آن گذشت، قابل قبول به نظر می رسد؛ زیرا شك نیست که هر گاه ارزان فروشی با انگیزه شکستن قیمت طبیعی بازار و فرو کاستن بهای واقعی کالا باشد، به حرکت تولید و اقتصاد مملکت سخت آسیب می رساند. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله عمل آن مرد را تأیید نکرد، مگر پس از آن که اطمینان یافت انگیزه وی صحیح است و با نیتی درست، کالایش را ارزان تر از دیگران می فروشد.

٤ / ٤ ما يَتَّبِعِي لِلْبَائِعِ ٤ / ٤ الْبَيْعِ بِسِعْرِ الْيَوْمِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ جَلَبَ طَعَامًا فَبَاعَهُ بِسِعْرِ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا تَصَدَّقَ بِهِ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من جالبٍ يجلبُ طعاماً إلى بلدٍ من بلادِ المسلمينَ فيبيعهُ بسِعْرِ يَوْمِهِ ، إلا كانت منزلةً عندَ اللهِ منزلةَ الشهيدِ. (٢)

راجع: ص ٢٨٨، ح ٥٣٦.

٤ / ٤ الإِرجاحُ في الوِزْرِ رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا وَرَنْتُمْ فَأَرْجِحُوا. (٣)

سنن أبي داود عن سويد بن قيس: جَلَبْتُ أَنَا وَمَخْرَمَةُ الْعَبْدِيُّ بَرًّا مِنْ هَجَرَ، فَأَتَيْنَا بِهِ مَكَّةَ، فَجَاءَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمْشِي، فَسَاوَمَنَا بِسَرَاوِيلَ فَبِعْنَاهُ، وَثَمَّ رَجُلٌ يَزِنُ بِالْأَجْرِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: زِنْ وَأَرْجِحْ. (٤)

١- إحياء علوم الدين: ١١٠ / ٢.

٢- الدر المنثور: ٣٢٣ / ٨، إتحاف السادة: ٤٧٩ / ٥ وفيه «بلدان» بدل «بلاد» وليس فيه «عند الله» وكلاهما نقلًا عن تفسير ابن مردويه عن ابن مسعود.

٣- سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٤٨ / ٢٢٢٢، مسند الشهاب: ١ / ٤٤٣ / ٧٥٩ كلاهما عن جابر.

٤- سنن أبي داود: ٣ / ٢٤٥ / ٣٣٣٦، سنن الترمذی: ٣ / ٥٩٨ / ١٣٠٥، سنن النسائي: ٧ / ٢٨٤، سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٤٨ / ٢٢٢٠، مسند ابن حنبل: ٧ / ٤٥ / ١٩١٢٠، المستدرک علی الصحیحین: ٢ / ٣٥ / ٢٢٣٠ کلها نحوه، کنز العمال: ٤ / ١٥٤ / ٩٩٦١.

۴ / ۴ آن چه فروشنده را سزاوار است

۴ / ۴ فروش کالا به قیمت روز

۴ / ۴ مایل گرفتن کفه ترازو

۴ / ۴ آن چه فروشنده را سزاوار است ۴ / ۴ - فروش کالا به قیمت روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خوراکی را به بازار آورده، به قیمت روز بفروشد، گویی آن را صدقه داده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیست کسی که خوراکی را در سرزمین مسلمانان از جایی به جایی برده، به قیمت روز بفروشد، مگر این که جایگاهش نزد خدا هم‌رتبه شهید است.

ر. ک: ص ۲۸۹، ح ۵۳۶.

۴ / ۴ - ۲ مایل گرفتن کفه ترازو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه وزن می نهید، کفه ترازو را [به سود مشتری] مایل گیرید.

سنن أبی داود از سوید بن قیس: من و مخرمه عبدی قدری جامه های کتانی از سرزمین هَجْر به مکه آوردیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قدم زنان بر ما برگذشت و پس از مذاکره بر قیمت شلواری، آن را از ما خرید. آن جا مردی بود که اجرت می گرفت و اجناس را وزن می کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به وی فرمود: «وزن کن و کفه ترازویت را مایل گیر».

سنن الدارمی عن محارب: سَمِعْتُ جَابِرًا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوَزَنَ لَهُ دَرَاهِمَ فَأَرْجَحَهَا . (١)

سنن النسائي عن أبو صفوان: بَعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَرَاوِيلَ قَبْلَ الْهَجْرَةِ ، فَأَرْجَحَ لِي . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى جَارِيَةٍ قَدْ اشْتَرَتْ لِحْمًا مِنْ قِصَابٍ وَهِيَ تَقُولُ: زِدْنِي ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زِدْهَا ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْبَرَكَةِ . (٣)

٤ / ٥ ما لا يتبغى للبائع ٤ / ٥ المغلاة في الرّيسول الله صلى الله عليه و آله :ليس من المروءة الرّيب على الإخوان . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام: كَمِ مِنْ مَنْقُوصٍ رَاحٍ ، وَمَزِيدٍ خَاسِرٍ! (٥)

١- سنن الدارمی : ٢ / ٧١١ / ٢٤٨٦ .

٢- سنن النسائي : ٧ / ٢٨٤ ، سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٤٨ / ٢٢٢١ ، السنن الكبرى : ٦ / ٥٤ / ١١١٧١ ، المستدرک علی الصحیحین :

٢ / ٣٦ / ٢٢٣١ كلها نحوه ، كنز العمال : ١٣ / ٣٦٥ / ٣٧٠١٢ وراجع مسند ابن حنبل : ٧ / ٤٥ / ١٩١٢١ .

٣- الكافي : ٥ / ١٥٢ / ٨ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٧ / ٢٠ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره

الفقيه : ٣ / ١٩٦ / ٣٧٣٦ ، بحار الأنوار : ٤١ / ١٢٩ / ٣٩ ؛ كنز العمال : ٤ / ١٤٢ / ٩٩٠٩ نقلاً عن عبد الرزاق في المصنّف .

٤- الفردوس : ٣ / ٣٨١ / ٥١٥٧ عن معاوية بن حبيده، تاريخ دمشق : ٦١ / ٣٢٥ / ١٢٦٥١ عن عمر بن شعيب عن أبيه عن جدّه،

كنز العمال : ٣ / ٤٠٨ / ٧١٧٦ .

٥- غرر الحكم : ٦٩٦٠ .

۴ / ۵ آن چه فروشنده را سزاوار نیست

۴ / ۱۵ سود بسیار گرفتن

سنن الدارمی از محارب: از جابر شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای وی چند درهم را وزن کرد و کفه را مایل گرفت .

سنن النسائی از ابوصفوان: پیش از هجرت ، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهشلواری خریدم ؛ وی کفه ترازو را به سود من مایل گرفت .

امام صادق علیه السلام: امیرالمؤمنین علیه السلام بر کنیزی برگذشت که از قصاب گوشت خریده ، می گفت: «قدری بیش تر بده» ؛ امیرالمؤمنین علیه السلام به آن قصاب فرمود: «بیش تر بده ؛ که برکتی بزرگ برایت می آورد» .

۴ / ۵ آن چه فروشنده را سزاوار نیست ۴ / ۵ - ۱ سود بسیار گرفتنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سود گرفتن از دوستان ، جوانمردانه نیست .

امام علی علیه السلام :چه بسا [بهره] اندک که سودمند است و چه بسا [بهره] بسیار که زیانبار است .

عنه عليه السلام: رُبَّ رِبَاحٍ يُوَوَّلُ إِلَى خُسْرَانٍ . (١)

الكافي عن ميسير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَامَّةَ مَنْ يَأْتِينِي مِنْ إِخْوَانِي ، فَحَدِّ لِي مِنْ مُعَامَلَتِهِمْ مَا لَا أَجُوزُهُ إِلَى غَيْرِهِ . فَقَالَ: إِنْ وُلِّيتَ أَحَاكَ فَحَسَنٌ ، وَإِلَّا فَبِعِ الْبَصِيرِ الْمُدَاقُ . (٢)

الكافي عن أبو جعفر الفزاري: دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَوْلَى لَهُ يُقَالُ لَهُ مُصَادِفٌ ، فَأَعْطَاهُ أَلْفَ دِينَارٍ ، وَقَالَ لَهُ: تَجَهَّزْ حَتَّى تَخْرُجَ إِلَى مِصْرَ؛ فَإِنَّ عِيَالِي قَدْ كَثُرُوا . قَالَ: فَتَجَهَّزْتُ بِمَتَاعٍ وَخَرَجْتُ مَعَ التُّجَّارِ إِلَى مِصْرَ ، فَلَمَّا دَنَوْنَا مِنْ مِصْرَ اسْتَقْبَلْتُهُمْ قَافِلَةٌ خَارِجَةٌ مِنْ مِصْرَ ، فَسَأَلُوهُمْ عَنِ الْمَتَاعِ الَّذِي مَعَهُمْ: مَا حَالُهُ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ مَتَاعَ الْعَامَّةِ؟ فَأَخْبَرُوهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ بِمِصْرَ مِنْهُ شَيْءٌ ، فَتَحَالَفُوا وَتَعَاقدُوا عَلَى أَنْ لَا يَنْقُصُوا مَتَاعَهُمْ مِنْ رِبْحِ الدِّينَارِ دِينَارًا . فَلَمَّا قَبِضُوا أَمْوَالَهُمْ وَانصَبُوا إِلَى الْمَدِينَةِ فَدَخَلَ مُصَادِفٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ كَيْسَانِ فِي كُلِّ وَاحِدٍ أَلْفُ دِينَارٍ ، فَقَالَ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! هَذَا رَأْسُ الْمَالِ ، وَهَذَا الْآخِرُ رِبْحٌ ، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا الرَّبْحَ كَثِيرٌ ، وَلَكِنْ مَا صَيَّرْتَهُ فِي الْمَتَاعِ؟ فَحَدَّثَتْهُ كَيْفَ صَيَّرُوا وَكَيْفَ تَحَالَفُوا ، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! تَحْلِفُونَ عَلَى قَوْمِ مُسْلِمِينَ أَنْ لَا تَبِيعُوهُمْ إِلَّا- رِبْحَ الدِّينَارِ دِينَارًا! ثُمَّ أَخَذَ أَحَدَ الْكَيْسَيْنِ فَقَالَ: هَذَا رَأْسُ مَالِي وَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي هَذَا الرَّبْحِ . ثُمَّ قَالَ: يَا مُصَادِفُ ، مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ . (٣)

١- غرر الحكم : ٥٣٠٨ .

٢- الكافي : ٥ / ١٥٤ / ١٩ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٧ / ٢٤ عن قيس وفيه «الأبي جعفر عليه السلام» بدل «الأبي عبد الله عليه السلام» .

٣- الكافي : ٥ / ١٦١ / ١ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٣ / ٥٨ وفيه «فجهزه» بدل «فتجهزه» و«مجالده» بدل «مجادله» ، بحار الأنوار : ٤٧ / ٥٩ / ١١١ .

امام علی علیه السلام: بسا سود بسیار که به زیانکاری می انجامد .

الکافی از میسر: به امام صادق علیه السلام گفتم: «شماری از دوستانم نزد من می آیند؛ برای من در معامله با ایشان حدی بگذار که از معامله با جز آن ها متمایز باشد». فرمود: «اگر دوستی همدل و نزدیک است، با او به نیکی معامله کن؛ و گرنه، با چشم باز و حسابگرانه به معامله با وی پرداز» .

الکافی از ابوجعفر فزاری: امام صادق علیه السلام یکی از خدمتکارانش به نام مصادف را فراخواند و به وی هزار دینار داد و فرمود: «بار بر بند تا روانه مصر شوی؛ که نان خوران من بسیار شده اند». [راوی] گفت: پس باری فراهم کرد و همراه بازرگانان روانه مصر شد. چون به مصر نزدیک شدند، با کاروانی که از مصر بیرون می آمد، روبه رو گشتند و از ایشان پرسیدند که وضع کالایی که با خود دارند در مدینه چگونه است و آن، کالایی بود همگانی. ایشان به اینان خبر دادند که از کالای اینان در مصر چیزی نیست. از این رو، اهل قافله هم سوگند و هم پیمان شدند که به ازای هر دینار، یک دینار سود کنند. پس چون اموال خویش را جمع کرده، به مدینه باز آمدند، مصادف با دو همیان که در هر یک هزار دینار بود، نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: «فدایت شوم! این یک اصل سرمایه است و این دیگری، سود!» فرمود: «این سود، بسیار است؛ مگر با آن کالا چه کردی؟» وی شرح کار و هم سوگندی شان را باز گفت. امام فرمود: «سبحان الله! ضد مسلمانان هم پیمان می شوید که به ازای هر دینار، یک دینار سود کنید؟» سپس یکی از همیان ها را برگرفت و فرمود: «این اصل سرمایه من است و ما را به این سود نیازی نیست». آن گاه، فرمود: «ای مصادف! با شمشیر به نبرد برخاستن، ساده تر از جست و جوی حلال است» .

٤ / ٥ / ٢ رَدُّ الرِّبْحِ القَلِيلِ لِاحْيَاءِ عِلْمِ الدِّينِ : كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدُورُ فِي سَوَاقِ الكُوفَةِ بِالدَّرَّةِ وَيَقُولُ : مَعَاشِرَ التُّجَّارِ ، خُذُوا الحَقَّ تَسَلَّمُوا . لَا تَرُدُّوا قَلِيلَ الرِّبْحِ فَتَحَرَمُوا كَثِيرَهُ . (١)

الإمام علي عليه السلام في وصيته لابنه الحسن عليه السلام : سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ . التَّاجِرُ مُخَاطِرٌ . وَرُبَّ يَسِيرٍ أَنْمَى مِنْ كَثِيرٍ . (٢)

٤ / ٥ / ٣ البَيْعُ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَبِيعُ الرَّجُلُ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ ، وَلَا يَسُومُ عَلَى سَوْمِ أَخِيهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : لَا يَبِيعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ ، وَلَا يَخْطُبُ بَعْضُكُمْ عَلَى خِطْبِهِ بَعْضٍ . (٤)

١- إحياء علوم الدين : ٢ / ١٢٠ ، كنز العمال : ١٠ / ٢٨١ / ٢٩٤٥١ نقلاً عن وكيع في كتابه الغرر عن شريح ؛ المحجَّه البيضاء : ٣ / ١٨٥ وزاد فيه «وأعطوا الحق» بعد «خذوا الحق» .

٢- نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، تحف العقول : ٨٠ مع تقديم وتأخير ، كشف المحجَّه : ٢٣١ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٤٠ / ٨٨ وراجع غرر الحكم : ١٢١ .

٣- سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٣٤ / ٢١٧٢ عن أبي هريره وراجع سنن النسائي : ٧ / ٢٥٨ والسنن الكبرى : ٥ / ٥٦٣ / ١٠٨٩٠ و ح ١٠٨٩١ .

٤- صحيح مسلم : ٢ / ١٠٣٢ / ٤٩ ، سنن الترمذى : ٣ / ٥٨٧ / ١٢٩٢ ، مسند ابن حنبل : ٢ / ٤٦٩ / ٦٠٤١ كلَّها عن عبد الله بن عمر وراجع صحيح البخارى : ٢ / ٧٥٢ / ٢٠٣٣ وسنن أبي داود : ٢ / ٢٢٨ / ٢٠٨١ .

۴ / ۲ بازگرداندن سود اندک

۴ / ۳ بر معامله برادر مؤمن در آمدن

۴ / ۵ - بازگرداندن سود اندک احیاء علوم الدین: علی علیه السلام با تازیانه در بازار کوفه می گشت و می فرمود: «ای گروه تاجران! حق را ستانید تا به سلامت باشید. سود اندک را باز مگردانید که از سود بسیار نیز محروم خواهید شد.

امام علی علیه السلام در سفارش خود به فرزندش حسن علیه السلام: زود است که آن چه برای تقدیر شده، تو را رسد. بازرگان خطرکننده است. و چه بسا اندکی که از بسیار، پُربارتر است!

۴ / ۵ - ۳ بر معامله برادر مؤمن در آمدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان بر معامله برادر [مؤمن] اش معامله نمی کند و بر پیش معامله وی پیش معامله نمی نماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا یکی از شما بر معامله دیگری معامله ورزد و بر خواستگاری دیگری در آید.

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَبِيعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَبْتَاعُ الْمَرْءُ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ . ولا تَنَاجَشُوا . (٢)

٤ / ٥ الحَلْفُرسول الله صلى الله عليه و آله : الحَلْفُ مَنفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ ؛ مَمَحَقَةٌ لِلبَرَكَةِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : اليمِينُ تُنْفِقُ السَّلْعَةَ ، وَتَمَحِقُ البَرَكَةَ . وَإِنَّ اليمِينِ الفَاجِرَةَ لَتَدْعُ الدِّيَارَ مِنْ أَهْلِهَا بِلَاتِعِ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : وَيَلُ لِتَجَارِ أُمَّتِي مِنْ «لا وَاللَّهِ» و «بلى وَاللَّهِ!» (٥)

الإمام على عليه السلام : يبيعوا ولا تحلفوا ؛ فَإِنَّ اليمِينِ تُنْفِقُ السَّلْعَةَ وَتَمَحِقُ البَرَكَةَ . (٦)

-
- ١- صحيح البخارى: ٢٠٣٢/٢٧٥٢، سنن أبى داود: ٣/٢٦٩/٣٤٣٦، سنن ابن ماجه: ٢/٧٣٣/٢١٧١، السنن الكبرى: ٥ / ٥٦٣ / ١٠٨٨٨ وفيه «بعض» بدل «أخيه»، صحيح مسلم: ٢ / ١٠٣٢ / ٥٠ وفيه «الرجل» بدل «بعضكم» وكلها عن ابن عمر .
 - ٢- صحيح البخارى: ٢ / ٧٥٨ / ٢٠٥٢ عن أبى هريره، كنز العمال: ٤ / ٦٥ / ٩٥٣١ وراجع سنن النسائى: ٧ / ٢٥٩ .
 - ٣- صحيح البخارى: ٢ / ٧٣٥ / ١٩٨١، صحيح مسلم: ٣ / ١٢٢٨ / ١٣١ وفيه «للريح» بدل «للبركه»، سنن أبى داود: ٣ / ٢٤٥ / ٣٣٣٥، سنن النسائى: ٧ / ٢٤٦ وفيه «للكسب» بدل «للبركه»، السنن الكبرى: ٥ / ٤٣٥ / ١٠٤٠٧ وكلها عن أبى هريره، كنز العمال: ١٦ / ٦٩٩ / ٤٦٣٩٩ .
 - ٤- مسند زيد: ٢٥٦ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام على عليهم السلام؛ كنز العمال: ١٣/١٨٣/٣٦٥٤٧.
 - ٥- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٠ / ٣٥٨٤، جامع الأحاديث للقمي: ١٢٨ وراجع الفردوس: ٤ / ٤٠١ / ٧١٦٣ .
 - ٦- المنتخب من مسند عبد بن حميد: ٦٢/٩٦، المناقب للخوارزمي: ١٢١ / ١٣٦، كنز العمال: ١٣/١٨٣/٣٦٥٤٧؛ كشف الغمّه: ١ / ١٦٤، المناقب للكوفي: ٢ / ٦٠٢ / ١١٠٣ وكلها عن أبى مطر، بحار الأنوار: ٤٠ / ٣٣٢ / ١٤ .

۴ / ۵ سوگند خوردن

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی از شما بر معامله برادر [مؤمن] آتش معامله نکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انسان بر معامله برادر [مؤمن] آتش در نمی آید . قیمت کالا را در رقابت با هم بالا نبرید .

۴ / ۵ - سوگند خوردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند خوری ، مایه رواج کالا و [الی] از میان رفتن برکت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سوگند کالا را رواج می دهد ، و [الی] برکت را محو می کند . و همانا سوگند ناروا سبب می شود که سرزمین خالی از ساکنان و خشک و بی آب و گیاه شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وای بر بازرگانان امت من از «نه ، به خدا سوگند!» و «بلی ، به خدا سوگند!» .

امام علی علیه السلام : معامله کنید و سوگند نخورید ؛ که سوگند کالا را رواج می دهد ، و [الی] برکت را از میان می برد .

عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالْحَلْفَ! فَإِنَّهُ يُنْفِقُ السَّلْعَةَ وَيَمَحِقُ الْبَرَكَهَ . (١)

الكافي عن أبو حمزة رفعه: قام أمير المؤمنين عليه السلام . . . فقال: يا معاشرَ السَّماسِرِ، أَقِلُّوا الأَيِّمانَ ؛ فَإِنَّهَا مَنْفَقَةٌ لِلسَّلْعَةِ ؛ مَمَحَقَةٌ لِلرِّيحِ . (٢)

٤ / ٦ ما يحرم في المعامله ٤ / ٦ الرِّبَا الكتاب: «يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . (٣)»

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا - كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بَأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . (٤)»

«يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ * وَإِن كَانَ ذُو عُسْرِهِ فَنظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرِهِ وَ أَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ . (٥)»

١- الكافي : ٥ / ١٦٢ / ٤ عن أبي إسماعيل رفعه ، الغارات : ١ / ١١٠ عن أبي سعيد الخدري ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٣ / ٥٧ عن الإمام الصادق عليه السلام مع تقديم وتأخير ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٠٢ / ٤٤ .

٢- الكافي : ٥ / ١٦٢ / ٢ وراجع صحيح مسلم : ٣ / ١٢٢٨ / ١٣٢ والسنن الكبرى : ٥ / ٤٣٥ / ١٠٤٠٦ .

٣- آل عمران : ١٣٠ .

٤- البقره : ٢٧٥ .

٥- البقره : ٢٧٨ ٢٨٠ .

۴ / ۶ آن چه در معامله حرام است

۴ / ۱۶ ربا

امام علی علیه السلام: از سوگند پرهیزید؛ که کالا را رواج می دهد، و [لی] برکت را محو می کند.

الکافی از ابو حمزه او این سخن را بدون ذکر سند آورده است: امیر المؤمنین علیه السلام برخاست ... و فرمود: «ای صنف دلّال! از سوگندها بکاهید؛ که رواج دهنده کالا، و [لی] نابود کننده سود است.»

۴ / ۶ آن چه در معامله حرام است ۴ / ۶ - ۱ رباقرآن: «ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را که افزودنی ها بر افزوده ها است، مخورید و از خدا بترسید؛ باشد که رستگار شوید.»

«آنان که ربا می خورند، برنخیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را به سبب آسیب رساندن، آشفته و دیوانه گرداند. این از آن رو است که گفتند خرید و فروش مانند ربا است، با اینکه خدا خرید و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر که پسند خداوند بدو رسید و [از رباخواری] باز ایستاد، آن چه گذشت از آن او است و کار او با خدا است؛ و هر که [به رباخواری] باز گردد، چنین کسان دوزخیانند و در آن، جاودانه باشند.»

«ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و اگر ایمان دارید، هر چه از ربا مانده است، رها کنید * و اگر [رها] نکنید، پس آگاه باشید به جنگی از خدا و پیامبر او؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از آن شما است، در حالی که نه ستم می کنید [به خواستن ربا] و نه بر شما ستم می رود [به باز ندادن سرمایه] * و اگر [وامدار] تنگدست بود، او را تا فراخ دستی مهلتی باید داد؛ و بخشیدن و صدقه دادن شما [به آن تنگدست] برای شما بهتر است، اگر می دانستید.»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ الرَّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ ، وَإِنْ اكَتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ ، وَلَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ مِنْهُ قِيرَاطٌ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ ، وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ ، وَالرَّبَا . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَسْتَحِلُّ أُمَّتِي الرَّبَا بِالْبَيْعِ ، وَالْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ ، وَالشُّحْتَ بِالْهَدْيَةِ ، وَالْبَخْسَ بِالزَّكَاةِ (٣) ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُمْلَى لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ تَكُونُ عِبَادَةُ اللَّهِ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ هُمْ حُدَاثُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رَجُلٌ لَمْ يَمْشِ بَيْنَ اثْنَيْنِ بِمِرَاءٍ قَطُّ ، وَرَجُلٌ لَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِزِينَا ، وَرَجُلٌ لَمْ يَخْلِطْ كَسْبَهُ بِرَبَا قَطُّ . (٥)

الإمام عليّ عليه السلام: نَهَى [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] عَنْ أَكْلِ الرَّبَا ، وَشَهَادَةِ الزُّورِ ، وَكِتَابَةِ الرَّبَا . (٦)

- ١- ثواب الأعمال: ٣٣٦ / ١ عن عبد الله بن عباس وأبي هريره ، جامع الأخبار: ٤٠٦ / ١١٢١ ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٢٠ / ٢٧ .
- ٢- الكافي: ١٢٤ / ٥ / ١ عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندي: ١٣٠ / ١٦٠ ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٥٤ / ٢٦ .
- ٣- والمراد بالبخس ، المكس ، أى النقص والمعنى أن يأخذ الولاه الظلمه ، المكس باسم العشر يتأولون فيه معنى الزكاه . [ر ك: الفائق للزمخشري وفيض القدير: ج ٣ ، ص ٢١٤]
- ٤- الفردوس: ٢ / ٣٢١ / ٣٤٥٩ عن أبي الدرداء .
- ٥- حليه الأولياء: ٣ / ٢٦٣ عن أنس ، كنز العمال: ١٥ / ٨١٧ / ٤٣٢٥٠ .
- ٦- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٨ / ٤٩٦٨ ، الأماليل للصدوق: ٥١١ / ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ربا خورد ، خداوند به همان اندازه که ربا خورده ، درونش را از آتش جهنم پُر می کند ؛ و اگر از ربا مالی به دست آورد و با آن مال کاری انجام دهد ، خدای تعالی آن را نمی پذیرد ؛ و او همواره تا وقتی که ذرّه ای از مال ربا نزدش باشد ، از لعنت خدا و فرشتگان نصیب دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بیش از همه ، بر اّمّت خویش از پس خودم ، از این ها می ترسم : این پیشه های حرام ، شهوت پنهان ، و ربا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زود است که اّمّت من حلال خواهد شمرد ربا را به نام معامله ، شراب را به نام آب انگور ، رشوه را به نام هدیه ، و بخشش ناچیز را به نام زکات ! و آن گاه ، بدانان فرصت داده می شود تا بر گناه خویش بیفزایند . و چون چنین شود ، برای مردم عبادت خدا خسته کننده شمرده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سه تن در روز قیامت با خداوند همسخن هستند : کسی که هرگز برای سخن چینی میان دو نفر رفت و آمد نکرده ؛ کسی که با خود درباره زنا نیندیشیده ؛ و کسی که پیشه اش را هرگز با ربا نیامیخته است .

امام علی علیه السلام : [پیامبر خدا صلی الله علیه و آله] از خوردن ربا ، گواهی ناروا ، و مکتوب کردن [قرار داد] ربا نهی فرمود

عنه عليه السلام: لا- تأكلوا الربا في معاملاتكم ، فوالذي فلق الحَبَّةَ وبرأ النَّسِيْمَةَ ، للربا أخفى في هذه الأُمَّة من ديبِ النَّمْلِ عَلَى صَفَاهِ سَوْدَاءٍ فِي لَيْلِهِ ظِلْمَاءَ . (١)

الكافي عن الأصْبَغِ بن نباته: سَمِعْتُ أميرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ : يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ . وَاللَّهِ لِلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا . شُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدْقِ . التَّاجِرُ فَاجِرٌ ، وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ ، إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَأَعْطَى الْحَقَّ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: أَخْبَثُ الْمَكَاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا . (٣)

تهذيب الأحكام عن عمر بن يزيد بنيع السابري: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام : جُعِلْتُ فِدَاكَ ! إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ الرِّبْحَ عَلَى الْمُضْطَرِّ حَرَامٌ وَهُوَ مِنَ الرَّبَا ، فَقَالَ : وَهَلْ رَأَيْتَ أَحَدًا إِشْتَرَى عَتِيًّا أَوْ فَقِيرًا إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ؟! يَا عَمْرُؤُ ، قَدْ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرَّبَا ، وَارْبِحْ وَلَا تُرِبْ . قُلْتُ : وَمَا الرَّبَا؟ قَالَ : دَرَاهِمٌ بِدَرَاهِمٍ ؛ مِثْلِينَ بِمِثْلٍ ، وَحِنْطَةٌ بِحِنْطَةٍ ؛ مِثْلِينَ بِمِثْلٍ . (٤)

راجع : ص ٨٢٨ (الموانع العمليه / الربا) .

- ١- خصائص الأئمة عليهم السلام : ١٠٤ .
- ٢- الكافي : ١ / ١٥٠ / ٥ ، تهذيب الأحكام : ١٦ / ٦ / ٧ وفيه «بالصدقه» بدل «بالصدق» ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٩٤ / ٣٧٣١ وفيه «صونوا أموالكم بالصدقه» بدل «شوبوا أيمانكم بالصدق» .
- ٣- الكافي : ١٢ / ١٤٧ / ٥ عن سعد بن طريف .
- ٤- تهذيب الأحكام : ٧ / ١٨ / ٧٨ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٧٨ / ٤٠٠٣ وليس فيه «وحنطه بحنطه مثلين بمثل» .

امام علی علیه السلام: در معاملات خویش ربا نخورید؛ که سوگند به شکافنده دانه و پدیدآورنده میان، هر آینه ربا در میان این امت پنهان تر است از خزیدن مورچه ای بر تخته سنگی سیاه در شبی تیره.

الکافی از أصبغ بن نباته: از امیرالمؤمنین علیه السلام بر منبر شنیدم: «ای صنف بازرگانان! نخست فقه و آن گاه تجارت، نخست فقه و آن گاه تجارت، نخست فقه و آن گاه تجارت! به خدا سوگند، هر آینه ربا در این امت، پنهان تر است از خزیدن مورچه ای بر تخته سنگی. ایمان خود را با راستی درآمیزید. بازرگان [ناراست] بدکار است؛ و بدکار در آتش، مگر آن که حق را بستاند و حق را بدهد».

امام باقر علیه السلام: پلیدترین درآمدها، درآمد ربا است.

تهذیب الأحکام از عمر بن یزید بیاع سابری: به امام صادق علیه السلام گفتم: «فدایت شوم! مردم گمان می کنند که سود گرفتن [در معامله] از فرد به اضطرار افتاده، حرام و از قبیل ربا است!» فرمود: «آیا دیده ای که کسی خواه ثروتمند باشد و خواه فقیر جز به ضرورت چیزی بخرد؟ ای عُمَر! هر آینه خداوند بیع را حلال شمرده و ربا را حرام فرموده است؛ پس سود ببر، ولی ربا مگیر». گفتم: «پس ربا چیست؟» فرمود: «چند درهم در برابر چند درهم: دو برابر به ازای یک برابر؛ و گندم به ازای گندم: دو برابر به ازای یک برابر».

ر. ک: ص ۸۲۹ (بازدارنده های عملی / ربا)

٤ / ٦ الكذبر رسول الله صلى الله عليه وآله :ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ . . . وَالْمَرْكِيُّ سَلَعَتْهُ بِالْكَذِبِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله :إِذَا التَّاجِرَانِ صَدَقَا بَوْرِكَ لُهُمَا ، فَإِذَا كَذَبَا وَخَانَا لَمْ يُبَارَكْ لَهُمَا . (٢)

المعجم الكبير عن واثله بن الأسقع :كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْرُجُ إِلَيْنَا وَكُنَّا تُجَارًا ، وَكَانَ يَقُولُ : يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ ،
إِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ! (٣)

٤ / ٦ الغش رسول الله صلى الله عليه وآله :مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ ، وَأَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ ، وَوَكَّلَهُ إِلَى نَفْسِهِ .
(٤)

سنن ابن ماجه عن أبو الحمراء :رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِجَنَابِ رَجُلٍ عِنْدَهُ طَعَامٌ فِي وَعَاءٍ ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهِ ،
فَقَالَ : لَعَلَّكَ غَشَّشْتَ! مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا . (٥)

١- تفسير العياشى : ١/١٧٩/٦٩ عن السكونى ، مكارم الأخلاق : ١/٢٤٣/٧٢٠ وفيه «لا يكلمهم» بدل «لا ينظر» وكلاهما عن الإمام
الصادق عن أبيه عليهما السلام ؛ سنن النسائي : ٧ / ٢٤٦ وفيه «والمنفق» بدل «والمركي» ، سنن أبي داود : ٤ / ٥٧ / ٤٠٨٧ ، سنن
الترمذى : ٣ / ٥١٦ / ١٢١١ ، سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٤٥ / ٢٢٠٨ ، سنن الدارمى : ٢ / ٧١٨ / ٢٥٠٨ ، السنن الكبرى : ٥ / ٤٣٦ /
١٠٤١١ كلها عن أبي ذرّ نحوه .

٢- الكافى : ٥ / ١٧٤ / ٢ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٢٦ / ١١٠ كلاهما عن عمر بن يزيد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال :
٤٥ / ٤٣ عن الحسين بن زيد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عن آبائه عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله ، بحار
الأنوار : ٣ / ١٣٦ / ١٠٣ .

٣- المعجم الكبير : ٢٢ / ٥٦ / ١٣٢ .

٤- ثواب الأعمال : ١ / ٣٣٧ عن أبي هريره وعبد الله بن عباس ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٣٦٥ / ٣٠ .

٥- سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٤٩ / ٢٢٢٥ .

۴ / ۲۶ ناراستی

۴ / ۳۶ فریگری

۴ / ۶ - ناراستی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه تن هستند که خداوند به ایشان نظر نمی فرماید: ... و آن کس که کالایش را به دروغ بیاراید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دو بازرگان راستی پیشه کنند ، برای آنان برکت به بار می آید ؛ و هر گاه ناراستی ورزند ، از برکت بی نصیب خواهند شد .

المعجم الکبیر از واثله بن اسقع: ما بازرگانانی بودیم و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد می شد و می فرمود: «ای صنف تاجران! از دروغ بپرهیزید» .

۴ / ۶ - ۳ فریگری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با برادر مسلمانش فریگری کند ، خداوند برکتِ روزی اش را از او می ستاند و گذران زندگی اش را تباه می سازد و او را به خود وا می گذارد .

سنن ابن ماجه از ابو حمراء: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که نزد مردی رفت که غذایی در ظرفی پیش خود نهاده بود . پس دست خویش را در آن کرد و فرمود: «احتمالاً نیرنگی به کار بسته ای! هر کس با ما نیرنگ ورزد ، از ما نیست» .

صحيح المسلم عن أبو هريره: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَى صُبْرِهِ طَعَامٍ ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهَا ، فَنَالَتْ أَصَابِعُهُ بَلَلًا ، فَقَالَ : مَا هَذَا يَا صَاحِبَ الطَّعَامِ؟ قَالَ : أَصَابَتْهُ السَّمَاءُ ، يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: أَفَلَا جَعَلْتَهُ فَوْقَ الطَّعَامِ كَمَا يَرَاهُ النَّاسُ؟! مَنْ غَشَّ فَلَيْسَ مِنِّي (١).

سنن أبي داود عن أبو هريره: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ بِرَجُلٍ يَبِيعُ طَعَامًا ، فَسَأَلَهُ : كَيْفَ تَبِيعُ؟ فَأَخْبَرَهُ ، فَأَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ أَدْخَلَ يَدَكَ فِيهِ ، فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهِ ، فَإِذَا هُوَ مَبْلُورٌ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ . (٢)

كنز العمال عن مكحول: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَجُلٍ يَبِيعُ طَعَامًا قَدْ خَلَطَ جَيِّدًا بِقَبِيحٍ ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ؟ فَقَالَ : أَرَدْتُ أَنْ يَنْفَقَ ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَيِّزْ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى حِدِّهِ ؛ لَيْسَ فِي دِينِنَا غَشٌّ . (٣)

الغارات عن الحارث: إِنَّهُ [أَى عَلَيْنَا عَلَيْهِ السَّلَام] دَخَلَ السُّوقَ فَقَالَ : يَا مَعْشَرَ اللَّحَامِينَ ، مَنْ نَفَخَ مِنْكُمْ فِي اللَّحْمِ (٤) فَلَيْسَ مِنَّا . (٥)

١- صحيح مسلم : ١ / ٩٩ / ١٦٤ ، سنن الترمذى : ٣ / ٦٠٦ / ١٣١٥ وفيه «مِنَّا» بدل «مَنِّي» ، المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ١١ / ٢١٥٥ وفيه «غَشَّنَا» بدل «غَشَّ» ، السنن الكبرى : ٥ / ٥٢٣ / ١٠٧٣٣ ؛ الأمالی للسید المرتضى : ٤ / ٧٥ .

٢- سنن أبي داود : ٣ / ٢٧٢ / ٣٤٥٢ ، مسند ابن حنبل : ٣ / ٣٣ / ٧٢٩٦ ، المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ١١ / ٢١٥٣ ، السنن الكبرى : ٥ / ٥٢٣ / ١٠٧٣٢ ، مسند الحميدى : ٢ / ٤٤٧ / ١٠٣٣ والثلاثه الأخيره نحوه ، كنز العمال : ٤ / ١٥٨ / ٩٩٧٣ نقلًا عن عبد الرزاق فى المصنّف .

٣- كنز العمال : ٤ / ١٥٩ / ٩٩٧٤ نقلًا عن عبد الرزاق فى المصنّف .

٤- النّفخ فى اللّحم يحتمل وجهين ؛ الأوّل : ما هو الشائع من النّفخ فى الجلد لسهوله السّلخ . والثانى : التّدليس الذى يفعله بعض النّاس من النّفخ فى الجلد الرقيق الذى على اللّحم لئيرى سمينًا ؛ وهو أظهر (بحار الأنوار : ٥٨ / ٣٢٦) .

٥- الغارات : ١ / ١١٢ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٠٢ / ٤٥ وراجع كنز العمال : ٤ / ١٥٨ / ٩٩٦٩ .

صحیح المسلم از ابوهریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر پُشته ای گندم برگذشت و دست در آن فرو برد؛ انگشتش تر شد؛ فرمود: «ای صاحب گندم! این تری چیست؟» گفت: «ای رسول خدا! آب آسمان بر آن باریده است». فرمود: «پس چرا آن را بالای گندم نهاده ای تا مردم ببینندش؟ هر کس فریبگری کند، از من نیست».

سنن أبی داود از ابوهریره: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر مردی گذشت که گندم می فروخت. از وی پرسید: «چگونه می فروشی؟» آن مرد چگونگی را باز گفت. به پیامبر وحی شد که دستش را در آن گندم فرو برد. پیامبر چنین کرد و دید که گندم خیس است؛ فرمود: «هر که نیرنگ ورزد، از ما نیست».

کنز العیال از مکحول: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی برگذشت که گندم می فروخت و خوب و بد را با هم در آمیخته بود. پیامبر به وی فرمود: «چرا چنین کرده ای؟» گفت: «می خواستم رونق بپذیرد». پیامبر به او فرمود: «هر یک از آن دو را جدا از هم قرار ده. در دین ما فریب راه ندارد».

الغارات از حارث: علی علیه السلام به بازار درآمد و فرمود: «ای صنّف قصابان! هر یک از شما که در گوشت بدمد [تا آن را فربه نشان دهد]، از ما نیست».

الكافي عن هشام بن الحكم: كُنْتُ أبيعُ السَّابِرِيَّ فِي الظُّلَالِ ، فَمَرَّ بِي أَبُو الحَسَنِ موسى عليه السلام فقال لي : يا هِشَامُ ، إِنَّ البَيْعَ فِي الظِّلِّ غِشٌّ ، وَإِنَّ الغِشَّ لَا يَحِلُّ . (١)

٤ / ٦ / ٤ التَّطْفِيفُ الكِتَابُ : «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وُزِنُوا يُخْسِرُونَ . (٢)»

«وَيَقَوْمٌ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ . (٣)»

«وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ . (٤)»

١- الكافي : ٥ / ١٦٠ / ٦ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٣ / ٥٤ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٧١ / ٣٩٨٠ وفيه «أبو الحسن الأول عليه السلام راجبا» .

٢- المطففين : ٣١ .

٣- هود : ٨٥ .

٤- هود : ٨٤ .

۴ / ۴۶ کم فروشی

الکافی از هشام بن حکم: پارچه ساپری را در سایه می فروختم . حضرت کاظم علیه السلام بر من گذشت و مرا فرمود: «ای هشام! [پارچه] فروختن در سایه ، فریبگری است ؛ و فریب روا نیست» .

۴ / ۶ - ۴ کم فروشی قرآن: «وای بر کم فروشان * آنان که چون از مردم پیمانانه ستانند ، تمام می ستانند * و چون خود برای آن ها پیمانند یا بسنجند ، کم می دهند.»

«و ای قوم من! پیمانانه و ترازو را به انصاف و داد ، تمام دهید و از مردم چیزهایشان را مکاهید و در زمین به تباهاکاری مپوید.»

«و به [اهل] مدین ، برادرشان شُعَیب را [فرستادیم] . گفت : «ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید. شما را جز او خدایی نیست. و پیمانانه و ترازو را مکاهید. من خیر شما را در این می بینم.»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا طَفَّفَتْ أُمَّتِي مِكيَالَهَا وَمِيزَانَهَا ، وَاخْتَانُوا ، وَخَفَرُوا الدِّمَّةَ ، وَطَلَبُوا بِعَمَلِ الآخِرَةِ الدُّنْيَا ؛ فَعِنْدَ ذَلِكَ يُزَكَّوْنَ أَنْفُسَهُمْ وَيُتَوَرَّعُ مِنْهُمْ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا طَفَّفَ المِكيَالُ وَالمِيزَانُ أَخَذَهُمُ اللهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمْ يَنْقُصُوا المِكيَالَ وَالمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ ، وَشَدَّهَ المَؤُونَةَ ، وَجَوَرَ السُّلْطَانَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا نَقَضَ قَوْمٌ عَهْدَ إِلَّا سَلَّطَ عَلَيْهِمُ عَدُوَّهُمْ . . . وَلَا طَفَّفُوا المِكيَالَ إِلَّا مُنِعُوا الثَّبَاتَ وَأَخَذُوا بِالسِّنِينَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ ، إِنَّكُمْ قَدْ وَلِيتُمْ أَمْرًا هَلَكَتْ فِيهِ الأُمَّمُ السَّالِفَةُ : المِكيَالَ وَالمِيزَانَ . (٥)

-
- ١- النوادر للراوندى: ١٢٧ / ١٥١ ، دعائم الإسلام: ٢ / ٢٩ / ٥٨ وليس فيه «ويتورع منهم» ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٠٨ / ٩ .
 - ٢- الكافي: ٢ / ٣٧٤ / ٢ ، ثواب الأعمال: ٣٠٠ / ١ ، الأمالى للصدوق: ٣٨٥ / ٤٩٣ وليس فيهما «والميزان» وكلها عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٦٩ / ٣ وص ٣٧٢ / ٥ .
 - ٣- الكافي: ٢ / ٣٧٣ / ١ عن أبان عن رجل ، ثواب الأعمال: ٣٠١ / ٢ عن أبان الأحمر ، مشكاة الأنوار: ٢٦١ / ٧٧٢ وكلها عن الإمام الباقر عليه السلام ، الدعوات: ٨٠ / ١٩٧ ، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٦٧ / ٢ ؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٣٣ / ٤٠١٩ ، المستدرک على الصحيحين: ٤ / ٥٨٣ / ٨٦٢٣ كلاهما عن عبد الله بن عمر ، كنز العمال: ١٦ / ٨٠ / ٤٤٠١٠ .
 - ٤- المعجم الكبير: ١١ / ٣٨ / ١٠٩٩٢ ، تفسير القرطبي: ١٩ / ٢٥٣ كلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال: ١٦ / ٧٩ / ٤٤٠٠٦ .
 - ٥- السنن الكبرى: ٦ / ٥٣ / ١١١٦٦ ، المستدرک على الصحيحين: ٢ / ٣٦ / ٢٢٣٢ نحوه وكلاهما عن ابن عباس ، كنز العمال: ٤ / ٢٩ / ٩٣٣٧ ؛ عوالى الالکلى: ١ / ١٨٧ / ٢٦٥ نحوه .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اَمّت من هر گاه پیمانہ و ترازوشان را کم نهند و ناراستی ورزند و پیمان شکنی کنند و با کار آخرت به طلب دنیا پردازند، آن گاه، خود را بستاید و از آنان دوری شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه در پیمانہ و ترازو کم نهاده شود، خداوند آنان را به قحطی و کمبود دچار می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از پیمانہ و ترازو نکاستند، جز آن که به قحطی و کمی درآمد و ستم حکمران دچار گشتند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ قومی پیمان [خدا] را نشکستند، مگر آن که دشمنشان بر آنان تسلط یافت... و از پیمانہ کم نهادند، جز این که از رویدنی ها بازداشته شدند و به قحطی دچار گشتند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای صنف بازرگانان! همانا به کاری روی کردید که اَمّت های پیشین در آن هلاک گشتند: [کم نهادن در] پیمانہ و ترازو.

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ عَمِلَ الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ شَعِيبُ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ عَمِلَهُ بِيَدِهِ، فَكَانُوا يَكِيلُونَ وَيُوفُونَ. ثُمَّ إِنَّهُمْ بَعْدَ طَفَّفُوا فِي الْمِكْيَالِ وَبَخَسُوا فِي الْمِيزَانِ، فَأَخَذَتْهُمْ الرَّجْفَةُ فَعَذَّبُوا بِهَا، فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَائِمِينَ. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: أَنْزَلَ (اللَّهُ) فِي الْكَيْلِ «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»، وَلَمْ يَجْعَلِ الْوَيْلَ لِأَخِيْدٍ حَتَّى يُسَيِّمِيَهُ كَافِرًا؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ (٢)». (٣)

الإمام الصادق عليه السلام في ذِكْرِ سَبَبِ هَلَاكِ قَوْمِ شُعَيْبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا أَهْلَكَهُمْ اللَّهُ بِنَقْصِ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ. (٤)

عنه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِيكُمْ خَصَلَتَيْنِ هَلَمَكَ فِيهِمَا مِنْ قَبْلِكُمْ أُمَّمٌ مِنَ الْأُمَّمِ. قَالُوا: وَمَا هُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ. (٥)

٤ / ٥ غَبْنُ الْمُسْتَرْسِلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: غَبْنُ الْمُسْتَرْسِلِ حَرَامٌ. (٦)

١- قصص الأنبياء: ١٤٢ / ١٥٣ عن سعد الإسكافي، بحار الأنوار: ١٢ / ٣٨٢ / ٦.

٢- مريم: ٣٧.

٣- الكافي: ٢ / ٣٢ / ١ عن محمد بن سالم، بحار الأنوار: ٦٩ / ٨٩ / ٣٠.

٤- تفسير القمّي: ١ / ٣٣٧ عن أبي بصير، بحار الأنوار: ١٢ / ٣٨١ / ٢.

٥- قرب الإسناد: ٥٧ / ١٨٥ عن صفوان الجمال عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٠٧ / ٤.

٦- المعجم الكبير: ٨ / ١٢٧ / ٧٥٧٦، الفردوس: ٣ / ١٠٢ / ٤٢٨٤ كلاهما عن أبي أمامه، كنز العمال: ٤ / ٧٥ / ٩٥٩٢.

۴ / ۵۶ فریفتن کسی که به انسان اعتماد کرده است

امام زین العابدین علیه السلام: همانا نخستین کسی که پیمانۀ و ترازو نهاد، شعیب پیامبر علیه السلام بود که به دست خویش آن را ساخت. آنان آن گاه که پیمانۀ می نهادند، اندازه را نگاه می داشتند. سپس ایشان در پیمانۀ کم نهادند و ترازو را کم گرفتند؛ پس زلزله ای شدید آنان را فرا گرفت و به آن، عذاب گشتند و صبحگاهان در سرزمین های خود بیهوش بر زمین افتادند.

امام باقر علیه السلام: خداوند درباره پیمانۀ، چنین نازل فرموده است: «وای بر کم فروشان!». و برای هیچ کس چنین تعبیر نفرموده، مگر آن که او را کافر خوانده است. خداوند فرموده: «پس وای بر آن ها که کافر شدند، از دیدار و حضور در روزی بزرگ».

امام صادق علیه السلام در بیان علت هلاکت قوم شعیب: جز این نیست که خداوند ایشان را به سبب کم نهادن پیمانۀ و ترازو، هلاک ساخت.

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر آینه دو ویژگی در شما است که برخی از امت های پیش از شما به سبب آن دو هلاک شدند». گفتند: «ای رسول خدا! آن دو چیستند؟» فرمود: «[کم نهادن] پیمانۀ؛ و [کم گرفتن] ترازو».

۴ / ۶ - فریفتن کسی که به انسان اعتماد کرده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فریفتن کسی که به انسان اعتماد کرده، حرام است.

عنه صلى الله عليه وآله: غَبْنُ الْمُسْتَرَسِلِ رِبَاً . (١)

مسند ابن حنبل عن نافع عن ابن عمر: كَانَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ لَا يَزَالُ يُعْبَنُ فِي الْبَيْعِ وَكَانَتْ فِي لِسَانِهِ لَوْنَةٌ ، فَشَكَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمَا يَلْقَى مِنَ الْغَبْنِ ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا أَنْتَ بَايَعْتَ فَقُلْ : لَا خِلَابَةَ . قَالَ : يَقُولُ ابْنُ عَمْرٍ : فَوَاللَّهِ ، لَكَأَنِّي أَسْمَعُهُ يُبَايِعُ وَيَقُولُ : لَا خِلَابَةَ ؛ يُجْلِجُ بِلِسَانِهِ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: غَبْنُ الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ . (٣)

٧ / ٤ ما يَتَبَغَى لِلْمُشْتَرَى ١٧ / ٤ الْمُمَاكَمَةُ عِنْدَ مَخَافَةِ الْغَيْبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْمَغْبُونُ غَيْرُ مَحْمُودٍ وَلَا مَأْجُورٍ . (٤)

١- السنن الكبرى : ٥ / ٥٧١ / ١٠٩٢٥ عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام عليّ عليهم السلام وعن أنس وح ١٠٩٢٤ عن جابر ، كنز العمال : ٤ / ٧٥ / ٩٥٩١ ؛ من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٧٢ / ٣٩٨٣ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ٢٦٨ / ٣٦ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٠٤ / ٥٧ .

٢- مسند ابن حنبل : ٢ / ٤٨٦ / ٦١٤٢ ، سنن النسائي : ٧ / ٢٥٢ ، السنن الكبرى : ٥ / ٤٤٩ / ١٠٤٥٩ كلاهما نحوه .

٣- الكافي : ٥ / ١٥٣ / ٥ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٧ / ٢٢ كلاهما عن ميسر ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٧٢ / ٣٩٨٢ .

٤- الخصال : ١٠ / ٦٢١ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ / ٤٨ / ١٨٤ عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تحف العقول : ١١١ عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «محاوّر» بدل «مأجور» ؛ المعجم الكبير : ٣ / ٨٣ / ٢٧٣٢ عن الإمام الحسن عن أبيه عليهما السلام عن جدّه صلى الله عليه وآله ، مسند أبي يعلى : ٦ / ١٨٢ / ٦٧٥٠ عن أبي هشام القناد عن الإمام الحسين عليه السلام يرفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله ، تاريخ بغداد : ٤ / ٢١٢ / ١٩٠١ عن عيينه عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله

۴ / ۷ آن چه مشتری را زوا است

۴ / ۱۷ چانه زدن به هنگام بیم از فریب

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیرنگ و وزیدن با کسی که به انسان اعتماد کرده، رباخواری به شمار می آید.

مسند ابن حنبل از نافع از ابن عمر: مردی از انصار که زبانش لکنت داشت، همواره در معاملات فریفته می شد. پس نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از فریب خوردن هایش نالید. پیامبر صلی الله علیه و آله به وی فرمود: «هرگاه معامله می کنی، بگو: نیرنگی مباد!» [راوی] گفت: «ابن عمر می گوید: به خدا سوگند! گویی هنوز می شنوم که او معامله می کند و با زبان گرفته می گوید: نیرنگی مباد!».

امام صادق علیه السلام: فریفتن مؤمن حرام است.

۴ / ۷ آن چه مشتری را زوا است ۴ / ۷ - ۱ چانه زدن به هنگام بیم از فریب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فریفته شده [در معامله]، نه ستوده است و نه پاداش دارد.

الإمام علي عليه السلام: ما كس عن درهميك ؛ فإن المغبون لا محمود ولا مأجور . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: ما كس المشتري ؛ فإنه أطيب للنفس وإن أعطى الجزيل ؛ فإن المغبون في بيعه وشرايه غير محمود ولا مأجور . (٢)

روضة الواعظين عن الأصبح بن نباته: أتى أمير المؤمنين عليه السلام ومعه قنبر البرازين ، فسأوم رجلاً ثوبين ، فقال : يعني ثوبين ، فقال الرجل : يا أمير المؤمنين ، عندي حاجتك ، فلما عرفه انصيرف حتى أتى غلاماً ، فقال : يعني ثوبين ، فما كسه الغلام حتى اتفقا على سبعة دراهم ؛ ثوباً بأربعة دراهم وثوباً بثلاثة دراهم ، وقال لغلامه قنبر : اختر الثوبين ، فاختر الذي بأربعة ، وليس الذي بثلاثة وقال : الحمد لله الذي رزقني ما أوارى به عورتى ، وأتجمل به في خلقه . ثم أتى المسجد ، فكوم كومه من حصي فاستلقى عليها ، فجاء أبو الغلام فقال : إن ابني لم يعرفك ، وهذان الدرهمان ربهما فخذهما ، فقال عليه السلام : ما كنت لأفعل ؛ فقد ما كسته وما كسني واتفقنا على رضا . (٣)

تاريخ بغداد عن أبو هشام القناد البصري: كنت أحمل المتاع من البصرة إلى الحسين بن علي ابن أبي طالب عليهما السلام ، فكان ربما يماكسني فيه فلعلني لا أقوم من عنده حتى يهب عامته ! قلت : يا بن رسول الله ، أجيؤك بالمتاع من البصرة تماكسني فيه فلعلني لا أقوم حتى تهب عامته؟! فقال : إن أبي خدتنى يرفع الحديث إلى النبي صلى الله عليه وآله أنه قال : المغبون لا محمود ولا مأجور . (٤)

١- ربيع الأبرار : ٤ / ١٣٩ .

٢- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٩٧ / ٣٧٤٢ .

٣- روضة الواعظين : ١٢١ .

٤- تاريخ بغداد : ٤ / ١٨٠ / ١٨٦٣ ، تاريخ دمشق : ١٤ / ١١٢ / ٣٤٠٣ .

امام علی علیه السلام: برای دو درهمت چانه بزن [تا فریفته نشوی]؛ زیرا فریفته شده نه ستوده است و نه پاداش می یابد .

امام باقر علیه السلام: با خریدار چانه بزن [تا فریفته نشوی] که این کار برای انسان نیکوتر است هر چند وی مبلغی گزاف دهد؛ زیرا آن که در فروش و خریدش فریفته شده، نه ستودنی است و نه پاداش دادنی .

روضه الواعظین از اصیغ بن نباته: امیرالمؤمنین علیه السلام، همراه قنبر، به سرای پارچه فروشان آمد و با مردی برای خرید دو جامه مذاکره کرد. فرمود: «مرا دو جامه بفروش». مرد گفت: «ای امیرالمؤمنین! آن چه می خواهی نزد من است». چون آن مرد حضرت را شناخت [معامله سر نگرفت و] حضرت رفت تا به پسرکی رسید و گفت: «مرا دو جامه بفروش». پسرک با او چانه زد تا بر هفت درهم توافق کردند؛ جامه ای به چهار درهم و جامه دیگر به سه درهم. سپس به خدمتکارش، قنبر، فرمود: «یکی از دو جامه را برگزین». قنبر آن یک را برگزید که چهار درهم بود و امام، خود، آن جامه را پوشید که سه درهم بود و فرمود: «سپاس خدای را که به من جامه ای عطا فرمود تا شرمگاه خود را با آن ببوشانم و در میان آفریدگانش به زیبایی درآیم». سپس راهی مسجد شد و پشته ای سنگریزه فراهم آورد و بر آن آرمید. در این حال، پدر آن پسرک در رسید و گفت: «پسر من، شما را شناخته بود. این دو درهم، سود آن دو جامه است؛ باز ستان!» امام فرمود: «من کسی نیستم که چنین کنم. من چانه زدم و او چانه زد و با خشنودی به توافق رسیدیم».

تاریخ بغداد از ابوهشام قنّاد بصری: من از بصره برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام کالا می آوردم. بسا که وی با من چانه می زد و هنوز برنخاسته بودم که همه آن [مقدار تخفیف گرفته] را به من می بخشید. گفتم: «ای پسر رسول خدا! از بصره برایت کالا می آورم؛ با من چانه می زنی؛ و هنوز برنخاسته ام که همه آن را به من می بخشی!» فرمود: «پدرم روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله برایم خواند که فریفته شده نه ستودنی است و نه پاداش دادنی».

الكافي عن سواده: كُنَّا جَمَاعَةً بِمِنَى فَعَزَّتِ الْأَصْحَابِيُّ ، فَنَظَرْنَا فَبَإِذَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاقْتَفَى عَلَي قَطِيعٍ يُسَاوِمُ بَعَنَمَ وَيُمَاكِسُهُمْ مِكَاسًا شَدِيدًا ، فَوَقَفْنَا نَنْتَظِرُ ، فَلَمَّا فَرَغَ أَقْبَلَ عَلَيْنَا ، فَقَالَ : أَظُنُّكُمْ قَد تَعَجَّبْتُمْ مِنْ مِكَاسِي؟ فَقُلْنَا : نَعَمْ ، فَقَالَ : إِنَّ الْمَغْبُونَ لَا مَحْمُودٌ وَلَا مَا جُورٌ . (١)

الكافي عن علي بن أبي عبد الله عن الحسين بن يزيد: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : وَقَدْ قَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ : عَجِبَ النَّاسُ مِنْكَ أَمْسٍ وَأَنْتَ بَعَرَفَهُ تُمَّاكِسُ بِبَدَنِكَ أَشَدَّ مِكَاسًا يَكُونُ : وَمَا لِلَّهِ مِنَ الرِّضَا أَنْ أُغْبِنَ فِي مَالِي؟ قَالَ : فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ : لَا وَاللَّهِ ، مَا لِلَّهِ فِي هَذَا مِنَ الرِّضَا قَلِيلٌ وَلَا كَثِيرٌ ، وَمَا نَجِيؤُكَ بِشَيْءٍ إِلَّا جِئْتَنَا بِمَا لَا مَخْرَجَ لَنَا مِنْهُ! (٢)

٤ / ٢٧ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْإِشْتِرَاءِ الْكَافِي عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْتَرِيَ شَيْئًا فَقُلْ : يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا دَائِمُ ، يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمُ ، أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تَقْسِمَ لِي مِنَ التَّجَارَةِ الْيَوْمَ أَعْظَمَهَا رِزْقًا ، وَأَوْسَعَهَا فَضْلًا ، وَخَيْرَهَا عَاقِبَةً ؛ فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي مَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ . وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا اشْتَرَيْتَ دَابَّةً أَوْ رَأْسًا فَقُلْ : اللَّهُمَّ اقْدِرْ لِي أَطْوَلَهَا حَيَاةً ، وَأَكْثَرَهَا مَنَفَعَةً ، وَخَيْرَهَا عَاقِبَةً . (٣)

١- الكافي: ٤ / ٤٩٦ / ٣ ، تهذيب الأحكام: ٥ / ٢٠٩ / ٧٠٢ .

٢- الكافي: ٤ / ٥٤٦ / ٣٠ .

٣- الكافي: ٥ / ١٥٧ / ٣ ، تهذيب الأحكام: ٧ / ١٠ / ٣٤ .

۴ / ۲۷ دعا به هنگام خرید

الکافی از سواده: گروهی بودیم در منا؛ قربانی ها کم شدند. دیدیم که امام صادق علیه السلام کنار دسته ای گوسفند ایستاده ، بر قیمت گوسفندی به سختی چانه می زند. ما ایستاده ، انتظار می کشیدیم. چون فراغت یافت ، نزد ما آمد و فرمود: «گمان می کنم از چانه زدن من شگفت زده شده اید!» گفتیم: «آری». فرمود: «همانا فریفته شده نه ستودنی است و نه پاداش دادنی» .

الکافی از علی بن ابی عبدالله از حسین بن یزید: ابوحنیفه به امام صادق علیه السلام گفته بود: «مردم دیروز در عرفات از تو بسیار شگفت زده شدند که بر قیمت قربانی ات به سخت ترین وجه ممکن ، چانه می زدی!» شنیدم که امام صادق علیه السلام [در پاسخ او] می فرماید: «آیا خدا خشنود است که من در مال خود زیان بینم؟» [راوی] گفت: «ابو حنیفه پاسخ داد: نه ، به خدا سوگند! خدای از این کار ، نه کم و نه زیاد ، خرسند نیست . ما هرگز مطلبی را نزد تو نمی آوریم ، مگر این که پاسخی به ما می دهی که راه گریز بر ایمان نمی ماند» .

۴ / ۷ - ۲ دعا به هنگام خرید الکافی از معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی چیزی بخری بگو: «ای زنده ، ای پابرجای ، ای همیشگی ، ای مهرورز ، ای مهربان! تو را به سرافرازی و توانمندی و گستره دانشت سوگند می دهم که امروز از این داد و ستد ، بیش ترین روزی و برترین نعمت و بهترین فرجام را نصیب من فرما؛ که در آن چه فرجام [خوب] ندارد ، خیری نیست» . و [نیز] امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه چهارپا یا دامی خریدی ، بگو: «بار خدایا! دراز عمرترین ، پرسودترین ، و نیک فرجام ترینش را نصیب من فرما» .

٣٧ / ٤ اختيَارُ الجَيِّدِ الكَافِي عن عاصم بن حميد: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ تُعَالِجُ؟ قُلْتُ: أُبِيعُ الطَّعَامَ، فَقَالَ لِي: اشْتَرِ الجَيِّدَ وَبِعِ الجَيِّدَ؛ فَإِنَّ الجَيِّدَ إِذَا بَعْتَهُ قِيلَ لَهُ: بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ وَفِي مَنْ بَاعَكَ. (١)

٨ / ٤ جَوَامِعُ آدَابِ الْمُعَامَلَةِ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى فَلْيَحْفَظْ خَمْسَ خِصَالٍ وَإِلَّا فَلَا يَشْتَرِينَ وَلَا يَبِيعَنَّ: الرِّبَا، وَالْحَلْفَ، وَكِتْمَانَ الْعَيْبِ، وَالْحَمْدَ إِذَا بَاعَ، وَالذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَطْيَبَ الْكَسْبِ كَسْبُ التُّجَّارِ الَّذِينَ إِذَا حَيْدَثُوا لَمْ يَكْذِبُوا، وَإِذَا اتُّمِنُوا لَمْ يَخُونُوا، وَإِذَا وَعَدُوا لَمْ يُخْلِفُوا، وَإِذَا اشْتَرَوْا لَمْ يَذْمُوا، وَإِذَا بَاعُوا لَمْ يُطْرُوا، وَإِذَا كَانَ عَلَيْهِمْ لَمْ يَمْطَلُوا، وَإِذَا كَانَ لَهُمْ لَمْ يُعَسِّرُوا. (٣)

١- الكافي: ٢ / ٥ / ٢٠٢.

٢- الكافي: ٢ / ١٥٠ / ٥، تهذيب الأحكام: ١٨ / ٦ / ٧ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ٢٨٦ / ٣٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «فليجتنب» بدل «فليحفظ» و«المدح» بدل «الحمد»، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٩٤ / ٣٧٢٧، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ٢٥٠ وفيهما «المدح» بدل «الحمد».

٣- شعب الإيمان: ٤ / ٢٢١ / ٤٨٥٤، الفردوس: ١ / ٢١٧ / ٨٣٢ نحوه وكلاهما عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ٤ / ٣٠ / ٩٣٤٠ و ٩٣٤١.

۴ / ۳۷ نیکو گزینی

۴ / ۴۷ جنگ آداب معامله

۴ / ۷ - نیکو گزینیالکافی از عاصم بن حمید: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: «چه می کنی؟» گفتم: «خوراک می فروشم». فرمود: «نیکو را بخر و نیکو را بفروش؛ که اگر نیکو را بفروشی، به پاس آن، گفته می شود: خدای تو را برکت دهد و نیز آن کس را که به تو فروخت».

۴ / ۷ - جنگ آداب معامله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس فروش و خرید می کند، باید از پنج خصلت دور باشد و گرنه، هرگز نباید بفروشد و بخرد: رباخواری، سوگند خوری، عیب پوشی، بازار گرمی به هنگام فروش، و بر سر مال زدن به هنگام خرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا پاکیزه ترین پیشه، پیشه بازرگانانی است که چون سخن گویند، لب به دروغ نگشایند؛ هر گاه امین شمرده شوند، خیانت نورزند؛ زمانی که وعده دهند، پیمان نشکنند؛ چون بخرند، بر سر مال نزنند؛ چون بفروشند، بازار گرمی نکنند؛ هر گاه مدیون شوند، [در پرداخت دین] امروز و فردا نکنند؛ و هر گاه طلبکار شدند، [بر بدهکار] تنگ نگیرند.

عنه صلى الله عليه وآله: أُرْبِعَ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدَ طَابَ مَكْسَبُهُ: إِذَا اشْتَرَى لَمْ يَعْ، وَإِذَا بَاعَ لَمْ يَحْمِدْ، وَلَا يُدَلِّسْ، وَفِي مَا بَيْنَ ذَلِكَ لَا يَحْلِفُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَبِعُ حَاضِرٌ لِبَادٍ، دَعَا النَّاسَ يَرْزُقِ اللَّهُ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَتَلَقَى الرَّكْبَانُ لِبَيْعٍ، وَلَا يَبِعُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَلَا تَنَاجَشُوا، وَلَا يَبِعُ حَاضِرٌ لِبَادٍ، وَلَا تَصَيَّرُوا الْإِبِلَ وَالْغَنَمَ؛ فَمَنْ ابْتَاعَهَا بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ بِخَيْرِ النَّظَرَيْنِ بَعْدَ أَنْ يَحْلُبَهَا؛ فَإِنْ رَضِيَ بِهَا أَمْسَكَهَا، وَإِنْ سَخَطَهَا رَدَّهَا وَصَاعًا مِنْ تَمْرٍ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ بَاعَ عِيًّا لَمْ يُبَيِّنْهُ لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ، وَلَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَلْعَنُهُ. (٤)

١- الكافي: ٥ / ١٥٣ / ١٨ عن أبي أمامه وراجع الفردوس: ٢ / ٧٩ / ٢٤٤٩.

٢- صحيح مسلم: ٣ / ١١٥٧ / ٢٠، سنن الترمذى: ٣ / ٥٢٦ / ١٢٢٣، سنن النسائي: ٧ / ٢٥٦، سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٣٤ / ٢١٧٦، مسند ابن حنبل: ٥ / ٣٦ / ١٤٢٩٥ كلها عن جابر، كنز العمال: ٤ / ٦٤ / ٩٥٢٧؛ الكافي: ٥ / ١٦٨ / ١، تهذيب الأحكام: ٧ / ١٥٨ / ٦٩٧ كلاهما عن عروه بن عبد الله عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «والمسلمون» بدل «دعوا الناس»، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٢٧٣ / ٣٩٨٨ وفيه «ذروا المسلمين» بدل «دعوا الناس»، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٨٨ / ٦.

٣- صحيح مسلم: ١١ / ١١٥٥ / ٣، السنن الكبرى: ١٠٩٠١ / ٥ / ٥٦٦، سنن أبي داود: ٣ / ٣٤٤٣ / ٢٧٠ وليس فيه «ولا تناجشوا»، ولا يبيع حاضر لباد»، مسند ابن حنبل: ٣ / ٤٩٤ / ١٠٠١١ وفيهما «تلقوا» بدل «يتلقى» وكلها عن أبي هريره، كنز العمال: ٤ / ٦٥ / ٩٥٣١.

٤- سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٥٥ / ٢٢٤٧، مشكاة المصابيح: ٢ / ١٠٠ / ٢٨٧٤ وفيه «يتبه» بدل «يبينه» وكلاهما عن واثله بن الأسقع، كنز العمال: ٤ / ٥٩ / ٩٥٠١.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چهار ویژگی داشته باشد، کسب و کارش پاکیزه است: به هنگام خرید، بر سر مال نزند؛ به هنگام فروش، بازار گرمی نکند؛ عیب را نپوشد؛ و در میانه این کارها سوگند نخورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ساکن شهر یا روستا نباید به بادیه نشین چیزی بفروشد؛ بگذارید تا خدای روزی برخی از مردم را به دست برخی دیگر دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سواران خرید و فروش نکنند؛ هیچ یک از شما بر معامله دیگری درنیاید؛ قیمت کالا را در رقابت با هم بالا نبرید؛ ساکن شهر یا روستا برای بادیه نشین چیزی نفروشد؛ (۱) به هنگام فروش شتر یا گوسفند، شیر را در پستان وی گرد نیاورید [تا مشتری فریفته نشود]؛ که هر کس چنین حیوانی را بخرد، بعد از این که آن را دوشید، مختار است که یکی از این دو کار را بکند: اگر پسندید، آن را نگاه دارد؛ و اگر نپسندید، بازش گرداند و یک من خرما بدهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، چیزی عیب دار را بفروشد و عیبش را نگوید، همواره در عذاب خدا است و فرشتگان پیوسته لعنتش می کنند.

۱- منظور آن است که ساکنان شهر و روستا، اختیار اموال بادیه نشین را در دست نگیرند و در خرید و فروش برای او تصمیم نگیرند. [ر.ک: السرائر، ابن ادریس: ج ۲، ص ۲۳۶].

عنه صلى الله عليه وآله: الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ ، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ بَاعَ مِنْ أَخِيهِ بَيْعًا فِيهِ عَيْبٌ إِلَّا بَيَّنَّهُ لَهُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: كِتْمَانُ الْبَائِعِ عَيْبٌ مَا بَاعَهُ غِشٌّ . . . لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَبِيعَ مِنْ أَخِيهِ بَيْعًا يَعْلَمُ فِيهِ عَيْبًا إِلَّا بَيَّنَّهُ ، وَلَا يَحِلُّ لِعَیْبِهِ إِنْ عَلِمَ ذَلِكَ الْعَيْبَ أَنْ يَكْتُمَهُ عَنِ الْمُشْتَرِي إِذَا رَأَاهُ اشْتَرَاهُ وَلَمْ يَعْلَمْ بِهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ احْفَظُوا: لَا تَحْتَكِرُوا ، وَلَا تَنَاجَشُوا ، وَلَا تَلْقُوا السَّلْعَ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: مَعَاشِرَ التُّجَّارِ ، اجْتَنِبُوا حَمْسَةَ أَشْيَاءَ: مَدَحَ الْبَائِعِ ، وَذَمَّ الْمُشْتَرِي ، وَالْيَمِينَ عَلَى الْبَيْعِ ، وَكِتْمَانَ الْعُيُوبِ ، وَالرِّبَا ؛ يَصِحَّ لَكُمْ الْحَلَالُ ، وَتَنْخَلَّصُوا بِذَلِكَ مِنَ الْحَرَامِ . (٤)

فتح الأبواب عن أحمد بن محمد بن يحيى: أَرَادَ بَعْضُ أَوْلِيَائِنَا الْخُرُوجَ لِلتُّجَّارِهِ ، فَقَالَ: لَا- أَخْرُجْ حَتَّى آتِيَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَمَا سَلِمَ عَلَيْهِ ، وَأَسْتَشِيرَهُ فِي أَمْرِي هَذَا ، وَأَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ لِي . قَالَ: فَآتَاهُ فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنِّي عَزَمْتُ عَلَى الْخُرُوجِ لِلتُّجَّارِهِ ، وَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أَخْرُجَ حَتَّى أَلْقَاكَ وَأَسْتَشِيرَكَ ، وَأَسْأَلُكَ الدُّعَاءَ لِي . قَالَ: فَدَعَا لِي ، وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِصِدْقِ اللِّسَانِ فِي حَدِيثِكَ ، وَلَا تَكْتُمُ عَيْبًا يَكُونُ فِي تِجَارَتِكَ ، وَلَا تَغْبِنِ الْمُسْتَرْسِلَ ؛ فَإِنَّ غَبْنَهُ رَبَا ، وَلَا تَرْضَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا تَرْضَاهُ لِنَفْسِكَ ، وَأَعْطِ الْحَقَّ وَخُذْهُ ، وَلَا تُخْفِ ، وَلَا تُخُنْ ؛ فَإِنَّ التَّاجِرَ الصَّدُوقَ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبِرَّزِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَاجْتَنِبِ الْحَلْفَ ؛ فَإِنَّ الْيَمِينَ الْفَاجِرَةَ تَوْرَثُ صَاحِبَهَا النَّارَ ، وَالتَّاجِرُ فَاجِرٌ إِلَّا مَنْ أَعْطَى الْحَقَّ وَأَخَذَهُ . (٥)

١- سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٥٥ / ٢٢٤٦ ، المستدرک علی الصحیحین: ٢ / ١٠ / ٢١٥٢ ، السنن الکبری: ٥ / ٥٢٣ / ١٠٧٣٤ کلها عن عقبه بن عامر الجهني ، كنز العمال: ٤ / ٥٩ / ٩٥٠٢ .

٢- دعائم الإسلام: ٢ / ٤٧ / ١١٥ .

٣- المعجم الكبير: ٢٢ / ٣٨٢ / ٩٥٢ عن زامل بن عمرو عن أبيه عن جدّه ، كنز العمال: ٤ / ١٧٨ / ١٠٠٥٦ .

٤- المقنعه: ٥٩١ ، معدن الجواهر: ٥٠ .

٥- فتح الأبواب: ١٦٠ ، بحار الأنوار: ٩١ / ٢٣٥ / ١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسلمان، برادرِ مسلمان است و مسلمان را سزاوار نیست که به برادرش چیزی معیوب بفروشد و عییش را به وی نگوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این که فروشنده، عیب آن چه را می فروشد پنهان کند، فریبگری است... مسلمان را روا نیست که به برادرش چیزی بفروشد که عییش را می داند، مگر این که آن عیب را به مشتری بنمایاند؛ و [نیز] غیرِ فروشنده را روا نیست که اگر آن عیب را می داند و می بیند که مشتری نادانسته آن چیز را می خرد، عیب را به او نگوید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! [این ها را] به خاطر بسپارید: احتکار نکنید؛ در رقابت با یکدیگر، قیمت را بالا نبرید؛ و کالا را [با بازار گرمی] عرضه نکنید.

امام علی علیه السلام: ای صنف تاجران! از پنج چیز پرهیزید: این که فروشنده کالای خود را بستاید؛ این که مشتری کالا را نکوهش کند؛ سوگند خوردن بر معامله؛ عیب پوشی؛ و ربا خواری. بدین سان، [معامله] حلال برای شما راست می گردد؛ و با آن از حرام رهایی یابید.

فتح الأبواب از احمد بن محمد بن یحیی: یکی از دوستان ما قصد کرد که برای تجارت روانه گردد؛ گفت: «روانه نمی شوم تا نزد جعفر بن محمد روم و او را سلام دهم و در این کار با او مشورت کنم و از وی طلب دعا نمایم». [راوی] گفت: پس نزد امام رفت و گفت: «ای پسر رسول خدا! من قصد کرده ام که برای تجارت روانه شوم و بر خویش سوگند خورده ام که روان نشوم تا شما را دیدار کنم و با شما مشورت نمایم و از شما طلب دعا نمایم». گفت: «پس برایم دعا کرد و آن گاه، فرمود: بر تو باد راست گفتاری؛ و عیبی را که در کالای تو است، مپوشان؛ و آن را که به تو اعتماد ورزیده، مفرب که فریفتن او [در حکم] ربا خواری است؛ و برای مردم جز آن چه را که برای خویشان می پسندی، مپسند؛ و حق را بده و بستان؛ و [حقیقت] را [مپوشان و خیانت نوز؛ که بازرگان راستی پیشه در روز قیامت، همراه فرشتگان بزرگوار نیکومرام خواهد بود؛ و از سوگند پرهیز، که سوگند ناروا برای سوگند خورده آتش بر جای می نهد. و بازرگان، بدکار است، مگر آن کس که حق را بدهد و حق را بستاند.

صحيح البخارى: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يبيع حاضرت لباد. و[قال:]لا تناجشوا، ولا يبيع الرجل على بيع أخيه.

(١)

١- صحيح البخارى: ٢ / ٧٥٢ / ٢٠٣٣، صحيح مسلم: ٢ / ١٠٣٣ / ٥٢، سنن النسائي: ٧ / ٢٥٩، مسند ابن حنبل: ٣ / ١٠٥ / ٧٧٠٤ كلها نحوه، كنز العمال: ٤ / ٦٤ / ٩٥٢٨.

صحیح بخاری: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود که ساکن شهر یا روستا، به بادیه نشین چیزی بفروشد؛ و [فرمود]:
در رقابت با یکدیگر، قیمت را بالا نبرید؛ و کسی بر معامله برادر [مسلمان] آش در نیاید.

الفصل الخامس: الاستهلاك ٥ / ١ ما يتبعى فى استهلاك الأموال الخاصه ٥ / ١ الاستهلاك بقدر الحاجه الكتاب: «هو الذى جعل لكم الأرض ذلولا فامشوا فى مناكبها وكلوا من رزقه وإليه النشور. (١)»

«و جعلنا فيها جنت من نخيل وأعناب وفجرنا فيها من العيون * لياكلوا من ثمره وما عملته أيديهم أفلا يشكرون. (٢)»

«لقد كان لسبأ فى مسكنهم آية جنتان عن يمين وشمال كلوا من رزق ربكم واشكروا له بلدة طيبة ورب غفور. (٣)»

١- الملك: ١٥ .

٢- يس: ٣٤ و ٣٥ .

٣- سبأ: ١٥ .

۵ / ۱ آن چه در مصرف دارایی های خصوصی روا است

۵ / ۱۱ مصرف به اندازه نیاز

فصل پنجم: مصرف ۵ / ۱ آن چه در مصرف دارایی های خصوصی روا است ۵ / ۱ - مصرف به اندازه نیاز قرآن: «او است که زمین را برای شما رام کرد؛ پس در اطراف و کناره های آن ، راه روید و از روزی او بخورید؛ و بدانید که برانگیختن [در روز رستاخیز] به سوی او است.»

«و در آن ، بوستان هایی از درخت خرما و انگور پدید کردیم و در آن ، چشمه ها روان ساختیم * تا از میوه آن بخورند و از آن چه به دست های خود کار کرده اند. پس آیا سپاس نمی گزارند؟»

«هر آینه مردم سبأ را در جای سکونتشان ، نشانه ای [از قدرت و نعمت ما] بود : دو بوستان ، از دست راست و از دست چپ. [گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را سپاس گزارید؛ شهری است خوش [و پُر نعمت] و خداوندی آمرزگار.»

«پس ، از آن چه خدا روزی تان کرده ، حلال و پاکیزه بخورید و نعمت خدای را سپاس بدارید ، اگر او را می پرستید و بس
».

«فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ . (١)»

«كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى . (٢)»

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ . (٣)»

الحديث: الكافي عن صالح بن أبي حمّاد وأحمد بن محمّد عن الإمام عليّ عليه السلام فياحتجاجه على عاصم بن زياد حين لبس العباء وترك الملاء، وشكاه أخوه الربيع بن زياد أنّه قد غمّ أهله وأحزن ولده بذلك، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: عليّ بعاصم ابن زياد! فجيء به، فلما رآه عبس وجهه فقال له: أما استحييت من أهلك؟! أما رحمت ولدك؟! أتري الله أحلّ لك الطيبات وهو يكره أخذك منها؟! أنت أهون على الله من ذلك! أوليس الله يقول: «وَالأَرْضَ وَضَعَهَا لِلأَنَامِ * فِيهَا فَكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الأَكْمَامِ»؟! (٤) أوليس (الله) يقول: «مَرَجَ البَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ إِلَى قَوْلِهِ: يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَ المَرْجَانُ»؟! (٥) فبالله لا يتدال نعم الله بالفعال أحبّ إليه من ابتدائها بالمقال، وقد قال الله عز و جل: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ . (٦)» فقال عاصم: يا أمير المؤمنين، فعلام اقتصرت في مطعمك على الجشوبه وفي ملبسك على الخشونه؟ فقال: ويحك! إنّ الله عز و جل فرض على أئمة العادل أن يعدّروا أنفسهم بضمّ عفه الناس كيلا يتبيح بالفقير فقره. فألقى عاصم بن زياد العباء ولبس الملاء . (٧)

١- النحل: ١١٤ .

٢- طه: ٨١ .

٣- البقره: ١٧٢ .

٤- الرحمن: ١٠ و ١١ .

٥- الرحمن: ٢٢ ١٩ .

٦- الضحى: ١١ .

٧- الكافي: ١ / ٤١٠ / ٣، نهج البلاغه: الخطبه ٢٠٩ نحوه، بحار الأنوار: ٤٠ / ٣٣٦ / ١٩ وج ٧٠ / ١١٨ / ٨ .

«از پاکیزه‌هایی که روزی تان کردیم، بخورید و در آن، از اندازه‌مگذرید که خشم من بر شما فرود آید؛ و هر که خشم من بر او فرود آید، بی‌گمان هلاک شود.»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و خدای را سپاس‌گزارید؛ اگر او را می‌پرستید و بس.»

حدیث: الکافی از صالح بن ابی حمّاد و احمد بن محمّد از امام علی علیه السلام در دلیل آوری اش بر عاصم بن زید، آن‌گاه که جامه معمول رها کرد و عبا [ی زهد] به برافکند و برادرش ربیع بن زیاد از وی شکایت آورد که زن و فرزندش را با این کار به اندوه افکنده است: الکافی از صالح بن ابی حمّاد و احمد بن محمّد از امام علی علیه السلام در دلیل آوری اش بر عاصم بن زید، آن‌گاه که جامه معمول رها کرد و عبا [ی زهد] به برافکند و برادرش ربیع بن زیاد از وی شکایت آورد که زن و فرزندش را با این کار به اندوه افکنده است: عاصم بن زیاد را نزد من احضار کنید! و چون او نزدش آورده شد، با نگرستن در وی چهره اش در هم شد و به او فرمود: آیا از خانواده ات شرم نکردی؟ آیا بر فرزندت رحم نیاوردی؟ آیا گمان می‌کنی خداوند با آن که پاکیزه‌ها را بر تو حلال فرموده، استفاده ات از آن‌ها را ناپسند شمرده است؟ تو برای خدا این قدر منزلت نداری! آیا خدا نیست که می‌فرماید: «و زمین را برای آدمیان بنهاد * در آن، میوه‌ها است و خرما بُن‌های غلاف دار»؟ آیا همو نیست که می‌فرماید: «آن دو دریا را راه داد که به هم رسند * میان آن دو حائلی است تا از حد نگذرند * . . . از آن دو، مروارید و مرجان بیرون آید» پس به خدا سوگند! خوار شمردنِ نعمت‌های خدا با عمل، برای خدا دلخواه‌تر است از خوار شمردن آن‌ها با زبان. خداوند فرموده است: «و به نعمت پروردگارت، سخن بگشای». عاصم گفت: «ای امیرالمؤمنین! پس چرا تو، خود غذای درشت می‌خوری و جامه خشن می‌پوشی؟» فرمود: «وای بر تو! هر آینه خداوند بر پیشوایان عدل واجب فرموده که خویشان را همسان مردم ناتوان سازند تا فقر، بر فقیر جوشش نیاورد». سپس عاصم بن زیاد عبا [ی زهد] از تن افکند و جامه معمول بر تن کرد.

الاختصاص: استعدى زياد بن شداد الحارثي صاحب رسول الله صلى الله عليه وآله وأخيه عبيد الله بن شداد، فقال [لعلي عليه السلام]: يا أمير المؤمنين، ذهب أخى فى العباد، وامتنع أن يساكننى فى دارى، ولبس أدنى ما يكون من اللباس. قال [عبيد الله]: يا أمير المؤمنين، تزيت بزيتك ولبست لباسك! قال [عليه السلام]: ليس لك ذلك؛ إن إمام المسلمين إذا ولي أمورهم لبس لباس أدنى فقيرهم؛ لئلا يتبع بالفقير فقره فيقتله، فلأعلمن ما لبست إلا من أحسن زى قومك «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»، فالعمل بالنعمة أحب إلى من الحديث بها. (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام: لأن أدخل السوق ومعى دراهم أبتاع به [اليعالى لهما وقد قرموا أحب إلى من أن أعتق نسمة]. (٢)

الكافى عن محمد بن مسلم: قال رجل لأبى جعفر عليه السلام: إن لى ضيعه بالجبل استغلها فى كل سنة ثلاث [ة] آلاف درهم، فأنفق على عيالى منها ألفى درهم وأصدق منها بألف درهم فى كل سنة، فقال أبو جعفر عليه السلام: إن كانت الألفان تكفيهم فى جميع ما يحتاجون إليه لست بتهم فقد نظرت لنفسك، ووفقت لرشدك، وأجزيت نفسك فى حياتك بمنزله ما يوصى به الحى عند موته. (٣)

١- الاختصاص: ١٥٢، بحار الأنوار: ٤٠ / ١٠٧ / ١١٧.

٢- الكافى: ٤ / ١٢ / ١٠ عن أبى حمزه.

٣- الكافى: ٤ / ١١ / ٢.

اختصاص: زیاد بن شداد حارثی، از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، به شکایت از برادرش عبیدالله بن شداد، نزد علی علیه السلام به دادخواهی پرداخت و گفت: «ای امیرالمؤمنین! برادرم در عبادت فرو رفته و از این که با من در خانه ام ساکن شود خودداری ورزیده و پست ترین جامه را بر تن کرده است». [عبیدالله در پاسخ] گفت: «ای امیرالمؤمنین! چنان که تو خود را می آرایی، خویشتن را آراستم؛ و آن سان که تو جامه می پوشی، جامه پوشیدم». امام علیه السلام فرمود: تو را نرسد که چنین کنی! پیشوای مسلمانان، آن گاه که ولایت امور آنان را در دست گیرد، جامه فقیرترین ایشان را می پوشد، مبادا که فقر فقیر بر او بجوشد و وی را بگشدد. هر آینه من می دانم که تو تنها نیکوترین جامه های قوم خود را بر تن می کردی. [خداوند می فرماید:] «و به نعمت پروردگارت سخن بگشای». پس استفاده عملی از نعمت، نزد من دوست داشتنی تر از سخن گفتن از آن است.

امام زین العابدین علیه السلام: همانا این که به بازار درآیم و با درهم هایی که دارم، برای خانواده ام که بسیار گوشت دوست می دارند، گوشت بخرم، نزد من دوست داشتنی تر از آن است که بنده ای را آزاد کنم.

الکافی از محمد بن مسلم: مردی به امام باقر علیه السلام گفت: «مرا در کوهستان، زمینی است که هر سال سه هزار درهم از بابت آن اجاره می ستانم؛ دو هزارش را هزینه خانواده ام می کنم و هزارش را هر ساله صدقه می دهم». امام باقر علیه السلام مالکافی از محمد بن مسلم: مردی به امام باقر علیه السلام گفت: «مرا در کوهستان، زمینی است که هر سال سه هزار درهم از بابت آن اجاره می ستانم؛ دو هزارش را هزینه خانواده ام می کنم و هزارش را هر ساله صدقه می دهم». امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر آن دو هزار درهم همه نیازهای سالانه ایشان را تأمین می کند، همانا خوب در [کار] خود اندیشیده ای و به کمال خویش توفیق یافته ای و در دوران زندگی ات، همان پاداشی را برده ای که کسی از وصیت [به کار خیر] پس از مرگش می برد». .

الإمام الكاظم عليه السلام: اجعلوا لأنفسكم حظًا من الدنيا بإعطائها ما تشتهي من الحلال، وما لا يتلئم المروءة، وما لا سرف فيه .
واستعينوا بذلك على أمور الدين؛ فإنه روى: ليس منا من ترك دُنياه لدينه، أو ترك دينه لدُنياه. (١)

عنه عليه السلام: يتبغى للرجل أن يوسع على عياله كيلا يتمنوا موته، وتلا هذه الآية: « وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشَكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا؛ (٢) » الأسير: عيال الرجل؛ يتبغى للرجل إذا زيد في النعمة أن يزيد أسراءه في السعة عليهم. (٣)

عنه عليه السلام: إن عيال الرجل أسراؤه، فمن أنعم الله عليه نعمة فليوسع على أسرائه، فإن لم يفعل أوشك أن تزول تلك النعمة (٤).

الإمام الرضا عليه السلام: صاحب النعمة يجب عليه التوسع على عياله. (٥)

١- تحف العقول: ٤١٠، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ٣٣٧ وفيه «لم ينل» بدل «لا يثلثم»، بحار الأنوار: ٧٨ / ٣٢١ /

٢- الإنسان: ٨.

٣- الكافي: ٤ / ١١ / ٣ عن معمر بن خلاد وراجع من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٦٨ / ١٧٤٢.

٤- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٤٠٢ / ٥٨٦٧ عن مسعده وج ٣ / ٥٥٦ / ٤٩١٠، الأمالي للصدوق: ٥٢٧ / ٧١٢ عن مسعده بن صدقه، روضه الواعظين: ٤٠٦، بحار الأنوار: ١٠٤ / ٦٩ / ١.

٥- الكافي: ٤ / ١١ / ٥ عن ابن أبي نصر.

امام کاظم علیه السلام: برای جان های خویش نصیبی از دنیا برگیرید ، بدین سان که به هر چه از حلال میل دارند چندان که با جوانمردی بسازد و زیاده روی در آن نباشد کامیابشان کنید . و از این کامیابی ، برای کار دین یاری جوید ؛ که همانا روایت شده است: «از ما نیست آن که دنیایش را برای دینش رها کند ، یا دینش را برای دنیایش واگذارد» .

امام کاظم علیه السلام: «مرد را سزاوار است که بر خانواده اش چندان گشاده دست باشد که مرگش را آرزو نکنند» . و این آیه را تلاوت فرمود : « وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَشَكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا » «و طعام را با این که دوست می دارند ، به بینوا و یتیم و اسیر می خورانند» . [و در توضیح آن فرمود:] اسیر ، خانواده مرد است ، مرد را روا است که هر گاه نعمتش افزون گشت ، بر اسیران خود بیش تر گشاده دستی کند .

امام کاظم علیه السلام: هر آینه نان خورانِ مرد ، اسیران اویند ؛ پس هر که خداوند به او نعمت بخشیده ، بر اسیرانش گشاده دستی کند ، که اگر چنین نکند ، زود است آن نعمت تباہ گردد .

امام رضا علیه السلام: بر آن که از نعمت برخوردار است ، واجب است بر خانواده اش گشاده دستی کند .

٥ / ١ التَّوَارُثُ بَيْنَ الدَّخْلِ وَالْإِنْفَاقِ الْكِتَابُ: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَأْآتَهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا . (١)»

الحديث: مكارم الأخلاق عن معاوية بن وهب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَكُونُ قَدْ غَنِيَ دَهْرَهُ وَلَهُ مَالٌ وَهَيْئَتُهُ فِي لِبَاسِهِ وَنَخْوَةٌ، ثُمَّ يَذْهَبُ مَالُهُ وَيَتَغَيَّرُ حَالُهُ، فَيَكْرَهُ أَنْ يَشْمَتَ بِهِ عَدُوُّهُ، فَيَتَكَلَّفُ مَا يَنْهَى بِهِ؟ فَقَالَ: «لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» عَلَى قَدْرِ حَالِهِ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَذَ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى أَدْبَا حَسِينَا: إِذَا وَسَّعَ عَلَيْهِ وَسَّعَ عَلَى نَفْسِهِ، وَإِذَا أَمْسَكَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مِنَ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ: الْإِنْفَاقُ عَلَى قَدْرِ الْإِقْتَارِ، وَالتَّوَسُّعُ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ، وَإِنْصَافُ النَّاسِ، وَابْتِدَاءُؤُهُ إِيَّاهُمْ بِالسَّلَامِ عَلَيْهِمْ . (٤)

١- .الطلاق: ٧ .

٢- .مكارم الأخلاق: ١ / ٢٥٠ / ٧٤٤، بحار الأنوار: ٧٩ / ٣١٣ / ٢٤ .

٣- .شعب الإيمان: ٥ / ٢٥٩ / ٦٥٩١، كنز العمال: ٦ / ٣٤٨ / ١٥٩٩٨ نقلًا عن حليه الأولياء وكلاهما عن ابن عمر .

٤- .الكافي: ٢ / ٢٤١ / ٣٦ عن أبي حمزه، تحف العقول: ٢٨٢، بحار الأنوار: ٦٧ / ٣٦١ / ٦٥ .

۵ / ۲۱ تعادل میان درآمد و بخشش

۵ / ۱ - ۲ تعادل میان درآمد و بخشش قرآن: «فراخ دست از فراخ دستی خود هزینه کند؛ و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد، از آن چه خداوند به او داده است، هزینه کند. خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند، مگر [به اندازه] آن چه به او داده است. خداوند پس از سختی و دشواری، آسانی و فراخی پدید خواهد آورد.»

حدیث: مکارم الأخلاق از معاویه بن وهب: به امام صادق علیه السلام گفتیم: «[رای شما چیست درباره] مردی که روزگارش را با توانگری به سر می برد و دارای ثروت و جامه چشمگیر است و به خود می نازد؛ سپس ثروتش از کف می رود و حال و روزش دگرگون می شود؛ و دوست نمی دارد که دشمن وی را سرزنش کند، پس خود را به صورت ثروتمندان بیاراید؟» امام فرمود: «فراخ دست از فراخ دستی خود هزینه کند؛ و هر که روزی اش بر او تنگ شده باشد، از آن چه خداوند به او داده است، هزینه کند؛ هر کس به فراخور حال خویش.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه مؤمن از خداوند سبحان و تعالی ادبی نیکو بر گرفته است: چون بر او فراخ گیرد، او هم بر خویش گشاه دستی کند؛ و چون بر او تنگ گیرد، او هم [بر خود] تنگ گیرانه رفتار کند.

امام زین العابدین علیه السلام: از خوی های مؤمن است: بخشش به فراخور [گشاده روزی و] تنگ روزی؛ گشاده دستی به تناسب گشاده روزی؛ با مردم داد ورزیدن؛ و پیشی جستن از دیگران برای سلام دادن.

الإمام الصادق عليه السلام: إذا جَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْكُمْ فَجُودُوا، وَإِذَا أَمْسَكَ عَنْكُمْ فَأَمْسِكُوا، وَلَا تُجَاوِدُوا اللَّهَ؛ فَهُوَ الْأَجُودُ. (١)

عنه عليه السلام في جوابِ سِمْعَانَ وَقَدْ سَأَلَهُ عَنِ وُجُوبِ الزَّكَاةِ عَلَى مَنْ يَمْلِكُ بَعْضَ نَفَقَتِهِ: رَبُّ فَقِيرٍ أَسْرَفَ مِنْ غِنَى. فَقُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ أَسْرَفَ مِنَ الْغِنَى؟ فَقَالَ: إِنَّ الْغِنَى يُنْفِقُ مِمَّا أُوتِيَ، وَالْفَقِيرُ يُنْفِقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ. (٢)

الكافي عن أبوبصير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَخْرُجُ الرَّجُلُ مَعَ قَوْمٍ مَيَاسِيرٍ وَهُوَ أَقْلُهُمْ شَيْئًا، فَيُخْرِجُ الْقَوْمَ النَّفَقَةَ وَلَا يَقْدِرُ هُوَ أَنْ يُخْرِجَ مِثْلَ مَا أَخْرَجُوا، فَقَالَ: مَا أَحَبُّ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ، لِيُخْرِجَ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْلُهُ. (٣)

٥ / ١٣١ رِعايَةُ الْأَوْلِيَاءِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فَقِيرًا فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى عِيَالِهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَعَلَى قَرَابَتِهِ أَوْ عَلَى ذِي رَحِمِهِ، فَإِنْ كَانَ فَضْلًا فَهَاهُنَا وَهَاهُنَا. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ دِينَارٍ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ: دِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ، وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ عَلَى دَائِيَّتِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (٥)

١- الكافي: ٤ / ٥٤ / ١١ عن رفاعه .

٢- الكافي: ٣ / ٥٦٢ / ١١ عن سماعه .

٣- الكافي: ٤ / ٢٨٧ / ٨ .

٤- سنن النسائي: ٧/٣٠٤، صحيح مسلم: ٢/٦٩٣/٤١، السنن الكبرى: ١٠/٥٢١/٢١٤٣٩ وح ٢١٥٣٨ كلها عن جابر نحوه، كنز العمال: ١٦٢٣٠/٦٣٩٦ وراجع مسند ابن حنبل: ٥ / ١٦٤ / ١٤٩٩١ .

٥- صحيح مسلم: ٢ / ٦٩٢ / ٣٨، سنن الترمذي: ٤ / ٣٤٤ / ١٩٦٦، سنن ابن ماجه: ٢ / ٩٢٢ / ٢٧٦٠ وفيه «على فرس» بدل «على دابته»، مسند ابن حنبل: ٨/٣٢٤/٢٢٤٤٣، الأدب المفرد: ٢٢٥/٧٤٨ كلها عن ثوبان، كنز العمال: ٦ / ٤٢٨ / ١٦٣٩٦ .

۵ / ۳۱ در نظر گرفتن اولویت ها

امام صادق علیه السلام: هر گاه خداوند تبارک و تعالی بر شما کرم ورزید ، شما هم کرم کنید ؛ و چون بر شما تنگ گرفت ، شما نیز تنگ گیرید ؛ و در بخشندگی از خدای پیشی مگیرید ، که او بخشنده ترین است .

امام صادق علیه السلام در پاسخ سَمَاعَه که از وی درباره وجوب زکات بر کسی که بخشی از هزینه اش را تأمین تواند کرد ، سؤال کرده بود : «بسا فقیری که از توانگر اسراف کارتر باشد» . گفتم: «چگونه فقیر از توانگر اسراف کارتر تواند بود؟» فرمود: «توانگر از آن چه به وی عطا شده ، خرج می کند ؛ و فقیر از آن چه به وی عطا نشده هزینه می نماید!»

الکافی از ابوبصیر: به امام صادق علیه السلام گفتم: «مردی با گروهی توانگر همراه می شود که از همه ایشان دارایی اش کم تر است . آنان چندان هزینه می کنند که او نمی تواند» . فرمود: «دوست نمی دارم که وی خود را خوار کند ؛ پس باید همراه کسی بیرون شود که همانند خود او است» .

۵ / ۱ - ۳ در نظر گرفتن اولویت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما که فقیر است ، نخست به خود پردازد ؛ اگر مالی افزون آمد ، به خانواده اش دهد ؛ اگر بیشینه ای ماند ، به خویشاوندان یا پیوستگانش پردازد ؛ و اگر باز هم ماند ، این سو و آن سو هزینه کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین مالی که مرد هزینه می کند ، چنین است: مالی که به مصرف خانواده خود می رساند ؛ آن چه هزینه چهارپای خویش می کند تا با آن در راه خدا تلاش کند ؛ و مالی که در مسیر خداوند ، برای دوستانش هزینه می کند .

مستدرك الوسائل عن أنس: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِخَمْسَةِ دَنَانِيرَ بِأَحْسَنِهَا وَأَفْضَلِهَا؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: أَفْضَلُ الْخَمْسَةِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى وَالِدَيْكَ، وَأَفْضَلُ الْأَرْبَعَةِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى وَالِدِكَ، وَأَفْضَلُ الثَّلَاثَةِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى نَفْسِكَ وَأَهْلِكَ، وَأَفْضَلُ الدِّينَارَيْنِ: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ عَلَى قَرَابَتِكَ، وَأَحْسَنُهَا وَأَقْلَبُهَا أَجْرًا: الدِّينَارُ الَّذِي تُنْفِقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (١)

الإمام الرضا عليه السلام: أَتَى رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِدَيْنَارَيْنِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أُرِيدُ أَنْ أَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. قَالَ: أَلَيْكَ وَالِدَانِ أَوْ أَحَدُهُمَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: إِذْهَبْ فَأَنْفِقْهُمَا عَلَى وَالِدَيْكَ؛ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ أَنْ تَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. فَرَجَعَ فَفَعَلَ. فَأَتَاهُ بِدَيْنَارَيْنِ آخَرَيْنِ، قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ، وَهَذَانِ دَيْنَارَانِ أُرِيدُ أَنْ أَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. قَالَ: أَلَيْكَ وَوَلَدٌ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ فَعَلْتُ، وَهَذَانِ دَيْنَارَانِ آخَرَانِ أُرِيدُ أَنْ أَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. فَرَجَعَ فَفَعَلَ. فَأَتَاهُ بِدَيْنَارَيْنِ آخَرَيْنِ، قَالَ: أَنْفِقْهُمَا عَلَى زَوْجَتِكَ؛ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ أَنْ تَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. فَرَجَعَ وَفَعَلَ. فَأَتَاهُ بِدَيْنَارَيْنِ آخَرَيْنِ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ فَعَلْتُ، وَهَذَانِ دَيْنَارَانِ أُرِيدُ أَنْ أَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. فَقَالَ: أَلَيْكَ خَادِمٌ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: إِذْهَبْ فَأَنْفِقْهُمَا عَلَى خَادِمِكَ؛ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ تَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. فَفَعَلَ. فَأَتَاهُ بِدَيْنَارَيْنِ آخَرَيْنِ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَهَذِهِ دَيْنَارَانِ أُرِيدُ أَنْ أَحْمِلَ بِهِمَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. فَقَالَ: إِحْمِلْهُمَا وَاعْلَمْ بِأَنَّهُمَا لَيْسَا بِأَفْضَلِ دَيْنَارَيْكَ. (٢)

١- مستدرك الوسائل: ٧ / ٢٤١ / ٨١٤١ نقلاً عن ابن أبي جمهور في درر اللآلي.

٢- تهذيب الأحكام: ٦ / ١٧١ / ٣٣٠ عن أبي الحسين الرازي، عوالي اللآلي: ٣ / ١٩٥ / ١٠.

مستدرک الوسائل از انس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا آگهی تان دهم که از پنج دینار، کدام نیکوتر و برتر است؟» گفتند: «آری». فرمود: «برترین پنج دینار، آن است که برای مادر خویش هزینه کنی؛ و از چهار دینار باقی مانده، آن که هزینه پدرت سازی؛ و از سه دینار، آن که برای خود و خانواده ات مصرف نمایی؛ و از دو دینار، آن که به مصرف خویشاوندانت رسانی؛ و فروترین و کم پاداش ترین دینار آن است که برای خدا انفاق کنی».

امام رضا علیه السلام: مردی دو دینار نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و گفت: «ای رسول خدا! می خواهم این دو را در راه خدا هزینه کنم». فرمود: «آیا پدر و مادرت یا یکی از آن دو زنده اند؟» گفت: «آری». فرمود: «روانه شو و آن دو دینار را برای آنان هزینه کن، که تو را بهتر از آن است که در راه خدا انفاق کنی». پس بازگشت و چنان کرد. آن گاه، دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: «آن کار را کردم. اکنون می خواهم این دو دینار را در راه خدا صرف کنم». فرمود: «آیا فرزند داری؟» گفت: «آری». فرمود: «برو و آن دو دینار را برای فرزندت هزینه کن؛ که آن، تو را بهتر از این است که در راه خدا انفاق ورزی». پس بازگشت و چنان کرد. سپس دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: «ای رسول خدا! آن کار نیز کردم. این دو دینار دیگر است که می خواهم در راه خدا انفاق کنم». فرمود: «آیا همسر داری؟» گفت: «آری». فرمود: «آن دو را برای همسرت مصرف کن؛ که برایت بهتر از آن است که در راه خدا انفاق کنی». پس بازگشت و همان کار کرد. دیگر بار دو دینار نزد پیامبر آورد و گفت: «ای رسول خدا! آن کار کردم. این دو دینار را خواهم که در راه خدا مصرف کنم». فرمود: «آیا خدمتکار داری؟» گفت: «آری». فرمود: «برو و آن دو دینار را برای خدمتکارت هزینه کن؛ که این تو را بهتر از صرف کردن در راه خدا است». پس آن مرد چنین کرد. آن گاه، دو دینار دیگر نزد پیامبر آورد و گفت: «ای رسول خدا! می خواهم این دو دینار را در راه خدا به مصرف رسانم». فرمود: «چنین کن؛ و بدان که این دو دینار برترین دینارهایت نیستند».

الكافي عن أحدهما عليهما السلام: لا-توجب على نفسك الحقوق، واصبر على التوائب، ولا تدخل في شئ مضرته عليك أعظم من منفعته لأخيك. (١)

الكافي عن محمد بن سنان عن حذيفة بن منصور عن الإمام الصادق عليه السلام: لا تدخل لأخيك في أمر مضرته عليك أعظم من منفعته له. قال ابن سنان: [يعنى] (٢) يكون على الرجل دين كثير، ولك مال فتؤدى عنه؛ فيذهب مالك ولا تكون قضيت عنه. (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام: لا تبدل لإخوانك من نفسك ما ضره عليك أكثر من منفعته لهم. (٤)

٥ / ١ / ٤ رعايته مقتضيات الزمانمكارم الأخلاق عن سفيان الثوري: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: أنت تروى أن علي بن أبي طالب عليه السلام كان يلبس الخشن، وأنت تلبس القوي والمروي؟! قال: ويحك! إن علي بن أبي طالب عليه السلام كان في زمان ضيق، فإذا اتسع الزمان فأبرأ الزمان أولى به. (٥)

١- الكافي: ٤ / ٣٣ / ٣ عن الحسن بن علي الجرجاني عمّن حدّثه .

٢- أثبتنا ما بين المعقوفين من «مشكاة الأنوار» .

٣- الكافي: ٤ / ٣٢ / ١ ، مشكاة الأنوار: ٣٢٩ / ١٠٤٢ عن محمد بن سنان .

٤- الكافي: ٤ / ٣٢ / ٢ عن إبراهيم بن محمد الأشعري عمّن سمع .

٥- مكارم الأخلاق: ١ / ٢١٨ / ٦٤٢ ، رجال الكشي: ٢ / ٦٩٠ / ٧٣٩ عن سفيان بن عيينه نحوه ، بحار الأنوار: ٦٧ / ٦٢ .

۴۱ / ۵ در نظر گرفتن ویژگی های زمانی

الکافی از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: کاری مکن که حقوق دیگران بر عهده تو افتد؛ و بر بلاهای بزرگ شکیبیا باش؛ و در کاری وارد نشو که زیان آن برای خودت، بیشتر از سود آن برای برادر [ایمانی] آت باشد.

الکافی از محمّد بن سنان از حذیفه بن منصور از امام صادق علیه السلام: «برای برادر [ایمانی] آت در کاری وارد مشو که زیانش برای تو بیشتر از سودش برای وی باشد». ابن سنان گفت: «یعنی مردی را بدهی سنگین است و تو با مال خویش بخشی از بدهی او را می پردازی؛ بدین سان، هم مال تو از دست می رود و هم نمی توانی تمام بدهی او را پردازی».

امام کاظم علیه السلام: برای برادران [ایمانی] آت از خود چندان مایه مگذار که زیان آن برایت بیشتر از سودش برای ایشان باشد.

۴ - ۱ / ۵ در نظر گرفتن ویژگی های زمانیمکارم الأخلاق از سفیان ثوری: به امام صادق علیه السلام گفتم: «شما روایت می فرمایید که علی بن ابی طالب علیه السلام جامه خشن می پوشید، حال آن که خود جامه قوهی و مروی [= جامه های لطیف] می پوشی!» فرمود: «وای بر تو! همانا علی بن ابی طالب علیه السلام در روزگار تنگنا بود. هر گاه روزگار گشایش رسد، نیکان روزگار برای بهره بردن از آن گشایش شایسته ترند».

دعائم الإسلام: إِنَّ سُفْيَانَ الثَّوْرِيَّ دَخَلَ عَلَيْهِ [أَيْ الْإِمَامَ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَام] فَرَأَى عَلَيْهِ ثِيَابًا رَفِيعَةً ، فَقَالَ : يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، أَنْتَ تَحِيدُنَا عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ كَانَ يَلْبَسُ الْخَشْنَ مِنَ الثِّيَابِ وَالْكَرَابِيسِ ، وَأَنْتَ تَلْبَسُ الْقَوَهِيَّ وَالْمَرَوِيَّ؟! فَقَالَ : وَيْحَكَ يَا سُفْيَانَ ، إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ فِي زَمَنِ ضَيْقٍ ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ وَسَّعَ عَلَيْنَا ، وَيُسْتَحَبُّ لِمَنْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ يَرَى أَثَرَ ذَلِكَ عَلَيْهِ .

(١)

مطالب السؤل عن سفیان الثوری: دَخَلْتُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ خَزٌّ ذَكَنَاءٌ وَكِسَاءٌ خَزٌّ ، فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ تَعَجُّبًا ، فَقَالَ لِي : يَا ثَوْرِيُّ ، مَا لَكَ تَنْظُرُ إِلَيْنَا؟ لَعَلَّكَ تَعْجَبُ مِمَّا تَرَى! فَقُلْتُ لَهُ : يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، لَيْسَ هَذَا مِنْ لِبَاسِكَ وَلَا لِبَاسِ آبَائِكَ! قَالَ : يَا ثَوْرِيُّ ، كَانَ ذَلِكَ زَمَانَ افْتِقَارٍ وَإِقْتَارٍ ، وَكَانُوا يَعْمَلُونَ عَلَى قَدَرِ إِقْتَارِهِ وَافْتِقَارِهِ ، وَهَذَا زَمَانٌ قَدْ أُسْبِلَ كُلُّ شَيْءٍ عَزَالِيَهُ . ثُمَّ حَسِرَ رُؤْدَنَ جُبَّتِهِ ، فَإِذَا تَحْتَهَا جُبَّةٌ صَوْفٍ بَيضاءٍ يَقْضُرُ الدَّيْلُ عَنِ الدَّيْلِ وَالرُّدْنُ عَنِ الرُّدْنِ ، وَقَالَ : يَا ثَوْرِيُّ ، لَبَسْنَا هَذَا لِلَّهِ وَهَذَا لَكُمْ ، فَمَا كَانَ لِلَّهِ أَخْفِينَا ، وَمَا كَانَ لَكُمْ أَبْدِينَا . (٢)

الكافي عن حماد بن عثمان: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ لَهُ رَجُلٌ : أَصْلَحَكَ اللَّهُ! ذَكَرْتَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ الْخَشْنَ ؛ يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ ، وَنَرَى عَلَيْكَ اللَّبَاسَ الْجَدِيدَ! فَقَالَ لَهُ : إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَا يُنْكَرُ (عَلَيْهِ) ، وَلَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ شَهْرَ بِهِ ؛ فَخَيْرُ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسُ أَهْلِهِ ، غَيْرَ أَنْ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَسَارَ بِسِيرِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (٣)

١- دعائم الإسلام: ٢ / ١٥٥ / ٥٥٠ .

٢- مطالب السؤل: ٨٢؛ بحار الأنوار: ٤٧ / ٢٢١ / ٧ .

٣- الكافي: ١ / ٤١١ / ٤ وج ٦ / ٤٤٤ / ١٥ وفيه «الجيد» بدل «الجديد»، بحار الأنوار: ٣٣٦ / ٤٠ / ١٨ وج ٤٧ / ٥٤ / ٩٢ .

دعائم الإسلام: سفیان ثوری نزد امام صادق علیه السلام در آمد و او را در جامه ای گرانبها دید و گفت: «ای زاده رسول خدا! برای ما روایت می کنی که علی علیه السلام جامه خشن و کرباس می پوشید؛ و خود جامه قوهی و مروی [= جامه های لطیف [می پوشی!]] امام فرمود: «وای بر تو ای سفیان! همانا علی علیه السلام در زمانه تنگنا به سر می برد، حال آن که خداوند به ما گشایش عطا فرموده؛ و آن را که خداوند به وی گشایش بخشیده، روا است که اثر این گشایش در زندگی اش دیده شود.

مطالب السؤل از سفیان ثوری: نزد جعفر بن محمد علیه السلام رفتیم و دیدیم که روجامه ای از خز سیاه و نیز جامه ای از خز بر تن دارد. با شگفتی به او نگریستم. به من فرمود: «ای ثوری! تو را چه شده که به ما [چنین] می نگری؟ شاید از آن چه می بینی، تعجب می کنی!» گفتم: «ای زاده رسول خدا! این نه جامه تو است و نه جامه پدرانت!» فرمود: «ای ثوری! آن روزگار، زمانه فقر و تنگدستی بود و آنان به فراخور آن تنگنا و فقر عمل می کردند. و امروز، روزگاری است که همه چیز به وفور یافت می شود». سپس روجامه اش را کنار زد؛ زیر آن جامه ای از پشم سفید بر تن داشت که نه پایین آن به ترکیب بود و نه آستینش به اندازه. پس فرمود: «ای ثوری! این را برای خدا می پوشیم و آن را برای شما. این را که برای خدا می پوشیم، می پوشانیم؛ و آن را که برای شما می پوشیم، آشکار می کنیم».

الکافی از حماد بن عثمان: نزد امام صادق علیه السلام حضور داشتم که مردی به وی گفت: «خدایت سامان دهد! یاد کرده بودی که علی بن ابی طالب علیه السلام جامه درشت می پوشید و پیراهنی چهار درهمی داشت و از این قبیل. و اینک جامه نو بر تن تو می بینیم!». امام به وی فرمود: «هر آینه علی بن ابی طالب علیه السلام آن جامه را در روزگاری می پوشید که پوشیدنش ناپسند جلوه نمی کرد؛ و اگر در آن روزگار جامه ای چنین می پوشید، انگشت نما می شد. پس بهترین جامه برای هر روزگار، جامه مردم همان زمان است. البتّه قائم خاندان ما آن گاه که برپای شود، جامه علی علیه السلام را خواهد پوشید و به گونه او زندگی خواهد کرد».

رجال الكشي عن أحمد بن عمر: سَمِعْتُ بَعْضَ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثْتُ: أَنَّ سُفْيَانَ الثَّوْرِيَّ دَخَلَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ ثِيَابٌ جَيَادٌ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنَّ آبَاءَكَ لَمْ يَكُونُوا يَلْبَسُونَ مِثْلَ هَذِهِ الثِّيَابِ! فَقَالَ لَهُ: إِنَّ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانُوا فِي زَمَانٍ مُقْفَرٍ مُقْتَرٍ، وَهَذَا زَمَانٌ قَدْ أُرْحَتِ الدُّنْيَا عَزَائِبَهَا، فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهُمْ. (١)

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الضَّعْفِ مِنْ مَوَالِي يُحِبُّونَ أَنْ أَجْلِسَ عَلَى اللَّبُودِ وَالْبَسَ الْخَشِينَ، وَلَيْسَ يَتَحَمَّلُ الزَّمَانُ ذَلِكَ. (٢)

١ / ٥ تخفيف المؤمن رسول الله صلى الله عليه وآله: خياركم أحسنكم أخلاقا، وأخفكم مؤونه، وأخفصكم لأهله. (٣)

١- رجال الكشي: ٢ / ٦٩١ / ٧٤٠، بحار الأنوار: ٤٧ / ٣٥٤ / ٦٣ وج ٧٩ / ٣١٥ / ٢٧.

٢- مكارم الأخلاق: ١ / ٢٢٠ / ٧٤٨ عن محمد بن عيسى عمّن أخبره، بحار الأنوار: ٧٩ / ٣٠٩ / ١٣.

٣- مستدرک الوسائل: ٨ / ٤٤٨ / ٩٩٦٣ نقلًا عن أبي القاسم الكوفي في كتاب الأخلاق.

۵ / ۱ / ۵ سبکباری

رجال الکشی از احمد بن عمر: یکی از یاران امام صادق علیه السلام را شنیدم که می گفت: «سفیان ثوری نزد امام صادق علیه السلام آمد که جامه ای فاخر بر تن داشت . گفت: ای ابو عبدالله! پدرانت همانند این جامه را بر تن نمی کردند! امام به وی فرمود: همانا پدران من در روزگار فقر و تنگدستی زندگی می کردند، حال آن که امروز زمانه گشایش و فراخی است؛ و شایسته ترین کسان برای بهره مندی از این گشایش، نیکان این زمانه اند.»

امام رضا علیه السلام: دوستان ناتوانم دوست می دارند که من بر پلاس بنشینم و جامه درشت بپوشم؛ امّا این روزگار گنجایش چنین کاری را ندارد.

۵ / ۱ - سبکباری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیک ترینان شما آنانند که خُلُقشان نیک تر باشد، سبکبارتر باشند، و زندگی را بر خانواده خویش آسان تر گیرند.

التمحيص: رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِائَةٍ وَثَلَاثِ خِصَالٍ؛ فِعْلٍ وَعَمَلٍ وَنِيَّةٍ، وَظَاهِرٍ وَبَاطِنٍ. فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يَكُونُ الْمِائَةُ وَثَلَاثَ خِصَالٍ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ: ... لَا يَأْتِي بِمَا يَشْتَهِي؛ الْفَقْرُ شِعَارُهُ، وَالصَّبْرُ دِثَارُهُ؛ (١) قَلِيلُ الْمُؤْمِنَةِ، كَثِيرُ الْمَعُونَةِ، كَثِيرُ الصِّيَامِ ... (٢)

إرشاد القلوب في ليله المعراج: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا مِنْ عَبْدٍ ضَمِنَ لِي بِأَرْبَعِ خِصَالٍ إِلَّا أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ: يَطْوِي لِسَانَهُ فَلَا يَفْتَحُهُ إِلَّا بِمَا يَعْنِيهِ، وَيَحْفَظُ قَلْبَهُ مِنَ الْوَسْوَاسِ، وَيَحْفَظُ عِلْمِي وَنَظْرِي إِلَيْهِ، وَيَكُونُ قُرَّةَ عَيْنِيهِ الْجَوْعَ. يَا أَحْمَدُ، لَوْ ذُقْتَ حَلَاوَةَ الْجَوْعِ وَالصَّمْتِ وَالْخَلْوَةِ، وَمَا وَرِثُوا مِنْهَا! قَالَ: يَا رَبِّ، مَا مِيرَاثُ الْجَوْعِ؟ قَالَ: الْحِكْمَةُ، وَحِفْظُ الْقَلْبِ، وَالتَّقَرُّبُ إِلَيَّ، وَالْحُزْنُ الدَّائِمُ، وَخِفَّةُ الْمُؤْمِنَةِ بَيْنَ النَّاسِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ، وَلَا يُبَالِي عَاشَ بِبُسْرٍ أَمْ بِعُسْرٍ. (٣)

الإمام الباقر عليه السلام لجابر: اعلم يا جابر، أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلِ الدُّنْيَا مُؤْمِنَةً، وَأَكْثَرُهُمْ لَكَ مَعُونَةً. (٤)

١- في الطبعة المعتمده: «ثاره»، والصحيح ما أثبتناه كما في بعض النسخ.

٢- التمهيد: ٧٤ / ١٧١، بحار الأنوار: ٦٧ / ٣١٠ / ٤٥.

٣- إرشاد القلوب: ٢٠٠، بحار الأنوار: ٧٧ / ٢٢ / ٦.

٤- الكافي: ٢ / ١٣٣ / ١٦، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٦ / ١٧؛ البدايه والنهائيه: ٩ / ٣١٠.

التمحيص: روایت شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ایمانِ مؤمن کمال نمی پذیرد، مگر آن که صد و سه ویژگی داشته باشد، [هم] در کار و رفتار و [هم] در نیت، [خواه] در ظاهر و [خواه] در باطن». امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: «ای رسول خدا! آن صد و سه ویژگی چیستند؟» پیامبر فرمود: «ای علی! از ویژگی های مؤمنان چنین است: . . . به هر چه دلش بخواهد روی نمی آورد؛ فقر نشانه او است؛ صبر جامه او است؛ سبکبار است؛ به دیگران بسیار یاری می رساند؛ و فراوان روزه می گیرد.

ارشاد القلوب درباره شب معراج: خدای تعالی فرمود: «. . . ای احمد! به سرافرازی و شکوهم سوگند! هیچ بنده ای نیست که بهره وری از چهار ویژگی را به من تعهد کند و من او را به بهشت نبرم: زبانش را درهم می پیچد و جز برای سخنی بایسته نمی گشاید؛ قلبش را از وسواس نگاه می دارد؛ دانش و نظر داشت من به خودش را می پوشاند [= می-پوش است]؛ و گرسنگی، خُنکایِ چشمان او است. ای احمد! کاش شیرینیِ گرسنگی، سکوت، و تنهایی را می چشیدی؛ و آن چه را از آن به میراث بردند [در می یافتی]». گفت: «ای پروردگار من! میراثِ گرسنگی چیست؟» فرمود: «حکمت؛ نگهداشتنِ قلب؛ نزدیکی به من؛ اندوه همیشگی؛ سبکباری میان مردم؛ لب به حق گشودن؛ و بی توجهی به آسان یا سخت زیستن».

امام باقر علیه السلام به جابر: ای جابر! بدان که تقوایبشگان سبکبارترین مردم دنیایند و بیش از همه یاری ات می کنند.

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَحَفُّ أَهْلِ الدُّنْيَا مَوْوَنَهُ ، وَأَكْثَرُهُمْ مَعَوَنَهُ . (١)

عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ ، خَفِيفُ الْمَوْوَنَةِ ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ ، لَا يَلْسَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ . (٢)

من لا- يحضره الفقيه: دَخَلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَيَّامَ فَقَالَ لَهُ صَاحِبُ الْحَمَامِ: نُخْلِيهِ لَكَ؟ فَقَالَ: لَا؛ إِنَّ الْمُؤْمِنَ خَفِيفُ الْمَوْوَنَةِ . (٣)

٥ / ١٦ الإنفاقُ في سبيلِ اللّهِ الكتاب: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ . (٤)»

«وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ . (٥)»

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيِّعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ . (٦)»

«قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيِّعُ فِيهِ وَلَا خِلَلٌ . (٧)»

١- تحف العقول: ٣٧٧، بحار الأنوار: ٧٨ / ٢٦٢ / ١٦٤ .

٢- الكافي: ٢ / ٢٤١ / ٣٨ عن إسحاق بن عمار، بحار الأنوار: ٦٧ / ٣٦٢ / ٦٧ .

٣- من لا يحضره الفقيه: ١ / ١١٧ / ٢٤٩، عوالي اللآلي: ٤ / ١٣ / ٢٨ .

٤- البقرة: ٣ .

٥- المنافقون: ١٠ .

٦- البقرة: ٢٥٤ .

٧- إبراهيم: ٣١ .

۵ / ۱ / ۶ انفاق در راه خدا

امام صادق علیه السلام: هر آینه تقوای پیشگان کم هزینه ترین مردم روزگار و یاری ورزترین ایشانند .

امام صادق علیه السلام: مؤمن نیکبار است و سبکبار ؛ گذرانِ زندگی اش را خوب تدبیر می کند ؛ و از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود .

من لایحضره الفقیه: امام صادق علیه السلام به گرمابه درآمد . صاحب گرمابه به او گفت: «گرمابه را برایت اختصاصی کنیم؟» فرمود: «نه! همانا مؤمن سبکبار است» .

۵ / ۱ - ۶ انفاق در راه خدا قرآن: «پرهیزگاران اینانند: کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می کنند و از آن چه روزی شان کرده ایم ، انفاق می کنند.»

«و از آن چه شما را روزی کرده ایم ، انفاق کنید ، پیش از آن که یکی از شما را مرگ فرا رسد ، پس گوید: «پروردگارا! چرا مرا تا سرآمدی نزدیک بازپس نداشتی تا صدقه دهم و از نیکان و شایستگان باشم؟»

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از آن چه شما را روزی کرده ایم ، انفاق کنید ، پیش از آن که روزی بیاید که در آن ، نه داد و ستدی باشد و نه دوستی و شفاعتی؛ و کافران همان ستمکارانند.»

«ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ . (١)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله لم يُبْعَث لِيَجْمَعِ الْمَالِ ، وَلَكِنْ بُعِثْنَا لِإِنْفَاقِهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : طوبى لِمَنْ . . . أَنْفَقَ مَالاً جَمَعَهُ فِي غَيْرِ مَعَصِيَةٍ ، وَرَحِمَ أَهْلَ الذُّلِّهِ وَالْمَسْكَنَةِ ... طوبى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ ، وَطَابَ كَسْبُهُ ... طوبى لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : يَقُولُ اللَّهُ : إِبْنِ آدَمَ! مُلْكِي مُلْكِي ، وَمَالِي مَالِي ، يَا مِسْكِينُ! أَيْنَ كُنْتَ حَيْثُ كَانَ الْمُلْكُ وَلَمْ تَكُنْ؟! وَهَيْلَ لَكَ إِلَّا مَا أَكَلْتَ فَأَفْنَيْتَ ، أَوْ لَبِستَ فَأَبْلَيْتَ ، أَوْ تَصَيَّدْتَ فَأَبْقَيْتَ؟! إِمَّا مَرْحُومٌ بِهِ وَإِمَّا مُعَاقَبٌ عَلَيْهِ ، فَاعْقِلْ أَنْ لَا يَكُونَ مَالُ غَيْرِكَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ مَالِكَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : يَقُولُ الْعَبْدُ : مَالِي مَالِي ، وَإِنَّمَا لَهُ مِنْ مَالِهِ ثَلَاثٌ : مَا أَكَلَ فَأَفْنَى ، أَوْ لَبِستَ فَأَبْلَى ، أَوْ أُعْطِيَ فَأَقْتَنَى ؛ وَمَا سِوَى ذَلِكَ فَهُوَ ذَاهِبٌ وَتَارِكٌ لِلنَّاسِ . (٥)

١- الحديد : ٧ .

٢- مشكاة الأنوار : ٣٢١ / ١٠١٨ عن الإمام الصادق عليه السلام .

٣- السنن الكبرى : ٤ / ٣٠٦ / ٧٧٨٣ ، المعجم الكبير : ٥ / ٧١ / ٤٦١٥ و ٤٦١٦ ، مسند الشهاب : ١ / ٣٦٠ / ٦١٥ كلُّها عن ركب المصري ، كنز العمال : ١٥ / ٩١٧ / ٤٣٥٨٢ ؛ الأمالى للطوسى : ٥٣٩ / ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٨١ / ٢٦٦١ كلاهما عن أبى ذرّ عنه صلى الله عليه وآله ، نهج البلاغه: الحكمه ١٢٣ كلُّها نحوه ، بحار الأنوار : ٨١ / ٢٦٨ / ٢٧ .

٤- مصباح الشريعة : ٣٠٠ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٥٦ / ١٧ .

٥- صحيح مسلم : ٤ / ٢٢٧٣ / ٤ ، مسند ابن حنبل : ٣ / ٢٩٩ / ٨٨٢١ و ٣٨٦ / ٩٣٥٠ وفيهما «فأفنى» بدل «فاقتنى» وكلُّها عن أبى هريره ، كنز العمال : ٦ / ٣٥٨ / ١٦٠٤٥ .

«به بندگان من که ایمان آورده اند، بگو نماز را بر پا دارند و از آن چه روزی شان کرده ایم، نهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آن که روزی بیاید که در آن، نه خرید و فروشی باشد و نه دوستی ای [که در غیر راه خدا باشد].»

«به خدا و پیامبرش ایمان آورید و از آن چه شما را در آن، جانشین [گذشتگان] گردانیده، انفاق کنید؛ پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده اند، مزدی بزرگ دارند.» .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ما نه برای گرد آوردن مال، که برای انفاق آن، برانگیخته شده ایم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا آن را که... انفاق کند مالی را که بدون گناه فراهم آورده و بر ناتوانان و تنگدستان رحم آورد... خوشا آن را که در درون رام باشد و پیشه اش پاکیزه باشد... خوشا آن را که به علم خویش عمل کند و افزون مالش را ببخشد و از سخن فراتر از اندازه خودداری ورزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند فرماید: «ای زاده آدم! این مُلک از آن من است؛ و این مال مرا است. ای تنگدست! کجا بودی آن گاه که این مُلک بود و تو نبود؟ و آیا از آن تو است چیزی جز آن چه می خوری و از میانش می بری، یا آن چه می پوشی و پوشیده اش می کنی، یا آن چه صدقه می دهی و جاویدش می سازی؟ و برای آن، یا از رحمت خدا نصیب می بری و یا کيفر می بینی. پس بیندیش تا مالی که از آن غیر تو است، برایت از مال خودت دوست داشتنی تر نباشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده می گوید: «مال از آن من است»، حال آن که از آن مال سه چیز از آن او است: آن چه می خورد و فانی می کند؛ آن چه می پوشد و می پوساند؛ و آن چه می ببخشد و ذخیره می سازد. و جز این [بخش سوم] همه رفتنی است و آن چه از آن ماند، به دیگران می رسد .

صحيح مسلم عن مطرف عن أبيه: أتيت النبي صلى الله عليه وآله وهو يقرأ «ألهلكم التكاثر»، قال: يقول ابن آدم: مالي مالي . (قال:) وهل لك يا بن آدم من مالك إلا ما أكلت فأفنت ، أو لبست فأبليت ، أو تصدقت فأمضيت؟! (١)

سنن النسائي عن عبد الله: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أئكم مال وارثه أحب إليه من ماله؟ قالوا: يا رسول الله، ما منّا من أخذ إلا ماله أحب إليه من مال وارثه. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أعلموا أنه ليس منكم من أخذ إلا مال وارثه أحب إليه من ماله؛ مالك ما قدمت، ومال وارثك ما أخرت. (٢)

الأدب المفرد عن قيس بن عاصم السعدي: أتيت رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: هذا سيد أهل الوبر، فقلت: يا رسول الله، ما المال الذي ليس علي فيه تبعه من طالب ولا من ضيف؟ فقال رسول الله: نعم المال أربعون، والكثرة ستون، وويل لأصحاب المئين! إلا من أعطى الكريمه، ومنح الغزيرة، ونحر السمينه؛ فأكل وأطعم القانع والمعتز. قلت: يا رسول الله، ما أكرم هذه الأخلاق! لا يحل بواد أنا فيه من كثره نعي. فقال: كيف تصنع بالعطيه؟ قلت: أعطى البكر وأعطى الناب. قال: كيف تصنع في المنيعه (٣)؟ قال: إني لأمنح المائة. قال: كيف تصنع في الطروقه؟ قال: يغدو الناس بحبالهم، ولا يوزع رجل من جمل يخطمه، فيمسك ما بدا له، حتى يكون هو يرده. فقال النبي صلى الله عليه وآله: فمالك أحب إليك أم مواليك؟ (قال: مالي). قال: فإنما لك من مالك ما أكلت فأفنت، أو أعطيت فأمضيت، وسائرهم لمواليك. فقلت: لا جرم، لئن رجعت لأقلن عدها. (٤)

- ١- صحيح مسلم: ٤/٢٢٧٣/٣، سنن الترمذي: ٤/٥٧٢/٢٣٤٢ وج ٥/٤٤٧/٣٣٥٤، سنن النسائي: ٦/ ٢٣٨، مسند ابن حنبل: ٥ / ٤٩٨ / ١٦٣٠٦، المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٣٥٨ / ٧٩١٣، كنز العمال: ٦ / ٣٥٨ / ١٧٠٤٦.
- ٢- سنن النسائي: ٦/٢٣٧، الأدب المفرد: ٥٧/١٥٣، مسند ابن حنبل: ٢/٢٣/٣٤٢٦، السنن الكبرى: ٣ / ٥١٥ / ٦٥٠٩، حليه الأولياء: ٤ / ١٢٩، كنز العمال: ٦ / ٣٨٠ / ٦١٤٩ وراجع الأمالي للطوسي: ٥١٩ / ١١٤١.
- ٣- مادة شتر يا مادة گوسفندی که به کسی می دهی تا از شیرش بهره گیرد و آن را به تو باز گرداند.
- ٤- الأدب المفرد: ٢٨٠ / ٩٥٣، المستدرک علی الصحیحین: ٣ / ٧٠٩ / ٦٥٦٦ نحوه؛ الأمالي للسید المرتضی: ١ / ٧٢ نحوه.

صحیح مسلم از مطرف از پدرش: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم؛ مشغول تلاوت این آیه بود: «شما را افتخار بر یکدیگر به افزونی، سرگرم کرد». فرمود: «زاده آدم می گوید: مال از آن من است؛ ای آدمیزاد! آیا از مال چیزی از آن تو است جز آن چه می خوری و فانی می سازی؛ یا آن چه می پوشی و می پوسانی؛ یا آن چه صدقه می دهی و جاری می سازی؟»

سنن النسائی از عبدالله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از شما کسی هست که مال وراثش برای وی دوست داشتنی تر از مال خودش باشد؟» گفتند: «ای رسول خدا! از ما کسی نیست جز این که مال خودش برای وی دوست داشتنی تر از مال وراثش است». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بدانید که از شما کسی نیست جز آن که مال وراثش برای وی دوست داشتنی تر از مال خودش است؛ [زیرا] مال تو آن است که پیش می اندازی [= پیش از مرگت انفاق می کنی] و مال وراثت آن است که پس اندازی [= پس از خود بر جای بگذاری]».

الأدب المفرد از قیس بن عاصم سعدی: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم. فرمود: «این، مهتر بادیه نشینان است». گفتم: «ای رسول خدا! چیست آن مالی که مرا در آن دنباله روی نیست؛ نه جوینده ای و نه مهمانی؟» رسول خدا فرمود: «مال خوب، چهل بخش است و افزون بر آن شصت بخش؛ و وای بر دارندگان مال صدها بخشی، مگر آن که بخش گرامی مالش را بخشش کند، افزونی را انفاق نماید، حیوان فربهش را قربانی نماید، و [هم] خود خورد و [افراد] قناعت پیشه و دریوزه گر را [نیز] بخوراند». گفتم: «ای رسول خدا! چه خوش است این اخلاق. در سرزمینی که من ساکنم، از فراوانی چهارپایانم جای سکونت نمانده است». فرمود: «چگونه بخشش می کنی؟» گفتم: «شتر جوان را و [نیز] شتر سال دار را می بخشم». فرمود: «ماده شتر یا میش را چگونه به بهره کشی می دهی؟» گفت [آم]: «صد [به صد] به بهره کشی می دهم». فرمود: «چگونه حیوان را برای باردارسازی می دهی؟» گفت [آم]: «مردم با ریسمان هاشان روانه می شوند و کسی از شتری که مهارش را گرفته، بازداشته نمی شود، پس او حیوانی را که پیشش آید می گیرد، خود، می برد». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مال تو برای دوست داشتنی تر است یا مال اطرافیان؟» گفت [آم]: «مال خودم». فرمود: «جز این نیست که از مال آن بخش از آن تو است که می خوری و فانی می کنی، یا می بخشی و جاری می سازی؛ و باقیمانده اش از آن اطرافیان تو است». پس گفتم: «بدین سان، ناچار باید پس از بازگشت، تعداد آن ها را بکاهم».

الإمام زين العابدين عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ: طُوبَى لِمَنْ طَابَ خُلُقُهُ، وَطَهَّرَتْ سَجِيَّتَهُ، وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَحَسُنَتْ عَلائِقَتُهُ، وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ، وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ. (١)

صحيح مسلم عن أبو سعيد الخدرى: بَيْنَمَا نَحْنُ فِي سَيْفَرٍ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِذْ جَاءَ رَجُلٌ عَلَى رَاحِلِهِ لَهُ، فَجَعَلَ يَصْرِفُ بَصِيرَهُ يَمِينًا وَشِمَالًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ كَانَ مَعَهُ فَضْلٌ ظَهَرَ فَلْيَعِدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا ظَهَرَ لَهُ، وَمَنْ كَانَ لَهُ فَضْلٌ مِنْ زَادٍ فَلْيَعِدْ بِهِ عَلَى مَنْ لَا زَادَ لَهُ». فَذَكَرَ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ مَا ذَكَرَ، حَتَّى رَأَيْنَا أَنَّهُ لَا حَقَّ لِأَحَدٍ مِنَّا فِي فَضْلٍ. (٢)

١- الكافي: ٢ / ١٤٤ / ١ عن أبي حمزه الثمالى، الاختصاص: ٢٢٨، أعلام الدين: ١١٩ عن يحيى بن أم الطويل نحوه، بحار الأنوار: ٦٩ / ٤٠٠ / ٩٤ وج ٧٥ / ٣٠ / ٢٢.

٢- صحيح مسلم: ٣ / ١٣٥٤ / ١٨، سنن أبي داود: ٢ / ١٢٥ / ١٦٦٣، مسند ابن حنبل: ٤ / ١١٢٩٣ / ٦٨، السنن الكبرى: ٤ / ٣٠٥ / ٧٧٨٢ وج ١٠ / ٥ / ١٩٦٦٦، كنز العمال: ٦ / ٧١١ / ١٧٥٢٣.

امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پایان خطبه اش می فرمود: «خوشا آن را که اخلاقتش خوش ، سرشتش پاک ، باطنش بسامان ، و آشکارش نیک باشد ؛ افزونی مالش را انفاق کند ؛ از سخن زیاده درگذرد ، و از درون خویش با مردم انصاف ورزد .

صحیح مسلم از ابوسعید خدری: در حال سفر با پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که مردی سوار بر مرکبی آمد و به سوی راست و چپ چشم گردانید . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مرکبی افزون دارد ، به آن که مرکب ندارد برساند ؛ و هر که توشه ای افزون دارد ، به آن کس که توشه ندارد ، بدهد» . و از گونه های مال چندان ذکر کرد که ما دریافتیم هیچ یک از ما را در مال افزونش حقی نیست .

الإمام عليّ عليه السلام: ما قَدَّمتَ فَهُوَ لِلْمَالِكِينَ ، وما أَخَّرتَ فَهُوَ لِلْوَارِثِينَ ، وما مَعَكَ فَمَا لَكَ عَلَيْهِ سَبِيلٌ سِوَى الْغُرُورِ بِهِ . كَمْ تَسْعَى فِي طَلَبِ الدُّنْيَا؟! وَكَمْ تَرعى؟! أَفَتُرِيدُ أَنْ تُفْقِرَ نَفْسَكَ وَتُغْنِي غَيْرَكَ؟! (١)

عنه عليه السلام في كتابه إلى زياد ابن أبيه: فَدَعِ الإسْرَافَ مُقْتَصِداً ، وَاذْكُرْ فِي اليَوْمِ غَداً ، وَأَمْسِكْ مِنَ المَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ ، وَقَدِّمِ الفَضْلَ لِيَوْمِ حاجَتِكَ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ آتَاهُ اللهُ مالاً فَلْيَصِلْ بِهِ القَرابَةَ ، وَلْيَحْسِنْ مِنْهُ الضَّيْفَةَ ، وَلْيُفِئِكَ بِه الأَسِيرَ وَالعائِي ، وَلْيُعِطْ مِنْهُ الفَقِيرَ وَالغارِمَ ، وَلْيَصْبِرْ نَفْسَهُ عَلَى الحُقُوقِ وَالنَّوائِبِ ابْتِغاءَ الثَّوابِ ؛ فَإِنَّ فَوْزا بِهذِهِ الخِصالِ شَرَفٌ مَكْرِمٌ الدُّنْيَا ، وَدَرَكٌ فَضائلِ الآخِرَةِ ، إِنْ شاءَ اللهُ . (٣)

عنه عليه السلام: المَالُ وَبِالِ عَلَى صاحِبِهِ إِلا ما قَدَّمَ مِنْهُ . (٤)

عنه عليه السلام: خَيْرُ الأَمْوالِ ما أَعانَ عَلَى المَكْرِمِ . (٥)

عنه عليه السلام: خَيْرُ أَمْوالِكَ ما وَقى عِرْضَكَ . (٦)

عنه عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ المَالِ ما أَوْرَثَكَ دُخْرا وَذِكْرا ، وَأَكْسَبَكَ حَمِداً وَأَجْرا . (٧)

عنه عليه السلام: خَيْرُ مالِكَ ما أَعانَكَ عَلَى حاجَتِكَ . (٨)

١- مصباح الشريعة : ٣٠١ .

٢- نهج البلاغه : الكتاب ٢١ ، غرر الحكم : ٦٥٩٦ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٤٢ .

٤- غرر الحكم : ١٩٥٧ .

٥- غرر الحكم : ٤٩٩٣ .

٦- غرر الحكم : ٤٩٥٨ .

٧- غرر الحكم : ٣٦٠٠ .

٨- مطالب السؤل : ٥٦ ؛ بحار الأنوار : ٧٨ / ١٢ / ٧٠ .

امام علی علیه السلام: مالی که پیش از مرگ مصرف کرده ای ، از آن مالکان آن اموال شده است ؛ و مالی که برای پس از مرگ می نهی ، از آن وارثان خواهد شد ؛ و آن چه همراه تو است ، جز فریفتگی راهی به آن نداری . چه مایه در پی دنیا می کوشی ؟ چه مایه [دنيا را] می چری ؟ آیا می خواهی خود را فقیر و جز خودت را توانگر سازی ؟

امام علی علیه السلام در نامه اش به زیاد بن ابیه : اسراف را رها کن و میانه روی پیش گیر ؛ امروز در اندیشه فردایت باش ؛ از مال به اندازه ضرورت ، نگهدار و زیاده آن را برای روز نیازمندی ات [آخرت] روانه ساز [انفاق کن] .

امام علی علیه السلام : هر کس خداوند به او مالی دهد ، باید آن را به خویشاوندان برساند ؛ مهمانی های نیکو دهد ؛ اسیر و گرفتار را از بند برهاند ؛ تنگدست و وامدار را بهره بخشد ؛ به امید پاداش ، خویشان را بر [ادای] حقوق و [تحمل] بلاهای سخت صبور سازد ؛ که هر آینه دستیابی به این ویژگی ها ، بهره ور شدن از کرامت های دنیایی و فضیلت های آخرتی است ، اگر خدای خواهد!

امام علی علیه السلام : مال مایه تباهی و گران جانی صاحب خود است ، مگر آن بخش که [با انفاق] پیش فرستاده شود .

امام علی علیه السلام : بهترین مال آن است که یاریگر نیکی ها باشد .

امام علی علیه السلام : بهترین مال تو آن است که آبرویت را حفظ کند .

امام علی علیه السلام : هر آینه بهترین مال آن است که برایت اندوخته و یاد [نیک] به جا نهد و سپاس و پاداش ارمغانت دهد .

امام علی علیه السلام : بهترین مال تو آن است که برای برآوردن نیازت یاری ات کند .

عنه عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ الْمَالِ مَا كَسَبَ ثَنَاءً وَشُكْرًا ، وَأَوْجَبَ ثَوَابًا وَأَجْرًا . (١)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْمَالِ مَا قَضَيْتَ بِهِ الْحُقُوقَ . (٢)

عنه عليه السلام: أَنْفَعُ الْمَالِ مَا قَضَى بِهِ الْفَرْضُ . (٣)

عنه عليه السلام: دِرْهَمٌ يَنْفَعُ خَيْرٌ مِنْ دِينَارٍ يَصْرَعُ . (٤)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْأَمْوَالِ أَحْسَنُهَا أَثْرًا عَلَيْكَ . (٥)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْمَالِ مَا اسْتُرِقَّ بِهِ الْأَحْرَارُ . (٦)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْأَمْوَالِ مَا اسْتُرِقَّ بِهِ الرِّجَالُ . (٧)

عنه عليه السلام: إِنَّ أَفْضَلَ الْأَمْوَالِ مَا اسْتُرِقَّ بِهِ حُرٌّ ، وَاسْتُحِقَّ بِهِ أَجْرٌ . (٨)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْغِنَى مَا صِينَ بِهِ الْعَرَضُ . (٩)

الإمام الحسين عليه السلام: مَا لَكَ إِنْ يَكُنْ لَكَ كُنْتَ لَهُ مُنْفِقًا ، فَلَا تَبْقَى بَعْدَكَ فَيَكُنْ ذَخِيرَةً لِعَيْرِكَ ، وَتَكُونُ أَنْتَ الْمُطَالِبَ بِهِ الْمَأْخُودَ بِحَسَابِهِ . وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَا تَبْقَى لَهُ وَلَا يَبْقَى عَلَيْكَ ، فَكُلُّهُ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَكَ . (١٠)

١- غرر الحكم : ٣٥٧٢ .

٢- غرر الحكم : ٣٢٥٠ .

٣- غرر الحكم : ٣٠٣٩ .

٤- غرر الحكم : ٥١٢٠ .

٥- غرر الحكم : ٣١٤٥ .

٦- غرر الحكم : ٢٩٥٣ .

٧- غرر الحكم : ٢٩٥٥ .

٨- غرر الحكم : ٣٦٠١ .

٩- غرر الحكم : ٣٠٣٨ .

١٠- أعلام الدين : ٢٩٨ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٢٨ / ١١ وراجع الدرّ الباهره : ٢٤ .

امام علی علیه السلام: هر آینه بهترین مال آن است که سپاس و ستایش به ارمغان آورد و پاداش و مزد فراهم کند .

امام علی علیه السلام: برترین مال آن است که با آن ، حق ها را به جای آوری .

امام علی علیه السلام: سودبخش ترین مال آن است که واجبی با آن ادا گردد .

امام علی علیه السلام: درهمی که سودمند افتد ، بهتر از دیناری است که [انسان را] بر زمین زند .

امام علی علیه السلام: برترین مال آن است که بهترین اثر را بر تو بر جای گذارد .

امام علی علیه السلام: برترین مال آن است که آزادان با آن به بند [محبّت] درآیند .

امام علی علیه السلام: برترین مال آن است که مردان با آن به بند درآیند .

امام علی علیه السلام: هر آینه برترین مال آن است که آزاده ای با آن به بند [دوستی و محبّت] افتد و سزاوار پاداش باشد .

امام علی علیه السلام: برترین توانگری آن است که آبرویی با آن حفظ گردد .

امام حسین علیه السلام: مال تو اگر [به راستی] از آن تو باشد ، آن را انفاق می کنی ؛ پس آن را برای پس از خود مگذار که آن گاه اندوخته کسانی جز تو خواهد شد ، در حالی که [در قیامت] بابت آن از تو پرس و جو خواهند کرد و حساب خواهند کشید . و بدان که نه تو برای مال باقی می مانی و نه مال برای تو جاودان می ماند ؛ پس پیش از آن که او تو را بخورد ، تو او را بخور .

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَجَاعَةٌ حَتَّى نَبَشُوا الْمَوْتَى فَأَكَلُوهُمْ ، فَتَبَشُوا قَبْرًا فَوَجَدُوا فِيهِ لَوْحًا فِيهِ مَكْتُوبٌ :
أَنَا فَلَانُ النَّبِيِّ ، يَبْشُ قَبْرِي حَبَشِيٌّ ، مَا قَدَّمْنَا وَجَدْنَاهُ ، وَمَا أَكَلْنَا رَيْحَانَهُ ، وَمَا خَلَفْنَا خَسِرَانَهُ . (١)

الإمام الكاظم عليه السلام: سَمِعْتُ أَبَا ذَرٍّ : مَا مَالُكَ ؟ قَالَ : عَمَلِي ، قِيلَ لَهُ : إِنَّمَا نَسَأَلُكَ عَنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ! فَقَالَ : مَا أَصْبَحَ فَلَا
أَمْسَى ، وَمَا أَمْسَى فَلَا أَصْبَحَ ؛ لَنَا كُنْدُوْجٌ نَرْفَعُ فِيهِ خَيْرَ مَتَاعِنَا ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : كُنْدُوْجُ الْمُؤْمِنِ قَبْرُهُ
(٢) .

٥ / ١ القصد الكتاب: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا . (٣)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: الإقتصادُ في النَّفَقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ ، وَالتَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ ، وَحُسْنُ السُّؤَالِ
نِصْفُ الْعِلْمِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: رَحِمَ اللَّهُ مُؤْمِنًا كَسَبَ طَيِّبًا ، وَأَنْفَقَ قَصْدًا ، وَقَدَّمَ خَيْرًا . (٥)

١- الأماالى للصدوق : ٧٠٤ / ٩٦٥ عن الفضل بن أبي قزّه السمندى ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٣٧ / ٢ .

٢- الأماالى للطوسى : ٧٠٢ / ١٥٠١ عن موسى بن بكر ، رجال الكشى : ١ / ١٢١ / ٥٤ ، روضه الواعظين : ٣١٢ كلاهما نحوه ،
بحار الأنوار : ٧٨ / ٤٥٢ / ١٧ .

٣- الإسراء : ٢٨ .

٤- شعب الإيمان : ٥ / ٢٥٥ / ٥٦٨ ، مسند الشهاب : ١ / ٥٥ / ٣٣ وفيه «العيش» وكلاهما عن ابن عمر ، كنز العميال : ٣ / ٤٩ /
٥٤٣٤ وراجع تاريخ بغداد : ١٢ / ١١ / ٦٣٧٠ والفردوس : ١ / ١٢٢ / ٤٢٠ .

٥- دعائم الإسلام : ٢ / ٦٦ / ١٨٤ .

۵ / ۲۱ میانه روی

امام صادق علیه السلام: در میان بنی اسرائیل چنان قحطی افتاد که مردگان را از خاک درآوردند و خوردند. پس گوری را شکافتند و در آن نبشته ای چنین یافتند: «من فلان پیامبرم که گورم را سیاهی خواهد شکافت. آن چه [برای قیامت انفاق کردیم و] پیش فرستادیم، یافتیم؛ آن چه خوردیم بهره اش را بردیم؛ و آن چه باز نهادیم، زیانش را دیدیم.

امام کاظم علیه السلام: از ابوذر پرسیده شد: «مالت چیست؟» گفت: «عمل من». به او گفته شد: «مراد ما طلا و نقره است!» گفت: «طلا و نقره از صبحگاهان به شامگاهان نکشد و از شامگاهان به صبحگاهان! ما را خزانه ای است که بهترین کالایمان را در آن می گذاریم. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خزانه مؤمن، گور او است.»

۵ / ۱ - ۷ میانه رویقرآن: «و دست خویش به گردنت مبند [= بخل و امساک مکن] و آن را یکسره مگشای [= به گزاف و زیاده روی بخشش مکن] که نکوهیده و درمانده بنشینی.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میانه روی در هزینه کردن، نیم زندگی گذرانی است؛ و دوستی ورزیدن با مردم، نیم اندیشه مندی؛ و نیک پرسیدن، نیم دانش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند رحمت آورد مؤمنی را که پیشه پاکیزه داشته باشد و میانه روانه انفاق کند و [برای خود] خیر را پیش فرستد.

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَابْسُوا ، مَا لَمْ يُخَالِطَهُ إِسْرَافٌ أَوْ مَخِيلَةٌ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الْإِقْتِصَادُ فِي الْمَعِيشَةِ نِصْفُ الْعَيْشِ ؛ تُكْفَى نِصْفَ النَّفَقَةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ ، وَمَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا مَنَعَ وَلَا إِسْرَافَ ، وَلَا بُخْلَ وَلَا إِتْلَافَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: التَّقْدِيرُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْعَيْشِ . (٥)

الإمام علي عليه السلام: الْإِقْتِصَادُ نِصْفُ الْمَوْئِنِ . (٦)

الإمام زين العابدين عليه السلام: لِيُنْفِقَ الرَّجُلُ بِالْقَصْدِ وَبُلْغَةِ الْكِفَافِ ، وَيُقَدِّمَ مِنْهُ فَضْلًا لِأَخْرَجَتِهِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَبْقَى لِلنَّعْمَةِ ، وَأَقْرَبُ إِلَى الْمَزِيدِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَأَنْفَعُ فِي الْعَافِيَةِ . (٧)

عنه عليه السلام: مِنْ دُعَائِهِ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدَّيْنِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرْفِ وَالْإِزْدِيَادِ ، وَقَوِّمْنِي بِالْبَدَلِ وَالْإِقْتِصَادِ ، وَعَلِّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ ، وَاقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ . (٨)

١- سنن ابن ماجه : ٢ / ١١٩٢ / ٣٦٠٥ ، سنن النسائي : ٥ / ٧٩ وليس فيه «وتصدقوا» ، مسند ابن حنبل : ٢ / ٦٠٠ / ٦٧٠٧ كلها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده ، صحيح البخارى : ٥ / ٢١٨١ وفيه «فى غير إسراف» بدل «ما لم يخالطه إسراف» ، كنز العمال : ٦ / ٦٤٤ / ١٧١٩٧ .

٢- شعب الإيمان : ٦ / ٢٥٥ / ٨٠٦١ عن أنس ، كنز العمال : ١٥ / ٩١٦ / ٤٣٥٨١ وفيه «يُبقَى» بدل «تكفى» .

٣- الكافى : ٢ / ١٢٢ / ٣ عن عبد الرحمان بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام وج ٤ / ٥٤ / ١٢ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام صلى الله عليه وآله ، تحف العقول : ٤٦ ، الزهد للحسين بن سعيد : ٥٥ / ١٤٨ عن عبد الرحمان بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ٧٥ / ١٢٦ / ٢٥ وج ٧٧ / ١٤٩ / ٨٢ .

٤- عوالى اللالكى : ١ / ٢٩٦ / ١٩٨ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٦٦ / ٢ .

٥- كنز الفوائد : ٢ / ١٩٠ ، بحار الأنوار : ١ / ٢٢٤ / ١٤ .

٦- غرر الحكم : ٥٦٥ .

٧- الكافى : ٤ / ٥٢ / ١ عن بريد بن معاوية عن الإمام الباقر عليه السلام .

٨- الصحيفه السجادية : ١٢١ الدعاء ٣٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و جامه پوشید ، مادام که با ریخت و پاش و خودپسندی درنیامیزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :میانه روی در زندگی نیم گذرانِ زندگی است و نیمی از هزینه را برآورده می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آن کس که در گذرانِ زندگی اش میانه روی پیشه کند ، خداوند روزی اش می دهد ؛ و هر که ریخت و پاش کند ، خدای ناکامش می گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نه تنگ گرفتن [پسندیده] است و نه ریخت و پاش ؛ نه تنگ چشمی و نه تباه کردنِ [اموال] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اندازه نگه داشتن در هزینه کردن ، نیمی از گذرانِ زندگی است .

امام علی علیه السلام :میانه روی ، نیم توشه زندگی است .

امام زین العابدین علیه السلام :انسان باید با میانه روی و تا حدّ کفایت ، انفاق کند و افزون مالش را برای آخرتش پیش فرستد ؛ که این بیشتر سبب پایداری نعمت ؛ و نزدیک تر به افزونی [قرب] خداوند ؛ و سودمندتر برای آخرت است .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای وی در کمک خواهی برای پرداخت وام : بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از ولخرجی و زیاده روی دور کن و با بخشش و میانه روی بر پا و استوارم دار و اندازه نگهداشتنِ نکو را به من بیاموز و به لطف خویش از ریخت و پاش بازم دار .

الإمام الصادق عليه السلام لِرَجُلٍ: اتَّقِ اللَّهَ، وَلَا تُسْرِفْ وَلَا تَقْتَرْ، وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ إِنَّ التَّبَذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (١)». (٢)

عنه عليه السلام فى قَوْلِهِ: «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا»: اتَّقِ اللَّهَ، وَلَا تُسْرِفْ وَلَا تَقْتَرْ، وَكُنْ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ إِنَّ التَّبَذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ، وَقَالَ اللَّهُ «وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا»، إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ عَلَى الْقَصْدِ. (٣)

عنه عليه السلام: عَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ يُنْفِقُ، وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ أُوقِيَّةٌ مِنَ الذَّهَبِ، فَكَرِهَ أَنْ يَبِيتَ فَتَصَدَّقَ بِهَا، فَأَصْبَحَ وَلَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ، وَجَاءَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ، فَلَامَهُ السَّائِلُ، وَاعْتَمَّ هُوَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ، وَكَانَ رَحِيمًا رَقِيقًا، فَأَدَّبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِهِ فَقَالَ: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا؛ (٤)» يَقُولُ: إِنَّ النَّاسَ قَدْ يَسْأَلُونَكَ وَلَا يَعْذِرُونَكَ، فَإِذَا أُعْطِيتَ جَمِيعَ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْمَالِ كُنْتَ قَدْ حُسِرْتَ مِنَ الْمَالِ. (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُجِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يُبْغِضُهُ اللَّهُ، حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاهُ؛ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ، وَحَتَّى صَبَّكَ فَضَلَ شَرَابِكَ. (٦)

١- الإسراء: ٢٦.

٢- الكافي: ٣ / ٥٠١ / ١٤، تفسير العياشى: ٢ / ٢٨٨ / ٥٦ وفيه «وكن» بدل «ولكن» وكلاهما عن عامر بن جذاعه، بحار الأنوار: ٣ / ٣٠٢ / ٧٥.

٣- تفسير العياشى: ٢ / ٢٨٨ / ٥٥ عن علي بن جذاعه، بحار الأنوار: ٣ / ٣٠٢ / ٧٥ و ٤.

٤- الإسراء: ٢٩.

٥- الكافي: ٥ / ٦٧ / ١ عن مسعدة بن صدقه، تحف العقول: ٣٥١ وفيه «رفيقا» بدل «رفيقا» و«خسرت» بدل «حسرت»، بحار الأنوار: ٤٧ / ٢٣٥ / ٢٢ وج ٧٠ / ١٢٥ / ١٣.

٦- الكافي: ٢ / ٤٥٢ / ٤، الخصال: ١٠ / ٣٦، ثواب الأعمال: ١ / ٢٢١، كلها عن داود الرقى، بحار الأنوار: ٧١ / ٣٤٦ / ١٠.

امام صادق علیه السلام خطاب به مردی: خدای را بپرهیز و نه اسراف کن و نه تنگ بگیر؛ بلکه راه میانه را در پیش گیر؛ که ریخت و پاش گونه ای اسراف است. خدای فرموده است: «و هیچ گونه ریخت و پاش مکن».

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای که «به ریخت و پاش روی میاور»: تقوای خداوند را پیشه کن و نه اسراف نمای و نه تنگ بگیر؛ بلکه حد میانه را نگاه دار؛ زیرا ریخت و پاش از مصادیق اسراف است و خداوند فرموده است: «و به ریخت و پاش روی میاور». هر آینه خداوند، میانه روی را مجازات نمی کند.

امام صادق علیه السلام: خداوند به پیامبرش علیه السلام آموخت که چگونه انفاق کند؛ و آن، چنین بود: نزد وی قدری طلا بود و او کراهت داشت که [با اندوخته طلا] شب را سپری کند؛ پس آن را صدقه داد. صبحگاهان در حالی برخاست که نزد وی چیزی [برای صدقه دادن] نبود. نیازخواهی به سراغ وی آمد، اما پیامبر چیزی نداشت که به او ببخشد. آن نیازخواه به سرزنش وی پرداخت و پیامبر که رحم ورز و دل نازک بود، اندوهگین شد که چرا چیزی برای بخشیدن ندارد! آن گاه خداوند تعالی پیامبرش را با فرمان خویش، چنین تأدیب فرمود: «و دست خویش به گردنت مبند [= بخل و امساک مکن] و آن را یکسره مگشای [= به گزاف و زیاده روی بخشش مکن] که نکوهیده و درمانده بنشینی». [بدین سان، به وی] می فرماید: مردم گاه از تو چیزی می خواهند و عذری از تو نمی پذیرند؛ پس اگر همه مالی را که داری از پیش بخشیده باشی، از مال تهیدست شده ای [و توان انفاق نخواهی داشت].

امام صادق علیه السلام: هر آینه میانه روی شیوه ای است که خداوند آن را دوست می دارد و زیاده روی شیوه ای است که خدای دشمنش می شمارد، حتی اگر هسته خرمایی را دور افکنی، زیرا آن هم به کاری می آید؛ و حتی اگر زیاده آب آشامیدنی ات را بر زمین ریزی.

الكافي عن عبد الملك بن عمرو الأحول: تلا أبو عبد الله عليه السلام هذه الآية «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (١)»، قال: فَأَخَذَ قَبْضَهُ مِنْ حَصِيٍّ وَقَبَضَهَا بِيَدِهِ فَقَالَ: «هَذَا الْإِقْتَارُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ»، ثُمَّ قَبَضَ قَبْضَهُ أُخْرَى فَأَرَخَى كَفَّهُ كُلَّهَا ثُمَّ قَالَ: «هَذَا الْإِسْرَافُ»، ثُمَّ أَخَذَ قَبْضَهُ أُخْرَى فَأَرَخَى بَعْضَهَا وَأَمْسَكَ بَعْضَهَا وَقَالَ: «هَذَا الْقَوَامُ». (٢)

تفسير العياشي عن أبان بن تغلب: قال أبو عبد الله عليه السلام: أترى الله أعطى من أعطى من كرامته عليه ومنع من منع من هوان به عليه؟! لا، ولكن المال مال الله يرضه عند الرجل ودائع، وجوز لهم أن يأكلوا قَصداً، ويشربوا قَصداً، ويلبسوا قَصداً، وينكحوا قَصداً، ويركبوا قَصداً، ويعودوا بما سوى ذلك على فقراء المؤمنين ويلتموا به شعثهم؛ فمن فعل ذلك كان ما يأكل حلالاً، ويشرب حلالاً، ويركب حلالاً، وينكح حلالاً؛ ومن عدا ذلك كان عليه حراماً. ثم قال: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (٣) أترى الله ائتمن رجلاً على مال خول له أن يشتري فرساً بعشره آلاف درهم ويجزيه فرس بعشرين درهماً، ويشترى جارية بألف دينار ويجزيه جارية بعشرين ديناراً؟! وقال: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». (٤)

١- الفرقان: ٦٧.

٢- الكافي: ٤ / ٥٤ / ١، بحار الأنوار: ٦٩ / ٢٦١ نقلاً عن تفسير مجمع البيان.

٣- الأعراف: ٣١.

٤- تفسير العياشي: ٢ / ١٣ / ٢٣، بحار الأنوار: ٧٥ / ٣٠٥ / ٦ وج ٧٩ / ٣٠٤ / ١٧.

الکافی از عبدالملک بن عمرو احوال: امام صادق علیه السلام این آیه را برخواند: «و آنان که چون هزینه کنند، نه اسراف کنند و نه تنگ گیرند و میان این دو، به راه میانه باشند». [راوی] گفت: «آن گاه، امام مشتی سنگریزه را در چنگ فشرد و فرمود: این همان تنگ گرفتن است که خداوند در کتابش ذکر کرده است. سپس مشتی دیگر برگرفت و همه آن را واگشود و فرمود: این اسراف است. پس از آن، مشتی دیگر گرفت و قدری از آن را گشود و قدری را بسته نگاه داشت و فرمود: این راه میانه است.»

تفسیر عیاشی از ابان بن تغلب: امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا گمان می کنی که خداوند با کرامت خویش، بعضی را مال بخشیده و برخی دیگر را خوار شمرده و مال را از آنان دریغ فرموده است؟! چنین نیست؛ بلکه مال از آن خداوند است و آن را نزد انسان امانت می نهد و آدمیان را مجاز می شمرد که با میانه روی، بخورند و بیاشامند و بپوشند و زناشویی کنند و سواری گیرند و بیشتر از این حد را به مؤمنان فقیر ببخشند و نیازهای آنان را برآورده سازند. آن کس که چنین کند، آن چه می خورد و می آشامد و سوار می شود و به زناشویی می گیرد، حلال است؛ و آن کس که از این حد بگذرد، بهره وری هایش حرام است». سپس فرمود: «خداوند فرموده است: [و اسراف نکنید؛ که هر آینه او اسراف کاران را دوست نمی دارد. آیا گمان می کنی خداوند انسان را در مالی که به وی عطا فرموده، امین شمرده که اسبی به بهای ده هزار درهم بخرد، حال آن که اسبی به قیمت بیست درهم برای او کفایت می کند؛ یا کنیزی به بهای هزار دینار بخرد، در حالی که کنیزی بیست دیناری وی را بس است؟!] و [دوباره] فرمود: «و اسراف نکنید؛ که هر آینه او اسراف کاران را دوست نمی دارد.»

الإمام الكاظم عليه السلام فى قولِ الله عز و جل : «وَ كَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا (١)» : الصَّوَامُ هُوَ الْمَعْرُوفُ ؛ «عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (٢)» : عَلَى قَدْرِ عِيَالِهِ وَمُؤْنَتِهِمُ الَّتِي هِيَ صِيْلَاحٌ لَهُ وَلَهُمْ ؛ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَاهَا (٣)» . (٤)

الكافى عن عبد الله بن أبان : سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَنِ النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ ، فَقَالَ : مَا بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ : الْإِسْرَافُ وَالْإِقْتَارُ . (٥)

الخصال عن محمد بن عمرو بن سعيد عن بعض أصحابه : سَمِعْتُ الْعِيَاشِيَّ وَهُوَ يَقُولُ : اسْتَأْذَنْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ ، فَقَالَ : بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ . قَالَ : فَقُلْتُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ ! لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ الْمَكْرُوهَيْنِ . قَالَ : فَقَالَ : بَلَى يَرْحَمُكَ اللَّهُ ! أَمَا تَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ الْإِسْرَافَ وَكَرِهَ الْإِقْتَارَ فَقَالَ : «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا» ؟ (٦)

٥ / ١ إظهارُ الغِنالِ كِتَابُ : «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ . (٧)»

١- الفرقان : ٦٧ .

٢- البقره : ٢٣٦ .

٣- الطلاق : ٧ .

٤- الكافى : ٤ / ٥٦ / ٨ عن محمد بن سنان .

٥- الكافى : ٤ / ٥٥ / ٢ .

٦- الخصال : ٥٤ / ٧٤ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ عن العباس ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٧ / ١١ .

٧- المائده : ٨٧ و ٨٨ .

۵ / ۸۱ ابرازِ توانگری

امام کاظم علیه السلام در تفسیر سخن خدای که «میان این دو ، به راه میانه باشند» : راه میانه یعنی پسندیده ، [همان گونه که خداوند می فرماید:] «و به طور پسندیده بهره مندشان سازید : فراخ دست به اندازه توان خود و تنگدست به اندازه توان خود ؛ که [این] سزاوارِ نیکوکاران است» ؛ [یعنی] به فراخورِ حالِ خانواده اش و توشه ای که در شأن وی و ایشان است ؛ «خدای هیچ کس را تکلیف نمی کند ، مگر [به اندازه] آن چه به وی داده است» .

الکافی از عبدالله بن ابان: از امام موسی کاظم علیه السلام درباره تأمین هزینه خانواده پرسیدم . فرمود: «باید به گونه ای میانِ دو روش ناپسندِ اسراف کاری و تنگ گیری باشد» .

الخصال از محمد بن عمرو بن سعید از یکی از یارانش: از عیاشی شنیدم که می گفت: «در تأمین هزینه خانواده ، از امام رضا علیه السلام راه مُجاز را پرسیدم . فرمود : راهی میانه دو روش ناپسند « گفت: «گفتم: فدایت شوم! به خدای سوگند که من آن دو روش ناپسند را نمی شناسم . فرمود: چرا ؛ می شناسی خدایت رحمت کناد! آیا نمی دانی که خداوند از اسراف کاری و تنگ گیری بیزار است و فرموده است : «آنان که چون انفاق کنند ، نه اسراف ورزند و نه تنگ گیرند ، بلکه راهی میانه در پیش گیرند» .

۵ / ۱ - ۸ ابرازِ توانگریقرآن: «ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه را که خدا برای شما حلال کرده ، حرام نکنید و از حد مگذرید؛ که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی دارد * و از آن چه خدا شما را حلال و پاکیزه روزی داده ، بخورید و از خداوندی که به او ایمان دارید ، پروا داشته باشید .»

«يَبْنِي ءَادَمَ خُدُوعًا زَيْتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . (١)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ ، وَيُحِبُّ أَنْ يَرَى نِعَمَتَهُ عَلَى عَبْدِهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: كُلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَابْسُوا فِي غَيْرِ مَخِيلَةٍ وَلَا سَرْفٍ ؛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تَرَى نِعَمَتَهُ عَلَى عَبْدِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعَمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ ؛ فِي مَا كَلَّهِ وَمَشْرَبِهِ . (٤)

١- الأعراف: ٣١ و ٣٢ .

٢- مسند أبي يعلى: ٢ / ١٨ / ١٠٥٠ ، شُعب الإيمان: ٥ / ١٦٣ / ٦٢٠١ / ١ ، وآخره «ويغض البؤس والتباؤس» وكلاهما عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال: ٦ / ٦٣٩ / ١٧١٦٦ ؛ الكافي: ٦ / ٤٣٨ / ١ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليه السلام ، الخصال: ١٠٣ / ٦١٣ / ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليه السلام ، تحف العقول: ١٠٣ عن الإمام علي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار: ٧٩ / ٢٩٩ / ٣ .

٣- مسند ابن حنبل: ٢ / ٦٠٣ / ٦٧٢٠ ، المستدرک علی الصحيحين: ٤ / ١٥٠ / ٧١٨٨ وليس فيه «والبسوا» ، شُعب الإيمان: ٤ / ١٣٦ / ٤٥٧١ وج ٥ / ١٦٢ / ٦١٩٦ ، الشكر لابن أبي الدنيا: ٣٤ / ٥١ كَلَّهَا عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، الفردوس: ٣ / ٢٤١ / ٤٧١٠ عن عبد الله بن عمرو نحوه ، كنز العمال: ٦ / ٦٤٤ / ١٧١٩٧ .

٤- الشكر لابن أبي الدنيا: ٣٥ / ٥٣ عن علي بن زيد بن جدعان ، سنن الترمذی: ٥ / ١٢٤ / ٢٨١٩ عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه وليس فيه «في ما كله ومشربه» ، كنز العمال: ٦ / ١٧١٧٤ / ٦٠٦٤٠ .

«ای فرزندان آدم! نزد هر مسجدی، آرایش خویش فراگیرید؛ و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید؛ که او اسراف کاران را دوست نمی دارد * بگو: «چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟» بگو: «این ها در زندگی دنیا برای مؤمنان است [ولی کافران هم بهره مندند] حال آن که در روز رستاخیز، ویژه ایشان است». بدین گونه، آیات را برای گروهی که بدانند، به تفصیل بیان می کنیم.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می دارد؛ و دوستار آن است که نعمت خویش را بر بنده اش بنگرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخورید و بیاشامید و صدقه دهید و بدون فخر فروشی و اسراف کاری جامه بپوشید؛ که هر آینه خداوند دوست می دارد که نعمتش بر بنده اش نگریسته شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند دوست می دارد که نشانِ نعمتش را در خوراک و آشامیدنی بنده اش بنگرد.

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أُنْعِمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ . (١)

سنن أبي داود عن أبو الأحوص عن أبيه : أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فِي ثَوْبٍ دُونَ ، فَقَالَ : أَلَمْ يَكْ مَالٌ ؟ قُلْتُ : نَعَمْ . قَالَ : مِنْ أَيِّ الْمَالِ ؟ قَالَ : قَدْ آتَانِي اللَّهُ مِنَ الْإِبِلِ وَالْغَنَمِ وَالْخَيْلِ وَالرَّقِيقِ . قَالَ : فَإِذَا آتَاكَ اللَّهُ مَالًا فَلْيَبْرُ أَثَرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ كَرَامَتِهِ . (٢)

المعجم الكبير عن زهير بن أبي علقمة الضبعي : أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ آله رَجُلٌ سَيِّئُ الْهَيْئَةِ ، فَقَالَ : أَلَمْ يَكْ مَالٌ ؟ قَالَ : نَعَمْ مِنْ كُلِّ أَنْوَاعِ الْمَالِ . قَالَ : فَلْيَبْرُ عَلَيْكَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ عَلَى عَبْدِهِ حُسْنًا ، وَ لَا يُحِبُّ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ . (٣)

الإمام علي عليه السلام : يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ إِذَا أُنْعِمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ أَنْ يُرَى أَثَرُهَا عَلَيْهِ فِي مَلْبَسِهِ ، مَا لَمْ يَكُنْ شُهْرَةً . (٤)

عنه عليه السلام : إِظْهَارُ الْغِنَى مِنَ الشُّكْرِ ؛ إِظْهَارُ التَّبَاؤُسِ يَجْلِبُ الْفَقْرَ . (٥)

١- السنن الكبرى : ٣ / ٣٨٥ / ٦٠٩٣ ، مسند ابن حنبل : ٧ / ٢١٦ / ١٩٩٥٤ نحوه ، المعجم الكبير : ١٨ / ١٣٥ / ٢٨١ و ص ١٨١ / ٤١٨ ، شعب الإيمان : ٥ / ١٦٣ / ٦٢٠٠ كلها عن عمران بن حصين ، كنز العمال : ٦ / ٦٤٠ / ١٧١٧٣ ؛ الأمل للطوسي : ٢٧٥ / ٥٢٦ عن محمد بن أحمد بن عبد الله المنصوري عن عم أبيه عن الإمام الهادي عن آباءه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٣٥٤ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ٧٩ / ٣٠٣ / ١٦ .

٢- سنن أبي داود : ٤ / ٥١ / ٤٠٦٣ ، سنن النسائي : ٨ / ١٨١ ، المعجم الكبير : ١٩ / ٢٧٧ / ٦٠٩ ، مسند ابن حنبل : ٥ / ٣٨٣ / ١٥٨٨٨ ، المستدرک علی الصحیحین : ٤ / ٢٠١ / ٧٣٦٤ ، الشکر لابن أبي الدنيا : ٣٥ / ٥٢ والثلاثة الأخيرة نحوه .

٣- .. المعجم الكبير : ٥ / ٢٧٣ / ٥٣٠٨ ، حلية الأولياء : ٧ / ١١٨ ، أسد الغابة : ٢ / ٣٢٨ / ١٧٧٧ ، كنز العمال : ٦ / ٦٤٠ / ١٧١٧٢ .

٤- دعائم الإسلام : ٢ / ١٥٣ / ٥٤٣ عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام .

٥- غرر الحكم : ١١٤٠ و ١١٤١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه آن گاه که خداوند نعمتی را به بنده اش عطا می کند ، دوست می دارد که نشانِ نعمتش را بر بنده اش بنگرد .

سنن ابی داود از ابوالاحوص از پدرش: در حالی که جامه ای پست بر تن داشتیم ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم . فرمود: «آیا مالی داری؟» گفتم: «آری» . فرمود: «چه مالی؟» گفتم: «خداوند به من شتر و گوسفند و اسب و بندگانی عطا فرموده است» . فرمود: «پس اینک که به تو مال عطا فرموده ، باید نشانِ نعمت و کرامت خداوند بر تو دیده شود» .

المعجم الکبیر از زهیر بن ابی علقمه ضبعی: مردی با ظاهری زشت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد . پیامبر فرمود: «آیا مالی داری؟» گفتم: «آری ؛ همه گونه مال دارم» . فرمود: «پس باید [اثرِ مال] بر تو دیده شود . هر آینه خداوند دوست می دارد که اثرِ [مال] خویش را بر بنده اش به نیکی بنگرد و نه تنگدستی را دوست دارد و نه تظاهر به تنگدستی را» .

امام علی علیه السلام: آدمی را سزاوار است که هر گاه خداوند به او نعمتی عطا فرماید ، اثر آن نعمت در لباس او دیده شود ، بدان شرط که لباسِ انگشت نما نباشد .

امام علی علیه السلام: بروز دادنِ توانگری ، نشانه سپاسگزاری است و تظاهر به تنگدستی ، فقر را [به سوی انسان] می کشاند .

٥ / ٢ ما يَحْرُمُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْأَمْوَالِ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ ٥ / ٢ الإِسْرَافُ وَالتَّبْذِيرُ الْكِتَابُ: «وَأَتِذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا . (١)»

«ثُمَّ صَدَقْتَهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ . (٢)»

الحديث: الدر المنثور عن أبو إدريس الخولاني: سَأَلْتُ عُبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ: «وَلَنَذِيقَنَّ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ الْأَلْبَابِ الَّذِي دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (٣)» فَقَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْهَا فَقَالَ: هِيَ الْمَصَائِبُ وَالْأَسْقَامُ وَالْأَنْصَابُ؛ عَذَابٌ لِلْمُسْرِفِ فِي الدُّنْيَا دُونَ عَذَابِ الْآخِرَةِ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا هِيَ لَنَا؟ قَالَ: زَكَاةٌ وَطَهْوَرٌ. (٤)

رسول الله صلى الله عليه وآله: فِرَاشٌ لِلرَّجُلِ ، وَفِرَاشٌ لِامْرَأَتِهِ ، وَالتَّالِثُ لِلضَّيْفِ ، وَالرَّابِعُ لِلشَّيْطَانِ . (٥)

١- الإِسْرَافُ : ٢٦ و ٢٧ .

٢- الْأَنْبِيَاءُ : ٩ .

٣- السَّجْدَةُ : ٢١ .

٤- الدر المنثور : ٥٥٤ / ٦ نقلًا عن ابن مردويه .

٥- صحيح مسلم : ٣ / ١٦٥١ / ٤١ ، سنن أبي داود : ٤ / ٧٠ / ٤١٤٢ وفيه «وفراش» بدل «والثالث» ، سنن النسائي : ٦ / ١٣٥ ، مسند ابن حنبل : ٥ / ٨ / ١٤١٢٦ و ٧١ / ١٤٤٨٢ وفيه «وفراش» بدل «والثالث» وكلها عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ٣ / ١٩٤ / ٦١٢٤ و ٣٩٧ / ٧١٢٧ ؛ الكافي : ٦ / ٤٧٩ / ٦ ، الخصال : ١٢٠ / ١١١ كلاهما عن حماد بن عيسى عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ٧٩ / ٣٢١ / ٢ .

۵ / ۲ آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی روا نیست

۵ / ۱۲ اسراف و ریخت و پاش

۵ / ۲ آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی روا نیست ۵ / ۲ - اسراف و ریخت و پاشقرآن: «و حقّ خویشاوند و درویش بینوا و در راه مانده را بده و مال خود را بیهوده مریز و میپاش و به گزافکاری تباه مکن * همانا ریخت و پاش کنندگان گزافکار، برادران شیطان هایند و شیطان خداوند خویش را ناسپاس است.»

«سپس آن وعده را که به ایشان دادیم [= نابودی دشمنانشان و یاری و پیروزی ایشان] راست گردانیدیم و آنان و هر که را خواستیم رهانیدیم و گزافکاران را نابود ساختیم.»

حدیث: الدرّ المنثور از ابو ادریس خولانی: از عبّاده بن صامت درباره این سخن خداوند پرسیدم: «و هر آینه آنان را از عذاب نزدیک تر و کم تر، غیر از عذاب بزرگ تر، بچشانیم؛ باشد که باز گردند». گفت: «من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره این آیه پرسیدم؛ فرمود: آن، مصیبت ها و بیماری ها و بلاها است، که جز عذاب آخرت، عذاب همین جهانی اسرافکاران است. گفتم: ای پیامبر خدا! پس چرا ما را رسد؟ فرمود: [برای ما] پاک کننده و زداینده [از گناهان] است.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک بستر از آن خود مرد است؛ یکی از آن همسرش؛ یکی از آن مهمان؛ و چهارمی [که زائد است] از آن شیطان.

عنه صلى الله عليه و آله : كُلُّ فِرَاشٍ لَا يَنَامُ عَلَيْهِ إِنْسَانٌ يَنَامُ عَلَيْهِ شَيْطَانٌ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ بَدَّرَ أَفْقَرَهُ اللَّهُ . (٢)

الإمام علي عليه السلام : كَثْرَةُ السَّرْفِ تُدَمِّرُ . (٣)

عنه عليه السلام في الحِكمِ الْمَنسُوبَةِ إِلَيْهِ : ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ لَا دَوَامَ لَهَا : الْمَالُ فِي يَدِ الْمُبَدِّرِ ، وَسَحَابَةُ الصَّيْفِ ، وَغَضَبُ الْعَاشِقِ . (٤)

عنه عليه السلام في الحِكمِ الْمَنسُوبَةِ إِلَيْهِ : الْفَرْقُ بَيْنَ السَّخَاءِ وَالتَّبَذِيرِ : أَنَّ السَّخِيَّ يَسْمُحُ بِمَا يَعْرِفُ مِقْدَارَهُ وَمِقْدَارَ الرَّغْبَةِ فِيهِ إِلَيْهِ ، وَيَضَعُهُ بِحَيْثُ يَحْسُنُ وَضَعُهُ وَتَرَكَو عَارِفَتُهُ . وَالْمُبَدِّرُ يَسْمُحُ بِمَا لَا يُوزَنُ بِهِ رَغْبَةَ الرَّاغِبِ ، وَلَا حَقَّ الْقَاصِدِ ، وَلَا مِقْدَارَ مَا أُولَى ، وَيَسْتَفِزُّهُ لِذَلِكَ خَطَرَةٌ مِنْ خَطَرَاتِهِ ، وَالتَّصَدَّى لِإِطْرَاءِ مُطْرٍ لَهُ بَيْنَهُمَا بَوْنٌ بَعِيدٌ . (٥)

١- جامع الأحاديث للقمي : ١٠٩ .

٢- تنبيه الخواطر: ١/١٦٧ ، عدّه الداعي: ٧٤ ، بحار الأنوار: ١٠/٢١/١٠٣؛ مسند البزار: ٣/١٦١/٩٤٦ عن طلحة بن عبيد الله ، كنز العمال : ٣ / ٥٠ / ٥٤٣٧ / وص ٢٤١ / ٦٣٤٩ .

٣- غرر الحكم : ٧١٢٢ .

٤- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٠١ / ٤٣٥ .

٥- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٢٧٩ / ٢١٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر بستری که [بیش از اندازه نیاز باشد و] انسانی بر آن ن خوابد ، شیطانی بر آن می خوابد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ریخت و پاش کند ، خداوند به فقر دچارش گرداند .

امام علی علیه السلام: فراوان اسراف کردن ، ویرانی به دنبال دارد .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : سه چیز را پایداری نباشد: مال در دست ریخت و پاش کننده ، پاره ابر تابستانی ، و خشم عاشق .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : تفاوت میان دست و دل بازی و ریخت و پاش این است: دست و دل باز از چیزی می بخشد که قدرش را می داند ، میزانِ دل بستگی به آن را می شناسد ، و آن را در جای صحیح مصرف می کند و بخشش و دهش وی بالنده و پاک است ؛ و [لی] ریخت و پاش کننده چیزی را می بخشد که قدرِ دل بستگی به آن را نمی داند ، حقّ میانه روی در آن را نمی شناسد ، و میزان احسانی را که می کند ، ارزیابی نمی کند ؛ و او را بدین کار وسوسه ای از وسوسه هایش می کشاند و می خواهد تا وی را فراوان ستایش کنند ؛ [پس] میان این دو فاصله بسیار است .

عنه عليه السلام: الْقَصْدُ مَثْرَاءٌ ، وَالسَّرْفُ مَتَوَاهٌ . (١)

عنه عليه السلام: لَا غِنَى مَعَ إِسْرَافٍ . (٢)

عنه عليه السلام: سَبَبُ الْفَقْرِ الْإِسْرَافُ . (٣)

عنه عليه السلام: الْقَلِيلُ مَعَ التَّبْدِيرِ أَبْقَى مِنَ الْكَثِيرِ مَعَ التَّبْدِيرِ . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ افْتَخَرَ بِالتَّبْدِيرِ احْتَقَرَ بِالإِفْلَاسِ . (٥)

عنه عليه السلام: التَّبْدِيرُ قَرِينُ مُفْلِسٍ . (٦)

عنه عليه السلام: التَّبْدِيرُ عُنْوَانُ الْفَاقِهِ . (٧)

عنه عليه السلام: مَنْ اشْتَرَى مَا لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ ، بَاعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ . (٨)

عنه عليه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرِهَا أَلْهَمَهُ الإِقْتِصَادَ وَحَسَنَ التَّبْدِيرَ ، وَجَبَّهَ سُوءَ التَّبْدِيرِ وَالْإِسْرَافَ . (٩)

عنه عليه السلام: الْإِسْرَافُ يُفْنِي الْكَثِيرَ ؛ الإِقْتِصَادُ يُنْمِي الْيَسِيرَ . (١٠)

١- الكافي: ٤ / ٥٢ / ٤ عن علي بن محمد رفعه .

٢- غرر الحكم: ١٠٥٣٨ .

٣- غرر الحكم: ٥٥٢٩ .

٤- غرر الحكم: ١٩٤٨ .

٥- غرر الحكم: ٩٠٥٧ .

٦- غرر الحكم: ١٠٤٣ .

٧- غرر الحكم: ٨٩٠ .

٨- دعائم الإسلام: ٢ / ٢٥٥ / ٩٦٨ .

٩- غرر الحكم: ٤١٣٨ .

١٠- غرر الحكم: ٥١٥ و ٥١٤ .

امام علی علیه السلام: میانه روی ، افزایش دهنده [ی مال] است و اسراف کاری ، مایه هلاکت .

امام علی علیه السلام: با اسراف ، توانگری نباشد .

امام علی علیه السلام: اسراف ، زمینه ساز فقر است .

امام علی علیه السلام: اندک ، همراه حساب اندیشی ، پابرجاتر از بسیاری است که ریخت و پاش شود .

امام علی علیه السلام: هر که به ریخت و پاش فخر بفروشد ، به تنگدستی خوار و کوچک گردد .

امام علی علیه السلام: ریخت و پاش ، همراهی است که [انسان را] به تنگدستی می کشاند .

امام علی علیه السلام: ریخت و پاش ، نشانه تنگدستی است .

امام علی علیه السلام: هر که آن چه را نیاز ندارد ، بخرد ، آن چه را بدان نیاز دارد ، فروخته [= از کف داده] است .

امام علی علیه السلام: هر گاه خداوند برای بنده ای خیر بخواهد ، میانه روی و درست اندیشی را به وی الهام فرماید و از نادرست اندیشی و اسراف کاری دورش دارد .

امام علی علیه السلام: اسراف ، بسیار را نابود می کند ؛ و میانه روی اندک را بالنده گرداند .

عنه عليه السلام: الإسرافُ يُفْنِي الْجَزِيلَ . (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعَائِهِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَامْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ ، وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبَرَكَهِ فِيهِ ، وَأَصِيبْ بِي سَبِيلَ الْهِدَايَةِ لِلْبِرِّ فِي مَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام : كَانَ أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا رَأَى شَيْئًا مِنَ الْخُبْزِ فِي مَنْزِلِهِ مَطْرُوحًا وَلَوْ قَدَرَ مَا تَجَرَّهُ النَّمْلَةُ ، نَقَصَ مِنْ قُوْتِ أَهْلِهِ بِقَدْرِ ذَلِكَ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : الْكِبَائِرُ مُحَرَّمَةٌ ، وَهِيَ . . . وَالْإِسْرَافُ وَالتَّبْذِيرُ . (٤)

عنه عليه السلام : أَدْنَى الْإِسْرَافِ : هِرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ ، وَابْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ ، وَإِلْقَاءُ النَّوَى . (٥)

عنه عليه السلام : إِنَّ السَّرْفَ يورثُ الْفَقْرَ . (٦)

عنه عليه السلام : إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبَرَكَهِ . (٧)

عنه عليه السلام : الرَّفْقُ لَا يَعْجِزُ عَنْهُ شَيْءٌ ، وَالتَّبْذِيرُ لَا يَبْقَى مَعَهُ شَيْءٌ . (٨)

١- غرر الحكم : ٣٣٥ .

٢- الصحيفه السجادية : ٨٦ الدعاء ٢٠ .

٣- دعائم الإسلام : ٢ / ١١٥ / ٣٨٣ ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٤٣٢ / ١٦ .

٤- الخصال : ٩ / ٦١٠ عن الأعمش ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ / ١٢٧ / ١ عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه

السلام ، تحف العقول : ٤٢٢ عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٠ / ٢٢٩ / ١ .

٥- الكافي : ٦ / ٤٦٠ / ١ ، مكارم الأخلاق : ١ / ٢٢٩ / ٦٧٢ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٧ / ٣٦٢٦ كَلَّهَا عَنْ إِسْحَاقَ ابْنِ عَمَّارٍ

، الخصال : ٩٣ / ٣٧ عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ٧٥ / ٣٠٣ / ٧ .

٦- الكافي : ٤ / ٥٣ / ٨ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٧٤ / ٣٦٥٩ كلاهما عن عبيد بن زراره .

٧- الكافي : ٤ / ٥٥ / ٣ عن ابن أبي يعفور ويوسف بن عمار [ه] .

٨- الكافي : ٢ / ١١٩ / ٩ عن أحمد بن زياد بن أرقم الكوفي عن رجل ، بحار الأنوار : ٧٥ / ٦١ / ٢٨ .

امام علی علیه السلام: اسراف، [مال] فراوان را تباه می کند .

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خویش: بار خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و مرا از زیاده روی بازدار و روزی ام را از تلف شدن نگه دار و دارایی ام را با برکت افزون فرما و مرا به راه هدایت رهنمون شو تا نیکوکارانه انفاق کنم .

امام باقر علیه السلام: پدرم علی بن حسین علیه السلام هر گاه می دید که در خانه اش نانی دور افکنده شده هر چند اگر به اندازه دهانگیر مورچه ای بود به قدر همان ، از خوراک خانواده اش کم می نهاد .

امام صادق علیه السلام: گناهان بزرگ ، حرامند ؛ و آن ها چنینند : . . . و زیاده روی ، و ریخت و پاش .

امام صادق علیه السلام: کم ترین اندازه اسراف این است: [به زمین] ریختن زیاده ظرف ؛ جامه نگاهداری شده را نابجا مصرف کردن ؛ و دور افکندن هسته خرما .

امام صادق علیه السلام: هر آینه اسراف ، فقر به دنبال می آورد .

امام صادق علیه السلام: همانا اسراف ، کم برکتی به همراه دارد .

امام صادق علیه السلام: با نرمی و مدارا ، ناتوانی نباشد ؛ و با ریخت و پاش هیچ چیز باقی نماند .

تفسير العياشي عن بشر بن مروان: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا بِرُطْبٍ، فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ يَرْمِي بِالنُّوَى. فَأَمْسَكَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ؛ إِنَّ هَذَا مِنَ التَّبْدِيرِ، وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ. (١)

دعائم الإسلام عن جعفر بن محمد عليهما السلام: أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى فَاكِهَةٍ قَدِ رُمِيَتْ مِنْ دَارِهِ لَمْ يُسْتَقْصَ أَكْلُهَا، فَغَضِبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: مَا هَذَا؟! إِنْ كُنْتُمْ شَبِعْتُمْ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَمْ يَشْبَعُوا، فَأَطْعِمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. (٢)

الكافي عن ياسر الخادم: أَكَلَ الْغِلْمَانُ يَوْمًا فَاكِهَةً وَلَمْ يَسْتَقْصُوا أَكْلَهَا وَرَمَوْا بِهَا، فَقَالَ لَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! إِنْ كُنْتُمْ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ أَنَا لَمْ يَسْتَعْنُوا، أَطْعِمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ اقْتَصَدَ وَقَعَّ بِقِيَّتِ عَلَيْهِ النُّعْمَةُ، وَمَنْ بَدَّرَ وَأَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ النُّعْمَةُ. (٤)

الكافي عن ابن طيفور المتطبب: سَيَّأَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ تَرَكَبُ؟ قُلْتُ: حِمَارًا، فَقَالَ: بِكُمْ ابْتَعْتُهُ؟ قُلْتُ: بِثَلَاثَةِ عَشَرَ دِينَارًا، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا هُوَ السَّرْفُ؛ أَنْ تَشْتَرِيَ حِمَارًا بِثَلَاثَةِ عَشَرَ دِينَارًا وَتَدَعَّ بَرْدُونَ. قُلْتُ: يَا سَيِّدِي، إِنَّ مَوْونَةَ الْبَرْدُونَ أَكْثَرُ مِنْ مَوْونَةِ الْحِمَارِ! فَقَالَ: إِنَّ الَّذِي يُمَوِّنُ الْحِمَارَ يُمَوِّنُ الْبَرْدُونَ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهِ أَمْرًا وَيَغِيظُ بِهِ عَدُوَّنَا وَهُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدْرَأَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَشَرَحَ صَدْرَهُ، وَبَلَغَهُ أَمَلُهُ، وَكَانَ عَوْنَا عَلَى حَوَائِجِهِ؟! (٥)

١- تفسير العياشي: ٢ / ٢٨٨ / ٥٨، بحار الأنوار: ٧٥ / ٣٠٣ / ٥.

٢- دعائم الإسلام: ٢ / ١١٥ / ٣٨١، بحار الأنوار: ٦٦ / ٤٣٢ / ١٦.

٣- الكافي: ٦ / ٢٩٧ / ٨، المحاسن: ٢ / ٢٢٤ / ١٦٧٤ عن نادر الخادم، بحار الأنوار: ٤٩ / ١٠٢ / ٢١.

٤- تحف العقول: ٤٠٣، بحار الأنوار: ٧٨ / ٣٢٧ / ٤.

٥- الكافي: ٦ / ٥٣٥ / ١، تهذيب الأحكام: ٦ / ١٦٣ / ٣٠٠، بحار الأنوار: ٦٤ / ١٦٠ / ٢.

تفسیر العیاشی از بشر بن مروان: نزد امام صادق علیه السلام در آمدیم . [ما را] به خرما ی تازه فراخواند . یکی از حاضران هسته خرما را دور می افکند . امام صادق علیه السلام دست او را گرفت و فرمود: «چنین مکن! هر آینه این ریخت و پاش است ؛ و خداوند فساد را دوست نمی دارد» .

دعائم الإسلام از جعفر بن محمد علیهما السلام: او به میوه ای نیم خورده برخورد که از خانه اش برون افکنده شده بود . به خشم آمد و فرمود: «این چیست؟ اگر شما سیر شده اید ، بسیاری از مردم سیر نشده اند ، پس آن را به کسی بخورانید که بدان نیاز دارد» .

الکافی از یاسر خدمتکار: روزی خدمتکاران سیبی خورده ، آن را نیم خورده رها کردند و دور افکندند . امام رضا علیه السلام به ایشان فرمود : «سبحان الله ! اگر شما از آن بی نیازید ، مردمی به آن نیازمندند ؛ آن را به کسی بخورانید که بدان نیاز دارد» .

امام کاظم علیه السلام: هر که میانه روی و قناعت پیشه کند ، نعمت برایش پایدار می ماند ؛ و آن که ریخت و پاش و اسراف کند ، نعمت از او روی گرداند .

الکافی از ابن طیفور متطبب: امام رضا علیه السلام از من پرسید: «بر چه سوار می شوی؟» گفتم: «بر خری» . فرمود: «او را چند خریده ای؟» گفتم: «به سیزده دینار» . فرمود: «این ، زیاده روی است که خری بخری به سیزده دینار و یابو را وانهی!» گفتم: «سرورم! هزینه نگهداری یابو بیش از خر است» . فرمود: «آن که آذوقه خر را رساند ، از آن یابو را هم می رساند . آیا ندانسته ای هر که چهارپایی نگاه دارد و با آن انتظار امر [فَرَج] ما را کشد و با دشمن ما خشم ورزد و به ما پیوند رساند ، خداوند روزی اش را سرشار ، سینه اش را فراخ ، و آرزویش را برآورده سازد ؛ و او را برای دستیابی به نیازمندی هایش یاری دهد؟» .

٥ / ٢ الإنفاق في المعاصي للإمام علي عليه السلام: إن إنفاق هذا المال في طاعة الله أعظم نعمه، وإن إنفاقه في معاصيه أعظم مِحْنَه. (١)

عنه عليه السلام: لا تصرف مالك في المعاصي؛ فتقدم على ربك بلا عمل. (٢)

إصلاح المال عن محمد بن سوقه: سأل رجل سعيد بن جبير عن نهي النبي صلى الله عليه وآله عن إضاعة المال، قال: هو (أن) يَرزُقَكَ اللهُ رِزْقاً حَلَالاً فَتُنْفِقَهُ فِي مَا حَرَّمَ اللهُ عَلَيْكَ. (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: يا إلهي... فَمَنْ أَجْهَلُ مِنِّي... بِرُشْدِهِ؟! وَمَنْ أَغْفَلُ مِنِّي عَنْ حَظِّهِ؟! وَمَنْ أَبْعِدُ مِنِّي مِنْ اسْتِصْلَاحِ نَفْسِهِ... حِينَ أَنْفَقُ مَا أُجْرِيَتْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِي مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؟ (٤)

٥ / ٣ ما يَكْرَهُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْأَمْوَالِ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ ٥ / ٣ إنفاق المال في غير حق رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي، أربعة يذهب ضياعاً: الأكل على الشبع، والسراج في القمر، والزرع في السبخة، والصنيع عند غير أهلها. (٥)

١- غرر الحكم: ٣٣٩٢.

٢- غرر الحكم: ١٠٣٦١.

٣- إصلاح المال: ٢٠٠ / ١١٥.

٤- الصحيفه السجادية: ٦٩ الدعاء ١٦.

٥- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٣٧٣ / ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ٢٦٣ / ١٤٣ عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ٩ وفيه «ضلالاً» بدل «ضياعاً»، مكارم الأخلاق: ٢ / ٣٣٥ / ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ٦٦ / ٣٣٢ / ١١.

۵ / ۲ پرداخت هزینه گناهان

۵ / ۳ آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی ، ناپسند است

۵ / ۱۳ انفاقِ نابجایِ مال

۵ / ۲ - ۲ پرداخت هزینه گناهان امام علی علیه السلام: بخشیدن این مال برای بندگی خدا ، بزرگ ترین نعمت ؛ و دادن آن در راه نافرمانی خداوند ، از هر چیز محنت بارتر است .

امام علی علیه السلام: دارایی خویش را در راه گناهان صرف مکن ؛ که آن گناه ، بدون عمل [صالح] نزد خدا خواهی رفت .
اصلاح المال از محمد بن سوقه : مردی از سعید بن جبیر درباره نهی پیامبر صلی الله علیه و آله از تباه کردن مال ، سؤال کرد . وی گفت: «تباه کردن مال ، آن است که خداوند روزی حلال عطا فرماید و آن را برای چیزی که خداوند بر تو حرام فرموده ، انفاق کنی» .

امام زین العابدین علیه السلام: معبود من! ... کیست که بیش از من ... به مایه هدایت خویش نادان باشد ؛ کیست که از من ، از بهره [معنوی] خویش غافل تر باشد ؛ کیست که از من ، از سامان دهی جان خویش دورتر باشد ... آن گاه که روزی ات را که بر من جاری فرموده ای ، در گناهی که مرا از آن بازداشته ای ، هزینه می کنم؟

۵ / ۳ آن چه در مصرف اموال عمومی و خصوصی ، ناپسند است ۵ / ۳ - ۱ انفاقِ نابجایِ مال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای علی! چهار چیز هدر می روند : خوردن از پی سیری ؛ چراغ برافروختن در نور ماه ؛ کشت کردن در شوره زار ؛ و نیکی و احسان به کسی که شایسته آن نیست .

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ أَعْطَى فِي غَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ أُسْرِفَ ، وَمَنْ مَنَعَ عَنْ حَقٍّ فَقَدْ قَتَرَ . (١)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ كَانَ فِيكُمْ لَهُ مَالٌ فَإِيَاهُ وَالْفَسَادَ! فَإِنَّ إِعْطَاءَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ ، وَهُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَيَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ . وَلَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ ، وَكَانَ لِغَيْرِهِ وَدُهُمْ ؛ فَإِنْ بَقِيَ مَعَهُ مِنْهُمْ بَقِيَّةٌ مِمَّنْ يُظْهِرُ الشُّكْرَ لَهُ وَيُرِيهِ النَّصْحَ فَإِنَّمَا ذَلِكَ مَلَقٌ مِنْهُ وَكَذِبٌ ؛ فَإِنْ زَلَّتْ بِصَاحِبِهِمُ النَّعْلُ ثُمَّ احتَاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ وَمُكَافَأَتِهِمْ فَأَلَامَ خَلِيلٍ وَشَرُّ خَدِينٍ . وَلَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْحِظِّ فِي مَا أَتَى إِلَّا مَحَمَدَةَ اللَّثَامِ وَثَنَاءَ الْأَشْرَارِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مُنْعِمًا مُفْضِلًا وَمَقَالَهُ الْجَاهِلِ : مَا أَجْوَدَهُ! وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ بِخَيْلٌ . فَأَيُّ حِظٍّ أَبَوْرٌ وَأَخْسِرُ مِنْ هَذَا الْحِظِّ؟! وَأَيُّ فَائِدَةٍ مَعْرُوفٍ أَقْلٌ مِّنْ هَذَا الْمَعْرُوفِ؟! فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ لَهُ مَالٌ فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ ، وَلْيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ ، وَلْيُفَكِّكْ بِهِ الْعَانِيَّ وَالْأَسِيرَ وَابْنَ السَّبِيلِ ؛ فَإِنَّ الْفَوْزَ بِهَذِهِ الْخِصَالِ مَكَارِمُ الدُّنْيَا وَشَرَفُ الْآخِرَةِ . (٢)

١- تفسير مجمع البيان : ٧ / ٢٨٠ عن معاذ ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٢٦١ .

٢- الكافي : ٣ / ٤٣١ عن أبيمخنف الأزدي ، بحار الأنوار : ٢٩ / ١٢٢ / ٤١ وراجع الأماليل للمفيد : ٦ / ١٧٦ والأمالى للطوسى : ١٩٥ / ٣٣١

والغارات : ١ / ٧٦ وتحف العقول : ١٨٥ ونهج البلاغة : الخطبه ١٤٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نابجا بخشد، اسراف کرده؛ و هر که حقی را نپردازد، تنگ گرفته است.

امام علی علیه السلام: هر کس از میان شما که مالی دارد، از فساد برحذر باشد؛ که هر آینه مال بخشیدنش اگر نابجا باشد، ریخت پاش و اسراف است و هر چند نام وی را در میان مردم فرا برمی کشد، نزد خدا فرودش می آورد. و هیچ کس نیست که مالش را نابجا و برای غیر شایستگان صرف کند، جز آن که خداوند سپاس ایشان را از وی دریغ دارد و دوستی جز او در دلشان افتد؛ و اگر هم از آنان کسی باقی ماند که او را سپاس گوید و برایش دل بسوزاند، از باب چاپلوسی و ناراستی است و اگر روزگار باژگونه شود و او به آنان محتاج شود و نیازمند جبرانشان گردد، آن گاه، فرومایه ترین دوست و بدترین یار اویند. و هیچ کس نیست که دارایی اش را نابجا و برای ناشایستگان صرف کند، جز آن که تنها بهره اش ستایش فرومایگان و سپاس بدان باشد آن هم مادام که به احسان و بخشش خویش ادامه دهد و نادان [درباره اش] بگوید: «او چه بخشنده است!» و [لی] او نزد خدا، بخیل به شمار می آید. پس چه بهره ای مرگبارتر و زیانبارتر از این بهره است؟ و کدام کار [به ظاهر] نیک، سودش کم تر از این کار است! پس هر یک از شما را مالی است، با آن به خویشاوندان پیوند رساند؛ و میهمانی نیکو ترتیب دهد؛ و رنجور و اسیر و در راه مانده را رهایی بخشد؛ که هر آینه دستیابی به این خوی ها هم در دنیا مایه کرامت است و هم در آخرت، سبب شرافت.

عنه عليه السلام: مَنْ أَعْطَى فِي غَيْرِ الْحُقُوقِ ، قَصَرَ عَنِ الْحُقُوقِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: يُعْرَفُ مَنْ يَصِفُ الْحَقَّ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: يُنْظَرُ إِلَى أَصْحَابِهِ مَنْ هُمْ؟ وَإِلَى صَلَاتِهِ كَيْفَ هِيَ؟ وَفِي أَيِّ وَقْتٍ يُصَلِّيهَا؟ فَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ نُظِرَ أَيْنَ يَضَعُ مَالَهُ؟ (٢)

٥ / ٣ / ٢ إنفاق المال في البناء فوق الكفاف الكتاب: «أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ * وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ * وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ . (٣)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ . (٤)

من لا يحضره الفقيه: [قَالَ] رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ بَنَى بُيُوتًا رِيَاءً وَسُمِعَهُ ، حَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَهُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ ، ثُمَّ تَطَوَّقَ فِي عُنُقِهِ وَيُلْقَى فِي النَّارِ ، فَلَا يَحْسِبُهُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا ، إِلَّا أَنْ يَتُوبَ . قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَسُمِعَهُ؟ قَالَ: يَبْنِي فَضْلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ؛ اسْتَطَالَهُ مِنْهُ عَلَى جِيرَانِهِ ، وَمُبَاهَاةً لِإِخْوَانِهِ . (٥)

١- غرر الحكم: ٨٥٤٩ .

٢- المحاسن: ١ / ٣٩٦ / ٨٨٥ عن ميسر بن سعيد القصير الجوهري عن رجل ، بحار الأنوار: ٦٧ / ٣٠٢ / ٣٠ .

٣- الشعراء: ١٢٨ / ١٣١ .

٤- الكافي: ٢ / ٤٨ / ٤ عن سليمان الجعفرى عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام وص ٥٣ / ١ ، معاني الأخبار: ١٨٧ / ٦ ، التوحيد: ٣٧١ / ١٢ ، المحاسن: ١ / ٣٥٤ / ٧٥٠ كلها عن عذافر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، التمهيد: ٦٢ / ١٣٧ عن سليمان بن جعفر الجعفرى عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ٦٧ / ٢٨٤ / ٧ و ص ٢٨٦ / ٨ و ج ٧١ / ١٥٣ / ٦١ .

٥- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ١١ / ٤٩٦٨ ، الأمالي للصدوق: ٥١٣ / ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال: ٣٣١ / ١ عن ابن عباس وأبي هريره نحوه ، بحار الأنوار: ٧٦ / ١٤٩ / ٤ و ص ٣٣٢ / ١ .

۵ / ۲۳ صرفِ دارایی در ساخت و سازِ بیش از نیاز

امام علی علیه السلام: هر کس نابجا بخشش کند، در ادای حقوق کوتاهی کرده است.

امام صادق علیه السلام: آن که از حق بهره دارد، با سه ویژگی شناخته می شود: به دوستانش نظر می شود که کیانند؛ به نمازش نگریسته می شود که چگونه و در چه وقت ادا می گردد؛ و اگر ثروتمند باشد، به چگونگی صرف کردن مالش نظر می شود.

۵ / ۳ - ۲ صرفِ دارایی در ساخت و سازِ بیش از نیاز قرآن: «آیا به هر جای بلندی، نشانه ای به بازی و بیهودگی بنا می کنید * و کوشک های بلند و استوار می سازید که شاید جاویدان بمانید * و چون به خشم دست می گشایید، مانند گردنکشان [بیرحمانه] دست می گشایید * پس، از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جایی را که در آن سکونت نمی یابید، بنا نکنید.

من لایحضره الفقیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من لایحضره الفقیه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ساختمانی را بسازد تا مردم بینند و بشنوند، آن ساختمان به گونه آتشی شعله ور او را از زمین هفتم برمی کشد؛ آن گاه، چون طوقی به گردنش آویخته می شود و در آتش می افتد و تنها قعرِ آن آتش زندان او خواهد بود؛ مگر آن که توبه کند. گفته شد: «ای رسول خدا! چگونه [انسان] ساختمانی را می سازد تا مردم بینند و بشنوند؟» فرمود: « ساختمانی می سازد که از نیاز او فراتر است تا بر همسایگانش فخر فرورد و به برادران [دینی] آس مباهات کند.»

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ بَنَى فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ ، كُفِّرَ أَنْ يَحْمِلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى عُنُقِهِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ بَنَى بِنَاءً أَكْثَرَ مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ ، كَانَ عَلَيْهِ وَبَالًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ كُلَّ بِنَاءٍ بُنِيَ وَبَالَ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَا لَابَدَّ مِنْهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا أَنْفَقَ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفَقَةٍ فَإِنْ خَلَفَهَا عَلَى اللَّهِ فَالَلَهُ ضَامِنٌ ، إِلَّا مَا كَانَ فِي بُنْيَانٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ هَوَانَا أَنْفَقَ مَالَهُ فِي الْبُنْيَانِ . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلَّ بِقَاعًا تُسَمَّى «الْمُنْتَقِمَاتِ» ، فَإِذَا كَسَبَ الرَّجُلُ الْمَالَ مِنْ حَرَامٍ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْمَاءَ وَالطِّينَ ، ثُمَّ لَا يُمْتَعُهُ بِهِ . (٦)

١- المعجم الكبير: ١٠ / ١٥١ / ١٠٢٨٧ عن عبد الله ، حليه الأولياء: ٨ / ٢٤٦ عن عبد الله بن مسعود نحوه ، كنز العمال: ١٥ / ٤١٤٨٦ / ٤٠٦ .

٢- شعب الإيمان: ٧ / ٣٩١ / ١٠٧١٠ عن أنس ، كنز العمال: ١٥ / ٤٠٦ / ٤١٥٨٥ .

٣- مسند أبي يعلى: ٤ / ٢٣٦ / ٤٣٣١ ، سنن أبي داود: ٤ / ٣٦٠ / ٥٢٣٧ ، الفردوس: ٣ / ٢٥٧ / ٤٧٦١ كلاهما نحوه وكلها عن أنس ، كنز العمال: ١٥ / ٤٠٥ / ٤١٥٧٦ ؛ مكارم الأخلاق: ١ / ٢٧٦ / ٨٤٤ وراجع الكافي: ٦ / ٥٣١ / ٧ والمحاسن: ٢ / ٤٤٥ / ٢٥٣٠ .

٤- المستدرک علی الصحیحین: ٢ / ٥٧ / ٢٣١١ ، السنن الكبرى: ١٠ / ٤٠٩ / ٢١١٣٢ نحوه وكلاهما عن جابر ، كنز العمال: ٦ / ٤١٤ / ١٦٣١٨ .

٥- المعجم الأوسط: ٨ / ٣٨١ / ٨٩٣٩ ، شعب الإيمان: ٧ / ٣٩٤ / ١٠٧٢٠ ، الفردوس: ١ / ٢٤٥ / ٩٥٠ كلها عن محمد بن بشير الأنصاري وزادا في آخرهما «والماء والطين» ، كنز العمال: ٣ / ٤٤٤ / ٧٣٦٥ .

٦- الفردوس: ١ / ١٨٦ / ٧٠١ عن الإمام علي عليه السلام ، كنز العمال: ١٥ / ٣٩٣ / ٤١٥٢٠ وراجع الكافي: ٦ / ٥٣٢ / ١٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که فراتر از حدّ نیازش ساختمان بنا کند، واداشته می شود که در روز قیامت، آن را بر گردن انداخته، حمل کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ساختمانی بیش از اندازه نیازش بسازد، روز قیامت بر او سنگینی خواهد کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر ساختمانی که بنا شود، روز قیامت بر دارنده اش سنگینی خواهد کرد، مگر آن چه [به آن نیاز است و] از آن گریزی نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤمن هزینه ای کند و پاداش آن را از خدای خواهد، خداوند اجر او را ضمانت می کند، مگر آن که برای ساختمان [بیرون از حدّ نیاز] یا در راه گناه باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند بخواهد بنده ای را خوار سازد، مال او را در ساختمان سازی [بیش از حدّ نیاز] مصروف گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه، خداوند را جای هایی است به نام «انتقام کشنده ها»؛ [و آن، چنین است که] هرگاه کسی مالی را از راه حرام به دست آورد، خداوند آب و گل [بتّایی] را بر او چیره می کند و سپس وی از آن بنا سودی نمی برد.

المراسيل عن عطيه بن قيس: كَانَ حُجْرَ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَرِيدِ النَّخْلِ ، فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَغزًى لَهُ ، وَكَانَتْ أُمُّ سَلَمَةَ مَوْسِرَةً ، فَجَعَلَتْ مَكَانَ الْجَرِيدِ لَبِنًا ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا هَذَا؟! قَالَتْ : أَرَدْتُ أَنْ أَكْفَّ عَنِّي أَبْصَارَ النَّاسِ ، فَقَالَ : يَا أُمَّ سَلَمَةَ ، إِنَّ شَرَّ مَا ذَهَبَ فِيهِ مَالُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْبُنْيَانُ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ بَنَى فَوْقَ مَسْكَنِهِ ، كُفِّ حَمَلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْبِنَاءَ وَالْمَاءَ وَالطِّينَ . (٤)

٥ / ٣٣ إضاعةُ المالِ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ ثَلَاثًا: قِيلَ وَقَالَ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ، وَكَثْرَةَ السُّؤَالِ . (٥)

١- المراسيل: ٢٣٧ / ٢ ، الطبقات الكبرى: ١٦٧ / ٨ عن عبد الله بن يزيد الهذلي نحوه ، كنز العمال: ١٥ / ٣٩٣ / ٤١٥٢١ وفيه ذيله فقط .

٢- الكافي: ٦ / ٥٣١ / ٧ ، المحاسن: ٢ / ٤٤٥ / ٢٥٣٠ كلاهما عن حميد الصيرفي ، مكارم الأخلاق: ١ / ٢٧٥ / ٨٤٢ ، بحار الأنوار: ٧٦ / ١٥٠ / ١٠ وص ١٥٥ / ٣٤ .

٣- المحاسن: ٢ / ٤٤٦ / ٢٥٣١ عن ابن أبي عمير عن رجل ، بحار الأنوار: ٧٦ / ١٥٠ / ١١ .

٤- الكافي: ٢ / ٥٣١ / ٦ ، الخصال: ١٥٩ / ٢٠٥ ، المحاسن: ٢ / ٤٤٥ / ٢٥٢٨ كلُّها عن هشام بن الحكم ، مكارم الأخلاق: ١ / ٢٧٦ / ٨٤٧ وفيه «سَلَطَ عَلَى الْبِنَاءِ: الْمَاءُ وَالطِّينُ»، بحار الأنوار: ٨ / ٧٦ / ١٥٠ .

٥- صحيح البخارى: ٢ / ٥٣٧ / ١٤٠٧ ، مسند ابن حنبل: ١٨١٧١ / ٣٣٠ / ٦ ، تاريخ بغداد: ٨ / ١١١ / ٤٢٣١ وفيه «إِنَّ اللَّهَ يَنْهَاكُمْ»، المعجم الكبير: ٢٠ / ٣٩٨ / ٩٤٣ نحوه وكلُّها عن المغيرة بن شعبه ، الموطأ: ٢٠ / ٩٩٠ / ٢ عن أبيهريه وفيه «وَيَسْخُطُ لَكُمْ» بدل «إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ»، كنز العمال: ١٥ / ٨٢٤ / ٤٣٢٧٥ .

۵ / ۳ / ۳ تباه کردن مال

المراسیل از عطیة بن قیس: اتاق های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از شاخه خرما بنا شده بود. در هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای نبردی بیرون شده بود، امّ سَلَمَة که فراخ دست بود، به جای شاخ خرما، اتاقش را از خشت ساخت. پیامبر [پس از بازگشت] فرمود: «این چیست؟» گفت: «خواستم از نگاه های مردم محفوظ باشم». فرمود: «ای امّ سلمه! هر آینه بدترین مصرف مال انسان مسلم، ساختمان سازی است».

امام صادق علیه السلام: هر بنایی که برای مصرف و نیاز ساخته نشود، روز قیامت، بر صاحبش سنگینی خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام: هر کس فراتر از حدّ نیاز سئکنایش، ساختمان بسازد، روز قیامت واداشته می شود که آن را بر دوش کشد.

امام صادق علیه السلام: کسی که مالی را از راه حرام به دست آورد، خداوند ساختمان سازی و آب و گل را بر او چیره می فرماید.

۵ / ۳ - ۳ تباه کردن مال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند سه چیز را بر شما نمی پسندد: بگو مگو، تباه کردن مال، درخواستِ بسیار.

عنه صلى الله عليه و آله :الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ ، وَلَا إِضَاعَةِ الْمَالِ . (١)

صحيح البخارى عن وِزَاد ، كَاتِبُ الْمَغِيرَةِ : كَتَبَ مُعَاوِيَةُ إِلَى الْمُغِيرَةِ : أُكْتُبَ إِلَيَّ مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ، فَكُتِبَ إِلَيْهِ . . . إِنَّهُ كَانَ يَنْهَى عَنِ قَيْلٍ وَقَالَ ، وَكَثَّرَهُ السُّؤَالَ ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ . وَكَانَ يَنْهَى عَنِ عُقُوقِ الْأُمَّهَاتِ ، وَوَادِ الْبَنَاتِ ، وَمَنْعِ وَهَاتِ . (٢)

الإمام الرضا عليه السلام :مِنَ الْفَسَادِ قَطْعُ الدَّرْهَمِ وَالدِّينَارِ ، وَطَرْحُ النَّوَى . (٣)

٥ / ١٤ النَّهْيُ عَنِ التَّشْبِيهِ بِالْأَجْنَبِيِّ فِي الْإِسْتِهْلَاكِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : لَا يُشْبَهُ الزُّيُّ بِالزُّيِّ حَتَّى يُشْبَهَ الْخُلُقُ بِالْخُلُقِ ؛ وَمَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام عن آبائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِِّّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ : لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي ، وَلَا يَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي ، وَلَا يُشَاكِلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي ؛ فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي . (٥)

١- .سنن الترمذى : ٤ / ٥٧١ / ٢٣٤٠ ، سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٧٣ / ٤١٠٠ كلاهما عن أبى ذرّ الغفارى ، كنز العمال : ٣ / ١٨١ / ٦٠٥٩ ؛ الكافى : ٥ / ٧٠ / ٢ ، معانى الأخبار : ٢٥١ / ٣ كلاهما عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاه الأنوار : ٢٠٦ / ٥٥٣ عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه .

٢- .صحيح البخارى : ٦ / ٢٦٥٩ / ٦٨٦٢ وج ٥ / ٢٣٧٦ / ٦١٠٨ ، صحيح مسلم : ٣ / ١٣٤١ / ١٤ ، السنن الكبرى : ٦ / ١٠٤ / ١١٣٤١ كلها نحوه وراجع مسند ابن حنبل : ٦ / ٣٣٩ / ١٨٢١٥ .

٣- .من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٧ / ٣٦٢٥ عن أبى هشام البصرى .

٤- .الفردوس : ٥ / ١٦٢ / ٧٨٢٤ وص ١٦٨ / ٧٨٤٥ كلاهما عن حذيفه .

٥- .تهذيب الأحكام : ٦ / ١٧٢ / ٣٣٢ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ١ / ٢٥٢ / ٧٧٠ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، علل الشرايع : ٦ / ٣٤٨ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفریات : ٢٣٤ ، مشكاه الأنوار : ٥٦١ / ١٨٩٨ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه .

۵ / ۴ نهی از شباهت جستن به بیگانه در شیوه مصرف

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهدورزی در دنیا، به معنای حرام کردنِ حلال و تباه کردنِ مال نیست.

صحیح البخاری از وِزاد، منشیِ مُغیره: معاویه به مغیره نوشت: «برای من سخنی بنویس که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهشنیده ای». او برایش نوشت: «... وی از این چیزها نهی می فرمود: بگومگو؛ درخواستِ بسیار؛ و تباه کردنِ مال. و نیز نهی می فرمود از کردنِ کاری که نفرین پدر و مادر را در پی داشته باشد؛ زنده به گور کردنِ دختران؛ و امر و نهی [بیجا].»

امام رضا علیه السلام: از بین بردن درهم و دینار، و دور افکندن هسته خرما، کاری است فسادآمیز.

۵ / ۴ نهی از شباهت جستن به بیگانه در شیوه مصرف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ظواهر افراد با هم یکسان نمی شود مگر آن گاه که خُلق و خوشان با یکدیگر برابر گردد؛ و هر کس به گروهی شباهت جوید، در شمار آنان محسوب می شود.

امام باقر علیه السلام از نیاکانش: خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود به قومش بگوید که همچون دشمنان خدا لباس نپوشند؛ مثل آنان خوراک نخورند؛ و به شکل ایشان درنیایند، که در این حال، همچون دشمن خدا خواهند بود.

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ ، وَيَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ . (١)

٥ / النَّهْيُ عَنِ التَّفْرِيطِ فِي الإِسْتِهْلَاكِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّا كُمْ وَلِبَاسَ الرُّهْبَانِ! فَإِنَّهُ مَنْ يَتَرَهَّبُ أَوْ يَتَشَبَّهُ بِهِمْ فَلَيْسَ مِنِّي ، وَمَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ وَحَرَّمَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَلَيْسَ مِنِّي ، وَمَنْ تَرَكَ النِّسَاءَ كَرَاهِيَةً فَلَيْسَ مِنِّي . (٢)

عوالى اللآلى : رُوِيَ فِي الْحَدِيثِ : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَلَسَ لِلنِّسَاءِ وَوَصَفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَلَمْ يَزِدْهُمْ عَلَى التَّخْوِيفِ ، فَزَقَّ النَّاسُ وَبَكُوا ، فَاجْتَمَعَ عَشْرَةٌ مِنَ الصَّحَابَةِ فِي بَيْتِ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ ، وَاتَّفَقُوا عَلَى أَنْ يَصُومُوا النَّهَارَ ، وَيَقُومُوا اللَّيْلَ ، وَلَا يَقْرُبُوا النِّسَاءَ وَلَا الطَّيْبَ ، وَيَلْبَسُوا الْمُسُوحَ ، وَيَرْفُضُوا الدُّنْيَا ، وَيَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ ، وَيَتَرَهَّبُوا ، وَيَخْضُوا الْمِذَاكِيرَ . فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَتَى مَنْزِلَ عُثْمَانَ فَلَمْ يَجِدْهُ ، فَقَالَ لِامْرَأَتِهِ : أَحَقُّ مَا بَلَغَنِي ؟ فَكَرِهَتْ أَنْ يُكَذِّبَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَنْ تَبْتَدِيَ عَلَى زَوْجِهَا ، فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنْ كَانَ أَخْبَرَكَ عُثْمَانُ فَقَدْ صَدَقَكَ ، وَانصِرَفَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَأَتَى عُثْمَانَ مَنْزِلَهُ ، فَأَخْبَرَتْهُ زَوْجَتُهُ بِذَلِكَ ، فَأَتَى هُوَ وَأَصْحَابُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ لَهُمْ : أَلَمْ أُتْبَأْ أَنَّكُمْ اتَّفَقْتُمْ؟! فَقَالُوا: مَا أَرَدْنَا إِلَّا الْخَيْرَ ، فَقَالَ : إِنِّي لَمْ أُوْمَرْ بِذَلِكَ ، ثُمَّ قَالَ : إِنَّ لِنَفْسِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا ؛ فَصُومُوا وَأَفْطَرُوا ، وَقُومُوا وَنَامُوا ؛ فَإِنِّي أَصُومُ وَأَفْطِرُ ، وَأَقُومُ وَأَنَامُ ، وَأَأْكُلُ اللَّحْمَ وَاللَّدْسَمَ ، وَأَتِي النِّسَاءَ ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي . ثُمَّ جَمَعَ النَّاسَ وَخَطَبَهُمْ وَقَالَ : مَا بَالُ قَوْمٍ حَرَّمُوا النِّسَاءَ وَالطَّيْبَ وَالنَّوْمَ وَشَهَوَاتِ الدُّنْيَا؟! وَأَمَّا أَنَا فَلَسْتُ آمُرُكُمْ أَنْ تَكُونُوا قَسِيسِينَ وَرُهْبَانًا ؛ إِنَّهُ لَيْسَ فِي دِينِي تَرْكُ اللَّحْمِ وَالنِّسَاءِ وَاتِّخَاذُ الصَّوَامِعِ ؛ إِنَّ سَيَاحَةَ أُمَّتِي فِي الصَّوْمِ ، وَرَهْبَانِيَّتِهَا الْجِهَادُ ؛ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ، وَحُجَّوْا وَعَاتَمَرُوا ، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ، وَآتُوا الزَّكَاةَ ، وَصُومُوا شَهْرَ رَمَضَانَ ، وَاسْتَقِيمُوا يَسْتَقِمَ لَكُمْ ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ بِالتَّشْدِيدِ ؛ شَدَّدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ فَشَدَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، فَأُولَئِكَ بَقَايَاهُمْ فِي الدِّيَارَاتِ وَالصَّوَامِعِ . (٣)

١- .المحاسن : ٢ / ١٧٨ / ١٥٠٤ وص ٢٢٢ / ١٦٦٩ كلاهما عن طلحة بن زيد ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٣٢٣ / ٦ .

٢- .الفردوس : ١ / ٣٨١ / ١٥٣٤ المعجم الأوسط : ٤ / ١٧٨ / ٣٩٠٩ عن أبي كريمه وليس فيه ذيله وكلاهما عن الإمام علي عليه السلام وراجع المناقب لابن شهر آشوب : ١٠٠ / ٢ .

٣- .عوالى اللآلى : ٢ / ١٤٩ / ٤١٨ وراجع تفسير مجمع البيان : ٣ / ٣٦٤ و تفسير الطبرى : ٥ / الجزء ٧ / ٩ والدر المنثور : ٣ / ١٤١

۵ / ۵ نهی از کوتاه آمدن در مصرف

امام صادق علیه السلام: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: این ائمت همواره در خیر به سر می برند، مادام که همچون عَجَم [دارای سنت های نادرست] لباس نپوشند و غذا نخورند؛ که اگر چنین کنند، خداوند به خواری دچارشان فرماید.

۵ / ۵ نهی از کوتاه آمدن در مصرف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از پوشیدن جامه راهبان پرهیزید! هر آینه هر کس رهبانیت پیشه کند یا خود را به راهبان شبیه سازد، از من نیست؛ و هر که [خوردن] گوشت را ترک گوید و آن را بر خویش حرام سازد، از من نیست؛ و هر کس از روی کراهت، [همخوابی با] زنان را ترک کند، از من نیست.

عوالی اللالی: در حدیثی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع مردم نشست و روز قیامت را برایشان وصف فرمود؛ و [لی] بر بیم دادن ایشان نیفزود. آنان را دل نازکی افتاد و گریستند. سپس ده تن از اصحاب در خانه عثمان بن مظعون گرد آمدند و قرار نهادند که روز را روزه گیرند و شب را [به عبادت] ایستند؛ به زنان نزدیک نشوند و عطر را ترک گویند؛ خرقة پشمینه بر تن کنند و دنیا را واگذارند؛ در زمین به سیاحت پردازند و رهبانیت پیش گیرند؛ و نرینگان را آخته کنند. این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید؛ پس به خانه عثمان آمد؛ او را نیافت؛ به همسرش فرمود: «آیا آنچه به من خبر رسیده، درست است؟» او هم نمی خواست که خبر پیامبر را ناراست شمارد و هم کراهت داشت که به زیان همسرش سخنی گوید. گفت: «ای رسول خدا! اگر عثمان به شما خبری داده، راست گفته است». پیامبر صلی الله علیه و آله آله باز گشت. عثمان که به خانه آمد، همسرش ماجرا را برایش بیان کرد. پس او و یارانش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند. پیامبر به ایشان گفت: «آیا قراری نهاده اید و من باخبر نشده ام؟» گفتند: «ما جز خیر نمی خواستیم». فرمود: «من [با این که پیامبرم] به این شیوه امر نشده ام!» سپس فرمود: «هر آینه وجود شما را بر شما حقی است؛ پس روزه گزاید و روزه بگشایید، [به عبادت] بایستید و [در هنگام لزوم] بخوابید؛ که من، خود، روزه می گیرم و روزه می گشایم، و [به عبادت] می ایستم و [به هنگام] می خوابم، و گوشت و چربی می خورم، و با زنان درمی آمیزم؛ پس هر که از سنت من روی بگرداند، از من نیست». سپس مردم گرد آمدند و پیامبر برای ایشان خطبه خواند و فرمود: «چه شده است گروهی را که زنان و عطر و خواب و خواستنی های دنیا را حرام شمردند؟ و اما من به شما فرمان نمی دهم که کشیش و راهب شوید. در دین من مقرر نشده که گوشت و زنان را رها کنید و به صومعه ها بخرید. زمین گردی ائمت من در روزه؛ و رهبانیتش در جهاد است. خدای را عبادت کنید و به او هیچ شرک نوزید؛ حج و عمره بگزارید؛ نماز بر پای کنید؛ زکات دهید؛ روزه ماه رمضان را به جای آورید؛ به راه راست روید تا شما را بر راه راست نگه دارد. جز این نیست که کسانی پیش از شما بر خود سخت گرفتند و از این روی، هلاک شدند؛ ایشان بر خود سخت گرفتند و خدای هم بر آنان سخت گرفت؛ و اینان [= راهبان و کشیشان] باقی مانده همانند در دیرها و صومعه ها.

الكافي عن مسعده بن صدقه: دَخَلَ سُفْيَانُ التَّوْرِيُّ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَى عَلَيْهِ ثِيَابَ بَيْضٍ كَأَنَّهَا غَرَقِيٌّ الْبَيْضُ ، فَقَالَ لَهُ : إِنَّ هَذَا اللَّبَاسَ لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكَ ! فَقَالَ لَهُ : اِسْمَعْ مِنِّي وَعِ مَا أَقُولُ لَكَ ؛ فَإِنَّهُ خَيْرٌ لَكَ عَاجِلًا وَآجِلًا إِنْ أَنْتَ مُتَّ عَلَى السُّنَّةِ وَالْحَقِّ وَلَمْ تَمُتْ عَلَى بَدْعِهِ ، أُخْبِرُكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي زَمَانٍ مُقْفِرٍ حَرِيْبٍ ، فَأَمَّا إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا فَاحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا لَا- فُجَارُهَا ، وَمُؤْمِنُهَا لَا مُنَافِقُهَا وَمُسْلِمُهَا لَا كُفَّارُهَا ، فَمَا أَنْكَرْتَ يَا تَوْرِيُّ فَوَاللَّهِ إِنْ لَمَعَ مَا تَرَى ، مَا أَتَى عَلَيَّ مُيَذَّعَةً صَبَاحٌ وَلَا- مَسَاءً وَلِلَّهِ فِي مَالِي حَقٌّ أَمَرَنِي أَنْ أَضَعَهُ مَوْضِعًا إِلَّا- وَضَعْتُهُ . قَالَ : فَأَتَاهُ قَوْمٌ مِمَّنْ يُظْهِرُونَ الزُّهْدَ وَيَدْعُونَ النَّاسَ أَنْ يَكُونُوا مَعَهُمْ عَلَى مِثْلِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ مِنَ التَّقَشُّفِ ، فَقَالُوا لَهُ : إِنَّ صَاحِبَنَا حَصِرَ رَعْنٍ كَلَامِكَ وَلَمْ تَحْضُرْهُ حُجَّجُهُ . فَقَالَ لَهُمْ : فَهَاتُوا حُجَجَكُمْ . فَقَالُوا لَهُ : إِنَّ حُجَجَنَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ . فَقَالَ لَهُمْ : فَأَدْلُوا بِهَا ، فَإِنَّهَا أَحَقُّ مَا أُتْبِعَ وَعَمِلَ بِهِ . فَقَالُوا : يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُخْبِرًا عَنْ قَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : « وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (١) » ، فَمَدَحَ فِعْلَهُمْ ، وَقَالَ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ : « وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا (٢) » ، فَحَنَنْ نَكْتَفَى بِهَذَا ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْجُلَسَاءِ : إِنَّا رَأَيْنَاكُمْ تَزْهَيْدُونَ فِي الْأَطْعِمَةِ الطَّيِّبَةِ وَمَعَ ذَلِكَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْخُرُوجِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى تَمْتَعُوا أَنْتُمْ مِنْهَا ! فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : دَعَا عَنْكُمْ مَا لَا تَتَفَعَّلُونَ بِهِ ، أُخْبِرُونِي أَيُّهَا النَّفَرُ أَلَمْ يَنْسَخِ الْقُرْآنُ مِنْ مَنْسُوخِهِ وَمُحْكَمِهِ مِنْ مُتَشَابِهِهِ الَّذِي فِي مِثْلِهِ ضَلَّ مَنْ ضَلَّ وَهَلَكَ مَنْ هَلَكَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ ؟ فَقَالُوا لَهُ : أَوْ بَعْضُهُ ، فَأَمَّا كُلُّهُ فَلَا ، فَقَالَ لَهُمْ : فَمِنْ هُنَا أُتَيْتُمْ . وَكَذَلِكَ أَحَادِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . فَأَمَّا مَا ذَكَرْتُمْ مِنْ إخبارِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَانَا فِي كِتَابِهِ عَنِ الْقَوْمِ الَّذِينَ أُخْبِرَ عَنْهُمْ بِحُسْنِ فِعَالِهِمْ فَقَدْ كَانَ مُبَاحًا جَائِزًا وَلَمْ يَكُنُوا نَهَوًا عَنْهُ ، وَثَوَابُهُمْ مِنْهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ؛ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَتَقَدَّسَ أَمْرًا بِخِلَافِ مَا عَمِلُوا بِهِ ، فَصَارَ أَمْرُهُ نَاسِخًا لِفِعْلِهِمْ ، وَكَانَ نَهْيُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَحْمَةً مِنْهُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَنَظْرًا ؛ لِكَيْ لَا- يَضُرُّوا بِأَنْفُسِهِمْ وَعِيَالَتِهِمْ ، مِنْهُمْ الضَّعْفَةُ الصَّغَارُ وَالْوَالِدَانُ وَالشَّيْخُ الْفَانِي وَالْعَجُوزُ الْكَبِيرَةُ الَّذِينَ لَا- يَصْبِرُونَ عَلَى الْجُوعِ ، فَإِنْ تَصَيَّدَتْ بَرِغِيْفِي وَلَا- رَغِيْفِي لِي غَيْرُهُ ضَاعُوا وَهَلَكُوا جُوعًا ؛ فَمِنْ ثَمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَمْسُ تَمْرَاتٍ أَوْ خَمْسُ قُرْصِ أَوْ دَنَانِيرٍ أَوْ دَرَاهِمٍ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُمِضِيَهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهُ الْإِنْسَانُ عَلَى الْوَالِدِيَّةِ ، ثُمَّ الثَّانِيَةَ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ ، ثُمَّ الثَّلَاثَةَ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءِ ، ثُمَّ الرَّابِعَةَ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءِ ، ثُمَّ الْخَامِسَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَهُوَ أَحْسَنُهَا أَجْرًا . وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْأَنْصَارِيِّ حِينَ أَعْتَقَ عِنْدَ مَوْتِهِ خَمْسَةَ أَوْ سِتَّةَ مِنَ الرَّقِيقِ وَلَمْ يَكُنْ يَمْلِكُكَ غَيْرُهُمْ وَلَهُ أَوْلَادٌ صَغَارٌ : لَوْ أَعْلَمْتُمْونِيَا مَرَّةً مَا تَرَ كُتْمُكَ تَدْفِنُونَهُ (٣) مَعَ الْمُسْلِمِينَ يَتْرُكُ صَبِيَّةً صَغَارًا يَتَّكِفُونَ النَّاسَ ! ثُمَّ قَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : اِبْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ ؛ الْأَدْنَى فَلِأَدْنَى . ثُمَّ هَذَا مَا نَطَقَ بِهِ الْكِتَابُ رَدًّا لِقَوْلِكَ وَنَهَى عَنْهُ مَفْرُوضًا مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ، قَالَ : « وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (٤) » ، أَفَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ غَيْرَ مَا أَرَأَيْتُمْ تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَثَرِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَسَمِيَّ مَنْ فَعَلَ مَا تَدْعُونَ النَّاسَ إِلَيْهِ مُسْرِفًا؟! وَفِي غَيْرِ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يَقُولُ : « إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ، (٥) » فَنَهَاهُمْ عَنِ الْإِسْرَافِ ، وَنَهَاهُمْ عَنِ التَّقْتِيرِ ، وَلَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ ؛ لَا- يُعْطَى جَمِيعَ مَا عِنْدَهُ ثُمَّ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ فَلَا- يَسْتَجِيبُ لَهُ ؛ لِلْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : « إِنَّ أَصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ : رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى الْوَالِدِيَّةِ ، وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى غَرِيمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمَالٍ فَلَمْ يَكْتُبْ عَلَيْهِ وَلَمْ يُشْهِدْ عَلَيْهِ ، وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَخْلِيَةَ سَبِيلِهَا بِيَدِهِ ، وَرَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَيَقُولُ : رَبِّ ارْزُقْنِي ، وَلَا- يَخْرُجْ وَلَا- يَطْلُبُ الرِّزْقَ ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ : عَبْدِي ! أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَالضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحَةٍ؟! فَتَكُونُ قَدْ أَعْدَرْتَ فِي مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فِي الطَّلَبِ لِاتِّبَاعِ أَمْرِي ، وَلِكَيْ لَا تَكُونَ كَلًّا عَلَى أَهْلِكَ ،

فَإِنْ شِئْتَ رَزَقْتُكَ وَإِنْ شِئْتُ قَطَّرْتُ عَلَيْكَ ، وَأَنْتَ غَيْرُ مَعذُورٍ عِنْدِي . وَرَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَأَنْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُو : يَا رَبِّ ارزُقني ، فَيَقُولُ اللَّهُ عز و جل : أَلَمْ أَرْزُقْكَ رِزْقًا وَاسِعًا؟! فَهَلَّا أَقْتَصَيْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ؟! وَلَمْ تُسْرِفْ وَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ؟! وَرَجُلٌ يَدْعُو فِي قَطِيعِهِ رَحِمًا . ثُمَّ عَلَّمَ اللَّهُ عز و جل نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَيْفَ يُنْفِقُ ؛ وَذَلِكَ أَنَّهُ كَانَتْ عِنْدَهُ أَوْقِيَّةٌ مِنَ الذَّهَبِ ، فَكَّرَهُ أَنْ يَبِيْتُ عِنْدَهُ فَتَصَدَّقَ بِهَا ، فَأَصْبَحَ وَلَيْسَ عِنْدَهُ شَيْءٌ ، وَجَاءَهُ مَنْ يَسْأَلُهُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ ، فَلَامَهُ السَّائِلُ ، وَاعْتَمَّ هُوَ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ مَا يُعْطِيهِ ، وَكَانَ رَحِيمًا رَقِيقًا ، فَأَدَّبَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِهِ فَقَالَ : « وَلا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ وَلا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِيطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا (٤) » ؛ يَقُولُ : إِنَّ النَّاسَ قَدْ يَسْأَلُونَكَ وَلا يَعْزُرُونَكَ ، فَإِذَا أُعْطِيَتْ جَمِيعُ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْمَالِ كُنْتَ قَدْ حُسِرْتَ مِنَ الْمَالِ . فَهَذِهِ أَحَادِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَيِّدُ قَهَا الْكِتَابُ ، وَالْكِتَابُ يُصَيِّدُ قَهُ أَهْلُهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ عِنْدَ مَوْتِهِ حَيْثُ قِيلَ لَهُ : أَوْصِ ، فَقَالَ : أَوْصِي بِالْخُمْسِ وَالْخُمْسُ كَثِيرٌ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ رَضِيَ بِالْخُمْسِ فَأَوْصِي بِالْخُمْسِ ، وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عز و جل لَهُ الثُّلُثَ عِنْدَ مَوْتِهِ ، وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ الثُّلُثَ خَيْرٌ لَهُ أَوْصَى بِهِ . ثُمَّ مَنْ قَدْ عَلِمْتُمْ بَعْدَهُ فِي فَضْلِهِ وَزُهْدِهِ ؛ سَيِّلِمَانُ وَأَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فَأَمَّا سَيِّلِمَانُ فَكَانَ إِذَا أَخَذَ عَطَاءَهُ رَفَعَ مِنْهُ قُوَّةَ لِسَانِهِ حَتَّى يَحْضُرَ عَطَاؤُهُ مِنْ قَابِلٍ ، فَقِيلَ لَهُ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، أَنْتَ فِي زُهْدِكَ تَصْنَعُ هَذَا وَأَنْتَ لا تَدْرِي لَعَلَّكَ تَمُوتُ الْيَوْمَ أَوْ غَدًا! فَكَانَ جَوَابُهُ أَنْ قَالَ : مَا لَكُمْ لا تَرْجُونَ لِي الْبَقَاءَ كَمَا حَفْتُمْ عَلَيَّ الْفَنَاءَ؟! أَمَا عَلِمْتُمْ يَا جَهْلَةَ! أَنَّ النَّفْسَ قَدْ تَلْتَأَتْ عَلَى صَاحِبِهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا مِنَ الْعَيْشِ مَا يُعْتَمِدُ عَلَيْهِ فَإِذَا هِيَ أَحْرَزَتْ مَعِيشَتَهَا اطْمَأَنَّتْ؟! وَأَمَّا أَبُو ذَرٍّ فَكَانَتْ لَهُ نُوَيْقَاتٌ وَشُويْهَاتٌ يَحْلُبُهَا ، وَيَذِيحُ مِنْهَا إِذَا اشْتَهَى أَهْلُهُ اللَّحْمَ أَوْ نَزَلَ بِهِ ضَيْفٌ أَوْ رَأَى بِأَهْلِ الْمَاءِ الَّذِينَ هُمْ مَعَهُ خِصَاصَةً ؛ نَحَرَ لَهُمُ الْجَزُورَ أَوْ مِنَ الشِّيَاءِ عَلَى قَدْرِ مَا يَذْهَبُ عَنْهُمْ بِقَرَمِ اللَّحْمِ ، فَيَقْسِمُهُ بَيْنَهُمْ ، وَيَأْخُذُ هُوَ كَنْصِيبٍ وَاحِدٍ مِنْهُمْ لا يَتَفَضَّلُ عَلَيْهِمْ . وَمَنْ أَزْهَدُ مِنْ هُوَلاءِ وَقَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا قَالَ؟! وَلَمْ يَبْلُغْ مِنْ أَمْرِهِمَا أَنْ صَارَا لا يَمْلِكَانِ شَيْئًا الْبَتَّةَ كَمَا تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْفَنَاءِ أَمْتَعْتِهِمْ وَشَيَّعْتَهُمْ وَيُؤَثِّرُونَ بِهِ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَعِيَالَتِهِمْ . وَعَلِمُوا أَيُّهَا النَّفَرُ أَنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَرُوي عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَإِنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ ، وَكُلُّ مَا يَصْنَعُ اللَّهُ عز و جل بِهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ! فَلَيْتَ شِعْرِي! هَلْ يَحِيقُ فِيكُمْ مَا قَدْ شَرَحْتُ لَكُمْ مُنْذُ الْيَوْمِ أَمْ أَزِيدُكُمْ؟! أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ عز و جل قَدْ قَرَضَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي أَوَّلِ الْأَمْرِ أَنْ يُقَاتِلَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ عَشْرَةَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يُؤَلَّى وَجْهَهُ عَنْهُمْ ، وَمَنْ وَلاَهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرُهُ فَقَدْ تَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ ، ثُمَّ حَوْلَهُمْ عَنْ حَالِهِمْ رَحْمَةً مِنْهُ لَهُمْ ، فَصَارَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ عَلَيْهِ أَنْ يُقَاتِلَ رَجُلَيْنِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ تَخْفِيفًا مِنَ اللَّهِ عز و جل لِلْمُؤْمِنِينَ ، فَنَسَخَ الرَّجُلَانِ الْعَشْرَةَ؟! وَأَخْبِرُونِي أَيْضًا عَنِ الْقُضَاءِ أَوْ جَوْرَةٍ هُمْ حَيْثُ يَقْضُونَ عَلَى الرَّجُلِ مِنْكُمْ نَفَقَةَ امْرَأَتِهِ إِذَا قَالَ : إِنِّي زَاهِدٌ وَإِنِّي لا شَيْءَ لِي؟! فَإِنْ قُلْتُمْ : جَوْرَةٌ ظَلَمْتُمْ أَهْلَ الْإِسْلَامِ ، وَإِنْ قُلْتُمْ : بَلْ عُدُولٌ خَصَيْتُمْ أَنْفُسَكُمْ ، وَحَيْثُ تَرْدُونَ صِدْقَهُ مَنْ تَصَدَّقَ عَلَى الْمَسَاكِينِ عِنْدَ الْمَوْتِ بِأَكْثَرِ مِنَ الثُّلُثِ . أَخْبِرُونِي لَوْ كَانَ النَّاسُ كُلُّهُمْ كَالَّذِينَ تُرِيدُونَ زُهَادًا لا حَاجَةَ لَهُمْ فِي مَتَاعِ غَيْرِهِمْ ، فَعَلَى مَنْ كَانَ يُتَصَدَّقُ بِكِفَارَاتِ الْإِيمَانِ وَالنُّذُورِ وَالصَّدَقَاتِ مِنْ فَرَضِ الزَّكَاةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالتَّمْرِ وَالتَّرْبِيبِ وَسَائِرِ مَا وَجَبَ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْإِبِلِ وَالتَّبَقْرِ وَالغَنَمِ وَغَيْرِ ذَلِكَ؟! إِذَا كَانَ الْأَمْرُ كَمَا تَقُولُونَ : لا يَتَّبَعِي لِأَخِيذٍ أَنْ يَحْبَسَ شَيْئًا مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا إِلَّا قَدَّمَهُ وَإِنْ كَانَ بِهِ خِصَاصَةٌ فَبِسْمَا ذَهَبْتُمْ إِلَيْهِ وَحَمَلْتُمْ النَّاسَ عَلَيْهِ! مِنَ الْجَهْلِ بِكِتَابِ اللَّهِ عز و جل وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحَادِيثِهِ الَّتِي يُصَيِّدُ قَهَا الْكِتَابُ الْمُنْزَلُ ، وَرَدَّدْتُكُمْ إِيَّاهَا بِجَهَالَتِكُمْ ، وَتَرَكْتُكُمْ النَّظَرَ فِي غَرَائِبِ الْقُرْآنِ ؛ مِنَ التَّفْسِيرِ بِالنَّاسِخِ مِنَ الْمَنْسُوخِ ، وَالْمُحْكَمِ وَالتَّمْثَابِهِ ، وَالْأَمْرِ وَالتَّنْهِي . وَأَخْبِرُونِي أَيْنَ أَنْتُمْ عَنْ سَيِّلِمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ سَأَلَ اللَّهُ مُلْكًا لا يَتَّبَعِي لِأَخِيذٍ مِنْ بَعْدِهِ؟! فَأَعْطَاهُ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ ذَلِكَ ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَمْ نَجِدِ اللَّهَ عز و جل عَبَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ وَلاَ أَحَدًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَدَاوُدَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَهُ فِي مُلْكِهِ وَشِدَّةِ سُلْطَانِهِ؟! ثُمَّ يَوْسُفَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ قَالَ

لِمَلِكٍ مِصْرَ: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمَ»؟! (٧) فَكَانَ مِنْ أَمْرِ الَّذِي كَانَ أَنْ اخْتَارَ مَمْلَكَةَ الْمَلِكِ وَمَا حَوْلَهَا إِلَى الْيَمَنِ ، وَكَانُوا يَمْتَارُونَ الطَّعَامَ مِنْ عِنْدِهِ لِمَجَاعِهِ أَصَابَتْهُمْ ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، فَلَمْ نَجِدْ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ ، ثُمَّ ذُو الْقَرْنَيْنِ عَبْدًا أَحَبَّ اللَّهُ فَأَحَبَّهُ اللَّهُ ، وَطَوَى لَهُ الْأَسْبَابَ ، وَمَلَكَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ، وَكَانَ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ ، ثُمَّ لَمْ نَجِدْ أَحَدًا عَابَ ذَلِكَ عَلَيْهِ . فَتَأَدَّبُوا أَيُّهَا النَّفَرُ بِآدَابِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ لِلْمُؤْمِنِينَ ، وَاقْتَصَرُوا عَلَى أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ ، وَدَعَا عَنْكُمْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ مِمَّا لَا عِلْمَ لَكُمْ بِهِ ، وَرُدُّوا الْعِلْمَ إِلَى أَهْلِهِ تَوَجَّرُوا وَتُعَذَّرُوا عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَوْنُوا فِي طَلَبِ عِلْمٍ نَاسِخِ الْقُرْآنِ مِنْ مَنْسُوخِهِ ، وَمُحَكِّمِهِ مِنْ مُتَشَابِهِهِ ، وَمَا أَحْيَلَّ اللَّهُ فِيهِ مِمَّا حَرَّمَ ؛ فَإِنَّهُ أَقْرَبُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ ، وَأَبْعَدُ لَكُمْ مِنَ الْجَهْلِ ؛ وَدَعُوا الْجِهَالَهَ لِأَهْلِهَا ؛ فَإِنَّ أَهْلَ الْجَهْلِ كَثِيرٌ ، وَأَهْلَ الْعِلْمِ قَلِيلٌ ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عِزِّ وَجَلِّ : «وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (٨) . (٩)»

١- الحشر : ٩ .

٢- الإنسان : ٨ .

٣- فى الكافى : «تدفنوه» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما فى تحف العقول .

٤- الفرقان : ٦٧ .

٥- الأنعام : ١٤١ والأعراف : ٣١ .

٦- الإسراء : ٢٩ .

٧- يوسف : ٥٥ .

٨- يوسف : ٧٦ .

٩- الكافى : ٥ / ٦٥ / ١ ، تحف العقول : ٣٤٨ وفيه «جشِب» بدل «جدب» و«خسرت» بدل «حسرت» ، بحار الأنوار : ٧٠ / ١٢٢ /

الکافی از مسعده بن صدقه: سفیان ثوری نزد امام صادق علیه السلام درآمد و بر اندام او جامه ای سپید دید همچون پوسته نازکی بر سپیده تخم مرغ. پس به وی گفت: «حقاً که این جامه، برازنده تو نیست!» امام به او فرمود: «از من بشنو و آن چه تو را گویم، دریاب؛ که آن، خیر دنیا و آخرت را در بر دارد، اگر بر سَنَتِ [پیامبر] و آیین حق میری و نه بر روشی خود نهاده! آگهی ات می دهم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمانه فقر و قحطی به سر می برد؛ اما آن گاه که [نعمت] دنیا روی آورد؛ شایسته ترین مردم برای استفاده از آن، نیکانند نه بدان؛ مؤمنانند نه منافقان؛ مسلمانانند کافران. و نه امرا درباره [پوشیدن] این [جامه] که تو را خوش نیفتاد: ای ثوری! به خدا سوگند، مرا که در این حال می بینی، از آن گاه که توان تشخیص یافته ام، هیچ صبح و شبی نیامده که خدای را در مالم حقی باشد و مرا امر فرموده باشد که آن حق را ادا کنم، و ادا نکرده باشم». [راوی] گفت: سپس گروهی از زاهدانمیان و فراخوانندگان مردم به شیوه پارسایانه خویش، نزد امام صادق علیه السلام آمدند و به وی گفتند: «دوست ما [= سفیان ثوری] از پاسخ تو در ماند و جوابی آماده نیافت». امام به ایشان فرمود: «پس شما دلیل هاتان را بیاورید!» گفتند: «دلیل های ما برگرفته از کتاب خدا است». فرمود: «پس آن ها را بیاورید؛ که [اگر از کتاب خدا باشد] بیش تر شایسته پیروی و عمل کردن است». گفتند: «خدای تبارک و تعالی درباره برخی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «و [برادران مسلمانان را] بر خویشتن برمی گزینند، هر چند که خود بدان نیازمند باشند؛ و هر که از بخل و آز خویش نگاه داشته شود، ایشانند رستگاران». پس خداوند کار ایشان را ستوده است. و در جایی دیگر فرموده: «و خوراک را با آن که دوست می دارند [و به آن نیازمندند] به بینوا و یتیم و اسیر می خورانند». ما به همین مقدار بسنده می کنیم». یکی از حاضران گفت: «ما می بینیم که شما از خوراک های پاک روی برمی گردانید و با این حال، به مردم فرمان می دهید که از اموال خود دست کشند تا شما، خود، از آن بهره برید!». امام صادق علیه السلام فرمود: «چیزی را که برایتان سودی ندارد، واگذارید! ای گروه! مرا آگاه کنید، آیا شما را در شناخت ناسخ از منسوخ و محکم از متشابه قرآن، دانشی است؛ همان که در مثل آن، گروهی از این امت به گمراهی و هلاکت دچار گشتند؟» او را گفتند: «برخی را می دانیم؛ اما همه را نه!» فرمود: «از همین جا [به این وادی] پیش کشیده شده اید! درباره سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم چنین است. و امرا این که گفتید خداوند در کتاب خویش، ما را از گروهی خبر داده و کار نیکوی ایشان را ستوده؛ [بدانید که] آن کار [برای ایشان] مباح و روا بوده و از آن نهی نشده بوده اند و پاداش آنان بر خداوند است؛ اما خدای بزرگ است و مقدس [بعدا] فرمانی داد که با آن چه ایشان کردند، ناسازگار است؛ پس فرمان وی، کار ایشان را کنار زد؛ و این نهی خداوند رحمت و عنایت او برای مؤمنان بود تا مبادا به خویشتن و خانواده هایشان آسیب رسانند، از جمله ناتوانان خردسال و کودکان و پیر [ان] که کهنسال و سالخورده که گرسنگی را طاقت نمی آورند؛ و اگر من نان خود را صدقه دهم و جز آن، نانی نداشته باشم، ایشان از گرسنگی تباه و هلاک گردند. از همین روی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر انسان پنج دانه خرما یا پنج قرص نان یا دینار یا درهم داشته باشد و بخواهد آن ها را به مصرف رساند، بهترین آن، انفاق به پدر و مادر، دوم خود و خانواده اش، سوم خویشاوندان فقیر، چهارم همسایگان مسکین، و پنجم [مصارف دیگر] در راه خدا است؛ و این [پنجمین] از همه کم پاداش تر است. و پیامبر خدا درباره یکی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش غلام را آزاد کرده بود و کودکانی خردسال داشت و مال دیگری به جای نهاده بود، فرمود: اگر وضع او را به من خبر داده بودید، رخصتشان نمی دادم که وی را در کنار مسلمانان دفن کنید؛ کودکانی خردسال را رها می کند تا دست نیاز پیش مردم دراز

کنند!» سپس امام فرمود: «پدرم برایم روایت فرمود که پیامبر خدا فرموده است: [انفاق را] از خانواده خود، به ترتیبِ نزدیکی شان، آغاز کن. نیز این سخن خداوند، ردّ گفته شما و نهی است از جانب خدای عزّتمند حکیم که پذیرش آن واجب است: «و آنان که چون هزینه کنند، نه اسراف ورزند و نه تنگ گیرند؛ و میان این دو به راه اعتدال باشند». آیا نمی نگرید که خداوند تبارک و تعالی چیزی فرموده که با آن چه می بینم شما مردم را به سوی آن فرا می خوانید، یعنی ترجیح دادن دیگران بر خودشان، ناسازگار است و کسی را که به شیوه شما رفتار کند، اسراف کار خوانده است؟ و همو در چندین آیه از کتاب خویش، می فرماید: هر آینه او اسراف کاران را دوست نمی دارد. پس خدای آن ها را هم از اسراف و هم از تنگ گرفتن نهی فرموده و راهی میانه را خواسته، به گونه ای که انسان همه آن چه را دارد نبخشد و سپس از خدا طلب روزی کند، که در این حال، خداوند دعایش را نمی پذیرد، بنا به سخنی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است: دعای چند دسته از اتمم پذیرفته نمی شود: مردی که برای پدر و مادرش بد بخواهد؛ مردی که برای ناکامیابی طلبکاری دعا کند که مالی نزد او نهاده و نه از او رسید ستانده و نه شاهد گرفته؛ مردی که به زیان همسرش دعا کند، حال آن که خداوند خلاصی آن همسر را در دست او قرار داده؛ و مردی که در خانه اش می نشیند و می گوید: پروردگرم! مرا روزی بخش؛ و خود بیرون نمی رود و روزی نمی جوید؛ پس خداوند به وی فرماید: بنده ام! آیا راه روزی جُستن و تکاپو در زمین با اعضای سالم را برای تو نگشوده ام تا میان من و خودت، برای روزی جستن به فرمان من عذر پذیرفته باشی و سربار خانواده خود نشوی؛ پس اگر می خواستم روزی ات می دادم و اگر می خواستم بر تو تنگ می گرفتم، در حالی که نزد من عذر پذیرفته نبودی. [و دیگر کسی که دعایش پذیرفته نمی شود] مردی است که خداوند به او مال بسیار عطا فرموده باشد و او همه را انفاق کند و سپس به دعا روی آورده، بگوید: پروردگرم! مرا روزی ده! پس خداوند به وی فرماید: آیا روزی فراخی به تو نداده بودم؛ پس چرا چنان که فرمانت دادم، در مصرف آن میانه روی نکردی؛ چرا اسراف ورزیدی، حال آن که تو را از اسراف بازداشته بودم؟ [و دیگر] مردی است که برای بریدن پیوند خویشاوندی دعا کند. دیگر آن که، خداوند به پیامبرش آموخته که چگونه انفاق کند؛ و آن، چنین بود که مقداری طلا نزد وی بود و او کراهت داشت که با آن، شب را به سر بُرد؛ پس آن همه را صدقه داد. صبحگاهان که هیچ نداشت، نیازخواهی نزد وی آمد و از او چیزی خواست، او چیزی نداشت که ببخشد. نیازخواه وی را سرزنش کرد و پیامبر که دلسوز و مهرورز بود، از بی چیزی خود غمگین شد؛ سپس خدای تعالی پیامبرش را با این فرمان ادب آموخت: «و دست خویش به گردنت میند [بخل و امساک نوز] و آن را یکسره مگشای [= هر چه داری، به گراف و زیاده روی مده] که نکوهیده و درمانده بنشین» [و بدین سان] می فرماید: مردم گاه از تو چیزی می خواهند و عذرت را نمی پذیرند؛ پس اگر همه مالی را که داری ببخشی خود را از مال محروم می سازی. این سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که قرآن آن را راست می شمرد؛ و قرآن را هم مؤمنان پیرو آن راست می شمردند. به هنگام مرگ ابوبکر به وی گفته شد: «[بخشی از مالت را برای انفاق] وصیت کن!». وی گفت: «به یک پنجم مالم وصیت می کنم؛ و آن، بسیار است». خدای تعالی از یک پنجم خشنود بود؛ پس ابوبکر به همان مقدار وصیت کرد، حال آن که خداوند به او رخصت داده بود که تا یک سوم وصیت کند؛ و اگر وی بر این باور بود که یک سوم برای وی بهتر است، به همان وصیت می کرد. از آن پس، از کسانی که به فضل و زهدشان آگاهید، سلمان و ابوذر هستند خدای از هر دو خشنود باد!؛ و اما سلمان، هر گاه سهم خویش را از بیت المال می گرفت، به مقدار خوراک یک سال از آن برمی داشت تا نوبت بعد دریافت سهمش فرا رسد. به او گفته شد: ای ابو عبدالله! با این که اهل زهدی چنین می کنی، در حالی که نمی دانی شاید امروز بمیری یا فردا؟ پاسخ او این بود: چرا همان گونه که از مرگ من بیم دارید، به زنده ماندنم امیدوار نیستید؟ ای نادانان! آیا

نمی دانید جان آدمی هر گاه روزی قابل اعتمادی نیابد، بر صاحب خویش کندی می کند و هر گاه به معیشت خود دست یابد، آرام می گیرد؟ و امّا ابودر، شتران و گوسفندان کوچکی داشت که شیرشان را می دوشید و هر گاه خانواده اش هوس گوشت می کردند یا مهمانی برایش درمی رسید یا پیرامونیان آن آبگاه را که با وی همراه بودند، نیازمند می دید، از آن ها برایشان ذبح می کرد؛ از شتران یا گوسفندان به قدری که میل گوشت خوردن ایشان را برطرف کند، سر می برید و میانشان تقسیم می کرد و خود هم بهره ای همانند آن ها و نه بیش تر، برمی داشت. و از آنان که پیامبر چنان تعبیری را درباره ایشان به کار برده، زاهدتر کیست؟ و هرگز کار آن دو به جایی نرسید که هیچ چیز نداشته باشند همان سان که شما مردم را فرمان می دهید که از مال و دارایی خویش یکسره دست کشند و خود و خانواده شان را نیازمند نهاده، همه مالشان را ببخشند. ای جماعت! بدانید؛ از پدرم شنیدم که از نیاکانش روایت می فرمود: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شگفتی ام از هیچ چیز به اندازه شگفتی ام از مؤمن نیست؛ اگر در خانه دنیا پیکرش قطعه قطعه شود، برایش خیر است و اگر از مشرق تا مغرب زمین را هم مالک شود، باز برای او خیر است؛ و هر چه خداوند با وی روا دارد، برایش خیر است. نمی دانم آیا آن چه امروز برایتان بیان کردم، در شما اثر کرده است یا باز هم بگویمتان! آیا نمی دانید در آغاز، خداوند بر مؤمنان واجب فرمود که اگر یک تن از ایشان با ده تن از مشرکان روبه رو شد، با آنان بجنگد و روا نیست که از ایشان روی بگرداند و هر کس در آن حال بگریزد، نشیمن گاهش در آتش است؛ امّا سپس بر ایشان مهر ورزید و وضع را دگرگون فرمود، بدین گونه که هر مؤمن باید با دو مشرک رویارو می شد؛ این، آسان گیری از جانب خدا برای مؤمنان بود و بدین ترتیب، دو نفر به جای ده نفر نشست. و نیز مرا آگه کنید که آیا قاضیان ظالمند، آن گاه که بر مردی از شما حکم می کنند که نفقه همسرش را بپردازد و او می گوید: من زاهد هستم و چیزی ندارم؟ اگر بگویند ظالمند، مسلمانان خود شما را ظالم می شمردند؛ و اگر بگویند عادلند، به زیان خود سخن گفته اید. و [نیز چنین است] آن گاه که باطل می شمردید صدقه بیش از یک سوم مال کسی را که به هنگام مرگ، وصیت کرده تا مالش به فقیران داده شود. مرا آگه کنید: اگر همه مردم آن گونه که شما می خواهید زاهد باشند و نیازی به مال دیگران نداشته باشند، آن گاه کفّاره های سوگند شکنی، نذر، صدقه ها، و زکات واجب طلا و نقره و خرما و کشمش و موارد واجب دیگر همچون شتر و گاو و گوسفند و جز آن ها، به که باید پرداخت گردد؟ اگر حال چنان است که شما می گویند هیچ کس را روا نیست که از مال دنیا چیزی فراهم کند مگر آن که انفاق ورزد، هر چند به آن نیازمند باشد پس به بد راهی رفته اید و مردم را هم به آن کشانده اید؛ زیرا به کتاب خدا و سنت پیامبرش و احادیثی که قرآن آن را تأیید می کند، نادانید و با نادانی خویش آن ها را کنار زده اید و عنایت به جنبه های دقیق قرآن را رها کرده اید، همچون دریافت ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و امر و نهی آن. و آگهی ام دهید چه حکم می کنید درباره سلیمان بن داوود علیه السلام، آن گاه که از خداوند حکومتی خواست که هیچ کس پس از وی را روا نباشد؟ پس خداوند بزرگ باد نامش آن را به وی عطا فرمود، در حالی که وی به حق زبان می گشود و به آن عمل می کرد؛ و ندیده ایم که خداوند یا یکی از مؤمنان، این را بر وی عیب شمرده باشد؟ و [نیز چه می گویند درباره] داوود علیه السلام که پیش از او، حکومت می کرد و قدرتی بسیار داشت؟ و سپس یوسف پیامبر علیه السلام که به پادشاه مصر گفت: «مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار؛ که نگاهبان و دانایم»؟ و کار او به جایی کشید که کشورداری آن سرزمین تا یمن را پذیرفت و از آن جا، مواد غذایی را به سرزمین های قحطی زده می بردند؛ و او [هم] حق می گفت و به حق عمل می کرد؛ و هیچ کس را ندیده ایم که این را بر او عیب بگیرد. از آن پس، ذو القرنین بنده ای بود که خدا را دوست داشت و خدا هم به او دوستی می ورزید و زمینه ها [ی قدرت] را برایش گسترده و حکومت شرق و غرب زمین را به او داد و او [نیز] حق می گفت و به حق

عمل می کرد؛ و کس را نیافته ایم که این را بر او عیب شمارَد . پس ای جماعت! چنان که خداوند مؤمنان را آموخته ، ادب پذیرید و و از امر و نهی خدا در نگذیرید و آن چه را بدان علم ندارید و بر شما مشتبه شده ، واگذارید و علم را به اهل آن بسپارید تا پاداش یابید و نزد خداوند تبارک و تعالی پذیرفته عذر باشید ؛ و در پی آن برآید که ناسخ از منسوخ ، محکم از متشابه ، و حلال از حرام را در قرآن بشناسید ؛ که این شیوه شما را به خدا بیش تر نزدیک می کند و از نادانی دورتر می سازد ؛ و نادانی را به اهلش وانهد ، که اهل نادانی بسیارند و اهل دانایی کم شمارند ؛ و خداوند فرموده است: «و بالای هر دانایی ، دانشوری هست» .

ص: ٤١٢

..

ص: ٤١٣

..

ص: ٤١٥

..

ص: ٤١٧

..

ص: ٤١٨

..

ص: ٤٢١

..

٥ / ٦ شَرُّ الْأَمْوَالِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا لَمْ يُغْنِ عَن صَاحِبِهِ . (١)

١- غرر الحکم : ٥٦٨٢ .

۵ / ۶ بدترین مالامام علی علیه السلام: بدترین مال آن است که صاحبش را بی نیازی نبخشد .

عنه عليه السلام: شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا أُكْسِبَ الْمَذَامَ . (١)

عنه عليه السلام: شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا لَمْ يُخْرَجْ مِنْهُ حَقُّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ . (٢)

عنه عليه السلام: شَرُّ الْمَالِ مَا لَمْ يُنْفَقْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْهُ ، وَلَمْ تُؤَدَّ زَكَاتُهُ . (٣)

١- .غرر الحكم : ٥٦٧٣ .

٢- .غرر الحكم : ٥٧١٠ .

٣- .غرر الحكم : ٥٦٨٣ .

۵ / ۶ بدترین مال

امام علی علیه السلام: بدترین مال آن است که سرزنش در پی داشته باشد .

امام علی علیه السلام: بدترین مال آن است که حقّ خدای سبحان ، از آن بیرون نشده باشد .

امام علی علیه السلام: بدترین مال آن است که چیزی از آن ، در راه خدا انفاق نشود و زکاتش پرداخت نگردد .

الفصل السادس: الدولة ٦ / ١١ الحُكُومَةُ الصَّالِحَةُ وَالنَّيْمِيُّهُرُ سَولُ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَاعَةً مِنْ إِمَامٍ عَدِلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادِهِ سَبْعِينَ سَنَةً ، وَحَدُّ يُقَامُ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ أَفْضَلُ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : يَوْمٌ مِنْ إِمَامٍ عَادِلٍ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادِهِ سِتِّينَ سَنَةً ، وَحَدُّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ بِحَقِّهِ أَزْكَى مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ يَوْمًا . (٢)

بحار الأنوار: الأَمْرُ وَالنَّهْيُ وَجَهٌ وَاحِدٌ ؛ لَا يَكُونُ مَعْنَى مِنَ مَعَانِي الْأَمْرِ إِلَّا وَيَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ نَهْيًا ، وَلَا يَكُونُ وَجَهٌ مِنْ وَجُوهِ النَّهْيِ إِلَّا وَمَقْرُونٌ بِهِ الْأَمْرُ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (٣)» إِلَى آخِرِ آيَةٍ فَأَخْبَرَ سُبْحَانَهُ أَنَّ الْعِبَادَ لَا- يَحْيُونَ إِلَّا بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ ، كَقَوْلِهِ تَعَالَى : «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (٤)» . وَمِثْلُهُ قَوْلُهُ تَعَالَى : «ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٥)» ؛ فَالْخَيْرُ هُوَ سَبَبُ الْبَقَاءِ وَالْحَيَاةِ . وَفِي هَذَا أَوْضَحَ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ لَا يَبْدَأُ لِلْأَمْرِ مِنْ إِمَامٍ يَقُومُ بِأَمْرِهِمْ ، فَيَأْمُرُهُمْ وَيَنْهَاهُمْ ، وَيُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ ، وَيُجَاهِدُ الْعُدُوَّ ، وَيَقْسِمُ الْغَنَائِمَ ، وَيَفْرِضُ الْفَرَائِضَ ، وَيُعَرِّفُهُمْ أَبْوَابَ مَا فِيهِ صَيِّحَاتُهُمْ ، وَيُحَذِّرُهُمْ مَا فِيهِ مَضَارُّهُمْ ؛ إِذْ كَانَ الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ أَحَدَ أَسْبَابِ بَقَاءِ الْخَلْقِ ، وَإِلَّا سَقَطَتِ الرَّغْبَةُ وَالرَّهْبَةُ ، وَلَمْ يُرْتَدَعْ ، وَلَفْسَدَ التَّدْبِيرُ ، وَكَانَ ذَلِكَ سَبَبًا لِهَلَاكِ الْعِبَادِ فِي أَمْرِ الْبَقَاءِ وَالْحَيَاةِ ؛ فِي الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ ، وَالْمَسَاكِينِ وَالْمَلَابِسِ ، وَالْمَنَاحِكِ مِنَ النِّسَاءِ ، وَالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ، وَالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ ؛ إِذْ كَانَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْهُمْ بِحَيْثُ يَسْتَعْنُونَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ ، وَوَجَدْنَا أَوَّلَ الْمَخْلُوقِينَ وَهُوَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَتِمَّ لَهُ الْبَقَاءُ وَالْحَيَاةُ إِلَّا بِالْأَمْرِ وَالنَّهْيِ . (٦)

١- الكافي : ٧ / ١٧٥ / ٨ عن حفص بن عون رفعه ، وراجع ص ١٧٤ / ٣١ .

٢- السنن الكبرى : ٨ / ٢٨١ / ١٦٦٤٩ ، المعجم الكبير : ١١ / ٢٦٧ / ١١٩٣٢ ، المعجم الأوسط : ٥ / ٩٢ / ٤٧٦٥ ، كنز العمال : ٦ /

١٢ / ١٤٦٢٤٤ عن ابن عباس ؛ مستدرک الوسائل : ١٨ / ٩ / ١٠ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

٣- الأنفال : ٢٤ .

٤- البقره : ١٧٩ .

٥- الحجّ : ٧٧ .

٦- بحار الأنوار : ٩٣ / ٤٠ نقلًا عن رساله في أصناف آيات القرآن وأنواعها وتفسير بعض آياتها .

۶ / ۱ حکومت شایسته و توسعه

فصل ششم: دولت ۶ / ۱ حکومت شایسته و توسعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک ساعت حکمرانی پیشوای عدالت پیشه، از عبادت هفتاد سال برتر است؛ و حدی که برای خدا در زمین جاری گردد، [برکتش] از بارندگیِ چهل روز افزون تر است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک روز حکمرانی پیشوای عادل، از عبادت شصت سال برتر است و حدی که به حق در زمین جاری گردد، از باران چهل روز پُرخیرتر است.

بحار الأنوار: امر و نهی، دو روی یک سکه اند؛ هیچ یک از معانی امر نیست، جز این که آن سویس نهی است؛ و هیچ یکی از وجوه نهی نیست، جز این که با امری همراه است. خدای تعالی فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدای پیامبر را پاسخ دهید، هنگامی که شما را به چیزی خوانند که زنده تان می سازد...» و بدین سان، به بندگانش آگهی داده که جز با امر و نهی زنده نمی شوند؛ همانند [دیگر] سخن خدای تعالی: «و برای شما، ای خردمندان، در قصاص، زندگانی است». و همچون آن است، سخن خدای تعالی: «رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار نیکو کنید؛ باشد که کامیاب شوید»؛ یعنی نیکوکاری، سبب پایداری و زندگی است. و در این، آشکارترین دلیل است بر این که هراقتی را امامی باید تا کار ایشان را عهده دار شود؛ به امر و نهی آنان پردازد؛ در میانشان حدود را جاری سازد؛ با دشمن به جهاد برخیزد؛ غنیمت ها را تقسیم کند؛ و وظایف واجب را تعیین نماید؛ دریچه های صلاح را به روی مردم بگشاید؛ و آنان را از مایه های زیانشان بیم بخشد. این از آن رو است که امر و نهی از زمینه های پایداری مردم هستند؛ و گرنه، امید و بیم از میان می رود و هیچ کس از هیچ کار بازداشته نمی شود و اندیشه ورزی به تباهی می گراید؛ و این سبب می شود که پایداری و زندگانی بندگان خلل یابد، خواه در خوراک و آشامیدنی و مسکن و پوشاک و ازدواج، و خواه در حلال و حرام و امر و نهی؛ چرا که خداوند سبحان بندگان را به گونه ای نیافریده که از این همه بی نیاز باشند. و دیده ایم که نخستین آفریده، یعنی آدم علیه السلام، پایداری و زندگانی اش جز با امر و نهی سامان نپذیرفت.

الإمام على عليه السلام في حُطْبَتِهِ بِصِفَيْنِ : ثُمَّ جَعَلَ مِنْ حُقُوقِهِ حُقُوقًا فَرَضَهَا لِبَعْضِ النَّاسِ عَلَى بَعْضٍ ، فَجَعَلَهَا تَتَكَافَأُ فِي وُجُوهِهَا ، وَيُوجِبُ بَعْضُهَا بَعْضًا ، وَلَا- يُسْتَوْجِبُ بَعْضُهَا إِلَّا- بِبَعْضٍ ، فَأَعْظَمَ مِمَّا افْتَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي ، فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ ، فَجَعَلَهَا نِظَامَ الْقَتَنِ ، وَعِزًّا لِتَدِينِهِمْ ، وَقَوَامًا لِسِيَرَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ؛ فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ ، وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ ؛ فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَأَدَّى إِلَيْهَا الْوَالِي كَذَلِكَ ، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ ، فَقَامَتِ مَنَاهِجُ الدِّينِ ، وَاعْتَدِلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ ، وَجَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ ، فَصَلِحَ بِعَدْلِكَ الزَّمَانُ ، وَطَابَ بِهِ الْعَيْشُ ، وَطُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ ، وَبَيَّسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ ؛ وَإِذَا غَلَبَتِ الرَّعِيَّةُ وَالْيَهُمُ وَعَلَا الْوَالِي الرَّعِيَّةَ ، اخْتَلَفَتْ هُنَالِكَ الْكَلِمَةُ ، وَظَهَرَتْ مَطَامِعُ الْجَوْرِ ، وَكَثُرَ الْإِدْغَالُ فِي الدِّينِ ، وَتُرِكَتْ مَعَالِمُ السُّنَنِ ، فَعَمِلَ بِالْهَوَى ، (١) وَعُطِّلَتِ الْآثَارُ ، وَكَثُرَتْ عَمَلُ النُّفُوسِ ، وَلَا- يُسْتَوْحَشُ لِجَسِيمِ حَيْدٍ عَطَّلَ ، وَلَا- لِعَظِيمِ بَاطِلٍ أُثِّلَ ؛ فَهُنَالِكَ تَذَلُّ الْأَبْرَارُ ، وَتَعِزُّ الْأَشْرَارُ ، وَتَحْرَبُ الْبِلَادُ ، وَتَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ الْعِبَادِ . (٢)

١- كذا في المصدر ، ولعلها تصحيف «بالهوى» كما جاءت في سائر المصادر أو تصحيف «بالأهواء» : جمع «الهوى» .

٢- الكافي : ٨ / ٣٥٣ / ٥٥٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه : الخطبه ٢١٦ ، بحار الأنوار : ٢٧ / ٢٥١ / ١٤ و ج ٤١ / ١٥٢ / ٤٦ و ج ٧٧ / ٣٥٥ / ٣٢ .

امام علی علیه السلام در خطبه خویش در [جنگ] صفین : آن گاه ، خداوند از حقوق خویش ، برخی را برای بعضی از مردم بر بعض دیگر واجب فرمود و آن حقوق را به گونه ای قرار داد که برخی ، پاداش دیگری باشند ، بعضی موجب یکدیگر گردند ، و بعضی جز با بعضی دیگر وجوب نیابند . بزرگ ترین حقی که خداوند تبارک و تعالی از جمله آن حقوق واجب گردانیده ، حق حکمران بر مردم و حق مردم بر حکمران است ؛ و این ، وظیفه ای است که خداوند برای هر یک از آن ها بر دیگری قرار داده و زمینه ساز الفت و دوستی و ارجمندی دینشان و پایداری سنت های حق در میان ایشان قرار داده است . پس مردم صلاح نپذیرند ، مگر آن که حکمرانان به سامان آیند ؛ و حکمرانان صلاح نیابند ؛ جز آن که مردم راست و درست باشند . و آن گاه که مردم حق حاکم را ادا کنند و حاکم نیز حق مردم را بگذارد ، حق در میانشان عزت یابد و آیین های دین استوار گردد و نشانه های عدل برقرار شود و سنت ها [ای پیامبر صلی الله علیه و آله] در راه خود افتد ؛ و بدین سان ، روزگار سامان گیرد و زندگی نیکو شود و امید به پایداری حکومت افزون گردد و دشمنان از خواست های خویش مأیوس شوند . و [لی] هر گاه مردم بر حکمران خود چیره شوند و حکمران بر مردم برتری خواهد ، میانشان اختلاف عقیده پدید آید و انگیزه های ستم در آنان ظهور یابد و تباہکاری در دین افزون شود و نشانه های سنت ها [ای پیامبر صلی الله علیه و آله] فراموش گردد و به هوا و هوس کار شود و آثار [دین] کنار نهاده شود و بیماری های جان ها افزون گردد و از تعطیل شدن حدّ مهم و جریان یافتن باطل بزرگ بیمی به دل راه داده نشود . این جا است که نیکان خوار ، بدان سرافراز ، سرزمین ها ویران ، و بازخواست های خداوند از بندگان بسیار گردد .

عنه عليه السلام فى وَصْفِ مَعِيشَةِ النَّاسِ فى أَيَّامِ خِلَافَتِهِ : ما أَصْبَحَ بِالكُوفَةِ أَحَدٌ إِلا ناعِما ؛ إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنزِلَةٌ لِيَأْكُلَ مِنَ البُرِّ ، وَيَجْلِسُ فى الظِّلِّ ، وَيَشْرَبُ مِنَ ماءِ الفُرَاتِ . (١)

الإمام الحسن عليه السلام فى احتِجاجِهِ على مَنْ أنكَرَ عَلَيْهِ مُصالِحَةَ مُعاوِيَةَ وَنَسَبَهُ إِلى التَّقْصِيرِ فى طَلَبِ حَقِّهِ : فَأَقْسِمُ بِاللَّهِ ، لو أَنَّ النَّاسَ بايَعونى وَأطاعونى وَنَصَّيرونى ، لأَعْطَتَهُمُ السَّماءُ فَطَرَّها وَالأَرْضُ بَرَكَتَها . . . وَقَد قالَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : ما وَلَّتْ أُمَّةٌ أَمْرَها رَجُلًا قَطُّ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ إِلا لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ يَذْهَبُ سَفالًا حَتَّى يَرْجِعوا إِلى مِلَّةِ عَبدِهِ العِجْلِ . (٢)

١- فضائل الصحابة لابن حنبل : ١ / ٥٣١ / ٨٨٣ عن عبد الله بن سخره ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ٢ / ٩٩ ، بحار الأنوار : ٤٠ / ٩ / ٣٢٧ .

٢- الاحتجاج : ٢ / ٦٦ / ١٥٦ ، العدد القويّه : ٥١ / ٦٢ كلاهما عن سليم بن قيس ، بحار الأنوار : ٤٤ / ٢٢ / ٦ وراجع الأمالى للطوسى : ٥٦٠ / ١١٧٣ و ٥٦٦ / ١١٧٤ .

امام علی علیه السلام در بیان وضع معیشت مردم در روزگار پیشوایی وی: در کوفه کسی نمانده جز آن که از نعمت برخوردار است؛ فروجایگاه ترین مردم نان گندم می خورد، زیر سایبان مسکن دارد، و از آب فرات می نوشد.

امام حسن علیه السلام در دلیل آوری اش بر کسی که صلح وی با معاویه را نکوهید و او را متهم کرد که در طلب حق خویش کوتاهی ورزیده است: پس به خدا سوگند می خورم که اگر مردم با من بیعت می کردند و پیروی و یاری ام می نمودند، آسمان، بارانش، و زمین، برکتش را به ایشان عطا می کرد... و به راستی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «هیچ امتی نیست که حکمرانی خویش را به کسی بسپارد که داناتر از او در میان ایشان هست، مگر آن که کارشان پیوسته رو به پستی می نهد تا آن که به کیشِ گوساله پرستان بازگردند».

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن الفضل بن شاذان عن الإمام الرضا عليه السلام: إن قال [قائل]: فلم يجعل [الله عز وجل] أولى الأمر وأمر بطاعتهم؟ قيل: لعل كثيره، منها: أن الخلق لما وقفوا على حِدِّ محدودٍ وأمروا أن لا يتعدوا ذلك الحد لما فيه من فسادهم، لم يكن يثبت ذلك ولا يقوم إلا بأن يجعل عليهم فيه أمينا يمنعهم من التعدى والدخول في ما حظر عليهم؛ لأنه لو لم يكن ذلك لكان أحد لا يترك لذته ومنفعته لفساد غيره، فجعل عليهم قيما يمنعهم من الفساد، ويقيم فيهم الحيدود والأحكام. ومنها: أننا لا نجد فرقة من الفرق ولا ملّة من الملل بقوا وعاشوا إلا بقيم ورئيس، ولما لا بيد لهم منه في أمر الدين والدنيا، فلم يجر في حكمه الحكيم أن يترك الخلق مِمّا يعلم أنه لا بيد له منه، ولا قوام لهم إلا به؛ فيقاتلون به عِدوهم، ويقسمون فيهم، ويقيم لهم جمهم وجماعتهم، ويمنع ظالمهم من مظلومهم. ومنها: أنه لو لم يجعل لهم إماما قيما أمينا حافظا مستودعا لدرست الملّة، وذهب الدين، وغيّرت السنن والأحكام، ولزاد فيه المبتدعون، ونقص منه الملحدون وشبهوا ذلك على المسلمين؛ لأننا وجدنا الخلق منقوصين محتاجين غير كاملين مع اختلافهم واختلاف أهوائهم وتشتت أنحائهم، فلو لم يجعل لهم قيما حافظا لما جاء به الرسول صلى الله عليه وآله لهدوا على نحو ما بينا، وغيّرت الشرائع والسنن والأحكام والإيمان، وكان في ذلك فساد الخلق أجمعين. (١)

١- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢/١٠٠/١، علل الشرايع: ٢٥٣/٩، بحار الأنوار: ١/٦٠/١، وج ٢/٣٢/٢٣.

عیون اخبار الرضا علیه السلام از فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام: اگر کسی بگوید که چرا خداوند فرمانروایان را تعیین فرموده و [مردم را] به اطاعت از ایشان فراخوانده، جواب گفته شود که به دلیل های بسیار؛ یکی این که: چون آفریدگان بر مرزی معین ایستاده شده و فرمان یافته اند که از آن مرز درنگذرند و اگر بگذرند، تباهی ایشان در آن خواهد بود این غرض حاصل و این امر برقرار نمی شود مگر آن که خداوند فردی امین را بر آنان بگمارد تا از تجاوز و پای نهادن به منطقه ممنوع، بازشان دارد؛ که اگر چنین نشود، هست کسی که لذت و بهره خویش به بهای آسیب رساندن به دیگری را رها نمی کند؛ پس خداوند آن فرد را بر آفریدگان گمارد تا از تباهگری بازشان دارد و حدها و حکم ها [ی خدا] را در میانشان جاری سازد. و دیگر آن که: از گروه ها و ملت هایی که پایداری و زندگانی داشته اند، هیچ یک را نمی یابیم که کار گزار و پیشوایی نداشته باشد. از آن جا که گردش امور دین و دنیای ایشان ناگزیر از وجود چنین کسی است، حکمت [خداوند] حکیم را نشاید که آفریدگان را بدون پیشوارها کند، حال آن که می داند از داشتن پیشوا ناگزیرند و کارشان جز به او سامان نیابد؛ با حضور او است که با دشمن خویش می جنگند و غنایم را میان خود تقسیم می کنند؛ و او است که ایشان را گرد هم فراهم می آورد و رخصت نمی دهد که ظالمی به مظلومی ستم کند. و دیگر این که: اگر خداوند پیشوایی سرپرست، امانت پیشه، نگاهبان، و مورد اعتماد را بر آفریدگان نگمارد، نشان آیین رخت برمی بندد؛ دین از میان می رود؛ سنت ها و حکم ها دگرگون می شوند و بدعت گذاران در دین می افزایند و الحادپیشگان از آن می کاهند و آن را نزد مسلمانان دیگرگونه جلوه می دهند؛ که ما آفریدگان را ناقص، نیازمند، و تکامل نیافته دیده ایم، که در همین حال، دچار اختلاف و ناهمگونی خواست ها و تفاوت گونه ها نیز هستیم. پس اگر خداوند سرپرستی نگاهبان آیین پیامبر صلی الله علیه و آله بر ایشان نگمارده چنان که شرح کردیم به فساد درخواهند افتاد و آیین های دین و سنت ها و حکم ها و [اصل] ایمان دگرگون می شود و بدین سان، همه آفریدگان دچار فساد می گردند.

٦ / ٢ جَوْرُ الْحَاكِمِ وَالتَّخْلُفُ لِلْإِمَامِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ الْعُمَرَانُ حَيْثُ يَجُورُ السُّلْطَانُ . (١)

عنه عليه السلام: آفَةُ الْعُمَرَانِ جَوْرُ السُّلْطَانِ . (٢)

عنه عليه السلام: الظُّلْمُ بَوَارُ الرَّعِيَّةِ . (٣)

عنه عليه السلام في كتابه لِلْأَشْتَرِ لَمَّا وُلِّاهُ عَلَى مِصْرَ: وَلَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامِهِ عَلَى ظُلْمٍ؛ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ، وَهُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام في قضاء جائرٍ: في مثلِ هَذَا الْقَضَاءِ وَشِبْهِهِ تَحْسِبُ السَّمَاءُ مَاءَهَا، وَتَمْنَعُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا . (٥)

عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ تُكَدِّرُ الْعَيْشَ: السُّلْطَانُ الْجَائِرُ، وَالْجَارُ السَّوْءُ، وَالْمَرْأَةُ الْبَدِيَّةُ . (٦)

١- غرر الحكم : ١٠٧٩١ .

٢- غرر الحكم : ٣٩٥٤ .

٣- غرر الحكم : ٨٠٧ .

٤- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ١٢٨ وليس فيه «الله وتعجيل نقمته»، بحار الأنوار: ١/٧٤٤/٣٣/٦٠.

٥- الكافي : ٥ / ٢٩١ / ٦ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٢١٥ / ٩٤٣ ، الاستبصار : ٣ / ١٣٤ / ٤٨٣ كلُّها عن أبي ولاد الحنَّاط ، بحار الأنوار : ٤٧ / ٣٧٦ / ٩٨ .

٦- تحف العقول : ٣٢٠ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٢٣٤ / ٤٥ .

۶ / ۲ ستم حکمران و عقب ماندگی اقتصادی

۶ / ۲ ستم حکمران و عقب ماندگی اقتصادی امام علی علیه السلام: آن گاه که حکمران ستم ورزد ، آبادانی پدید نخواهد آمد .

امام علی علیه السلام: آفت آبادانی ، ستم حکمران است .

امام علی علیه السلام: ستم مایه نابودی مردم است .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر ، آن گاه که وی را به کارگزاری مصر گماشت : هیچ چیز بیش از ستمگری ، مایه دگرگون شدن نعمت خدا و شتاب گرفتن عذاب وی نیست ؛ که همانا خداوند شنوای خواهش ستمدیدگان و در کمین ستمگران است .

امام صادق علیه السلام درباره داوری ستمگر : در حالی که این گونه داوری و امثال آن صورت پذیرد ، آسمان بارش خویش را دربند می کشد و زمین برکتش را دریغ می دارد .

امام صادق علیه السلام: سه چیز گذران زندگی را به تیرگی دچار می کند : حکمران ستمگر ، همسایه بد ، و زن دشنام گوی بی شرم .

٦ / ١٣ الإستينار بالفىء والتخلف الكتاب: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَهُ بَيْنَ الْأَغْبِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مِيَآءَاتِكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مِيَآءَ نَهْكُمْ عَنْهُ فَأَتَتْهُوَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ . (١)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنِّي لَعَنْتُ سَبْعَةَ لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ قَبْلِي . فَقِيلَ : وَمَنْ هُمْ ؟ فَقَالَ : . . . الْمُسْتَأْثِرُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ بِفَيْئِهِمْ مُسْتَحِلًّا لَهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : خَمْسَةٌ لَعْنَتْهُمْ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ : الرَّائِدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ ، وَ التَّيَارِكُ لِسُنَّتِي ، وَ الْمَكْذِبُ بِقَدْرِ اللَّهِ ، وَ الْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِرَّتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ ، وَ الْمُسْتَأْثِرُ بِالْفَيْءِ (وَ) الْمُسْتَحِلُّ لَهُ . (٣)

الإمام على عليه السلام : أَمَا إِنَّكُمْ سَيَتَلَقُونَ بَعْدِي ذُلًّا شَامِلًا ، وَ سَيْفًا قَاتِلًا ، وَ أَثْرَةً قَبِيحَةً يَتَّخِذُهَا الظَّالِمُونَ عَلَيْكُمْ حُجَّةً ؛ تَبْكِي عُيُونُكُمْ ، وَ يَدْخُلُ الْفَقْرُ عَلَيْكُمْ فِي بُيُوتِكُمْ . (٤)

١- الحشر : ٧ .

٢- الخصال : ٣٤٩ / ٢٤ ، المحاسن : ١ / ٧٤ / ٣٣ وليس فيه «قبلى» و كلاهما عن عبد المؤمن الأنصارى عن الإمام الصادق عليه السلام ، مسند زيد : ٤٠٣ عن زيد بن على عن أبيه عن جدّه عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ٥ / ٨٨ / ٥ .

٣- الكافي : ٢ / ٢٩٣ / ١٤ عن ميسر عن أبيه عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : ٣٣٨ / ٤١ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام زين العابدين عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، بحار الأنوار : ٧٢ / ١١٦ / ١٤ ؛ المستدرک على الصحيحين : ٢ / ٥٧٢ / ٣٩٤٠ عن عبد الله بن موهب عن على بن الحسين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، المعجم الكبير : ١٧ / ٤٣ / ٨٩ عن عمرو بن شعواء الياعى و كلاهما نحوه ، كنز العمال : ١٦ / ٨٧ / ٤٤٠٣٢ و ص ٩٠ / ٤٤٠٣٨ .

٤- شرح الأخبار : ٢ / ٧٤ / ٤٤١ عن الدغشى بإسناده ، دعائم الإسلام : ١ / ٣٩١ وليس فيه «وسيفا قاتلاً» ، المناقب لابن شهر آشوب : ٢ / ٢٧٢ ، المسترشد : ٦٧٢ / ٣٤٢ وليس فيهما ذيله ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٣٣٨ / ٢٦ ؛ تاريخ دمشق : ١ / ٣٢١ نحوه ، كنز العمال : ١١ / ٣٥٥ / ٣١٧٢٦ كلاهما عن خباب بن عبد الله .

۶ / ۳ بهره وری شخصی از غنایم [و اموال عمومی و] عقب ماندگی اقتصادی

۶ / ۳ بهره وری شخصی از غنایم و اموال عمومی و عقب ماندگی اقتصادی قرآن: «آن چه خدا از [مال و زمین] مردم آبادی ها به پیامبرش باز گردانید، از آن خداوند و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان [از خاندان پیامبر] است تا میان توانگران دستگردان نباشد. و آن چه را پیامبر به شما داد، بگیریید و از آن چه شما را بازداشت، بایستید و از خدا پروا کنید؛ که خدا سخت کیفر است.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «من هفت تن را نفرین کرده ام که خدای و هر پیامبری پذیرفته دعای پیش از من، آن هفت تن را نفرین کرده اند.» گفته شد: «آن ها کیانند؟» فرمود: «... و کسی که اموال عمومی مسلمانان را برای خود حلال شمرده، از آن بهره وری شخصی کند.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج تن هستند که من و هر پیامبر پذیرفته دعا، آنان را نفرین کرده ایم: هر که به کتاب خدا چیزی بیفزاید؛ آن که سنت مرا واگذارد؛ کسی که تقدیر خداوندی را ناراست بشمرد؛ هر که از خاندان من که حرام خدای را حلال داند؛ و آن کس که اموال عمومی را برای خویش حلال دانسته، از آن بهره وری شخصی کند.

امام علی علیه السلام: هلا که پس از من، به خواری فراگیر، شمشیر کشنده، و بهره وری زشت ظالمانه از اموال شما، آن هم با استدلال، به گونه ای که چشمانتان به اشک افتد و فقر در خانه های شما بر شما بشورد.

عنه عليه السلام في كتابه لِلأَشْتَرِ لَمَّا وُلَّاهُ عَلَى مِصْرَ : إِنَّمَا يُؤْتَى خَرَابُ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَازِ أَهْلِهَا ، وَإِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلُهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاهِ عَلَى الْجَمْعِ ، وَسُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ ، وَقَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ . (١)

عنه عليه السلام في الحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : الْإِسْتِثْنَاءُ يُوجِبُ الْحَسِيدَ ، وَالْحَسِيدُ يُوجِبُ الْبَغْضَةَ ، وَالْبَغْضَةُ تُوْجِبُ الْإِخْتِلَافَ ، وَالْإِخْتِلَافُ يُوجِبُ الْفُرْقَةَ ، وَالْفُرْقَةُ تُوْجِبُ الضَّعْفَ ، وَالضَّعْفُ يُوجِبُ الدُّلَّ ، وَالدُّلُّ يُوجِبُ زَوَالَ الدَّوْلَةِ وَذَهَابَ النُّعْمَةِ . (٢)

عنه عليه السلام في كتابه لِلأَشْتَرِ لَمَّا وُلَّاهُ عَلَى مِصْرَ : ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبِطَانَةً ، فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ ، وَقَلَّةٌ إِنْصَافٍ فِي مُعَامَلِهِ ، فَاحْسِمِ مَادَّةَ أَوْلِيكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ . وَلَا تُقْطِعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِيَتِكَ وَحَامَتِكَ قَطِيعَةً ، وَلَا يَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِي اعْتِقَادِ عَقْدِهِ تَضَرُّرٌ بِمَنْ يَلِيهَا مِنَ النَّاسِ ؛ فِي شَرِبٍ أَوْ عَمَلٍ مُشْتَرِكٍ يَحْمِلُونَ مَوْوَتَّهُ عَلَى غَيْرِهِمْ ، فَيَكُونُ مَهْنَأً ذَلِكَ لَهُمْ دُونَكَ ، وَعَيْبُهُ عَلَيْكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٣)

١- نهج البلاغه : الكتاب ٥٣ ، تحف العقول : ١٣٨ وفيه «الإسراف الولاة» بدل «الإشراف أنفس الولاة على الجمع» ، دعائم الإسلام : ١ / ٣٦٣ نحوه ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٥٤ / ١ .

٢- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٤٥ / ٩٦١ .

٣- نهج البلاغه : الكتاب ٥٣ ، تحف العقول : ١٤٤ نحوه ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٦١ / ١ .

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، آن گاه که وی را به کارگزاری مصر گماشت: جز این نیست که مایه نابودی زمین، تنگدستی کشاورزان است؛ و تنگدستی ایشان به سبب آن است که حکمرانان تنها به گردآوری مال می اندیشند و به پایداری [حکومت] خود بدگمانند و از عبرت ها کم بهره می گیرند.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: انحصار طلبی، حسد برمی انگیزد؛ حسد دشمنی را سبب می شود؛ دشمنی مایه اختلاف است؛ اختلاف زمینه ساز پراکندگی است؛ پراکندگی ناتوانی در پی دارد؛ ناتوانی موجب خواری است؛ و خواری سبب نابودی حکومت و از میان رفتن نعمت است.

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، آن گاه که وی را به کارگزاری مصر گماشت: پس آن گاه [بدان که] حکمران را خواص و پیرامونیانی هستند که همه چیز را برای خود می خواهند، چپاول کنند، و در رفتار [با مردم] کم انصاف می ورزند. ریشه اینان را با از میان بردن زمینه این کارها، قطع کن. به هیچ یک از پیرامونیان و خویشاوندانت زمینی [از اموال عمومی] واگذار مکن؛ مبادا در تو طمع برزند که قرار دادی [به سودشان] بسته شود که به همسایگانیشان زیان رسد، خواه در آبیاری و خواه در کاری مشترک، به گونه ای که هزینه آن را بر عهده دیگران اندازند؛ که در این صورت، گوارایی از آن ایشان است نه تو و ننگ آن در دنیا و آخرت از آن تو است.

٤ / ٦ المَوَارِدُ المَالِيَّةُ وَالتَّنْمِيهَا لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ لِلأَشْتَرِ لَمَّا وُلَّاهُ عَلَى مِصْرَ : وَتَفَقَّدَ أَمْرَ الخِرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ ، فَإِنَّ فِي صَلاَحِهِ وَصَلاَحِهِمْ صَلاَحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ ، وَلا صَلاَحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلاَّ بِهِمْ ، لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الخِرَاجِ وَأَهْلِهِ . (١)

عنه عليه السلام في كتابه للأشتر لما وُلَّاهُ عَلَى مِصْرَ : وَلِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الخِرَاجِ ؛ لِأَنَّ ذَلِكَ لا- يُدْرِكُ إِلاَّ بِالعِمَارَةِ ؛ وَمَنْ طَلَبَ الخِرَاجَ بِغَيْرِ عِمَارَةٍ أَحْرَبَ البِلَادَ ، وَأَهْلَكَ العِبَادَ ، وَلَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلاَّ قَلِيلًا . فَإِنْ شَكُوا نَقْلًا- أَوْ عِلَّةً ، أَوْ انْقِطَاعَ شَرِبٍ أَوْ بِأَلِّهِ ، أَوْ إِحَالَةَ أَرْضٍ إِغْتَمَرَهَا عَرَقٌ ، أَوْ أَجْحَفَ بِهَا عَطَشٌ ، خَفَّفْتَ عَنْهُمْ بِمَا تَرَجَو أَنْ يَصْلِحَ بِهِ أَمْرُهُمْ . وَلا- يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ المِثْوُونَهِ عَنْهُمْ ؛ فَإِنَّهُ دُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ فِي عِمَارَةِ بِلَادِكَ ، وَتَزْيِينِ وَلايَتِكَ ، مَعَ اسْتِجْلَابِكَ حُسْنَ ثَنَائِهِمْ ، وَتَبْجِيحِكَ بِاسْتِفاضَةِ العَدْلِ فِيهِمْ ، مُعْتَمِدًا فَضْلَ قُوَّتِهِمْ بِمَا ذَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ لَهُمْ ، وَالثَّقَةِ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ وَرَفِقِكَ بِهِمْ ، فَرُبَّمَا حَدَثَ مِنَ الأُمُورِ ما إِذا عَوَّلْتَ فِيهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ احْتِمَالِهِ طَيِّبَةً أَنفُسِهِمْ بِهِ ؛ فَإِنَّ العُمُرَانَ مُحْتَمِلٌ ما حَمَلْتَهُ ، وَإِنَّمَا يُوتَى خَرَابُ الأَرْضِ مِنْ إِعْوازِ أَهْلِهَا ، وَإِنَّمَا يُعْوزُ أَهْلُهَا لِإِشْرَافِ أَنفُسِ الوُلاهِ عَلَى الجَمْعِ ، وَسُوءِ ظَنِّهِمْ بِالبَقَاءِ ، وَقِلَّةِ انْتِفاعِهِمْ بِالعَبْرِ . (٢)

١- نهج البلاغه : الكتاب ٥٣ .

٢- نهج البلاغه : الكتاب ٥٣ .

۶ / ۴ راه های تأمین درآمد؛ و توسعه

۶ / ۴ راه های تأمین درآمد؛ و توسعه امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، آن گاه که وی را به کارگزاری مصر گماشت: در کار خراج (۱) نیکو بنگر، به گونه ای که به مصلحت خراج دهندگان باشد؛ زیرا سامان یافتن کار خراج و خراج دهندگان، به مصلحت دیگران نیز هست و دیگران سامان نیابند مگر به سامان یافتن حال خراج دهندگان؛ چرا که همه مردم نان خور خراج و خراج دهندگان هستند.

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، آن گاه که وی را به کارگزاری مصر گماشت: باید بیش از آن که به گردآوری خراج بیندیشی، در اندیشه آبادسازی زمین باشی؛ زیرا خراج گرد نیاید مگر به آبادانی. و هر کس خراج خواهد بدون آن که در پی آبادانی باشد، مملکت را ویران می کند و بندگان را هلاک می سازد و کارش، مگر اندکی، راست نمی گردد. پس اگر مردم از سنگینی خراج یا آفت محصول یا قطع شدن آب یا خشکسالی یا دگرگون شدن زمین بر اثر آب گرفتگی یا تشنگی خاک، نزدت شکایت آورند، بار ایشان را بکاه آن گونه که امید می بری کارشان سامان یابد. و کاستن از هزینه ها [و خراج] ایشان بر تو هیچ گران نیاید؛ که آن، اندوخته ای است برای تو و به سبب آن، مردم مملکت را آباد می کنند؛ و نیز این زیور حکومت تو است؛ علاوه بر این، نیک ستایی آنان را به خود جلب می کنی و خود نیز شادمان می شوی که عدالت را در میانشان گسترانده ای و برای خویش از نیروی فراوانشان تکیه گاهی ساخته ای، چرا که با راحت گیری بر ایشان، رزقشان را افزوده ای؛ و اعتمادشان را فراهم آورده ای، زیرا به عدل و مدارا با ایشان رفتار کرده ای. و از این پس، چه بسا کارها پیش آید که اگر به عهده آنان گذاری، خوشدلانه آن ها را به انجام رسانند؛ که وقتی آبادانی حاصل آید، هر چه به عهده مردم نهی، انجام می دهند. و جز این نیست که مایه نابودی زمین، تنگدستی کشاورزان است؛ و تنگدستی ایشان به سبب آن است که حکمرانان تنها به گردآوری مال می اندیشند و به پایداری [حکومت] خود بدگمانند و از عبرت ها کم بهره می گیرند.

۱- خراج: مالیات، مالیاتی که از زمین و حاصل مزرعه یا درآمد دیگر گرفته شود. (فرهنگ عمید).

عنه عليه السلام لزيد ابن أبيه ، وقد استخلفه لعبد الله بن العباس على فارس وأعمالها ، في كلام طويل كان بينهما نهاه فيه عن تقدم الخراج : استعمل العدل ، واحذر العسف والحيف ؛ فإن العسف يعود بالجلاء ، والحيف يدعو إلى السيف . (١)

عنه عليه السلام في كتاب له إلى عماله على الخراج : من عبد الله على أمير المؤمنين إلى أصحاب الخراج : أما بعد ، فإن من لم يحذر ما هو صائر إليه لم يقدم لنفسه ما يحرزها . وأعلموا أن ما كلفتم به يسير ، وأن ثوابه كثير ، ولو لم يكن في ما نهى الله عنه من البغي والعيدوان عقاب يخاف لكان في ثواب اجتنابه ما لا - عذر في ترك طلبه . فأنصتوا للناس من أنفسكم ، واصبروا لحوائجهم ؛ فإنكم خزان الرعيه ، ووكلاء الأمه ، وسفراء الأئمه . ولا تحشموا أحدا عن حاجته ، ولا تحسوه عن طلبته ، ولا تبغوا للناس في الخراج كسوة شتاء ولا صيف ، ولا دابة يعتملون عليها ، ولا عبدا ، ولا تضربن أحدا سوطا لمكان درهم ، ولا تمسن مال أحد من الناس ؛ مصل ولا معاهد ، إلا أن تجدوا فرسا أو سبلا يحيا يهدى به على أهل الإسلام ؛ فإنه لا ينبغي للمسلم أن يدع ذلك في أيدي أعداء الإسلام ، فيكون شوكة عليه . ولا تدخروا أنفسكم نصيحه ، ولا الجند حسن سيره ، ولا الرعيه معونه ، ولا دين الله قوة ، وأبلوا في سبيل الله ما استوجب عليكم ؛ فإن الله سبحانه قد اصطنع عندنا وعندكم أن نشكره بجهدنا ، وأن ننصره بما بلغت قوتنا ، ولا قوة إلا بالله العلي العظيم . (٢)

١- نهج البلاغه : الحكمه ٤٧٦ ، غرر الحكم : ٢٤٤٦ نحوه ، بحار الأنوار : ٣٣ / ٤٨٨ / ٦٩٣ وج ٧٥ / ٣٥٠ / ٥٩ .

٢- نهج البلاغه : الكتاب ٥١ .

امام علی علیه السلام به زیاد بن ابیه ، آن گاه که وی را به جای عبدالله بن عباس بر فارس و مناطق پیرامونش حکومت بخشید و در کلامی پُر درازا ، او را از خراج گرفتن پیش از هنگام ، نهی فرمود : عدالت را به کار بند و از ستم ورزی و بیدادگری پرهیز ؛ که ستم مردم را به آوارگی کشد و بیدادگری ، شمشیر [و شورش مسلحانه مردم] را فراخواند .

امام علی علیه السلام در نامه وی به خراج گزارانش : از بنده خدا ، علی امیرالمؤمنین ، به خراج گزاران : اما بعد ؛ هر کس از آن چه [= روز قیامت] به سوی آن روان است ، پروا نکند ، چیزی برای خود پیش نفرستد که از آن نگاهبانش باشد . بدانید آن چه بر عهده دارید ، آسان ؛ و پاداش آن بسیار است . حتی اگر برای ستم و تجاوزگری که خداوند شما را از آن نهی فرموده ، مجازاتی بیم برانگیز نباشد ، پرهیز از آن چندان پاداش دارد که در ترک آن بهانه ای نباشد . پس از دل و جان ، با مردم انصاف ورزید و برای برآوردن نیازهاشان شکبیا باشید ، که همانا شما خزانه داران مردم ، و کیلان امت ، و سفیران پیشوایان هستید . در برآوردن نیاز هیچ کس چندان درنگ نورزید که به خشم آید و او را از خواسته اش بازدارید . برای ستاندن خراج ، جامه زمستانی و تابستانی مردم ، چهارپایی را که با آن کار می کنند ، و یا بنده [ی آنان] را مفروشید و هیچ کس را برای درهمی تازیانه مزیند . به مال هیچ یک از مردم ، خواه نماز گزار و خواه اهل ذمه ، چنگک نیفکنید ، مگر اسب یا چنگک افزاری بیاید که با آن به مسلمانان تجاوز شود ؛ که همانا مسلمان را روا نیست تا آن [اسب یا چنگک افزار] را در دست دشمنان اسلام وانهد تا سبب نیرومندی شان بر ضدّ وی گردد . از خیرخواهی برای دیگران ، خوشرفتاری با سپاهیان ، یاری مردم ، و تقویت دین خدا دریغ مورزید و در راه خدا هر چه بر شما واجب است ، به جای آورید ؛ که همانا خدای سبحان از ما و شما خواسته که با تمام توان خویش سپاسش را به جا آوریم و با همه نیرومان یاری اش دهیم ؛ و هیچ نیرویی جز از جانب خدای والای بزرگ نیست .

امام علی علیه السلام از پیمان نامه او به یکی از کار گزارانش که وی را برای گردآوری صدقه [زکات] فرستاده بود : او را فرمان می دهم که در امور نهانی و کارهای پنهانش که جز خدا گواه و نگاهبانی نیست ، تقوای خدای را پیشه کند . و فرمانش می دهم که چنان نباشد که آشکارا از خدای فرمان برد ، اما در نهان کاری جز آن ، به مخافت انجام دهد . هر کس نهان و آشکارش ، و کردار و گفتارش تفاوت نکند ، امانت [خدا] را به جای آورده و در عبادت اخلاص ورزیده است . و فرمانش می دهم که مردم را نرنجانند و آنان را دروغگو شمارد و بدان بهانه که بر ایشان حکمرانی می کند ، از آنان روی برنگرداند ؛ که آن ها برادران دینی و یاوران وی در ستاندن حقوق [الهی] هستند . و همانا تو را در این صدقه [که می ستانی] بهره ای معین و حقی مشخص است و نیازمندان و ناتوانان و بینوایان با تو در آن شریکند . ما تمام حقّ تو را می پردازیم ؛ پس تو نیز حقوق آنان را ، تمام و کمال ، پرداز ؛ که اگر چنین نکنی ، در روز قیامت مدعیان تو از همه بیشترند . و بدا به حال آن کس که نزد خداوند ، فقیران و نیازمندان و حاجت خواهان و رانده شدگان و وامداران و در راه ماندگان ، مدعیان او باشند . و هر کس در امانت سهل انگاری کند و در مرتع خیانت بچرد و جان و دین خویش را از خیانت پاک نسازد ، همانا خواری و رسوایی را در دنیا از آن خویش کرده و در آخرت ، خوارتر و رسواتر است . و همانا بزرگ ترین خیانت ، آن است که در حقّ امت روا شود و رسواترین فریبگری ، فریفتن پیشوایان [امت] است ؛ والسلام!

عنه عليه السلام من عهده إلى بعض عمّاله وقد بعته على الصدقة: أمره بتقوى الله في سرائر أمره، وخفيات عمله، حيث لا شهيد غيره، ولا وكيل دونه. وأمره أن لا يعمل بشيء من طاعة الله في ما ظهر، فيخالف إلى غيره في ما أسر، ومن لم يختلِف سرّه وعلايته ومقاتلته فقد أدى الأمانة، وأخلص العبادة. وأمره أن لا يجهّم، ولا يعرضهم، ولا يرغب عنهم تفضلاً بالإماره عليهم؛ فإنّهم الإخوان في الدين، والأعوان على استخراج الحقوق. وإنّ لك في هذه الصدقة نصيباً مفروضاً، وحقاً معلوماً، وشركاء أهل مسكنه، وضء عفاء ذوى فاقه. وإنا مؤفوك حقك، فوفهم حقوقهم؛ وإلا تفعل فإنك من أكثر الناس خصوماً يوم القيامة، وبؤسى لمن خصمه عند الله الفقراء والمساكين، والسائلون والمدفوعون، والغارمون وابن السبيل! ومن استهان بالأمانة ورّع في الخيانة ولم ينزه نفسه ودينه عنها، فقد أحلّ بنفسه الذل والخزي في الدنيا، وهو في الآخرة أذل وأخزى؛ وإن أعظم الخيانة خيانه الأمه، وأفظع الغش غش الأئمه. والسلام. (١)

عنه عليه السلام من وصية له كان يكتبها لمن يستعمله على الصدقات: انطلق على تقوى الله وحده لا شريك له، ولا ترؤعن مسلماً، ولا تجتازن عليه كارها، ولا تأخذن منه أكثر من حق الله في ماله، فإذا قدمت على الحيّ فانزل بمائهم من غير أن تخالط أبايهم، ثم امض إليهم بالسكينة والوقار حتى تقوم بينهم فتسليم عليهم، ولا تخرج بالتجيه لهم، ثم تقول: عباد الله، أرسلني إليكم ولئى الله وخليفته لأخذ منكم حق الله في أموالكم، فهل لله في أموالكم من حق فتودوه إلى وليه؟ فإن قال قائل: لا، فلا تراجع، وإن أنعم لك منعم فأنطلق معه من غير أن تخيفه أو توعده أو تعبه أو ترهقه، فخذ ما أعطاك من ذهب أو فضة، فإن كان له ماشية أو إبل فلا تدخلها إلا بإذنه؛ فإن أكثرها له، فإذا أتيتها فلا تدخل عليها دخول متسلط عليه، ولا عنيف به. ولا تنفرن بهيمه ولا تفرعنّها، ولا تسوءن صاحبها فيها. وأصدع المال صدعين، ثم خيرة، فإذا اختار فلا تعرضن لما اختاره، ثم اصدع الباقي صدعين، ثم خيرة، فإذا اختار فلا تعرضن لما اختاره، فلا تزال كذلك حتى يبقى ما فيه وفاء لحق الله في ماله، فاقبض حق الله منه؛ فإن استقالك فأقله، ثم اخلطهما، ثم اصنع مثل الذى صنعت أولاً حتى تأخذ حق الله في ماله. ولا تأخذن عوداً، ولا هرمة، ولا مكسورة، ولا مهلوسة، ولا ذات عوار، ولا تأمنن عليها إلا من تثق بدينه رافقاً بمال المسلمين، حتى يوصله إلى وليهم فيقسمه بينهم، ولا توكل بها إلا ناصحاً شفيقاً، وأميناً حفيظاً، غير معنف ولا مجحف، ولا ملغب ولا متعب. ثم احذر إلينا ما اجتمع عندك نصيره حيث أمر الله به. فإذا أخذها أمينك فأوعز إليه ألا يحول بين ناقه وبين فصيلها، ولا يمصر لبنها فيصمر ذلك بولدها، ولا يجهدنها ركوبا، وليعدل بين صواباتها في ذلك وبينها. وليرقه على اللأغب، وليستأن بالنقب والظالم، وليوردها ما تمر به من العدر، ولا يعدل بها عن نبت الأرض إلى جواد الطرقي، وليروحها في الساعات، وليمهلها عند النطاف والأعشاب؛ حتى تأتينا بإذن الله بيدنا منقيات، غير متعبات ولا مجهودات، لنقسمها على كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله؛ فإن ذلك أعظم لأجرك، وأقرب لرشدك، إن شاء الله. (٢)

١- نهج البلاغه: الكتاب ٢٦، بحار الأنوار: ٣٣ / ٥٢٨ / ٧١٩ وراجع دعائم الإسلام: ١ / ٢٥٢.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٢٥، الكافي: ٣ / ٥٣٦ / ١، تهذيب الأحكام: ٤ / ٩٦ / ٢٧٤ كلاهما عن بريد بن معاوية، المقنعه:

٢٥٥ عن بريد العجلي، الغارات: ١ / ١٢٦ عن عبد الرحمن بن سليمان وكلها عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه.

امام علی علیه السلام از سفارش وی به یکی از کارگزاران صدقه [= زکات] (۱): روان شو، با پرهیز از خداوندی که یگانه است و آنبازی ندارد. هر گز مسلمانی را مترسان؛ و بی رضایت وی به حریمش برمگذر؛ و بیش از اندازه ای که خداوند در مال او حقی دارد، از وی مستان! پس هر گاه بر قبیلۀ ای گذر کردی، بی آن که به خانه هاشان درآیی، بر آب سیرای آنان فرود آی و سپس با آرامش و وقار به سوی آنان روانه شو تا به میانشان درآیی و بر آنان درود دهی و در درود دهی بر ایشان، کوتاهی مکن و کم مگذار و آن گاه گویی: «ای بندگان خدا! ولّی خدا و جانشین او مرا به سوی شما فرستاده تا سهمی را که خداوند در اموال شما دارد، بستانم؛ پس آیا خدای را در اموالتان سهمی هست تا آن را به ولّی وی بپردازید؟» آن گاه، اگر کسی گفت: «نه»، به سراغ وی مرو؛ و اگر کسی گفت: «آری»، همراهش روان شو، بی آن که او را بترسانی یا تهدید کنی یا به سختی اندازی یا به دشواری دچار کنی؛ و هر چه طلا و نقره تو را دهد، از او بستان؛ و اگر وی را گاو و گوسفند یا شتر بود، جز به اجازه او، به میانشان مرو، زیرا بیشینه آن ها از آن او است؛ و اگر به میانشان درآمندی، همانند کسی مباش که خود را بر آن مسلط می شمارد و سخت می گیرد. هیچ چهارپایی را رم مده و نترسان و صاحبش را در گرفتن آن به زحمت میفکن. مال را دو بخش کن و صاحبش را [در گزینش یکی از دو بخش] آزاد گذار؛ اگر یکی را برگزید، به آن چه برگزیده چنگ مینداز. آن گاه، باقی مانده را [نیز] دو بخش کن و او را [در گزینش] آزاد گذار؛ اگر یکی را برگزید، به گزیده وی تعرّض مکن. این کار را همچنین ادامه ده تا به اندازه حقّ خداوند در مال وی باقی ماند و حقّ خدای را از او بستان. اگر خواست که این قرار را به هم زند، بپذیر و باز آن دو بخش را درآمیز و همانند بار نخست، عمل کن تا حقّ خدای را در مال او بستانی. حیوان پیر و فرتوت و دست و پا شکسته و بیمار و لاغر و عیب دار را مگیر. و کسی را بر آن اموال امین قرار مده، مگر آن که به دینداری اش اعتماد داشته باشی و با مال مسلمانان درست رفتار کند تا آن را به حاکم مسلمانان برساند و او آن را میانشان تقسیم کند. جز فرد خیرخواه و دلسوز و درستکار و نگاهبان را برای نگاهداری آن ها مگمار؛ کسی که با آن حیوان ها درشتی نکند و به آن ها ستم نراند و تند نراندشان و خسته شان نکند. پس هر چه نزدت گرد آمده، به سوی ما روان کن تا آن گونه که خداوند فرمان داده، آن را به مصرف رسانیم. آن گاه که [کارگزار] امین تو، آن ها را ستاند، به وی سفارش کن که میان ماده شتر و کره شیرخوارش جدایی نیفکند و آن قدر مادر را ندوشد که به کره اش زیان رسد؛ و با سواری گرفتن، آن را خسته نکند؛ و در دوشیدن و سواری گرفتن، میان آن شتر و شتران دیگر به عدالت رفتار کند. و باید [آن کارگزار] شتر خسته را استراحت دهد و با شتر مجروح ناتوان مدارا کند و آن ها را بر سر آبگیرهایی برَد که شتران بر آن می گذرند و از کنارۀ علفزاران حرکت دهد، نه از راه های خشک. و مدّتی به آن ها استراحت دهد تا آب خورند و بچرند؛ تا به خواست خدا آن ها را فربه و پرتوان، و نه خسته و رنجیده، به ما برساند و ما بر پایه کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله آن ها را تقسیم کنیم. اگر چنین کنی، به خواست خدا، پاداش تو افزون تر و رستگاری ات نیکوتر خواهد بود.

السلامستون حق را بر پای می داشت و نشانه های دادگری را در کارهای خرد و کلان و جزئی و کلی آشکار می فرمود.».

ص: ٤٤٧

..

عنه عليه السلام في عهده إلى مالِكِ الأَشْتَرِ (في روايه تحف العقول): فَاجْمَعِ إِلَيْكَ أَهْلَ الْخَرَاجِ مِنْ كُلِّ بِلْدَانِكَ ، وَمُرَّهُمْ فَلْيَعْلِمُوكَ حَالَ بِلَادِهِمْ وَمَا فِيهِ صِيَالِحُهُمْ وَرِخَاءُ جَبَائِتِهِمْ ، ثُمَّ سَلِّ عَمَّا يَرْفَعُ إِلَيْكَ أَهْلَ الْعِلْمِ بِهِ مِنْ غَيْرِهِمْ ؛ فَإِنْ كَانُوا شَكَّوْا ثِقَلًا أَوْ عَلَّهِ مِنْ انْقِطَاعِ شَرِّبٍ أَوْ إِحَالَةِ أَرْضٍ إِغْتَمَرَهَا غَرَقٌ أَوْ أَجْحَفَ بِهِمُ الْعَطَشُ أَوْ آفَهُ ، خَفَّفْتَ عَنْهُمْ مَا تَرْجُو أَنْ يُصْلِحَ اللَّهُ بِهِ أَمْرَهُمْ ، وَإِنْ سَأَلُوا مَعُونَةً عَلَى إِصْلَاحِ مَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ بِأَمْوَالِهِمْ فَافْكِهِمْ مَوْنَتَهُ ؛ فَإِنَّ فِي عَاقِبَةِ كِفَايَتِكَ إِيَّاهُمْ صِيَالِحًا ، فَلَا يَثْقُلَنَّ عَلَيْكَ شَيْءٌ خَفَّفْتَ بِهِ عَنْهُمْ الْمُؤُونَاتِ ؛ فَإِنَّهُ ذُخْرٌ يَعُودُونَ بِهِ عَلَيْكَ لِعِمَارَةِ بِلَادِكَ ، وَتَزْيِينِ وِلَايَتِكَ ، مَعَ اقْتِنَائِكَ مَوَدَّتَهُمْ وَحُسْنِ نِيَاتِهِمْ ، وَاسْتِفَاضَةِ الْخَيْرِ ، وَمَا يُسَيِّهَلُ اللَّهُ بِهِ مِنْ جَلْبِهِمْ ؛ فَإِنَّ الْخَرَاجَ لَا يُسْتَخْرَجُ بِالْكَدِّ وَالْإِتْعَابِ ، مَعَ أَنَّهَا عَقْدٌ تَعْتَمِدُ عَلَيْهَا إِنْ حَدَثَ حَدٌّ كُنْتَ عَلَيْهِمْ مُعْتَمِدًا ؛ لِفَضْلِ قُوَّتِهِمْ بِمَا ذَخَرْتَ عَنْهُمْ مِنَ الْجِمَامِ ، وَالثَّقَةِ مِنْهُمْ بِمَا عَوَّدْتَهُمْ مِنْ عَيْدِكَ وَرِفْقِكَ ، وَمَعْرِفَتِهِمْ بِعَيْدِكَ فِي مَا حَدَثَ مِنَ الْأَمْرِ الَّذِي أَتَّكَلْتُ بِهِ عَلَيْهِمْ ، فَاحْتَمَلُوهُ بِطَيْبِ أَنْفُسِهِمْ ، فَإِنَّ الْعُمَرَانَ مُحْتَمِلٌ مَا حَمَلْتَهُ ؛ وَإِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابَ الْأَرْضِ لِإِعْوَازِ أَهْلِهَا ؛ وَإِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلَهَا لِإِسْرَافِ الْوُلَاةِ ، وَسُوءِ ظَنِّهِمْ بِالْبِقَاءِ ، وَقَلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعَبْرِ . (١)

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش برای مالک اشتر، بر پایه روایت تحف العقول: کارگزاران خراج را از همه جای سرزمینت، نزد خود گرد آور و فرمانشان ده که تو را آگاه کنند که در منطقه ایشان چه می گذرد و صلاح کارشان در چیست و چگونه کار گردآوری خراج آسان می شود. سپس از اموری بازپرس که آگاهان، جز ایشان، به تو خبر داده اند. پس اگر [مردم] از گرانباری یا رنجی، همچون بند آمدن آب، یا دگرگون شدن زمینی بر اثر آب گرفتگی، یا سختی تشنگی، و یا آسیب دیگر نزد تو شکوه کردند، چندان بر ایشان آسان گیر که امید می بری خداوند با آن، وضعشان را اصلاح کند؛ و اگر از تو یاری خواستند تا توان مالی شان در اداره زندگی افزون گردد، هزینه آن را پرداز؛ که اگر آنان را بی نیاز کنی، فرجامی نیک خواهد داشت. مبادا این آسان گیری ها در تأمین هزینه ایشان، بر تو گران آید؛ که این، ذخیره ای است که آن را با آباد سازی سرزمینت و زیباسازی حکومت، به تو باز می گردانند؛ و نیز دوستی ایشان و نیت های نیکشان برای تو گرد می آید و [نیز] خیرهای فراوان فراهم می آید و از رهگذر خراجی که جمع می کنند، خداوند سهولت ها پدید می آورد؛ که همانا خراج با کوشش سخت و در زحمت افکندن خود، فراهم نمی آید. از این گذشته، بدین سان رشته های اعتماد برایت پدید می آید تا هر گاه رویدادی پیش آید، به ایشان تکیه کنی؛ زیرا با این راحت گیری که در حقشان به جای آورده ای، نیروی بیش تر می گیرند و با عدل و مدارایی که در رفتار با ایشان ورزیده ای، به تو اعتماد می یابند و می دانند که اگر کاری پیش آید که آن را بر عهده ایشان نهی، دلیل و حجتی داری؛ و آن گاه، با خشنودی دل و جان، آن بار را تحمل می کنند. پس همانا چون آبادنی [زمین] حاصل آید، هر چه بر دوش مردم نهی، انجام می دهند. و جز این نیست که ویرانی زمین، نتیجه تنگدستی کشاورزان است و کشاورزان هم بدان دلیل فقیر می شوند که حکمرانان زیاده روی می کنند و به ماندگاری خود بدگمانند و از عبرت ها کم سود می جویند.

تاريخ دمشق عن عبد الملك بن عمير: حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ ثَقِيفٍ أَنَّ عَلِيًّا اسْتَعْمَلَهُ عَلَى عُكْبَرَا قَالَ: وَلَمْ يَكُنِ السَّوَادُ يَسْكُنُهُ الْمُصَلُونَ فَقَالَ لِي بَيْنَ أَيْدِيهِمْ: لَتَسْتَوِي خَرَاجُهُمْ، وَلَا يَجِدُونَ فِيكَ رُخْصَةً، وَلَا يَجِدُونَ فِيكَ ضَعْفًا. ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا كَانَ عِنْدَ الظُّهْرِ فَرُحَ إِلَيَّ، فَرُحْتُ إِلَيْهِ، فَلَمْ أَجِدْ عَلَيْهِ حَاجِبًا يَحْجُبُنِي دُونَهُ، وَحَدَّثَنِي جَالِسًا وَعِنْدَهُ قَدْحٌ وَكُوْزٌ فِيهِ مَاءٌ، فَدَعَا مُطَيَّبَهُ، فَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لَقَدْ أَمَنَنِي حَتَّى يُخْرِجَ إِلَيَّ جَوْهَرًا إِذْ لَا أَدْرِي مَا فِيهَا فَبِإِذَا عَلِيهَا خَاتَمٌ، فَكَسَّرَ الخَاتَمَ فَبِإِذَا فِيهَا سَوِيْقٌ، فَأَخْرَجَ مِنْهُ وَصَبَّ فِي القَدْحِ، فَصَبَّ عَلَيْهِ مَاءٌ، فَشَرِبَ وَسَقَانِي، فَلَمْ أَصْبِرْ أَنْ قُلْتُ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَتَصْنَعُ هَذَا بِالْعِرَاقِ؟! !! طَعَامُ الْعِرَاقِ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ!! قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ مَا أَحْتِمُ عَلَيْهِ بُخْلًا عَلَيْهِ، وَلَكِنِّي أَبْتَاعُ قَمَدَرًا مَا يَكْفِينِي، فَأَخَافُ إِنْ نَمَى فَيُصْنَعُ فِيهِ مِنْ غَيْرِهِ؛ فَإِنَّمَا حَفِظْتُ لِدَلِيكَ، وَأَكْرَهُ أَنْ أَدْخِلَ بَطْنِي إِلَّا طَيِّبًا. وَإِنِّي لَمْ أَسْتَطِعْ أَنْ أَقُولَ لَكَ إِلَّا الَّذِي قُلْتُ لَكَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ، إِنَّهُمْ قَوْمٌ خُدَّعٌ، وَلَكِنِّي آمُرُكَ الْآنَ بِمَا تَأْخُذُهُمْ بِهِ، فَإِنْ أَنْتَ فَعَلْتَ وَإِلَّا أَخَذَكَ اللَّهُ بِهِ دُونِي، فَإِنْ يَلْغُنِي عَنْكَ خِلَافٌ مَا أَمَرْتُكَ عَزَلْتُكَ! فَلَا تَتَّبِعَنَّ لَهُمْ رِزْقًا يَأْكُلُونَهُ، وَلَا كِسْوَةً شَتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ، وَلَا تَضْرِبَنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ سَوْطًا فِي طَلَبِ دِرْهَمٍ، وَلَا تُقَبِّحْهُ فِي طَلَبِ دِرْهَمٍ؛ فَإِنَّا لَمْ نُؤَمِّرْ بِجَدَلِكَ، وَلَا تَتَّبِعَنَّ لَهُمْ دَابَّةً يَعْمَلُونَ عَلَيْهَا؛ إِنَّمَا أَمَرْنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ العَفْوَ. قَالَ: قُلْتُ: إِذَا أَجِيؤُكَ كَمَا ذَهَبْتُ! قَالَ: وَإِنْ فَعَلْتَ. قَالَ: فَذَهَبْتُ فَتَتَّبَعْتُ مَا أَمَرَنِي بِهِ، فَرَجَعْتُ وَاللَّهِ مَا بَقِيَ عَلَيَّ دِرْهَمٌ وَاحِدٌ إِلَّا وَفَيْتَهُ. (١)

١- تاريخ دمشق: ٤٢ / ٤٨٧، حليه الأولياء: ١ / ٨٢ وفيه إلى «طيبيا» وراجع السنن الكبرى: ٩ / ٣٤٥ / ١٨٧٣٦ و أسد الغابه: ٤ / ٩٨ / ٣٧٨٩ والمعيار والموازنه: ٢٤٨ و كنز العمال: ٤ / ٥٠١ / ١١٤٨٨ و ج ٥ / ٧٧٣ / ١٤٣٤٦ والكافي: ٣ / ٥٤٠ / ٨ ومن لا يحضره الفقيه: ٢ / ٢٤ / ١٦٠٥ وتهذيب الأحكام: ٤ / ٩٨ / ٢٧٥ و شرح الأخبار: ٢ / ٣٤٤ / ٧٢٦.

تاریخ دمشق از عبدالملک بن عمیر: مردی از ثقیف برایم حکایت کرد که علی وی را به کارگزاری عُکبرا گماشت گفت: در آن سرزمین، مسلمانان ساکن نبودند. [آن کارگزار می گوید:] علی در حضور آنان، به من فرمود: «خراج ایشان را البتّه می ستانی، بی آن که اهمال یا ضعفی در تو بینند». سپس مرا فرمود: «نیمروز، نزد من آی!» نیمروز نزد وی رفتم و هیچ پرده داری نیافتم که در حضور من و او فاصله باشد. او را دیدم که نشسته و پیاله ای و کوزه ای آب پیش رو دارد. پس کیسه ای فراپیش کشید؛ با خود گفتم: «حتما مرا امین شمرده تا گوهری را نشانم دهد!» و این از آن روی بود که نمی دانستم در آن کیسه چیست. پس دیدم که در آن، مَهْری است. مَهْر را شکست؛ در میان آن، قدری آرد مخلوط بود. آن آرد مخلوط را برگرفت و در پیاله ریخت؛ سپس بر آن آب ریخت و خود نوشید و مرا هم نوشاند. کاسه صبرم لبریز شد و گفتم: «ای امیرالمؤمنین! آیا در عراق، چنین می کنی؟ غذای عراق بیش از این است!» فرمود: «هلا- به خدای سوگند که من به جهت بخل ورزی بر این مَهْر نمی کنم؛ اما همان مقدار می خرم که مرا کفایت می کند؛ و بیم دارم که تمام شود، و غیر آن در آن به کار رود. جز این نیست که نگهداری من بدین جهت است و نمی خواهم در اندرون خویش، جز غذای پاکیزه را راه دهم. مرا یارای آن نبود که جز آن چه را نزد آنان [بنا به مصلحت] به تو گفتم، با تو واگویم؛ [زیرا] ایشان قومی فریب پیشه اند. لیکن اکنون تو را فرمان می دهم که از مردم چه بگیری؛ اگر چنین کنی، [باکی نیست]؛ و گرنه، پیش از من، خداوند از تو بازخواست می کند. پس هر گاه به من خبر رسد که جز آن چه فرمانت داده ام عمل کرده ای، تو را برکنار خواهم کرد. و هرگز از ایشان روزی ای را که می خورند، نخواد و جامه زمستان و تابستانشان را طلب نکن و به هیچ یک از ایشان در طلب درهمی تازیانه مزین و دشنام زشت مده؛ که ما به چنین کاری فرمان نیافته ایم. هرگز چهارپایی از ایشان را که با آن کار می کنند، مفروشید؛ که ما فرمان یافته ایم تا زیاده مال آنان را بگیریم». گفت: گفتم: «پس همان سان که رفته ام، باید بازگردم!» فرمود: «[به وظیفه ات عمل کن] هر چند چنین شود!». گفت: «پس روان شدم و آن چه را فرمانم داد، پی گرفتم و بازگشتم، حال آن که به خدای سوگند، حتّی یک درهم نزد من نماند، مگر این که آن را بازگرداندم».

الكافي عن مهاجر عن رجل من ثقيف: اسْتَعْمَلَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ بَانِقِيَا وَسَوَادٍ مِنْ سَوَادِ الْكُوفَةِ ، فَقَالَ لِي وَالتَّيَّاسُ حُضُورًا : أَنْظِرْ خَرَاجَكَ فَجِدَّ فِيهِ وَلَا تَتْرُكْ مِنْهُ دِرْهَمًا ، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَتَوَجَّهَ إِلَى عَمَلِكَ فَمُرِّ بِي . قَالَ : فَأَتَيْتُهُ فَقَالَ لِي : إِنَّ الَّذِي سَجِعْتَ مِنِّي خُدَعَةٌ ، إِيَّاكَ أَنْ تَضْرِبَ مُسْلِمًا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا فِي دِرْهَمِ خَرَاجٍ ، أَوْ تَبِيعَ دَابَّةً عَمَلٍ فِي دِرْهَمٍ ، فَإِنَّمَا أَمَرْنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ الْعَفْوَ . (١)

السنن الكبرى عن عبد الملك بن عمير: أَخْبَرَنِي رَجُلٌ مِّنْ ثَقِيفٍ قَالَ : اسْتَعْمَلَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى بُزْرَجْسَابُورَ ، فَقَالَ : لَا تَضْرِبَنَّ رَجُلًا سَوطًا فِي جَبَائِهِ دِرْهَمًا ، وَلَا تَبِيعَنَّ لَهُمْ رِزْقًا ، وَلَا كِسْوَةَ شِتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ ، وَلَا دَابَّةً يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا ، وَلَا تُقِمَّ رَجُلًا قَائِمًا فِي طَلَبِ دِرْهَمٍ . قَالَ : قُلْتُ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِذَنْ أَرْجِعْ إِلَيْكَ كَمَا ذَهَبْتَ مِنْ عِنْدِكَ ! قَالَ : وَإِنْ رَجَعْتَ كَمَا ذَهَبْتَ ، وَيَحْكُ! إِنَّمَا أَمَرْنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُمْ الْعَفْوَ يَعْنِي الْفَضْلَ . (٢)

الإمام الكاظم عليه السلام: الْأَرْضُونَ الَّتِي أَخَذَتْ عَنَوَهُ بِخَيْلٍ وَرِجَالٍ فَهِيَ مَوْقُوفَةٌ مَتْرُوكَةٌ فِي يَدِ مَنْ يَعْمُرُهَا وَيُحْيِيهَا وَيَقُومُ عَلَيْهَا ، عَلَى مَا يُصَالِحُهُمُ الْوَالِي عَلَى قَدْرِ طَائِقَتِهِمْ مِنَ الْحَقِّ ؛ النِّصْفِ (أ) وَالثُّلْثِ (أ) وَالثُّلْثَيْنِ ، وَعَلَى قَدْرِ مَا يَكُونُ لَهُمْ صَيِّاحًا وَلَا يَضُرُّهُمْ . (٣)

١- الكافي: ٣ / ٥٤٠ / ٨ ، من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٢٤ / ١٦٠٥ ، تهذيب الأحكام: ٤ / ٩٨ / ٢٧٥ .

٢- السنن الكبرى: ٩ / ٣٤٥ / ١٨٧٣٦ ، أسد الغابه: ٤ / ٩٨ / ٣٧٨٩ وفيه «مدرج سابور» بدل «بُزْرَجْسَابُور» ، كنز العمال: ٤ / ٥٠١ / ١١٤٨٨ نقلًا عن سنن سعيد بن منصور وفيه «برج سابور» .

٣- الكافي: ١ / ٥٤١ / ٤ عن حماد بن عيسى عن بعض أصحابنا .

الکافی از مهاجر از مردی اهل ثقیف: علی بن ابی طالب علیه السلام مرا بر بانقیا و یکی از توابع کوفه گماشت و در حضور مردم به من فرمود: «بر خراجی که باید بستانی، خوب مراقبت کن و در آن بکوش و از آن درهمی را وامگذار؛ و آن گاه که خواستی برای مأموریت خویش رهسپار شوی، نزد من آی!». گفت: نزد وی رفتم؛ مرا فرمود: «آن چه از من شنیدی، سخنی زیرکانه [و به مصلحت مکان و حاضران] بود [نه این که بخواهم به آن عمل کنی]؛ مبادا مسلمان یا یهودی یا مسیحی ای را برای ستاندن درهمی خراج، بزنی یا برای گرفتن درهمی، چهارپایی را که با آن کار می کنند، بفروشی؛ که ما مأموریم تا زیاده مال ایشان را بگیریم».

السنن الکبری از عبدالملک بن عمیر: مردی از ثقیف مرا خبر داد: علی بن ابی طالب علیه السلام مرا بر بزرگ شاپور گماشت و فرمود: «هرگز برای جمع آوری درهمی، کسی را به تازیانه مزین و روزی افراد، جامه زمستان و تابستان، و چهارپایی را که با آن کار می کنند، بفروش؛ و کسی را در طلب درهمی بر پای ایستاده نگه مدار!». گفت: گفتم: «ای امیرالمؤمنین! پس باید همان گونه که از نزدت می روم، بازگردم!» فرمود: «اگر چنان که رفته ای، بازگردی، وای بر تو! جز این نیست که ما مأموریم تا زیاده مالشان را از ایشان بگیریم».

امام کاظم علیه السلام: زمین هایی که قدرتمندانه و با سپاه سواره و پیاده فراچنگ می آیند، همواره در دست کسی می مانند که آن را آباد و سرزنده نگاه دارد و در آن کار کند؛ و به اندازه توانشان، حکمران از ایشان مالیات می ستاند؛ خواه نیم، خواه یک سوم، و خواه دو سوم؛ یعنی به اندازه ای که به صلاح ایشان باشد و زیانشان نرساند.

٦ / ٥ مُرَاقِبَةُ السُّوقِ صَحِيحُ الْبُخَارِيِّ عَنْ ابْنِ عُمَرَ: أَنَّهُمْ كَانُوا يَشْتَرُونَ الطَّعَامَ مِنَ الرُّكْبَانِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَيَبِعَتْ عَلَيْهِمْ مَنْ يَمْنَعُهُمْ أَنْ يَبِيعُوهُ حَيْثُ اشْتَرَوْهُ ، حَتَّى يَنْقَلُوهُ حَيْثُ يُبَاعُ الطَّعَامُ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سُوْقِ الْمَدِينَةِ بِطَعَامٍ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ : مَا أَرَى طَعَامَكَ إِلَّا طَيِّبًا ، وَسَأَلَهُ عَنْ سِعْرِهِ ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَدُسَّ يَدَيْهِ فِي الطَّعَامِ فَفَعَلَ ، فَأَخْرَجَ طَعَامًا رَدِيًا ، فَقَالَ لِصَاحِبِهِ : مَا أَرَاكَ إِلَّا وَقَدْ جَمَعْتَ خِيَانَةً وَغِشًا لِلْمُسْلِمِينَ . (٢)

عنه عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَوْفَةِ عِنْدَكُمْ يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكْرَةً مِنَ الْقَصْرِ ، فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكَوْفَةِ سُوْقًا سُوْقًا وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ ، وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيْبَةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوْقٍ فَيُنَادِي: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ ، اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ! فَيَاذًا سَمِعُوا صَوْتَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْقَوْا مَا بِأَيْدِيهِمْ ، وَأَرَعُوا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ ، وَسَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ ، فَيَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدَّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ ، وَتَبَرَّكُوا بِاللَّسْهَوَلَةِ ، وَاقْتَرَبُوا مِنَ الْمُبْتَاعِينَ ، وَتَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ ، وَتَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ ، وَجَانِبُوا الْكُذْبَ ، وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ ، وَأَنْصَبُوا الْمَظْلُومِينَ ، وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا ، وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ ، وَلَا تَبَخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ ، وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ . فَيَطُوفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكَوْفَةِ ، ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ . (٣)

١- صحيح البخارى: ٢٠١٧/٧٤٧/٢ ، صحيح مسلم : ٣٣ / ٣ / ١١٦٠ ، سنن أبى داود: ٣٤٩٣ / ٢٨١ / ٣ ، مسند ابن حنبل : ٢ / ٤٤٩ / ٥٩٣١ كلها نحوه .

٢- الكافى : ٥ / ١٦١ / ٧ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٣ / ٥٥ كلاهما عن سعد الإسكاف ، بحار الأنوار : ٢٢ / ٨٦ / ٣٧ .

٣- الكافى : ٥ / ١٥١ / ٣ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٦ / ١٧ ، الأمالى للمفيد : ١٩٧ / ٣١ كلها عن جابر ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٩٣ / ٣٧٢٦ ، الأمالى للصدوق : ٥٨٧ / ٨٠٩ ، تحف العقول : ٢١٦ ، السرائر : ٢ / ٢٣٠ والخمسة الأخيره نحوه ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٩٤ / ١٠ .

۶ / ۵ نظارت بر بازار

۶ / ۵ نظارت بر بازار صحیح البخاری از ابن عمر: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ، خوراک را از کاروانیان می خریدند ، از این رو ، پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را می فرستاد تا ایشان را از فروش آن در همان محل خرید و به بازار نیاورده جلو گیرد . (۱)

امام باقر علیه السلام: در بازار مدینه ، پیامبر صلی الله علیه و آله بر بساط خوراکی برگذشت و به صاحب آن گفت: «خوراکت یکسره خوب است». سپس از وی درباره قیمتش سؤال کرد . آن گاه خداوند به وی وحی فرمود که دستانش را در آن خوراک فرو برد ؛ و او چنین کرد و خوراکی پست بیرون کشید . پس به صاحب خوراک فرمود: «جز خیانت و فریب برای مسلمانان ، چیزی فراهم نیاورده ای!»

امام باقر علیه السلام: امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه و نزد شما [مردم] هر روز بامدادان از امارتگاه برون آمده ، بازار کوفه را بازارچه به بازارچه می گشت ، حال آن که تازیانه ای دو سویه با نام سبیه بر دوش می افکند و بر سر هر بازارچه می ایستاد و ندا در می داد: «ای گروه بازرگانان! خدای را پروا کنید». آن گاه که بانگش را می شنیدند ، هر آن چه را در دست داشتند ، فرو می گذاشتند و با دل های خویش به وی گوش می سپردند و با گوش هاشان سخنش را می شنیدند . امام می فرمود: «نخست از خدا خیر بخواهید ؛ سپس با آسان گیری [بر مردم] به برکت روی آورید ؛ خود را به خریداران نزدیک [و ایشان را جذب] کنید ؛ با مئیدارا زینت یابید ؛ از سوگندخوری بپرهیزید ؛ از ناراستی دوری کنید ؛ از ستم ورزی کناره گیرید ؛ داد ستمدیدگان را بدهید ؛ به ربا نزدیک نشوید ؛ پیمان و ترازو را تمام دهید ؛ از مردم کالاهایشان را مکاهید [کم فروشی نکنید] و در زمین به تباہکاری مپوید». آن گاه ، در همه بازارچه های کوفه می گشت و سپس بازگشته ، در میان مردم جلوس می فرمود .

۱- آن گونه که از احادیث دیگر معلوم می شود ، نهی پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت گزافه بودن این خرید و فروش ها بوده است که هنوز مال را تحویل نگرفته ، به دیگری می فروختند .

الإمام الحسين عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكِبَ بَعْلَهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الشَّهْبَاءَ بِالْكَوْفَةِ فَأَتَى سَوْقًا سَوْقًا، فَأَتَى طَاقَ اللَّحْمِ لِلْبَيْعِ، فَقَالَ بِأَعْلَى صَوْتِهِ: يَا مَعْشَرَ الْقَصَابِينَ، لَا تَنْخَعُوا وَلَا تَعْجَلُوا الْأَنْفُسَ حَتَّى تَرْهَقَ، وَإِيَّاكُمْ وَالنَّفْخَ فِي اللَّحْمِ لِلْبَيْعِ! فَأَتَى سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْهَى عَن ذَلِكَ. ثُمَّ أَتَى التَّمَارِينَ فَقَالَ: أَظْهَرُوا مِن رَدَى بَيْعِكُمْ مَا تُظْهِرُونَ مِن جَيْدِهِ. ثُمَّ أَتَى السَّمَاكِينَ فَقَالَ: لَا تَبِيعُونَ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِيَّاكُمْ وَمَا حَلَفَا (طفا)! ثُمَّ أَتَى الْكُنَّاسَةَ فَإِذَا فِيهَا أَنْوَاعُ التَّجَارَةِ: مِن نَخَّاسٍ، وَمِن مَائِعٍ، وَمِن قَمَّاطٍ، وَمِن بَائِعِ إِبْرٍ، وَمِن صَيْرَفِيٍّ، وَمِن حَنَاطٍ، وَمِن بَزَّازٍ؛ فَنادى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: إِنَّ أَسْوَاقَكُمْ هَذِهِ يَحْضُرُهَا الْأَيْمَانُ، فَشُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَكُفُّوا عَنِ الْحَلْفِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُقَدِّسُ مَن حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا. (١)

الإمام علي عليه السلام في كتابه إلى الأشرار النخعي: وَلِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمِحًا، بِمَوَازِينِ عَدْلٍ، وَأَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ؛ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ. (٢)

١- الجعفریات: ٢٣٨، دعائم الإسلام: ٢ / ٥٣٨ / ١٩١٣ نحوه .

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ١٤٠، بحار الأنوار: ٧٧ / ٢٥٦ وج ١٠٣ / ٨٨ / ٩ .

امام حسین علیه السلام: علی بن ابی طالب بر آستری خاکستری رنگ که از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، سوار شد و در کوفه بازارچه به بازارچه پیش آمد. به راسته گوشت فروشان درآمد و با رساترین بانگش ندا داد: «ای گروه قصابان! به هنگام ذبح، کارد را به نخاع حیوان نرسانید و شتاب نوزید تا جان از تن حیوان بیرون شود. مبادا برای فروش، در گوشت بدمید [تا خریدار را جلب کند]؛ که من، خود، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که این کار را نهی می فرمود». سپس به سرای خرمافروشان درآمد و فرمود: «همان سان که کالای نیکوتان را آشکار می کنید، جنس پست را هم در معرض نهید». آن گاه، به راسته ماهی فروشان آمد و فرمود: «جز ماهی تازه و نیکو مفروشید و از فروش ماهی در آب مرده پرهیزید!» از آن پس، به منطقه کناسه درآمد که فروشندگان گوناگون در آن بودند، همچون: مسگر، روغن فروش، زنجیر فروش، سوزن فروش، صیراف، گندم فروش، و پارچه فروش. پس به رساترین بانگش ندا در داد: «این بازارهای شما مکان سوگندهایند؛ پس سوگندهاتان را با صدقه همراه کنید و از قسم خوردن [ناراست] پرهیزید؛ که همانا خداوند، پاک نمی شمارد کسی را که به نام وی قسم ناراست یاد کند».

امام علی علیه السلام در نامه اش به اشتر نخعی: و باید خرید و فروش آمیخته به مدارا و بر پایه معیارهای عادلانه و با قیمت هایی باشد که نه به فروشنده ستمی روا شود و نه به خریدار.

تاريخ دمشق عن أبي سعيد: كَانَ عَلِيٌّ يَأْتِي السُّوقَ فَيَقُولُ: يَا أَهْلَ السُّوقِ، اتَّقُوا اللَّهَ، وَإِيَّاكُمْ وَالْحَلْفَ! فَإِنَّ الْحَلْفَ يُنْفِقُ السَّلْعَةَ، وَيَمَحِقُ الْبَرَكَهَ. وَإِنَّ التَّاجِرَ فَاجِرٌ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ، وَأَعْطَى الْحَقَّ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ. (١)

ربيع الأبرار: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمُرُّ فِي السُّوقِ عَلَى الْبَاعِ، فَيَقُولُ لَهُمْ: أَحْسِنُوا، أَرْخِصُوا بَيْعَكُمْ عَلَى الْمُسْلِمِينَ؛ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْبَرَكَهَ. (٢)

تاريخ دمشق عن زاذان: إِنَّهُ [أَيُّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ] كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَحَدَهُ وَهُوَ وَالِ؛ يُرْشِدُ الضَّالَّ، وَيُعِينُ الضَّعِيفَ، وَيَمُرُّ بِالْبَيْعِ وَالْبِقَالِ فَيَفْتَحُ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ، وَقَرَأَ: «تِلْكَ الدَّارُ الْأَخْرَجُ نَجَعَلَهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا»، (٣) فَقَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ فِي أَهْلِ الْعَدْلِ وَالتَّوَّاضِعِ مِنَ الْوُلَاهِ، وَأَهْلِ الْقُدْرَةِ مِنْ سَائِرِ النَّاسِ. (٤)

فضائل الصحابه عن أبي الصهباء: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ بِسَطِّ الْكَلَاءِ يَسْأَلُ عَنِ الْأَسْعَارِ. (٥)

الطبقات الكبرى عن جرموز: رَأَيْتُ عَلِيًّا وَهُوَ يَخْرُجُ مِنَ الْقَصْرِ وَعَلَيْهِ قَطْرِيَّتَانِ: إِزَارٌ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ، وَرِدَاءٌ مُشَمَّرٌ قَرِيبٌ مِنْهُ، وَمَعَهُ دِرَّةٌ لَهُ يَمْشِي بِهَا فِي الْأَسْوَاقِ، وَيَأْمُرُهُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنِ الْبَيْعِ، وَيَقُولُ: أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ، وَيَقُولُ: لَا تَنْفُخُوا اللَّحْمَ. (٦)

- ١- تاريخ دمشق: ٤٢ / ٤٠٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ٥ / ٢٦٠ / ٤ عن زاذان نحوه وفيه إلى «البركه»؛ الغارات: ١ / ١١٠.
- ٢- ربيع الأبرار: ٤ / ١٥٤.
- ٣- القصص: ٨٣.
- ٤- تاريخ دمشق: ٤٢ / ٤٨٩، البدايه والنهايه: ٨ / ٥؛ المناقب لابن شهر آشوب: ٢ / ١٠٤ نحوه وفيه إلى نهايه الآيه، مجمع البيان: ٧ / ٤٢٠ وراجع فضائل الصحابه لابن حنبل: ٢ / ٦٢١ / ١٠٦٤.
- ٥- فضائل الصحابه لابن حنبل: ١ / ٥٤٧ / ٩١٩، ذخائر العقبى: ١٩٢.
- ٦- الطبقات الكبرى: ٣ / ٢٨، تاريخ دمشق: ٤٢ / ٤٨٤، تاريخ الإسلام للذهبي: ٣ / ٦٤٥؛ شرح الأخبار: ٢ / ٣٦٤ / ٧٢٥ نحوه.

تاریخ دمشق از ابوسعید: علی به بازار درمی آمد و می فرمود: «ای بازاریان! از خدا پروا کنید و از سوگند خوردن پرهیزید؛ که سوگند کالا- را رواج و رونق می دهد و [الی] برکت را از میان می برد. همانا بازرگان بدکار است، مگر آن کس که حق را بستاند و حق را عطا کند؛ والسلام علیکم!»

ربیع الابرار: علی علیه السلام در بازار بر فروشندگان برمی گذشت و به آنان می فرمود: «نیکی ورزید؛ کالای خود را بر مسلمانان ارزان گیرید؛ که این مایه افزایش برکت است».

تاریخ دمشق از زاذان: علی علیه السلام در آن هنگام که حاکم بود، به تنهایی در بازارها قدم می زد؛ گمشده را راه می نمود؛ ناتوان را یاری می کرد؛ و به فروشنده و سبزی فروش برمی گذشت و بروی قرآن می گشود و می خواند: «این سرای واپسین را برای کسانی ساخته ایم که در زمین برتری و تباهی نخواهند». آن گاه می فرمود: «این آیه درباره حاکمان و قدرتمندان دادگر و فروتن نازل شده است».

فضائل الصّحابه از ابوالصّهباء: علی بن ابی طالب را در لنگرگاه دیدم که از قیمت ها باز می پرسید.

الطّبقات الکبری از جرموز: علی را دیدم که از امارتگاه بیرون آمد، حال آن که دو پارچه راه راه بر تن داشت: لنگی تا نیمه ساق پا و بالاپوشی که آن را به کمر زده و به خویش چسبانده بود؛ و تازیانه ای با خود داشت که با آن در بازارها قدم می زد و کاسبان را به پرهیز از خدا و داد و ستد نیکو فرمان می داد و می فرمود: «پیمانۀ و ترازو را درست و تمام نهید» و نیز می فرمود: «در گوشت ندمید!».

مكارم الأخلاق عن وشيكة: رأيت عليا عليه السلام يترى فوق سريره، ويرفع إزاره إلى أنصاف ساقيه، ويديه درّه، يدور في السوق يقول: اتقوا الله وأوفوا الكيل؛ كأنه معلّم صبيان. (١)

مكارم الأخلاق عن عبد الله بن عباس: لما رجع [ابن عباس] من البصره وحمل المال ودخل الكوفه، وحيد أمير المؤمنين عليه السلام قائما في السوق وهو ينادى بنفسه: معاشر الناس، من أصبنا بعد يومنا هذا يبيع الجري والطافي والمارماهي علونا بدرتنا هذه وكان يقال لدرته: السبيته. قال ابن عباس: فسلمت عليه، فردّ عليّ السلام، ثم قال: يابن عباس، ما فعل المال؟ فقلت: ها هو يا أمير المؤمنين، وحملته إليه، فقربني ورحب بي. ثم أتاه مناد ومعه سيفه ينادى عليه بسبعه دراهم، فقال: لو كان لي في بيت مال المسلمين ثمن سواك أراك ما بعته، فباعه واشترى قميصا بأربعه دراهم له، وتصيّدق بدرهمين، وأضافني بدرهم ثلاثة أيام. (٢)

فضائل الصحابه عن أبي مطر البصرى: أنه شهد عليا أتى أصحاب التمر وجاريه تبكى عند التمر، فقال: ما شأنك؟ قالت: باعني تمرا بدرهم، فردّه مولاى فأبى أن يقبله. قال: يا صاحب التمر، خذ تمرك وأعطها درهمها؛ فإنها خادم وليس لها أمر، فدفع عليا، فقال له المسلمون: تدرى من دفعت؟ قال: لا، قالوا: أمير المؤمنين! فصبت تمرها، وأعطها درهمها. قال: أحب أن ترضى عني، قال: ما أرضاني عنك إذا أوفيت الناس حقوقهم! (٣)

١- مكارم الأخلاق: ١ / ٢٤٧ / ٧٣٢، بحار الأنوار: ٧٩ / ٣١٠ / ١٤.

٢- مكارم الأخلاق: ١ / ٢٤٩ / ٧٤٠.

٣- فضائل الصحابه لابن حنبل: ٢ / ٦٢١ / ١٠٦٢، ربيع الأبرار: ٤ / ١٥٣ نحوه وراجع المناقب للكوفى: ٢ / ٦٠ / ٥٤٧.

مکارم الأخلاق از وشیکه: علی را دیدم که از بالای نافش لنگی بر بسته ، آن را تا نیمه ساق پایش کشیده ، در دست تازیانه ای برگرفته ، در بازار می گشت و می فرمود: «خدای را پروا کنید و پیمانہ را تمام نھید» ؛ گویی مشغول آموزشِ کودکان بود .

مکارم الأخلاق از عبداللہ بن عباس: آن گاہ کہ ابن عباس از بصرہ بازگشت و ہمراہ مال ، بہ کوفہ درآمد ، امیرالمؤمنین علیہ السلام را دید کہ در بازار ایستادہ ، ندا برآورده است: «ای مردم! از امروز بہ بعد ، ہر کس را بیابیم کہ ماہی سلوری بی فلس ، ماہی در آب مردہ ، و مارماہی بفروشد ، با این تازیانہ نام تازیانہ اش سِتَبِیْتِہ بود مجازات می کنیم» . ابن عباس می گوید: «امام را سلام گفتم ؛ پاسخم داد و فرمود: ابن عباس! مال چہ شد؟ گفتم: ہمین جا است ، ای امیرالمؤمنین! سپس مال را نزد وی بردم ؛ مرا نزدیک خواند و مرحبایم گفت . آن گاہ ، کسی آمد کہ شمشیر وی را ہمراہ داشت و قیمت آن را ہفت درہم اعلان می کرد . امام فرمود: «اگر مرا از بیت المال مسلمانان ، حتی بہ اندازہ بہای درخت مسواکی سہم بود ، شمشیرم را نمی فروختم!» پس آن را فروخت و برای خود پیراہنی بہ چہار درہم خرید و دو درہم را صدقہ داد و مرا تا سہ روز با یک درہم میہمان فرمود» .

فضائل الصّیاحابہ از ابو مطر بصری: وی گواہ بودہ است کہ علی بہ سرای خرمافروشان رفت و کنیزی را دید کہ نزد خرمافروشی می گرید . فرمود: «تو را چہ شدہ است؟» گفت: «او قدری خرما بہ بہای یک درہم بہ من فروخت ؛ اُمّیا صاحب من آن را بازگرداند ، و اینک وی آن را بازپس نمی گیرد» . امام فرمود: «ای صاحب خرما! خرمایت را بگیر و درہم وی را بہ او بازپس دہ ؛ کہ او خدمتکار است و خود اختیاری ندارد» . وی علی را بازپس زد . مسلمانان بہ او گفتند: «می دانی کہ را بازپس زدی؟» گفت «نہ!» گفتند: «او امیرالمؤمنین است» . وی خرمای آن کنیز را بازستاند و درہمش را بازپس داد . [آن گاہ ، بہ امام] گفت: «دوست می دارم کہ از من خشنود باشی» . فرمود: «ہر گاہ حقوق مردم را ادا کنی ، چہ بسیار از تو خشنود می شوم!»

مكارم الأخلاق عن مخنار التمار: كُنت أبيت في مسجد الكوفه، وأنزل في الرحبه، وأكل الخبز من البقال وكان من أهل البصره فخرجت ذات يوم، فإذا رجل يصوت بي: ارفع إزارك؛ فإنه أنقى لتوبك، وأتقى لربك. فقلت: من هذا؟ فقيل: علي بن أبي طالب. فخرجت أتبعه وهو متوجه إلى سوق الإبل، فلما أتاها وقف وقال: يا معشر التجار، إياكم واليمين الفاجرة! فإنها تنفق السلعه، وتمحق البركه. ثم مضى حتى أتى إلى التمارين، فإذا جاريته تبكي على تمار، فقال: ما لك؟ قالت: إني أمه، أرسلني أهلي أبتاع لهم بديرهم تماراً، فلما أتيتهم به لم يرضوه، فرددته فأبى أن يقبله. فقال: يا هذا، خذ منها التمر ورد عليها درهمها، فأبى، فقيل للتمار: هذا علي بن أبي طالب! فقبل التمر، ورد الدرهم على الجاربه، وقال: ما عرفتك يا أمير المؤمنين، فماغفر لي. فقال: يا معشر التجار، اتقوا الله، وأحسنوا مبيعاتكم، يغير الله لنا ولكم. ثم مضى، وأقبلت السماء بالمطر، فعدنا إلى حانوت، فاستأذن، فلم يأذن له صاحب الحانوت ودفعه، فقال: يا قنبر، أخرجته إلي، فعلاه بالدره، ثم قال: ما ضربتك لدفعك إياي، ولكني ضربتك لئلا تدفع مسلماً ضاعيفاً فتكسر بعض أعضائه فيلزمك. ثم مضى حتى أتى سوق الكرابيس، فإذا هو برجل وسيم، فقال: يا هذا، عندك ثوبان بخمسه دراهم؟ فوثب الرجل فقال: يا أمير المؤمنين، عندي حاجتك. فلما عرفه مضى عنه، فوقف على غلام فقال: يا غلام، عندك ثوبان بخمسه دراهم؟ قال: نعم عندي، فأخذ ثوبين؛ أحدهما بثلاثه دراهم، والآخر بديرهمين، فقال: يا قنبر، خذ الذي بثلاثه، فقال: أنت أولى به؛ تصعد المبتى، وتخطب الناس. قال: وأنت شاب ولك شره الشباب، وأنا أستحي من ربي أن أنفضل عليك؛ سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ألبسوهم مما تلبسون، وأطعموهم مما تطعمون. فلما لبس القميص يد يده في ذلك، فإذا هو يفضل عن أصابعه، فقال: اقطع هذا الفضل، فقطعه، فقال الغلام: هلم أكفه، قال: دعه كما هو؛ فإن الأمر أسرع من ذلك. (١)

١- مكارم الأخلاق: ١ / ٢٢٤ / ٦٥٩ وراجع الغارات: ١ / ١٠٥ والمناقب للكوفي: ٢ / ٦٠٢ / ١١٠٣ وفضائل الصحابه لابن حنبل: ١ / ٥٢٨ / ٨٧٨ والمنتخب من مسند عبد بن حميد: ٦٢ / ٩٦ وتاريخ دمشق: ٤٢ / ٤٨٥ و صفة الصفوه: ١ / ١٣٤ و المناقب للخوارزمي: ١٢١ / ١٣٦ والبدايه والنهايه: ٨ / ٤ .

مکارم الأخلاق از مختار تمار: من در مسجد کوفه می خوابیدم و در پیش خان مسجد سکونت داشتم و از بقالی که اهل بصره بود، نان می ستاندم. روزی بیرون شدم و دیدم که مردی مرا می خواند: «لنگ خود را بالا بگیر تا هم لباس پاکیزه تر ماند و هم تقوای پروردگارت را بیش تر مراعات کنی». گفتم: «کیستی؟» فرمود: «علی بن ابی طالب!». پس پشت سر او روان شدم، که به سوی بازار شترفروشان می رفت. وقتی به آن جا رسید، ایستاد و فرمود: «ای بازرگانان! از سوگند ناروا بپرهیزید؛ که آن، کالا را رونق می دهد و [لی] برکت را از میان می برد». سپس حرکت کرد تا به خرمافروشان رسید. در آن جا، کنیزی را دید که نزد خرمافروشی می گیرد. فرمود: «تو را چه شده است؟» گفت: «من کنیزی هستم که خانواده ام مرا فرستادند تا به یک درهم، برایشان خرما بخرم. وقتی آن را نزدشان بردم، نپسندیدند. آن را باز آورده ام، ولی خرمافروش آن را باز نمی ستاند». امام فرمود: «ای مرد! خرما را از او بستان و درهمش را به وی بازگرداند و گفت: «ای امیرالمؤمنین! تو را نشناختم؛ پس علی بن ابی طالب است». پس خرما را پذیرفت و درهم را به جاریه بازگرداند و گفت: «ای امیرالمؤمنین! تو را نشناختم؛ پس از من درگذر!» فرمود: «ای بازرگانان! تقوای خدا را پیشه کنید و خرید و فروش هاتان را نیکو گردانید، تا خداوند ما و شما را بیمارزد». آن گاه روان شد و آسمان نیز باران فرو فرستاد. پس به دگانی نزدیک شد و اجازه ورود خواست. صاحب دگان به وی اجازه نداد و او را عقب راند. فرمود: «ای قنبر! او را نزد من بیاور». امام او را با تازیانه زد و فرمود: «به سبب آن که مرا عقب راندی، تو را نزدم؛ بلکه تو را زدم تا مبادا مسلمان ناتوانی را عقب رانی و یکی از اندام هایش را بشکنی و دیه اش بر عهده تو افتد». سپس به سرای جامه فروشان روان شد و نزد مردی زیاروی آمد و فرمود: «ای مرد! آیا دو جامه به پنج درهم داری؟» مرد از جای برخاست و گفت: «ای امیرالمؤمنین! آن چه می خواهی، نزد من است». امام چون دید که فروشنده وی را شناخته، از او دور شد. سپس به پسری نوجوان رسید و فرمود: «ای نوجوان! آیا دو جامه به پنج درهم داری؟» گفت: «آری؛ دارم». امام دو جامه ستاند، یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم. آن گاه، فرمود: «ای قنبر! جامه سه درهمی را تو بستان!» قنبر گفت: «شما به داشتن آن سزاوارترید؛ چرا که بر منبر فرا می شوید و با مردم سخن می گوید». امام فرمود: «[ولی] تو جوانی و دارای میل جوانی هستی. من از پروردگار خویش شرم دارم که از تو زیادت طلبم. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: [زیردستانان] را از آن چه خود می پوشید، بپوشانید و از آن چه خود می خورید، بخورانید». پس چون پیراهن را پوشید، آستین آن برایش بلند بود و از انگشتانش درگذشت. فرمود: «زیاده آن را بُر» نوجوان آن را برید و گفت: «بیا تا لبه هایش را بدوزم». فرمود: «به همین حال، رهایش کن؛ زیرا مرگ آن قدر زود می رسد که نیازی به این کار نیست!».

تاريخ الطبري عن يزيد بن عدى بن عثمان: رَأَيْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ خَارِجًا مِنْ هَمْدَانَ ، فَرَأَى فِتْنَيْنِ يَقْتَتِلَانِ ، فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا ، ثُمَّ مَضَى ، فَسَمِعَ صَوْتًا : يَا غَوْثًا بِاللَّهِ ! فَخَرَجَ يُحْضِرُ نَحْوَهُ حَتَّى سَمِعْتُ خَفَقَ نَعْلِهِ وَهُوَ يَقُولُ : أَتَاكَ الْعَوْثُ ، فَإِذَا رَجُلٌ يُلَازِمُ رَجُلًا ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، بَعْتُ هَذَا ثُوبًا بِتِسْعَةِ دَرَاهِمٍ ، وَشَرَطْتُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يُعْطِيَنِي مَغْمُوزًا وَلَا مَقْطُوعًا وَكَانَ شَرَطَهُمْ يَوْمَئِذٍ فَأَتَيْتُهُ بِهَذِهِ الدَّرَاهِمِ لِيُبَدِّلَهَا لِي فَأَبَى ، فَلَزِمْتُهُ فَلَطَمَنِي . فَقَالَ : أَبَدِلْهُ ، فَقَالَ : بَيِّنْتِكَ عَلَى اللَّطْمِ ؟ فَأَتَاهُ بِالْبَيْتِ ؛ فَأَقْعَدَهُ ، ثُمَّ قَالَ : دُونَكَ فَاقْتَصَّ ! فَقَالَ : إِنِّي قَدْ عَفَوْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ . قَالَ : إِنَّمَا أُرَدْتُ أَنْ أُحْتَاطَ فِي حَقِّكَ ، ثُمَّ ضَرَبَ الرَّجُلَ تِسْعَ دِرَّاتٍ ، وَقَالَ : هَذَا حَقُّ السُّلْطَانِ . (١)

١- تاريخ الطبري : ٥ / ١٥٦ ، الكامل في التاريخ : ٢ / ٤٤٢ نحوه وفيه «رجلين» بدل «فتنين» .

تاریخ طبری از یزید بن عدی بن عثمان: علی علیه السلام را بیرونِ همدان دیدم که چون دو گروه درگیر را دید، ایشان را از هم جدا کرد و سپس روانه شد تا صدایی شنید: «برای خدا، به یاری ام آیید!» پس به سوی آن شتافت به گونه ای که صدای کفش وی را می شنیدم، در حالی که می فرمود: «یاری رسان تو آمد!» پس مردی را دید که با مردی دیگر درآویخته است. وی گفت: «ای امیرالمؤمنین! به این مرد جامه ای به نه درهم فروختم و با وی شرط کردم که پول معیوب و تکه شده به من ندهد و آن روزگار، چنین شرطی می کردند. اکنون این درهم ها را بازآورده ام تا عوض کند و او سرباز می زند. پس با وی درآویختم و او به من سیلی نواخت». امام فرمود: «درهم ها را برای وی عوض کن!» سپس به آن مرد فرمود: «نشان سیلی کو؟» مرد، نشان را به وی نمایاند. امام او را نشانند و فرمود: «قصاص خود را از او بستان!» گفت: «ای امیرالمؤمنین! از او درگذشتم». فرمود: «همانا من می خواستم در حق تو احتیاط ورزم». سپس نه تازیانه بر آن مرد نواخت و فرمود: «این، حق حاکم است».

انظر : (مستدرک الوسائل : ١٣ / ٢٤٧، أبواب آداب التجاره، الباب ٢٤) .

٦ / ٦ ما يَجِبُ في إنفاقِ الأموالِ العامَّةِ ٦ / ٦ القَسْمُ بِالسَّوِيَّاتِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ حُطْبِهِ لَهُ عِنْدَمَا عُوْتِبَ عَلَى التَّسْوِيَةِ فِي الْفَيْءِ : فَأَمَّا هَذَا الْفَيْءُ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ عَلَى أَحَدٍ أَثَرَةٌ ، قَدْ فَرَّغَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ مِنْ قَسْمِهِ ، فَهُوَ مَالُ اللَّهِ ، وَأَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ الْمُسْلِمُونَ ، وَهَذَا كِتَابُ اللَّهِ ، بِهِ أَقْرَبْنَا ، وَعَلَيْهِ شَهِدْنَا ، وَلَهُ أَسْلَمْنَا ، وَعَهْدُ نَبِيِّنَا بَيْنَ أَظْهَرِنَا ، فَتَيَلَّمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ! فَمَنْ لَمْ يَرْضَ بِهَذَا فَلْيَتَوَلَّ كَيْفَ شَاءَ . (١)

عنه عليه السلام من كتابه إلى مصقله بن هبيرة الشيباني وهو عامله على أردشير خزره : أَلَا وَإِنَّ حَقَّ مَنْ قَبْلَكَ وَقَبْلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي قِسْمِهِ هَذَا الْفَيْءِ سِوَاءٌ ، يَرِدُونَ عِنْدِي عَلَيْهِ وَيَصْدُرُونَ عَنْهُ . (٢)

١- تحف العقول: ١٨٤؛ المعيار والموازنه: ١١٢ وفيه «فليتبولاً» بدل «فليتول»، شرح نهج البلاغه: ٧ / ٤٠ .

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٤٣، بحار الأنوار: ٣٣ / ٥١٦ / ٧١٢ .

۶ / ۶ آن چه در هزینه کردن اموال عمومی واجب است**۶ / ۶ تقسیم برابر**

ر. ک: (مستدرک الوسائل: ۱۳ / ۲۴۷ ، ابواب آداب التجاره ، باب ۲۴).

۶ / ۶ آن چه در هزینه کردن اموال عمومی واجب است ۶ / ۶ - تقسیم برابر امام علی علیه السلام از خطبه وی ، آن گاه که به دلیل برابر تقسیم کردن غنائم ، سرزنش شده بود : و اما این غنیمت ، هیچ کس را در آن بر دیگری برتری نیست . خداوند آن را [میان بندگان] تقسیم فرموده و مال ، از آن او است . شما هم بندگان خدايید و مسلمانيده ؛ و این ، کتاب خدا است که به آن باور داریم و بر آن گواهی داده ایم و با آن اسلام آورده ایم . سنت پیامبرمان نیز پشتوانه ما است . پس خدایتان رحمت آورد! [به حکم خداوند] تسلیم شوید . و هر کس به این شیوه خرسند نیست ، هر گونه می خواهد ، روی گرداند .

امام علی علیه السلام از نامه اش به کارگزار خود در اردشیر خُزّه (۱) به نام مصقله بن هبیره شیبانی : هَلا که حقّ مسلمانان نزد تو و ما در تقسیم این غنیمت برابر است ؛ بر همین مبنا نزد من می آیند [و سهم خود را می گیرند] و باز می گردند .

۱- اردشیر خُزّه از بزرگ ترین مناطق فارس و سرزمینی کهن بوده که اردشیر بابکان آن را بنا کرده و شیراز ، میمند ، و کازرون در آن قرار داشته است (معجم البلدان : ۱ / ۱۴۶).

عنه عليه السلام من كتابه إلى حذيفه بن اليمان وإلى المدائني: أمرتك أن تجبي خراج الأرضين على الحق والنصفه، ولا تتجاوز ما قدمت به إليك، ولا تدع منه شيئا، ولا تبدع فيه أمرا، ثم اقسمه بين أهله بالسوية والعدل. (١)

الاختصاص في بيان خصال الإمام علي عليه السلام وفضائله: القسمة بالسوية، والعدل في الرعيه؛ ولى بيت مال المدينة عمار بن ياسر وأبا الهيثم بن التيهان، فكتب: العربي والقرشي والأنصاري والعجمي وكل من كان في الإسلام من قبائل العرب وأجناس العجم سواء. فأتاه سهل بن حنيف بمولى له أسود، فقال: كم تعطى هذا؟ فقال له أمير المؤمنين عليه السلام: كم أخذت أنت؟ قال: ثلاثة دنانير، وكذلك أخذ الناس. قال: فأعطوا مولاة مثل ما أخذ؛ ثلاثة دنانير. (٢)

الأمالى للطوسى عن إبراهيم بن صالح الأنماطي رفعه: لما أصبح علي عليه السلام بعد البيعه دخل بيت المال، فدعا بمال كان قد اجتمع، فقسّمه ثلاثة دنانير ثلثة دنانير بين من حضر من الناس كلهم. فقام سهل بن حنيف فقال: يا أمير المؤمنين، قد اعتقت هذا الغلام! فأعطاه ثلاثة دنانير؛ مثل ما أعطى سهل بن حنيف. (٣)

١- إرشاد القلوب: ٣٢١، الدرجات الرفيعه: ٢٨٩، بحار الأنوار: ٢٨ / ٨٨ / ٣.

٢- الاختصاص: ١٥٢، بحار الأنوار: ٤٠ / ١٠٧ / ١١٧.

٣- الأمالى للطوسى: ٦٨٦ / ١٤٥٧، المناقب لابن شهر آشوب: ٢ / ١١١ عن مالك بن أوس بن الحدثان وفيه من «قام سهل ..»، بحار الأنوار: ٣٢ / ٣٨ / ٢٤.

امام علی علیه السلام از نامه اش به حذیفه بن یمان ، کارگزارِ مدائن : تو را فرمان می دهم که خراج زمین ها را بر پایه حق و انصاف گردآوری و از آن چه تو را به آن دستور داده ام ، درنگذری و چیزی از آن فرو نگذاری و در آن هیچ بدعتی ننهی . آن گاه ، آن را میان کسانی که شایسته دریافت آنند ، به مساوات و عدالت تقسیم کن!

الاختصاص در بیان ویژگی ها و فضیلت های امام علی علیه السلام در بیان ویژگی ها و فضیلت های امام علی علیه السلام الاختصاص در بیان ویژگی ها و فضیلت های امام علی علیه السلام : تقسیم کردن [اموال عمومی] به مساوات ؛ و عدل ورزیدن میان مردم . وی عتیار بن یاسر و ابوهیثم بن تیهان را بر بیت المال مدینه برگماشت و [به آنان] نوشت: «عرب و قریشی و و انصاری و غیر عرب و هر یک از قبایل عرب و طوایف غیر عرب که مسلمان باشند ، همگی سهمی برابر دارند» . سهل بن حنیف با غلام سیاه خود نزد وی آمد و گفت: «به این غلام چه اندازه [از بیت المال] می دهی؟» امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود: «خود چه اندازه گرفتی؟» گفت: «سه دینار ؛ و دیگر مردم نیز چنین گرفتند» . فرمود: «به غلامش نیز به اندازه وی ، سه دینار بدهید» .

امالی طوسی از ابراهیم بن صالح انماطی در حدیث مرفوع: علی علیه السلام مصبحگاهان روز پس از بیعت ، به بیت المال درآمد و مالی را که گرد آمده بود ، خواست و آن را سه دینار به سه دینار میان همه مردمی که حاضر بودند ، تقسیم فرمود . سهل بن حنیف برخاست و گفت : «ای امیرالمؤمنین! من این غلام را آزاد کردم!» پس به وی نیز سه دینار داد ، همان سان که به سهل بن حنیف داد .

الكافي عن أبو مخنف: أتى أمير المؤمنين صلوات الله عليه رهط من الشيعة ، فقالوا : يا أمير المؤمنين ، لو أخرجت هذه الأموال ففرقتها في هؤلاء الرؤساء والأشراف وفضلتهم علينا ، حتى إذا استوسقت الأمور عُدت إلى أفضل ما عودك الله من القسمة بالسويته ، والعدل في الرعيه!! فقال أمير المؤمنين عليه السلام: أ تأمروني ويحكم! أن أطلب النصير بالظلم والجور في من وليت عليه من أهل الإسلام ؟ ! لا- والله ، لا- يكون ذلك ما سمر السمر وما رأيت في السماء نجما ! والله لو كانت أموالهم مالى لساويت بينهم ، فكيف وإنما هي أموالهم ؟ ! (١)

الغارات عن أبي إسحاق الهمداني: إن امرأتين أتتا عليا عليه السلام عند القسمة ؛ إحداهما من العزب ، والأخرى من الموالى ، فأعطى كل واحد حمة خمس وعشرين درهما وكرا من الطعام . فقالت العزبية : يا أمير المؤمنين ، إنني امرأة من العزب ، وهذه امرأة من العجم ! فقال علي عليه السلام : إنني والله لا أجد ليني إسماعيل في هذا الفء فضلا على بني إسحاق ! (٢)

أنساب الأشراف عن الحارث : كنت عند علي ، فأتته امرأتان فقالتا : يا أمير المؤمنين ، إننا فقيرتان مسكينتان ، فقال : قد وجب حقاكما عليا وعلى كل ذي سعة من المسلمين إن كتما صادقين . ثم أمر رجلا فقال : انطلق بهما إلى سوقنا ، فاشتر لكل واحد منهما كرا من طعام وثلاثة أثواب فذكر رداء أو خمارا وإزارا وأعط كل واحد منهما من عطائي مائة درهم . فلما ولتا، سيفرت إحداهما وقالت: يا أمير المؤمنين، فضلني بما فضلك الله به وشرفك ! قال : وبماذا فضلني الله وشرفني ؟ قالت : برسول الله صلى الله عليه وآله . قال : صدقت ، وما أنت ؟ قالت : أنا امرأة من العزب وهذه من الموالى . قال : فتناول شيئا من الأرض ثم قال : قد قرأت ما بين اللوحين فما رأيت لولد إسماعيل على ولد إسحاق عليهما السلام فضلا ولا جناح بعوضه ! (٣)

١- الكافي : ٤ / ٣١ / ٣ ، تحف العقول : ١٨٥ ، نثر الدر : ١ / ٣١٨ كلاهما نحوه وراجع الأمالي للمفيد : ١٧٥ / ٦ و المناقب لابن شهر آشوب : ٩٥ / ٢ .

٢- الغارات : ١ / ٧٠ وراجع الاختصاص : ١٥١ و السنن الكبرى : ٦ / ٥٦٧ / ١٢٩٩٠ و كنز العمال : ٦ / ٦١٠ / ١٧٠٩٥ .

٣- أنساب الأشراف : ٢ / ٣٧٦ .

الکافی از ابو مخنف: گروهی از پیروان [علی علیه السلام] نزد امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آمدند و گفتند: «ای امیرالمؤمنین! اگر این اموال را برون آورده، نزد این سران و بزرگان تقسیم می کردی و آنان را بر ما برتری می بخشیدی تا کارها به سامان رسد، آن گاه از این حال که خداوندت عادت بخشیده که مال را برابر تقسیم می کنی و میان مردم عدالت را رعایت می نمایی، وضعی بهتر می یافتی!» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «وای بر شما! آیا مرا فرمان می دهید که با ستم و بیدادگری به مسلمانانی که زمامشان را در دست دارم، در پی پیروزی باشم؟ نه، به خدا سوگند! تا همدم شبانه بیدار است و تا آن گاه که در آسمان ستاره ای می بینم [= تا روزگار به پا است] هرگز چنین نخواهد شد. به خداوند سوگند! اگر اموال ایشان از آن من بود، باز آن را میانشان به مساوات تقسیم می کردم؛ چه رسد به این که مال از آن خودشان است!»

الغارات از ابو اسحق همدانی: به هنگام تقسیم اموال، دو زن نزد علی علیه السلام آمدند، یکی عرب و دیگری از غیر عرب. امام به هر یک، بیست و پنج درهم و پیمانه ای خوراک داد. زن عرب گفت: «ای امیرالمؤمنین! من زنی عرب هستم و او غیر عرب!» علی علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! من در این غنایم، برای فرزندان اسماعیل حقی بیش از فرزندان اسحاق نمی بینم.»

انساب الاشراف از حارث: در محضر علی بودم که دو زن نزد وی آمدند و گفتند: «ای امیرالمؤمنین! ما بینوا و مستمندیم.» فرمود: «اگر راست گویند، [ادای حق شما بر ما و هر مسلمان توانگری واجب است]. سپس به مردی فرمان داد: «آن دو را به بازار ما ببر و برای هر یک پیمانه ای خوراک و سه جامه فرمود: بالاپوش، روسری، و جامه پایین تنه بخر و هر یک را از محل بخشش من صد درهم عطا کن!» چون بازگشتند، یکی از آن دو روی بگشود و گفت: «ای امیرالمؤمنین! بر اساس همان فضیلت و شرافتی که خداوند به تو بخشیده، مرا افزون تر عطا کن.» فرمود: «خداوند مرا به چه چیز فضیلت و شرافت بخشیده است؟» گفت: «به [خویشاوندی ات با] رسول خدا صلی الله علیه و آله.» فرمود: «راست می گویی. تو را از این نسبت چه رسد؟» گفت: «من زنی عرب هستم و او زنی است غیر عرب.» [راوی] می گوید: امام قدری خاک از زمین بر گرفت و فرمود: «من در هیچ یک از دو لوح (۱) برای فرزندان اسماعیل علیه السلام بر فرزندان اسحاق علیه السلام فضیلتی، هر چند به قدر بال پشه ای، نیافتم.»

۱- منظور می تواند لوح محو و اثبات و لوح محفوظ باشد و این در واقع تأکید امام علیه السلام بر نفی برتری است.

أنساب الأشراف عن مصعب: كَانَ عَلِيٌّ يَقْسِمُ بَيْنَنَا كُلَّ شَيْءٍ ، حَتَّى يَقْسِمَ الْعُطُورَ بَيْنَ نِسَائِنَا . (١)

أنساب الأشراف عن الحارث: سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ وَهُوَ يَخْطُبُ : قَدْ أَمَرْنَا لِنِسَاءِ الْمُهَاجِرِينَ بَوْرَسٍ وَإِبْرَ . قَالَ : فَأَمَّا الْإِبْرُ فَأَخَذَهَا مِنْ نَاسٍ مِنَ الْيَهُودِ مِمَّا عَلَيْهِمْ مِنَ الْجَزِيَةِ . (٢)

فضاله بن عبد الملك عن كريمه بنت همّام الطائيّه: كَانَ عَلِيٌّ يَقْسِمُ فِيْنَا الْوَرَسَ بِالْكَوْفَةِ . قَالَ فَضَالَهُ : حَمَلْنَاهُ عَلَى الْعِدْلِ مِنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ . (٣)

المناقب لابن شهر آشوب عن حكيم بن أوس: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبْعَثُ إِلَيْنَا بِزِقَاقِ الْعَسَلِ فَيُقْسِمُ فِيْنَا ، ثُمَّ يَأْمُرُ أَنْ يَلْعَقُوهُ . وَأُتِيَ إِلَيْهِ بِأَحْمَالٍ فَأَكَاهَهُ ، فَأَمَرَ بِبَيْعِهَا وَأَنْ يُطْرَحَ تَمَنُّهَا فِي بَيْتِ الْمَالِ . (٤)

١- أنساب الأشراف : ٢ / ٣٧٤ .

٢- أنساب الأشراف : ٢ / ٣٧٤ .

٣- فضائل الصحابه لابن حنبل : ١ / ٥٤٧ / ٩٢٠ ، ذخائر العقبى : ١٩١ ، الرياض النضرة : ٣ / ٢٢١ وفيهما «الطائيّه» بدل «الطائيه»؛ المناقب للكوفي: ٢/٧٧/٥٥٩ عن كريمه بنت عقبه وليس فيه ذيله .

٤- المناقب لابن شهر آشوب : ٢ / ١١١ ، بحار الأنوار : ٤١ / ١١٧ / ٢٤ .

أنساب الأشراف از مصعب: علی هر چیز را میان ما [به مساوات] تقسیم می کرد، حتی عطرها را میان زنانمان .

أنساب الأشراف از حارث: از علی شنیدم که در خطابه ، می گفت: «فرمان داده ایم که به زنانِ مهاجرین ، قرمزدانه [برای رنگ آمیزی جامه] و سوزن داده شود». [حارث] می گوید: و اما سوزن ها را از عده ای یهود ، از باب جزیه ، گرفته بود .

فضاله بن عبدالملک از کریمه طایبه دختر همّام: «در کوفه ، علی میان ما قرمزدانه تقسیم می کرد». فضاله می گوید: «این را نشانه داد گری علی رضی الله عنهدانسته ایم» .

مناقب ابن شهر آشوب از حکیم بن اوس: علی علیه السلام مشک های غسل را برای ما می فرستاد تا میانمان تقسیم شود و سپس دستور می داد که آن را با زبان بگیرند [تا چیزی از آن اسراف نشود]. و [نیز] برایش بارهای میوه می آمد ؛ فرمان می داد که آن را بفروشد و بهایش را در بیت المال بنهند .

تاريخ دمشق عن كليب: قَدِمَ عَلِيٌّ مَالٌ مِنْ أَصْبَهَانَ ، فَقَسَمَهُ عَلَى سَبْعَةِ أَهْلِهِمْ ، فَوَجَدَ فِيهِ رَغِيفًا ، فَكَسَرَهُ عَلَى سَبْعِهِ ، وَجَعَلَ عَلَى كُلِّ قِسْمٍ مِنْهَا كِسْرَةً ، ثُمَّ دَعَا أَمْرَاءَ الْأَشْيَاعِ فَأَقْرَعَ بَيْنَهُمْ ؛ لِيَنْظُرَ أَيُّهُمْ يُعْطَى أَوْلًا . (١)

الغارات عن كليب الجرمي: كُنْتُ عِنْدَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَهُ مَالٌ مِنَ الْجَبَلِ ، فَقَامَ وَقُمْنَا مَعَهُ حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى خَرَبِنْدَجَنَ وَجَمَالِينَ ، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى ازْدَحَمُوا عَلَيْهِ ، فَأَخَذَ جِبَالًا فَوَضَعَهَا بِيَدِهِ وَعَقَدَ بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ ، ثُمَّ أَدَارَهَا حَوْلَ الْمَتَاعِ ، ثُمَّ قَالَ : لَا أَجُلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يُجَاوِزَ هَذَا الْحَبْلَ . فَقَعَدْنَا مِنْ وَرَاءِ الْحَبْلِ . وَدَخَلَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : أَيْنَ رُؤُوسُ الْأَسْبَاعِ ؟ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ ، فَجَعَلُوا يَحْمِلُونَ هَذَا الْجُوالِقِ إِلَى هَذَا الْجُوالِقِ ، وَهَذَا إِلَى هَذَا ، حَتَّى قَسَمَهُ سَبْعَةَ أَجْزَاءٍ . قَالَ : فَوَجِدَ مَعَ الْمَتَاعِ رَغِيفًا ، فَكَسَرَهُ سَبْعَ كِسْرٍ ، ثُمَّ وَضَعَ عَلَى كُلِّ جُزْءٍ كِسْرَةً ، ثُمَّ قَالَ : هَذَا جَنَائِي وَخِيَارُهُ فِيهَا ذِكْرُ كُلِّ جَانٍ يَدُهُ إِلَى فِيهِ قَالَ : ثُمَّ أَقْرَعَ عَلَيْهَا ، فَجَعَلَ كُلُّ رَجُلٍ يَدْعُو قَوْمَهُ ، فَيَحْمِلُونَ الْجُوالِقِ . (٢)

مروج الذهب: انْتَرَعَ عَلِيٌّ أَمْلَاكَ كَانَ عُثْمَانُ أَقْطَعَهَا جَمَاعَةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، وَقَسَمَ مَا فِي بَيْتِ الْمَالِ عَلَى النَّاسِ ، وَلَمْ يُفْضَلْ أَحَدًا عَلَى أَحَدٍ . (٣)

١- تاريخ دمشق: ٤٢٠/٤٧٦ ، فضائل الصحابة لابن حنبل: ١٠٣/٥٤٥ ، الكامل في التاريخ: ٢/٤٤٢؛ الغارات: ١ / ٥١ ، المناقب

لابن شهر آشوب: ٢ / ١١٢ كلها نحوه ، وراجع حليه الأولياء: ٧ / ٣٠٠ .

٢- الغارات: ١ / ٥٢ ، بحار الأنوار: ١٠٠ / ٦٠ / ١٠ .

٣- مروج الذهب: ٢ / ٣٦٢ .

تاریخ دمشق از کلیب: مالی از اصفهان نزد علی آمد. وی آن را هفت بخش کرد. در آن، قرص نانی یافت؛ آن را [هم] هفت تکه ساخت و بر هر یک از آن هفت بخش مال، تکه ای نان نهاد. سپس سران گروه ها را فراخواند و میانشان قرعه انداخت تا در نگرد که نخست به کدام یک عطا کند.

الغارات از کلیب جرمی: نزد علی علیه السلام بودم که از کوهستان مالی برای وی آمد. برخاست؛ و ما نیز همراهش برخاستیم تا به [سرای] خر فروشان و شترفروشان رسیدیم. مردم به سوی او روی آوردند تا آن که گردش ازدحام شد. پس چند ریسمان برگرفت و آن ها را به هم گره زد و آن را گرداگرد کالا کشید. سپس فرمود: «هیچ کس را اجازه نمی دهم که از این ریسمان عبور کند». پس ما آن سوی ریسمان نشستیم. سپس علی علیه السلام درآمد و فرمود: «سران گروه های هفتگانه کجایند؟» ایشان نزد وی آمدند و لنگه های بار را آن قدر کنار هم نهادند تا آن را به هفت قسمت تقسیم کردند.

مروج الذهب: علی، املاکی را که عثمان به گروهی از مسلمانان بخشیده بود، بازپس گرفت و اموال بیت المال را میان مردم تقسیم کرد و هیچ کس را بر دیگری برتری نداد.

مروج الذهب في ذكر حرب الجمل: قبض [عليّ عليه السلام] ما كان في معسكرهم من سلاح ودابّة ومتاع وآله وغير ذلك، فباعه وقسمه بين أصحابه، وأخذ لنفسه كما أخذ لكل واحد ممن معه من أصحابه وأهله وولده؛ خمسمائة درهم. فأتاه رجل من أصحابه فقال: يا أمير المؤمنين، إنني لم آخذ شيئاً، وخلفني عن الحضور كذا وأدلى بعذر فأعطاه الخمسمائة التي كانت له.

(١)

الجمل: ثم نزل عليه السلام [بعد وقعه الجمل] واستدعى جماعة من أصحابه، فمشوا معه حتى دخل بيت المال، وأرسل إلى القراء فدعاهم، ودعا الخزان وأمرهم بفتح الأبواب التي داخلها المال، فلما رأى كثرة المال قال: هذا جناي وخياره فيه ثم قسم المال بين أصحابه، فأصاب كل رجل منهم ستة آلاف ألف درهم وكان أصحابه اثني عشر ألفاً وأخذ هو عليه السلام كأحدِهِمْ. فبينما هم على تلك الحال إذ أتاه آت، فقال: يا أمير المؤمنين، إن اسمي سيقط من كتابك، وقد رأيت من البلاء ما رأيت! فدفع سهمه إلى ذلك الرجل. (٢)

الغارات عن المغيرة الضبي: كان أشرف أهل الكوفة غاشين لعلّي عليه السلام، وكان هواهم مع معاوية؛ وذلك أن علينا كان لا يعطى أحداً من الفئء أكثر من حقه، وكان معاوية بن أبي سفيان جعل الشرف في العطاء ألفي درهم. (٣)

١- مروج الذهب: ٢ / ٣٨٠ وراجع شرح نهج البلاغه: ١ / ٢٥٠.

٢- الجمل: ٤٠٠ وراجع شرح نهج البلاغه: ١ / ٢٥٠.

٣- الغارات: ١ / ٤٤.

مروج الذهب در بیان جنگ جمل: [علی علیه السلام] هر چه را جنگ افزار و چهارپا و کالا و ابزار و جز آن ها در اردوگاه جملیان بود، برگرفت و فروخت و [بهای] آن را میان یارانش تقسیم کرد و برای خود همان قدر برگرفت که برای هر یک از یاران و خویشان و فرزندان برگرفته بود، یعنی پانصد درهم. سپس مردی از یارانش نزد وی آمد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! من سهمی برنداشته ام و فلان عذر مرا از حضور [در هنگام تقسیم بیت المال] بازداشت». امام پانصد درهم سهم خویش را به وی بخشید.

الجمل: [پس از رویداد جمل] علی علیه السلام فرود آمد و شماری از یارانش را فراخواند. ایشان با وی رفتند تا به بیت المال درآمد. سپس در پس قاریان فرستاد و آنان را فراخواند. نیز خزانه داران را خواست و فرمانشان داد تا بیت المال را در بگشایند. چون فراوانی مال را نگریست، فرمود: آن گاه، آن مال را میان یارانش تقسیم فرمود. پس سهم هر یک از ایشان شش هزار درهم شد و یارانش دوازده هزار تن بودند و او، خود، همانند یکی از ایشان سهم برگرفت. هنوز در آن حال بودند که کسی رسید و گفت: «ای امیرالمؤمنین! نام من از دیوان [بیت المال] تو فرو افتاد، حال آن که من به چنان بلایی گرفتار آمدم!» پس وی سهم خود را به آن مرد داد.

الغارات از مغیره ضبّی: اشراف کوفه به علی کین می ورزیدند و به معاویه گرایش داشتند؛ زیرا علی هیچ کس را بیش از حَقّش، از غنایم نمی بخشید، اما معاویه بن ابی سفیان به اشراف دو هزار درهم افزون تر عطا می کرد.

الإمام علي عليه السلام في ذمّ العاصين من أصحابه: أوليس عجباً أنّ معاوية يدعوا الجفاه الطغام فيتبعونه على غير معونه ولا عطاء ، وأنا أدعوكم وأنتم تريكه الإسلام وبقية الناس إلى المعونه أو طائفه من العطاء فتفرقون عني وتختلّفون عليّ؟! (١)

عنه عليه السلام في قوم من أهل المدينة لحقوا بمعاوية: قد عرفوا العدل ورأوه، وسيمعوه ووعوه، وعلموا أنّ الناس عندنا في الحق أسوة، فهربوا إلى الأثره، فبعدا لهم وسحقاً! (٢)

١- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٠، الغارات: ١ / ٢٩١؛ تاريخ الطبرى: ٥ / ١٠٧ عن عبد الله بن فقيم، البدايه والنهايه: ٧ / ٣١٦ كلها نحوه.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٧٠، خصائص الأئمه عليهم السلام: ١١٣ وفيه من «وعلموا...»، بحار الأنوار: ٣٣ / ٥٢١ / ٧١٤؛ أنساب الأشراف: ٢ / ٣٨٦ وفيه من «وعلموا...».

امام علی علیه السلام در نکوهش یاران سرکش خود: آیا مایه شگفتی نیست که معاویه سرکشان بی سر و پا را فرا می خواند و آنان بدون دریافت کمک و بخشش، او را پیروی می کنند، و من شما را که باقی مانده [امت] اسلام و بازمانده مردمید، دعوت می کنم و کمک و بخشش می دهم، اما از گرد من پراکنده می شوید و از من سرپیچی می کنید؟!!

امام علی علیه السلام درباره گروهی از مردم مدینه که به معاویه پیوستند: عدل را شناختند و آن را دیدند و شنیدند و دریافتند؛ و دانستند که نزد ما، مردم در [گرفتن] حق برابرند، اما به سوی منافع خود گریختند. پس از رحمت خداوند دور باشند و هلاکت از آن ایشان باد!

درنگی در شیوه توزیع اموال عمومی در صدر اسلام

درنگی در شیوه توزیع اموال عمومی در صدر اسلام در متون روایی، عنوان «بیت المال» اصطلاحی است عام، شامل همه درآمدهای عمومی مسلمانان که در تصرف حکومت اسلامی است. از رهگذر نگرشی فراگیر به روایات، روشن می شود که درآمدهای بیت المال به دو گونه مصرف می شده است: ۱. در مصارف عمومی که عنوان معین داشتند، مانند کمک به فقیران و ینویان و ناتوانان و خانواده های شهدا؛ و پرداختی کارگزاران بیت المال و قاضیان و لشکریان؛ و هزینه های آموزش و بهداشت؛ و پرداخت بدهی و امداران و دیه های کشتگان بدون پردازنده دیه؛ و مخارج عمرانی و جز آن ها. ۲. تقسیم مقدار افزون؛ یعنی پس از آن که سهم دسته های مزبور از بیت المال پرداخت شد، مقدار افزون میان همه مسلمانان تقسیم می گردد. روایات، این بخش را حق همگانی افراد از بیت المال می شمارند. در دیدگاه اسلامی، توزیع صحیح بیت المال بر دو پایه اصلی استوار است: ۱. رعایت عدالت در تقسیم بیت المال: اسلام برای عدالت اقتصادی در توزیع ثروت های عمومی، دو معیار اصلی قائل است:

یکی: اولویت داشتن تأمین اجتماعی و توجه کردن به طبقات محروم و ضعیف جامعه و کوشش برای بهبود وضع ایشان. و دیگر: رعایت برابری در حقوق همطراز. آن گاه که روش امام علی علیه السلام در توزیع اموال را بررسی می کنیم، روشن ترین مصداق های این دو معیار را در آن می بینیم؛ چه در نامه های وی به کارگزارانش می نگریم که همواره بر اختصاص بخشی از منابع بیت المال به طبقات محروم و دارای درآمد محدود تأکید می فرماید و بسیار سفارش می کند که امتیازات موهوم و اجحاف آور برچیده شود و حقوق همگان، از نزدیک و دور، عرب و غیر عرب، زن و مرد، مسلمان با پیشینه و تازه مسلمان، به تساوی پرداخت گردد. بدین سان، وی برای عدالت خواهان تصویری تابناک از عدالت انسانی ترسیم می کند. ۲. دربند نکشیدن حقوق همگانی و شتاب ورزیدن در هزینه کردن بیت المال: به رغم تأکید اسلام بر لزوم میانه روی در هزینه اموال و برنامه ریزی مناسب در این امر و نیز به اندازه مصرف کردن، می بینیم که دربند کشیدن حقوق عمومی بدون توجه مناسب به شدت نکوهیده گشته و شتاب ورزیدن در هزینه کردن بیت المال سفارش شده است. آن گاه که این دو ویژگی را لحاظ کنیم، می توانیم شیوه صحیح مصرف اموال بیت المال را به این گونه بیان نماییم: هر گاه بخشی از درآمد برای صرف در موارد خاص نگهداری شود و به این ترتیب، هم درآمد و هم مصرف به حال درآمد، دیگر نگهداری مال از نوع تنگ گرفتن و ذخیره سازی بیجا است که روایات آن را نهی کرده اند و حتی پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله آن قدر به این مبنا توجه

داشته است که هر گاه اندکی مال در بیت المال باقی می ماند ، که باید به مستحقان می رسیده ، آثار اندوه بر چهره مبارکش ظاهر می شده است . امّا در روزگار عمر ، آن گاه که درآمد بیت المال به صورتی بی سابقه افزایش یافت ، حکومت به تأسیس بیت المال و دیوان روی آورد . بدین سان ، درآمدها در بیت المال گرد می آمد و در طول سال ذخیره سازی می شد و در پایان سال ، به شکل فردی میان همه مسلمانان تقسیم می گشت . چون امام امیرالمؤمنین علیه السلام خلافت را عهده دار گشت ، این شیوه را کنار نهاد و همان روش پیامبر صلی الله علیه و آله را در پیش گرفت . خودداری وی از تأخیر در تقسیم بیت المال حتّی برای یک شب ، و تأکید بر توزیع همه بیت المال ، آشکارا دلالت می کند که او به پرهیز از ذخیره سازی بیجا ، بسیار اهتمام داشته است .

٦ / ٦ - تأمين الحاجات الأساسيه للجميع الإمام على عليه السلام: ما أصبح بالكوفه أحد إلا ناعما؛ إن أدناهم منزله ليأكل من البر، ويجلس في الظل، ويشرب من ماء الفرات! (١)

عنه عليه السلام من كتابه إلى قثم بن العباس: أنظر إلى ما اجتمع عندك من مال الله فأصرفه إلى من قبلك من ذوى العيال والمجاعة، موصيا به مواضع الفاقه والخلات، وما فضل عن ذلك فأحمله إلينا لنقسمه في من قبلنا. (٢)

عنه عليه السلام فى عهدِهِ إلى مالِكِ الأَشْتَرِ: ثُمَّ اللهُ اللهُ فى الطَّبَقِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لا- حِيلَةَ لَهُمْ؛ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى؛ فَإِنَّ فى هَذِهِ الطَّبَقِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا، وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقِسْمًا مِنْ غَلَّتِ صَوَافِي الْإِسْلَامِ فى كُلِّ بَلَدٍ؛ فَإِنَّ لِلْأَفْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِى لِلْأَدْنَى، وَكُلُّ قَدٍ اسْتُرَعِيَتْ حَقُّهُ. فَلَا يَشْغَلَنَّكَ عَنْهُمْ بَطْرٌ؛ فَإِنَّكَ لا تُعْذِرُ بِتَضْيِيعِكَ التَّافَةَ لِأَحْكَامِكَ الْكَثِيرِ الْمُهِمِّ، فَلَا تُشْخِصْ هَمَّكَ عَنْهُمْ، وَلا تُصْعِرْ خَدَّكَ لَهُمْ. وَتَفَقَّدْ أُمُورَ مَنْ لا- يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مِمَّنْ تَفْتَحُمُهُ الْعُيُونُ وَتَحْقِرُهُ الرِّجَالُ، فَفَرِّغْ لِأَوْلِيَّكَ ثِقَتِكَ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالتَّوَاضُّعِ. فَلْيَرْفَعْ إِلَيْكَ أُمُورَهُمْ، ثُمَّ اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ؛ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ مِنْ بَيْنِ الرَّعِيَّةِ أَحْوَجُ إِلَى الْإِنْصَافِ مِنْ غَيْرِهِمْ، وَكُلُّ فَاْعِذِرْ إِلَى اللَّهِ فى تَأْدِيبِهِ حَقُّهُ إِلَيْهِ. وَتَعَهَّدْ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَذَوَى الرَّقَّةِ فى السَّنِّ مِمَّنْ لا- حِيلَةَ لَهُ، وَلا- يَنْصَبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ، وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ ثَقِيلٌ، وَالْحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ. (٣)

١- فضائل الصحابه لابن حنبل: ١ / ٥٣١ / ٨٨٣، المصنّف لابن أبى شيبة: ٨ / ١٥٧ / ١٥، كلاهما عن عبد الله بن سخره، كنز

العمّال: ١٤ / ١٧٢ / ٣٨٢٧٦ نقلًا عن هناد؛ المناقب لابن شهر آشوب: ٢ / ٩٩، بحار الأنوار: ٤٠ / ٣٢٧.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ٦٧، بحار الأنوار: ٣٣ / ٤٩٧ / ٧٠٢.

٣- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣ وراجع دعائم الإسلام: ١ / ٣٦٦.

۶ / ۲۶ تأمین نیازهای اساسی همگان

۶ / ۶ - ۲ تأمین نیازهای اساسی همگان امام علی علیه السلام: [در دوران حکومت من] هیچ کس در کوفه شب را به روز نمی رساند، مگر این که زندگی آسوده ای دارد. فروپایه ترین مردم نان گندم می خورد، سایبانی دارد، و آب گوارا می نوشد.

امام علی علیه السلام از نامه اش به قثم بن عباس: در آن چه از مال خداوند نزدت گرد آمده، بنگر؛ و آن را برای عیالواران و گرسنگان اطراف خود صرف کن تا آن را در جهت رفع فقر و نیاز مصرف نمایی. و هر چه را باقی ماند، به سوی ما بفرست تا میان آنان که اطراف مایند، تقسیم کنیم.

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر: سپس خدای را، خدای را [پروا کن] درباره طبقه پایین از آنان که چاره ای ندارند، یعنی مستمندان و نیازمندان و بینوایان و زمین گیران. همانا در این طبقه هم نیازمندی است که نیازش را ابراز نمی کند و هم نیازمندی است که نیازش را ابراز می کند. برای رضای خدا، حقوق ایشان را که خداوند از تو خواسته، حفظ کن و برای آنان سهمی از بیت المال خویش و غلات زمین های متروک مسلمانان در هر سرزمین قرار ده. دورترین آنان همان اندازه سهم دارد که نزدیک ترین ایشان؛ و از تو خواسته شده که حق همه را ادا کنی. پس مبادا سرخوشی، تو را از کار آنان غافل کند؛ که پرداختن به کار بزرگ مهم تو را برای تباه کردن کار کوچک معذور نمی سازد. پس اهتمام خویش را از ایشان بازگیر و از آنان روی برمتاب! و به کارهای آن کس که به تو دسترس ندارد، پرداز؛ همان که چشم ها خویش می شمارند و مردم کوچکش می پندارند. فردی قابل اعتماد و خداترس و فروتن را کارگزار امور اینان کن تا کارهاشان را به تو گزارش کند. پس با ایشان چنان رفتار کن که روز دیدارت با خداوند نزد وی معذور باشی؛ که از میان مردم این گروه بیش از دیگران نیازمند انصافند؛ و [البته] حقوق همگان را چنان ادا کن که نزد خداوند عذرت پذیرفته باشد. و رسیدگی به یتیمان و سالخوردهگان بی چاره را که دست نیاز پیش کس دراز نکنند، بر عهده گیر. و این بر حاکمان سنگین است؛ و حق، سراسر، سنگین می نماید.

عنه عليه السلام في عهده إلى مالِكِ الأَشْتَرِ (في روايه تحف العقول): وَتَعَهَّدَ أَهْلَ الْيَتِيمِ وَالزَّمَانَةَ وَالرَّقَّةَ فِي السَّنِّ مِمَّنْ لَا حِيلَةَ لَهُ ، وَلَا يَنْصَبُ لِلْمَسْأَلَةِ نَفْسَهُ ، فَأَجْرَ لَهُمْ أَرْزَاقاً ، فَأَيُّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ ؛ فَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِتَخَلُّصِهِمْ وَوَضَعِهِمْ مَوَاضِعَهُمْ فِي أَقْوَامِهِمْ ، وَحُقُوقِهِمْ ؛ فَإِنَّ الْأَعْمَالَ تُخْلَصُ بِصِدْقِ التِّيَّاتِ . ثُمَّ إِنَّهُ لَا تَسْكُنُ نَفُوسُ النَّاسِ أَوْ بَعْضُهُمْ إِلَى أَنَّكَ قَدْ قَضَيْتَ حُقُوقَهُمْ بِظَهْرِ الْغَيْبِ دُونَ مُشَافَهَتِكَ بِالْحَاجَاتِ ، وَذَلِكَ عَلَى الْوَالِدِ ثَقِيلٌ ، وَالْحَقُّ كُلُّهُ ثَقِيلٌ ؛ وَقَدْ يُخَفِّفُهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَلَبُوا الْعَاقِبَةَ فَصَبَرُوا نَفُوسَهُمْ ، وَوَثِقُوا بِصِدْقِ مَوْعِدِ اللَّهِ لِمَنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ ، فَكُنْ مِنْهُمْ ، وَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ . (١)

عنه عليه السلام في عهده إلى مالِكِ الأَشْتَرِ ، وَهُوَ فِي بَيَانِ طَبَقَاتِ النَّاسِ : إِعْلَمْ أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ . . . ثُمَّ الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْمَسْكَنَةِ الَّذِينَ يَحِقُّ رِفْدُهُمْ وَمَعُونَتُهُمْ ، وَفِي اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٍ ، وَلِكُلِّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يُصْلِحُهُ . (٢)

١- تحف العقول : ١٤١ .

٢- نهج البلاغه : الكتاب ٥٣ ، تحف العقول : ١٣٢ وفيه «في فيء الله» بدل «في الله» ، وراجع دعائم الإسلام : ٣٥٧١ .

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر طبق روایت تحف العقول: و رسیدگی به حال یتیمان و زمین گیران و سالخوردگان بیچاره را که پیش کسی دست دراز نمی کنند، بر عهده گیر و روزی شان را جاری کن، که ایشان بندگان خدایند؛ پس با مدد رسانی به ایشان و تأمین روزی و ادای حقوقشان به اندازه لازم، به خداوند نزدیکی بجوی، که کارها با پاکی نیت ها خلوص می یابند. و همانا دل های همه مردم یا برخی از آن ها، به این که پنهانی نیازهاشان را برآوری، بدون آن که نیازهاشان را در حضور تو واگویند، آرام نمی گیرد. و این بر حاکمان سنگین است؛ و حق، سراسر، سنگین می نماید؛ ولی خداوند آن را برای کسانی که خواهان عاقبت [نیک] هستند و خود را به شکیبایی و می دارند و به وعده خدا درباره صابران و جویندگان خشنودی پروردگار اعتماد می ورزند، سبک می کند. پس از جمله آنان باش و از خداوند یاری بخواه!

امام علی علیه السلام در عهدنامه اش به مالک اشتر، ضمن بیان طبقات مردم: بدان که مردم چند طبقه اند... سپس طبقه فرودین از نیازمندان و مستمندانند که نیکی به ایشان و یاری دادنشان سزاوار است و خداوند را برای هر یک از این طبقات گشایشی است و هر یک را تا حدی که کارش سامان یابد، بر زمامدار حقی است.

عنه عليه السلام مِنْ كِتَابِهِ إِلَى بَعْضِ عُمَّالِهِ ، وَقَدْ بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَةِ : إِنَّ لَكَ فِي هَذِهِ الصَّدَقَةِ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ، وَحَقًّا مَعْلُومًا ، وَشُرَكَاءَ أَهْلِ مَسْكَنِهِ ، وَضَمًّا عَفَاءَ ذَوِي فَاقِهِ . وَإِنَّا مُؤَفِّوكَ حَقِّكَ ، فَوَفِّهِمْ حُقُوقَهُمْ ؛ وَإِلَّا تَفَعَّلْ فَإِنَّكَ مِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ خُصُومًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَبُؤْسَى لِمَنْ خَصَمَهُ عِنْدَ اللَّهِ الْفُقَرَاءَ وَالْمَسَاكِينَ ، وَالسَّائِلُونَ وَالْمَدْفُوعُونَ ، وَالْغَارِمُونَ وَابْنُ السَّبِيلِ ! (١)

تهذيب الأحكام عن محمد بن أبي حمزة عن رجل بلغ به أمير المؤمنين عليه السلام : مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا هَذَا ؟ فَقَالُوا : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، نَصْرَانِيٌّ ! قَالَ : فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ ؟ ! أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ . (٢)

دعائم الإسلام : إِنَّهُ [أَيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ] أَوْصَى مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمِ الْأَزْدِيَّ وَقَدْ بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِوَصِيَّتِهِ طَوِيلَةٍ أَمَرَهُ فِيهَا بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّهِ ، فِي سِرَائِرِ أُمُورِهِ وَخَفِيَّاتِ أَعْمَالِهِ ، وَأَنْ يَلْقَاهُمْ بِسَطِّ الْوَجْهِ ، وَلِيَنِ الْجَانِبِ . وَأَمَرَهُ أَنْ يَلْزِمَ التَّوَاضُعَ ، وَيَجْتَنِبَ التَّكْبَرَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ الْمُتَوَاضِعِينَ وَيَضَعُ الْمُتَكَبِّرِينَ . ثُمَّ قَالَ لَهُ : يَا مِخْنَفَ بْنَ سُلَيْمِ ، إِنَّ لَكَ فِي هَذِهِ الصَّدَقَةِ نَصِيبًا وَحَقًّا مَفْرُوضًا ، وَلَكَ فِيهِ شُرَكَاءُ : فُقَرَاءٌ ، وَمَسَاكِينٌ ، وَغَارِمِينَ ، وَمُجَاهِدِينَ ، وَأَبْنَاءَ سَبِيلٍ ، وَمَمْلُوكِينَ ، وَمُتَأَلِّفِينَ . وَإِنَّا مُؤَفِّوكَ حَقِّكَ ، فَوَفِّهِمْ حُقُوقَهُمْ ؛ وَإِلَّا فَإِنَّكَ مِنْ أَكْثَرِ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خُصَمَاءَ ، وَبُؤْسَى لِأَمْرِيٍّ أَنْ يَكُونَ خَصَمَهُ مِثْلَ هَؤُلَاءِ ! (٣)

١- نهج البلاغه : الكتاب ٢٦ .

٢- تهذيب الأحكام : ٦ / ٢٩٣ / ٨١١ .

٣- دعائم الإسلام : ١ / ٢٥٢ ، بحار الأنوار : ٩٦ / ٨٥ / ٧ .

امام علی علیه السلام در نامه اش به یکی از کارگزارانش که وی را برای گرفتن زکات فرستاده بود: تو را در این زکات ، بهره ای معین و حقی معلوم است و شریکانی مستمند داری و ناتوانانی نیازمند [که در آن ، با تو شریکند] . ما حقّ تو را سراسر می پردازیم ؛ پس تو [نیز] حقوق ایشان را یکسره ادا کن ؛ و گرنه ، روز قیامت از کسانی هستی که بیش ترین دادخواه را دارند . و بدا به حال کسی که دشمنش نزد خدا ، فقیران و مستمندان و نیازخواهان و رانده شدگان و وامداران تهیدست و در راه ماندگان باشند!

تهذیب الأحکام از محمّد بن ابی حمزه از مردی که این خبر را از امیرالمؤمنین علیه السلام دریافته است: پیرمردی نابینا که در یوزگی می کرد ، برگذشت . امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «این کیست؟» گفتند: «ای امیرالمؤمنین! او یک مسیحی است» . [راوی] گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «او را به کار گرفتید تا پیر و ناتوان شد ؛ آن گاه ، بازش داشتید؟ از بیت المال به وی انفاق کنید» .

دعائم الإسلام: علی علیه السلام در سفارشی بلند به مخنف بن سلیم آزدی ، آن گاه که برای گردآوری زکات می فرستادش ، او را فرمان داد که تقوای پروردگار خداوندش را در امور نهانی و کارهای پنهانش پیشه کند و با مردم به گشاده رویی و نرم خویی روبه رو شود . و [نیز] به او دستور داد که فروتنی پیش گیرد و از بزرگی فروختن دوری گزیند ؛ که همانا خدای فروتنان را فرا برمی کشد و بزرگی فروشان را فرو می اندازد . سپس به وی فرمود: «ای مخنف بن سلیم! همانا تو را در این زکات ، بهره و حقی معین است . و تو در آن شریکانی داری : فقیران ، مستمندان ، وامداران تهیدست ، جهادگران ، در راه ماندگان ، بردگان ، و نواخته دلان [تا به اسلام روی آورند] . به راستی ، ما حقّ تو را سراسر ادا می کنیم ؛ پس تو هم حقوق ایشان را کاملاً ادا کن ؛ و گرنه ، از کسانی خواهی بود که در روز قیامت بیش ترین دادخواه را دارند ؛ و بدا به حال کسی که دادخواهش کسی چون اینان باشد!

الكافي عن حبيب بن أبي ثابت: جاء إلى أمير المؤمنين عليه السلام غسل وتين من همدان وحلوان ، فأمر العرفاء أن يأتوا باليتامى ، فأمكنهم من رؤوس الأزقاق يلعقونها وهو يقسمها للناس قَدْحًا قَدْحًا ، فقيل له : يا أمير المؤمنين ، ما لهم يلعقونها؟! فقال : إن الإمام أبو اليتامى ، وإنما ألعقتهم هذا برعايه الآباء . (١)

ربيع الأبرار عن أبي الطفيل: رأيت عليًا كرم الله وجهه يدعو اليتامى فيطعمهم العسل ، حتى قال بعض أصحابه : لو ددت أني كنت يتيمًا! (٢)

أنساب الأشراف عن الحكم: شهدت عليًا وأتى بزقاق من عسل ، فدعا اليتامى وقال : دَبُّوا وَالْعَقْوَا ، حتى تَمَيَّتْ أني يتيم! فقسّمه بين الناس وبقي منه زق ، فأمر أن يسقاه أهل المسجد . (٣)

المناقب لابن شهر آشوب: نظرت عليًا إلى امرأه على كنفها قرب ماء ، فأخذ منها القربة فحملها إلى موضعيها ، وسألها عن حالها فقالت : بعث علي بن أبي طالب صاحبى إلى بعض الثغور فقتل ، وترك علي صبيانا يتامى ، وليس عندي شيء ؛ فقد ألبتني الضرورة إلى خدمة الناس . فأنصرفت وبات ليلته قلنا ، فلما أصبح حمل زنبيلًا فيه طعام ، فقال بعضهم : أعطني أحمله عنك ، فقال : من يحمل وزري عني يوم القيامة؟! فأتى وقرع الباب ، فقالت : من هذا؟ قال : أنا ذلك العبد الذي حمل معك القربة ، فافتحى فإن معي شئنا للصبيان ؛ فقالت : رضى الله عنك وحكم بيني وبين علي بن أبي طالب! فدخل وقال : إنى أحببت اكتساب الثواب فاخترى بين أن تعجنين وتخزين ، وبين أن تعللين الصبيان لأخبز أنا ، فقالت : أنا بالخبز أبصير وعليه أقدّر ، ولكن شأئك والصبيان ؛ فعللهم حتى أفرغ من الخبز . فعمدت إلى الدقيق فعجنته ، وعمد علي عليه السلام إلى اللحم فطبخه ، وجعل يلقم الصبيان من اللحم والتمر وغيره ، فكلما ناول الصبيان من ذلك شئنا قال له : يا بنى ، اجعل علي بن أبي طالب في حل مما مر في أمرك . فلما اختمر العجين قالت : يا عبد الله ، سجر الثور ، فبادر لسجره ، فلما أشعله ولفح في وجهه جعل يقول : ذق يا علي! هذا جزاء من ضيع الأراميل واليتامى . فرأته امرأة تعرفه فقالت : ويحك! هذا أمير المؤمنين . قال : فبادرت المرأة وهي تقول : وا حياى منك يا أمير المؤمنين! فقال : بل وا حياى منك يا أمه الله في ما قصرت في أمرك! (٤)

١- الكافي : ١ / ٤٠٦ / ٥ ، بحار الأنوار : ٤١ / ١٢٣ / ٣٠ .

٢- ربيع الأبرار : ٢ / ١٤٨ ، المعيار والموازنه : ٢٥١ نحوه ؛ المناقب لابن شهر آشوب : ٢ / ٧٥ .

٣- أنساب الأشراف : ٢ / ٣٧٣ .

٤- المناقب لابن شهر آشوب : ٢ / ١١٥ ، بحار الأنوار : ٤١ / ٥٢ .

الکافی از حبیب بن ابی ثابت: مقداری عسل و انجیر از هَمَیْذَان و حُلْوَان (۱) برای امیرالمؤمنین علیه السلام رسید. وی به سرکردگان قبایل و گروه‌ها فرمان داد که یتیمان را بیاورند. سپس در حالی که آن را کاسه به کاسه میان مردم تقسیم می‌فرمود، اجازه داد که یتیمان از سرِ مَشْکِها آن را با زبان بگیرند. به او گفته شد: «ای امیرالمؤمنین! چرا یتیمان آن را با زبان برمی‌گیرند؟» فرمود: «امام پدر یتیمان است. تنها به آن سبب این کار را کردم که همچون پدران رعایت حالشان کرده باشم».

ربیع‌الابرار از ابوالطفیل: علی خدایش سرافراز کناد! را دیدم که یتیمان را فرا می‌خواند و به ایشان عسل می‌خوراند؛ چندان [به آنان مهر می‌ورزید] که یکی از یارانش گفت: «هر آینه آرزو دارم من هم یتیم می‌بودم».

انساب‌الاشراف از حکم: علی را دیدم که چند مَشْکِ عسل برایش آوردند. یتیمان را فراخواند و فرمود: «بر زمین بخزید و با زبان [از این عسل‌ها] بگیرید»؛ چندان [از این رویداد شعف زده شدم] که آرزو کردم کاش یتیم بودم! سپس آن را میان مردم تقسیم فرمود. مَشْکِ باقی ماند؛ فرمود تا آن را به اهل مسجد بنوشانند.

المناقب از آن ابن شهر آشوب: علی زنی را دید که مَشْکِ آبی بر شانه داشت. مَشْکِ را از وی گرفت و آن را تا جای خود حمل کرد. سپس از حال آن زن پرسید. زن گفت: «علی بن ابی طالب همسر مرا به یکی از نقاط مرزی فرستاد و وی کشته شد و کودکان یتیم را برایم به جا نهاد، در حالی که من بی چیز مانده‌ام و ناچار شده‌ام که برای مردم خدمتکاری کنم». علی بازگشت و شب را در اضطراب به سر بُرد. صبحگاهان انبانی خوراک برداشت. یکی از یارانش گفت: «آن را به من ده تا برایت حمل کنم». گفت: «روز قیامت، چه کس بار مرا برایم حمل خواهد کرد؟» سپس [به خانه زن] رسید و در زد. زن گفت: «کیست؟» گفت: «همان بنده‌ای هستم که مَشْکِ را برایت آورد. در بگشا؛ که همراهم چیزی برای کودکان است». زن گفت: «خدای از تو خشنود باشد و میان من و علی بن ابی طالب داوری کند!». علی به درون رفت و گفت: «من دوست می‌دارم پاداش برم؛ پس یا آرد را خمیر کن و نان پز و یا کودکان را مشغول دار تا من نان پزم». زن گفت: «من به نان پختن آشناتر و تواناترم؛ امّا تو می‌توانی کودکان را نگاه داری. پس تو به کودکان پرداز تا من از نان پختن آسوده شوم». سپس زن به کار آرد پرداخت و آن را خمیر کرد و علی گوشت را پخت و از گوشت و خرما و جز آن برای آن کودکان لقمه برگرفت. پس هر گاه به کودکی چیزی می‌داد، به وی می‌گفت: «فرزندم! علی بن ابی طالب را به سبب آن چه درباره تو روا داشته، حلال کن!» و چون خمیر برآمد، زن گفت: «ای بنده خدا! تنور را برافروز!» علی به افروختن تنور پرداخت و آن گاه که تنور شعله کشید و صورتش را گداخت، گفت: «ای علی! بچش. این است جزای کسی که بیوگان و یتیمان را رها کرده است!» پس زنی که علی را می‌شناخت، او را دید و گفت: «وای بر تو! این امیرالمؤمنین است». [راوی] گفت: پس زن پیش شتافت و گفت: «ای امیرالمؤمنین! بسی شرمسار تو هستم». و علی گفت: «بلکه من شرمسار توام ای کنیز خدا! به سبب کوتاهی‌ای که در کار تو روا داشتم».

۱- حُلوان شهری است کهن در غرب ایران که عرب ها آن را به سال ۶۴۰ م . فتح کردند؛ سلجوقی ها در ۱۰۴۶ م. سوزاندند؛ و زلزله در ۱۱۴۹ م. یکسره ویرانش کرد (المنجد فی الاعلام : ۲۵۷).

كشفت اليقين: رُوي أنه [أى علياً عليه السلام] اجتاز ليلة على امرأه مسكينه لها أطفال صغار يَبكون من الجوع ، وهي تُشاغلهم وتلهيهم حتى يناموا ، وكانت قد أشعلت نارا تحت قِدرٍ فيها ماءٌ لا- غيرُ ، وأوهمتهم أن فيها طعاما تطبخه لهم ، فعرف أمير المؤمنين عليه السلام حالها ، فمشى عليه السلام ومعه قِبرٌ إلى منزله ، فأخرج قوصيرةَ تمرٍ وجرابَ دقيقٍ وشيئا من الشحم والأرز والخبز ، وحمله على كتفه الشريف ، فطلب قنبرَ حملةً ، فلم يفعل . فلما وصَلَ إلى بابِ المرأةِ استأذنَ عليها ، فأذنت له في الدخول ، فأرمى شيئا من الأرز في القدرِ ومعه شيءٌ من الشحم ، فلما فرغ من نضجه عرفه للصغار وأمرهم بأكله ، فلما شبعوا أخذ يطوف بالبيت ويبيع لهم ، فأخذوا في الضحك . فلما خرج عليه السلام قال له قنبرٌ : يا مولاي ، رأيت الليلة شيئا عجيبا قد علمت سببَ بعبه ؛ وهو حملك للزاد طلبا للتواب ، أما طوافك بالبيت على يديك ورجليك والبعبه فما أدرى سبب ذلك ! فقال عليه السلام : يا قنبرُ ، إني دخلت على هؤلاء الأطفال وهم يَبكون من شدة الجوع ، فأحببت أن أخرج عنهم وهم يضحكون مع الشبع ، فلم أجد سببا سوى ما فعلت . (١)

کشف الیقین: روایت شده است که علی علیه السلام شبی بر زنی بینوا برگذشت. زن کودکانی کوچک داشت که از گرسنگی می گریستند و او ایشان را سرگرم و مشغول می ساخت تا بخوابند و زیر ظرفی که تنها در آن آب بود، آتش برافروخته بود تا ایشان را بدین خیال اندازد که در آن ظرف غذایی برایشان می پزد. امیرالمؤمنین علیه السلام حال وی را دریافت؛ پس در راه شد و همراه قنبر به خانه باز آمد. آن گاه، ظرفی خرما، کیسه ای آرد، و قدری گوشت و برنج و نان برگرفت و بر دوش مبارکش کشید. قنبر اجازه خواست که آن را حمل کند، ولی امام نپذیرفت. چون علی علیه السلام به در خانه آن زن رسید، از او رخصت خواست و وی اجازه داخل شدن داد. علی علیه السلام مقدری برنج را همراه مقداری گوشت درون دیگی نهاد و آن گاه که از پختن آن فراغت یافت، آن را نزد کودکان آورد و خواست که بخورند. چون سیر شدند، گرد اتاق به چرخش درآمد و برایشان صدای گوسفند درآورد و آنان به خنده افتادند. آن گاه که علی علیه السلام برون آمد، قنبر به وی گفت: «مولای من! امشب چیزی شگفت دیدم که دلیل بخشی از آن را دانستم؛ و آن، توشه بردنت در جست و جوی پاداش [خداوند] بود. اما بر دست و پا چرخیدنت پیرامون اتاق و صدای گوسفند درآوردنت را سبب ندانستم». فرمود: «ای قنبر! من نزد این کودکان رفتم، در حالی که از شدت گرسنگی می گریستند. پس خواستم تا در حالی از نزد آنان خارج شوم که در حال سیری بخندند. و [برای این منظور] دستاویزی جز آن چه کردم، نیافتم».

٦ / ٣٦ التَّقَشُّفُ وَالِاحْتِيَاظُ بِالْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ إِلَى عُمَّالِهِ : أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ ، وَقَارِبُوا بَيْنَ سَيْطُورِكُمْ ، وَاحذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ ، وَاقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي ، وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْتَارَ ! فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ . (١)

إِحْقَاقُ الْحَقِّ : كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ دَخَلَ لَيْلَهُ فِي بَيْتِ الْمَالِ يَكْتُبُ قِسْمَةَ الْأَمْوَالِ ، فَوَرَدَ عَلَيْهِ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ ، فَأَطْفَأَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّرَاجَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ، وَأَمَرَ بِإِحْضَارِ سِرَاجٍ آخَرَ مِنْ بَيْتِهِ ، فَسَأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ ، فَقَالَ : كَانَ زَيْتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ ؛ لَا يَتَّبَعِي أَنْ نُصَاحِبَكُمْ فِي ضَوْئِهِ . (٢)

١- الخصال : ٣١٠ / ٨٥ عن محمد بن إبراهيم النوفلي رفعه إلى الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ١٠٥ / ٤١ . ٦ /

٢- إحقاق الحق : ٨ / ٥٣٩ ، المناقب المرتضوية : ٢٨٩ .

۶ / ۳۶ پارسايشگی و احتياط ورزی

۶ / ۳ - پارسايشگی و احتياط ورزی امام علی علیه السلام در نامه اش به کار گزارانش : قلم های خویش را تیز کنید و میان سطرهاتان کم فاصله نهید و سخن های زیاده برایم ننویسید و آن چه را مقصود است بیاورید و از زیاده نویسی پرهیزید ؛ که همانا دارایی مسلمانان تحمّل ضرر رسانی را ندارد .

احقاق الحق : شبی امیرالمؤمنین علی به بیت المال درون شد تا تقسیم نامه اموال را بنویسد . طلحه و زبیر نزد وی رفتند . او چراغ پیش رویش را خاموش کرد و دستور داد چراغی دیگر از خانه اش بیاورند . آن دو درباره این کار از او پرسیدند . گفت : «روغن آن چراغ از بیت المال بود و سزاوار نبود که در پرتو آن با شما به صحبت بنشینم» .

٤٦ / ٦ عَدَمُ اسْتِثْنَاءِ الْأَوْلَادِ وَالْأَقْرَبَاءِ الْاسْتِيعَابِ: كَانَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ... لَا يَتْرُكُ فِي بَيْتِ الْمَالِ مِنْهُ إِلَّا مَا يَعِجُزُ عَنْ قِسْمَتِهِ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ، وَيَقُولُ: يَا دُنْيَا غُرِّي غَيْرِي! وَلَمْ يَكُنْ يَسْتَأْذِنُ مِنَ الْفَيْءِ بِشَيْءٍ، وَلَا يَخُصُّ بِهِ حَمِيمًا وَلَا قَرِيبًا. (١)

الِاخْتِصَاصِ فِي ذِكْرِ مَنَاقِبِ الْإِمَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَخَلَ النَّاسُ عَلَيْهِ قَبْلَ أَنْ يُسْتَشْهَدَ بِيَوْمٍ، فَشَهِدُوا جَمِيعًا أَنَّهُ قَدْ وَفَّرَ فَيْئَهُمْ، وَظَلَفَ عَنْ دُنْيَاهُمْ، وَلَمْ يَرْتَشِ فِي إِجْرَاءِ أَحْكَامِهِمْ، وَلَمْ يَتَنَاوَلَ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُسَاوِي عِقَالًا، وَلَمْ يَأْكُلْ مِنْ مَالِ نَفْسِهِ إِلَّا قَدَرَ الْبُلْغَةِ؛ وَشَهِدُوا جَمِيعًا أَنَّ أَبْعَدَ النَّاسِ مِنْهُمْ بِمَنْزِلِهِ أَقْرَبَهُمْ مِنْهُ! (٢)

٥٦ / ٦ حُرْمَةُ بَدْلِ الْأَمْوَالِ الْعَامَّةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُودُ الْوَالِدِ بِفَيْءِ الْمُسْلِمِينَ جَوْزٌ وَخَيْرٌ. (٣)

عنه عليه السلام من كلام له كلم به عبد الله بن زمعه، وهو من شيعته، وذلك أنه قدم عليه في خلافته يطلب منه مالا: إن هذا المال ليس لي ولا لك، وإنما هو فيء للمسلمين وجلب أسيافهم؛ فإن شركتهم في حربهم كان لك مثل حظهم، وإلا فجنأه أيديهم لا تكون لغير أفواههم. (٤)

١- الاستيعاب: ٣ / ٢١٠ / ١٨٧٥ .

٢- الاختصاص: ١٦٠ .

٣- غرر الحكم: ٤٧٢٥ .

٤- نهج البلاغه: الخطبه ٢٣٢، المناقب لابن شهر آشوب: ٢ / ١١٠، غرر الحكم: ٣٧٠٢ نحوه .

۶ / ۶ برتری ندادن فرزندان و خویشان**۶ / ۵ حرام بودن بخشش اموال عمومی**

۶ / ۶ - برتری ندادن فرزندان و خویشان بالاستیعاب: علی‌خداى از او خوشنود باد! . . . هیچ بخشی از بیت المال را باقی نمی‌نهد، مگر این که در آن روز برای تقسیم آن بخش جایگاهی نیافته باشد؛ و می‌گفت: «ای دنیا! جز مرا بفریب». و در هیچ چیز از اموال عمومی، امتیازخواهی نمی‌کرد و دوست و خویشاوندی را برتری نمی‌داد.

الاختصاص در بیان ویژگی‌های امام امیرالمؤمنین علیه السلام: یک روز پیش از شهادت وی، مردم نزد او آمدند و همگی شهادت دادند که وی اموال عمومی را به وفور میانشان تقسیم کرده، با دنیای ایشان خویشتندارانه برخورد نموده، در اجرای احکام آنان به رشوه تن نداده، حتی به اندازه رشته‌ای پشمین به بیت المال مسلمانان چنگ نینداخته، و جز به قدر نیاز از مال خود نخورده است. و [نیز] همه گواهی دادند که دورترین و نزدیک‌ترین کسان به وی، در یک منزلت قرار داشته‌اند.

۶ / ۶ - ۵ حرام بودن بخشش اموال عمومی امام علی علیه السلام: ستم ورزیدن حکمرانان به اموال مسلمین، بیدادگری و خیانت است.

امام علی علیه السلام در گفتاری با عبدالله بن زمعه، یکی از شیعیان وی، به مناسبت آن که در دوران خلافتش از او مالی طلب کرده بود: این مال نه از آن من است و نه تو، بلکه دارایی مسلمانان است که به نیروی شمشیرهایشان به دست آمده است. پس اگر تو در نبردشان با آنان همراه بوده‌ای، همانند ایشان بهره می‌بری؛ وگرنه، دستاورد ایشان جز برای خود آنان نیست.

دعائم الإسلام: إِنَّهُ [أى عَلِيّاً عَلَيْهِ السَّلَام] جَلَسَ يَقْسِمُ مَالاً بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ ، فَوَقَفَ بِهِ شَيْخٌ كَبِيرٌ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي شَيْخٌ كَبِيرٌ كَمَا تَرَى ، وَأَنَا مُكَاتَّبٌ ، فَأَعِنِّي مِنْ هَذَا الْمَالِ . فَقَالَ : وَاللَّهِ ، مَا هُوَ بِكَدِّ يَدِي وَلَا تُرَاثِي مِنَ الْوَالِدِ ، وَلَكِنَّهَا أَمَانَةٌ أُرْعِيئُهَا فَأَنَا أُؤَدِّيهِهَا إِلَى أَهْلِهَا ، وَلَكِنْ اجْلِسْ . فَجَلَسَ وَالنَّاسُ حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ : رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ شَيْخًا كَبِيرًا مُثَقَّلًا ! فَجَعَلَ النَّاسُ يُعْطُونَهُ . (١)

١- دعائم الإسلام: ٢ / ٣١٠ / ١١٧١ ، المناقب لابن شهر آشوب: ٢ / ١١٠ نحوه وفيه «فوقف به عاصم ابن ميثم» بدل «فوقف به شيخ كبير» .

دعائم الإسلام: وی [= علی علیه السلام] به تقسیم مال میان مسلمانان برنشست . مردی بس سالخورده نزد وی ایستاد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! همان گونه که می بینی ، من پیری سالخورده ام و بنده ای هستم به تقسیط آزاد شده ؛ پس از این مال مرا یاری ده» . فرمود: «به خدا سوگند! این نه دسترنج من است و نه میراثم از پدر ، بلکه امانتی است که به من سپرده شده و آن را به اهلش می رسانم . با این حال ، بنشین!» پس وی نشست . مردم گرداگرد امیرالمؤمنین بودند . وی به ایشان نگریست و گفت: «خدای رحمت کند کسی را که به پیری سالخورده و گرانبار کمک کند!» آن گاه ، مردم به وی بخشش کردند .

بخش سوم: اصول توسعه فصل یکم: اصول اعتقادی فصل دوم: اصول حقوقی فصل سوم: اصول اخلاقی فصل چهارم: اصول عبادی فصل پنجم: اصول اجتماعی فصل ششم: اصول بهداشتی فصل هفتم: اصول دیگر

اصول ، موانع ، و آفات توسعه

اصول ، موانع ، و آفات توسعه‌ی اشتباهی شک ، مواجهه با عناصر مندرج زیر عنوان «اصول توسعه اقتصادی یا موانع و آفات آن» واکنش اقتصاددانان جهان معاصر را برمی‌انگیزد و ایشان را در بهت فرو می‌برد و این پرسش را در ذهن آنان ترسیم می‌کند: «چه پیوندی میان این عناصر و توسعه اقتصادی وجود دارد؟» آنان ادعا می‌کنند: «شماری از آن چه با نام اصول و بنیان‌های توسعه آورده شده ، نه تنها در توسعه اقتصادی سهمی ندارد ، بلکه در ردیف موانع و آفات آن است ؛ و به عکس ، برخی از آن چه در زمره موانع و آفات ذکر شده ، نه فقط در روند توسعه اقتصادی خللی پدید نمی‌آورد ، بلکه از مقدمات آن به شمار می‌آید . عناصری همچون اعتقاد به روزی ده بودن خداوند و این که خداوند رزاق است و روزی‌های مردم را تقدیر می‌فرماید ؛ نیز تشویق به زهد و قناعت و حرص نوزیدن به ثروت اندوزی ، و تأکید بر این که حرص فراوان روزی مقدر را نمی‌افزاید ؛ و همچنین اعتقاد به تأثیر تقوا و توکل در افزایش درآمد و رشد ثروت ، و اموری از این دست سبب می‌شوند که امید به افزایش رفاه زندگی از طریق کار و سختکوشی از میان برود . به این ترتیب ، چنین عناصری را باید از موانع و آفات توسعه اقتصادی دانست» .

به همین سان ، در نظرگاه اقتصاد معاصر ، عناصری همچون رباخواری ، آزمندی ، و ثروت اندوزی نه تنها از موانع و آفات توسعه اقتصادی نیستند ، بلکه از مقدمات و پایه های آن به شمار می آیند . پیش از پرداختن به متون اسلامی مربوط به تعیین اصول و موانع و آفات توسعه اقتصادی ، در این بخش به بیان ارتباط میان این عناصر و توسعه می پردازیم ، همان گونه که باید برخی از اصطلاحات خاص را برای گروهی که با قرآن و حدیث و منطق آن آشنا نیستند ، از رهگذر عناوین زیر تفسیر کنیم: ۱. ارزش ها و توسعه برای تبیین نوع ارتباط میان اصول و موانع و آفات توسعه با رشد اقتصادی در دیدگاه اسلامی ، تذکر نکات زیر ضرورت دارد ؛ و این ، افزون بر توضیحی است که درباره تأثیر و نقش ارزش های اخلاقی در توسعه در مقدمه کتاب عرضه شد: الف . در گذشتن از قلمرو دانش معاصر نخستین نکته درباره تأثیر و نقش مسائل معنوی در توسعه اقتصادی ، آن است که این ارتباط از سطح دانش انسانی معاصر فراتر است . از این رو ، جز در چهارچوب یک نگرش جهان بینانه ، نمی توان تحلیلی مبنایی از این امور ارائه داد . بدین ترتیب ، نمی توان انتظار داشت گروه هایی که با دیدگاهی مادی و بر پایه مبانی و ارزش های این مکتب ، برنامه های اقتصادی خود را عرضه می کنند ، به تأثیر ارزش های معنوی در اقتصاد ایمان بیاورند . آن چه آشکارا می توان در پاسخ به منکرانِ اثر گذاریِ امور معنوی در مسائل مادی گفت ، همان جواب قرآن کریم است:

«بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ» (۱)؛ بلکه آن چه را که به دانش آن نرسیدند، دروغ پنداشتند». آری؛ اینان آن چه را که در قلمرو دانش خود نمی یابند، انکار می کنند، حال آن که اگر اندکی می اندیشیدند، درمی یافتند که عقل روا نمی دارد آن چه را نمی دانند و نمی شناسند انکار کنند. در نیافتن تأثیر متقابل ارزش های معنوی یا ضد ارزش ها بر روند توسعه اقتصادی، نمی تواند دلیل عدم تأثیر آن باشد؛ زیرا دانش نداشتن به چیزی دلیل انکار آن نیست. بدین ترتیب، انکار کردن نقش ارزش ها در توسعه، نه پایه عقلی دارد و نه اساس علمی؛ و فقط از جهل انکار کننده سرچشمه می گیرد. در پرتو جهان بینی اسلامی، همه پدیده ها به سرچشمه علت ها و آفریننده حقیقی، یعنی خداوند سبحان، باز می گردند، بی آن که میان عوامل مادی و معنوی تفاوتی باشد. در چهارچوب این دیدگاه، معنویت می تواند از دل مادیت سر برآورد و نیز مادیت از درون معنویت سرچشمه گیرد، چنان که پیش تر توضیح دادیم (۲). به سخن دیگر، از دید جهان بینی اسلامی و در بستر واقعیت، ارزش های انسانی همان گونه که سبب توسعه سیاسی و فرهنگی و اجتماعی می شوند، یکی از مجراهای امداد غیبی خداوند که پدیده توسعه اقتصادی را پشتوانه اند و با ایجاد زمینه های رشد و شکوفایی، آن را بالنده می کنند. صحنه های زندگی، گستره های این حقیقت فراگسترند؛ و هر که خواهد، تواند آن را بیازماید (۳). این صحنه گاه تاریخ است که سرشار از رویدادها و

۱- یونس: ۳۹.

۲- بنگرید: ص ۲۷ (نقش ارزش های معنوی در توسعه).

۳- می توانم از تجربه شخصی خویش در اجرای طرح توسعه حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام مثالی بیاورم. این طرح با آن که از طرح های بزرگ ملی در ایران به شمار می رود؛ با موفقیت به پایان رسید، آن هم با امکاناتی نه چندان قابل توجه. با فضل خداوند سبحان و به مدد توکل بر او، و با یاری جستن از روح حضرت عبدالعظیم علیه السلام، و نیز با برنامه ریزی و مدیریت صحیح، این مهم به انجام رسید، چنان که ان شاء الله در خاطره نامه من از تولیت آن حرم شریف به تفصیل خواهد آمد.

پدیده های فراوان از حیات افراد و امت ها است که با علت ها و انگیزه های مادی محض قابل تفسیر نیستند . ب. ارتباط آشکار میان بخشی از ارزش ها و توسعه در خور توجه است که ارتباط میان اصول یا موانع معنوی با توسعه ، به نسبت همه این اصول و موانع ، پیچیده به نظر نمی رسد ؛ بلکه ارتباط بخشی از اصول معنوی ، همچون زکات و خمس و صدقه و وقف و نذر ، با توسعه از مسائل آشکار است که به توضیح نیاز ندارد . ارتباط برخی از موانع ضد ارزشی ، همچون ستم و احتکار ، با عقب ماندگی اقتصادی ، نیز به همین وضوح است . این امور ، علاوه بر نقش مثبت یا منفی ای که در زندگی معنوی انسان دارند ، بر نحوه توزیع ثروت تأثیر مستقیم به جای می گذارند ؛ تا آن جا که بررسی های تجربی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که در روزگار ما ، رعایت عدالت در توزیع ثروت تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی دارد . (۱) ج. ارتباط غیر مستقیم میان برخی از ارزش ها و توسعه جز آن چه تاکنون به آن اشاره شد ، برخی دیگر از ارزش های معنوی تأثیری غیر مستقیم و انکارنشدنی بر توسعه و شکوفایی اقتصادی دارند . در این میان ، تفاوتی نیست میان آن چه که تنها در چهارچوب تربیت روانی جای دارد و آن چه که تضمین کننده سلامت و تقویت جسم انسان است .

به طور عام، ارتباط با خدای سبحان، توجه به معنویات و انس با فضای آن، دوری گزیدن از صفات ناپسند مغایر با ارزش های اخلاقی و عملی، آراسته شدن به خصوصیت پشتکار و درست انجام دادن کارها، برخورداری از ویژگی امانتداری و درستکاری، همگی عناصری هستند که همبستگی اجتماعی را در سازندگی اجتماع تقویت می کنند و در ایجاد فضایی مناسب برای برقراری امتیت و آرامش و عدالت در جامعه سهم دارند؛ و این ها، خود، از شروط مهم توسعه و شکوفایی اقتصادی، در همه صورت های آن، هستند. (۱) ۲. تقدیر و توسعه خداوند روزی دهنده انسان و همه آفریدگان و جنبندگان در گسترده پهناور هستی است. این همان حقیقتی است که شواهد فصل اول از بخش سوم (اصول توسعه) که به زودی خواهد آمد، به آن گواهی می دهند. هیچ جنبنده ای نیست مگر آن که خداوند روزی اش را تقدیر فرموده و به مقتضای حکمت خویش و برای آزمودن انسان، آن را گسترده یا تنگ گرفته است. پس نه آزمندی انسان حریص سبب می شود که بیش از روزی مقرر حاصل شود و نه کراهت ورزیدن فرد ناخوش دارنده آن را می کاهد. و البته انسان می تواند با رعایت تقوای خداوند و توکل بر او، از رهگذر سبب های غیر طبیعی و به شکلی درنیافتنی و ندانستنی؛ روزی یابد. اکنون این پرسش پیش می آید که اعتقاد به چنین اصول و پایه هایی چه هدفی را دنبال می کند؛ و آیا این باورها خاستگاه توسعه اند یا مانع و آفت آن به

۱- بنگرید به: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۰۰ و ج ۸، ص ۱۹۷ ۲۰۱؛ امدادهای غیبی، ص ۵۹ ۸۹؛ انسان و سرنوشت، ص ۸۷ و ۹۶؛ سنت های تاریخ در قرآن کریم، ترجمه سید جمال موسوی، ص ۱۳۰ ۱۳۸؛ و گفتارهای معنوی، ص ۷۵.

شمار می آیند. پیش تر اشاره کردیم که شناخت زبان قرآن و حدیث و دریافتن منطق مخصوص آن، برای فهم صحیح معارف اسلامی ضرورت دارد. آن گاه که انسان با این منطق آشنا گردد یا سیره آشنایان با آن منطق را بررسی کند، به آسانی در می یابد که چنین باورهایی نه فقط مانع توسعه نیستند، بلکه بهترین عامل برای تحقق توسعه الگو و مطلوب به شمار می آیند. اینک شرحی مختصر بر عناوینی که گذشت، می نگاریم: الف. رازق بودن خداوند در فرهنگ قرآن و حدیث، «رزق» (۱) عبارت است از هر چیزی که برای تأمین زندگی مادی و معنوی موجودهای زنده ضرورت داشته باشد. رازق بودن خداوند به این معنا است که خداوند سبحان روزی همه موجودهای زنده را در نظام آفرینش و هستی تأمین فرموده و راه دستیابی به آن را نیز برای آن ها هموار ساخته، همان گونه که ابزارهای دسترسی به آن را نیز در اختیارشان نهاده است. در جهان بینی توحیدی، هر پدیده ای خواه آن که به اراده انسان حرکت می یابد و خواه آن که اراده انسان در آن نقشی ندارد بی تردید به علت همه علت ها و سبب آفرینی همه سبب ها که خداوند سبحان است، منتهی می شود؛ و

۱- عبدالرحمان بن خلدون در تعریف رزق می گوید: «آن چه از تلاش و کار حاصل می شود یا ذخیره می گردد، اگر برای بنده [ی خداوند] سود داشته باشد و از طریق مصرف آن در جهت مصالح و نیازهایش فایده ای در پی آورد، رزق نامیده می شود... و اگر انسان هیچ بهره ای در مصالح و نیازهای خویش از آن نبرد، آن چیز برای وی رزق شمرده نمی شود و آن چه با تلاش و توان بنده [ی خدا] از این طریق حاصل شود، «کسب» نام دارد (مقدمه، ابن خلدون، کتاب اول، فصل ۵، ص ۳۸۱ «در باب تأمین معاش و وجوب آن»). با این حال، جست و جو در موارد کاربرد این واژه در قرآن و حدیث، و تأمل در این کاربردها، نشان می دهد که رزق بر همه چیزهایی که برای ادامه زندگی مادی و معنوی موجودهای زنده ضرورت دارند نیز، اطلاق می شود.

«روزی» نیز یکی از همین پدیده‌ها است و از آن قاعده بیرون نیست. بدین سان، رازق بودن خداوند هرگز با اراده انسان و آزادی انتخاب وی منافات ندارد، همان‌گونه که نقش او را در تعیین سرنوشت مادی و معنوی اش نفی نمی‌کند. پس خداوند جلّ جلاله روزی دهنده است، لیکن انسان را آزاد نهاده تا خود به انتخاب راه زندگی اش پردازد. (۱) ب. تقدیر و تقسیم روزی‌ها در پرتو مطالب گذشته، ضرورت دارد که برای تبیین معنای تقدیر و تقسیم روزی‌ها از نظر جهان بینی توحیدی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی، ملاحظاتی را ذکر کنیم: یک. با نگرستن به اصطلاح تقدیر در ارتباطش با پدیده‌های هستی، روشن می‌شود که سیر و دوام هر پدیده بر پایه نظامی دقیق و حکیمانه استوار است. در دیدگاه اسلامی، یکایک پدیده‌ها بر مبنای سنجش حکمت پروردگار آفریده شده (۲) و در نظام هستی هیچ پدیده بی‌هوده‌ای وجود ندارد؛ و هر چیز با سببی خاص (۳) و در مسیری معین جریان می‌یابد، به گونه‌ای که نقش وجودی خویش را در چهارچوب وضعیت خاص خود ایفا کند. بر این پایه، پدیده رزق و توسعه یا عقب ماندگی اقتصادی از این قانون تکوینی عام خداوندی برکنار نیستند و این‌ها نیز دارای سبب‌های مخصوص و

۱- «همانا خداوند آن چه را گروهی دارند، دگرگون نمی‌کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است [= صفات و اعمال خود را] دگرگون کنند» (رعد: ۱۱).

۲- «ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم» (قمر: ۴۹).

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند می‌پرهیزد از این که چیزها را جز به سبب‌ها [ی مخصوص هر یک] جریان بخشد» (الکافی: ۱ / ۱۸۲ / ۷).

عواملی هستند که از رهگذر آن و براساس حکمت رسای پروردگار جریان می یابند. پس تقدیر روزی ها معنایی جز این ندارد. دو. در موجودهای دارای اراده، همچون انسان، اختیار در مقدرات نقش دارد، آن هم به گونه ای که میان تقدیر و اختیار ناسازگاری نباشد. اما در موجودهای بدون اراده، مقدرات به شکل جبری جریان می یابد. مثلاً خداوند سبحان برای خورشید و ماه مسیری معین برنهاده که در نظام آفرینش همواره در آن جریان دارند (۱)؛ و این تقدیر حکیمانه به صورت جبری تحقق می یابد. اما درباره موجودهای دارای اراده، تقدیر خداوند اقتضا فرموده که هر کارشان با اختیار، و البته با منشأ اراده و قدرت او، تحقق یابد. قرآن به این حقیقت تصریح کرده؛ می فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و این که چیزی از آن انسان نیست، جز آن قدر که کوشش کرده است. از این رو، درباره انسان که همواره دارای نیروی اراده است، تقدیر خداوند چنین اقتضا کرده که هر چه بیشتر بکوشد، به مقدرات خویش نزدیکتر شود. از همین نظرگاه است که احادیث اسلامی بر این نکته تأکید ورزیده اند که خداوند سبحان روزی هر کس را تضمین فرموده، مشروط به آن که فرد به کوشش و کار و حرکت و تلاش پردازد. (۲) سه. معنای تقسیم روزی ها در نظام آفرینش آن است که مقدرات هر انسان با توان جسمی و اقتضائات روحی و فکری او تناسب دارد و با محیط طبیعی و

-
- ۱- «و خورشید به سوی قرارگاه خود می رود. این، اندازه نهادن آن توانای بی همتا و دانا است. و ماه را [در پیمودن] منزل ها اندازه نهادیم تا همچون شاخه خرماي خشک دیرینه گردد» (یس: ۳۸ و ۳۹).
 - ۲- بنگرید به: ص ۵۴۹ [روزی] برای جوینده آن ضمانت شده است).

شخصیت خانوادگی و اجتماعی اش سازگار است. از این رو است که تلاش های او هنگامی به توفیق می انجامد که با روند مقدراتش سازگار باشد. در یک مثال متعارف، می توان این سازگاری را دریافت: همان گونه که مقدرات علمی انسان دارای حافظه قوی با فرد دارای حافظه متوسط یا ضعیف تفاوت دارد، مقدرات مالی و اقتصادی افراد دارای وضعیت های مختلف مالی نیز متفاوت است. اما حکمت نهفته در این اختلافات آن است که هر انسانی به برآوردن بخشی از احتیاجات جامعه پردازد. (۱) باور داشتن تقدیر و تقسیم روزی ها بر پایه چنین تفسیری، دو دستاورد مهم و تأثیرگذار در عرصه فعالیت های اقتصادی در پی دارد: یک. همه تلاش ها به سمت و سویی درست می گراید، به گونه ای که هر کس شیوه ای را برای کسب روزی برمیگزیند که با توان و استعدادهای وی تناسب داشته باشد. این همان است که روایات اسلامی در این زمینه، آن را تشویق و توصیه می کنند؛ از جمله: «مَنْ رَزَقَ فِي شَيْءٍ فَلْيَلْزِمَهُ؛ هر کس که روزی اش در چیزی نهاده شده، باید بر همان مداومت ورزد». (۲) دو. انسان احساس آرامش و امنیت روانی می کند. کسی که به تقدیر و تقسیم روزی ها ایمان دارد، در می یابد که همه تلاش هایش در چهارچوب مقدرات چنانچه با توان وی هماهنگ باشد، به ثمر می نشیند. نیز او درمی یابد که انسان نمی تواند به هر چه می خواهد دست یابد؛ پس از بند حرص و افزون خواهی

۱- «ماييم که میان آنان، مایه گذرانشان را در زندگی دنیا تقسیم کرده ایم و پایه های برخی را بر برخی برتر داشته ایم تا بعضی بعض دیگر را به خدمت گیرند» (زخرف: ۳۲).

۲- بنگرید به: ص ۲۶۷ (پیوستگی در پیشه فراهم شده برای انسان).

رها می‌گردد و خود را بازیچه رنج بیهوده و بی‌ثمر نمی‌کند. با این‌گونه رضایت از تقدیر، چنین کسی به آرامش و امنیت روانی دست می‌یابد. کوتاه‌سخن این که تأکید روایات اسلامی بر مقدر بودن و تقسیم روزی‌ها در دو جنبه قابل‌ارزیابی است؛ یکی سوق دادن و تنظیم تلاش‌ها در مسیر مناسب، و دیگری ایجاد آرامش روانی برای کسی که در هر حال به تلاش ادامه می‌دهد، بی‌آن‌که به حرص مبتلا شود یا گذران زندگی او را وادارد که به حقوق دیگران تجاوز کند یا کاری ناشایست انجام دهد. این است حکمت روشن تقدیر؛ نه آن‌که انسان از عمل باز ایستد و با ادعای ایمان به تقدیر و تقسیم روزی‌ها از تلاش دست شویید. ۳. تقوا و توسعه در متون مربوط به اصول اعتقادی توسعه می‌خوانیم که خداوند سبحان روزی سه گروه را بدون محاسبه تضمین فرموده، یعنی بیرون از چهارچوب محاسبات عادی به ایشان روزی عطا می‌فرماید؛ و آنان عبارتند از تقوای پیشگان و توکل‌کنندگان و فقاهت‌پیشگان در دین. درباره این متون می‌توان گفت که یاد کردن از گروه‌های دوم و سوم از باب ذکر خاص بعد از عام است؛ بدین معنا که توکل و فقاهت ورزیدن از صفات بارز همراه با تقوا به شمار می‌آیند، چرا که برای تحقق یافتن تقوای کامل باید آن دو صفت نیز حاصل گردند. در پیوند با این دیدگاه، دو پرسش مهم مطرح می‌شود: پرسش نخست: مراد از این که تقوا سبب کسب روزی از مسیر غیر طبیعی است، چیست؟ آیا این که تقوا سبب کسب روزی است، در امتداد کار و تلاش قرار دارد یا در موازات آن است؟

بی تردید نقش تقوا در توسعه اقتصادی، در امتداد کار و تلاش است و نه در عرض آن. دلیل روشن این مدعا از این قرار است: یک. شیوه مسلم پیامبران و رسولان گرامی و پیشوایان دین که قله های بلند تقوا و توکل به شمار می روند، به روشنی گواهی می دهد که نقش تقوا و توکل در زندگی ایشان در امتداد کار و تلاش، و نه به موازات آن، بوده است. (۱) دو. آیات و روایات متعدد و بلکه فراوان یافت می شوند که مردم را به سختکوشی و کار فرا می خوانند و از مسلمانان می خواهند که نیازهای زندگی خود را از رهگذر تحمل سختی و رنج در این راه تأمین کنند؛ و نیز سستی و سهل انگاری را زمینه ساز فقر و واپس ماندگی می شمارند و کسی را که سربار جامعه باشد، نکوهش می کنند و حتی آن کس را که در برآوردن نیازهای خانواده اش کوتاهی ورزد و به مسؤولیت خود در این زمینه عمل نکند، ملعون و گناهکار شمرده اند. این همه نشان می دهد که نقش تقوا در امتداد عمل، و نه در عرض آن است. (۲) سه. احادیث موجود در تفسیر آیه مبارک: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» هر که تقوای خدا را پیشه کند، خداوند برای وی راه برون شدن قرار می دهد* و به گونه ای که محاسبه نتوان کرد، روزی اش می دهد. بهترین گواه برای مدعای ما است. (۳) آن گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله شنید گروهی از صحابه حقیقت این آیه را درک نکرده و آن را به نحو صحیح دریافته و کار و

۱- بنگرید به: ص ۱۹۷ (روش پیامبر و جانشینان در روزی جُستن).

۲- بنگرید به: ص ۲۱۵ (برحذر داشتن از سستی در کار).

۳- بنگرید به: ص ۲۲۵، ح ۳۸۸ و ص ۲۲۵، ح ۳۸۹.

تلاش را رها کرده و تنها به عبادت روی آورده اند ، آنان را فرا خواند و پرسید : «چرا به این کار روی آوردید؟» گفتند : «ای رسول خدا! تو روزی ما را تضمین فرمودی ؛ پس ما به عبادت روی آوردیم» . پیامبر فرمود : «هر آینه هر کس چنین کند ، دعایش مستجاب نگردد . وظیفه شما کسب روزی است» . (۱) بدین ترتیب ، چه بسا پرسیده شود که تقوا در کنار کار و تلاش چه تأثیری در توسعه اقتصادی دارد و چگونه می توان این تأثیر را دریافت و تعیین نمود . از متون اسلامی می توان دریافت که تقوا در کنار عمل دو اثر مهم در توسعه اقتصادی دارد: یک. تقوا سبب می شود که کار دارای برکت گردد و نتایج و دستاوردهای آن فراتر از محاسبات عادی شود . به تعبیر قرآن کریم ، در این حال برکات خداوند از آسمان و زمین فرود آمده ، از هر سو جامعه را دربرمی گیرد . (۲) دو . آن گاه که سبب های مادی از رسیدن به مقصود در می مانند و تلاش ها به جایی نمی رسد ، تقوا همچون پنجره ای از غیب به روی انسان باز می شود و چون هدیه ای از آسمان فرود می آید و روزی انسان را از طریقی غیر عادی فراهم می کند . بدین سان ، تقوا در کنار عمل ، نه تنها مانع توسعه اقتصادی نیست ، بلکه از مبانی ارزشی آن به شمار می رود ، همان گونه که در قرآن کریم بدان اشارت رفته است . از این گذشته ، گاه حکمت خداوند اقتضا می کند که بدون کار و

۱- بنگرید به: ص ۲۲۵ ، ح ۳۸۹.

۲- «اگر اهل سرزمین ها ایمان می آوردند و تقوا می ورزیدند ، هر آینه برکت های آسمان و زمین را بر ایشان می گشادیم» . (اعراف : ۹۶).

تلاش ، کسی به روزی دست یابد تا مردم روزی دهنده حقیقی خود را بهتر بشناسند . شاید نیز خداوند اقتضا می کند که بدون کار و تلاش ، کسی به روزی دست یابد تا مردم روزی دهنده حقیقی خود را بهتر بشناسند . شاید نیز خداوند سبحان حکمت دیگری از این کار داشته باشد . (۱) مثال این حالت را قرآن کریم برای حضرت مریم بیان فرموده است: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجِدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَمْرِئُمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتُ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲)» ؛ هرگاه زکریا به نمازخانه بر او در می آمد ، نزد او روزی ای می یافت . گفت: ای مریم! این از کجا برای تو رسید؟ گفت : از نزد خدا ؛ که خدا هر که را بخواهد بی شمار روزی می دهد . البته این حالت ها کمیابند و چنان که اشاره شد تابع حکمت خاصی هستند که آن ها را اقتضا نموده است و با ضروری بودن کار برای نقش آفرینی تقوا در سایر موارد منافات ندارد . ۴ . زهد و توسعه در متون اسلامی ، زهد و امور مربوط به آن همچون رضایت و قناعت ، در شمار مبانی توسعه محسوب می شوند . در برابر ، حرص و مال اندوزی از موانع و آفات توسعه به شمار می آیند . (۳) اما در فضای تمدن مادی ، به ویژه در چهارچوب

۱- .بنگرید به: ص ۵۵۱ (گاه روزی بدون برنامه ریزی به دست آید).

۲- .آل عمران : ۳۷.

۳- .بنگرید به : ص ۶۲۷ (اصول اخلاقی) و ص ۷۷۵ (موانع اخلاقی).

اصول اخلاقی توسعه مادی، کاملاً عکس این مطلب مصداق دارد. ماکس وبر در کتاب «سرمایه داری و اخلاق پروتستانیزم» بر آن است که شکوفایی سرمایه داری غربی مدیون رواج اخلاق پروتستانیزم است که ثروت اندوزی را تقویت کرده، مردم را به آن تشویق می‌کند. آری، در ظاهر به نظر می‌رسد که زهد با توسعه سازگار نیست و حرص و ثروت اندوزی به تحقق توسعه کمک می‌کند؛ اما در واقع چنین نیست. برای توضیح این مطلب؛ باید به دو نکته عنایت کرد: یک. برای توضیح نوع ارتباط میان زهد و توسعه، نخست باید مفهوم این دو اصطلاح و اهداف آن‌ها را تعیین کرد. اگر مفهوم توسعه را در چهارچوب رشد تولید داخلی و دستیابی به پیشرفت فنی و علمی خلاصه کنیم و آن را هدف نهایی و عالی توسعه بدانیم، و نیز زهد را به معنای کناره‌گیری از دنیا و هر گونه تلاش اقتصادی بشماریم، آن‌گاه باید اعتراف کنیم که زهد نه تنها در توسعه سهمی ندارد، بلکه از آفات آن به شمار می‌رود. اما اگر توسعه را حالت کمال یافتگی شکوفایی نیروهای انسانی و سربرزدن استعدادهای نهفته آدمی در همه زمینه‌های زندگی و با هدف تأمین نیازهای مادی و معنوی بدانیم و هدف از آن را دستیابی به کمال مطلق و خوشبختی جاودانه بشماریم، و نیز زهد را در چهارچوب معنای درست آن درک کنیم، آن‌گاه زهد نه تنها با توسعه منافات ندارد، بلکه در شمار اصول اخلاقی آن محسوب می‌شود، همان‌گونه که در این کتاب همین جایگاه را دارد. دو. این که زهد را به معنای کناره‌گیری از دنیا و دست کشیدن از فعالیت‌های اقتصادی بدانیم، برداشتی انحراف‌آمیز و نادرست از آن است. معنای صحیح

زهد آن است که انسان از هر چه مانع تکامل و دستیابی وی به کمال مطلق است، دوری کند. هدف نخست از زهد، برداشت کمتر برای بازدهی و خدمت بیشتر است. بدین ترتیب، زاهد حقیقی کسی است که از سویی همه تلاشش را در زمینه کار و تولید صرف کند و هیچ بخشی از نیروی خود را معطل نگذارد؛ و از سوی دیگر در عرصه مصرف شخصی و به هنگام اعطا و بهره‌وری خصوصی، به آسانی از خواست‌های مادی‌اش بگذرد، چرا که بر نفس خود کاملاً مسلط است. زاهد کسی است که فراوان می‌بخشد و به کم قانع است و نهایت سختی را تحمل می‌کند تا به دیگران عطا کند، در حالی که برای خود به کمترین بهره‌خشنود است. الگوی عالی چنین شیوه‌زاهدانه‌ای، زندگی و رفتار امام زاهدان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کار و تولید و مصرف است. (۱) ۵. قناعت و توسعه گفته‌اند که برای توسعه، افزون‌خواهی و میل به بهره‌وری فراوان ضرورت دارد؛ و این با مفاهیمی چون قناعت و رضایت که در متون مربوط به اصول توسعه آمده، منافات دارد. برای پاسخ‌گویی به این اشکال لازم است که علاوه بر نکات ذکر شده درباره زهد، به این امور نیز توجه شود: یک. این مفاهیم را نمی‌توان در زمینه تولید و کاستن از ساعات کار استعمال کرد؛ زیرا بی‌تردید، تولید برای خدمت به دیگران نه تنها محدودیت ندارد، بلکه از برترین عبادات است. دو. در زمینه بهره‌وری، قناعت به معنای تنگ‌گرفتن معیشت نیست،

۱- بنگرید به: موسوعه الامام علی بن ابی طالب، ج ۹، ص ۳۴۳ تا ۳۷۶.

بلکه اسلام از ما می خواهد که در مصرف تعادل را رعایت کنیم . از همین جهت است که اسلام هم اسراف را نهی فرموده و هم تنگ گرفتن را ؛ تا اعتدال رعایت شود . سه . هدف از طرح موضوع قناعت در اسلام ، تشویق انسان ها به دستگیری از نیازمندان و از کارافتادگان است ؛ و برآورده شدن این هدف به معنای افزون شدن مصرف در سطح جامعه است . به عبارت دیگر ، قناعت سبب می شود که هزینه کردن برای عموم طبقات مردم جایگزین مصرف طبقه مرفه شود . بدین سان روشن می شود که قناعت و مفاهیمی از این دست نه تنها مانع توسعه نیستند ، بلکه روند آن را تسریع می کنند ؛ زیرا امکانات و نیروهای جامعه را به سوی بهره وری از توان انسانی سوق می دهند یا آن را در مسیر بهره وری مستقیم حرکت می بخشند ؛ و این ، مایه شتاب بخشیدن به سیر توسعه است . ۶ . ثروت اندوزی و توسعه اکنون سخن به حرص و ثروت اندوزی و مفاهیم مرتبط با آن همانند ربا می انجامد . از آن جا که این اعمال موجب تجاوز به حقوق دیگران هستند ، در جهان بینی اسلامی از آفات توسعه پایدار به شمار می آیند ، اگرچه در نظرگاه اقتصاد سرمایه داری از مبانی پیشرفت اقتصادی محسوب می شوند . برای رسیدن به توسعه پایدار ، اسلام از سویی نیروی کار را تحکیم کرده ، آن را در جهتی سوق می دهد که در خدمت رشد و تقویت تولید ملی قرار گیرد ؛ همان گونه که از سوی دیگر ، هر چیزی را که آفتی برای توسعه فراگیر و پایدار باشد ، تحریم می نماید ، هر چند موقتا به شکوفایی تولید ملی بینجامد .

اسلام سفارش ها و هشدارهایی همسطح دارد؛ ترجیح دادن آخرت در ضمن تلاش برای کسب روزی (۱)؛ دوری از افراط و تفریط در خواهش (۲)؛ حفظ آرامش به هنگام گُند نتیجه بخشیدن فعالیت های اقتصادی (۳)؛ اندوه نخوردن برای روزی فردا (۴). افزون بر این، اسلام بر کار و داشتن طرح و برنامه صحیح برای تأمین معاش بسیار تأکید می کند. این سفارش ها و تأکیدهای اسلام از آن رو است که موانع توسعه پایدار را ریشه کن کند و آفات تهدید کننده آن را از میان بردارد و بدین ترتیب، راه را برای یکایک افراد جامعه باز کند و زمینه ای فراهم آورد که به هدف اصلی، یعنی دستیابی به کمال مطلق و آسایش جاودانه، برسند.

۱- بنگرید به: ص ۱۰۳۳ (ترجیح دادن آخرت).

۲- بنگرید به: ص ۱۰۳۵ (اعتدال در طلب) و ص ۱۰۴۳ (اکتفا کردن به مقدار رفع نیاز).

۳- ؛ کم نشمردنِ روزی

۴- بنگرید به: ص ۱۰۱۳ (آن چه آفت می آورد) و ص ۱۰۳۱ (آن چه از آفت بازمی دارد).

الفصل الأول: المبادئ الاعتقاديّة ١ / ١ الله هو الرزاق الكتاب: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ . (١)»

«قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَوتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدَى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . (٢)»

«وَ إِن مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ . (٣)»

«وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ . (٤)»

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَيَخَّرْ لَكُمْ الْفُلُوكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَيَخَّرْ لَكُمْ الْمُنَهَرَ * وَ سَيَخَّرْ لَكُمْ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَيَخَّرْ لَكُمْ الْيَلَّ وَ النَّهَارَ * وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْأَعْيُنَ لَظُلُومٌ كَفَارًا . (٥)»

١- الذاريات : ٥٨ .

٢- سبأ : ٢٤ .

٣- الحجر : ٢١ .

٤- النحل : ١٨ .

٥- إبراهيم : ٣٢ ٣٤ .

فصل یکم: اصول اعتقادی

۱ / ۱ خداوند روزی بخش است

فصل یکم: اصول اعتقادی ۱ / ۱ خداوند روزی بخش استقرآن: «همانا خدا است روزی دهنده (۱) و نیرومند استوار.»

«بگو: چه کسی شما را از آسمان ها و زمین روزی می دهد؟ بگو: خدای؛ و هر آینه ما یا شما بر راه راستیم یا در گمراهی آشکار.»

«و هیچ چیزی نیست مگر آن که گنجینه های آن نزد ما است و آن را جز به اندازه معلوم فرو نمی فرستیم.»

«و اگر نعمت خدای را بشمرید ، شمار کردن آن نتوانید . همانا خدا آمرزگار و مهربان است.»

«خدا است آن که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرو فرستاد؛ پس به آن آب ، از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد؛ و کشتی ها را رام شما کرد تا به فرمان او در دریا روان شوند؛ و رودها را رام شما کرد * و خورشید و ماه را که پیوسته در جنبش و گردشند برای شما رام کرد؛ و شب و روز را نیز رام شما ساخت * و از هر چه خواستید به شما داد؛ و اگر نعمت خدا را بشمرید ، آن را شمار نتوانید کرد . همانا آدمی ستمگر و ناسپاس است.»

۱- معادل عربی روزی (رزق) گاه به معنای دهش در جریان است. خواه دنیایی و خواه آخرتی؛ و گاه به معنای حظ و بهره؛ و گاه به معنای غذایی که درون آدمی را پر می کند. (مفردات الفاظ القرآن ، ص ۳۵۱) رزق دو گونه است: ظاهری که برای جسم است همچون غذا؛ و باطنی که برای دل و جان است همچون معرفت و دانش . (النهایه ، ج ۲ ، ص ۲۱۹)

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ . (١)»

«هُم الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفُضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنْفِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ . (٢)»

«إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ . (٣)»

«وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ . (٤)»

«وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . (٥)»

«أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . (٦)»

«تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . (٧)»

«وَاصْبِرْ بِالَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بَنَّا وَيَكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ . (٨)»

١- لقمان : ٢٠ .

٢- المنافقون : ٧ .

٣- القمر : ٤٩ .

٤- هود : ٦ .

٥- العنكبوت : ٦٠ .

٦- الروم : ٣٧ وراجع الزمر : ٥٢ ، سبأ : ٣٦ .

٧- آل عمران : ٢٧ .

٨- القصص : ٨٢ .

«آیا ندیده اید که خدا آن چه را در آسمان ها و آن چه را در زمین است ، از بهر شما رام ساخته و نعمت های آشکار و نهان خویش را بر شما گسترده و فراوان کرده است؟ و از مردمان کس هست که درباره خدا بی هیچ دانش و رهیافت و کتاب روشنی گفت و گو و ستیزه می کند.»

«اینان همان کسان هستند که می گویند : برای آنان که نزد پیامبر خدایند هزینه مکنید تا پراکنده شوند؛ حال آن که گنجینه های آسمان ها و زمین از آن خدا است و لیکن منافقان در نمی یابند.»

«ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.»

«و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر خدا است و قرارگاه آن و جایگاه نگاهداشت آن را می داند؛ همه در کتابی روشن است.»

«و بسا جنبندگانی که روزی خویش بر نمی دارند نتوانند روزی خود را با خود بگیرند یا آن را ذخیره کنند ؛ خدا آن ها و شما را روزی می دهد و او شنوا و دانا است.»

«آیا ندیده اند که خدا روزی را برای هر که بخواهد فراخ و تنگ می گرداند؟ همانا در این فراخی و تنگی ، برای مردمی که ایمان آورند ، نشانه ها و عبرت ها است.»

«شب را در روز درمی آوری و روز را در شب درمی آوری؛ زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری و به هر که خواهی ، بی شمار روزی می دهی.»

«و آنان که دیروز جایگاه او را آرزو می کردند ، در حالی بامداد کردند که می گفتند : وه! گویی خدا است که روزی را برای هر که از بندگان خود بخواهد فراخ می کند و تنگ می گرداند؛ اگر نه این بود که خدا بر ما منت نهاد ، هر آینه ما را نیز به زمین فرو می برد؛ وای! گویی کافران رستگار نمی شوند.»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: الناس على خمس مراتب: منهم من يرى أن الرزق من الكسب لا- من الله فهو كافر؛ ومنهم من يرى أن الرزق من الله ومن الكسب فهو مشرك؛ ومنهم من يرى أن الرزق من الله وأن الكسب سبب، فلا- يدرى يعطيه أم لا-، فهو منافق شك؛ ومنهم من يرى أن الرزق من الله وأن الكسب سبب، فلا- يؤدى حقه ويعصى الله من أجل الكسب، فهو فاسق؛ ومنهم من يرى أن الرزق من الله ويرى الكسب سببا، ويؤدى حقه ولا- يعصى الله لأجل الكسب، فهو مؤمن مخلص طعمه. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من نفس إلا- ولها باب في السماء [منه] ينزل رزقه، ومنه يصعد عمله، فإذا أراد الله أن يرزقها فتح ذلك الباب فينزل إليها رزقها، فإذا أغلق لن يستطيع أحد فتحه حتى يفتحه الله إذا شاء (٢).

سنن ابن ماجه عن حبه وسواء ابنا خالد: دخلنا على النبي صلى الله عليه وآله وهو يعالج شيئا فأعناه عليه، فقال: لا تياسا من الرزق ما تهزرت رؤوسكما، فإن الإنسان تلده أمه أحمر ليس عليه قشر ثم يرزقه الله عز وجل. (٣)

نوادير الأصول عن زيد بن أسلم: إن الأشعريين أبا موسى وأبا مالك وأبا عامر في نفر منهم، لما هاجروا قدموا على رسول الله صلى الله عليه وآله في فلك وقد أرموا من الراد، فأرسلوا رجلاً منهم إلى رسول الله صلى الله عليه وآله يسأله، فلما انتهى إلى باب رسول الله صلى الله عليه وآله سيمعه يقرأ هذه الآية: « وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا- عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ » فقال الرجل: ما الأشعريون بأهون الدواب على الله! فرجع ولم يدخل على رسول الله صلى الله عليه وآله، فقال لأصحابه: أبشروا! أتاكم العوث، ولا- يظنون إلا- أنه كلم رسول الله صلى الله عليه وآله وهفوعده، فبينما هم كذلك إذ أتاهم رجلاين يحملان قصعة بينهما مملوءة خبزاً ولحماً، فأكلوا منها ما شاؤوا. ثم قال بعضهم لبعض: لو أننا ردنا هذا الطعام إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ليقضى به حاجته، فقالا للرجلين: اذها بهذا الطعام إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وإنا قد قضينا حاجتنا. ثم إنهم أتوا رسول الله صلى الله عليه وآله فقالوا: يا رسول الله، ما رأينا طعاماً أكثر ولا أطيب من طعام أرسلت به! فقال: ما أرسلت إليكم شيئاً. فأخبروه أنهم أرسلوا صاحبهم، فسأله رسول الله صلى الله عليه وآله، فأخبره ما صنع وما قال لهم، فقال صلى الله عليه وآله: ذلك شيء رزقكموه الله سبحانه. (٤)

١- الاثنا عشرية: ٢٠٦.

٢- الفردوس: ٤ / ٣٢ / ٦١٠٠، كنز العمال: ٤ / ٢٦ / ٩٣٢٢ نقلاً عن أبي نعيم وكلاهما عن عمر.

٣- سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٩٤ / ٤١٦٥، مسند ابن حنبل: ٥ / ٣٧٥ / ١٥٨٥٥ وفيه «تأيسا» بدل «تياسا»، أسد الغابه: ٢ / ٥٨٨ / ٢٣٢٩، المعجم الكبير: ٤ / ٧ / ٣٤٨٠ وج ٧ / ١٣٧ / ٦٦١٠ وفي الثلاثة الأخيره «تهزرت» بدل «تهزرت»، كنز العمال: ١ / ١٠٩ / ٥٠٦.

٤- نوادر الأصول: ٢ / ٨، الدر المنثور: ٤ / ٤٠١.

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم در پنج مرتبه جای دارند: یکی آن که می پندارد روزی از کسب فراهم آید نه از جانب خدا، که او کافر است؛ دیگری آن که گمان دارد روزی هم از کسب است و هم از جانب خدا، که وی مشرک است؛ و دیگر آن که می داند روزی از جانب خدا است و کسب وسیله است، اما نمی داند که خداوند روزی اش را عطا می کند یا نه، و او منافقی شک پیشه است؛ و دیگری آن که می داند روزی از جانب خدا است و کسب وسیله است، اما حق این اعتقاد را به جای نمی آورد و برای کسب، خدای را نافرمانی می کند، و او فاسق است؛ و دیگر آن کس است که می داند روزی از جانب خداوند است و کسب وسیله است و حق این اعتقاد را نیز به جای می آورد و برای کسب، خدای را نافرمانی نمی کند، و او مؤمنی است که راه های کسب در آمدش را پاک و سره ساخته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس نیست جز آن که او را دری است در آسمان که روزی وی از آن نازل می شود و عملش از آن فراز می رود. پس هر گاه خداوند اراده فرماید که وی را روزی دهد، آن در را می گشاید و روزی اش را فرو می فرستد؛ و چون آن در فرو بسته شود، هیچ کس نتواند آن را بگشاید، مگر آن گاه که خدا خواهد و بگشایدش. (۱)

سنن ابن ماجه از حبه و سواء، دختران خالد: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله در آمدیم که مشغول کاری بود. وی را در انجام آن کار یاری دادیم. فرمود: «مادام که سرهای شما در اهتزاز است (= تا آن گاه که زنده اید)، از روزی ناامید نشوید؛ که آدمی آن گاه که مادرش او را می زاید، سرخ است و بر وی پوست نیست، آن گاه خداوند روزی اش می دهد».

۱- در این روایت، تعبیر کنایی و رمزی به کار رفته است و هدف از آن، بیان نکات معقول در چهارچوب امور محسوس است. مسلم است که همه کارها و شؤون این جهان، از جمله روزی انسان، به مشیت خداوند صورت می پذیرد. اما باید دانست که مشیت خدا چنان است که وسیله ها و راهکارهای ظاهری در روزی انسان مؤثر باشد. از آن جا که خواست های فطری و استعدادهای نهفته در وجود هر کس به تبع سنت های خداوند در جهان طبیعت متفاوت است، بعید نیست که مراد از تعبیر «درِ روزی» که در این روایت آمده، گوناگونی راه های ظاهری روزی یافتن افراد باشد.

عيسى عليه السلام: تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَأَنْتُمْ تُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ ، وَلَا تَعْمَلُونَ لِلْآخِرَةِ وَأَنْتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ . (١)

الإمام عليّ عليه السلام: اخْتَرْتُ مِنَ التَّوْرَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ آيَةً ، فَنَقَلْتُهَا إِلَى الْعَرَبِيَّةِ ، وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَيْهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ : يَا بَنَ آدَمَ ، عَلَيْكَ فَرِيضَتِي وَعَلَى رِزْقِكَ ، فَإِنْ خَالَفْتَنِي فِي فَرِيضَتِي فَإِنِّي لَا أُخَالِفُكَ فِي رِزْقِكَ . (٢)

عنه عليه السلام: لَا يَمْلِكُ إِمْسَاكَ الْأَرْزَاقِ وَإِدْرَارَهَا إِلَّا الرَّزَاقُ . (٣)

١- الكافي: ٢ / ٣١٩ / ١٣ ، الأمالى للطوسى: ٢٠٧ / ٣٥٦ نحوه وكلاهما عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ٢ / ٣٨ / ٦٦ ؛ سنن الدارمى: ١ / ١٠٩ / ٣٧٤ عن هشام صاحب الدستوائى .

٢- الاثنا عشرية: ٤٠٩ .

٣- غرر الحكم: ١٠٨٣٨ .

نوادر الاصول از زید بن اسلم: شماری از اشعری ها ، از جمله ابوموسی و ابومالک و ابوعامر ، چون هجرت گزیدند ، با کشتی روی به سوی رسول خدا نهادند . چون توشه شان تمام شد ، کسی از خود نزد پیامبر روانه کردند تا از وی یاری خواهد . آن گاه که او به آستانه خانه پیامبر رسید ، شنید که این آیه را می خواند : «و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر آن که روزی او بر خدا است و قرارگاه آن و جایگاه نگاهداشت آن را می داند ؛ همه در کتابی روشن است .» آن مرد گفت : (۱) «نزد خداوند ، اشعری ها فرومایه ترین جنبندگان نیستند!» پس باز گشت ، بی آن که نزد رسول خدا برود . سپس به یارانش گفت : «شما را مژده باد که یاری تان رسید!» ایشان جز این گمان نکردند که وی با پیامبر سخن گفته و او وعده اش داده است . در همین حال بودند که دو مرد نزد ایشان آمدند و کاسه ای چوبی در میان داشتند که لبریز از نان و گوشت بود . پس هر چه خواستند ، از آن خوردند . آن گاه ، به یکدیگر گفتند : «خوب است این غذا را نزد پیامبر بازگردانیم تا از آن نیازش را بر آورد» . پس به آن دو مرد گفتند : «این خوراک را نزد پیامبر برید که ما نیاز خود را بر آوردیم» . سپس ایشان نزد پیامبر آمده ، گفتند : «ای رسول خدا! تاکنون خوراکی فراوان تر و نیکوتر از آن چه فرستادی ، نخورده بودیم» . پیامبر فرمود : «من چیزی نزد شما نفرستادم» . ایشان به وی گفتند که رفیق خود را نزدش فرستاده اند . پیامبر حال را از او بازپرسید . وی باز گفت که چه کرده و به آنان چه گفته است . پیامبر فرمود : «این چیزی است که خداوند سبحان روزی تان فرمود» .

حضرت عیسی علیه السلام: برای دنیا کار می کنید ، حال آن که بدون عمل در آن روزی می یابید ؛ و برای آخرت کار نمی کنید ، حال آن که در آن ، جز با عمل روزی نخواهید یافت .

امام علی علیه السلام: من از تورات دوازده آیه برگزیدم و به عربی بازگرداندم و هر روز سه بار در آن می نگریم : «ای فرزند آدم! بر تو است که واجب مرا انجام دهی ؛ و بر من است که روزی تو را تأمین کنم ؛ اگر تو واجب مرا به جا نیآوری ، من روزی تو را نمی ستانم» .

امام علی علیه السلام: جز خداوند روزی دهنده هیچ کس نمی تواند روزی ها را بازدارد یا جاری کند .

عنه عليه السلام: هذا غرابٌ و هذا عُقابٌ ، وهذا حمامٌ وهذا نعامٌ ؛ دعا كلُّ طائرٍ باسمِهِ ، وكفَّلَ لَهُ بِرِزْقِهِ . (١)

فاطمه عليها السلام: يا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ ، وَكُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتِيدٌ ، لِلضَّعِيفِ وَالْقَوِيِّ وَالشَّدِيدِ ؛ قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ ، فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّةِ وَالْعُصْفُورِ . (٢)

الإمام الحسين عليه السلام: اغْنِ عَنِ الْمَخْلُوقِ بِالْخَالِقَتَيْنِ عَنِ الْكَاذِبِ وَالصَّادِقِ وَاسْتَرْزِقِ الرَّحْمَنَ مِنْ فَضْلِهِ فَلَيْسَ غَيْرُ اللَّهِ مِنْ اِرْزَاقِ (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى زيارته أمين الله: اللَّهُمَّ إِنَّ... أَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَمَدُنِكَ نَازِلَةٌ ، وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ لَهُمْ مُتَوَاتِرَةٌ (٤) رَهْ .

الإمام الكاظم عليه السلام فى دُعائه بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: يا رازِقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ، يا رازِقُ الْجَنِينِ وَالطُّفْلِ الصَّغِيرِ . (٥)

الإمام المهديّ عليه السلام فى دُعائه: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فَيَأْتِيهِمْ أَرْزَاقُهُمْ فى أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ... وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ شِئْتَ وَكَيْفَ شَاءُوا . (٦)

١- نهج البلاغه: الخطبه ١٨٥، الاحتجاج: ١/٤٨٣/١١٧، بحار الأنوار: ٣ / ٢٧ / ١ وج ١٩ / ٤٠ / ٦٤ .

٢- فلاح السائل: ٤٢١ / ٢٩٠ ، بحار الأنوار: ٨٦ / ١٠٣ / ٨ .

٣- تاريخ دمشق: ١٤ / ١٨٦ ، البدايه والنهايه: ٨ / ٢٠٩ وفيه «تسدّ على» بدل «تغن عن» .

٤- كامل الزيارات: ٩٣ / ٩٣ عن أبي على مهدي بن صدقه الرقى عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، مصباح المتهدّج: ٧٣٩ ، المزار للشهيد الأول: ١١٦ ، فرحه الغرى: ٤٢ وفيه «أرزاق الخلائق» بدل «أرزاقك إلى الخلائق» وفيها «إليهم واصله» بدل «لهم متواتره» وكلّها عن جابر الجعفى عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام .

٥- جمال الأسبوع: ١٨٤ عن الحسن بن القاسم العبّاسى ، بحار الأنوار: ٩١ / ١٩٥ / ٣ .

٦- مّهج الدعوات: ٩١ ، بحار الأنوار: ٨٥ / ٢٣٤ / ١ .

امام علی علیه السلام: این کلاغ است و این عقاب؛ این کبوتر است و این شتر مرغ؛ خداوند هر پرنده ای را به نام، خوانده و روزی اش را تضمین فرموده است.

حضرت فاطمه علیها السلام: ای آن که هر روز نزد وی تازه، و هر روزی نزد او آماده است، خواه بر ناتوان و خواه برای قدرتمند و سخت توان. روزی ها را میان آفریدگان تقسیم فرموده ای و به مورچه و گنجشک یکسان روزی داده ای.

امام حسین علیه السلام: با یاری گرفتن از آفریدگار، از آفریده بی نیاز شوتا از دروغگو و راستگو بی نیاز گردی. از خداوند رحمان روزی بخواه که جز خدا هیچ روزی دهنده ای نیست.

امام سجاد علیه السلام در زیارت امین الله: بار خدایا!... روزی ها از سوی تو بر آفریدگان فرود آید و احسان تو برای ایشان پیاپی در آید.

امام کاظم علیه السلام در دعایش پس از نماز صبح: ای آن که به هر که خواهد، بدون حساب روزی دهد. ای آن که به جنین و نوزاد روزی می دهی.

امام مهدی علیه السلام در دعایش: از تو می خواهم به حق آن نامت که با آن، آفریدگان خویش را در زهدان ها هر گونه که خواهی صورت بخشی و روزی هاشان را در لایه های تاریکی از میان رگ ها و استخوان ها به سویشان می کشانی... و از تو می خواهم به حق آن نامت که با آن آفریدگانت را آفریده و هر گونه ای خواسته ای و خواسته اند، ایشان را روزی داده ای.

عيسى عليه السلام: اَعْمَلُوا لِلَّهِ وَلَا تَعْمَلُوا لِبُطُونِكُمْ؛ اُنْظُرُوا إِلَى هَذَا الطَّيْرِ يَغْدُو وَيَرُوحُ لَا يَحْرِثُ وَلَا يَحْصِدُ، اللَّهُ تَعَالَى يَرْزُقُهَا؛ فَإِنْ قُلْتُمْ: نَحْنُ أَعْظَمُ بُطُونًا مِنَ الطَّيْرِ، فَانْظُرُوا إِلَى هَذِهِ الْأَبَاقِرِ مِنَ الْوَحْشِ وَالْحُمُرِ تَغْدُو وَتَرُوحُ لَا تَحْرِثُ وَلَا تَحْصِدُ، اللَّهُ تَعَالَى يَرْزُقُهَا. اِتَّقُوا فَضُولَ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ فَضُولَ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ رَجْزٌ. (١)

١ / ٢ / ٢ خصائص الرزق ١ / ٢ / ١ مقمدر مقسوما الكتاب: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسِمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ. (٢)»

«وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ * فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ. (٣)»

١- الدر المنثور: ٢ / ٢٠٧ نقلاً عن ابن أبي شيبة وأحمد وابن أبي الدنيا عن سالم بن أبي الجعد، وراجع ربيع الأبرار: ٤ / ٣٧٤.

٢- الزخرف: ٣٢.

٣- الذاريات: ٢٢ و ٢٣.

۱ / ۲ ویژگی های روزی

۱ / ۲ روزی تقدیر و تقسیم شده است

حضرت عیسی علیه السلام: برای خدا کار کنید ، نه برای شکم هاتان (۱). به این پرندگان بنگرید که روز و شب را می گذرانند و بی آن که کشت و درو کنند ، خدای تعالی به آن ها روزی می دهد . اگر بگویید که شکم ما بزرگتر از پرندگان است ، پس به این گاوها و خران وحشی بنگرید که روز و شب را می گذرانند و بی آن که کشت و درو کنند ، خدای تعالی به آن ها روزی می دهد . از زواید دنیا پرهیز کنید ؛ که این زواید نزد خداوند مایه گناهند .

۱ / ۲ ویژگی های روزی ۱ / ۲ روزی تقدیر و تقسیم شده استقرآن: «آیا آن ها رحمت پروردگار تو را تقسیم می کنند؟ ماییم که میان آنان مایه گذرانشان را در زندگی دنیا تقسیم کرده ایم و پایه های برخی را بر برخی برتر داشته ایم تا بعضی ، بعض دیگر را به خدمت گیرند . و بخشایش پروردگار تو از آن چه گرد می آورند ، بهتر است.»

«و روزی شما و آن چه وعده داده می شوید ، در آسمان است * سوگند به پروردگار آسمان و زمین که این سخن راست است ، همچنان که شما سخن می گوئید.»

۱- .مراد آن نیست که تلاش برای کسب روزی رها شود و از هر گونه فعالیت اقتصادی پرهیز گردد؛ بلکه منظور این است که هدف از تلاش برای طلب روزی ، باید کسب رضایت خدای تعالی باشد؛ و گرنه پرندگان نیز چنان که در متن روایت آمده برای جستن روزی تلاش می کنند . اما در هر حال ، می دانیم که آن ها دارای اندیشه نیستند و خداوند بنا بر حکمت خویش خواسته است که روزی ایشان را بر این منوال فراهم آورد . پس شایسته است که انسان با تأمل در این حقیقت ، دریابد که روزی وی نیز به دست خدا است و در نتیجه ، وی وظیفه دارد که خدای را معبود خویش گیرد و در بندگی اش کوتاهی نرزد.

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِأَكْسَبَ مِنْ أَحَدٍ؛ قَدْ كَتَبَ اللَّهُ الْمُصِيبَةَ وَالْأَحْيَالَ، وَقَسَمَ الْمَعِيشَةَ وَالْعَمَلَ، فَالنَّاسُ يَجْرُونَ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا بَنَ آدَمَ، لَسْتَ بِبَالِغِ أَمَلِكَ، وَلَا بِدَافِعِ أَجْلِكَ، وَلَا بِمَدْفُوعِ عَن رِزْقِكَ؛ فَبِمَاذَا تُشْقَى نَفْسَكَ يَا شَقِيًّا يَا شَقِيًّا يَا شَقِيًّا؟! (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَتَبَ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ رِزْقَهَا وَمُصِيبَتَهَا وَأَجَلَهَا. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعْنِي بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَقَدْ مَضَى الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَاتِبٌ [إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ]؛ فَلَوْ جَهَدَ النَّاسُ أَنْ يَنْفَعُوا بِأَمْرِ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ لَكَ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ، وَلَوْ جَهَدُوا أَنْ يَضُرُّوكَ بِأَمْرِ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ عَلَيْكَ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْخَلَائِقَ لَمَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يُعْطَوْكَ شَيْئًا لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُعْطِيكَهُ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى ذَلِكَ، أَوْ أَنْ يَصْرِفُوا عَنْكَ شَيْئًا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُعْطِيكَهُ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَى ذَلِكَ، وَأَنْ قَدْ جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَاتِبٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: فِي احْتِجَاجِهِ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أُمَيَّةَ: الْحُكْمُ لِلَّهِ، يَقْسِمُ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَفْعَلُ كَمَا يَشَاءُ، وَهُوَ حَكِيمٌ فِي أَعْمَالِهِ، مَحْمُودٌ فِي أَعْمَالِهِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقُرَيْشِينَ عَظِيمٍ (٦)» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ» يَا مُحَمَّدُ؟ «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» فَأَحْوَجْنَا بَعْضًا إِلَى بَعْضٍ: أَحْوَجَ هَذَا الرَّجُلُ إِلَى مَالِ ذَلِكَ، وَأَحْوَجَ ذَلِكَ إِلَى سِلْعَتِهِ هَذَا أَوْ إِلَى خِدْمَتِهِ، فَتَرَى أَجَلَ الْمُلُوكِ وَأَغْنَى الْأَغْنِيَاءِ مُحْتَاجًا إِلَى أَفْقَرِ الْفُقَرَاءِ فِي ضَرْبٍ مِنَ الضُّرُوبِ: إِمَّا سِلْعَتَهُ مَعَهُ لَيْسَتْ مَعَهُ، وَإِمَّا خِدْمَتَهُ يَصْلُحُ لَهَا لَا يَتَهَيَّأُ لِذَلِكَ الْمَلِكِ أَنْ يَسْتَعِينِي إِلَّا بِهِ، وَإِمَّا بَابٌ مِنَ الْعُلُومِ وَالْحِكْمِ هُوَ فَقِيرٌ إِلَى أَنْ يَسْتَفِيدَهَا مِنْ هَذَا الْفَقِيرِ، فَهَذَا الْفَقِيرُ يَحْتَاجُ إِلَى مَالِ ذَلِكَ الْمَلِكِ الْغَنِيِّ، وَذَلِكَ الْمَلِكُ يَحْتَاجُ إِلَى عِلْمِ هَذَا الْفَقِيرِ أَوْ رَأْيِهِ أَوْ مَعْرِفَتِهِ. ثُمَّ لَيْسَ لِلْمَلِكِ أَنْ يَقُولَ: هَلَّا اجْتَمَعَ إِلَى مَالِي عِلْمُ هَذَا الْفَقِيرِ! وَلَا لِلْفَقِيرِ أَنْ يَقُولَ: هَلَّا اجْتَمَعَ إِلَى رَأْيِي وَعِلْمِي وَمَا أَتَصَيَّرَفُ فِيهِ مِنْ فُنُونِ الْحِكْمِ مَا هَذَا الْمَلِكِ الْغَنِيِّ! ثُمَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سِيخْرِيًّا» ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، قُلْ لَهُمْ: «وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ» (٧) أَي مَا يَجْمَعُهُ هَؤُلَاءِ مِنْ أَمْوَالِ الدُّنْيَا. (٨)

١- حليه الأولياء: ٦ / ١١٦، ربيع الأبرار: ٤ / ٣٧٤ وفيه «بأكسب» بدل «بأكسب» و«النصيب» بدل «المصيبة» وكلاهما عن ابن مسعود، كنز العمال: ١ / ١٠٩ / ٥٠٣.

٢- تنبيه الخواطر: ٢ / ١١٣.

٣- الجعفریات: ٢٥١.

- ٤- من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٤١٣ / ٥٩٠٠ عن الفضل بن العباس ، الأماالى للطوسى : ٥٣٦ / ١١٦٢ ، مكارم الأخلاق : ٢/٣٧٧/٢٦٦١ كلاهما عن أبى ذر ؛ سنن الترمذى : ٤/٦٦٧/٢٥١٦ نحوه ، مسند ابن حنبل : ١ / ٦٥٩ / ٢٨٠٤ ، المستدرک على الصحيحين : ٣ / ٦٢٣ / ٦٣٠٣ کلها عن ابن عباس .
- ٥- .المنتخب من مسند عبد بن حميد : ٢١٤ / ٦٣٦ ، المستدرک على الصحيحين : ٣ / ٦٢٤ / ٦٣٠٤ نحوه ، شُعب الإيمان : ٧ / ٢٠٣ / ١٠٠٠١ وکلها عن ابن عباس .
- ٦- .الزخرف : ١
- ٧- .الزخرف : ٣٢ .
- ٨- .الاحتجاج : ١/٥٧/٢٢ ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسکرى عليه السلام : ٥٠٧ ، بحار الأنوار : ٩/٢٧٥/٢ .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما بیش از دیگری کسب نتواند کرد. همانا خداوند مصیبت و مرگ را برنوشته و مایه گذران زندگی و کار را تقسیم فرموده است؛ پس مردم در این میان به سوی پایان گاه در حرکتند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای فرزند آدم! چنان نیستی که به آرزوی خویش رسی و مرگ خود را دور کنی و از روزی ات بازداشته شوی. پس ای بینوا، ای بینوا! چرا خود را به سختی می افکنی؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند برای هر کس روزی و مصیبت و مرگش را برنوشته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه چیزی می خواهی، از خدا بخواه؛ و هرگاه یاری می جویی، از او بجوی. همانا قلم تقدیر خداوند همه چیز را تا روز قیامت رقم زده است؛ پس اگر همه مردم بکوشند تا تو را به بهره ای برسانند که خدا برایت برنوشته است، نتوانند که چنین کنند؛ و اگر بکوشند تا به تو زبانی رسانند که خدا برایت برنوشته است، چنین نتوانند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر همه آفریدگان گرد آیند تا تو را چیزی دهند که خداوند نخواسته آن را به تو عطا فرماید، نتوانند که چنین کنند، و نیز اگر بخواهند تو را از چیزی بازدارند که خدا خواسته آن را به تو عطا فرماید، نتوانند. و همانا قلم تقدیر خداوند هر چیز را که تا روز قیامت پدید آید، برنوشته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مناظره وی با عبدالله بن ابی امیه: حکمرانی از آن خدا است؛ آن گونه که خواهد، قسمت می نماید و هر گونه خواهد، عمل می کند؛ در کارهایش حکمت می ورزد و در اعمالش ستوده است. و این است گفته خدای تعالی: «و گفتند چرا این قرآن بر مردی بزرگ از این دو شهر (= مکه و طایف) فرو فرستاده نشده است؟» و پاسخ خداوند چنین است: «آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می کنند؟» ای محمد! «مایم که میان آنان مایه گذرانشان را در زندگانی دنیا تقسیم کرده ایم». پس خداوند برخی از ما را به برخی دیگر نیازمند نموده است: این را به دارایی آن؛ و آن را به کالا یا خدمت این. پس می نگری که بزرگ ترین پادشاه یا برترین توانگر گاه به درویش ترین فقیر به گونه ای محتاج می گردد: یا کالایی دارد که وی را فراهم نیست و یا خدمتی تواند کرد که آن پادشاه جز به یاری او از آن خدمت بهره مند نگردد و یا دانش و حکمتی دارد که آن پادشاه بدان محتاج است و باید از وی فراگیرد. پس هم آن فقیر به دارایی این پادشاه توانگر نیاز دارد و هم این پادشاه به دانش یا اندیشه یا معرفت آن فقیر محتاج است. آن پادشاه را نرسد که گوید: «چرا دانش آن فقیر در کنار دارایی من گرد نیامد؟» و آن فقیر را نیز نرسد که گوید: «چرا دارایی آن پادشاه توانگر با اندیشه و دانش و حکمت ورزی های من یکجا گرد نیامد؟» خدای تعالی فرموده است: «برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری بخشیده ایم تا بعضی شان بعضی دیگر را به خدمت گیرند». سپس فرموده است: ای محمد! به ایشان بگو: «و رحمت پروردگار تو از آن چه ایشان گرد می آورند، نیکوتر است»؛ یعنی از دارایی های دنیا که اینان انباشته می کنند، بهتر است.

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ الْأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ كَقَطْرِ الْمَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّرَ اللَّهُ لَهَا مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ ، فَمَنْ أَصَابَ أَحَدَكُمْ مُصِيبَةٌ فِي أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ وَرَأَى عِنْدَ أَخِيهِ غَفِيرَةً فِي أَهْلٍ أَوْ مَالٍ أَوْ نَفْسٍ فَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِ فِتْنَةً ؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ لَبْرِيءٌ مِنَ الْخِيَانَةِ مَا لَمْ يَغْشَ دَنَاءَةً تَظْهَرُ فَيَخْشَعُ لَهَا إِذَا ذُكِرَتْ ، وَيُغْرَى بِهَا لِئَامُ النَّاسِ كَانَ كَالْفَالِجِ الْيَاسِرِ الَّذِي يَنْتَظِرُ أَوَّلَ فَوْزِهِ مِنْ قِتَادِهِ ؛ تَوَجُّبٌ لَهُ الْمَغْنَمُ ، وَيُؤَدِّعُ بِهَا عَنْهُ الْمَغْرَمُ . وَكَذَلِكَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ الْبَرِيءُ مِنَ الْخِيَانَةِ ، يَنْتَظِرُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ : إِمَامًا دَاعِيًا اللَّهُ فَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ ، وَإِمَامًا رَزَقَ اللَّهُ فَإِذَا هُوَ ذُو أَهْلٍ وَمَالٍ وَمَعَهُ دِينُهُ وَحَسْبُهُ ؛ إِنَّ الْمَالَ وَالْبَنِينَ حَرْتُ الدُّنْيَا ، وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ حَرْتُ الْآخِرَةِ وَقَدْ يَجْمَعُهُمَا اللَّهُ لِأَقْوَامٍ . (١)

١- الكافي : ٥ / ٥٧ / ٦ عن حسن ، نهج البلاغه : الخطبه ٢٣ ، قرب الإسناد : ٣٨ / ١٢٣ ، تفسير القمّي : ٢ / ٣٦ كلاهما عن بكر بن محمّد عن الإمام الصادق عليه السلام ، الغارات : ١ / ٧٩ عن شهر بن حوشب عن الإمام عليّ عليه السلام وكلّها نحوه ، بحار الأنوار : ٧١ / ٨٤ / ٢٨ ؛ كنز العمال : ١٦ / ٢٠٧ / ٤٤٢٣١ .

امام علی علیه السلام: همانا امر پروردگار همانند باریدن باران ، به فراخور تقدیری که خداوند از بیش یا کم برای هر کس تعیین فرموده ، از آسمان بر زمین فرود می آید . پس اگر هر یک از شما را مصیبتی در خاندان و دارایی و جانش در رسید و برادرش را دید که خاندان و دارایی و جانش فزونی می پذیرد ، مبادا فریفته شود ؛ زیرا انسان مسلمان مادام که اظهار پستی نکرده تا از وی به خواری یاد گردد و مردم فرومایه به سبب آن ، بر وی برانگیخته شوند از خیانت بر کنار است و همانند قماربازی است تیزچنگ که از نخستین تیرهای قمار خود انتظار پیروزی دارد تا هم بهره ای به دست آورد و هم باخت هایش را جبران کند . چنین است حال انسان مسلمان بر کنار از خیانت که یکی از دو نیکی را از خداوند انتظار می برد : یا فراخواننده به سوی خدا = مرگ را ، که آن چه نزد او است برای انسان بهتر است ؛ و یا روزی خدا را ، که در این حال هم صاحب خاندان و دارایی است و هم دین و شرافت . همانا دارایی و فرزندان دستمایه دنیا است و عمل نیکو دستمایه آخرت ؛ و گاه خداوند این هر دو را به گروهی عطا فرماید .

عنه عليه السلام: رِزْقُ كُلِّ امْرِيٍّ مُقَدَّرٌ كَتَقْدِيرِ أَجَلِهِ . (١)

عنه عليه السلام: لَمْ يَفُتْ نَفْسًا مَا قُدِّرَ لَهَا مِنَ الرِّزْقِ . (٢)

عنه عليه السلام: مَا كَانَ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَسَيَأْتِيكُمْ عَلَى ضَعْفِكُمْ ، وَمَا كَانَ عَلَيْكُمْ فَلَنْ تَقْدِرُوا أَنْ تَدْفَعُوهُ بِحِيلِهِ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعَائِهِ : وَجَعَلَ [اللَّهُ] لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ ، لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ . (٤)

١- .غرر الحكم : ٥٤٢٣ .

٢- .غرر الحكم : ٧٥٤٦ .

٣- .الخصال : ١٠ / ٦٣٢ عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام ، تحف العقول : ١٢٢ ، بحار الأنوار : ١٠ / ١١١ / ١ .

٤- .الصحيفة السجادية : ١٩ الدعاء ١ .

امام علی علیه السلام: روزی هر انسان ، همانند مرگ وی ، به قلم تقدیر در آمده است .

امام علی علیه السلام: روزی تقدیر شده هیچ کس از او سلب نمی گردد .

امام علی علیه السلام: آن روزی ای که به سود شما باشد ، حتی در حال ناتوانی تان به شما می رسد و آن که به زیان شما باشد ، با هیچ تدبیری دورش نتوانید کرد .

امام سجاد علیه السلام در دعایش : و خداوند برای هر یک از ایشان از روزی معین و تقسیم شده اش غذایی برنهاد ، به گونه ای که هر که را او فزونی عطا فرموده ، هیچ کاهنده ای نباشد و هر یک از ایشان را که او کاستی داده ، هیچ افزاینده ای نباشد .

الإمام الصادق عليه السلام في ما يُنسب إليه في مصباح الشريعة: الرزق مقسوم، فماذا ينفع الحسد الحاسد؟! (١)

الإمام العسكري عليه السلام: المقاديرُ الغالبية لا تدفع بالمغالبة، والأرزاق المكتوبة لا تُنال بالشره، ولا تدفع بالإمساك عنها. (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: لو كان في صخره في البحر راسيه صماء مَلَمومَه مَلَسِ نواحيها رزق لِنفس يراها الله لانفلتعه فأدّت إليه كُمل ما فيها أو كان بين طباق السبع مَجْمَعُهُلَسِ هَلَّ اللهُ في المرقى مراقبها حتى يوافي الذي في اللوح خط لها ن هي أته وإلا فهو يأتيها (٣)

عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: فلو كانت الدنيا تُنال بِفِطْنِهِوَفَضْلِ وَعِلْمٍ نِلْتُ أَعْلَى المَرَاتِ وَلِكِنَّمَا الأرزاقُ حَظٌّ وَقِسْمٌهُبَفَضْلِ مَلِيكَ لا بِحِيلِهِ طَالِبِ (٤)

٢ / ٢٢ مقسوم من الحلال الكتاب: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ أَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ أُمُّ عَلِيٍّ اللهُ تَفْتَرُونَ . (٥)»

١- مصباح الشريعة: ٢٨٦ .

٢- أعلام الدين: ٣١٤، بحار الأنوار: ٧١ / ٣٧٩ / ٤ .

٣- التوحيد: ١٥ / ٣٧٢ .

٤- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ٧٤ / ٣٠ .

٥- يونس: ٥٩ .

۱ / ۲۲ روزی تقسیم شده از حلال است

امام صادق علیه السلام در کلام منسوب به وی در مصباح الشریعه: روزی تقسیم شده است؛ پس حسد ورزیدن چه سودی برای حسود دارد؟

امام عسکری علیه السلام: تقدیرهای تعیین شده با کشمکش دور نگردد و روزی های برنوشته شده، نه با آزمندی به دست آید و نه با پرهیز ورزیدن دور گردد.

امام علی علیه السلام: اگر بر صخره ای استوار و سختو به هم فشرده با پیرامونی هموار در دل دریا روزی کسی به مصلحت دید خدا نهاده شده باشد آن روزی از آن صخره شکافته گردد و یکسره بدان کس رسد و یا اگر آن روزی میان آسمان های هفتگانه باشد خداوند چنان راه پیمودنش را آسان سازد که به آن کس رسد که در لوح تقدیر برایش نوشته شده استیا آن روزی به وی رسد و یا وی به آن روزی!

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: اگر دنیا با هوشیاری و فضیلت و دانش به چنگ می آمد / من به والاترین پایه های دنیا می رسیدم اما روزی ها بهره و قسمت خدادادی هستند / و با چاره اندیشی جوینده به دست نمی آیند

۱ / ۲۲ روزی تقسیم شده از حلال استقرآن: «بگو: مرا خبر دهید، آن چه خدای از روزی برای شما فرستاده است، پس شما از آن حرامی و حلالی [به خواست خود] قرار داده اید، بگو آیا خدا شما را دستوری داده است یا بر خدا دروغ می بندید؟»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَسَمَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ خَلْقِهِ حَلَالًا وَلَمْ يُقَسِّمْهَا حَرَامًا؛ فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَبَرَ أَتَاهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِ مِنْ حِلٍّ، وَمِنْ هَتَيْكَ حِجَابَ السُّتْرِ وَعَجَلٌ فَأَخَذَهُ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، قُصَّ بِهِ مِنْ رِزْقِهِ الْحَلَالِ، وَحُوسِبَ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (١).

عنه صلى الله عليه وآله: لا سَرَقَ سَارِقٌ شَيْئًا إِلَّا حُسِبَ مِنْ رِزْقِهِ. (٢).

تفسير العياشي عن إسماعيل بن كثير رفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ (٣)» قَالَ: فَقَالَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا هَذَا الْفَضْلُ؟ أَيْكُمْ يَسْأَلُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ ذَلِكَ؟ قَالَ: فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا أَسْأَلُهُ عَنْهُ، فَسَأَلَهُ عَنِ ذَلِكَ الْفَضْلِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقَهُ وَقَسَمَ لَهُمْ أَرْزَاقَهُمْ مِنْ حِلِّهَا، وَعَرَضَ لَهُمْ بِالْحَرَامِ، فَمَنْ انْتَهَكَ حَرَامًا نُقِصَ لَهُ مِنَ الْحَلَالِ بِقَدْرِ مَا انْتَهَكَ مِنَ الْحَرَامِ، وَحُوسِبَ بِهِ. (٤).

ربيع الأبرار: دَخَلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَسْجِدَ وَقَالَ لِرَجُلٍ: أَمْسِكْ عَلَيَّ بَعْلَتِي، فَخَلَعَ لِجَامِهَا وَذَهَبَ بِهِ. وَخَرَجَ عَلِيُّ وَفِي يَدِهِ دِرْهَمَانِ لِيُكَافِئَهُ، فَوَجَدَهَا عَطْلًا، فَرَكِبَهَا وَمَضَى، فَأَعْطَى غَلَامَهُ الدَّرْهَمَيْنِ لِيَشْتَرِيَ بِهَا لِجَامًا، فَوَجَدَ الْغُلَامَ اللَّجَامَ فِي السُّوقِ؛ فَقَدَّ بَاعَهُ السَّارِقُ بِدِرْهَمَيْنِ، فَأَخَذَهُ بِالْدَّرْهَمَيْنِ. فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَحْرُمُ نَفْسَهُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ، وَلَا يَزِدَادُ عَلَيَّ مَا قَدَّرَ لَهُ. (٥).

١- الكافي: ٥ / ٨٠ / ١، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢١ / ٨٨٠، التمهيد: ٥٣ / ١٠٠ / ١٠٠، كَلَّهَا عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيَّ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَدَّهُ الدَّاعِي: ٧٤، بحار الأنوار: ٧٠ / ٩٧ / ٣، وج: ١٠٣ / ٣٥ / ٦٨.

٢- دعائم الإسلام: ١ / ٢٤١، عن الإمام علي عليه السلام، الجعفریات: ٥٤، النوادر للراوندي: ١٦٥ / ٢٥٠ وليس فيهما «شيئا».

٣- النساء: ٣٢.

٤- تفسير العياشي: ١ / ٢٣٩ / ١١٦، بحار الأنوار: ٥ / ١٤٦ / ٣.

٥- ربيع الأبرار: ٤ / ٣٧٩.

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند خجسته و بزرگ روزی ها را میان آفریدگانش به حلال تقسیم فرموده و نه به حرام. پس هر کس که تقوای خدا را پیشه کند و صبور باشد، خدا از روزی حلالش به وی عطا فرماید و آن کس که پرده پوشیده بر درّ و شتاب ورزد، خدا به غیر حلالش وی را گرفتار سازد؛ روزی حلالش از او بریده شود و روز قیامت به همان محاسبه گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ سارقی جز از آن چه به حساب روزی اش نوشته شده، دزدی نمی کند.

تفسیر العیاشی از اسماعیل بن کثیر در روایتی که به پیامبر نسبت داده است: چون این آیه نازل شد: «و خدای را از فضلش بجویید»، یاران پیامبر گفتند: «این فضل چیست؟ چه کس از شما این را از وی می پرسد؟» علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «من از وی می پرسم». پس از او پرسید که این فضل چیست. پیامبر فرمود: «هر آینه خداوند آفریدگانش را آفرید و روزی های حلال را میان ایشان تقسیم فرمود و روزی حرام را در معرض دیدشان نهاد. هر کس به حرام روی آورد، به همان اندازه که مرتکب حرام شده، از حلالش کاسته و به پایش نوشته می شود».

ربیع الابرار: علی علیه السلام به مسجد درآمد و به مردی فرمود: «استر مرا نگاه دار!» آن مرد افسار استر را باز کرد و با خود برد. علی بیرون آمد، حال آن که دو درهم در کف داشت تا به وی پاداش دهد. دید که استر رها شده است. بر آن سوار گشت و رهسپار شد. سپس به خادم خویش دو درهم داد تا با آن افساری بخرد. خادم همان افسار را در بازار یافت که آن دزد به دو درهم فروخته بود. پس دو درهم داد و آن را باز گرفت. آن گاه علی فرمود: «همانا بنده با دست کشیدن از صبر، خود را از روزی حلال محروم می کند و بیش از روزی ای که برایش تقدیر شده، به دست نمی آورد».

الإمام الباقر عليه السلام: ليس من نفسٍ إلا وقد فرضَ اللهُ عز و جل لها رزقها حلالاً يأتيها في عافيه ، وعرض لها بالحرام من وجهٍ آخر ؛ فإن هي تناولت شيئاً من الحرام قاصتها به من الحلال الذي فرض لها ، وعند الله سواهما فضلٌ كثيرٌ ، وهو قوله عز و جل : «وَسئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ . (١)»

١ / ٢ / ٣ لا يزيدُهُ حِرْصُ الحَرِيصِ رسول الله صلى الله عليه وآله : يا أبا ذرٍّ ، لا يُسْبِقُ بَطِيءٌ بِحَظِّهِ ، ولا يُدْرِكُ حَرِيصٌ ما لَمْ يُقَدِّرْ لَهُ . وَمَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَاللَّهُ عز و جل أعطاهُ ، وَمَنْ وُقِيَ شَرًّا فَإِنَّ اللَّهَ وَقَاهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ رِزْقَ اللَّهِ لا يَسُوقُهُ إِلَيْكَ حِرْصُ حَرِيصٍ ، ولا يُزِدُهُ عَنْكَ كَرَاهِيَةُ كَارِهِ . (٣)

١- الكافي : ٥ / ٨٠ / ٢ ، تفسير العياشي : ١ / ٢٣٩ / ١١٨ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١١ / ٤٩ نقلًا من خط الشيخ الشهيد نقلًا عن كتاب التجاره للحسين بن سعيد وكلها عن أبي البلاد وج ٥ / ١٤٧ / ٦ .

٢- الأمل للطوسي : ١١٦٢ / ٥٢٧ ، مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٦٥ / ٢٦٦١ وفيه «لحظه» بدل «بحظه» ، تنبيه الخواطر : ٢ / ٥٣ وفيه «خطرا» بدل «خيرًا» وكلها عن أبي ذرٍّ ، تحف العقول : ٤٨٩ عن الإمام العسكري عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٧٦ / ٣ وج ٧٨ / ٣٧٣ / ١٩ .

٣- المعجم الكبير : ١٠ / ٢١٦ / ١٠٥١٤ ، شعب الإيمان : ١ / ٢٢١ / ٢٠٨ ، حليه الأولياء : ٤ / ١٢١ وج ٧ / ١٣٠ ، مسند الشهاب : ٢ / ٩١ / ٩٤٧ وليس فيه «إليك» وكلها عن ابن مسعود ؛ الكافي : ٢ / ٥٧ / ٢ عن عبد الله بن سنان ، الأمل للمفيد : ٢ / ٢٨٤ عن سماعه بن مهران ، تحف العقول : ٣٧٨ ، التمهيد : ٥٢ / ٩٩ عن عبد الله بن سنان وكلها عن الإمام الصادق عليه السلام .

۱ / ۳۲ حرص ورزیدن روزی را افزایش نمی دهد

امام باقر علیه السلام: هیچ کس جز آن که خداوند برایش روزی حلال مقرر فرموده که عافیت مندانه به وی می رسد؛ و از جانب دیگر حرام را در معرض دید او قرار داده است. پس اگر وی به روزی حرام دست اندازد، خداوند به ازای آن از روزی حلالی که برایش مقرر فرموده، می کاهد. و جز این دو، نزد خدا فضل فراوان است و آن همان است که خود فرموده: «و خدای را از فضلش درخواست کنید».

۱ / ۳۲ حرص ورزیدن روزی را افزایش نمی دهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابوذر! آن که [در طلب روزی] کندی می کند، از روزی معین خود باز نمی ماند و آن که حرص می ورزد، به آن چه برایش مقدر نشده، دست نمی یابد. هر که خیری بیابد، خدا به او خیر عطا فرموده و هر کس از شری بازداشته شود، خداوند او را بازداشته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا روزی خدا را نه حرص ورزیدن آزمندی به سویت جلب می کند و نه بی میلی جستن کراهت ورزنده ای از تو باز می دارد.

الإمام علي عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمَّنَ الْأَرْزَاقَ وَقَدَّرَهَا وَأَنَّ سَعِيَّهُ لَا يَزِيدُهُ فِي مَا قَدَّرَ لَهُ مِنْهَا ، وَهُوَ حَرِيصٌ دَائِبٌ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ!! (١)

عنه عليه السلام: الْحَرِصُ لَا يَزِيدُ فِي الرَّزْقِ ، وَلَكِنْ يُذِلُّ الْقَدَرَ . (٢)

عنه عليه السلام: الْأَرْزَاقُ لَا تُنَالُ بِالْحَرِصِ وَالْمُطَالَبَةِ . (٣)

عنه عليه السلام: الْأَخِيلُ مَحْتَمٌ ، وَالرِّزْقُ مَقْسُومٌ ، فَلَا يَغْمَنُ أَحَدُكُمْ إِبْطَاؤُهُ ؛ فَإِنَّ الْحَرِصَ لَا يُقَدِّمُهُ ، وَالْعَفَافَ لَا يُؤَخِّرُهُ ، وَالْمُؤْمِنُ بِالتَّحْمَلِ خَلِيقٌ . (٤)

عنه عليه السلام: كَمِ مِنْ مُتَعِبٍ نَفْسَهُ مُقَتَّرٌ عَلَيْهِ ! وَمُقْتَصِدٍ فِي الطَّلَبِ قَدْ سَاعَدَتْهُ الْمَقَادِيرُ! (٥)

عنه عليه السلام في رسالته إلى عبد الله بن العباس : أَمَا بَعْدُ ، فَإِنَّكَ لَسْتَ بِسَابِقِ أَجْلِكَ ، وَلَا مَرْزُوقٍ مَا لَيْسَ لَكَ . (٦)

عنه عليه السلام : أَمَا بَعْدُ ، فَإِنَّ الْإِهْتِمَامَ بِالدُّنْيَا غَيْرُ زَائِدٍ فِي الْمَوْضُوفِ وَفِيهِ تَضْيِيعُ الزَّادِ ، وَالْإِقْبَالَ عَلَى الْآخِرَةِ غَيْرُ نَاقِصٍ مِنَ الْمَقْدُورِ وَفِيهِ إِحْرَازُ الْمَعَادِ . (٧)

١- غرر الحكم : ٦٢٧٩ .

٢- غرر الحكم : ١٨٧٧ .

٣- غرر الحكم : ١٤١٣ .

٤- غرر الحكم : ٢٠٨٦ .

٥- الكافي : ٥ / ٨١ / ٦ ، التمهيص : ٥٣/١٠١ كلاهما عن سهل بن زياد رفعه ، من لا يحضره الفقيه: ٤/٣٨٦/٨٣٤ من وصيته لابنه محمد بن الحنفية وفيه «فكم رأيت من طالب متعب نفسه مقتر عليه رزقه . . .» ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٣٥ / ٦٩ .

٦- نهج البلاغه : الكتاب ٧٢ ، بحار الأنوار : ٣٤ / ٤٩٨ / ٧٠٣ .

٧- التوحيد : ٣٧٢ / ١٥ ، مختصر بصائر الدرجات : ١٣٨ وفيه «الميعاد» بدل «المعاد» وكلاهما عن الأصبع بن نباته .

امام علی علیه السلام: در شگفتم از آن کس که می داند خداوند روزی ها را ضمانت و تقدیر فرموده و کوشش وی روزی مقدر شده اش را نمی افزاید ، اما باز در طلب روزی با حرص ورزی می کوشد!

امام علی علیه السلام: آزمندی روزی را نمی افزاید ، بلکه موجب خواری است .

امام علی علیه السلام: روزی ها را با آزمندی و طلب نتوان یافت .

امام علی علیه السلام: مرگ تردیدناپذیر و روزی تقسیم شده است . پس به کندی رسیدنِ روزی شما را غمگین نسازد ؛ که نه حرص ورزیدن آن را پیش می اندازد و نه عفت پیشگی آن را واپس می افکند . و مؤمن آن است که شکیبایی پیشه کند .

امام علی علیه السلام: بسا کسی که خود را به رنج می افکند ، اما معیشتش تنگ است ؛ و بسا کسی که در طلب [روزی] میانه روی می کند ، اما تقدیر با وی یار است .

امام علی علیه السلام در نامه اش به عبدالله بن عباس : اما بعد ؛ همانا تو نتوانی بر مرگت پیشی گیری و آن چه را از آن تو تقدیر نشده ، روزی یابی .

امام علی علیه السلام: اما بعد ؛ هر آینه اهتمام ورزیدن به دنیا سبب افزون شدن روزی مقدر نیست و مایه تباهی توشه است ؛ و روی نهادن به آخرت از روزی مقدر نمی کاهد و مایه دستیابی به بهره های آخرت است .

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرًا مَا يَقُولُ: اَعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ لِلْعَبْدِ وَإِنْ اشْتَدَّ جَهْدُهُ وَعَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَكَثُرَتْ مُكَابَدَتُهُ أَنْ يَسْبِقَ مَا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ، وَلَمْ يَحُلْ بَيْنَ الْعَبْدِ فِي ضَعْفِهِ وَقَلَّةِ حِيلَتِهِ أَنْ يَبْلُغَ مَا سُمِّيَ لَهُ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ. أُنْيَاهَا النَّاسُ، إِنَّهُ لَنْ يَزِدَادَ امْرُؤٌ نَقِيرًا بِحِذْقِهِ، وَلَمْ يَنْتَقِصْ امْرُؤٌ نَقِيرًا لِحُمَقِهِ، فَالْعَالِمُ لِهَذَا الْعَامِلِ بِهِ أَعْظَمُ النَّاسِ رَاحَةً فِي مَنْفَعَتِهِ، وَالْعَالِمُ لِهَذَا التَّارِكُ لَهُ أَعْظَمُ النَّاسِ شُغْلًا فِي مَضَرَّتِهِ. (١)

عنه عليه السلام: إِنْ كَانَ الرَّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَاذَا؟! وَإِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟! (٢)

الإمام عليّ عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: دَعِ الْحِرْصَ عَلَى الدُّنْيَا فِي الْعَيْشِ فَلَا تَطْمَعُ وَلَا تَجْمَعُ مِنَ المَالِ وَلَا تَدْرِي لِمَنْ تَجْمَعُ وَلَا تَدْرِي أَفَى أَرْضِكَا مِ فِي غَيْرِهَا تُصْرَعُ فَإِنَّ الرَّزْقَ مَقْسُومًا كُدُّ المَرءِ لَا يَنْفَعُ فَقِيرٌ كُلُّ مَنْ يَطْمَعَعْنِي كُلُّ مَنْ يَقْنَعُ (٣)

١- الكافي: ٥ / ٨١ / ٩، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٢ / ٨٨٣ كلاهما عن ابن جمهور عن أبيه رفعه، نهج البلاغه: الحكمة ٢٧٣، غرر الحكم: ٣٦٥٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٣ / ٦٣ نقلًا عن تنبيه الخواطر.

٢- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٣٩٣ / ٥٨٣٦، الخصال: ٤٥٠ / ٥٥، التوحيد: ٣٧٦ / ٢١، الأمالي للصدوق: ٥٦ / ١٢، مختصر بصائر الدرجات: ١٣٨ كلها عن أبان بن عثمان الأحمر، روضه الواعظين: ٤٨٤، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٢٧ / ٤٣.

٣- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ٣٤٠ / ٢٦٦، جامع الأخبار: ٢٩٤ / ٨٠٢، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٣ / ٢.

امام صادق علیه السلام: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار می فرمود: «به یقین بدانید که خداوند روا نداشته که بنده ای از آن چه در کتاب حکمت خدا برایش مقدر شده، پیش افتد هر چند که سخت بکوشد و بسیار تدبیر کند و فراوان رنج برد؛ و بنده کم توان و کوتاه اندیش را از رسیدن به آن چه در کتاب حکمت خدا برایش تقدیر گشته، مانع نشود. ای مردم! هرگز هیچ کس به سبب هوشیاری اش [حتّی] به قدر شکاف هسته خرما افزایش روزی نیابد و هرگز هیچ کس به سبب کودنی اش [حتّی] به قدر شکاف هسته خرما کاهش روزی نیابد. آن که این را بداند و به آن عمل کند، در سودبری آسوده ترین مردم است و آن که این را بداند و به آن عمل نکند، در زیان بری گرفتارترین مردم است.

امام صادق علیه السلام: اگر روزی تقسیم شده است، پس چرا آزمندی؟ و اگر محاسبه خداوند حقیقت دارد، پس مال اندوزی چرا؟

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: حرص ورزی بر دنیا را رها کنو در بهره بردن از آن طمع نکن. و مال اندوزی منماحال آن که نمی دانی برای چه کس مال می اندوزی. و نمی دانی که در سرزمین خود درمی گذاری یا در غربت. همانا روزی تقسیم شده و کوشش انسان سودی ندارد. هر که طمع ورزد، به فقر دچار می شود و هر که قناعت پیشه کند، بی نیاز می گردد.

عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه ، في ذم الحرص : اِحْسِ عِنَانِكَ لَا تَجْمَحَ بِهِ طَلْبًا فَلَا وَرَبِّكَ مَا الْأَرْزَاقُ بِالطَّلَبِ قَدْ يَأْكُلُ الْمَالَ مَنْ لَمْ يُحْفِ رَاحِلَهُ وَيَتْرُكُ الْمَالَ مَنْ قَدْ جَدَّ فِي الطَّلَبِ (١)

تاريخ دمشق عن محمد بن يزيد بن عبد الأ-كبر مبرّد : كَانَ مَكْتُوبًا عَلَى سَيِّفِ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِلنَّاسِ حِرْصٌ عَلَى الدُّنْيَا وَتَدْبِيرٌ وَصِيْفُهَا لَكَ مَمْزُوجٌ بِتَكْدِيرٍ لَمْ يُرْزَقُوا بِعَقْلِ عِنْدَمَا قَسَمَ مَمْلُوكُهُمْ رُزْقَهَا بِالْمَقَادِيرِ كَمَنْ مِنْ أَدِيبٍ لَبِيبٍ لَا تُسَاعِدُهُ مَائِقٌ (نَالَ) دُنْيَاهُ بِتَقْصِيرٍ لَوْ كَانَ عَنْ قُوَّةٍ أَوْ (عَنْ) مُغَالِبِهِ طَارَ الثُّرَاهُ بِأَرْزَاقِ الْعَصَافِيرِ (٢)

١ / ٢٢ مضمون لطالب رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ بَابَ الرِّزْقِ مَفْتُوحٌ مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ بَطْنِ الْأَرْضِ ، يَرْزُقُ اللَّهُ كُلَّ عَبْدٍ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَنَهْمَتِهِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام : اَطْلُبُوا الرِّزْقَ ؛ فَإِنَّهُ مَضمونٌ لِطَالِبِهِ . (٤)

كنز الفوائد : رُوِيَ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ : أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : يَا بَنَ آدَمَ ، حَرِّكْ يَدَكَ أَبْسُطْ لَكَ فِي الرِّزْقِ ، وَأَطْعِنِي فِي مَا آمُرُكَ ، فَمَا أَعْلَمَنِي بِمَا يُصْلِحُكَ ! (٥)

١- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ٩٢ / ٤٧ .

٢- تاريخ دمشق : ٤٢ / ٥٢٥ ، البدايه والنهائيه : ٨ / ١٠ وفيه «و في مراد الهوى عقل و تشمير» بدل «وصفوها لك ممزوج بتكدير» ؛ الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ٢٥٦ / ١٧٦ نحوه .

٣- حليه الأولياء : ١٠ / ٧٣ عن الزبير ، كنز العمال : ١ / ١٣٣ / ٦٢٨ .

٤- الإرشاد : ١ / ٣٠٣ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٤٢١ / ٤٠ .

٥- كنز الفوائد : ٢ / ١٩٩ ؛ تفسير الدر المنثور : ٣ / ٥٦٠ نقلًا عن عبد الله وابنه عن الوليد بن عمر قال : بلغني أنه مكتوب في التوراه ، وفيه «أفتح لك بابا من الرزق» بدل «أبسط لك في الرزق» .

۱ / ۲۲ روزی برای جوینده آن ضمانت شده است

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی ، در نکوهش حرص : عنان خویش را نگاه دار و در طلب دنیا چموشی مکن / به پروردگارت سوگند! چنین نیست که روزی ها با طلب کردن به دست آید. گاه کسی از مال بهره می برد که پای در ره نهاده / و کسی مال بر جا می نهد که بسیار در طلب آن کوشیده است .

تاریخ دمشق از محمد بن یزید بن عبدالاکبر مبرد : بر شمشیر امام علی بن ابی طالب علیه السلام چنین نگاشته شده بود: مردم به دنیا حرص می ورزند و برای آن تدبیر می کنند حال آن که پاکی اش برایت آمیخته به تیرگی است . آن گاه که روزی تقسیم می شد ، مردم با عقل و تدبیر به روزی دست نیافتند لکن روزی هر کس به تقدیر بود . بسا ادیب هوشیار که دنیا یار او نیستو بسا کوتاه فکر که با همه کوتاه اندیشی اش به دنیای خود دست یابد . اگر روزی یافتن به نیرو یا غلبه بود بازها باید بر روزی گنجشکان چنگ می یافتند!

۱ / ۲۲ روزی برای جوینده آن ضمانت شده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا در روزی از پیشگاه عرش تا هموارگاه درون زمین گشوده شده است ؛ خداوند هر بنده ای را به قدر همت و نیازش روزی می بخشد .

امام علی علیه السلام : در طلب روزی باشید ؛ زیرا روزی برای جوینده اش ضمانت شده است .

کنز الفوائد : در برخی از کتب این روایت آمده است : خدای تعالی می فرماید : «ای فرزند آدم! دست خویش را حرکت بخش تا روزی ات را گسترش دهم ؛ و آن چه را به تو فرمان می دهم ، اطاعت کن که من به مایه صلاح تو بسیار آگاهم» .

١ / ٢ فقد يجرى بغير حيلها لإمام علي عليه السلام: لو جرت الأرزاق بالألباب والعقول؛ لم تعيش البهائم والحمقى. (١)

عنه عليه السلام: وُكِّلَ الرِّزْقُ بِالْحَمَقِ، وَوُكِّلَ الْجِرْمَانُ بِالْعَقْلِ، وَوُكِّلَ الْبَلَاءُ بِالصَّبْرِ. (٢)

عنه عليه السلام: الْحِظُّ يَسْعَى إِلَى مَنْ لَا يَخْطُبُهُ. (٣)

عنه عليه السلام: الْحِظُّ يَأْتِي مَنْ لَا يَأْتِيهِ. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَسَّعَ فِي أَرْزَاقِ الْحَمَقَاءِ لِيُعْتَبَرَ الْعُقَلَاءُ، وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حَيْلِهِ. (٥)

ربيع الأبرار: أُوْحِيَ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَدْرِي لِمَ رَزَقْتُ الْأَحْمَقَ؟ قَالَ: لَا يَا رَبِّ. قَالَ: لِيَعْلَمَ أَنَّ الرِّزْقَ لَيْسَ بِالِاحْتِيَالِ. (٦)

١- غرر الحكم: ٧٦٠٧.

٢- الكافي: ٨ / ٢٢١ / ٢٧٧ عن محمد بن الحسين عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهما السلام، تحف العقول: ٢٠٩، التمهيد: ٤٦/٤٢، مشكاة الأنوار: ٥٨/٤٣ وفيه «وُكِّلَ الْبَلَاءُ بِالْيَقِينِ وَالصَّبْرِ»، بحار الأنوار: ٧٢ / ٥٠ / ٤٢.

٣- غرر الحكم: ١٤٠٧ و ١٤٠٨.

٤- نهج البلاغه: الحكمة ٢٧٥، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٧٠ / ٧.

٥- الكافي: ٥ / ٨٣ / ١٠، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٣ / ٨٨٤، التمهيد: ٥٣ / ١٠٢، تنبيه الخواطر: ١ / ١٤ / ١، كَلَّهَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ.

٦- ربيع الأبرار: ٣٧٨ / ٤.

۱ / ۵۲ گاه روزی بدون برنامه ریزی به دست آید

۱ / ۵۲ گاه روزی بدون برنامه ریزی به دست آید امام علی علیه السلام: اگر روزی ها به سبب اندیشه ها و خردها جریان می یافت ، چهارپایان و بی خردان معیشت نمی یافتند!

امام علی علیه السلام: روزی به نادانی واگذار شده ؛ ناکامی به دانایی ؛ و بلا به صبوری .

امام علی علیه السلام: کامیابی به سوی کسی می شتابد که به دنبال آن نیست .

امام علی علیه السلام: بهره مندی از آن کسی است که به سوی آن نمی رود .

امام صادق علیه السلام: همانا خداوند در روزی نادانان گشایش پدید آورده تا دانایان عبرت گیرند و بدانند که با کار و چاره جویی نمی توان به دنیا دست یافت .

ربیع الابرار: به موسی علیه السلام وحی شد: «آیا می دانی چرا احمق را روزی داده ام؟» گفت: «پروردگار من! نمی دانم» . فرمود: «تا دانسته شود که روزی با چاره اندیشی به دست نیاید» .

الإمام عليّ عليه السلام في الحِكمِ المنسوبِ إليه : وَكُلُّ ثَلَاثٍ بِثَلَاثٍ : الرِّزْقُ بِالْحُمُقِ ، وَالْحِرْمَانُ بِالْعَقْلِ ، وَالْبَلَاءُ بِالْمَنْطِقِ . لِيَعْلَمَ ابْنُ آدَمَ أَنْ لَيْسَ لَهُ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ . (١)

عنه عليه السلام في الحِكمِ المنسوبِ إليه : مَنْ زَادَ عَقْلُهُ نَقَصَ حُظُّهُ ، وَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ عَقْلًا وَإِفْرًا إِلَّا اِحْتَسَبَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِهِ . (٢)

عنه عليه السلام في الدِّيوانِ المنسوبِ إليه : كَمِ مِنْ أَدِيبٍ فَطِنَ عَالِمِمْسْتَكْمِلِ الْعَقْلِ مُقْتَلٌ عَيْدِيمٍ وَمِنْ جَهُولٍ مُكْثِرٍ مَا لِهَذَاذِكِّكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (٣)

عنه عليه السلام في الدِّيوانِ المنسوبِ إليه : كَمِ مِنْ عَلِيمٍ قَوِيٍّ فِي تَقْلُبِهِمْ هَذَبِ اللَّبِّ عَنْهُ الرِّزْقُ يَنْحَرِفُ كَمِ مِنْ ضَعِيفٍ سَيْخِيفِ الْعَقْلِ مُخْتَلِطِ كَأَنَّهُ مِنْ خَلِيجِ الْبَحْرِ يَغْتَرِفُ (٤)

عنه عليه السلام : فَلَوْ أَنَّ الْعُقُولَ تَجُرُّ رِزْقًا لَكَانَ الرِّزْقُ عِنْدَ ذَوِي الْعُقُولِ فَكَمِ مِنْ مُؤْمِنٍ قَدِ جَاعَ يَوْمًا سَيُرَوَى مِنْ رَحِيقِ السَّلْسَبِيلِ (٥)

١- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٢٦٦ / ٩٣ .

٢- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٠٨ / ٥٣٤ .

٣- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ٥١٨ / ٣٩١ .

٤- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام : ٣٧٦ / ٢٩٠ .

٥- تاريخ دمشق : ٤٢ / ٥٢٤ عن الصوليّ أبي بكر محمّد بن يحيى .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : سه چیز به سه چیز واگذار شده است: روزی به نادانی ، ناکامی به دانایی ، و بلا به فهم و شعور ؛ تا فرزند آدم دریابد که هیچکاره است .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : هر کس عقلش بیش ، بهره اش کم تر . خداوند به هیچ کس عقل فراوان نداده ، مگر این که به ازای آن از روزی اش کاسته است .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : بسا ادیب هوشیار و دانشمند که از عقل فراوان بهره دارد ، ولی بی چیز و تنگدست است . و بسا نادان که مال بسیار دارد و این ، تقدیر خداوند سرافراز دانا است .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : بسا دانای قوی عزم و نیکواندیش که روزی از وی روی می گرداند . و بسا ناتوان کوتاه اندیش تباه عقل که [بسی نعمت یافته] گویی از کناره دریا با کف دست آب بر می گیرد .

امام علی علیه السلام: اگر اندیشه ها روزی را سوی خود می کشانند آن گاه روزی نزد اندیش مندان بود . بسا مؤمن که یک روز گرسنگی کشد و در بهشت از باده ناب سلسبیل سیراب گردد .

عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: لو كان باللُّب يزداد اللَّيبُ غَيِّلَكَانَ كُلُّ لَيْبٍ مِثْلَ قَارُونَ لَكِنَّمَا الرِّزْقُ بِالمِيزَانِ مِنْ حَكْمِيعِطِي اللَّيْبِ وَيُعْطَى كُلُّ مَأْفُونٍ (١)

عنه عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: ما لا- يَكُونُ فَلَـ يَكُونُ بِحِيلِهَا يَدَا وَمَا هُوَ كَائِنٌ سَيَكُونُ سَيَكُونُ مَا هُوَ كَائِنٌ فِي وَقْتِهِ وَأَخُو الْجَهَالَةِ مُتَعَبٌ مَحْزُونٌ يَسْعَى القَوِيُّ فَلَا يَنَالُ بِسَعِيهِ حَظًّا وَيَحْظِي عَاجِزٌ وَمَهِينٌ (٢)

١ / ٣ أصنافُ الرِّزْقِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله : اعلموا أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ : فَرِزْقٌ تَطْلُبُونَهُ ، وَرِزْقٌ يَطْلُبُكُمْ . فَاطْلُبُوا أرزاقكم مِنْ حَلايلٍ ؛ فَإِنَّكُمْ آكلوها حَلايلاً إِنْ طَلَبْتُمُوهَا مِنْ وُجُوهِهَا ، وَإِنْ لَمْ تَطْلُبُوهَا مِنْ وُجُوهِهَا أَكَلْتُمُوهَا حَراماً ، وَهِيَ أرزاقكم لا يُدَّ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهَا . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ الرِّزْقَ لَيَطْلُبُ العَبْدَ كَمَا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ . (٤)

١- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ٥٩٤ / ٤٤٩ .

٢- .الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ٥٩٤ / ٤٥٠ .

٣- .الأمالى للصدوق : ٣٦٩ / ٤٦٠ عن مرزم بن حكيم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٢٨ / ٤٤ وص ٣١ / ٥٧ نقلاً عن الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام منحه .

٤- .صحيح ابن حبان: ٨/٣١/٣٢٣٨، السنه لابن أبي عاصم: ١١٧/٢٦٤، شعب الإيمان: ٢/٧١/١١٩١، حليه الأولياء: ٦ / ٨٦ كلها عن أبي الدرداء ؛ جامع الأخبار : ٢٩٤ / ٧٩٩ وص ٢٩٣ / ٧٩٨ نحوه وراجع المعجم الكبير : ٣ / ٨٤ / ٢٧٣٧ و مسند الشهاب : ١ / ٢٤١ / ١٦٨ .

۱ / ۳ گونه های روزی

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: اگر خردمند به سبب افزونی خرد، توانگرتر می شد آن گاه هر خردمندی می بایست همچون قارون بود. اما روزی را ترازویی است نزد خدای حکم گزار که هم خردمند را نصیب عطا فرماید و هم کم خرد را.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: آن چه بنا نیست که باشد، با هیچ تدبیری بودنی نخواهد شد و آن چه بنا است که باشد، خواهد شد. آن چه بنا است که باشد، در وقت خویش خواهد شد و نادان همواره در رنج و اندوه است. نیرومند می کوشد، اما با کوشش خویش به نصیبی نمی رسد حال آن که ناتوان و فرومایه به نصیب خویش می رسد.

۱ / ۳ گونه های روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدانید که روزی دو گونه است: آن چه شما در پی آنید و آن چه او در پی شما است. پس روزی های خویش را از حلال جست و جو کنید؛ که اگر آن را از طریق مناسب به دست آورده باشید، به حلال مصرفش می کنید؛ و اگر آن را از طریق مناسب به کف نیاورده باشید، به حرامش می خورید. و این ها روزی های شماست که ناچار از مصرف آن هایید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا روزی در پی بنده است، همان گونه که مرگ در پی او است.

عنه صلى الله عليه و آله : يا أبا ذرٍّ ، لو أن ابن آدم فرّ من رزقه كما يفرُّ من الموت لأدرَكَه رزقه كما يُدرِكُه الموتُ . (١)

الإمام على عليه السلام لمن سأله عن تفسير «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» : «رَبِّ الْعَالَمِينَ» : مَا لِكُمْ وَخَالِقُهُمْ وَسَائِقُ أَرْزَاقِهِمْ إِلَيْهِمْ مِنْ حَيْثُ يَعْلَمُونَ وَمِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ؛ فَالرِّزْقُ مَقْسُومٌ ، وَهُوَ يَأْتِي ابْنَ آدَمَ عَلَى أَى سِيرِهِ سَارَهَا مِنَ الدُّنْيَا ، لَيْسَ تَقْوَى مُتَّقٍ بِزَائِدِهِ ، وَلَا فُجُورٌ فَاجِرٍ بِنَاقِصِهِ ، وَبَيْنَهُ وَبَيْنَهُ سِتْرٌ ، وَهُوَ طَالِبُهُ ؛ فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ يَفِرُّ مِنْ رِزْقِهِ لَطَلَبَهُ كَمَا يَطْلُبُهُ الْمَوْتُ . (٢)

عنه عليه السلام : الرِّزْقُ يَطْلُبُ مَنْ لَا يَطْلُبُهُ . (٣)

عنه عليه السلام : رِزْقُكَ يَطْلُبُكَ فَأَرْحِ نَفْسَكَ مِنْ طَلْبِهِ . (٤)

عنه عليه السلام فى وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ : يَا بُنَيَّ ، الرِّزْقُ رِزْقَانِ : رِزْقٌ تَطْلُبُهُ ، وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ ؛ فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ . فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَتِّكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ . وَكَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ مَا هُوَ فِيهِ ، فَإِنْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَلَسِيأَتِيكَ فِى كُلِّ غَدٍ بِجَدِيدٍ مَا قَسَمَ لَكَ ، وَإِنْ لَمْ تَكُنِ السَّنَةُ مِنْ عُمْرِكَ فَمَا تَصْنَعُ بِعَمٍّ وَهَمٍّ مَا لَيْسَ لَكَ؟! وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَنْ يَسْبِقَكَ إِلَى رِزْقِكَ طَالِبٌ ، وَلَنْ يَغْلِبَكَ عَلَيْهِ غَالِبٌ ، وَلَنْ يَحْتَجِبَ عَنْكَ مَا قَدَّرَ لَكَ . (٥)

١- .جامع الأخبار : ٢٩٤ / ٨٠١ وح ٨٠٠ نحوه ، تنبيه الخواطر : ٢ / ٦٣ عن أبى ذرٍّ ، الكافى : ٢ / ٥٧ ، ٢ ، التمحيص : ٥٢ / ٩٩ وفيه «رزقه قبل موته» وكلاهما عن عبد الله بن سنان ، الأمالى للمفيد : ٢٨٤ / ٢ عن سماعة بن مهران ، تحف العقول : ٣٧٨ كلها عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «لو أن أحدكم فرّ بدل «لو أن ابن آدم فرّ» .

٢- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ١ / ٢٨٣ / ٣٠ ، علل الشرايع : ٤١٧ / ٣ وفيه «وبيننا وبينه» بدل «وبينه وبينه» ، بشاره المصطفى : ٢١٣ كلها عن محمد بن زياد ومحمد بن يسار عن الإمام العسكرى عن أبيه عن جدّه عن الإمام الرضا عليهم السلام ، تنبيه الخواطر : ١٠٧ / ٢ عن الإمام الرضا عليه السلام .

٣- .غرر الحكم : ١٤٠٨ .

٤- .غرر الحكم : ٥٤١١ .

٥- .من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٣٨٦ / ٥٨٣٤ ، نهج البلاغه : الحكمه ٣٧٩ ، بحار الأنوار : ٥ / ١٤٧ / ٤ وح ١٠٣ / ٣٧ / ٨١ ؛ كنز العمال : ١٦ / ١٧٩ / ٤٤٢١٥ نقلاً عن وكيع والعسكرى فى المواعظ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابوذر! اگر فرزند آدم از روزی بگریزد، همان گونه که از مرگ می گریزد، هر آینه روزی اش به وی خواهد رسید، همان سان که مرگ او را در خواهد یافت.

امام علی علیه السلام خطاب به کسی که تفسیر «الحمد لله رب العالمین» را از وی پرسید: «پروردگار جهانیان» مالک، آفریننده، و کشاننده روزی های ایشان به سویشان است، خواه به گونه ای که دریابند و خواه بدان سان که در نیابند. پس روزی تقسیم شده است و به فرزند آدم می رسد، بی آن که به نوع رفتار وی در دنیا بستگی داشته باشد. نه تقوای فرد پرهیزگار به روزی وی می افزاید و نه بدکاری فرد زشتکار از روزی اش می کاهد. میان بنده و روزی پرده ای است و روزی در پی بنده است. اگر کسی از شما از روزی خویش بگریزد، روزی در پی وی می رود، همان گونه که مرگ به دنبالش روان است.

امام علی علیه السلام: روزی به دنبال کسی است که در پی آن نیست.

امام علی علیه السلام: روزی، خود، به دنبال تو می آید؛ پس خویشتن را برای طلب آن به رنج میفکن.

امام علی علیه السلام در سفارشش به فرزندش محمد بن حنفیه: پسر عزیزم! روزی دو گونه است: یکی آن چه تو در پی آنی؛ و یکی آن چه او در پی تو است؛ پس اگر به دنبالش نروی، او به دنبال تو خواهد آمد. از این رو، یک روز را به قدر یک سال نگران نباش؛ که هر روز را روزی همان روز کفایت کند. اگر یک سال از عمرت مانده باشد، خداوند از پس هر روز، روزی تازه ات را خواهد داد؛ و اگر یک سال از عمرت نمانده باشد، پس چرا اندوه و غم زمانی را می خوری که از آن تو نیست؟ بدان که بر روزی تو جوینده ای دیگر پیشی نتواند گرفت و سلطه گری غلبه نتواند یافت و رزقی که برایت مقدر شده از تو پوشیده نخواهد ماند.

عنه عليه السلام: الرزق رزقان: طالب، ومطلوب؛ فمن طلب الدنيا طلبه الموت حتى يخرجها عنها، ومن طلب الآخرة طلبته الدنيا حتى يستوفى رزقه منها. (١)

نهج البلاغه: قيل لأمير المؤمنين عليه السلام: لو شد على رجل باب بيته وترك فيه، من أين كان يأتيه رزقه؟ فقال عليه السلام: من حيث يأتيه أجله. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: الرزق مقسوم على ضربين: أحدهما واصل إلى صاحبه وإن لم يطلبه، والآخر معلق بطلبه؛ فالذي قسم للعبد على كل حال آتية وإن لم يسع له، والذي قسم له بالسعي فيبغى أن يلتمسه من وجهه؛ وهو ما أحله الله تعالى له دون غيره. فإن طلبه من جهه الحرام فوجده حسب عليه برزقه وحوسب به. (٣)

الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: لا تعبت على العباد فإنما يأتيك رزقك حين يؤذن فيه سبق القضاء لوقته فكأنها تأتيك خير الوقت أو تأتيه فنحن بمولاك الكريم فإنهللعبد أراف من أب لئنيه (٤)

١- نهج البلاغه: الحكمه ٤٣١، غرر الحكم: ٢٠٨٢ وفيه «الناس طالبان: طالب، ومطلوب...»، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٨ / ٨٦

٢- نهج البلاغه: الحكمه ٣٥٦.

٣- المقنعه: ٥٨٦.

٤- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ٦٣٤ / ٤٩٢.

امام علی علیه السلام: روزی دو گونه است: آن چه به دنبال می آید و آن چه به دنبالش می روند. هر که به دنبال دنیا رود، مرگ در پی وی می آید تا از دنیا بیرونش کشد؛ و هر که آخرت را بجوید، دنیا در پی او می آید تا روزی اش را به نحو کامل به وی دهد.

نهج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السلام را گفتند: «اگر در خانه کسی بر وی بسته شود و او در آن محبوس گردد، روزی اش از کجا می رسد؟» فرمود: «از همان جای که مرگش فرا می رسد».

امام صادق علیه السلام: رزق به دو گونه تقسیم شده است: یکی به صاحبش می رسد، هر چند آن را نجوید؛ و دیگری وقتی به دست آید که در پی آن روند. پس آن چه در هر حال برای بنده مقدر شده، به وی می رسد، هر چند بنده برای آن نکوشد؛ و اما آن چه با کوشش برایش مقدر شده، بنده باید آن را از راهش بیابد، یعنی راهی که خدای تعالی به حلال قرار داده و نه جز آن. پس اگر آن را از راه حرام طلب کرد و یافت، به پای روزی اش نوشته می شود، در حالی که برای آن مؤاخذه نیز می گردد.

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: هرگز با بندگان درشتنای مکن؛ که بی تردید، هرگاه خدا رخصت فرماید، روزی ات خواهد رسید. قضای پروردگار در زمان مناسب پیش می افتد، چندان که گویی در بهترین وقت یا او به تو می رسد و یا تو به او می رسی. پس به مولای کرم بخش خویش بسی اعتماد ورز که او به بنده، بیش از پدر به فرزندانش، مهر می ورزد.

١ / ٤ حِكْمَةُ الْقَبْضِ وَالْبَسْطِ الْكِتَابِ: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ .
 (١)»

«وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ الَّذِينَ فَضَّلُوا بَرَّادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَلْفَنِعْمَهُ اللَّهُ يَجْحَدُونَ . (٢)»

«وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ . (٣)»

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا آمَنُوا لَكُمْ وَأَوْلَدُكُمْ فَتَنَّهُ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ هُوَ أَجْرٌ عَظِيمٌ . (٤)»

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ . (٥)»

«فَأَمَّا الْأَنْبِيَاءُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ * كَلَّا بَلْ لَّا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ * وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ . (٦)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله يقول الله عز وجل: إني لم أغن الغني لكرامته به علي، ولكنني مما ابتليت به الأغنياء .
 (٧)

١- الشورى : ٢٧ .

٢- النحل : ٧١ .

٣- الأعراف : ١٣٠ .

٤- الأنفال : ٢٨ ، التغابن : ١٥ .

٥- البقرة : ١٥٥ .

٦- الفجر : ١٥ ١٨ .

٧- تاريخ يعقوبي : ٢ / ٩١ ، الكافي : ٢ / ٢٦٥ / ٢٠ عن مبارك ، مشكاة الأنوار : ٥٠١ / ١٦٧٨ وكلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام ، التمهيد : ٤٧ / ٦٩ عن مبارك عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٢٦ / ٢٢ .

۱ / ۴ حکمت تنگنا و گشایش

۱ / ۴ حکمت تنگنا و گشایشقرآن: «و اگر خداوند روزی را بر بندگان خود فراخ می کرد ، هر آینه در زمین ستم و سرکشی می کردند . ولیکن به اندازه ای که بخواهد ، فرو می آورد؛ که او به بندگان خویش آگاه و بینا است .»

«و خداوند برخی از شما را در روزی بر برخی فزونی داد؛ پس کسانی که فزونی داده شده اند ، بر آن نیستند که روزی خویش به زیردستان خود بازدهند تا همه در روزی برابر و یکسان گردند . پس آیا نعمت خدای را انکار می کنند؟»

«و به راستی فرعونیان را به خشکسال ها و کاهش میوه ها گرفتار کردیم؛ شاید پند گیرند .»

«و بدانید که همانا مال ها و فرزندانان آزمونی اند؛ و بدانید که پاداشی بزرگ نزد خداوند است .»

«و هر آینه شما را به چیزی از بیم و گرسنگی و کاهش مال ها و جان ها و میوه ها می آزماییم و شکیبایان را مژده ده .»

«اما آدمی آن گاه که پروردگارش او را بیازماید و گرمی دارد و نعمتش دهد ، گوید : پروردگرم مرا گرمی داشت * و اما چون او را بیازماید و روزی اش را بر او تنگ سازد ، گوید : پروردگرم مرا خوار و زبون کرد * نه چنان است؛ بلکه یتیم را نمی نوازید * و یکدیگر را بر طعام دادنِ درویش و بینوا بر نمی انگیزید .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می فرماید : «هر آینه من توانگر را بدان جهت که نزدم کرامتی دارد ، توانگری نبخشیده ام ؛ بلکه از باب مبتلا ساختن توانگران است .»

عنه صلى الله عليه و آله :المال فيه خيرٌ و شرٌّ ؛ فيه حمل الكَلِّ و صلَّهُ الرَّحِمِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيَبْتَلِي الْعَبْدَ بِالرِّزْقِ لِيَنْظُرَ كَيْفَ يَعْمَلُ ؛ فَإِنْ رَضِيَ بِوَرِكَ لَهُ ، وَإِنْ لَمْ يَرْضَ لَمْ يُبَارِكْ لَهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْتَلِي عَبْدَهُ بِمَا أَعْطَاهُ ، فَمَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بَارَكَ اللَّهُ لَهُ فِيهِ وَوَسَّعَهُ ، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ لَمْ يُبَارِكْ لَهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتِلَاهُ ، فَإِذَا أَحَبَّهُ (اللَّهُ) الْحَبَّ الْبَالِغَ اقْتَنَاهُ . قَالُوا : وَمَا اقْتِنَاؤُهُ؟ قَالَ : أَنْ لَا يَتْرُكَ لَهُ مَالًا وَلَا وُلْدًا . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله :قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ! لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَرْحَمَهُ حَتَّى أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ عَمَلَهَا ؛ إِمَّا بِسِقْمٍ فِي جَسَدِهِ ، وَإِمَّا بِضَيْقٍ فِي رِزْقِهِ ، وَإِمَّا بِخَوْفٍ فِي دُنْيَاهُ ، فَإِنْ بَقِيَتْ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ شَدَّدَتْ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ . وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ! لَا أُخْرِجُ عَبْدًا مِنَ الدُّنْيَا وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَعْدَّبَهُ حَتَّى أُؤْفِيَهُ كُلَّ حَسَنَةٍ عَمَلَهَا ؛ إِمَّا بِسِعَةِ فِي رِزْقِهِ ، وَإِمَّا بِصِدْقِهِ فِي جِسْمِهِ ، وَإِمَّا بِأَمْنٍ فِي دُنْيَاهُ ، فَإِنْ بَقِيَتْ عَلَيْهِ بَقِيَّةٌ هَوَّنَتْ عَلَيْهِ بِهَا الْمَوْتَ . (٥)

١- نثر الدرّ : ١ / ٢٣٦ .

٢- حليه الأولياء : ٢ / ٢١٣ عن عبد الله بن الشخير ، كنز العمال : ٣ / ٣٩٦ / ٧١٢١ .

٣- مسند ابن حنبل : ٧ / ٢٨٢ / ٢٠٣٠١ عن أبي العلاء بن الشَّخِيرِ عن أحد بنى سليم ، شُعب الإيمان : ٧ / ١٢٥ / ٩٧٢٥ عن أبي العلاء بن الشخير عن أحمد بن سليم ، كنز العمال : ٣ / ٣٩٠ / ٧٠٩٠ .

٤- الدعوات : ١٦٦ / ٤٦١ ؛ شرح نهج البلاغه : ١٨ / ٣١٨ ، كنز العمال : ١١ / ١٠٠ / ٣٠٧٩٣ نقلًا عن الطبراني وابن عساكر عن أبي عقبه الخولاني .

٥- الكافي : ٢ / ٤٤٤ / ٣ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ٢٧٤ / ٨١٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در مال هم خیر است و هم شر؛ با آن به حمل بار دیگران توان پرداخت و نیز پیوند با خویشان برقرار توان کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خدای تعالی بنده را با روزی دادن آزمایش می کند تا درنگرد که وی چگونه عمل می کند؛ اگر بنده از آن روزی خشنود باشد، روزی اش برکت می یابد و اگر خشنود نباشد، روزی اش بی برکت می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه خدای بزرگ و بلند پایه بنده خویش را با آن چه به وی عطا فرماید، آزمایش می کند. اگر به آن چه خدا قسمتش فرموده، راضی باشد، خداوند به وی برکت و گشایش بخشد؛ و اگر راضی نباشد، خدا به او برکت ندهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند بنده ای را دوست بدارد، مبتلایش سازد و هر گاه او را بسیار دوست بدارد، وی را در هم گیرد. پرسیدند: «در هم گرفتن وی چگونه است؟» فرمود: «بدین گونه است که برایش هیچ دارایی و فرزندی نگذارد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند فرموده است: «به سرفرازی و شکوهم سوگند! بنده ای را که بخواهم بر وی رحمت آورم، از دنیا برون نمی آورم، مگر آن که هر گناهی را که مرتکب شده، از وی بزدایم. و آن، چنین است که یا تنش را بیمار می کنم و یا روزی اش را تنگ می سازم و یا در دنیا به هراس دچارش می کنم. اگر باز هم گناهی بر او باقی ماند، هنگام مرگ بر وی سخت می گیرم. به سرفرازی و شکوهم سوگند! بنده ای را که بخواهم به عذاب دچار سازم، از دنیا برون نمی آورم، مگر آن که هر کار نیکی را که مرتکب شده، از وی بگیرم. و آن، چنین است که یا روزی اش را گشایش بخشم و یا تنش را سلامت دارم و یا در دنیا برایش امنیت فراهم آورم. و اگر باز هم باقی ماند، به سبب آن، مرگ را بر وی آسان می سازم».

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ أَلَمَ اللَّهُ بِهِ الْفَقْرَ وَالْمَرَضَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُرِيدُ أَنْ يُصَافِيَهُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَارَفَ الذُّنُوبَ وَابْتَلَى بِهَا، ابْتَلَى بِالْفَقْرِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ... رَبُّمَا سَأَلَنِي وَلِيَّيَ الْمُؤْمِنِ الْغِنَى فَأَصْرَفُهُ إِلَى الْفَقْرِ، وَلَوْ صَيْرَفْتُهُ إِلَى الْغِنَى لَكَانَ شَرًّا لَهُ؛ وَرَبُّمَا سَأَلَنِي وَلِيَّيَ الْمُؤْمِنِ الْفَقْرَ فَأَصْرَفُهُ إِلَى الْغِنَى وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى الْفَقْرِ لَكَانَ شَرًّا لَهُ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ... إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَمْ يَصْلِحْ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ، وَلَوْ أَعْنَيْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أَتَانِي جَبْرِئِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، رَبُّكَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: إِنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ لَا يَصْلِحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْغِنَى، وَلَوْ أَفْقَرْتُهُ لَكَفَّرَ؛ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي مَنْ لَا يَصْلِحُ إِيمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ، وَلَوْ أَعْنَيْتُهُ لَكَفَّرَ. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ... إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لِعِبَادًا لَا يَصْلِحُ لَهُمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالشَّقَمِ فِي أَبْدَانِهِمْ، فَأَبْلَوْهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالشَّقَمِ فَيَصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ، وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلِحُ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ. (٦)

١- الفردوس: ١ / ٢٦١ / ١٠١٥ عن الإمام علي عليه السلام.

٢- مشكاة الأنوار: ١٧٥ / ٤٥٢، جامع الأخبار: ٣١٤ / ٨٧٣ كلاهما عن أبي الجارود عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ٦٧ / ٢٣٧ / ٥٤.

٣- المعجم الكبير: ١٢ / ١١٣ / ١٢٧١٩ عن ابن عباس، كنز العمال: ١ / ٢٣١ / ١١٦٠ نقلاً عن ابن أبي الدنيا في الأولياء والحكيم وابن مردويه وأبي نعيم وابن عساکر عن أنس.

٤- علل الشرايع: ١٢ / ٧، التوحيد: ٤٠٠ / ١، بحار الأنوار: ٥ / ٢٨٤ / ٣؛ الأولياء لابن أبي الدنيا: ٩ / ١ نحوه وكلها عن أنس.

٥- تاريخ بغداد: ٦ / ١٥ / ٣٠٤٤ عن عمر بن الخطاب، كنز العمال: ١٥ / ٨٦٢ / ٤٣٤٣٣.

٦- الكافي: ٢ / ٦٠ / ٤ عن أبي عبيدة الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام، مشكاة الأنوار: ٢٢٧ / ٦٣١ / ١٨٠٥ كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، التمهيد: ٥٧ / ١١٥ عن أبي عبيدة الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ٧١ / ١٥١ / ٥٣ وج ٨١ / ١٩٣ نقلاً عن عدّه الداعي عن أبي الصباح عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی را دیدید که خدا فقر و بیماری را بر وی وارد فرموده ، [بدانید که] هر آینه خدای تعالی می خواهد با وی صفا ورزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا هر گاه مؤمن به گناهان دست یازد و بدان ها گرفتار گردد ، به فقر مبتلا خواهد شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند می فرماید: «بسا که دوست مؤمنم از من توانگری خواهد ، اما من به وی فقر دهم ؛ که اگر توانگری اش دهم ، برای او شر است . و بسا که دوست مؤمنم از من فقر خواهد ، اما من به وی توانگری دهم ؛ که اگر فقرش دهم ، برای او شر است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای خجسته و بلندپایه فرموده است: « . . .همانا از بندگان مؤمن من کسی است که ایمانش جز با فقر سامان نیابد ؛ و اگر توانگرش سازم ، همین او را به فساد کشاند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای محمّد! پروردگارت بر تو درود می فرستد و می فرماید : «همانا از بندگان من کسی است که ایمانش جز با توانگری سامان نیابد ؛ و اگر فقیرش سازم ، کافر گردد ؛ و نیز از بندگان من کسی است که ایمانش جز با فقر سامان نیابد ؛ و اگر توانگرش سازم ، کافر گردد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند فرموده است : «هر آینه از بندگان مؤمن من کسانی هستند که کار دینشان برایشان به سامان نیابد جز به این که در فقر و تنگدستی و بیماری به سر برند ؛ پس ایشان را به فقر و تنگدستی و بیماری مبتلا می کنم تا بدین سان کار دینشان برایشان سامان یابد ؛ و من آگاه ترم که کار دین بندگان مؤمنم به چه چیز سامان یابد» .

عنه صلى الله عليه وآله قال: لولا أنى أستحيى من عبدى المؤمن، ما تركت عليه خرقه يتوارى بها، وإذا أكملت له الإيمان ابتليته بضعف فى قوته، وقله فى رزقه، فإن هو جزع أعدت عليه، وإن صبر باهيت به ملائكتى. (١)

الإمام على عليه السلام: قدر الأرزاق فكثرتها وقلتها، وقسمها على الضيق والسعة، فعدل فيها ليتلى من أراد بميسورها ومعسورها، وليختبر بذلك الشكر والصبر من غنيها وفقيرها. ثم قرن بسعتها عقابيل فاقبتها، وبسئلامتها طوارق آفاتها، وبفرج أفرانها غصص أترانها (أبزاحها). وخلق الآجال فأطالها وقصرها، وقدمها وأخرها، ووصل بالموت أسبابها، وجعله خالجا لأشطانها، وقاطعا لمرائر أفرانها. (٢)

عنه عليه السلام: المال يُبدي جواهر الرجال وخالقها. (٣)

١- الأمالى للطوسى: ٣٠٦ / ٦١٣ عن داود الرقى عن الإمام الصادق عليه السلام، التمهيص: ٤٥ / ٦١ عن عباد بن صهيب عن

الإمام الصادق عليه السلامنحوه، بحار الأنوار: ٧٢ / ٥٠ / ٦١.

٢- نهج البلاغه: الخطبه ٩١ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ١٤٨ / ٥ / ١١.

٣- غرر الحكم: ١١٥٥.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند فرموده است: «اگر از بنده مؤمن خویش حیا نمی ورزیدم ، برایش [حتی] ازیرجامه ای نمی نهادم که خود را با آن بپوشاند ؛ و چون ایمانش را کمال بخشم ، به کم توانی و اندکی روزی مبتلایش سازم ؛ اگر بیتابی کند ، دیگر بار مبتلایش سازم و اگر صبر پیشه کند ، با او بر فرشتگان مباحات ورزم» .

امام علی علیه السلام : خداوند روزی ها را تقدیر فرموده و آن ها را فراوان یا اندک و در تنگنا یا گشایش مقرر فرموده است و در این رفتار دادگری ورزیده تا هر که را خواهد ، با روزی آسان یا سخت آزمایش فرماید و بدین گونه شکر ورزیدن و صبر کردن را از توانگر و فقیر بیازماید . سپس همراه با گشایش روزی ، ناگواری های فقر را قرار داده و با سلامت بلای های بیماری را در آمیخته و با شادمانی های سُوروش غمناکی های اندوهش را همراه ساخته است . و سر رسیدن زندگی ها را مقدر فرموده و آن ها را بلند یا کوتاه و پیش یا پس قرار داده و سبب های مرگ را فراهم آورده و مرگ را کِشنده طناب های دراز عمرها و پاره کننده ریسمان های کوتاه گره خورده آن ها قرار داده است .

امام علی علیه السلام : دارایی ، گوهرها و خوی های آدمیان را آشکار می کند .

عنه عليه السلام: الغنى والفقير يكشفان جواهر الرجال وأوصافها. (١)

عنه عليه السلام: لا- تعتبروا الرضا والسخط بالمال والولد جهلاً- بمواقع الفتنه، والاختبار في موضع الغنى والافتدال، فقد قال سبحانه وتعالى: «أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَ * نَسَارِعَ لَهُمْ فِي الْخَيْرِ بَلْ لَّا يَشْعُرُونَ؛ (٢)» فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَائِهِ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ. (٣)

عنه عليه السلام: لا تفرح بالغناء والرّخاء، ولا تغتم بالفقر والبلاء؛ فَإِنَّ الذَّهَبَ يُجْرَبُ بِالنَّارِ، وَالْمُؤْمِنَ يُجْرَبُ بِالْبَلَاءِ. (٤)

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ (٥)» في قوله تعالى: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ (٥)»: وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ؛ لِيَبَيِّنَ السَّاحِطَ لِرِزْقِهِ، وَالرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ، وَإِنْ كَانَ سُبْحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، وَلَكِنْ لِيُظْهِرَ الْأَفْعَالَ الَّتِي بِهَا يُسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ؛ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَيَكْرَهُ الْإِنَاثَ، وَبَعْضُهُمْ يُحِبُّ تَثْمِيرَ الْمَالِ وَيَكْرَهُ انْتِلَامَ الْحَالِ. (٧)

عنه عليه السلام: ثلاث يُمتحنُ بها عقولُ الرّجالِ، هُنَّ: المالُ، وَالْوَلَايَةُ، وَالْمُصِيبَةُ. (٨)

عنه عليه السلام: مَنْ ضَيَّقَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَظُنْ أَنَّ ذَلِكَ حُسْنُ نَظَرٍ مِنَ اللَّهِ (لَهُ) فَقَدْ ضَيَّعَ مَأْمُولًا، وَمَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَظُنْ أَنَّ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجٌ مِنَ اللَّهِ فَقَدْ أَمِنَ مَخَوفًا. ٩

١- غرر الحكم: ١١٥٤.

٢- المؤمنون: ٥٥، ٥٦.

٣- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٢، بحار الأنوار: ١٣ / ١٤١ / ٦١.

٤- غرر الحكم: ١٠٣٩٤.

٥- الأنفال: ٢٨.

٦- نهج البلاغه: الحكمة ٩٣.

٧- غرر الحكم: ٤٦٦٤.

٨- تحف العقول: ٢٠٦، التمهيد: ٧٥ / ٤٨، بحار الأنوار: ٧٢ / ٥١ / ٧٠.

امام علی علیه السلام: توانگری و فقر، گوهرها و ویژگی های آدمیان را آشکار می کنند .

امام علی علیه السلام: به سبب جهل به موارد آزمایش و امتحان در جای توانگری و قدرت، گمان نکنید که خشنودی یا ناخشنودی خدا به این شکل است که مال و فرزند به کسی دهد یا ندهد. همانا خداوند منزله و بزرگ فرموده است: «آیا می پندارند که آن چه از مال و فرزندان به آنان می دهیم* برای آن ها در [رساندن] نیکی ها شتاب می کنیم؟ [نه؛ بلکه نمی فهمند]. پس خدای سبحان آن گروه از بندگانش را که خود را نزد خویش بزرگ می شمارند، به سبب آن دسته از دوستانش که در چشم آن گروه ضعیف به شمار می روند، آزمایش می کند .

امام علی علیه السلام: از توانگری و آسایش شادمان مشو و از فقر و بلا نیز اندوه مخور؛ که طلا با آتش محک می خورد و مؤمن با بلا .

امام علی علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی: «و بدانید جز این نیست که دارایی ها و فرزندان مایه آزمایش شمایند»: و معنای این سخن آن است (۱) که خداوند ایشان را به دارایی ها و فرزندان می آزماید تا آن که به روزی او ناخرسند و آن که بدان خشنود است، شناخته شود، هر چند که خدای سبحان به آنان آگاه تر از خودشان است؛ لیکن چنین می کند تا کردارهای شایسته پاداش و کیفر ظهور یابد؛ چرا که برخی شان فرزند پسر را می پسندد و از دختر بیزار است، و برخی مال بر مال نهادن را دوست می دارد و از آشفته حالی کراهت دارد .

امام علی علیه السلام: با سه چیز خردهای کسان آزموده گردد: دارایی، حکمرانی، و مصیبت .

امام علی علیه السلام: هر کس به تنگدستی دچار شود و گمان نبرد که این، نیک بینی خدا به او است، امید را تباه ساخته و آن کس که گشاده دست گردد و گمان نبرد که این، گرفتاری تدریجی (۲) خدا برای او است، خود را از بیمی که نباید از آن ایمن باشد، ایمن داشته است .

۱- ظاهراً این بخش از سخنان سید رضی است، چنان که علامه مجلسی در بحار الأنوار (ج ۹۴، ص ۱۹۷، ح ۶) آورده است.

۲- اشاره است به آیه ۱۸۲ از سوره اعراف: «و آنها که آیات ما را تکذیب می کنند، به تدریج از جایی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد» .

الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: يَا رَبِّ، مَا حَالُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَكَ؟ قَالَ: ... وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْغِنَى، وَلَوْ صَيَّرْتَهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهْلَكَ؛ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصْلِحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ، وَلَوْ صَيَّرْتَهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ لَهْلَكَ. (١)

عنه عليه السلام في تفسير قوله تعالى: «وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ»: أَيِ اخْتَبَرْنَا الْأَغْنِيَاءَ بِالْغِنَاءِ لِنَنْظُرَ كَيْفَ مُوَسَّاتُهُمْ لِلْفُقَرَاءِ، وَكَيْفَ يُخْرِجُونَ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي أَمْوَالِهِمْ، فَاخْتَبَرْنَا الْفُقَرَاءَ لِنَنْظُرَ كَيْفَ صَبَرُوا عَلَى الْفَقْرِ وَعَمَّا فِي أَيْدِي الْأَغْنِيَاءِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَهُ مُوسِعًا عَلَيْهِ فَحَجَّتْهُ عَلَيْهِ مَالُهُ، ثُمَّ تَعَاهَدَهُ الْفُقَرَاءَ بَعْدَ بِنَوَافِلِهِ. (٣)

عنه عليه السلام: مَا أُعْطِيَ عَبْدٌ مِنْ الدُّنْيَا إِلَّا اِعْتَبَارًا، وَمَا زُوِيَ عَنْهُ إِلَّا اِخْتِبَارًا. (٤)

عنه عليه السلام في تفسير قوله تعالى: «وَلَوْ بَسَّطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ»: لَوْ فَعَلَ لَفَعَلُوا، وَلَكِنْ جَعَلَهُمْ مُحْتَاجِينَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ: وَاسْتَعْبَدَهُمْ بِذَلِكَ، وَلَوْ جَعَلَهُمْ كُلَّهُمْ أَغْنِيَاءَ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ. (٥)

١- الكافي: ٢ / ٣٥٢ / ٨ عن أبان بن تغلب .

٢- تفسير القمّي: ١ / ٢٠٢ عن أبي الجارود ، بحار الأنوار: ١٧ / ٨٢ / ٣ وج ٢٢ / ٦٧ / ١٠ .

٣- الكافي: ١ / ١٦٣ / ٦ ، التوحيد: ١٢ / ٤١٤ نحوه وكلاهما عن سعدان رفعه .

٤- الكافي: ٢ / ٢٦١ / ٦ عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي عن بعض أصحابه رفعه ، مشكاة الأنوار: ٢٢٦ / ٦٢٩ ، بحار الأنوار: ٨ / ٩ / ٧٢ .

٥- تفسير القمّي: ٢ / ٢٧٦ .

امام باقر علیه السلام: آن گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج برده شد ، گفت: «پروردگارم! مؤمن نزد تو چه حالی دارد؟» فرمود: «... از بندگان مؤمن من کسی است که جز توانگری به صلاح او نیست و اگر به حالی جز آن بدارمش ، تباه گردد؛ و از بندگان مؤمن من کسی است که جز فقر به صلاح او نیست و اگر به حالی جز آن بدارمش ، تباه شود» .

امام باقر علیه السلام در تفسیر این سخن خدای تعالی: «و بدین گونه برخی از ایشان را به برخی آزمودیم»: یعنی توانگران را به فقیران آزمودیم تا درنگریم که با فقیران چگونه همراهی می کنند و چه سان بخشی از مالشان را که خداوند واجب فرموده ، بیرون می سازند؛ و نیز فقیران را آزمودیم تا درنگریم که چگونه بر فقر خویش و توانگری توانگران صبر می ورزند .

امام صادق علیه السلام: هر کس خداوند بر وی منت نهد و گشاده دستی اش دهد ، حاجتی که خدا بر او قرار داده دارایی او است که چگونه با دهش و بخشش ، از فقیران مواظبت می کند .

امام صادق علیه السلام: هیچ بنده ای از دنیا برخوردار نمی شود ، مگر برای عبرت یافتن ؛ و هیچ بنده ای از آن بی بهره نگردد ، مگر برای آزموده شدن .

امام صادق علیه السلام در تفسیر این سخن خدای تعالی: «و اگر خداوند روزی را برای بندگان گشاده می ساخت ، هر آینه ایشان در زمین تجاوزگری می کردند.» : اگر خدا چنین می کرد ، آنان بی تردید چنان می کردند ؛ لیکن برخی از ایشان را به برخی دیگر نیازمند ساخت و بدین سان به بندگی شان واداشت ؛ و اگر همه را توانگر می ساخت ، هر آینه در زمین تجاوزگری می کردند .

عنه عليه السلام :لولا كثرة إلهاح المؤمن في الرزق ، لضيق عليه من الرزق أكثر مما هو فيه . (١)

الاحتجاج من شو؟! الرنديق الذي سأل أبا عبد الله عليه السلام . . . بماذا استحق الذين أغناهم وأوسع عليهم من رزقهم الغناء والسعة؟ وبماذا استحق الفقير التقتير والضيق؟ : اختبر الأغنياء بما أعطاهم لينظر كيف شكرهم ، والفقراء بما منعهم لينظر كيف صبرهم . ووجه آخر : أنه عجل لقوم في حياتهم ، ولقوم آخر ليوم حاجتهم إليه . ووجه آخر : فإنه علم احتمال كل قوم فأعطاهم على قدر احتمالهم ، ولو كان الخلق كلهم أغنياء لخربت الدنيا ، وفسد التدبير ، وصار أهلها إلى الفناء ، ولكن جعل بعضهم لبعض عوناً ، وجعل أسباب أرزاقهم في ضروب الأعمال وأنواع الصناعات ؛ وذلك أدوم في البقاء وأصح في التدبير . ثم اختبر الأغنياء بالإستعفاف على الفقراء . كل ذلك لطف ورحمة من الحكيم الذي لا يعاب تديبه . (٢)

١ / ٥ المرزوق من حيث لا يحتسب ١ / ٥ المئقيا الكتاب : «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِّغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا . (٣)»

١- .التمحيص : ٤٩ / ٨٣ عن ابن أبي العلاء ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٥٢ / ٧٤ .

٢- .الاحتجاج : ٢ / ٢٢٤ / ٢٢٣ ، بحار الأنوار : ١٠ / ١٧١ / ٢ .

٣- .الطلاق : ٢ و ٣ .

۱ / ۵ کسانی که از جایی که گمان نمی رود ، روزی دریافت می کنند

۱ / ۵ تقوایپیشه

امام صادق علیه السلام: اگر اصرار فراوان مؤمن برای برخورداری از روزی نبود ، همانا بیش از این وی در تنگنای روزی قرار می گرفت .

الاحتجاج بخشی از پرسش کافری از امام صادق علیه السلام: « . . . به چه سبب کسانی که خداوند توانگری شان بخشیده و روزی شان را گشایش داده ، مستحق توانگری و گشایش گشته اند؟ به چه سبب فقیر مستحق تنگنا و تنگدستی شده است؟ » : خداوند توانگران را با آن چه به ایشان عطا فرموده ، آزموده است تا در نگردها چگونه شکر می کنند ؛ و فقیران را با تنگنا آزموده تا ببیند که چه سان صبر می ورزند . و سبب دیگر آن که روزی برخی را در زندگی شان پیش انداخته و روزی برخی دیگر را به هنگامی محول فرموده که بدان نیاز دارند . و دیگر سبب آن که خداوند می داند هر گروه چه اندازه تحمل دارد و هر یک را به قدر تحملش روزی عطا فرموده است . اگر همه مردم توانگر بودند ، دنیا ویران می شد و تدبیر تباه می گشت و اهل جهان نابود می شدند ؛ لیکن برخی از ایشان را یار برخی دیگر قرار داد و سبب های پیدایش روزی را در انواع کارها و حرفه ها نهاد . این ، ماندگارتر و تدبیرمندانه تر است . آن گاه خداوند توانگران را با لطف ورزیدن به فقیران آزمود . این همه ، لطف و رحمت خدای حکمت پیشه است که در تدبیرش عیبی راه ندارد .

۱ / ۵ کسانی که از جایی که گمان نمی رود ، روزی دریافت می کنند ۱ / ۵ تقوایپیشهقرآن: «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی دهد . و هر که بر خدا توکل کند ، خدا او را بسنده است؛ که خدا به انجام رساننده فرمان خویش است. به راستی که خداوند برای هر چیز اندازه ای نهاده است .»

الحديث: الإمام الباقر عليه السلام: قال الله عز وجل: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَبَهَائِي وَعُلُوُّ ارْتِفَاعِي! لَا يُؤَثِّرُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ، وَهَمَّتُهُ فِي آخِرَتِهِ، وَضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقَهُ. (١)

المعجم الكبير عن معاذ بن جبل: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّخِذُوا تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً يَأْتِكُمْ (٢) الرِّزْقُ بِلا بِضَاعِهِ وَلَا تِجَارِهِ. ثُمَّ قَرَأَ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». (٣)

مسند ابن حنبل عن أبو ذر: جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتْلُو عَلَيَّ هَذِهِ الْآيَةَ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» حَتَّى فَرَّغَ مِنَ الْآيَةِ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ، لَوْ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَخَذُوا بِهَا لَكَفْتَهُمْ! قَالَ: فَجَعَلَ يَتْلُو بِهَا وَيُرَدِّدُهَا عَلَيَّ حَتَّى نَعَسْتُ. (٤)

١- الكافي: ٢ / ١٣٧ / ٢ عن أبي حمزه وح ١، الخصال: ٣ / ٥ كلاهما عن أبي عبيدة الحذاء، ثواب الأعمال: ١ / ٢٠١ عن أبي حمزه الثمالي عن الإمام زين العابدين عليه السلام، تحف العقول: ٣٩٥ عن الإمام الكاظم عليه السلام، الزهد للحسين بن سعيد: ٢٥ / ٥٦ عن اليماني، الأصول الستة عشر: ٣٧ كلها نحوه.

٢- في المصدر وكذا في حليه الأولياء: «يأتيكم»، وهو تصحيف.

٣- المعجم الكبير: ٢٠/٩٧/١٩٠، مسند الشاميين: ١/٢٣٤/٤١٥، حليه الأولياء: ٦/٩٦، كنز العمال: ٣ / ٩٦ / ٥٦٦٦.

٤- مسند ابن حنبل: ٨ / ١٣١ / ٢١٦٠٧، سنن ابن ماجه: ٢ / ١٤١١ / ٤٢٢٠، سنن الدارمي: ٢/٧٥٩/٢٦٢٥، المستدرک علی الصحیحین: ٢/٥٣٤/٣٨١٩ كلها نحوه، كنز العمال: ١/٥٨٣/٢٦٤٤ و ج ٢ / ٥٢٤ / ٤٦٦٢؛ مكارم الأخلاق: ٢ / ٣٧٦ / ٢٦٦١، بحار الأنوار: ٣ / ٨٧ / ٧٧.

حدیث: امام باقر علیه السلام: خداوند فرموده است: «به سرفرازی و شکوه و بزرگی و درخشش و بلند پایگی ام سوگند! بنده مؤمن من خواست مرا بر خواست خود در کار دنیا ترجیح نمی دهد، مگر این که توانگری اش را در جانش می نهم، همتش را در آخرتش قرار می دهم، و آسمان ها و زمین را تضمین کننده روزی اش می سازم».

المعجم الکبیر از معاذ بن جبل: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «ای مردم! تقوای خدا را دستمایه سازید تا روزی تان بدون سرمایه و کسب و کار فراهم آید». سپس این آیه را تلاوت کرد: «و هر که از خدا پروا کند، برای او راه بیرون شدن پدید آورد* و او را از جایی که گمان ندارد، روزی دهد».

مسند ابن حنبل از ابوذر: رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاوت این آیه را برای من آغاز کرد: «و هر که از خدا پروا کند، برای او راه بیرون شدن پدید آورد»؛ تا آن که از تلاوت آن فراغت یافت. سپس فرمود: «ای ابوذر! اگر همه مردم به همین آیه تمسک می جستند، برایشان کفایت می کرد». ابوذر می گوید: آن گاه پیامبر بازخوانی این آیه را برایم از سر گرفت و تا وقتی که چشمم سنگین شد، آن را بر من خواند.

رسول الله صلى الله عليه وآله: أباي الله عز وجل أن يرزق عبده المؤمن إلا من حيث لا يعلم. (١)

الإمام علي عليه السلام: من أتاه الله عز وجل برزق لم يخط إليه برجله، ولا يمد إليه يده، ولم يتكلم فيه بلسانه، ولم يشد إليه ثيابه، ولم يتعرض له، كان ممن ذكره الله عز وجل في كتابه: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». (٢)

عنه عليه السلام: لو أن السماوات والأرض كانتا على عبد رتقا ثم اتقى الله، لجعل الله له منهما مخرجا ورزقه من حيث لا يحتسب. (٣)

عنه عليه السلام: أباي الله عز وجل إلا أن يجعل أرزاق المؤمنين من حيث لا يحتسبون. (٤)

عنه عليه السلام: إن الله عز وجل جعل أرزاق المؤمنين من حيث لا يحتسبون، وذلك أن العبد إذا لم يعرف وجه رزقه كثير دأؤه. (٥)

١- مسند الشهاب: ١ / ٣٤٢ / ٥٨٥، الفردوس: ١ / ٢٢١ / ١٧١٤ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، إحياء علوم الدين: ٣ / ٣٥٦ وفيه «لا يحتسب» بدل «لا يعلم»؛ كنز العمال: ١ / ١٦٧ / ٨٣٨ وص ١٤٤ / ٦٩٧؛ قصص الأنبياء: ٢٩٣ / ٣٦٣ عن أبي هريره، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٠ / ٥٥.

٢- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٦ / ٣٦١٢ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام.

٣- غرر الحكم: ٧٥٩٩.

٤- الكافي: ٥ / ٨٣ / ١، التمهيد: ٥٣ / ١٠٤ كلاهما عن محمد بن مسلم، الأمالي للطوسي: ٣٠٠ / ٥٩٣ عن إبراهيم بن عبد الصمد عن أبيه عن جده، تحف العقول: ٦٠، تنبيه الخواطر: ١ / ١٦٨ والثلاثة الأخيره نحوه؛ شعب الإيمان: ٢ / ٧٤ / ١١٩٧ عن خالد بن الزبير عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيه «أباي الله أن يجعل أرزاق عباده المؤمنين إلا من حيث لا يحتسبون»، كنز العمال: ١٥ / ٩٠٧ / ٤٣٥٦٦ وج ١٦ / ١٤٠ / ٤٤١٧٢.

٥- الكافي: ٥ / ٨٤ / ٤، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٨ / ٩٠٥، الأمالي للصدوق: ٢٤٨ / ٢٦٨ كلها عن علي بن السري، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٥ / ٣٦٠٨، التوحيد: ٨ / ٤٠٢ عن علي بن الحسن، التمهيد: ٥٣ / ١٠٥ عن علي بن السندي، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٦ / ٧٣.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند می پرهیزد از آن که بنده مؤمنش را روزی دهد جز از طریقی که وی می داند .

امام علی علیه السلام : هر که خداوند به وی روزی دهد بی آن که برای کسب آن گامی بردارد و دستی دراز کند و زبانی بگشاید و کمر همت بندد و بدان روی نهد ، از همانان است که خدا در کتابش یاد فرموده است: «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی دهد» .

امام علی علیه السلام : اگر آسمان ها و زمین بر بنده ای تنگ شده باشد و سپس تقوا ورزد ، هر آینه خداوند برای او از آن دو ، راه بیرون شدن پدید آورد و از جایی که گمان نکند ، روزی اش دهد .

امام علی علیه السلام : خداوند می پرهیزد از این که مؤمنان را جز از جایی که گمان ندارند ، روزی دهد .

امام علی علیه السلام : همانا خداوند روزی های مؤمنان را از جایی که گمان نمی برند ، قرار داده ؛ و این بدان جهت است که بنده هر گاه نداند روزی اش از کجا رسد ، دعایش افزون گردد .

عنه عليه السلام فى رسالته لِأَحَدِ أَصْحَابِهِ : أَمَا بَعْدُ ، فَإِنِّى أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنْ اتَّقَاهُ أَنْ يُحَوَّلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يُحِبُّ ، وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . . . إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُخَدِّعُ عَنْ جَنَّتِهِ ، وَلَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ .
(١)

عنه عليه السلام فى قَوْلِهِ تَعَالَى : « وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ » : أى يُبَارِكُ لَهُ فى مَا آتَاهُ . (٢)

راجع : ص ١٨٨ (التعب فى طلب المعيشه) .

١ / ٥ / ١٢ المَتَوَكَّلُ كَلالكتاب : « وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ . (٣) »

الحديث : رسول الله صلى الله عليه و آله : لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ ، لَرَزَقْتُمْ كَمَا يُرْزَقُ الطَّيْرُ ؛ تَغْدُو خِمَاصًا وَ تَرُوحُ بِطَانًا . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ كَفَاهُ اللَّهُ كُلَّ مَوْوَنِهِ ، وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ؛ وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهَا . (٥)

١- الكافى : ٨ / ٤٩ / ٩ عن أحمد بن الحسن الميثمى عن رجل من أصحابه ، عدّه الداعى : ٢٨٧ عن أحمد بن الحسين الميثمى عن رجل من أصحابه ، وفيه «جنبه» بدل «جنّته» ، تحف العقول : ٢٤٠ عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٢١ / ٣ و ص ٢٢٤ / ٩٤ .

٢- تفسير مجمع البيان : ١٠ / ٤٦٠ ، بحار الأنوار : ٧٠ / ٢٨١ .

٣- الطلاق : ٣ .

٤- سنن الترمذى : ٤/٥٧٣/٢٣٤٤ ، سنن ابن ماجه : ٢/١٣٩٤/٤١٦٤ ، مسند ابن حنبل : ١/٧٣/٢٠٥ و ص ١١٦/٣٧٠ ، المستدرک على الصحيحين : ٤/٣٥٤/٧٨٩٤ كلّها عن عمر بن الخطاب ، كنز العمال : ٣/١٠٣/٥٦٩٤ ؛ جامع الأخبار : ٣٢١/٩٠٣ ، تنبيه الخواطر : ١/٢٢٢ ، بحار الأنوار : ٧١/١٥١/٥١ .

٥- المعجم الصغير : ١/١١٦ ، تاريخ بغداد : ٧/١٩٦/٣٦٥٨ ، إحياء علوم الدين : ٤ / ٣٥٧ و ج ٥/١٣٢ ، مسند الشهاب : ١ / ٢٩٨ / ٤٩٣ كلّها عن عمران بن حصين ، كنز العمال : ٣ / ٢٢٦ / ٦٢٧٣ ؛ تنبيه الخواطر : ١ / ٢٢٢ ، روضه الواعظين : ٤٦٧ ، بحار الأنوار : ١٠ / ١٧٨ / ٧٧ .

۱ / ۲۵ توکل کننده

امام علی علیه السلام در نامه اش به یکی از یارانش : اما بعد ؛ همانا من به تقوای خداوند سفارشت می کنم ؛ که خدا برای هر که تقوا پیشه کند ، تضمین فرموده که از هر چه دوست نمی دارد ، به آن چه دوست می دارد گرایش دهد و از جایی که گمان ندارد ، روزی اش بخشد . . . همانا خداوند برای کسب بهشتش فریفته نشود و آن چه نزد او است ، جز با اطاعتش به دست نیاید اگر او خواهد .

امام علی علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی : «و او را روزی دهد از جایی که گمان ندارد» : یعنی در آن چه به وی دهد ، برکت نهد .

ر . ک : ص ۱۸۹ (رنج بردن در طلب روزی).

۱ / ۲۵ توکل کننده قرآن: «هر که بر خدا توکل کند ، خدا او را بس است .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر چنان که شایسته توکل کردن بر خدا است ، بر او توکل می کردید ، هر آینه همچون پرندگان روزی می یافتید که بامدادان گرسنه برمی خیزند و شامگاهان سیر هستند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که یکسره به خدا پیوندد ، خداوند هر بار او را بر عهده گیرد و از جایی که گمان ندارد ، روزی اش بخشد ؛ و هر که به دنیا پیوندد ، خدا وی را به دنیا واگذارد .

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ كَفَاهُ التَّشَعُّبَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَرَادَ أَنْ يَرْزُقَهُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْصِمُ دُونِي إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَأَسْبَابَ الْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ ؛ فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ ، وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ ، وَمَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْصِمُ بِي دُونَ خَلْقِي إِلَّا ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقَهُ ؛ فَإِنْ دَعَانِي أُجِبْتُهُ ، وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ ، وَإِنْ اسْتَغْفَرَنِي غَفَرْتُ لَهُ . (٣)

الإمام علي عليه السلام :مَنْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَوْتِلَ رَجَائِهِ ، كَفَاهُ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ . (٤)

عنه عليه السلام :حَسْبُكَ مِنْ تَوَكُّلِكَ أَنْ لَا تَرَى لِرِزْقِكَ مُجْرِيًا إِلَّا اللَّهَ سُبْحَانَهُ . (٥)

١- سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٩٥ / ٤١٦٦ عن عمرو بن العاص ؛ تفسير القمى : ١ / ٢٩١ ، نهج البلاغه : الخطبه ٩٠ وليس فيهما «التشعب» ، جامع الأخبار : ٣٢٢ / ٩٠٥ عن الإمام علي عليه السلام وفيه «الأمور» بدل «التشعب» ، بحار الأنوار : ٧١ / ١٥١ / ٥١ .

٢- إرشاد القلوب : ١٢٠ .

٣- الأمالى للطوسى : ٥٨٥ / ١٢١٠ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ٧٤ كلاهما عن إسحاق بن جعفر عن أخيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ٨٢/٥ ، مشكاه الأنوار : ٥١/٤٦ ، إرشاد القلوب : ١٢١ نحوه ، بحار الأنوار : ٧١ /

١٤٣ / ٤٠ وص ٦٨ / ١٥٥ .

٤- غرر الحكم : ٩٠٧٠ .

٥- غرر الحكم : ٤٨٩٥ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بر خدا توکل کند، خدای از پراکندگی [و اتکا به کسان گوناگون] بی نیازش فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خواهد خداوند از جایی که گمان ندارد روزی اش بخشد، باید بر خدا توکل کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند فرماید: «هیچ آفریده ای نیست که به غیر من پناه جوید، مگر این که دستاویزهای آسمان ها و زمین را از وی بگسلانم؛ پس اگر از من چیزی خواهد، به وی ندهم و اگر مرا فراخواند، اجابتش نکنم. و هیچ آفریده ای نیست که از مخلوق من پیوند بریده، تنها به من پناه آورد، جز این که آسمان ها و زمین را تضمین گر روزی اش سازم؛ اگر مرا بخواند، اجابتش کنم و اگر از من چیزی خواهد، به وی عطا کنم و اگر از من آمرزش جوید، وی را بیامرزم».

امام علی علیه السلام: هر که خدای سبحان را امیدگاه خویش سازد، خداوند کار دین و دنیايش را کفایت می کند.

امام علی علیه السلام: در توکل کردنت همین بس که هیچ کس جز خدا را جریان بخش روزی خود ندانی.

عنه عليه السلام: كُنْ مُتَوَكِّلًا تَكُنْ مَكْفِيًا . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَ مُتَوَكِّلًا لَمْ يَعْدِمِ الْإِعَانَةَ . (٢)

عنه عليه السلام: مَا كَانَ اللَّهُ لِيُفْتَحَ بَابَ التَّوَكُّلِ وَلَمْ يَجْعَلِ لِلْمُتَوَكِّلِ مَخْرَجًا؛ فَإِنَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ . (٣)»

الكافي عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ التَّوَكُّلَ أُعْطِيَ الْكِفَايَةَ. ثُمَّ قَالَ: أَتَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» ؟ (٤)

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (٥)» الزارِعُونَ . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ اهْتَمَّ لِرِزْقِهِ كَتَبَ عَلَيْهِ خَطِيئَةً ، إِنَّ دَانِيَالَ كَانَ فِي زَمَنِ مَلِكٍ جَبَّارٍ عَاتٍ ، أَخَذَهُ فَطَرَحَهُ فِي جُبٍّ وَطَرَحَ مَعَهُ السَّبَاعَ فَلَمْ تَدُنْ مِنْهُ وَلَمْ تَجْرَحْهُ ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ : أَنْ ائْتِ دَانِيَالَ بِطَعَامٍ . قَالَ : يَا رَبِّ ، وَأَيْنَ دَانِيَالَ؟ قَالَ : تَخْرُجُ مِنَ الْقَرْيَةِ فَيَسْتَقْبِلُكَ ضَمْبُعٌ فَاتَّبِعْهُ فَإِنَّهُ يَدُلُّكَ عَلَيْهِ ، فَأَتَتْ بِهِ الضَّمْبُعُ إِلَى ذَلِكَ الْجُبِّ ، فَإِذَا فِيهِ دَانِيَالَ ، فَأَدْلَى إِلَيْهِ الطَّعَامَ . فَقَالَ دَانِيَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ دَعَاهُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ وَثِقَ بِهِ لَمْ يَكَلِّهِ إِلَى غَيْرِهِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ نَجَاءً . (٧)

١- .غرر الحكم : ٧١٣٢ .

٢- .غرر الحكم : ٨١٢٨ .

٣- .إرشاد القلوب : ١٤٩ .

٤- .الكافي : ٢ / ٦٥ / ٦ ، الخصال : ١٠١ / ٥٦ ، المحاسن : ١ / ٣ / ١ نحوه ، روضه الواعظين : ٣٦٥ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٤٣ / ٤٣ وص ١٣٥ / ١٦ .

٥- .إبراهيم : ١٢ .

٦- .تفسير العياشي : ٢/٢٢٢/٦ عن حسن بن ظريف عن محمد بن أبي عبد الله ، من لا يحضره الفقيه : ٣/٢٥٣/٣٩١٦ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٦٦ / ١٦ .

٧- .الأمالي للطوسي : ٣٠٠ / ٥٩٣ عن عبد الصمد عن أبيه ، قصص الأنبياء : ٢٣٠ / ٢٧٣ عن حفص بن غياث النخعي ، بحار الأنوار : ١٤ / ٣٦٢ / ٤ وج ٩٥ / ١٨٧ / ١١ وراجع تفسير القمّي : ١ / ٨٩ والخرائج والجرائح : ٢ / ٩٤١ .

امام علی علیه السلام: توکل پیشه باش تا بی نیاز باشی .

امام علی علیه السلام: هر کس توکل پیشه کند ، بی یآوری نمی ماند .

امام علی علیه السلام: چنین نیست که خداوند در توکل را بگشاید و برای توکل پیشه راه بیرون شدن پدید نیاورد ؛ که خدای سبحان ، خود ، فرموده است: «و هر که از خدا پروا کند ، برای او راه بیرون شدن پدید آورد * و او را از جایی که گمان ندارد ، روزی دهد» .

الکافی از معاویه پسر وهب از امام صادق علیه السلام: هر کس که خداوند به وی توکل عطا کند ، از بی نیازی برخوردار می شود . سپس فرمود : آیا کتاب خدا را تلاوت کرده ای : «و هر که بر خدا توکل کند ، خدای او را بس است .» ؟

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی : «و توکل پیشگان باید بر خدا توکل کنند» : آنان کشاورزانند .

امام صادق علیه السلام: هر که برای روزی اش اندوهگین باشد ، گناهی بر وی نوشته شود . دانیال در دوره پادشاهی ستمگر و سرکش می زیست . آن پادشاه وی را در چاهی افکند و درندگان را با او در چاه انداخت ، اما درندگان به وی نزدیک نشدند و به او زخمی نزدند . پس خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که برای دانیال غذا ببرد . گفت: «پروردگارم! دانیال کجاست؟» فرمود : «از سرزمین بیرون می شوی ؛ گفتاری پیش تو می آید ؛ به دنبال او روان شو که تو را نزد دانیال می برد» . پس آن گفتار وی را بدان چاه برد که دانیال در آن بود . وی غذا را برای او فرو فرستاد . دانیال گفت: «سپاس خدایی را است که هر که را به یادش باشد ، فراموش نکند و آن را که بخواندش ، ناامید نسازد و هر که را بر وی توکل کند ، کفایت فرماید و هر کس را به او اعتماد ورزد ، به غیر خود وانگذارد و نیکی را به نیکی جزا دهد و صبر را به رهایی پاداش دهد» .

راجع: ص ٢٢٢، ح ٣٨٤ و ص ٢٢٤، ح ٣٨٨ و ص ٢٢٦، ح ٣٩٢.

١ / ٥ / ٣ المتَّفَقَةُ فِي الدِّينِ رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ تَفَقَّهَ فِي دِينِ اللَّهِ رَزَقَهُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبْ، وَكَفَاهُ هَمَّهُ. (١)

عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ لِطَالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ خَاصَّةً عَمَّا ضَمِنَهُ لِغَيْرِهِ. (٢)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ تَكَفَّلَ اللَّهُ بِرِزْقِهِ. (٣)

١- تاريخ بغداد: ٣ / ٣٢ / ٩٥٦ عن عبد الله بن جزء الزبيدي، جامع بيان العلم: ١ / ٤٥، إحياء علوم الدين: ١ / ١٣ نحوه، كنز العمال: ١٠ / ١٦٥ / ٢٨٨٥٥.

٢- منيه المريد: ١٦٠ وراجع كنز العمال: ١٠ / ١٣٨ و ١٣٩.

٣- تاريخ بغداد: ٣ / ١٨٠ / ١٢١٩، مسند الشهاب: ١ / ٢٤٤ / ٣٩١ كلاهما عن زياد (بن الحارث) الصدائي، كنز العمال: ١٠ / ١٣٩ / ٢٨٧٠١؛ الأمالى للشجري: ١ / ٦٠ عن زياد الصدائي.

۱ / ۳۵ پژوهنده دین

ر. ک: ص ۲۲۳، ح ۳۸۴ و ص ۲۲۵، ح ۳۸۸ و ص ۲۲۷، ح ۳۹۲.

۱ / ۳۵ پژوهنده دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در دین خدا پژوهش کند، خداوند از جایی که گمان ندارد، روزی اش دهد و او را از غم و اندوه برهاند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خدای تعالی روزی جوینده علم را به طور خاص تضمین فرموده، افزون بر آن چه برای دیگران ضمانت فرموده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در پی دانش باشد، خداوند روزی اش را ضمانت فرماید.

الفصل الثانی: المبادئ الحقوقیه ٢ / ١١ المال مال اللہالکتاب: «وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ . (١)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، ابْتَاعُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ مَالِ اللَّهِ ، لَيْسَ لِأَمْرٍ شَيْءٌ . (٢)

١- .النور : ٣٣ .

٢- .كنز العميال : ٦ / ٣٨٦ / ١٦١٨٠ نقلًا عن الباوردي وابن السكن والخرائطي في مكارم الأخلاق عن تميم بن يزيد بن أبي قتاده العدوي وح ١٦١٧٩ نقلًا عن شعب الإيمان والديلمي وابن النجار عن أنس وليس فيه «من مال الله . . .» ، المصنّف لعبد الرزاق : ٩ / ٦٧ / ١٦٣٦٨ عن قتاده ، كنز العمال : ٦ / ٣١٠ / ١٥٨٢٥ كلاهما نحوه .

فصل دوم : اصول حقوقی

۲ / ۱ دارایی از آن خدا است

فصل دوم: اصول حقوقی ۲ / ۱ دارایی از آن خدا استقرآن: «و ایشان را از دارایی خدا که نصیبتان فرموده ، بدهید .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! با مال خدا ، جان های خود را از خدا بخرید ؛ که هیچ کس را چیزی نیست .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَالَ اللَّهِ تَعَالَى لَمَسْئُولٌ وَمُنْطَى . (١)

الإمام الصادق عليه السلام لعيسى بن موسى: يا عيسى، المالُ مالُ الله عز وجل، جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ، وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا مِنْهُ قَصْداً، وَيَشْرَبُوا مِنْهُ قَصْداً، وَيَلْبَسُوا مِنْهُ قَصْداً، وَيَنْكِحُوا مِنْهُ قَصْداً، وَيَرْكَبُوا مِنْهُ قَصْداً، وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ، فَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ كَانَ أَكْلَهُ مِنْهُ حَرَاماً، وَمَا شَرِبَ مِنْهُ حَرَاماً، وَمَا لَبَسَهُ مِنْهُ حَرَاماً، وَمَا نَكَّحَهُ مِنْهُ حَرَاماً، وَمَا رَكَبَهُ مِنْهُ حَرَاماً . (٢)

٢ / ٢ حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ: مَرَحِبًا بِالْبَيْتِ مَا أَعْظَمَكَ! وَمَا أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ! وَاللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْكَ! لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَمِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةً: مَالَهُ، وَدَمَهُ، وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنَّ السَّوِّءِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله في حَجِّهِ الْوُدَاعِ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ عَرِضُهُ وَمَالُهُ وَنَفْسُهُ؛ حُرْمَةُ كَحُرْمَةِ هَذَا الْيَوْمِ . (٤)

١- المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٣٦٣ / ٧٩٣٠، السنن الکبری: ٤ / ٣٣٢ / ٧٨٨٤ کلاهما عن محمد بن عطیة عن أبيه، المعجم الکبیر: ١٧ / ١٦٦ / ٤٤٠ عن إسماعیل بن عطیة رجل من بنی جشم، الطبقات الکبری: ٧ / ٤٣٠ عن عطیة السعدی، تاریخ دمشق: ٤٠ / ٤٦٣ عن عمرو السعدی، کنز العمال: ٦ / ٤٦٤ / ١٦٥٦٥ و ص ٤٩٩ / ١٦٧٠٧ .

٢- أعلام الدین: ٢٦٩ عن عیسی بن موسی، تفسیر العیاشی: ٢ / ١٣ / ٢٣ عن أبان بن تغلب نحوه، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٦ / ٧٤ .

٣- مشکاه الأنوار: ١٤٩ / ٣٥٧، روضه الواعظین: ٣٢١، بحار الأنوار: ٦٧ / ٧١ / ٣٩؛ المعجم الکبیر: ١١ / ٣١ / ١٠٩٦٦ عن ابن عبّاس نحوه .

٤- مسند ابن حنبل: ٦ / ١٧٠ / ١٧٥٤٣ عن سفیان بن وهب الخولانی .

۲ / ۲ احترام داشتن مال مسلمان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا مال خدای تعالی است که از آن بازخواست می گردد و اعطا می شود .

امام صادق علیه السلام خطاب به عیسی بن موسی: ای عیسی! مال از آن خدا است که آن را به امانت نزد آفریدگانش نهاده و فرمانشان داده که به میانه روی از آن بخورند و بیاشامند و پوشاک بر سازند و همسر گزینند و سواری گیرند و آن چه را باقی ماند، به مؤمنان فقیر بازگردانند . پس هر که از این شیوه تجاوز کند، خوردن و آشامیدن و پوشاک بر ساختن و همسر گزیدن و سواری گرفتنش از آن مال حرام است .

۲ / ۲ احترام داشتن مال مسلمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام نگرستن به کعبه: زهی این خانه و بزرگی آن را! چه سترگ است حرمت تو نزد خداوند! به خدا سوگند که احترام مؤمن بیش از تو است؛ زیرا خدا از تو یک چیز را دارای حریم ساخته و از مؤمن سه چیز را: مالش، خونس، و این که به وی گمان بد رود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حج بازپسین: آبرو و مال و جان مؤمن بر مؤمن حرام است و حرمتش همانند حرمت این روز است .

عنه صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ: عَرِضُهُ، وَمَالُهُ، وَدَمُهُ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: حُرْمَةُ مَالِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: أَمَرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّيَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ؛ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا بَعَثَهُ لِفَتْحِ خَيْبَرَ: قَاتِلَهُمْ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَقَدْ مَنَعُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يَحِلُّ لِأَمْرِي أَنْ يَأْخُذَ مَالَ أَخِيهِ بِغَيْرِ حَقِّهِ؛ وَذَلِكَ لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ مَالَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ. (٥)

١- المؤمن: ٧٢ / ١٩٩ عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ٥٧، مشكاة الأنوار: ١٨٩ / ٥٠١ وص ٣٣٤ / ١٠٦٢، بحار الأنوار: ٧٧ / ١٦٠ / ١٦٤.

٢- سنن الدارقطني: ٣ / ٢٦ / ٩٤، مسند أبي يعلى: ٥ / ٦٨ / ٥٠٩٧، مسند الشهاب: ١ / ١٣٧ / ١٧٧، حلية الأولياء: ٧ / ٣٣٤ كَلَّهَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ وَفِيهَا «الْمُسْلِم» بَدَلَ «الْمُؤْمِن».

٣- صحيح البخاري: ١ / ١٧ / ٢٥، صحيح مسلم: ١ / ٥٣ / ٣٦ كلاهما عن ابن عمر، سنن الترمذي: ٥ / ٣ / ٢٦٠٦، سنن ابن ماجه: ٢ / ١٢٩٥ / ٣٩٢٧، مسند ابن حنبل: ١ / ٣٤ / ٦٧ كَلَّهَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ نَحْوَهُ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ١ / ٨٧ / ٣٧٣؛ بحار الأنوار: ٦٨ / ٢٤٢.

٤- صحيح مسلم: ٤ / ١٨٧٢ / ٣٣، خصائص الإمام أمير المؤمنين عليه السلام للنسائي: ١٨ / ٦٣ و ١٩ و ص ٦٥ / ٢٠ نحوه، تاريخ دمشق: ٤٢ / ٨٢ / ٨٤٢٣ و ص ٨٣ / ٨٤٢٤ و ح ٨٤٢٥ كَلَّهَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ؛ الطرائف: ٥٩، بحار الأنوار: ٢١ / ٢٧ / ٢٧ نقلاً عن الأمالى للطوسى.

٥- مسند ابن حنبل: ٩ / ١٥٤ / ٢٣٦٦٦ عن أبي حميد الساعدي، كَنْزُ الْعَمَالِ: ١٠ / ٦٣٧ / ٣٠٣٤٣.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :مؤمن یکسره احترام دارد : آبرویش ، مالش ، و خونش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :احترام مال مؤمن همانند خون او است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :فرمان یافتم که با مردم نبرد کنم تا آن گاه که گواهی دهند معبودی جز خدا نیست و محمد رسول او است و نماز برپای دارند و زکات پردازند ؛ پس هر گاه چنین کنند ، خون ها و مال های خویش را از من در امان داشته اند مگر آن که به موجب حکم اسلام محترم نباشد و حساب ایشان با خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام هنگامی که وی را برای فتح خیبر گسیل فرمود : با ایشان نبرد کن تا زمانی که گواهی دهند معبودی جز خدای نیست و محمد رسول خداست . هر گاه چنین کردند ، خون و اموالشان را از تو در حریم داشته اند ، مگر آن که به موجب حقی ، احترام آن از میان رود ؛ و حساب ایشان با خدا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ کس را روا نیست که به ناحق ، مال برادر [مؤمن] خود را واگیرد ؛ و این از آن رو است که خداوند مال مسلمان را بر مسلمان در حریم قرار داده است .

عنه صلى الله عليه وآله - لا- يَحِلُّ لِامْرِئٍ أَنْ يَأْخُذَ عَصَا أَخِيهِ بِغَيْرِ طَيْبِ نَفْسِهِ ، وَذَلِكَ لِشِدَّةِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ مِنْ مَالِ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله فى حَجِّهِ الْوَدَاعِ : أَيُّهَا النَّاسُ ، اسْمَعُوا مَا أَقُولُ لَكُمْ وَاعْقِلُوا عَنِّي : أَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً ؟ قَالُوا : هَذَا الْيَوْمُ . قَالَ : فَأَيُّ شَهْرٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً ؟ قَالُوا : هَذَا الشَّهْرُ . قَالَ : فَأَيُّ بَلَدٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً ؟ قَالُوا : هَذَا الْبَلَدُ . قَالَ : فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَهُ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ ؟ قَالُوا : نَعَمْ . قَالَ : اللَّهُمَّ اشْهَدْ ! أَلَا مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا إِلَى مَنْ ائْتَمَنَهُ عَلَيْهَا ؛ فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسِهِ ، وَلَا تَظَلِمُوا أَنْفُسَكُمْ ، وَلَا تَرْجِعُوا بَعْدَى كُفَّارًا . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : لَا يَأْخُذَنَّ أَحَدُكُمْ مَتَاعَ أَخِيهِ لِأَعْبَا وَلَا جَادًا ، وَمَنْ أَخَذَ عَصَا أَخِيهِ فَلْيُرُدِّهَا . (٣)

مسند ابن حنبل عن أبو حزة الرقاشى عن عمه : كُنْتُ آخِذًا بِزِمَامِ نَاقَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي أَوْسَطِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ أَذُودُ عَنْهُ النَّيَّاسُ ، فَقَالَ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، أَتَدْرُونَ فِي أَيِّ شَهْرٍ أَنْتُمْ ، وَفِي أَيِّ يَوْمٍ أَنْتُمْ ، وَفِي أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ ؟ قَالُوا : فِي يَوْمٍ حَرَامٍ وَشَهْرٍ حَرَامٍ وَبَلَدٍ حَرَامٍ . قَالَ : فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَهُ . ثُمَّ قَالَ : اسْمَعُوا مِنِّي تَعِيشُوا : أَلَا لَا تَظَلِمُوا ، أَلَا لَا تَظَلِمُوا ! أَلَا لَا تَظَلِمُوا ! إِنَّهُ لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ (مُسْلِمٍ) إِلَّا بِطَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ . (٤)

١- السنن الكبرى : ٩ / ٦٠١ / ١٩٦٤٥ ، مسند ابن حنبل : ٩ / ١٥٤ / ٢٣٦٦٦ وفيه «حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» بدل «حَرَّمَ اللَّهُ» ، كنز العمال : ١٠ / ٦٣٨ / ٣٠٣٤٤ .

٢- الكافي : ٧ / ٢٧٣ / ١٢ عن أبي أسامة زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ٤٨٧ / ٦٣ عن عبد الله بن عمر ، تفسير القمى : ١ / ١٧١ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ٢١ / ٣٨١ / ٨ ؛ صحيح البخارى : ٢/٦١٩/١٦٥٢ عن ابن عباس وص ، ١٦٥٤/٦٢٠ ، صحيح مسلم : ٣/١٣٠٥/١٦٧٩ وكلاهما عن أبي بكره ، سنن ابن ماجه : ٢/١٠١٦/٣٠٥٧ عن ابن مسعود وكلها نحوه ، كنز العمال : ٥/١٢٦/١٢٣٤٥ .

٣- سنن أبي داود : ٤ / ٣٠١ / ٥٠٠٣ ، مسند ابن حنبل : ٦ / ٢٧٨ / ١٧٩٦٤ وفيه «صاحبه» بدل «أخيه» ، المستدرک على الصحيحين : ٣ / ٧٣٩ / ٦٦٨٦ وفيه «وإذا وجد» بدل «ومن أخذ» ، السنن الكبرى : ٦ / ١٦٦ / ١١٥٤٤ ، المعجم الكبير : ٧ / ١٤٥ / ٦٦٤١ كلها عن عبد الله بن السائب ابن يزيد عن أبيه عن جدّه ، كنز العمال : ١٠ / ٦٣٧ / ٣٠٣٤١ .

٤- مسند ابن حنبل : ٧ / ٣٧٦ / ٢٠٧٢٠ ، البدايه والنهائيه : ٥ / ٢٠١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس را نرسد که [حتی] عصای برادر [مؤمن] خود را بدون رضایت وی برگرد؛ و این به سبب آن است که خداوند مال مسلمان را بر مسلمان دارای حرمت فراوان قرار داده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حج بازپسین: «ای مردم! آن چه را می گویم، بشنوید و آن را از من واگیرید و نگاه دارید. کدام روز برترین حرمت را دارد؟» گفتند: «همین امروز». فرمود: «کدام ماه برترین حرمت را دارد؟» گفتند: «همین ماه». فرمود: «کدام سرزمین برترین حرمت را دارد؟» گفتند: «همین سرزمین». فرمود: «همانا خون ها و مال هاتان نزد یکدیگر حرمت دارد، همانند حرمت همین روز در همین ماه در همین سرزمین؛ تا آن گاه که خدا را ملاقات می کنید و او درباره کارهاتان از شما بازخواست می فرماید. هلا آیا پیام را به شما ابلاغ کردم؟» گفتند: «آری». فرمود: «بار خدایا! گواه باش. هلا که هر کس امانتی نزد خود دارد، آن را بدان کس که وی را بر آن امین شمرده، بازگرداند؛ زیرا خون و مال مسلمان جز به رضایت وی [بر دیگران] حلال نیست. به خوبستن ستم نورزید و پس از من به کفر باز مگردید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما نباید کالای برادر [مؤمن] خود را، خواه به شوخی و خواه به جد، برگرد؛ و هر که [حتی] عصای برادر [مؤمن] خود را بگیرد، باید آن را بازپس دهد.

مسند ابن حنبل از ابو حره رقاشی از عمویش: در میانه ایام تشریق، زمام ماده شتر رسول خدا صلی الله علیه و آله را در دست گرفته، مردم را از وی کنار می پراکندم. او فرمود: «ای مردم! آیا می دانید در چه ماه و چه روز و چه سرزمینی هستید؟» گفتند: «در روز و ماه و سرزمین حرام». فرمود: «همانا خون ها و مال ها و آبروهاتان نزد یکدیگر حرمت دارد، همانند حرمت این روز در این ماه در این سرزمین تا روزی که خداوند را دیدار کنید». سپس فرمود: «از من بشنوید تا از زندگانی بهره برید. هلا ستم نورزید؛ هلا ستم نورزید؛ هلا ستم نورزید! هر آینه مال مسلمان [بر دیگران] جز به رضایت وی حلال نیست».

مسند ابن حنبل عن جابر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابَهُ مَرُّوا بِأَمْرَأَةٍ فَذَبَحَتْ لَهُمْ شَاةً وَأَتَّخَذَتْ لَهُمْ طَعَامًا ، فَلَمَّا رَجِعَ قَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّا اتَّخَذْنَا لَكُمْ طَعَامًا فَادْخُلُوا فَكُلُوا ، فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابُهُ وَكَانُوا لَا يَبْدُونَ حَتَّى يَبْتَدِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَعَامًا فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُسَيِّعَهَا ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذِهِ شَاةٌ ذُبِحَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ أَهْلِهَا . (١)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ نَقِيٌّ الرَّاحِ مِنْ دِمَائِ الْمُسْلِمِينَ وَأَمْوَالِهِمْ ، سَلِمَ اللُّسَانُ مِنْ أَعْرَاضِهِمْ ، فَلْيَفْعَلْ . (٢)

عنه عليه السلام لِشُرَيْحٍ : أَنْظِرْ إِلَى أَهْلِ الْمَعَكِ وَالْمَطَلِ ، وَدَفَعْ حُقُوقِ النَّاسِ مِنْ أَهْلِ الْمَقْدِرَةِ وَالْيَسَارِ مِمَّنْ يُدَلَّى بِأَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ إِلَى الْحُكَّامِ ، فَخُذْ لِلنَّاسِ بِحُقُوقِهِمْ مِنْهُمْ ، وَبِعْ فِيهِ الْعَقَارَ وَالْأَدْيَارَ ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : مَطْلُ الْمُسْلِمِ الْمَوْسِرِ ظُلْمٌ لِلْمُسْلِمِ ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَقَارٌ وَلَا دَارٌ وَلَا مَالٌ فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِ . (٣)

١- مسند ابن حنبل : ٥ / ١٢٤ / ١٤٧٩١ ، المستدرک علی الصحیحین : ٤ / ٢٦٢ / ٧٥٧٩ .

٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٧٦ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٢٩٢ / ٦٢ و ج ٧٥ / ٢٦٢ / ٦٧ .

٣- الكافي : ٧ / ٤١٢ / ١ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٢٢٥ / ٥٤١ وفيه «للمسلمين» بدل «للمسلم» وكلاهما عن سلمه بن كهيل ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٥ / ٣٢٤٣ وفيه «أهل المعك والمطل والاضطهاد» .

مسند ابن حنبل از جابر: رسول خدا و یارانش بر زنی گذشتند. وی برای ایشان گوسفندی ذبح کرد و غذایی فراهم ساخت. چون پیامبر بازگشت، آن زن گفت: «ای رسول خدا! برای شما غذایی فراهم آورده ایم؛ درون آید و بخورید». رسول خدا و یارانش داخل شدند. آنان لب به غذا نگشودند تا پیامبر آغاز فرمود. پیامبر لقمه ای برگرفت، لیکن نتوانست آن را فرو برد؛ سپس فرمود: «این گوسفند به رضایت صاحب آن ذبح نشده است».

امام علی علیه السلام: هر یک از شما که می تواند خدای تعالی را دیدار کند، حال آن که از تعرض به خون ها و مال های مسلمانان یکسره پیراسته است و زبانش از هتک آبروی ایشان پاک مانده، باید چنین کند.

امام علی علیه السلام خطاب به شریح: به کار آنان که در پرداخت حق مردم تأخیر کرده، آن را به فردا می افکنند، درنگر و به مواردی بیندیش که زورمندان و توانگران اموال مسلمانان را به رشوه به حاکمان داده اند. پس حقوق مردم را از ایشان بگیر و به آنان بازگردان و اگر ملک و خانه ای دارند، بفروش؛ که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «اگر مسلمان توانگر در پرداخت حق مسلمان دیگر تأخیر کند، به وی ستم ورزیده؛ اما آن کس که ملک و خانه و مالی ندارد، راهی برای کیفر او نیست».

الكافي عن سماعه: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ مِمَّا يَكُونُ عِنْدَهُ شَيْءٌ يَتَّبَعُ بِهِ وَعَلَيْهِ دَيْنٌ، أَيْطَعُهُ عِيَالَهُ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَيْسِرِهِ فَيَقْضِي دَيْنَهُ، أَوْ يَسْتَقْرِضُ عَلَى ظَهْرِهِ فِي حُبِّ الزَّمَانِ وَشِدَّةِ الْمَكَاسِبِ، أَوْ يَقْبَلُ الصَّدَقَةَ؟ قَالَ: يَقْضِي بِمَا عِنْدَهُ دَيْنَهُ، وَلَا يَأْكُلُ أَمْوَالَ النَّاسِ إِلَّا - وَعِنْدَهُ مَا يُؤَدِّي إِلَيْهِمْ حُقُوقَهُمْ؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَطْلِ إِلَّا - أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (١) وَلَا يَسْتَقْرِضُ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَّا وَعِنْدَهُ وَفَاءٌ وَلَوْ طَافَ عَلَى أَبْوَابِ النَّاسِ فَرَدَّوهُ بِاللُّقْمَةِ وَاللُّقْمَتَيْنِ وَالتَّمْرَةَ وَالتَّمْرَتَيْنِ، إِلَّا - أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلِيُّ يَقْضِي دَيْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ؛ لَيْسَ مِمَّا مِنْ مَيِّتٍ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلِيًّا يَقُومُ فِي عِدَّتِهِ وَدَيْنِهِ، فَيَقْضِي عِدَّتَهُ وَدَيْنَهُ. (٢)

٢ / ٣ - حُرْمَةُ مَالِ الْمُعَاهِدِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا، أَوْ انْتَقَصَهُ، أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ، أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بَغَيْرِ طَيْبِ نَفْسٍ، فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ! (٣)

١- النساء: ٢٩.

٢- الكافي: ٦ / ٩٥ / ٢، تهذيب الأحكام: ٥ / ١٨٥ / ٣٨٣ عن سلمه، مستطرفات السرائر: ٧٨ / ٦، تفسير العياشي: ١ / ٢٣٦ / ١٠١ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٤٤ / ١٧ وح ١٨.

٣- سنن أبي داود: ٣ / ١٧١ / ٣٠٥٢، السنن الكبرى: ٩ / ٣٤٤ / ١٨٧٣١، مشكاة المصابيح: ٢ / ٤١٥ / ٤٠٤٧ كلها عن صفوان بن سليم عن عده من أبناء أصحاب رسول الله صلى الله عليه وآله عن آبائهم دنيه، كنز العمال: ٤ / ٣٦٤ / ١٠٩٢٤.

۲ / ۳ احترام داشتن مال نامسلمانی که با مسلمانان پیمان دارد

الکافی از سماعه: به امام صادق علیه السلام گفتم: «از ما کسی است که نزد خود مالی دارد و آن مال همه دارایی او است و نیز دینی بر گردن او است؛ آیا از آن مال مخارج خانواده خود را پردازد تا زمانی که خدا او را گشایش عطا فرماید که دین خود را ادا کند، یا با سخت حالی و تنگنای کار و کسب به وام گرفتن روی آورد، یا صدقه پذیرد؟» امام فرمود: «از آن چه نزد خود دارد، دینش را پردازد. اموال مردم را نخورد مگر این که چیزی نزد خود داشته باشد که با آن بتواند حقوق مردم را ادا کند. خداوند می فرماید: «و امواتان را میان خویش به باطل مخورید، مگر به داد و ستدی که مورد رضایتان باشد». و نباید وام گیرد مگر آن که بتواند ادا کند، هر چند بدین گونه که بر در خانه های مردم بچرخد و او را یکی دو لقمه یا یکی دو دانه خرما دهند یا پس از خود یاوری داشته باشد که دینش را ادا کند. و هیچ مرده ما نیست مگر آن که خداوند برای وی یاوری قرار دهد که عهد و دین او را ادا کند».

۲ / ۳ احترام داشتن مال نامسلمانی که با مسلمانان پیمان دارد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هلا که هر کس به نامسلمان پیمان دارنده ای ستم کند یا حقش را ضایع سازد یا فراتر از توانش بر وی بار نهد یا بدون رضایتش چیزی از او بستاند، در روز قیامت من، خود با وی در می افتم.

الإمام علي عليه السلام: قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ [أَي جَيْشٍ مُعَاوِيَةَ] كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهَدَةَ ، فَيَنْتَرِعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَاتِئَهَا وَرِعَائَهَا ، مَا تَمَنَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَالِاسْتِرْحَامِ ، ثُمَّ انصَبَرَفُوا وَافْرَيْنَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلَّمَ وَلَا أُرِيقَ لَهُ دَمٌّ ؛ فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا ، بَلْ كَانَ عِنْدِي بِهِ جَدِيرًا!! (١)

عنه عليه السلام في كتابه إلى عماله على الخراج: لَا تَبِيعَنَّ لِلنَّاسِ فِي الْخَرَجِ كِسْوَةَ شِتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ ، وَلَا دَابَّةً يَعْتَمِلُونَ عَلَيْهَا ، وَلَا عَبْدًا ، وَلَا تَضْرِبَنَّ أَحَدًا سِوَا لِمَكَانِ دِرْهَمٍ ، وَلَا تَمَسَّنَّ مَالَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ ؛ مُصَلٌّ وَلَا مُعَاهَدٍ . (٢)

الكافي عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام في أهل الجزية [سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:]يُؤَخَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَمَوَاشِيهِمْ شَيْءٌ سِوَى الْجِزْيَةِ؟ قَالَ: لَا . (٣)

٢ / ١٤ العَدْلُ وَالتَّنْمِيَةُ للإمام علي عليه السلام: العَدْلُ أَقْوَى أُسَاسٍ . (٤)

عنه عليه السلام: جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قِوَامًا لِلْأَنَامِ ، وَتَنْزِيهَا مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْآثَامِ ، وَتَسْيِيَةَ لِلِإِسْلَامِ . (٥)

١- الكافي: ٥ / ٥ / ٦ عن أبي عبد الرحمان السلمي ، نهج البلاغه : الخطبه ٢٧ .

٢- نهج البلاغه : الكتاب ٥١ ، بحار الأنوار: ٣٣ / ٤٧١ / ٦٨٤ .

٣- الكافي ٣ / ٥٦٨ / ٧ ، تهذيب الأحكام : ٤ / ١١٨ / ٣٣٩ ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٥١ / ١٦٧٢ .

٤- غرر الحكم : ١٦٣ .

٥- غرر الحكم : ٤٧٨٩ .

۲ / ۴ عدل و توسعه

امام علی علیه السلام: به من خبر رسیده که مردی از ایشان [= لشکر معاویه] به خانه زنی مسلمان و زن نامسلمان پیمان دارنده ای وارد شده و خلخال و دستبند و گردن آویز و گوشواره های آنان را غارت کرده است، حال آن که آن دو هیچ وسیله ای برای دفاع جز شیون و زاری نداشته اند. سپس آنان با غنایم فراوان بازگشته اند، بی آن که یکی از ایشان زخمی بردارد یا خونی از وی بریزید! پس اگر بعد از این ماجرا، مردی مسلمان از اندوه بمیرد، وی را سرزنش نباید کرد؛ بلکه از دید من، اگر بمیرد نیز سزاوار است.

امام علی علیه السلام در نامه اش به خراج گزارانش: برای گرفتن خراج از مردم، جامه زمستانی و تابستانی، مرکب کاری، و بنده آنان را نفروشید و کسی را برای گرفتن درهمی تازیانه مزیند و به مال هیچ یک از مردم، خواه مسلمان و خواه نامسلمان پیمان دارنده، دست اندازی مکنید.

الکافی از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره جزیه پردازان: [از وی پرسیده شد: «آیا غیر از جزیه، چیزی دیگر از دارایی ها و حیوانات آنان ستانده می شود؟» فرمود: «نه».

۲ / ۴ عدل و توسعه امام علی علیه السلام: عدالت استوارترین پایه است.

امام علی علیه السلام: خداوند سبحان عدل را مایه استواری مردم، پیرایش آنان از ستم ها و گناهان، و آسان سازی اسلام قرار داد.

عنه عليه السلام: العَدْلُ قِوَامُ الرَّعِيَّةِ ، وَجَمَالُ الْوَلَاةِ . (١)

عنه عليه السلام: بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ . (٢)

عنه عليه السلام: الْعَدْلُ أَعْنَى الْغِنَاءِ . (٣)

عنه عليه السلام: عَدْلُ السُّلْطَانِ خَيْرٌ مِنْ خِصْبِ الزَّمَانِ . (٤)

عنه عليه السلام في خُطْبِهِ لَهُ بَعْدَ أَنْ بَايَعُوهُ : أَلَا وَكُلُّ قِطْعَةٍ أَقْطَعَهَا عُثْمَانُ أَوْ مَالٍ وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءُ وَتَفَرَّقَ فِي الْبُلْدَانِ لَرَدَدْتُهُ عَلَى أَهْلِهِ ؛ فَإِنَّ فِي الْحَقِّ وَالْعَدْلِ لَكُمْ سَعَةً ، وَمَنْ ضَاقَ بِهِ الْعَدْلُ فَالْجُورُ بِهِ أَضِيقُ ! (٥)

الإمام الباقر عليه السلام: مَا أَوْسَعَ الْعَدْلَ ! إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ فِيهِمْ ، وَتُنزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا ، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ . (٦)

الكافي عن حمّاد بن عيسى عن بعض أصحابنا عن العبد الصالح عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرِكْ شَيْئًا مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَقَدَ قَسَمَهُ وَأَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ ؛ الْخَاصَّةَ ، وَالْعَامَّةَ ، وَالْفُقَرَاءَ ، وَالْمَسَاكِينَ ، وَكُلَّ صِنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ ، فَقَالَ : لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنَوْا . ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْعَدْلَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ ، وَلَا يَعْدِلُ إِلَّا مَنْ يُحْسِنُ الْعَدْلَ . (٧)

١- غرر الحكم : ١٩٥٤ .

٢- غرر الحكم : ٤٢١١ .

٣- غرر الحكم : ٦٨٦ .

٤- مطالب السؤول : ٥٦ ؛ بحار الأنوار : ٧٨ / ١٠ / ٦٧ .

٥- دعائم الإسلام : ١ / ٣٩٦ ، شرح الأخبار : ١ / ٣٧٣ نحوه ، نهج البلاغه : الخطبه ١٥ وفيه ذيله .

٦- من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٥٣ / ١٦٧٧ ، تهذيب الأحكام : ٤ / ١١٨ / ٣٤٠ وفيه «يتسعون» بدل «يستغنون» وكلاهما عن محمد

بن مسلم، الكافي: ٣/٥٦٨/٦ عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام، دعائم الإسلام: ١ / ٣٨٠ وفيه صدره .

٧- الكافي: ١ / ٥٤٢ / ٤ .

امام علی علیه السلام: عدالت برپا دارنده جامعه و زینت حاکمان است .

امام علی علیه السلام: با عدل ، برکت ها افزون می گردند .

امام علی علیه السلام: عدالت برترین توانگری است .

امام علی علیه السلام: دادگری حاکم بهتر از حاصلخیزی و شادابی روزگار است .

امام علی علیه السلام در خطبه اش پس از بیعت مردم با وی : هلا سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را پدید آورد ، هر پاره زمین یا مالی که عثمان به کسی بخشیده باشد ، حتی اگر در کابین زنان بیابم یا در سرزمین ها پراکنده شده باشد ، به صاحبانشان باز می گردانم . همانا در حق و عدل برای شما گشایش است و آن که عدل برای وی تنگنا آور است ، از بیداد بیش تر در تنگنا خواهد بود .

امام باقر علیه السلام: چه گشایش آفرین است عدالت! مردم آن گاه که در میانشان عدل رعایت گردد ، توانگر می شوند و آسمان روزی اش را فرو می فرستد و زمین برکتش را به رخصت پروردگار برون می دهد .

الکافی از حماد بن عیسی از یکی از شیعیان از امام کاظم علیه السلام: همانا خداوند هیچ دسته ای از اموال را رها نکرده ، مگر این که آن را تقسیم فرموده و حق هر صاحب حق را عطا کرده ، خواص و عوام و فقیران و بینوایان و هر دسته از مردم را . سپس امام فرمود: اگر در میان مردم عدالت رعایت می شد ، هر آینه بی نیاز می گشتند . سپس فرمود : همانا عدل از غسل شیرین تر است و به عدل نمی گراید جز کسی که آن را نیکو می شمارد .

الإمام الكاظم عليه السلام فى قولِ الله عز و جل : «يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» : لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ ، وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُحْيُونَ الْعَدَلَ ؛ فَتَحْيَا الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَدْلِ . (١)

٢ / ٥ حُقُوقُ الْمَالِ الْكَتَابِ : «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَأَمُومُونَ * وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ . (٢)»

«وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ * وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ . (٣)»

«كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ . (٤)»

الحديث :مسند ابن حنبل عن أنس :أتى رجلٌ من بنى تميم رسولَ الله صلى الله عليه و آله فقال : يا رسولَ الله ، إننى ذو مالٍ كثيرٍ ، وذو أهلٍ وولَدٍ وحاضِرَةٍ ، فأخبرنى كيفَ أنفقُ ، وكيفَ أصنعُ ؟ فقال رسولُ الله صلى الله عليه و آله : تُخرجُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِكَ ؛ فَإِنَّهَا طَهْرَةٌ تُطَهِّرُكَ ، وَتَصِلُ أَقْرَبَاءَكَ ، وَتَعْرِفُ حَقَّ السَّائِلِ وَالْجَارِ وَالْمِسْكِينِ . (٥)

١- الكافى : ٧ / ١٧٤ / ٢ ، تهذيب الأحكام : ١٠ / ١٤٦ / ٥٧٨ كلاهما عن عبد الرحمان بن الحجاج .

٢- المعارج : ٢٣ و ٢٤ .

٣- الذاريات : ١٨ و ١٩ .

٤- الأنعام : ١٤١ .

٥- مسند ابن حنبل : ١٢٣٩٧ / ٢٧٣ / ٤ ، المعجم الأوسط : ٨٨٠٢ / ٣٣٨ / ٨ ، المستدرک على الصحيحين : ٢ / ٣٩٢ / ٣٣٧٤ .

۲ / ۵ حقوق داری

امام کاظم علیه السلام درباره سخن خداوند: «زمین را پس از مرگش زنده می دارد»: خداوند زمین را با باران زنده نمی کند ، بلکه مردانی را می فرستد که عدل را برپا می دارند و با زنده شدن عدل ، زمین زنده می شود .

۲ / ۵ حقوق داریقرآن: «آنان که همواره در نمازند و در اموالشان حقی معین است .»

«و در سحرگاهان آمرزش می جویند* و در اموالشان حقی برای نیاز خواه و محروم هست .»

«از میوه آن ، چون میوه دهد ، بخورید و حق آن را در روز چیدن و درو کردنش بدهید .»

حدیث: مسند ابن حنبل از انس: مردی از بنی تمیم نزد پیامبر آمد و گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! من مالی بسیار دارم و صاحب خانواده و فرزندان و خاندانم . مرا آگاه فرما که چگونه انفاق کنم و چه سان رفتار نمایم؟» پیامبر فرمود: «زکات را از مالت بیرون ساز ؛ که زکات مایه پاکی تو است . نیز با خویشاوندانت پیوند داشته باش و حق نیازخواه و همسایه و بینوا را بدان» .

الإمام علي عليه السلام: قيل: يا نبي الله، أفي المالِ حقُّ سوى الزَّكَاةِ؟ قال: نَعَمْ، بُرِّ الرَّحِمِ إذا أدبرت، وصِلَةُ الجارِ المُسْلِمِ؛ فما أَقْرَبُ بي مَنْ باتَ شَبَعانَ وجارُهُ المُسْلِمُ جائِعٌ، ثُمَّ قال: ما زالَ جَبْرئيلُ عليه السلام يوصيني بِالجارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورُّهُ! (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحانَهُ فَرَضَ في أُمُوالِ الأَغْنِياءِ أَقْواتَ الفُقراءِ، فَمَا جاعَ فَقيرٌ إِلَّا بِما مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ، وَاللَّهُ تَعَالى سائِلُهُم عَن ذَلِكَ. (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَي الأَغْنِياءِ في أُمُوالِهِم بِقَدْرِ ما يَكْفِي فُقراءَهُم، وَإِنْ جاعوا وَعَرُوا وَجُهدوا فَبِمَنعِ الأَغْنِياءِ، وَحَقُّ عَلَي اللَّهِ أَنْ يُحاسِبَهُم يَوْمَ القِيامَةِ وَيُعذِّبَهُم عَلَيهِ. (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ كَثُرَ مالُهُ وَلَمْ يُعْطِ حَقَّهُ؛ فَإِنما مالُهُ حَياتٌ يَنْهَشُنُهُ يَوْمَ القِيامَةِ. (٤)

عنه عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبِ إِلَيهِ: أَنْظِرْ ما عِندَكَ فَلا تَضَعُهُ إِلَّا في حَقِّهِ، وما عِندَ غَيرِكَ فَلا تَأخُذْهُ إِلَّا بِحَقِّهِ. (٥)

الإمام زين العابدين عليه السلام في بَيانِ الحُقوقِ: أَمَّا حَقُّ مالِكَ: فَأَنْ لا تَأخُذَهُ إِلَّا مِنْ جِلِّهِ، وَلا تُنْفِقَهُ إِلَّا في وَجْهِهِ، وَلا تُؤثِرَ عَلَي نَفْسِكَ مَنْ لا يَحْمَدُكَ؛ فَاعْمَلْ بِهِ بِطاعَةِ رَبِّكَ، وَلا تَبخُلْ بِهِ؛ فَتَبوءَ بِالحَسْرَةِ وَالتَّدامَةِ مَعَ التَّبِعِ، وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (٦)

١- الأُمالي للطوسي: ٥٢٠ / ١١٤٥ عن هارون بن عمرو المجاشعي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وعن محمد بن جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام.

٢- نهج البلاغه: الحكمة ٣٢٨، روضه الواعظين: ٤٩٧ نحوه، عيون الحكم والمواعظ: ١٥٢ / ٣٣٤٣؛ ينابيع المودّة: ٢ / ٢٤٩ / ٦٩٩ وفيها «مُنَّع» بدل «مُتَّع به».

٣- كنز العمال: ٥٢٨ / ١٦٨٤٠، السنن الكبرى: ٣٧ / ٧ / ١٣٢٠٦ عن محمد بن الحنفية.

٤- دعائم الإسلام: ١ / ٢٤٧، بحار الأنوار: ٩٦ / ٢٩ / ٥٧.

٥- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٣٢١ / ٦٧٩.

٦- من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٦٢٤ / ٣٢١٤، الأُمالي للصدوق: ٤٥٥ / ٦١٠، الخصال: ١ / ٥٦٩ وفيه «السعة» بدل «التبعة» وكلها عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ٧٤ / ٨ / ١.

امام علی علیه السلام: پرسیده شد: «ای پیامبر خدا! آیا جز زکات حقی دیگر در مال هست؟» فرمود: «آری؛ نیکی به خویشاندی که پیوند بریده باشد و همپیوندی با همسایه مسلمان. به من اقرار نیاورده است آن کس که سیر، روز را به شب رساند و همسایه مسلمانش گرسنه باشد. سپس فرمود: جبرئیل همواره مرا درباره همسایه سفارش می فرمود، چندان که گمان بردم او را از وارثان می شمرد».

امام علی علیه السلام: همانا خدای سبحان روزی فقیران را در اموال توانگران واجب فرموده؛ و هیچ فقیری گرسنه نمی ماند، مگر آن که توانگری از وی بهره برده است. و خدای تعالی توانگران را از این، بازخواست خواهد کرد.

امام علی علیه السلام: هر آینه خداوند بر توانگران در اموالشان چندان حق واجب قرار داده که فقیران جامعه را بی نیاز سازد؛ پس اگر فقیران گرسنه و برهنه و بینوا بمانند، به سبب خودداری توانگران از پرداخت حق آنان است و خدای را سزا است که روز قیامت از ایشان حساب کشد و بدین جهت عذابشان فرماید.

امام علی علیه السلام: هر که مال بسیار داشته باشد و حق آن را ادا نکند، بی تردید در روز قیامت، مالش به مارهایی تبدیل می شود که او را نیش می زنند.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: بنگر که خود چه داری، پس آن را ضایع مکن مگر آن که حقش را ادا کنی؛ و بنگر که دیگری چه دارد، پس آن را جز به حق نستان.

امام سجاد علیه السلام در شمارش حقوق: اما حق دارایی ات آن است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در جای خود، آن را مصرف نکنی و کسی را که سپاسمند تو نیست، بر خود ترجیح ندهی. پس با آن به اطاعت پروردگارت پرداز و بدان بخل مورز؛ که دچار حسرت خواهی شد و در پی، پشیمانی خواهی کشید. و نیرویی نیست مگر از جانب خدا!

عنه عليه السلام فى رسالته المعروفه برسالة الحقوقي: أما حق المال: فإن لا تأخذهُ إلا من حله، ولا تُنفقه إلا فى حله، ولا تُحرّفهُ عن مواضعه، ولا تُصرفهُ عن حقائقه، ولا تُجعلهُ إذا كان من الله إلا إليه وسببا إلى الله، ولا تُؤثر به على نفسك من لعلهُ لا يحميّدك وبالحرى أن لا يُحسن خِلافته فى تركتك ولا يعمل فيه بطاعه ربك؛ فتكون مُعينا له على ذلك أو بما أحدث فى مالك أحسن نظرا لنفسه، فيعمل بطاعه ربه؛ فيذهب بالنعيمه وتبوء بالإثم والحسره والندامه مع التبعه. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: إن رجلا جاء إلى أبى عليّ بن الحسين عليهما السلام فقال له: أخبرنى عن قول الله عز و جل: «وَالَّذِينَ فى أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلسَّاءِلِ وَالْمَحْرُومِ» ما هذا الحقّ المعلوم؟ فقال له عليّ بن الحسين عليهما السلام: الحقّ المعلوم: الشئُ يُخرجهُ الرّجلُ من ماله ليس من الزّكاه ولا من الصدقه المفروضتين. قال: فإذا لم يكن من الزّكاه ولا من الصدقه فما هو؟ فقال: هو الشئُ يُخرجهُ الرّجلُ من ماله إن شاء أكثر وإن شاء أقلّ على قدر ما يملك. فقال له الرّجل: فما يصنع به؟ قال: يصل به رحما، ويُقرى به ضيفا، ويحمل به كلاً، أو يصل به أخوا له فى الله، أو لئائيه تنوبه. فقال الرّجل: الله يعلم حيث يجعل رسالاته! (٢)

عنه عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى يبعث يوم القيامة ناسا من قبورهم مشدودة أيديهم إلى أعناقهم لا يستطيعون أن يتناولوا بها قيس أنملة، معهم ملائكة يعيرونهم تعبيراً شديداً؛ يقولون: هؤلاء الذين منعوا خيراً قليلاً من خير كثير! هؤلاء الذين أعطاهم الله فمَنعوا حقّ الله فى أموالهم! (٣)

١- تحف العقول: ٢٦٧، بحار الأنوار: ٢ / ١٧ / ٧٤.

٢- الكافي: ٣ / ٥٠٠ / ١١ عن عبد الرحمان الأنصارى.

٣- الكافي: ٣ / ٥٠٦ / ٢٢، ثواب الأعمال: ٢٧٩ / ٢ كلاهما عن أبى الجارود، بحار الأنوار: ٩٦ / ٢١ / ٤٩.

امام سجاد علیه السلام در رساله معروف به رساله حقوق: اما حق مال آن است که آن را جز از راه حلال به کف نیاوری و جز در راه حلال مصرف نکنی و از جایگاه مناسبتش بیرون نسازی و از کارکردهای حقیقی اش دور نگردانی و حال که مال از آن خدا است، آن را جز دارای سمت و سویی خدایی و به منزله دستاویزی به حضرت او قرار ندهی و در آن، کسی را بر خویش ترجیح ندهی که شاید سپاسمند تو نباشد و شأنش چنین است که بازمانده مالت را به نیکی مصرف نکند و با آن به اطاعت پروردگارت نپردازد؛ که در این صورت، تو نیز یاور او [در این گناه] خواهی بود. شاید هم وی با آن چه در مال تو روا می دارد، در کار خویش نیک نظر کند و به اطاعت پروردگارش پردازد و خود سود برد و توفیق گناه و حسرت و پشیمانی در پی داشته باشی!

امام باقر علیه السلام: مردی نزد پدرم علی بن حسین علیهما السلام آمد و به وی گفت: «مرا آگاه کن که در این سخن خداوند، مراد از حق معین چیست: «و کسانی که در اموال آنان حقی معین * برای نیازخواه و محروم هست»؟» علی بن حسین علیهما السلام به وی فرمود: «حق معین آن است که انسان از مال خویش بیرون می سازد و آن غیر از زکات و صدقه واجب است». گفت: «اگر زکات و صدقه نیست، پس چیست؟» فرمود: «آن چیزی است که انسان از مال خویش بیرون می کند، خواه زیاد و خواه کم، به حسب مقدار دارایی اش». آن مرد به وی گفت: «با آن چه می کند؟» فرمود: «با خویشاوندی پیوند می یابد؛ مهمانی را طعام می دهد؛ باری را به دوش می کشد؛ و با برادر ایمانی اش یا کسی که هم رتبه او است، پیوند برقرار می کند». آن مرد گفت: «خدا می داند که رسالت های خویش را کجا قرار دهد».

امام باقر علیه السلام: همانا خداوند خجسته بلند رتبه در روز قیامت عده ای را از گورهایشان برمی انگیزد، در حالی که دست هاشان به گردن هاشان بسته شده است، به گونه ای که نمی توانند با آن به قدر سرانگشتی چیزی بگیرند؛ و با ایشان فرشتگانی همراهند که آنان را سخت سرزنش می کنند و می گویند: «اینان کسانی هستند که خیر کم را از خیر فراوان دریغ کردند. اینان کسانی هستند که خداوند ایشان را بهره مند فرمود، لیکن آنان حق خدا را که در اموالشان بود، نپرداختند».

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِي مَا وَعَظَ بِهِ لِقْمَانُ ابْنَهُ . . . إِعْلَمَ أَنَّكَ سَتَسْأَلُ غَدًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ عَنْ أَرْبَعٍ :
شِبَابِكَ فِيْمَ أْبَلَيْتَهُ ؟ وَعُمْرِكَ فِيْمَ أَفْنَيْتَهُ ؟ وَمَالِكَ مِمَّ اكْتَسَبْتَهُ ؟ وَفِيْمَ أَنْفَقْتَهُ ؟ فَتَأَهَّبْ لِذَلِكَ وَأَعِدَّ لَهُ جَوَابًا . (١)

عنه عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَخَذُوا مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ عِزُّ وَجَلُّ بِهِ فَأَنْفَقُوهُ فِي مَا نَهَا هُمُ اللَّهُ عَنْهُ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ ، وَلَوْ أَخَذُوا مَا نَهَا هُمُ
اللَّهُ عَنْهُ فَأَنْفَقُوهُ فِي مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ حَتَّى يَأْخُذُوهُ مِنْ حَقِّ وَبُيْفَقُوهُ فِي حَقِّ . (٢)

عنه عليه السلام: حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مِمَّنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ مِنْ مَالِهِ . (٣)

٢ / ٦ حَبَسُ الْحُقُوقِ وَالتَّحْلُفُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ مَنْ حَبَسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّهِ ، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الرِّزْقِ
إِلَّا أَنْ يَتَوَبَّ . (٤)

١- الكافي : ٢ / ١٣٤ / ٢٠ عن يحيى بن عقبة الأزدي ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٩٤ ، بحار الأنوار : ١٣ / ٤٢٥ / ١٩ ج ٧٣ / ٦٩ / ٣٦ .

٢- الكافي : ٤ / ٣٢ / ٤ عن إسماعيل بن جابر ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٥٧ / ١٦٩٤ .

٣- عوالي اللآلي : ١ / ٣٧٠ / ٧٤ .

٤- من لا يحضره الفقيه : ٤ / ١٥ / ٤٩٦٨ ، الأمالي للصدوق : ٥١٦ / ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه
عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٣٣٥ / ١ ج ١٠٤ / ٢٩٣ / ٢ .

۲ / ۶ پرداخت نکردن حقوق و واپس ماندگی

امام صادق علیه السلام: از جمله اندرزهای لقمان به پسرش این بود: ... بدان که فردا چون مقابل خدا بایستی ، از چهار چیز بازخواست خواهی شد: جوانی را چگونه به پیری رساندی؟ عمرت را چه سان سپری کردی؟ مالت را از چه راهی به دست آوردی؟ و آن را در کدام راه خرج کردی؟ پس برای چنان هنگامی آماده باش و پاسخ فراهم کن .

امام صادق علیه السلام: اگر مردم مال را از راهی که خداوند امر فرموده به دست آورند ، لیکن آن را به شیوه ای که نهی فرموده مصرف کنند ، از ایشان نمی پذیرد ؛ و اگر آن را از راهی که خداوند نهی فرموده به دست آورند ، لیکن آن را به شیوه ای که امر فرموده مصرف کنند ، باز از ایشان نمی پذیرد ؛ تا آن گاه که هم به حق به دست آورند و هم به حق مصرف کنند .

امام صادق علیه السلام: سزا است که خداوند خجسته بلند رتبه رحمت خویش را دریغ دارد از کسی که حق خدا را از مالش پرداخت نمی کند .

۲ / ۶ پرداخت نکردن حقوق و واپس ماندگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که از برادر مسلمانش چیزی از حق وی را دریغ کند ، خداوند برکت روزی را از وی دریغ فرماید تا آن گاه که توبه نماید .

عنه صلى الله عليه وآله: لَمْ يَمْنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مُنِعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»: (٢) إِذَا أَدَّوْا فَرَائِضَ اللَّهِ ، وَأَخَذُوا بِسُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَتَوَرَّعُوا عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ ، وَزَهَدُوا فِي عَاجِلِ زَهْرِهِ الدُّنْيَا ، وَرَغِبُوا فِي مَا عِنْدَ اللَّهِ ، وَآكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ لَا يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخَرَ وَالتَّكَاثُرَ ، ثُمَّ أَنْفَقُوا فِي مَا يَلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقِ وَاجِبِهِ ؛ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِي مَا آكْتَسَبُوا ، وَثَابَتُوا عَلَى مَا قَدَّمُوا لِآخِرَتِهِمْ . (٣)

عنه عليه السلام: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا مَنَعَتِ الزَّكَاةَ ظَهَرَتِ الْحَاجَةُ . (٥)

عنه عليه السلام: مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ ، وَفِيهَا تَهْلِكُ عَامَّتُهُمْ . (٦)

١- الكافي: ٢ / ٣٧٣ / ١ عن أبان عن رجل عن الإمام الباقر عليه السلام، ثواب الأعمال: ٣٠١ / ٢ عن أبان الأحمر عن الإمام الباقر عليه السلام صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٦٧ / ٢ وص ٣٧٦ / ١٣؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٣٣ / ٢ / ٤٠١٩، المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٥٨٣ / ٨٦٢٣ كلاهما عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ١٦ / ٨٠ / ٤٤٠١٠.

٢- يونس: ٦٢.

٣- تفسير العياشي: ٢ / ١٢٤ / ٣١ عن بريد العجلي، بحار الأنوار: ٦٩ / ٢٧٧ / ١١.

٤- الكافي: ٢ / ٣٧٤ / ٢ وج ٣ / ٥٠٥ / ١٧ نحوه، ثواب الأعمال: ٣٠١ / ١، علل الشرايع: ٥٨٤ / ٢٦ وفيها «وجدنا في كتاب علي عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله»، الأمالي للطوسي: ٢١٠ / ٣٦٣ كلها عن أبي حمزة الثمالي، تحف العقول: ٥١، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٦٩ / ٣ وج ٩٦ / ١٥ / ٣٢.

٥- الكافي: ٢ / ٤٤٨ / ٣ عن صفوان بن يحيى عن بعض أصحابنا، بحار الأنوار: ٨٧ / ٢٥٣ / ٥٩.

٦- الكافي: ٣ / ٤٩٧ / ٣، الأمالي للطوسي: ٦٩٣ / ١٤٧٤، تنبيه الخواطر: ٢ / ٨٥ فيهما «ما يهلك عامتهم إلا فيها» بدل «فيها تهلك عامتهم» كلها عن رفاعه بن موسى، دعائم الإسلام: ١ / ٢٤٧، بحار الأنوار: ٩٦ / ٢٢ / ٥٢ وص ٢٨ / ٥٧.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم از پرداخت زکات خودداری نکنند، مگر آن که بارش آسمان از ایشان دریغ گردد.

امام باقر علیه السلام: در نوشته علی بن حسین علیهما السلام چنین یافتیم: «هلا که دوستان خدا را نه بیمی رسد و نه اندوهناک گردند». اگر مردم واجب ها را به جا آورند، سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله را در پیش گیرند، از آن چه خداوند حرام فرموده پرهیزند، در کامیابی از بهره های شتابان دنیا پارسایی ورزند، به آن چه نزد خدا است بگرایند، روزی پاکیزه خدا را بدون فخر فروشی و مال اندوزی کسب کنند، و در مواردی که حقوق واجب اقتضا کند انفاق ورزند، آن گاه همانانی خواهند بود که خداوند در کار و کسبشان برکت نهاده و به سبب این که برای آخرت، [کار نیک] پیش می فرستند، پاداش می یابند».

امام باقر علیه السلام: در نوشته رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین یافتیم: «هر گاه مردم زکات ندهند، زمین همه برکت های خود از جمله محصولات کشاورزی و میوه ها و معادن را از ایشان دریغ می کند».

امام صادق علیه السلام: هر گاه زکات پرداخت نشود، نیازمندی ظهور می کند.

امام صادق علیه السلام: در این امت، خداوند بر هیچ واجبی بیش از زکات تأکید نفرموده است و عموم ایشان نیز با عمل نکردن به آن هلاک می گردند.

عنه عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: إِذَا حُبِسَتْ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي . (٢)

معاني الأخبار عن أحمد بن محمد بن محمد بن خالد عن بعض من رواه يرفعه: إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ سَاءَتْ حَالُ الْفَقِيرِ وَالْغَنِيِّ . قُلْتُ : هَذَا الْفَقِيرُ تَسَوُّهُ حَالُهُ لِمَا مُنِعَ مِنْ حَقِّهِ ، فَكَيْفَ تَسَوُّهُ حَالُ الْغَنِيِّ ؟ قَالَ : الْغَنِيُّ الْمَانِعُ لِلزَّكَاةِ تَسَوُّهُ حَالُهُ فِي الْآخِرَةِ . (٣)

الإمام العسكري عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ... فَرَضَ عَلَيْكُمْ لِأَوْلِيَائِهِ حُقُوقًا ، فَأَمَرَكُمْ بِأَدَائِهَا إِلَيْهِمْ ؛ لِجَلِّ لَكُمْ مَاوِرَاءَ ظُهُورِكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَمْوَالِكُمْ وَمَأْكَلِكُمْ وَمَشْرَبِكُمْ ، وَيُعْرِفْكُمْ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ وَالنَّمَاءَ وَالثَّرَوَةَ ، وَلِيَعْلَمَ مَنْ يُطِيعُهُ مِنْكُمْ بِالْغَيْبِ . (٤)

١٧ / ٢ / اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ الثَّرْوَةِ اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ . (٥)

١- .الكافي : ٣ / ٤٩٧ / ١ ، تهذيب الأحكام : ٤ / ٤٩ / ١٢٨ ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٦ / ١٥٧٧ كلها عن زراره ومحمد بن مسلم .

٢- .الأمالى للمفيد : ٣١٠ / ٢ ، الأمالى للطوسى : ٧٩ / ١١٧ كلاهما عن ياسر ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٧٩ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٧٣ / ٨ و ٩٦ / ١٤ / ٢٦ .

٣- .معاني الأخبار : ٢٦٠ / ١ ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١٥ / ٣٣ .

٤- .علل الشرايع : ٢٤٩ / ٦ ، رجال الكشي : ٢ / ٨٤٥ / ١٠٨٨ فيه «مشاربكم ومعرفتكم» بدل «مشربكم ويعرفكم» وكلاهما عن إسحاق بن إسماعيل النيسابورى ، تحف العقول : ٤٨٥ نحوه ، بحار الأنوار : ٢٣ / ١٠٠ / ٣ .

٥- .من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٦ / ٣٦١٦ ، الخصال : ١٠ / ٣٤ ، معاني الأخبار : ٢٥٨ / ٦ كلاهما عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول : ٤٦ ، بحار الأنوار : ٩ / ١٠٣ / ٤١٠٣ ؛ الفردوس : ٤٢٢ / ٢١٢ / ٤ عن أنس .

۲ / ۷ نگاهداری درست از مال

امام صادق علیه السلام: اگر مردم حقوق خویش را ادا می کردند ، به خیر می زیستند .

امام رضا علیه السلام: هر گاه زکات داده نشود ، چهارپایان می میرند .

معانی الاخبار از احمد بن محمد بن خالد از کسی که روایت را بی سند به امام علیه السلام بازگردانده: «هر گاه زکات داده نشود ، هم حال فقیر پریشان گردد و هم حال توانگر». گفتم: «فقیر از آن جا که حقش پرداخت نشده ، حالش پریشان گردد؛ اما حال توانگر چرا پریشان شود؟» فرمود: «توانگری که زکات ندهد ، در آخرت حالش پریشان شود» .

امام عسکری علیه السلام: همان خدای تعالی ... برای دوستان خود حقوقی بر عهده شما قرار داده و امرتان فرموده که آن حقوق را ادا نمایید تا زنان و اموال و خوردنی و نوشیدنی ای که در اختیار دارید ، حلالتان باشد ؛ و بدین سان ، برکت و رشد و ثروت را به شما بشناساند و بداند کدام یک از شما به سبب ایمان به غیب ، فرمان او را اطاعت می کنید .

۲ / ۷ نگاهداری درست از مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشانه های مردانگی نگاهداری درست از مال است .

عنه صلى الله عليه و آله فى صِفِهِ الْعَقْلِ : وَأَمَّا الرَّزَانَةُ : فَيَتَشَعَّبُ مِنْهَا اللَّطْفُ وَالْحَزْمُ . . . وَاسْتِصْلَاحُ الْمَالِ . (١)

الإمام على عليه السلام فى كِتَابِهِ إِلَى الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ : اسْتِصْلَحْ كُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ ، وَلَا تُضَيِّعَنَّ نِعْمَةً مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عِنْدَكَ ، وَلَيَّرَ عَلَيْكَ أَثْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ . (٢)

عنه عليه السلام فى الْحِكْمِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ : مَنْ كَانَ فى يَدِهِ شَيْءٌ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَلْيُصْلِحْهُ ؛ فَإِنَّكُمْ فى زَمَانٍ إِذَا احتَاجَ الْمَرْءُ فِيهِ إِلَى النَّاسِ كَانَ أَوَّلُ مَا يَبْدُلُهُ لَهُمْ دِينَهُ . (٣)

عنه عليه السلام : لَمْ يَكْتَسِبْ مَالًا مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ . (٤)

معانى الأخبار عن الحارث الأعور : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَسَنِ ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بُنَيَّ ، مَا الْمُرُوءَةُ؟ فَقَالَ : الْعَفَافُ وَإِصْلَاحُ الْمَالِ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام : عَلَيْكَ بِإِصْلَاحِ الْمَالِ ؛ فَإِنَّ فِيهِ مَتَبَهَةٌ لِلْكَرِيمِ ، وَاسْتِغْنَاءٌ عَنِ اللَّئِيمِ . (٦)

عنه عليه السلام : تَعَاهُدُ الرَّجُلَ ضَبِيعَتُهُ مِنَ الْمُرُوءَةِ . (٧)

عنه عليه السلام : إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيمَانِ . (٨)

١- تحف العقول : ١٧ ، بحار الأنوار : ١ / ١١٨ / ١١ .

٢- نهج البلاغه : الكتاب ٦٩ .

٣- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣١٢ / ٥٨٥ .

٤- غرر الحكم : ٧٥٤٣ .

٥- معانى الأخبار : ٢٥٨ / ٤ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٦ / ٢٣ ؛ المعجم الكبير : ٣ / ٦٨ / ٢٦٨٨ .

٦- الكافى : ٥ / ٨٨ / ٦ عن صالح بن حمزة عن بعض أصحابنا .

٧- معانى الأخبار : ٢٥٨ / ٧ عن عبد الله بن عمر بن حماد الأنصارى رفعه ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٣٥٤ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٦ / ٢٤ .

٨- الكافى : ٥ / ٨٧ / ٣ عن ثعلبه وغيره عن رجل ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٦٦ / ٣٦١٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نشانه های عقل : و اما وقار ؛ لطف ورزی و دوراندیشی و ... درست نگاهداشتن مال ، از آن ریشه می گیرد .

امام علی علیه السلام در نامه اش به حارث همدانی : هر نعمتی که خداوند به تو ارزانی فرموده ، از آن به درستی نگاهداری کن و هیچ یک از نعمت های خدا را نزد خویش تلف مکن ؛ که باید نشانه نعمت خدا نزد تو دیده شود .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : هر کس چیزی از روزی خدای سبحان را در اختیار دارد ، باید از آن درست نگاهداری کند ؛ زیرا شما در زمانه ای به سر می برید که اگر انسان به مردم نیازمند شود ، نخست دینش را به آنان تسلیم می کند .

امام علی علیه السلام : هر که از مال به درستی نگاهداری نکند ، نمی تواند دارایی فراهم آورد .

معانی الأخبار از حارث اعور : امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش حسن علیه السلام فرمود : «پسر عزیزم! مردانگی چیست؟» گفت: «پاکدامنی و نگاهداری درست از مال» .

امام صادق علیه السلام : باید از مال ، نیکو نگاهداری کنی ؛ زیرا انسان گرامی با آن قدرت می یابد و از فرومایه بی نیاز می شود .

امام صادق علیه السلام : این که انسان از کالای خود نیکو نگاهداری کند ، از مردانگی است .

امام صادق علیه السلام : نگاهداری نیکو از مال نشانه ایمان است .

٢ / ٨ استثمار المال الإمام زين العابدين عليه السلام: استثمار المال تمام المروءة . (١)

الكافي عن زراره: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا يُخَلِّفُ الرَّجُلَ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ . قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ؟ قَالَ: يَجْعَلُهُ فِي الْحَائِطِ يَعْنِي فِي الْبُسْتَانِ أَوْ الدَّارِ . (٢)

الكافي عن محمد بن عذافر عن أبيه: أعطى أبو عبد الله عليه السلام أبي ألفا وسبعمائه دينار فقال له: اتجر بها، ثم قال: أما إنَّه ليس لي رغبة في ربحها وإن كان الربح مرغوبا فيه، ولكنني أحببت أن يراني الله جلَّ وعزَّ متعرضا لفوائده . قال: فربحتُ له فيها مائة دينار، ثم لقيته فقلتُ له: قد ربحتُ لك فيها مائة دينار، قال: ففرح أبو عبد الله عليه السلام بذلك فرحا شديدا فقال لي: أثبتها في رأس مالي . (٣)

٢ / ٩ حفظ الأَرْضاء الإمام الصادق عليه السلام لمُصادِفِ مَوْلَاهُ: اتَّخَذَ عُقْدَةً أَوْ ضَيْعَةً؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ النَّازِلَةُ أَوْ الْمُصِيبَةُ فَذَكَرَ أَنَّ وَرَاءَ ظَهْرِهِ مَا يُقِيمُ عِيَالَهُ كَانَ أَسْخَى لِنَفْسِهِ . (٤)

-
- ١- الكافي: ١ / ٢٠ / ١٢ عن هشام عن الإمام الكاظم عليه السلام، تحف العقول: ٢٨٣ وفيه «استنماء» بدل «استثمار» و ص ٣٩٠ عن الإمام الكاظم عليه السلام .
 - ٢- الكافي: ٥ / ٩١ / ٢، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٧٠ / ٣٦٤٢ .
 - ٣- الكافي: ٥ / ٧٦ / ١٢ وص ١٦ / ٧٧ نحوه وفيه «سبعمائه دينار» بدل «ألفا وسبعمائه دينار»، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٦ / ٨٩٨ ، بحار الأنوار: ٤٧ / ٥٦ / ١٠٠ .
 - ٤- الكافي: ٥ / ٩٢ / ٥ عن مرزم .

۲ / ۸ بهره وری از دارایی

۲ / ۹ نگهداری زمین

۲ / ۸ بهره وری از دارایی امام سجاد علیه السلام: همه مردانگی بهره وری از مال است .

الکافی از زراره: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «در آن چه انسان از خود به جا می گذارد ، هیچ چیز به اندازه مال خاموش [= طلا و نقره] به زیان او نیست» . گفتم: «با آن چه کند؟» فرمود: «آن را در باغ هزینه کند . (۱)»

الکافی از محمد بن عذافر از پدرش: امام صادق علیه السلام به پدرم ۱۷۰۰ دینار داد و او را فرمود: «با آن بازرگانی کن» . سپس فرمود: «بدان که مرا به سود آن رغبتی نیست ، هر چند که سود ، خواستنی است . اما من دوست می دارم که خداوند بزرگ بشکوه مرا در حالی بیند که به بهره های آفریده او روی می آورم» . پدرم گفت: «با آن مال صد دینار برای وی سود کسب کردم . سپس به دیدار وی رفتم و به او گفتم: با آن ، برایت صد دینار سود کسب کردم . او از این خبر بسیار خرسند شد و مرا فرمود: آن را در سرمایه من قرار ده!» .

۲ / ۹ نگهداری زمین امام صادق علیه السلام به خدمتکارش مصادف: زمینی پردرخت یا کشتزاری تهیه کن ؛ زیرا هر گاه اتفاق [ناگوار] یا مصیبتی برای انسان پیش آید و او به یاد آورد که پشتوانه ای مالی دارد که خانواده اش را اداره کند سخاوتمندتر خواهد بود .

۱- .ظاهرا «حائط» در این جا به معنای «باغ» است و آنچه در ذیل روایت آمده که آن را به «باغ یا خانه» معنا کرده ، از راوی است .

عنه عليه السلام: مُشْتَرَى الْعُقْدَةِ مَرْزُوقٌ وَبَائِعُهَا مَمْحُوقٌ. (١)

الكافي عن مسمع: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِي أَرْضًا تُطَلَّبُ مِنِّي وَيُرْغَبُونِي، فَقَالَ لِي: يَا أَبَا سَيِّئَارٍ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ بَاعَ الْمَاءَ وَالطَّيْنَ ذَهَبَ مَالُهُ هَبَاءً؟! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أُبِيعُ بِالثَّمَنِ الْكَثِيرِ، وَأَشْتَرِي مَا هُوَ أَوْسَعُ رُقْعَةً مِمَّا بَعْتُ، قَالَ: فَلَا بَأْسَ. (٢)

الكافي عن أبان بن عثمان: دَعَانِي جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: بَاعَ فُلَانٌ أَرْضَهُ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَنَّهُ: مَنْ بَاعَ أَرْضًا أَوْ مَاءً وَلَمْ يَضَعْهُ فِي أَرْضٍ أَوْ مَاءٍ ذَهَبَ ثَمَنُهُ مَحْقًا. (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام: تَمَنُّ الْعَقَارِ مَمْحُوقٌ، إِلَّا أَنْ يُجْعَلَ فِي عَقَارٍ مِثْلِهِ. (٤)

١٠ / ٢ - حَفِظَ الْمَالِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ قَتَلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ شَهِيدٍ. (٥)

١- الكافي: ٥ / ٩٢ / ٤، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٨٨ / ١١٥٦ كلاهما عن وهب الحريري، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٩ / ٣٦٤١ وفيه «العقار» بدل «العقده».

٢- الكافي: ٥ / ٩٢ / ٨.

٣- الكافي: ٣ / ٩١ / ٥، تهذيب الأحكام: ١١٥٥ / ٣٨٧ / ٦، من لا يحضره الفقيه: ٣٦٤٤ / ١٧٠ / ٣، عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ١٣ / ٣٦٠ / ٧٣.

٤- الكافي: ٥ / ٩٢ / ٦ عن هشام بن أحمد.

٥- الكافي: ٢ / ٢٩٦ / ٧، تهذيب الأحكام: ١٠ / ٢١٠ / ٨٣٠ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٩٥ / ٥١٦١ عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام: ١ / ٣٩٨ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ١٠٠ / ٢٣ / ١٨ نقلًا عن الخصال وليس في الثلاثه الأخيره «بمنزله»؛ صحيح البخاري: ٢ / ٨٧٧ / ٢٣٤٨، صحيح مسلم: ١ / ١٢٥ / ٢٢٦، سنن الترمذي: ٤ / ٢٨ / ١٤١٨ كلها عن عبد الله بن عمرو، سنن أبي داود: ٤ / ٢٤٦ / ٤٧٧٢، سنن ابن ماجه: ٢ / ٨٦١ / ٢٥٨٠ كلاهما عن سعيد بن زيد وليس فيها «بمنزله»، كنز العمال: ٤ / ٤١٦ / ١١١٨٠.

۱۰ / ۲ نگهداری مال

امام صادق علیه السلام: خریدار زمین پردرخت روزی می یابد و فروشنده آن کم برکت می گردد .

الکافی از مسمع: به امام صادق علیه السلام گفتم: «مرا زمینی است که از من می خواهندش و به فروش آن ترغیب می کنند». مرا فرمود: «ای ابو سیار! آیا نمی دانی که هر کس آب و گلی را بفروشد، مالش بر باد رفته است؟» گفتم: «فدایت شوم؛ آن را به بهای بسیار می فروشم و زمینی بزرگ تر از آن که فروخته ام، می خرم». فرمود: «خوب است» .

الکافی از ابان بن عثمان: امام صادق علیه السلام مرا فراخواند و فرمود: «آیا فلان کس زمینش را فروخت؟» گفتم: «آری». فرمود: «در تورات نوشته شده: هر کس زمینی یا آبی را بفروشد و با بهای آن، زمین یا آبی دیگر نخرد، پولش نابود شده است» .

امام کاظم علیه السلام: پول فروش زمین و کشتزار نابود می شود، مگر آن که برای خرید زمین یا کشتزاری همانند آن صرف شود .

۱۰ / ۲ نگهداری مال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که برای حفظ مالش کُشته شود، به منزله شهید است .

الإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوب إليه: ثلاثه لا يستحي من الختم عليها: المال لنفي التهمه، والجوهر لنفاسته، والدواء للاحتياط من العدو. (١)

عنه عليه السلام: إن إمساك الحافظ أجمل من بذل المضيع. (٢)

الكافي عن أبو الجارود: قال أبو جعفر عليه السلام: إذا حدثتكم بشيء فاسألوني عن كتاب الله. ثم قال في حديثه: إن الله نهى عن القيل والقال، وفساد المال، وكثرة السؤال. فقالوا: يا بن رسول الله، وأين هذا من كتاب الله؟ قال: إن الله عز وجل يقول في كتابه: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ...» الآية، (٣) وقال: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا، (٤) وقال: «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ (٥)». (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: إن العبد لبيسط يديه يدعو الله ويسأله من فضله مالا فيرزقه، فينفقه في ما لا خير فيه، ثم يعود فيدعو، فيقول الله: أ لم أعطك؟! أ لم أفعل بك كذا وكذا؟! (٧)

١- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٢٨٩ / ٣٠٨.

٢- غرر الحكم: ٣٤٠٧.

٣- النساء: ١١٤.

٤- النساء: ٥.

٥- المائدة: ١٠١.

٦- الكافي: ٥/٣٠٠/٢ وج ١/٦٠/٥، تهذيب الأحكام: ٧/٢٣١/١٠١٠، المحاسن: ١/٤١٩/٩٦٢، الاحتجاج: ٢ / ١٦٩ / ١٩٨ وفيها «إن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى» بدل «إن الله نهى»، بحار الأنوار: ٤٦ / ٣٠٣ / ٥٠ وج ٩٢ / ٨٢ / ١٢.

٧- الأمالي للطوسي: ٦٧٨ / ١٤٣٩، عدّه الداعي: ١٢٦، تنبيه الخواطر: ٢ / ٨٣ كلها عن يونس بن عمار، بحار الأنوار: ٩٣ / ٣٥٩ / ١٨.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: سه چیزند که از مُهر نهادن و پوشیده نگاه داشتن آن ها شرم و باک نباید داشت: مال، برای دفع تهمت؛ گوهر، به سبب ارزشمندی اش؛ و دارو، به جهت احتیاط از حيله دشمن.

امام علی علیه السلام: این که نگاه دارنده مال در حفظ آن خست و رزد، هر آینه زیباتر از گشاده دستی کسی است که مال را تباه می کند.

الکافی از ابو جارود: امام باقر علیه السلام فرمود: «هر گاه با شما حدیث گویم، مرا از کتاب خدا پرسید». سپس امام در سخنش فرمود: «همانا خداوند از بگومگو و تباه شدن مال و زیاد پرسیدن نهی فرموده است». گفتند: «ای زاده رسول خدا! این را با کتاب خدا چه نسبتی است؟» فرمود: «خداوند در کتابش فرماید: «در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست...» و «و به بی خردان، اموالتان را که خداوند مایه برپایی تان ساخته، مسپارید» و «از چیزهایی پرسید که اگر برای شما آشکار گردد، ناگوارتان افتد».

امام صادق علیه السلام: همانا بنده دستانش را برای دعا به سوی خدا می گشاید و از فضل او، مالی طلب می کند؛ آن گاه خداوند به وی روزی عطا می فرماید، لیکن او آن مال را به گونه ای که خیری در آن نیست، مصرف می کند؛ سپس که به دعا باز می گردد، خداوند می فرماید: «آیا به تو عطا نکردم؟ آیا برایت چنین و چنان نکردم؟»

عنه عليه السلام: أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ: رَجُلٌ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي؛ فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرَكَ بِالطَّلَبِ؟! وَرَجُلٌ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ فَدَعَا عَلَيْهَا؛ فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا إِلَيْكَ؟! وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي؛ فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرَكَ بِالِاقْتِصَادِ؟! أَلَمْ آمُرَكَ بِالِإِصْلَاحِ؟! ثُمَّ قَالَ: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسِرُّوا وَلَمْ يَقْتَرُوا وَكَأَنَّ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا، (١)» وَرَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَدَانَهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ؛ فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرَكَ بِالشَّهَادَةِ؟! (٢)

٢ / ١١ مَسْئُولِيهِ الْأُمَّةِ إِزَاءَ إِقَامَةِ الْحَقِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْفَ تُقَدِّسُ أُمَّةٌ لَا تَأْخُذُ لِضَعْفِهَا مِنْ شَدِيدِهَا حَقُّهُ وَهُوَ غَيْرٌ مُتَّعِعٍ؟! (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا قُدِّسَتْ أُمَّةٌ لَا يُقْضَى فِيهَا بِالْحَقِّ، فَيَأْخُذُ ضَعْفُهَا حَقُّهُ مِنْ قَوِيَّهَا غَيْرَ مُتَّعِعٍ. (٤)

الإمام علي عليه السلام في كتابه لِلْأَشْتَرِ لَمَّا وَوَلَّاهُ عَلَى مِصْرَ: وَاجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَتَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامِيًا، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَّكِلُهُمْ غَيْرَ مُتَّعِعٍ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تُقَدِّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَّعِعٍ. (٥)

١- الفرقان: ٦٧.

٢- الكافي: ٢ / ٥١١ / ٢ عن جعفر بن إبراهيم.

٣- السنن الكبرى: ٦ / ١٥٧ / ١١٥١٤ عن ابن بريده عن أبيه، مسند أبي يعلى: ٢ / ٣٨٤ / ١٩٩٩، تاريخ بغداد: ٧ / ٣٩٦ / ٣٩٣٣ كلاهما عن جابر نحوه، كنز العمال: ٣ / ٨٣ / ٥٦٠٦.

٤- حليه الأولياء: ٦ / ١٢٨ عن معاوية بن أبي سفيان وعبد الله بن عمرو، سنن ابن ماجه: ٢ / ٨١٠ / ٢٤٢٦ عن أبي سعيد الخدرى، المعجم الكبير: ٢٠ / ٣١٣ / ٧٤٥ عن مخارق وكلاهما نحوه، كنز العمال: ٣ / ٨٤ / ٥٦٠٨ ح ٥٦٠٩.

٥- نهج البلاغه: الكتاب ٥٣، تحف العقول: ١٤٢، بحار الأنوار: ٧٧ / ٢٥٨ / ١ وراجع دعائم الإسلام: ١ / ٣٦٧.

۲ / ۱۱ مسؤولیت جامعه برای ادای حقوق

امام صادق علیه السلام: دعای چهار کس پذیرفته نشود: مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: «بار خدایا! مرا روزی ده». پس به وی گفته می شود: «مگر تو را فرمان ندادم که در پی روزی برآیی؟» دیگری مردی است که همسرش را نفرین کند. به وی گفته شود: «مگر کار او را به تو وانگذاردم؟» و دیگر مردی است که مالی دارد و آن را تباه می کند و می گوید: «بار خدایا! مرا روزی ده». به او گفته شود: «مگر به تو فرمان ندادم که میانه روی کنی و از مالت درست بهره ببری؟» سپس امام این آیه را خواند: «و کسانی که هر گاه مصرف کنند، نه اسراف ورزند و نه تنگ گیرند، بلکه راه میانه را روند». و دیگر مردی است که مالی دارد و آن را بدون شاهد گرفتن وام دهد. به وی گفته شود: «مگر تو را فرمان ندادم که شاهد گیری؟»

۲ / ۱۱ مسؤولیت جامعه برای ادای حقوق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چگونه می توان جامعه ای را به پاکی ستود که حق ضعیفش را از نیرومندش نمی ستاند، بی آن که فرد ضعیف در اضطراب و نگرانی به سر برد؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به پاکی ستوده نشود جامعه ای که در آن، به حق حکم نشود تا ضعیفش بدون اضطراب، حق خود را از نیرومندش بستاند.

امام علی علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر، آن گاه که وی را به حکمرانی مصر گماشت: بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا خود، به کار ایشان پردازی. در مجلس عمومی با آنان بنشین و در آن مجلس نزد خدای آفریننده خویش فروتنی پیشه کن. سربازان و یاران را که به نگاهیانی و حراستت موظفند، از سر راه ایشان دور دار تا سخنگوی آنان بدون اضطراب با تو سخن گوید؛ که من در موارد گوناگون از رسول خدا شنیدم که می فرمود: «به پاکی ستوده نشود جامعه ای که در آن، حق ضعیف، بدون اضطراب از نیرومند ستانده نشود».

الإمام الصادق عليه السلام: ما قُدِّسَتْ أُمَّةٌ لَمْ يُؤْخَذْ لِضَعْفِهَا مِنْ قَوِيَّهَا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ . (١)

١- الكافي : ٥ / ٥٦ / ٢ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ١٨٠ / ٣٧١ وفيه «متضع» بدل «متعتع» وكلاهما عن ابن أبي عمير عن جماعه من أصحابنا ، عوالي اللآلي : ٣ / ١٨٩ / ٢٦ وفيه «متصنع» بدل «متعتع» .

امام صادق علیه السلام: به پاکی ستوده نشود جامعه ای که حق ضعیفش ، بدون اضطراب از نیرومند ستانده نشود .

الفصل الثالث: المبادئ الأخلاقية ٣ / ١ حُسْنُ النَّيِّهِالإمام الصادق عليه السلام: مَنْ حَسُنَتْ نَيْتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ . (١)

٣ / ٢ حُسْنُ الْخُلُقِرسول الله صلى الله عليه و آله: حُسْنُ الْخُلُقِ وَكَفُّ الْأَذَى يَزِيدَانِ فِي الرِّزْقِ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: فِي سَعَةِ الْأَخْلَاقِ كُنُوزُ الْأَرْزَاقِ . (٣)

-
- ١- الكافي : ٢ / ١٠٥ / ١١ ، الأملى للطوسى : ٢٤٥ / ٤٢٥ كلاهما عن الحسن بن زياد الصيقل ، تحف العقول : ٢٩٥ عن الإمام الباقر عليه السلامو ص ٣٨٨ عن الإمام الكاظم عليه السلام ، كنز الفوائد : ٢ / ١٩٧ عن الإمام عليّ عليه السلام، الخصال : ٨٧/٢١ عن محمّد بن مسلم وفيه «زاد الله» بدل «زيد» ، بحار الأنوار: ٧٠/٢٠٥/١٥.
 - ٢- الفردوس : ٢ / ١٤٠ / ٢٧١٣ عن الإمام عليّ عليه السلام .
 - ٣- الكافي : ٨ / ٢٣ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ٩٨ و ص ٢١٤ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٨٧ / ١ و ج ٧٨ / ٥٣ / ٨٦ .

فصل سوم: اصول اخلاقی

۳ / ۱ نیک نیت بودن

۳ / ۲ نیک خوی بودن

فصل سوم: اصول اخلاقی ۳ / ۱ نیک نیت بودن امام صادق علیه السلام: هر که نیتش نیک باشد، روزی اش افزوده گردد.

۳ / ۲ نیک خوی بودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیک خویی و آزار نکردن، روزی را افزایش می دهد.

امام علی علیه السلام: گنج های روزی ها در گشاده خُلقی نهفته است.

عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ؛ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرَّزْقَ وَيُوجِبَانِ الْمَحَبَّةَ. (١)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: سَعَةُ الْأَخْلَاقِ كِيمِيَاءُ الْأَرْزَاقِ. (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ ضَاقَ رِزْقُهُ؛ مَنْ كَرَّمَ خُلُقَهُ اتَّسَعَ رِزْقُهُ. (٣)

عنه عليه السلام: حُسْنُ الْأَخْلَاقِ يُدْرُّ الْأَرْزَاقَ، وَيُؤْنِسُ الرَّفَاقَ. (٤)

٣ / ١٣ الرَّفْقُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَالْبِرْكَهَ، وَمَنْ يُحْرِمِ الرَّفْقَ يُحْرِمِ الْخَيْرَ. (٥)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ اسْتَعْمَلَ الرَّفْقَ اسْتَدْرَرَ الرَّزْقَ. (٦)

عنه عليه السلام: التَّلَطُّفُ مِفْتَاحُ الرَّزْقِ. (٧)

الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا أَهْلِ بَيْتٍ أَعْطُوا حَظَّهُمْ مِنَ الرَّفْقِ فَقَدْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي الرَّزْقِ. (٨)

-
- ١- غرر الحكم: ٦١٦١.
 - ٢- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٣٣٩ / ٨٨٤.
 - ٣- غرر الحكم: ٨٠٢٣ و ٨٠٢٤، عيون الحكم والمواعظ: ٤٣١ / ٧٤٠١ و ٧٤٠٢.
 - ٤- غرر الحكم: ٤٨٥٦، عيون الحكم والمواعظ: ٢٢٨ / ٤٣٩٨.
 - ٥- الكافي: ٢ / ١١٩ / ٧ عن عمرو بن أبي المقدام رفعه، بحار الأنوار: ٧٥ / ٦٠ / ٢٦؛ سنن ابن ماجه: ٢ / ١٢١٦ / ٣٦٨٧ وليس فيه صدره، المعجم الكبير: ٢ / ٣٤٨ / ٢٤٥٨، الفردوس: ٢ / ٢٨٠ / ٣٢٩٧ كلها عن جرير، كنز العمال: ٣ / ٥١ / ٥٤٤٦.
 - ٦- غرر الحكم: ٨٦٤٧.
 - ٧- أعلام الدين: ٩٦.
 - ٨- الكافي: ٢ / ١١٩ / ٩ عن أحمد بن زياد بن أرقم الكوفي عن رجل، مشكاة الأنوار: ٣١٥ / ٩٨٨، بحار الأنوار: ٧٥ / ٦١ / ٢٨.

۳ / ۳ مدارا

امام علی علیه السلام: بر شما باد بخششگری و نیک خوئی؛ زیرا روزی را می افزایند و محبت پدید می آورند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : گشاده خُلقی کیمیای روزی است .

امام علی علیه السلام: هر که زشت خوی باشد ، روزی اش تنگ گردد و هر که خوش خوی باشد ، روزی اش گشاده گردد .

امام علی علیه السلام: خوش خوئی روزی ها را سرازیر می کند و دوستان را الفت می بخشد .

۳ / ۳ مدارا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در مدارا ، افزایش روزی و برکت نهفته است و هر که از مدارا بی بهره باشد ، از خیر بهره ندارد .

امام علی علیه السلام: هر که با مدارا رفتار کند ، روزی اش افزون گردد .

امام علی علیه السلام: لطف ورزیدن کلید روزی است .

امام صادق علیه السلام: هر خانواده ای که از مهر و مدارا بهره داشته باشند ، خداوند در روزی ایشان گشایش پدید آورد .

الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ الرَّفْقَ وَالْبِرَّ وَحَسْنَ الْخُلُقِ يَعْمُرُ الدِّيَارَ ، وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (١)

٣ / ٤ حَسُنُ الْقَوْلِ لِإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقَوْلُ الْحَسَنُ يُثْرِي الْمَالَ ، وَيُنْمِي الرِّزْقَ ، وَيُنْسِي فِي الْأَجْلِ . (٢)

٣ / ١٥ الزُّهْدُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ . (٣)

عنه عليه السلام: الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا مُلُوكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمَنْ لَمْ يَزْهَيْدِ فِي الدُّنْيَا وَرَغِبَ فِيهَا فَهُوَ فَقِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَمَنْ زَهَدَ فِيهَا مَلَكَهَا ، وَمَنْ رَغِبَ فِيهَا مَلَكَتْهُ . (٤)

١- تحف العقول : ٣٩٥ ، بحار الأنوار : ١ / ١٥١ / ٣٠ .

٢- الخصال : ٣١٧ / ١٠٠ ، الأمالي للصدوق : ٤٩ / ١ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، روضه الواعظين : ٤٠٤ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣١٠ / ١ .

٣- غرر الحكم : ٧٤٤٦ .

٤- إرشاد القلوب : ٢٠ .

۳ / ۴ خوش گفتاری

۳ / ۵ پارسایی

امام کاظم علیه السلام: همانا مدارا و نیکی و خوش خلقی مایه آبادانی و افزایش روزی است .

۳ / ۴ خوش گفتاری امام سجاد علیه السلام: گفتار نیک مال را می افزایشد ، روزی را رشد می دهد ، و مرگ را به تأخیر می اندازد .

۳ / ۵ پارسایی امام علی علیه السلام: هر که پارسایی پیشه کند ، فقیر نگردد .

امام علی علیه السلام: پارسایان دنیا ، شاهان دنیا و آخرتند ؛ و هر که دنیاگریز نباشد و به آن روی آورد ، در دنیا و آخرت فقیر است ؛ و هر که بدان نگراید ، آن را مالک گردد ؛ و هر که بدان رغبت ورزد ، دنیا وی را مالک گردد .

٣ / ١٦ التَّقْوِيرُ سَوَّلَ اللّٰهُ صَلىَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَن رُزِقَ تُقَى فَقَد رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللّٰهِ ؛ فَإِنَّهَا جِمَاعُ كُلِّ خَيْرٍ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام :التَّقْوَى ظَاهِرُهُ شَرَفُ الدُّنْيَا ، وَبَاطِنُهُ شَرَفُ الْآخِرَةِ . (٣)

عنه عليه السلام :مَن رُزِقَ الدِّينَ فَقَد رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٤)

عنه عليه السلام :أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنِّي أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللّٰهِ . . . فَمَن أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوبِهَا . . . وَتَحَدَّيْتُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ بَعْدَ نُفُورِهَا ، وَتَفَجَّرَتْ عَلَيْهِ النُّعْمُ بَعْدَ نُضُوبِهَا ، وَوَبَّلتَ عَلَيْهِ الْبَرَكَهَ بَعْدَ إِرْدَاذِهَا . (٥)

عنه عليه السلام :التَّقْوَى أَقْوَى أُسَاسٍ . (٦)

عنه عليه السلام :التُّقَى سَائِقٌ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ . (٧)

الإمام الصادق عليه السلام :مَن يَتَّقِ اللّٰهَ فَقَد أَحْرَزَ نَفْسَهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللّٰهِ ، وَأَصَابَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٨)

راجع : ص ٣٦ (سعادة الدنيا والآخرة) .

١- .كنز العمال : ٣ / ٩١ / ٥٦٤١ نقلاً عن أبي الشيخ عن عائشه .

٢- .المعجم الصغير: ٢/٦٦ ، مسند أبي يعلى : ١/٤٦٧/٩٩٦ كلاهما عن أبي سعيد الخدرى ، كنز العمال : ١٥ / ٨٦٤ / ٤٣٤٣٧ .

٣- .غرر الحكم : ١٩٩٠ .

٤- .غرر الحكم : ٨٥٢٣ .

٥- .نهج البلاغه : الخطبه ١٩٨ .

٦- .غرر الحكم : ٨٢٢ .

٧- .كنز الفوائد : ١ / ٢٧٩ .

٨- .مختصر بصائر الدرجات : ٧٩ ، بحار الأنوار : ٢٤ / ٢٨٦ / ١ .

۳ / ۶ پرهیزگاری

۳ / ۶ پرهیزگاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پرهیزگاری روزی اش شده باشد، خیر دنیا و آخرت را نصیب می برد

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر تو باد تقوای خدا؛ که در آن همه خیرها گرد آید.

امام علی علیه السلام: ظاهر پرهیزگاری، شرافت دنیا؛ و باطن آن، شرافت آخرت است.

امام علی علیه السلام: هر که دینداری روزی اش شده باشد، خیر دنیا و آخرت را بهره برده است.

امام علی علیه السلام: اما بعد؛ هر آینه شما را به تقوای خدا سفارش می کنم...؛ که هر کس پرهیزگاری پیشه کند، سختی ها پس از نزدیک شدن به وی از او دوری جویند... و رحمت پس از رویگردانی از وی به او روی آورد؛ و نعمت ها پس از فرو رفتن، شکوفا گردند؛ و برکت پس از بند آمدن، فراوان بر وی بیارد.

امام علی علیه السلام: پرهیزگاری استوارترین پایه است.

امام علی علیه السلام: پرهیزگاری پیش برنده به سوی هر خیر است.

امام صادق علیه السلام: هر کس تقوای خدا را پیشه کند، به رخصت خداوند، خود را از آتش دور داشته و به همه خوبی های دنیا و آخرت دست یافته است.

ر. ک: ص ۳۷ (خوشبختی دنیا و آخرت)

٣ / ٧ الذي كرر رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَلْبَسَهُ اللَّهُ نِعَمَةً فَلْيَكْثِرْ مِنَ الْحَمْدِ لِلَّهِ ، وَمَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ ، وَمَنْ أَبْطَأَ عَنْهُ رِزْقُهُ فَلْيَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ حَلَى (٢) فِي عَيْنِهِ شَيْءٌ مِنَ الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ فَقَالَ : مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، مُتَّعَ بِهِ ، أَلَا تَرَى إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى : «وَلَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (٣)»؟! (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَعْجَبَ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِ وَأَرَادَ بَقَاءَهُ فَلْيُقِلَّ : مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (٥)

راجع: ص ٦٣٤ (الشكر).

٣ / ٨ الشكر الكتاب: «وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ . (٦)»

١- المعجم الأوسط: ٦ / ٣٣٣ / ٦٥٥٥ عن أبي هريره ، كنز العمال: ١٥ / ٩٣٨ / ٤٣٦١٢ .

٢- في المصدر «جلى» وما أثبتناه من بحار الأنوار .

٣- الكهف: ٣٩ .

٤- الدعوات: ١١٠ / ٢٤٨ ، بحار الأنوار: ٩٣ / ٢٧٤ / ٢ .

٥- إحقاق الحق: ١٩ / ٥٣٢ نقلاً عن الأنوار القدسيه .

٦- إبراهيم: ٧ .

۳ / ۷ ذکر

۳ / ۸ شکرگزاری

۳ / ۷ ذکر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خداوند بر تن وی جامه نعمت پوشاند ، باید فراوان «الحمد لله» گوید ؛ و هر که اندوهش بسیار شود ، باید «استغفرالله» گوید ؛ و هر که روزی اش به گُندی رسد ، باید فراوان گوید: «لا حول ولا قوه إلا بالله» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بهره ای از خانواده و مال و فرزند در نظرش زیبا جلوه کند و ذکر «ما شاء الله لا قوه الا بالله» [= هر چه خدای خواهد ؛ نیرویی جز به یاری خدای نیست] را بر زبان راند ، از آن بهره برخوردار می شود . مگر سخن خدای تعالی را در نمی نگری : «و چرا آن گاه که به بوستانت در آمدی ، نگفتی: هر چه خدای خواهد ؛ نیرویی جز به یاری خدای نیست» ؟

امام صادق علیه السلام: هر که بهره ای از دارایی هایش برایش نیک جلوه کند و خواستار پایداری آن باشد ، باید بگوید : «ما شاء الله لا قوه الا بالله» [= هر چه خدای خواهد ؛ نیرویی جز به یاری خدای نیست] .

ر . ک : ص ۶۳۵ (شکرگزاری).

۳ / ۸ شکر گزار یقرآن: «و هنگامی که پروردگارتان به شما آگاهی داد که اگر شکر گزارید ، همانا شما را نعمت بیفزایم و اگر ناسپاسی کنید ، هر آینه عذاب من سخت است.»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يَرْزُقُ اللَّهُ عز و جل عبدا الشُّكْرَ فَيَحْرِمُهُ الزِّيَادَةَ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عز و جليقولُ : «لئن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ . (١)»

عنه صلى الله عليه وآله مِمَّا أَوْصَى بِهِ :عَلَيْكَ بِالذُّعَاءِ ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَتَى يُسْتَجَابُ لَكَ ، وَعَلَيْكَ بِالشُّكْرِ ؛ فَإِنَّ الشُّكْرَ زِيَادَةٌ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :لَا يُعَزِّنُكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ طَوْلُ النَّسِيئَةِ وَتَمَادِي الإِمهَالِ وَحُسْنُ التَّقَاضِي ؛ فَإِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ وَعَذَابُهُ شَدِيدٌ ؛ إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى نِعْمِهِ حَقًّا وَهُوَ شُكْرُهُ ، فَمَنْ آدَاهُ زَادَهُ ، وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ سَلَبَهُ مِنْهُ ؛ فَلْيِرَاكُمُ اللَّهُ مِنَ النِّقْمَةِ وَجِلِينَ كَمَا يِرَاكُمُ بِالنِّعْمَةِ فَرِحِينَ . (٣)

الإمام علي عليه السلام :شُكْرُ المُنْعِمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (٤)

عنه عليه السلام :مَنْ حَمِدَ اللَّهَ أَغْنَاهُ . (٥)

عنه عليه السلام :ما أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَشَكَرَهَا بِقَلْبِهِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ المَزِيدَ فِيهَا قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ شُكْرَهَا عَلَى لِسَانِهِ . (٦)

١- .الشكر لابن أبي الدنيا : ١٦ / ٣ عن عطار القرشى .

٢- .حليه الأولياء : ٧ / ٣٠٥ ، الشكر لابن أبي الدنيا : ٧٨ / ١٦٨ كلاهما عن سفيان عن رجل .

٣- .إرشاد القلوب : ٣٨ وراجع تحف العقول : ٢٠٦ .

٤- .الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاق ، مشكاة الأنوار : ٢٣٠ / ٦٤٥ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٤٤ / ٤٦ .

٥- .غرر الحكم : ٩٠٩٨ .

٦- .الأمالى للطوسى : ٥٧٩ / ١١٩٧ عن عبد الله بن محمّد بن عبيد بن ياسين بن محمّد بن عجلان مولى الإمام الباقر عن الإمام

الهادى عن آبائه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، مستطرفات السرائر : ١٦٤ / ٦ عن يزيد بن خليفة عن الإمام الباقر عليه السلام ،

بشاره المصطفى : ٢٢٢ عن علقمه عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧١ / ٥٣ / ٨٣ وراجع الكافى : ٢ / ٩٥ / ٩ وج

٨ / ١٢٨ / ٩٨ وتحف العقول : ٣٥٧ و غرر الحكم : ٩١٠٢ .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که خداوند شکر را روزی اش فرموده باشد و از افزایش نعمت محرومش گرداند؛ زیرا خود می فرماید: «اگر شکر گزارید، همانا شما را نعمت بیفزایم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جمله سفارش های او: بر تو باد دعا کردن، که تو ندانی چه هنگام دعایت مستجاب گردد؛ و بر تو باد شکر گزاردن، که شکر سبب افزایش نعمت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این که پروردگارتان دیرزمانی از گناهانتان چشم می پوشد و بسیار مهلتتان می دهد و با شما نیک برخورد می کند، نباید مایه فریفتگی تان شود؛ زیرا گرفتار ساختنش دردآور و عذابش سخت است. خدای تعالی را به ازای نعمت هایش حقی است که همان شکر است. هر که شکر به جای آورد، خدا نعمتش را بیفزاید؛ و هر که در شکرگزاری کوتاهی ورزد، نعمتش را از او بگیرد. پس باید خداوند بنگرد که از کیفر بیمناکید، همان گونه که به نعمت شادمانید.

امام علی علیه السلام: سپاس گذاری از نعمت بخش، روزی را می افزاید.

امام علی علیه السلام: هر که خدای را سپاس گوید، خدا توانگری اش دهد.

امام علی علیه السلام: خداوند به بنده ای نعمت نداد و او با دل و جان شکرش ننهاد، مگر آن که [حتی] پیش از بر زبان راندن آن شکر، شایسته افزایش آن نعمت گردید.

عنه عليه السلام: ما كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَيُعَلِّقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ . (٢)

عنه عليه السلام: يَا أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنَّ لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا ، فَمَنْ أَدَاهُ زَادَهُ ، وَمَنْ قَصَّرَ عَنْهُ خَاطَرَ بِزَوَالِ النُّعْمَةِ وَتَعْجَلِ الْعُقُوبَةِ ؛ فَلْيُرَاكُمُ اللَّهُ مِنَ النُّعْمَةِ وَجَلِيلَ كَمَا يَرَاكُمُ مِنَ الذُّنُوبِ فَرِيقِينَ . (٣)

عنه عليه السلام: شُكْرُ النُّعْمِ يُضَاعِفُهَا وَيَزِيدُهَا . (٤)

عنه عليه السلام: النُّعْمَةُ مَوْصُولَةٌ بِالشُّكْرِ ، وَالشُّكْرُ مَوْصُولٌ بِالْمَزِيدِ ، وَهُمَا مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ ، فَلَنْ يَنْقَطِعَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ مِنَ الشَّاكِرِ . (٥)

عنه عليه السلام: أَبْلَغُ مَا تُسْتَمَدُّ بِهِ النُّعْمَةُ الشُّكْرُ ، وَأَعْظَمُ مَا تُمَحَّصُ بِهِ الْمِحْنَةُ الصَّبْرُ . (٦)

١- نهج البلاغه : الحكمه ٤٣٥ ، الكافي: ٢/٩٤/٢ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آلهنحوه ، إرشاد القلوب : ١٤٩ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٢٣ / ٢ وراجع الجعفریات : ٢٢٢ وكنز العمال : ٣ / ٧٣٧ / ٨٦١٨ .

٢- نهج البلاغه : الحكمه ١٣٥ ، الكافي : ٢ / ٦٥ / ٦ و ص ٩٥ / ٨ ، الخصال : ١٠١ / ٥٦ ، المحاسن : ١ / ٦١ / ١ كلها عن معاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام وفيها «أعطى» بدل «لم يحرم» ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ١٠٣ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٤٤ / ٤٤ وراجع الأمالي للطوسي : ٤٦٥ والدر المنثور : ١/٣٦٠ عن ابن مسعود وج ٥ / ٧ عن عطارد بن مصعب .

٣- تحف العقول : ٢٠٦ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ٢٢١ نحوه ، غرر الحكم : ٣٥٨٠ وفيه صدره إلى «بزوال النعمه» ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٤٣ / ٣٦ .

٤- غرر الحكم : ٥٦٦٤ .

٥- غرر الحكم : ٢٠٩٠ .

٦- غرر الحكم : ٣٣٤٨ .

امام علی علیه السلام: چنان نیست که خداوند در شکر را بر بنده ای بگشاید و در نعمت افزایشی را بر وی ببندد .

امام علی علیه السلام: هر که از شکر بهره ور باشد ، از افزایش نعمت محروم نگردد .

امام علی علیه السلام: ای مردم! همانا خدای را در هر نعمتی حقی واجب است و هر که آن را ادا کند ، خداوند آن نعمت را بیفزاید ؛ و هر کس در آن کوتاهی ورزد ، به سلب نعمت و پیش افتادن کیفر گرفتار گردد . پس باید خداوند بنگردتان که از [سلب] نعمت بیمناکید ، همان سان که شما را از گناهان جدا می بیند .

امام علی علیه السلام: شکر نعمت ها سبب بالندگی و افزایشگی آن ها است .

امام علی علیه السلام: نعمت پیوسته به شکر است و شکر پیوسته به فزونی نعمت ؛ و آن دو با یکدیگر همراهند . پس افزونی نعمت از جانب خدای سبحان قطع نشود ، مگر آن گاه که شکر از سوی شکر گزارنده قطع شود .

امام علی علیه السلام: آن چه بیش از هر چیز نعمت را بیفزاید ، شکر است ؛ و بزرگ ترین مایه چیره شدن بر محنت ، صبر است .

عنه عليه السلام: شُكِرَ النَّعْمُ يَوْجِبُ مَزِيدَهَا ، وَكُفِرَ بِهَا بُرْهَانُ جُحُودِهَا . (١)

عنه عليه السلام: لَا نَفَادَ لِفَائِدِهِ إِذَا شُكِرَتْ ، وَلَا بَقَاءَ لِنِعْمِهِ إِذَا كُفِرَتْ . (٢)

عنه عليه السلام: شُكِرَ النَّعْمَ يَقْضِي بِمَزِيدِهَا ، وَيُوجِبُ تَجْدِيدَهَا . (٣)

عنه عليه السلام: الشُّكْرُ عَلَى النَّعْمِ جَزَاءٌ لِمَاضِيهَا ، وَاجْتِلَابٌ لِأَتِيهَا . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ جَعَلَ الْحَمْدَ خِتَامَ النَّعْمِ ، جَعَلَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِفْتَاحَ الْمَزِيدِ . (٥)

عنه عليه السلام: شُكِرَ الْإِلَهَ يُدْرُ النَّعْمَ . (٦)

عنه عليه السلام: اغْتَنِمُوا الشُّكْرَ ؛ فَأَدْنَى نَفْعِهِ الزُّيَادَةُ . (٧)

عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الشُّكْرِ زِيَادَةُ النَّعْمِ . (٨)

عنه عليه السلام: النَّعْمُ تَدْوِمٌ بِالشُّكْرِ . (٩)

عنه عليه السلام: أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيَّكَ ، وَأَنْعِمُ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ ؛ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ (١٠) .

(١١)

١- غرر الحكم : ٥٦٦٥ .

٢- الإرشاد : ١ / ٣٠٠ .

٣- غرر الحكم : ٥٦٥٩ .

٤- غرر الحكم : ٢٠٤٤ .

٥- غرر الحكم : ٨٨٩٨ .

٦- غرر الحكم : ٥٦٥٨ .

٧- غرر الحكم : ٢٥٣٥ .

٨- غرر الحكم : ٤٦٢٢ .

٩- غرر الحكم : ١٠٨٨ .

١٠- غرر الحكم : ٢٤٢٣ .

١١- راجع : ح ١١٨٤ و ١١٨٦ .

امام علی علیه السلام: شکر نعمت ها موجب افزایش آن ها ؛ و ناسپاسی آن ها نشانه نادیده گرفتنشان است .

امام علی علیه السلام: بهره ای که شکر آن گزارده شود ، پایان نپذیرد ؛ و نعمتی که سپاسش به جای آورده نشود ، پایدار نماند .

امام علی علیه السلام: شکر نعمت ها سبب افزایش آن ها می شود و تازگی شان می بخشد .

امام علی علیه السلام: شکر نعمت سزای موهبت گذشته ؛ و جلب کننده موهبت آینده است .

امام علی علیه السلام: هر که در پایان نعمت ، سپاس به جای آورد ، خداوند سبحان سپاس وی را کلید افزون بخشی به او قرار دهد .

امام علی علیه السلام: شکر خداوند نعمت ها را سرازیر کند .

امام علی علیه السلام: شکر را غنیمت شمارید ؛ که کم ترین بهره آن افزایش نعمت است .

امام علی علیه السلام: فایده شکر فزونی نعمت است .

امام علی علیه السلام: نعمت ها با شکر پایدار شوند .

امام علی علیه السلام: هر که را به تو نعمتی رساند ، سپاس به جای آور ؛ و آن را که سپاست گوید ، از نعمت بهره مند ساز ؛ زیرا نعمتی که شکرش گزارده شود ، نابود نگردد و آن که ناسپاسی شود ، پایدار نماند .

عنه عليه السلام : إِذَا نَزَلَتْ بِكَ النِّعْمَةُ فَاجْعَلْ قِرَاهَا الشُّكْرَ . (١)

عنه عليه السلام : أَحْسَنُ النَّاسِ حَالًا فِي النُّعْمِ مَنْ اسْتَدَامَ حَاضِرَهَا بِالشُّكْرِ ، وَارْتَجَعَ فَائْتَهَا بِالصَّبْرِ . (٢)

عنه عليه السلام : أَحَقُّ النَّاسِ بِيَاذِهِ النُّعْمَةِ أَشْكُرُهُمْ لِمَا أُعْطِيَ مِنْهَا . (٣)

عنه عليه السلام : لَنْ يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يُحْصِنَ النُّعْمَ بِمِثْلِ شُكْرِهَا . (٤)

عنه عليه السلام : الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى . (٥)

عنه عليه السلام : إِنَّ الْمُؤْمِنَ . . . إِذَا اسْتَغْنَى شَكَرَ . (٦)

عنه عليه السلام : لَا تَكُنْ مِمَّنْ . . . يَعِجْزُ عَنِ الشُّكْرِ مَا أُوتِيَ وَيَبْتَغِي الزِّيَادَةَ فِي مَا بَقِيَ . (٧)

الإمام زين العابدين عليه السلام في وصيته لبعض ولده : يَا بُنَيَّ ، اشْكُرِ اللَّهَ فِي مَا أَنْعَمَ عَلَيْكَ ، وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ ؛ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنُّعْمَةِ إِذَا شَكَرْتَ عَلَيْهَا ، وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَهَا ، وَالشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنُّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهِ الشُّكْرُ بِهَا ، وَتَلَا يَعْنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى : « وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ... (٨) » إِلَى آخِرِ الْآيَةِ . (٩)

١- غرر الحكم : ٤٠٦٥ .

٢- غرر الحكم : ٣٢٨٢ .

٣- غرر الحكم : ٣٣٤٩ .

٤- غرر الحكم : ٧٤٣٥ وح ٧٤٤٣ وفيه « يستديم » بدل « يحصن » .

٥- نهج البلاغه : الحكمه ٣٤٠ ، الإرشاد : ١ / ٣٠٠ ، تحف العقول : ٩٠ وص ١٠٠ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٤٢٠ / ٤٠ .

٦- تحف العقول : ٢١٢ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٥٠ / ٧٩ .

٧- نهج البلاغه : الحكمه ١٥٠ ، الأمالي للمفيد : ٣٣٠ / ٢ عن عكرمه عن ابن عباس ، خصائص الأئمه عليهم السلام : ١٠٩ وفيه « ويعجبه » بدل « ويتغنى » ، تحف العقول : ١٥٧ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٤١٠ ؛ كثر العمال : ١٦ / ٢٠٥ / ٤٤٢٢٩ نقلاً عن ابن النجار عن العلاء بن زياد الأعرابي عن أبيه عنه عليه السلام .

٨- إبراهيم : ٧ .

٩- الأمالي للطوسي : ١٠٩٦ / ٥٠١ ، كفايه الأثر : ٢٤١ كلاهما عن مالك بن أعين الجهني ، بحار الأنوار : ٧١ / ٤٩ / ٦٦ .

امام علی علیه السلام: هر گاه نعمت بر تو فرود آید، از پس آن شکر به جای آور .

امام علی علیه السلام: نیکو حال ترین مردم در برخورداری از نعمت ها کسی است که نعمت موجود را شکر گوید و بر نعمت از دست رفته صبر کند .

امام علی علیه السلام: سزاوارترین کس برای بهره بردن از نعمت افزون، آن است که نعمت های عطا شده را بیش تر شکر گوید .

امام علی علیه السلام: آن قدر که با شکر می توان نعمت ها را پایداری بخشید، با روش دیگر نتوان!

امام علی علیه السلام: شکر آراینده توانگری است .

امام علی علیه السلام: هر آینه مؤمن ... چون توانگر شود، شکر به جای آورد .

امام علی علیه السلام: همچون کسی مباش که ... از شکر آن چه به وی عطا شده، درمانده و باز در جست و جوی فزونی نعمت باقی مانده است .

امام سجاد علیه السلام در سفارش به یکی از فرزنداناش: پسر عزیزم! برای نعمتی که خدا به تو بخشیده، او را شکر کن و کسی را که سپاست می گوید، نعمت بخش؛ که نعمت را چون سپاسش گویی، نیستی نباشد و چون ناسپاسی اش کنی، پایدار نماند. و شکر کننده در حال شکرگزاری اش سعادتمندتر از حال برخورداری اش از آن نعمتی است که شکرش بر وی واجب گشته است. سپس امام این آیه را تا پایان تلاوت فرمود: «و به یاد آور آن گاه را که پروردگارتان آگاهی داد که چون شکر گوید، نعمتان را افزون سازم» .

الإمام الباقر عليه السلام: لا وَاللَّهِ مَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ النَّاسِ إِلَّا حَصَلْتَيْنِ : أَنْ يُقْرَؤَا لَهُ بِالنَّعْمِ فَيَزِيدَهُمْ ، وَبِالذُّنُوبِ فَيَغْفِرَهَا لَهُمْ .
(١)

الإمام الصادق عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمَ عَلَيَّ مِنْ شَكَرِكَ ؛ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمِ إِذَا شُكِرَتْ ، وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِّرَتْ . الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النَّعْمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْغَيْبِ . (٢)

عنه عليه السلام: الْغِنَى الشَّاكِرُ ؛ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ . (٣)

مكارم الأخلاق عن إسحاق بن عمار: خَرَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يُحَدِّثُ نَفْسَهُ ، ثُمَّ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ فَسَجَدَ طَوِيلًا ، ثُمَّ أَلْزَقَ حَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالثَّرَابِ طَوِيلًا ، قَالَ : ثُمَّ مَسَحَ وَجْهَهُ ثُمَّ رَكِبَ ، فَقُلْتُ لَهُ : يَا أَبَى أَنْتَ وَأُمِّي ! لَقَدْ صَيَّرْتَنَا شَيْئًا مَا رَأَيْتُهُ قَطُّ ! قَالَ : يَا إِسْحَاقُ ، إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُذَلِّلَ نَفْسِي . ثُمَّ قَالَ : يَا إِسْحَاقُ ، مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ عَبْدِهِ بِنِعْمِهِ فَشَكَرَهَا بِسَجْدِهِ يَحْمَدُ اللَّهُ فِيهَا فَفَرَّغَ مِنْهَا حَتَّى يُؤَمَّرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ مِنَ الدَّارَيْنِ . (٤)

١- الكافي : ٢ / ٤٢٦ / ٢ عن ابن فضال عمّن ذكره ، مشكاة الأنوار : ٢٠٠ / ٥٢٦ وفيه «بالنعيم» بدل «بالنعم» ، بحار الأنوار : ٦ / ٥٥ / ٣٦ .

٢- الكافي : ٢ / ٩٤ / ٣ عن عبد الله بن إسحاق الجعفرى ، تحف العقول : ٣٥٩ وفيه «الفقر» بدل «الغير» ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٢٥ / ٢٤١ .

٣- قرب الإسناد : ٧٤ / ٢٣٧ عن مسعده بن صدقه ، الكافي : ٢ / ٩٤ / ١ ، مشكاة الأنوار : ٩٢ / ٦٥ كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله ، جامع الأحاديث للقمي : ٩٧ عن رسول الله صلى الله عليه وآله و آلِهِ فِيهَا «المعطي» بدل «الغنى» ، بحار الأنوار : ٧١ / ٤١ / ٣٤ .

٤- مكارم الأخلاق : ١ / ٥٦٥ / ١٩٥٧ ، بحار الأنوار : ٨٦ / ٢٠٧ / ٢٠ .

امام باقر علیه السلام: به خدا سوگند که او از مردم جز دو ویژگی نخواست است: نزد وی به نعمت هایش زبان اقرار گشایند تا آن را افزایش دهد؛ و به گناهانشان اعتراف نمایند تا ایشان را بیامرزد.

امام صادق علیه السلام: در تورات نوشته شده: «آن کس را که به تو نعمتی دهد، شکر کن و آن کس را که سپاست گوید، نعمت بخش؛ که نعمت ها چون شکرشان به جای آید، فنا پذیرند و چون ناسپاسی گردند، پایداری نیابند. شکر نعمت را می افزاید و آن را از زوال در امان می دارد».

امام صادق علیه السلام: توانگر شکر گزار همان پاداشی را دارد که محروم قناعت پیشه.

مکارم الاخلاق از اسحاق بن عمار: همراه امام صادق علیه السلام روان گشتم، در حالی که با خود سخن می گفت. سپس روی به قبله نهاد و دیرزمانی سجده کرد. سپس دیرگاهی گونه راستش را بر خاک چسباند و آن گاه خاک را از چهره اش زدود و بر مرکبش سوار شد. به وی گفتم: «پدر و مادرم فدایت! کاری کردی که تاکنون ندیده بودم». فرمود: «ای اسحاق! نعمتی از نعمت های خدا بر خویش را به یاد آوردم؛ پس خواستم که خود را برای خدا کوچک سازم». سپس فرمود: «ای اسحاق! خداوند به بنده ای نعمتی نداده که وی آن را با سجده ای شکر گوید و خدای را در آن سجده سپاس گزارد، مگر این که پس از فراغت از آن، خداوند فرمان دهد که نعمت افزون در هر دو سرای به وی عطا کنند».

الإمام عليّ عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: وكم رأينا من ذوى ثروهم يقبلوا بالشكر إقبالها تاهوا على الدنيا بأموالهم وقيدوا بالبخل أفعالها لو شكروا النعمة جازاهم مقالة الشكر التي قالها لئن شكرتم لأزيدنكم كنما كفرهم غالباً (١)

٣ / ٩ القصد رسول الله صلى الله عليه وآله وعليكم بالإقتصاد؛ فما افتقر قوم قط اقتصدوا. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله ما عال من اقتصد. (٣)

الإمام عليّ عليه السلام في وصيته لابنه محمد بن الحنفية: الإقتصاد ينمي اليسير. (٤)

١- الديوان المنسوب إلى الإمام عليّ عليه السلام: ٣٣١ / ٤٢٢.

٢- تفسير مجمع البيان: ٨ / ٦١٦؛ الفردوس: ١ / ٣٨٧ / ١٥٦٠ وفيه «افتقر» بدل «افتقر» وكلاهما عن أبي أمامه، كنز العمال: ٣ / ٥٤٥٤ / ٥٣.

٣- مسند ابن حنبل: ٢ / ١٥٨ / ٤٢٦٩، المعجم الكبير: ١٠ / ١٠٩ / ١٠١١٨ كلاهما عن عبد الله ابن مسعود، كنز العمال: ٧ / ٨١٣ / ٢١٥٣٢؛ نهج البلاغة: الحكمة ١٤٠ عن الإمام عليّ عليه السلام، الخصال: ١٠ / ٦٢٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ١١١ كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام وفيهما «امرؤ» بدل «من»، بحار الأنوار: ١١ / ٢١ / ١٠٣.

٤- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٣٩١ / ٥٨٣٤، تحف العقول: ٨٥، غرر الحكم: ٥١٤، بحار الأنوار: ٧٧ / ١ / ٢١٢.

۳ / ۹ میانه روی

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : و بسا دیدیم ثروتمندانی را که به شکرگزاری روی نیاورند ؛ و به اموال خویش در دنیا کبر فروختند و بر آن قفل خست زدند . اگر آن نعمت را شکر می نهادند ، خداوند چنان که خود فرموده ، پاداششان می داد: اگر شکر به جای آورید ، هر آینه نعمتتان را بیفزایم . اما کفر ایشان آن نعمت را از میان برد .

۳ / ۹ میانه روی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر شما باد میانه روی ؛ که هیچ گروه میانه روی فقیر نشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که میانه رو باشد ، نیازمند نگردد .

امام علی علیه السلام در وصیتش به پسرش محمد بن حنفیه : میانه روی مال اندک را افزایش می دهد .

عنه عليه السلام: مَنْ صَحِبَ الْاِقْتِصَادَ دَامَتْ صُحْبَةُ الْغِنَى لَهُ ، وَجَبَرَ الْاِقْتِصَادُ فَقْرَهُ وَخَلَّلَهُ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: ضَمِنْتُ لِمَنْ اِقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ . (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْقَصْدَ يُوْرِثُ الْغِنَى . (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَا عَالَ امْرُؤٌ فِي اِقْتِصَادٍ . (٤)

١٠ / ٣ الرُّضَارِ سَوَّلَ اللهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ رَضِيَ بِمَا رَزَقَهُ اللهُ قَرَّتْ عَيْنُهُ . (٥)

عنه صلى الله عليه و آله: أَشْرَفَ الرُّهْدِ أَنْ يَسْكُنَ قَلْبُكَ عَلَى مَا رُزِقْتَ . (٦)

عنه صلى الله عليه و آله: أَلَا- وَإِنَّ لِكُلِّ امْرِئٍ رِزْقًا هُوَ يَأْتِيهِ لَا- مَحَالَةَ ؛ فَمَنْ رَضِيَ بِهِ بَوْرِكَ لَهُ فِيهِ وَوَسِعَهُ ، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ لَمْ يُبَارِكْ لَهُ فِيهِ وَلَمْ يَسْعَهُ . (٧)

١- غرر الحكم : ٩١٦٥ .

٢- الكافي : ٤ / ٥٣ / ٦ عن مدرّك بن أبي الهزّاز ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٦٤ / ١٧٢١ ، الخصال : ٩ / ٣٢ عن إبراهيم بن ميمون ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٢٥٥ عن العالم عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٦ / ٩ وج ١٠٤ / ٧٢ / ١٤ .

٣- الكافي : ٤ / ٥٣ / ٨ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٧٤ / ٣٦٥٩ كلاهما عن عبيد بن زرارة .

٤- الكافي : ٤ / ٥٣ / ٩ عن موسى بن بكر ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٦٤ / ١٧٢٠ .

٥- الأُمالي للطوسي : ٢٢٥/٣٩٣ عن الحسن بن موسى عن أبيه عن آبائه عليهم السلام ، التمهيد : ٥٣ / ١٠٦ عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، مشكاة الأنوار : ٢٣٣ / ٦٥٩ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله و آلِهِ فِيهِ «مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللهُ تَعَالَى قَرَّتْ عَيْنَاهُ» ، بحار الأنوار : ٧١ / ١٣٩ / ٢٩ .

٦- كنز العمال : ١ / ٣٧ / ٦٥ نقلًا عن ابن النجار في تاريخه عن ابن عمر .

٧- أعلام الدين : ٣٤٢ عن ابن عمر ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٨٥ / ١٠ ؛ كنز العمال : ١ / ١١٤ / ٥٣٦ نقلًا عن الديلمي عن ابن

عبّاس .

۱۰ / ۳ رضایت‌مندی

امام علی علیه السلام: هر که با میانه روی همدمی کند، توانگری با وی همراه است و میانه روی، فقر و کاستی هایش را جبران می‌کند.

امام صادق علیه السلام: من تضمین می‌کنم که هر کس میانه روی پیشه کند، به فقر دچار نگردد.

امام صادق علیه السلام: همانا میانه روی توانگری را به دنبال دارد.

امام کاظم علیه السلام: کسی که در میانه روی به سر برد، نیازمند نگردد.

۱۰ / ۳ رضایت‌مندی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به آن چه خداوند روزی اش فرماید، خشنود باشد، شادمان گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین پارسایی آن است که قلبت به آن چه روزی ات گشته، آرام باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هلا که هر کسی را روزی ای است که خواه ناخواه به وی خواهد رسید؛ پس هر کس بدان خشنود باشد، روزی اش برکت و گشایش می‌یابد؛ و هر که بدان خشنود نباشد، روزی اش برکت و گشایش نیابد.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَبْتَلِي عَبْدَهُ بِمَا أَعْطَاهُ؛ فَمَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بَارَكَ اللَّهُ لَهُ فِيهِ وَوَسَّعَهُ، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ. (١)

الإمام علي عليه السلام: إِرْضَ مِنَ الرَّزْقِ بِمَا قُسِمَ لَكَ تَعِشْ غَنِيًّا. (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِرِزْقِ اللَّهِ لَمْ يَأْسَفْ عَلَى مَا فِي يَدِ غَيْرِهِ. (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِرِزْقِ اللَّهِ لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا فَاتَهُ. (٤)

عنه عليه السلام: لَا مَالَ أَذْهَبَ لِلْفَاقَةِ مِنَ الرِّضَا بِالْقَوْتِ. (٥)

عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزئُهُ كَانَ أَيْسَرُ مَا فِيهَا يَكْفِيهِ، وَمَنْ لَمْ يَرْضَ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يُجْزئُهُ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ يَكْفِيهِ. (٦)

الإمام الصادق عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: إِنَّ آدَمَ!... مَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ خَفَّتْ مَوْئِئَتُهُ، وَزَكَتْ مَكْسِبَتُهُ، وَخَرَجَ مِنْ حَدِّ الْفُجُورِ. (٧)

١- مسند ابن حنبل: ٧ / ٢٨٢ / ٢٠٣٠١، شعب الإيمان: ٢ / ١٢١ / ١٣٥٤ وفيه «آتاه» بدل «قسم» وكلاهما عن رجل من بنى سليم و ج ٧ / ١٢٥ / ٩٧٢٥ عن أحمد بن سليم، المعجم الأوسط: ٨ / ١٨٩ / ٨٣٦٢، حليه الأولياء: ٢ / ٢١٣ كلاهما عن عبد الله بن الشخير نحوه، كنز العمال: ٣ / ٣٩٠ / ٧٠٩٠.

٢- غرر الحكم: ٢٣٣٢.

٣- الكافي: ٨ / ١٩ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ٩٣، بحار الأنوار: ٧٧ / ٢٨٢ / ١.

٤- نهج البلاغة: الحكمه ٣٤٩، بحار الأنوار: ٧١ / ٣٤٥ / ٢.

٥- من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٣٨٥ / ٥٨٣٤، نهج البلاغة: الحكمه ٣٧١، بحار الأنوار: ١٢٨ / ٤١١ / ٦٩.

٦- الكافي: ٢ / ١٤٠ / ١١ عن حنّان بن سدير رفته، من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٤١٨ / ٥٩١٠، تحف العقول: ٢٠٧، مشكاة

الأنوار: ٢٣٢ / ٦٥٦، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ٣٦٤، بحار الأنوار: ٧١ / ٣٤٨ / ١٧.

٧- الكافي: ٢ / ١٣٨ / ٤ عن عمرو بن أبي المقدام، تحف العقول: ٣٧٧ في مواعظه عليه السلاملسفیان الثورى وفيه «العجز»

بدل «الفجور»، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٧٥ / ١٦.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خدای خجسته بلندرتبه بنده اش را با آن چه به وی عطا فرماید ، بیازماید ؛ پس هر که به آن چه خداوند قسمتش فرموده ، راضی باشد ، خدا به وی برکت و گشایش دهد و هر که راضی نباشد ، خدا به وی برکت ندهد .

امام علی علیه السلام: به روزی ای که قسمت گشته راضی باش تا توانگرانه زندگی کنی .

امام علی علیه السلام: هر کس به روزی خداداده راضی باشد ، از آن چه در اختیار دیگران است ، اندوهگین نگردد .

امام علی علیه السلام: هر که به روزی خداداده رضایت دهد ، بر آن چه از دست رود ، اندوه نخورد .

امام علی علیه السلام: هیچ چیز به اندازه رضایتمندی از روزی ، فقر را از میان نمی برد .

امام علی علیه السلام: هر کس به آن چه از دنیا که کفایتش کند ، راضی شود ، کم ترین بهره دنیا برای او بس است ؛ و آن کس که به آن چه از دنیا که کفایتش کند ، راضی نشود ، هیچ چیز دنیا وی را کفایت نکند .

امام صادق علیه السلام: در تورات نوشته شده است: «ای فرزند آدم! . . . هر کس به حلال اندک راضی شود ، سبکبار می شود و درآمدش پاک می گردد و از قلمرو بدکاری بیرون می آید» .

عنه عليه السلام: رَبِّ! حَوَّفَتْنِي وَشَوَّقَتْنِي ، وَاحْتَجَجْتَ عَلَيَّ بِرَقِي ، وَكَفَلْتَ لِي بِرِزْقِي ؛ فَأَمِنْتُ (مِنْ) خَوْفِكَ ، وَتَبَطُّتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ ، وَلَمْ أَتَّكِلْ عَلَى ضَمَانِكَ ، وَتَهَاوَنْتُ بِاحْتِجَاجِكَ . اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفًا ، وَحَوْلَ تَبَطُّطِي شَوْقًا وَتَهَاوُنِي بِحُجَّتِكَ فَرَقًا مِنْكَ ، ثُمَّ رَضْنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ ، يَا كَرِيمَ . (١)

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ قَبْلَ اللَّهِ مِنْهُ الْيَسِيرَ مِنَ الْعَمَلِ ؛ وَمَنْ رَضِيَ بِالْيَسِيرِ مِنَ الْحَلَالِ حَفَّتْ مَوْوَنَتُهُ وَتَنَعَمَ أَهْلُهُ ، وَبَصَّرَهُ اللَّهُ دَاءَ الدُّنْيَا وَدَوَاءَهَا ، وَأَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ . (٢)

٣ / ١١ القناعها الكتاب: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّه حَيَوَهُ طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . (٣)»

الحديث: نهج البلاغه: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَلَنُحْيِيَنَّه حَيَوَهُ طَيِّبَةً» فَقَالَ: هِيَ الْقِنَاعَةُ . (٤)

١- الكافي: ٢ / ٥٩٢ / ٣١ عن عبد الرحمان بن سيابة ، مصباح المتهجد: ٢٧٦ / ٣٨٣ وليس فيه «برقي» ، بحار الأنوار: ٨٩ / ١٠ / ٣٠٢ .

٢- الكافي: ٨ / ٣٤٧ / ٥٤٦ عن أحمد بن عمر ، تحف العقول: ٤٤٩ ، مستطرفات السرائر: ٨٢ / ٢٠ عن الهيثم بن واقد الجزري عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسي: ٧٢١ / ١٥٢١ عن إبراهيم بن مهزم عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ٧٨ / ٣٤٣ / ٤٤ .

٣- النحل: ٩٧ .

٤- نهج البلاغه: الحكمة ٢٢٩ ، بحار الأنوار: ٧١ / ٣٤٥ / ٢ .

امام صادق علیه السلام: پروردگارم! مرا بیم و امید دادی و با سستی و ناتوانی ام بر من حجت آوردی و روزی مرا تضمین فرمودی . پس از بیمت خود را ایمن یافتم و از امیدت [در کار نیک] به درنگ افتادم و به تضمین تو توکل نکردم و حجت آوری ات را سبک شمردم . بار خدایا! در این دنیا احساس ایمنی ام از خودت را به بیمناکی ، درنگم را به شوق ، و سبک شمردن حجتت را به بندگی و گردن سپاری ام تبدیل فرما و مرا به آن چه قسمتم فرموده ای ، راضی ساز ؛ ای کرامت پیشه!

امام رضا علیه السلام: هر که به روزی اندک رضایت دهد ، خداوند نیز به عمل اندک او راضی می شود ؛ و هر که به حلال اندک خشنود باشد ، سبکبار است و خانواده اش از نعمت بهره می برند و خداوند او را به درد و درمان دنیا بینا می سازد و به سلامت از دنیا به سوی آخرت می برد .

۳ / ۱۱ قناعتقرآن: «هر کس از مرد و زن که کاری نیک کند در حالی که مؤمن باشد ، هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم و مزد چنین کسانی را بر پایه نیکوترین کاری که می کرده اند ، پاداش دهیم .»

حدیث: نهج البلاغه: درباره این سخن خدای تعالی : «هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم» ، از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد . وی فرمود : «آن زندگانی قناعت است» .

الإمام الصادق عليه السلام فى قوله تعالى : «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» : القنوع . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله :القنعة بركة . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله :القنعة بحر مال لا ينفد . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله :عليكم بالقنعة ؛ فإن القنعة مال لا ينفد . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله :كن قنعا تكن من أغنى الناس . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله :القنعة ملك لا يزول ، وهى مركب رضا الله تعالى تحمّل صاحبها إلى داره . (٦)

الإمام على عليه السلام :لا مال أذهب بالفقه من الرضا بالقنعة ، ولا كثر أغنى من القنوع ، ومن اقتصر على بلغة الكفاف فقد انتظم الراحة وتبوأ خفض الدعة . (٧)

١- الأمالى للطوسى : ٢٧٥ / ٥٢٤ عن أبى الحسن محمّد بن أحمد بن عبيد الله المنصورى عن عمّ أبيه عن الإمام الجواد عن آباءه عليهم السلام ، تفسير القمى : ١ / ٣٩٠ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٧٠ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٥ / ٤ ؛ المستدرک على الصحيحين : ٢ / ٣٨٨ / ٣٣٦٠ ، شعب الإيمان : ٧ / ٢٩١ / ١٠٣٤٧ كلاهما عن ابن عباس من دون إسناد إلى المعصوم .

٢- الجعفریات : ١٦٠ .

٣- جامع الأحاديث للقمى : ١٠٦ .

٤- المعجم الأوسط : ٧ / ٨٤ / ٦٩٢٢ عن جابر ؛ نهج البلاغه : الحكمة ٥٧ و ٣٤٩ و ٤٧٥ ، تحف العقول : ٨٩ ، روضه الواعظين : ٤٩٧ كلّها عن الإمام على عليه السلام وليس فيها صدره ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٤ / ٢ .

٥- تاريخ دمشق : ٦٧ / ٣٣٦ عن أبى هريره ، كنز العمّال : ١٦ / ١٢٨ / ٤٤١٥٤ عن خالد بن وليد ؛ غرر الحكم : ٧١٣١ عن الإمام على عليه السلام وفيه «غنيا» بدل «من أغنى الناس» .

٦- مصباح الشريعة : ١٨٥ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٤٩ / ١٨ .

٧- الكافى : ٨ / ١٩ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه : الحكمة ٣٧١ ، من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٣٨٥ / ٥٨٣٤ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٣٨ / ١ و ص ٢٨١ / ١ .

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی: «هر آینه او را به زندگانی پاک و خوشی زنده بداریم»: مراد، قناعت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قناعت، برکت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قناعت دریایی است از مال که کرانه ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد قناعت؛ که هر آینه قناعت مالی است که تمام نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قانع باش تا از توانگرترین مردم باشی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قناعت، قدرت و دارایی بی پایان است و سواری دهنده ای است که رضایت خدای تعالی را به همراه دارد و سوار خویش را به سرای خدا می رساند.

امام علی علیه السلام: هیچ مالی به اندازه قناعت رضایتمندانه، فقر را نمی زداید و هیچ گنجی ارزشمندتر از قناعت نیست. هر کس به قدر کفایت بسنده کند، به آسودگی سامان یابد و در فراخی رفاه جای گیرد.

عنه عليه السلام: مَنْ قَنَعَ بِرِزْقِ اللَّهِ اسْتَغْنَى عَنِ الْخَلْقِ . (١)

عنه عليه السلام: إِذَا طَلَبْتَ الْغِنَى فَاطْلُبْهُ بِالْقَنَاعَةِ . (٢)

عنه عليه السلام: طَلَبْتُ الْغِنَى فَمَا وَجَدْتُ إِلَّا بِالْقَنَاعَةِ ؛ عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ تَسْتَعْنُوا . (٣)

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ قَنِعْتُمْ حُزْنُكُمْ الْعَنَاءَ ، وَخَفَّتْ عَلَيْكُمْ مَوْنُ الدُّنْيَا . (٤)

عنه عليه السلام: تَمَرَةُ الْقَنَاعَةِ الْعَنَاءُ . (٥)

عنه عليه السلام: الْقَنَاعَةُ تُغْنِي . (٦)

عنه عليه السلام: كُلُّ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَالرِّضَا . (٧)

عنه عليه السلام: مَنْ قَنَعَ عَزَّ وَاسْتَغْنَى . (٨)

عنه عليه السلام: الْقَنَاعَةُ عِزٌّ وَعَنَاءٌ . (٩)

عنه عليه السلام: الْقَنَاعَةُ وَالطَّاعَةُ تَوْجِبَانِ الْغِنَى وَالْعِزَّةَ . (١٠)

١- غرر الحكم : ٨٤٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ٧٩٥٨ / ٤٤٩ .

٢- غرر الحكم : ٤٠٥٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ٣٠٣٧ / ١٣٤ .

٣- جامع الأخبار : ٣٤١ / ٩٥٠ ، بحار الأنوار : ٩١ / ٣٩٩ / ٦٩ .

٤- غرر الحكم : ٣٨٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ٣٦٣٣ / ١٧٥ .

٥- غرر الحكم : ٤٥٩٩ ، عيون الحكم والمواعظ : ٤١٧٩ / ٢٠٨ .

٦- غرر الحكم : ٢٢ ، عيون الحكم والمواعظ : ٦٨٣ / ٣٥ .

٧- غرر الحكم : ٦٨٧٤ ، أعلام الدين : ٢٩٩ عن الإمام زين العابدين عليه السلام وفيه «الغنى فى القناعة» .

٨- غرر الحكم : ٩١٢٨ .

٩- غرر الحكم : ٦٩٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ٤٦٩ / ٣٠ .

١٠- غرر الحكم : ١٣٦٨ .

امام علی علیه السلام: هر که به روزی خدا قانع باشد، از مردم بی نیاز گردد.

امام علی علیه السلام: اگر در پی توانگری هستی، آن را با قناعت بجوی.

امام علی علیه السلام: توانگری را جستم و آن را جز در قناعت نیافتم؛ بر شما باد قناعت تا بی نیاز گردید.

امام علی علیه السلام: همانا اگر قناعت در پیش گیرید، به بی نیازی دست یابید و بارهای دنیا بر شما سبک گردد.

امام علی علیه السلام: نتیجه قناعت، توانگری است.

امام علی علیه السلام: قناعت، بی نیازی بخشد.

امام علی علیه السلام: همه توانگری در قناعت و رضایتمندی است.

امام علی علیه السلام: هر کس قناعت پیشه کند، عزت و توانگری یابد.

امام علی علیه السلام: قناعت، عزت است و توانگری.

امام علی علیه السلام: قناعت و اطاعت مایه توانگری و عزتند.

عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى الْقَنَاعَةِ بَيِّسِرِ الرِّزْقِ أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى اكْتِسَابِ الْحَرِصِ فِي الطَّلَبِ . (١)

عنه عليه السلام: أَهْنَأُ الْأَقْسَامِ : الْقَنَاعَةُ ، وَصِحَّةُ الْأَجْسَامِ . (٢)

عنه عليه السلام: جَمَالُ الْعَيْشِ الْقَنَاعَةُ . (٣)

عنه عليه السلام: أَطْيَبُ الْعَيْشِ الْقَنَاعَةُ . (٤)

عنه عليه السلام: أَنْعَمَ النَّاسُ عَيْشًا : مَنْ مَنَحَهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْقَنَاعَةَ ، وَأَصْلَحَ لَهُ زَوْجُهُ . (٥)

عنه عليه السلام: الْقَنَاعَةُ أَهْنَأُ عَيْشٍ . (٦)

عنه عليه السلام: مَنْ كَانَ بَيِّسِرِ الدُّنْيَا لَا يَقْنَعُ ، لَمْ يُغْنِهِ مِنْ كَثِيرِهَا مَا يَجْمَعُ . (٧)

عنه عليه السلام: ابْنُ آدَمَ! إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ ، وَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ كُلَّ مَا فِيهَا لَا يَكْفِيكَ . (٨)

عنه عليه السلام: الزَّمِ الرِّضَا ؛ يَلْزِمَكَ الْعَنَاءُ وَالْكَرَامَةُ . (٩)

عنه عليه السلام: مَنْ لَزِمَ الْقَنَاعَةَ زَالَ فَقْرُهُ . (١٠)

١- غرر الحكم : ٣٨٣٦ .

٢- غرر الحكم : ٣٠٤٦ .

٣- غرر الحكم : ٤٧٤٩ .

٤- غرر الحكم : ٢٩١٨ .

٥- غرر الحكم : ٣٢٩٥ .

٦- غرر الحكم : ٩٣٣ .

٧- غرر الحكم : ٨٤٨٤ .

٨- الكافي : ٢ / ١٣٨ / ٦ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٩٥ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٧٦ / ١٨ .

٩- غرر الحكم : ٢٤٤٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ١٦ / ٢٠٦٢ .

١٠- غرر الحكم : ٨٤٦١ ، عيون الحكم والمواعظ : ٤٥٦ / ٨٢٣٥ .

امام علی علیه السلام: همانا شما به قناعت بر روزی اندک محتاج ترید تا به حرص ورزیدن در جست و جوی روزی .

امام علی علیه السلام: گواراترین قسمت ها قناعت و تندرستی است .

امام علی علیه السلام: زیبایی زندگی ، قناعت است .

امام علی علیه السلام: خوش ترین مایه زیستن ، قناعت است .

امام علی علیه السلام: نیک زندگانی ترین مردم کسی است که خدای سبحان به وی قناعت بخشیده و همسر شایسته عطا کرده باشد .

امام علی علیه السلام: قناعت گواراترین مایه زندگی است .

امام علی علیه السلام: هر که به اندک دنیا قانع نباشد ، آن چه از بسیار آن گرد آورد ، وی را بی نیاز نسازد .

امام علی علیه السلام: ای زاده آدم! اگر از دنیا خواهان چیزی هستی که بی نیازت کند ، اندک آن تو را بس است ؛ و اگر چیزی می خواهی که فراتر از کفایت باشد ، همه دنیا نیز تو را بس نباشد .

امام علی علیه السلام: پیوسته رضایتمند باش تا توانگری و کرامت همواره با تو همراه باشد .

امام علی علیه السلام: هر که همواره قانع باشد ، فقرش از میان رود .

الإمام الباقر عليه السلام: القنَاعَةُ لَذَّةُ الْعَيْشِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ : يَا بُنَيَّ . . . إقْنَعِ بِقَسَمِ اللَّهِ لَكَ يَصِفُ عَيْشُكَ . (٢)

عنه عليه السلام فى مَا يُنْسَبُ إِلَيْهِ فى مِصْبَاحِ الشَّرِيعَةِ : مَنْ قَنَعَ بِالمَقْسُومِ اسْتِرَاحَ مِنَ الهَمِّ وَالْكَرْبِ وَالتَّعَبِ ، وَكُلَّمَا نَقَصَ مِنَ القَنَاعَةِ زَادَ فى الرِّغْبَةِ وَالتَّطَمُّعِ ، وَالتَّطَمُّعُ وَالرِّغْبَةُ فى الدُّنْيَا أَصْلَانِ لِكُلِّ شَرٍّ ، وَصَاحِبُهُمَا لَا يَنْجُو مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ عَن ذَلِكِ .

(٣)

عنه عليه السلام فى مَا يُنْسَبُ إِلَيْهِ فى مِصْبَاحِ الشَّرِيعَةِ : لَوْ حَلَفَ القَانِعُ بِتَمَلُّكِهِ الدَّارَيْنِ لَصَدَّقَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ بِذَلِكَ وَأَبْرَهُ ؛ لِعِظَمِ شَأْنِ مَرْتَبَةِ القَنَاعَةِ . (٤)

٣ / ١٢ الصَّبْرُ الإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فى وَصْفِ الأَمَمِ السَّابِقِ : حَتَّى إِذَا رَأَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ جِدَّ الصَّبْرِ مِنْهُمْ عَلَى الأَذَى فى مَحَبَّتِهِ ، وَالإِحْتِمَالِ لِلْمَكْرُوهِ مِنَ خَوْفِهِ ، جَعَلَ لَهُمْ مِنْ مَضَائِقِ البَلَاءِ فَرَجًا ، فَأَبْدَلَهُمُ العِزَّ مَكَانَ الذُّلِّ ، وَالأَمْنَ مَكَانَ الخَوْفِ ، فَصَارُوا مُلُوكًا حُكَّامًا ، وَأئِمَّةً أَعْلَامًا ، وَقَدْ بَلَغَتِ الكِرَامَةُ مِنَ اللَّهِ لَهُمْ مَا لَمْ تَذْهَبِ الأَمَالُ إِلَيْهِ بِهِمْ . (٥)

١- تاريخ يعقوبى : ٢ / ٣٢١ .

٢- قصص الأنبياء : ١٩٥ / ٢٤٤ عن حماد بن عيسى .

٣- مصباح الشريعة : ١٨٤ .

٤- مصباح الشريعة : ١٨٣ .

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١٩٢ ، بحار الأنوار : ١٤ / ٤٧٣ / ٣٧ .

امام باقر علیه السلام: قناعت لذت زندگانی است .

امام صادق علیه السلام: لقمان به پسرش فرمود: «ای پسر عزیزم! . . . به قسمت خدای قانع باش تا زندگانی ات پاک و ناب گردد» .

امام صادق علیه السلام در زمره آن چه در مصباح الشریعه به وی منسوب است : هر که به روزی تقسیم شده قانع باشد ، از اندوه و رنج و سختی رها گردد ؛ و هر چه قناعت کم شود ، میل و طمع فزونی یابد ؛ و میل و طمع به دنیا دو سرچشمه هر شرنده و کسی که چنین باشد ، از آتش نجات نپذیرد مگر آن که از این کار باز گردد .

امام صادق علیه السلام در زمره آن چه در مصباح الشریعه به وی منسوب است : اگر انسان قانع سوگند خورد که هر دو سرای را صاحب گردد ، خداوند سخنش را درست شمارد و سوگندش را راست گرداند .

۱۲ / ۳ صبر امام علی علیه السلام در وصف امت های پیشین : آن گاه که خدای سبحان دید که ایشان در آزار کشیدن در راه محبت او بسیار صبورند و از بیم او آن چه را خوش نمی دارند ، تحمل می کنند ، از تنگناهای بلا گشایشگاهی برایشان پدید آورد و سرافرازی را جایگزین خواری شان فرمود و امنیت را به جای بیمشان نشانده ؛ پس تبدیل به راهبران حکم گزار و پیشوایان راهنما گشتند و نزد خدا چندان کرامت یافتند که در دسترس هیچ آرزویی نیاید .

عنه عليه السلام فى الحِكمِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ : لِكُلِّ نِعْمَةٍ مِفْتَاحٌ وَمِغْلَاقٌ ؛ فَمِفْتَاحُهَا الصَّبْرُ ، وَمِغْلَاقُهَا الكَسَلُ . (١)

عنه عليه السلام : اسْتَتَمُوا نِعْمَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَتِهِ وَالْمُجَانِبَةِ لِمَعْصِيَتِهِ ؛ فَإِنَّ عَدَا مِنْ الْيَوْمِ قَرِيبٌ . (٢)

عنه عليه السلام : اسْتَتَمُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ ، وَالْمُحَافَظَةِ عَلَى مَا اسْتَحْفَظَكُمْ مِنْ كِتَابِهِ . (٣)

عنه عليه السلام : اسْتَتَمُوا نِعْمَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ لِنَفْسِكُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ ، وَالذَّلَّ لِحُكْمِهِ جَلَّ تَنَاؤُهُ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ فَلَمْ يَشْكُرُوا ؛ فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا ، وَابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا ؛ فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً . (٥)

٣ / ١٣ إِيثَارُ الْآخِرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ آثَرَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ حُرِمَتْهُمَا جَمِيعًا ، وَمَنْ آثَرَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا أَصَابَتْهُمَا جَمِيعًا . (٦)

١- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٢٢ / ٦٩٢ .

٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٨٨ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ١٧٣ .

٤- شرح نهج البلاغه : ٧ / ٤٠ ؛ بحار الأنوار : ٣٢ / ٢٠ / ٧ .

٥- الكافى : ٢ / ٩٢ / ١٨ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٧٧ / ١١٠١ ، الأمالى للصدوق : ٣٧٩ / ٤٧٩ وفيهما «قوم بالمواهب» وكلها

عن سماعه ، تحف العقول : ٣٥٩ ، التمهيد : ٦٠ / ١٢٨ عن أبى بصير ، بحار الأنوار : ٧١ / ٨١ / ١٨ .

٦- الفردوس : ٣ / ٥٨٦ / ٥٨٣٥ عن أبى هريره .

۳ / ۱۳ ترجیح دادن آخرت

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: برای هر نعمتی کلیدی و کلونی است؛ کلید آن صبر است و کلون آن سستی.

امام علی علیه السلام: با صبر بر اطاعت خدا و پرهیز از نافرمانی اش، نعمت های او را بر خود تمام سازید؛ که فردا از پس امروز نزدیک است.

امام علی علیه السلام: با صبر بر اطاعت خدا و مراقبت بر آیات کتابش که شما را بدان خوانده، نعمت های او را بر خود تمام سازید.

امام علی علیه السلام: با صبر خویشتن بر اطاعت خدا و رام گشتن در برابر فرمانش، نعمت های او را بر خود تمام سازید.

امام صادق علیه السلام: همانا خدای تعالی به گروهی نعمت بخشید و ایشان شکر نکردند، پس آن نعمت برایشان بار گران شد؛ و گروهی را به مصیبت ها گرفتار فرمود و ایشان صبر ورزیدند، پس آن مصیبت ها برایشان نعمت شد.

۳ / ۱۳ ترجیح دادن آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دنیا را بر آخرت ترجیح دهد، از هر دو محروم گردد و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، به هر دو دست می یابد.

عنه صلى الله عليه و آله: تَفَرَّغُوا مِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا مَا اسْتَطَعْتُمْ ؛ فَإِنَّهُ غَيْرُ نَصِيبِهِ الْمَكْتُوبِ لَهُ ، وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ ، وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا رَاغِمَةً . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ عَمِلَ لِآخِرَتِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ . (٢)

عده الداعى عن أبو سعيد الخدرى : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ عِنْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ أَحَدٍ ، وَالنَّاسُ مُحَدِّقُونَ بِهِ ، وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى طَلْحِهِ هُنَاكَ : أَيُّهَا النَّاسُ ، أَقْبِلُوا عَلَى مَا كُفِّتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ آخِرَتِكُمْ ، وَأَعْرِضُوا عَمَّا ضَمِنَ لَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ ، وَلَا تَسْتَعْمِلُوا جَوَارِحَ غُدِّيَتِ بِنِعْمَتِهِ فِي التَّعَرُّضِ لِسَخَطِهِ بِمَعْصِيَتِهِ ، وَاجْعَلُوا شُغْلَكُمْ فِي التَّمَاسِ مَغْفِرَتِهِ ، وَاصْرِفُوا هِمَّتَكُمْ بِالتَّقَرُّبِ إِلَى طَاعَتِهِ . مَنْ بَدَأَ بِنَصِيبِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَاتَهُ نَصِيبُهُ مِنَ الْآخِرَةِ ، وَلَمْ يُدْرِكْ مِنْهَا مَا يُرِيدُ ، وَمَنْ بَدَأَ بِنَصِيبِهِ مِنَ الْآخِرَةِ وَصَلَ إِلَيْهِ نَصِيبُهُ مِنَ الدُّنْيَا ، وَأَدْرَكَ مِنَ الْآخِرَةِ مَا يُرِيدُ . (٣)

الإمام على عليه السلام : مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ . (٤)

عنه عليه السلام : مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ . (٥)

عنه عليه السلام : عَلَيْكَ بِالْآخِرَةِ تَأْتِكَ الدُّنْيَا صَاغِرَةً . (٦)

١- .إرشاد القلوب : ١٨ .

٢- .أعلام الدين : ٣٣٤ عن ابن عباس ، كنز الفوائد : ٢ / ٦٨ عن الإمام على عليه السلام وزاد في آخره «وآخرته» ، بحار الأنوار : ٢٧ / ١١٣ / ٨٧ وج ٧٧ / ١٧٨ / ١٠ .

٣- .عده الداعى : ٢٨٨ ، أعلام الدين : ٣٣٩ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٨٢ وج ١٠٣ / ٢٥ / ٢٨ .

٤- .نهج البلاغه : الحكمة ٤٢٣ ، روضه الواعظين : ٤٠٧ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٦٧ / ١٧ .

٥- .نهج البلاغه : الحكمة ٨٩ ، غرر الحكم : ٨٨٥٧ ، بحار الأنوار : ٧١ / ٣٦٧ / ١٧ وج ٧٢ / ٣٠٥ / ٥١ .

٦- .غرر الحكم : ٦٠٨٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چندان که می توانید ، غم دنیا را مخورید ؛ زیرا آن بهره نانوشته انسان است . هر کس همه همتش را صرف آخرت کند ، خداوند کارش را به سامان آورد و توانگری را در قلبش بنهد و دنیا ، خود ، به او روی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای آخرتش کار کند ، خداوند گذرانِ دنیایش را کفایت فرماید .

عده الدعای از ابوسعید خدری: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به هنگام بازگشت از احد ، در حالی که مردم پیرامونش را گرفته بودند و او به طلحه تکیه داده بود ، فرمود: «ای مردم! به وظیفه خویش برای اصلاح آخرتتان روی آورید و از دنیایتان که برای شما ضمانت گشته ، روی گردانید ؛ و با اعضایتان که از نعمت خداوند تغذیه می گردد ، در روی آوردن به خشم او با انجام گناه ، استفاده نکنید ؛ و همواره از خداوند آمرزش طلبید ؛ و همت خود را صرف نزدیک شدن به خدا از طریق بندگی اش سازید . هر کس نخست به نصیب خود از دنیا پردازد ، بهره آخرتش از کف وی می رود و از دنیا نیز آن چه را می خواهد به دست نمی آورد ؛ و هر که نخست به بهره آخرتش پردازد ، نصیب دنیایی اش نیز به وی رسد و از آخرت آن چه را خواهد ، به دست آورد .

امام علی علیه السلام: هر که برای دینش کار کند ، خداوند کار دنیایش را کفایت فرماید .

امام علی علیه السلام: هر کس کار آخرتش را به سامان آورد ، خداوند کار دنیایش را سامان بخشد .

امام علی علیه السلام: بر تو باد پرداختن به آخرت تا دنیا فروتانه به سوی تو آید .

عنه عليه السلام: طَالِبُ الْآخِرَةِ يُدْرِكُ مِنْهَا أَمَلَهُ ، وَيَأْتِيهِ مِنَ الدُّنْيَا مَا قُدِّرَ لَهُ . (١)

عنه عليه السلام: النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلَانِ : عَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا ، قَدْ شَغَلَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ ، يَخْشَى عَلَى مَا يُخَلِّفُهُ الْفَقْرَ ، وَيَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ ، فَيُنْفِي عُمُرَهُ فِي مَنَفَعِهِ غَيْرِهِ ؛ وَعَامِلٌ عَمِلَ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا ، فَجَاءَ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ عَمَلٍ ، فَأَحْرَزَ الْحَظَّيْنِ مَعًا ، وَمَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا ، فَأَصْبَحَ وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ . (٢)

عنه عليه السلام: إِنْ جَعَلْتَ دُنْيَاكَ تَبْعًا لِدِينِكَ أَحْرَزْتَ دِينَكَ وَدُنْيَاكَ ، وَكُنْتَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْفَائِزِينَ . (٣)

الكافي عن عبد الله بن أبي يعفور: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاللَّهِ ، إِنَّا لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا وَنُحِبُّ أَنْ نُؤْتَاهَا! فَقَالَ : تُحِبُّ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذَا؟ قَالَ : أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَعِيَالِي ، وَأَصِلُ بِهَا ، وَأَتَصَدَّقُ بِهَا ، وَأُحُجُّ وَأَعْتَمِرُ . فَقَالَ : لَيْسَ هَذَا طَلْبُ الدُّنْيَا ؛ هَذَا طَلْبُ الْآخِرَةِ . (٤)

٣ / ١٤ النَّظَرُ إِلَى الْأَدْنَى مَعِيشَتُهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فَضَّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْهُ . (٥)

- ١- غرر الحكم: ٦٠١٤ .
- ٢- نهج البلاغه: الحكمه ٢٦٩ ، أعلام الدين: ٢٩٦ ، غرر الحكم: ٢١٣٩ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ٧٨ / ٩٣ / ١٠٦ .
- ٣- غرر الحكم: ٣٧٥١ .
- ٤- الكافي: ٥/٧٢/١٠ ، تهذيب الأحكام: ٦/٣٢٧/٩٠٣ وفيه «نؤتي» بدل «نؤتاها» ، الأمالي للطوسي: ٦٦٢ / ١٣٨١ نحوه ، بحار الأنوار: ٧٣ / ٦٢ / ٣٠ ووص ١٢٨ / ١٣٠ وراجع عدّه الداعي: ١٠٠ .
- ٥- صحيح البخارى: ٥/٢٣٨٠/٦١٢٥ ، صحيح مسلم: ٤/٢٢٧٥/٨ ، مسند ابن حنبل: ٣/١٩٠/٨١٥٣ وزادا فيهما «ممن فضل عليه» وكلها عن أبي هريره ، كنز العميال: ٣/١٨٨/٦٠٩٣ ووص ٢٥٥ / ٦٤٢٢ ؛ وتنبيه الخواطر: ١ / ١٧٠ عن أبي هريره وزاد فيه «ممن فضل عليه» وراجع سنن الترمذى: ٤ / ٢٤٥ / ١٧٨٠ .

۳ / ۱۴ نگرستن به آن که زندگی فروتری دارد

امام علی علیه السلام: جوینده آخرت به خواسته خود از آن دست می یابد و آن چه از دنیا برایش مقدر شده نیز به وی می رسد .

امام علی علیه السلام: مردم در دنیا دو گونه کار می کنند: یکی در دنیا برای دنیا کار می کند و دنیایش او را از آخرتش باز می دارد ؛ وی بیم دارد که بازماندگانش فقیر شوند ، اما از فقر خویش بیمی ندارد! پس عمر خود را برای نفع دیگران فنا می کند . و دیگری کسی است که در دنیا برای آخرت کار می کند ؛ پس آن چه از دنیا قسمت او است ، بدون کار نصیبتش می شود و از هر دو بهره می گیرد و هر دو سرای را به کف می آورد و نزد خدا آبرو می یابد ، به گونه ای که از خدا حاجتی نمی خواهد مگر آن که برآورده شود .

امام علی علیه السلام: اگر دنیا را پیرو دینت سازی ، هم به دینت دست می یابی و هم به دنیایت ؛ و در آخرت نیز از رستگاران خواهی بود .

الکافی از عبدالله بن ابی یعفر: مردی به امام صادق علیه السلام گفت: «به خدا سوگند! هر آینه ما در طلب دنیا بیم و دوست می داریم که به آن دست یابیم». امام فرمود: «می خواهی به آن دست یابی که چه کنی؟» گفت: «می خواهم خود و خانواده ام را تأمین کنم و با خویشانم پیوند برقرار نمایم و با آن صدقه دهم و حج و عمره گزارم». امام فرمود: «این دنیا خواهی نیست ، بلکه آخرت خواهی است» .

۳ / ۱۴ نگرستن به آن که زندگی فروتری دارد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما به فردی فراتر در مال و خلقت نگرست ، باید [در کنار آن] به کسی نظر کند که از او فروتر است .

عنه صلى الله عليه و آله :أُنظروا إلى مَنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ ، ولا تَنْظروا إلى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ ؛ فَهُوَ أَجْدَرُ أَنْ لا تَرَدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ . (١)

الخصال عن أبو ذرٍّ :أوصانى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ... أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَلا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي . (٢)

رسول الله صلى الله عليه و آله :قالَ اللَّهُ عز و جل : إِنَّ مِنْ أَغْبَطِ أَوْلِيائِي عِنْدِي عَبْدًا مُؤْمِنًا ذَا حَظٍّ مِنْ صَلاحٍ ، أَحَسَنَ عِبَادَةِ رَبِّي ، وَعَبَدَ اللَّهَ فِي السَّرِيرَةِ ، وَكانَ غامِضًا فِي النَّاسِ فَلَمْ يُشْرَ إِلَيْهِ بِالْأَصابعِ ، وَكانَ رِزْقُهُ كَفاً فَصَبَرَ عَلَيْهِ ، فَعَجَلَتْ بِهِ المَيتَةُ ، فَقَلَّ تُراثُهُ وَقَلَّتْ بَواكِيهِ . (٣)

الإمام الباقر عليه السلام لِعَمْرٍو بنِ هِلالٍ : إِيّاكَ أَنْ تُطِمِحَ بِصَرَكَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ! فَكفى بِما قالَ اللَّهُ عز و جل لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله : «فَلا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلا أَوْلادُهُمْ ، (٤)» وَقالَ : «وَ لا تَمُدَّنَّ عَينَياكَ إِلى ما مَتَّعنا بِهِ أَزْواجا مُنْهُم زَهْرَةَ الحَياهِ الدُّنيا ؛ (٥)» فَإِنْ دَخَلَمَكَ مِنْ ذِليكَ شَئٍ فَمادُكَ عَيشَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ؛ فَإِنما كانَ قوتُهُ الشَّعيرَ وَحِلاهُ التَّمَرَ وَوَقودُهُ الشَّعْفَ إِذا وَجَدَهُ . (٦)

١- صحيح مسلم : ٤/٢٢٧٥/٩ ، سنن الترمذى : ٤ / ٦٦٦ / ٢٥١٣ وليس فيه «تنظروا» ، سنن ابن ماجه : ٢/١٣٨٧/٤١٤٢ ، مسند ابن حنبل : ٣/٦١/٧٤٥٣ كلها عن أبيهريه ، كنز العمال : ٣/٢٥٦/٦٤٢٤ .

٢- الخصال : ٣٤٥/١٢ ، مستطرفات السرائر : ١٦٤/٩ ، المحاسن : ١/٧٥/٣٤ ، بشاره المصطفى : ٢٢٢ ، مشكاة الأنوار : ١٥٤ / ٣٧٨ وص ٢٦١ / ٧٧٥ كلها عن سلمان ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٤١ / ١٤١ ؛ مسند ابن حنبل : ٨ / ٩٤ / ٢١٤٧٢ ، السنن الكبرى : ١٠ / ١٥٥ / ٢٠١٨٦ .

٣- الكافي : ٢ / ١٤١ / ٦ عن بكر بن محمد الأزدي عن الإمام الصادق عليه السلام ، قرب الإسناد : ٤٠ / ١٢٩ عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأصول الستة عشر : ٢٧ عن أبي عبيده عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «بصرک» ، الزهد للحسين بن سعيد : ١٢ / ٢٤ وليس فيه «بصرک» وكلاهما عن عمرو بن سعيد بن هلال عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «خفت» بدل «دخلك» ، مشكاة الأنوار : ٦٥٥ / ٢٣٢ عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٣ / ١٧٢ / ٧٣ .

٤- التوبة : ٥٥ .

٥- طه : ١٣١ .

٦- الكافي : ٢/١٣٧/١ وج ٨ / ١٦٨/١٨٩ وفيه «نفسك» بدل «بصرک» ، الزهد للحسين بن سعيد : ١٢ / ٢٤ وليس فيه «بصرک» وكلاهما عن عمرو بن سعيد بن هلال عن الإمام الصادق عليه السلام وفيهما «خفت» بدل «دخلك» ، مشكاة الأنوار : ٦٥٥ / ٢٣٢ عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ١٣ / ١٧٢ / ٧٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به کسی بنگرید که فروتر از شما است نه به آن که فراتر از شما است؛ این برای آن که نعمت خدا را کوچک بشمارید، شایسته تر است.

الخصال از ابوذر: رسول خدا مرا وصیت فرمود که به آن که فروتر از من است، بنگرم و نه به آن که برتر از من است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند فرموده است: «همانا نزد من در میان دوستانم آن کس نیکو حال تر است که بهره ای از شایستگی داشته باشد؛ عبادت پروردگارش را به نیکی به جای آورد؛ خدای را نهانی عبادت کند؛ در میان مردم بی نام و نشان باشد، چنان که به وی با انگشت اشاره نکنند؛ روزی اش در حد کفاف باشد و بر آن صبر ورزد؛ و مرگ شتابان به سراغ وی آید، حال آن که میراثش کم باشد و آنان که بر وی می گریند، اندک باشند».

امام باقر علیه السلام خطاب به عمرو بن هلال: مبادا به کسی چشم بدوزی که فراتر از تو است. بسنده است این سخن خدای تعالی به پیامبرش: «اموال و فرزندانشان تو را نفریبد!» و نیز خداوند فرموده است: «و دیدگانت را مدوز بدانچه بر خورداری داده ایم گروه هایی از آن ها را از آرایش زندگی دنیا». پس اگر بدین گونه تو را رنجی رسد، زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد آور که غذایش نان جو بود و حلواش خرما و سوختش شاخه خرمائین، اگر می یافت.

الإمام الصادق عليه السلام: يا حمران، أنظر إلى من هو دونك في المقدره، ولا تنظر إلى من هو فوقك في المقدره؛ فإن ذلك أقتع لك بما قسم لك، وأحرى أن تستوجب الزيادة من ربك. (١)

٣ / ١١٥ العفها للإمام على عليه السلام: لا تكون غنيا حتى تكون عفيفا. (٢)

عنه عليه السلام: المؤمن عفيف في الغنى، متنزّه عن الدنيا. (٣)

راجع: ص ٨٣٨، ح ١٥٦٥.

-
- ١- الكافي: ٨ / ٢٤٤ / ٣٣٨، علل الشرايع: ٥٥٩ / ١، الاختصاص: ٢٢٧ كلها عن هشام بن سالم، تحف العقول: ٣٦٠، بحار الأنوار: ٧٢ / ٤٢ / ٤٤.
 - ٢- مطالب السؤل: ٥٥؛ بحار الأنوار: ٧٨ / ٨ / ٦٤.
 - ٣- غرر الحكم: ١٧٤٤.

۳ / ۱۵ پاکدامنی

امام صادق علیه السلام: ای حمران! به کسی بنگر که توانش کم تر از تو است و نه آن که توانش بیش از تو است. این شیوه تو را به آن چه قسمت گشته، بیش تر خرسند می سازد و شایسته افزونی نعمت پروردگارت می کند.

۳ / ۱۵ پاکدامنیامام علی علیه السلام: تا پاکدامن نباشی، توانگر نخواهی گشت.

امام علی علیه السلام: مؤمن در توانگری پاکدامن است و از دنیا دامن شسته است.

ر.ک: ص ۸۳۹، ح ۱۵۶۵.

٣ / ١٦ عَدُّ الْمَالِ عَارِيَّتَهَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَالُ عَارِيَّةٌ . (١)

عنه عليه السلام: كَمِ مِنْ ذِي ثَرَوَةٍ خَطِيرٍ صَيَّرَهُ الدَّهْرُ فَقِيْرًا حَقِيْرًا! (٢)

عنه عليه السلام: أُذْكَرُ مَعَ كُلِّ لَدْنٍ زَوَالِهَا ، وَمَعَ كُلِّ نِعْمَةٍ انْتِقَالِهَا ، وَمَعَ كُلِّ بَلِيَّةٍ كَشْفِهَا ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ أَبْقَى لِلنُّعْمَةِ ، وَأَنْفَى لِلشَّهْوَةِ ، وَأَذْهَبَ لِلْبَطْرِ ، وَأَقْرَبُ إِلَى الْفَرْجِ ، وَأَجْدَرُ بِكَشْفِ الْغَمِّهِ وَدَرْكِ الْمَأْمُولِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: اجْعَلْ مَالَكَ عَارِيَّةً تَرُدُّهَا . (٤)

١- غرر الحكم: ٢٤٣ .

٢- غرر الحكم: ٦٩٢٤ .

٣- غرر الحكم: ٢٤٤٩ .

٤- الكافي: ٢ / ٤٥٥ / ٧ عن أحمد بن محمد بن مَحْمُودٍ رَفَعَهُ ، مِنْ لَدُنْ يَحْضَرُهُ الْفَقِيْهَ : ٤ / ٤١٠ / ٥٨٩٢ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ ، مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ : ٤٢٩ / ١٤٢٧ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ٧٨ / ٢٨٣ / ١ نَقْلًا عَنْ تَحْفِ الْعُقُولِ .

۳ / ۱۶ امانت شمردنِ دارایی

۳ / ۱۶ امانت شمردنِ داراییامام علی علیه السلام: مال امانت است .

امام علی علیه السلام: بسا ثروتمند بلندرتبه که روزگار او را فقیر فرومایه گرداند .

امام علی علیه السلام: با هر لذت ، نیست شدنش را به یاد آور ؛ و با هر نعمت ، از کف شدنش را ؛ و با هر بلا- ، رخت بر بستنش را ؛ که این ، برای پایداری نعمت ، نابودی شهوت ، راندن غرور ، نزدیک شدن به گشایش ، و برطرف شدن اندوه و دست یافتن به آرزو بهتر است .

امام صادق علیه السلام: مال خود را امانتی بدان که باید بازگردانی .

الفصل الرابع: المبادئ العبادية ٤ / الاستغفار الكتاب: «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمِنِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسِينًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ . (١)»

«وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ . (٢)»

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَ يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا . (٣)»

١- هود: ٣ .

٢- هود: ٥٢ .

٣- نوح: ١٢١٠ .

فصل چهارم: اصول عبادی

۴ / ۱ آموزش خواستن

فصل چهارم: اصول عبادی ۴ / ۱ آموزش خواستنقرآن: «... و این که از پروردگارتان آموزش بخواهید و آن گاه به او باز گردید تا شما را به بهره ای نیکو تا سرآمدی معین برخورداری دهد و هر بافضیلتی را فزونی بخشد.»

«و ای قوم من! از پروردگارتان آموزش بخواهید؛ آن گاه به او بازگردید تا باران را بر شما پیاپی و فراوان فرو فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید. و بزهکارانه روی مگردانید.»

«پس گفتم: از پروردگارتان آموزش بخواهید* که او همواره آموزگار است* تا آسمان را بر شما بارنده فرستد* و شما را با مال ها و پسران یاری کند و به شما بوستان ها دهد و برایتان جوی ها پدید آورد.»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ؛ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ الرِّزْقَ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ اسْتَبَطَّ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ. (٢)

تنبيه الغافلين عن ابن عمر: شَهِدْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَلَّتْ ذَاتُ يَدَيَّ، قَالَ: فَأَيْنَ أَنْتَ مِنْ صِيْلَةِ الْمَلَائِكَةِ، وَتَسْبِيحِ الْخَلَائِقِ وَمَا بِهِ يُرْزَقُونَ؟! قَالَ: مَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» مِائَةَ مَرَّةٍ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تُصَلِّيَ صَلَاةَ الْغَدَاةِ، تَأْتِيكَ الدُّنْيَا صَاغِرَةً رَاغِمَةً. (٣)

الإمام عليّ عليه السلام: قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَرَحْمَةً الْخَلْقِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهْرًا (٤)». (٥)

١- .كنز الفوائد: ٢ / ١٩٧، الخصال: ١٠ / ٦١٥ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول:

١٠٦ كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٢١ / ١٤.

٢- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ٢ / ٤٦ / ١٧١، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ٨٤ / ١٩٢ كلاهما عن أحمد بن عامر

الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الأمالى للطوسى: ٤٨٠ / ٤٨ / ١٠٤٨ عن عبد العزيز بن محمد الدراوردي عن الإمام

الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٤٦ / ٢٠٢ / ٧٧؛ شُعب الإيمان: ٤ / ١٠٨ / ٤٤٤٦ وج ١ / ٤٤١ / ٦٥١ كلاهما عن عبد العزيز

بن أبي حازم وعبد العزيز بن محمد الدراوردي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال:

٣ / ٢٥٩ / ٦٤٤٢.

٣- .تنبيه الغافلين: ٨٨١ / ٥٤٦.

٤- .نوح: ١٢١٠.

٥- .نهج البلاغه: الخطبه ١٤٣، كشف الغمّه: ٢ / ٣٦٨ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه.

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فراوان آمرزش خواهید؛ که مایه جلب روزی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خدای تعالی به او نعمت دهد، باید خدا را شکر کند؛ و هر که روزی اش کند رسد، باید از خدا آمرزش خواهد.

تنبیه الغافلین از ابن عمر: شاهد بودم که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا! سرمایه ام اندک است». پیامبر فرمود: «چرا درود فرشتگان و تسبیح آفریدگان و مایه روزی مردم را به یاری نمی گیری؟» گفت: «آن چیست ای رسول خدا؟» فرمود: «منزه است خداوند و ستودنی؛ منزه است خدای بزرگ؛ از او آمرزش می جویم؛ این ذکر را صد بار از سر بر زدن سپیده تا [پایان یافتن وقت] نماز صبح ادا کن تا دنیا فروتنانه و ناگزیر به سویت آید».

امام علی علیه السلام: خدای سبحان آمرزش خواستن را مایه افزونی روزی و رحمت آفریدگان ساخته است. خداوند سبحان فرماید: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزگار است * تا آسمان را بر شما بارنده فرستد * و شما را با مالها و پسران یاری کند و به شما بوستانها دهد و برایتان جویها پدید آورد.»

عنه عليه السلام: اسْتَغْفِرُ تُرْزِقُ . (١)

عنه عليه السلام لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ: إِذَا أَبْطَأَتِ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيهَا . (٢)

عنه عليه السلام: لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزَلُ بِهِمُ النَّعْمُ وَتَزُولُ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَرِيعُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَوَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ ، لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ ، وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ . (٣)

الفرج بعد الشدة عن أيوب بن العباس بن الحسن بإسنادٍ كثيرٍ: إِنَّ أَعْرَابِيًّا شَكَا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَشْكُورِي لِحَقَّتْهُ ، وَضِيقًا فِي الْحَالِ ، وَكَثْرَةَ مِنَ الْعِيَالِ ، فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا...». فَمَضَى الرَّجُلُ وَعَادَ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، إِنِّي قَدْ اسْتَغْفَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا وَلَمْ أَرْ فَرْجًا مِمَّا أَنَا فِيهِ!؟ فَقَالَ لَهُ: لَعَلَّكَ لَا تَحْسِنُ الْإِسْتِغْفَارَ؟! قَالَ: عَلَّمَنِي ، فَقَالَ: أَخْلِصْ نِيَّتَكَ وَأَطِعْ رَبَّكَ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بَدَنِي بِعَافِيَّتِكَ ، أَوْ نَالَتُهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ بَسَيْطُتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَابِغِ رِزْقِكَ ، وَأَتَكَلَّمْتُ فِيهِ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَمَانَتِكَ ، وَوَثِقْتُ فِيهِ بِحِلْمَتِكَ ، وَعَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرِيمِ عَفْوِكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ خُنْتُ (٤) فِيهِ أَمَانَتِي ، أَوْ بَخَسْتُ فِيهِ نَفْسِي ، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لَدَّتِي ، أَوْ آثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِي ، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِغَيْرِي ، أَوْ اسْتَغْوَيْتُ إِلَيْهِ مَنْ تَبَعَنِي ، أَوْ غَلَبْتُ فِيهِ بِفَضْلِ حِيلَتِي ، أَوْ أَحَلَلْتُ فِيهِ عَلَى مَوْلَايَ فَلَمْ يُعَاجِلْنِي عَلَى فِعْلِي ، إِذْ كُنْتُ سَبِيحَانِكَ كَارِهًا لِمَعْصِيَّتِي غَيْرَ مُرِيدَهَا مِنِّي ، لَكِنْ سَبَقَ عِلْمُكَ فَيَّ بِاخْتِيَارِي وَاسْتِعْمَالِ مُرَادِي وَإِثَارِي ، فَحَلَمْتَ عَنِّي ، وَلَمْ تُدْخِلْنِي فِيهِ حَيْرًا ، وَلَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا ، وَلَمْ تَظْلِمْنِي عَلَيْهِ شَيْئًا ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي ، يَا مُؤْنِسِي فِي وَحْدَتِي ، يَا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي ، يَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي ، يَا كَاشِفَ كُرْبَتِي ، يَا مُسْتَمِعَ دَعْوَتِي ، يَا رَاحِمَ عِبْرَتِي ، يَا مُقِيلَ عَثْرَتِي . يَا إِلَهِي بِالتَّحْقِيقِ ، يَا رُكْنِي الْوَثِيقَ ، يَا رَجَائِي لِلصِّيقِ ، يَا مَوْلَايَ الشَّفِيقَ ، يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ، أَخْرَجْنِي مِنَ حَلْقِ الْمَضِيقِ إِلَى سَبْعَةِ الطَّرِيقِ بِفَرْجٍ مِنْ عِنْدِكَ قَرِيبٍ وَثِيقٍ ، وَكَاشِفَ عَنِّي كُلِّ شِدَّةٍ وَضِيقٍ ، وَكَافِيَنِي مَا أُطِيقُ وَمَا لَا أُطِيقُ . اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَغَمٍّ ، وَأَخْرَجْنِي مِنْ كُلِّ حُزْنٍ وَكَرْبٍ ، يَا فَارِجَ الْهَمِّ ، وَيَا كَاشِفَ الْغَمِّ ، وَيَا مُنْزِلَ الْقَطْرِ ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّ ، يَا رَحِمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، وَفَرِّجْ عَنِّي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي ، وَعَيْلَ مَعَهُ صَبْرِي ، وَقَلَّتْ فِيهِ حِيلَتِي ، وَضَعُفَتْ لَهُ قُوَّتِي ، يَا كَاشِفَ كُلِّ ضُرٍّ وَبَلِيَّةٍ ، يَا عَالِمَ كُلِّ سِرٍّ وَخَفِيَّةٍ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . وَأَفْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ، وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» . قَالَ الْأَعْرَابِيُّ: فَاسْتَغْفَرْتُ بِعَدْلِكَ مَرَارًا ، فَكَشَفَ اللَّهُ عَنِّي الْغَمَّ وَالصِّيقَ ، وَوَسَّعَ عَلَيَّ فِي الرِّزْقِ ، وَأَزَالَ الْمِحْنَةَ . (٥)

١- غرر الحكم: ٢٢٢٨ .

٢- تحف العقول: ١٧٤ ، بشاره المصطفى: ٢٧ ، بحار الأنوار: ٧٧ / ٢٧٠ / ١ ؛ مطالب السؤل: ٥٥ .

٣- نهج البلاغه: الخطبه ١٧٨ ، بحار الأنوار: ٦ / ٥٧ / ٦ وراجع الخصال: ١٠ / ٦٢٤ .

٤- وفي المصدر: «خفت» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما في كنز العمال .

٥- الفرج بعد الشده للتوخى : ١ / ٤٢ ، كنز العمال : ٢ / ٢٥٨ / ٣٩٦٦ .

امام علی علیه السلام: آمرزش بخواه تا روزی یابی .

امام علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد: هر گاه روزی ات به تنگنا افتاد، از خداوند آمرزش بخواه تا آن را بر تو گشاده فرماید .

امام علی علیه السلام: اگر مردم به هنگام فرو رسیدن بلاها و زوال نعمت ها، با نیت راستین و شوق درونی نزد خدا تضرع کنند، خداوند نعمت دور شده را به ایشان باز گرداند و هر گونه خرابی و تباهی را برایشان به سامان آورد .

الفرج بعد الشده از ایوب بن عباس بن حسن با ذکر سند فراوان: از بیابان نشینان عرب، کسی نزد امیرالمؤمنین از مشکلی که به وی روی آورده بود و تنگنای احوال و عیالواری شکایت آورد. امام به وی فرمود: «بر تو باد آمرزش خواهی؛ که خداوند می فرماید: از پروردگارتان آمرزش جویید؛ که هر آینه او آمرزنده است...». آن مرد برفت و دیگر بار باز آمد و گفت: «ای امیرالمؤمنین! من بسیار از خدا آمرزش خواستم، اما از حال خویش گشایشی نیافتم». امام به وی فرمود: «شاید به نیکی آمرزش نخواستی ای». گفت: «مرا بیاموز». فرمود: «نیت خود را خالص کن و با فرمانبری از پروردگارت، بگو: بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که با این تن که تو سالمش ساخته ای، انجام داده ام؛ یا با توانی که تو به نعمت بخشی خویش نصیبم فرموده ای، مرتکب شده ام؛ یا با فراخ روزی ای که عطایم فرموده ای، بدان دست زدم؛ و در عین بیم از آن گناه، به پناه دهی تو توکل کردم و به شکیبایی ات دل بستم و به بخشایش کریمانه ات اتکا نمودم. بار خدایا! از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که با ارتکاب آن، به امانت خیانت کردم یا حق نفسم را پایمال کردم یا لذتم را مقدم شمردم یا شهوتم را ترجیح دادم یا برای غیر خود [و به زیان خویش] کوشیدم یا با آن، دنباله روان خویش را گمراه ساختم یا به یاری تدبیرم بر انجام آن گناه پیروز گشتم یا آن را به مولای خود واگذاردم ولی او در کار من شتاب نفرمود؛ که تو ای خدای سبحان از گناه من بیزاری و آن را از من نمی خواهی، اما از پیش می دانستی که من به اختیار و خواست و گزینش خود، چنان می کنم؛ پس بر من شکیب ورزیدی و مرا به ناچاری در آن درنیوردی و به اجبار بدان وانداشتی و در آن هیچ سستی بر من نکردی، ای مهرورزترین مهرورزان! ای یار من در سخت حالی ام؛ ای مونس من در تنهایی ام؛ ای نگهدارنده من در بی کسی ام؛ ای صاحب اختیار من در نعمتم؛ ای زداینده اندوهم؛ ای شنوای دعایم؛ ای رحم کننده به اشک روانم؛ ای در گذرنده از لغزشم؛ ای معبود حقیقی من؛ ای بنیاد استوار من؛ ای امید من در تنگناها؛ ای مولای مهربانم؛ ای پروردگار خانه آزاد؛ مرا از گلوگاه تنگنا به فراخنای گشایش در آور با گشایشی از سوی خود که نزدیک و قابل اعتماد است؛ و هر گونه سختی و تنگنا را از من بزدای؛ و در آن چه توان دارم و ندارم، مرا کفایت فرما. بار خدایا! هر اندوه و غصه را از من واگشا؛ و از هر غم و رنج بیرونم آور؛ ای گشاینده اندوه و ای زداینده غم و ای فروفرستنده باران و ای اجابت کننده دعای گرفتار و ای رحمت آور و مهرورز در دنیا و آخرت! بر محمّد که بهترین آفریدگان تو است و بر خاندان پاک و پاک نهادش درود فرست و واگشای از من آن چه سینه ام را تنگ کرده و صبرم را بر هم زده و تدبیرم را اندک نموده و نیرویم را کم کرده؛ ای زداینده هر سختی و بلا؛ ای داننده هر پنهان و ناپیدا؛ ای مهرورزترین مهرورزان! کارم را یکسره به خدا وا می نهم؛ که خدا به بندگانش بینا است و توفیق من جز از او نیست؛ بر وی توکل می کنم و او است پروردگار عرش بزرگ». آن

مرد بادیه نشین گوید: «بارها به این شیوه آمرزش خواستم و خدا اندوه و تنگنا را از من واگشود و روزی ام را وسعت بخشید و غم را زدود» .

الإمام الباقر عليه السلام: إذا أبطأ عليك رزق فقل: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ . (١)

الكافي عن أبو بصير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدِ اسْتَبَطَأْتُ الرَّزْقَ ، فَعَضِبَ ، ثُمَّ قَالَ لِي : قُلْ : «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفَلْت بِرِزْقِي وَرِزْقِ كُلِّ دَابَّةٍ ، يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ ، وَيَا خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ ، وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ ، وَيَا أَفْضَلَ مُرْتَجِيٍّ ؛ إِفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا» . (٢)

الزهد لابن حنبل عن أبو الجلد: إِنَّ النَّبِيَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى : الصَّلَاةَ جَامِعَةً ، فَخَرَجَ النَّاسُ وَهُمْ يَرُونَ أَنَّهُ سَيَكُونُ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ مَوْعِظَةٌ وَتَأْدِيبٌ وَدُعَاءٌ ، فَلَمَّا وَافَى مَكَانَهُ قَالَ : «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا» وَانصَرَفَ ، فَاسْتَقْبَلَ آخِرُ النَّاسِ أَوْلَادَهُمْ فَقَالُوا : مَا لَكُمْ؟ قَالُوا : إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا دَعَا بِدَعَاؤِهِ وَاحِدَهُ ثُمَّ انصَرَفَ . قَالُوا : سُبْحَانَ اللَّهِ! كُنَّا نَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمَ عِبَادِهِ وَدُعَاءِهِ وَمَوْعِظِهِ وَتَأْدِيبِهِ ، فَمَا دَعَا إِلَّا بِدَعَاؤِهِ وَاحِدِهِ!! قَالُوا: فَأَوْحَى اللَّهُ [تَعَالَى] [إِلَيْهِ أَنْ أَبْلِغَ عَنِّي قَوْمَكَ فَإِنَّهُمْ قَدْ اسْتَفَلُوا دُعَاءَكَ أَنِّي مَنْ أَغْفِرُ لَهُ أَصْلِحَ لَهُ أَمْرَ آخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ . (٣)

راجع: ص ٨٢٠ (الموانع العملية / السيئات) .

٤ / ١٢ الصَّلاهِنَّ الدَّرَّ: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] إِذَا نَزَلَ بِهِ الضِّيقُ فِي الرَّزْقِ أَمَرَ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : « وَ أَمُرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لِأَنَّهُ لَسَأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَزَرُوكَ » (٤) . (٥)

١- نشر الدرّ: ١ / ٣٤٥ .

٢- الكافي: ٢ / ٥٥١ / ٢ وص ٥٥٣ / ١٢ نحوه .

٣- الزهد لابن حنبل: ٩٢ ، حليه الأولياء: ٥٧ / ٦ .

٤- طه: ١٣٢ .

٥- نشر الدرّ: ١ / ٢٦٦ ؛ المعجم الأوسط: ١ / ٢٧٢ / ٨٨٦ عن عبد الله بن سلام نحوه .

امام باقر علیه السلام: هر گاه روزی ات به تأخیر افتاد ، بگو : از خدا آمرزش می جویم .

ابوبصیر: به امام صادق علیه السلام گفتم: «روزی من به تأخیر افتاده است». امام خشمناک گشت و سپس مرا فرمود: «بگو: بار خدایا! تو روزی من و هر جنبنده ای را ضمانت فرموده ای ؛ ای بهترین فراخوانده شده ؛ ای بهترین بخشاینده ؛ ای بهترین درخواست شونده ؛ ای برترین امیدگاه ؛ با من چنین و چنان فرما» .

الزهّد ابن حنبل از ابو جلد: داوود علیه السلام ، پیامبر خدا ، به نداگری فرمان داد که ندای نماز جماعت در دهد . پس مردم بیرون شدند ، حال آن که می دانستند آن روز وی ایشان را پند و ادب و دعا خواهد آموخت . چون او به جایگاه خود درآمد ، گفت: «بار خدایا! ما را بیامرزم» . سپس باز گشت . مردمی که واپس بودند ، به مردم پیشین روی کرده ، گفتند: «شما چه دریافتید؟» گفتند: «پیامبر خدا تنها یک دعا کرد و باز گشت» . گفتند: «منزه است خدای! ما امید داشتیم که امروز هنگامه عبادت و دعا و پند و ادب باشد . او جز یک دعا نفرمود!» گفتند: «خدای [تعالی] به وی وحی فرمود که به قوم خود که دعای تو را کوچک شمرده اند ، از سوی من ابلاغ کن که هر کس را بیامرزم ، کار آخرت و دنیایش را به سامان آورم» .

ر. ک: ص ۸۲۱ (موانع عملی / گناهان).

۴ / ۲ نماز نثر الدر: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه دچار تنگنای روزی می شد ، خانواده اش را به نماز فرمان می داد و سپس این آیه را می خواند: «و خاندان خویش را به نماز فرمان ده و بر آن شکّیا باش ؛ از تو روزی نمی خواهیم ، ما خود به تو روزی می دهیم» .

تنبيه الخواطر: يُروى عن رسول الله صلى الله عليه وآله أَنَّهُ كَانَ إِذَا أَصَابَ أَهْلَهُ خِصَاصَةٌ قَالَ: قوموا إِلَى الصَّلَاةِ، وَيَقُولُ: بِهَذَا أَمَرَنِي رَبِّي؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَمُرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْئَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى». (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ إِذَا دَخَلَ إِلَى رَحْلِهِ؛ نَفَى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ الْفَقْرَ، وَكَتَبَهُ فِي الْأَوَّابِينَ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ... وَبَرَكَهٌ فِي الرِّزْقِ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي الصَّلَاةِ، وَبِهَا يَتَّبَعُونَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمُخْلِصِينَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ، وَهِيَ عِمَادُ الدِّينِ، وَمَلَاذُ الْجَسَدِ، وَزَيْنُ الْإِسْلَامِ، وَمُنَاجَاةُ الْحَبِيبِ لِلْحَبِيبِ، وَقَضَاءُ الْحَاجَةِ، وَتَوْبَةُ التَّائِبِ، وَتَذْكَرَةُ الْمَيِّتِ، وَالْبَرَكَهَةُ فِي الْمَالِ، وَسَعَةُ الرِّزْقِ، وَنُورُ الْوَجْهِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتَ فِي مَعَاشِكَ ضَيْقًا وَفِي أَمْرِكَ تِيَاثًا، فَأَنْزِلْ حَاجَتِكَ بِاللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، وَلَا تَدْعُ صِيْلَةَ الْإِسْتِغْفَارِ وَهِيَ رَكَعَتَانِ: تَفْتِيحُ الصَّلَاةِ وَتَقْرَأُ الْحَمْدَ وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ مَرَّةً وَاحِدَةً فِي كُلِّ رَكَعَةٍ، ثُمَّ تَقُولُ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرَكَعُ فَتَقْرَأُهَا عَشْرًا عَلَى هَيْئَةِ صَلَاةِ جَعْفَرٍ يُصَلِّحُ اللَّهُ لَكَ شَأْنَكَ كُلَّهُ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (٥)

١- تنبيه الخواطر: ١ / ٢٢٢، مستدرک الوسائل: ١٢ / ٢٤٢ / ١٤٠٠١ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب وفيه صدره.

٢- الجعفریات: ٣٦.

٣- الخصال: ١١ / ٥٢٢ عن ضميره بن حبيب، جامع الأخبار: ١٨٣ / ٤٤٤ وفيه «الصلوة» بدل «للمصلي».

٤- جامع الأخبار: ١٨٣ / ٤٤٤.

٥- مكارم الأخلاق: ٢ / ١١٥ / ٢٣٢٠، بحار الأنوار: ٩١ / ٣٥٤ / ١٨.

تنبيه الخواطر: از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که هرگاه خانواده پیامبر نیازمند می گشتند، وی می فرمود: «به نماز برخیزید»؛ و می فرمود: «پروردگرم مرا چنین امر فرموده است. خدای تعالی می فرماید: «و خاندان خویش را به نماز فرمان ده و بر آن شکیبا باش؛ از تو روزی نمی خواهیم، ما خود به تو روزی می دهیم؛ و سرانجام از آن پرهیزگاران است»»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس به هنگام وارد شدن به خانه اش دو رکعت نماز بگذارد، خدا فقر را از او بزدايد و وی را در زمره توبه کنندگان به شمار آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز گزار را فرشتگان دوست می دارند و... روزی اش برکت مند است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خیر دنیا و آخرت در نماز است و با آن، کافر از مؤمن، و اخلاص پیشه، از منافق شناخته می شود. نماز ستون دین، و پناهگاه تن، و زینت اسلام، و مناجات دو دوست، و مایه برآمدن نیاز، و بازگشت توبه کار، و یاد مرگ، و برکت در مال، و گشایش روزی، و نور چهره است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه در زندگانی ات تنگنا و در کارت پیچشی یافتی، نیازت را نزد خداوند عرضه کن و نمازِ آمرزش را وامگذار؛ و آن دو رکعت است. در هر رکعت، سوره های حمد و قدر را یک بار قرائت کن و سپس پانزده بار «استغفرالله» بگو و آن گاه در رکوع ده بار «استغفرالله» بگو، به گونه نماز جعفر. خداوند همه کارهایت را به سامان می آورد، اگر خدا خواهد.

عنه صلى الله عليه وآله في بيان آثار التهاون بالصلاة: ... أمّا اللواتى تُصيّبه في دار الدنيا: فالأولى يرفع الله البركة من عمره ، ويرفع الله البركة من رزقه . (١)

الإمام الباقر عليه السلام: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله إنني ذو عيالٍ وعلى دينٍ وقد اشتدت حالي ، فعلمني دعاءً أدعو الله عز وجل به ليرزقني ما أفضى به ديني وأستعين به على عيالي ، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا عبد الله ، تَوْضًا وأَسْبَغَ وُضوءَكَ ، ثُمَّ صِلْ رَكَعَتَيْنِ تُتِمُّ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ ، ثُمَّ قُلْ: يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ يَا دَائِمُ ، اتَّوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنِّي اتَّوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ ، وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةَ كَرِيمَةٍ مِنْ نَفْحَاتِكَ ، وَفَتْحًا يَسِيرًا وَرِزْقًا وَاسِعًا ، اللَّهُمَّ بِهِ شَعْنِي وَأَقْضِي بِهِ دِينِي وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: لا تتركوا ركعتين بعد العشاء الآخرة ؛ فإنها مجلبة للرزق . (٣)

١- فلاح السائل: ١ / ٦١ عن فاطمه عليها السلام .

٢- الكافي: ٢ / ٥٥٢ / ٦ وج ٣ / ٤٧٣ / ٢ كلاهما عن أبي حمزة ، تهذيب الأحكام: ٣ / ٣١١ / ٩٦٦ عن ابن أبي حمزة عن الإمام الجواد عليه السلام قال: «جاء رجل إلى الإمام الرضا عليه السلام فقال: يا بن رسول الله...» نحوه ، بحار الأنوار: ٩١ / ٣٦٠ من دون إسناد إلى المعصوم .

٣- فلاح السائل: ٣٠٨ / ٤٥٣ عن هشام بن سالم ، بحار الأنوار: ٢ / ١٠٧ / ٨٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آثار سبک شمردن نماز: . . . اما آثار دنیایی آن از این قرارند: نخست این که خدا برکت را از عمر و روزی انسان می زداید .

امام باقر علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا! من عیالوار و بدهکار و سخت احوالم . مرا دعایی آموز که با آن خدا را فراخوانم تا مرا چندان روزی دهد که هم وامم را بپردازم و هم خانواده ام را تأمین کنم» . پیامبر فرمود: «ای بنده خدا! وضو ساز و حقّ هر اندام را در وضویت به خوبی ادا کن و سپس دو رکعت نماز بگزار و در آن رکوع و سجده ای کامل به جای آور و آن گاه بگو: «ای بزرگوار ، ای یگانه ، ای کرامت بخش ، ای جاودانه! به تو روی می آورم به واسطه محمّد ، پیامبرت ، که پیامبر رحمت است ای محمّد ، ای رسول خدا! هر آینه به واسطه تو به خدا روی می آورم که پروردگار تو و من و هر چیز است که بر محمّد و خاندانش درود فرستی ؛ و از تو بخششی کریمانه از بخشش هایت و گشایشی آسان بخش و روزی ای گسترده خواهانم تا با آن ، آشفستگی ام را سامان دهم و وامم را بپردازم و نیاز خانواده ام را تأمین کنم .

امام صادق علیه السلام: دو رکعتِ پس از نماز عشا را ترک نکنید ؛ که آن جلب کننده روزی است .

٤ / ٣ صلاة الليل رسول الله صلى الله عليه وآله: صلاة الليل مرضاة للرب ، . . . وبركته في الرزق . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: صلاة الليل تبيض الوجه ، وتطيب الريح ، وتجلب الرزق . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: صلاة الليل تحسن الوجه ، وتحسن الخلق ، وتطيب الريح ، وتدبر الرزق . (٣)

عنه عليه السلام: صلاة الليل تجلب الرزق . (٤)

عنه عليه السلام: كذب من زعم أنه يصلي بالليل ويجوع بالنهار! إن الله تعالى ضمن بصلاة الليل قوت النهار . (٥)

عنه عليه السلام: إن الرجل ليكذب الكذبة فيحرم بها صلاة الليل؛ فإذا حرم صلاة الليل حرم بها الرزق . (٦)

١- إرشاد القلوب : ١٩١ عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام، بحار الأنوار: ٨٧/١٦١/٥٢ .

٢- عوالي اللآلي : ١ / ٣٥٢ / ١٤ عن الإمام الصادق عليه السلام .

٣- ثواب الأعمال : ٦٤ / ٨ عن معاوية بن عمارة الدهني ، الدعوات : ٧٧ / ١٨٤ ، بحار الأنوار : ٦٢ / ٢٦٨ / ٥٠ و ج ٨٧ / ١٥٣ / ٣١ .

٤- تهذيب الأحكام : ٢ / ١٢٠ / ٤٥٤ عن أبي زهير رفعه ، ثواب الأعمال : ٦٣ / ٣ عن معاوية بن عمارة عن بعض أصحابه ، علل الشرايع : ٣٦٣ / ١ عن آدم بن إسحاق عن بعض أصحابه ، بحار الأنوار : ٨٧ / ١٥٠ / ٢٥ .

٥- تهذيب الأحكام : ٢ / ١٢٠ / ٤٥٦ ، ثواب الأعمال : ٦٤ / ٥ كلاهما عن عمر بن علي بن عمر عن عمه [محمد بن عمر] عمّن حدّثه ، بحار الأنوار : ٨٧ / ١٥٣ / ٣١ .

٦- تهذيب الأحكام : ٢ / ١٢٢ / ٤٦٣ ، ثواب الأعمال : ٦٥ / ٩ نحوه ، علل الشرايع : ٣٦٢ / ٢ كلّها عن الحسين بن الحسن الكندي ، الدعوات : ١١٨ / ٢٧٢ ، بحار الأنوار : ٨٧ / ١٤٦ / ١٩ .

۴ / ۳ نماز شب

۴ / ۳ نماز شب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز شب مایه خشنودی پروردگار . . . و برکت روزی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نماز شب روی ها را سپید گرداند ، عطر خوش بخشد ، و روزی را جلب کند .

امام صادق علیه السلام : نماز شب چهره را زیبا سازد ، خوی را نیکو کند ، عطر خوش بخشد ، و روزی را فراوان نماید .

امام صادق علیه السلام : نماز شب روزی را جلب کند .

امام صادق علیه السلام : هر که پندارد به شب نماز خواند و در روز گرسنه ماند ، دروغ گوید . همانا خدای تعالی بانماز شب ، روزی روز را تضمین فرموده است .

امام صادق علیه السلام : گاه انسان دروغی گوید و به سبب آن ، از نماز شب محروم گردد ؛ و چون از نماز شب محروم گردد ، از روزی بی نصیب شود .

٤ / ٤ صَلَاةُ الْإِسْتِسْقَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ دُعَائِهِ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ: اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيَا . . . تُرْخِصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ . (١)

الإمام عليّ عليه السلام: اللَّهُمَّ انشُرْ عَلَيْنَا غَيْثَكَ وَبَرَكَتَكَ ، وَرِزْقَكَ وَرَحْمَتَكَ ، وَاسْقِنَا سُقِيَا نَاقِعَةً مُرْوِيَةً مُعْشِبَةً ، تُنْبِتُ بِهَا مَا قَدَ فَاَتَ ، وَتُحْيِي بِهَا مَا قَدَ مَاتَ ، نَافِعَةً الْحَيَا ، كَثِيرَةً الْمُجْتَنَى ، تُرْوِي بِهَا الْقِيْعَانَ ، وَتُسِيلُ الْبُطْنَانَ ، وَتَسْتَوِرُقُ الْأَشْجَارَ ، وَتُرْخِصُ الْأَسْعَارَ ؛ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ . (٢)

الإمام الحسن عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ: اسْقِ سَهْلَنَا وَجَبَلَنَا ، وَبَدُونَنَا وَحَضْرَنَا ؛ حَتَّى تُرْخِصَ بِهِ أَسْعَارَنَا ، وَتُبَارِكَ بِهِ فِي ضِيَاعِنَا وَمُدُنِنَا ؛ أَرِنَا الرِّزْقَ مَوْجُودًا وَالْغَلَاءَ مَفْقُودًا . (٣)

٤ / ٥ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اجْعَلُوا فِي بُيُوتِكُمْ مِنْ صِيْلَاتِكُمْ ، وَاعْمُرُوهَا بِالْقُرْآنِ ؛ فَإِنَّ أَفْقَرَ الْبُيُوتِ بَيْتٌ لَا يُقْرَأُ فِيهِ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٤)

-
- ١- النوادر للراوندى : ١٦٣ / ٢٤٤ عن الإمام عليّ عليه السلام ، الصحيحه السجّاديه : ٨٠ الدعاء ١٩ عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، الجعفریات : ٥٠ ، بحار الأنوار : ٩١ / ٣١٦ / ٤ .
 - ٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٤٣ ، بحار الأنوار : ٩١ / ٣١٣ / ٣ .
 - ٣- من لا يحضره الفقيه : ١ / ٥٣٧ / ١٥٠٤ ، قرب الإسناد : ١٥٧ / ٥٧٦ عن أبي البختری عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام الحسن عليهم السلام وفيه «في صاعنا ومدّنا» بدل «في ضياعنا ومدّنا» ، بحار الأنوار : ٩١ / ٣٢١ / ٩ .
 - ٤- كنز العمال : ١٥ / ٣٩٣ / ٤١٥٢٤ نقلًا عن الديلمي عن أبي هريره .

۴ / ۴ نماز باران

۴ / ۵ خواندن قرآن

۴ / ۴ نماز باران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای وی در طلب باران: بار خدایا! ما را سیرابی بخش... تا با آن، نرخ ها را در همه جا ارزان سازی.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! باران و برکت و روزی و رحمت را بر ما جاری ساز و آبی عطا فرما که سود دهد و سیرابی آورد و سرسبزی ایجاد کند؛ تا با آن، خشک شده ها را برویانی و مرده ها را زنده سازی، چندان که تشنگی را بزداید و میوه فراوان پدید آورد و زمین های هموار را با آن سیراب سازی و در زمین های پرنشیب جاری اش گردانی و درختان را پر برگ و بار نمایی و نرخ ها را ارزان فرمایی؛ که تو بر هر چه خواهی، توانایی.

امام حسن علیه السلام از دعایش در نماز باران: دشت و کوه و بیابان و شهر ما را سیراب گردان تا بدان، نرخ هامان را ارزان سازی و کشتگاه ها و شهر هامان را برکت دهی. روزی را به ما بنمایان و گرانی را از ما نهدار.

۴ / ۵ خواندن قرآن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بخشی از نمازتان را در خانه هاتان بگزارید و آن ها را با قرآن آباد کنید؛ که همانا فقیرترین خانه ها خانه ای است که در آن، کتاب خدا خوانده نشود.

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فِي بُيُوتِكُمْ؛ فَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ يُقَلُّ خَيْرُهُ، وَيَكْثُرُ شَرُّهُ، وَيَضِيقُ عَلَى أَهْلِهِ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: اجْعَلُوا الْبُيُوتَ نَصِيبًا مِنَ الْقُرْآنِ؛ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ تَيْسَّرَ عَلَى أَهْلِهِ، وَكَثُرَ خَيْرُهُ، وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ، وَإِذَا لَمْ يُقْرَأْ فِيهِ الْقُرْآنُ ضَيَّقَ عَلَى أَهْلِهِ، وَقَلَّ خَيْرُهُ، وَكَانَ سُكَّانُهُ فِي نُقْصَانٍ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: نَوَّرُوا بُيُوتَكُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ فَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ يَتَسَّعُ عَلَى أَهْلِهِ، وَيَكْثُرُ خَيْرُهُ، وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: نَوَّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَلَا تَنْجِذِ ذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى صَيَلُوا فِي الْكِنَائِسِ وَالْبَيْعِ وَعَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ؛ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا كَثُرَ فِيهِ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ، وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ، وَأَضَاءَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَصْفَرَ الْبُيُوتِ لَبَيْتٌ أَصْفَرَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ. (٥)

- ١- الفردوس: ١ / ٨١ / ٢٤٦، كنز العمال: ١٥ / ٣٨٨ / ٤١٤٩٦ نقلاً عن الدارقطني في الأفراد وكلاهما عن أنس وجابر.
- ٢- عدّه الداعي: ٢٦٩ عن الإمام الرضا عليه السلام رفعه، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ٢٨٩/٤٠ نحوه، بحار الأنوار: ٩٢ / ٢٠٠ / ١٧؛ كنز العمال: ١٥ / ٣٩٣ / ٤١٥٢٥ نقلاً عن ابن النجار عن الإمام علي عليه السلام صلى الله عليه وآله.
- ٣- الفردوس: ٤ / ٢٤٥ / ٦٧٢٥ عن أبي هريره، كنز العمال: ١٥ / ٣٩٤ / ٤١٥٢٦ نقلاً عن أبي نعيم عن أنس وأبي هريره معا.
- ٤- الكافي: ٢ / ٦١٠ / ١ عن ليث بن أبي سليم، عدّه الداعي: ٢٦٨ / ٤ عن ليث بن سليم وفيه «وَأَمْتَعْ أَهْلَهُ» بدل «وَأَتَّسَعَ أَهْلَهُ»، بحار الأنوار: ٩٢ / ٢٠٠ / ١٧.
- ٥- الأمالى للسيد المرتضى: ٢/٢٧ عن عبد الله بن مسعود و ص ٣٠؛ النهايه: ٣/٣٦ نحوه، كنز العمال: ٧ / ٧٩٩ / ٢١٤٦٣ نقلاً عن ابن الضريس ومحمد بن نصر عن الحسن نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در خانه هاتان فراوان قرآن بخوانید؛ که همانا خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود، خیرش کم و شرش بسیار است و بر ساکنانش تنگی می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای خانه هاتان بهره ای از قرآن قرار دهید؛ که همانا خانه ای که در آن قرآن خوانده شود، برای ساکنانش آسایش فراهم آید و خیرش بسیار باشد و اهلش از افزونی برخوردار گردند؛ و هر گاه در آن قرآن خوانده نشود، بر ساکنانش تنگ گردد و خیرش اندک شود و اهلش در کمبود به سر برند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چندان که می توانید، خانه هاتان را نور بخشید؛ که هر آینه خانه ای که قرآن در آن خوانده شود، بر ساکنانش گشاده گردد و خیرش فراوان شود و فرشتگان در آن حضور یابند و شیطان ها از آن دوری گزینند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خانه هاتان را به تلاوت قرآن نور بخشید و آن ها را مقبره نکنید همانند یهودیان و مسیحیان که در کنیسه ها و دیرها نماز می گزارند و خانه هاشان را وامی نهند؛ زیرا هر گاه در خانه ای بسیار قرآن تلاوت شود، خیرش فراوان گردد و ساکنانش از گشایش بهره یابند و برای آسمانیان نور پراکنند، همان گونه که ستارگان آسمان به ساکنان دنیا نور می بخشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آیه فقیرترین خانه، خانه ای است که از کتاب خدا تهی باشد.

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ ، نَفَتِ الْفَقْرَ عَنْ أَهْلِ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَالْجِيرَانِ . (١)

مستدرك الوسائل عن سهل بن سعد الساعديّ :جَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ، فَشَكَا إِلَيْهِ الْفَقْرَ وَضِيقَ الْمَعَاشِ ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : إِذَا دَخَلْتَ بَيْتَكَ فَسَلِّمْ إِنْ كَانَ فِيهِ أَحَدٌ ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَصَلِّ عَلَيَّ وَاقْرَأْ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مَرَّةً وَاحِدَةً . فَفَعَلَ الرَّجُلُ ، فَأَفَاضَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِزْقًا ، وَوَسَّعَ عَلَيْهِ حَتَّى أَفَاضَ عَلَى جِيرَانِهِ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام: ... وَلِيَقْرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ . (٣)

عنه عليه السلام:الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ ، وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ ، وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ ، وَيُضَيُّءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضَيُّءُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ؛ وَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلَا يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَقَلُّ بَرَكَتُهُ ، وَتَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ . (٤)

١- المعجم الكبير : ٢٤١٩ / ٢٣٤٠ عن جرير بن عبد الله ، كنز العمّال : ١ / ٦٠٠ / ٢٧٣٩ ؛ بحار الأنوار : ٩٢ / ٣٥٣ / ٢٣ نقلًا عن الدر المنثور .

٢- مستدرك الوسائل : ٤ / ٢٨٩ / ٤٧١٢ نقلًا عن تفسير أبي الفتوح الرازي .

٣- الخصال : ١٠ / ٦٢٦ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ١١٥ ، بحار الأنوار : ١٠ / ١٠٥ / ١ .

٤- الكافي : ٢ / ٦١٠ / ٣ وص ١ / ٤٩٩ ، عدّه الداعي : ٢٣٣ كلّها عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٩٣ / ١٦١ / ٤٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگام ورود به خانه اش سوره توحید را بخواند، فقر از ساکنان آن و نیز همسایگانش رخت بریندد.

مستدرک الوسائل از سهل بن سعد ساعدی: یکی از انصار نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از فقر و تنگدستی به وی شکایت آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی فرمود: «هر گاه به خانه در آیی، اگر کسی در آن باشد، سلام ده؛ و اگر کسی نباشد، بر من درود فرست و سوره توحید را یک بار بخوان». آن مرد چنین کرد و خداوند بر وی روزی فراوان فرو فرستاد و چندان برایش گشایش فراهم آورد که همسایگانش را نیز بهره مند کرد.

امام علی علیه السلام: . . . و باید هنگام ورود به خانه اش سوره توحید را بخواند؛ که همانا این کار فقر را می راند.

امام علی علیه السلام: خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و از خدا یاد گردد، برکتش افزون گردد و فرشتگان در آن حضور یابند و شیطان ها از آن دور گردند و آن خانه برای آسمانیان پرتو افشاند، همان گونه که ستارگان برای زمینیان نورافشانی کنند؛ و خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و از خدا یاد نگردد، برکتش اندک شود و فرشتگان از آن دوری گزینند و شیطان ها در آن حضور یابند.

٤ / ٦ الإِشْتِغَالُ بِالذِّكْرِ وَالِدُّعَاءِ بَيْنَ الطُّلُوعَيْنَا لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ مِنْ بَعْدِ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى حِينَ طُلُوعِ الشَّمْسِ لِلِإِشْتِغَالِ بِذِكْرِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ ، أَسْرَعُ فِي تَيْسِيرِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ . (١)

تفسير العياشي عن الحسين بن مسلم: قُلْتُ لَهُ [أَيُّ لِلْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ]: جُعِلَتْ فِدَاكَ ! إِنَّهُمْ يَقُولُونَ : إِنَّ النَّوْمَ بَعْدَ الْفَجْرِ مَكْرُوهٌ ؛ لِأَنَّ الْأَرْزَاقَ تُقَسَّمُ فِي ذَلِكِ الْوَقْتِ ، فَقَالَ: الْأَرْزَاقُ مَوْضُوفَةٌ مَقْسُومَةٌ ، وَلِلَّهِ فَضْلٌ يَقْسِمُهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ ؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ: «وَسَيُثَلَّوْا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ . (٢)» ثُمَّ قَالَ : وَذَكَرَ اللَّهُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: الْجُلُوسُ بَعْدَ صِيَاةِ الْغَدَاةِ فِي التَّعْقِيبِ وَالِدُّعَاءِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ، أْبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ . (٤)

عنه عليه السلام: لَجُلُوسِ الرَّجُلِ فِي دُبُرِ صِيَاةِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَنْفَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنْ رُكُوبِ الْبَحْرِ . قُلْتُ : يَكُونُ لِلرَّجُلِ الْحَاجَةُ يَخَافُ فَوْتَهَا؟ فَقَالَ: يُدْلَجُ فِيهَا ، وَلِيَذْكَرَ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ؛ فَإِنَّهُ فَيَتَعَقَّبُ مَا دَامَ عَلَى وُضُوءٍ . (٥)

راجع: ص ٨٤٠ (الموانع العمليّة / النوم قبل طلوع الشمس) .

١- غرر الحكم: ٢١٢٧ .

٢- النساء: ٣٢ .

٣- تفسير العياشي: ١ / ٢٤٠ / ١١٩ ، بحار الأنوار: ٥ / ١٤٧ / ٧ .

٤- تهذيب الأحكام: ٢ / ١٣٨ / ٥٣٩ وص ١٠٤ / ٣٩١ عن الوليد بن صبيح نحوه ، من لا يحضره الفقيه: ١ / ٣٢٩ / ٩٦٦ ، دعائم الإسلام: ١ / ١٧٠ نحوه .

٥- الكافي: ٥ / ٣١٠ / ٢٧ عن حمّاد بن عثمان .

۴ / ۶ پرداختن به ذکر و دعا از سپیده دم تا طلوع خورشید

۴ / ۶ پرداختن به ذکر و دعا از سپیده دم تا طلوع خورشید امام علی علیه السلام: نشستن در سجده گاه پس از سپیده دم تا طلوع خورشید برای پرداختن به ذکر خدای سبحان ، بیش از جست و جوی روزی در همه سوی زمین ، مایه گشایش روزی است .

تفسیر العیاشی از حسین بن مسلم: به امام باقر علیه السلام تفسیر العیاشی از حسین بن مسلم: به امام باقر علیه السلام گفتیم: «فدایت گردم! می گویند که خواب پس از سپیده دم مکروه است ؛ زیرا روزی ها در آن هنگام تقسیم می شود». امام فرمود: «روزی ها معین و تقسیم شده اند ؛ و خدای را بخشایشی است که آن را از سپیده دم تا طلوع خورشید تقسیم می کند ؛ و همین است که فرموده: «و از بخشایش خدا درخواست کنید» . سپس فرمود: «پس از سپیده دم ذکر خدای را گفتن بیش از جست و جوی روزی در زمین ، در دستیابی به آن مؤثر است» .

امام صادق علیه السلام: به دنباله های مستحب و دعا پرداختن پس از نماز صبح تا طلوع خورشید ، بیش از تلاش کردن در پی روزی در زمین ، برای کسب آن مؤثر است» .

امام صادق علیه السلام: هر آینه [به عبادت] نشستن انسان پس از نماز صبح تا طلوع خورشید ، برای طلب روزی مؤثرتر از پیمودن دریا [برای تجارت] است . گفتیم: «اگر انسان کار ضرور داشته باشد که نتواند آن را به تأخیر افکند ، چه کند؟» فرمود: «پس از نماز صبح در پی آن کار رود ، اما همچنان به ذکر مشغول باشد ؛ زیرا مادام که با وضو باشد ، در حال پرداختن به دنباله های مستحب است» .

ر. ک: ص ۸۴۱ (موانع عملی / خواب پیش از طلوع خورشید).

١٧ / ٤ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حُجُّوا تَسْتَغْنُوا. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: حُجُّوا لَنْ تَفْتَقِرُوا. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَعَاشِرَ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ؛ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَغْنُوا، وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خُبثَ الْحَدِيدِ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ؛ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خُبثَ الْحَدِيدِ. (٥)

١- من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٢٦٥ / ٢٣٨٧، المحاسن: ٢ / ٧٩ / ١٢٠٣ كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ١ / ٣٤٢ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ٩٩ / ١١ / ٣٠؛ المصنّف لعبد الرزاق: ٥ / ١١ / ٨٨١٩ عن صفوان بن سليم، الفردوس: ٢ / ١٣٠ / ٢٦٦٣ عن ابن عمر، كنز العمال: ٥ / ١٠ / ١١٨٢٢.

٢- الجعفریات: ٦٥.

٣- الاحتجاج: ١ / ١٥٦ / ٣٢ عن علقمه عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ٣٧ / ٢١٤ / ٨٦ وراجع روضه الواعظين: ١١٠.

٤- تهذيب الأحكام: ٥ / ٢١ / ٦٠ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام وص ٢٢ / ٦٥ عن ابن ابنه إلياس عن الإمام الرضا عليه السلام، من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٢٢٢ / ٢٢٣٨، بحار الأنوار: ٩٩ / ١٣ / ٤١.

٥- الكافي: ٤ / ٢٥٥ / ١٢ عن أبي محمّد الفراء عن الإمام الصادق عليه السلام، دعائم الإسلام: ١ / ٢٩٥ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آلهنحوه؛ سنن الترمذی: ٣ / ١٧٥ / ٨١٠، سنن النسائي: ٥ / ١١٥، مسند ابن حنبل: ٢ / ٣٣ / ٣٦٦٩، صحيح ابن حبان: ٩ / ٦ / ٣٦٩٣، مسند أبي يعلى: ٥ / ٨ / ٤٩٥٥ كلّها عن ابن مسعود.

۴ / ۷ حج و عمره

۴ / ۷ حج و عمره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج به جای آورید تا توانگر گردید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج گزارید تا فقیر نشوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای گروه های مردم! حج خانه خدا را به جای آورید ؛ که هیچ خانواده ای حج ننهاد مگر آن که توانگری یافت و از حج سرباز نزد مگر آن که فقیر گشت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حج و عمره فقر و گناهان را می رانند ، همان گونه که دمه آتش چرک را از آهن بزداید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیایی حج و عمره بگزارید ؛ زیرا حج و عمره فقر و گناهان را می رانند ، همان گونه که دمه آتش چرک را از آهن بزداید .

عنه صلى الله عليه و آله : لا يُحَالِفُ الْفَقْرَ وَالْحُمَى مُدْمِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : حَجَّجَ تَتْرَى وَعُمَرَ نَسَقًا ، تَدْفَعُ مَيْتَةَ السَّوِّءِ وَعَيْلَةَ الْفَقْرِ . (٢)

المعجم الأوسط عن محمد بن المنكدر عن جابر بن عبد الله رفعه : ما أمعر حاج قَطُّ . قيل لجابر : ما الإمعار؟ قال : ما افتقر . (٣)

الإمام على عليه السلام : إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ ... وَحِجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ ؛ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَرْخِضَانِ الذَّنْبَ . (٤)

علل الشرايع عن إبراهيم بن عمر بإسناده يرفعه إلى علي بن أبي طالب عليه السلام : أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ : إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ ، وَتَمَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنْ عَذَابِهِ ، وَحِجُّ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْفَاةٌ لِلْفَقْرِ وَمَدْحَضَةٌ لِلذَّنْبِ ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ فَإِنَّهَا مَثْرَاءٌ لِلْمَالِ وَمَنْسَأَةٌ لِلْأَجْلِ . (٥)

١- الكافي : ٤ / ٢٥٤ / ٨ عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام .

٢- المصنّف لعبد الرزاق : ٥ / ١٠ / ٨٨١٥ عن عامر بن عبد الله بن الزبير ، كنز العمال : ٥ / ٩ / ١١٨١٨ ؛ الكافي : ٤ / ٢٦١ / ٣٦ عن ابن الطيّار عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

٣- المعجم الأوسط : ٥ / ٢٤٥ / ٥٢١٣ ، الدر المنثور : ١ / ٢١١ نقلًا عن البزار .

٤- نهج البلاغه : الخطبة ١١٠ وراجع تحف العقول : ١٤٩ .

٥- علل الشرايع : ١ / ٢٤٧ ، من لا يحضره الفقيه : ١ / ٢٠٥ / ٦١٣ ، المحاسن : ١ / ٤٥١ / ١٠٤٠ ، الأمل للطوسي : ٢١٦ / ٣٨٠ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٣٨٦ / ٥١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فقر و تب با کسی که پیوسته حج و عمره گزارد، همراه نگردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج های پیوسته و عمره های مرتب، مرگ ناگوار و گرانباری فقر را می رانند.

المعجم الاوسط از محمد بن منکدر از جابر بن عبدالله در حدیث مرفوع: «حج گزارنده بی توشه نماند». از جابر پرسیده شد: «مراد از این سخن چیست؟» گفت: «یعنی فقیر نگردد».

امام علی علیه السلام: برترین مایه توسل به خدای منزّه بزرگ، ایمان به او و رسولش... و حج و عمره خانه خدایند؛ همانا این دو فقر را دور می کنند و گناه را می شویند.

علل الشرایع از ابراهیم بن عمر با ذکر سند که به علی بن ابی طالب علیه السلامی رسد: او می فرمود: «برترین وسیله نزدیکی جستن به خدا، این ها است: ایمان به خداوند و رسولش و جهاد در راه او و سخن مخلصانه و آن، فطرت است و کامل گزاردن نماز و آن، آیین است و پرداخت زکات و آن، از واجبات خداوند است و روزه ماه رمضان و آن، سپری است از عذاب خدای و حج خانه خدا و آن، دور کننده فقر و ابطالگر گناه است و پیوند با خویشان و آن، افزاینده مال و پس افکننده مرگ است».

الإمام زين العابدين عليه السلام: حُجُّوا وَاَعْتَمِرُوا ، تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَتَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: مَا رَأَيْتُ شَيْئًا أَسْرَعَ غِنَى وَلَا أَنْفَى لِلْفَقْرِ مِنْ إِدْمَانِ حَجِّ هَذَا الْبَيْتِ . (٢)

الكافي عن إسحاق بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي قَدْ وَطَّئْتُ نَفْسِي عَلَى لُزُومِ الْحَجِّ كُلِّ عَامٍ بِنَفْسِي أَوْ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي بِمَالِي ، فَقَالَ : وَقَدْ عَزَمْتَ عَلَى ذَلِكَ؟ قُلْتُ : نَعَمْ . قَالَ : إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ فَأَبَشِّرْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ . (٣)

تفسير العياشي عن إسحاق بن عمّار عن الصادق عليه السلام: الْحَاجُّ لَا يَمْلِقُ أَبَدًا . قَالَ : قُلْتُ : وَمَا الْإِمْلَاقُ؟ قَالَ : الْإِفْلَاسُ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتُمَ مَالَهُ فَلْيَطِلِ الْوُقُوفَ عَلَى الصَّافِ وَالْمَرُورِ .

عنه عليه السلام: (٥) إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَكْتُمَ مَالَكَ فَأَكْثِرِ الْوُقُوفَ عَلَى الصَّافِ . (٦)

١- الكافي: ٤ / ٢٥٢ / ١ عن خالد القلانسي عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ٣ / ٧٠ عن علي بن أسباط رفعه

إلى الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ٧٦ / ١٨١ وفيهما «أجسامكم» بدل «أبدانكم» ، بحار الأنوار : ٦٢ / ٢٦٧ / ٤٧ .

٢- الأُمالي للطوسي : ٦٩٤ / ١٤٧٨ عن زرعه وأبي كههمس ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٣١٨ / ٧٩ .

٣- الكافي : ٥ / ٢٥٣ / ٤ ، من لا يحضره الفقيه : ٢٢١٥ / ٢ / ٢١٨ ، ثواب الأعمال : ٧٠ / ٤ ، بحار الأنوار : ١٠٧ / ٢٥ / ٩٩ .

٤- تفسير العياشي : ٢ / ٢٨٩ / ٦٣ .

٥- الكافي : ٤ / ٤٣٣ / ٦ عن الحسن بن علي بن الوليد رفعه ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٢٠٩ / ٢١٦٩ وفي صدره «روى أنّ من

«...» .

٦- تهذيب الأحكام : ٥ / ١٤٧ / ٤٨٣ ، الاستبصار : ٢ / ٢٣٨ / ٨٢٧ كلاهما عن حمّاد المنقري .

امام سجاد علیه السلام: حج و عمره بگذارید تا بدن هاتان سالم ماند و روزی هاتان گشایش یابد .

امام صادق علیه السلام: هیچ چیز را نیافته ام که به اندازه حج مرتب این خانه ، زود توانگری آورد و فقر را بزدايد .

الکافی از اسحاق بن عمار : به امام صادق علیه السلام گفتم: «بر خویشان لازم کرده ام که هر سال یا خود به حج روم و یا مردی از خاندانم را با مال خود به حج فرستم» . فرمود: «آیا بر این تصمیم استواری؟» گفتم: «آری» . فرمود: «اگر چنین کنی ، به مال فراوان مژده ات باد!» .

تفسیر العیاشی از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام: حج گزارنده هرگز به فقر دچار نگردد . راوی گوید: «گفتم: مراد چیست؟» . فرمود: «تنگدستی» .

امام صادق علیه السلام: هر که خواهد مالش افزون گردد ، باید بر صفا و مروه زمانی دراز توقف کند .

امام صادق علیه السلام: اگر خواهی دارایی ات فراوان گردد ، بر صفا بسیار توقف کن .

٤ / ٨ زيارَةُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُرُوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ إِيْتَانَهُ يَزِيدُ الرِّزْقَ وَيَمُدُّ فِي العُمُرِ، وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ، وَإِيْتَانُهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام في زيارته قبر الحسين عليه السلام: مَنْ زَارَهُ كَانَ اللَّهُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ حَوَائِجِهِ، وَكَفَى مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ، وَإِنَّهُ يَجْلِبُ الرِّزْقَ عَلَى الْعَبْدِ، وَيُخْلِفُ عَلَيْهِ مَا يُنْفِقُ، وَيَغْفِرُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً... وَإِنْ سَلِمَ فَتَحَ لَهُ الْبَابَ الَّذِي يَنْزِلُ مِنْهُ رِزْقُهُ، وَيَجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَذَخَرَ ذَلِكَ لَهُ، فَإِذَا حُشِرَ قِيلَ لَهُ: لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ؛ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ فَذَخَرَهَا لَكَ عِنْدَهُ. (٢)

عنه عليه السلام: زوروا الحسين [عليه السلام] ولو كُملَ سِنَه؛ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ جَاحِدٍ، لَمْ يَكُنْ لَهُ عَوْضٌ غَيْرُ الْجَنَّةِ، وَرُزِقَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَأَتَاهُ اللَّهُ بِفَرَجٍ عَاجِلٍ. (٣)

الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّنَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَمِنَ مِنَ الْفَقْرِ. (٤)

-
- ١- تهذيب الأحكام: ٦/٤٢/٨٦، كامل الزيارات: ٢٨٤/٤٥٦ كلاهما عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ١٠١ / ٤٨ / ١٧.
 - ٢- تهذيب الأحكام: ٦ / ٤٥ / ٩٦، كامل الزيارات: ٥٥٤ / ٨٤٣ كلاهما عن الحلبي، روضه الواعظين: ٢١٤، بحار الأنوار: ١٠١ / ٢ / ٥.
 - ٣- كامل الزيارات: ١٧٥ / ٢٣٥ عن محمد بن مروان، بحار الأنوار: ١٠١ / ٢ / ٣.
 - ٤- تهذيب الأحكام: ٦ / ٤٨ / ١٠٦ عن محمد بن حكيم، بحار الأنوار: ١٠١ / ١٧ / ٢٣.

۴ / ۸ زیارت امام حسین

۴ / ۸ زیارت امام حسینامام باقر علیه السلام: پیروان ما را به زیارت مزار حسین علیه السلامفراخوانید؛ زیرا زیارت وی روزی را فراوان کند و عمر را دراز گرداند و از ناگواری ها بازدارد و بر هر مؤمن که امامت او از جانب خدا را باور دارد، واجب است .

امام صادق علیه السلام در زیارت مزار حسین علیه السلام: هر که او را زیارت کند، خداوند نیازهایش را برآورد و کار دنیایش که او را دلمشغول داشته، کفایت فرماید. زیارت او روزی را به سوی بنده جلب کند و آن چه را هزینه کند، جایگزین نماید و سبب آمرزش گناهان پنجاه سال وی شود... و چون به سلامت ماند، خداوند آن دری را که روزی اش از آن فرود آید، بر وی بگشاید و به ازای هر درهم که انفاق کند، ده هزار درهم به او بخشد و آن را برایش ذخیره فرماید. پس چون برانگیخته شود، به وی گویند: به ازای هر درهم، تو را ده هزار درهم بوده که خداوند به تو مهر ورزید و آن را نزد خویش برایت ذخیره نمود.

امام صادق علیه السلام: حسین [علیه السلام] را، اگرچه سالی یک بار، زیارت کنید؛ که هر کس با شناخت حق وی و بدون ناسپاسی قدر او، به زیارتش رود، هیچ پاداشی جز بهشت در خور وی نباشد و روزی ای گشاده یابد و خداوند گشایشی نزدیک برایش پیش آورد.

امام کاظم علیه السلام: هر که سالی سه بار به زیارت حسین علیه السلام رود، از فقر در امان باشد.

٩ / ٤ الدَّوَامُ عَلَى الطَّهَارِ هَعْوَالِي اللَّالِي فِي الْحَدِيثِ : أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ قَلَّهَ الرِّزْقِ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَدِمِ الطَّهَارَةَ يَدْمُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ . فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ . (١)

راجع : ص ٧٧٤ (المبادئ الصَّحِيه).

١٠ / ٤ الدُّعَاءُ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا- أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ ؟ قَالُوا : بَلَى . قَالَ : تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ؛ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ . (٢)

الإمام علي عليه السلام : أَسْتَعِينُهُ فَاقَهُ إِلَى كِفَايَتِهِ ؛ إِنَّهُ لَا يَضِلُّ مَنْ هَدَاهُ ، وَلَا يَيْئَلُ مَنْ عَادَاهُ ، وَلَا يَفْتَقِرُ مَنْ كَفَاهُ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ الشَّدَةِ : اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ ، فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي وَتَوَلَّ كِفَايَتِي . (٤)

١- عوَالِي اللَّالِي : ١ / ٢٦٨ / ٧٢ وَج ٤ / ٥ / ١ .

٢- الكافي : ٢ / ٤٦٨ / ٣ عَنْ السَّكُونِي ، ثَوَابِ الْأَعْمَالِ : ١ / ٤٥ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ : ٢ / ٨ / ١٩٨٠ ، فَلَا حِ السَّائِلِ : ٧٢ / ٥ عَنْ السَّكُونِي عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ٩٣ / ٢٩٧ / ٢٥ ؛ مَسْنَدُ أَبِي يَعْلَى : ٢ / ٣٢٩ / ١٨٠٦ عَنْ جَابِرِ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

٣- نهج البلاغه : الخطبه ٢ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٣٣١ / ١٩ ؛ مطالب السؤل : ٥٨ .

٤- الصحيفه السَّجَادِيه : ٩٣ الدعاء ٢٢ .

۴ / ۹ همواره با طهارت بودن

۴ / ۱۰ دعا

۴ / ۹ همواره با طهارت بودن عوالی اللالی: در حدیث است که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از اندکی روزی شکوه آورد. فرمود: «همواره با طهارت باش تا روزی ات پیوسته باشد». آن مرد چنین کرد و روزی اش گشایش یافت.

ر. ک: ص ۷۷۵ (اصول بهداشتی).

۴ / ۱۰ دعا امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «آیا رهنمودتان ندهم به سلاحی که شما را از دشمنانتان رهایی بخشد و روزی هاتان را فراوان سازد؟» گفتند: «آری». فرمود: «پروردگارتان را شب و روز بخوانید؛ که سلاح مؤمن دعا است».

امام علی علیه السلام: در عین نیاز به کفایت بخشی او، از او یاری می جویم؛ که همانا هر کس او هدایتش کرده باشد، گمراه نگردد و هر کس او با وی دشمنی ورزد، نجات و پناه نیابد و هر کس او کفایتش کند، فقیر نگردد.

امام سجاد علیه السلام از دعای او به گاه سختی: بار خدایا! مرا بر رنج، توانایی؛ و بر بلا، شکیبایی؛ و بر فقر، توان تحمل نباشد. پس روزی ام را از من مستان و به خلقت وامگذار؛ بلکه خود، نیازم را بر آور و مرا کفایت فرما.

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ : وَأَجْرُنِي مِنْهُ بِوَسْعِ فَاضِلٍ ، أَوْ كِفَافٍ وَاصِلٍ . (١)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . . . وَأَغْنِنِي ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ . (٢)

عنه عليه السلام مِنْ دُعَائِهِ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاكْفِنِي مِثْرَةَ الْإِكْتِسَابِ ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ احْتِسَابٍ ؛ فَلَا أَشْتَغَلُ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالطَّلَبِ ، وَلَا أَحْتَمِلُ إِصْرَ تَبَعَاتِ الْمَكْسَبِ ، اللَّهُمَّ فَاطِبْنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أُطَلِّبُ ، وَأَجْرُنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : شَكَرَا رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الدَّوْرَ قَدِ اكْتَنَفْتُهُ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اِرْفَعْ صَوْتَكَ مَا اسْتَطَعْتَ ، وَسَلِ اللَّهَ أَنْ يُوسِّعَ عَلَيْكَ . (٤)

عنه عليه السلام فِي الدُّعَاءِ بَعْدَ الصَّلَاةِ الْمُسَيَّمَةِ بِالْكَامِلَةِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ قَسَمٍ أَوْ رَزَقْتَنِي مِنْ رِزْقٍ فَاجْعَلْهُ حَلَالًا طَيِّبًا ، وَسَعًا مُبَارَكًا ، قَرِيبَ الْمَطْلَبِ ، سَهْلَ الْمَأْخِذِ ، فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، وَسَلَامَةٍ وَسَعَادَةٍ ؛ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (٥)

١- .الصحيفه السجادية : ١٢١ الدعاء ٣٠ .

٢- .الصحيفه السجادية : ٨١ الدعاء ٢٠ .

٣- .الصحيفه السجادية : ٨٧ الدعاء ٢٠ .

٤- .الكافي : ٦ / ٥٢٦ / ٨ ، المحاسن : ٢ / ٤٤٩ / ٢٥٤٤ نحوه وكلاهما عن السكوني .

٥- .جمال الأسبوع : ١٩٨ ، بحار الأنوار : ٨٩ / ٣٧٧ / ٦٧ .

امام سجاده علیه السلام از دعای او در یاری خواستن برای پرداخت وام : و مرا با توانگری بسیار یا روزی به قدر نیاز و پیوسته ، از آن برهان .

امام سجاده علیه السلام از دعای او در خوی های نیکو : بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست ، و مرا بی نیاز کن و در روزی ای که به من می دهی گشایش ده .

امام سجاده علیه السلام از دعای او در خوی های نیکو : بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از رنج بردن در کسب روزی ای ، بی نیاز ساز و روزی بی حسابم ده تا با طلب کردن روزی از عبادتت بازمانم و بار سنگین کسب و کار را بر دوش نکشم . بار خدایا! به قدرت خویش ، آن چه را طلب می کنم ، بر آور و به سرافرازی ات ، مرا از آن چه بیم دارم ، و رهان .

امام صادق علیه السلام : مردی از انصار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت برد که خانه اش تنگ است . پیامبر فرمود : «چندان که می توانی ، صدایت را بلند کن و از خدا بخواه که تو را گشایش عطا کند» .

امام صادق علیه السلام در دعای پس از نماز کامل : بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست و آن چه را قسمت و روزی من ساخته ای ، حلال و پاک و گشاده و مبارک و در دسترس و آسان یاب قرار ده و آن را فراوان و همراه خرمی و سلامت و خوشبختی ساز ؛ که تو بر هر چیز توانایی .

الكافي عن جعفر بن محمد بن يقظان رفعه إليهم عليهم السلام: يَقُولُ الرَّجُلُ إِذَا فَرَغَ مِنَ الْأَذَانِ وَجَلَسَ : اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارًا (وَعَيْشِي قَارًا) وَرِزْقِي دَارًا ، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَرَارًا وَمُسْتَقَرًّا . (١)

١١ / ٤ الدُّعَاءُ لِلْإِخْوَانِ بَطْنِ الْغَيْبِ لِامَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : دُعَاءُ الْمُؤْمِنِ لِلْمُؤْمِنِ يَدْفَعُ عَنْهُ الْبَلَاءَ ، وَيُدِرُّ عَلَيْهِ الرِّزْقَ . (٢)

عنه عليه السلام : دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بَطْنِ الْغَيْبِ يُدِرُّ الرِّزْقَ ، وَيَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ . (٣)

الكافي عن حفص بن عمران البجليّ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَالِي وَانْتِشَارَ أَمْرِي عَلَيَّ ، قَالَ : فَقَالَ لِي : إِذَا قَدِمْتَ الْكُوفَةَ فَبِعْ وِسَادَةً مِنْ بَيْتِكَ بَعِشْرَةَ دَرَاهِمٍ ، وَادْعُ إِخْوَانَكَ وَأَعِدِّ لَهُمْ طَعَامًا ، وَسَلِّمْهُمْ يَدْعُونَ اللَّهَ لَكَ . قَالَ : فَفَعَلْتُ ، وَمَا أَمَكَّنَنِي ذَلِكَ حَتَّى بَعْتُ وِسَادَةً ، وَاتَّخَذْتُ طَعَامًا كَمَا أَمَرَنِي ، وَسَأَلْتُهُمْ أَنْ يَدْعُوا اللَّهَ لِي ، قَالَ : فَوَاللَّهِ مَا مَكَثْتُ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى أَتَانِي غَرِيمٌ لِي فَدَقَّ الْبَابَ عَلَيَّ وَصَالَحَنِي مِنْ مَالٍ لِي كَثِيرٍ كُنْتُ أَحْسِبُهُ نَحْوًا مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ دِرْهَمٍ ، قَالَ : ثُمَّ أَقْبَلَتِ الْأَشْيَاءُ عَلَيَّ . (٤)

١- الكافي : ٣ / ٣٠٨ / ٣٢ ، تهذيب الأحكام : ٢ / ٦٤ / ٢٣٠ وليس فيه «عيشي قارًا» ، بحار الأنوار : ٨٤ / ١٨٢ / ١٥ نقلًا عن مصباح المتعجب .

٢- الاختصاص : ٢٨ ، المؤمن : ٥٥ / ١٤٠ ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٢٢٢ / ٢ .

٣- الكافي : ٢ / ٥٠٧ / ٢ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ٩٣ / ٣٥٨ / ١٦ نقلًا عن مكارم الأخلاق .

٤- الكافي : ٥ / ٣١٤ / ٤٢ ، بحار الأنوار : ٤٧ / ٣٨٢ / ١٠٤ ، وراجع الاختصاص : ٢٤ .

۴ / ۱۱ دعای پنهان برای برادران [مؤمن]

الکافی از جعفر بن محمد بن یقظان که حدیث را به امامان معصوم علیهم السلام رسانده است: انسان باید پس از اذان و برجای نشستن بگوید: «بار خدایا! قلب مرا نیک، زندگی ام را آرام، و روزی ام را سرشار ساز؛ و مرا نزد مزار پیامبرت صلی الله علیه و آله آرامش و آسودگی نصیب فرما.

۴ / ۱۱ دعای پنهان برای برادران مؤمنام صادق علیه السلام: دعای مؤمن برای مؤمن، بلا را از او دور می کند و روزی وی را فراهم می سازد.

امام صادق علیه السلام: دعای انسان برای برادر [مؤمن] خود، روزی را فراوان و ناخوشایندها را دور می کند.

حفص بن عمران بجلی: به امام صادق علیه السلام از حال خود و گسسته شدن رشته کارهایم شکایت کردم. مرا فرمود: «چون به کوفه بازگشتی، بالشی از خانه ات به ده درهم بفروش و برادران [مؤمن] خود را فراخوان و غذایی برایشان آماده ساز و از ایشان بخواه که برایت نزد خداوند دعا کنند». من چنین کردم و انجام دادن آن به این شکل برایم میسر شد که بالشی فروختم و غذایی فراهم آوردم، همان گونه که او فرمان داده بود. آن گاه از آنان خواستم که نزد خدا برایم دعا کنند. به خدا سوگند! دیری نگذشت که یکی از بدهکارانم فرا آمد و در خانه ام را کوفت و مالی فراوان که مربوط به خودم بود گمان دارم در حدود ده هزار درهم را با من مصالحه کرد و از آن پس، روزگار به من روی آورد.

٤ / ١٢ الأدعية المأثورة في طلب الرزق رسول الله صلى الله عليه وآله: يا سَلْمَانُ ، أَكْثَرُ أَنْ تَقُولَ : رَبِّ اقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ ، وَأَغْنِنِي مِنَ الْفَقْرِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: ما مِنْ عَبْدٍ يَخَافُ زَوَالَ نِعْمَةٍ ، أَوْ فُجَاءَةَ نِقْمَةٍ ، أَوْ تَغْيِيرَ عَافِيَةٍ وَيَقُولُ : « يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ ، يَا وَاحِدُ يَا مَجِيدُ ، يَا بَرُّ يَا كَرِيمُ ، يَا رَحِيمُ يَا غَنِيُّ ، تَمَّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ ، وَهَبْ لَنَا كَرَامَتَكَ ، وَالْبَسْنَا عَافِيَتَكَ » ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (٢)

الكافي عن إسماعيل بن عبد الخالق: أَبْطَأَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَتَاهُ ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا أَبْطَأَ بِكَ عَنَّا؟ فَقَالَ : السُّقْمُ وَالْفَقْرُ ، فَقَالَ لَهُ : أَفَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً يَذْهَبُ اللَّهُ عَنْكَ بِالسُّقْمِ وَالْفَقْرِ؟ قَالَ : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَقَالَ : قُلْ : « لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (العَلِيِّ العَظِيمِ) ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ أَحِبَّةً وَلَا) وَلِئِدَا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا . قَالَ : فَمَا لَبِثَ أَنْ عَادَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي السُّقْمَ وَالْفَقْرَ . (٣)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ [الحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام] يَقُولُ لِوَلَدِهِ: يَا بَنِيَّ ، إِذَا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ مِنَ الدُّنْيَا أَوْ نَزَلَ بِكُمْ فَاقَةٌ ، فَلْيَتَوَضَّأْ؟ الرَّجُلُ فَيُحْسِنُ وَضُوءَهُ ، وَلْيُصَلِّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ أَوْ رَكَعَتَيْنِ ، فَإِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيَقُلْ : « يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى ، يَا مَعَ كُلِّ نَجْوَى ، يَا شَافِيَ كُلِّ بَلَاءٍ ، يَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَةٍ ، وَيَا كَاشِفَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيٍّ ، وَيَا مُنْجِيَ مُوسَى ، وَيَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ ، وَيَا حَلِيلَ إِبْرَاهِيمَ ، أَدْعُوكَ دُعَاءً مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ ، دُعَاءَ الْغَرِيبِ الْغَرِيبِ الْفَقِيرِ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ » . قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : لَا يَدْعُو بِهَذَا رَجُلٌ أَصَابَهُ بَلَاءٌ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ . (٤)

١- المعجم الكبير: ٦ / ٢٣٣ / ٦٠٧٨ عن سلمان الفارسي ، كنز العمال : ٦ / ٢٢٧ / ١٥٤٦٥ .

٢- بحار الأنوار : ٩٥ / ١٩٤ / ٢٧ نقلًا عن خطِّ الشهيد الأول رحمه الله .

٣- الكافي : ٢ / ٥٥١ / ٣ ، الأمل للمفيد : ٢٢٩ / ٢ عن محمد بن جعفر عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير العياشي : ٢ /

٣٢٠ / ١٨١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وكلاهما نحوه .

٤- كشف الغمّة : ٢ / ١٨٠ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ٩١ / ٣٧٤ / ٣١ .

۴ / ۱۲ دعاهای روایت شده در طلب روزی

۴ / ۱۲ دعاهای روایت شده در طلب روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای سلمان! فراوان بگو: «پروردگارم! وام مرا ادا کن و از فقر رهایم فرما».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر بنده ای که از نیستی نعمتی یا رخ دادن عذابی ناگهانی یا رخت بر بستن سلامتی بیم داشته باشد و این ذکر را بگوید، خدای تعالی خیر دنیا و آخرت را به وی عطا فرماید: «ای زنده، ای پابرجا، ای یگانه، ای باشکوه، ای نیکو، ای کرامت پیشه، ای مهرورز، ای توانگر! نعمت خویش را بر ما تمام فرما و کرامتت را به ما نصیب گردان و جامه سلامتت را بر ما بپوشان».

الکافی از اسماعیل بن عبد الخالق: یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله چندی به دیدار وی نیامد. پس از چندی که به دیدار آمد، پیامبر فرمود: «این تأخیر را سبب چه بود؟» گفت: «بیماری و فقر». فرمود: «آیا دعایی نیاموزمت که با آن، خداوند بیماری و فقر را از تو دور دارد؟» گفت: «آری؛ ای رسول خدا». فرمود: بگو: هیچ نیرو و توانی جز از خدای والای بزرگ نیست. توکل می‌کنم بر زنده ای که هرگز نمیرد. و سپاس خدای را که همنشین و فرزندی نگیرد و در حکمرانی شریکی ندارد و از سر فروتری یاری نگیرد. و او را بسی بزرگ بشمار». راوی گوید: «دیری نگذشت که او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشت و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! همانا خداوند بیماری و فقر را از من زدود».

امام باقر علیه السلام: حسن بن علی علیهما السلام به فرزندانش می‌فرمود: «فرزندانم! هر گاه مصیبتی دنیایی یا تنگنایی به شما روی آورد، انسان باید نیک و وضو گیرد و چهار یا دو رکعت نماز بگذارد و پس از پایان نماز بگوید: ای آن که هر شکایت را نزد وی برند؛ ای شنونده هر نجوا؛ ای از میان برنده هر بلا؛ ای دانای هر نمان؛ ای زداینده هر بلا که خود خواهد؛ ای نجات بخش موسی؛ ای برگزیننده محمد؛ ای دوست ابراهیم! تو را به گونه کسی می‌خوانم که تنگنای او شدت گرفته و نیرویش کاستی پذیرفته و تدبیرش اندک شده؛ به گونه غریب غرق شده فقیری که برای رهایی از این حال، هیچ کس را جز تو نیابد؛ ای مهرورزترین مهرورزان؛ منزهی تو و من از ستمگرانم». امام سجاده فرموده است: «هیچ گرفتار بلایی بدین گونه دعا نکند، مگر آن که خدای تعالی برایش گشایش فراهم آورد».

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعائه إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ ابْتَلَيْتَنَا فِي أَرْزَاقِنَا بِسُوءِ الظَّنِّ ، وَفِي آجَالِنَا بِطُولِ الأَمَلِ ؛ حَتَّى التَّمَسْنَا أَرْزَاقَكَ مِنْ عِنْدِ المَرزُوقِينَ ، وَطَمَعْنَا بِأَمَالِنَا فِي أَعْمَارِ المَعْمَرِينَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكْفِينَا بِهِ مِنْ مَوُونِهِ الطَّلَبِ ، وَأَلْهِمْنَا ثِقَةً خَالِصَةً تُعْفِينَا بِهَا مِنْ شِدَّةِ النَّصَبِ ، وَاجْعَلْ مَا صَرَّحْتَ بِهِ مِنْ عِدَّتِكَ فِي وَحْيِكَ وَأَتْبَعْتَهُ مِنْ قَسْدِكَ فِي كِتَابِكَ ، قَاطِعًا لِاهْتِمَامِنَا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْتَ بِهِ ، وَحَسْمًا لِلِاشْتِغَالِ بِمَا ضَمَنْتَ مِنَ الكِفَايَةِ لَهُ ، فَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الحَقُّ الأَصْدَقُ ، وَأَقْسَمْتَ وَقَسْمِكَ الأَبْرُ الأَوْفَى : «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» ، ثُمَّ قُلْتَ : «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ الأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ (١) . (٢)»

١- الذاريات : ٢٢ و ٢٣ .

٢- الصحيفه السجادية : ١١٩ الدعاء ٢٩ .

امام سجاد علیه السلام در دعایش به گاه تنگی روزی: بار خدایا! همانا ما را در روزی همامان، به بدگمانی؛ و در سرآمد عمرمان، به دراز آرزویی آزموده ای؛ چندان که روزی های تو را از روزی داده شدگان طلب کردیم و با آرزوهای خویش، در عمرهای دیرینه عُمران طمع ورزیدیم. پس بر محمّد و خاندان وی درود فرست و ما را یقینی صادقانه بخش که با آن، از رنج طلب رهایی مان دهی؛ و اعتمادی خالصانه در دلمان افکن که با آن، از سختی رنج نجاتمان بخشی؛ و نویدهایی را که در وحی خویش آورده ای و با سوگندهایت در کتابت همراه فرموده ای، مایه دست کشیدن ما از تلاش بیهوده برای کسب روزی ای ساز که خود برعهده گرفته ای و نیز آن را سبب ترک مشغولیت ما به چیزی گردان که خود برآوردنش را تضمین فرموده ای. تو گفته ای و گفته ات حق است و راست ترین و سوگند خورده ای و سوگندت نیکوترین است و صادقانه ترین: «و روزی تان و آن چه بدان وعده داده شده اید، در آسمان است» و آن گاه فرموده ای: «پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که همانا سخن وی حق است، چنان که شما سخن می گوئید [و آن را حق می شمرد]».

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ (صَاحِبَهُ وَلَا) وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا» أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ السُّقْمَ وَالْفَقْرَ. (١)

عنه عليه السلام: إِذَا عَدَوْتَ فِي حَاجَتِكَ بَعْدَ أَنْ تَجِبَ الصَّلَاةُ، فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشَهُُّدِ قُلْتَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي عَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا- طَيِّبًا، وَأَعْطِنِي فِي مَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ» تُعِيدُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ أُخْرَاوَيْنِ، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشَهُُّدِ قُلْتَ: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ عَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةٍ وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ يَا رَبِّ وَقُوَّتِكَ، وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَبَرَكَةَ أَهْلِهِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَسِعَ مَا طَيَّبَا حَلَالًا، تَسْوِفُهُ إِلَيَّ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ» تَقُولُهَا ثَلَاثًا. (٢)

تفسير العياشي عن عبد الله بن سنان: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: أَلَا أَعْلَمُكَ شَيْئًا إِذَا قُلْتَهُ قَضَى اللَّهُ دِينَكَ وَأَنْعَشَكَ وَأَنْعَشَ حَالَكَ؟ فَقُلْتُ: مَا أَحْوَجُنِي إِلَى ذَلِكَ! فَعَلَّمَهُ هَذَا الدُّعَاءَ، قُلْ فِي دُبُرِ صِيْلِهِ الْفَجْرِ: «تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ، وَمِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَالسُّقْمِ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى النَّاسِ». (٣)

١- الدعوات: ١٩٣ / ٥٣٢، بحار الأنوار: ٩٥ / ١٩ / ٢٠.

٢- الكافي: ٣ / ٤٧٥ / ٧ عن الوليد بن صبيح، قرب الإسناد: ٣ / ٦ / ٧ عن مسعدة بن صدقة نحوه، بحار الأنوار: ٩٥ / ٢٩٣.

١ /

٣- تفسير العياشي: ٢ / ٣٢٠ / ١٨١، بحار الأنوار: ٨٦ / ١٣٢ / ٨ / ٩٥ / ٣٠٢ / ٤.

امام صادق علیه السلام: هر که گوید: «هیچ نیرو و توانی جز از خدای نیست . توکل می کنم بر زنده ای که هرگز نمیرد . و سپاس خدای را که همنشین و فرزندی نگیرد و در حکمرانی شریکی ندارد و از سر فروتری یاری نگیرد . و او را بسی بزرگ بشمار» ، خداوند بیماری و فقر را از وی بزداید .

امام صادق علیه السلام: بامدادان که در پی حاجتی می روی ، پس از نماز واجب دو رکعت نماز بگزار و بعد از تشهد ، سه بار بگو: «بار خدایا! بامدادان همان گونه که فرمانم داده ای ، در پی نعمت تو روان می شوم . پس مرا از روزی حلال و پاکت نصیب فرما و در آن چه روزی ام می سازی ، سلامت مقرر فرما» . سپس دو رکعت دیگر بگزار و بعد از تشهد ، سه بار بگو: «به توان و نیروی خدا ، حرکت کردم و نه به نیرو و توان خود ، بلکه به نیرو و توان تو ای پروردگارم ؛ و از هر نیرو و توانی به سوی تو می گرایم . بار خدایا! از تو برکت این روز و اهلش را خواهانم و درخواست می کنم که از فضل خویش ، روزی گسترده پاک حلالی نصیبم فرمایی که با نیرو و توان خود ، آن را به سوی من می کشانی ، حال آن که من در سلامت تو آرمیده ام» .

تفسیر العیاشی از عبدالله بن سنان: به امام صادق علیه السلام شکایت کردم . فرمود: «آیا چیزی نیاموزمت که هرگاه بگویی ، خداوند امانت را ادا فرماید و نشاط بخشد و حالت را خوش گرداند؟» گفتم: «به چنین چیزی بسیار نیازمندم» . امام این دعا را آموخت که بعد از نماز صبح بخوانم: «توکل می کنم بر زنده ای که هرگز نمیرد . و سپاس خدای را که همنشین و فرزندی نگیرد و در حکمرانی شریکی ندارد و از سر فروتری یاری نگیرد . و او را بسی بزرگ بشمار . بار خدایا! به تو پناه می برم از بدحالی و فقر و از غالب شدن قرض و بیماری . و از تو درخواست می کنم که یاری ام فرمایی تا حق تو و مردم را ادا کنم» .

فلاح السائل عن محمد بن أبي عمير عن عبيد بن زرارہ: حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ شَيْعَتِهِ الْفَقْرَ وَضَيْقَ الْمَعِيشَةِ ، وَأَنَّهُ يَجُولُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْبُلْدَانَ فَلَا يَزِدَادُ إِلَّا فَقْرًا ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا صَيَّيْتُ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فَقُلْ وَأَنْتَ مُتَيَّأٌ : «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي ، وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَيَّ قَلْبِي ...» . قَالَ عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ : فَمَا مَضَتْ بِالرَّجُلِ مُدِيدُهُ حَتَّى زَالَ عَنْهُ الْفَقْرُ ، وَحَسُنَتْ حَالُهُ . (١)

٤ / ١١٣ الأذكارُ المأثورَةُ لِدَفْعِ الْفَقْرِ رسول الله صلى الله عليه و آله : سَمِعْتُ جَبْرَائِيلَ يَقُولُ : مَنْ قَالَ مِنْ أُمَّتِكَ يَا مُحَمَّدٌ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةً : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» كَانَ لَهُ أَمَانًا مِنَ الْفَقْرِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةً مَرَّةً : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» كَانَ لَهُ أَمَانًا مِنَ الْفَقْرِ ، وَأَمِنَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ ، وَاسْتَجَلَبَ الْغِنَى . (٣)

١- فلاح السائل : ٤٤٧ / ٣٠٥ ، بحار الأنوار : ٨٦ / ١٢٤ / ٥ .

٢- كنز العمال : ٢ / ٦٨١ / ٥٠٥٨ نقلاً عن الديلمي عن مالك عن الإمام علي عليه السلام .

٣- كشف الغمّة : ٢ / ٣٧٦ عن مالك بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٨٧ / ٤ / ٦ ؛ تاريخ بغداد : ١٢ / ٣٥٨ / ٦٧٩٠ ، حليه الأولياء : ٨ / ٢٨٠ كلاهما عن مالك بن أنس عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آلهنحوه ، كنز العمّال : ٢ / ٢٣٣ / ٣٨٩٦ نقلاً عن الشيرازي في الألقاب والديلمي عن مالك بن أنس وراجع ثواب الأعمال : ٢٣ / ١ .

۴ / ۱۳ ذکرهای روایت شده برای فقرزدایی

فلاح السائل از محمّد بن ابی عمیر از عبید بن زراره: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی از پیروانش از فقر و تنگدستی به وی شکایت آورد و گفت که در طلب روزی دیار به دیار می گردد، ولی جز فقر روز افزون نصیبت نمی شود. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «هنگامی که نماز عشا را به جای آوردی، با آرامی و وقار بگو: «بار خدایا! من نمی دانم که روزی ام در کجا نهاده شده و آن را چنان که به قلبم خطور می کند، می طلبم...». عبید بن زراره گوید: «پس از کوتاه زمانی، فقر از وی زدوده شد و حالش خوش گشت».

۴ / ۱۳ ذکرهای روایت شده برای فقرزدایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جبرئیل شنیدم که می گفت: «ای محمّد! هر کس از امت تو روزانه صد بار این ذکر را بگوید، از فقر در امان باشد: لا اله الا الله الملك الحق المبين (= جز خدای حکمران راستین روشنگر معبودی نیست)».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزانه صد بار این ذکر را بگوید، از فقر در امان باشد و از وحشت قبر رها گردد و توانگری را به دست آورد: «لا اله الا الله الملك الحق المبين (= جز خدای حکمران راستین روشنگر معبودی نیست)».

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ أَلْحَ عَلَيْهِ الْفَقْرُ فَلْيَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُنْفَى عَنْهُ الْفَقْرُ . (١)

الإمام على عليه السلام :مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ، دَفَعَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَعَنَّهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ ، أَيْسَرَهَا الْفَقْرُ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام :مَنْ قَالَ : «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً ، اسْتَقْبَلَ الْغِنَى ، وَاسْتَدْبَرَ الْفَقْرَ ، وَقَرَعَ بَابَ الْجَنَّةِ . (٣)

عنه عليه السلام من آبائهم عليهم السلام : مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً : «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» اسْتَقْبَلَ الْغِنَى ، وَاسْتَدْبَرَ الْفَقْرَ ، وَقَرَعَ بَابَ الْجَنَّةِ . (٤)

الكافي عن إبراهيم بن صالح عن رجل من الجعفريين :كَانَ بِالْمَدِينَةِ عِنْدَنَا رَجُلٌ يُكْنَى أَيْمًا الْقَمْقَامَ ، وَكَانَ مُحَارِفًا ، فَاتَى أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَكَا إِلَيْهِ حِرْفَتَهُ ، وَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ لَا- يَتَوَجَّهُ فِي حَاجِهِ فَيَقْضَى لَهُ ، فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قُلْ فِي آخِرِ دُعَاؤِكَ مِنْ صِيْلَةِ الْفَجْرِ : «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ، وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ . قَالَ أَبُو الْقَمْقَامِ : فَلَزِمْتُ ذَلِكَ ، فَوَاللَّهِ مَا لَبِثْتُ إِلَّا- قَلِيلًا- حَتَّى وَرَدَ عَلَيَّ قَوْمٌ مِنَ الْبَادِيَةِ ، فَأَخْبَرُونِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ قَوْمِي مَاتَ وَلَمْ يُعْرِفْ لَهُ وَارِثٌ غَيْرِي ، فَانْطَلَقْتُ وَقَبِضْتُ مِيرَاثَهُ وَأَنَا مُسْتَعْنٍ . (٥)

١- الكافي : ٨ / ٩٣ / ٦٥ ، المحاسن : ١ / ١١٤ / ١١٣ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٣٦ ، كَلَّهَا عَنِ السُّكُونِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ : ٦٥١ / ٨٨٥ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ تَارِيخُ بَغْدَادَ : ٢ / ٥٢ / ٤٤٨ عَنِ أَنَسِ نَحْوَهُ .

٢- الخصال : ٥٠٥ / ٢ عَنِ سَعِيدِ بْنِ عَلاقِهِ ، الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ : ١٠٩ / ٨٤ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَانَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهِ «أَدْنَاهَا» بَدَلَ «أَيْسَرَهَا» ، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ : ٤٩٩ ، مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ : ٢٣٠ / ٦٤٥ .

٣- الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ : ٣٥٥ / ٤٣٦ عَنِ حَمَّادِ بْنِ وَاقدٍ ، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ : ٢ / ١٦٦ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ٩٣ / ١٧٧ / ٥ .

٤- ثَوَابُ الْأَعْمَالِ : ٢٣ / ١ ، الْمُحَاسِنُ : ١ / ١٠١ / ٧٣ نَحْوَهُ وَكِلَاهُمَا عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ٨٧ / ٨ / ١٤ وَرَاجِعُ الْأَمَالِيِّ لِلطُّوسِيِّ : ٢٧٩ / ٥٣٤ وَصَحِيفَةُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : ٢٨٨ / ٣٧ وَالدَّعَوَاتُ : ١١٧ / ٢٧١ .

٥- الكافي : ٥ / ٣١٥ / ٤٦ وَج ٢ / ٥٥٠ / ١٢ ، مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ : ١ / ٣٢٨ / ٩٦٢ ، الْمُقْنَعَةُ : ١٣٧ ، عَدَّةُ الدَّاعِي : ٢٥١ كَلَّهَا نَحْوَهُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ٩٥ / ٢٩٥ / ٨ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که فقر بر وی فشار آورد، فراوان بگوید: «لا حول ولا قوة الا بالله العظیم (= هیچ نیرو و توانی نیست مگر با تکیه بر خدای والای بزرگ)»؛ و بدین سان، فقر از وی زدوده گردد.

امام علی علیه السلام: هر که روزانه سی بار «سبحان الله» گوید، خداوند هفتاد گونه بلا را از وی دور سازد که کمترین آن ها فقر است.

امام صادق علیه السلام: هر کس سی بار این ذکر را بگوید، به توانگری روی کند و از فقر روی گرداند و در بهشت را بکوبد: «سبحان الله وبحمده، سبحان الله العظیم (= منزه است خدا و او را می ستایم؛ منزه است خدا)».

امام صادق علیه السلام از پدرانش: هر که روزانه سی بار این ذکر را بگوید، به توانگری روی کند و از فقر روی گرداند و در بهشت را بکوبد: «لا اله الا الله الحق المبین (= جز خدای راستین روشنگر معبودی نیست)».

الکافی از ابراهیم بن صالح از مردی در زمره جعفری ها: در مدینه، نزدیک ما مردی بود با کنیه ابوقمقام که از روزی محروم بود. وی نزد امام کاظم علیه السلام آمد و از محرومیتش به وی شکایت آورد و به او گفت که به هیچ حاجتی روی نمی آورد که بدان دست یابد. امام کاظم علیه السلام به او فرمود: «در پایان دعای خود پس از نماز صبح ده بار بگو: سبحان الله العظیم، استغفر الله، و اسأله من فضله (= منزه است خدای بزرگ؛ از خداوند آمرزش می خواهم؛ و بخشش او را درخواست می کنم)». ابوقمقام گوید: «من چنین کردم و به خدا سوگند که دیری نگذشت تا گروهی از صحرا بر من درآمدند و خبرم دادند که یکی از خویشانم در گذشته و جز من وارثی برای او شناخته نشده است. پس روان گشته، میراث وی را برگرفتم و توانگری یافتم».

ص: ٧٢٢

راجع : ص ٥٤ (الدعاء للتقدم الاقتصادي).

ص: ۷۲۳

ر. ک: ص ۵۵ (دعا برای پیشرفت اقتصادی).

.

الفصل الخامس: المبادئ الاجتماعية ٥ / النكاح رسول الله صلى الله عليه وآله: التمسوا الرزق بالنكاح. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: تزوجوا النساء؛ فإنهن يأتينكم بالمال. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: اتخذوا الأهل؛ فإنه أرزق لكم. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: تزوجوا أياماكم؛ فإن الله تعالى يحسن لهن في أخلاقهن، ويوسع لهن في أرزاقهن، ويزيدهن في مروّاتهن. (٤)

١- مكارم الأخلاق: ١/٤٣٠/١٤٥٩؛ تفسير الكشاف: ٣/٧٤، الفردوس: ١/٨٨/٢٨٢ عن ابن عباس .

٢- المستدرک علی الصحیحین: ٢ / ١٧٤ / ٢٦٧٩، تاریخ بغداد: ٩ / ١٤٧ / ٤٧٥٩، الفردوس: ٢/٥٠/٢٢٩٠ كلّها عن عائشه، كنز العمال: ١٦/٢٧٥/٤٤٣١ وص ٤٩٢/٤٥٦٧؛ مكارم الأخلاق: ١/٤٣٠/١٤٦٢.

٣- الكافي: ٥ / ٣٢٩ / ٦ عن ابن القدّاح، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ٣٨٣ / ٤٣٤٥، تهذيب الأحكام: ٧ / ٢٣٩ / ١٠٤٦ عن ابن أبي القدّاح، قرب الإسناد: ٢٠ / ٦٨ عن ميمون القدّاح وكلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٢١٧ / ١.

٤- الجعفریات: ٩١، جامع الأحاديث للقمي: ٦٦ وفيه ضمير جمع المذكر «هم» بدل «هنّ» في جميع الموارد، دعائم الإسلام: ٢ / ١٩٦ / ٧١٣ وليس فيه «ويزيدهنّ في مروّاتهنّ»؛ الفردوس: ٢ / ٢٩٣ / ٣٣٣٦ عن ابن عمر نحوه .

۵ / ۱ ازدواج

فصل پنجم: اصول اجتماعی ۵ / ۱ ازدواج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با ازدواج، روزی را بطلید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنان را به همسری گیرید که ایشان برایتان دارای آورند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خانواده دار شوید که بدین سان روزی تان بیش تر گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با زنان بی همسر ازدواج کنید که خدای تعالی اخلاق ایشان را نیک گرداند و روزی هاشان را بیفزاید و بلند همتی شان را بیش سازد.

الإمام الصادق عليه السلام: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله شاب من الأنصار، فشكا إليه الحاجة، فقال له: تزوج، فقال الشاب: إني لأستحي أن أعود إلى رسول الله، فلحقه رجل من الأنصار فقال: إن لي بنتا وسميها، فزوجها إياها. قال: فوسع الله عليه. فأتى الشاب النبي صلى الله عليه وآله فأخبره، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا معشر الشباب، عليكم بالباه. (١)

عنه عليه السلام في قول الله عز وجل: «وَلَيْسَ تَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (٢)»: «يَتَزَوَّجُوا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ مِنْ فَضْلِهِ (٣)».

عنه عليه السلام: جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله فشكا إليه الحاجة، فقال: تزوج، فتزوج فوسع عليه. (٤)

الكافي عن عاصم بن حميد: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فأتاه رجل فشكا إليه الحاجة، فأمره بالتزويج. قال: فاشتدت به الحاجة، فأتى أبا عبد الله عليه السلام فسأله عن حاله، فقال له: اشتدت بي الحاجة، فقال: ففارق، ثم أتاه فسأله عن حاله، فقال: أتريت وحسن حالي، فقال أبو عبد الله عليه السلام: إني أمرتك بأمرين أمر الله بهما: قال الله عز وجل: «وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلَيْهِمْ (٥)»، وقال: «وَأِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كِلَا مِّن سَعَتِهِ (٦)». (٧)

١- الكافي: ٥ / ٣٣٠ / ٣ عن أبي بصير.

٢- النور: ٣٣.

٣- الكافي: ٥ / ٣٣١ / ٧، عوالي اللآلي: ٣ / ٢٨١ / ٥ كلاهما عن معاوية بن وهب.

٤- الكافي: ٥ / ٣٣٠ / ٢، عوالي اللآلي: ٣ / ٢٨١ / ٣ كلاهما عن هشام بن سالم وراجع درر الأحاديث النبوية: ٤٤ و تاريخ بغداد: ١ / ٣٦٥ / ٣٠٧.

٥- النور: ٣٢.

٦- النساء: ١٣٠.

٧- الكافي: ٥ / ٣٣١ / ٦.

امام صادق علیه السلام: جوانی از انصار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و به وی از نیازمندی شکایت آورد. پیامبر به او فرمود: «ازدواج کن». جوان می گوید: «من شرم دارم که نزد رسول خدا بازگردم». مردی از انصار نزد او آمد و گفت: «مرا دختری است خوش سیما»؛ و آن گاه، دخترش را به همسری وی داد. به گفته او، خداوند وی را گشایش بخشید. سپس آن جوان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را به وی خبر داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای گروه جوانان! بر شما باد به ازدواج».

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای: «و آنان که [وسیله] زناشویی نیابند، باید خویشنداری و پاکدامنی پیش گیرند تا خداوند از بخشش خود بی نیازشان گرداند»: ازدواج کنند تا خدای از بخشش خود بی نیازشان فرماید.

امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به وی از نیازمندی شکایت آورد. فرمود: «ازدواج کن». او ازدواج کرد و زندگی اش گشایش یافت.

الکافی از عاصم بن حمید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی نزد وی آمد و از نیازمندی شکایت آورد. امام او را به ازدواج فرمان داد. راوی گوید: «چون ازدواج کرد، نیازمندی اش شدت گرفت». پس دیگر بار نزد امام صادق علیه السلام آمد و امام حال وی را جویا گشت. گفت: «نیازم شدت گرفته است». امام فرمود: «از همسرت جدا شو». [مرد چنین کرد و] سپس نزد امام آمد. امام حال وی را پرسید. گفت: «ثروت یافتم و حالم نیکو گشت». امام فرمود: «من تو را به دو کار فرمان دادم که خدا به آن ها امر فرموده است. خداوند فرماید: «و مردان بی زن و زنان بی شوهر را و شایستگان از بندگان و کنیزان خود را به زناشویی دهید. اگر تنگدست باشند، خداوند آنان را از بخشش خویش بی نیاز می گرداند؛ و خدا فراخی بخش و دانا است» و نیز فرماید: «و اگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش خویش بی نیاز می کند».

الكافي عن إسحاق بن عمّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: آلِ حَدِيثُ الَّذِي يَرَوِيهِ النَّاسُ حَقٌّ؛ أَمْ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهَشَاكَ إِلَيْهِ الْحَاجَّةُ فَأَمَرَهُ بِالتَّزْوِيجِ، فَفَعَلَ، ثُمَّ أَنَاهُ فَهَشَاكَ إِلَيْهِ الْحَاجَّةُ فَأَمَرَهُ بِالتَّزْوِيجِ، حَتَّى أَمَرَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (نَعَمْ) هُوَ حَقٌّ. ثُمَّ قَالَ: الرَّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْعِيَالِ. (١)

٥ / ١٢ التَّجْمُلُرسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَاءَ الْوَرْدِ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ، وَيَنْفِي الْفَقْرَ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: تَخْتَمُوا بِالْيَوَاقِيتِ؛ فَإِنَّهَا تَنْفِي الْفَقْرَ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: تَخْتَمُوا بِالْعَقِيقِ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ. (٤)

١- الكافي: ٥ / ٣٣٠ / ٤، عوالي اللآلي: ٣ / ٢٨١ / ٤.

٢- مكارم الأخلاق: ١ / ١٠٦ / ٢٢١، بحار الأنوار: ٧٦ / ١٤٤ / ٢.

٣- الكافي: ٦ / ٤٧١ / ٢ عن محمّد بن فضيل عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وح ١، ثواب الأعمال: ٢١٠ / ١ كلاهما عن الحسين بن خالد عن الإمام الرضا عن الإمام الصادق عليهما السلام.

٤- جامع الأخبار: ٣٧١ / ١٠٢٧؛ كنز العمّال: ٦ / ٦٦٤ / ١٧٢٨٦ نقلًا عن الكامل في الضعفاء عن أنس.

۵ / ۲ خود آرایی

الکافی از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: «آیا این حدیث که مردم روایت می کنند راست است که مردی نزد رسول خدا آمد و از نیازمندی اش به وی شکایت آورد و پیامبر او را به ازدواج فرمان داد و او چنین کرد و دیگر بار نزد وی از نیازمندی شکایت کرد و باز پیامبر او را به ازدواج فرمان داد و این سه بار تکرار شد؟» امام صادق علیه السلام فرمود: «آری، چنین است». سپس فرمود: «روزی همراه زنان و نان خوران است».

۵ / ۲ خود آرایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا گلاب آبرو را می افزاید و فقر را می زداید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انگشتر یاقوت در انگشت کنید؛ که این شیوه فقر را می زداید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انگشتر عقیق در بر کنید؛ که این، فقر را از میان می برد.

الإمام علي عليه السلام: ... التَّجَمُّلُ اجْتِنَابُ الْمَسْكَنَةِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: أَخَذُ الشَّارِبِ وَالْأظْفَارِ وَعَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (٢)

عنه عليه السلام: الْمَشْطُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَذْهَبُ بِالْدَاءِ . (٣)

عنه عليه السلام في قول الله عز وجل : «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» : الْمَشْطُ (فَإِنَّ الْمَشْطَ) يَجْلِبُ الرِّزْقَ ، وَيُحَسِّنُ الشَّعْرَ ، وَيُنْجِزُ الْحَاجَةَ ، وَيَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ ، وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ . (٤)

الإمام الكاظم عليه السلام: قَالَ سَيِّدُنَا الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ ، وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثْرَهَا . قِيلَ : وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ : يُنْظَفُ ثَوْبُهُ ، وَيُطَيَّبُ رِيحُهُ ، وَيُجْصَّصُ دَارُهُ ، وَيَكْنَسُ أَفْتِيَّتَهُ ، حَتَّى إِذَا السَّرَاجُ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (٥)

١- تحف العقول : ٢١٥ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٥٤ / ٩١ .

٢- الكافي : ٣ / ٤١٨ / ٥ وج ٥ / ٤٩١ / ١٠ نحوه ، جمال الأسبوع : ٢٢٦ كلها عن محمد بن طلحة ، مكارم الأخلاق : ١ / ١٥١ / ٣٩٤ ، جامع الأحاديث للقمي : ١٦٠ ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١٢٢ / ١٢ .

٣- مكارم الأخلاق : ١ / ١٦٥ / ٤٦٨ عن يزيد بن مسلم ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١١٣ / ١٥ .

٤- الخصال : ٣ / ٢٦٨ عن عبد الرحمان بن الحجاج ، مكارم الأخلاق : ١ / ١٦٢ / ٤٥٠ ، روضه الواعظين : ٣٣٧ ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١١٧ / ٤ و ١١٨ / ٦ .

٥- الأمالي للطوسي : ٢٧٥ / ٥٢٦ عن أحمد بن عبد الله المنصوري عن عم أبيه عن الإمام الهادي عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ١ / ١٠٠ / ١٩٠ ، إرشاد القلوب : ١٩٥ وفيه «يخصي ص» بدل «يجصي ص» ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٣٥٤ نحوه ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١٤١ / ٥ و ١٧٦ / ٥ .

امام علی علیه السلام: .. خودآرایی سبب دوری از بینوایی است .

امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن موی پشت لب و ناخن و شست و شوی سر با گل خطمی در روز جمعه ، فقر را می زداید و روزی را می افزاید .

امام صادق علیه السلام: شانه زدن فقر را دور می کند و بیماری را از میان می برد .

امام صادق علیه السلام درباره سخن خدای : «در هر سجده گاه ، زینت خویش را بگیرید» : مراد ، شانه زدن است که روزی را جلب می کند ، موی را نکو می نماید ، نیاز را برمی آورد ، آب پشت را می افزاید ، و بلغم [سستی عضلات و زردی چهره] را از میان می برد .

امام کاظم علیه السلام: سرور ما صادق علیه السلام فرموده است: «همانا خداوند زیبایی و زیباگرایی را دوست می دارد و از زشتی و زشتی گرایی بیزار است . خدای هر گاه بنده ای را نعمت بخشد ، دوست می دارد که نشانه آن را بروی بنگرد» . گفته شد: «این چگونه باشد؟» فرمود: «جامه اش را تمیز سازد ، خود را خوشبوی گرداند ، خانه اش را سفید کند ، صحن سرایش را بروید ؛ حتی افروختن چراغی پیش از غروب خورشید ، فقر را از میان می برد و روزی را می افزاید» .

الإمام الرضا عليه السلام: العَقِيْقُ يَنْفِي الْفَقْرَ . (١)

٥ / ٣ صَلَّه الرَّحِمِرسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ صَلَّه الرَّحِمِ كَتَرِيْدُ فِي الرَّزْقِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبَسِّطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَأَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ ، فَلْيَصِلْ رَحْمَهُ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ وَاصَلُوا ، إِلَّا أُجْرِيَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الرَّزْقَ ، وَكَانُوا فِي كَنْفِ اللَّهِ عِزٍّ وَجَلٍّ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً : يَصِلُ رَحْمَهُ ؛ فَيُحِبُّهُ اللَّهُ ، وَيُوسِّعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ ، وَيَزِيدُ فِي عُمْرِهِ ، وَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَهُ . (٥)

١- الكافي : ٦ / ٤٧٠ / ١ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر .

٢- دعائم الإسلام : ٢ / ٣٣١ / ١٢٤٩ ، الكافي : ٢ / ١٥٧ / ٣٣ عن حسين بن عثمان عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاقته عن الإمام عليّ عليه السلام ، مسند زيد : ٤١٠ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليهما السلام ، مشكاة الأنوار : ٢٣٠ / ٦٤٥ كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٣١٤ / ١ و ص ٣١٥ / ٢ .

٣- صحيح البخارى : ٥٦٣٩ / ٢٢٣٢ / ٥ عن أبي هريره ، صحيح مسلم : ٤ / ١٩٨٢ / ٢١ ، سنن أبي داود : ٢ / ١٣٣ / ١٦٩٤ كلاهما عن أنس ، مسند ابن حنبل : ١ / ٣٠٢ / ١٢١٢ عن عاصم بن ضميره عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه ؛ الكافي : ٢ / ١٥٦ / ٢٩ عن الوصافي عن الإمام زين العابدين عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، الخصال : ٣٢ / ١١٢ عن أنس ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ / ٤٤ / ١٥٧ عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداود بن سليمان الفراء عن الإمام الحسين عليهم السلام .

٤- المعجم الكبير : ١١ / ١١٤ / ١١٢٩٥ عن ابن عباس ، كنز العمال : ٦ / ٤٧٢ / ١٦٦٠٧ .

٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ / ٣٧ / ٩٣ عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ١١٤ / ٧٣ ، روضه الواعظين : ٤٢٦ .

۵ / ۳ پیوند با خویشان

امام رضا علیه السلام: [زینت کردن به] انگشتر عقیق، فقر را می زداید .

۵ / ۳ پیوند با خویشان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا پیوند با خویشان ، روزی را می افزاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که از گشاده روزی و عمر دراز شاد می شود ، باید با خویشان پیوند داشته باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اعضای هیچ خانواده ای با هم پیوند برقرار نکنند ، مگر آن که خداوند روزی را بر ایشان جاری گرداند و در حمایت او جای گیرند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس انجام یک کار را به من ضمانت نماید ، من برای او چهار چیز را ضمانت کنم : اگر او با خویشانش پیوند داشته باشد ، خدای دوستش می دارد و روزی اش را گشایش می بخشد و عمر وی را دراز می سازد و او را در بهشتی که وعده فرموده ، جای می دهد .

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ يَضْمَن لِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَصِلَةَ الرَّحِمِ ، أَضْمَنَ لَهُ كَثْرَةَ الْمَالِ ، وَزِيَادَةَ الْعُمْرِ ، وَالْمَحَبَّةَ فِي الْعَشِيرَةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ ، وَتَنْفِي الْفَقْرَ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ ، وَمَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ ، وَمَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُمَدَّ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ وَأَنْ يَبْسُطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ ؛ فَإِنَّ الرَّحِمَ لَهَا لِسَانٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذَلِكَ ؛ تَقُولُ : يَا رَبِّ ، صِلْ مَنْ وَصَلْتَنِي ، وَاقْطَعْ مَنْ قَطَعْتَنِي ، فَالرَّجُلُ لِيَرَى بِسَبِيلِ خَيْرٍ إِذَا أَتَتْهُ الرَّحِمُ الَّتِي قَطَعَهَا فَتَهْوَى بِهِ إِلَى أَسْفَلِ قَعْرِ فِي النَّارِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُمَلَأَ لَهُ فِي عُمْرِهِ ، وَيُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ ، وَيُسْتَجَابَ لَهُ الدُّعَاءُ ، وَيُدْفَعَ عَنْهُ مِيتَةُ السُّوءِ ؛ فَلْيُطِيعْ أَبَوَيْهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ ، وَلْيَصِلْ رَحِمَهُ ، وَلْيَعْلَمْ أَنَّ الرَّحِمَ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهَا لِسَانٌ طَلِقٌ ذَلِكَ تَقُولُ : اللَّهُمَّ صِلْ مَنْ وَصَلْتَنِي ، اللَّهُمَّ اقْطَعْ مَنْ قَطَعْتَنِي . قَالَ : فَيَجِئُهَا اللَّهُ تَعَالَى : إِنِّي قَدْ اسْتَجَبْتُ دَعْوَتَكَ . فَإِنَّ الْعَبْدَ قَائِمٌ يَرَى أَنَّهُ لِسَبِيلِ خَيْرٍ حَتَّى تَأْتِيَهُ الرَّحِمُ فَتَأْخُذَ بِهَا مَتَّيَّةً ، فَتَذْهَبَ بِهِ إِلَى أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْبَلَاءِ بِقَطِيعَتِهِ إِنِّي ، كَانَ ذَلِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا . (٥)

١- مستدرک الوسائل : ١٥ / ١٧٦ / ١٧٩١٥ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

٢- قرب الإسناد : ٧٦ / ٢٤٤ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، نوادر الراوندي : ٩٤ / ٣٨ ، الجعفریات : ١٨٨ ، جامع الأحاديث للقمي : ٩٣ ، دعائم الإسلام : ٢ / ٣٣١ / ١٢٥١ ؛ المعجم الأوسط : ١ / ٢٨٩ / ٩٤٣ عن حكيم عن أبيه .

٣- الزهد للحسين بن سعيد : ٤١ / ١١٠ عن عمرو بن سهل عن روات ، قرب الإسناد : ٣٥٥ / ١٢٧٢ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٨٨ / ١ ؛ سنن الترمذي : ٤ / ٣٥١ / ١٩٧٩ ، مسند ابن حنبل : ٣ / ٣١٠ / ٨٨٧٧ ، المستدرک علی الصحيحين : ٤ / ١٧٨ / ٧٢٨٤ کلها عن أبي هريره نحوه ، كنز العمال : ٣ / ٣٥٨ / ٦٩٢٦ .

٤- الكافي : ٢ / ١٥٦ / ٢٩ عن الوصافي عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٤ / ١٣٠ / ٩٦ .

٥- درر الأحاديث النبويه : ٢٧ عن زيد بن علي عن آبائه عليهم السلام وراجع المستدرک علی الصحيحين : ٤ / ١٧٩ / ٧٢٨٨ وكنز العمال : ٣ / ٣٦٦ / ٦٩٧١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نیکی به پدر و مادر و پیوند با خویشان را به من تضمین نماید، من نیز فراوانی مال و درازی عمر و محبت اقوام را برای وی ضمانت نمایم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیوند با خویشان، عمر را بیفزاید و فقر را بزدايد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه پیوند با خویشان، مال را بیفزاید و محبت خانواده را افزون کند و مرگ را به تأخیر اندازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که از این که خدا عمرش را دراز گرداند و روزی اش را گشایش دهد، شاد گردد، باید با خویشانش پیوند داشته باشد؛ زیرا خویشاوندی را در روز قیامت زبانی گویا است و می گوید: «پروردگرم! پیوند ساز با کسی که با من پیوند برقرار کرد؛ و پیوند پُر با کسی که از من پیوند برید». پس گاه به کسی راهی نیکو نمایانده می شود و آن گاه، خویشاوندی ای که او از آن پیوند بریده، پیش آید و او را به فروترین گودی آتش دراندازد.

امام علی علیه السلام: هر که دوست می دارد عمری دراز یابد و روزی اش گشاده شود و دعایش پذیرفته گردد و مرگ بد از او دور شود، باید در مسیر بندگی خدا، از پدر و مادرش اطاعت کند و با خویشانش پیوند داشته باشد و بداند که خویشاوندی به عرش خدا پیوسته است و روز قیامت با زبانی گویا می آید و می گوید: «بار خدایا! پیوند ساز با کسی که با من پیوند برقرار کرد؛ و پیوند پُر با کسی که از من پیوند برید». پس خداوند دعایش را اجابت فرماید و گوید: «دعایت را پذیرفتم». پس گاه شود که بنده ای ایستاده، گمان دارد که راهی نیک در پیش دارد، اما آن خویشاوندی برسد و سرش را بگیرد و او را به دلیل آن که در دنیا پیوندش را با آن بریده بود، به فروترین جایگاه بلا دراندازد.

عنه عليه السلام: زِيَادَةُ الشُّكْرِ وَصِلَهُ الرَّحِمِ تَزِيدَانِ النَّعْمَ ، وَتَفْسَحَانِ فِي الْأَجْلِ . (١)

عنه عليه السلام: حِرَاسَةُ النَّعْمِ فِي صِلَةِ الرَّحِمِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: صِلَمَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ ، وَتَدْفَعُ الْبَلْوَى ، وَتُنْمِي الْأَمْوَالَ ، وَتُنَسِيءُ لَهُ فِي عُمُرِهِ ، وَتُوسِّعُ فِي رِزْقِهِ ، وَتُحَبِّبُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَصِلْ رَحِمَهُ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: صِلَمَةُ الْأَرْحَامِ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ ، وَتُسَمِّحُ الْكَفَّ ، وَتُطَيِّبُ النَّفْسَ ، وَتَزِيدُ فِي الرِّزْقِ ، وَتُنَسِيءُ فِي الْأَجْلِ . (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُخَفِّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَيِّئَاتِ الْمَوْتِ ، فَلْيَكُنْ لِقَرَابَتِهِ وَصَوْلًا وَبِوَالِدَيْهِ بَارًا ؛ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَيِّئَاتِ الْمَوْتِ ، وَلَمْ يُصِبْهُ فِي حَيَاتِهِ فَقْرٌ أَبَدًا . (٥)

١- غرر الحكم : ٥٤٨٧ .

٢- غرر الحكم : ٤٩٢٩ .

٣- الكافي : ٢ / ١٥٢ / ١٣ و ص ١٥٠ / ٤ كلاهما عن أبي حمزه ، تحف العقول : ٢٩٩ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ٧٤ / ١١٨ / ٨١ .

٤- الكافي : ٢ / ١٥١ / ٦ عن أبي حمزه و ص ١٥٢ / ١٢ عن أبي حمزه عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٤ / ١١٤ / ٧٤ .

٥- الأمالي للصدوق : ٤٧٣ / ٦٣٥ ، الأمالي للطوسي : ٤٣٢ / ٩٦٧ كلاهما عن داود بن كثير الرقي ، مشكاة الأنوار : ٢٨١ / ٨٤٧ ، روضه الواعظين : ٤٠٢ ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٦٦ / ٣٣ و ج ٨٢ / ٦٥ / ٩ .

امام علی علیه السلام: شکر فراوان و پیوند با خویشان ، نعمت ها را بیفزایند و مرگ را به تأخیر اندازند .

امام علی علیه السلام: پاسداری از نعمت ها در گرو پیوند با خویشان است .

امام باقر علیه السلام: پیوند با خویشان ، اعمال را می پیراید ؛ بلا را دور می کند ؛ اموال را می افزایش ؛ عمر را دراز می گرداند ؛ روزی را گشاده می سازد ؛ و محبت خویشان را بیشینه می کند . پس انسان باید از خدا بپرهیزد و با خویشانش پیوند داشته باشد .

امام صادق علیه السلام: پیوند با خویشان ، خوی ها را نیک گرداند و دست را گشاده سازد و درون را نکو کند و روزی را بیفزاید و مرگ را به تأخیر اندازد .

امام صادق علیه السلام: هر که دوست می دارد خداوند سختی جان کردن را بر او سبک سازد ، باید با خویشانش پیوند داشته باشد و به پدر و مادرش نیکی کند ؛ پس اگر چنین کند ، خداوند سختی جان کردن را بر او سبک سازد و در زندگانی اش فقر به وی روی نیاورد .

۵ / ۴ نیک همسایگی

۵ / ۵ امانت داری

۴ / ۵ نیک همسایگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکوکاری و نیک همسایگی ، روزی را می افزایند و دنیا را آباد می سازند .

امام صادق علیه السلام: نیک همسایگی ، روزی را می افزاید .

۵ / ۵ امانت داری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امانت داری توانگری را جلب می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امانت داری روزی را جلب می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امانت داری مایه توانگری است .

امالی طوسی از یحیی بن علاء و اسحاق بن عمار: امام صادق علیه السلام هیچ گاه از ما وداع نمی کرد ، مگر آن که به دو ویژگی سفارشمان می فرمود: «بر شما باد راستگویی و امانت داری ، خواه برای نیک کردار و خواه برای بدکار ؛ که این دو کلید روزی هستند .

الإمام الكاظم عليه السلام: أداء الأمانة والصدق يجلبان الرزق، والخيانة والكذب يجلبان الفقر والنفاق. (١)

لقمان عليه السلام: يا بُنَيَّ، كُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا. (٢)

٥ / ١٦ الصدق والوفاء رسول الله صلى الله عليه وآله: الوفاء والصدق يجزان الرزق. (٣)

الإمام علي عليه السلام: الصدق صلاح كل شيء؛ الكذب فساد كل شيء. (٤)

الإمام زين العابدين عليه السلام: خير مفايح الأمور الصدق، وخير خواتيمها الوفاء. (٥)

٥ / ١٧ التعاون الكتاب: «تعاونوا على البرِّ والتقوى». (٤)

١- تحف العقول: ٤٠٣، بحار الأنوار: ٧٨ / ٣٢٧ / ٤.

٢- معاني الأخبار: ٢٥٣ / ١ عن أحمد بن أبي عبد الله عن بعض أصحابنا رفعه، تنبيه الخواطر: ٢ / ٢٣١ وفيه «تعش» بدل «تكن»، مشكاة الأنوار: ١٠٨ / ٢٤٨، بحار الأنوار: ٧٥ / ١١٧ / ١٨.

٣- الفردوس: ٤ / ٤٣٦ / ٧٢٦٨ عن ابن عباس.

٤- غرر الحكم: ١١١٥ و ١١١٦.

٥- أعلام الدين: ٣٠٠، بحار الأنوار: ٧٨ / ١٦١ / ٢١.

٦- المائدة: ٢.

۵ / ۶ راستگویی و وفاداری

۵ / ۷ همکاری

امام کاظم علیه السلام: امانت داری و راستگویی ، روزی را جلب می کنند و خیانت و دروغگویی ، فقر و نفاق را در پی دارند .

لقمان: فرزند عزیزم! امین باش تا توانگر باشی .

۵ / ۶ راستگویی و وفاداری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وفاداری و راستگویی ، روزی را به سوی خود می کشانند .

امام علی علیه السلام : راستگویی اصلاحگر هر چیز و دروغگویی فاسد کننده هر چیز است .

امام سجاد علیه السلام : بهترین گشاینده کارها راستگویی ؛ و بهترین پایان بخش آن ، وفاداری است .

۵ / ۷ همکاری قرآن: «بر نیکی و تقوا همکاری کنید .»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ يَسْعُهُمَا المَاءُ وَالشَّجَرُ ، وَيَتَعَاوَنَانِ عَلَى الفِتَانِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: المُسلِمُ أخُو المُسلِمِ ؛ لا يَمْنَعُهُ المَاعُونَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ ، وَسُلِّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: مُؤَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (٤)

الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ عَنْ صَعْصَعَةَ بْنِ صُوحَانَ: عَادَنِي عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَرَضٍ ، ثُمَّ قَالَ : أَنْظِرْ فَلَا تَجْعَلَنَّ عِبَادَتِي إِيَّاكَ فَخْرًا عَلَى قَوْمِكَ ، فَإِذَا رَأَيْتَهُمْ فِي أَمْرٍ فَلَا تَخْرُجْ مِنْهُ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ بِالرَّجُلِ غَنَاءٌ عَنْ قَوْمِهِ ؛ إِذَا خَلَعَ مِنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً يَخْلَعُونَ مِنْهُ أَيْدِيًا كَثِيرَةً ، فَإِذَا رَأَيْتَهُمْ فِي خَيْرٍ فَأَعْنِهِمْ عَلَيْهِ ، وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ فِي شَرٍّ فَلَا تَخَذَلْنَهُمْ ، وَلْيَكُنْ تَعَاوُنُكُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ ؛ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَزَالُوا بِخَيْرٍ مَا تَعَاوَنْتُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَتَنَاهَيْتُمْ عَنْ مَعَاصِيهِ . (٥)

الكُفَّاءِيُّ عَنْ الْحِجَّاجِ بْنِ أَرْطَاهُ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا حَجَّاجُ ، كَيْفَ تَوَاسَيْتُمْ؟ قُلْتُ : صَالِحٌ يَا أَبَا جَعْفَرٍ . قَالَ : يُدْخِلُ أَحَدُكُمْ يَدَهُ فِي كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ إِذَا احْتِاجَ إِلَيْهِ؟ قُلْتُ : أَمَا هَذَا فَلَا . فَقَالَ : أَمَا لَوْ فَعَلْتُمْ مَا احْتَجْتُمْ . (٦)

١- سنن أبي داود: ٣ / ١٧٧ / ٣٠٧٠ عن قيله بنت مخرمه ، الطبقات الكبرى : ١ / ٣١٩ .

٢- الدر المنثور : ٨ / ٦٤٤ نقلًا عن الباوردى عن الحرث بن شريح .

٣- تهذيب الأحكام : ٦ / ١٨١ / ٣٧٣ ، المقنعه : ٨٠٨ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٢٦ ، مشكاة الأنوار : ١٠٥ / ٢٣٩ ، بحار الأنوار : ١٠٠ / ٩٤ / ٩٥ .

٤- الخصال : ٥٠٤ / ٢ عن سعيد بن علاقه ، مشكاة الأنوار : ٢٣٠ / ٦٤٥ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٣٩٥ / ٢٢ .

٥- الأُمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ : ٣٤٧ / ٧١٧ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٢٩٠ / ١١ وج ٧٤ / ١٤٨ / ٢ .

٦- كشف الغمّة : ٢ / ٣٣٣ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٨٤ / ١٢ .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسلمان با مسلمان برادر است و آب و درخت گنجایش ایشان را دارد (۱)؛ و رویاروی شیطان با یکدیگر همکاری می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسلمان برادر مسلمان است و از نیکی به او خودداری نمی کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مادام که مردمی امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر نیکی و تقوا همکاری ورزند، همواره در خیرند؛ و هرگاه چنین نکنند، برکت ها از ایشان سلب گردد و برخی شان بر برخی دیگر مسلط گردند و در زمین و آسمان یآوری نیابند.

امام علی علیه السلام: همراهی کردن با برادر ایمانی، روزی را می افزاید.

امالی طوسی از صعصعه بن صوحان: بیمار بودم که حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام به عیادتم آمد و فرمود: «مراقب باش و این را که به عیادت آمده ام، مایه مباهات بر خویشاوندانت نساز و هرگاه آنان را در کاری دیدی، از آن بیرون مشو؛ زیرا انسان از خویشان خود بی نیاز نباشد و اگر اندکی از آنان کناره گیرد، ایشان بسیار از او دور شوند. پس هرگاه آنان را در کار خیری دیدی، آنان را بر آن یاری کن؛ و هرگاه ایشان را در کار شری دیدی، خویشان مساز؛ و باید همکاریتان برای بندگی خدا باشد؛ که شما همواره در خیر به سر می برید، مادام که بر بندگی خدای تعالی همکاری کنید و از نافرمانی او دوری نمایید.

الکافی از حجاج بن ارطاه: امام باقر علیه السلام کافی از حجاج بن ارطاه: امام باقر علیه السلام فرمود: «ای حجاج! یاری کردنشان به یکدیگر چگونه است؟» گفتم: «نیکو است ای ابوجعفر!» فرمود: «آیا یکی از شما آن گاه که نیاز دارد، دست در کیسه [= جیب] برادر [ایمانی] خود می کند تا نیاز خود را برگیرد؟» گفتم: «به این گونه، نه!» فرمود: «هلا که اگر چنین می کردید، نیازمند نمی گشتید».

۱- اشاره است به این که در کنار هم به آسانی می توانند زندگی کنند.

الكافي عن سعيد بن الحسن: قال أبو جعفر عليه السلام: أيجيء أحدكم إلى أخيه فيدخل يده في كيسه فيأخذ حاجته فلا يدفعه؟ فقلت: ما أعرف ذلك فينا. فقال أبو جعفر عليه السلام: فلا شيء إذا! قلت: فالهلاك إذا! فقال: إن القوم لم يعطوا أحلامهم بعد. (١)

حليه الأولياء عن عبيد الله بن الوليد: قال لنا أبو جعفر محمد بن عليّ عليهما السلام: يدخل أحدكم يده في كم صاحبه فيأخذ ما يريد؟ قال: قلنا: لا. قال: فلستم بإخوان كما تزعمون! (٢)

كتاب البصائر عن محمد بن جعفر بن العاصم عن أبيه عن جدّه عن الإمام الكاظم عليه السلام قال: يا عاصم، كيف أنتم في التواصل والتبار؟ فقال: على أفضل ما كان عليه أحد. فقال: أيأتى أحدكم عند الضيق منزل أخيه فلا يجده، فيأمر بإخراج كيسه فيخرج، فيفرض ختمه فيأخذ من ذلك حاجته فلا ينكر عليه؟ قال: لا. قال: لستم على ما أحبّ عليه من التواصل. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: المسلم أخو المسلم؛ لا يظلمه ولا يخذله ولا يخونه، ويحقّ على المسلمين الاجتهاد في التواصل، والتعاون على التعاطف، والمؤاساة لأهل الحاجه، وتعاطف بعضهم على بعض، حتى تكونوا كما أمركم الله عز و جل؛ رحماء بينكم، متراحمين، مغتمين لما غاب عنكم من أمرهم على ما مضى عليه معشر الأنصار على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله (٤).

١- الكافي: ٢ / ١٧٤ / ١٣، المؤمن: ٤٤ / ١٠٣.

٢- حليه الأولياء: ٣ / ١٨٧، تاريخ دمشق: ٥٤ / ٢٩٣ نحوه.

٣- مكارم الأخلاق: ١ / ٣١٢ / ٩٩٣، البصائر والذخائر: ٩ / ١٦٢٤ / ٥٣٥ نحوه، بحار الأنوار: ٧٤ / ٢٣١ / ٢٨.

٤- الكافي: ٢ / ١٧٤ / ١٥ عن أبي المغرا وج ٤ / ٥٠ / ١٦ وفيه إلى «متراحمين»، المؤمن: ٤٣ / ١٠١ كلاهما عن سماعه نحوه، بحار الأنوار: ٧٤ / ٢٥٦ / ٥٣.

الکافی از سعید بن حسن: امام باقر علیه السلام الکافی از سعید بن حسن: امام باقر علیه السلام فرمود: «آیا یکی از شما نزد برادر وی نیازش [ایمانی] خود می رود و دست در کیسه [= جیب] می کند تا به قدر بردارد و آن کس او را باز ندارد؟» گفتم: «در میان خودمان چنین چیزی را سراغ ندارم». امام فرمود: «پس چنین چیزی نباشد!» گفتم: «پس عقل های نشده [سزای آن] هلاکت باشد؟!» فرمود: «[نه! زیرا] ایشان هنوز کامل است».

حلیه الأولیاء از عبید الله بن ولید: امام باقر علیه السلام به ما فرمود: «آیا کسی از شما در آستین جامه (۱) دوستش دست می برد تا آن چه را می خواهد، برگیرد؟» گفتم: «نه!» فرمود: «پس چنان که می پندارید، برادر نیستید».

کتاب بصائر از محمّد بن جعفر بن عاصم از پدرش از جدش از امام کاظم علیه السلام: امام فرمود: «ای عاصم! حال شما در پیوند و نیکی به یکدیگر چگونه است؟» گفت: «به بهترین گونه ای که کسی بر آن تواند بود». امام فرمود: «آیا چنین هست که یکی از شما به هنگام تنگدستی، به خانه برادر [ایمانی] خود رود و او را نیابد و بخواهد که هر چه را در کیسه [= جیب] او هست، بیرون آورند و چنین شود و او مهر آن را بگشاید و به قدر نیازش از آن بردارد و کسی او را باز ندارد؟» گفت: «نه!» فرمود: «پس آن گونه که من دوست می دارم، با هم پیوند ندارید».

امام صادق علیه السلام: مسلمان با مسلمان برادر است، به او ستم نمی ورزد، خوارش نمی کند، و به وی خیانت نمی نماید. بر مسلمانان سزاوار است که در پیوند با یکدیگر بکوشند و بر مهرورزی به هم یاری نمایند و نیازمندان را دست گیرند و به هم عاطفه ورزند؛ تا چنان که خداوند امرتان فرموده: «میان خود مهر ورزید»، به هم رحمت آورید و اندوه خورید که مبادا از امور ایشان چیزی بر شما پنهان ماند، هم چنان که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در روزگار وی بودند.

۱- شایان ذکر است که در قدیم، پول، جواهر و چیزهای دیگر را در آستین هم می گذاشته اند. ر. ک: لغت نامه دهخدا، ذیل: «آستین» و تاج العروس، ذیل: «کُتَم».

عنه عليه السلام: لا- تَزَالُ شَيْعَتُنَا مَرَعَيْنَيْنِ مَحْفُوظَيْنِ مَسْتَوْرَيْنِ مَعْصُومَيْنِ مَا أَحْسَبُوا النَّظَرَ لِأَنْفُسِهِمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ خَالِقِهِمْ ، وَصَحَّتْ نِيَاتُهُمْ لِأَيْمَانِهِمْ ، وَبَرَّوْا إِخْوَانَهُمْ ، فَعَظَفُوا عَلَى ضَعْفِهِمْ ، وَتَصَدَّقُوا عَلَى ذَوِي الْفَاقَةِ مِنْهُمْ ، إِنَّا لَا نَأْمُرُ بِظُلْمٍ ، وَلَكِنَّا نَأْمُرُكُمْ بِالْوَرَعِ الْوَرَعِ ، وَالْمُؤَاسَاةِ الْمُؤَاسَاةِ لِإِخْوَانِكُمْ . (١)

٥ / ١٨ الإنفاق الكتاب: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرَّبَّوْا وَيُزِبِي الصَّدَقَاتِ . (٢)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله :إِسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ . (٣)

١- .المحاسن : ١/٢٥٨/٤٩٢ عن الخطّاب الكوفى ومصعب بن عبد الله الكوفى ، بحار الأنوار : ٦٨ / ١٥٤ / ١٠ .

٢- .البقره : ٢٧٦ .

٣- .من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٣٨١ / ٥٨٢٤ / ٤١٦ / ٥٩٠٤ عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافى : ٤ / ١٠ / ٤
عن موسى بن بكر عن أبى الحسن عليه السلام ، نهج البلاغه : الحكمة ١٣٧ عن الإمام على عليه السلام ، الخصال : ١٠ / ٦٢١
عن أبى بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ /
٣٥ / ٧٥ عن أحمد بن عامر الطائى وأحمد بن عبد الله الهروى وداود بن سليمان الفزّاء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام
صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١٣١ / ٦٢ نقلًا عن النوادر للراوندى ؛ شعب الإيمان : ٢ / ٧٤ / ١٩٧ عن خالد بن الزبير
عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله ، حليه الأولياء : ٣ / ١٩٥ عن الأصمعى عن الإمام
الصادق عليه السلام .

۵ / ۸ انفاق

امام صادق علیه السلام: شیعیان ما همواره از عنایت و حفظ و پناه برخوردارند و از گناه نگاه داشته می شوند ، مادام که رابطه خود و آفریدگارشان را نیک در نظر گیرند و برای پیشوایان خویش نیک اندیشی کنند و به برادران [ایمانی] خود نیکی ورزند و بر ضعیفشان مهر آورند و به تنگدستان صدقه دهند . ما به ستم فرمان نمی دهیم ؛ بلکه فرمانتان می دهیم به پارسایی ، پارسایی ، پارسایی ؛ و به همراهی ، به همراهی با برادرانتان .

۵ / ۸ انفاق قرآن: «خداوند ربا را نابود می کند و صدقه ها را می افزاید» .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزی را با صدقه بر خود فرود آورید .

عنه صلى الله عليه و آله : ما فَتَحَ رَجُلٌ بَابَ عَطِيَّتِهِ يُرِيدُ بِهَا صَلَتهُ إِلَّا زَادَهُ اللهُ بِهَا كَثْرَةً . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ بَابَ الرِّزْقِ مَفْتُوحٌ بِبَابِ العَرشِ ، يُنَزَّلُ اللهُ عَلَى العِبَادِ أرزاقَهُمْ عَلَى قَدَرِ نَفَقَاتِهِمْ ؛ فَمَنْ قَلَّ قَلَّ لَهُ ، وَمَنْ كَثَرَ كَثُرَ لَهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : الرِّزْقُ إِلَى السَّخِيِّ أَسْرَعُ مِنَ السَّكِينِ إِلَى ذِرْوَةِ البَعِيرِ . (٣)

الإمام على عليه السلام : داؤوا الجور بالعدل ، وداؤوا الفقر بالصدقة والبذل . (٤)

عنه عليه السلام : إِنَّ الصَّدَقَةَ تَنمو عِنْدَ اللهِ . (٥)

٥ / ١٩ الزَّكَاةُ كَالْكِتَابِ : «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكْوَةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ . (٦)»

الحديث : رسول الله صلى الله عليه و آله : حَصَّنَا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ . (٧)

١- .مسند ابن حنبل : ٣ / ٤٣٤ / ٩٦٣٠ ، المعجم الأوسط : ٧ / ١٨٩ / ٧٢٣٩ نحوه ، شُعب الإيمان : ٣ / ٢٣٣ / ٣٤١٣ وفيه «لصدقه أو» بدل «يريد بها» وكلها عن أبي هريره .

٢- .تاريخ بغداد : ٣ / ١٩ ، الفردوس : ٥ / ٤٠٧ / ٨٥٦٩ كلاهما عن أنس ، حليه الأولياء : ١٠ / ٢١٦ عن ابن عباس وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ٦ / ٣٧٦ / ١٦٢٨ وص ٣٥٠ / ١٦٠٠٩ نحوه .

٣- .إرشاد القلوب : ١٣٧ ، تنبيه الخواطر : ١ / ١٧١ عن ابن مسعود وفيه «مُطعم الطعام» بدل «السختى» .

٤- .غرر الحكم : ٥١٥٦ .

٥- .تحف العقول : ١٧٢ ، بشاره المصطفى : ٢٥ عن كميل بن زياد وفيه «تنمى» بدل «تنمو» ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٤١٣ / ٣٨ .

٦- .الروم : ٣٩ .

٧- .المعجم الكبير : ١٠١٩٦ / ١٢٨ / ١٠ ، المعجم الأوسط : ١٩٦٣ / ٢٧٤ / ٢ ، تاريخ بغداد : ٦ / ٣٣٤ / ٣٣٧٦ وج ١٣ / ٢١ / ٦٩٨٤ ، حليه الأولياء : ٢ / ١٠٤ وج ٤ / ٢٣٧ ، مسند الشهاب : ١ / ٤٠١ / ٦٩١ كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ٦ / ٢٩٣ / ١٥٧٥٩ ؛ الاختصاص : ٣٣٥ ، بحار الأنوار : ٦ / ١٣ / ٢١ وص ٤٥ / ٢٠ .

۵ / ۹ زکات

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس به نیت پیوند، در هدیه دادن را نگشاد، مگر آن که خداوند به سبب آن، وی را افزونی بخشید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا در روزی در آستانه عرش گشاده است. خداوند به قدر انفاق های بندگانش، روزی را بر ایشان نازل گرداند؛ هر که کم دهد، اندکش بخشد و هر که فراوان دهد، فراوانش عطا فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که سخاوت ورزد، روزی به وی روی آورد، زودتر از آن که کارد بر کوهان شتر فرو رود.

امام علی علیه السلام: ستم را با دادگری درمان کنید و فقر را با صدقه و بخشش.

امام علی علیه السلام: همانا صدقه نزد خداوند افزوده می شود.

۵ / ۹ زکاتقرآن: «و آن چه از زکات می دهید که خدای را خواهید، پس آن ها افزون گردند.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اموال خود را با زکات در پناه نگاه دارید.

الإمام عليّ عليه السلام في الحِكمِ المنسوبة إليه : الزَّكَاةُ نَقْصٌ فِي الصُّورِ ، وَزِيَادَةٌ فِي الْمَعْنَى . (١)

عنه عليه السلام : فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ ، وَالزَّكَاةَ تَسْبِيحاً لِلرِّزْقِ . (٢)

فاطمه عليها السلام : الزَّكَاةُ تَرْكِيَةٌ لِلنَّفْسِ ، وَنَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ . (٣)

عنها عليها السلام : فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ . . . وَالزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ . (٤)

الإمام الباقر عليه السلام : الزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام : لَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتَاجَ أَحَدٌ . (٦)

الإمام الكاظم عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَّعَ الزَّكَاةَ قَوْتاً لِلْفُقَرَاءِ ، وَتَوْفِيراً لَأَمْوَالِكُمْ . (٧)

الإمام الرضا عليه السلام : إِنَّ عَلَّهَ الزَّكَاةَ مِنْ أَجْلِ قَوْتِ الْفُقَرَاءِ ، وَتَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ . (٨)

١- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٢٩٩ / ٤١٦ .

٢- نهج البلاغه : الحكمه ٢٥٢ ، غرر الحكم : ٦٦٠٨ .

٣- الاحتجاج : ١ / ٢٥٨ / ٤٩ عن عبد الله بن الحسن عن آبائه عليهم السلام .

٤- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٥٦٨ / ٤٩٤٠ ، علل الشرايع : ٢ / ٢٤٨ كلاهما عن زينب بنت الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ٦ / ١٠٧ .

٥- الأُمالي للطوسي : ٢٩٦ / ٥٨٢ عن جابر بن يزيد الجعفي ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١٤ / ٢٧ .

٦- الكافي : ٣ / ٥٠٧ / ١ عن الحسن بن عليّ الوشاء عن الإمام الرضا عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٧ / ١٥٧٩ عن معتب نحوه .

٧- الكافي : ٣ / ٤٩٨ / ٦ ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٤ / ١٥٧٥ ، علل الشرايع : ١ / ٣٦٨ ، المحاسن : ٢ / ٣٨ / ١١١٩ كلها عن مبارك العقروفي نحوه ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١٨ / ٣٩ .

٨- من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٨ / ١٥٨٠ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ / ١٨٩ / ١ ، علل الشرايع : ٣ / ٣٦٩ كلاهما عن محمد بن سنان وراجع الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ١٩٥ ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١٨ / ٣٨ .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: زکات در ظاهر کاستی دهنده است و در باطن، افزایشده.

امام علی علیه السلام: خداوند ایمان را پاک کننده شرک؛ نماز را زداینده کبر؛ و زکات را زمینه ساز روزی قرار داده است.

حضرت فاطمه علیها السلام: زکات پاک کننده جان و افزایشده روزی است.

حضرت فاطمه علیها السلام: خداوند ایمان را پاک کننده از شرک... و زکات را افزایشده روزی ساخته است.

امام باقر علیه السلام: زکات روزی را می افزاید.

امام صادق علیه السلام: اگر مردم زکات اموال خویش را بیرون می ساختند، هیچ کس نیازمند نمی گشت.

امام کاظم علیه السلام: همانا خداوند زکات را مایه گذران زندگی فقیران و افزایشده اموال شما قرار داده است.

امام رضا علیه السلام: زکات از آن روی وضع شده که فقیران را مایه گذران زندگی باشد و اموال توانگران را نگاهبانی کند.

١٠ / ٥ الإطعام رسول الله صلى الله عليه وآله: الخَيْرُ أَسْرَعُ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُغْشَى مِنَ الشَّفَرَةِ إِلَى سَنَامِ الْبَعِيرِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الرَّزْقُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ مِنَ السُّكَّانِ فِي السَّنَامِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: الرَّزْقُ إِلَى بَيْتٍ فِيهِ السَّخَاءُ أَسْرَعُ مِنَ الشَّفَرَةِ إِلَى سَنَامِ الْبَعِيرِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْبَرَكَهَ أَسْرَعُ إِلَى الْبَيْتِ الَّذِي يُمْتَارُ مِنْهُ الْمَعْرُوفُ مِنَ الشَّفَرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ ، أَوْ مِنَ السَّيْلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ . (٤)

كنز العمال عن سلمان بن عامر الضبيّ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ أَبِي كَانَ يُقْرِى الضَّيْفَ، وَيُكْرِى الْجَارَ، وَيَفِي بِالذَّمِّ، وَيُعْطَى فِي النَّايِبِ، فَمَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ! قَالَ: مَاتَ مُشْرِكًا؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: أَمَا إِنَّهَا لَا تَنْفَعُهُ وَلَكِنَّهَا تَكُونُ فِي عَقِبِهِ؛ إِنَّهُمْ لَنْ يَخْزُوا أَبَدًا، وَلَنْ يَذَلُّوا أَبَدًا، وَلَنْ يَفْتَقِرُوا أَبَدًا. (٥)

١- سنن ابن ماجه : ٢ / ١١١٤ / ٣٣٥٦ عن أنس بن مالك .

٢- الكافي : ٤ / ٥١ / ١٠ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، المحاسن : ٢ / ١٤٧ / ١٣٨٨ عن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٣٦٢ / ١٧ .

٣- تاريخ دمشق : ١٣ / ٢٤ عن أبي سعيد الخدرى ، تاريخ أصبهان : ١ / ٣٢١ / ٥٧٢ عن جابر ، كنز العمال : ٩ / ٢٤٤ / ٢٥٨٤٨ .

٤- الكافي : ٢ / ٢٩ / ٤ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٥٦ / ١٦٨٩ ، الجعفریات : ١٥٣ .

٥- كنز العمال : ٦ / ٤٥٠ / ١٦٤٨٩ نقلًا عن البغوى والطبرانى وسعيد بن منصور .

۵ / ۱۰ طعام دادن

۵ / ۱۰ طعام دادنیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روی آوردن خیر به سوی خانه ای که محل رفت و آمد است ، شتابناک تر از حرکت لبه تیز کارد در کوهان شتر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روی آوردن روزی به سوی کسی که طعام می دهد ، شتابناک تر از حرکت کارد در کوهان شتر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روی آوردن روزی به سوی خانه ای که جایگاه سخاوت است ، شتابناک تر از حرکت لبه تیز کارد در کوهان شتر است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روی آوردن برکت به سوی خانه ای که از آن ، خوراکی نیکو اعطا گردد ، شتابناک تر از حرکت لبه تیز کارد در کوهان شتر یا جریان سیل به سوی پایان گاه آن است .

کنز العمال از سلمان بن عامر ضبی: گفتم: «ای رسول خدا! پدرم میهمان پذیر بود و همسایه را گرامی می داشت و به پیمان وفا می کرد و در هنگام بلا، بخشش می کرد ؛ اما این ها او را سود ندهد!» پیامبر فرمود: «در حال شرک مرد؟» گفتم: «آری» . پیامبر فرمود: «هلا- که گرچه آن کارها سودش ندهد ؛ اما برای نسل او سودمند است . آن ها هرگز خواری نبینند و ذلت نپذیرند و فقیر نگردند» .

٥ / ١١ البرّ رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ البرَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (١)

الإمام عليّ عليه السلام : جِمَاعُ الخَيْرِ فِي أَعْمَالِ البرِّ . (٢)

عنه عليه السلام : صِنَائِعُ المَعْرُوفِ تُدِرُّ النِّعَمَاءَ ، وَتَدْفَعُ البَلَاءَ . (٣)

عنه عليه السلام فِي الحِكْمِ المَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : النِّعْمُ وَحَشِيَّتُهُ ؛ فَتَقْدُوهَا بِالمَعْرُوفِ . (٤)

عنه عليه السلام : كُلُّ نِعْمَةٍ أُتِيْلَ مِنْهَا المَعْرُوفُ فَإِنَّهَا مَأْمُونَةٌ السَّلْبِ ، مُحَصَّنَةٌ مِنَ الغَيْرِ . (٥)

عنه عليه السلام : مَنْ بَسَطَ يَدَهُ بِالإِنْعَامِ حَصَّنَ نِعْمَتَهُ مِنَ الإِنْصِرَامِ . (٦)

عنه عليه السلام : مَا حُصِّنَتِ النِّعْمُ بِمِثْلِ الإِنْعَامِ بِهَا . (٧)

عنه عليه السلام : يَبْدُلِ النِّعْمَةَ تُسْتَدَامُ النِّعْمَةُ . (٨)

الإمام الباقر عليه السلام : البرُّ وَالصَّدَقَةُ يَنْفِيَانِ الفَقْرَ ، وَيَزِيدَانِ فِي العُمْرِ ، وَيَدْفَعَانِ تِسْعِينَ مِئْتَهُ سَوْءٍ . (٩)

١- .المستدرک علی الصحیحین : ٣ / ٥٤٨ / ٦٠٣٨ عن ثوبان ، کنز العمال : ٢ / ٦٢ / ٣١١٨ ؛ الزهد للحسين بن سعيد : ٣٣ / ٨٧

عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٨١ / ٨٤ .

٢- .غرر الحکم : ٤٧٩٦ .

٣- .غرر الحکم : ٥٨٤٠ .

٤- .شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣١٢ / ٥٨٩ .

٥- .غرر الحکم : ٦٩١٤ ، أعلام الدين : ٢٧٤ .

٦- .غرر الحکم : ٨٦٥٩ .

٧- .غرر الحکم : ٩٥٤٦ .

٨- .غرر الحکم : ٤٣٤٤ .

٩- .الكافي : ٤ / ٢ / ٢ ، الخصال : ٤٨ / ٥٣ ، ثواب الأعمال : ١٦٩ / ١١ کلها عن إسحاق بن غالب عمّن حدّثه ، من لا يحضره

الفقيه : ٢ / ٦٦ / ١٧٢٩ ، الزهد للحسين بن سعيد : ٣٣ / ٨٦ عن غالب وفيها «سبعين» بدل «تسعين» ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١١٩ / ١٧

وص ١٣٠ / ٥٥ وص ١٣١ / ٥٨ .

۵ / ۱۱ نیکی کردن

۵ / ۱۱ نیکی کرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا نیکی کردن ، روزی را می افزاید .

امام علی علیه السلام : همه خیرها [ی دنیا و آخرت] در کارهای نیک گرد آیند .

امام علی علیه السلام : انجام کارهای نیک ، نعمت ها را فراوان و بلا را دور می کند .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : نعمت ها رام نیستند ؛ آن ها را با انجام کار نیک در بند کنید .

امام علی علیه السلام : هر نعمتی که با آن ، کار نیکی انجام پذیرد ، سلب نگردد و از پیشامدهای روزگار در امان باشد .

امام علی علیه السلام : هر که دست به بخشش گشاده دارد ، نعمتش را از نابودی نجات دهد .

امام علی علیه السلام : برای در امان نگهداشتن نعمت ها ، هیچ شیوه ای مؤثرتر از بخشیدن آن ها نیست .

امام علی علیه السلام : نعمت با بخشش ، تداوم یابد .

امام باقر علیه السلام : نیکوکاری و صدقه دادن ، فقر را می زدایند و عمر را می افزایند و نود [گونه] مرگ ناگوار را دور می کنند .

الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ صَالِحٌ ، وَكَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ ، فَرَأَى فِي النَّوْمِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ وَقَّتْ لَكَ مِنَ الْعُمُرِ كَذَا وَكَذَا سِنَةً ، وَجَعَلَ نِصْفَ عُمُرِكَ فِي سَعَةِ ، وَجَعَلَ النِّصْفَ الْآخَرَ فِي ضَيْقٍ ، فَاخْتَرْتَ لِنَفْسِكَ إِمَّا النِّصْفَ الْأَوَّلَ وَإِمَّا النِّصْفَ الْآخِيرَ . فَقَالَ الرَّجُلُ : إِنَّ لِي زَوْجَةً صَالِحَةً ، وَهِيَ شَرِيكَتِي فِي الْمَعَاشِ ، فَأَشَاوِرُهَا فِي ذَلِكَ ، وَتَعَوَّدُ إِلَيَّ فَأُخْبِرُكَ ، فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لِزَوْجَتِهِ : رَأَيْتُ فِي النَّوْمِ كَذَا وَكَذَا ، فَقَالَتْ : يَا فُلَانُ اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ ، وَتَعَجَّلِ الْعَافِيَةَ ؛ لَعَلَّ اللَّهَ سَيَرَحْمُنَا وَيُتِمُّ لَنَا النِّعْمَةَ . فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلِ الثَّانِيَةِ أَتَى الْآتِي فَقَالَ : مَا اخْتَرْتَ ؟ فَقَالَ : اخْتَرْتُ النِّصْفَ الْأَوَّلَ ، فَقَالَ : ذَلِكَ لَكَ ، فَأَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ وَجْهِ ، وَلَمَّا ظَهَرَتْ نِعْمَتُهُ قَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ : قَرَابَتُكَ وَالْمُحْتَاجُونَ فَصَلِّ لَهُمْ وَبِرِّهُمْ ، وَجَارُكَ وَأَخَوَكَ فُلَانٌ فَهَبْهُمْ . فَلَمَّا مَضَى نِصْفَ الْعُمُرِ وَجَازَ حَدَّ الْوَقْتِ رَأَى الرَّجُلُ الَّذِي رَأَاهُ أَوَّلًا فِي النَّوْمِ ، فَقَالَ لَهُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ شَكَرَ لَكَ ذَلِكَ ، وَلَكَ تَمَامَ عُمُرِكَ سَعَةً مِثْلُ مَا مَضَى . (١)

١- قصص الأنبياء: ١٨٢ / ٢٢١ عن عبد الرحمان بن الحجاج ، بحار الأنوار: ٩٦ / ١٦٢ / ٦ .

امام کاظم علیه السلام: در میان بنی اسرائیل ، مردی شایسته می زیست که همسری شایسته داشت . وی در خواب ، چنین دید: «خدای تعالی به این اندازه برای تو عمر قرار داده و نیم عمرت را در گشایش و نیم دیگر آن را در تنگنا مقرر فرموده است ؛ پس از این دو نیمه ، اول و آخر را برای خود برگزین» . مرد گفت: «مرا همسری شایسته است که در زندگی ، شریک من است . با وی در این امر مشورت می کنم ؛ آن گاه ، باز گرد تا خبرت دهم» . صبحگاهان مرد به همسرش گفت: «در خواب چنان و چنین دیدم» . زن گفت: «فلانی! نیمه نخست را برگزین و عافیت را پیش انداز ؛ باشد که خداوند بر ما رحمت آورد و نعمت را بر ما تمام فرماید» . شب دوم ، آن کس آمد و گفت: «چه برگزیدی؟» گفت: «نیمه نخست را برگزیدم» . گفت: «آن برای تو باشد» . پس دنیا از هر سوی به او روی آورد . چون نعمت وی بروز یافت ، همسرش به او گفت: «به خویشاوندانت و نیازمندان رسیدگی و احسان کن و به همسایه ات و فلان برادرت بخشش نما» . چون نیم عمر به سر آمد و زمان معین رسید ، مرد همان خواب نخست را دید . همان کس به وی گفت: «خدای تعالی قدردان این کار تو است و باقی عمرت نیز همانند قبل ، در گشایش خواهد گذشت» .

الفصل السادس: المبادئ الصحيّة ٦ / ١١ النّظافه رسول الله صلى الله عليه وآله: غَسَلَ الْإِنَاءَ وَطَهَّرَهُ الْفِنَاءَ يورثانِ الْغَنَاءَ . (١)

الإمام على عليه السلام: نَظَّفُوا بُيُوتَكُمْ مِنْ حَوْكِ الْعَنْكَبُوتِ ؛ فَإِنَّ تَرْكَهُ فِي الْبَيْتِ يورثُ الْفَقْرَ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: كُنْسُ الْبَيْتِ يَنْفِي الْفَقْرَ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلَ الْإِنَاءَ وَكَسَحَ الْفِنَاءَ مَجْلَبَةً لِلرِّزْقِ . (٤)

١- تاريخ بغداد : ١٢ / ٩٢ / ٦٥٠٩ عن أنس ، كنز العمال : ٩ / ٢٧٧ / ٢٦٠٠٤ .

٢- قرب الإسناد : ٥٢ / ١٦٨ ، المحاسن : ٢ / ٤٦٣ / ٢٦٠٦ وفيه «أفنيتمكم» بدل «بيوتكم» وكلاهما عن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، الدعوات : ١١٦ / ٢٦٦ وفيه «غزل» بدل «حوك» ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١٧٥ / ٣ .

٣- الكافي : ٦ / ٥٣١ / ٨ ، المحاسن : ٢ / ٤٦٣ / ٢٦٠٥ كلاهما عن أحمد بن محمّد بن خالد البرقي عن بعض من ذكره رفعه ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١٧٧ / ١١ .

٤- الخصال : ٥٤ / ٧٣ عن محمّد بن مروان ، الدعوات : ١٤٣ / ٣٧٠ ، روضه الواعظين : ٣٣٩ ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١٧٦ / ٦ .

۶ / ۱ پاکیزگی

فصل ششم: اصول بهداشتی ۶ / ۱ پاکیزگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن ظرف ها و پاکیزه نگاه داشتن صحن خانه ، سبب توانگری است .

امام علی علیه السلام: خانه های خود را از تار عنکبوت پاک کنید ؛ که باقی ماندنش در خانه ، فقر به بار می آورد .

امام باقر علیه السلام: جارو کردن خانه ، فقر را می زداید .

امام صادق علیه السلام: شستن ظرف ها و تمیز کردن صحن خانه ، روزی را جلب می کند .

كتاب التعريف للصفوانى: رُوِيَ أَنَّ التَّوْرَةَ أَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ . (١)

٦ / ٢ الوُضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : سَعَهُ الرِّزْقِ وَ رَدَّعَ سُنَّةَ الشَّيْطَانِ ؛ الْوُضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرٌ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرٌ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : يَا عَلِيُّ ، إِنَّ الْوُضوءَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ شِفَاءٌ فِي الْجَسَدِ ، وَ يُمْنٌ فِي الرِّزْقِ . (٥)

الكافى عن أبو عوف البجليّ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : الْوُضوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ يَزِيدَانِ فِي الرِّزْقِ ؛ وَ رُوِيَ أَنَّ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ : أَوَّلُهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ آخِرُهُ يَنْفِي الْهَمَّ . (٦)

١- . مستدرک الوسائل : ١ / ٣٨٨ / ٩٤٢ نقلاً عن التعريف للصفوانى .

٢- . كنز العمال : ١٥ / ٢٤٢ / ٤٠٧٦٢ نقلاً عن الحاكم فى تاريخه عن أنس .

٣- . من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٣٥٨ / ٤٢٦٤ ، الكافى : ٦ / ٢٩٠ / ٤ ، المحاسن : ٢ / ٢٠٠ / ١٥٨٦ كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ١٣ / ٤٤ عن أبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام على عليهم السلام ، روضه الواعظين : ٣٣٥ عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٣٥٢ / ١ .

٤- . كنز العمال : ١٥ / ٢٤٨ / ٤٠٧٩٥ نقلاً عن ابن النجار عن أنس .

٥- . المحاسن : ٢ / ٢٠١ / ١٥٩١ عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٣٥٦ / ١٧ .

٦- . الكافى : ٦ / ٢٩٠ / ٥ ، الخصال : ٢٣ / ٨٢ ، المحاسن : ٢ / ٢٠١ / ١٥٩٠ وليس فيهما «وروى أنّ رسول الله صلى الله عليه و آله . . .» ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٣٥٢ / ٢ .

۶ / ۲ وضو گرفتن پیش و پس از غذا

کتاب التعریف از آن صفوانی: روایت شده که زدودن موی های زاید بدن ، انسان را از فقر در امان می دارد .

۶ / ۲ وضو گرفتن پیش و پس از غذا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : وضو گرفتن پیش و پس از غذا ، موجب گشایش روزی و مقابله با شیوه شیطان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که دوست می دارد خیر در خانه اش فراوان گردد ، باید هنگام حاضر شدن غذا ، وضو گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که خواهد خیر خانه اش بسیار گردد ، پیش و پس از غذا باید وضو گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای علی! وضو پیش و پس از غذا شفا بخش جسم و برکت دهنده روزی است .

الکافی از ابو عوف بجلی: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «وضو پیش و پس از غذا ، روزی را می افزاید و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که اولی فقر را می زداید و دیگری اندوه را» .

الإمام الصادق عليه السلام: اغسلوا أيديكم قبل الطعام وبعده؛ فإنه ينفي الفقر، ويزيد في العمر. (١)

٦ / ١٣ التخلل والسواكر رسول الله صلى الله عليه وآله: من استاك كل يوم مرتين فقد أدام سنيته الأنبياء عليهم السلام... واستغنى عن الفقر. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: تخللوا على إثر الطعام؛ فإنه صحة للنباب والتواجد، ويجلب الرزق. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله لجعفر: تخلل؛ فإن الخلال يجلب الرزق. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: ناوّل النبي صلى الله عليه وآله جعفر بن أبي طالب عليه السلام، فقال له: تخلل؛ فإنه مصلحه للفم أو قال: لثته ومجلبه للرزق. (٥)

عنه عليه السلام: الخلال بعد الطعام يشد اللثات، ويجلب الرزق، ويطيب النكهة. (٦)

١- المحاسن: ٢ / ٢٠٢ / ١٥٩٤ عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن بعض من رواه، بحار الأنوار: ٦٦ / ٣٥٦ / ٢٠.

٢- جامع الأخبار: ١٥١ / ٣٤٠ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ٧٦ / ١٣٨ / ٤٩.

٣- النوادر للراوندي: ٢١٢ / ٤١٩، الجعفريات: ٢٨، دعائم الإسلام: ١ / ١٢٣ عن الإمام علي عليه السلام.

٤- المحاسن: ٢ / ٣٨٥ / ٢٣٥٨ عن أبي حمزة عن الإمام الكاظم عليه السلام، دعائم الإسلام: ١ / ١٢٤ عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «الخلال يجلب الرزق» فقط، بحار الأنوار: ٦٦ / ٤٤١ / ٢٠.

٥- الكافي: ٦ / ٣٧٦ / ٤، المحاسن: ٢ / ٣٨٥ / ٢٣٥٧ كلاهما عن أحمد بن عبد الله الأسدي عن رجل، بحار الأنوار: ٦٦ / ٤٤١ / ١٩ وليس فيهما «للفم أو قال».

٦- إحقاق الحق: ١٢ / ٢٨٣ نقلًا عن بهجه المجالس.

۶ / ۳ خلال کردن و مسواک زدن

امام صادق علیه السلام: دست های خود را پیش و پس از غذا بشویید ؛ که این کار فقر را می زداید و عمر را می افزاید .

۶ / ۳ خلال کردن و مسواک زدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که روزی دو بار مسواک کند ، شیوه پیامبران را زنده داشته ... و از فقر رهایی یافته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به دنبال غذا ، خلال کنید ؛ که هم دندان های نیش و آسیا را سالم می دارد و هم روزی را جلب می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به جعفر : خلال کن ؛ که خلال کردن ، روزی را جلب می کند .

امام صادق علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله به جعفر بن ابی طالب علیه السلام خاللی داد و به وی فرمود: «خالل کن ؛ که این کار دهان (یا: لثه) را سالم می دارد و روزی را فراهم می آورد» .

امام صادق علیه السلام : خلال کردن پس از غذا ، لثه ها را محکم سازد و روزی را جلب کند و بوی خوش پدید آورد .

٤ / ٦ / ٤ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ ، وَيُدِرُّ الرِّزْقَ . (١)

الخصال عن أبو كههمس: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَّمَنِي دُعَاءً أَسْتَنْزِلُ بِهِ الرِّزْقَ ، فَقَالَ لِي: خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَأَظْفَارِكَ ، وَلَيْكُنْ ذَلِكَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ . (٢)

الإمام الرضا عليه السلام: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَجْلِبُ الرِّزْقَ . (٣)

-
- ١- الكافي: ٤ / ٦ / ٤٩٠ / ١ عن الحسن بن راشد ، الخصال: ١٠ / ٦١١ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام ، ثواب الأعمال: ٤ / ٤٢ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن أبي بصير عن الإمام عليّ عليه وآله ، بحار الأنوار: ٢ / ١١٩ / ٧٦ وص ٣١٦ / ٤ .
 - ٢- الخصال: ٨٦ / ٣٩١ ، ثواب الأعمال: ٧ / ٤٢ ، بحار الأنوار: ٥ / ١١٠ / ٧٦ .
 - ٣- مستدرک الوسائل: ١ / ٤١٤ / ١٠٣١ نقلاً عن كتاب التعريف للصفوانى .

۶ / ۴ چیدن ناخن ها

۶ / ۴ چیدن ناخن ها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چیدن ناخن ها بیماری بزرگ را دور می کند و روزی را فروان می سازد .
الخصال از ابو کهمس : به امام صادق علیه السلام گفتم : «مرا دعایی بیاموز که با آن ، روزی را به سوی خود آورم» . به من فرمود : «موی لب و ناخن هایت را بچین و این کار باید در روز جمعه باشد» .
امام رضا علیه السلام : چیدن ناخن ها روزی را فراهم آورد .

الفصل التاسع: التوادد رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَوَضَّأَ لِكُلِّ حَدَثٍ ، وَلَمْ يَكُنْ دَخَالاً عَلَى النِّسَاءِ فِي الْبُيُوتَاتِ ، وَلَمْ يَكُنْ يَكْتَسِبُ مَالاً بِغَيْرِ حَقٍّ ؛ رُزِقَ مِنَ الدُّنْيَا بِغَيْرِ حِسَابٍ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: حُسْنُ الْخَطِّ مِنْ مَفَاتِيحِ الرِّزْقِ ، وَطَيْبُ الْكَلَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَتَبَعَ مَا يَقَعُ مِنْ مَائِدَتِهِ فَأَكَلَهُ ، ذَهَبَ عَنْهُ الْفَقْرُ وَعَنْ وُلْدِهِ وَوُلْدِ وُلْدِهِ إِلَى السَّابِعِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: حَمَلُ الْعَصَا يَنْفِي الْفَقْرَ . (٤)

١- مستدرک الوسائل : ١ / ٣٠٠ / ٦٧٧ نقلاً عن درر اللآلی عن عبد الله بن سلام .

٢- بحار الأنوار : ٧٦ / ٣١٨ نقلاً عن رساله آداب المتعلمين للمحقق الطوسي .

٣- المحاسن : ٢ / ٢٢٨ / ١٦٩٢ عن النوفلي بإسناده ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٤٢٨ / ٤ .

٤- من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٢٧٠ / ٢٤١٠ ، ثواب الأعمال : ٢٢٢ / ١ عن يونس عن عدّه من أصحاب أبي عبد الله عليه السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مكارم الأخلاق : ١ / ٥٢٣ / ١٨٢٠ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٢٣٠ / ١ و ص ٢٣٤ / ١٤ .

فصل هفتم: روایات پراکنده

فصل هفتم: روایات پراکنده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که به دنبال هر باطل کننده وضو، وضویی تازه گیرد و در خانه ها فراوان بر زنان در نیاید و مالی را به ناحق فراهم نیاورد، بدون حساب از دنیا روزی یابد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکوییِ خط، از کلیدهای روزی است و خوش سخنی روزی را می افزاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که ریزه های غذا را در سفره بچوید و بخورد، فقر از وی و فرزندانش و فرزندان فرزندانش تا نسل هفتم زدوده گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عصا برداشتن فقر را می زداید.

الخصال عن سعيد بن علقه: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: . . . أَلَا أُبَيِّنُ لَكُمْ بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ: الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالتَّعْقِيبُ بَعْدَ الْعِدَاهِ وَبَعْدَ الْعَصْرِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَكَسْحُ الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَمُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالْبُكُورُ فِي طَلْبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالِاسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَاسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَقَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَإِجَابَةُ الْمُؤَذِّنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَتَرْكُ الْكَلَامِ فِي الْخَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَتَرْكُ الْحِرْصِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَشُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَاجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ، وَأَكْلُ مَا يَسْقُطُ عَنِ الْخِوَانِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. وَمَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرَهَا الْفَقْرُ. (١)

الكافي عن معاوية بن وهب: أَكَلْنَا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا رُقِعَ الْخِوَانُ لَقَطَ مَا وَقَعَ مِنْهُ فَأَكَلَهُ، ثُمَّ قَالَ لَنَا: إِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَيُكَيِّرُ الْوَلَدَ. (٢)

الدعوات للراوندي: شَكَرَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [الْفَقْرُ]، فَقَالَ: أَذُنٌ كُلَّمَا سَمِعَتْ الْأَذَانَ كَمَا يُؤَذِّنُ الْمُؤَذِّنُونَ. (٣)

الكافي عن زراره: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ يَعْلَمَهُنَّ الْمُؤْمِنُ كَانَ زِيَادَةً فِي عُمْرِهِ وَبَقَاءَ النَّعْمِ عَلَيْهِ. فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ، وَتَطْوِيلُهُ لِجُلُوسِهِ عَلَى طَعَامِهِ إِذَا (أ) طَعِمَ عَلَى مَا تَدَّتِهِ، وَاصْطِنَاعُهُ الْمَعْرُوفَ إِلَى أَهْلِهِ. (٤)

١- الخصال: ٥٠٥ / ٢، مشكاة الأنوار: ٢٣٠ / ٦٤٥، جامع الأخبار: ٣٤٣ / ٩٥٣، روضه الواعظين: ٤٩٩.

٢- الكافي: ٦ / ٣٠٠ / ٤، المحاسن: ٢ / ٢٢٩ / ١٦٩٦.

٣- الدعوات: ١١٦ / ٢٦٧، بحار الأنوار: ٧٦ / ٣١٦ / ٦.

٤- الكافي: ٤ / ٤٩ / ١٥.

الخصال از سعید بن علاقه: از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که فرمود: «... آیا خبرتان ندهم از آن چه روزی را می افزاید؟» گفتند: «آری، ای امیر المؤمنین!» فرمود: «این چیزها روزی را می افزایند: دو نماز را به هم پیوستن، پس از نمازهای صبح و عصر تعقیبات به جای آوردن، با خویشان پیوند داشتن، صحن خانه را تمیز کردن، برای خدا با برادر [ایمانی] همراهی کردن، بامدادان در پی روزی روان شدن، آمرزش خواستن، امانت داری کردن، سخن حق گفتن، با ندای مؤذن همنوایی کردن، به هنگام قضای حاجت سخن نگفتن، پرهیز از آزمندی، نعمت بخش را سپاس گفتن، از سوگند دروغ خودداری کردن، پیش از غذا وضو گرفتن، و خوردن آن چه بر سفره فرو افتد. و نیز هر کس روزانه سی بار خدای را تسبیح گوید، خداوند هفتاد گونه بلا را که سبک ترین آن ها فقر است، از وی دور سازد».

الکافی از معاویه بن وهب: نزد امام صادق علیه السلام غذا می خوردیم. به هنگام برجیده شدن سفره، فروافتاده غذا را برگرفت و خورد و سپس به ما فرمود: «این کار فقر را می زداید و فرزند را می افزاید».

الدعوات از راوندی: مردی نزد امام صادق علیه السلام از فقر شکایت آورد. امام فرمود: «هرگاه اذان را می شنوی، همان گونه که مؤذنان بانگ برمی آورند، اذان بخوان».

الکافی از زراره: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «سه چیز را اگر مؤمن بداند [و به کار بندد]، مایه افزایش عمر و پایداری نعمت ها برای وی است». گفتم: «آن ها چیستند؟» فرمود: «رکوع و سجود طولانی در نماز، فراوان نشستن بر سفره غذا به هنگام اطعام دیگران، و به خانواده نیکی کردن».

الإمام الصادق عليه السلام: لا تدوم النعم إلا بعد ثلاث: معرفه بما يلزم لله سبحانه فيها، وأداء شكرها، والتعب فيها. (١)

الإمام الرضا عليه السلام: إسراج السراج قبل أن تغيب الشمس ينفي الفقر. (٢)

١- تحف العقول: ٣١٨، بحار الأنوار: ٧٨ / ٢٣٢ / ٣٠ وفيه «لا يعيب» بدل «التعب».

٢- الكافي: ٦ / ٥٣٢ / ١٣ عن أبي علي الأشعري رفعه.

امام صادق علیه السلام: نعمت‌ها جز از پسِ سه چیز پایدار نمانند: شناخت حقّ خدای سبحان در آن نعمت‌ها، به جای آوردن شکرِ آن‌ها، و رنج بردن برای آن‌ها.

امام علی علیه السلام: چراغ افروختن پیش از غروب خورشید، فقر را می‌زداید.

ص: ٧٧٢

..

بخش چهارم : موانع توسعه

اشاره

بخش چهارم: موانع توسعه فصل یکم: موانع اخلاقی فصل دوم: موانع اجتماعی فصل سوم: موانع عملی

الفصل الأوّل: الموانع الاخلاقيه ١ / الحِرص رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ صِيْلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَالْيَقِينِ ، وَهَلَاكُ آخِرِهَا بِالشُّحِّ وَالْأَمَلِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : لَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وَادِيَانِ مِنْ مَالٍ لَا يَبْتَغِي ثَالِثًا ، وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ ، وَيَتَوَبُّ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ . (٢)

-
- ١- الخصال : ٧٩ / ١٢٨ عن فاطمه بنت الحسين عن أبيها عليه السلام ، روضه الواعظين : ٤٧٤ ، بحار الأنوار : ٧٠ / ١٧٣ / ٢٤ نقلًا عن الأُمالي للصدوق ؛ الزهد لابن حنبل : ١٦ عن عبد الله بن عمرو ، المعجم الأوسط : ٧ / ٣٣٢ / ٧٦٥٠ ، شُعب الإيمان : ٧ / ٤٢٧ / ١٠٨٤٤ كلاهما عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه وفيها «بالبخل» بدل «بالشُّح» ، كنز العمال : ٣ / ٤٤٨ / ٧٣٨٣ .
- ٢- صحيح البخارى : ٥ / ٢٣٦٤ / ٦٠٧٢ عن ابن عبّاس ، صحيح مسلم : ٢ / ٧٢٥ / ١١٦ ، مسند ابن حنبل : ٤ / ٢٤٥ / ١٢٢٣٠ و ص ٣٥١ / ١٢٨٠٣ ، سنن الدارمى : ٢ / ٧٧٤ / ٢٦٧٦ ، سنن الترمذى : ٤ / ٥٦٩ / ٢٣٣٧ كلّها عن أنس ، السنن الكبرى : ٣ / ٥١٥ / ٦٥٠٨ عن ابن عبّاس وكلّها نحوه ، كنز العمال : ٣ / ٤٥٩ / ٧٤٣٢ .

فصل یکم : موانع اخلاقی

۱ / ۱ آزمندی

فصل یکم: موانع اخلاقی ۱ / ۱ آزمندی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا صالح زیستنِ نسل های نخست امت من به دلیل پارسایی و دین باوری است ؛ و نابودی نسل های واپسین آن به سبب آزمندی و آرزو پروری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اگر فرزند آدم را به قدر دو وادی ، مال بود ، باز وادی سوم می جست . درون فرزند آدم را جز خاک چیزی پُر نمی کند . و خداوند توبه هر که را توبه کند ، می پذیرد .

عنه صلى الله عليه و آله : لَوْ أَنَّ لِابْنِ آدَمَ مِثْلَ وَادٍ مَالًا لَأَحَبَّ أَنْ لَهُ إِلَيْهِ مِثْلَهُ ، وَلَا يَمَلَأُ عَيْنَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ ، وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ تَابَ . (١)

الإمام على عليه السلام : مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ . (٢)

عنه عليه السلام : الْحِرْصُ مَطِيئَةُ التَّعَبِ . (٣)

عنه عليه السلام : لَا يُلْفَى الْحَرِيصُ مُسْتَرِيحًا . (٤)

عنه عليه السلام : الْحِرْصُ عَنَاءٌ مُؤَبَّدٌ . (٥)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : أَطْوَلُ النَّاسِ نَصَبًا الْحَرِيصُ إِذَا طَمِعَ ، وَالْحَقُودُ إِذَا مُنِعَ . (٦)

عنه عليه السلام : الْحَرِيصُ مَتَعُوبٌ فِي مَا يَصُرُّهُ . (٧)

عنه عليه السلام : الْحِرْصُ مِفْتَاحُ التَّعَبِ . (٨)

١- صحيح البخارى : ٥ / ٢٣٦٤ / ٦٠٧٣ عن ابن عباس ، صحيح مسلم : ٢ / ٧٢٥ / ١١٨ وفيه «مل ء» بدل «مثل» ، مسند ابن حنبل : ١ / ٧٩١ / ٣٥٠١ كلاهما عن ابن عباس ، سنن ابن ماجه : ٢ / ١٤١٥ / ٤٢٣٥ عن أبى هريره نحوه ، كنز العميال : ٣ / ٢٢٠ / ٦٢٤٥ .

٢- غرر الحكم : ٨٤٤٢ .

٣- غرر الحكم : ٢٨٠ .

٤- غرر الحكم : ١٠٥٦١ .

٥- غرر الحكم : ٩٨٢ .

٦- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٠٥ / ٤٩٣ .

٧- غرر الحكم : ٦٧٦ .

٨- تحف العقول : ٩٠ ، الكافى : ٨ / ١٩ / ٤ عن جابر بن يزيد الجعفى عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام وفيه «الرغبه» بدل «الحرص» ، بحار الأنوار : ٩٨ / ٧٨ / ٩١ وراجع نهج البلاغه: الحكمه ٣٧١ و كنز الفوائد: ١ / ٢٧٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر فرزند آدم به قدر یک وادی مال داشته باشد، باز دوست می دارد که یک وادی دیگر از آن او گردد. چشم فرزند آدم را چیزی جز خاک پُر نمی کند. و خداوند توبه آن کس را که توبه کند، می پذیرد.

امام علی علیه السلام: هر که بر دنیا حرص ورزد، هلاک گردد.

امام علی علیه السلام: رنج بر آزمندی سوار است.

امام علی علیه السلام: آزمند در حال آسایش یافت نگردد.

امام علی علیه السلام: حرص رنج جاودانه است.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: در میان مردم، درازترین رنج را حریص، هنگامی که طمع می ورزد و حسود، هنگامی که ناکام گردد، بینند.

امام علی علیه السلام: حریص در راه آن چه برایش زیان دارد، رنج می بیند.

امام علی علیه السلام: حرص کلید رنج است.

عنه عليه السلام: ظَمًا الْمَالِ أَشَدُّ مِنْ ظَمًا الْمَاءِ . (١)

عنه عليه السلام: الْحِرْمَانُ مَعَ الْحِرْصِ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الزِّيَادَةَ وَقَعَ فِي النُّقْصَانِ . (٣)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَسْتَعِنْ بِالكَثِيرِ افْتَقَرَ إِلَى الْحَقِيرِ . (٤)

عنه عليه السلام: إِظْهَارُ الْحِرْصِ يُوْرِثُ الْفَقْرَ . (٥)

عنه عليه السلام: مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا . (٦)

عنه عليه السلام: الْحِرْصُ مَفْقَرَةٌ . (٧)

عنه عليه السلام: الْحَرِيصُ فَقِيرٌ وَلَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِحَذَائِرِهَا . (٨)

عنه عليه السلام: الْحِرْصُ رَأْسُ الْفَقْرِ وَأَسُّ الشَّرِّ . (٩)

عنه عليه السلام: كُلُّ حَرِيصٍ فَقِيرٌ . (١٠)

عنه عليه السلام: يَسِيرُ الْحِرْصِ يَحْمِلُ عَلَى كَثِيرِ الطَّمَعِ . (١١)

١- المواعظ العددية : ٥٩ .

٢- مائه كلمه للجاحظ : ٦٥ / ٤٩ ، شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٢٧ / ٧٣٩ .

٣- غرر الحكم : ٨٣٣٢ .

٤- الإرشاد : ١ / ٣٠١ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٤٢٢ / ٤٠ .

٥- الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علقه ، مشكاة الأنوار : ٢٢٩ / ٦٤٥ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٦٢ / ١٢ .

٦- غرر الحكم : ٨٦٠٨ .

٧- الخصال : ٥٠٥ / ٣ عن الأصبع بن نباته ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٦٢ / ١٣ .

٨- غرر الحكم : ١٧٥٣ .

٩- غرر الحكم : ١٥٧٤ .

١٠- غرر الحکم : ٦٨٣٣ .

١١- غرر الحکم : ١٠٩٨٢ .

امام علی علیه السلام: ناسیرایی مال سخت تر از ناسیرایی آب است .

امام علی علیه السلام: ناکامی با آزمندی همراه است .

امام علی علیه السلام: هر که زیاده خواه باشد ، در کمبود افتد .

امام علی علیه السلام: هر که به زیاد توانگری نیابد ، به کم نیازمند شود .

امام علی علیه السلام: نشان دادن آزمندی ، فقر به بار می آورد .

امام علی علیه السلام: هر که در طلب دنیا زیاده روی کند ، فقیر می میرد .

امام علی علیه السلام: حرص مایه فقر است .

امام علی علیه السلام: حریص فقیر است ، حتی اگر کران تا کران دنیا را مالک شود .

امام علی علیه السلام: آزمندی سرچشمه فقر و پایه شر است .

امام علی علیه السلام: هر آزمندی فقیر است .

امام علی علیه السلام: حرص اندک ، انسان را به طمع بسیار می کشاند .

عنه عليه السلام: الحريص لا يكتفى . (١)

عنه عليه السلام: ليس لحريص غناء . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إن في ما نزل به الوحي من السماء: لو أن لابن آدم واديين يسيلان ذهباً وفضةً لابتغى إليهما ثالثاً .
يابن آدم ، إنما بطئك بحر من البحور ووادٍ من الأودية لا يملؤه شيء إلا التراب . (٣)

١ / ٢ الحسد الإمام علي عليه السلام: الحسد يُنكد العيش . (٤)

عنه عليه السلام: لا عيش لحسود . (٥)

عنه عليه السلام: أسوأ الناس عيشاً الحسود . (٦)

عنه عليه السلام: ثلاث لا يهنأ لصاحبهن عيش: الحقد ، والحسد ، وسوء الخلق . (٧)

عنه عليه السلام: لا عيش أنكد من عيش الحسود والحقود . (٨)

عنه عليه السلام: ثمرة الحسد شقاء الدنيا والآخرة . (٩)

١- غرر الحكم : ٣٦٥ .

٢- غرر الحكم : ٧٤٥٢ .

٣- من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٤١٨ / ٥٩١٢ عن ميسر .

٤- غرر الحكم : ٨٠٩ .

٥- تحف العقول : ٢١٥ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٥٤ / ٩٣ .

٦- غرر الحكم : ٢٩٣١ .

٧- غرر الحكم : ٤٦٦٣ .

٨- غرر الحكم : ١٠٧٤٧ .

٩- غرر الحكم : ٤٦٣٢ .

۲ / ۱ حسد

امام علی علیه السلام: حریص به چیزی بسنده نکند .

امام علی علیه السلام: حریص را چیزی کفایت نکند .

امام صادق علیه السلام: در زمره وحی فرو آمده از آسمان ، چنین است: «اگر فرزند آدم را دو وادی باشد که در آن ها طلا و نقره جاری باشد ، باز به دنبال سومی است . ای فرزند آدم! جز این نیست که درون تو دریایی است از جمله دریاها و وادی ای است از جمله وادی ها که آن را هیچ چیز جز خاک پُر نکند» .

۲ / ۱ حسد امام علی علیه السلام: حسد زندگی را تیره و دشوار می کند .

امام علی علیه السلام: حسود را زندگانی نباشد .

امام علی علیه السلام: بد زندگانی ترین مردم ، حسود است .

امام علی علیه السلام: سه چیز زندگانی گوارا برای کس نگذارد : کین ورزی و حسد و بدخُلقی .

امام علی علیه السلام: زندگانی ای تیره تر از زندگی حسود و کینه ورز نباشد .

امام علی علیه السلام: نتیجه حسد ، تیره بختی دنیا و آخرت است .

الإمام الصادق عليه السلام: ليس... لِحَسودٍ غِنَى . (١)

١ / ٣ الكذب رسول الله صلى الله عليه وآله: الكذب ينقص الرزق . (٢)

الإمام علي عليه السلام: اعتياد الكذب يورث الفقر . (٣)

الإمام الرضا عليه السلام: إذا كذب الولاه حُبِسَ المطر . (٤)

١ / ٤ كُفِرَ النعمه الكتاب: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ . (٥)»

١- الأمل للطوسي : ٣٠١ / ٥٩٥ عن أبي قتاده ، تحف العقول : ٣٦٤ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٩٧ / ١٩ .

٢- إحياء علوم الدين : ٣ / ١٩٨ ، المغنى عن حمل الأسفار : ٢ / ٨٠٦ / ٢٩٥٢ ، كنز العمال : ٣ / ٦٢٣ / ٨٢٢٠ نقلاً عن الخرائطي في مساوي الأخلاق ؛ الأمل للشجري : ١ / ٥٢ و ٢ / ١١٨ وكلها عن أبي هريره .

٣- الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاق ، مشكاة الأنوار : ٢٢٩ / ٦٤٥ ، جامع الأخبار : ٣٤٣ / ٩٥٢ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٣١٤ / ١ .

٤- الأمل للمفيد : ٣١٠ / ٢ عن ياسر ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٧٩ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٧٣ / ٨ .

٥- النحل : ١١٢ .

۱ / ۳ دروغ گویی

۱ / ۴ ناسپاسی نعمت

امام صادق علیه السلام: حسود را توانگری نباشد .

۱ / ۳ دروغ گویی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دروغ گویی روزی را بکاهد .

امام علی علیه السلام: عادت به دروغ گویی ، فقر به بار آورد .

امام رضا علیه السلام: هر گاه حکمرانان دروغ گویند ، باران بند آید .

۱ / ۴ ناسپاسی نعمتقرآن: «و خداوند شهری را مثل می زند که امن و آرام بود ، روزی آن به فراوانی از هر جای می رسید؛ اما نعمت های خدا را ناسپاسی کردند ، پس خدا به سزای آن چه می کردند ، جامه گرسنگی و ترس به آن پوشاند .»

الحديث: الإمام الصادق عليه السلام: إن قوما كانوا في بنى إسرائيل يُوتى لهم من طعامهم حتى جعلوا منه تماثيل بمِئِدِنٍ كَانَتْ فِي بِلَادِهِمْ يَسْتَنْجُونَ بِهَا ، فَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ بِهِمْ حَتَّى اضْطُرُّوا إِلَى التَّمَاثِيلِ يَتَّبِعُونَهَا وَيَأْكُلُونَ مِنْهَا! وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ : «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (١) . « (٢) .

تفسير القمى: قَوْلُهُ : «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ ءَايَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ (٣)» قَالَ : فَإِنَّ بَحْرًا كَانَ مِنَ الْيَمَنِ ، وَكَانَ سُلَيْمَانُ أَمَرَ جُنُودَهُ أَنْ يُجْرُوا لَهُمْ خَلِيجًا مِنَ الْبَحْرِ الْعَذْبِ إِلَى بِلَادِ الْهِنْدِ ، فَفَعَلُوا ذَلِكَ ، وَعَقَدُوا لَهُ عُقْدَةً عَظِيمَةً مِنَ الصَّخْرِ وَالْكِلْسِ حَتَّى يَفِيضَ عَلَى بِلَادِهِمْ ، وَجَعَلُوا لِلْخَلِيجِ مَجَارِي ، فَكَانُوا إِذَا أَرَادُوا أَنْ يُرْسِلُوا مِنْهُ الْمَاءَ أَرْسَلُوهُ بِقَدْرِ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ ، وَكَانَتْ لَهُمْ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ عَنْ مَسِيرِهِ عَشْرَةَ أَيَّامٍ ، فِيهِ [م] يَمْرُ الْمَارُ لَا يَقَعُ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مِنَ التَّفَافِيهِمَا ، فَلَمَّا عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَنَهَاهُمْ الصَّالِحُونَ فَلَمْ يَنْتَهُوا ، بَعَثَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ السِّدَّ الْجُرْدَ وَهِيَ الْفَارَةُ الْكَبِيرَةُ فَكَانَتْ تَقْلَعُ الصَّخْرَةَ الَّتِي لَا يَسْتَقِلُّهَا الرَّجُلُ وَتَرْمِي بِهَا ، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ قَوْمٌ مِنْهُمْ هَرَبُوا وَتَرَكُوا الْبِلَادَ ، فَمَا زَالَ الْجُرْدُ يَقْلَعُ الْحَجَرَ حَتَّى خَرَّبُوا ذَلِكَ السِّدَّ ، فَلَمْ يَشْعُرُوا حَتَّى غَشِيَهُمُ السَّيْلُ وَخَرَّبَ بِلَادَهُمْ وَقْلَعَ أَشْجَارَهُمْ . (٤)

١- النحل : ١١٢ .

٢- تفسير العياشى : ٢/٢٧٣/٧٨ عن حفص بن سالم ، بحار الأنوار : ٨٠/٢٠٧/١٦ وفيه «تماثيل مدره» .

٣- سبأ : ٥

٤- تفسير القمى : ٢ / ٢٠٠ ، تفسير نور الثقلين : ٤ / ٣٢٧ / ٤٣ ، بحار الأنوار : ١٤ / ١٤٣ / ١ .

حدیث: امام صادق علیه السلام: در میان بنی اسرائیل ، قومی بودند که غذایشان برایشان در می رسید ؛ تا این که [کفران نعمت کرده] آن را به شکل تندیس هایی در آورده ، در شهرهای سرزمین خود قرار دادند و با آن ، نجاست خویش را می زدودند! پس خداوند چنانشان کرد که از سرِ ناچاری ، به همان پیکره ها روی آوردند و از آن ها خوردند . و این است سخن خداوند: «و خداوند شهری را مَثَل می زند که امن و آرام بود ، روزی آن به فراوانی از هر جای می رسید ؛ اما نعمت های خدا را ناسپاسی کردند ، پس خدا به سزای آن چه می کردند ، جامه گرسنگی و ترس به آن پوشانید .»

تفسیر قمی: در تفسیر سخن خداوند که «قوم سبأ را در سکونتگاهشان نشانه ای بود : دو باغ از راست و چپ»: دریایی از جانب یمن روان بود . سلیمان به سپاهیانش فرمان داد که برای ایشان خلیجی از آن دریای دارای آب گوارا به سرزمین هند جریان دهند ؛ و آنان چنین کردند و برایش آب بندی بزرگ از سنگ و آهک ساختند تا آب به سوی سرزمینشان روان گردد ؛ و برای آن خلیج آبراهه هایی نهادند ؛ پس هر گاه می خواستند از آن آبی روان سازند ، به قدر نیازشان آن را می گشودند ؛ و ایشان را دو باغ از راست و چپ بود که به قدر ده روز با هم فاصله داشتند و چنانچه کسی این فاصله را می پیمود ، به سبب سایه گستری آن دو باغ ، آفتاب بر وی نمی افتاد . اما چون معصیت پیشه کردند و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند و صالحان نهیشان کردند و نپذیرفتند ، خداوند موش های صحرائی را بر آن سد گماشت که هر یک از آن ها پاره سنگی را که یک مرد نمی توانست بردارد ، می کنند و پرتاب می کردند . گروهی از آن مردم که چنین دیدند ، در بیم افتادند و سرزمینشان را ترک کردند . موش ها همچنان سنگ برکنند تا همه آن سد را ویران نمودند و آن مردم درنیافتند تا آن گاه که سیل در ایشان افتاد و سرزمینشان را ویران ساخت و درخت هاشان را از بیخ کند .

الدرّ المنثور عن الضحّاك فى الآيه «لَقَدْ كَانَ لِسَيِّبٍ . . .»: كَانَتْ أُوْدِيَةُ الْيَمَنِ تَسِيلُ إِلَى وَادِي سَبَأَ؟، وَهُوَ وَادٍ بَيْنَ جَبَلَيْنِ، فَعَمَدَ أَهْلُ سَبَأَ؟ فَسَدُّوا مَا بَيْنَ الْجَبَلَيْنِ بِالْقَيْرِ وَالْحِجَارَةِ، وَتَرَكَوْا مَا شَاؤُوا لِجَنَاتِهِمْ، فَعَاشُوا بِذَلِكَ زَمَانًا مِنَ الدَّهْرِ. ثُمَّ إِنَّهُمْ عَتَوْا وَعَمَلُوا بِالْمَعَاصِي، فَبَعَثَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ السَّدِّ جُرْذَا فَتَقَبَّهَ عَلَيْهِمْ، فَعَرَّضَ اللَّهُ مَسَاكِنَهُمْ وَجَنَاتِهِمْ، وَبَدَّلَهُمْ بِمَكَانٍ جَنَّتِيهِمْ جَنَّتَيْنِ؛ حَمَطٍ (وَأَثَلٍ). (١)

الكافى عن سدير: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِنَا أَشْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ (٢)» فَقَالَ: هُوَ لِأَنَّ قَوْمَهُ كَانَتْ لَهُمْ قُرَى مُتَصِفَةً لَهَا يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، وَأَنْهَارٌ جَارِيَةٌ وَأَمْوَالٌ ظَاهِرَةٌ، فَكَفَرُوا نِعَمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَغَيَّرُوا مَا بَانَفْسِهِمْ مِنَ عَافِيَةِ اللَّهِ، فَغَيَّرَ اللَّهُ مَا بِهِمْ مِنْ نِعَمِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بَانَفْسِهِمْ، فَأَرْسَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ فَغَرَّقَ قُرَاهُمْ وَخَرَّبَ دِيَارَهُمْ وَأَذْهَبَ أَمْوَالَهُمْ، وَأَبْدَلَهُمْ مَكَانَ جَنَاتِهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أَكْلِ حَمَطٍ وَأَثَلٍ وَشَىءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ، ثُمَّ قَالَ: «ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجْزَى إِلَّا الْكُفُورَ (٣)». (٤)

وقعه صفين فى بيان مسير الإمام عليّ عليه السلام إلى صفين: ثُمَّ مَضَى نَحْوَ سَابِطٍ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَدِينَةِ بَهْرَسِيرٍ، وَإِذَا رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ يُقَالُ لَهُ حُرُّ بْنُ سَيِّهِمْ بْنِ طَرِيفٍ مِنْ بَنِي رَبِيعَةَ بْنِ مَالِكٍ يَنْظُرُ إِلَى آثَارِ كَسْرَى وَهُوَ يَتَمَثَّلُ قَوْلَ ابْنِ يَعْفَرَ التَّمِيمِيِّ: جَرَّتِ الرِّيَاحُ عَلَى مَكَانِ دِيَارِهِمْ فَكَانَتْ كَانُوا عَلَى مِيعَادٍ فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَفَلَا قُلْتُمْ: «كَمْ تَرَكَوْا مِنْ جَنَّتٍ وَغَيْوْنٍ * وَزُرُوعٍ وَ مَقَامِ كَرِيمٍ * وَنِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَكَيْهِنَ * كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَهَا قَوْمًا آخِرِينَ * فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ»؟! (٥) إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَاثِينَ فَاصْبَحُوا مُوروثِينَ؛ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ فَسَلَبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ بِهِ. إِيَّاكُمْ وَكُفَرَ النِّعْمِ! لَا تَحُلُّ بِكُمْ النِّقَمَ. (٦)

- ١- الدر المنثور: ٦ / ٦٩٠ نقلًا عن ابن جرير وابن المنذر.
- ٢- سبأ: ١٩.
- ٣- سبأ: ١٧.
- ٤- الكافى: ٢ / ٢٧٤ / ٢٣ وج ٨ / ٣٩٥ / ٥٩٦، قصص الأنبياء: ٩٩ / ٩٢ كلاهما عن سدير عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ١٤ / ١٤٤ / ٣.
- ٥- الدخان: ٢٥ / ٢٩.
- ٦- وقعه صفين: ١٤٢، السرائر: ١ / ٤٨٤، كنز الفوائد: ١ / ٣١٥، نثر الدر: ٢٨٦ كلها نحوه، بحار الأنوار: ٣٢ / ٤٢٢ / ٣٨٧؛ المناقب للكوفى: ٢ / ٥٧١ / ١٠٨١ نحوه.

الدَّرَّ المَثُور از ضحاک درباره این آیه: «و قوم سبأ را ...»: «آبراهه های یمن به سبأ می رسید که دره ای بود میان دو کوه . مردم سبأ میان آن دو کوه با قیر و سنگ سدی ساختند و هر چه آب خواستند به باغ هاشان رساندند و بدین سان روزگاری را خوش زیستند . سپس به سرکشی و گناه پرداختند و خداوند موش های صحرائی را فرستاد تا آن سد را سوراخ نمایند و بدین سان ، خدا خانه ها و باغ هاشان را با خاک یکسان کرد و به جای آن دو باغ ، دو درختزار با میوه های تلخ و ترش و درختان شوره گز به ایشان داد .

الکافی از سدیر: مردی از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند پرسید: «پس گفتند: پروردگارا! میان شهرهای ما دوری افکن ؛ و بر خویشتن ستم کردند» . فرمود: «اینان گروهی بودند که شهرهاشان به هم متصل و در چشم انداز یکدیگر بود و رودهای روان و دارایی های نمایان داشتند . سپس نعمت های خدا را کفران کردند و عافیتی را که خداوند به ایشان بخشیده بود ، دگرگون ساختند و خدا نیز نعمت را بر آنان دگرگون فرمود و همانا خداوند تا کسانی حال خودشان را تغییر ندهند ، نعمت ایشان را دگرگون نمی سازد . پس خداوند سیلی عظیم بر آنان فرستاد و شهرهاشان را غرق نمود و سرزمین هاشان را ویران ساخت و مال هاشان را از میان برد و به جای باغ هاشان ، دو باغ با میوه های تلخ و ترش و درختان شوره گز و اندکی سدر نهاد و سپس فرمود: «آن [کیفر] را به سزای آن که کافر شدند و ناسپاسی کردند ، به آنان دادیم و آیا جز ناسپاس را کیفر می دهیم؟» .

وقعه صفین در توضیح مسیر امام علی علیه السلام به صفین : سپس به سوی ساباط روان شد تا به شهر بُهْرَسیر رسید . در آن جا ، مردی از یاران وی به نام حُرّ بن سهم بن طریف از قبیله بنی ربیع بن مالک ، در حالی که به آثار کسری می نگریست ، به سخن ابن یعفر تمیمی تمسک می جست: باد بر جای سرزمین ایشان می وزید گویی در آن جا وعده نهاده [و سپس رخت بر بسته] بودند . امام فرمود: «چرا به این سخن خدای تمسک نکردی : «چه بسیار باغ ها و چشمه ها که بگذاشتند ؛ و کشتزارها و جای های نیکو و آراسته و نعمت ها و آسایشی که در آن بهره مند بودند * این چنین [بود سرگذشتشان] و آن ها را به قومی دیگر میراث دادیم * پس آسمان و زمین بر آنان گریه نکرد و مهلت هم نیافتند» ؟ همانا ایشان که خود ارث برده بودند ، بدین سان کسان دیگر از آنان ارث بردند ؛ زیرا نعمت را سپاس نگفتند و با گناهکاری ، دنیاشان ستانده شد . از کفران نعمت پرهیزید تا گرفتار کیفر نگردید!» .

الإمام علي عليه السلام: قَيِّدُوا قَوَادِمَ النَّعْمِ بِالشُّكْرِ؛ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ. (١)

عنه عليه السلام: إِحْدَرُوا نِفَارَ النَّعْمِ؛ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ. (٢)

عنه عليه السلام: إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ، فَلَا تُتَفَرَّوْا أَقْصَاهَا بِقَلْبِهِ الشُّكْرِ. (٣)

عنه عليه السلام: سَبَبُ تَحْوِيلِ النَّعْمِ الكُفْرُ. (٤)

١- غرر الحكم: ٦٨١٦.

٢- نهج البلاغه: الحكمة ٢٤٦، نثر الدر: ١ / ٣٢٧، روضه الواعظين: ٥١٩، غرر الحكم: ٢٦١٧، بحار الأنوار: ٧١ / ٥٤ / ٨٥؛ المناقب للخوارزمي: ٣٧٦ / ٣٩٥.

٣- نهج البلاغه: الحكمة ١٣، مشكاة الأنوار: ٧٢ / ١٣٠، روضه الواعظين: ٥١٩، غرر الحكم: ٤١٠٦، المناقب للخوارزمي: ٣٧٦ / ٣٩٥، بحار الأنوار: ٧١ / ٥٣ / ٨٥.

٤- غرر الحكم: ٥٥٤٥.

امام علی علیه السلام: با شکرگزاری ، پای های نعمت ها را در بند کنید ؛ زیرا هر گریزانی بازگشتنی نیست .

امام علی علیه السلام: از گریزانی نعمت ها بپرهیزید ؛ که هر چه گریزد ، بازنگردد .

امام علی علیه السلام: آن گاه که دامنه های نعمت به شما رسد ، با کم سپاسی آن را برنچینید!

امام علی علیه السلام: کفران نعمت ها ، سبب از دست رفتن آن ها است .

عنه عليه السلام: النَّعْمُ يَسْلُبُهَا الْكُفْرَانُ . (١)

عنه عليه السلام: كُفِرَ النَّعْمَ مَزْبِلُهَا . (٢)

عنه عليه السلام: سَبَبُ زَوَالِ النَّعْمِ الْكُفْرَانُ . (٣)

عنه عليه السلام: زَوَالُ النَّعْمِ بِمَنْعِ حُقُوقِ اللَّهِ مِنْهَا ، وَالتَّقْصِيرِ فِي شُكْرِهَا . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ قَوْمًا وَسَّعَ عَلَيْهِمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ حَتَّى طَغَوْا ، فَاسْتَخْشَنُوا الْحِجَارَةَ ، فَعَمِدُوا إِلَى النَّقِيِّ فَصَيَّرُوا مِنْهُ كَهَيْئَةِ الْأَفْهَارِ ، فَجَعَلُوهُ فِي مِزَابِهِمْ ، فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ ، فَعَمِدُوا إِلَى أَطْعِمَتِهِمْ فَجَعَلُوهَا فِي الْخَزَائِنِ ، فَبَعَثَ اللَّهُ عَلَى مَا فِي خَزَائِنِهِمْ مَا أَفْسَدَهُ ، حَتَّى احْتَاجُوا إِلَى مَا كَانُوا يَسْتَنْظِفُونَ بِهِ فِي مِزَابِهِمْ ، فَجَعَلُوا يَغْسِلُونَهُ وَيَأْكُلُونَهُ ! (٥)

الكافي عن عمرو بن شمر: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنِّي لَأَلْحَسُ أَصَابِعِي مِنَ الْأَدَمِ ، حَتَّى أَخَافُ أَنْ يَرَانِي خَادِمِي فَيَرَى أَنَّ ذَلِكُكَ مِنَ النَّجْشِ ، وَلَيْسَ ذَلِكُكَ كَذَلِكَ ؛ إِنَّ قَوْمًا أفرَغَت عَلَيْهِمُ النَّعْمَةُ وَهُمْ أَهْلُ الثَّرَاثِرِ فَعَمِدُوا إِلَى مِخِّ الْحِنْطَةِ فَجَعَلُوهَا خُبْرًا هِجَاءً ، وَجَعَلُوا يُنْجُونَ بِهِ صِبْيَانَهُمْ ، حَتَّى اجْتَمَعَ مِنْ ذَلِكَ جَبَلٌ عَظِيمٌ . قَالَ: فَمَرَّ بِهِمْ رَجُلٌ صَالِحٌ ، وَإِذَا امْرَأَةٌ وَهِيَ تَفْعَلُ ذَلِكَ بِصَبِيٍّ لَهَا ، فَقَالَ لَهُمْ: وَيْحَكُمْ! اتَّقُوا اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ، وَلَا تُعَيِّرُوا مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ ، فَقَالَتْ لَهُ: كَأَنَّكَ تُخَوِّفُنَا بِالْجُوعِ! أَمَا مَا دَامَ ثَرَاثِرُنَا يَجْرِي فَإِنَّا لَا نَخَافُ الْجُوعَ . قَالَ: فَأَسِفَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ ، فَأَضْعَفَ لَهُمُ الثَّرَاثِرَ ، وَحَبَسَ عَنْهُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ وَنَبَاتَ الْأَرْضِ . قَالَ: فَاحْتَاجُوا إِلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ ، وَإِنَّهُ كَانَ يُقَسَّمُ بَيْنَهُمْ بِالْمِيزَانِ ! (٦)

١- غرر الحكم : ٨٦٤ .

٢- غرر الحكم : ٧٢٤٢ .

٣- غرر الحكم : ٥٥١٧ .

٤- غرر الحكم : ٥٤٧٥ .

٥- المحاسن : ٢ / ٤١٩ / ٢٤٦٦ عن أبي عبيدة ، دعائم الإسلام : ١ / ١٧٩ نحوه ، بحار الأنوار : ٨٠ / ٢٠٤ / ١٢ .

٦- الكافي : ٦ / ٣٠١ / ١ ، المحاسن : ٢ / ٤١٧ / ٢٤٦٢ نحوه ، بحار الأنوار : ١٤ / ١٤٤ / ٢ .

امام علی علیه السلام: ناسپاسی ، نعمت ها را سلب می کند .

امام علی علیه السلام: کفران نعمت ، آن را نابود می کند .

امام علی علیه السلام: ناسپاسی ، سبب نابودی نعمت ها است .

امام علی علیه السلام: اگر حقوق خدا در نعمت ها ادا نشود و در شکرگزاری شان کوتاهی گردد ، آن نعمت ها ستانده می شوند .

امام صادق علیه السلام: همانا گروهی بودند که چندان روزی شان گشایش یافت که طغیان کردند و چون سنگ را [برای طهارت] خشن یافتند ، به نان روی آورده ، آن را به شکل سنگ ساخته ، در طهارتگاه هاشان نهادند . پس خداوند به خشکسالی گرفتارشان فرمود و آنان به غذاهاشان روی آورده ، آن را در انبارها گرد آوردند ؛ اما خداوند آفتی در انبارهاشان افکند ، چندان که به همان چیزها که در طهارتگاه هاشان برای نظافت خویش به کار می بردند ، نیازمند شدند ، بدین سان که آن را می شستند و می خوردند .

الکافی از عمرو بن شمر: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «من چندان انگشتانم را که نان خورش بر آن است ، می لیسیم که بیم دارم خدمتکارم مرا ببیند و گمان کند که از گرسنگی چنین می کنم . اما چنین نیست ؛ بلکه گروهی بر کناره رودی بودند که نعمت بسیار یافته بودند و به مغز گندم روی آورده ، برای تمسخر آن را به شکل نان درآوردند و با آن کودکانشان را طهارت می دادند ؛ تا آن جا که کوهی بزرگ از آن ها گرد آمد . مردی صالح بر ایشان برگذشت و دید که زنی با فرزندش چنان می کند . به آنان گفت: وای بر شما! از خدای بپرهیزید و نعمت خدا بر خویش را دگرگون مسازید . آن زن گفت: گویی ما را از گرسنگی بیم می دهی! تا زمانی که رود ما جریان دارد ، از گرسنگی بیمی نداریم . پس خداوند ناخشنود گشت و آب آن رود را کم کرد و بارش آسمان و رویش زمین را از ایشان بازداشت . پس به همان کوه [نجاست] نیازمند شدند ، چندان که همان میانشان با سنجش تقسیم می گشت» .

١ / ١٥ البَطْرالكتاب: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ بَطْرًا وَرِثَاءَ النَّاسِ وَيَصِيَّدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ .
(١)»

الحديث: عيون الأخبار لابن قتيبه: كَانَ دُعَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غِنَى مُبِطِرٍ، وَمِنْ فَقْرٍ مُلْبِّبٍ أَوْ مُرَبِّبٍ»، وَكَذَلِكَ: «اللَّهُمَّ لَا غِنَى يُطْغِي، وَلَا فَقْرٌ يُنْسِي». (٢)

عنه عليه السلام: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ . . . إِنْ اسْتَعْنَى بِطَرٍ وَفُتِنَ، وَإِنْ افْتَقَرَ قَنَطَ وَوَهَنَ. (٣)

١- الأنفال: ٤٧ .

٢- عيون الأخبار لابن قتيبه: ١ / ٣٣١ .

٣- نهج البلاغه: الحكمة ١٥٠، تحف العقول: ١٥٧، بحار الأنوار: ٧٢ / ١٩٩ / ٣٠؛ تذكره الخواص: ١٣٤ نحوه .

۱ / ۵ سرمستی از نعمت

۱ / ۵ سرمستی از نعمتقرآن: «و همانند آنان نباشید که از خانه های خویش ، با سرمستی از نعمت و خودنمایی به مردم بیرون آمدند و [مردم] را از راه خدا باز می دارند؛ و خدا به آن چه می کنند ، فراگیرنده است .»

حدیث: عیون الاخبار ابن قتیبه : دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود : «بار خدایا! به تو پناه می برم از توانگری سرمستی . بار خدایا! به تو پناه می برم از توانگری سرمستی آور و از فقرِ همیشگی» ؛ و نیز: «بار خدایا! [مرا گرفتار مفرما] نه به توانگری ای که سرکشی زاید آورد و نه به فقری که سبب فراموشی شود» .

امام علی علیه السلام : همچون کسی مباش که بدون عمل ، به آخرت امیدوار است . . . و اگر توانگر شود ، سرمست و فریفته گردد ؛ و اگر فقیر شود ، ناامید و سست عنصر گردد .

عنه عليه السلام: لَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ بَطْرًا ، وَلَا عِنْدَ الْبُؤْسَاءِ فَشِلًّا . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ نَالَ اسْتِطَالَ . (٢)

عنه عليه السلام: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ سَكَرِهِ الْغِنَى ؛ فَإِنَّ لَهُ سَكَرَةً بَعِيدَةً الْإِفَاقَةَ . (٣)

عنه عليه السلام: غُرُورُ الْغِنَى يُوجِبُ الْأَشْرَ . (٤)

عنه عليه السلام: لَا يَزِدَادَنَّ أَحَدُكُمْ كِبْرًا وَعِظْمًا فِي نَفْسِهِ وَنَأْيًا عَنِ عَشِيرَتِهِ ، إِنْ كَانَ مُوسِرًا فِي الْمَالِ . (٥)

عنه عليه السلام: الزُّهُوُّ فِي الْغِنَى يُبْذِرُ الذُّلَّ فِي الْفَقْرِ . (٦)

عنه عليه السلام: الْمَرْءُ يَتَغَيَّرُ فِي ثَلَاثٍ : الْقُرْبِ مِنَ الْمُلُوكِ ، وَالْوَلَايَاتِ ، وَالْغِنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ ؛ فَمَنْ لَمْ يَتَغَيَّرْ فِي هَذِهِ فَهُوَ ذُو عَقْلِ قَوِيمٍ وَخُلُقٍ مُسْتَقِيمٍ . (٧)

عنه عليه السلام: الْبَطْرُ يَسْلُبُ النَّعْمَةَ ، وَيَجْلِبُ النَّقْمَةَ . (٨)

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعَائِهِ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . . . وَازْوِ عَنِّي مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِي مَخِيلَةً ، أَوْ تَأْدِيًا إِلَى بَغْيٍ ، أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَانًا . (٩)

١- نهج البلاغه: الكتاب ٣٣ ، بحار الأنوار: ٣٣ / ٤٩١ / ٤٩٧ وراجع تحف العقول: ٣٠٤ .

٢- الكافي: ٨ / ٢٣ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه: الحكمه ٢١٦ ، تحف العقول: ٩٨ ، غرر الحكم: ٧٦٦٨ ، بحار الأنوار: ٧٥ / ٣٥٧ / ٧١ .

٣- غرر الحكم: ٢٥٥٥ .

٤- غرر الحكم: ٦٣٩٩ .

٥- الكافي: ٢ / ١٥٤ / ١٩ عن يحيى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ٧٤ / ١٢٢ / ٨٦ .

٦- غرر الحكم: ١٥١٩ .

٧- غرر الحكم: ٢١٣٣ .

٨- غرر الحكم: ٢٢١٦ .

٩- الصحيفه السجاديه: ١٢٢ الدعاء ٣٠ .

امام علی علیه السلام: هنگام توانگری، سرمستی نکن و به گاه سخت حالی، سست و ناتوان مباش.

امام علی علیه السلام: هر که [توانگری] یابد، گردن کشی کند.

امام علی علیه السلام: از سرمستی توانگری، به خدا پناه برید؛ که آن را مستی ای است که بس دیر بهبود یابد.

امام علی علیه السلام: غرور برخاسته از توانگری، سبب سرکشی است.

امام علی علیه السلام: اگر یکی از شما ثروتمند گشت، هرگز مبادا کبر و غرورش را بیفزاید و از خاندانش فاصله گیرد.

امام علی علیه السلام: فخرفروشی به گاه توانگری، ذلت در فقر را افزون می کند.

امام علی علیه السلام: انسان در سه حال دچار تغییر می شود: نزدیکی به حاکمان، سلطه یافتن بر حکومت، و توانگری پس از فقر. اگر کسی در این سه حال تغییر نکند، دارای عقلی استوار و خویی سالم است.

امام علی علیه السلام: سرمستی توانگری، نعمت را سلب می کند و کیفر را جلب می نماید.

امام سجاد علیه السلام در دعایش: بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست... و بستان از من آن دارایی را که برایم گردنکشی و خودبینی آورد و مرا به ستمگری کشاند یا در پی آن، به سرکشی گرفتار کردم.

الإمام الصادق عليه السلام: شَرُّ حَمَلِ الْغِنَى أَنْ يَكُونَ الْفَرِحُ مَرِحًا. (١)

عدّه الداعي عن كعب الأحبار: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: يَا مُوسَى، قُلْ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ: لَا تُبْطِرَنَّكُمْ النِّعْمَةُ فَيَعَايِلَكُمْ السَّلْبُ، وَلَا تَغْفُلُوا عَنِ الشُّكْرِ فَيَقَارِعَكُمْ الذُّلُّ. (٢)

راجع: ص ٩٤٤ (مضارّ التكاثر / نسيان الله سبحانه).

١ / ١٦ الغناء الإمام علي عليه السلام: كَثْرَةُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ يورثُ الْفَقْرَ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: الْغِنَاءُ يورثُ النِّفَاقَ، وَيُعَقِّبُ الْفَقْرَ. (٤)

١- جامع الأحاديث للقمي: ٢٠٧.

٢- عدّه الداعي: ١٨٩، إرشاد القلوب: ٦١ وفيه «عن الذكر والشكر فتسلبوا النعم» بدل «عن الشكر فيقارِعكم الذل»، أعلام الدين: ٣٢٨ وفيه «لا تبطر بكم» و«فينازعكم» بدل «لا تبطرنكم» و«فيقارِعكم»، بحار الأنوار: ٧٧ / ٤٢ / ١١ وج ٩٣ / ٣٧٥ / ١٦.

٣- الخصال: ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاق، مشكاة الأنوار: ٢٢٩ / ٦٤٥، جامع الأخبار: ٣٤٣ / ٩٥٢، روضه الواعظين: ٤٩٩، بحار الأنوار: ٧٦ / ٣١٤ / ١.

٤- الخصال: ٢٤ / ٨٤ عن الحسن بن هارون، دعائم الإسلام: ٢ / ٢٠٧ / ٧٥٦، بحار الأنوار: ٧٩ / ٢٤١ / ٧.

۱ / ۶ موسیقی غنایی

امام صادق علیه السلام: بدترین گرانسنگی توانگری ، آن است که توانگر از فرط شادمانی ، به سرکشی افتد .

عده الداعی از کعب الاحبار: در تورات نوشته شده: « . . . ای موسی! به بنی اسرائیل بگو: مبادا نعمت داشتن سبب شود که به سرکشی افتید ، زیرا نعمت به زودی از شما سلب گردد ؛ و از شکرگزاری غفلت نکنید ، چرا که خاری شما را در هم کوبد » .

ر. ک: ص ۹۴۵ (زیان های ثروت اندوزی / فراموشی خدای سبحان).

۱ / ۶ موسیقی غنایامام علی علیه السلام: فراوان شنیدن موسیقی غنایی ، فقر به بار آورد .

امام صادق علیه السلام: موسیقی غنایی ، نفاق به بار آورد و فقر در پی دارد .

الفصل الثاني: الموانع الاجتماعيه ٢ / ١ الاختلاف الكتاب: «قُلْ هِيَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ . (١)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله : لا تَخْتَلِفُوا ؛ فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا ، فَهَلَكُوا . (٢)

الإمام علي عليه السلام : الأُمُورُ الْمُتَنَظِّمَةُ يُفْسِدُهَا الْخِلَافُ . (٣)

١- . الأنعام : ٦٥ .

٢- . صحيح البخارى : ٣/١٢٨٢/٣٢٨٩ عن عبد الله بن مسعود وج ٢ / ٨٤٩ / ٢٢٧٩ ، مسند ابن حنبل : ٢ / ٦١ / ٣٨٠٣ ، المستدرک على الصحيحين : ٢ / ٢٤٣ / ٢٨٨٥ کلها عن عبد الله ، صحيح مسلم : ٤ / ٢٠٥٣ / ٢ عن عبد الله بن عمرو والثلاثة الأخيره نحوه .

٣- . غرر الحكم : ١١٧٤ .

فصل دوم: موانع اجتماعی

۲ / ۱ اختلاف

فصل دوم: موانع اجتماعی ۲ / ۱ اختلاف فقر آن: «بگو: او است توانا بر آن که بر شما عذابی از بالای سرتان یا از زیر پاهاتان فرستد یا شما را گروه های پراکنده کرده ، به هم اندازد و سختی گزند برخی تان را به برخی دیگر بچشاند . بنگر که چه سان آیات را گوناگون بیان می کنیم؛ باشد که دریابند.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دچار اختلاف نشوید ؛ که پیشینیان شما چنین کردند و هلاک شدند .

امام علی علیه السلام : اختلاف موجب پریشانی امورِ بسامان می شود .

عنه عليه السلام: الزموا السواد الأعظم؛ فإن يد الله مع الجماعة، وإياكم والفرقة! (١)

عنه عليه السلام في خطبته: أنظروا كيف كانوا حيث كانت الأملاء مجتمعاً، والأهواء مؤتلفه، والقلوب معتدلة، والأيدي مترادفة، والسيوف مناصرة، والبصائر نافذة، والغزائم واجدة. ألم يكونوا أرباباً في أقطار الأرضين، وملوكاً على رقاب العالمين؟! فانظروا إلى ما صاروا إليه في آخر أمورهم حين وقعت الفرقة، وتشتت الألفه، واختلفت الكلمه والأفئده، وتشعبوا مختلفين، وتفرقوا متحاربين قد خلع الله عنهم لباس كرامته، وسلبهم غزارهنعمته، وبقي قصص أخبارهم فيكم عبراً للمعتبرين! ... فانظروا إلى مواقع نعم الله عليهم حين بعث إليهم رسولاً؛ فعصد بملته طاعتهم، وجمع على دعوتيه الفتهم كيف نشرت النعمه عليهم جناح كرامتها، وأسالت لهم جداول نعيمها، والتفت المله بهم في عوائد بركتها؛ فأصبحوا في نعمتها غرقين، وفي خضره عيشتها فكهين! قد تربعت الأمور بهم في ظل سلطان قاهر، وآوتهم الحال إلى كنف عز غالب، وتعطف الأمور عليهم في ذرى ملك ثابت؛ فهم حكام على العالمين، وملوك في أطراف الأرضين؛ يملكون الأمور على من كان يملكها عليهم، ويضون الأحكام في من كان يرضيها فيهم، لا تغمز لهم قناه، ولا تفرع لهم صفاة. (٢)

-
- ١- نهج البلاغه: الخطبه ١٢٧، بحار الأنوار: ٣٣ / ٣٧٣ / ٦٠٤ وج ٦٨ / ٢٨٩ / ٤٨ وراجع المستدرک على الصحيحين: ١ / ٢٠٠ / ٣٩١ وکنز العمال: ١ / ٢٠٦ / ١٠٣٠.
- ٢- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٢، بحار الأنوار: ١٤ / ٤٧٣ / ٣٧.

امام علی علیه السلام: همراه جماعت بزرگ تر [مؤمنان] باشید؛ که دست خدا با جماعت است. مبدا دچار پراکندگی شوید!

امام علی علیه السلام در خطبه اش: بنگرید که حال آنان چگونه بود، آن گاه که جماعتشان متفق بود و رأی هاشان یکی بود و قلب هاشان یکسان و دست ها یار هم و شمشیرها یاور یکدیگر و بینایی ها ژرف و تصمیم ها یگانه بود؟ آیا در همه سرزمین ها، مهتری نمی کردند و بر همه چیز دیگران مسلط نبودند؟ پس بنگرید که پایان کارشان چگونه شد، آن گاه که میانشان تفرقه افتاد و الفتشان به پراکندگی کشید و زبان ها و دل هاشان دچار تفرقه گشت و شاخه شاخه شدند و با هم به نبرد برخاستند؛ و خداوند جامه کرامت خویش را از تنشان بیرون آورد و نعمت سرشارش را از ایشان بازستاند و داستان آنان در میان شما برای عبرت پذیران مایه عبرت شد! . . . پس بنگرید به فرود آمدن نعمت های خدا بر ایشان، آن گاه که پیامبری را به سویشان گسیل فرمود و آنان را فرمانبردار آیین وی نمود و به دعوت او میانشان الفت پدید آورد؛ که چگونه نعمت، بال کرامت بر سرشان گسترد و جویبارهای خود را به سویشان روان ساخت و دین خدا آنان را در سودها و برکات خویش در پیچید و ایشان در نعمت آن، غرقه گشتند و در خرمی زندگانی اش خشنودی یافتند. در سایه حکمرانی چیره، کارشان سامان یافت و حالشان به گونه ای درآمد که در کنف عزتی پیروزمندانه جای گرفتند و در اوج حکمرانی پایدار، کارها برایشان آسان گشت و ایشان بر همه جهانیان حکومت یافتند و در همه سوی زمین، پادشاهی کردند و از همه کسانی که روزی بر آنان حکم رانده بودند، زمام گرفتند و به آنان که به ایشان فرمان می دادند، فرمان راندند، به گونه ای که دیگر کسی را اندیشه آن نبود که به سوی آنان نیزه ای افکند یا سنگی پرتاب کند.

٢ / ٢ الظلم الكتاب: «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ. (١)»

«وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ. (٢)»

«وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِمَّن قَبِلْنَا لِمَا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ. (٣)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَالظُّلْمَ! فَإِنَّهُ يُخَرِّبُ قُلُوبَكُمْ، كَمَا يُخَرِّبُ الدَّوْرَ. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ الْغَنِيَّ الظَّالِمَ. (٥)

صحيح البخارى عن أبو موسى: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ لَيَمْلِكُ لِلظَّالِمِ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَهُ لَمْ يُفْلِتْهُ. ثُمَّ قَرَأَ: «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (٦). (٧)»

١- هود: ١٠٢.

٢- القصص: ٥٩.

٣- يونس: ١٣.

٤- جامع الأحاديث للقمي: ٦٠، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ٩٧ / ٣٣، مشكاة الأنوار: ٥٤٣ / ١٨١٦، روضه الواعظين: ٥١٢ وليس فيهما «كما يخرب الدور»، بحار الأنوار: ٧٥ / ٣١٥ / ٣٤؛ الفردوس: ١ / ٣٨٦ / ١٥٥٢ وليس فيه «كما يخرب الدور»، كنز العمال: ٣ / ٥٠٥ / ٧٦٣٩.

٥- المعجم الأوسط: ٥٤٥٨ / ٣٣٠ / ٥، الحارث عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ١٦ / ٣٨ / ٤٣٨٣٥؛ الخصال: ١٩ / ٨٧ عن الحسين بن عثمان عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ٣٢٣ / ١٢ عن حسين بن عثمان ومحمد بن أبي حمزة عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ٤٢ عن رسول الله صلى الله عليه وآله و آلوه ص ٣٧١ عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد: ٨٣ / ٢٧٢ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام، الأصول الستة عشر: ١٠٩ عن حسين بن مختار عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ٧٢ / ٦٥ / ١٩.

٦- هود: ١٠٢.

٧- صحيح البخارى: ٤ / ١٧٢٦ / ٤٤٠٩، صحيح مسلم: ٤ / ١٩٩٧ / ٦١، سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٣٢ / ٤٠١٨، كنز العمال: ٣ / ٥٠١ / ٧٦١٠ و ص ٥٠٥ / ٧٦٤٠؛ نثر الدر: ١ / ٢٤٥.

۲ / ۲ ستمگری

۲ / ۲ ستمگری قرآن: «و این چنین است گرفتنِ پروردگارِ تو، آن گاه که آبادی ها و شهرها را که ستمکارند، می گیرد؛ همانا گرفتنِ او دردناک و سخت است.»

«و ما نابود کننده شهرها نبودیم، مگر آن که مردم آن ها ستمگر بودند.»

«و هر آینه نسل های پیش از شما را چون ستم کردند، هلاک کردیم، در حالی که پیامبرانشان نشانه ها و دلیل های روشن برایشان آوردند؛ و ایشان بر آن نبودند که ایمان آورند. این چنین، گروه بزهکاران را کیفر می دهیم.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ستم پرهیزید؛ که دل ها را ویران می کند، هم چنان که خانه ها را نابود می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند، توانگر ستمگر را دشمن می شمارد.

صحیح البخاری از ابوموسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند، ستمگر را مهلت می دهد تا آن گاه که او را بگیرد، هیچ خلاصی نباشدش». سپس فرمود: «و این چنین است گرفتنِ پروردگارِ تو، آن گاه که آبادی ها و شهرها را که ستمکارند، می گیرد؛ همانا گرفتنِ او دردناک و سخت است.»

الإمام علي عليه السلام: بِالظُّلْمِ تَزُولُ النَّعْمُ . (١)

عنه عليه السلام: الظُّلْمُ يُدَمِّرُ الدِّيَارَ . (٢)

عنه عليه السلام: كَمِ مِنْ نِعْمَةٍ سَلَبَهَا ظُلْمٌ ! (٣)

عنه عليه السلام: الظُّلْمُ يَجْلِبُ النَّقْمَةَ . (٤)

عنه عليه السلام: الظُّلْمُ يَطْرُدُ النَّعْمَ . (٥)

عنه عليه السلام: ظُلْمُ الظَّالِمِ يَقُودُهُ إِلَى الْهَلَاكِ . (٦)

عنه عليه السلام: الظُّلْمُ يُزِلُّ الْقَدَمَ ، وَيَسْلِبُ النَّعْمَ ، وَيُهْلِكُ الْأُمَّمَ . (٧)

عنه عليه السلام: الْبَغْيُ يَسْلِبُ النَّعْمَةَ . (٨)

عنه عليه السلام في كتابه لِلْأَشْتَرِ لَمَّا وُلَّاهُ عَلَى مِصْرَ : إِيَّاكَ وَالِدَّمَاءَ وَسَفَكَهَا بِغَيْرِ حِلِّهَا ! فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْنَى لِنِقْمِهِ وَلَا أَعْظَمَ لَتَبِعِهِ وَلَا أَحْرَى بِزَوَالِ نِعْمِهِ وَانْقِطَاعِ مُدَّةِ ، مِنْ سَفَكِ الدَّمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا . (٩)

١- غرر الحكم : ٤٢٣٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ١٨٦ / ٣٧٧٣ .

٢- غرر الحكم : ١٠٦٨ ، عيون الحكم والمواعظ : ٤٣ / ١٠٤٧ .

٣- غرر الحكم : ٦٩٢٧ ، عيون الحكم والمواعظ : ٣٧٩ / ٦٤٠٥ .

٤- غرر الحكم : ٣٨٣ ، عيون الحكم والمواعظ : ١٩ / ٦٠ .

٥- غرر الحكم : ٧١٠ ، عيون الحكم والمواعظ : ١٨ / ٣٦ .

٦- المواعظ العددية : ٥٩ .

٧- غرر الحكم : ١٧٣٤ ، عيون الحكم والمواعظ : ٥٢ / ١٣٥٦ .

٨- غرر الحكم : ٣٨٢ .

٩- نهج البلاغة : الكتاب ٥٣ ، تحف العقول : ١٤٦ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٦٣ / ١ .

امام علی علیه السلام: با ستم، نعمت‌ها زوال یابند.

امام علی علیه السلام: ستم سرزمین‌ها را ویران می‌کند.

امام علی علیه السلام: بسا نعمتی که ظلم، آن را سلب می‌کند.

امام علی علیه السلام: ستم فراهم آورنده عذاب است.

امام علی علیه السلام: ظلم نعمت‌ها را دور می‌کند.

امام علی علیه السلام: ستمگریِ ظالم، او را به هلاکت می‌کشاند.

امام علی علیه السلام: ستم پای را بلغزاند؛ نعمت‌ها را بگیرد؛ و امت‌ها را هلاک نماید.

امام علی علیه السلام: ستمگری نعمت را سلب می‌کند.

امام علی علیه السلام در نامه اش به اشتر، آن‌گاه که وی را بر ولایت مصر گماشت: از ریختن خون‌ها به ناروا پرهیز؛ که هیچ چیز به اندازه خونریزی ناروا، مجازات نمی‌آورد و پیامد سخت ندارد و نعمت را نابود نمی‌کند و مهلت را پایان نمی‌دهد.

عنه عليه السلام: سَفَكَ الدِّمَاءَ بِغَيْرِ حَقِّهَا يَدْعُو إِلَى حُلُولِ النَّقْمَةِ وَزَوَالِ النَّعْمَةِ. (١)

عنه عليه السلام: ظَلَمَ الْيَتَامَى وَالْأَيَامَى يُنْزِلُ النَّقْمَ ، وَيَسْلُبُ النَّعْمَ أَهْلِهَا . (٢)

عنه عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامِهِ عَلَى ظُلْمٍ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ ، وَهُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ . (٣)

عنه عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَظَلَمَ فِيهَا ، إِلَّا كَانَ حَقِيقًا أَنْ يُزِيلَهَا عَنْهُ . (٤)

عنه عليه السلام: دَوَامُ الظُّلْمِ يَسْلُبُ النَّعْمَ ، وَيَجْلِبُ النَّقْمَ . (٥)

عنه عليه السلام: كَفَى بِالظُّلْمِ طَارِدًا لِلنَّعْمَةِ ، وَجَالِبًا لِلنَّقْمَةِ . (٦)

عنه عليه السلام: كَفَى بِالْبَغْيِ سَالِبًا لِلنَّعْمَةِ . (٧)

عنه عليه السلام: الْبَغْيُ يُزِيلُ النَّعْمَ . (٨)

١- غرر الحكم : ٥٦٢٨ .

٢- غرر الحكم : ٦٠٧٩ .

٣- نهج البلاغه : الكتاب ٥٣ ، غرر الحكم : ٧٥٢٣ وفيه «زوال نعمه وتعجيل نقمه» وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٤٢ / ١ نقلاً عن تحف العقول .

٤- غرر الحكم : ٩٧١٠ .

٥- غرر الحكم : ٥١٤٢ .

٦- غرر الحكم : ٧٠٦٥ .

٧- غرر الحكم : ٧٠٦٦ .

٨- غرر الحكم : ٤٨٦ .

امام علی علیه السلام: ریختن خون به ناروا موجب فرود آمدن مجازات و نابودی نعمت است .

امام علی علیه السلام: ستم به یتیمان و بی همسران ، کیفر را فرود آورد و نعمت را از صاحبش وا ستاند .

امام علی علیه السلام: هیچ چیز همچون بیدادگری ، نعمت خدا را تغییر نمی دهد و کیفر او را پیش نمی اندازد ؛ که همانا خداوند ندای ستم دیدگان را می شنود و همو در کمین ستمگران است .

امام علی علیه السلام: هر بنده ای که خدا به وی نعمتی بخشد و او با آن ، ظلم کند ، روا باشد که خداوند آن نعمت را از وی بستاند .

امام علی علیه السلام: پایداریِ ستم ، نعمت را می ستاند و عذاب را فراپیش می کشد .

امام علی علیه السلام: ظلم را همین بس که نعمت را دور می کند و کیفر را فراهم می آورد .

امام علی علیه السلام: بیداد را همین بس که نعمت را می ستاند .

امام علی علیه السلام: ستم نعمت را از میان می برد .

الإمام الباقر عليه السلام: ما من أحدٍ يظلم بمظلمه إلا أخذهُ اللهُ بها في نفسه وماله، وأما الظلم الذي بينه وبين الله فإذا تاب غفر الله له. (١)

عنه عليه السلام: الظلم ثلاثة: ظلم يغفره الله، وظلم لا يغفره الله، وظلم لا يدعه الله؛ فأما الظلم الذي لا يغفره فالشرك، وأما الظلم الذي يغفره فظلم الرجل نفسه في ما بينه وبين الله، وأما الظلم الذي لا يدعه فالمداينة بين العباد. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: الذنوب التي تُغيّر النعم: البغى. (٣)

٢ / ٣ / الخيانه رسول الله صلى الله عليه وآله: الخيانه تجلب الفقر. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إن الله إذا أراد بقوم نماءً رزقهم القصد والعفاف، وإذا أراد الله بقوم اقتطاعاً فتح عليهم باب خيانه. (٥)

- ١- الكافي: ٢ / ٣٣٢ / ١٢، ثواب الأعمال: ٣٢١ / ٦ كلاهما عن زراره، بحار الأنوار: ٧٥ / ٣١٣ / ٢٢ وص ٣٣١ / ٦٤.
- ٢- الكافي: ٢ / ٣٣٠ / ١، الخصال: ١١٨ / ١٠٥، الأمالى للصدوق: ٣٢٥ / ٣٧٩، تفسير العياشي: ٢ / ٣٢٦ / ٢٧ كلها عن سعد بن طريف، تحف العقول: ٢٩٣، روضه الواعظين: ٥١١ كلها نحوه، بحار الأنوار: ٧٥ / ٣١١ / ١٥ وص ٣٢٢ / ٥٣.
- ٣- الكافي: ٢ / ٤٤٧ / ١، معاني الأخبار: ٢٦٩ / ١، علل الشرايع: ٥٨٤ / ٢٧ كلها عن مجاهد عن أبيه، الاختصاص: ٢٣٨ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٧٤ / ١١.
- ٤- الكافي: ٥ / ١٣٣ / ٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ٤٥، قرب الإسناد: ١١٧ / ٤٠٨ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ٧٥ / ١١٤ / ٦؛ مسند الشهاب: ١ / ٧٢ / ٦٤ عن أنس وفيه «تجر» بدل «تجلب»، الفردوس: ١ / ١٢١ / ٤١٥ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ٣ / ٦٠ / ٥٤٩٣.
- ٥- تفسير ابن كثير: ٣ / ٢٥١، كنز العمالي: ٦ / ٣٤٢ / ١٥٩٦٠ وص ٥٢٥ / ١٦٨٣٣ نقلًا عن الطبراني وابن عساكر وكلها عن عباده بن الصامت.

۳ / ۲ خیانت

امام باقر علیه السلام: هیچ کس نیست که بیدادی مرتکب شود، مگر این که خداوند به دلیل آن، جان و مال او را بگیرد؛ و اما ظلمی که در حق خداوند روا شود، اگر آن کس توبه کند، خدای وی را بیامرزد.

امام باقر علیه السلام: ظلم سه گونه است: یکی آن که خدای آنرا بیامرزد؛ دیگر آن که خدا نیامرزدش؛ و سوم آن که خدا رهایش نکند. آن که نیامرزدش، شرک است؛ و آن که بیامرزدش، ظلمی است که انسان در روابط میان خود و خدا بر خویش روا می‌دارد؛ و آن که رهایش نکند، وامداری بندگان به یکدیگر است.

امام صادق علیه السلام: [یکی از] گناهانی که نعمت را تغییر دهند، ستم است.

۳ / ۲ خیانت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خیانت فقر را فرمایش می‌کشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند هر گاه خواهد گروهی را نعمت افزایش دهد، میانه روی و پاکدامنی را روزی شان گرداند؛ و هر گاه خواهد نعمت آنان را قطع کند، در خیانت را بر رویشان بگشاید.

عنه صلى الله عليه و آله : تُرْفَعُ الْبِرْكَةُ مِنَ الْبَيْتِ إِذَا كَانَتْ فِيهِ الْخِيَانَةُ . (١)

الإمام الكاظم عليه السلام : الْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَالنَّفَاقَ . (٢)

٢ / ٤ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ وَالْيَمِينَ الْكَاذِبَةَ لَتَذَرَانِ الدِّيَارَ بِلَاقِعٍ مِنْ أَهْلِهَا . (٣)

الإمام عليّ عليه السلام : قَطِيعَةُ الرَّحِمِ يورثُ الْفَقْرَ . (٤)

عنه عليه السلام : قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تَجْلِبُ النَّقْمَ . (٥)

عنه عليه السلام : قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تُزِيلُ النَّعْمَ . (٦)

١- الفردوس : ٢ / ٧٣ / ٢٤١٣ عن أنس ، كنز العمال : ١٥ / ٤٠٢ / ٤١٥٦٠ .

٢- تحف العقول : ٤٠٣ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٣٢٧ / ٤ .

٣- معاني الأخبار : ٢٦٤ / ١ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ٢ / ٣٤٧ / ٤ ، الخصال : ١٢٤ / ١١٩ ، ثواب الأعمال : ٢٧٠ / ٨ وكلها عن أبي عبيدة الحذاء عن الإمام الباقر عليه السلام عن كتاب الإمام عليّ عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٩٤ / ٢٤ وص ١٣٤ / ١٠٤ .

٤- الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاق ، مشكاة الأنوار : ٢٣٠ / ٦٤٥ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٩١ / ١٢ .

٥- غرر الحكم : ٦٧٦٩ .

٦- غرر الحكم : ٦٧٨٣ .

۲ / ۴ گسستن پیوند از خویشان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خانه ای که خیانت در آن باشد ، برکت از آن رخت بریندد .

امام کاظم علیه السلام :خیانت و دروغگویی ، فقر و نفاق را فراهم می کنند .

۲ / ۴ گسستن پیوند از خویشانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :همانا پیوند گسستن از خویشان و سوگند دروغ ، سرزمین ها را از ساکنانشان خالی می کند .

امام علی علیه السلام :پیوند گسستن از خویشان ، فقر را در پی دارد .

امام علی علیه السلام :پیوند گسستن از خویشان ، عذاب را فرایش می کشد .

امام علی علیه السلام :پیوند گسستن از خویشان ، نعمت ها را از میان می برد .

عنه عليه السلام: لَيْسَ مَعَ الْفُجُورِ نَمَاءٌ... وَلَا مَعَ الْقَطِيعَةِ غِنَى. (١)

الكافي عن أبو حمزة الثمالي: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حُطْبَتِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الدُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ. فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْكَوَّاءِ الْيَشْكُرِيُّ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَوْ تَكُونُ دُنُوبٌ تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَيْلَكَ! قَطِيعَةُ الرَّحِمِ؛ إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَجْتَمِعُونَ وَيَتَوَاسُونَ وَهُمْ فَجْرَةٌ فَيَرزُقُهُمُ اللَّهُ، وَإِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَتَفَرَّقُونَ وَيَقْطَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَحْرِمُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ أَتْقِيَاءُ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: الدُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ: الْبَغْيُ... وَالَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ: قَطِيعَةُ الرَّحِمِ. (٣)

٢ / ٥ / مَنَعُ الْمُحْتَاجِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى عَبْدٍ إِلَّا عَظُمَتْ مَوْوَنَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَمَنْ لَمْ يَحْتَمِلْ تِلْكَ الْمَوْوَنَةَ فَقَدْ عَرَّضَ تِلْكَ النَّعْمَةَ لِلزَّوَالِ. (٤)

١- دستور معالم الحكم: ٣١.

٢- الكافي: ٢ / ٣٤٧ / ٧، بحار الأنوار: ٧٤ / ١٣٧ / ١٠٧.

٣- الكافي: ٢ / ٤٤٧ / ١، معاني الأخبار: ٢٦٩ / ١، علل الشرايع: ٥٨٤ / ٢٧، كلها عن مجاهد عن أبيه، الاختصاص: ٢٣٨ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٧٤ / ١١.

٤- الأمالي للطوسي: ٣٠٦ / ٦١٥ عن معاذ بن جبل، تاريخ يعقوبى: ٢ / ٩٧، قرب الإسناد: ٧٧ / ٢٤٩ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، الكافي: ٤ / ٣٨ / ٤ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ٩٦ / ١٦١ / ٣ و ١؛ تاريخ بغداد: ٥ / ١٨١ / ٢٦٢٦، شعب الإيمان: ٦ / ١١٨ / ٧٦٦٤ كلاهما عن معاذ بن جبل، قضاء الحوائج لابن أبي الدنيا: ٥٥ / ٤٨ عن عائشه، كنز العميال: ٦ / ٣٤٧ / ١٥٩٩٤ وص ٣٩٠ / ١٦٢٠٢.

۲ / ۵ پس راندنِ نیازمند

امام علی علیه السلام: با بدکاری، افزایش نباشد... و با پیوند گسستن از خویشان، توانگری نماند.

الکافی از ابو حمزه ثمالی: امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه خویش فرمود: «پناه می برم به خدا از گناهایی که نیستی را پیش می اندازد». عبدالله بن کواء یشکری برخاست و گفت: «ای امیرالمؤمنین! آیا گناهایی هم هستند که نیستی را پیش اندازند؟» فرمود: «آری وای بر تو! و آن، پیوند گسستن از خویشان است. همانا شود که خانواده ای گرد هم آیند و یکدیگر را یاری کنند و با آن که بدکارند، خداوند روزی شان دهد؛ و خانواده ای پراکنده باشند و از هم جدا بزیند و با آن که پرهیزگارند، خدا از روزی محرومشان سازد».

امام صادق علیه السلام: گناهایی که نعمت ها را دگرگون کنند، چنینند: ستم و...؛ و گناهی که نیستی را پیش اندازد، پیوند گسستن از خویشان است.

۲ / ۵ پس راندنِ نیازمند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که نعمت خدا برایش فراوان گردد، مگر آن که بار مردم بر دوش وی سنگین شود؛ و هر که این بار را تحمل نکند، آن نعمت را در معرض نابودی قرار داده است.

عنه صلى الله عليه وآله: ما أنعم الله عز وجل على عبدٍ من نِعَمِهِ وأسبغها عليه ثُمَّ جَعَلَ إِلَيْهِ شَيْئًا مِنْ حَوَائِجِ النَّاسِ فَتَبَرَّمَ بِهَا ، إِلَّا وَقَدْ عَرَّضَ تِلْكَ النِّعْمَةَ لِلزَّوَالِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ أَقْوَامًا يَخْتَصُّهُمْ بِالنِّعَمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ ، وَيُقَرِّئُهَا فِيهِمْ مَا يَدُلُّوهُا ، فَإِذَا مَنَعُوا نَزَعَهَا عَنْهُمْ فَحَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُمَانِعُوا قَرْضَ الْخَمِيرِ ؛ فَإِنَّ مَنَعَهُ يورثُ الْفَقْرَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنَعَ الْخُبْزِ يَمَحُوقُ الْبَرَكَهَ . (٤)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ ؛ فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ فِيهَا عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَالْبَقَاءِ ، وَمَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ . (٥)

عنه عليه السلام: إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ؛ فَاعْتَنِمُوهَا وَلَا تَمَلُّوهَا فَتَسْحَوَلَ نِقْمًا . (٦)

- ١- كتر العميال : ٦ / ٤٤٨ / ١٦٤٨١ نقلاً عن ابن النجار وح ١٦٤٨٢ نقلاً عن أبي نعيم ، المعجم الأوسط : ٧ / ٢٩٢ / ٧٥٢٩ ، الفردوس : ٤ / ١٢ / ٦٠٣٣ كلها عن ابن عباس نحوه .
- ٢- تاريخ بغداد : ٩ / ٤٥٩ / ٥٠٨٩ ، حليه الأولياء : ١٠ / ٢١٥ نحوه وكلاهما عن ابن عمر ، كتر العميال : ٦ / ٣٥٠ / ١٦٠٠٨ ؛ نهج البلاغه : الحكمه ٤٢٥ عن الإمام عليّ عليه السلام ، تاريخ يعقوبى : ٢ / ٩٧ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٤١٨ / ٣٩ .
- ٣- الجعفریات : ١٦١ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ١٦٢ / ٧١٨ ، من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٢٦٩ / ٣٩٧٣ كلاهما عن السكونى عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وزادا فيهما «والخبز» .
- ٤- الفردوس : ٤ / ١٥٠ / ٦٤٦٥ عن الإمام الحسين عليه السلام .
- ٥- نهج البلاغه : الحكمه ٣٧٢ ، غرر الحكم : ٨٧٥٢ ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ٤٠٣ / ٢٧٤ ؛ المناقب للخوارزمى : ٣٦٩ / ٣٨٨ كلاهما عن جابر بن عبد الله الأنصارى وكلها نحوه .
- ٦- غرر الحكم : ٣٥٩٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر بنده ای که خداوند به وی نعمتی دهد و آن را بر او کامل گرداند و سپس نیازی از مردم بر وی عرضه کند و او اظهار ملالت نماید، آن نعمت را در معرض نابودی قرار داده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خدای را دسته هایی از بندگانشند که به ایشان نعمت بخشیده تا آن را در منافع بندگان دیگر مصرف کنند و آن چه را که بذل و بخشش کنند، برایشان ماندگار فرماید؛ اما هرگاه از بخشش آن خودداری ورزند، آن را از ایشان می ستاند و به دیگران می سپارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از وام دادن خمیر مایه نان ابا نکنید؛ که این کار فقر می زاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نان ندادن به دیگران، برکت را از میان می برد.

امام علی علیه السلام: هر که نعمت های خدا بر وی فراوان شود، نیازهای مردم نیز به سوی او بسیار گردد. پس اگر کسی برای خدا به انجام وظیفه خود برخیزد، آن مال را دوام و ماندگاری بخشیده؛ و اگر به ادای وظیفه اش برنخیزد، آن را در معرض تباهی و نیستی قرار داده است.

امام علی علیه السلام: همانا نیازهای مردم که به شما عرضه می شود، نعمتی از سوی خدا برای شما است؛ پس آن را غنیمت شمیرید و از آن ملول نگردید، مبادا که نعمت به عذاب تبدیل شود.

عنه عليه السلام: سَبَبُ زَوَالِ الْيَسَارِ مَنَعُ الْمُحْتَاجِ . (١)

عنه عليه السلام في الدِّيوانِ الْمَنسُوبِ إِلَيْهِ : مَا أَحْسَنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالَهَا إِذَا أَطَاعَ اللَّهُ مَنْ نَالَهَا مَنْ لَمْ يُوَاسِ النَّاسَ مِنْ فَضْلِهِ عَرَّضَ لِلْإِدْبَارِ إِقْبَالَهَا فَاحْذَرِ زَوَالَ الْفَضْلِ يَجَابِرُوا عَطِي مِنْ دُنْيَاكَ مَنْ سَالَهَا فَإِنَّ ذَا الْعَرْشِ جَزِيلُ الْعَطَا يُضْعِفُ بِالْحَبَّةِ أَمْثَالَهَا (٢)

عنه عليه السلام: رَدُّ السَّائِلِ الذَّكْرِ بِاللَّيْلِ يورثُ الْفَقْرَ . (٣)

الإمام الحسين عليه السلام: إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ؛ فَلَا تَمَلُّوا النَّعْمَ فَتَجُوزُوا النَّعْمَ . (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَظَمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ اشْتَدَّتْ مَوْوَنَةُ النَّاسِ عَلَيْهِ ؛ فَاسْتَدِيمُوا النَّعْمَةَ بِاحْتِمَالِ الْمَوْوَنَةِ وَلَا تُعَرِّضُوهَا لِلزَّوَالِ ؛ فَقَلَّ مَنْ زَالَتْ عَنْهُ النَّعْمَةُ فَكَادَتْ أَنْ تَعُودَ إِلَيْهِ ! (٥)

١- غرر الحكم : ٥٥٢٦ .

٢- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام : ٤٢٢ / ٣٣١ ، الملاحم والفتن : ٣٦١ / ٥٢٩ وليس فيه من «فاحذر زوال...» ، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ٤٠٣ / ٢٧٤ ؛ تذكره الخواص : ١٦٨ ، المناقب للخوارزمي : ٣٦٩ / ٣٨٨ عن جابر بن عبد الله الأنصاري .

٣- الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علقه ، جامع الأخبار : ٣٤٣ / ٩٥٢ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، مشكاة الأنوار : ٢٢٩ / ٦٤٥ وفيه «الذاكر» بدل «الذكر» ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٣١٤ / ١ .

٤- الدرّ الباهره : ٢٤ ، أعلام الدين : ٢٩٨ وفيه «فتحوّل إلى غيركم» بدل «فتجوزوا النعم» ، كشف الغمّه : ٢ / ٢٤١ وفيه «فتحوّر نقما» بدل «فتجوزوا النعم» ، بحار الأنوار : ٧٤ / ٣١٨ / ٨٠ وراجع المناقب للخوارزمي : ٣٦٩ / ٣٨٨ .

٥- الكافي : ٤ / ٣٧ / ١ عن حديد بن حكيم ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٦٠ / ١٧٠٥ .

امام علی علیه السلام: رخت بر بستن آساش و گشایش ، به سبب پس راندن نیازمند است .

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی : چه زیبا است دنیا و روی آوردنشاگر کسی که به آن می رسد ، خدا را اطاعت کند . هر کس از نعمت خویش ، مردم را دستگیری نکند خود سبب می شود که دنیا به وی پشت کند . ای جابر! از نیستی نعمت بر حذر باشو هر که به دنیایت نیاز دارد ، از آن به وی عطا کن . همانا خداوندِ دارنده عرش ، بسیار عطا می فرماید و به ازای یک دانه ، چندین برابر می بخشد .

امام علی علیه السلام: راندن نیازمندی که در شب عرض نیاز می کند ، موجب فقر است .

امام حسین علیه السلام: همانا نیازهای مردم که به شما عرضه می شود ، از نعمت های خدا بر شما است ؛ پس از آن ها ملول نگردید ، مبادا که از آن ها محروم گردید .

امام صادق علیه السلام: هر که نعمت خدا بر وی بزرگ تر باشد ، بار مردم بر دوش او سنگین تر است ؛ پس با تحمل این بار ، نعمت را پایدار سازید و آن را در معرض نابودی قرار ندهید ؛ که بسی کم است کسی که نعمت از او نهد و به وی بازگردد .

الكافي عن داود بن عبد الله بن محمّد الجعفرى عن إبراهيم بن محمّد: قال أبو عبد الله عليه السلام: ما من عبدٍ تظاهرت عليه من الله نعمة إلا اشتدت مؤونه الناس عليه؛ فمن لم يقيم للناس بحوائجهم فقد عرض النعمة للزوال. قال: فقلت: جعلت فداك! ومن يقدر أن يقوم لهذا الخلق بحوائجهم؟! فقال: إنما الناس في هذا الموضع والله المؤمنون! (١)

الكافی از داود بن عبداللّه بن محمّد جعفری از ابراهیم بن محمّد: امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ بنده ای نیست که نعمت خدا برایش فراوان گردد، مگر آن که بار مردم بر دوش وی سنگین شود. پس هر که نیاز مردم را تأمین نکند، نعمت را در معرض نابودی قرار داده است». گفتم: «فدایت شوم! چه کسی می تواند نیازهای همه این مردم را تأمین نماید؟» فرمود: «به خدا سوگند! مراد از مردم در این جا، مؤمنانند».

الفصل الثالث: الموانع العمليه ٣ / ١ السّيئات الكتاب: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ . (١)»

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . (٢)»

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى . (٣)»

«فَأَهْلَكَهُمْ بَدْنُوبِهِمْ وَ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ . (٤)»

راجع: ص ٨٠٢ (الموانع الاجتماعيه / الظلم) و ص ٩٧٠ (مضارّ التكاثر / الهلاك).

١- الروم : ٤١ .

٢- الحشر : ١٩ .

٣- طه : ١٢٤ .

٤- الأنعام : ٤ .

فصل سوم: موانع عملی ۳ / ۱ گناهانقرآن: «به سبب آن چه دست های مردم کرده ، در خشکی و دریا تباهی پدید آمد تا [خدا جزای] برخی از آن چه کرده اند ، به آنان بچشانند؛ باشد که باز گردند.»

«و مانند کسانی مباشید که خدای را از یاد بردند و خدا خودشان را از یادشان برد؛ اینانند بدکاران نافرمان.»

«و هر که از یاد کرد و پند من روی گرداند ، زندگی تنگ و سخت دارد و روز رستاخیز او را نابینا برانگیزیم . ۱.»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ لِيَأْخُذَ ، وَلَوْ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ مَا أَنْعَمَ وَبَقُوا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مَا سَلَبَهُمْ تِلْكَ النَّعْمَ وَهُمْ لَهُ شَاكِرُونَ ، إِلَّا- أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْ شُكْرِ إِلَى كُفْرٍ وَمِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ ؛ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى : «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (١)» . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا- يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ ، حَتَّى يَرَوْا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يُنْكِرُوهُ فَلَا يُنْكِرُوهُ ؛ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُحْرَمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: إِحْدَرُوا الذُّنُوبَ ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقُ . (٥)

١- الرعد : ١١ .

٢- إرشاد القلوب : ٣١ .

٣- مسند ابن حنبل : ٦ / ٢١٨ / ١٧٧٣٦ عن عدى ، المعجم الكبير : ١٧ / ١٣٨ / ٣٤٣ عن العرس بن عميره نحوه ، كنز العمال : ٣ / ٦٥ / ٥٥١٥ وراجع علل الشرايع : ٥٢٢ / ٦ / ٥٥٥ وقرب الإسناد : ٥٥ / ١٨٠ وبحار الأنوار : ١٠٠ / ٧٥ / ١٦ .

٤- سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٣٤ / ٤٠٢٢ ، مسند ابن حنبل : ٨ / ٣٣٠ / ٢٢٤٧٦ و ص ٣٣٥ / ٢٢٥٠١ ، المستدرک علی الصحیحین : ١٨١٤ / ١ / ٦٧٠ و ج ٣ / ٥٤٨ / ٦٠٣٨ ، مسند الرؤياني : ١ / ٤٠٨ / ٦٢٦ وفيه «يعمله» بدل «يصيبه» ، المعجم الكبير : ١٤٤٢ / ٢ / ١٠٠ ، الزهد لابن المبارك : ٢٩ / ٨٦ كلها عن ثوبان ؛ الكافي : ٢ / ٢٧٠ / ٨ عن الفضيل بن يسار عن الإمام الباقر عليه السلام موص ٢٧١ / ١١ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، الأمالى للطوسى : ١٣٦ / ٢١٩ عن بكر بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه .

٥- كنز الفوائد : ١ / ٣٥٢ ، الخصال : ٦٢٠ / ١٠ عن أبى بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عن الإمام على عليهم السلام وفيه «ليذنب» بدل «يذنب الذنب» ، تحف العقول : ١١٠ عن الإمام على عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٥١ / ٤٧ وج ٧٧ / ١٦٩ / ٦ .

«پس آنان را به سزای گناهانشان هلاک کردیم و از پس ایشان مردمی دیگر پدید آوردیم.»

ر. ک: ص ۸۰۳ (موانع اجتماعی/ستم) و ص ۹۷۱ (زیان های ثروت اندوزی/نابودی).

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند آن چه را عطا فرماید، باز نمی ستاند؛ و اگر به قومی نعمتی دهد و آنان جاودانه در عین شکرگزاری زندگی کنند، آن را از ایشان نستاند، مگر این که از شکر به ناسپاسی و از اطاعت به معصیت گرایند. و این است سخن خدای تعالی: «همانا خداوند آن چه را از آن گروهی است، دگرگون نمی کند، مگر این که ویژگی های خود را تغییر دهند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند به سبب رفتار گروهی خاص، همه مردم را عذاب نمی کند، مگر این که آنان عمل زشت را آشکارا بینند و در حالی که قدرت مخالفت با آن را دارند، مخالفت نکنند؛ پس در این حال، خداوند هم آن گروه خاص و هم عوام را عذاب کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا انسان با ارتکاب گناه، از روزی محروم می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از گناهان پرهیزید؛ که همانا بنده گناه می کند و روزی اش قطع می گردد.

الإمام علي عليه السلام: ليس مع الفجور نماءً . (١)

عنه عليه السلام: لا غنى مع فجور . (٢)

عنه عليه السلام: مداومة المعاصي تقطع الرزق . (٣)

عنه عليه السلام: توفوا الذنوب؛ فما من بليته ولا نقص رزق إلا بذنب، حتى الخدش والكبوه والمصيبة؛ فإن الله جل ذكره يقول: «وَمَا أَصَبَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ (٤)». (٥)

عنه عليه السلام: بالله! إنه ما عاش قوم قط في غضاره من كرامه نعم الله في معاش دنيا، ولا دائم تقوى في طاعه الله والشكر لنعيمه، فأزال ذلك عنهم، إلا من بعد تغيير من أنفسهم، وتحويل عن طاعه الله، والحادث من ذنوبهم، وقلة محافظه، وترك مراقبه الله عز وجل، وتهاون بشكر نعمه الله؛ لأن الله عز وجل يقول في مُحكم كتابه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ». ولو أن أهل المعاصي وكسبه الذنوب إذا هم حذروا زوال نعم الله وحلول نعمته وتحويل عافيته، [و] أيقنوا أن ذلك من الله جل ذكره بما كسبت أيديهم، فأقلعوا وتابوا وفرغوا إلى الله جل ذكره بصدد من يتابهم وإقرار منهم بذنوبهم وإساءتهم، لصفح لهم عن كل ذنب، وإذا لاقاهم كل عثره، ولرد عليهم كل كرامه نعمه، ثم أعاد لهم من صلاح أمرهم ومما كان أنعم به عليهم كل ما زال عنهم وأفسد عليهم. (٦)

١- دستور معالم الحكم: ٣١.

٢- الإرشاد: ١ / ٣٠٣، كنز الفوائد: ١ / ١٣٧، بحار الأنوار: ٧٣ / ٢٥٧ / ٢٩ وراجع تحف العقول: ٨٩ وص ١٠٠.

٣- غرر الحكم: ٩٧٧١.

٤- الشورى: ٣٠.

٥- الخصال: ٦١٦ / ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ١٠٦، التمحيص: ٣٧ / ٣٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وفيهما «والنكبه» بدل «والكبوه»، بحار الأنوار: ١٠ / ٩٥ / ١.

٦- الكافي: ٨ / ٢٥٦ / ٣٦٨ عن سلام بن المستنير عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ١٨٦ / ٢٣٤ / ٣٢.

امام علی علیه السلام: با بدکاری ، رشد و افزونی نباشد .

امام علی علیه السلام: با بدکاری ، توانگری نباشد .

امام علی علیه السلام: پایداری در گناهکاری ، روزی را قطع می کند .

امام علی علیه السلام: از گناهان دور باشید ؛ که هیچ بلا و کاستی در روزی ، حتی یک خراش و به روی درافتادن و مصیبت ، مگر به سبب گناه نیست . خدای که نامش بشکوه باد ، فرماید : «و هر مصیبتی که به شما رسد ، به سبب کارهایی است که با دستان خود کرده اید و او از بسیاری [از گناهان] در می گذرد» .

امام علی علیه السلام: به خدا سوگند! هر قومی که از کرامتِ سرشارِ نعمتِ خداوند در زندگانی دنیا بهره بردند و همواره در حال بندگی خدا و شکر نعمت های او بودند ، خداوند هرگز نعمت خود را از آنان نستاند ، مگر پس از آن که درون خویش را تغییر دادند و از اطاعت خدا دست کشیدند و به گناه دست یازیدند و خود را کم از گناه نگاه داشتند و مراقبت در تقوای خدا را رها کردند و در شکر نعمت خداوند سستی ورزیدند ؛ که همانا خداوند در کتاب استوار خود فرموده است: «همانا خداوند آن چه را گروهی دارند ، دگرگون نمی کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است دگرگون کنند . و چون خدا برای گروهی بدی بخواهد ، آن را برگشتی نباشد ؛ و آنان را جز او هیچ دوست و کارسازی نیست» . و اگر معصیت پیشگان و گناهکاران از نابودی نعمت های خدا و در رسیدن کیفرش و نیستی عافیتش حذر کنند و یقین ورزند که این پیامد از جانب خداوند بشکوه نام به سبب کارهایی است که ایشان با دست های خویش انجام داده اند ، و آن گاه با نیتی راست و اقرار به گناهان و بدکرداری خود ، دست از گناه بکشند و توبه ورزند و به خدا پناه برند ، خداوند از هر گناه ایشان درگذرد و هر خطایی را از آنان بردارد و کرامت هر نعمت را به ایشان باز گرداند و سپس سامان کارشان و نعمت از دست رفته و نابود شده شان را واپس دهد .

الإمام زين العابدين عليه السلام: الذُّنُوبُ الَّتِي تُعَيِّرُ النَّعْمَ : البَغْيُ عَلَى النَّاسِ ، وَالزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ وَاصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ ، وَكُفْرَانُ النَّعْمِ ، وَتَرْكُ الشُّكْرِ ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوهُمَا بِأَنْفُسِهِمْ . (١)»

الكافي عن الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُدْرَأُ عَنْهُ الرِّزْقُ . وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ : «إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ * وَلَا يَسْتَشْنُونَ * فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (٢)» . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : يَا مُفْضَلُ ، إِيَّاكَ وَالذُّنُوبَ ! وَحَذَّرَهَا شَيْعَتَنَا ، فَوَاللَّهِ مَا هِيَ إِلَى أَحَدٍ أَسْرَعَ مِنْهَا إِلَيْكُمْ ؛ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَتَصِيْبُهُ الْمَعْرَةُ مِنَ السُّلْطَانِ وَمَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ ، وَإِنَّهُ لَيُصِيبُهُ السُّقْمُ وَمَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ ، وَإِنَّهُ لَيُحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقُ وَمَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ . (٤)

عنه عليه السلام : أَكْرَمُوا أَنْفُسِكُمْ عَنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ ، وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَإِمَامَكُمْ وَدِينَكُمْ الَّذِي تَدِينُونَ بِهِ عُرْضَةً لِأَهْلِ الْبَاطِلِ ؛ فَتَغْضَبُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ فَتَهْلِكُوا . فَمَهْلًا- مَهْلًا- يَا أَهْلَ الصَّلَاحِ ! لَا تَتْرُكُوا أَمْرَ اللَّهِ وَأَمْرَ مَنْ أَمَرَكُمْ بِطَاعَتِهِ ؛ فَيُعَيِّرَ اللَّهُ مَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ . أَحْبَبُوا فِي اللَّهِ مَنْ وَصَفَ صِفَتَكُمْ ، وَأَبْغَضُوا فِي اللَّهِ مَنْ خَالَفَكُمْ . (٥)

١- معاني الأخبار : ٢٧٠ / ٢ عن أبي خالد الكابلي ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٧٥ / ١٢ .

٢- القلم : ١٧ / ١٩ .

٣- الكافي : ٢٧١ / ١٢ ، المحاسن : ١ / ٢٠٦ / ٣٦١ كلاهما عن الفضيل ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٢٤ / ٩ .

٤- علل الشرايع : ٢٩٧ / ١ ، مشكاة الأنوار : ٤٧٧ / ١٥٩٦ نحوه كلاهما عن المفضل بن عمر ، بحار الأنوار : ١٥٧ / ٦ / ١٥ .

٥- الكافي : ١٢ / ٨ / ١ عن إسماعيل بن جابر ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٢٢٢ / ٩٣ .

امام سجاد علیه السلام: گناهای که نعمت‌ها را تغییر می‌دهند، چنینند: تجاوز به [حقوق] مردم، ترک عادت انجام کار نیک و شایسته، ناسپاسی نعمت‌ها، و شکر نگزاردن. خداوند فرموده است: «همانا خداوند آن چه را گروهی دارند، دگرگون نمی‌کند تا آن گاه که آن چه را در خودشان است دگرگون کنند».

الکافی از فضیل از امام باقر علیه السلام: «کسی که گناهی مرتکب گردد، روزی وی قطع شود.» سپس امام این آیه را تلاوت فرمود: «آن گاه که سوگند خوردند: هر آینه بامدادان [دور از چشم مستمندان] میوه آن باغ را خواهیم چید* و نگفتند: اگر خدای خواهد* پس شبانگاه که خفته بودند، آفتی از سوی پروردگارت بر گرد آن باغ بگردید».

امام صادق علیه السلام: ای مفضل! از گناهان پرهیز و پیروان ما را هم از آن پرهیزان. به خدا سوگند! گناه بیش از همه به سوی شما شتاب می‌گیرد. همانا گزندی که از حاکم به یکی از شما می‌رسد یا مرضی که به وی رو می‌آورد یا روزی اش که از او قطع می‌شود، جز به سبب گناهایش نیست.

امام صادق علیه السلام: کرامت خود را در برابر باطل اندیشان، نگاه دارید و خدای پاک و والا و بلند وصف و امامتان و دینی را که به آن گرویده‌اید، بازیچه باطل اندیشان مسازید؛ که آن گاه، خشم خدای را نصیب خود کرده، هلاک خواهید شد. پس ای صالحان! درنگ کنید؛ درنگ کنید. از فرمان خدا و فرمان کسی که شما را به اطاعت خدا فرا می‌خواند، سرپیچی مکنید؛ که خدا نعمت خود را از شما خواهد ستاند. برای خدا هر کس را که هم صفت شما است، دوست بدارید و برای خدا هر کس را که مخالف شما است، دشمن شمارید.

عنه عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُنَوِي الذَّنْبَ فَيُحَرِّمُ رِزْقَهُ . (١)

مستدرک الوسائل: خَرَجَ موسى عليه السلام بِالنَّاسِ لِلِاسْتِسْقَاءِ ، فَرَأَى نَمْلَةً مُسْتَلْقِيَةً تَقُولُ : اللَّهُمَّ اسْقِنَا وَلَا تَأْخُذْنَا بِذُنُوبِ بَنِي آدَمَ ! فَقَالَ : انْصَرِفُوا فَقَدْ اسْتُسْقِيَ لَكُمْ . وَجَاءَ الْمَطَرُ . (٢)

راجع : ص ٦٧٤ (المبادئ العبادية / الاستغفار).

٣ / ٢ الرُّبَا الْكُتَابُ : «يَمْحُقُ اللَّهُ الرِّبْوَا وَيُزِيْبِي الصَّدَقَاتِ . (٣)»

«وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رِّبَا لِّيُزْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَزْبُوا عِنْدَ اللَّهِ . (٤)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله ما ظَهَرَ فِي قَوْمِ الرِّبَا وَالرِّبَا إِلَّا أَحَلُّوا بِأَنْفُسِهِمْ عِقَابَ اللَّهِ عِزُّهُ وَجَلُّهُ . (٥)

١- .ثواب الأعمال : ٢٨٨ / ١ ، المحاسن : ١ / ٢٠٦ / ٣٦٢ كلاهما عن بكر بن محمد الأزدي ، بحار الأنوار : ٧١ / ٢٤٧ / ٦ .

٢- .مستدرک الوسائل : ٦ / ٢٠٦ / ٦٧٥٤ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

٣- .البقره : ٢٧٦ .

٤- .الروم : ٣٩ .

٥- .مسند ابن حنبل : ٢ / ٦٣ / ٣٨٠٩ ، مسند أبي يعلى : ٥ / ١٢ / ٤٩٦٠ كلاهما عن عبد الله بن مسعود عن أبيه ، كنز العمال : ٤

/ ١٠٧ / ٩٧٦٨ و ص ١١٠ / ٩٧٨٥ .

امام صادق علیه السلام: همانا مؤمن نیت گناه می کند و از روزی اش محروم می گردد .

مستدرک الوسائل: موسی علیه السلام همراه مردم برای باران خواستن بیرون شد . مورچه ای را دید که به پشت خوابیده ، می گوید: «بار خدایا! ما را از باران نصیب بخش و به سبب گناهان آدمیان ، تنبیهمان نکن» . موسی فرمود: «بازگردید ؛ که باران نصیبتان گشت» . و باران آمد .

ر . ک : ص ۶۷۵ (اصول عبادی / آمرزش خواهی) .

۲ / ۳ رباقرآن: «خداوند ربا را می کاهد و نابود می گرداند و صدقه ها را فزونی می بخشد .»

«و آن چه از ربا می دهید تا در مال های مردم اضافه شود ، نزد خدا افزون نمی شود .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در هیچ قومی ربا و زنا آشکار نگردد ، مگر آن که کیفر خدا را بر خویش فرود آورند .

عنه صلى الله عليه و آله : ما من قوم يظهروا فيهم الربا إلا أخذوا بالسنة . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : ما أحد أكثر من الربا إلا كان عاقبه أمره إلى قله . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : الربا وإن كثرت فإن عاقبته تصير إلى قلة . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : شر الكسب كسب الربا . (٤)

الإمام علي عليه السلام : إذا أراد الله بقرية هلاكاً ظهر فيهم الربا . (٥)

الإمام الرضا عليه السلام في ما كتبت من جواب مسائل مُحَمَّد بن سِنَان : وعلة تحريم الربا : لما نهى الله عز و جل عنه ، ولما فيه من فساد الأموال ؛ لِأَنَّ الإنسان إذا اشترى الدرهم بالدرهمين كان ثمن الدرهم درهما و ثمن الآخر باطلاً ؛ فبيع الربا وشراؤه وكس على كمال حال على المشتري وعلى البائع ؛ فَحَرَّمَ اللهُ عز و جل على العباد الربا لعل فساد الأموال ، كما حذر على السفيه أن يدفع إليه ماله ؛ لِمَا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ إِفْسَادِهِ حَتَّى يُؤَسَّسَ مِنْهُ رُشْدُهُ ؛ فَلِهَذَا عَلِمَ حَرَّمَ اللهُ عز و جل الربا . وبيع الربا بيع الدرهم بالدرهمين . وعلة تحريم الربا بعد البينة : لما فيه من الاستخفاف بالحرام المحرم ، وهى كبيرة بعد البيان ، وتحريم الله عز و جل لها لم يكن ذلك منه إلا استخفافاً بالمحرم الحرام والاستخفاف بذلك دخول في الكفر . وعلة تحريم الربا بالنسيئة : لعل ذهاب المعروف ، وتلف الأموال ، ورغية الناس في الربح ، وتركهم للقرض والقرض صينائع المعروف ، ولما في ذلك من الفساد والظلم وفناء الأموال . (٦)

١- .مسند ابن حنبل : ٢٤٥ / ٦ / ١٧٨٣٩ عن عمرو بن العاص ، كنز العمال : ١٠٨ / ٤ / ٩٧٧٠ .

٢- .سنن ابن ماجه : ٢ / ٧٦٥ / ٢٢٧٩ ، المستدرک على الصحيحين : ٤ / ٣٥٣ / ٧٨٩٢ ، المعجم الكبير : ١٠ / ٢٢٣ / ١٠٥٣٩ ، شعب الإيمان : ٤ / ٣٩٢ / ٥٥١٢ كلها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ١٠٥ / ٤ / ٩٧٥٧ وص ١١٠ / ٩٧٨٧ .

٣- .مسند ابن حنبل : ٢ / ٥٠ / ٣٧٥٤ ، المستدرک على الصحيحين : ٢ / ٤٣ / ٢٦٦٢ ، الفردوس : ٢ / ٢٨٢ / ٣٣٠٤ كلها عن ابن مسعود ، المعجم الكبير : ١٠ / ٢٢٣ / ١٠٥٣٨ ، شعب الإيمان : ٤ / ٣٩٢ / ٥٥١١ كلاهما عن عبد الله بن مسعود رفعه ، كنز العمال : ١٠٥ / ٤ / ٩٧٥٨ وص ١١٠ / ٩٧٨٦ .

٤- .الكافي : ٨ / ٨١ / ٣٩ ، من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٤٠٣ / ٥٨٦٨ ، الأموال للصدوق : ٥٧٧ / ٧٨٨ كلها عن أبى الصباح الكناني عن الإمام الصادق عليه السلام ، تفسير القمى : ١ / ٢٩١ ، الاختصاص : ٣٤٣ وفيهما «شر المكاسب» بدل «شر الكسب» ؛ دلالت النبوه للبيهقى : ٥ / ٢٤٢ عن عقبه بن عامر الجهنى وفيه «شر المكاسب» بدل «شر الكسب» .

٥- .تفسير مجمع البيان : ٢ / ٦٧١ .

٦- .من لا يحضره الفقيه : ٣ / ٥٦٦ / ٤٩٣٤ ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ / ٩٣ / ١ ، علل الشرايع : ٤ / ٤٨٣ كلاهما نحوه

وكلها عن محمد بن سنان ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١١٩ / ٢٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در میان هیچ قومی ربا ظاهر نگردد، مگر آن که به قحط سالی گرفتار شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس ربا را نیفزود، جز آن که سرانجام گرفتار کمی و کاستی شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ربا هر چند فراوان باشد، سرانجام به تنگدستی می انجامد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین درآمد از راه ربا حاصل گردد.

امام علی علیه السلام: هر گاه خدا خواهد [مردم] سرزمینی را نابود سازد، در میانشان ربا را آشکار گرداند.

امام رضا علیه السلام در زمره پاسخ هایش به پرسش های محمد بن سنان: یکی از سبب های حرام شمردن ربا آن است که خدا از آن نهی فرموده و دیگر این که با آن، اموال تباه می گردند؛ زیرا وقتی انسان یک درهم را به دو درهم بخرد، یک درهم بهای آن درهم است و بهای دیگری باطل شمرده می شود؛ پس فروش و خرید ربایی در هر حال، هم برای خریدار و هم برای فروشنده مایه نقصان است. از آن جا که ربا موجب تباهی اموال است، خداوند آن را بر بندگان حرام فرموده، همان گونه که نهی فرموده که مال سفیه را در اختیار خودش نهند چرا که بیم می رود آن را تباه کند تا زمانی که به حد رشد برسد. پس به این سبب است که خداوند ربا را حرام فرموده است. و فروش ربایی آن است که کسی یک درهم را به دو درهم بفروشد. و اما سبب حرام بودن ربا، علاوه بر آن دلیل روشن، این است که رباخواری سبب شمردن یک عمل کاملاً حرام است و این کار پس از بیان شدن حرمت و بعد از این که خدا آن را حرام کرده، گناهی بزرگ به شمار می رود. و اگر کسی چنین کند، کارش جز سبب شمردن آن کار کاملاً حرام نیست و چنین سبب شمردنی، پای نهادن در کفر محسوب می گردد. و اما حرام بودن ربای نسبه (۱) بدان سبب است که عمل نیک را تباه می کند و اموال را تلف می نماید و مردم را به سوداندوزی تشویق می کند و از قرض دادن باز می دارد، در حالی که قرض دادن کاری است نیکو؛ و نیز فساد و ستم و نابودی اموال را در پی دارد.

۱- ربای نسبه گونه ای ربای معاملی و نه قرضی است و آن معاوضه دو شیء هم جنس به صورت نابرابر است و آن کس که دیرتر می دهد بیشتر می دهد، مثلاً ۱۰۰ کیلو گندم نقد می گیرد و ۱۵۰ کیلو گندم دیرتر می پردازد. [ر.ک: جواهر الکلام ج: ۲۳، ص: ۳۴۳].

راجع : ص ٣٠٨ (ما يحرم فى المعامله / الرّبا) .

٣ / ٣ / السُّحْتِ رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام : كَثْرَةُ السُّحْتِ يَمْحَقُ الرِّزْقَ . (٢)

أبو الحسن عليه السلام : إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمَى ، وَإِنْ نَمَى لَمْ يُبَارَكَ لَهُ فِيهِ . (٣)

١- .الأمالى للطوسى : ١٨٢ / ٣٠٦ عن أبى قلابه ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٣٨٢ / ٤٤ وج ٧٧ / ١٢٠ / ٢٠ وج ١٠٣ / ٥ / ١٧ .

٢- .تحف العقول : ٣٧٢ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٢٥٦ / ١٣٣ .

٣- .الكافى : ٥ / ١٢٥ / ٧ عن داود الصرمى .

۳ / ۳ پیشه پلید

ر. ك: ص ۳۰۹ (كارهای حرام در داد و ستد / ربا) .

۳ / ۳ پیشه پلید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که از راه حرام درآمد کسب کند، خدا فقیرش گرداند .

امام صادق علیه السلام: فراوانی کسب پلید، روزی را نابود کند .

امام کاظم علیه السلام: حرام رشد نمی کند و اگر هم رشد کند، برکت ندارد .

٣ / ١٤ الزَّنَارِ سَوَلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا عَلِيُّ ، فِي الزَّنَا سِتُّ خِصَالٍ : ثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَثَلَاثٌ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا : فَيَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ ، وَيُعَجَّلُ الْفَنَاءَ ، وَيَقْطَعُ الرِّزْقَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: الزَّنَا يورثُ الْفَقْرَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: فِي الزَّنَا خَمْسُ خِصَالٍ : يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ ، وَيورثُ الْفَقْرَ ، وَيَنْقُصُ الْعُمُرَ ، وَيُسَخِّطُ الرَّحْمَنَ ، وَيُخَلِّدُ فِي النَّارِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: الذُّنُوبُ . . . الَّتِي تَحْبِسُ الرِّزْقَ الزَّنَا . (٤)

الإمام الكاظم عليه السلام: اتَّقِ الزَّنَا ؛ فَإِنَّهُ يَمَحِقُ الرِّزْقَ ، وَيُبْطِلُ الدِّينَ . (٥)

١- من لا يحضره الفقيه : ٤/٣٦٧/٥٧٦٢ عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً، الخصال : ٣٢١ / ٣ عن أنس بن محمّد أبي مالك عن أبيه ، مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٣١ / ٢٦٥٦ وكلّها عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ٧٧/٥٨/٣ وراجع الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٢٧٥.

٢- من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٢٠ / ٤٩٧٨ ، الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاقه ، مشكاة الأنوار : ٢٢٩ / ٦٤٥ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ وكلّها عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٩ / ٢٣ / ١٨ ؛ شُعب الإيمان : ٤ / ٣٦٣ / ٥٤١٧ عن ابن عمر ، كنز العمال : ٥ / ٣١٣ / ١٢٩٨٩ و ص ٣١٨ / ١٣٠١٧ .

٣- الكافي : ٥ / ٥٤٢ / ٩ عن الفضيل عن الإمام الباقر عليه السلام ، الخصال : ٣٢١ / ٤ عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلامنحوه ، بحار الأنوار : ٧٩ / ٢٢ / ١٥ و ح ١٧ ، وراجع الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٢٧٥ .

٤- الكافي : ٢ / ٤٤٧ / ١ ، معاني الأخبار : ٢٦٩ / ١ ، علل الشرايع : ٥٨٤ / ٢٧ وكلّها عن مجاهد عن أبيه ، الاختصاص : ٢٣٨ عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٧٤ / ١١ و ج ٧٩ / ٢٣ / ١٨ .

٥- الكافي : ٥ / ٥٤١ / ٢ عن عليّ بن سالم .

۴ / ۳ زنا

۴ / ۳ زنا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! زنا را شش ویژگی است: سه در دنیا و سه در آخرت. سه ویژگی دنیایی اش چنین است: شکوه را می برد؛ نیستی را شتاب می بخشد؛ و روزی را قطع می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنا سبب فقر می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنا را پنج ویژگی است: آبرو را می برد؛ فقر پدید می آورد؛ عمر را می کاهد؛ خدای بخشایشگر را خشمگین می سازد؛ و انسان را در آتش جاودانه می گرداند.

امام صادق علیه السلام: یکی از گناهانی که روزی را در بند می کند، زنا است.

امام کاظم علیه السلام: از زنا بپرهیز؛ که روزی را نابود گرداند و دین را باطل سازد.

٣ / ٥ اليمين الفاجرُ للإمام علي عليه السلام: اليمين الفاجرُ تورث الفقر . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: اليمين الصبرُ الكاذبُ تورث العقبَ الفقر . (٢)

٣ / ٦ المسألُ هرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا فَتَحَ رَجُلٌ بَابَ مَسْأَلِهِ يُرِيدُ بِهَا كَثْرَةً، إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلِبَهَا قَلَّةً . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ فَتَحَ عَلَيَّ نَفْسِي بَابَ مَسْأَلِهِ، فَتَحَ اللَّهُ عَلَيَّ بَابَ فَقْرِي . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنْ كُنْتَ لِحَالِفًا عَلَيْهِنَّ . . . لَا يَفْتَحُ عَبْدٌ بَابَ مَسْأَلِهِ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرِي . (٥)

١- الخصال: ٥٠٥/٢ عن سعيد بن علاق، مشكاة الأنوار: ٢٢٩/٦٤٥، جامع الأخبار: ٣٤٣/٩٥٢، روضه الواعظين: ٤٩٩، بحار الأنوار: ١٠٤/٢٧٩/٨.

٢- الكافي: ٧/٤٣٦/٤، ثواب الأعمال: ٢٧٠/٥ كلاهما عن فليح بن أبي بكر الشيباني وليس فيه «الصبر»، بحار الأنوار: ١٠٤/٢٠٩/١٩.

٣- مسند ابن حنبل: ٣/٤٣٤/٩٦٣٠، شعب الإيمان: ٣/٢٣٣/٣٤١٣ كلاهما عن أبي هريره وفيه «مسكه» بدل «مسأله»، كنز العمال: ٦/٣٦٢/١٦٠٧٢ وص ٥٠٦/١٦٧٤٨.

٤- الكافي: ٤/١٩/٢ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليهما السلام، من لا يحضره الفقيه: ٢/٧٠/١٧٥٣، الخصال: ١٠/٦١٥ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ١٠٦، مكارم الأخلاق: ١/٢٩٦/٩٢٦ كلها عن الإمام علي عليه السلام صلى الله عليه وآله؛ مسند ابن حنبل: ٣/٣٩٨/٩٤٢١ عن أبي هريره، سنن الترمذي: ٤/٥٦٣/٢٣٢٥ عن أبي كبشه الأنماري وكلاهما نحوه، كنز العمال: ٦/٣٧٧/١٦١٣٤ وص ٥٠٥/١٦٧٤٢.

٥- مسند ابن حنبل: ١/٤١٠/١٦٧٤، مسند أبي يعلى: ١/٣٨٩/٨٤٥، مسند البرار: ٣/٢٤٣/١٠٣٢ وص ٢٤٤/١٠٣٣، مسند الشهاب: ٢/٢٩/٨١٨ وفيها «رجل على نفسه» بدل «عبد» وكلها عن عبد الرحمان بن عوف؛ منه المرید: ٣٢٢، تنبيه الخواطر: ١/١٢٦ وفيها «فتح رجل» بدل «يفتح عبد».

۳ / ۵ سوگند ناروا

۳ / ۶ ابراز نیاز

۳ / ۵ سوگند ناروا امام علی علیه السلام: سوگند ناروا فقر می زاید .

امام صادق علیه السلام: سوگند ناروایی که آدمی به آن پایبند باشد، فقر در پی می آورد .

۳ / ۶ ابراز نیاز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس در خواهش را برای زیاده جویی نگشود، مگر آن که خداوند به سبب آن، کاستی اش را افزود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در خواهش را بر خویش بگشاید، خداوند در فقر را بر او باز کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به آن که جان محمد در دست او است، سه چیزند که روا است تا بدانها سوگند یاد کنم: ...
هیچ بنده ای در خواهش را بر خویش نگشاید، مگر آن که خداوند در فقر را بر او باز کند .

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ هَدَاهُ اللَّهُ لِلْإِسْلَامِ وَعَلَّمَهُ الْقُرْآنَ ثُمَّ سَأَلَ النَّاسَ ، كُتِبَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ :فَقِيرٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلِهِ مِنْ غَيْرِ فَاقِهِ نَزَلَتْ بِهِ أَوْ عِيَالٍ لَا يُطِيقُهُمْ ، فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَاقِهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ الْمَسْأَلَةِ ، فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ ، لَا يَسُدُّ أَدْنَاهُ شَيْءٌ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ يَسْتَعْفِفُ يُعْفَهُ اللَّهُ ، وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :الْمَسْأَلَةُ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ . (٥)

١- تنبيه الخواطر : ٩ / ١ ، تفسير مجمع البيان : ١٧٨ / ٥ عن أنس نحوه ؛ الدر المنثور : ٣٦٨ / ٤ نقلاً عن أبي القاسم بن بشران فى أماليه عن أنس نحوه .

٢- شعب الإيمان : ٣ / ٢٧٤ / ٣٥٢٦ عن ابن عباس ، كنز العمال : ١٦٧٤٣ / ٥٠٦ / ٦ ؛ تنبيه الخواطر : ١ / ٤٥ وفيه «يطيقهم» بدل «لا يطيقهم» .

٣- عدّه الداعى : ٩١ ، جامع الأخبار : ٣٧٩ / ١٠٦١ عن أنس نحوه ، الخرائج والجرائح : ١ / ١٤٧ / ٨٩ ، بحار الأنوار : ١٥٤ / ٩٦ / ٢٢ و ص ١٥٨ / ٣٧ .

٤- صحيح البخارى : ٢ / ٥١٩ / ١٣٦١ عن حكيم بن حزام ، صحيح مسلم : ٢ / ٧٢٩ / ١٢٤ ، سنن أبى داود : ٢ / ١٢١ / ١٦٤٤ ، سنن الترمذى : ٤ / ٣٧٤ / ٢٠٢٤ ، الموطأ : ٢ / ٩٩٧ / ٧ ، سنن الدارمى : ١ / ٤١٥ / ١٦٠٣ كلّها عن أبى سعيد الخدرى ، كنز العمال : ٦ / ٣٩٥ / ١٦٢٢٤ .

٥- غرر الحكم : ١٠١٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که خداوند به اسلام هدایتش کرده و قرآن را به وی آموخته باشد و سپس او به مردم ابراز نیاز کند، بر پیشانی اش نوشته شود: این کس تا روز قیامت فقیر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بدون تنگدستی غیرقابل تحمل برای خود یا خانواده اش، در گدایی را بگشاید، خداوند در فقر را از جایی که گمان نبرد، بر وی باز نماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که در گدایی را بر خود باز کند، خداوند هفتاد در از فقر بر وی بگشاید که کوچک ترین آن ها را چیزی نتواند بست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که پاکدامنی جوید، خداوند عفافش بخشد و هر که به دیگران اظهار نیاز نکند، خدا بی نیازش سازد.

امام علی علیه السلام: ابراز نیاز، کلید فقر است.

عنه عليه السلام: السُّؤالُ يُضَعِّفُ لِسَانَ الْمُتَكَلِّمِ ، وَيَكْسِرُ قَلْبَ الشُّجَاعِ الْبَطَلِ ، وَيوقِفُ الْحُرَّ الْعَزِيزَ مَوْقِفَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ ، وَيُذْهِبُ بِهَاءِ الْوَجْهِ ، وَيَمَحِّقُ الرِّزْقَ. (١)

الإمام زين العابدين عليه السلام: ضَمِنْتُ عَلَى رَبِّي أَنَّهُ لَا يَسْأَلُ أَحَدٌ مِنْ غَيْرِ حَاجِهِ إِلَّا اضْطَرَّتْهُ الْمَسْأَلَةُ يَوْمًا إِلَى أَنْ يَسْأَلَ مِنْ حَاجِهِ. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَسُؤَالَ النَّاسِ! فَإِنَّهُ ذُلٌّ فِي الدُّنْيَا ، وَقَفْرٌ تُعَجِّلُونَهُ ، وَحِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (٣)

الإمام الرضا عليه السلام: الْمَسْأَلَةُ مِفْتَاحُ الْبُؤْسِ. (٤)

٣ / ١٧ نُومٌ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصُّبْحَةَ تَمَنُّعَ الرِّزْقِ. (٥)

الإمام علي عليه السلام: النَّومُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يورِثُ الْفَقْرَ. (٦)

١- غرر الحكم : ٢١١٠ .

٢- الكافي : ١٩ / ٤ / ١ عن مالك بن عطية عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٧٠ / ١٧٥٢ ، عدّه الداعي : ٨٩ ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١٥٨ / ٣٧ .

٣- الكافي : ٢٠ / ٤ / ١ عن الحسين بن حمّاد عمّن سمع ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٧٠ / ١٧٥٦ وفيه «ذلّ الدنيا وفقر تتعجلونه» .

٤- الدرّة الباهره : ٣٧ ، بحار الأنوار : ٩٦ / ١٥٧ / ٣٥ .

٥- مسند ابن حنبل : ١ / ١٥٨ / ٥٣٠ وح ٥٣٣ ، شعب الإيمان : ٤ / ١٨٠ / ٤٧٣١ ، مسند الشهاب : ١ / ٧٣ / ٦٥ كلّها عن عثمان

بن عفّان عن أبيه ، تاريخ دمشق : ١٤ / ٣٤٣ / ٣٦٠٥ عن عثمان بن عفّان ، كنز العمال : ٧ / ٧٨٤ / ٢١٣٩٩ .

٦- الخصال : ٥٠٥ / ٢ عن سعيد بن علاق ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١٨٤ / ٢ .

۳ / ۷ خواب پیش از طلوع خورشید

امام علی علیه السلام: ابراز نیاز، زبان گوینده را کم توان می کند؛ قلب جنگاور دلیر را می شکند؛ آزادمرد عزتمند را به خاک بندگی و ذلت می نشاند؛ نور چهره را می زداید؛ و روزی را از میان می برد.

امام سجاد علیه السلام: من از جانب پروردگرم این واقعیت را عهده دارم که هیچ کس بدون نیازمندی، ابراز نیاز نکند، مگر آن که روزی همین ابراز نیازش او را به گدایی نیازمندانه کشاند.

امام صادق علیه السلام: از ابراز نیاز نزد مردم پرهیز کنید؛ که این کار سبب ذلت در دنیا و فقر زودرس و حسابرسی طولانی در قیامت است.

امام رضا علیه السلام: عرض نیاز، کلید بدحالی است.

۳ / ۷ خواب پیش از طلوع خورشید پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خواب در اول روز، روزی را باز می دارد.

امام علی علیه السلام: خواب پیش از طلوع خورشید، فقر به بار می آورد.

الإمام الصادق عليه السلام: نَوْمُ الْعَدَاةِ شَوْمٌ يَحْرِمُ الرَّزْقَ . (١)

عنه عليه السلام: نَوْمُهُ الْعَدَاةِ مَشْوَمَةٌ تَطْرُدُ الرَّزْقَ . (٢)

عنه عليه السلام في قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا (٣)»: الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ؛ فَمَنْ نَامَ فِي مَا بَيْنَهُمَا نَامَ عَنِ رِزْقِهِ . (٤)

١- من لا يحضره الفقيه : ١ / ٥٠٣ / ١٤٤٩ .

٢- تهذيب الأحكام : ٢ / ١٣٩ / ٥٤٠ ، من لا يحضره الفقيه : ١ / ٥٠٢ / ١٤٤١ ، مكارم الأخلاق : ٢ / ٧٤ / ٢١٨١ ، بحار الأنوار : ١٣ / ١٨٢ / ١٨ وج ٨٦ / ١٣٠ / ٢ .

٣- الذاريات : ٤ .

٤- تهذيب الأحكام : ٢ / ١٣٩ / ٥٤١ ، من لا يحضره الفقيه : ١ / ٥٠٤ / ١٤٥٠ ، مكارم الأخلاق : ٢ / ٧٤ / ٢١٨٣ كلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام ، بحار الأنوار : ٨٦ / ١٣٠ / ٢ .

توضیح:

امام صادق علیه السلام: خواب بامدادی نامبارک است و روزی را باز می دارد .

امام صادق علیه السلام: خواب بامدادی بدیمن است و روزی را دور می کند .

امام صادق علیه السلام در باب این سخن خدای تعالی: «و سوگند به تقسیم کنندگان کارها»: فرشتگان از سپیده دم تا طلوع خورشید ، روزی ها را میان آدمیان تقسیم می کنند ؛ پس هر که در این میان بخوابد ، از روزی اش محروم ماند .

توضیح: برای فهم کامل روایات این قسمت ، باید این دسته از روایات را با احادیث مذکور ذیل سرفصل «اصول عبادی / پرداختن به ذکر و دعا از سپیده دم تا طلوع خورشید» همزمان بررسی کرد . از بررسی و تطبیق این روایات آشکار می شود که مراد از ممانع بودن خواب بامدادی برای روزی ، منافات داشتن آن با ذکر و دعا در این هنگام است که خود ، اثری ممتاز در فراهم ساختن روزی دارد . از این گذشته ، از حدیث ۱۲۴۶ برمی آید که این گونه ناکامی از روزی به طور مطلق نیست ؛ بلکه ناکامی از بخشش خاص خدا و ماورای روزی معین است ، یعنی همان که خدا به تضرع کنندگان و نیازخواهان می بخشد .

٣ / ٨ النَّوَادِرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: النَّاسُ كُلُّهُمْ فِي الْفَقْرِ مَخَافَةَ الْفَقْرِ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ كَثْرَةَ الضُّحْكِ تُمِيتُ الْقَلْبَ ، وَتُورِثُ الْفَقْرَ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا اسْتَحَلَّتِ الْخَمْرُ بِالنَّبِيِّ ، وَالرِّبَا بِالْبَيْعِ ، وَالسُّحْتُ بِالْهَدْيِ ، وَاتَّجَرُوا بِالزَّكَاةِ (٣) ؛ فَعِنْدَ ذَلِكَ هَلَاكُهُمْ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَسْتَجِلُّ أُمَّتِي الرِّبَا بِالْبَيْعِ ، وَالْخَمْرَ بِالنَّبِيِّ ، وَالسُّحْتَ بِالْهَدْيِ ، وَالْبَخْسَ بِالزَّكَاةِ ؛ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَمْلَى لَهُمْ لِيَزِدَادُوا إِثْمًا . (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ رِيَاءً وَسَمِعَهُ يُرِيدُ بِهِ الدُّنْيَا ، نَزَعَ اللَّهُ بَرَكَتَهُ ، وَضَيَّقَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ ، وَوَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ ؛ وَمَنْ وَكَّلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ فَقَدْ هَلَكَ . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَتَخَاوَنُوا ، وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ ، وَآتَوْا الزَّكَاةَ ، وَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتَلَوْا بِالْقَحْطِ وَالسَّنِينِ . (٧)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابَبُوا ، وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ . . . فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ابْتَلَوْا بِالسَّنِينِ وَالْجَدْبِ . (٨)

١- آداب المتعلمين : ١٠٢ .

٢- الفردوس : ٣ / ١٩ / ٤٠٣٠ عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ٧ / ٧٩١ / ٢١٤٣١ عن ابن عمر .

٣- والمراد بالنجس ، المكس : أى النقص والمعنى أنه يأخذ الولاه الظلمه باسم العشر يتأولون فيه معنى الزكاه [ر . ك : الفائق للزمخشري وفيض القدير : ج ٣ ، ص ٢١٤] .

٤- الفردوس : ١ / ٣٣٤ / ١٣٣١ عن حذيفه بن اليمان ، كنز العمال : ١١ / ٢٢٤ / ٣١٣١١ .

٥- الفردوس : ٢ / ٣٢١ / ٣٤٥٩ عن أبي الدرداء ، راجع الأمالى للطوسى : ٦٦ .

٦- مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٤٨ / ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٠٠ / ١ .

٧- ثواب الأعمال : ٣٠٠ / ١ عن السكونى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٧٥ / ١٧٢ / ١٠ ، راجع الأمالى للطوسى : ص ٦٦ .

٨- الأمالى للطوسى : ٦٤٧ / ١٣٤٠ عن محمد بن صدقه عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٤٠٥ / ١١٠ و ج ٧٤ / ٤٠٠ / ٤٠ .

۳ / ۸ گوناگون

۳ / ۸ روایات گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم همگی از بیم فقر، در فقر به سر می برند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا فراوان خندیدن، قلب را می میراند و فقر می زاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه به نام آب جو، شراب؛ به نام معامله، ربا؛ و به نام هدیه، رشوه حلال شمرده شود و با مال زکات تجارت کنند، هلاکت ایشان رخ می دهد و گناه بر گناه می افزایند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زود است که امت من به نام معامله، ربا؛ به نام آب جو، شراب؛ به نام هدیه، رشوه؛ و [فرمانروایان] به نام زکات، باجگیری را حلال شمرند؛ و آن هنگام است که فرصت داده می شوند تا بر گناه خود بیفزایند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دانش را برای ریا و شهرت و دنیاخواهی فراگیرد، خداوند برکت را از وی می ستاند و زندگی اش را سخت می گرداند و او را به خود وامی گذارد؛ و هر که خدا او را به خود واگذارد، هلاک گشته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امت من در خیر به سر می برند، مادام که خیانت نورزند و امانت دار باشند و زکات پردازند؛ و هر گاه چنین نکنند، به قحطی و خشکسالی مبتلا گردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امت من همواره در خیر به سر برند، مادام که به هم دوستی ورزند و نماز را برپای دارند... و هر گاه چنین نکنند، به خشکسالی و قحطی دچار شوند.

عنه صلى الله عليه وآله - لا تزال أمتي بخير ما تحابوا ، وتهادوا ، وأدوا الأمانة ، واجتنبوا الحرام ، ووقروا الصيف ، وأقاموا الصلاة ، وآتوا الزكاة ؛ فإذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط والسنين . (١)

عنه صلى الله عليه وآله - لا تزال هذه الأمة بخير تحت يد الله وفي كفه ما لم يمالئ قراؤها أمراءها ، ولم يزرِك صلحاؤها فجارها ، ولم يمالئ أحيارها أشرارها ؛ فإذا فعلوا ذلك رفع الله تعالى يده عنهم ، ثم سيلط عليهم جبارتهم ؛ فساموهم سوء العذاب ، وضربهم بالفاقة والفقر ، وملا قلوبهم رعبا . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله - ما نقص قوم العهد قط إلا كان القتل بينهم ، ولا ظهرت الفاحشه في قوم قط إلا سيلط الله عليهم الموت ، ولا منع قوم الزكاة إلا حبس الله عنهم القطر . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله - إن أخوف ما أخاف على أمتي من بعدى : هذه المكاسب الحرام ، والشهوة الخفية ، والرِّبا . (٤)

١- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ٢ / ٢٩ / ٢٥ عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ٨٥ / ١٢ ، جامع الأخبار : ٣٧٧ / ١٠٥٢ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٥٢ / ٥٢ .

٢- أعلام الدين : ٢٨١ ، إرشاد القلوب : ٦٨ ، تنبيه الخواطر : ١ / ٨٤ وج ٢ / ٢٣٢ كلها نحوه ؛ الزهد لابن المبارك : ٢٨٢ / ٨٢١ عن خلود بن الحسن عن الحسن نحوه .

٣- المستدرک على الصحيحين : ٢ / ١٣٦ / ٢٥٧٧ ، السنن الكبرى : ٣ / ٤٨٣ / ٦٣٩٧ وج ٩ / ٣٨٦ / ١٨٨٥٠ ، مجمع الزوائد : ٧ / ٥٣٠ / ١٢١٥٠ نقلاً عن البرار ، تنبيه الغافلين : ٣٠٩ / ٤٤٣ نحوه وكلها عن بريده ، كنز العمال : ١٦ / ٦١ / ٤٣٩٤٣ .

٤- الكافي : ٥ / ١٢٤ / ١ عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندي : ١٣٠ / ١٦٠ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٥٨ / ٣ وج ١٠٣ / ٥٤ / ٢٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امت من همیشه در خیرند، مادام که به هم دوستی ورزند و رهنمای هم باشند و امانت را ادا کنند و از حرام دوری ورزند و مهمان را گرامی شمرند و نماز را برپا دارند و زکات پردازند؛ و اگر چنین نکنند، به قحطی و خشکسالی مبتلا شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این امت با عنایت خدا همواره در خیر باشند، مادام که قرآن خوانانشان به حاکمان [ستمگر] شان یاری نرسانند و صالحانشان در صدد توجیه کارهای بدکارانشان برنایند و نیکانشان یاور بدانسان نباشند؛ و هر گاه چنین کنند، خدای تعالی عنایت خویش را از ایشان برمی گیرد و زورگویانشان را بر آنان چیره می فرماید که عذابی سخت بدیشان می رسانند و آنان را به فقر و تنگدستی دچار می سازد و دل هاشان را از بیم آکنده می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ قومی پیمان شکنی نکنند، مگر آن که قتل میانشان رواج یابد؛ و زشتکاری در آنان بروز نیابد، مگر آن که خداوند مرگ را بر آنان مسلط سازد؛ و از پرداخت زکات خودداری نورزد، جز آن که خدا باران را از ایشان دریغ فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا پس از خود، بیش از هر چیز، از این چیزها بر امت خود بیمناکم: این پیشه های حرام و شهوت پنهان و ربا.

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفِرُّونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْغَنَمُ مِنَ الذَّنْبِ ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ : الْأَوَّلُ : يَرْفَعُ الْبَرَكَهَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ ، وَالثَّانِي : سَيَلْطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا ، وَالثَّلَاثُ : يَخْرِجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِإِيمَانٍ .

(١)

عنه صلى الله عليه وآله: أَرْبَعَةٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يَعْمُرْ بِالْبَرَكَهَ : الْخِيَانَةُ ، وَالسَّرِقَةُ ، وَشُرْبُ الْخَمْرِ ، وَالزُّنَا .

(٢)

عنه صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهُنَّ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ : لَمْ تَظْهَرَ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا إِلَّا - ظَهَرَ فِيهِمْ الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمْ الَّذِينَ مَضَوْا ، وَلَمْ يَنْقُضُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَشَدَّهَ الْمُؤُونَةَ وَجَوْرَ السُّلْطَانِ ، وَلَمْ يَمْنَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مَنَعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَلَوْلَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمْطَرُوا ، وَلَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ ، وَلَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ (عز و جل) إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عز و جل بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ . (٣)

١- جامع الأخبار: ٣٥٦ / ٩٩٥ ، بحار الأنوار: ٢٢ / ٤٥٣ / ١١ .

٢- ثواب الأعمال: ٢٨٩ / ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، الخصال: ٢٣٠ / ٧٣ عن موسى بن القاسم البجلي بإسناده يرفعه إلى الإمام علي عليه السلام ، الأمالي للطوسي: ٤٣٩ / ٩٨٢ ، الأمالي للصدوق: ٤٨٢ / ٦٥٢ كلاهما عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ٧٥ / ١٧٠ / ٢ و ج ٧٩ / ١٩ / ٤ .

٣- الكافي: ٢/٣٧٣/١ عن أبان عن رجل ، ثواب الأعمال: ٣٠١ / ٢ عن أبان الأحمر ، مشكاة الأنوار: ٢٦١/٧٧٢ كلُّها عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ٧٣/٣٦٧/٢ ؛ سنن ابن ماجه: ٢/١٣٣٣/٤٠١٩ ، المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٥٨٣ / ٨٦٢٣ كلاهما عن عبد الله بن عمر نحوه ، كتر العمال: ١٠ / ٤٤٠ / ١٦٨٠ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امت مرا روزی فرا می رسد که از علما می گریزند همان سان که گوسفند از گرگ گریزد؛ و هر گاه چنین شود، خدای تعالی ایشان را به سه چیز گرفتار فرماید: برکت را از اموال آنان بردارد؛ حاکمی ستمگر را بر ایشان چیره گرداند؛ و بی دین از دنیا بیرون روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیزند که چون یکی از آن ها در خانه ای درآید، آن خانه ویران گردد و از برکت آبادی نیابد: خیانت، دزدی، شراب خواری، و زنا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز را اگر دیدید، از آن ها به خدا پناه برید: هیچ قومی آشکارا به زشتکاری روی نیاوردند، مگر آن که طاعون و دیگر امراضی که در پیشینیان ایشان سابقه نداشته، به سراغشان آید؛ از وزن و پیمان کم نهند، جز آن که به قحطی و هزینه سنگین و ستم حاکم گرفتار گشتند؛ از پرداخت زکات خودداری نورزیدند، مگر آن که بارش آسمان بر آنان بند آمد و اگر چهارپایان نبودند، هرگز بر ایشان باران نمی بارید؛ پیمان خدا و رسولش را نشکستند، جز آن که خداوند دشمنشان را بر ایشان چیره فرمود و برخی از آن چه را در دست داشتند، از کف دادند؛ و به غیر فرمان خدا حکم نکردند، مگر آن که خداوند در میانشان بیم افکند.

جامع الأخبار: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا ظَهَرَتْ فِي أُمَّتِي عَشْرُ خِصَالٍ عَاقَبَهُمُ اللَّهُ بِعَشْرِ خِصَالٍ. قِيلَ: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِذَا قَلَّلُوا الدُّعَاءَ نَزَلَ الْبَلَاءُ، وَإِذَا تَرَكَوا الصَّدَقَاتِ كَثُرَتِ الْأَمْرَاضُ، وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ هَلَكَتِ الْمَوَاشِي، وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ مَنَعَ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَإِذَا كَثُرَ فِيهِمُ الزُّنَا كَثُرَ فِيهِمْ مَوْتُ الْفُجَاءِ، وَإِذَا كَثُرَ الرِّبَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا حَكَمُوا بِخِلَافِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى سَلَطَ عَلَيْهِمْ عَدُوُّهُمْ، وَإِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِالْقَتْلِ، وَإِذَا طَفَفُوا الْكَيْلَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (١)». (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا ظَهَرَ فِي أُمَّتِي عَشْرُ خِصَالٍ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِعَشْرِهِ: إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَاتَتِ الْمَوَاشِي، وَإِذَا مَنَعُوا الصَّدَقَاتِ كَثُرَتِ الْأَمْرَاضُ، وَإِذَا أَكَلُوا الرِّبَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا جَارَتِ السَّلَاطِينُ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِالْعِيدِ، وَإِذَا حَكَمُوا بِغَيْرِ عَدْلِ ارْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ، وَإِذَا تَعَدَّوْا عَنْ حُدُودِ اللَّهِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ، وَإِذَا بَخَسُوا الْمِيزَانَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ النِّقْصَ. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: عَشْرُونَ خِصْلَةً تَوْرَثُ الْفَقْرَ: أَوْلَاهَا الْقِيَامَ مِنَ الْفِرَاشِ لِلْبَوْلِ عُريَانَا، وَالْأَكْلَ جُنْبًا، وَتَرَكَ غَسْلَ الْيَدَيْنِ عِنْدَ الْأَكْلِ، وَإِهَانَةَ الْكَسْرَةِ مِنَ الْخُبْزِ، وَإِحْرَاقَ الثُّومِ وَالْبَصْلِ، وَالْقُعُودَ عَلَى أَسْكَفَةِ الْبَيْتِ، وَكَنَسَ الْبَيْتِ بِاللَّيْلِ وَبِالثُّوبِ، وَغَسَلَ الْأَعْضَاءَ فِي مَوْضِعِ الْإِسْتِنْجَاءِ، وَمَسَحَ الْأَعْضَاءَ الْمَغْسُولَةَ بِالْمِنْدِيلِ وَالْكَفِّ، وَوَضَعَ الْقِصَاعَ وَالْأَوَانِي غَيْرَ مَغْسُولَةٍ، وَوَضَعَ أَوَانِي الْمَاءِ غَيْرَ مُعْطَاهِ الرُّؤُوسِ، وَتَرَكَ ثِيَابَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْمَنْزِلِ، وَالْإِسْتِخْفَافَ بِالصَّلَاةِ، وَتَعْجِيلَ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَالْبُكُورَ إِلَى السُّوقِ وَتَأْخِيرَ الرُّجُوعِ عَنْهُ إِلَى الْعِشَاءِ، وَشِرَاءَ الْخُبْزِ مِنَ الْفُقَرَاءِ، وَاللَّعْنَ عَلَى الْأَوْلَادِ، وَالْكَذِبَ، وَخِيَاطَةَ الثُّوبِ عَلَى الْبَدَنِ، وَإِطْفَاءَ السَّرَاجِ بِالنَّفْسِ. (٤)

١- الروم: ٤١.

٢- جامع الأخبار: ٥٠٩ / ١٤٢٠ راجع ثواب الأعمال: ٣٠٠ / ١ والأمالى للصدوق: ٣٨٤ / ٤٩٣.

٣- معدن الجواهر: ٧٢.

٤- جامع الأخبار: ٣٤٣ / ٩٥١، بحار الأنوار: ٧٦ / ٣١٥ / ٢.

جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه در میان امت من، ده ویژگی آشکار گردد، خداوند ایشان را به ده خصلت عقوبت فرماید». گفته شد: «آن ها چیستند ای رسول خدا؟» فرمود: «هر گاه از دعا بکاهند، بلا فرود آید؛ هر گاه صدقه دادن را فروگذارند، بیماری ها فراوان گردد؛ هر گاه از پرداخت زکات خودداری ورزند، چهارپایان هلاک گردند؛ چون حاکم ستم کند، بارش آسمان بند آید؛ آن هنگام که زنا در میانشان فراوان شود، مرگ ناگهانی در بین ایشان رواج یابد؛ چون ربا بسیار گردد، زلزله زیاد شود؛ هر گاه به خلاف فرمان خداوند حکم رانند، دشمنشان بر ایشان چیرگی یابد؛ چون پیمان شکنند، خدا به کشتار مبتلاشان گرداند؛ و هر گاه پیمان را کم نهند، خدا به قحطی گرفتارشان سازد». سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را قرائت کرد: «تباهی در خشکی و دریا به سبب آن چه دست های مردم کرده، پدید آمد تا [خدا جزای] برخی از آن چه را کرده اند به آن ها بچشانند؛ باشد که باز گردند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه در امت من ده ویژگی بروز یابد، خداوند آنان را به ده چیز مبتلا گرداند: چون از پرداخت زکات خودداری کنند، چهارپایان بمیرند؛ هر گاه از صدقه دادن پرهیز کنند، بیماری ها رواج یابند؛ آن گاه که ربا فراوان خورند، لغزش ها بسیار شود؛ چون حاکمان ستم ورزند، خداوند آنان را به دشمن مبتلا گرداند؛ هر گاه به غیر عدل حکم کنند، برکت ها رخت بر بندند؛ چون از حدود خدا در گذرند، خداوند قتل را بر ایشان چیره گرداند؛ و هر گاه در ترازو کم نهند، خدا کاستی را بر آنان چیره گرداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ده ویژگی فقر به بار آورد: عریان برخاستن از بستر برای پیشاب کردن؛ در حال جنابت غذا خوردن؛ نشستن دست ها هنگام غذا خوردن؛ نان را به اهانت خرد کردن (۱)؛ سوزاندن سیر و پیاز (۲)؛ نشستن بر آستانه خانه؛ غبار زفتن از خانه در شب و با جامه؛ شستن اعضای بدن در مستراح؛ خشک کردن اعضای شسته شده با دستمال و آستین؛ ناشسته باقی نهادن کاسه ها و ظرف ها؛ بدون سرپوش نهادن ظرف های آب؛ نزدون تارهای عنکبوت در خانه؛ سبک شمردن نماز؛ شتابان از مسجد بیرون آمدن؛ بامدادان به بازار درآمدن و شب دیر هنگام از آن بازگشتن؛ از فقیران نان خریدن؛ فرزندان را دشنام دادن؛ دروغ گفتن؛ جامه را بر بدن دوختن؛ و چراغ را با پُف خاموش کردن.

۱- در روایت بعدی «تکه های نان را حقیر شمردن» آمده است.

۲- در روایت بعدی «پوست سیر و پیاز را سوزاندن» آمده است.

بحار الأنوار: قَدْ رُوِيَ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: الْفَقْرُ مِنْ خَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ شَيْئًا: الْبَوْلُ عُريَانَا، وَالْأَكْلُ فِي حَالِهِ الْجَنَابَةِ، وَتَحْقِيرُ فُتَاتِ الْخُبْزِ، وَتَحْرِيقُ قَشْرِ الثُّومِ وَالْبَصَلِ، وَالتَّقْدِيمُ عَلَى الْمَشَايخِ، وَدَعْوَةُ الْوَالِدَيْنِ بِاسْمِهِمَا، وَالتَّخْلِيلُ بِكُلِّ خَشَبٍ، وَتَغْسِيلُ الْيَدَيْنِ بِالطَّيْنِ، وَالتَّعَوُّدُ عَلَى عَتَبَةِ الْبَابِ، وَالْوُضُوءُ عِنْدَ الْإِسْتِنْجَاءِ، وَتَرْكُ الْقُصَارَةِ، وَخِيَاطَةُ الثُّوبِ عَلَى النَّفْسِ، وَمَسْحُ الْوَجْهِ بِالذَّلِيلِ، وَالْأَكْلُ نَائِمًا، وَتَرْكُ نَسِجِ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ، وَالْخُرُوجُ مِنَ الْمَسْجِدِ سَرِيعًا، وَالذُّخُولُ فِي السُّوقِ بِالْبُكْرَةِ، وَالْخُرُوجُ عَنِ السُّوقِ عَشِيًّا، وَابْتِيَاعُ الْخُبْزِ مِنَ الْفُقَرَاءِ، وَدُعَاءُ السُّوءِ عَلَى الْوَالِدَيْنِ، وَطَفُّ السُّرَّاجِ بِالنَّفْخِ، وَكُنْسُ الْبَيْتِ بِالْخِرْقَةِ، وَقَصُّ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ. (١)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا فَعَلْتَ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ حَصَلَتْ لَكَ بِهَا الْبَلَاءُ، فَقِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِذَا كَانَ الْمَعْنَمُ دُولًا، وَالْأَمَانَةُ مَعْنَمًا، وَالزَّكَاةُ مَغْرَمًا، وَأَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ، وَعَقَّ أُمَّهُ، وَبَرَّ صَدِيقَهُ، وَجَفَا أَبَاهُ، وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ، وَكَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ، وَأَكْرَمَ الرَّجُلُ مَخَافَةَ شَرِّهِ، وَشَرِبَتِ الْخُمُورُ، وَلُبِسَ الْحَرِيرُ، وَاتَّخَذَتِ الْقَيْنَاتُ وَالْمَعَارِيفُ، وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوْلَاهَا؛ فَلْيَرْتَقِبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرَاءَ، أَوْ حَسْفًا وَمَسْحًا. (٢)

١- بحار الأنوار: ٣١٦ / ٧٦.

٢- سنن الترمذی: ٤/٢٢١٠/٢٢١٠، كنز العمدة: ١١/١٢٢/٣٠٨٦٦؛ الخصال: ٥٠١/٢، تحف العقول: ٥٣، مشكاة الأنوار: ١٦٣/٤٢٣، روضه الواعظین: ٥٣١ کلها نحوه، بحار الأنوار: ٧٧/١٥٧ / ١٣٨.

بحار الأنوار: در برخی از کتب ، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «فقر از بیست و پنج چیز ناشی گردد : عریان پیشاب کردن ؛ در حالت جنابت غذا خوردن ؛ تکه های نان را حقیر شمردن ؛ پوست سیر و پیاز را سوزاندن ؛ از پیران پیش افتادن ؛ پدر و مادر را به نام خواندن ؛ با هر چوبی خلال کردن ؛ دستان را با گِل شستن ؛ بر آستانه خانه نشستن ، هنگام نجاست زدایی وضو گرفتن ، زباله را رها کردن ؛ دوختن جامه بر تن ؛ چهره را با گوشه جامه مسح کردن ؛ در حال خواب غذا خوردن ، تار عنکبوت را در خانه باقی نهادن ؛ با شتاب از مسجد بیرون شدن ؛ بامدادان به بازار درآمدن ؛ شامگاهان از بازار بیرون گشتن ؛ از فقیران نان خریدن ؛ پدر و مادر را نفرین کردن ؛ چراغ را با پُف خاموش کردن ؛ با جامه از خانه غبار زُفتن ؛ و با دندان ناخن گرفتن» .

امام علی علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه امت من پانزده خصلت را دارا شود ، بلا بر وی فرود آید» . گفته شد : «آن ها چیستند ای رسول خدا؟» فرمود: «هر گاه غنیمت دست به دست گردد ؛ امانت غنیمت گرفته شود ؛ زکات تاوان شمرده شود ؛ مرد از همسرش فرمان گیرد ؛ انسان مادرش را عاق کند و در حالی که به دوستش نیکی می کند ، به پدرش جفا نماید ؛ در مساجد صداها بلند گردد ؛ فروترین مردم پیشوای ایشان شود ؛ فرد را به سبب بیم از شرش احترام نهند ؛ مردم شراب نوشند و ابریشم پوشند و زنان آوازه خوان و آلات موسیقی را به خدمت گیرند ؛ و پسینیان این امت پیشینیان را دشنام دهند . پس آن گاه ، باید در انتظار باد سرخ یا فرورفتگی زمین یا مسخ شدن باشند» .

عنه عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ ، وَقَالَ : إِنَّهُ يورِثُ الْفَقْرَ . (١)

عنه عليه السلام: تَرَكَ نَسِجَ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يورِثُ الْفَقْرَ ، وَالبَوْلُ فِي الْحَمَامِ يورِثُ الْفَقْرَ ، وَالْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ يورِثُ الْفَقْرَ ،
وَالْتَحْلُلُ بِالطَّرْفَاءِ يورِثُ الْفَقْرَ ، وَالتَّمَشُّطُ مِنْ قِيَامِ يورِثُ الْفَقْرَ ، وَتَرَكَ الْقُمَامَةَ فِي الْبَيْتِ يورِثُ الْفَقْرَ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الْكِيمِيَاءَ افْتَقَرَ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنُوبُ الَّتِي تَدْفَعُ الْقِسْمَ : إِظْهَارُ الْإِفْتِقَارِ ، وَالنَّوْمُ عَنِ الْعَتَمَةِ وَعَنِ صَلَاةِ الْعَدَاةِ ، وَاسْتِحْقَاقُ النَّعْمِ ،
وَشُكْوَى الْمَعْبُودِ عِزٌّ وَجَلٌّ . (٤)

رجال الكشي عن القاسم بن عوف: كُنْتُ أَتَرَدَّدُ بَيْنَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَوْبِيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ ، وَكُنْتُ آتِي هَذَا مَرَّةً
وَهَذَا مَرَّةً ، وَلَقِيتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لِي : يَا هَذَا ، إِيَّاكَ أَنْ تَأْتِيَ أَهْلَ الْعِرَاقِ فَتُخَبِّرَهُمْ أَنَا اسْتَوْدَعْنَاكَ عِلْمًا!
فَإِنَّا وَاللَّهِ مَا فَعَلْنَا ذَلِكَ ، وَإِيَّاكَ أَنْ تَتَرَاءَسَ بِنَا ! فَيُضَعِّكَ اللَّهُ ، وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْتَأْكِلَ بِنَا ! فَيُزِيدَكَ اللَّهُ فَقْرًا . (٥)

١- من لا يحضره الفقيه: ٤/٣/٤٩٦٨ ، الأملی للصدوق : ٥٠٩ / ٧٠٧ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه
عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٣٢٨ / ١ وج ١٦ / ٤٨ / ٨١ .

٢- الخصال : ٥٠٤ / ٢ عن سعيد بن علاق ، مشكاة الأنوار : ٢٢٩ / ٦٤٥ ، روضه الواعظين : ٤٩٩ ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٣١٤ / ١
راجع جامع الأخبار : ٣٤٣ / ٩٥١ و ٩٥٢ .

٣- دستور معالم الحكم : ٢٩ .

٤- معاني الأخبار : ٢٧١ / ٢ عن أبي خالد الكابلي ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣٧٥ / ١٢ .

٥- رجال الكشي : ١ / ٣٣٩ / ١٩٦ ، بحار الأنوار : ٢ / ١٦٢ / ٢٢ .

امام علی علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله از غذا خوردن در حال جنابت نهی کرد و فرمود: «این کار سبب فقر می شود» .

امام علی علیه السلام: باقی نهادن تار عنکبوت در خانه ؛ پیشاب کردن در حمام ؛ غذا خوردن در حال جنابت ؛ خلال کردن با چوب درخت گز ؛ موی را ایستاده شانه کردن ؛ و زباله را در خانه رها کردن سبب فقر می شود .

امام علی علیه السلام: هر که در پی کیمیا رود ، فقیر گردد .

امام سجاد علیه السلام: گناهایی که روزی را دور می کنند ، چنینند : اظهار فقر کردن ؛ خواب دیر هنگام در شب و پس از نماز صبح ؛ کوچک شمردن نعمت ها ؛ و از خدا گلایه کردن .

رجال الکشی از قاسم بن عوف : میان امام سجاد علیه السلام و محمد بن حنفیه در رفت و آمد بودم و گاه نزد این و گاه نزد آن می رفتم . روزی امام سجاد علیه السلام را دیدم ؛ به من فرمود : «مبادا نزد عراقیان روی و به آنان بگویی که ما نزد تو دانش به امانت نهاده ایم ؛ که به خدا سوگند! ما چنین نکرده ایم . مبادا به وسیله ما بر دیگران برتری جویی ؛ که خدا فرودت خواهد آورد . و مبادا به وسیله ما روزی بخوری ؛ که خدا بر فقرت خواهد افزود» .

عنه عليه السلام لأبي النعمان: يا أبا النعمان، لا تكذب علينا كذبه فتسلب الحنيفيه، ولا تطلبن أن تكون رأسا فتكون ذنبا، ولا تستأكل الناس بنا فتفتقر؛ فإنك موقوف لا محاله ومسؤول، فإن صدقت صدقناك، وإن كذبت كذبناك. (١)

عنه عليه السلام لأبي الربيع: ويحك يا أبا الربيع! لا تطلبن الرئاسه، ولا تكن ذنبا، ولا تأكل بنا الناس؛ فيفقرك الله. (٢)

الإمام الباقر عليه السلام: من آجر نفسه فقد حظر عليها الرزق، وكيف لا يحظر عليها الرزق وما أصاب فهو لرب آجره؟! (٣)

الكافي عن عمارة الساباطي: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يتجر، فإن هو آجر نفسه أعطى ما يصيب في تجارته؟ فقال: لا يؤاجر نفسه ولكن يسترزق الله عز وجل ويتجر؛ فإنه إذا آجر نفسه حظر على نفسه الرزق. (٤)

الإمام الصادق عليه السلام: من استأكل بنا افتقر. (٥)

١- الكافي: ٢/٣٣٨/١ عن أبي النعمان، بحار الأنوار: ٧٢/٢٣٣/١ وراجع الأمل للمفيد: ١٨٢ / ٥.

٢- الكافي: ٢ / ٢٩٨ / ٦ عن أبي الربيع الشامي، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٥١ / ٦.

٣- من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٧٤ / ٣٦٥٧ عن عبد الله بن محمد الجعفي.

٤- الكافي: ٥ / ٩٠ / ٣، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٥٣ / ١٠٠٢، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٧٤ / ٣٦٥٦.

٥- الخصال: ١٠٣ / ٦١ عن معاوية بن وهب، مشكاة الأنوار: ١٥٠ / ٣٦٠، روضه الواعظين: ٣٢١، بحار الأنوار: ٦٨ / ١٥٣ / ٨.

امام باقر علیه السلام خطاب به ابو نعمان: ای ابونعمان! به ما دروغ میند، که مسلمانی ات را از کف خواهی داد؛ و میخواه که سر باشی، که دُم خواهی شد؛ و به وسیله ما از مردم کسب درآمد مکن، که فقیر خواهی گشت؛ و تو را ناگزیر خواهند ایستاند و بازجویی ات خواهند کرد؛ اگر راست گفته باشی، تصدیقت خواهیم کرد و اگر دروغ گفته باشی، تکذیب خواهیم نمود.

امام باقر علیه السلام خطاب به ابوریع: وای بر تو ای ابوریع! به دنبال ریاست مباش و گرگ صفتی نکن و به وسیله ما از مردم کسب روزی منما؛ که خداوند فقیرت خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام: هر کس خود را اجیر سازد، روزی را از خویش بازداشته است؛ و چگونه روزی را از خود باز ندارد، در حالی که آنچه وی به دست آورد، از آن کسی است که او را به اجیری گرفته است؟

الکافی از عمار ساباطی: به امام صادق علیه السلام گفتم: «مردی است که تجارت می کند؛ آیا روا است که خود را اجیر سازد تا آن چه را در تجارت کسب می کند، به دست آورد؟» فرمود: «نباید خود را اجیر سازد؛ بلکه باید از خدا روزی بخواهد و تجارت کند؛ که اگر خود را اجیر سازد، روزی را از خویش بازداشته است».

امام صادق علیه السلام: هر که به وسیله ما ارتزاق کند، فقیر گردد.

عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَأْكََلَ بِعِلْمِهِ افْتَقَرَ. (١)

عنه عليه السلام: أَيُّمَا رَجُلٍ دَعَا عَلَى وَوَلَدِهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ الْفَقْرَ. (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عِزًّا وَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ (فَقَدِ) افْتَقَرَ. (٣)

١- معانى الأخبار: ١٨١ / ١ عن حمزه بن حرمان، بحار الأنوار: ١٤ / ١١٧ / ٢.

٢- عدّه الداعى: ٨٠، بحار الأنوار: ٧٧ / ٩٩ / ١٠٤.

٣- الكافى: ٤ / ٤٦٧ / ٢ عن عمرو بن جميع، مكارم الأخلاق: ١٩٧٧ / ٧ / ٢، الاختصاص: ٢٢٣، الدعوات: ٢٦٨ / ١١٧ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ٦ / ٣١٦ / ٧٦.

امام صادق علیه السلام: هر که از دانش خود کسب روزی نماید ، فقیر گردد .

امام صادق علیه السلام: هر کس فرزند خود را نفرین نماید ، خداوند فقر را میراث او سازد .

امام صادق علیه السلام: هر که بخششِ خدای را از او نخواهد ، فقیر شود .

بخش پنجم: آفات توسعه

اشاره

بخش پنجم: آفات توسعه فصل یکم: فخر فروشی با ثروتفصل دوم: نازپروردگیفصل سوم: آن چه آفت می آوردفصل چهارم: آن چه از آفت باز می دارد

الفصل الأول: التكاثر ١ / التحذير من التكاثر الكتاب: «أَهْلِكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ . (١)»

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتِرَاهُ مُضْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ . (٢)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله ما سبيل الله إلا من قتل؟! من سعى على والديه ففى سبيل الله، ومن سعى على عياله ففى سبيل الله، ومن سعى على نفسه ليعفها ففى سبيل الله، ومن سعى على التكاثر فهو فى سبيل الشيطان . (٣)

١- التكاثر: ١ و ٢ .

٢- الحديد: ٢٠ .

٣- السنن الكبرى: ٩ / ٤٣ / ١٧٨٢٤ ، شعب الإيمان: ٧ / ٢٩٩ / ١٠٣٧٧ ، المعجم الأوسط: ٤ / ٢٨٥ / ٤٢١٤ ، الدر المنثور: ٢ /

٤٠ ، كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريره ، كنز العمال: ٤ / ١٢ / ٢٥٢

فصل یکم: فخر فروشی با ثروت

۱ / ۱ پرهیز دادن از فخر فروشی با ثروت

فصل یکم: فخر فروشی با ثروت ۱ / ۱ پرهیز دادن از فخر فروشی با ثروتقرآن: «فخر فروشی به یکدیگر با ثروت ، شما را سرگرم کرد * چندان که گورستان ها را دیدار کردید .»

«بدانید که زندگانی دنیا ، بازی و سرگرمی و آرایش و فخر کردن با یکدیگر یا افزون جویی در مال ها و فرزندان است؛ همچون بارانی که گیاه رویانیدنش کشاورزان را خوش آید و به شگفت آرد ، سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی و آن گیاه خشک و شکسته و خرد گردد؛ و در آن جهان عذابی سخت و نیز آمرزشی از جانب خدا و خشنودی او است. و زندگی این جهان جز کالای فریبنده‌گی نیست.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا جهاد در راه خدا منحصر به کشته شدن است؟ آن که برای پدر و مادرش بکوشد و نیز آن که برای خانواده اش تلاش کند و هم آن که برای پاک نگاه داشتن خود همت ورزد ، همه جهاد در راه خدا به شمار آید . و آن که برای فخر فروشی با ثروت تلاش کند ، در راه شیطان است .

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا اسْتَعْفَافًا عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَسَعِيًا عَلَى أَهْلِهِ وَتَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ ، لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى يَوْمَ يَلْقَاهُ وَوَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ ؛ وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا مُكَاثِرًا مُفَاخِرًا مُرَائِيًا ، لَقِيَ اللَّهَ تَعَالَى وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَبْغَضَ النَّاسُ فَقَرَاءَهُمْ ، وَأَظْهَرُوا عِمَارَةَ أَسْوَاقِهِمْ ، وَتَبَارَكُوا عَلَى جَمْعِ الدَّرَاهِمِ ، رَمَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ : بِالْقَحْطِ مِنَ الزَّمَانِ ، وَالْجَوْرِ مِنَ السُّلْطَانِ ، وَالْخِيَانَةِ مِنْ وُلاِهِ الْحُكَّامِ ، وَالشُّوْكَهِ مِنَ الْعُدْوَانِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : وَلَا تَجْمَعِ مِنَ الْمَالِ فَلَا تَدْرِي لِمَنْ تَجْمَعُ وَلَا تَدْرِي أَفَى أَرْضِكَأَمْ فِي غَيْرِهَا تُصْرَعُ (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: يُجَاءُ بِابْنِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُ بَدَجٌ ، فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ ، فَيَقُولُ اللَّهُ لَهُ : أُعْطَيْتَكَ وَحَوْلْتِكَ وَأَنْعَمْتُ عَلَيْكَ فَمَاذَا صَيَّرْتَهُ ؟ فَيَقُولُ : يَا رَبِّ ، جَمَعْتُهُ وَثَمَرْتُهُ فَتَرَكَتُهُ أَكْثَرَ مَا كَانَ ، فَأَرْجِعْنِي آتِكَ بِهِ ، فَيَقُولُ لَهُ : أَرِنِي مَا قَدَّمْتَ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ ، جَمَعْتُهُ وَثَمَرْتُهُ فَتَرَكَتُهُ أَكْثَرَ مَا كَانَ ، فَأَرْجِعْنِي آتِكَ بِهِ ، فَإِذَا عَبْدٌ لَمْ يُقَدِّمْ خَيْرًا فَيَمُضِي بِهِ إِلَى النَّارِ . (٤)

١- حليه الأولياء: ٣ / ١١٠ عن أبي هريره ؛ تنبيه الخواطر: ١ / ١٥٣ نحوه ، مستدرک الوسائل: ١٣ / ٣٢ / ١٤٦٦١ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب وفيه ذيله ، بحار الأنوار: ٧٣ / ٢٨ .

٢- تنبيه الخواطر: ١٠ / ١ عن الإمام على عليه السلام ؛ إحياء علوم الدين: ٢٩١ / ٤ ، المستدرک على الصحيحين: ٣٦١ / ٧٩٢٣ كلاهما عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، كنز العمال: ١٦ / ٣٩ / ٤٣٨٤١ .

٣- جامع الأخبار: ٢٩٤ / ٨٠٢ ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٣ / ٦٢ .

٤- سنن الترمذى: ٤ / ٦١٨ / ٢٤٢٧ عن أنس ، الزهد لابن المبارك: ٣٥٧ / ١٠٠٩ عن الحسن نحوه ، كنز العمال: ١٤ / ٣٧٢ /

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای خودداری از عرض نیاز به مردم و تلاش برای خانواده اش و لطف ورزی به همسایه اش، از راه حلال دنیا را بجوید، در روزی که به دیدار خدا می رود، چهره اش همچون ماه کامل است؛ و هر که دنیا را از راه حلال، ولی برای زیاده جویی و فخرفروشی و خودنمایی طلب کند، خدا را در حالی دیدار نماید که بر وی خشم گرفته باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه مردم بر فقیران خویش خشم ورزند و آبادی بازارهاشان را به رخ کشند و با مال اندوزی بزرگی طلبند، خداوند به چهار خصلت گرفتارشان فرماید: قحطی روزگار، ستم حاکم، خیانت کارگزاران حاکم، و تسلط تجاوز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: و مال را گرد میاور، در حالی که نمی دانی آن را برای که می اندوزی! و نیز نمی دانی که آیا در وطن خویش خواهی مرد یا در جای دیگر.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، فرزند آدم همچون بره آورده می شود و نزد خداوند می ایستد. خدا به او می فرماید: «تو را عطا دادم و مال و نعمت بخشیدم؛ پس چه کردی؟» گوید: «پروردگرم! آن را گرد آوردم و بیفزودم و بیش از آن چه بود، باقی نهادم؛ پس مرا بازگردان تا آن را به تو بازآرم». خدای فرماید: «نشانم ده که چه پیش فرستادی». گوید: «پروردگرم! آن را گرد آوردم و بیفزودم و بیش از آن چه بود، باقی نهادم؛ پس مرا بازگردان تا آن را به تو بازآرم». آن گاه، بنده ای که خیری پیش نفرستاده باشد، به سوی آتش رانده می شود.

المستدرك على الصحيحين عن أبو هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيُصِيبُ أُمَّتِي دَاءُ الْأَمَمِ . فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا دَاءُ الْأَمَمِ؟ قَالَ: الْأَشْرُ وَالْبَطْرُ وَالتَّكَاثُرُ وَالتَّنَاجُشُ فِي الدُّنْيَا، وَالتَّبَاغُضُ وَالتَّحَاسُدُ حَتَّى يَكُونَ الْبَغْيُ. (١)

الإمام الباقر عليه السلام: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى الصِّفَا فَقَالَ: يَا بَنِي هَاشِمٍ! يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ! إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ، وَإِنِّي شَفِيقٌ عَلَيْكُمْ، وَإِنَّ لِي عَمَلِي وَلِكُلِّ رَجُلٍ مِنْكُمْ عَمَلُهُ، لَا تَقُولُوا: إِنَّ مُحَمَّدًا مِنَّا وَسَيَدْخُلُ مِدْخَلُهُ؛ فَلَا وَاللَّهِ مَا أَوْلِيَائِي مِنْكُمْ وَلَا مِنْ غَيْرِكُمْ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ، أَلَا فَلَا أَعْرِفُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَأْتُونَ تَحْمِلُونَ الدُّنْيَا عَلَى ظُهُورِكُمْ وَيَأْتُونَ النَّاسَ يَحْمِلُونَ الْآخِرَةَ! أَلَا إِنِّي قَدْ أَعْذَرْتُ إِلَيْكُمْ فِي مَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَفِي مَا بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيكُمْ! (٢)

تنبيه الخواطر: قِيلَ [لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ أُمَّتِكَ أَشْرُّ؟ قَالَ: الْأَغْنِيَاءُ. (٣)

١- المستدرك على الصحيحين: ٤ / ١٨٦ / ٧٣١١، كنز العمم: ١١ / ١٧٠ / ٣١٠٧٩ نقلًا- عن ابن أبي الدنيا وابن النجّار وكلاهما عن أبي هريره وج ٣ / ٥٢٦ / ٧٧٣٨.

٢- الكافي: ٨/١٨٢/٢٠٥، تنبيه الخواطر: ٢/١٥١، صفات الشيعة: ٨٤/٨ نحوه وكلها عن أبي عبيده.

٣- تنبيه الخواطر: ١ / ١٥٥.

المستدرک علی الصحیحین از ابهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «زود است که امت مرا بیماریِ امتهای فرا رسد». گفتند: «بیماریِ امت ها چه باشد؟» فرمود: «سرمستی و به خود بالیدن و فخر فروشی و در گرانفروشی مسابقه دادن و کینه توزی و حسدورزی، چندان که به ستم انجامد».

امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کوه صفا ایستاد و فرمود: «ای بنی هاشم! ای بنی عبدالمطلب! همانا منم رسول خدا برای شما و به شما مهر می ورزم و مرا عملِ خود است و هر یک از شما را نیز عملِ خویش. مگویید: محمد از ما است و هر جا که وی در آید، ما نیز در آییم. به خدا سوگند چنین نیست؛ دوستان من نه از شمایند ای بنی عبدالمطلب و نه از غیر شما، مگر آن که تقوایبش باشند. هلا که اگر در روز قیامت، بار دنیا بر دوش آید و دیگران بار آخرت بر دوش آیند، شما را نخواهم شناخت. هلا که در رابطه خودم و شما و نیز خودم و خدا نسبت به شما، هر گونه عذری را از شما واستاندم».

تنبيه الخواطر: [به رسول خدا صلی الله علیه و آله] گفته شد: «ای رسول خدا! کدام افراد امت تو بدترینند؟» فرمود: «ثروتمندان»

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن مسعود: إِنَّهُ [صلى الله عليه و آله] نَهَى عَنِ التَّبَقُّرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ . (١)

الإمام علي عليه السلام: لَا يَجْمَعُ الْمَالَ إِلَّا الْجِرْصُ ، وَالْحَرِيصُ شَقِيٌّ مَذْمُومٌ . (٢)

عنه عليه السلام: لَا يُبْقِي الْمَالَ إِلَّا الْبُخْلُ ، وَالْبُخِيلُ مُعَاقَبٌ مَلُومٌ . (٣)

عنه عليه السلام: مِنَ الْعَنَاءِ أَنَّ الْمَرْءَ يَجْمَعُ مَا لَا يَأْكُلُ ، وَيَبْنِي مَا لَا يَسْكُنُ ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا مَالًا حَمَلَ وَلَا بِنَاءً نَقَلَ! (٤)

عنه عليه السلام: ابْنِ آدَمَ! إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ أَيْسَرَ مَا فِيهَا يَكْفِيكَ، وَإِنْ كُنْتَ إِنَّمَا تُرِيدُ مَا لَا يَكْفِيكَ فَإِنَّ كُلَّ مَا فِيهَا لَا يَكْفِيكَ . (٥)

عنه عليه السلام: قَلِيلٌ يُفْتَقِرُ إِلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ يُسْتَغْنَى عَنْهُ . (٦)

عنه عليه السلام لِكَمِيلِ بْنِ زِيَادٍ : إِنَّ هَاهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً! بَلَى أَصَبْتُ لَقِنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ . . . أَوْ مِنْهُمَا بِاللَّذَّةِ سَلِسَ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ ، أَوْ مُعْزَمًا بِالْجَمْعِ وَالْإِدْخَارِ ، لَيْسَا مِنْ رُعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ ، أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبَّهَا بِهِمَا الْأَنْعَامُ الشَّائِمَةُ . (٧)

١- مسند ابن حنبل: ٢ / ١٤٢ / ٤١٨٤ وص ١٤١ / ٤١٨١ ، كنز العمال: ٣ / ١٨٥ / ٦٠٨٠ ؛ معاني الأخبار: ٢٨٠ ، بحار الأنوار: ١٢ / ٣٤٤ / ٧٦ .

٢- غرر الحكم: ١٠٨٤٢ .

٣- غرر الحكم: ١٠٨٤٣ .

٤- نهج البلاغه: الخطبه ١١٤ ، تحف العقول: ٢١٨ .

٥- الكافي: ٢ / ١٣٨ / ٦ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام وص ١٣٩ / ١٠ عن حمزه بن حمران عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، تنبيه الخواطر: ٢ / ١٩٥ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٧٦ / ١٨ وراجع تحف العقول: ٣٨٧ .

٦- غرر الحكم: ٦٧٤٤ .

٧- نهج البلاغه: الحكمه ١٤٧ ، الخصال: ١٨٦ / ٢٥٧ ، الأمل للمفيد: ٢٤٩ / ٣ كلاهما عن كميل نحوه ، بحار الأنوار: ٢٣ / ٩١ / ٤٦ نقلاً عن كمال الدين ؛ المناقب للكوفي: ٢ / ٩٦ / ٥٨١ عن كميل نحوه .

مسند ابن حنبل از عبدالله بن مسعود: همانا پیامبر صلی الله علیه و آله از بسیار داشتن عیال و مال نهی فرمود .

امام علی علیه السلام: تنها حرص سبب گردآوری مال است و حریص تیره بخت و نکوهیده است .

امام علی علیه السلام: تنها بخل است که مال را باقی می نهد و بخیل عقوبت یابد و سرزنش گردد .

امام علی علیه السلام: بس رنج آور است که انسان آن چه را نمی خورد ، گرد آورد و آن چه را در آن سکنا نمی گزیند ، بنا نماید و سپس در حالی به سوی خدای تعالی رود که نه مالی حمل کرده و نه بنایی با خود برده است .

امام علی علیه السلام: ای فرزند آدم! اگر از دنیا چیزی می خواهی که تو را کفایت کند ، پس کم ترین آن برای تو کافی است ؛ و اگر چیزی می خواهی که تو را بس نباشد ، پس هر چه در آن است ، کفایت ننماید .

امام علی علیه السلام: اندکی که بدان نیاز باشد ، بهتر از فراوانی است که بدان نیاز نباشد .

امام علی علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد : همانا در این جا ، دانشی بسیار نهفته است امام با دستش به سینه اش اشاره فرمود ، البته اگر کسانی را بیابم که آن را توانند حمل کرد . آری ؛ برای آن ، فرد تیزفهم می یابم ، اما به او اطمینان ندارم ... ؛ یا می یابم کسی را که در لذت بری زیاده روی کرده و به آسانی ، از شهوتش فرمان می پذیرد ؛ یا کسی را که شیفته گرد آوردن مال است . این دو هم در هیچ کاری ، نگاهبان دین نیستند و نزدیک ترین همانندان آنان ، چهارپایان چرنده اند .

عنه عليه السلام في كتابه لِشَرِيحِ الْقَاضِي ، لَمَّا بَلَغَهُ أَنَّهُ اشْتَرَى دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا : مَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرَى فِي مَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ دَرَكٍ فَعَلَى مُبْلِغِ أَجْسَامِ الْمُلُوكِ ، وَسَالِبِ نَفُوسِ الْجَبَابِرَةِ ، وَمُزِيلِ مُلْكِ الْفِرَاعَةِ مِثْلِ كِسْرَى وَقَيْصَرَ وَتُبَّعٍ وَحَمِيرٍ وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْتَرُ ، وَمَنْ بَنَى وَشَيْدَ ، وَزَخْرَفَ وَنَجَّدَ ، وَادَّخَرَ وَاعْتَمَدَ ، وَنَظَرَ بِزَعْمِهِ لِلْوَلَمِدِ : إِشْخَاصُهُهُمْ جَمِيعًا إِلَى مَوْقِفِ الْعَرَضِ وَالْحِسَابِ ، وَمَوْضِعِ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ ، إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَصْلِ الْقَضَاءِ ، وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ! (١)

عنه عليه السلام في مَوْعِظَتِهِ لِلنَّاسِ : إِنَّهُ وَاللَّهِ الْجِدُّ لَا اللَّعِبُ ، وَالْحَقُّ لَا الْكَذِبُ ، وَمَا هُوَ إِلَّا الْمَوْتُ أَسْمَعَ دَاعِيَهُ وَأَعَجَلَ حَادِيَهُ ، فَلَا يُغَرِّنُكَ سِوَادُ النَّيَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ ، وَقَدْ رَأَيْتَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِمَّنْ جَمَعَ الْمَالَ وَحَدَرَ الْإِقْلَالَ ، وَأَمِنَ الْعِوَاقِبَ طَوَّلَ أَمَلٍ وَاسْتَبَعَادَ أَجَلَ كَيْفَ نَزَلَ بِهِ الْمَوْتُ فَأَزَعَجَهُ عَن وَطْنِهِ ! . . . أَمَا رَأَيْتُمُ الَّذِينَ يَأْمُلُونَ بَعِيدًا ، وَيَبْنُونَ مَشِيدًا ، وَيَجْمَعُونَ كَثِيرًا ، كَيْفَ أَصْبَحَتْ يُبُوتُهُمْ قُبُورًا ، وَمَا جَمَعُوا بُورًا ، وَصَارَتْ أَمْوَالُهُمْ لِلْوَارِثِينَ ، وَأَزْوَاجُهُمْ لِقَوْمٍ آخَرِينَ ؟ ! (٢)

عنه عليه السلام : لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثُرَ مَالُكَ وَوَلَدُكَ ، وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ ، وَأَنْ يَعُظَّمَ حِلْمُكَ ، وَأَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ . (٣)

١- نهج البلاغه : الكتاب ٣ ، بحار الأنوار : ٤١ / ١٥٦ / ٤٨ .

٢- نهج البلاغه : الخطبه ١٣٢ .

٣- نهج البلاغه : الحكمه ٩٤ ، تنبيه الخواطر : ١ / ١٢٥ ، غرر الحكم : ٧٤٩٧ وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ٧٦ / ٤٠٩ / ١٢١ وج ٨٢ / ١٤٠ / ٥ ؛ حليه الأولياء : ١٠ / ٣٨٨ عن عبد خير ، كنز العمال : ١٦ / ٢٠٨ / ٤٤٢٣٣ نقلًا عن ابن عساكر في أماليه وراجع تذكره الخواص : ١٣١ .

امام علی علیه السلام در نامه اش به شریح قاضی ، آن گاه که خبر یافت وی خانه ای به بهای هشتاد دینار خریده است : هر زیانی که بر این خریدار در آن چه خریده وارد شود ، بر عهده کسی است که بدن های پادشاهان را تباه سازد ؛ جان های گردن کشان را بگیرد ؛ حکومت فرعون ها را نابود کند ، کسانی همچون کسرا و قیصر و شاهان یمن و حمیر و نیز آنان که مال گرد آوردند و آن را افزودند ، و آنان که بناها را ساختند و برافراشتند و بیاراستند و زینت کردند ، و خانه و ملک و اثاث گرد آوردند و به خیال خود ، آن را برای فرزندان به جا نهادند . [فرشته مرگ] همه اینان را به جایگاه بازپرسی و حسابرسی و مکان پاداش و کیفر بَرَد ، آن گاه که فرمان خداوند برای جدا ساختن حق از باطل فرود آید و آن جا است که تبهکاران زیان برند .

امام علی علیه السلام در اندرزش به مردم : به خدا سوگند! آن جدی است نه بازیچه ؛ و راست است نه دروغ ؛ و آن نیست جز مرگ که دعوت خود را به گوش همگان رسانید و ساربان خداخوانش همه را به شتاب فراخواند . پس مبادا به بسیاری مردم در پیرامون خود فریفته شوی ، در حالی که دیده ای آن که پیش از تو بود و مال می اندوخت و از درویشی کناره می جست و با آرزوی دراز و دور انگاشتنِ مرگ ، از فرجام کار ایمنی می خواست ، چگونه مرگ وی را فرا گرفت و از وطنش برکند! آیا ندیدید آن کسان را که آرزوی دراز پروریدند و بناهای بلند ساختند و مال فراوان گرد آوردند ، که چگونه خانه هاشان گورهایشان گشت و آن چه گرد آورده بودند ، تباه شد و اموالشان به وارثان رسید و همسرانشان نصیب دیگران گشتند؟

امام علی علیه السلام : خیر آن نیست که مال و فرزندان بسیار باشد ؛ بلکه آن است که دانش و عقلت فراوان باشد و با عبادت پروردگارت به مردم مباحات ورزی .

عنه عليه السلام: إِذَا جَمَعْتَ الْمَالَ فَأَنْتَ فِيهِ وَكَيْلٌ لِعَيْرِكَ ، يَسْعُدُ بِهِ وَتَشْقَى أَنْتَ . (١)

عنه عليه السلام: تَكْثُرُكَ بِمَا لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ مِنْ أَعْظَمِ الْجَهْلِ . (٢)

عنه عليه السلام: التَّكَاثُرُ لَهُوَ وَلَعِبٌ وَشُغْلٌ ، وَاسْتِبْدَالُ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ . (٣)

عنه عليه السلام: مَعَاشِرَ النَّاسِ ، اتَّقُوا اللَّهَ! فَكَمْ مِنْ مُؤْمَلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ ، وَبَانٍ مَا لَا يَسْكُنُهُ ، وَجَامِعٍ مَا سَوْفَ يَتْرُكُهُ! وَلَعَلَّهُ مِنْ بَاطِلٍ جَمَعَهُ ، وَمِنْ حَقٍّ مَنَعَهُ ؛ أَصَابَهُ حَرَامًا ، وَاحْتَمَلَ بِهِ آثَامًا ، فَبَاءَ بِوِزْرِهِ ، وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ آسِئَمَا لَاهِفًا ، قَدْ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ، ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ . (٤)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: كُلُّ الْقَوْمِ أَلْهَاهُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زَارُوا الْمَقَابِرَ . (٥)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟! (٦)

عنه عليه السلام: كَانَ فِي مَا وَعَيْظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ : يَا بُنَيَّ ، إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا قَبْلَكَ لِأَوْلَادِهِمْ ، فَلَمْ يَبْقَ مَا جَمَعُوا وَلَمْ يَبْقَ مَنْ جَمَعُوا لَهُ ، وَإِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ مُسْتَأْجَرٌ ؛ قَدْ أُمِرْتَ بِعَمَلٍ وَوُعِدْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ، فَأَوْفِ عَمَلَكَ وَاسْتَوْفِ أَجْرَكَ . (٧)

١- غرر الحكم : ٤١٣٥ .

٢- غرر الحكم : ٤٥٧٦ .

٣- الكافي : ٢ / ٣٩٤ / ١ عن سليم بن قيس الهلالي ، الخصال : ٢٣٥ / ٧٤ عن الأصمغ بن نباته وليس فيه «ولعب» .

٤- نهج البلاغه: الحكمة ٣٤٤ ، بحار الأنوار: ٧٨/٨٣/٨٨ وراجع كفايه الأثر: ٢٤٠ ومطالب السؤل: ٥١ .

٥- الأمالي للمفيد : ١٨٤ / ٧ عن أبي سعيد الزهري ، الزهد للحسين بن سعيد : ١٩ / ٤١ عن أبي شيبه الزهري وفيه «قوم» بدل «القوم» ، بحار الأنوار : ٦٩ / ٤٠٢ / ١٠٢ .

٦- من لا يحضره الفقيه : ٤/٣٩٣/٥٨٣٦ ، التوحيد : ٣٧٦/٢١ ، الخصال : ٤٥٠/٥٥ ، الأمالي للصدوق: ٥٦ / ١٢ ، مختصر بصائر الدرجات : ١٣٨ كلها عن أبان بن عثمان الأحمر ، روضه الواعظين : ٤٨٤ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٣٧ / ١ .

٧- الكافي : ٢ / ١٣٤ / ٢٠ عن يحيى بن عقبة الأزدي ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٩٤ نحوه .

امام علی علیه السلام: آن گاه که مال گرد می آوری ، در آن وکیل دیگری هستی ؛ او بدان خوشبختی یابد و تو بدبخت گردی!

امام علی علیه السلام: بزرگ ترین نادانی است که آن چه را نه برای تو می ماند و نه تو برای آن می مانی ، بیندوزی .

امام علی علیه السلام: فخرفروشی با مال ، بازی و بیهوده گری و سرگرمی و جایگزین کردن خیر با چیز پست است .

امام علی علیه السلام: ای گروه های مردم! خدای را پرهیزید ؛ که بسا آرزومندی که به آرزویش نرسد و سازنده بنایی که در آن سکنا نیابد و گرد آورنده ای که بگذارد و بگذرد . شاید آن را به ناروا گرد آورده و حق کسی است که آن را بازداشته و به حرام بدان دست یافته و با آن ، بار گناه بر دوش گرفته و سنگینی اش را پذیرفته و با اندوه و دریغ نزد پروردگارش باریافته ، در حالی که هم دنیا و هم آخرت را باخته ؛ و این است زیانکاری آشکار .

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: همه اقوام را فخرفروشی به ثروت فریفت (۱) ، چندان که به دیدار گورها رفتند .

امام صادق علیه السلام: اگر محاسبه [ی روز قیامت] حقیقت دارد ، پس گردآوردن مال برای چه؟

امام صادق علیه السلام: در زمره اندرزهای لقمان به فرزندش چنین بود: «فرزند عزیزم! همانا پیش از تو ، مردم برای فرزندهایشان مال گرد آوردند ؛ اما نه آن چه گرد آوردند باقی ماند و نه آنان که برایشان مال باقی نهاده شده بود ، باقی ماندند . و جز این نیست که تو بنده ای هستی به اجرت گرفته شده ؛ به کاری فرمان داده شده ای و به پاداشی وعده ات داده اند ؛ پس کارت را درست به انجام رسان و پاداشت را تمام بگیر» .

الإمام الرضا عليه السلام: لا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالٍ خَمْسٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَأَمَلٍ طَوِيلٍ، وَحِرْصٍ غَالِبٍ، وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ، وَإِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. (١)

١ / ٢ التَّحذِيرُ مِنَ الْكَنْزِ الْكِتَابُ: «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ. (٢)»

«خُدُوهُ فَغُلُّوهُ * ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ * ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ * إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ * وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ. (٣)»

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ * فِي جَنَّتٍ يُتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ * وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ. (٤)»

١- الخصال: ٢٨٢ / ٢٩، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١ / ٢٧٦ / ١٣ كلاهما عن محمد بن إسماعيل بن بزيع، كشف الغمّة

: ٣ / ٨٤، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٣٨ / ٥.

٢- التوبة: ٣٤ و ٣٥.

٣- الحاقه: ٣٠ ٣٤.

٤- المدثر: ٣٨ ٤٦.

۱ / ۲ پرهیز دادن از زر اندوزی

امام رضا علیه السلام: مال جز با پنج خصلت گرد نیاید: بخل بسیار، آرزوی دراز، حرص غلبه یافته، پیوند بریدن از خویشان، و ترجیح دادن دنیا بر آخرت.

۱ / ۲ پرهیز دادن از زر اندوزی قرآن: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده؛ روزی که آن [زر و سیم] را در آتش دوزخ بتابند و با آن، پیشانی ها و پهلوها و پشت های آنان را داغ نهند: این است آن چه برای خویشان می اندوختید؛ پس کیفر آن چه را می اندوختید، بچشید.»

«او را بگیرد و در بندش کنید * سپس به دوزخش درآورد * سپس در زنجیری که درازای آن، هفتاد گز است، او را در بند کنید * زیرا که او به خدای بزرگ ایمان نداشت * و به طعام دادنِ بینوایان بر نمی انگیخت.»

«هر کسی که در گرو کاری است که کرده است * مگر یاران دست راست [= سعادت‌مندان] * که در بهشت ها باشند؛ از بزهکاران می پرسند * چه چیز شما را به دوزخ درآورد؟ * گویند: ما از نماز گزاران نبودیم * و بینوا را طعام نمی دادیم * و با یاهو گویان یاهو می گفتیم * و روز پاداش را دروغ می انگاشتیم.»

«فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكَّرَ رَقَبَهُ * أَوْ إِطْعَمَ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ . (١)»

الحديث: الإمام الباقر عليه السلام في قوله [تعالى]: «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ كَنْزَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ، وَأَمَرَ بِإِنْفَاقِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . (٢)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا- يوضع الدينار على الدينار ولا الدرهم على الدرهم ، ولكن يوسع الله جلدَه «فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ . (٣)»

عنه صلى الله عليه وآله: ما من صاحب كنز لا يؤدى زكاته إلا- أحمى عليه في نار جهنم ، فيجعل صيفائح ، فيكوى بها جنباه وجبينه ، حتى يحكم الله بين عباده في يوم كان مقداره خمسين ألف سنة ، ثم يرى سبيله إما إلى الجنة وإما إلى النار . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من صاحب كنز لا يؤدى زكاه كنزه إلا- جىء بكنزه يوم القيامة فيحمى به جنبه وجبينه ؛ لئبوسه وازوراره وجعل السائل والساعي وراء ظهره . (٥)

١- البلد : ١١ ١٦ .

٢- تفسير القمى : ١ / ٢٨٩ عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٣٨ / ٤ .

٣- الدر المنثور : ٤ / ١٧٩ نقلاً عن أبي يعلى وابن مردويه عن أبي هريره .

٤- صحيح مسلم : ٢ / ٦٨٢ / ٢٦ ، السنن الكبرى : ٤ / ١٣٧ / ٧٢٢٥ ، سنن أبي داود : ٢ / ١٢٤ / ١٦٥٨ ، مسند ابن حنبل : ٣ / ٣٢٨ /

٨٩٨٧ / الدر المنثور : ٤ / ١٧٩ نقلاً عن البخارى وكلها عن أبي هريره والثلاثة الأخيره نحوه وراجع كنز العمال : ٦ / ٣٠٢ /

١٥٧٩٥ .

٥- مستدرک الوسائل : ٧ / ٢٣ / ٧٥٤٢ نقلاً عن فقه القرآن للراوندى .

«پس به آن راه سخت درنیامد * و تو چه دانی که آن راه سخت چیست؟ * آزاد کردن بنده ای * یا طعام دادن در روز گرسنگی * به یتیمی خویشاوند * یا بینوایی خاک نشین.»

حدیث: امام باقر علیه السلام درباره این سخن خدای تعالی: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده»: همانا خداوند انباشتن زر و سیم را حرام فرموده و انفاق آن را در راه خدا امر نموده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دینار بر دینار و درهم بر درهم نهاده نمی شود؛ بلکه خداوند [بدین گونه] پوست بدن آن [مال اندوز] را گسترش می دهد؛ «و با آن، پیشانی ها و پهلوها و پشت های آنان را داغ نهند: این است آن چه برای خویشتن می اندوختید؛ پس کیفر آن چه را می اندوختید، بچشید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ دارنده گنجی نیست که زکات آن را ندهد، مگر این که آن مال را در آتش جهنم بگدازند تا همچون ورقی پهن گردد و با آن، پهلوها و پیشانی آن کس گداخته گردد؛ تا آن که در روزی که اندازه اش پنجاه هزار سال است، خدا میان بندگانش داوری فرماید؛ سپس راه وی یا به سوی بهشت و یا به سوی آتش نمایانده شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ دارنده مال انباشته ای نیست که زکات آن را ندهد، مگر آن که روز قیامت آورده شود در حالی که با آن، بر پهلو و پیشانی اش داغ نهند؛ زیرا [در دنیا] آبرو درهم می کشیده و راه کج می کرده و به نیازخواه و گردآورنده زکات پشت می کرده است.

عنه صلى الله عليه وآله: ما من ذى كنزٍ لا- يُؤدّي حَقَّهُ إلا- جىء به يومَ القيامةِ يُكوى به جبينه وجبهته، وقيل له: هذا كنزك الذى بخلت به! (١)

عنه صلى الله عليه وآله: من أوكى على ذهبٍ أو فضةٍ ولم يُنفقه فى سبيلِ الله، كانَ جمراً يومَ القيامةِ يُكوى به. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبدٍ يموتُ يومَ يموتُ فيتزكُ أصفراً وأبيضاً إلا كُوى به. (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من أحدٍ يتزكُ ذهباً ولا فضةً إلا جعلَ الله له صفائحاً، ثم كُوى به من قدميه إلى ذنبه. (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من رجلٍ يموتُ وعندهُ أحمرٌ أو أبيضٌ إلا جعلَ الله له بكلِّ قيراطٍ صفيحةً يُكوى بها من فرقه إلى قدميه؛ مغفوراً له بعد ذلك أو مُعذباً. (٥)

عنه صلى الله عليه وآله: يكونُ كنزُ أحدكم يومَ القيامةِ شجاعاً أقرعاً. (٦)

١- الدر المنثور: ٤ / ١٨١ نقلاً عن ابن مردويه عن جابر .

٢- المعجم الكبير: ٢ / ١٥٣ / ١٦٤١ عن أبي ذر .

٣- المعجم الكبير: ٨ / ١٤٣ / ٧٦٣٦ ، مسند الشاميين: ١ / ٤٢٤ / ٧٤٦ وليس فيه «يوم يموت» وكلاهما عن أبي أمامه ، مسند ابن حنبل: ٨ / ١١٢ / ٢١٥٣٦ عن أبي ذر نحوه ، كنز العمال: ٣ / ٢٣٠ / ٦٢٩٣ وح ٦٢٩٥ .

٤- حليه الأولياء: ١ / ١٨١ عن ثوبان ، كنز العمال: ٣ / ٢٣٠ / ٦٢٩٤ .

٥- تفسير القرطبي: ٨ / ١٣١ ، الدر المنثور: ٤ / ١٨٠ نقلاً عن ابن أبي حاتم نحوه وكلاهما عن ثوبان ، كنز العمال: ٣ / ٢٣٠ / ٦٢٩٤ .

٦- صحيح البخارى: ٤ / ١٧١١ / ٤٣٨٢ وح ٦٥٥٧ / ٢٥٥٢ / ٦ ، سنن النسائي: ٤ / ٥٢٤ وفيه «أحدهم» بدل «أحدكم» ، مسند ابن حنبل: ٣ / ١٩٥ / ٨١٩٢ ، المستدرک على الصحيحين: ١ / ٥٤٦ / ١٤٣٥ كلها عن أبي هريره ، كنز العمال: ٦ / ٣٠٧ / ١٥٨١٦ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مال اندوزی نیست که حقّ آن را ادا نکند ، مگر آن که روز قیامت آورده شود و با آن ، پیشانی و بناگوشش داغ نهاده گردد و به وی گفته شود: «این است گنجت که با آن بخل می ورزیدی» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که زر و سیم بیندوزد و آن را در راه خدا انفاق نکند ، همان در روز قیامت سنگی گردد و با آن ، بر وی داغ نهاده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که به هنگام مرگ از خود زر و سیم باقی نهد ، مگر این که با آن ، بر وی داغ نهاده شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس نیست که زر و سیمی به جا نهد ، مگر این که خدا آن را ورقه هایی پهن گرداند و از پای تا چانه ، او را با آن داغ نهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس نیست که بمیرد و نزدش زر و سیم باشد ، مگر این که خداوند به ازای هر قیراط از آن ، ورقی پهن سازد و با آن ، از سر تا پایش را داغ نهد ، خواه بعد از آن ، آمرزیده گردد یا در عذاب باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت ، گنج شما تبدیل به ماری می شود که از فرطِ سَم داری ، موی سرش ریخته باشد .

مسند ابن حنبل عن أبو هريره: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَرَكَ كَنْزًا فَإِنَّهُ يُمَثَّلُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُجَاعًا أَقْرَعَ يَتَّبِعُهُ، لَهُ زَبَيْتَانِ، فَمَا زَالَ يَطْلُبُهُ يَقُولُ: وَيَلْمَكَ! مَا أَنْتَ؟ قَالَ: يَقُولُ: أَنَا كَنْزُكَ الَّذِي تَرَكَتَ بَعْدَكَ. قَالَ: فَيَلْقِمُهُ يَدَهُ فَيَقْضِيهَا، ثُمَّ يَتَّبِعُهُ بِسَائِرِ جَسَدِهِ. (١)

مسند ابن حنبل عن أبو هريره: إِنَّ أَعْرَابِيًّا غَزَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْبَرَ، فَأَصَابَهُ مِنْ سَهْمِهِ دِينَارَانِ، فَأَخَذَهُمَا الْأَعْرَابِيُّ فَجَعَلَهُمَا فِي عَبَاءَتِهِ، وَخِيطَ عَلَيْهِمَا وَلُفَّ عَلَيْهِمَا، فَمَاتَ الْأَعْرَابِيُّ، فَوَجَدُوا الدَّيْنَارَيْنِ، فَذَكَرُوا ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: كَيْتَانِ. (٢)

مسند ابن حنبل عن أبو أمامه: تُؤَفِّي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، فَوَجِدَ فِي مِثْرِهِ دِينَارًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْهٌ. ثُمَّ تُؤَفِّي آخَرَ، فَوَجِدَ فِي مِثْرِهِ دِينَارَانِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَيْتَانِ. (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجَّهُوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ، وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكْنِزُوهَا. (٤)

عنه عليه السلام في كتابه لَعِبِدِ اللَّهِ النَّجَاشِيَّ، والى الأهواز: يَا عَبْدَ اللَّهِ، إِجْهَدِ أَنْ لَا تَكْنِزَ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً فَتَكُونَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، وَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ مِنْ حُلُوِّ أَوْ فَضْلِ طَعَامٍ تَصْرِفُهُ فِي بُطُونِ خَالِيهِ يَسْكُنُ بِهَا غَضَبُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى. (٥)

١- مسند ابن حنبل: ٣ / ٥٤٣ / ١٠٣٤٨، المستدرک علی الصحیحین: ١ / ٥٤٦ / ١٤٣٤، كلاهما عن أبي هريره، حليه الأولياء:

١ / ١٨١ عن ثوبان وكلاهما نحوه، كنز العمال: ٦ / ٣٠٦ / ١٥٨١٢؛ تفسير مجمع البيان: ٥ / ٤١ عن ثوبان نحوه.

٢- مسند ابن حنبل: ٣ / ٢٧٦ / ٨٦٨٦.

٣- مسند ابن حنبل: ٨ / ٢٧٧ / ٢٢٢٣٦ وص ٢٧٦ / ٢٢٢٣٤، صحيح ابن حبان: ٨ / ٥٤ / ٣٢٦٣ عن أبي وائل، المعجم الكبير:

٨ / ٢٦٠ / ٨٠١١ كلها نحوه، الزهد لهناد: ١ / ٣٤١ / ٦٣١.

٤- الكافي: ٤ / ٣٢ / ٥ عن ضريس، من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٥٧ / ١٦٩٣، مشكاة الأنوار: ٤٧٥ / ١٥٨٨ وليس فيه «من

الأموال».

٥- كشف الرية: ٨٩ عن عبد الله بن سليمان النوفلي، بحار الأنوار: ٧٥ / ٣٦٢ / ٧٧ نقلًا عن رساله الغيبة للشهيد الثاني.

مسند ابن حنبل از ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که از خود مال بسیار به جا نهد، روز قیامت آن مال در صورت ماری که از فرطِ سَم داری، موی سرش ریخته و دو نقطه سیاه بالای دو چشمش باشد، برای او چهره می نماید و همواره او را دنبال می کند. آن فرد گوید: وای بر تو؛ چستی؟ مار گوید: من همان مال انبوهم که پس از خود به جای نهادی. سپس دست او را در دهان می برد و پاره پاره می کند و آن گاه، بقیه بدنش را می بلعد».

مسند ابن حنبل از ابوهریره: عربی بیابان نشین در نبرد خیبر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله جنگید. از سهمش دو دینار به وی رسید. او آن دو دینار را گرفت و در عبایش جای داد و آن را دوخت و پیرامونش را پوشاند. وقتی وی مرد، آن دو دینار را در عبایش یافتند و خبر را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رساندند. وی فرمود: «آن دو بر او داغ خواهند نهاد».

مسند ابن حنبل از ابوامامه: مردی از اهل صِفّه در گذشت. در جامه اش دیناری یافت شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این بر او داغ خواهد نهاد». سپس مردی دیگر در گذشت و در جامه اش دو دینار یافت گشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دو داغ بر وی نهاده خواهد شد».

امام صادق علیه السلام: جز آن نیست که خداوند این ثروت های بیشین را به شما عطا فرموده تا آن را هر گونه خدا خواهد، صرف کنید، نه آن که آن را انباشته نمایید.

امام صادق علیه السلام در نامه اش به عبدالله نجاشی، حاکم اهواز: ای عبدالله! بکوش تا زر و سیمی انباشته نکنی؛ که مشمول این آیه خواهی گشت که خدای تعالی فرموده است: «آنان که زر و سیم بیندوزند و در راه خدا انفاق نکنند...»؛ و حتی قدری شیرینی یا مانده غذا را کوچک شمار، که می توانی آن را صرف شکمی خالی کنی؛ و با این کار، خشم خدای بزرگ والا رتبه فرو نشیند.

عنه عليه السلام: مُوسَّعٌ عَلَى شِيَعَتِنَا أَنْ يُنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى عَيْدُوهُ ؛ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . (١)»

عنه عليه السلام: الْمُؤْمِنُ [إِذَا] (٢) كَانَ عِنْدَهُ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ ؛ يُنْفِقُهُ عَلَى عِيَالِهِ مَا شَاءَ ، ثُمَّ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ فَيَحْمِلُ إِلَيْهِ مَا عِنْدَهُ ، فَمَا بَقِيَ مِنْ ذَلِكَ يَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى أَمْرِهِ ؛ فَقَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ . (٣)

الخرائج والجرائح عن أحمد بن قابوس عن أبيه عن أبي عبد الله عليه السلام: دَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ فَقَالَ ابْتِدَاءً قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَ : مَنْ جَمَعَ مَالًا - يَحْرُسُهُ عَيْدَبَةُ اللَّهِ عَلَى مِقْدَارِهِ . فَقَالُوا لَهُ بِالْفَارِسِيَّةِ : لَا نَفْهَمُ بِالْعَرَبِيَّةِ . فَقَالَ لَهُمْ : «هر که درم اندوزد جزایش دوزخ باشد» . (٤)

مسند ابن حنبل عن سعيد بن أبي الحسن عن عبد الله بن الصيامت: أَنَّهُ كَانَ مَعَ أَبِي ذَرٍّ فَخَرَجَ عَطَاؤُهُ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ ، فَجَعَلَتْ تَقْضِي حَوَائِجَهُ ، فَفَضَّلَ مَعَهَا سَبْعَ ، قَالَ : فَأَمَرَهَا أَنْ تَشْتَرِيَ بِهِ فُلُوسًا . قَالَ : قُلْتُ : لَوْ أَدَّخَرْتَهُ لِلْحَاجَةِ تَتَوَبَّكَ أَوْ لِلضَّيْفِ يَنْزِلُ بِكَ . قَالَ : إِنَّ خَلِيلِي عَهْدَ إِلَيَّ : أَنْ أَيُّمَا ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ أَوْ كَيْ عَلَيْهِ فَهُوَ جَمْرٌ عَلَى صَاحِبِهِ حَتَّى يُفْرَغَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (٥)

١- الكافي : ٤ / ٦١ / ٤ ، تفسير العياشي : ٢ / ٨٧ / ٥٤ ، تهذيب الأحكام : ٤ / ١٤٤ / ٤٠٢ نحوه وكلها عن معاذ بن كثير ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٤٣ / ٢٣ .

٢- ما بين المعقوفين سقط من الطبعة المعتمدة ، وأثبتناه من بحار الأنوار .

٣- تفسير العياشي : ٢ / ٨٧ / ٥٥ عن الحسين بن علوان عمّن ذكره ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٤٣ / ٢٤ .

٤- الخرائج والجرائح : ٢ / ٧٥٣ / ٧٠ ، بحار الأنوار : ٤٧ / ١١٩ / ١٦٢ .

٥- مسند ابن حنبل : ٨ / ٨٩ / ٢١٤٤٢ وص ١٢٥ / ٢١٥٨٤ ، المعجم الكبير : ٢ / ١٥١ / ١٦٣٤ ، حليه الأولياء : ١ / ١٦٢ وفيهما من «إنّ خليلي عهد...» ، كنز العمال : ٦ / ٣٠٧ / ١٥٨١٣ .

امام صادق علیه السلام: دست شیعیان ما باز است که مال خود را در راه خیر مصرف کنند؛ اما آن گاه که امام قائم از ما قیام فرماید، ثروت انباشته هر کس را بروی حرام نماید، مگر آن که به وی دهد تا برای سرکوب دشمنش مصرف نماید. و این است سخن خدای: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، پس ایشان را به عذابی دردناک مژده ده».

امام صادق علیه السلام: هر گاه مؤمن مالی دارد، هر چه خواهد برای خانواده اش صرف کند؛ سپس چون امام قائم قیام نماید، هر چه را دارد نزد وی ببرد و آن چه از آن باقی ماند، برای پیشرفت کارش به کار بندد و بدین سان، حق واجبش را ادا نماید.

الخرائج و الجرائح از احمد بن قابوس از پدرش از امام صادق علیه السلام: مردمی از خراسان نزد وی آمدند. پیش از آن که پرسشی کنند، امام فرمود: «هر که مالی گرد آورد و آن را نگاهبانی کند، خداوند به همان اندازه عذابش فرماید». به فارسی، او را گفتند: «ما عربی را درنیابیم». [به زبان فارسی] فرمود: «هر که درم اندوزد، جزایش دوزخ باشد».

مسند ابن حنبل از سعید بن ابوالحسن از عبدالله بن صامت: وی همراه ابوذر بود [و دید] که او سهمش از بیت المال را گرفت و خدمتکارش نیازهای [سالانه] او را تدارک دید و هفت دینار اضافه آورد. ابوذر به خدمتکار دستور داد که آن دینارها را بفروشد و پول سیاه بگیرد. راوی گوید: «به وی گفتم: خوب است این دینارها را برای روز نیازمندی یا هنگامی که مهمانی برایت رسد، باقی نهد!» ابوذر گفت: «دوست محبوبم [پیامبر صلی الله علیه و آله] به من سفارش فرمود: هر زر و سیمی که ذخیره شود، پاره آتشی است بر صاحبش، مگر این که آن را در راه خدا انفاق کند».

صحيح المسلم عن الأحنف بن قيس: كُنْتُ فِي نَفَرٍ مِنْ قُرَيْشٍ ، فَمَرَّ أَبُو ذَرٍّ وَهُوَ يَقُولُ : بَشِّرِ الْكَانِزِينَ بِكَيِّْ فِي ظُهُورِهِمْ يَخْرُجُ مِنْ جُنُوبِهِمْ ، وَبِكَيِّْ مِنْ قَبْلِ أَقْفَانِهِمْ يَخْرُجُ مِنْ جِبَاهِهِمْ ! ثُمَّ تَنَحَّى فَتَعَدَّ . قُلْتُ : مَنْ هَذَا ؟ قَالُوا : هَذَا أَبُو ذَرٍّ . فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ : مَا شَيْءٌ سَمِعْتُكَ تَقُولُ قُبَيْلٌ ؟ قَالَ : مَا قُلْتُ إِلَّا شَيْئًا قَدْ سَمِعْتُهُ مِنْ نَبِيِّهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . قُلْتُ : مَا تَقُولُ فِي هَذَا الْعَطَاءِ ؟ قَالَ : خُذْهُ فَإِنَّ فِيهِ الْيَوْمَ مَعُونَةً ، فَإِذَا كَانَ ثَمَنَا لِدِينِكَ فَدَعُهُ . (١)

عنه: جَلَسْتُ إِلَى مَلَأٍ مِنْ قُرَيْشٍ ، فَجَاءَ رَجُلٌ حَشِينُ الشَّعْرِ وَالثِّيَابِ وَالْهَيْئَةِ ، حَتَّى قَامَ عَلَيْهِمْ فَسَلَّمَ ، ثُمَّ قَالَ : بَشِّرِ الْكَانِزِينَ بِرِضْفٍ يُحْمَى عَلَيْهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ، ثُمَّ يَوْضَعُ عَلَى حَلْمِهِ ثَمَدِي أُخِيدُهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ نُغْضِ كَتِفِهِ ، وَيَوْضَعُ عَلَى نُغْضِ كَتِفِهِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْ حَلْمِهِ ثَمَدِيهِ ، يَتَزَلُّزَلُ . ثُمَّ وَلَّى فَجَلَسَ إِلَى سَارِيهِ ، وَتَبِعْتُهُ وَجَلَسْتُ إِلَيْهِ ، وَأَنَا لَا أَدْرِي مَنْ هُوَ ، فَقُلْتُ لَهُ : لَا أَرَى الْقَوْمَ إِلَّا قَدْ كَرِهُوا الَّذِي قُلْتَ ؟ قَالَ : إِنَّهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا ؛ قَالَ لِي خَلِيلِي قَالَ : قُلْتُ : مَنْ خَلِيلُكَ ؟ قَالَ : النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَبَا ذَرٍّ ، أَتَبَصَّرُ أَحَدًا ؟ قَالَ : فَظَنَرْتُ إِلَى الشَّمْسِ مَا بَقِيَ مِنَ النَّهَارِ ، وَأَنَا أَرَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُرْسِدُنِي فِي حَاجِهِ لَهُ ، قُلْتُ : نَعَمْ . قَالَ : « مَا أَحْبُّ أَنْ لِي مِثْلَ أُخِيدٍ ذَهَبًا أَنْفَقَهُ كُلَّهُ إِلَّا ثَلَاثَةَ دَنَانِيرٍ » . وَإِنَّ هَؤُلَاءِ لَا يَعْقِلُونَ ، إِنَّمَا يَجْمَعُونَ الدُّنْيَا ، لَا وَاللَّهِ لَا أَسْأَلُهُمْ دُنْيَا وَلَا أَسْتَفْتِيهِمْ عَنْ دِينٍ ، حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ . (٢)

١- صحيح مسلم : ٢ / ٦٩٠ / ٣٥ ، السنن الكبرى : ٦ / ٥٨٤ / ١٣٠٤٠ وراجع إصلاح المال : ١١٤ .

٢- صحيح البخارى : ٢ / ٥١٠ / ١٣٤٢ ، صحيح مسلم : ٢ / ٦٨٩ / ٣٤ نحوه .

صحیح مسلم از احنف بن قیس: همراه تنی چند از قریش بودم که ابوذر از کنار ما عبور کرد، در حالی که می گفت: «بیم ده زراندوزان را از داغی که بر پشتشان نهاده می شود و از پهلویشان بیرون می آید؛ و نیز به داغی که بر پس گردنشان نهاده می شود و از پیشانی شان خارج می گردد». سپس دور شد و در گوشه ای نشست. گفتم: «او کیست؟» گفتند: «او ابوذر است». برخاستم و نزد او رفتم و گفتم: «این سخن چه بود که اندکی قبل گفتی؟» پاسخ داد: «چیزی نگفتم جز آن چه را از پیامبر این مردم شنیده ام». گفتم: «در باره سهم فرد از بیت المال نظرت چیست؟» گفت: «آن را بپذیر؛ که امروز مدد رسان تو است؛ اما اگر به بهای دین فروشی بود، آن را رها کن».

صحیح مسلم از احنف بن قیس: همراه گروهی از قریش نشسته بودم که مردی با موی و جامه و ظاهر زمخت آمد و نزد آن گروه ایستاد و سلام داد و گفت: «زراندوزان را به سنگ داغ زنی مژده ده که بر آتش جهنم گذاخته گردد و بر نوک سینه هر یک از آنان نهاده شود و از بالای شان بیرون آید؛ و دیگر بار بر بالای شان اش گذاشته شود و از نوک سینه اش خارج گردد؛ در حالی که وی [از درد، بر خویش] می لرزد». سپس روی گرداند و رفت و کنار دکلی چوبی نشست. من که او را نمی شناختم، به دنبالش روان شدم و کنارش نشستم و گفتم: «این مردم از سخت ناخشنود گشتند!» گفت: «آنان چیزی نمی فهمند. دوست محبوبم پرسیدم: دوست محبوبت کیست؟ گفت: پیامبر فرمود: ای ابوذر! آیا اُحد را می بینی؟ من به گمان این که پیامبر مرا به دنبال کاری خواهد فرستاد، به خورشید نگریستم تا ببینم چه مقدار از روز باقی مانده است. گفتم: آری. فرمود: من دوست نمی دارم که همانند اُحد مرا زر باشد و همه را انفاق کنم و آن گاه سه دینار برایم بماند. این مردم نمی فهمند و تنها مال دنیا را گرد می آورند. من نیز به خدا سوگند، دیگر نه دنیاشان را می پرسم و نه دینشان را؛ تا آن گاه که خدا را دیدار کنم».

صحيح البخارى عن زيد بن وهب: مَرَرْتُ بِالرَّبَذَةِ فَإِذَا أَنَا بِأَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ، فَقُلْتُ لَهُ : مَا أَنْزَلَكَ مَنَزِلَكَ هَذَا ؟ قَالَ : كُنْتُ بِالشَّامِ فَاخْتَلَفْتُ أَنَا وَمُعَاوِيَةُ فِي : «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» ؛ قَالَ مُعَاوِيَةُ : نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْكِتَابِ ، فَقُلْتُ : نَزَلَتْ فِيْنَا وَفِيهِمْ ، فَكَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ فِي ذَاكَ كَلَامٌ ، وَكَتَبَ إِلَى عُثْمَانَ يَشْكُونِي ، فَكَتَبَ إِلَيَّ عُثْمَانُ : أَنْ أَقْدِمَ الْمَدِينَةَ ، فَقَدِمْتُهَا ، فَكَثُرَ عَلَيَّ النَّاسُ حَتَّى كَانَتْهُمْ لَمْ يَرُونِي قَبْلَ ذَلِكَ ، فَذَكَرْتُ ذَاكَ لِعُثْمَانَ ، فَقَالَ لِي : إِنْ شِئْتَ تَنَحَّيْتَ فَكُنْتُ قَرِيبًا . فَذَاكَ الَّذِي أَنْزَلَنِي هَذَا الْمَنْزِلَ . (١)

تفسير القمى: نَظَرَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ إِلَى كَعْبِ الْأَحْبَارِ ، فَقَالَ لَهُ : يَا أَبَا إِسْحَاقَ ، مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ أَدَّى زَكَاهَ مَالِهِ الْمَفْرُوضَةَ ؛ هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ فِي مَا بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ ؟ فَقَالَ : لَا ، وَلَوْ اتَّخَذَ لَبَنَهُ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَهُ مِنْ فِضَّةٍ مَا وَجَبَ عَلَيْهِ شَيْءٌ . فَرَفَعَ أَبُو ذَرٍّ عَصَاهُ فَضَرَبَ بِهَا رَأْسَ كَعْبٍ ، ثُمَّ قَالَ لَهُ : يَا بَنَ الْيَهُودِيَّةِ الْكَافِرَةِ ! مَا أَنْتَ وَالنُّظْرُ فِي أَحْكَامِ الْمُسْلِمِينَ ؟ ! قَوْلُ اللَّهِ أَصْدَقُ مِنْ قَوْلِكَ حَيْثُ قَالَ : «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٢) . (٣)»

مروج الذهب فى ما وَقَعَ بَيْنَ عُثْمَانَ وَأَبِي ذَرٍّ : وَمِنْ ذَلِكَ مَا فَعَلَ بِأَبِي ذَرٍّ ، وَهُوَ أَنَّهُ حَضَرَ مَجْلِسَهُ ذَاتَ يَوْمٍ ، فَقَالَ عُثْمَانُ : أَرَأَيْتُمْ مَنْ زَكَّى مَالَهُ هَلْ فِيهِ حَقٌّ لِغَيْرِهِ ؟ فَقَالَ كَعْبٌ : لَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ . فَدَفَعَ أَبُو ذَرٍّ فِي صَدْرِ كَعْبٍ وَقَالَ لَهُ : كَذَبْتَ يَا بَنَ الْيَهُودِيَّةِ ! ثُمَّ تَلَا : «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ ءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوَى الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ ءَاتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْيَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (٤)» . (٥)

١- صحيح البخارى : ١٣٤١/٥٠٩، الطبقات الكبرى : ٤/٢٢٦ وراجع الدر المنثور : ٤/١٨٠ .

٢- التوبة : ٣٤ .

٣- تفسير القمى : ١ / ٥٢ ، بحار الأنوار : ٢٢ / ٤٢٦ / ٣٦ .

٤- البقرة : ١٧٧ .

٥- مروج الذهب : ٢ / ٣٤٨ ، بحار الأنوار : ٩٦ / ٩٣ / ٢ نقلاً عن تقريب المعارف نحوه .

صحیح البخاری از زید بن وهب: از ربنده عبور می کردم که نزد ابوذر رفتم . به او گفتم: «چه سبب شد که به این جا در آیی؟» گفت: «در شام بودم که با معاویه بر سر این آیه اختلاف افتاد: «کسانی که زر و سیم اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نکنند . . .» . معاویه گفت: این آیه درباره اهل کتاب نازل شده است . من گفتم: هم درباره ما است و هم اهل کتاب . در این باب ، میان من و او بحث در گرفت . سپس وی به عثمان نامه نوشت و از من گله کرد . عثمان به من نوشت تا به مدینه روم . من رفتم . مردم چندان پیرامون من گرد آمدند که گویی پیش از آن ، مرا ندیده بودند . این را به عثمان یادآوری کردم . گفت: اگر خواهی به گوشه ای روی ، جایی نزدیک باش . و همین مرا به این منزل آورد!

تفسیر قمی: عثمان بن عفان به کعب الاحبار نگریست و به وی گفت: «ای ابواسحاق! نظرت چیست درباره کسی که زکات واجب مالش را پرداخته ؛ آیا باز هم وظیفه ای دارد؟» گفت: «نه! حتی اگر خشتی از طلا و خشتی دیگر از نقره داشته باشد ، چیزی بر وی واجب نیست» . ابوذر عصای خود را برافراشت و بر سر کعب زد و به وی گفت: «ای زاده یهودی کافر! تو را چه رسد که درباره احکام مسلمانان نظر دهی؟ سخن خدای راست تر از سخن تو است که فرمود: «آنان که زر و سیم اندوزند و در راه خدا انفاق نکنند ، به عذابی دردناک مژده شان ده!» .» .

مروج الذهب در باب آن چه میان عثمان و ابوذر گذشت : و از آن جمله ، کاری بود که با ابوذر شد ؛ از این قرار که روزی وی در مجلس عثمان حاضر بود . عثمان [به حاضران] گفت: «به رأی شما ، اگر کسی زکات مالش را داده باشد ، آیا باز حقی بر گردن او است؟» کعب گفت: «نه! ای امیرالمؤمنین» . ابوذر به سینه او کوبید و گفت: «دروغ می گویی ای یهودی زاده!» سپس این آیه را تلاوت کرد: «نیکی آن نیست که روی های خود را به سوی شرق و غرب بگردانید ؛ . . .» .

مسند ابن حنبل عن مالك بن عبد الله الزياتي: إِنَّهُ [أى أبا ذرٍّ] جَاءَ يَسْتَأْذِنُ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ ، فَأَذِنَ لَهُ وَيَبِيْدُهُ عَصَاهُ ، فَقَالَ عُثْمَانُ : يَا كَعْبُ ، إِنَّ عَبْدَ الرَّحْمَانِ تُوفِّيَ وَتَرَكَ مَالاً ، فَمَا تَرَى فِيهِ ؟ فَقَالَ : إِنْ كَانَ يَصِلُ فِيهِ حَقُّ اللَّهِ فَلَا بَأْسَ عَلَيْهِ . فَرَفَعَ أَبُو ذَرٍّ عَصَاهُ فَضْرَبَ كَعْبًا وَقَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : « مَا أَحْبُّ لَوْ أَنَّ لِي هَذَا الْجَبَلَ ذَهَبًا أَنْفَقُهُ وَيَتَقَبَّلُ مِنِّي أَدْرُ خَلْفِي مِنْهُ سِتُّ أَوْاقٍ » ، أَنْشُدُكَ اللَّهُ يَا عُثْمَانُ ، أَسَمِعْتَهُ ؟ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ : نَعَمْ . (١)

حليه الأولياء عن عبد الله بن الصامت ابن أخي أبي ذرٍّ : كَانُوا يَقْتَسِمُونَ مَالَ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ عَوْفٍ ، وَكَانَ عِنْدَهُ كَعْبٌ ، فَقَالَ عُثْمَانُ لِكَعْبٍ : مَا تَقُولُ فِي مَنْ جَمَعَ هَذَا الْمَالَ فَكَانَ يَتَصَدَّقُ مِنْهُ ، وَيُعْطَى فِي السُّبُلِ ، وَيَفْعَلُ وَيَفْعَلُ ؟ قَالَ : إِنِّي لَأَرْجُو لَهُ خَيْرًا . فَغَضِبَ أَبُو ذَرٍّ وَرَفَعَ الْعَصَا عَلَى كَعْبٍ وَقَالَ : وَمَا يُدْرِيكَ يَا بَنَ الْيَهُودِيِّه ! لِيُؤَدََّنَّ صَاحِبُ هَذَا الْمَالِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَوْ كَانَتْ عَقَارِبُ تَلْسَعُ السُّوَيْدَاءَ مِنْ قَلْبِهِ !؟ (٢)

راجع : ص ٥٠٣ (التحذير من التكاثر) . ص ٥٣٨ (ذم إيثار المال) . ص ٥٣١ (الخصائص السليبي للشره) .

١- .مسند ابن حنبل : ١ / ١٣٩ / ٤٥٣ ، مجمع الزوائد : ١٠ / ٤١٥ / ١٧٧٥٨ .

٢- .حليه الأولياء : ١ / ١٦٠ وراجع كنز العمال : ٦ / ٥٧٠ / ١٦٩٧٢ .

مسند ابن حنبل از مالک بن عبدالله زیادی: ابوذر از عثمان بن عفان اجازه ورود خواست. عثمان به او که عصایش را در دست داشت، اجازه ورود داد. عثمان گفت: «ای کعب! عبدالرحمان [بن عوف] در گذشته و مالی بر جا نهاده است. رأی تو درباره آن چیست؟» کعب گفت: «اگر حق خدا را در آن ادا می کرده، آن را باکی نیست». ابوذر عصایش را برافراشت و کعب را بزد و گفت: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: دوست نمی دارم که به قدر این کوه [أحد]، طلا داشته باشم و همه را انفاق کنم و خدای از من بپذیرد، ولی پس از خود شش اوقیه [= ۱۶۸ گرم] بر جای گذارم. ای عثمان! به خدا سوگندت می دهم؛ آیا این را شنیدی؟» و این را سه بار گفت. عثمان گفت: «آری».

حلیه الأولیاء از عبدالله بن صامت پسر برادر ابوذر: مشغول تقسیم میراث عبدالرحمان بن عوف بودند و کعب نیز حضور داشت. عثمان به کعب گفت: «رأی تو چیست درباره کسی که چنین مالی را گرد آورده و از آن صدقه داده و در کارهای خیر چنین و چنان صرف کرده باشد؟» گفت: «من برای او امید خیر دارم». ابوذر خشمگین گشت و بر کعب عصا برکشید و گفت: «تو چه می دانی ای یهودی زاده! هر آینه صاحب این مال در روز قیامت، آرزو می کند عقرب ها بیخ و بُن دلش را نیش زنند!»

ر. ک: ص ۸۶۳ (پرهیز دادن از فخرفروشی با ثروت). ص ۹۲۳ (نکوهش ترجیح دادن مال). ص ۹۰۹ (ویژگی های منفی ثروت).

١ / ٣ شروط صدق الكثر ١ / ٣ عدم كون المال نفقهر رسول الله صلى الله عليه وآله في الإبل صدقتها ، وفي الغنم صدقتها ، وفي البقر صدقتها ، وفي البر صدقته . ومن رفع دنانير أو دراهم أو تبرا وفضة لا يعدها لغريم ولا ينفقها في سبيل الله ، فهو كثر يكوى به يوم القيامة . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : الدينار كثر ، والدرهم كثر ، والقيراط كثر . (٢)

راجع : ص ٨٧٤ (التحذير من الكثر) .

١ / ٣ عدم أداء زكاة المال رسول الله صلى الله عليه وآله : أيما مال أدت زكاته فليس بكثر . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : ما أدى زكاته فليس كثر . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : كل ما أدى زكاته فليس بكثر وإن كان مدفونا تحت الأرض ، وكل ما لا يؤدي زكاته فهو كثر وإن كان ظاهرا . (٥)

-
- ١- المستدرک علی الصحیحین: ١/٥٤٥/١٤٣١ ، السنن الكبرى : ٤ / ٢٤٧ / ٧٥٩٩ ، سنن الدارقطني : ٢ / ١٠١ / ٢٧ كلاهما نحوه وكلها عن أبي ذر ، كنز العمال : ١٥٨١٤ / ٣٠٧ / ٦ وص ٣٢١ / ١٥٨٤٠ .
 - ٢- الدر المنثور : ٤ / ١٨١ نقلاً عن ابن مردويه عن أبي هريره .
 - ٣- تاريخ بغداد : ٨ / ١٢ / ٤٠٤٨ عن جابر .
 - ٤- علل الحديث : ١ / ٢٢٣ / ٦٤٧ عن جابر .
 - ٥- السنن الكبرى : ٤ / ١٤٠ / ٧٢٣٣ وقال المؤلف : «ليس هذا بمحفوظ ، وإنما المشهور عن سفيان عن عبيد الله عن نافع عن ابن عمر موقوفا» ، المعجم الأوسط : ٨ / ١٦٣ / ٨٢٧٩ نحوه وكلاهما عن ابن عمر ، كنز العمال : ٦ / ٢٩٤ / ١٥٧٦٤ .

۱ / ۳ شروط تحقق زراندوزی

۱ / ۳ هزینه نشدن مال

۱ / ۳ پرداخت نکردن زکات مال

۱ / ۳ شروط تحقق زراندوزی ۱ / ۳ هزینه نشدن مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شتر و گوسفند و گاو و گندم، زکات دارند. هر که دینار یا درهم یا شمش و نقره بیندوزد و آن را برای پرداخت بدهی کنار نگذاشته باشد و در راه خدا نیز انفاق نکند، زر اندوخته به شمار آید و روز قیامت، با همان بر وی داغ نهاده شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [گرد آوردن] دینار و درهم و قیراط [= یک ششم درهم] زراندوزی به شمار آید.

ر. ک: ص ۸۷۵ (پرهیز دادن از فخرفروشی با ثروت).

۱ / ۳ پرداخت نکردن زکات مالپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر مالی که زکات آن پرداخت شده باشد، زراندوخته محسوب نگردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چه زکاتش ادا شود، زراندوخته نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چه زکاتش ادا گردد، زراندوخته به شمار نیاید، هر چند زیر زمین پنهان باشد؛ و هر چه زکاتش ادا نگردد، زراندوخته است، هر چند آشکار باشد.

الإمام علي عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: [كُلُّ] (١) مَالٍ تُؤَدَّى زَكَاتُهُ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ وَإِنْ كَانَ تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ ، وَكُلُّ مَالٍ لا تُؤَدَّى زَكَاتُهُ فَهُوَ كَنْزٌ وَإِنْ كَانَ فَوْقَ الْأَرْضِ . (٢)

سنن أبي داود عن ابن عباس: لَمَّا نَزَلَتْ «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ» كَبَّرَ ذَلِكُمْ عَلَى الْمُسْلِمِينَ ، فَقَالَ عُمَرُ: أَنَا أَفْرَجُ عَنْكُمْ ، فَمَا نَطَلَقَ فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، إِنَّهُ كَبَّرَ عَلَى أَصْحَابِكَ هَذِهِ آيَةُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَفْرِضِ الزَّكَاةَ إِلَّا لِيُطِيبَ مَا بَقِيَ مِنْ أَمْوَالِكُمْ ؛ وَإِنَّمَا فَرَضَ الْمَوَارِيثَ لِتَكُونَ لِمَنْ بَعْدَكُمْ . فَكَبَّرَ عُمَرُ . ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِخَيْرٍ مَا يَكْنِزُ الْمَرْءُ؟ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ ؛ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَّتَهُ ، وَإِذَا أَمَرَهَا أَطَاعَتْهُ ، وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ . (٣)

المستدرک علی الصحیحین عن عطاء: إِنَّهَا [أَيُّ أُمَّ سَلَمَةَ] كَانَتْ تَلْبَسُ أَوْضَاحًا مِنْ ذَهَبٍ ، فَسَأَلَتْ عَنْ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ: أَكَنْزٌ هُوَ؟ فَقَالَ: إِذَا أُدِّيتِ زَكَاتُهُ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ . (٤)

سنن أبي داود عن أم سلمة: كُنْتُ أَلْبَسُ أَوْضَاحًا مِنْ ذَهَبٍ ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَكَنْزٌ هُوَ؟ فَقَالَ: مَا بَلَغَ أَنْ تُؤَدَّى زَكَاتُهُ فَزَكَاةٌ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ . (٥)

١- ما بين المعقوفين سقط من الطبعة المعتمدة ، وأثبتناه من بحار الأنوار .

٢- الأملی للطوسی : ٥١٩ / ١١٤٢ عن المجاشعی عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٣٩ / ٨ .

٣- سنن أبي داود : ٢ / ١٢٦ / ١٦٦٤ ، المستدرک علی الصحیحین : ١ / ٥٦٧ / ١٤٨٧ ، السنن الكبرى : ٤ / ١٤٠ / ٧٢٣٥ ، مسند أبي يعلى : ٣ / ٦٤ / ٢٤٩٤ كلها نحوه .

٤- المستدرک علی الصحیحین : ١ / ٥٤٧ / ١٤٣٨ ، السنن الكبرى : ٤ / ١٤٠ / ٧٢٣٤ ، المعجم الكبير : ٢٣ / ٢٨٢ / ٦١٣ .

٥- سنن أبي داود : ٢ / ٩٥ / ١٥٦٤ .

امام علی علیه السلام: این آیه نازل شد: «و آنان که زر و سیم می اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی دردناک مژده شان بخش!» رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آن، فرمود: «هر مالی که زکات آن ادا شده باشد، زرانندوخته به شمار نیاید، هر چند زیر هفت زمین باشد؛ و هر مالی که زکات آن ادا نگردد، زرانندوخته است، هر چند روزی زمین باشد».

سنن ابی داود از ابن عباس: چون آیه «و آنان که زر و سیم بیندوزند...» نازل گشت، بر مسلمانان گران آمد. عمر گفت: «من برایتان گشایشی می یابم». پس روان شد و گفت: «ای پیامبر خدا! این آیه بر یارانت گران آمده است». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا خداوند زکات را واجب نفرموده جز برای آن که باقیمانده اموال شما را پاک گرداند؛ و هر آینه ارث را واجب فرموده تا برای بازماندگانتان باشد». عمر زبان به تکبیر گشود. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا خبرت دهم از بهترین اندوخته مرد؟ آن، زنی است شایسته که هر گاه به وی بنگرد، خرسند شود و چون فرمانش دهد، فرمان پذیرد و هر زمان غایب گردد، حافظ [خانواده و اموال] او باشد».

المستدرک علی الصحیحین از عطاء: ام سلمه خلیجالی از طلا را زیور خود می کرد. درباره آن از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید و گفت: «آیا این زرانندوخته محسوب می شود؟» فرمود: «اگر زکات آن را داده باشی، زرانندوخته به شمار نیاید».

سنن ابی داود از ام سلمه: خلیجالی از طلا را زینت خود می کردم. گفتم: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا این زرانندوخته به شمار آید؟» فرمود: «هر چه به نصاب زکات رسیده و زکاتش پرداخت شده باشد، زرانندوخته به شمار نیاید».

الإمام الباقر عليه السلام عندما سُئِلَ عَنِ الدَّنَانِيرِ وَالدَّرَاهِمِ وَمَا عَلَى النَّاسِ فِيهَا ؟ : هِيَ خَوَاتِيمُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، جَعَلَهَا اللَّهُ مَصْلَحَةً لِيَخْلُقَ ، وَبِهَا تَسْتَقِيمُ شُؤُنُهُمْ وَمَطَالِبُهُمْ ؛ فَمَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَقَامَ بِحَقِّ اللَّهِ تَعَالَى فِيهَا وَأَدَّى زَكَاتَهَا ، فَذَاكَ الَّذِي طَابَتْ وَخَلَّصَتْ لَهُ ؛ وَمَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَبَخِلَ بِهَا وَلَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ فِيهَا وَاتَّخَذَ مِنْهَا الْآيَةَ ، فَذَلِكَ الَّذِي حَقَّ عَلَيْهِ وَعَيْدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ ؛ قَالَ اللَّهُ : «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (١) . (٢)

١ / ٣٣ / النّوادر رسول الله صلى الله عليه وآله : نِعَمَ الْمَالِ الْأَرْبَعُونَ ، وَالْكَنْزُ سِتُّونَ ، وَوَيْلٌ لِأَصْحَابِ الْمِثْنِ ! إِلَّا مَنْ أُعْطِيَ فِي رِسْلِهَا وَنَجَدَتْهَا ، وَأَفْقَرَ ظَهَرَهَا ، وَأَطْرَقَ فَحْلَهَا ، وَمَنَحَ غَزِيرَتَهَا ، وَنَحَرَ سَيْمِنتَهَا ، وَأَطْعَمَ الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ . إِنَّمَا لَكَ مِنْ مَالِكَ مَا أَكَلْتَ فَأَقْنَيْتَ ، أَوْ لَبَسْتَ فَأَبْلَيْتَ ، أَوْ أُعْطِيتَ فَأَمْضَيْتَ ، وَمَا بَقِيَ فَلِمَوَالِيكَ . (٣)

الإمام عليّ عليه السلام : كُلُّ مَا زَادَ عَلَى أَرْبَعَةِ آلَافٍ فَهُوَ كَنْزٌ ؛ أَدَّيْتَ زَكَاتَهُ أَوْ لَمْ تُؤَدِّ ، وَمَا دُونَهَا فَهُوَ نَفَقَةٌ . (٤)

١- .التوبه : ٣٥ .

٢- .الأمالى للطوسى : ١١٤٤ / ٥٢٠ عن المجاشعى عن الإمام الرضا عن أبيه عن الإمام الصادق عليهم السلام ، بحار الأنوار : ٦٦ / ٥٢٨ . ٦ .

٣- .كنز العمال : ٦ / ٢٩٧ / ١٥٧٨٣ نقلًا عن الحاكم فى الكنى عن قيس بن عاصم السعدى .

٤- .تفسير التبيان : ٥ / ٢٤٧ ، تفسير مجمع البيان : ٥ / ٤٠ ؛ الدر المنثور : ٤ / ١٧٩ ، كنز العمال : ٢ / ٤٢٥ / ٤٤١٠ كلاهما نقلًا عن ابن أبى حاتم وأبى الشيخ نحوه .

۱ / ۳۳ گوناگون

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال درباره دینار و درهم و وظیفه مردم درباره آن ها : آن ها مَهرهای خداوند در زمین هستند که خدا برای مصلحت آفریدگانش قرار داده است و کارها و خواسته های ایشان با آنها سامان پذیرد . پس هر که از آن فراوان داشته باشد و حق خدا را ادا و زکاتش را پرداخت نماید ، آن مال برایش پاک و خالص گردد ؛ و هر که از آن بسیار داشته باشد و بدان بخل ورزد و حق خدا در آن را ادا نکند و از آن ، ظرف سازد ، هشدار خداوند در کتابش درباره وی تحقق پذیرد که فرموده است: «روزی که آن [زر و سیم] را در آتش دوزخ بتابند و با آن ، پیشانی ها و پهلوها و پشت های آنان را داغ نهند : این است آن چه برای خویشان می اندوختید ؛ پس کیفر آن چه را می اندوختید ، بچشید .»

۱ / ۳۳ گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مال مطلوب چهل [دینار] است و چون به شصت رسد ، زران دوخته به شمار آید و وای بر صاحبان [صد و] صدها دینار! مگر آن کس که خواه در تنگنا و خواه در گشایش ، حق خدا را ادا کند و حیوانش را عاریه دهد... و بخش پُر منفعتش را ببخشد و فربهش را ذبح نماید و نیازمند قانع و بینوای خواهنده را طعام دهد . همانا از مالت آن چیزی نصیب تو است که بخوری و فنا کنی یا بپوشی و پاره کنی یا ببخشی و درگذری ؛ و آن چه باقی ماند ، از آن همراهان تو است .

امام علی علیه السلام : هر چه از چهار هزار [درهم] افزون شود ، زران دوخته به شمار آید ، خواه زکاتش داده شده و خواه داده نشده باشد ؛ و کم تر از آن در زمره هزینه محسوب گردد .

الإمام الباقر عليه السلام في قول الله: «الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ»: إِنَّمَا عَنَى بِذَلِكَ مَا جَاوَزَ أَلْفِي دِرْهَمٍ. (١)

عنه عليه السلام: إِنَّا لَنُحِبُّ الدُّنْيَا وَلَا نُؤْتَاهَا، وَهُوَ خَيْرٌ لَنَا. وَمَا أُوتِيَ عَبْدٌ مِنْهَا شَيْئًا إِلَّا كَانَ أَنْقَصَ لِحِظِهِ فِي الْآخِرَةِ. وَلَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ لَهُ مِائَةٌ أَلْفٍ وَلَا خَمْسُونَ أَلْفًا وَلَا أَرْبَعُونَ أَلْفًا، وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أَقُولَ ثَلَاثُونَ أَلْفًا لَقُلْتُ. وَمَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ أَلْفٍ مِنْ جِلِّهَا. (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: نُحِبُّ الْمَالَ وَلَا نُؤْتِي إِلَّا خَيْرًا. وَمَا أُوتِيَ عَبْدٌ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا كَانَ [أ] أَنْقَصَ لِحِظِهِ فِي الْآخِرَةِ. وَمَا مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ لَهُ مِائَةٌ أَلْفٍ دِرْهَمٍ. (٣)

عنه عليه السلام: الْمَالُ أَرْبَعَةُ أَلْفٍ. وَاثْنَا عَشَرَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ كَثْرٌ. وَلَمْ يَجْتَمِعْ عِشْرُونَ أَلْفًا مِنْ حَلَالٍ. وَصَاحِبُ الثَّلَاثِينَ أَلْفًا هَالِكٌ. وَلَيْسَ مِنْ شَيْعَتِنَا مَنْ يَمْلِكُ مِائَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ. (٤)

عنه عليه السلام: مَا أَعْطَى اللَّهُ عَبْدًا ثَلَاثِينَ أَلْفًا وَهُوَ يُرِيدُ بِهِ خَيْرًا. وَمَا جَمَعَ رَجُلٌ قَطُّ عَشْرَةَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ مِنْ حِلٍّ، وَقَدْ يَجْمَعُهَا لِأَقْوَامٍ. إِذَا أُعْطِيَ الْقَوْتُ وَرُزِقَ الْعَمَلُ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ. (٥)

١- تفسير العياشي: ٢/٨٧/٥٣ عن سعدان، مشكاة الأنوار: ٤٧٦/١٥٩٣، بحار الأنوار: ٧٣/١٤٢/٢٢.

٢- مستطرفات السرائر: ٩ / ٤١ عن عطية أخى أبي الغرام (الغرام)، بحار الأنوار: ٧٢ / ٦٦ / ٢١.

٣- مشكاة الأنوار: ٤٧٥ / ١٥٩٠.

٤- تحف العقول: ٣٧٧، التمهيد: ٨٨ / ٥٠ عن المفضل، بحار الأنوار: ٧٢ / ٦٧ / ٢٤.

٥- تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٨ / ٩٠٧ عن إبراهيم بن محمد، التمهيد: ٨٧ / ٥٠ عن إبراهيم بن عمر، مشكاة الأنوار: ٤٧٤ /

١٥٨٤ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ٧٢ / ٦٦ / ٢٣.

امام باقر علیه السلام درباره این سخن خدای: «آنان که زر و سیم بیندوزند . . .»: جز این نیست که مراد از آن ، بیش تر از دو هزار درهم است .

امام باقر علیه السلام: همانا ما دنیا را دوست می داریم ، اما دنیا به ما داده نمی شود ؛ و این برای ما خیر است . و هیچ بنده ای نیست که چیزی از دنیا به وی داده شود ، مگر آن که از بهره آخرتش کم نهاده شود . و از شیعیان ما نیست آن کس که صد هزار یا پنجاه هزار یا چهل هزار و یا حتی توانم گفت : سی هزار [درهم] داشته باشد . و هرگز کسی نتواند ده هزار درهم حلال گرد آورد .

امام صادق علیه السلام: مال را دوست می داریم ؛ اما جز خیر به ما داده نمی شود . و هیچ بنده ای نیست که چیزی از این دنیا به وی داده شود ، مگر آن که از بهره آخرتش کم نهاده شود . و از شیعیان ما نیست آن کس که صد هزار درهم داشته باشد .

امام صادق علیه السلام: چهار هزار [درهم] ، مال محسوب گردد ؛ و دوازده هزار درهم ، زرانندوخته به شمار آید . و بیست هزار [درهم] از راه حلال به دست نیاید . و صاحب سی هزار [درهم] نابود گردد . و از شیعیان ما نیست آن کس که صد هزار درهم داشته باشد .

امام صادق علیه السلام: خدا به بنده ای که برایش خیر بخواهد ، سی هزار [درهم] ندهد . و انسان نتواند ده هزار درهم از راه حلال به کف آورد . و گاه خدا برای برخی از اقوام چنین کند . هر گاه کسی معاشش تأمین گردد و عمل شایسته نصیبش گردد ، خداوند برایش دنیا و آخرت را گرد آورده است .

عنه عليه السلام: لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ مَلَكَ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ ، إِلَّا مَنْ أَعْطَى يَمِينًا وَشِمَالًا وَقُدَّامًا وَخَلْفًا . (١)

عنه عليه السلام: مَا أَعْطَى اللَّهُ مُؤْمِنًا أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ أَلْفًا لِحَيْرٍ يُرِيدُ . (٢)

١- مشكاة الأنوار : ٤٧٦ / ١٥٩٢ .

٢- مشكاة الأنوار : ٤٧٦ / ١٥٩١ .

امام صادق علیه السلام: از شیعیان ما نیست کسی که ده هزار درهم داشته باشد، مگر آن که از راست و چپ و پشت و پیش [به همگان] احسان کند.

امام صادق علیه السلام: خداوند هر گاه خیری برای مؤمنی خواهد، بیش از چهل هزار [درهم] به وی ندهد.

معنای زراندوزی در قرآن و حدیث

معنای زراندوزی در قرآن و حدیث حرام شمردن زراندوزی، از بارزترین و سرنوشت سازترین احکام اسلام شمرده می شود. موضوع زراندوزی را باید از دیدگاه تاریخی، تربیتی، تفسیری، فقهی، و نیز اقتصادی بررسی کرد. البته تردید نیست که پرداختن به بررسی همه جانبه در این باب، نیازمند اثری جداگانه است. در این فرصت مختصر، بحث را بر مدار معنای زراندوزی در قرآن و حدیث متمرکز می کنیم و در مقدمه این سخن، به مفهوم لغوی و پیشینه تاریخی آن، اشاره می نماییم. زراندوزی در لغت در لغت، زراندوزی به این معانی آمده است: مال بر مال نهادن و آن را گردآوردن و پنهان کردن مال، به ویژه طلا- و نقره. البته واژه معادل آن در عربی (= کنز) به «وسیله حفظ مال» نیز اطلاق می شود. پیشینه تاریخی از لحاظ تاریخی، زراندوزی به روزگار تحول در عرصه فعالیت های اقتصادی باز می گردد؛ از این قرار که تولید خانواری از مرز نیازهای سالانه خانواده

گذشت و بدین ترتیب ، اقتصاد از حالت بدوی معیشتی به شکل مبادله ای درآمد . همراه با چنین تحول و تکاملی در عرصه اقتصاد ، پدیده زراندوزی چهره نمود . با ظهور عنصر مبادله ، هر خانواده توانست کالاهای بیش از نیاز خود را تولید و با دیگران تبادل نماید و گاه پس از این مبادله ، در مجموع تولید خانواده و درآمد آن ، با کسر هزینه مصرف ، افزایشی دیده می شد . برای پس انداز این مقدار اضافه تولید بر مصرف در خانواده ، تنها دو راه متصور بود : یک راه آن بود که این اضافه به شکل ثروت در تولید جدید به کار گرفته می شد . در این حال ، افزایش دائم ثروت صاحبان افزوده اقتصادی ، به اختلاف طبقاتی منجر می شد ؛ اما در عین حال ، فعالیت های اقتصادی را دامن می زد و به طور عام ، شکوفایی تولید را در پی داشت . اما راه دوم آن بود که افزوده ها به کالایی با حجم کم تر ، لیکن با ارزش بیش تر ، تبدیل گردند تا نگهداری و ذخیره سازی آن ها میسر باشد . مالی که بدین سان ، ذخیره گشت و از مدار حرکت اقتصادی و دسترس و استفاده مردم خارج شد ، زراندوخته نام گرفت . بدین ترتیب ، این عنوان بر مال متراکمی اطلاق شد که در چرخه تولید نقشی نداشته باشد و به بروز اختلاف طبقاتی در جامعه منجر گردد . زراندوزی از این جهت که موجب تراکم و ذخیره سازی اموال می شود ، همانند احتکار است ، اما از لحاظ مفهومی با آن تفاوت دارد: مراد از ذخیره سازی در احتکار ، فروش آن پس از گران شدن کالا است و از این رو ، خود کالا برای محتکر بسیار اهمیت دارد . اما در زراندوزی ، هدف از تراکم ثروت ، صرفاً افزایش مالی است و لذا خود کالا خصوصیتی ندارد و توجه عمده به عنصر مالیت متمرکز می شود . به همین دلیل ، طلا و نقره در این زمینه دارای جایگاهی

خاص هستند ، چرا که می توان هر زمان آن ها را مبادله کرد و نیز دارای حجم کم هستند . در نتیجه ، این دو ، عمده ترین مواد زراندوزی در گذشته به شمار می رفته اند . مشاهدات تاریخی نشان می دهد که زراندوزان در زمان های پیشین ، برای حفظ زراندوخته های خود ، آن ها را در زمین پنهان می کرده اند . آن چه اکنون بر ما آشکار می شود ، تنها بخشی از آن زراندوخته ها است . شاید به همین جهت بوده که برخی گمان کرده اند زراندوخته باید به شکل مدفون باشد ؛ اما با بررسی آن چه بدان اشاره شد ، درمی یابیم که چنین خصوصیتی لازم نیست . زراندوزی در قرآن در آیه مبارک: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ (۱)» «و آنان که زر و سیم را می اندوزند . . .» ، مال اندوخته شده به طور مطلق در نظر است و زر و سیم از لحاظ غلبه ذکر گشته است ؛ همچون این آیه : «وَرَبِّبْكُمْ الَّتِي فِي حُجُورِكُمْ . (۲)» «و دختران زانانتان که در کنار شما پرورش یافته اند» [مراد ، تنها دخترانی نیست که در خانه شوهر دوم پرورش یافته اند ، بلکه این دستور دختران پرورش نیافته در خانه وی را نیز شامل می شود و این قید

۱- التوبه: ۳۴.

۲- النساء: ۲۳.

به لحاظ آن است که غالباً آن دختران در خانه پدر خوانده خود پرورش می‌یابند]. عُلّت ذکر این دو در آیه مزبور، آن است که غالباً از زر و سیم برای مال اندوزی استفاده می‌شده است؛ و مشاهدات تاریخی این را تأیید می‌کند. جمله: «وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» «و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند». در ادامه همان آیه، و نیز جمله «این همان است که برای خود می‌اندوختید»، و همچنین حکمت نهفته در تحریم زراندوزی، همگی نشان می‌دهند که مراد از کتز در قرآن، هر مالِ اندوخته شده‌ای است. بر این اساس، بیش تر مفسران (۱) برآنند که ذکر طلا و نقره در آیه مزبور از باب غلبه است. زراندوزی در حدیث با بررسی روایات ذکر شده در این کتاب، می‌توان احادیث مربوط به تفسیر زراندوزی را در سه دسته جای داد: ۱. احادیث دال بر این که کتز یعنی مطلق مال اندوزی؛ و حتّی شامل اندوختن یک قیراط نیز می‌شود. ۲. احادیثی که به روشنی دلالت می‌کنند که زراندوخته شامل مالی است که زکات آن پرداخت نشده باشد و آن چه زکاتش داده شده باشد، کتز به شمار نیاید. ۳. روایاتی که مقدار معینی از مال را که ماورای آن، زراندوزی محسوب می‌شود، نشان داده‌اند. این روایات شامل سه دسته هستند:

۱- بنگرید به: انظر: التفسیر الکبیر: ج ۱۶، ص ۴۱؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۱، تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۳۹۵، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۷.

أ. احادیث تعیین کننده مقدارهای مختلف مانند ۶۰ شتر یا ۲۰۰۰ درهم یا ۱۲۰۰۰ درهم . ب. حدیثی که به موجب آن ، مال افزون بر ۴۰۰۰ درهم کنز است ، خواه زکات آن ادا شده و خواه نشده باشد . ج. احادیثی که بنا به آن ها ، مقدارهای گوناگونی برای مالی که انسان می تواند ذخیره کند ، نهاده شده است . برای تبیین این روایات ، باید نکاتی را ذکر کنیم: یک . بیش تر این روایات از نظر سند ضعیفند و از این رو ، نمی توان بدون تأیید مفاد آن ها با قرائن قطعی ، بدان ها استناد کرد . دو . هر گاه این روایات را در کنار احادیث ترسیم کننده حدود انفاق واجب و مستحب در اسلام قرار دهیم ، می توانیم معنای زراندوزی را که در آیه مورد بحث آمده ، دریابیم و این ، خود ، در پرهیز از این پدیده خطرناک اقتصادی اجتماعی نقشی بسزا دارد . برای توضیح این دیدگاه باید توجه کرد که قرآن کریم انفاق در راه خدا را مانع تراکم ثروت و مفسد ناشی از آن می داند و نیز باید عنایت داشت که بنا به ادله قطعی ، انفاق دارای دو قسم واجب و مستحب است . با نظر به این قرینه که در آیه مزبور ، سرباز زندگان از انفاق به عذاب بیم داده شده اند ، می توان گفت که مراد ، انفاق واجب است . از همین جا می توان دریافت که هر گاه مردم حقوق مالی خود را ادا کنند ، مشکلات اقتصادی جامعه حل می شود و پیامدهای خطرناک همچون تراکم ثروت از میان می رود و زمینه بروز اختلافات طبقاتی فاحش برجیده می شود و بدین سان ، همه مردم از سطح طبیعی زندگانی مرفه و

کریمانه برخوردار می گردند . برخی از احادیث رسیده در این باب ، به شماری از این دستاوردها اشاره دارند . (۱) سه . در پرتو دو نکته گذشته ، می توان احادیث مربوط به زراندوزی را بدین شکل تفسیر کرد: یکم . احادیثی که مال ذخیره شده را به طور مطلق ، زراندوخته می شمارند ، در حقیقت ناظر به حقوق مالی واجب هستند . بدین ترتیب ، سرباز زدن از ادای این حقوق ، حتی به اندازه یک قیراط ، زراندوزی محسوب می شود و فردی که این حقوق را ادا نکند ، مشمول آیه مزبور می گردد . دوم . احادیثی که زراندوزی را درباره اموالی که زکاتشان پرداخت نگردد ، صادق می دانند ، ناظر به حقوق مالی واجب هستند ؛ زیرا هر گاه این حقوق ادا گردند ، مشکلات اقتصادی جامعه حل خواهد شد . بنابراین ، ذخیره سازی ثروت برای کسی که حقوق مالی واجب را ادا کند ، جایز است ؛ البته مادام که به بنیان جامعه زیان نرساند و به اختلافات ژرف طبقاتی نینجامد . و این غیر از معنایی است که کعب الاحبار در پاسخ به عثمان در نظر داشت ؛ آن گاه که عثمان پرسید: «رای تو چیست درباره کسی که زکات واجب مالش را پرداخته ؛ آیا باز هم وظیفه ای بر عهده او است؟» و او پاسخ داد: «نه! حتی اگر خشتی از طلا- و خشتی از نقره داشته باشد ، چیزی بر او واجب نیست» . (۲) شک نیست که اسلام چنین ثروت اندوزی فاحش و مال انباشتگی عظیمی را جایز نمی داند ، به ویژه اگر از بیت المال گرد آمده باشد . (۳)

۱- .بنگرید به: ص ۱۳ (پیشدرآمد).

۲- .بنگرید به: ص ۸۷۵ (پرهیز دادن از زراندوزی).

۳- .بنگرید به: قسمت چهارم در صفحه بعد.

مراد عثمان این بود که زندگی فوق العاده اشرافی خود را با استناد به فتوای کعب الاحبار موجه جلوه دهد؛ همان گونه که می خواست بر دست اندازی های خویش به بیت المال به سود خویشاوندانش و بخشش های بی حساب و کتابش سرپوش نهد و خود را از سرزنش و انتقادهای اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، به ویژه ابوذر، برکنار دارد. تفصیل این بحث، محتاج فرصتی مستقل است. (۱) سوم. احادیث تعیین کننده مقدار معین برای زراندوزی، ناظر به اوضاع اقتصادی و اجتماعی گوناگون است، چرا که نیازهای مالی انسان به تناسب اوضاع گوناگون و حجم تورم، متفاوت است. بدین ترتیب، افزون بر آن نیازها، در قلمرو اندوخته هایی جای می گیرد که باید زکات آن را ادا کرد و حقوق مالی واجب آن را پرداخت. چهارم. برخی روایات، انسان را از ذخیره سازی بیش از مقداری معین منع می کنند، خواه زکات آن پرداخت گردد و خواه نگردد. نیز برخی احادیث حدی معین از ثروت را برای انسان مسلمان ذکر می کنند که شایسته است فرد از آن تخطی ننماید. این دو دسته از روایات، احتمالاً به دو حقیقت مهم اقتصادی در اسلام اشاره دارند: نکته یکم. ذخیره سازی ثروت حلال، تا زمانی مشروع است که به اقتصاد جامعه زیان نرساند. نکته دوم. این هشدار است برای ثروتمندان پایبند به اصول اسلامی که بدانند ثروت اندوزی حلال هم اگر از حد معینی، به فراخور اوضاع اقتصادی

۱- بنگرید به: دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۳، ص ۱۳۷: «انگیزه های شورش بر ضد عثمان».

گوناگون، فزاینده، ممکن است برای شخص ثروتمند خطر داشته باشد، حتی اگر برای اقتصاد جامعه زیانی نداشته باشد. این خطر که ثروتمند را تهدید می کند، آن است که وی به بیماری «اثراف [= خوشگذرانی و عیاشی]» دچار گردد و ثروتش او را به طغیان و فساد بکشاند.

١ / ٤ الخصائص السليبيه للثروه ١ / ٤ مادّة الشّهوات رسول الله صلى الله عليه و آله :تقىء الأرض أفلاذ كبدِها أمثال الأسطوانِ من الذّهبِ والفِضّه ، فيجىء القاتلُ فيقول : فى هذا قتلتُ ، ويجىء القاطعُ فيقول : فى هذا قَطَعْتُ رَحِمى ، ويجىء السّارقُ فيقول : فى هذا قَطَعْتُ يَدى . ثُمَّ يَدَعُونَهُ فَلَا يَأْخُذُونَ مِنْهُ شَيْئًا . (١)

الإمام على عليه السلام :المالُ مادّة الشّهواتِ . (٢)

عيسى عليه السلام :الدينارُ داءُ الدّينِ . (٣)

١ / ٢٤ مصيده إبليسِ رسول الله صلى الله عليه و آله :قال الشّيطانُ لَعَنَهُ اللهُ : لَنْ يَسْلَمَ مِنّى صاحِبُ المالِ من إحدى ثلاثٍ ، أَعَدُو عَلَيْهِ بِهِنَّ وَأَرْوَحُ بِهِنَّ : أَخَذَهُ الْمَالَ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ ، وَإِنْفَاقَهُ فى غَيْرِ حَقِّهِ ، وَأَحْبَبَهُ إِلَيْهِ فَيَمْنَعُهُ مِنْ حَقِّهِ . (٤)

١- . صحيح مسلم: ٢/٧٠١/٦٢ ، سنن الترمذى: ٤ / ٤٩٣ / ٢٢٠٨ ، مسند أبى يعلى : ٥/٤٣٢/٦١٤٣ كلّها عن أبى هريره نحوه ؛

الأمالى للسيد المرتضى : ١/٦٥ عن أبى هريره نحوه ، بحار الأنوار : ٦/٣١٠ .

٢- . نهج البلاغه : الحكمه ٥٨ ، غرر الحكم : ٥٧٥ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٤ / ٧٢ ؛ مطالب السؤل : ٥٧ .

٣- . الخصال : ١١٣ / ٩١ عن الأصبغ بن نباته عن الإمام على عليه السلام ، روضه الواعظين : ٤٦٨ ، بحار الأنوار : ١٤ / ٣١٩ / ٢٢

٤- . المعجم الكبير : ١ / ١٣٦ / ٢٨٨ عن عبد الرحمان ، كنز العمال : ٣ / ٢٣٥ / ٦٣١٨ .

۱ / ۴ ویژگی های منفی ثروت

۱ / ۴ مایه شهوت ها

۱ / ۲۴ دام ابلیس

۱ / ۴ ویژگی های منفی ثروت ۱ / ۴ مایه شهوت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمین پاره های جگرش را همچون ستون طلا و نقره قیء می کند. قاتل آید و گوید: «برای این، مرتکب قتل شدم». پیوند بریده از خویشان آید و گوید: «برای این، از خویشان پیوند بریدم». دزد آید و گوید: «برای این، دستم بریده شد». سپس آن را فرا می خوانند و از آن، هیچ چیز بر نمی گیرند.

امام علی علیه السلام: مال، مایه شهوت ها است.

عیسی علیه السلام: دینار، آفت دین است.

۱ / ۲۴ دام ابلیس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان خدای لعنتش کناد گفت: «دارنده مال در یکی از این سه، از چنگ من رهایی نیابد و بامدادان و شامگاهان از آن ها بر او درآیم: کسب مال از راه غیر حلال؛ صرف کردن مال در مورد ناروا؛ و نیز این که مال را چندان برایش دوست داشتنی می کنم که حق آن را ادا ننماید».

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الشَّيْطَانَ قَالَ: لَنْ يَنْجُوَ مِنِّي الْغَنِيُّ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَزِيئُهُ فِي عَيْنَيْهِ فَيَمْنَعُهُ عَن حَقِّهِ، وَإِمَّا أَنْ أَسْهَلَ لَهُ سَبِيلَهُ فَيَنْفِقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، وَإِمَّا أَنْ أَحْبَبَهُ إِلَيْهِ فَيَكْسِبُهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: يَقُولُ إبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ: مَا أَعْيَانِي فِي ابْنِ آدَمَ فَلَنْ يُعِينَنِي مِنْهُ وَاحِدَةٌ مِنْ ثَلَاثٍ: أَخَذَ مَالٍ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، أَوْ مَنَعَهُ مِنْ حَقِّهِ، أَوْ وَضَعَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ. (٢)

عنه عليه السلام: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا أَعْيَاهُ جَثَمَ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ فَأَخَذَ بِرَقَبَتِهِ. (٣)

الأمامي للصدوق عن ابن عباس: إِنَّ أَوَّلَ دِرْهَمٍ وَدِينَارٍ ضُرِبَا فِي الْأَرْضِ نَظَرَ إِلَيْهِمَا إبْلِيسُ، فَلَمَّا عَايَنَهُمَا أَخَذَهُمَا فَوَضَعَ مَعَهُمَا عَلَى عَيْنَيْهِ، ثُمَّ ضَمَّهُمَا إِلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ صَرَخَ صَرَخَةً، ثُمَّ ضَمَّهُمَا إِلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَنْتُمَا قَرَّةُ عَيْنِي وَثَمَرَةُ فُوَادِي، مَا أَبَالِي مِنْ بَنِي آدَمَ إِذَا أَحَبُّوكُمَا أَنْ لَا يَعْبُدُوا وَتَنَا، وَحَسْبِي مِنْ بَنِي آدَمَ أَنْ يُحِبُّوكُمَا. (٤)

الإمام الباقر عليه السلام في قَوْلِهِ تَعَالَى: «ثُمَّ لَأَيِّنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ (٥)»: مَعْنَاهُ: أَهْوُونَ عَلَيْهِمْ أَمْرَ الْآخِرَةِ، «وَمِنْ خَلْفِهِمْ»: أَمْرُهُمْ بِجَمْعِ الْأَمْوَالِ، وَالْبُخْلِ بِهَا عَنِ الْحُقُوقِ؛ لِتَبْقَى لَوَرَثَتِهِمْ. (٦)

١- الزهد لابن المبارك: ١٩٣ / ٥٤٧ عن أبي سلمة بن عبد الرحمان بن عوف، كنز العمال: ٦ / ٤٩٠ / ١٦٦٧٧.

٢- الخصال: ١٣٢ / ١٤١ عن عبد الرحمان بن محمد العززمي، مشكاة الأنوار: ٢٦٠ / ٧٦٦، بحار الأنوار: ٧٥ / ١٧٠ / ٦.

٣-.. الكافي: ٢ / ٣١٥ / ٤ عن غياث بن إبراهيم، تنبيه الخواطر: ٢ / ٢٠٦، بحار الأنوار: ٧٣ / ٢٢ / ١١.

٤- الأمامي للصدوق: ٢٦٩ / ٢٩٦، روضه الواعظين: ٤٦٩، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٣٧ / ٣.

٥- الأعراف: ١٧.

٦- تفسير التبيان: ٤ / ٣٩٣، تفسير مجمع البيان: ٤ / ٦٢٣، بحار الأنوار: ١١ / ١٣٣.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان گوید: «توانگر در یکی از این سه، از چنگ من رهایی نیابد: یا مال را در چشمش چندان زینت دهم که حق آن را ادا نکند؛ یا راه را بر وی هموار سازم تا آن را در مورد ناروا مصرف نماید؛ و یا چندان آن را برایش دوست داشتنی سازم که آن را به ناحق کسب کند».

امام صادق علیه السلام: ابلیس خدایش لعنت کناد گوید: «من درباره فرزند آدم از یکی از این سه، درنمانده ام و هرگز نیز درنخواهم ماند: کسب مال از راه غیر حلال؛ ادا نکردن حق مال؛ و مصرف آن در مورد ناروا».

امام صادق علیه السلام: همانا شیطان فرزند آدم را در هر زمینه می گرداند و آن گاه که خسته اش کرد، نزد مال بر زمینش می زند و گریانش را می گیرد.

امالی صدوق از ابن عباس: آن گاه که نخستین درهم و دینار زده شدند، ابلیس به آن دو نگاهی افکند و چون خوب دیدشان، آن دو را گرفت و بر چشم خود نهاد و سپس به سینه اش چسباند و آن گاه فریادی درآورد و گفت: «شما نور چشم و میوه دل من هستید. چون فرزندان آدم شما را دوست بدارند، دیگر بیمی ندارم که بت نپرستند؛ مرا از ایشان همین بس که شما را دوست بدارند».

امام باقر علیه السلام درباره سخن خدای تعالی: «آن گاه بر ایشان از پیش رویشان و از پشت سرشان درآیم»: معنای «از پیش رویشان» چنین است: کار آخرت را برایشان آسان جلوه می دهم؛ و معنای «از پشت سرشان» این است: ایشان را به گرد آوردن اموال و بخل ورزیدن در ادای حقوق آن فرمان می دهم تا آن مال برای وارثانشان باقی ماند.

تفسير القمّي: قَوْلُهُ تَعَالَى: «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ»... أَمَا خَلْفَهُمْ يَقُولُ: مِنْ قَبْلِ دُنْيَاهُمْ أَمْرُهُمْ بِجَمْعِ الْأَمْوَالِ، وَأَمْرُهُمْ أَنْ لَا يَصْتَلِمُوا فِي أَمْوَالِهِمْ رَحِمًا، وَلَا يُعْطُوا مِنْهُ حَقًّا، وَأَمْرُهُمْ أَنْ يُقَلِّلُوا عَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ، وَأَخَوْفَهُمْ عَلَيْهِمُ الضَّيْعَةَ. (١)

١ / ٣٤ فِتْنَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ جَبْرِيلَ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالِ فِتْنَةٌ، وَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً، وَفِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ. (٣)

الإمام عليّ عليه السلام في صِفَةِ الدُّنْيَا: مَنْ اسْتَعْنَى فِيهَا فُتِنَ، وَمَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزِنَ. (٤)

١- تفسير القمّي: ١ / ٢٢٤، بحار الأنوار: ١١ / ١٥٣ / ٢٧.

٢- الكافي: ٥ / ٣١٣ / ٣٨ عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ٢٢ / ١٢٣ / ٩٢.

٣- سنن الترمذی: ٤ / ٥٦٩ / ٢٣٣٦، مسند ابن حنبل: ٦ / ١٥٢ / ١٧٤٧٨، المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٣٥٤ / ٧٨٩٦، صحیح ابن حبان: ٨ / ١٧ / ٣٢٢٣، المعجم الكبير: ١٩ / ١٧٩ / ٤٠٤ كلها عن كعب بن عياض، كنز العمال: ٣ / ١٩١ / ٦١٠٦؛ نثر الدر: ١ / ١٩٤، روضه الواعظین: ٤٧٠ وليس فيه صدره.

٤- نهج البلاغه: الخطبه ٨٢، خصائص الأئمه عليهم السلام: ١١٨، تحف العقول: ٢٠١، الأماليللسيد المرتضى: ١ / ١٠٧، تنبيه الخواطر: ١ / ١٨٨، بحار الأنوار: ٧٨ / ٤ / ٥٣؛ مطالب السؤل: ٣٢، المناقب للخوارزمي: ٣٦٤ / ٣٧٩ عن عبيدالله بن محمد التقى عن شيخ من بنى عدى، كنز العمال: ٣ / ٧٢٠ / ٨٥٦٧.

۱ / ۳۴ فتنه جان

تفسیر قمی: خدای تعالی فرموده است: «آن گاه بر ایشان از پیش رویشان و از پشت سرشان و از راست و چپشان درآیم» . . . معنای «از پشت سرشان» این است: از جانب دنیاشان به آنان فرمان می دهیم که مال گرد آورند و با خویشاوندان خود پیوند نداشته باشند و حقوق آن مال را ادا نکنند و بر خانواده خویش تنگ گیرند و از تباه شدن مالشان بیمشان می دهیم .

۱ / ۳۴ فتنه جان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل: همانا دوستی دنیا و اموال ، فتنه و بازداشته شدن از آخرت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر امتی را فتنه ای باشد و فتنه امت من مال است .

امام علی علیه السلام در وصف دنیا: هر که در آن ، توانگری یابد ، فریفته گردد و هر که فقیر شود ، به اندوه درافتد .

عنه عليه السلام: المَالُ فِتْنَةٌ النَّفْسِ ، وَنَهَبُ الرِّزَايَا . (١)

عنه عليه السلام: المَالُ لِلْفِتَنِ سَبَبٌ ، وَلِلْحَوَادِثِ سَلْبٌ . (٢)

عنه عليه السلام: حُبُّ المَالِ سَبَبُ الفِتَنِ ، وَحُبُّ الرِّئَاسَةِ رَأْسُ المِحَنِ . (٣)

عنه عليه السلام: الفِتْنُ ثَلَاثٌ : حُبُّ النِّسَاءِ ؛ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ ، وَشُرْبُ الخَمْرِ ؛ وَهُوَ فِخُّ الشَّيْطَانِ ، وَحُبُّ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ ؛ وَهُوَ سَهْمُ الشَّيْطَانِ . (٤)

الإمام الكاظم عليه السلام: اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ فِتْنَةً . (٥)

١ / ٤٤ دَاعِيَةُ التَّعَالِيَامِ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: المَالُ دَاعِيَةُ التَّعَبِ ، وَمَطِيئَةُ النَّصَبِ . (٦)

عنه عليه السلام: صَاحِبُ المَالِ مَتَعُوبٌ ، وَالغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ . (٧)

عنه عليه السلام: كُلُّ يَسَارِ الدُّنْيَا إِعْسَارٌ . (٨)

١- غرر الحكم : ١٩٨٨ .

٢- غرر الحكم : ١٤٤٨ .

٣- غرر الحكم : ٤٨٧١ .

٤- الخصال : ١١٣ / ٩١ ، جامع الأخبار : ٤٢٩ / ١٢٠٢ كلاهما عن الأصمغ بن نباته ، بحار الأنوار : ٢ / ١٠٧ / ٤ و ج ٧٣ / ١٤٠ / ١٢ .

٥- مصباح المتهجد : ٥٨٤ / ٥٠٣ ، البلد الأمين : ١٠١ ، المصباح للكفعمي : ١٤٦ ، بحار الأنوار : ٩٠ / ١٥٣ ؛ المعجم الأوسط : ٦ / ١٩٩ / ٦١٨٠ عن ابن عباس قال : « كان من دعاء داود النبي عليه السلام » .

٦- غرر الحكم : ١٤٤٩ .

٧- غرر الحكم : ٥٨٣٠ .

٨- غرر الحكم : ٦٩٠١ .

۱ / ۴۴ فراخوانِ رنج

امام علی علیه السلام: مال فتنه جان و یورش مصیبت ها است .

امام علی علیه السلام: مال برانگیزنده فتنه ها و مایه ناکامیابی در رویدادها است .

امام علی علیه السلام: دوستی مال ، برانگیزنده فتنه ها ؛ و ریاست خواهی سرچشمه اندوه ها است .

امام علی علیه السلام: فتنه ها سه گونه اند: دوستیِ زنان ، که شمشیر شیطان است ؛ شراب نوشی که دام شیطان باشد ؛ و دوستی دینار و درهم ، که تیر شیطان است .

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! به تو پناه جویم از مالی که مرا فتنه باشد .

۱ / ۴۴ فراخوانِ رنج امام علی علیه السلام: مال فراخوانِ رنج و مَرکَبِ درد است .

امام علی علیه السلام: دارنده مال در رنج است و آن که به بدی غالب گردد ، در حقیقت مغلوب باشد .

امام علی علیه السلام: همه آسایش دنیا دشواری است .

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ أَصَابَ مِنَ الدُّنْيَا أَكْثَرَ ، كَانَ فِيهَا أَشَدَّ فَقْرًا ؛ لِأَنَّهُ يَفْتَقِرُ إِلَى النَّاسِ فِي حِفْظِ أَمْوَالِهِ ، وَيَفْتَقِرُ إِلَى كُلِّ آلَةٍ مِنَ آلَاتِ الدُّنْيَا ؛ فَلَيْسَ فِي غِنَى الدُّنْيَا رَاحَةٌ ، وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ يُوسِسُ إِلَى ابْنِ آدَمَ أَنَّ لَهُ فِي جَمْعِ (ذَلِكَ) الْمَالِ رَاحَةً ، وَإِنَّمَا يَسْوَقُهُ إِلَى التَّعَبِ فِي الدُّنْيَا ، وَالْحِسَابِ عَلَيْهِ فِي الْآخِرَةِ . (١)

١ / ٤ / ٥ نَهَبُ الْحَوَادِثِ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَالُ نَهَبُ الْحَوَادِثِ . (٢)

عنه عليه السلام : لَا يَتَبَغَى لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصَلَتَيْنِ : الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى ، بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافَىً إِذْ سَقَمَ ، وَبَيْنَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذْ افْتَقَرَ . (٣)

١ / ٤ / ٦ يَعْسُوبُ الْفُجَّارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصْفِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ ، وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّلْمَةَ . (٤)

١- الخصال : ٦٤ / ٩٥ عن الزهري ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٩٢ / ٦٩ .

٢- غرر الحكم : ٣٧٧ .

٣- نهج البلاغه : الحكمة ٤٢٦ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٦٨ / ٢٨ .

٤- الإرشاد : ١ / ٣٢ عن أبي ذرّ ، معاني الأخبار : ٤٠٢ / ٦٤ عن ابن عباس وفيه «هو» بدل «إنه» ، الأملى للطوسي : ٥٢١ / ١١٤٧ عن عمر وسلمه ابنى أم سلمه ؛ المعجم الكبير : ٦ / ٢٦٩ / ٦١٨٤ عن أبي ذرّ وسلمان وفيه «الظالم» بدل «الظلمه» ، تاريخ دمشق : ٤٢ / ٤٢ / ٨٣٧١ عن ابن عباس وح ٨٣٧٠ عن أبي ذرّ وفيه «الكفار» بدل «الظلمه» ، الاستيعاب : ٤ / ٣٠٧ / ٣١٨٨ عن أبي ليلى الغفارى وفيه «المنافقين» بدل «الظلمه» .

۱ / ۵ چپاول حوادث

۱ / ۶ سرکرده بدکاران

امام سجاد علیه السلام: هر که از دنیا بیش تر نصیب برد، در آن فقیرتر است؛ زیرا برای حفظ اموالش به مردم و نیز به هر وسیله دنیایی محتاج است. پس در توانگری دنیا آسایش نباشد؛ اما شیطان آدمی را وسوسه می کند که اگر مال اندوزد، آسایش یابد و بدین سان، او را به رنج دنیا و محاسبه آخرت دچار می کند.

۱ / ۵ چپاول حوادث امام علی علیه السلام: مال، چپاول حوادث است.

امام علی علیه السلام: بنده را نسزد که به دو خصلت دل بندد: تندرستی و توانگری؛ که تندرستش می بینی و ناگاه بیمار می شود، و توانگرش می یابی و ناگاه فقیر می گردد.

۱ / ۶ سرکرده بدکاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در وصف علی علیه السلام: همانا او سرکرده مؤمنان است؛ و مال، سرکرده ستمگران است.

الإمام علي عليه السلام: أنا يعسوب المؤمنين ، والمال يعسوب الفجار . (١)

كنز العمال عن أبو مسعر: دخلت علي علي عليه السلام وبين يديه ذهب ، فقال عليه السلام : أنا يعسوب المؤمنين ، وهذا يعسوب المنافقين . وقال : بي يلوذ المؤمنون ، وبهذا يلوذ المنافقون . (٢)

راجع : ص ٩١٨ (التحذير من عباده المال) . ص ٩٢٢ (ذم إيثار المال) . ص ٩٣٤ (مضار التكاثر).

١ / ٥ التحذير من عباده المال! رسول الله صلى الله عليه وآله : فواعبجا لِقَوْمِ آلِهِتَهُمْ أموالُهُمْ ، وطالت آمالُهُمْ ، وقصرت آجالُهُمْ ، وهم يطمعون في مجاوره مولاَهُمْ ، ولا يصلون إلى ذلك إلا بالعمل ، ولا يتيم العمل إلا بالعقل ! (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : نَعَسَ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالدرهم! الذي إنما همته دينارٌ أو درهمٌ يُصِيبُهُ فَيَأْخُذُهُ . (٤)

١- نهج البلاغه : الحكمة ٣١٦ ، الخصال : ٦٣٣ / ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام ، معاني الأخبار : ٣١٤ / ١ ، الاختصاص : ١٥١ وفيها «الظلمه» بدل «الفجار» ، بحار الأنوار : ٢٧ / ٨٩ / ٣٩ ؛ ربيع الأبرار : ٤ / ١٤٩ ، كنز العمال : ١٣ / ١١٩ / ٣٦٣٨١ نقلاً عن أبي نعيم .

٢- كنز العمال : ١٣ / ١١٩ / ٣٦٣٨٢ نقلاً عن أبي نعيم؛ شرح الأخبار : ١ / ٢٢٦ / ٢١٢ وج ٢ / ٢٧٨ / ٥٨٨ كلاهما عن أبي معشر نحوه ، المناقب للكوفي : ١ / ٢٦٨ / ١٧٩ عن ابن مسعر .

٣- جامع الأخبار : ٣٩٧ / ١١٠٠ عن جابر بن عبد الله الأنصاري ، بحار الأنوار : ٥٢ / ٢٦٤ / ١٤٨ .

٤- المعجم الأوسط : ٤ / ٢٣٦ / ٤٠٧٣ عن أبي هريره .

۱ / ۵ پرهیز دادن از مال پرستی

امام علی علیه السلام: من سر کرده مؤمنانم؛ و مال، سر کرده بدکاران است.

کنز العمال از ابو مسعر: نزد علی علیه السلام رفتم، در حالی که تکه طلائی برابرش بود. فرمود: «من پیشوای مؤمنانم؛ و این پیشوای منافقان است. مؤمنان به من پناه می آورند؛ و منافقان به این».

ر. ک: ص ۹۱۹ (پرهیز دادن از مال پرستی). ص ۹۲۳ (نکوهش ترجیح دادن مال). ص ۹۳۵ (زیان های فخرفروشی با مال).

۱ / ۵ پرهیز دادن از مال پرستپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بسا شگفتا از مردمی که اموالشان معبودهای ایشانند و آرزوهایشان دراز است و سرآمدهاشان کوتاه؛ و با این حال، طمع می برند که به مولای خود نزدیک شوند؛ حال آن که به این رتبه دست نیابند، مگر با عمل؛ و عمل سامان نیابد مگر با عقل.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده دینار و درهم هلاک گردد. همانا همتش صرف دینار و درهمی است که به آن دست یابد و آن را بگیرد.

عنه صلى الله عليه و آله :تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ وَعَبْدُ الدَّرْهَمِ وَعَبْدُ الخَمِيصَةِ ! إن أعطى رَضِيَ ، وإن لم يُعْطَ سَخِطَ ؛ تَعَسَّ وَانْتَكَسَ !
وإذا شِيكَ فَلَا- انْتَقَشَ . طوبى لِعَبْدٍ آخِذٍ بِعِنَانِ فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ! أشعثَ رأسُهُ ، مُغْبِرَهُ قَدَمَاهُ ؛ إن كَانَ فِي الحِرَاسَةِ كَانَ فِي
الحِرَاسَةِ ، وإن كَانَ فِي السَّاقَةِ كَانَ فِي السَّاقَةِ ؛ إن استأذَنَ لم يُؤذَنَ لَهُ ، وإن شَفَعَ لم يُشَفَّعَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ ! تَعَسَّ عَبْدُ الدَّرْهَمِ ! تَعَسَّ وَلَا انْتَعَشَ ! (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :لُعِنَ عَبْدُ الدِّينَارِ ! لُعِنَ عَبْدُ الدَّرْهَمِ ! (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مِّنْ عَبِيدِ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ ! مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مِّنْ كَمَّةِ أَعْمَى ! مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مِّنْ نَّكْحِ بَهِيمَةٍ !
(٤)

كشف الغمّة عن الفرزدق :لَقِيتِنِي الحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مُنْصَيِّ رَفِي مِنَ الكُوفَةِ فَقَالَ : مَاوَرَاءَكَ يَا أَبَا فِرَاسٍ ؟ قُلْتُ : أَصْدُقُكَ ؟
قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الصُّدُقُ أُرِيدُ . قُلْتُ : أَمَّا القُلُوبُ فَمَعَكَ ، وَأَمَّا السُّيُوفُ فَمَعَ بَنِي أُمِّيَّةَ ، وَالنَّصْرُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ . قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا
أَرَاكَ إِلَّا- صَيَّدْتَ ؛ النَّاسُ عَبِيدُ المَالِ ، وَالدِّينُ لَعْوٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ ، يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ ، فَإِذَا مُخَّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ
الدَّيَّانُونَ . (٥)

١- صحيح البخارى : ٣ / ١٠٥٧ / ٢٧٣٠ ، المعجم الأوسط : ٣ / ٩٤ / ٢٥٩٥ نحوه وكلاهما عن أبى هريره ، كنز العمّال : ٣ /

٢٠٢ / ٦١٧٠ وراجع سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٨٦ / ٤١٣٥ وح ٤١٣٦ .

٢- تنبيه الخواطر : ١ / ١٥٩ وج ٢ / ١٢٠ نحوه .

٣- سنن الترمذى : ٤/٥٨٧/٢٣٧٥ عن أبى هريره ، كنز العمّال : ٣ / ١٩٤ / ٦١٢٩ وص ٢٢٣/٦٢٥٨ .

٤- الكافى : ٢ / ٢٧٠ / ٩ عن الحسين بن المختار عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ١٢٩ / ١٣٢ ، معانى

الأخبار : ٤٠٢ / ٦٧ كلاهما عن الحسين بن المختار يرفعه عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٣١٩ / ٧ وج ٧٩ / ٧٧ / ٢

٥- كشف الغمّة : ٢ / ٢٤٤ ، تحف العقول : ٢٤٥ وفيه «إنّ الناس عبید الدنيا والدين لعق على ألسنتهم» ، بحار الأنوار : ٤٤ / ١٩٥

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده دینار و درهم و جامه گرانها، هلاک گردد؛ اگر برخوردار شود، خشنودی یابد و اگر برخوردار نشود، خشم گیرد؛ هلاک شود و سرنگون گردد؛ و اگر شوکتی یابد، نتواند از آن بهره گیرد. خوشا به حال بنده ای که در راه خدا زمام اسب خویش گیرد و سرش خاک آلود گردد و قدم هایش غبارآميز شود؛ اگر در میان نگاهبانان باشد، نگاهبانی کند؛ و اگر در میان سواران یا پیادگان باشد، به رزم پردازد؛ چون رخصت [فارغ نشستن] خواهد، رخصتش ندهند؛ و چون در حق کسی شفاعت نماید، شفاعتش پذیرفته نگردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده دینار هلاک گردد! بنده درهم هلاک گردد! نابود شود و پس از فروافتادن برنخیزد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر بنده دینار لعنت باد! بر بنده درهم لعنت باد!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ملعون است، ملعون، آن کس که دینار و درهم را بندگی کند. ملعون است، ملعون، آن که نابینایی را به سبب نابینایی اش طعن زند. ملعون است، ملعون، آن کس که با چهارپایی درآمیزد.

کشف الغمّه از فرزندق: حسین علیه السلام هنگام بازگشتن از کوفه، مرا دید و فرمود: «پشت سر چه خبر بود؟» گفتم: «راست گویم؟» فرمود: «راستی می خواهم». گفتم: «دل ها با تو است؛ اما شمشیرها با بنی امیه است؛ و پیروزی از جانب خدا باشد». فرمود: «سخت را سراسر راست یافتم. مردم بنده مانند؛ و دین بازیچه زبان های ایشان است؛ مادام که دین زندگی دنیایشان را تأمین کند، آن را نگاهبانند؛ و چون به آزمون مبتلا گردند، دینداران کم باشند».

١ / ٦٤ ذمُّ إيثارِ المالِ الكتابِ: «وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا . (١)»

«كَأَلَّا بَلٌ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ * وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ . (٢)»

«إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا . (٣)»

«وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ . (٤)»

«وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُوتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فَضِّهِ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ * وَ لِيُوتِيَهُمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ * وَ زُخْرَفًا وَ إِنْ كُلُّ ذَلِكُ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ . (٥)»

«الْمَالُ وَ الْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَقِيَّةُ الصَّلَاحُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا . (٦)»

«قُلْ إِنْ كَانَ عِبَادِيَ آيَاتُكُمْ وَ أَنْبِيَآؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ آزْوَاجُكُمْ وَ عَشِيرَتُكُمْ وَ أَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ جِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ . (٧)»

١- الفجر : ٢٠ .

٢- القيامة : ٢٠ و ٢١ .

٣- الدهر : ٢٧ .

٤- العاديات : ٨ .

٥- الزخرف : ٣٣ ٣٥ .

٦- الكهف : ٤٦ .

٧- التوبة : ٢٤ .

۱ / ۶ نکوهش ترجیح دادن مال

۱ / ۶ نکوهش ترجیح دادن مالقرآن: «و مال را دوست می دارید ، دوست داشتنی تمام و بسیار.»

«نه چنان است؛ بلکه شما این جهان شتابان را دوست می دارید * و آن جهان را فرو می گذارید.»

«همانا اینان این [دنیای] شتابان و زودگذر را دوست می دارند و روزی گران [= رستاخیز] را پشت سرشان می افکنند.»

«و به راستی وی سخت مال دوست است.»

«و اگر نه آن بود که مردمان همه یک امت می گشتند [همه دنیاجو می شدند و به کفر می گراییدند]، هر آینه کسانی را که به خدای رحمان کافر می شوند ، برای خانه هاشان سقف هایی از نقره می ساختم و نیز نردبان هایی [از نقره] که بر آن ها بالا روند * و هم برای خانه هاشان ، درها و تخت هایی [از زر یا سیم می ساختم] که بر آن ها تکیه زنند * و نیز زیورهایی [زرین]. و این همه نیست مگر کالا و برخورداری زندگانی این جهان؛ و آن جهان نزد پروردگار تو ویژه پرهیزگاران است.»

«مال و فرزندان آرایش زندگانی این جهان است؛ و کارهای نیک پایدار به نزد پروردگار تو به پاداش ، بهتر و امید داشتن به آن ها نیکوتر است.»

«بگو: اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشاوندانتان و مال هایی که به دست آورده اید و بازرگانی ای که از بی رونقی آن می ترسید و خانه هایی که به آن ها دلخوشید ، به نزد شما از خدا و پیامبر او و جهاد در راه او دوست داشتنی ترند ، پس منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد؛ و خدا مردم نافرمان را راه ننماید.»

«يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ . (١)»

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ» . (٢)

الحديث: الكافي عن إسحاق بن غالب: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِسْحَاقُ، كَمْ تَرَى أَصْحَابَ هَذِهِ الْآيَةِ: «إِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ»؟ ثُمَّ قَالَ: هُمْ أَكْثَرُ مِنْ ثُلْثِي النَّاسِ . (٣)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما ذُنْبَانِ جَائِعَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ فَرَّقَهَا رَاعِيهَا، أَحَدُهُمَا فِي أَوْلِيهَا وَالْآخَرُ فِي آخِرِهَا، بِأَفْسَدٍ فِيهَا مِنْ [إِفْسَادِ] حُبِّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ فِي دِينِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ، حُبُّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ أَذْهَبَ لِدِينِ الرَّجُلِ مِنْ ذُبْنَيْنِ ضَارِيَيْنِ فِي زَرْبِ الْغَنَمِ فَأَغَارَا فِيهَا حَتَّى أَصْبَحَا، فَمَاذَا أَبْقِيَا مِنْهَا؟! (٥)

١- المنافقون : ٩ .

٢- التوبة : ٥٨ .

٣- الكافي : ٢ / ٤١٢ / ٤ ، تفسير العياشي : ٢ / ٨٩ / ٦٢ ، الزهد للحسين بن سعيد : ٤٧ / ١٢٦ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٢٥ / ١١٨ وج ٩٦ / ٥٦ / ١ .

٤- الزهد للحسين بن سعيد : ٥٨ / ١٥٥ عن علي بن مغيرة عن أخ له عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ٢ / ٣١٥ / ٢ عن حمّاد بن بشير عن الإمام الصادق عليه السلام وح ٣ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام كلاهما نحوه وراجع المؤمن : ١٤١ / ٥٥ .

٥- مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٦٩ / ٢٦٦١ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ٥٧ كلاهما عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٨٠ / ٣ .

«ای کسانی که ایمان آورده اید، مال‌ها و فرزندان‌تان شما را از یاد کرد خدا سرگرم نکنند؛ و هر که چنان کند، ایشانند زیانکاران.»

«و از آنان کسانی اند که بر تو در صدقه‌ها [= تقسیم زکات] خرده می‌گیرند؛ پس اگر از آن بدهندگان، خشنود می‌شوند و اگر از آن ندهندگان، آن‌گاه ناخشنود و خشمگین می‌گردند. (۱)»

حدیث: الکافی از اسحاق بن غالب: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: «ای اسحاق! شمار مشمولان این آیه را چند تن می‌بینی: «اگر از آن بدهندگان، خشنود می‌شوند و اگر از آن ندهندگان، آن‌گاه ناخشنود و خشمگین می‌گردند؟» و سپس خود فرمود: «آنان بیش از دو سوم مردمند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فسادی که دوستی مال و ریاست، برای دین انسان مسلمان دارد، بیش از آن است که دو گرگ گرسنه در گله گوسفندی بدون چوپان درافتند و یکی به اول گله و دیگری به آخر آن یورش برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابوذر! دوستی مال و ریاست برای تباه کردن دین انسان، خطرناک‌تر از آن است که دو گرگ درنده در آغل گوسفندان افتند و تا بامدادان آن‌ها را بدرند؛ آن‌گاه از ایشان چه باقی نهند؟

۱- این آیه زمانی نازل شد که زکات‌ها در رسید و توانگران گمان کردند پیامبر صلی الله علیه و آله آن را میان ایشان تقسیم می‌کند؛ اما چون وی زکات را میان فقرا تقسیم کرد، آنان بر او خرده گرفتند و گفتند: «ما همانانیم که به جنگ می‌پردازیم و همراه وی نبرد می‌کنیم و پشتیبانی‌اش می‌نماییم؛ ولی او زکات را به کسانی می‌دهد که یاور او نیستند و به حالش سودی ندارند». چنین بود که خداوند فرمود: «و چه خوب بود اگر بدانچه خدای و پیامبرش به ایشان بدهند، خرسند گردند و گویند: خدای ما را بس است؛ به زودی خدا ما را از فزون بخشی خویش بدهد و پیامبرش نیز؛ که ما به خدا گراینده و امیدواریم.» (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹۸).

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ أَهْلَكَمَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، وَهُمَا مُهْلِكَاكُمْ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : تَبَا لِهَذَا الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ ، فَمَا أَخَدَعَهُمَا لِعَقْلِ الرَّجُلِ ! (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : إِيَّاكُمْ وَأَوْلَادَ الْأَغْنِيَاءِ وَالمُلُوكِ المُرْدَ ! فَإِنَّ فِتْنَتَهُمْ أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ العَذَارَى فِي خُدُورِهِنَّ . (٣)

الإمام على عليه السلام : مَنْ يَسْتَأْثِرَ مِنَ الْأَمْوَالِ يَهْلِكُ . (٤)

عنه عليه السلام : المَالُ يُكْرِمُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا ، وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ . (٥)

عنه عليه السلام : إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَبْدًا بَعْضَ إِلَيْهِ المَالِ ، وَقَصَرَ مِنْهُ الْأَمَالَ ؛ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ شَرًّا حَبَبَ إِلَيْهِ المَالِ ، وَبَسَّطَ مِنْهُ الْأَمَالَ . (٦)

عنه عليه السلام : المَالُ يُفْسِدُ المَالَ ، وَيُوسِّعُ الْأَمَالَ . (٧)

عنه عليه السلام : حُبُّ المَالِ يُفْسِدُ المَالَ . (٨)

عنه عليه السلام : المَالُ يُقَوِّى الْأَمَالَ . (٩)

١- الكافي : ٢ / ٣١٦ / ٦ ، الخصال : ٤٣ / ٣٧ كلاهما عن الحارث عن الإمام على عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ٢٢٧/٦٣٠ عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ١٢ / ٢٣ / ٧٣ ؛ المعجم الكبير : ١٠٠٦٩ / ٩٥ / ١٠ عن عبد الله ، حليه الأولياء : ٤ / ١١٢ عن أبي موسى وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ٣ / ١٩١ / ٦١٠٧ و ص ٢٢٣ / ٦٢٥٧ نقلاً عن الخطيب فى المتفق والمفتقر عن ابن مسعود .

٢- تنبيه الخواطر : ٢ / ١٢٠ .

٣- الكافي : ٥ / ٥٤٨ / ٨ عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفریات : ٩١ .

٤- تحف العقول : ٢١٧ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٥٦ / ١١٨ .

٥- غرر الحكم : ١٨٣٦ وح ١٨٨٥ نحوه .

٦- غرر الحكم : ٤١١٠ وح ٤١١١ .

٧- غرر الحكم : ١٤٢٧ .

٨- غرر الحكم : ٤٨٧٤ .

٩- غرر الحكم : ٥٧٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دینار و درهم پیشینیان شما را هلاک کردند و شما را نیز هلاک کنند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیست باد این طلا و نقره ؛ که عقل انسان را چه سان می ربایند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برحذر باشید از فرزندان نوحطِ توانگران و شاهان ؛ که فتنه ایشان آفت بارتراز فتنه دوشیزگان پرده نشین است .

امام علی علیه السلام: هر که خواهد اموال را از آن خویش کند ، هلاک گردد .

امام علی علیه السلام: مال ، صاحب خویش را در دنیا گرامی سازد و نزد خدای سبحان خوار گرداند .

امام علی علیه السلام: هر گاه خدای سبحان بنده ای را دوست دارد ، او را از مال بیزار گرداند و آرزوهایش را کوتاه نماید ؛ و چون بر بنده ای شر بخواهد ، مال را برایش دوست داشتنی سازد و آرزوهایش را دراز گرداند .

امام علی علیه السلام: مال ، فرجام را تباه گرداند و آرزوها را فراوان سازد .

امام علی علیه السلام: دوستی مال ، عاقبت را تباه کند .

امام علی علیه السلام: مال ، آرزوها را نیرو بخشد .

عنه عليه السلام: حُبُّ الْمَالِ يُقَوِّى الْأَمَالَ ، وَيُفْسِدُ الْأَعْمَالَ . (١)

عنه عليه السلام: حُبُّ الْمَالِ يُوْهِنُ الدِّينَ ، وَيُفْسِدُ اليَقِينَ . (٢)

عنه عليه السلام: لَا تَرَكَنَا إِلَى ذَخَائِرِ الْأَمْوَالِ ؛ فَتَخْلِيَكُم خَدَائِعِ الْأَمَالِ . (٣)

عنه عليه السلام: تَرَوُهُ الْجَاهِلِ فِي مَالِهِ وَأَمَلِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: الْعَاقِلُ يَطْلُبُ الْكَمَالَ ؛ الْجَاهِلُ يَطْلُبُ الْمَالَ . (٥)

عنه عليه السلام: اللُّؤْمُ إِثَارُ الْمَالِ عَلَى الرِّجَالِ . (٦)

عنه عليه السلام: اللُّؤْمُ إِثَارُ حُبِّ الْمَالِ عَلَى لَذَّةِ الْحَمْدِ وَالثَّنَاءِ . (٧)

عنه عليه السلام: مَنْ كَرَّمَ عَلَيْهِ الْمَالَ هَانَتْ عَلَيْهِ الرِّجَالُ . (٨)

عنه عليه السلام فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَلْتَكُنْ مَسْأَلَتِكَ فِي مَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ ، وَيُنْفِي عَنْكَ وَبَالُهُ ؛ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ . (٩)

عنه عليه السلام : مَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِيلٍ يُسَلِّبُهُ ، وَتَبْقَى عَلَيْهِ تَبِعَتُهُ وَحِسَابُهُ ؟ ! (١٠)

١- غرر الحكم : ٤٨٧٥ .

٢- غرر الحكم : ٤٨٧٦ .

٣- الأماالى للطوسى : ٦٥٢ / ١٣٥٣ عن شريح القاضى ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٣٧١ / ٣٥ .

٤- غرر الحكم : ٤٧٠٩ .

٥- غرر الحكم : ٥٧٩ .

٦- غرر الحكم : ١٣٢٤ .

٧- غرر الحكم : ١٨٤٦ .

٨- غرر الحكم : ٨٦٣٦ .

٩- نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، كشف المحجبه : ٢٢٨ عن عمر بن أبى المقدام عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، تحف العقول :

٧٥ نحوه ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٠٥ / ١ .

١٠- نهج البلاغه : الخطبه ١٥٧ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٤٣١ / ٤٦ نقلاً عن عيون الحكم والمواعظ .

امام علی علیه السلام: دوستی مال، آرزوها را نیرومند گرداند و اعمال را فاسد نماید.

امام علی علیه السلام: مال دوستی، دین را سست و یقین را تباه سازد.

امام علی علیه السلام: به ذخیره های مالی دل مبندید؛ که شما را اسیر فریب آرزوها گردانند.

امام علی علیه السلام: ثروت نادان در مال و آرزویش نهفته است.

امام علی علیه السلام: خردمند در پی کمال است و نادان به دنبال مال.

امام علی علیه السلام: فرومایگی آن است که مال بر انسان ها ترجیح داده شود.

امام علی علیه السلام: برگزیدن مال دوستی بر لذت سپاس و ستایش، فرومایگی است.

امام علی علیه السلام: هر که مال نزدش گرامی باشد، انسان ها در نظرش خوارند.

امام علی علیه السلام در سفارشش به فرزندش حسن علیه السلام: پس باید چیزی را بخواهی که زیبایی اش برایت پایدار بماند و تباهی و سختی اش از تو دور باشد. مال، نه برای تو ماند و نه تو برای آن مانی.

امام علی علیه السلام: چه تواند کرد با مال، آن که پس از اندک زمانی، مالش از او ستانده شود و تنها پیامد و حسابرسی اش بر وی ماند؟

الإمام زين العابدين عليه السلام: أوّل ما عَصِيَ اللهُ بِهِ الكِبْرُ... ثُمَّ الحَسَدُ؛ وَهِيَ مَعْصِيَةُ ابنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ، فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ: ... حُبُّ العُلُوِّ وَالثَّرَوِ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عيسى بنَ مريمَ عليه السلام تَوَجَّهَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ وَمَعَهُ ثَلَاثَةُ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَمَرَّ بِلَبْنَاتٍ ثَلَاثٍ مِنْ ذَهَبٍ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ، فَقَالَ عيسى عليه السلام لأَصْحَابِهِ: إِنَّ هَذَا يَقْتُلُ النَّاسَ! ثُمَّ مَضَى، فَقَالَ أَحَدُهُمْ: إِنَّ لِي حَاجَةً، قَالَ: فَانصَرَفَ، ثُمَّ قَالَ آخَرُ: إِنَّ لِي حَاجَةً، فَانصَرَفَ، ثُمَّ قَالَ الآخَرُ: لِي حَاجَةٌ، فَانصَرَفَ. فَوَافُوا عِنْدَ الذَّهَبِ ثَلَاثَتُهُمْ، فَقَالَ اثْنَانِ لَوَاحِدٍ: إِشْتَرِ لَنَا طَعَامًا. فَذَهَبَ يَشْتَرِي لهُمَا طَعَامًا، فَجَعَلَ فِيهِ سَيْمًا لِيَقْتُلَهُمَا كَمَا لَا يُشَارِكَاهُ فِي الذَّهَبِ. وَقَالَ الْإِثْنَانِ: إِذَا جَاءَ قَتْلُنَا كَمَا لَا يُشَارِكُنَا. فَلَمَّا جَاءَ قَامَا إِلَيْهِ فَقَتَلَاهُ، ثُمَّ تَغَدَّيَا فَمَاتَا. فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ عيسى عليه السلام موهُم مَوْتَى حَوْلَهُ، فَأَحْيَاهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ ثُمَّ قَالَ: أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ: إِنَّ هَذَا يَقْتُلُ النَّاسَ؟! (٢)

إحياء علوم الدين عن جرير عن ليث: صَحِبَ رَجُلٌ عيسى بنَ مريمَ عليه السلام فَقَالَ: أَكُونُ مَعَكَ وَأَصْحَبُكَ، فَانطَلَقَا فَانتهيا إلى شَطِّ نَهْرٍ، فَجَلَسَا يَتَغَدَّيَانِ وَمَعَهُمَا ثَلَاثَةُ أَرْغِفَةٍ، فَأَكَلَا رَغِيفَيْنِ وَبَقِيَ رَغِيفٌ ثَلَاثٌ، فَقَامَ عيسى عليه السلام إلى النهرِ فَشَرِبَ، ثُمَّ رَجَعَ فَلَمْ يَجِدِ الرَغِيفَ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ: مَنْ أَخَذَ الرَغِيفَ؟ فَقَالَ: لَا أَدْرِي. قَالَ: فَانطَلَقَ وَمَعَهُ صَاحِبُهُ، فَرَأَى ظَبِيَّةً وَمَعَهَا خَشْفَانِ لَهَا، قَالَ: فَدَعَا أَحَدَهُمَا فَأَتَاهُ، فَذَبَحَهُ فَاشْتَوَى مِنْهُ، فَأَكَلَ هُوَ وَذَلِكَ الرَّجُلُ، ثُمَّ قَالَ لِلخَشْفِ: قُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، فَقَامَ فَذَهَبَ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ: أَسَأَلُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ مَنْ أَخَذَ الرَغِيفَ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي. قَالَ: ثُمَّ انتهيا إلى وادي ماءٍ، فَأَخَذَ عيسى عليه السلام مِيبِدَ الرَّجُلِ فَمَشَى عَلَى المَاءِ، فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لَهُ: أَسَأَلُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ مَنْ أَخَذَ الرَغِيفَ؟ فَقَالَ: لَا أَدْرِي. فَانتهيا إلى مَفَازِهِ فَجَلَسَا، فَأَخَذَ عيسى عليه السلام مِجْمَعِ ثُرَابٍ وَكَثِيبًا، ثُمَّ قَالَ: كُنْ ذَهَبًا بِإِذْنِ اللَّهِ، فَصَارَ ذَهَبًا، فَقَسَمَهُ ثَلَاثَةَ أَثْلَاثٍ، ثُمَّ قَالَ: ثَلْثٌ لِي وَثَلْثٌ لِمَكَ وَثَلْثٌ لِمَنْ أَخَذَ الرَغِيفَ، فَقَالَ: أَنَا أَخَذْتُ الرَغِيفَ، فَقَالَ: كُلُّهُ لَكَ، وَفَارَقَهُ عيسى عليه السلام. فَانتهى إِلَيْهِ رَجُلَانِ فِي المَفَازِ وَمَعَهُ المَالُ، فَأَرَادَا أَنْ يَأْخُذَاهُ مِنْهُ وَيَقْتُلَاهُ، فَقَالَ: هُوَ بَيْنَنَا أَثْلَاثًا، فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ إِلَى القَرِيِّ حَتَّى يَشْتَرِيَ لَنَا طَعَامًا نَأْكُلُهُ، قَالَ: فَبَعَثُوا أَحَدَهُمْ، فَقَالَ الَّذِي بُعِثَ: لِأَيِّ شَيْءٍ أَقَاسِمُ هَؤُلَاءِ هَذَا المَالِ؟ لَكِنِّي أَضَعُ فِي هَذَا الطَّعَامِ سَيْمًا فَأَقْتُلُهُمَا وَأَخُذُ المَالَ وَحْدِي! قَالَ: فَفَعَلَ. وَقَالَ ذَانِكَ الرَّجُلَانِ: لِأَيِّ شَيْءٍ نَجْعَلُ لِهَذَا ثَلْثَ المَالِ؟ وَلَكِنْ إِذْ رَجَعَ قَتْلُنَا وَاقْتَسَمْنَا المَالَ بَيْنَنَا! قَالَ: فَلَمَّا رَجَعَ إِلَيْهِمَا قَتْلَاهُ، وَأَكَلَا الطَّعَامَ فَمَاتَا، فَبَقِيَ ذَلِكَ المَالُ فِي المَفَازِ، وَأُولَئِكَ الثَّلَاثَةُ عِنْدَهُ قَتَلِي. فَمَرَّ بِهِمْ عيسى عليه السلام عَلَى تِلْكَ الحَالِ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: هَذِهِ الدُّنْيَا فَاحذَرُوهَا! (٣)

١- الكافي: ٢ / ١٣٠ / ١١ وص ٢ / ٣١٧ / ٨ كلاهما عن الزهري، مشكاة الأنوار: ٤٦٥ / ١٥٥٥، بحار الأنوار: ٧٣ / ١٩ / ٩ وص ٢٩ / ٥٩.

٢- الأمامي للصدوق: ٢٤٧ / ٢٦٧ عن عبد الله بن طلحة وإسماعيل بن جابر وعمّار بن مروان، روضه الواعظين: ٤٦٩، بحار الأنوار: ١٤ / ٢٨٤ / ٥ وج ٧٣ / ١٤٣ / ٢٦.

٣- إحياء علوم الدين: ٣ / ٣٩٩؛ الدر المنثور: ٢ / ٢٢٠ نحوه؛ المحجّة البيضاء: ٦ / ١٠٣.

امام سجاد علیه السلام: نخستین مایه سرپیچی از خدا غرور... و آن گاه حسد است؛ و آن، گناه فرزند آدم است که به برادرش حسد ورزید و او را کشت و از همان، این ها شاخه گرفت: ... و دوستی مقام و ثروت.

امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام همراه سه تن از یارانش، در پی کاری روان شد. بر سه شمش طلا که بر جاده افتاده بود، برگذشت. به یارانش فرمود: «همانا این، مردم را می کشد». سپس راه خود گرفت. یکی از آن یاران گفت: «مرا کاری است»؛ و بازگشت. دیگری هم چنین گفت و بازگشت. سومی نیز همین گفت و بازگشت. سپس [هر سه به سوی آن شمش آمدند و] دو تن از ایشان به سوی گفتند: «برای ما غذایی فراهم کن». وی در پی تدارک غذا روان شد و در آن سمی ریخت تا آن دو را بکشد و خود به تنهایی صاحب آن زر گردد. آن دو نیز گفتند: «چون وی باز آید، او را بکشیم تا در آن زر، شریک ما نگردد». چون باز آمد، به وی هجوم آورده، او را کشتند و سپس خود از آن غذا خوردند و مردند. پس عیسی علیه السلام به سوی ایشان بازگشت و دید که مرده، در پیرامونش افتاده اند. به رخصت خدای که والاست یادش، ایشان را زنده کرد و فرمود: «آیا به شما نگفتم: همانا این، مردم را می کشد؟»

احیاء علوم الدین از جریر از لیث: مردی با عیسی بن مریم علیه السلام همراه گشت و گفت: «با تو همراه و همدم گردم». پس روان شدند و رفتند تا به رودخانه ای رسیدند. نشستند تا غذا بخورند. سه قرص نان داشتند؛ دو قرص را خوردند و یکی ماند. عیسی علیه السلام به سوی رود رفت و آب آشامید. چون بازگشت، آن قرص نان را نیافت. به آن مرد گفت: «چه کس آن قرص نان را برداشت؟» گفت: «نمی دانم». پس همراه وی روان شد و آهوپی دید که دو آهوبره با او همراه بودند. یکی را پیش خواند و او پیش آمد؛ پس ذبحش کرد و بریانش نمود. سپس وی و آن مرد از آن خوردند. آن گاه، به آن آهوبره فرمود: «به رخصت خدای، برخیز». آن آهوبره [زنده شد و] برخاست و برفت. پس به آن مرد فرمود: «از تو به حق آن کس که این نشانه را به تو نمایاند، می خواهم که بگویی آن قرص نان را چه کس برداشت». گفت: «نمی دانم». سپس رفتند تا به آبراهه ای رسیدند. پس عیسی علیه السلام دست آن مرد را گرفت و بر آب راه سپردند. چون گذشتند، فرمود: «از تو به حق آن کس که این نشانه را به تو نمایاند، می خواهم که بگویی آن قرص نان را چه کس برداشت». پس رفتند تا به بیابانی رسیدند و نشستند. عیسی علیه السلام قدری خاک و ریگ برگرفت و فرمود: «به رخصت خدای، طلا شو». آن خاک و ریگ، طلا گشت. عیسی علیه السلام آن را به سه بخش تقسیم فرمود و فرمود: «یک سوم، از آن من؛ یک سوم از آن تو؛ و یک سوم از آن کسی که آن قرص نان را برداشت». گفت: «من آن قرص نان را برداشتم». فرمود: «همه از آن تو باشد». سپس از او جدا گشت. سپس دو مرد در آن بیابان به وی رسیدند، حال آن که آن مال با وی بود. خواستند آن را از وی بگیرند و او را بکشند. وی گفت: «بیایید آن را میان خود، سه بخش کنیم. پس یکی از شما به آبادی ای رود که غذایی برای ما بخرد تا بخوریم». سپس یکی از خویش را فرستادند؛ او با خود گفت: «چرا اینان را با خود در این مال شریک سازم؟ من در این غذا سمی می ریزم و آن دو را می کشم و خود، این مال را به تنهایی صاحب می شوم». پس چنین کرد. آن دو هم گفتند: «چرا یک سوم مال را به وی دهیم؟ چون بازگردد، وی را می کشیم و مال را میان خویش تقسیم می کنیم». آن گاه که بازگشت، آن دو وی را کشتند و از آن غذا خوردند و مردند. پس آن مال در بیابان بماند و آن سه در کنارش مرده افتادند. عیسی علیه السلام در آن حالت بر ایشان برگذشت و به یارانش فرمود: «این است دنیا؛ پس از آن، برحذر باشید».

ص: ٩٣٢

راجع: ص ٩٤٠ (مضارّ التكاثر).

ص: ۹۳۳

ر.ك: ص ۹۴۱ (زيان هاى فخرفروشى با ثروت).

١ / ٧ مَضَارُّ التَّكَاتُرِ أَعْظَمُ مِنْ مَضَارِّ الْفَقْرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَخْشَى عَلَيْكُمْ الْفَقْرَ ، وَلَكِنْ أَخْشَى عَلَيْكُمْ التَّكَاتُرَ .
(١)

عنه صلى الله عليه و آله : أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي زَهْرَةُ الدُّنْيَا وَكَثْرَتُهَا . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله : أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَنْ يَكْثُرَ لَهُمُ الْمَالُ فَيَتَحَاسَدُوا وَيَقْتَتِلُوا . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنِّي لَسْتُ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا ، وَلَكِنِّي أَخْشَى عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا أَنْ تَنَافَسُوهَا . (٤)

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّمَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ : أَنْ يَتَأَوَّلُوا الْقُرْآنَ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ ، أَوْ يَبْتَغُوا زَلَّةَ الْعَالَمِ ، أَوْ يَظْهَرَ فِيهِمُ الْمَالُ حَتَّى يَطْغَوْا وَيَبْطَرُوا . (٥)

-
- ١- مسند ابن حنبل : ٣ / ١٧٨ / ٨٠٨٠ و ص ٦٤٦ / ١٠٩٥٨ وفيه «والله ما أخشى» ، المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ٥٨٢ / ٣٩٧٠ ، شعب الإيمان : ٧ / ٢٨٢ / ١٠٣١٤ کلها عن أبي هريره ، كنز العمال : ٣ / ٢٢٠ / ٦٢٤١ .
 - ٢- تفسير الطبري : ١٣ / الجزء ٢٥ / ٣٠ عن قتاده ، تفسير الكشاف : ٣ / ٤٠٤ ؛ تفسير نور الثقلين : ٤ / ٥٧٩ / ٩١ .
 - ٣- تنبيه الخواطر : ١ / ١٢٧ .
 - ٤- صحيح البخاري : ٤ / ١٤٨٦ / ٣٨١٦ وج ١ / ٤٥١ / ١٢٧٩ نحوه ، السنن الكبرى : ٤ / ٢١ / ٦٨١٠ ، الطبقات الكبرى : ٢ / ٢٠٥ ، الزهد لابن المبارك : ١٧٥ / ٥٠٤ کلها عن عقبه بن عامر ، كنز العمال : ٣ / ٢١٩ / ٦٢٣٨ .
 - ٥- الخصال : ١٦٤ / ٢١٦ عن محمد بن كعب ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٦٣ / ٧ .

۱ / ۷ زیان های فخرفروشی با ثروت ، بیش از زیان های فقر است

۱ / ۷ زیان های فخرفروشی با ثروت ، بیش از زیان های فقر استپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من از فقر بر شما بیم ندارم ؛ اما از فخرفروشی با ثروت ، بر شما بیم دارم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آن چه بیش از همه بر امت خود ، از آن بیمناکم ، شکوه و افزونی دنیا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بیش از هر چیز ، بر امت خود ، از آن بیم دارم که مالشان فراوان گردد و حسد ورزند و یکدیگر را بکشند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من بر شما از شرک و ورزیدن بیم ندارم ؛ بلکه از آن بیم دارم که در دنیا اندوزی زیاده روی کنید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جز این نیست که بر امت خود ، پس از خویش ، از سه چیز می ترسم : قرآن را ناروا تأویل کنند ؛ به دنبال لغزش عالم روند ؛ و یا آن قدر مال در میانشان رواج یابد که به سرکشی و طغیان درافتند .

عنه صلى الله عليه وآله: لَأَنَا فِي فِتْنَةِ السَّرَّاءِ أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنْ فِتْنَةِ الضَّرَّاءِ ؛ إِنَّكُمْ قَدْ ابْتَلَيْتُمْ بِفِتْنَةِ الضَّرَّاءِ فَصَبِرْتُمْ ، وَإِنَّ الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ . (١)

صحيح مسلم عن أبو سعيد الخدرى: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ زَهْرِهِ الدُّنْيَا . قَالُوا : وَمَا زَهْرُهُ الدُّنْيَا يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : بَرَكَاتُ الْأَرْضِ . (٢)

السنن الكبرى عن عبد الله بن حوالة: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَشَكَّوْنَا إِلَيْهِ الْعُرَى وَالْفَقْرَ وَقَلَّ الشَّيْءُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَبْشِرُوا ! فَوَاللَّهِ لَأَنَا بِكَثْرَةِ الشَّيْءِ أَخَوْفُنِي عَلَيْكُمْ مِنْ قَلْتِهِ . (٣)

مسند ابن حنبل عن عوف بن مالك: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ فِي أَصْحَابِهِ فَقَالَ : أَلْفَقَرٌ تَخَافُونَ؟ أَوْ الْعَوَزُ؟ أَوْ تُهْمُكُمْ الدُّنْيَا؟ فَإِنَّ اللَّهَ فَاتِحٌ لَكُمْ أَرْضَ فَارِسَ وَالرُّومِ ، وَتُصَبُّ عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا صَبًّا حَتَّى لَا يُرِيغَنَّكُمْ بَعْدَى إِنْ أَزَاعَكُمْ إِلَّا هِيَ . (٤)

مسند ابن حنبل عن أبو ذرٍّ: قَامَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَكَلْتَنَا الضَّمْعُ . قَالَ : غَيْرُ ذَلِكَ أَخَوْفٌ لِي عَلَيْكُمْ ؛ الدُّنْيَا إِذَا صُبَّتْ عَلَيْكُمْ صَبًّا ، فَيَا لَيْتَ أُمَّتِي لَا يَلْبَسُونَ الذَّهَبَ ! (٥)

١- مسند أبي يعلى : ١ / ٣٦٤ / ٧٧٦ ، شعب الإيمان : ٧ / ٢٨٠ / ١٠٣٠٨ ، حليه الأولياء : ١ / ٩٣ / ٩٣ ، كنها عن سعد [ابن أبي وقاص] ، كنز العمال : ٣ / ٢٥٧ / ٦٤٣١ .

٢- صحيح مسلم : ١٢٢ / ٢٧٢٨ / ٢ ، صحيح البخارى : ٦٠٦٣ / ٥٢٣٦٢ / ٥ ، نحوه ؛ تنبيه الخواطر : ١ / ١٣٣ .

٣- السنن الكبرى : ٩ / ٣٠٢ / ١٨٦٠٩ ، حليه الأولياء : ٢ / ٣ ، دلائل النبوه لأبى نعيم : ٢ / ٤٧٨ / ٥٤٦ ، كنز العمال : ١٤ / ١٥٥ / ٣٨٢١٨ .

٤- مسند ابن حنبل : ٣٧ / ٢٤٠٣٧ / ٩ ، المعجم الكبير : ٩٣ / ١٨ / ٥٢ ، وراجع سنن ابن ماجه : ٤ / ١ / ٥ .

٥- مسند ابن حنبل : ٨ / ٨٥ / ٢١٤٢٨ ، المعجم الأوسط : ٣٩٦٤ / ١٩٨ / ٤ ، كلاهما نحوه ، كنز العمال : ٣ / ٢١٩ / ٦٢٣٩ / .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه من از فتنه گشاده دستی، بیش از فتنه تنگدستی، بر شما بیمناکم. شما به فتنه تنگدستی آزموده شده اید؛ پس شکبیا باشید که دنیا خوش نقش و شیرین است.

صحیح مسلم از ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بیش از هر چیز، از شکوه و زیبایی دنیا که خدا ارزانی تان می دارد، بر شما بیمناکم». گفتند: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! شکوه دنیا چیست؟» فرمود: «برکت های زمین».

السنن الکبری از عبدالله بن حواله: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و از بی جامگی و فقر و کم مایگی به او شکایت بردیم. فرمود: «مژده باد شما را؛ به خدا سوگند که از پرمایگی بیش از کم مایگی بر شما بیمناکم».

مسند ابن حنبل از عوف بن مالک: رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان یارانش به پا خاست و فرمود: «آیا از فقر بیم دارید یا از تنگدستی یا دنیا برای شما اهمیت دارد؟ همانا خداوند سرزمین فارس و روم را بر شما می گشاید و دنیا بسی فراوان بر شما نعمت ریزد، چندان که پس از من، هیچ چیز جز دنیا مایه گمراهی شما نگردد».

مسند ابن حنبل از ابوذر: عربی بیابان نشین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «قحطی ما را کشت». فرمود: «بر شما از چیزی بیش از این می ترسم. و آن، هنگامی است که دنیا بسیار بر شما نعمت ریزد. ای کاش امت من طلا بر خویش نمی پوشاندند».

سنن ابن ماجه عن أبو الدرداء: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَدَّكَرُ الْفَقْرَ وَنَتَخَوَّفُهُ ، فَقَالَ : أَلْفَقْرَ تَخَافُونَ ؟ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَصِيبَنَّ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا صَبَا حَتَّى لَا يُزَيِّعَ قَلْبَ أَحَدِكُمْ إِزَاعَهُ إِلَّا هَيْهَاتَا ! وَإِيْمُ اللَّهِ ، لَقَدْ تَرَكْتُكُمْ عَلَى مِثْلِ الْبِيضَاءِ ، لَيْلَهَا وَنَهَارُهَا سَوَاءٌ . (١)

صحيح البخارى عن أبو سعيد الخدرى: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَلَسَ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى الْمِثْرَةِ وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ ، فَقَالَ : إِنِّي مِمَّا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي مَا يُفْتَحُ عَلَيْكُمْ مِنْ زَهْرَةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا . فَقَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَوْ يَأْتِي الْخَيْرُ بِالْشَّرِّ ؟ فَسَيَكْتُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . فَقِيلَ لَهُ : مَا شَأْنُكَ تُكَلِّمُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا يَهْوَلُ يُكَلِّمُكَ ؟! فَرَأَيْنَا أَنَّهُ يُنْزَلُ عَلَيْهِ ، قَالَ : فَمَسَّحَ عَنْهُ الرُّحْضَاءَ ، فَقَالَ : أَيْنَ السَّائِلُ ؟ وَكَأَنَّهُ حَمِدَهُ فَقَالَ : إِنَّهُ لَا يَأْتِي الْخَيْرُ بِالْشَّرِّ ، وَإِنَّ مِمَّا يُنْبِتُ الرَّبِيعَ يَقْتُلُ أَوْ يُلِيمُ ، إِلَّا آكَلَهُ الْخَضْرَاءُ أَكَلَتْ حَتَّى إِذَا امْتَدَّتْ خَاصِرَتَاهَا اسْتَقْبَلَتْ عَيْنَ الشَّمْسِ ، فَتَلَطَّتْ وَبَالَتْ وَرَتَعَتْ وَإِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ ، فَنِعْمَ صَاحِبُ الْمُسْلِمِ مَا أَعْطَى مِنْهُ الْمِسْكِينَ وَالْيَتِيمَ وَابْنَ السَّبِيلِ أَوْ كَمَا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِنَّهُ مَنْ يَأْخُذْهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يَشْبَعُ ، وَيَكُونُ شَهِيدًا عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٢)

صحيح البخارى عن عمرو بن عوف: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ الْجَرَّاحِ إِلَى الْبَحْرَيْنِ يَأْتِي بِجَزَيْتِهَا ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ صَالِحُ أَهْلِ الْبَحْرَيْنِ وَأَمْرٌ عَلَيْهِمُ الْعَلَاءُ بْنُ الْحَضْرَمِيِّ . فَقَدِمَ أَبُو عُبَيْدَةَ بِمَالٍ مِنَ الْبَحْرَيْنِ ، فَسَيِّمَعَتِ الْأَنْصَارُ بِقُدُومِ أَبِي عُبَيْدَةَ ، فَوَافَتِ صِيْلَةَ الصُّبْحِ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا صَلَّى بِهِمُ الْفَجْرَ انصَرَفَ ، فَتَعَرَّضُوا لَهُ ، فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِمْ رَأَاهُمْ وَقَالَ : أَظُنُّكُمْ قَدْ سَيِّمَعْتُمْ أَنَّ أَبَا عُبَيْدَةَ قَدْ جَاءَ بِشَيْءٍ ! قَالُوا : أَجَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : فَأَبِشِّرُوا وَأَمْلُوا مَا يَسُرُّكُمْ ! فَوَاللَّهِ لَا الْفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ ، وَلَكِنْ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُبْسَطَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا ، وَتُهْلِكُكُمْ كَمَا أَهْلَكْتَهُمْ . (٣)

١- سنن ابن ماجه : ١ / ٤ / ٥ ، كنز العمال : ١١ / ٣٧٠ / ٣١٧٧٨ .

٢- صحيح البخارى : ٢ / ٥٣٢ / ١٣٩٦ ، صحيح مسلم : ٢ / ٧٢٩ / ١٢٣ ، مسند ابن حنبل : ٤ / ١٨١ / ١١٨٦٥ ، سنن النسائى : ٥ / ٩٠ / ٩٠ كلها نحوه وراجع سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٢٣ / ٣٩٩٥ .

٣- صحيح البخارى : ٣ / ١١٥٢ / ٢٩٨٨ وج ٤ / ١٤٧٣ / ٣٧٩١ وليس فيه «صلى بهم الفجر» ، صحيح مسلم : ٤ / ٢٢٧٤ / ٦ ، سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٢٤ / ٣٩٩٧ ، سنن الترمذى : ٤ / ٦٤١ / ٢٤٦٢ ، مسند ابن حنبل : ٦ / ١٠٥ / ١٧٢٣٤ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ٣ / ١٩٩ / ٦١٦١ .

سنن ابن ماجه از ابودرداء: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد، در حالی که از فقر سخن گفته، از آن بیمناک بودیم. فرمود: «آیا از فقر می ترسید؟ سوگند به آن که جانم در دست او است، دنیا آن قدر بر شما نعمت ریزد که هیچ چیز جز آن، دلتان را به باطل نگرایاند، به خدا سوگند! شما را ترک کردم [در حالی که هیچ مالی باقی ننهادم] همچون صفحه ای سراسر سپید که تاریک و روشنش یکسان باشد».

صحیح البخاری از ابو سعید خدری: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و ما گردش فراز آمدیم. فرمود: «پس از خویش، بر شما از زیبایی دنیا و زیور آن بیمناکم». مردی گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیا خیر، شر می آورد؟» پیامبر سکوت کرد. به آن مرد گفته شد: «چه کرده ای که با پیامبر سخن می گویی و او پاسخت نمی دهد؟» سپس دیدیم که پیامبر به حالت دریافت وحی است. پس عرق از رخسار خود زدود و فرمود: «آن پرسنده کجا است؟» گویا قصد ستودنش را داشته باشد. سپس فرمود: «هر آینه خیر، شر نمی آورد. برخی از آن چه بهار [از زمین] می رویاند، می کُشد یا نزدیک است که بکُشد؛ مگر برای علف خواری که آن قدر می خورد تا برابر قرص خورشید پای دراز کند و سرگین افکند و بول کند و بچرد. همانا این مال، خرم و شیرین است. پس نیکو است مالی که همراه مسلمانی باشد که از آن، به بینوا و یتیم و در راه مانده احسان ورزد یا تعبیری دیگر که پیامبر فرموده است؛ و هر آینه آن کس که مال را به ناروا فراهم آورد، همانند همان است که می خورد و سیر نمی شود؛ و روز قیامت، مال بر زیان وی گواهی دهد».

صحیح البخاری از عمرو بن عوف: رسول خدا صلی الله علیه و آله ابو عبیده بن جراح را به بحرین فرستاد تا جزیه آن را بستاند. پیش تر، پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم بحرین مصالحه نموده، علاء بن حضرمی را بر ایشان به ولایت گماشته بود. پس ابو عبیده با مالی از بحرین بازگشت. انصار شنیدند که وی باز آمده است. او نماز صبح را با پیامبر به جای آورد و چون نماز را با ایشان نهاد، خواست باز گردد. افراد بر راه او درآمدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با دیدن آنان لبخندی زد و فرمود: «گمان دارم که شنیده اید ابو عبیده با مالی باز آمده است». گفتند: «آری؛ ای رسول خدا صلی الله علیه و آله!» فرمود: «پس شادمان باشید و به آن چه خرسندتان کند، امیدواری ورزید! به خدا سوگند؛ من از فقر بر شما بیم ندارم؛ بلکه از آن بر شما می ترسم که دنیا بر شما گشاده گردد، همان گونه که بر پیشینیان بود؛ و آن گاه در آن به رقابت و افزون خواهی پردازید، همان گونه که پیشینیان پرداختند؛ و شما را هلاک سازد، همان سان که ایشان را هلاک کرد».

صحيح البخارى عن عقبه بن عامر: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيَّ قَتْلِي أُخِيْدُ بَعْدَ ثَمَانِي سِنِينَ كَمَا الْمَوْدَعُ لِلأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ ، ثُمَّ طَلَعَ الْمِئْبَرُ فَقَالَ : إِنِّي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ فَرَطٌ ، وَأَنَا عَلَيْكُمْ شَهِيدٌ ، وَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْحَوْضُ ، وَإِنِّي لَأَنْظُرُ إِلَيْهِ مِنْ مَقَامِي هَذَا ، وَإِنِّي لَسْتُ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا ، وَلَكِنِّي أَخْشَى عَلَيْكُمْ الدُّنْيَا أَنْ تَنَافَسُوهَا . قَالَ : فَكَانَتْ آخِرَ نَظَرِهِ نَظَرُهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (١)

١ / ٨ مضارُّ التَّكَاثُرِ ١ / ٨ الطُّغْيَانُ الكِتَابُ : «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ . (٢)»

١- صحيح البخارى : ٤/١٤٨٦/٣٨١٦ ، السنن الكبرى : ٤/٢١/٦٨١٠ ، كنز العمال : ٣/٢١٩/٦٢٣٨ وراجع مسند ابن حنبل : ٦ /

١٢٩ / ١٧٣٤٩ .

٢- الشورى : ٢٧ .

۱ / ۸ زیان های فخرفروشی با ثروت

۱ / ۸ سرکشی

صحیح البخاری از عقبه بن عامر: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هشت سال ، بر کشتگان اُحد درود داد ، همچون درود دادن به زندگان و مردگان . سپس بر منبر فراز گشت و فرمود : «من پیش تر از شما از دنیا می روم بر شما گواه خواهم بود ؛ و با من بر کناره حوض وعده خواهید داشت که من از همین جایگاه آن را می بینم . بیم من از آن نیست که شرک ورزید ؛ بلکه از آن بیم دارم که بر سر دنیا رقابت کنید» . و این ، واپسین بار بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم .

۱ / ۸ زیان های فخرفروشی با ثروت ۱ / ۸ سرکشیقرآن: «و اگر خداوند روزی را بر بندگان خود فراخ می کرد ، هر آینه در زمین ، ستم و سرکشی می کردند.»

«آری؛ هر آینه آدمی سرکشی می کند و از حد می گذرد* از آن رو که خود را بی نیاز و توانگر بیند.»

«كَأَنَّ الْأَيْنِسَانَ لِيَطْعَى * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى . (١)»

«لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَفَتَلَهُمُ الْأَمْنِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ . (٢)»

الحديث: الإمام عليّ عليه السلام: «إِنَّمَا أُنزِلَتْ هَذِهِ آيَةٌ فِي أَصْحَابِ الصُّفَّةِ : «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ» ؛ وَذَلِكَ أَنَّهُمْ قَالُوا : لَوْ أَنَّ لَنَا ! فَتَمَنَّوْا الدُّنْيَا . (٣)»

عنه عليه السلام: الغنى يُطغى . (٤)

عنه عليه السلام في بيان عجائب قلب الإنسان: «إِنْ أَفَادَ مَالًا أَطْعَاهُ الْغِنَى ، وَإِنْ عَصَّتْهُ فَاقَهُ شَغْلُهُ الْبَلَاءُ ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّهُ الْجَزَعُ . (٥)»

عنه عليه السلام: ثَرَوُهُ الْمَالِ تُرْدِي وَتُطْغَى وَتَفْنَى . (٦)

١- .العلق : ٦ و ٧ .

٢- .آل عمران : ١٨١ .

٣- .المستدرک علی الصحیحین : ٢ / ٤٨٣ / ٣٦٦٣ عن عبد الله بن سخره ، الدر المنثور : ٧ / ٣٥٢ نقلاً عن غير واحد .

٤- .غرر الحكم : ٢٣ .

٥- .الكافي : ٨ / ٢١ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام ، نهج البلاغه : الحكمه ١٠٨ ، الإرشاد : ١ / ٣٠١ ، علل

الشرايع : ١٠٩ / ٧ عن محمد بن سنان يرفعه إلى الإمام عليّ عليه السلام ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ٩٨ ، تحف العقول :

٩٥ ؛ كنز العمال : ١ / ٣٤٩ / ١٥٦٧ نقلاً عن حليه الأولياء .

٦- .غرر الحكم : ٤٧٠٧ .

«همانا خداوند سخن کسانی را که گفتند: خدا نیازمند است و ما توانگریم، شنید. زودا که آن چه را گفتند و این که پیامبران را به ناحق کشتند، بنویسیم و گوئیم: بچشید عذاب سوزان را.»

حدیث: امام علی علیه السلام: جز این نیست که این آیه درباره یاران صُفّه نازل گشت: «و اگر خداوند روزی را بر بندگان خود فراخ می کرد، هر آینه در زمین، ستم و سرکشی می کردند. لیکن بدان اندازه که خواهد، نازل فرماید». و این از آن روی بود که گفتند: «کاش از آن ما بود!» پس دنیا را آرزو کردند.

امام علی علیه السلام: توانگری سرکشی آورد.

امام علی علیه السلام در بیان شگفتی های دل آدمی: اگر از مال بهره مند گردد، توانگری به سرکشی اش کشاند؛ و اگر تنگدستی به او روی آورد، بلاوی را به خود سرگرم سازد؛ و اگر مصیبتی به وی رسد، بی تابی رسوایش کند.

امام علی علیه السلام: مال اندوزی مایه هلاکت و سرکشی و نیستی است.

١ / ٨ نسيان اللّٰه الكتاب: «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ . (١)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله :إِحْدَرُوا الْمَالَ! فَإِنَّهُ كَانَ فِي مَا مَضَى رَجُلٌ قَدْ جَمَعَ مَالًا وَوَلَدًا وَأَقْبَلَ عَلَى نَفْسِهِ (وَعِيَالِهِ) وَجَمَعَ لَهُمْ فَأَوْعَى ، فَأَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ فَفَرَعَ بَابَهُ وَهُوَ فِي زِيٍّ مِسْكِينٍ ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ الْحُجَابُ ، فَقَالَ لَهُمْ : اُدْعُوا إِلَيَّ سَيِّدُكُمْ . قَالُوا : أَوْ يَخْرُجُ سَيِّدُنَا إِلَى مِثْلِكَ ؟! وَدَفَعُوهُ حَتَّى نَحْوَهُ عَنِ الْبَابِ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فِي مِثْلِ تِلْكَ الْهَيْئَةِ وَقَالَ : اُدْعُوا إِلَيَّ سَيِّدُكُمْ وَأَخْبِرُوهُ أَنِّي مَلَكُ الْمَوْتِ . فَلَمَّا سَمِعَ سَيِّدُهُمْ هَذَا الْكَلَامَ قَعَدَ (خَائِفًا) فَرَقَا ، وَقَالَ لِأَصْحَابِهِ : لَيْنُوا لَهُ فِي الْمَقَالِ وَقُولُوا لَهُ : لَعَلَّكَ تَطْلُبُ غَيْرَ سَيِّدِنَا بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ ! قَالَ لَهُمْ : لَا . وَدَخَلَ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ : قُمْ فَأَوْصِ مَا كُنْتَ مَوْصِيًا ؛ فَإِنِّي قَابِضُ رَوْحِكَ قَبْلَ أَنْ أُخْرَجَ . فَصَاحَ أَهْلُهُ وَبَكَوْا ، فَقَالَ : اِفْتَحُوا الصَّنَادِيقَ وَاكْتُبُوا (اَكْتُبُوا) مَا فِيهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ . ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الْمَالِ يَسْتَبُهُ وَيَقُولُ لَهُ : لَعَنَكَ اللَّهُ يَا مَالُ ! أَنَسَيْتَنِي ذِكْرَ رَبِّي ، وَأَغْفَلْتَنِي عَنِ أَمْرِ آخِرَتِي ؛ حَتَّى بَعْتَنِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا قَدْ بَعْتَنِي . فَأَنْطَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَالَ فَقَالَ : لِمَ تَسْتَبِنِي وَأَنْتَ الْأَمُّ مِنِّي ؟! أَلَمْ تَكُنْ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ حَقِيرًا فَرَفَعوكَ لَمَّا رَأَوْا عَلَيْكَ مِنْ أَثَرِي ؟! أَلَمْ تَحْضُرْ أَبْوَابَ الْمُلُوكِ وَالسَّادَةِ وَيَحْضُرُهَا الصَّالِحُونَ فَتَدْخُلَ قَبْلَهُمْ وَيُؤَخَّرُونَ ؟! أَلَمْ تَحْطُبْ بَنَاتِ الْمُلُوكِ وَالسَّادَاتِ وَيَخْطُبُهُنَّ الصَّالِحُونَ فَتُنْكَحَ وَيُرَدُّونَ ؟! فَلَوْ كُنْتَ تُنْفِقُنِي فِي سَبِيلِ الْخَيْرَاتِ لَمْ أَمْتِنِعْ عَلَيْكَ ، وَلَوْ كُنْتَ تُنْفِقُنِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ أَنْقُصْ عَلَيْكَ ، فَلِمَ تَسْتَبِنِي وَأَنْتَ الْأَمُّ مِنِّي ؟! وَإِنَّمَا خَلَقْتُ أَنَا وَأَنْتَ مِنْ تُرَابٍ ؛ فَأَنْطَلِقُ (تُرَابًا بَرِيئًا) وَمُنْطَلِقُ أَنْتَ يَا ثَمِي . هَكَذَا يَقُولُ الْمَالُ لِصَاحِبِهِ ! (٢)

١- .المنافقون : ٩ .

٢- .عدّه الداعي : ٩٥ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٢٤ / ٢٧ .

۱ / ۲۸ فراموش کردن خدا

۱ / ۲۸ فراموش کردن خداقرآن: «ای کسانی که ایمان آورده اید ، مال ها و فرزندان شما را از یاد کرد خدا سرگرم نکنند؛ و هر که چنان کند ، ایشانند زیانکاران .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از مال برحذر باشید ؛ که در روزگاران پیش ، مردی بود که مال و فرزند گرد می آورد و به خود و خانواده اش می پرداخت و برای ایشان مال جمع می کرد . پس فرشته مرگ نزد وی آمد و در جامه بینوایی ، در بکوفت . دربانان به سوی وی رفتند . به آنان گفت: «سرور خود را نزد من فراخوانید» . گفتند: «آیا سرور ما به دیدار کسی چون تو آید؟» سپس وی را راندند تا از آستانه خانه دورش کردند . دیگر بار ، آن فرشته با همان شکل آمد و گفت: «سرور خود را نزد من فراخوانید و آگاهش کنید که من فرشته مرگم» . سرور آنان چون این کلام را شنید ، بیمناک و بس هراسان برنشست و به یارانش گفت: «با وی نرم سخن رانید و به وی بگویید : خدایت برکت دهد! شاید به دنبال کسی جز سرور ما هستی» . گفت: «نه!» سپس بر وی درون شد و به او گفت: «برخیز و هر چه خواهی ، وصیت کن ؛ که من پیش از بیرون شدن ، جانت را می ستانم» . خانواده اش بانگ برآورده ، گریستند . مرد گفت: «صندوق ها را بگشایید و هر چه زر و سیم در آن است ، فهرست گیرید» . آن گاه ، آن مرد به مال خود روی کرد و آن را دشنام داده ، گفت: «خدایت لعنت کناد! یاد پروردگارم را از خاطر بردی و از کار آخرت غافلم کردی ؛ چندان که مرا در کار خدا به سرکشی واداشتی» . سپس خدای تعالی آن مال را به سخن درآورد . مال گفت: «چرا مرا دشنام می دهی ، حال آن که تو از من نکوهیده تر هستی؟ آیا تو در چشم مردم ، کوچک نبودى و چون اثر مرا در تو دیدند ، گرامی ات داشتند؟ آیا در محضر شاهان و بزرگان ، همراه شایستگان حضور نیافتی و پیش از ایشان وارد نشدی؟ آیا دختران شاهان و بزرگان را به همسری نگرفتی ، حال آن که شایستگان هم آنان را خواستگار بودند ، اما تو پذیرفته شدی و ایشان پذیرفته نگشتند؟ اگر مرا در راه خیرها صرف می کردی ، تو را باز نمی داشتم ؛ و اگر در راه خدا مصرف می نمودی ، تو را نکوهش نمی کردم . پس چرا مرا دشنام می دهی ، حال آن که تو از من نکوهیده تری؟ من و تو از خاک آفریده شدیم ؛ و اینک من همان خاک پاکم و تو به گناه من آلوده ای» . چنین گوید مال به صاحب خویش!

الكافي عن أبو بصير: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْ مِنْ قَبْلِهِ شَيْءٌ شَدِيدٌ الْحَاجَةِ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، وَكَانَ مُلَازِمًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كُلِّهَا لَا يَفْقِدُ فِي شَيْءٍ مِنْهَا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرِيقُ لَهُ وَيَنْظُرُ إِلَى حَاجَتِهِ وَغُرْبَتِهِ فَيَقُولُ: يَا سَعْدُ، لَوْ قَدْ جَاءَنِي شَيْءٌ لِأَغْنِيَتِكَ. قَالَ: فَأَبْطَأَ ذَلِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاشْتَدَّ غَمُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِسَعْدٍ، فَعَلِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَا دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مِنْ غَمِّهِ لِسَعْدٍ، فَاهْتَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ دِرْهَمَانِ، فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ مَا قَدْ دَخَلَكَ مِنَ الْغَمِّ لِسَعْدٍ، أَفَتَحِبُّ أَنْ تُغْنِيَهُ؟ فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ، فَقَالَ لَهُ: فَهَآكَ هَذَيْنِ الدَّرْهَمَيْنِ فَأَعْطِيَهُمَا إِيَّاهُ وَمُرَّهُ أَنْ يَتَّجَرَ بِهِمَا. قَالَ: فَأَخَذَ [هُمَا] رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى صَيْلَانِ الظُّهْرِ وَسَعِدٌ قَائِمٌ عَلَى بَابِ حُجْرَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَنْتَظِرُهُ، فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: يَا سَعْدُ، أَتَحْسِنُ التَّجَارَةَ؟ فَقَالَ لَهُ سَعِدٌ: وَاللَّهِ مَا أَصْبَحْتُ أُمْلِكُ مَا لَا أَتَّجِرُ بِهِ، فَأَعْطَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرْهَمَيْنِ وَقَالَ لَهُ: اتَّجِرْ بِهِمَا وَتَصَيِّرْ لِرِزْقِ اللَّهِ. فَأَخَذَهُمَا سَعِدٌ وَمَضَى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى صَلَّى مَعَهُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُمْ فَاطْلُبِ الرِّزْقَ؛ فَقَدْ كُنْتُ بِحَالِكَ مُغْتَمًّا يَا سَعْدُ. قَالَ: فَأَقْبَلَ سَعِدٌ لَا يَشْتَرِي بِدِرْهَمٍ شَيْئًا إِلَّا بَاعَهُ بِدِرْهَمَيْنِ، وَلَا يَشْتَرِي شَيْئًا بِدِرْهَمَيْنِ إِلَّا بَاعَهُ بِأَرْبَعَةِ دِرَاهِمٍ، فَأَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ؛ فَكَثُرَ مَتَاعُهُ وَمَالُهُ وَعَظُمَتِ تِجَارَتُهُ، فَاتَّخَذَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ مَوْضِعًا وَجَلَسَ فِيهِ فَجَمَعَ تِجَارَتَهُ إِلَيْهِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَقَامَ بِلَالٌ لِلصَّلَاةِ يَخْرُجُ وَسَعِدٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا؛ لَمْ يَتَطَهَّرْ وَلَمْ يَتَهَيَّأْ كَمَا كَانَ يَفْعَلُ قَبْلَ أَنْ يَتَشَاغَلَ بِالدُّنْيَا، فَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: يَا سَعْدُ، شَغَلَتْكَ الدُّنْيَا عَنِ الصَّلَاةِ! فَكَانَ يَقُولُ: مَا أَصْنَعُ؟! أَضَيِّعُ مَالِي؟! هَذَا رَجُلٌ قَدْ بَعَثَهُ فَأُرِيدُ أَنْ أَسْتَوْفِيَ مِنْهُ، وَهَذَا رَجُلٌ قَدْ اشْتَرَيْتُ مِنْهُ فَأُرِيدُ أَنْ أُوفِيَهُ. قَالَ: فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ أَمْرِ سَعْدٍ غَمًّا أَشَدَّ مِنْ غَمِّهِ بِفَقْرِهِ، فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ غَمَّكَ بِسَعْدٍ، فَأَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ: حَالُهُ الْأُولَى أَوْ حَالُهُ هَذِهِ؟ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا جَبْرَائِيلُ، بَلْ حَالُهُ الْأُولَى، قَدْ أَذْهَبَتْ دُنْيَاهُ بِأَخْرَجَتْهُ. فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا وَالْأَمْوَالَ فِتْنَةٌ وَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ، قُلْ لِسَعْدٍ يَرُدُّ عَلَيْكَ الدَّرْهَمَيْنِ اللَّذَيْنِ دَفَعْتَهُمَا إِلَيْهِ؛ فَإِنَّ أَمْرَهُ سَيَصِيرُ إِلَى الْحَالَةِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا أَوَّلًا. قَالَ: فَخَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ فَمَرَّ بِسَعْدٍ، فَقَالَ لَهُ: يَا سَعْدُ، أَمَا تُرِيدُ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ الدَّرْهَمَيْنِ اللَّذَيْنِ أَعْطَيْتُكَهُمَا؟ فَقَالَ سَعِدٌ: بَلَى وَمِائَتَيْنِ! فَقَالَ لَهُ: لَسْتُ أُرِيدُ مِنْكَ يَا سَعِدُ إِلَّا الدَّرْهَمَيْنِ. فَأَعْطَاهُ سَعِدٌ دِرْهَمَيْنِ. قَالَ: فَادْبَرَتْ الدُّنْيَا عَلَى سَعْدٍ حَتَّى ذَهَبَ مَا كَانَ جَمَعَ، وَعَادَ إِلَى حَالِهِ الَّتِي كَانَ عَلَيْهَا. (١)

الکافی از ابوبصیر: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «در روزگار رسول خدا صلی الله علیه و آله من فقیری بود که از اهل صُیْفَه و بسیار نیازمند بود و همواره در اوقات نماز، با وی همراهی می کرد و هیچ وقتی را از دست نمی داد. پیامبر صلی الله علیه و آله به وی مهر می ورزید و نیازمندی و غربتش را مراقب بود و به او می فرمود: «ای سعد! اگر مالی مرا رسد، تو را بی نیاز خواهم کرد». این مدت بر پیامبر طولانی گشت و اندوه وی برای سعد شدت گرفت. خدای سبحان از اندوه او برای سعد آگاه شد؛ پس جبرئیل را با دو درهم بر وی نازل فرمود. او گفت: «ای محمّد! خداوند اندوهت را برای سعد دریافت؛ آیا می خواهی وی را توانگر کنی؟» فرمود: «آری». گفت: «این دو درهم را به او بخش و فرمائش ده که با آن دو تجارت کند». رسول خدا صلی الله علیه و آله آن دو درهم را گرفت و برای نماز ظهر بیرون شد، حال آن که سعد بر آستانه خانه پیامبر انتظار وی را می کشید. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید، فرمود: «ای سعد! آیا با تجارت، نیک آشنایی؟» سعد پاسخ داد: «خدای را سوگند که تا کنون مالی نداشته ام که با آن تجارت کنم». پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو درهم را به وی بخشید و فرمود: «با این دو تجارت کن و روزی خدا را بجوی». سعد آن دو درهم را ستاند و همراه پیامبر روان گشت تا نماز ظهر و عصر را به جا آورد. سپس پیامبر به وی فرمود: «ای سعد! برخیز و روزی خدای را بجوی؛ که من از وضع تو اندوهگین بودم». سعد در پی کار روان شد و هر چیز را که به یک درهم خرید، به دو درهم فروخت؛ و هر چه را به دو درهم خرید، به چهار درهم فروخت. پس دنیا به سعد روی آورد و کالا و مالش بسیار شد و تجارتش رونق گرفت. پس بر در مسجد جایگاهی گرفت و در آن جای بنشست و تجارت خویش را در آن مکان گرد آورد. چون بلال اذان نماز را می داد، پیامبر صلی الله علیه و آله برای نماز بیرون می شد، حال آن که سعد به کار دنیا مشغول بود و هنوز وضو نساخته و مهیای نماز نبود، چنان که پیش از پرداختن به دنیا مهیا می شد. پیامبر به وی می فرمود: «ای سعد! دنیا تو را از نماز غافل کرده است». او می گفت: «چه کنم؟ آیا مالم را تباه سازم؟ این مردی است که به او چیزی فروخته ام و اینک می خواهم مالم را از او بستانم؛ و این مردی است که از او چیزی خریده ام و اکنون می خواهم حق وی را بپردازم». پس پیامبر را از کار سعد اندوهی در گرفت، بسی سخت تر از آن چه در فقر او در گرفته بود. آن گاه، جبرئیل بر وی فرود آمد و گفت: «ای محمّد! خداوند اندوه تو را برای سعد دریافت. کدام یک برایت خواستنی تر است: حال نخست او یا حال کنونی اش؟» پیامبر فرمود: «ای جبرئیل! حال نخست او؛ زیرا دنیایش آخرت وی را تباه کرده است». جبرئیل گفت: «همانا دوستی دنیا و اموال آن، فتنه و مایه بازداشته شدن از آخرت است. به سعد بگو که آن دو درهم را که به وی داده بودی، به تو باز دهد. آن گاه، حال وی به شکل نخست باز خواهد گشت». پس پیامبر بیرون شد و بر سعد برگذشت و به او گفت: «ای سعد! آیا نمی خواهی دو درهمی را که به تو داده بودم، باز پس دهی؟» سعد گفت: «آری؛ بلکه دوپست درهم باز می دهم». فرمود: «از تو جز همان دو درهم نمی خواهم، ای سعد!» پس سعد آن دو درهم را به وی باز داد. آن گاه، دنیا به سعد پشت کرد، چندان که هر چه گرد آورده بود، از دست رفت و او به همان حال نخست باز گشت.

١ / ٨ / ٣ التَّخْلُفُ عَنِ الْجِهَادِ الْكِتَابُ: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَنْذِنُونَكَ وَهُمْ أَعْتِيََاءُ رِضْوَانًا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . (١)»

«وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذِنَكَ أُولُو الطُّولِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ . (٢)»

١ / ٨ / ٤ الاستدراج الكتاب: «أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَيْنٍ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ . (٣)»

«وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا * وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولَى النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ قَلِيلًا . (٤)»

١- التوبة: ٩٣ .

٢- التوبة: ٨٦ .

٣- المؤمنون: ٥٥ و ٥٦ .

٤- المزمل: ١٠ و ١١ .

۱ / ۳۸ سرپیچی از جهاد

۱ / ۴۸ پله پله فرو افتادن

۱ / ۳۸ سرپیچی از جهاد قرآن: «راه [سرزنش و عقوبت] تنها بر کسانی است که در حالی که توانگرند، از تو رخصت می خواهند؛ خشنودند که با واپس ماندگان باشند؛ و خدا بر دل های آنان مهر نهاده است؛ از این رو، نمی دانند.»

«و چون سوره ای فرو فرستاده شود که به خدای ایمان آورید و همراه پیامبر او کارزار کنید، توانگرانشان از تو رخصت خواهند و گویند: ما را بگذار تا با نشستگان باشیم.»

۱ / ۴۸ پله پله فرو افتادن قرآن: «آیا می پندارند که آن چه از مال و فرزندان به آنان می دهیم * برای ایشان در نیکی ها شتاب می کنیم؟ نه؛ بلکه نمی فهمند.»

«و بر آن چه می گویند، شکیبیا باش و به شیوه ای نیکو از آنان کناره گیر * و مرا با آن دروغ انگاران کامران و توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده.»

«و کسانی که آیات ما را دروغ شمردند، اندک اندک از جایی که ندانند، گرفتارشان خواهیم ساخت * و آنان را مهلت می دهیم؛ زیرا که تدبیر من استوار است.»

«وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِبَايِنَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَآمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ . (١)»

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّنَفْسِهِمْ إِنَّمَّا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ . (٢)»

الحديث: مسند ابن حنبل عن عقبه بن عامر عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُعْطِي الْعَبْدَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى مَعْصِيَةِ مَا يُحِبُّ ، فَإِنَّمَا هُوَ اسْتِدْرَاجٌ . ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ (٣)» . (٤)

الكافي عن سماعة بن مهران: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» قَالَ : هُوَ الْعَبْدُ يُذْنِبُ الذَّنْبَ ؛ فَتَجَدَّدَ لَهُ النِّعْمَةُ مَعَهُ تَلَهِيهِ تِلْكَ النِّعْمَةُ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ . (٥)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُمَهِّلُ الظَّالِمَ حَتَّى يَقُولَ : قَدْ أَهْمَلَنِي ، ثُمَّ يَأْخُذُهُ أَخَذَهُ رَأِيَهُ . إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ نَفْسُهُ عِنْدَ هَلَاكِ الظَّالِمِينَ فَقَالَ : «فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٦)» . (٧)

١- الأعراف : ١٨٢ و ١٨٣ .

٢- آل عمران : ١٧٨ .

٣- الأنعام : ٤٤ .

٤- مسند ابن حنبل: ١٧٣١٣/١٢٢/٦، المعجم الكبير: ١٧/٣٣١/٩١٣، شعب الإيمان: ٤/١٢٨/٤٥٤٠ كلاهما نحوه ، كنز العمال : ١١ / ٩٠ / ٣٠٧٤٣ ؛ تنبيه الخواطر : ٢ / ٢٣٢ نحوه .

٥- الكافي : ٢ / ٤٥٢ / ٣ ، بحار الأنوار : ١١ / ٢١٨ / ٥ .

٦- الأنعام : ٤٥ .

٧- أعلام الدين : ٣١٥ ، بحار الأنوار : ٧٥ / ٣٢١ / ٥٠ نقلاً عن كنز الفوائد .

«و کسانی که کافر شدند، مپندارند که مهلتی به آنان می دهیم خیر آن ها است؛ همانا مهلتشان می دهیم تا بر گناه بیفزایند؛ و ایشان را عذابی خوار کننده است.»

حدیث: مسند ابن حنبل از عقبه بن عامر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دیدی خداوند بهره دنیا را به بنده ای عطا فرماید تا به گناهانی که خواهد، پردازد، این جز پله پله فرو افتادش نیست. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: «پس چون آن چه را بدان پند داده شدند، فراموش کردند، درهای همه چیز را بر آنان بگشودیم و چون بدان چه داده شدند شادمان گشتند، ناگهان بگرفتیمشان؛ پس همان دم نومید شدند.»

الکافی از سماعه بن مهران: از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند پرسیدم: «اندک اندک از جایی که ندانند، گرفتارشان خواهیم ساخت.» فرمود: «او بنده ای است که گناه می کند و باز نعمتی که با او است، بدو داده می شود و همان نعمت او را از آمرزش خواهی برای آن گناه غافل می کند.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خداوند ظالم را مهلت می دهد تا بگوید: «خدا مرا رها نهاده است.» سپس وی را سخت گرفتار می کند. خداوند خود را به گناه هلاکت ظالمان ستوده و فرموده است: «پس بیخ و بن گروهی که ستم کردند، بریده شد؛ و سپاس و ستایش خدای را است، پروردگار جهانیان.»

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعْطِي الْعِبَادَ مَا يَشَاؤُونَ عَلَى مَعَاصِيهِمْ إِيَّاهُ ، فَذَلِكَ اسْتِدْرَاجٌ مِنْهُ لَهُمْ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعْطِي الْعِبَادَ مَا يُحِبُّونَ وَهُمْ عَلَى مَا يَكْرَهُ ، فَلْيَعْلَمُوا أَنََّّهُمْ فِي اسْتِدْرَاجٍ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُعْطِي عَلَى الْمَعَاصِي ، فَذَلِكَ اسْتِدْرَاجٌ مِنْهُ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَمَدُّو أُنَاهِ وَحِلْمٌ عَظِيمٌ ؛ لَقَدْ حَلُمَ عَنْ كَثِيرٍ عَنِ فِرَاعِنِهِ الْأَوَّلِينَ وَعَاقِبَ فِرَاعِنَهُ ، فَإِنْ يُمَهِّلُهُ اللَّهُ فَلَنْ يَفُوتَهُ ، وَهُوَ لَهُ بِالْمِرْصَادِ عَلَى مَجَازِ طَرِيقِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: إِنَّهُ مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَرَ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجًا ، فَقَدْ أَمِنَ مَخَوفًا . (٥)

عنه عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ النِّعَمَ مَعَ الْمَعَاصِي ، فَهُوَ اسْتِدْرَاجٌ لَكَ . (٦)

الإمام الحسين عليه السلام: الْإِسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسَبِّحَ عَلَيْهِ النِّعَمَ ، وَيَسْلُبَهُ الشُّكْرَ . (٧)

١- الشكر لابن أبي الدنيا: ٢٧ / ٣٢ عن عقبه بن عامر وراجع كنز العمال: ١١ / ٩٠ / ٣٠٧٤٣ .

٢- الفردوس: ١ / ٢٧٦ / ١٠٧٣ عن عقبه بن عامر .

٣- بحار الأنوار: ٦٧ / ١٩٨ نقلًا عن تفسير مجمع البيان .

٤- الإرشاد: ١ / ٢٧٥ ، ولعل «عن فراغته» تصحيف «من فراغته» .

٥- نهج البلاغة: الحكمة ٣٥٨ ، تحف العقول: ٢٠٦ ، التمهيص: ٤٨ / ٧٥ كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ٧٢ / ٥١ / ٧٠ .

٦- غرر الحكم: ٤٠٤٧ .

٧- تحف العقول: ٢٤٦ ، بحار الأنوار: ٧٨ / ١١٧ / ٧ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دیدی خداوند بندگان را با آن که معصیت وی می کنند، هر چه خواهند عطا فرماید، این پله پله فرو افکنندشان از جانب خدا است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون دیدی که خداوند به بندگان هر چه دوست دارند، عطا فرماید، حال آن که ایشان چنانند که او ناخشنود است، پس بدانند که پله پله سقوط می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دیدی خداوند در عین ارتکاب گناهان [بندگان، به ایشان] عطا می فرماید، این پله پله فرو افکندن ایشان است.

امام علی علیه السلام: همانا خداوند دارای بردباری و شکیبایی بسیار است؛ بر فرعون های فراوان در روزگاران پیش شکیبایی ورزیده و برخی را هم کیفر فرموده است. اما اگر خدا کسی را مهلت دهد، او را وانگذارد، بلکه همواره بر مسیر وی در کمین او است.

امام علی علیه السلام: همانا هر که در آن چه دارد، بر وی گشایش آورده شود و او این را نشانه پله پله فرو افتادن نداند، خود را از چیزی هراسناک ایمن پنداشته است.

امام علی علیه السلام: هر گاه دیدی خدای سبحان با آن که مرتکب گناهان می شوی، نعمت ها را به تو عطا می فرماید، این پله پله فرو افتادن تو است.

امام حسین علیه السلام: پله پله فرو افکندن از جانب خدا برای بنده اش چنین است که به وی پیایی نعمت دهد و [توفیق] شکر را از وی بگیرد.

عنه عليه السلام في دُعائه: اللَّهُمَّ لَا تَسْتَدْرِجْنِي بِالْإِحْسَانِ ، وَلَا تُؤَدِّبْنِي بِالْبَلَاءِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَهْبَطَ مَلَكًا إِلَى الْأَرْضِ ، فَلَبِثَ فِيهَا دَهْرًا طَوِيلًا ، ثُمَّ عَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ ، فَقِيلَ لَهُ : مَا رَأَيْتَ ؟ قَالَ : رَأَيْتُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً ، وَأَعْجَبُ مَا رَأَيْتُ أَنِّي رَأَيْتُ عَبْدًا مُتَقَلِّبًا فِي نِعْمَتِكَ يَأْكُلُ رِزْقَكَ وَيَدْعِي الرَّبَّ بِتَيْبَةٍ ؛ فَعَجِبْتُ مِنْ جُرْأَتِهِ عَلَيْكَ وَمِنْ حِلْمِكَ عَنْهُ ! فَقَالَ اللَّهُ عز و جل : فَمِنْ حِلْمِي عَجِبْتَ ؟ قَالَ : نَعَمْ (يا رَبِّ) . قَالَ : قَدْ أَمَهَلْتَهُ أَرْبَعِمِائَةَ سَنَةٍ لَا يَضْرِبُ عَلَيْهِ عِرْقٌ ، وَلَا يُرِيدُ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئًا إِلَّا نَالَهُ ، وَلَا يَتَغَيَّرُ عَلَيْهِ فِيهَا مَطْعَمٌ وَلَا مَشْرَبٌ ! (٢)

عنه عليه السلام: إِذَا أَحْدَثَ الْعَبْدُ ذَنْبًا جُدِّدَ لَهُ نِعْمَتُهُ ، فَيَدْعُ الْإِسْتِغْفَارَ ؛ فَهُوَ الْإِسْتِدْرَاجُ .

عنه عليه السلام (٣) عِنْدَمَا سُئِلَ عَنِ الْإِسْتِدْرَاجِ : هُوَ الْعَبْدُ يُذِنُ الذَّنْبَ فَيُغْتَابِلُ لَهُ ، وَيُجَدِّدُ لَهُ عِنْدَهَا النُّعْمَ فَتَلْهِيهِ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ ؛ فَهُوَ مُسْتَدْرِجٌ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ . (٤)

أعلام الدين: رُوِيَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْعَبْدِ حَاجَةٌ فَتَحَّ عَلَيْهِ الدُّنْيَا . (٥)

١- الدرّ الباهره: ٢٤، بحار الأنوار: ٧٨ / ١٢٧ / ٩ .

٢- الخصال: ٣١ / ٤١ عن إبراهيم بن (أبي) زياد، مشكاة الأنوار: ١٦٨٠ / ٥٠٢ وفيه «أملكته» بدل «أمهلتته» و «أتاه» بدل «نالته»، بحار الأنوار: ٧٣ / ٣٨١ / ١ نقلًا عن الأمالى للصدوق .

٣- مكارم الأخلاق: ٢ / ٩٠ / ٢٢٥٤، تفسير مجمع البيان: ١٠ / ٥١٠، بحار الأنوار: ٥ / ٢١٥ .

٤- الكافي: ٢ / ٤٥٢ / ٢ عن ابن رثاب عن بعض أصحابه، بحار الأنوار: ٥ / ٢١٨ / ١٠ .

٥- أعلام الدين: ٢٧٨، بحار الأنوار: ٨١ / ١٩٥ / ٥٢ .

امام حسین علیه السلام در دعایش: بار خدایا! مرا با احسان، پله پله فرو مینداز و با بلا تأدیبم مفرما.

امام صادق علیه السلام: همانا خداوند والای شکوهمند فرشته ای بر زمین فرود آورد. وی روزگاری دراز در زمین بماند و سپس به آسمان فراز رفت. به وی گفته شد: «چه دیدی؟» گفت: «شگفتی های بسیار دیدم و از همه شگفت تر آن که بنده ای دیدم که از نعمت تو برخوردار است و روزی تو می خورد، حال آن که ادعای خدایی دارد. شگفت زده شدم از جرأتی که او بر تو می ورزد و صبری که تو بر او داری!» خداوند فرمود: «آیا از صبر من شگفت زده شدی؟» گفت: «آری، پروردگارم». فرمود: «چهارصد سال به وی مهلت دادم، بی آن که آفتی به او رسد؛ و هر چه از دنیا خواسته به آن دست یافته و خوردنی و آشامیدنی اش برقرار بوده است».

امام صادق علیه السلام: هرگاه بنده ای گناهی کند، نعمت بر او تازه می شود و وی آمرزش خواهی را وا می گذارد؛ و این است پله پله فرو افتادن.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش درباره استدراج [پله پله فروافتادن]: آن چنین است که بنده ای گناه کند و به وی فرصت داده شود و باز به او نعمت عطا گردد و آن نعمت وی را از آمرزش خواهی برای آن گناه بازدارد؛ پس وی از جایی که نداند، پله پله فروافتاده است.

اعلام الدین: روایت شده که خدای منزّه والا هرگاه در بنده ای خیری نبیند، دنیا را بر وی می گشاید.

١ / ٥٨ كَثْرَةُ الْهُمُومِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ مَالَ الدُّنْيَا كُلَّمَا ازدَادَ كَثْرَةً وَعِظْمًا ازدَادَ صَاحِبُهُ بَلَاءً؛ فَلَا تَغْبِطُوا أَصْحَابَ الْأَمْوَالِ إِلَّا بِمَنْ جَادَ بِمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَثُرَ مَالُهُ كَثُرَ هَمُّهُ، وَمَنْ كَثُرَ هَمُّهُ افْتَرَقَ قَلْبُهُ فِي أَوْدِيَةِ شَتَّى، فَلَمْ يُبَالِ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلَّ أَيْهَا سَيِّدِكَ؛ وَمَنْ كَانَ هَمُّهُ هَمًّا وَاحِدًا كَفَاهُ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلَّهُمُومَ الدُّنْيَا. (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ جَعَلَ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ فَفَرَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ هَمَّهُ، وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: بِقَدْرِ الْقَيْتِيهِ يَتَضَاعَفُ الْحُزْنُ وَالْعُمُومُ. (٤)

عنه عليه السلام: الْقَيْتِيهِ يَنْبُوعُ الْأَحْزَانِ. (٥)

الإمام الحسين عليه السلام: كُلَّمَا زِيدَ صَاحِبُ الْمَالِ مَالًا زِيدَ فِي هَمِّهِ وَفِي الْإِشْتِغَالِ قَدْ عَرَفْنَاكَ يَا مُنْعَصَةَ الْعَيْشِ يَا دَارَ كُلِّ فَاوِنٍ وَبِالِ لَيْسَ يَصْفُو لِزَاهِدٍ طَلَبُ الزُّهْدِ إِذَا كَانَ مُثْقَلًا بِالْعِيَالِ (٦)

١- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ٤٤٣ / ٥٩١، بشاره المصطفى: ٥٧ كلاهما عن أبي هريره وفيه «جاء» بدل «جاد»، بحار الأنوار: ٣٨ / ١٩٧ . ٥

٢- إصلاح المال: ١٥٢ / ٢٣ عن ضميره بن حبيب .

٣- عوالي اللآلي: ١ / ٢٧٢ / ٩٤؛ سنن الترمذى: ٤ / ٦٤٢ / ٢٤٦٥ عن أنس، سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٧٥ / ٤١٠٥ عن زيد بن ثابت وكلاهما نحوه، كنز العمال: ٣ / ١٨٤ / ٦٠٧٧ نقلًا عن المعجم الكبير عن أبي الدرداء .

٤- غرر الحكم: ٤٢٧٨ .

٥- غرر الحكم: ٣٩٥ .

٦- تاريخ دمشق: ١٤ / ١٨٦، البدايه والنهائيه: ٨ / ٢٠٩ كلاهما عن الأعمش .

۱ / ۵۸ اندوه فراوان

۱ / ۵۸ اندوه فراوان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا هر چه مال دنیا افزون تر و سنگین تر گردد، بلای صاحب آن بیش تر می شود. پس به حال ثروتمندان غبطه مخورید، مگر به حال آن کس که مالش را در راه خدا ببخشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که مالش افزون گردد، اندوهش بسیار شود؛ و هر که اندوهش بسیار گردد، دلش در وادی های گوناگون افتد و از خدا پروا نکند که در کدام وادی رود. و آن که تنها یک دلمشغولی داشته باشد، خدا از اندوه های دنیا رهایش فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دنیا را برترین دلمشغولی خود سازد، خداوند اندوهش را بر وی پراکند و فقرش را بر پیشانی اش قرار دهد.

امام علی علیه السلام: به اندازه دارایی، اندوه و غم افزون گردد.

امام علی علیه السلام: مال، سرچشمه غم ها است.

امام حسین علیه السلام: هر چه مال کسی افزوده شود، اندوه و دلمشغولی اش بیش تر گردد. ما تو را شناخته ایم ای تیره ساز زندگیو ای خانه هر فناپذیر و هر نیست شونده. زاهد را آن گاه که نان خورانش سنگینی کنند زهد ناب فراهم نگردد.

الإمام الصادق عليه السلام: حَمَسَهُ لَا يَنَامُونَ : الهَامُّ بِدَمٍ يَسْفِكُهُ ، وَذُو الْمَالِ الْكَثِيرِ لَا أَمِينَ لَهُ ... (١)

١ / ٨ / ٦ كَثْرَةُ الذُّنُوبِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَتَمَنَّوْا كَثْرَةَ الْمَالِ ؛ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُكْثِرُ الذُّنُوبَ . (٢)

الإمام الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُوسَى ، لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ . . . فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ . (٣)

١ / ٨ / ٧ فَسَادُ الْقُلُوبِ بِالْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَثْرَةُ الْمَالِ تُفْسِدُ الْقُلُوبَ ، وَتُنْشِئُ الذُّنُوبَ . (٤)

عنه عليه السلام: اَعْلَمُوا أَنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ مَفْسَدَةٌ لِلدِّينِ ، مَقْسَاءٌ لِلْقُلُوبِ . (٥)

١- من لا يحضره الفقيه : ١ / ٥٠٣ / ١٤٤٦ ، الخصال : ٢٩٦ / ٦٤ كلاهما عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ٧٦ / ١٧٩ / ٤ .

٢- الفردوس : ٥ / ٤٤ / ٧٤٠٧ ، كشف الخفاء : ٢ / ٣٤٩ / ٢٩٩٢ كلاهما عن أبي هريره .

٣- الكافي : ٢ / ٤٩٧ / ٧ عن السكوني وج ٨ / ٤٥ / ٨ عن علي بن عيسى رفعه نحوه ، الخصال : ٣٩ / ٢٣ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، علل الشرايع : ٨١ / ٢ ، مسائل علي بن جعفر : ٣٤٤ / ٨٤٩ كلاهما عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عن الإمام الصادق عليهما السلام ، الجعفريات : ٢٣٥ ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٦٣ / ٩ .

٤- غرر الحكم : ٧١٠٩ .

٥- تحف العقول : ١٩٩ ، بحار الأنوار : ١ / ١٧٥ / ٤١ .

۱ / ۸ بسیار شدن گناهان

۱ / ۷ فاسد شدن دل ها

امام صادق علیه السلام: پنج تن را خواب نباشد: کسی که در پی خونی است؛ و آن که مال بسیار دارد و امینی نمی یابد

۱ / ۸ بسیار شدن گناهانی که خدا صلی الله علیه و آله: مال بسیار آرزو مکنید؛ که مال بسیار گناهان را بیفزاید .

امام صادق علیه السلام: خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود: «ای موسی! از فراوانی مال شادمان مشو ...؛ که مال بسیار گناهان را از یاد می برد .

۱ / ۷ فاسد شدن دل ها امام علی علیه السلام: فراوانی مال، دل ها را فاسد می کند و سرچشمه گناهان است .

امام علی علیه السلام: بدانید که بسیاری مال، مایه تباهی دین و سنگدلی است .

١ / ٨ / ٨ سيواذ الوجوه للإمام علي عليه السلام: بينما نحن عند النبي صلى الله عليه وآله وهو يجود بنفسه وهو مسجى بثوب [و] ملأه خفيفه على وجهه ، فمكث ما شاء الله أن يمكث ، ونحن حوله بين باكٍ ومسترجعٍ إذ تكلم وقال : ابصت وجوه ، واسودت وجوه . . . واسودت الوجوه ، أصحاب الأموال . (١)

١ / ٨ / ٩ سلوة الوارث للإمام علي عليه السلام: المال سلوة الوراث . (٢)

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه : كثره مال الميت تسلى ورثته عنه . (٣)

١ / ٨ / ١٠ شدة الموت للإمام علي عليه السلام في وصف موت الماخوذين على القره : يفكر فيم أفنى عمره ، وفيم أذهب دهره! ويتذكر أموالاً جمعها ، أغمض في مطالبها ، وأخذها من مصير رحاها ومشتبهاها ، قد لزمته تبعات جمعها ، وأشرف على فراقها ، تبقى لمن وراءه ينعمون فيها ويتمتعون بها ، فيكون المهنأ لغيره والعبء على ظهره . (٤)

١- بحار الأنوار : ٢٢ / ٤٩٤ / ٤٠ نقلاً عن كتاب الطرف عن الحسين بن موسى بن جعفر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

٢- غرر الحكم : ٤٥١ وح ٣٧٨ وفيه «الوارث» بدل «الوراث» .

٣- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٢٧ / ٧٤١ .

٤- نهج البلاغه : الخطبه ١٠٩ ، بحار الأنوار : ٦ / ١٦٤ / ٣٣ .

۱ / ۸ / ۸ سیاه رویی

۱ / ۸ / ۹ ناز و نعمت برای وارث

۱ / ۸ / ۱۰ سختی مرگ

۱ / ۸ / ۸ سیاه روی امام علی علیه السلام: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، آن گاه که در آستانه ارتحال بود، در حالی که پارچه ای او را پوشانده بود و پَراندازی بر چهره داشت. پس مدتی دراز سکوت فرمود و ما در پیرامونش گاه می گریستیم و گاه «انا لله وانا الیه راجعون» می گفتیم. سپس لب به سخن گشود و فرمود: «برخی چهره ها سفیدند و برخی، سیاه... و صاحبان اموال سیاه رویند».

۱ / ۸ / ۹ ناز و نعمت برای وارث امام علی علیه السلام: مال، ناز و نعمت برای وارثان است.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: فراوانی مال آن که می میرد، وارثانش را از یاد او غافل می کند.

۱ / ۸ / ۱۰ سختی مرگ امام علی علیه السلام در وصف جان کندن فریفتگان دنیا: آدمی بدین می اندیشد که عمرش را در چه کاری صرف کرده و روزگارش را چه سان سپری نموده است. و اموالی را که گرد آورده به یاد می آورد و این که در فراهم کردن آن ها چه چشم پوشی ها کرده و از راه های بی شبهه یا باشبیه آن ها را به دست آورده و پیامدهای گردآوری آن ها دامنش را گرفته و اکنون در آستانه جدا شدن از آن ها است و آن مال ها برای دیگران باقی می ماند تا از آن برخوردار گردند و لذت برند؛ بدین سان گوارایی اش برای دیگران و بارش بر دوش او است.

١ / ١١٨ شِدَّةُ الْحِسَابِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ذُو الدَّرْهَمَيْنِ أَشَدُّ حِسَابًا مِنْ ذِي الدَّرْهَمِ ، وَذُو الدِّينَارَيْنِ أَشَدُّ حِسَابًا مِنْ ذِي الدِّينَارِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله : مَا اقْتَرَبَ عَبْدٌ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا تَبَاعَدَ مِنَ اللَّهِ ، وَلَا كَثُرَ مَالُهُ إِلَّا اشْتَدَّ حِسَابُهُ . (٢)

الإمام عليّ عليه السلام : الْمَالُ حِسَابٌ ، الظُّلْمُ عِقَابٌ . (٣)

١ / ١٢٨ صُغُوبَةُ النَّجَاهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ أَمَامَكُمْ عَقَبَةً كَوْوَدَا ، لَا يَجُوزُهَا الْمُتَقِلُونَ . (٤)

معجم السفر عن أنس : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَبِي ذَرٍّ : إِنَّ بَيْنَ أَيْدِينَا عَقَبَةً كَوْوَدَا ، لَا يُجَاوِزُهَا إِلَّا الْمُخَفَّوْنَ . قَالَ أَبُو ذَرٍّ : أَنَا مِنْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَكَ قَوْلٌ يَوْمٍ أَوْ لَيْلَةٍ ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : فَأَنْتَ مِنَ الْمُخَفَّيْنَ . (٥)

- ١- . كَنْزُ الْعَمَالِ : ٣ / ١٩٣ / ٦١١٨ نَقْلًا عَنِ الْحَاكِمِ فِي تَارِيخِهِ عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ وَرَاجِعِ شُعْبِ الْإِيمَانِ : ٧ / ٣٧٧ / ١٠٦٤٧ .
- ٢- . ثَوَابُ الْأَعْمَالِ : ٣١٠ / ١ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، النُّوَادِرُ لِلرَّوَانِدِيِّ : ٨٩ / ٢٠ ، أَعْلَامُ الدِّينِ : ٤٠٨ وَفِيهِ «طال» بدل «اشتد»، بحار الأنوار : ٧٢ / ٦٧ / ٧
- ٣- . غَرَرُ الْحَكْمِ : ١٨٣ .
- ٤- . الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ : ٤ / ٦١٨ / ٨٧١٣ ، شُعْبُ الْإِيمَانِ : ٧ / ٣٠٩ / ١٠٤٠٨ كِلَاهِمَا عَنِ أَبِي الدَّرْدَاءِ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ٤ / ٢١٠ / ١٠١٩١ ؛ تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ : ٢ / ٢١٧ عَنِ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَفِي صَدْرِهِ «إِنَّ لِلَّهِ مِنْ وِرَائِكُمْ...» ، تَفْسِيرُ مَجْمَعِ الْبَيَانِ : ١٠ / ٧٥٠ ، الْأَمَالِيُّ لِلسَّيِّدِ الْمَرْتَضِيِّ : ٤ / ٢٠٠ .
- ٥- . مَعْجَمُ السَّفَرِ : ٤٣٥ / ١٤٨٢ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ٣ / ٢٢٩ / ٦٢٨٧ نَقْلًا عَنِ السَّنَنِ الْكَبِيرِيِّ وَكِلَاهِمَا عَنِ أَنَسٍ وَرَاجِعِ الْمَعْجَمِ الْأَوْسَطِ : ٥ / ١٠٧ / ٤٨٠٩ .

۱ / ۱۸ حسابرسی سخت

۱ / ۱۲۸ دشواری نجات یافتن

۱ / ۱۸ حسابرسی سخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که دو درهم دارد، حسابرسی اش سخت تر از آن است که یک درهم دارد؛ و آن که دو دینار دارد، حسابرسی اش سخت تر از آن است که یک دینار دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای به حاکم نزدیک نگردد، مگر آن که از خدا دور شود؛ و مالش افزون نگردد، جز آن که حسابرسی اش سخت شود.

امام علی علیه السلام: مال را حسابرسی است و ظلم را کیفر.

۱ / ۱۲۸ دشواری نجات یافتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا پیش روی شما گردنه ای بس سخت قرار دارد که گرانباران از آن گذر نتوانند کرد.

معجم السفر از انس: رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: «همانا پیش روی ما گردنه ای دشوار است که تنها سبکباران از آن گذر توانند کرد». ابوذر گفت: «آیا من از جمله ایشانم؟» پیامبر به وی فرمود: «آیا غذای یک روز یا شبت را داری؟» گفت: «نه!». فرمود: «پس تو از سبکبارانی» (۱).

۱- قابل توجه است که این روایت از نظر سند فاقد اعتبار لازم است و می توان آن را بر سبکبارترین افراد در قیامت حمل کرد.

رسول الله صلى الله عليه وآله: الْأَكْثَرُونَ هُمُ الْأَسْفَلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، إِلَّا مَنْ قَالَ بِالْمَالِ هَكَذَا وَهَكَذَا ، وَكَسَبَهُ مِنْ طَيِّبٍ . (١)

صحيح البخارى عن أبو ذرٍّ : كُنْتُ أَمْشِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَرِّهِ الْمَدِينَةِ عِشَاءً ، اسْتَقْبَلَنَا أُحُدٌ ، فَقَالَ : يَا أبا ذَرٍّ ، مَا أُحِبُّ أَنْ أُحْدَا لِي ذَهَبًا ، يَأْتِي عَلَيَّ لَيْلَةً أَوْ ثَلَاثَ عِنْدِي مِنْهُ دِينَارٌ إِلَّا أَرْضَيْدُهُ لِتَدِينِ ، إِلَّا أَنْ أَقُولَ بِهِ فِي عِبَادِ اللَّهِ هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا . وَأَرَانَا بِيَدِهِ . ثُمَّ قَالَ : يَا أبا ذَرٍّ . قُلْتُ : لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ! قَالَ : الْأَكْثَرُونَ هُمُ الْأَقْلُونَ ، إِلَّا مَنْ قَالَ هَكَذَا وَهَكَذَا . (٢)

صحيح البخارى عن أبو ذرٍّ : انْتَهَيْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقُولُ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ : هُمُ الْأَخْسِرُونَ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ ! هُمُ الْأَخْسِرُونَ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ ! قُلْتُ : مَا شَأْنِي؟ أَيْرَى فَيَّ شَيْءٌ ، مَا شَأْنِي؟ فَجَلَسْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقُولُ ، فَمَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أَسْكُتَ ، وَتَغَشَّانِي مَا شَاءَ اللَّهُ ، فَقُلْتُ : مَنْ هُمْ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي! يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ : الْأَكْثَرُونَ أَمْوَالًا ، إِلَّا مَنْ قَالَ هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا . (٣)

- ١- .سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٨٤ / ٤١٣٠ عن أبي ذرٍّ وح ٤١٣١ عن أبي هريره ، مسند ابن حنبل : ٨ / ٩١ / ٢١٤٥٦ عن أبي ذرٍّ وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ٦ / ٣٥٣ / ١٦٠٢٣ وراجع تاريخ بغداد : ٧ / ٢٦٤ / ٣٧٤٧ .
- ٢- .صحيح البخارى : ٥٩١٣ / ٥٢٣١٢ / ٥ ، صحيح مسلم : ٢ / ٦٨٧ / ٣٢ ، مسند ابن حنبل : ٨ / ٨٠ / ٢١٤٠٥ ، السنن الكبرى : ١٠ / ٣١٨ / ٢٠٧٦٨ كلها نحوه ، كنز العمال : ٦ / ٣٥٦ / ١٦٠٣٧ وراجع الأدب المفرد : ٢٣٩ / ٨٠٣ .
- ٣- .صحيح البخارى : ٦٢٦٢ / ٢٤٤٧ / ٦ ، صحيح مسلم : ٢ / ٦٨٦ / ٣٠ ، مسند ابن حنبل : ٨ / ٩٤ / ٢١٤٦٩ ، السنن الكبرى : ١٠ / ٤٧ / ١٩٨١٣ و ١٩٨١٢ كلها نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آنان که بیش تر دارند، در روز قیامت در جایگاهی پست ترند، مگر آن که دارنده مال آن را در این و آن [کار خیر] صرف ماید و از راه درست به دستش آورده باشد.

صحیح البخاری از ابوذر: شبانگاهی همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در زمینی سنگلاخ بیرون مدینه قدم می زدم. کوه احد پیش روی ما بود. وی فرمود: «ای ابوذر! من دوست نمی دارم که کوه احد از طلا گردد و برای من باشد و یک یا سه شب بر من در رسد و دیناری از آن نزدم باشد، جز این که آن را برای پرداخت وامی کنار نهم؛ مگر این که آن را در راه بندگان خدا به چنین و چنین و چنین [کار خیر] از من». و با دستش به ما علامت داد. سپس فرمود: «ای ابوذر!». گفتم: «از جان و دل در خدمتم، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله. فرمود: «آنان که بیش تر دارند، کم مایه ترند؛ مگر آن که کسی چنین و چنین [کار خیر] کند».

صحیح البخاری از ابوذر: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم، در حالی که در سایه کعبه می فرمود: «سوگند به پروردگار کعبه! ایشان زیانکارانند. سوگند به پروردگار کعبه! ایشان زیانکارانند». [با خود] گفتم: «حال من چه سان است؟ آیا در من کاستی ای است؟ حال من چه سان است؟» پس نزد وی نشستیم، در حالی که می فرمود: «حال که آن چه خدا خواسته، ذهن مرا به خود مشغول داشته، نمی توانم سکوت ورزم». گفتم: «پدرم و مادرم فدای تو باد! آنان کیانند ای رسول خدا؟» فرمود: «همانان که مال بسیار دارند، مگر کسی که چنین و چنین و چنین [کار خیر] کند».

التوحيد عن زيد بن وهب عن أبي ذرٍّ: خَرَجْتُ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْشَى وَحَدَّهُ لَيْسَ مَعَهُ إِنْسَانٌ ، فَظَنَنْتُ أَنَّهُ يَكْرَهُ أَنْ يَمْشِيَ مَعَهُ أَحَدٌ ، قَالَ : فَجَعَلْتُ أَمْشِي فِي ظِلِّ الْقَمَرِ ، فَالْتَفَتَ فَرَأَنِي ، فَقَالَ : مَنْ هَذَا ؟ قُلْتُ : أَبُو ذَرٍّ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ ! قَالَ : يَا أبا ذَرٍّ تَعَالَ . فَمَشَيْتُ مَعَهُ سَاعَةً ، فَقَالَ : إِنَّ الْمُكْثِرِينَ هُمُ الْأَقْلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، إِلَّا مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ خَيْرًا ، فَفَنَحَّ مِنْهُ يَمِينَهُ وَشِمَالَهُ وَبَيْنَ يَدَيْهِ وَوَرَاءَهُ ، وَعَمِلَ فِيهِ خَيْرًا . (١)

سنن الترمذى عن المعرور بن سويد عن أبي ذرٍّ: جِئْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمْشَى جَالِسٌ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ ، قَالَ : فَرَأَنِي مُقْبِلًا ، فَقَالَ : هُمُ الْأَخْسَرُونَ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . قَالَ : فَقُلْتُ : مَا لِي ؟ لَعَلَّهُ أَنْزَلَ فِيَّ شَيْءًا ! قَالَ : قُلْتُ : مَنْ هُمُ فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هُمُ الْأَكْثَرُونَ إِلَّا مَنْ قَالَ هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا . فَحَثَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ ، ثُمَّ قَالَ : وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ! لَا يَمُوتُ رَجُلٌ فَيَدْعُ إِبْلًا أَوْ بَقْرًا لَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهَا إِلَّا جَاءَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْظَمَ مَا كَانَتْ وَأَسْمَنَهُ ، تَطَوُّهُ بِأَخْفَافِهَا ، وَتَنْطَحُهُ بِقُرُونِهَا ؛ كُلَّمَا نَفِدَتْ أَخْرَاهَا عَادَتْ عَلَيْهِ أَوْلَاهَا ، حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ . (٢)

١- التوحيد : ٢٥ / ٢٤ وص ٤٠٩ / ٩ ، بحار الأنوار : ٣ / ٧ / ١٧ ؛ صحيح البخارى : ٥ / ٢٣٦٦ / ٦٠٧٨ ، صحيح مسلم : ٢ / ٦٨٨ / ٣٣ ، حليه الأولياء : ٥ / ٦٥ نحوه .

٢- سنن الترمذى : ٣ / ١٢ / ٦١٧ ، سنن النسائى : ٥ / ١٠ ، مسند ابن حنبل : ٨ / ٨١ / ٢١٤٠٩ وص ٤١٤ / ٢١٥٤٧ ، السنن الكبرى : ٤ / ١٦٤ / ٧٢٨٤ والثلاثة الأخيره نحوه .

التوحید از زید بن وهب از ابوذر: شبی از شب‌ها بیرون شدم و رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که تنها قدم می‌زند و هیچ کس با وی نیست. گمان کردم که وی دوست نمی‌دارد کسی با او همراه باشد. پس در سایه ماه به گام زدن پرداختم. وی مرا دید و فرمود: «کیست؟» گفتم: «خدا مرا فدای تو سازد؛ ابوذر». فرمود: «ای ابوذر! پیش آی». پس چندی با وی قدم زدم. فرمود: «در روز قیامت، آنان که بیش تر دارند، کم مایه ترند، مگر آن کس که خدا به وی خیر عطا فرموده باشد و او از آن، به راست و چپ و پیش رو و پشت سر ببخشد و با آن، کار نیک کند».

سنن الترمذی از معروف بن سواد از ابوذر: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم که در سایه کعبه نشسته بود. مرا دید که پیش می‌آیم. فرمود: «به خدا سوگند که در روز قیامت، آنان زیانکارند». [با خود] گفتم: «مرا چه شده است؟ شاید درباره من چیزی نازل گشته است». پس به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: «پدر و مادرم فدایت! آنان کیانند؟» فرمود: «آنان بیشینه دارانند، مگر کسی که چنین و چنین و چنین [کار خیر] کند». سپس قدری خاک به پیش رو و راست و چپ خود پاشید و فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست او است! هیچ کس نمی‌میرد که از خود شتر یا گاو بر جا نهد که زکاتش را ادا نکرده باشد، مگر آن که روز قیامت آن حیوان، فربه تر و بزرگ تر، آید و او را لگدمال کند و با شاخ هایش وی را براند؛ و این کار پیایی از سر گرفته شود تا در میان مردم بر وی حکم شود».

١ / ١٣٨ الهلاك الكتاب: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ . (١)»

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ * وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُفْلِحُ إِلَّا الصَّابِرُونَ * فَحَسِبْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ * وَأَصْحَابُ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَفِّرُ اللَّهُ بِسُوءِ الرَّزْقِ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَفِّرُ اللَّهُ بِالْكَافِرِينَ . (٢)»

«إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ * وَكَأَيِّنْ مِنْ قَوْمٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَوْمِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكَنَّهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ . (٣)»

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدُّ قُوَّةً وَءَاتَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ * فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ . (٤)»

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . (٥)»

١- الأنعام : ٤٤ .

٢- القصص : ٧٩ و٨٢ .

٣- محمد : ١٢ و١٣ .

٤- غافر : ٨٢ و٨٣ .

٥- الروم : ٩ .

۱ / ۱۳۸ نابود یقرآن: «پس چون آن چه را بدان پند داده شدند، فراموش کردند، درهای همه چیز را بر آنان بگشودیم تا چون بدان چه داده شدند شادمان گشتند، ناگهان بگرفتیمشان؛ پس همان دم نومید شدند.»

«پس بر قوم خود در آرایش خویش بیرون آمد. کسانی که خواستار زندگانی این جهان بودند، گفتند: ای کاش مانند آن چه به قارون داده شده، ما را می بود؛ که همانا او دارای بهره ای بزرگ است * و کسانی که به آنان دانش داده شده، گفتند: وای بر شما! پاداش خدا برای کسی که ایمان آورده و کار نیک و شایسته کرده، بهتر است؛ و این را فرا نمی گیرند مگر شکیبایان * پس او و خانه اش را به زمین فرو بردیم؛ و هیچ گروهی نبود که او را در برابر خدا یاری کند و خود نیز از بازدارندگان عذاب از خویش نبود * و آنان که دیروز جایگاه او را آرزو می کردند، در حالی بامداد کردند که می گفتند: وای! گویی خدا است که روزی را برای هر که از بندگان خود بخواهد، فراخ می کند و تنگ می گرداند؛ اگر نه این بود که خدا بر ما منت نهاد، هر آینه ما را نیز به زمین فرو می برد؛ وای، گویی کافران رستگار نمی شوند.»

«همانا خدا کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند، به بهشت هایی درآورد که از زیر آن ها جوی ها روان است. و کسانی که کافر شدند، کام و بهره می گیرند و همانند چهارپایان می خورند و آتش دوزخ جایگاهشان است * و بسا شهرها که از شهر تو که بیرونت کردند، نیرومندتر بودند؛ هلاکشان کردیم و هیچ یآوری نداشتند.»

«آیا در زمین گردش نکرده اند تا بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چه سان بود؛ آنان که از ایشان نیرومندتر بودند و نشانه های به جا مانده بیش تری در زمین داشتند؛ پس آن چه فراهم می کردند، به کارشان نیامد * پس چون پیامبرانشان با نشانه ها و دلیل های روشن بدیشان آمدند، آنان بدان چه از دانش نزدشان بود، دل خوش کردند و آن چه به آن استهزا می کردند، آنان را فراگرفت.»

«آیا در زمین نگشتند تا ببینند سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چه سان شد؛ آنان از اینان نیرومندتر بودند و زمین را شیار کردند و بیش از آن چه اینان آبادش کردند، آن را آباد ساختند؛ و پیامبرانشان با حجت های روشن بدیشان آمدند؛ پس خدا بر آن نبود که بر آنان ستم کند، بلکه خود بر خویشان ستم می کردند.»

«فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِبَيْنَاتِنَا يَجْحَدُونَ . (١)»

«أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَانَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ . (٢)»

«فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . (٣)»

«وَعِدَ اللَّهُ الْمُتَّقِينَ وَالْمُنْفِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُمَّ عَذَابٌ مُّقِيمٌ * كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَآكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ . (٤)»

«وَقَطَعْنَاهُمْ اثْنَتَى عَشْرَةَ أَسْبَابًا أُمَّمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَلَهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسِهِمْ يَظْلِمُونَ * وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ سَيَتْرَدُ الْمُحْسِنِينَ * فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ * وَسَيْلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ * وَإِذْ قَالَتْ أُمُّهُم مِّنْهُمْ لِمَ تَعْطُونَ قَوْمًا اللَّهُ مَهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ * فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِهِم بئسَ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ . (٥)»

١- فصلت : ١٥ .

٢- غافر : ٢١ .

٣- النمل : ٥٢ .

٤- التوبة : ٦٨ و ٦٩ .

٥- الأعراف : ١٦٠ ١٦٥ .

«اما عاد، در زمین به ناروا گردن کشی کردند و گفتند: کیست نیرومندتر از ما؟ آیا ندیدند که آن خدای که آنان را آفریده، از ایشان نیرومندتر است؟ و آن ها آیات ما را انکار می کردند.»

«آیا در زمین گردش نکرده اند تا بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چه سان بود؟ آنان از اینان نیرومندتر و دارای آثار بازمانده بیش تری در زمین بودند؛ پس خداوند آنان را به سزای گناهانشان بگرفت و ایشان را از خدا هیچ نگاه دارنده ای نبود.»

«اینک خانه هاشان به ستمی که کردند، ویران و تهی مانده است. هر آینه در آن، برای گروهی که بدانند، نشانه و عبرتی است.»

«خداوند مردان و زنان منافق و کافران را آتش دوزخ وعده کرده است که در آن جاویدانند؛ همان بس است آن ها را و خدای لعنتشان کرده و آنان را عذابی است پاینده * [شما کافران و منافقان] همانند کسانی [هستید] که پیش از شما بودند، در حالی که از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیش تر بودند، از بهره خویش برخوردار شدند و شما نیز از بهره خود برخوردار شدید، هم چنان که آنان که پیش از شما بودند، از بهره خویش برخوردار شدند و [در سخنان باطل] فرو رفتید، چنان که آن ها فرو رفتند. آنان کارهایشان در این جهان و آن جهان تباه و برباد شد؛ و آنانند زیانکاران.»

«و آنان را به دوازده قبیله که گروه هایی [از نوادگان یعقوب] بودند، بخش کردیم؛ و به موسی آن گاه که قومش از او آب خواستند، وحی کردیم که عصایت را بر آن سنگ بزن، پس دوازده چشمه از آن جوشید، هر گروهی آبشخور خویش را بشناخت. و ابر را بر آنان سایبان ساختیم؛ و بر آنان منّ و سلوی فرو فرستادیم [و گفتیم]: از پاکیزه هایی که روزی تان کرده ایم، بخورید. و بر ما ستم نکردند، بلکه بر خویشان ستم می کردند * [یاد کن] آن گاه که به آنان گفته شد در این شهر جای گیرید و از نعمت آن، هر جا که خواهید بخورید و گوئید: گناهان ما را فرو نه؛ و سجده کنان از دروازه درآید تا گناهانتان را بیاوریم. زودا که نیکوکاران را [پاداش نیک] بپزاییم * اما کسانی از آن ها که ستم کردند، سخی جز آن که به آنان گفته شده بود، به جای آن گفتند؛ پس به سزای آن که ستم می کردند، عذابی از آسمان بر آنان فرستادیم * و ایشان را از شهری که کنار دریا بود؛ پرس؛ آن گاه که درباره شنبه از اندازه در می گذشتند، هنگامیکه ماهیانشان در روز شنبه آشکارا و به انبوهی نزد آن ها می آمدند و روزی که شنبه نمی گرفتند، به نزدشان نمی آمدند. این گونه، آنان را به سبب آن که نافرمانی می کردند، می آزمودیم * و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: چرا گروهی را پند می دهید که خدا هلاک کننده آن ها است یا عذاب کننده آنان به عذابی سخت است؟ گفتند: تا عذری باشد نزد پروردگارتان و شاید که پرهیزگاری کنند * پس چون پندی را که به آن ها داده شده بود، فراموش کردند، کسانی را که از بدی باز می داشتند، رهانیدیم و کسانی را که ستم کردند، به سزای نافرمانی که می کردند، به عذابی سخت بگرفتیم.»

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَآءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ * ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ ءَابَاءَنَا الصَّرَآءُ وَالسَّرَآءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ . (١)»

«وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِّنْ أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا * كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا * وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَ أَعَزُّ نَفَرًا * وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا * وَ مَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا * قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا * لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا * وَلَا يُؤْتِي السَّمْعَ إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا * فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَآءِ فَتُضْرَبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا * أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا * وَ أَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأُصْبِحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مِآءٍ أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا * وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُنْتَصِرًا * هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا . (٢)»

١- الأعراف : ٩٤ و ٩٥ .

٢- الكهف : ٣٢ ٤٤ .

«و ما هیچ پیامبری را در هیچ آبادی و شهری نفرستادیم، مگر آن که مردم آن را به سختی و گزند گرفتار کردیم تا شاید زاری کنند * سپس به جای بدی، نیکی آوردیم تا فزونی یافتند و گفتند: پدران ما را نیز سختی و راحت رسید؛ پس ایشان را ناگهان، در حالی که آگاهی نداشتند، بگرفتیم.»

«و برای آنان [داستان] دو مردی را مثل بز که به یکی از آن ها دو بوستان از تاک ها دادیم و بر گرد آن ها خرمائین ها و در میان آن ها کشتزاری پدید کردیم * هر دو بوستان میوه خود را می داد و چیزی از آن نمی کاست؛ و میان آن دو بوستان جویی فراخ روان ساختیم * و او را میوه ها بود؛ پس به یار خود که با وی گفت و گو می کرد، گفت: من به مال، از تو بیش تر و به افراد، توانمندترم * و به بوستان خویش درآمد، در حالی که بر خویشتن ستمکار بود، گفت: نپندارم که این بوستان هیچ گاه تباہ و نابود گردد * و نپندارم که رستاخیز برپا شود؛ و اگر هم به سوی خداوندم بازگردانده شوم، هر آینه بهتر از این، بازگشتگاهی بیابم * یارش که با او گفت و گو می کرد، گفت: آیا به آن [خدای] که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و آن گاه مردی راست بالا و تمام اندام کرد، کافر شده ای؟ * اما من [می گویم]: او است خدای یکتا، پروردگار من؛ و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی سازم * و چرا آن گاه که به بوستانت درآمدی، نگفتی: هر چه خدای خواهد [همان شود]؛ نیرویی جز به یاری خداوند نیست؟ اگر مرا به مال و فرزند، کم تر از خود می بینی * امید است که پروردگارم مرا بهتر از بوستان تو دهد و بر بوستان تو از آسمان غذایی آتشبار بفرستد تا زمینی هموار و بی گیاه گردد * یا آب آن به زمین فرو شود تا جستن آن هرگز نتوانی * و میوه هایش نابود گشت؛ پس بامداد دو دست خویش [به پشیمانی و اندوه] بر آن چه در آن هزینه کرده بود، می گردانید و به هم می مالید، در حالی که داربست های تاک هایش فروریخته بود؛ و می گفت: ای کاش کسی را با پروردگارم شریک نساخته بودم * و او را از غیر خدا گروهی نبود که یاری اش کند و نه خود، یاری کننده خویش بود * آن جا، یاری و کارسازی تنها از آن خدای حق است؛ او به پاداش دادن، بهتر و به سرانجام، نیکوتر است.»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله هلاك رجال أمتي في ترك العلم وجمع المال . (١)

مسند ابن حنبل عن أبو سعيد الخدري: قال رسول الله صلى الله عليه وآله هلك المشرون . قالوا: إلا من؟ قال: هلك المشرون . قالوا: إلا من؟ قال: هلك المشرون . قال: حتى خفنا أن يكون قد وجبت . قال: إلا من قال هكذا وهكذا وهكذا ، وقليل ما هم . (٢)

الأمالى للمفيد عن أبو هريره: كنت أمشي مع رسول الله صلى الله عليه وآله في نخل لبعض أهل المدينة ، فقال: يا أبا هريره ، هلك المشرون إلا من قال هكذا وهكذا وهكذا ثلاث مرات حثا بكفه عن يمينه وعن يساره وبين يديه وقليل ما هم . (٣)

الأمالى للمفيد عن شقيق: دخل عليها [أي أم سلمة زوج النبي صلى الله عليه وآله] عبد الرحمن بن عوف ، فقال: يا أمه ، قد خفت أن تهلكني كثرة مالي ؛ أنا أكثر قریش مالا . قالت: يا بئى فأنفق ؛ فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: من أصحابي من لا يراني بعد أن أفارقه . (٤)

الإمام علي عليه السلام: يا كميل ، هلك خزان الأموال وهم أحياء . (٥)

- ١- تنبيه الخواطر : ٣ / ١ ، إرشاد القلوب : ١٨٣ .
- ٢- مسند ابن حنبل : ١٠٥ / ٤ ، مسند أبي يعلى : ٢ / ٢٨ / ١٠٧٨ نحوه .
- ٣- مسند ابن حنبل : ٣ / ١٨٠ / ٨٠٩١ وص ١٧ / ١٠٧٩٩ ، المستدرک علی الصحیحین : ١ / ٦٩٨ / ١٩٠١ ، مسند إسحاق بن راهويه : ١ / ٢٩١ / ٢٦٦ كلها نحوه ، كنز العمال : ٣ / ٧٣٠ / ٨٥٩٦ .
- ٤- الأمالى للمفيد : ٣٨ / ٥ ، بحار الأنوار : ٢٨ / ٢٢ / ٣١ ؛ مسند أبي يعلى : ٦ / ٢٨٢ / ٦٩٦٧ ، مسند ابن حنبل : ١٠ / ٢١٧ / ٢٦٧٥٦ نحوه .
- ٥- نهج البلاغه : الحكمة ١٤٧ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ١٠٥ ، كمال الدين : ٢٩١ / ٢ ، تحف العقول : ١٧٠ ، الأمالى للمفيد : ٣ / ٢٤٩ ، الأمالى للطوسي : ٢٠ / ٢٣ وليس فيهما «وهم أحياء» وكلها عن كميل وفيها «مات» بدل «هلك» ، بحار الأنوار : ٢٣ / ٤٦ / ٩١ .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هلاکت افراد امت من در ترک دانش و گردآوری مال است .

مسند ابن حنبل از ابوسعید خدری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ثروت اندوزان هلاک گشتند». گفتند: «مگر چه کسانی؟» فرمود: «ثروت اندوزان هلاک گشتند.» گفتند: «مگر چه کسانی؟» فرمود: «ثروت اندوزان هلاک گشتند». و این چندان بود که ما بیم ورزیدیم هلاکت آنان قطعی باشد. سپس فرمود: «مگر کسی که چنین و چنین و چنین [در کار خیر] صرف کند؛ و آنان اندکند».

امالی مفید از ابوهریره: همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در نخلستانی از آن یکی از اهل مدینه قدم می زدم. وی فرمود: «ای ابوهریره! بسیاریاران هلاک کردند، مگر آنان که چنین و چنین و چنین [کار خیر] کنند و سه بار با کف دستش به راست و چپ و مقابلش خاک پاشید؛ و اینان اندکند».

امالی مفید از شقیق: عبدالرحمان بن عوف نزد ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، درآمد و گفت: «مادر! بیم دارم فراوانی مال مرا هلاک کند؛ چرا که در قریش بیش از همه مال دارم». فرمود: «پسرم! انفاق کن؛ که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: از جمله اصحاب من، کسی است که پس از آن که از وی جدا گردم، دیگر او را نبینم».

امام علی علیه السلام: ای کمیل! مال اندوزان، در حالی که زنده اند، مرده اند!

١ / ١٤٨ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْكِتَابُ: «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ . (١)»

«أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَيْنَ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ . (٢)»

الحديث: الإمام علي عليه السلام: ثَرَوَةُ الدُّنْيَا فَقْرُ الْآخِرَةِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تُطْمِحَ نَفْسَكَ إِلَى مَنْ فَوْقَكَ ، وَكَفَى بِمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ (٤) . (٥)»

راجع: ص ٩٠٨ (الخصائص السلبية للثروة) . ص ٩٨٦ (التحذير من الترف) .

١- .التوبة : ٥٥ ، وانظر الآية ٨٥ .

٢- .المؤمنون : ٥٥ و ٥٦ .

٣- .غرر الحكم : ٤٧٠٥ .

٤- .انظر : ص ٣٩٢ (المبادئ الأخلاقية / النظر إلى الأدنى معيشة) .

٥- .الكافي : ٨ / ١٦٨ / ١٨٩ وج ٢ / ١٣٧ / ١ عن الإمام الباقر عليه السلاموفيه «بصرک» بدل «نفسک» ، الزهد للحسين بن سعيد : ١٢ / ٢٤ و ليس فيه «نفسک» وكلها عن عمرو بن سعيد بن هلال ، مشكاة الأنوار : ٢٣٢ / ٦٥٥ عن الإمام الباقر عليه السلاموفيه «فكثيرا ما» بدل «و كفى بما» ، بحار الأنوار : ١٦ / ٢٨٠ / ١٢٠ وج ٧٣ / ١٧٢ / ١٣ .

۱ / ۱۴۸ شر دنیا و آخرت

۱ / ۱۴۸ شر دنیا و آخرتقرآن: «مال ها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد . جز این نیست که خدا می خواهد تا بدان ها ایشان را در زندگی عذاب کند و در حالی که کافرند ، جانشان برآید .»

«آیا می پندارند که آن چه از مال و فرزندان به آن ها می دهیم ، برای ایشان در [رساندن] نیکی ها شتاب می کنیم؟ [نه؛] بلکه نمی فهمند .»

حدیث: امام علی علیه السلام : ثروت دنیا ، فقر آخرت است .

امام صادق علیه السلام : مبادا چشم خود را به آن که بیش از تو دارد ، بدوزی ؛ که بس است آن چه خداوند به رسول خویش فرمود : «مال ها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد» .

ر . ک : ص ۹۰۹ (ویژگی های منفی ثروت) . ص ۹۸۷ (پرهیز دادن از نازپروردگی) .

١ / ٨٥ جوامع مضارر التكاثر الكتاب: «عُتِلَ بَعِيدٌ ذَلِكُ زَنِيمٍ * أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَيْنَ * إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ .
(١)»

«أَفْرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا . (٢)»

«يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا . (٣)»

«ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا * وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا * وَبَيْنَ شُهُودًا . (٤)»

«وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى * وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِرُهُ لِلْعُسْرَى * وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى . (٥)»

«وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُْمَزَةٍ * الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ * يُحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ . (٦)»

«تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ . (٧)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه وآله: إن في جمع المال خمسة أشياء: العناء في جمعه، والشغل عن ذكر الله بإصلاحه، والخوف من ساليه وسارقيه، واحتمال اسم البخل لنفسه، ومفارقة الصالحين لأجله. وفي تفريقه خمسة أشياء: راحة النفس من طلبه، والفراغ لذكر الله من حفظه، والأمن من ساليه وسارقيه، واكتساب اسم الكرام لنفسه، ومصاحبة الصالحين. (٨)

١- القلم: ١٣ ١٥ .

٢- مريم: ٧٧ .

٣- البلد: ٦ .

٤- المدثر: ١١ ١٣ .

٥- الليل: ١١٨ .

٦- الهمزة: ٣١ .

٧- المسد: ١ و ٢ .

٨- المواعظ العددية: ٢٦٢ .

۱ / ۱۵۸ مجموعه زبان های زباندوزی

۱ / ۱۵۸ مجموعه زبان های زباندوزیقرآن: «پس از این همه ، سخت دل و بدخو و بی تبار است * از آن رو که دارای مال و پسران است * چون آیات ما بر او خوانده شود ، گوید که افسانه های پیشینیان است .»

«آیا دیدی آن کس را که به آیات ما کافر شد و گفت: البته به من مال و فرزند داده شود؟»

«گوید : مالی فراوان را نابود کردم .»

«مرا با آن که به تنهایی آفریدمش ، واگذار * و او را مال فراوان دادم * و پسرانی حاضر [نزد وی] .»

«و اما هر که بخل ورزید و بی نیازی نمود * و آن [وعدۀ نیکو] را انکار کرد و دروغ انگاشت * پس به زودی او را برای راه دشوار آماده سازیم * و آن گاه که هلاک شد ، مالش به کارش نیاید .»

«وای بر هر بدگوی طعنه زننده * آن که مالی را فراهم ساخته ، آن را پیاپی می شمرد * می پندارد که مالش وی را جاوید و پاینده می دارد .»

«بریده باد دو دست ابولهب؛ و نابود باد خود او * مالش و آن چه به دست آورده ، او را سود ندهد .»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا در گردآوری مال ، پنج چیز است: رنج بردن در گردآوردنش ؛ غافل شدن از یاد خدا به سبب پرداختن به آن ؛ بیم از واگیرنده و رباینده آن ؛ تحمل کردن نام بخل بر خویش ؛ و جدایی از شایستگان برای [نگاه داشت] آن . و در برکناری از مال ، پنج چیز است: آسایش جان از جست و جوی آن ؛ فراغت یافتن از حفظ آن و پرداختن به یاد خدا ؛ ایمن بودن از واگیرنده و رباینده آن ؛ موصوف شدن به کرم ورزی ؛ و همنشینی با شایستگان .

صحيح مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا فُتحت عليكم فارس والرُّوم، أئى قوم أنتم؟ قال عبد الرحمن بن عوف: نقول كما أمرنا الله. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أو غير ذلك؛ تتنافسون، ثم تتحاسدون، ثم تتدابرون، ثم تتباغضون، أو نحو ذلك، ثم تنطلقون فى مساكين المهاجرين فتجعلون بعضهم على رقاب بعض. (١)

حليه الأولياء عن سفيان الثوري: قال عيسى عليه السلام: ... المال فيه داءٌ كثيرٌ. قيل: يا روح الله، ما دأؤه؟ قال: لا يؤدى حقه. قالوا: فإن أدى حقه؟ قال: لا يسلم من الفخر والخيلاء. قالوا: فإن سيلم من الفخر والخيلاء؟ قال: يشغله استصلاحه عن ذكر الله. (٢)

البيان والتبيين عن أبو سعيد الزاهد: قال عيسى عليه السلام: فى المال ثلاث خصال أو بعضها. قالوا: وما هى يا روح الله؟ قال: يكسبه من غير حله. قالوا: فإن كسبه من حله؟ قال: يمنعه من حقه. قالوا: فإن وضعه فى حقه؟ قال: يشغله إصلاحه عن عباده ربّه. (٣)

الإمام على عليه السلام فى الحكمة المنسوبة إليه: فى المال ثلاث خصال يذمومه: إما أن يكتسب من غير حله، أو يمنع إنفاقه فى حقه، أو يشغل بإصلاحه عن عباده الله تعالى. (٤)

١- صحيح مسلم: ٤ / ٢٢٧٤ / ٧، سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٢٤ / ٣٩٩٦ وفيه «خزائن فارس» بدل «فارس»، كتر العمال: ١١ / ١١٦ / ٣٠٨٤٤؛ نهج الحق: ٣٢١ نحوه.

٢- حليه الأولياء: ٦ / ٣٨٨، ربيع الأبرار: ٤ / ١٤٥ نحوه وراجع شعب الإيمان: ٧ / ٣٢٣ / ١٠٤٥٨.

٣- البيان والتبيين: ٣ / ١٩١؛ تنبيه الخواطر: ١ / ١٦٢ وج ٢ / ١١٨ كلاهما نحوه.

٤- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٣٢٤ / ٧١١.

صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو بن عاص: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه سرزمین فارس و روم بر شما گشوده شود، چگونه مردمی خواهید بود؟» عبدالرحمان بن عوف گفت: «چنان کنیم که خداوند به ما امر فرموده است». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا جز این [خواهید کرد!]؛ بر سر دنیا رقابت می کنید، حسد می ورزید، به هم پشت می کنید، کینه می ورزید، یا مانند آن؛ سپس به سراغ مهاجران بینوا می روید و برخی را بر برخی دیگر مسلط می کنید».

حلیه الأولیاء از سفیان ثوری: عیسی علیه السلام گفت: «... در مال، درد بسیار است». گفته شد: «ای روح الله! درد آن چیست؟» فرمود: «[صاحبش] حقش را ادا نکند». گفتند: «اگر ادا کند؟» فرمود: «از فخرفروشی و تکبر سالم نماند». گفتند: «اگر از فخرفروشی و تکبر سالم ماند؟» فرمود: «پرداختن به آن، از یاد خدا بازش دارد».

البیان والتبیین از ابوسعید زاهد: عیسی علیه السلام فرمود: «در مال، سه خصلت یا برخی از این سه است». گفتند: «آن ها چیستند، ای روح الله!» فرمود: «آن را به شیوه غیر حلال کسب می کند». گفتند: «اگر از راه حلال کسب کند؟» فرمود: «حق آن را ادا نمی کند». گفتند: «اگر حقش را ادا کند؟» فرمود: «پرداختن به آن، وی را از یاد پروردگارش باز می دارد».

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: در مال، سه خصلت نکوهیده است: یا از راه غیر حلال کسب شود؛ یا به حق انفاق نشود؛ و یا با پرداختن به آن، از عبادت خدای تعالی غفلت گردد.

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه : لا- ترغب في اقتناء الأموال ، وكيف ترغب في ما يُنال بالبخت لا بالإستحقاق ، ويأمر
البخل والشَّرُّ بحفظه ، والجود والزُّهد بإخراجه!؟ (١)

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی : به گرد آوردن مال رغبت مورز؛ و چه سان رغبت ورزی در چیزی که با بخت به دست آید و نه با استحقاق ، و بخل و آزمندی به جمع کردنش فرا می خواند ، لیکن بخشندگی و پارسایی به بذل آن فرا خواند؟

الفصل الثاني: الترف ٢ / ١ التحذير من الترف رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكَ وَالتَّنَعُّمَ ؛ فَإِنَّ عِبَادَ اللَّهِ لَيْسُوا بِالمُتَنَعِّمِينَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: شِرَارُ أُمَّتِي : الَّذِينَ غُدُوا بِالنَّعِيمِ وَنَبَتَ عَلَيْهِ أَجْسَامُهُمْ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: شِرَارُ أُمَّتِي : الَّذِينَ وُلِدُوا فِي النَّعِيمِ وَغُدُوا بِهِ ، هَمَّتُهُم أَلْوَانُ الطَّعَامِ وَأَلْوَانُ الثِّيَابِ ، يَتَشَدَّقُونَ فِي الكَلَامِ .

(٣)

١- مسند ابن حنبل: ٢٢١٦٦ / ٢٥٨ / ٨ ، الزهد لابن حنبل: ١١ ، حليه الأولياء: ٥ / ١٥٥ ، كنها عن معاذ بن جبل ، كنز العمال: ٣ / ١٩٢ / ٦١١١ .

٢- تنبيه الخواطر: ١ / ١٧٨ ؛ مسند إسحاق بن راهويه: ١ / ٣٤٩ / ٣٤٧ وفيه «شر» بدل «شرار» ، إحياء علوم الدين: ٣ / ١٣٩ ، كنز العمال: ٣ / ٢١٥ / ٦٢٢٤ نقلاً عن أبي يعلى وابن عساكر وكلها عن أبي هريره .

٣- الزهد لابن المبارك: ٢٦٢ / ٧٥٨ عن عروه بن رويم ، المستدرک على الصحيحين: ٣ / ٦٥٧ / ٦٤١٨ عن عبد الله بن جعفر ، شعب الإيمان: ٥ / ٣٣ / ٥٦٦٩ ، تاريخ دمشق: ٢٧ / ٣٦٦ / ٥٨٣٧ كلاهما عن فاطمه عليها السلام وكلها نحوه ، كنز العمال: ٣ / ٥٦١ / ٧٩١٢ و٧٩١٣ .

فصل دوم : نازپروردگی

۲ / ۱ پرهیز دادن از نازپروردگی

فصل دوم: نازپروردگی ۲ / ۱ پرهیز دادن از نازپروردگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نازپروردگی دور باش؛ که بندگان خدا نازپرورده نباشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بَدَانِ اَمْتٍ مِنْ اَنَانِدٍ كِهْ دَر نَازِ وَ نَعْمَتِ بَارِ اَیْنِدِ وَ پِیْكَرْهَاشانِ دَر اَنِّ ، پَروریدِه شُودِ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بَدَانِ اَمْتٍ مِنْ اَنَانِدٍ كِهْ دَر نَعْمَتِ زَادِه شُونْدِ وَ بَا اَنِّ بَارِ اَیْنِدِ ؛ هَمْتشانِ صَرْفِ غَذاها وَ جَامِه های رَنگارَنگِ گَرَدَدِ وَ دَر سَخْنِ كَفتنِ مَراعاتِ دِیْگَرانِ را نَكَنَنْدِ .

عنه صلى الله عليه و آله: سَيَأْتِي بَعْدَكُمْ قَوْمٌ يَأْكُلُونَ أَطْيَابَ الدُّنْيَا وَأَلْوَانَهَا ، وَيَنْكِحُونَ أَجْمَلَ النِّسَاءِ وَأَلْوَانَهَا ، وَيَلْبَسُونَ أَلْيَنَ الثِّيَابِ وَأَلْوَانَهَا ، وَيَرْكَبُونَ فُرَةَ الْخَيْلِ وَأَلْوَانَهَا ، لَهُمْ بَطُونٌ مِنَ الْقَلِيلِ لَا- تَشْبَعُ ، وَأَنْفُسٌ بِالْكَثِيرِ لَا- تَقْنَعُ ، عَاكِفِينَ عَلَى الدُّنْيَا يَغْدُونَ وَيَرْوِحُونَ إِلَيْهَا ، اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنْ دُونِ إِلَهِهِمْ ، وَرَبًّا دُونَ رَبِّهِمْ ، إِلَى أَمْرِهِمْ يَنْتَهُونَ ، وَهَوَاهُمْ يَتَّبِعُونَ . فَعَزِيمَةٌ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ لِأَنَّهُ لَمَنْ أَدْرَكَهُ ذَلِكَ الزَّمَانُ مِنْ عَقَبِ عَقَبِكُمْ وَخَلْفِ خَلْفِكُمْ ، أَنْ لَا- يُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ ، وَلَا- يَعُودَ مَرْضَاهُمْ ، وَلَا- يَتَّبِعَ جَنَائِزَهُمْ ، وَلَا يُوقِّرُ كَبِيرَهُمْ ؛ فَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ الْإِسْلَامِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ قَضَى نَهْمَتَهُ فِي الدُّنْيَا حِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَهَوَاتِهِ فِي الْآخِرَةِ ، وَمَنْ مَدَّ عَيْنَهُ إِلَى زِينَةِ الْمُتَرَفِينَ كَانَ مَهِينًا فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاءِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله: يَابَنَ مَسْعُودٍ ، سَيَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَقْوَامٌ يَأْكُلُونَ طَيِّبَاتِ الطَّعَامِ وَأَلْوَانَهَا ، وَيَرْكَبُونَ الدَّوَابَّ ، وَيَتَزَيَّنُونَ بِزِينَةِ الْمَرْأَةِ لِرُؤُوسِهَا ، وَيَتَّبِعُونَ تَبْرُجَ النِّسَاءِ ، وَزِينَتَهُمْ مِثْلُ زِينَةِ الْمُلُوكِ الْجَبَابِرَةِ ، هُمْ مُنَافِقُونَ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ، شَارِبُوا الْقَهَوَاتِ ، لَاعِبُونَ بِالْكَعَابِ ، رَاكِبُوا الشَّهَوَاتِ ، تَارِكُوا الْجَمَاعَاتِ ، رَاقِدُونَ عَنِ الْعَتَمَاتِ ، مُفَرِّطُونَ فِي الْغَدَوَاتِ ؛ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا . (٣)» يَابَنَ مَسْعُودٍ ، مِثْلُهُمْ مِثْلُ الدَّفْلَى ؛ زَهْرَتُهَا حَسِينَةٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ ، كَلَامُهُمْ الْحِكْمَةُ ، وَأَعْمَالُهُمْ دَاءٌ لَا تَقْبَلُ الدَّوَاءَ ؛ «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا . (٤)» يَابَنَ مَسْعُودٍ ، مَا يَنْفَعُ مَنْ يَنْتَعِمُ فِي الدُّنْيَا إِذَا أُخْلِدَ فِي النَّارِ؟! «يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ . (٥)» يَبْنُونَ الدُّورَ ، وَيُسَيِّدُونَ الْقُصُورَ ، وَيُزَخِرُونَ الْمَسَاجِدَ ، لَيْسَتْ هِمَّتُهُمْ إِلَّا- الدُّنْيَا ، عَاكِفُونَ عَلَيْهَا ، مُعْتَمِدُونَ فِيهَا ، آلِهَتُهُمْ بَطُونُهُمْ ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَتَتَّخِذُونَ مَصِيعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلَعُونَ * وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ (٦)» ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ إِلَى قَوْلِهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ . (٧)» وَمَا هُوَ إِلَّا مُنَافِقٌ جَعَلَ دِينَهُ هَوَاهُ ، وَإِلَهُهُ بَطْنُهُ ، كُلُّ مَا اشْتَهَى مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ لَمْ يَمْتَنِعْ مِنْهُ ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَّعٌ . (٨)» يَابَنَ مَسْعُودٍ ، مَحَارِبُهُمْ نِسَاؤُهُمْ ، وَشَرَفُهُمُ الدَّرَاهِمُ وَالْدَّنَانِيرُ ، وَهَمَّتُهُمْ بَطُونُهُمْ ، أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْأَشْرَارِ ، الْفِتْنَةُ مِنْهُمْ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ . يَابَنَ مَسْعُودٍ ، قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى : «أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ . (٩)» يَابَنَ مَسْعُودٍ ، أَجْسَادُهُمْ لَا تَشْبَعُ ، وَقُلُوبُهُمْ لَا تَخْشَعُ . يَابَنَ مَسْعُودٍ ، الْإِسْلَامُ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ ، فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ! فَمَنْ أَدْرَكَكَ ذَلِكَ الزَّمَانُ مِنْ أَعْقَابِكُمْ فَلَا تُسَلِّمُوا عَلَيْهِمْ فِي نَادِيهِمْ ، وَلَا تُشَيِّعُوا جَنَائِزَهُمْ ، وَلَا تَعُودُوا مَرْضَاهُمْ ؛ فَإِنَّهُمْ يَسْتَنُونَ بِسُنَّتِكُمْ ، وَيُظْهِرُونَ بِدَعْوَاكُمْ ، وَيُخَالِفُونَ أفعالَكُمْ ؛ فَيَمُوتُونَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِكُمْ ، أُولَئِكَ لَيْسُوا مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُمْ . (١٠)

١- تنبيه الخواطر : ١ / ١٥٥ ؛ إحياء علوم الدين : ٣ / ٣٤٣ نحوه .

٢- المعجم الصغير : ٢ / ١٠٨ ، شعب الإيمان : ٧ / ١٢٥ / ٩٧٢٢ ، الفردوس : ٣ / ٥٤٦ / ٥٧٠٣ وفيه «السموات والأرض» بدل «السماء» وكلها عن البراء بن عازب ، كنز العمال : ٣ / ٢٢٧ / ٦٢٧٧ .

- ٣- .مریم : ٥٩ .
- ٤- .محمّد : ٢٤ .
- ٥- .الروم : ٧ .
- ٦- .الشعراء : ١٢٩ ١٣١ .
- ٧- .الجاثية : ٢٣ .
- ٨- .الرعد : ٢٦ .
- ٩- .الشعراء : ٢٠٥ ٢٠٧ .
- ١٠- .مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٤٤ / ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٩٦ / ١ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از شما گروهی آیند که گوارایی ها و رنگارنگی های دنیا را خورند و زیباترین و خوش رنگ ترین آنان را به همسری گیرند و نرم ترین و رنگ به رنگ ترین جامه ها را پوشند و چالاک ترین و رنگارنگ ترین اسبان را سوار شوند؛ اندرون هایی دارند که از کم سیر نگردد و جان هایی که به بسیار قانع نباشد؛ به دنیا دل بندند و شب و روز به آن مشغول گردند و آن را جز خدای و پروردگارشان، معبود و پروردگار گیرند و در پی کاری که خواهند، روند و دنباله خواهش خویش را گیرند. پس از محمد بن عبدالله، عهدی لازم است بر هر یک از پسیان و آیندگان شما که آن روزگار را دریابد، که بر ایشان سلام نکند و بیمارانشان را عیادت نماید و در پی جنازه هاشان نرود و بزرگسالانشان را احترام ننهد؛ و هر که چنین کند، به ویران سازی اسلام کمک کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس همه نیازهای خود را از دنیا برآورد، روز آخرت به خواسته اش نرسد؛ و هر که به زیور ناز پروردگان چشم دوزد، در ملکوت آسمان خوار است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابن مسعود! پس از من گروه هایی می آیند که غذاهای نکو و رنگارنگ می خورند و بر چهارپایان سوار می شوند و خود را چنان زینت می کنند که زنی برای همسرش زینت می کند و همچون زنان زیور آرای می نمایند و همانند شاهان ستمگر جامه می پوشند؛ آنان منافقان این امت در آخر الزمان هستند که شراب می نوشند و با قاب، قمار می کنند و شهوت می رانند و نمازهای جماعت را وا می نهند و خواب ابتدای شب را وامی گذارند و در صبحگاهان بسیار می خوابند. خدای تعالی فرماید: «آن گاه، کسانی جانشین اینان گشتند که نماز را وانهادند و پیرو شهوت ها شدند. آنان به زودی در غی [= وادی ای در جهنم] فرو خواهند افتاد». ابن مسعود! آنان همانند خرزهره اند که گلی زیبا دارد، اما مزه اش سخت تلخ است. گفتارشان حکیمانه جلوه می کند؛ اما کردارشان بیماری درمان ناپذیر است: «آیا در قرآن نمی اندیشند یا بر قلب هاشان قفل ها است؟» ابن مسعود! آن که در دنیا با نازپروردگی زیست می کند، سودی نمی برد، آن گاه که در آتش جاودانه گردد: «آنان به جلوه بیرونی زندگی دنیا آگاهند؛ اما از آخرت بی خبرند». خانه ها می سازند؛ کاخ ها بر پا می کنند؛ مسجدها را به زیور می آریند؛ مقصد همه تلاش هاشان تنها دنیا است و به آن روی آورده اند و دل بسته اند. خدای آنان، شکم هاشان است. خدای برترین فرموده است: «با این پندار که همواره زنده آید، دژها و کاخ ها برمی افزاید؟ و به گاه انتقام گیری، همچون سرکشان رفتار می کنید؟ * پس تقوای خدا را پیش گیرید و از من فرمان برید». و نیز خدای برترین فرموده است: «آیا دیده ای آن را که هوسش را به خدایی برگزید و خدا از روی علم گمراهش ساخت و بر گوش و دلش مهر نهاد... آیا پند نمی گیرید؟» چنین کسی جز منافق نیست که هوس خویش را دین خود ساخته و شکمش را خدای خویش؛ از هر چه دلش بخواهد، خواه حلال و خواه حرام، نمی پرهیزد. خدای برترین فرموده است: «اینان به همین زندگی پست خشنودند؛ اما این زندگی در برابر زندگی آخرت، تنها کالایی ناچیز است». ابن مسعود! محراب های اینان زنانشانند؛ شرافت ایشان در درهم و دینار است؛ همه توانشان را در راه شکم خود به کار می گیرند. اینان در میان بدان بدترینند؛ هم خاستگاه فتنه اند و هم بازگشتگاه آن. ابن مسعود! سخن خدای برترین چنین است: «مگر نمی دانی اگر سال ها آنان را برخوردار کنیم * آن گاه عذاب موعود به آنها رسد آن چه از آن برخوردار می شدند به کارشان نمی آید؟» ابن مسعود! کالبدهای ایشان هیچ سیری نپذیرد و دل هاشان نرم و رام نگردد. ابن مسعود! اسلام غریبانه آغاز شد و به همان سان،

غریبانه باز خواهد گشت . پس خوشا سرانجامِ غریبان! از فرزندان شما ، هر کس که آن روزگار را دریابد [خطاب من به ایشان است:] بدیشان سلام ندهید ؛ جنازه هاشان را تشییع نکنید ؛ بیمارانشان را عیادت ننمایید ؛ که آنان گرچه خود را با شما هم سنت و هم آوا جلوه می دهند ، رفتارشان همانند شما نیست . پس آنان مسلمان گونه نمی میرند و نه آن ها از منند و نه من از آن هایم .

عنه صلى الله عليه وآله: يَا بَنَ مَسْعُودٍ ، دَعِ نَعِيمَ الدُّنْيَا وَأَكْلَهَا وَحَلَاوَتَهَا ، وَحَارَّهَا وَبَارِدَهَا ، وَلَيْثَهَا وَطَيِّبَهَا ، وَأَلْزِمِ نَفْسَكَ الصَّبْرَ عَنْهَا ؛ فَإِنَّكَ مَسْئُورٌ عَنْ هَذَا كُلِّهِ ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : « تُمْ كَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (١) » . (٢)

الزهد لابن حنبل عن يزيد بن عبد الله بن قسيط: أُتِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسَوِيْقِ اللُّوزِ ، فَلَمَّا خِيَصَ قَالَ : مَا هَذَا ؟ قَالُوا : سَوِيْقُ اللُّوزِ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَخْرَوْهُ عَنِّي ؛ هَذَا شَرَابُ الْمُتَرَفِينَ . (٣)

سنن أبي داود عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ فَرَأَى قُبَّةً مُشْرِفَةً فَقَالَ : مَا هَذِهِ ؟ قَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: هَذِهِ لِفُلَانٍ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ ، قَالَ: فَسَدَّكَتْ وَحَمَلَهَا فِي نَفْسِهِ ، حَتَّى إِذَا جَاءَ صَاحِبُهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ فِي النَّاسِ أَعْرَضَ عَنْهُ ، صَيَّعَ ذَلِكَ مَرَارًا ، حَتَّى عَرَفَ الرَّجُلُ الْغَضَبَ فِيهِ وَالْإِعْرَاضَ عَنْهُ ، فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ : وَاللَّهِ إِنِّي لَأَنْكَرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . قَالُوا : خَرَجَ فَرَأَى قُبَّتَيْكَ . قَالَ : فَرَجَعَ الرَّجُلُ إِلَى قُبَّتِهِ فَهَدَمَهَا حَتَّى سَوَّاهَا بِالْأَرْضِ ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهَاتِ يَوْمَ فَلَمْ يَرَهَا ، قَالَ : مَا فَعَلْتَ الْقُبَّةُ ؟ قَالُوا : شَكَا إِلَيْنَا صَاحِبُهَا إِعْرَاضَكَ عَنْهُ ، فَأَخْبَرْنَا فَهَدَمَهَا . فَقَالَ : أَمَا إِنَّ كُلَّ بِنَاءٍ وَبِأَلٍ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا لَمْ يَلَا ، إِلَّا مَا لَمْ يَلَا . يَعْنِي : مَا لَا بُدَّ مِنْهُ . (٤)

١- التكاثر: ٨ .

٢- مكارم الأخلاق: ٢ / ٣٥٢ / ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار: ٧٧ / ١٠٣ / ١ .

٣- الزهد لابن حنبل: ١١ وراجع المحاسن: ٢ / ٢٩٠ / ١٩٥٢ او بحار الأنوار: ٦٦ / ٢٨٠ / ٢٤ .

٤- سنن أبي داود: ٤ / ٣٦٠ / ٥٢٣٧ ؛ تنبيه الخواطر: ١ / ٧١ نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابن مسعود! نعمت دنیا و خوردن و شیرینی و سرد و گرم و نرم و گوارای آن را رها کن و خود را از آن باز دار؛ زیرا درباره همه آن ها از تو سؤال خواهد شد. خدای تعالی فرموده است: «سپس هر آینه در آن روز، در باره نعمت ها از شما سؤال خواهد شد».

الزهده ابن حنبل از یزید بن عبدالله بن قسیط: معجون بادامی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورده شد. چون آن را به هم زدند، فرمود: «این چیست؟» گفتند: «معجون بادام». فرمود: «آن را از من دور کنید؛ که آن، نوشیدنی نازپروردگان است».

سنن ابی داود از انس: رسول خدا صلی الله علیه و آله برون آمده، گنبدی بلند دید. فرمود: «این چیست؟» یارانش گفتند: «این از آن فلان مرد از انصار است». پیامبر سکوت ورزید و خود را نگاه داشت؛ تا آن گاه که صاحب آن گنبد نزد وی آمد و در میان مردم، به ایشان سلام داد. پیامبر از او روی گرداند و این کار را چند بار انجام داد؛ چندان که آن مرد خشم و رویگردانی وی را دریافت. پس از این حال به یارانش گله برد و گفت: «به خدا سوگند! من این رفتار پیامبر را نمی پسندم». گفتند: «وی برون آمده، گنبدت را دید». مرد به گنبد خویش بازگشت و آن را ویران کرد؛ چندان که با خاک یکسانش نمود. دیگر بار روزی پیامبر برون آمده، آن را ندید. فرمود: «آن گنبد چه شد؟» گفتند: «صاحب آن از رویگردانی تو به ما گله آورد و ما از ماجرا خبرش دادیم؛ پس آن را ویران ساخت». فرمود: «هلا که هر ساختمانی و بال گردن صاحب آن است، مگر این که چاره ای از آن نباشد».

سنن أبي داود عن أنس: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِبَابِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: مَا هَذِهِ؟ قَالُوا: قُبَّةٌ بَنَاهَا فُلَانٌ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كُلُّ مَالٍ يَكُونُ هَكَذَا فَهُوَ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. فَبَلَغَ الْأَنْصَارِيُّ ذَلِكَ فَوَضَعَهَا، فَمَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمْ يَرَهَا، فَسَأَلَ عَنْهَا، فَأُخْبِرَ أَنَّهُ وَضَعَهَا لِمَا بَلَغَهُ عَنْكَ فَقَالَ: يَرْحَمُهُ اللَّهُ! يَرْحَمُهُ اللَّهُ! (١)

شُعْبُ الْإِيمَانِ عَنْ وَائِلِ بْنِ الْأَسْقَعِ: كُنْتُ مِنْ فُقَرَاءِ الْمُصَيَّمِينَ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ، فَأَتَانَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ فَارَسَاتِ يَوْمٍ فَقَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ بَعْدِي إِذَا شَبِعْتُمْ مِنْ خُبْزِ الْبُرِّ وَالزَّيْتِ، وَأَكَلْتُمْ أَلْوَانَ الطَّعَامِ وَلَبَسْتُمْ أَنْوَاعَ الثِّيَابِ؟ فَأَنْتُمْ خَيْرٌ أَمْ ذَاكَ؟ قُلْنَا: ذَاكَ. قَالَ: بَلْ أَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ. (٢)

حَلِيهِ الْأَوْلِيَاءِ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ: إِنَّ عَثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ دَخَلَ يَوْمَ الْمَسْجِدِ وَعَلَيْهِ نَمْرَةٌ قَدْ تَخَلَّتْ فَرَقَعَهَا بِقِطْعَةٍ مِنْ فَرَوِهِ، فَزَقَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَقَّ أَصْحَابُهُ لِرِقَّتِهِ، فَقَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ يَوْمَ يَغْدُو أَحَدُكُمْ فِي حُلِّهِ وَيَرُوحُ فِي أُخْرَى، وَتَوَضَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ قِصْعَةً وَتُرْفَعُ أُخْرَى، وَسَتَرْتُمْ الْبُيُوتَ كَمَا تُسْتَرُّ الْكَعْبَةُ؟ قَالُوا: وَدَدْنَا أَنْ ذَلِكَ قَدْ كَانَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ فَأَصَبْنَا الرِّخَاءَ وَالْعَيْشَ. قَالَ: فَإِنَّ ذَلِكَ لَكَاثِنٌ، وَأَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيئِكَ. (٣)

١- سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٩٣ / ٤١٦١، مسند ابن حنبل: ٤ / ٤٣٩ / ١٣٣٠٠ نحوه .

٢- شعب الإيمان: ٧ / ٢٨٣ / ١٠٣٢٢، حليه الأولياء: ٢ / ٢٣، تاريخ دمشق: ٢٢ / ٢٢٣ / ٤٩٢٦ وفيهما «المسلمين» بدل «المصلين»، كنز العمال: ٣ / ٢١٦ / ٦٢٢٩.

٣- حليه الأولياء: ١ / ١٠٥.

سنن ابی داود از انس: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر گنبدی بنا شده بر آستانه خانه مردی از انصار بر گذشت . فرمود: «این چیست؟» گفتند: «گنبدی است که فلان کس بنا کرده است». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مالی که چنین باشد ، روز قیامت ، وبال گردن صاحب خویش است». این خبر به آن مرد انصاری رسید ؛ پس آن را ویران کرد . دیگر بار پیامبر بر آن جا گذشت و آن را ندید ؛ پس از آن پرسید . خبرش دادند که آن مرد چون سخن او را شنیده ، آن را ویران کرده است . فرمود: «خدایش رحمت کند! خدایش رحمت کند!» .

شعب الایمان از واثله بن اسقع: من از فقیران نماز گزار در اهل صفّه بودم . روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و فرمود: «چه سان خواهید بود آن گاه که پس از من ، از نان گندم و روغن سیر گردید و غذاهای رنگین بخورید و جامه های گوناگون بپوشید . وضع شما امروز بهتر است یا آن روز؟» گفتیم: «آن روز». فرمود: «بلکه وضع امروز شما بهتر است» .

حلیه الأولیاء از ابن شهاب: روزی عثمان بن مظعون به مسجد درآمد ، حال آن که گلیمی پاره بر وی بود که با تکه پوستی آن را پینه کرده بود . رسول خدا صلی الله علیه و آله را دل بر وی بسوخت و اصحاب نیز بر دلسوزی او دل سوختند . فرمود: «چه سان خواهید بود در روزی که هر یک از شما صبحگاهان در جامه ای است و شامگاهان در جامه دیگر ؛ و پیاپی نزدش ظرف غذا نهاده شود ؛ و خانه هاتان را همچون کعبه بپوشانید؟» گفتند: «آرزو داریم که چنان روزی دررسد ، ای رسول خدا ، تا به آسایش و رفاه دست یابیم» . فرمود: «بی تردید ، چنان خواهد شد ؛ اما امروز بیش از آن روز به سود شما است» .

الزهد لابن حنبل عن حرب بن أبي الأسود عن طلحة البصرى: قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ وَلَمْ يَكُنْ لِي بِهَا مَعْرِفَةٌ وَرُبَّمَا قَالَ: عَرِيفٌ وَكَانَ يُجْرَى عَلَيْنَا مُدٌّ مِنْ تَمْرٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ، فَصَلَّى بِنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَهَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ أَحْرَقَ بَطُونَنَا التَّمْرَ، وَتَخَرَّقَتْ عَنَّا الْخُنْفُ! فَخَطَبَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ: وَاللَّهِ لَوْ أَجِدُ لَكُمْ اللَّحْمَ وَالْخُبْزَ لَأَطَعَمْتُكُمْوَهُ، وَلِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُعْدَى عَلَى أَحَدِكُمْ الْجِفَانُ وَيُرَاحُ، وَلَتَلْبَسَنَّ مِثْلَ أُسْتَارِ الْكَعْبَةِ. قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَحْنُ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنَّا أَوْ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: أَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ، أَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ. (١)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّا لَجُلُوسٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ طَلَعَ مُصْعَبُ بْنُ عَمِيرٍ، مَا عَلَيْهِ إِلَّا بُرْدَةٌ لَهُ مَرْقُوعَةٌ بِفَرَوٍ، فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَهَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ أَحْرَقَ بَطُونَنَا التَّمْرَ، وَتَخَرَّقَتْ عَنَّا الْخُنْفُ! فَخَطَبَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَقَالَ: وَاللَّهِ لَوْ أَجِدُ لَكُمْ اللَّحْمَ وَالْخُبْزَ لَأَطَعَمْتُكُمْوَهُ، وَلِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُعْدَى عَلَى أَحَدِكُمْ الْجِفَانُ وَيُرَاحُ، وَلَتَلْبَسَنَّ مِثْلَ أُسْتَارِ الْكَعْبَةِ. قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَحْنُ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْنا أَوْ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: أَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ، أَنْتُمْ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ. (٢)

- ١- الزهد لابن حنبل: ٣٤ وراجع المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ٥٩١ / ٨٦٤٨ و السنن الکبری: ٢ / ٦٢٤ / ٤٣٣٧ و کنز العمال: ٣ / ٢١٨ / ٦٢٣٤ و ج ٧ / ٢٠٠ / ١٨٦٣١.
- ٢- سنن الترمذی: ٤ / ٦٤٧ / ٢٤٧٦، الزهد لهناد: ٢ / ٣٨٩ / ٧٥٨ كلاهما عن محمد بن كعب عمّن سمعه، کنز العمال: ٣ / ٢١٧ / ٦٢٣٠ و ج ١٣ / ٥٨٢ / ٣٧٤٩٦.

الزهد ابن حنبل از حرب بن ابو اسود از طلحه بصری: به مدینه در آمدم ، حال آن که بدان شناختی نداشتیم و شاید گفت: در آن جا ، آشنایی نداشتیم و میان ما دو کف خرما برای هر نفر تقسیم می شد . پس روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش ما نماز نهاد ؛ سپس کسی از فرایشت وی بانگ برآورد و گفت: «ای رسول خدا! خرما اندرون های ما را بسوزانده و جامه های کتانمان پاره شده است» . پیامبر به خطبه ایستاد و پس از سپاس و ستایش خداوند ، فرمود: «به خدا سوگند! اگر برای شما گوشت و نانی می یافتم ، شما را از آن اطعام می کردم . هر آینه روزگاری خواهدتان آمد که ظرف های غذا ، صبحگاهان و شامگاهان ، پیاپی نزدتان درآید ؛ و جامه هایی همانند پوشش کعبه بر تن کنید» . گفتند: «ای رسول خدا! امروز به خیریم یا آن روز خواهیم بود؟» فرمود: «شما امروز بیش از آن روز به خیرید ؛ شما امروز بیش از آن روز به خیرید . در آن روز ، گردن یکدیگر را خواهید زد» .

امام علی علیه السلام: همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودیم که مصعب بن عمیر درآمد ، حال آن که تنها پارچه ای یمنی بر خود داشت و با پاره ای پوست آن را پینه کرده بود . چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وی را بدید ، بدان جهت که روزی در ناز و نعمت بوده و اکنون در چنان حالی بود ، گریست . سپس فرمود: «چه سان خواهید بود آن روز که هر یک از شما صبحگاهان در یک جامه و شامگاهان در جامه دیگر باشد و پیاپی قدح غذا برابری نهاده شود ؛ و خانه هاتان را همانند کعبه بپوشانید؟» گفتند: «ای رسول خدا! آن روز بهتر از امروز خواهیم بود ؛ زیرا در بی نیازی می توانیم به خوبی عبادت کنیم» . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر آینه امروز بهتر از آن روزید» .

عنه عليه السلام: أنظروا في الدنيا نظراً زاهداً المفارق لها؛ فإنها تزيل الثاوي الساكن، وتفجع المترف الآمن، لا يرجى منها ما تولى فأدبر، ولا يدري ما هو آت منها فينتظر. (١)

عنه عليه السلام: معاشر شيعتي، احذروا! فقد عصتكم الدنيا بأنيابها، تختطف منكم نفسا بعد نفس كذئابها، وهذه مطايا الرحيل قد أنيخت لركابها، ألا إن الحديث ذو شجون، فلا يقولن قائلكم: إن كلام علي متناقض؛ لأن الكلام عارض. ولقد بلغني أن رجلاً من قطان المداين تبع بعد الحنيفة علوجه، ولبس من ناله دهقانه منسوجه، وتضمح بمسك هذه النوافج صباحه، وتبخر بعود الهند رواجه، وحواله ریحان حديقته يشم نفاحه، وقد مد له مفروشات الزوم على شيرره. تعسا له بعد ما ناهز السبعين من عمره! وحواله شيخ يدب على أرضه من هرمة، وذو يتمه تصور من ضرره ومن قرمه، فما واساهم بفاضة لات من علقمه، لئن أمكنتني الله منه لأخضه منه خضم البر، ولأقيمن عليه حد المرتد، ولأضربنه الثمانين بعد حد، ولأشدن من جهله كل مسد. تعسا له! أفلا شعر؟! أفلا صوف؟! أفلا وبر؟! أفلا رغيف ففار الليل إفاطراً مقيماً (٢)؟! أفلا عبرة على حد في ظلمه ليال تنحدر؟! ولو كان مؤمناً لتسقت له الحجة إذا ضيع ما لا يملك. (٣)

١- الكافي: ٨ / ١٧ / ٣ عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام، تحف العقول: ٢٠٢، نهج البلاغة: الخطبة ١٠٣ نحوه وراجع مطالب السؤال: ٥١.

٢- قال المجلسي رحمه الله: قوله: «أفلا رغيف» بالرفع، ويجوز في مثله الرفع والنصب والبناء على الفتح. و«القفار بالفتح»: ما لا إدام معه من الخبز، وأضيف إلى الليل، وهو صفة للرغيف، و«إفاطراً» و«مقيماً» أيضاً صفتان له. وفي بعض النسخ: «الليل إفاطراً معدماً»، فالظرف صفة أخرى لرغيف، و«ليل» مضاف إلى الإفطار المضاف إلى المعدم؛ أي الفقير (بحار الأنوار: ٤٠ / ٣٥٣).

٣- الأمل للصدوق: ٧٢٠ / ٩٨٨ عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ٤٠ / ٣٤٦ / ٢٩

امام علی علیه السلام: به دنیا با نظر پارسایی که از آن دوری جوید، بنگرید؛ که آن نابود کننده کسی است که در آن اقامت و سکنا گزیند و رفاه زده ایمن را به درد آورد. بهره دنیا چون پشت کند، دیگر امیدی به بازگشت آن نیست؛ و آینده به روشنی دانسته نیست تا بتوان انتظارش را کشید.

امام علی علیه السلام: ای گروه های شیعیان؛ سخت مراقب باشید! همانا دنیا شمارا به دندان گزیده و همچون گرگ هایش یکان یکان شما را در می رباید. این مرکب کوچ است که اکنون نزد سواران خود زانو زده است. هلا که سخن شاخه هایی دارد؛ پس کسی از شما نگوید که سخن علی تناقض دارد؛ چرا که کلام، مخاطب ها و حالت های گوناگونی دارد. به من خبر رسیده که مردی از ساکنان مدائن، پس از مسلمان شدن، از کافران پیروی کرده و جامه ای از خیاط خانه مهتر آن شهر برگرفته؛ و بامداد خود را به مشک دان هایش خوشبو کرده و شامگاهش را به عود هندی معطر نموده؛ و پیرامونش را گل بوستانی فراگرفته و آن را می بوید؛ و فرش های رومی را بر تخت های خود گسترانیده است. پس از سپری کردن هفتاد سال، چه بدبخت شده است! در پیرامون او پیرمردی است که از فرط پیری، بر زمین می خزد؛ و یتیمی است که از تنگ حالی و شدت گرسنگی به خود می پیچد؛ اما او [حتی] از پس مانده های غذای تلخش به وی ندهد. اگر خداوند مرا بر وی مسلط فرماید، همچون گندم می کوبمش و بر وی حد مرتد جاری می کنم و سپس هشتاد تازیانه می زنمش و راه عذر نادانی را بر او می بندم. آیا موی و پوست و کرک حیوان، او را نبود؟ آیا تکه نانی نداشت تا کسی را افطار دهد؟ آیا در تاریکی شب، اشکی بر گونه ای نمی غلتید؟ اگر وی مؤمن بود، هر آینه آن گاه که مال غیر خود را تباه نمود، حجت بر وی تمام می شد.

٢ / ٢ المترفون أعداء الأنبياء الكتاب: «و كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّهِ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ . (١)»

«وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا الَّذِينَ الْأَخْرَجَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ . (٢)»

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَوْمِهِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ . (٣)»

الحديث: الإمام علي عليه السلام في خطبه له: «أما الأغنياء من مترفه الأمم، فتعصبوا لإثار مواقع النعم، فقالوا: «نحن أكثر أموالاً وأولاداً وما نحن بمُعذِّبين . (٤)»

الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعائه للعافية: «وأعذني وذريتي من الشيطان الرجيم، ومن شر السامه والهامة واللامه والعامه، ومن شر كل شيطان مرید، ومن شر كل سلطان عنيد، ومن شر كل مترف حفيد . (٥)»

١- الزخرف: ٢٣ .

٢- المؤمنون: ٣٣ .

٣- سبأ: ٣٤ و ٣٥ .

٤- نهج البلاغه: الخطبه ١٩٢، بحار الأنوار: ١٤ / ٤٧١ / ٣٧ .

٥- الصحيفه السجاديه: ٩٨ الدعاء ٢٣ .

۲ / ۲ نازپروردگان دشمنان پیامبران

۲ / ۲ نازپروردگان دشمنان پیامبرانند قرآن: «و همچنین پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم ، مگر آن که توانگران و کامرانانش گفتند که ما پدران خود را بر آیینی یافته ایم و ما بر پی ایشان می رویم .»

«و مهتران قومش که کافر بودند و دیدار آن جهان را باور نداشتند و آنان را در زندگی این جهان کامرانی داده بودیم ، گفتند : این نیست مگر آدمی ای همچون شما ، از آن چه شما می خورید می خورد و از آن چه می آشامید می آشامد .»

«و ما هیچ بیم دهنده ای در هیچ آبادی و شهری نفرستادیم ، مگر آن که کامرانان و توانگران آن گفتند: ما بدان چه به آن فرستاده شده اید ، کافریم؛ و گفتند: ما مال ها و فرزندان بیش تر داریم و ما عذاب شدگان نیستیم .»

حدیث: امام علی علیه السلام در خطبه ای از وی : اما توانگران ، از نازپروردگان امت ها بودند که به دلیل برخورداری از نعمت ها دچار تعصب شدند و گفتند: «ما مال ها و فرزندان بیش تر داریم و ما عذاب شدگان نیستیم» .

امام سجاد علیه السلام در دعای عافیت خواهی اش : و من و نسلم را از شیطان رانده شده در امان دار ؛ و نیز از شر جانور زهردار ناگشونده و جانور زهر دار کشنده و همه جانوران و چشم زخم ؛ و هم از شر شیطان سرکش و پادشاه ستمگر و نازپرورده ای که خدمتکارانش وی را تعظیم کنند .

٢ / ٣ معاشره المترفين ٢ / ٣ التجاني عن مجالسه المترفين ارشاد القلوب في ليله المعراج : قال الله تعالى : يا حميد ، محبتي محبة الفقراء ؛ فادن الفقراء وقرب مجلسهم منك ، وأبعد الأغنياء وأبعد مجلسهم عنك ؛ فإن الفقراء أحبائي . (١)

رسول الله صلى الله عليه وآله : تجافوا صحنه الأغنياء وارحموهم ، وعفوا عن أموالهم . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : أقلوا الدخول على الأغنياء ؛ فإنه قمن أن لا تردوا نعم الله عز وجل . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله لعائشه : إذا أردت اللحوق بي فليكنك من الدنيا كزاد الزاكب ، وإياك ومجالسه الأغنياء ! ولا تستخلى ثوبا حتى ترقعه . (٤)

١- إرشاد القلوب : ٢٠١ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ٢٣ / ٦ .

٢- تنبيه الخواطر : ٢ / ١٢٠ وراجع الفردوس : ١ / ٧٦ / ٢٢٤ .

٣- المستدرک علی الصحیحین : ٤ / ٣٤٧ / ٧٨٦٩ ، شعب الإيمان : ٧ / ٢٧٤ / ١٠٢٨٧ وفيه «أحدر» بدل «قمن» وكلاهما عن عبد الله بن الشخير ، كنز العمال : ٣ / ١٩٨ / ٦١٥٤ .

٤- سنن الترمذی : ١٧٨٠ / ٢٤٥ / ٤ ، المستدرک علی الصحیحین : ٤ / ٣٤٧ / ٧٨٦٧ ، الطبقات الكبرى : ٨ / ٧٦ وفيهما «تستخلى» بدل «تستخلى» وكلها عن عائشه ، كنز العمال : ٣ / ٣٩١ / ٧٠٩٤ .

۳ / ۲ همنشینی با نازپروردگان

۳ / ۲ دوری جستن از همنشینی با نازپروردگان

۳ / ۲ همنشینی با نازپروردگان ۳ / ۲ دوری جستن از همنشینی با نازپروردگان ارشاد القلوب در وصف شب معراج : خدای تعالی فرمود: «ای احمد! محبت من ، محبت فقیران است ؛ پس به آنان نزدیک شو و ایشان را نزدیک خود بنشان و از توانگران دور باش و آنان را دور از خود بنشان ؛ که فقیران دوستان منند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از همنشینی توانگران دوری گزینید و بر آنان دل بسوزانید و از اموال آنان دامن بشوید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از درآمدن نزد توانگران بکاهید ؛ که اگر نزدشان روید ، سزا است که نعمت های خدا را دریابید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به عایشه : اگر خواهی به من پیوندی ، باید از دنیا به اندازه توشه یک سوار تو را بس باشد ؛ و از همنشینی با توانگران بپرهیز . و جامه ای را تا آن گاه که پینه نکرده ای ، از تن بیرون مياور .

عنه صلى الله عليه و آله :ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ :... وَالْجُلُوسُ مَعَ الْأَغْنِيَاءِ . (١)

الإمام على عليه السلام :لا تُكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ . . . اللَّهُ مَعَ الْأَغْنِيَاءِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الذِّكْرِ مَعَ الْفُقَرَاءِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام لِرَجُلٍ : يا فُلَانُ ، لا تُجَالِسِ الْأَغْنِيَاءَ ؛ فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَهُوَ يَرَى أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً ، فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ . (٣)

عنه عليه السلام :قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَرِيحُ يُمْتَنَ الْقَلْبَ :... وَمُجَالَسَةُ الْمَوْتَى . فَقِيلَ لَهُ : يا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا الْمَوْتَى ؟ قالَ : كُلُّ غَنِيٍّ مُتْرِفٍ . (٤)

٢ / ٣ التَّحذِيرُ مِنْ إِكْرَامِ الْغَنِيِّ لِغِنَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَكْرَمَ الْغَنِيَّ لِغِنَاهُ ! وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَهَانَ الْفَقِيرَ لِفَقْرِهِ ! ولا- يَفْعَلُ هَذَا إِلَّا- مُنَافِقٌ . وَمَنْ أَكْرَمَ الْغَنِيَّ لِغِنَاهُ وَأَهَانَ الْفَقِيرَ لِفَقْرِهِ ، سُمِّيَ فِي السَّمَاوَاتِ عِدُوَّ اللَّهِ وَعِدُوَّ الْأَنْبِيَاءِ ؛ لا يُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ ، ولا يُقْضَى لَهُ حَاجَةٌ . (٥)

١- .الكافي : ٢ / ٦٤١ / ٨ ، الخصال : ٨٧ / ٢٠ كلاهما عن المحاربي عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول :

٥١ ، مشكاة الأنوار : ٣٥٩ / ١١٦٨ عن الإمام الصادق عليه السلام عن صلى الله عليه و آله ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٥٥ / ١٢٧ .

٢- .نهج البلاغه: الحكمة ١٥٠ ، خصائص الأئمة عليهم السلام: ١٠٩ وفيه «النوم» بدل «اللهو» ، بحار الأنوار: ٧٢ / ١٩٩ / ٣٠ .

٣- .الأمالى للصدوق : ٣٢٦/٣٨١ عن عبد الله بن سليمان ، مشكاة الأنوار : ٧٢/١٣١ ، روضه الواعظين : ٥١٨ ، بحار الأنوار : ٧٤ /

٢١ / ١٩٤ .

٤- .الخصال : ٢٢٨ / ٦٥ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ٤٤٦ / ١٤٩٥ ، روضه الواعظين :

٤٥٣ ، بحار الأنوار : ٢ / ١٢٨ / ١٠ .

٥- .إرشاد القلوب : ١٩٤ .

۲ / ۳ پرهیز دادن از گرامی داشتن توانگر برای توانگری اش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همنشینی با سه تن ، دل را بمیراند: . . . و همنشینی با توانگران .

امام علی علیه السلام: از [قماش] کسی مباش که بدون عمل ، به آخرت امید دارد . . . و خوش گذرانی همراه توانگران برایش دوست داشتنی تر از یاد کردن خدا همراه فقیران است .

امام باقر علیه السلام خطاب به مردی : ای فلانی! با توانگران منشین ؛ که بنده چون با ایشان نشیند ، در آغاز اعتقاد دارد که خدا نعمتش بخشیده ، و چون برخیزد ، گمان دارد که خدا به وی نعمتی نداده است .

امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چهار چیز ، دل را بمیراند : . . . و همنشینی با مردگان» . گفتند: «ای رسول خدا! مردگان کیانند؟» فرمود: «هر توانگر نازپرورده» .

۲ / ۳ پرهیز دادن از گرامی داشتن توانگر برای توانگری اشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای لعنت کند کسی را که توانگر را برای توانگری اش گرامی دارد ؛ و نیز خدای لعنت کند کسی را که فقیر را برای فقرش خوار شمارد . و این کار را جز منافق ، نمی کند . و هر که توانگر را برای توانگری اش گرامی دارد و فقیر را برای فقرش خوار شمارد ، در آسمان ها دشمن خدا و پیامبران شمرده شود و دعایش مستجاب نگردد و نیازش برآورده نشود .

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ تَوَاضَعَ لِغَنِيِّ ، جَعَلَ اللَّهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :مَنْ تَضَعَضَعَ لِغَنِيِّ لِيُنَالَ مِمَّا فِي يَدَيْهِ ، أَسَخَطَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَلَيْهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :أَيُّمَا فَقِيرٍ تَضَعَضَعَ لِغَنِيِّ لِدُنْيَاهُ ، ذَهَبَ ثَلَاثًا دِينِهِ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :إِيَّاكُمْ وَالتَّوَاضَعَ لِغَنِيِّ ! فَمَا تَضَعَضَعَ أَحَدٌ لِغَنِيِّ إِلَّا ذَهَبَ نَصِيبُهُ مِنَ الْجَنَّةِ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :مَنْ أَتَى غَنِيًّا فَتَوَاضَعَ لَهُ لِغِنَاهُ ذَهَبَ ثَلَاثًا دِينِهِ . (٥)

٢ / ٤ عاقِبَةُ التَّرَفَالِ كِتَاب : « وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا . (٦) »

-
- ١- .تنبيه الخواطر : ٢ / ١١٦ .
 - ٢- .المعجم الصغير : ١ / ٢٥٧ ، شُعب الإيمان : ٧ / ٢١٣ / ١٠٠٤٤ ، تنبيه الغافلين : ٢٥٧ / ٣٤١ / ٢٥٧ كلاهما نحوه و كلَّها عن أنس .
 - ٣- .تنبيه الخواطر : ٢ / ٢٠٠ وراجع الدر المنثور : ٤ / ٥٧٢ .
 - ٤- .جامع الأخبار : ٤٤٠ / ١٢٣٨ .
 - ٥- .نهج البلاغه : الحكمة ٢٢٨ ، تفسير العياشي : ١ / ١٢٠ / ٣٧٩ عن عمرو بن جميع رفعه ، الأمالي للمفيد : ١٨٨ / ١٥ ، الاختصاص : ٢٢٦ كلاهما عن رفاعه عن الإمام الصادق عليه السلام و كلَّها نحوه ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٧٠ / ٧ .
 - ٦- .الإسراء : ١٦ .

۴ / ۲ سرانجام نازپروردگی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای توانگری تواضع نماید، خداوند فقر را بر پیشانی اش مهر نماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که نزد توانگری فروتنی کند تا به مال او دست یابد، خدا بر وی خشم گیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر فقیری که نزد توانگری برای دنیایش فروتنی کند، دو سوم دینش از دست رفته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا به توانگر تواضع کنید! هیچ کس برای توانگری فروتنی نکند، جز آن که بهره بهشتی اش نابود شود.

امام علی علیه السلام: هر که نزد توانگری رود و برای ثروتش به او تواضع نماید، دو سوم دینش تباه شده است.

۴ / ۲ سرانجام نازپروردگی قرآن: «و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، نازپروردگان آن جا را فرمان دهیم؛ پس در آن جا نافرمانی و گناه کنند؛ آن گاه آن وعده [ی عذاب] بر آن سزا شود؛ پس آن را به سختی نابود کنیم.»

«كَأَلَّا إِنِّهَا لَطَىٰ * نَزَاعَهُ لِّلشَّوَىٰ * تَدْعُوا مِن أَدْبَرٍ وَ تَوَلَّىٰ * وَ جَمَعَ فَأَوْعَىٰ . (١)»

«وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَوْمِهِ بَطَرْتُ مَعِيشَتَهَا فَنَلَّكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تُسْكِن مِن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَ كُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ . (٢)»

«مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ . (٣)»

«مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ . (٤)»

«وَ مَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ . (٥)»

«وَ كَمْ قَصَبْنَا مِن قَوْمِهِ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ أَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ * فَلَمَّا أَحْسَبُوا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسِدِ كِنُكُم لَعَلَّكُمْ تُسْتَلُونَ * قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَمِدِينَ . (٦)»

«فَلَوْلَا - كَانِ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّتِهِ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ . (٧)»

١- المعارج : ١٨ ١٥ .

٢- القصص : ٥٨ .

٣- الحاقة : ٢٨ .

٤- المسد : ٢ .

٥- الليل : ١١ .

٦- الأنبياء : ١٥ ١١ .

٧- هود : ١١٦ .

«هرگز؛ که آن، آتشی است زیانه کشنده * برکننده پوست سر * هر که [به حق] پشت کرد و [از ایمان] روی برتافت * و [مال] گرد آورد و اندوخت، فرامی خواند.»

«و چه بسیار آبادی ها و شهرها را نابود کردیم که در زندگانی خویش از خوشی، سرکشی و نافرمانی نمودند؛ و اینک این خانه هایشان است که پس از آنان جز اندکی در آن ها نشیمن نگرفتند و ما وارث آنان بودیم.»

«مالم مرا سود نبخشید.»

«مالش و آن چه به دست آورده، او را سود ندهد.»

«و آن گاه که هلاک شد، مال او به کارش نیاید.»

«و چه بسا شهرها را که ستمکار بودند، فرو شکستیم و پس از آن ها قومی دیگر پدید کردیم * پس چون عذاب را دریافتند، آن گاه به شتاب از آن می گریختند * مگریزید؛ و به کامرانی و خانه های خویش بازگردید تا مگر از شما پرسند * گفتند: وای بر ما که ستمکار بودیم * پس پیوسته گفتارشان این بود تا آنان را درو شده و خاموش و بی جان کردیم.»

«پس چرا در میان مردمانی که پیش از شما بودند، جز اندکی شان که آنان را رهانیدیم، خردمندان و نیکان با فضیلتی نبودند که از تباهکاری در زمین بازدارند؟ و کسانی که ستم کرده اند، در پی آن چه در آن کامرانی یافتند، رفتند و بزهکار بودند.»

الحديث: الإمام الباقر عليه السلام فى قولِ اللهِ تعالى: «وَ إِذْ أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمَهُ أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا»: أمرنا أكايرها. (١)

الإمام على عليه السلام من كتابه إلى معاوية: وكيف أنت صانع إذا تكشفت عنك جلايب ما أنت فيه من دنيا قد تبهجت بزيتها، وخذعت بلذتها، دعتك فأجبتها، وقادتك فأبعتها، وأمرتك فأطعتها. وإنه يوشك أن يقفك واقف على ما لا يُنجيك منه مجن، فاقعس عن هذا الأمر، وخذ أهبة الحساب، وشمر لما قد نزل بك، ولا تمكن الغواة من سيمعك، وإن لا تفعل أعلمك ما أغفلت من نفسك؛ فإنك مترف قد أخذ الشيطان منك مأخذه، وبلغ فيك أمله، وجرى منك مجرى الروح والدم. (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام فى الزهد: وأعلم ويحك! يا ابن آدم، أن قسوة البطنه، وكظله الملاءه، وسكر الشبع، وغرة الملك، مما يئبط ويبيط عن العمل، وينسى الذكر، ويلهى عن اقتراب الأجل، حتى كأن المبتلى بحب الدنيا به خبل من سكر الشراب. (٣)

١- تفسير العياشى: ٢ / ٢٨٤ / ٣٥ عن حمران، بحار الأنوار: ٥ / ٢٠٨ / ٤٧.

٢- نهج البلاغه: الكتاب ١٠، بحار الأنوار: ٣٣ / ١٠١ / ٤٠٦.

٣- تحف العقول: ٢٧٣، بحار الأنوار: ٧٨ / ١٢٩ / ١.

حدیث: امام باقر علیه السلام درباره سخن خدای تعالی: «و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، نازپروردگان آن جا را فرمان دهیم...»: بزرگانشان را فرمان دهیم.

امام علی علیه السلام در نامه اش به معاویه: چه سان خواهی بود آن گاه که پرده های دنیایی که در آنی، کنار رود؛ همان دنیا که با زیورهایش خود را آراسته ای و با لذتش فریبکاری کرده ای؛ او تو را خواند و تو اجابتش کردی؛ تو را به سوی خود فراخواند و به دنبالش روان گشتی؛ فرمانت داد و پیروی اش کردی. همانا زود است که کسی تو را باز ایستاند، چنان که هیچ سپری نتواند از آن نجات دهد. پس از این شیوه دست بردار و برای حسابرسی آماده شو و خود را برای آن چه بر تو فرو خواهد آمد، مهیا کن و به گمراهان گوش فرا مده؛ که اگر چنین نکنی، تو را بدان چه از آن غافل، آگاه کنم. همانا تو نازپرورده ای هستی که شیطان زمامت را گرفته و در تو به آرزویش رسیده و همچون روح و خون در وجودت جاری شده است.

امام سجاد علیه السلام درباره زهد: ای فرزند آدم؛ وای بر تو! بدان که سیاهی درون و فراوان خوردن و سرمستی سیری و فریفتگی ثروت و قدرت، انسان را از عمل باز می دارد و یاد [خدا] را فراموشش می سازد و از نزدیک شدن مرگ غافلش می کند؛ چندان که هر کس به دنیا دوستی گرفتار گردد، گویا جنون مستی از شراب در او است.

الفصل الثالث: ما يوجب الآفات ٣ / ١١ العَفْلَةُ عَنِ الْآخِرِهَا الْكِتَابُ : «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ * وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ . (١)»

«إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا . (٢)»

الحديث: رسول الله صلى الله عليه و آله لِرَجُلٍ يُوَصِيهِ : لَا تَتَشَاغَلْ عَمَّا فُرِضَ عَلَيْكَ بِمَا قَدْ ضَمِنَ لَكَ ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ بِفَائِتِكَ مَا قَدْ قُسِمَ لَكَ ، وَلَسْتَ بِلَاحِقٍ مَا قَدْ زُوِيَ عَنْكَ ، فَلَا تَكُ جَاهِلًا فِي مَا يَصِحُّ نَافِدًا ، وَاسِعَ لِمُلْكِكَ لَا زَوَالَ لَهُ فِي مَنْزِلٍ لَا انْتِقَالَ عَنْهُ .

(٣)

١- .القيامة : ٢٠ و ٢١ .

٢- .الدهر : ٢٧ .

٣- .أعلام الدين : ٣٤٤ / ٣٧ عن أبي ذرّ ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٨٧ / ٣٧ .

فصل سوم: آن چه آفت می آورد

۳ / ۱ غفلت از آخرت

فصل سوم: آن چه آفت می آورد ۳ / ۱ غفلت از آخرتقرآن: «نه چنان است که می پندارید، بلکه شما این جهان شتابان و زودگذر را دوست می دارید* و آن جهان را فرو می گذارید.»

«همانا اینان این جهان شتابان و زودگذر را دوست می دارند و روزی گران را پشت سرشان می افکنند.»

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به مردی: به سبب آن چه [= کسب روزی] که برای ت تضمین گشته، از وظیفه واجب غفلت مکن؛ که آن چه روزی مقسوم تو است، از دست نخواهد رفت و آن چه رزقت نباشد، نصیب نخواهد گشت. پس در طلب آن چه فناشدنی است، مکوش و برای آن ثروتی بکوش که در سرای جاودان، فناپذیر است.

الإمام علي عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ ، لَا يَشْغَلُكُمْ الْمَضْمُونُ مِنَ الرَّزْقِ عَنِ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ مِنَ الْعَمَلِ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كَمِ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا ، وَمُدْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا! فَلَا يَشْغَلَنَّكَ طَلِبُهَا عَنْ عَمَلِكَ ، وَالتَّمَسْهَا مِنْ مُعْطِيهَا وَمَالِكِهَا ؛ فَكَمِ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَيَّرَعَتْهُ ، وَاشْتَغَلَ بِمَا أَدْرَكَ مِنْهَا عَنْ طَلَبِ آخِرَتِهِ حَتَّى فَنِيَ عُمُرُهُ وَأَدْرَكَهُ أَجَلُهُ! (٢)

٣ / ٢ استيطاء الرزق رسول الله صلى الله عليه وآله يقول سبحانه وتعالى: لِيَحْذَرَ عَبْدِي الَّذِي يَسْتَبْطِئُ رِزْقِي أَنْ أَغْضَبَ فَأَفْتَحَ عَلَيْهِ بَابًا مِنَ الدُّنْيَا! (٣)

مسند ابن حنبل عن حبه وسواء ابنا خالد: دَخَلْنَا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يُصَلِّحُ شَيْئًا فَأَعْنَاهُ ، فَقَالَ : لَا تَأْيَسَا مِنَ الرَّزْقِ مَا تَهَزَّزَتْ رُؤُوسُكُمْ ؛ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ تَلِدُهُ أُمُّهُ أَحْمَرَ لَيْسَ عَلَيْهِ قَشْرَةٌ ، ثُمَّ يَرِزُقُهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا . (٤)

١- إرشاد القلوب : ١٢٠ ، تحف العقول : ٤٨٩ عن الإمام الهادي عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٣٧٤ / ٢٢ .

٢- الكافي : ٢ / ٤٥٥ / ٩ عن عثمان بن عيسى ، مشكاة الأنوار : ٤٦٤ / ١٥٤٩ وفيه «عمل» بدل «طلب» و«انقضى» بدل «فنى» .

٣- أعلام الدين: ٢٧٧ وص ١٦١ ، كنز الفوائد: ٢/١٩٧ وفيهما «وروى أن الله عز وجل أوحى إلى عيسى بن مريم عليه السلام» ، عدّه الداعي: ٣١ عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار: ٨١/١٩٥/٥٢ وج ١٠٣/٢١/١٦ .

٤- مسند ابن حنبل : ٥ / ٣٧٥ / ١٥٨٥٥ ، سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٩٤ / ٤١٦٥ ، المعجم الكبير : ٤ / ٧ / ٣٤٧٩ ح ٣٤٨٠ وليس فيه «وهو يصلح شيئا فأعناه» ، أسد الغابه : ٢ / ٥٨٨ / ٢٣٢٩ ، الاستيعاب : ٢ / ٢٤٧ / ١١٥٣ وفيه «يعمل عملاً» بدل «يصلح شيئا» ، كنز العمال : ١ / ١٠٩ / ٥٠٦ ؛ تنبيه الخواطر : ١ / ١٦٨ نحوه .

۳ / ۲ آهسته یابی روزی

امام علی علیه السلام: ای مردم! مبادا روزی ضمانت شده ، شما را از عمل واجبتان باز دارد .

امام صادق علیه السلام: چه بسا جوینده دنیا که به آن دست نیافت و چه بسیار یابنده آن که از آن جدا شد . پس هرگز طلب دنیا تو را از کارت باز ندارد ؛ بلکه آن را از بخشنده و مالکش طلب کن . پس چه بسا کسی که به دنیا حرص ورزید و دنیا هلاکش کرد و او را با بهره های دنیایی ، از طلب آخرت بازداشت ، چندان که عمرش فنا گشت و مرگش در رسید .

۳ / ۲ آهسته یابی روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدای منزه والا فرماید: «آن بنده من که روزی ام را آهسته می یابد ، باید حذر کند از این که بر وی خشم گیرم و دری از دنیا به رویش بگشایم» .

مسند ابن حنبل از حبه و سواء پسران خالد :نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و الهرفتیم ؛ سرگرم کاری بود ، وی را یاری نمودیم . فرمود: «تا زنده اید ، از روزی ناامید نشوید ؛ که انسان را مادرش می زاید ، حال آن که سرخ و بی پوشش است و آن گاه خداوند روزی اش می دهد» .

الإمام علي عليه السلام: مَنْ وَثِقَ بِقِسْمِ اللَّهِ لَمْ يَتَّهَمُهُ فِي الرِّزْقِ . (١)

الإمام الكاظم عليه السلام: يَتَّبِعِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَسْتَبِطُهُ فِي رِزْقِهِ ، وَلَا يَتَّهَمُهُ فِي قَضَائِهِ . (٢)

الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ فِي الْكَتْرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : « وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا (٣) » كَانَ فِيهِ : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... وَيَتَّبِعِي لِمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ أَنْ لَا يَتَّهَمَ اللَّهُ فِي قَضَائِهِ ، وَلَا يَسْتَبِطُهُ فِي رِزْقِهِ . (٤)

عنه عليه السلام: عَجِبَا لِمَنْ غَفَلَ عَنِ اللَّهِ كَيْفَ يَسْتَبِطِي اللَّهُ فِي رِزْقِهِ ، وَكَيْفَ اصْطَبَرَ عَلَى قَضَائِهِ ! (٥)

عده الداعي: فِي الْوَحْيِ الْقَدِيمِ : يَا بَنَ آدَمَ ، خَلَقْتُكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ فَلَمْ أَعِ بِخَلْقِكَ ؛ أَوْ يُعِينِي رَغِيفٌ أَسْوَفُهُ إِلَيْكَ فِي حِينِهِ؟! (٦)

٣ / ٣ استِقْلَالُ الرَّزْقِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى عَزْرِي : (يَا عَزْرِي) ... إِذَا أُوتِيَتْ رِزْقًا مِنِّي فَلَا تَنْظُرْ إِلَى قَلْبِي ، وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى مَنْ أَهْدَاهُ . (٧)

١- غرر الحكم : ٨٦٤٩ .

٢- الكافي : ٢ / ٦١ / ٥ ، التمهيد : ٦٢ / ١٤٢ كلاهما عن صفوان الجمال ، تحف العقول : ٤٠٨ ، مشكاة الأنوار : ٥٢٠ / ١٧٥٠ .

٣- الكهف : ٨٢ .

٤- الكافي : ٢ / ٥٩ / ٩ ، تهذيب الأحكام : ٩ / ٢٧٦ / ١٠٠١ ، تفسير العياشي : ٢ / ٣٣٨ / ٦٧ وفيه « غفل » بدل « عقل » ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٨٤ كلها عن علي بن أسباط ، مشكاة الأنوار : ٥٢٠ / ١٧٥ ، قرب الإسناد : ٣٧٥ / ١٣٣٠ ، بحار الأنوار : ٧٠ / ١٥٦ / ١٤ /

٥- تفسير العياشي : ٢ / ٣٣٩ / ٦٩ عن أحمد بن محمد بن أبي نصر ، بحار الأنوار : ٧١ / ١٥٠ / ٥٠ .

٦- عده الداعي : ٨٣ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٢١ / ١٢ .

٧- الدعوات : ١٦٩ / ٤٧٢ ، بحار الأنوار : ٨٢ / ١٣٢ / ١٦ .

۳ / ۳ کم شمردنِ روزی

امام علی علیه السلام: هر که به قسمت خداوند اعتماد ورزد ، او را به روزی ندادن متهم نکند .

امام کاظم علیه السلام: آن را که در پناه خداوند است ، سزا است که روزی او را گُند نشمرد و او را در حکم راندنش متهم نسازد .

امام رضا علیه السلام: خداوند فرموده است: «و زیر آن ، گنجی از آن ایشان بود» . در آن گنج ، چنین بود: «به نام خدای مهرپیشه مهربان . . . آن را که در پناه خداوند است ، سزا است که او را در حکم راندنش متهم نسازد و روزی او را گُند نشمرد» .

امام رضا علیه السلام: شگفتا از کسی که در پناه خدا است (۱) ، چگونه روزی او را آهسته می شمرد ، در حالی که بر حکم او شکیبایی می ورزد!

عده الداعی: در وحی کهن آمده است: «ای فرزند آدم! تو را از خاک و آن گاه نطفه آفریدم و از آفرینشت ناتوان نبودم ؛ آیا در این هنگام ، از دادن قرص نانی به تو درمی مانم؟»

۳ / ۳ کم شمردنِ روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به عزیر وحی فرمود: «ای عزیر! . . . هرگاه روزی مرا دریابی ، به اندکی آن منگر ؛ بلکه به کسی که آن را بخشیده ، بنگر» .

۱- به قرینه روایات دیگر ، «عقل عن الله» تلقی و ترجمه شد . (م)

كنز العمال عن عبد الرحمان بن عبد الله بن قريب و زيد بن أكرم: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ وَعِنْدَهُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ وَقَدْ سَأَلَهُ ، وَقَدْ أَمَرَ لَهُ بِشَيْءٍ فَتَسَخَّطَهُ الزُّبَيْرِيُّ فَاسْتَقَلَّهُ ، فَأَغْضَبَ الْمَنْصُورَ ذَلِكَ مِنَ الزُّبَيْرِيِّ حَتَّى بَانَ فِيهِ الْغَضَبُ ، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ جَعْفَرٌ فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَعْطَى عَطِيَّةً طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ بَوْرِكَ لِلْمُعْطَى وَالْمُعْطَى . فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ : وَاللَّهِ لَقَدْ أَعْطَيْتُهُ وَأَنَا غَيْرُ طَيِّبِ النَّفْسِ بِهَا ، وَلَقَدْ طَابَتْ بِحَدِيثِكَ هَذَا . ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ الزُّبَيْرِيُّ فَقَالَ : حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ اسْتَقَلَ قَلِيلَ الرِّزْقِ حَرَمَهُ اللَّهُ كَثِيرَهُ . فَقَالَ الزُّبَيْرِيُّ : وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ عِنْدِي قَلِيلًا وَلَقَدْ كَثُرَ عِنْدِي بِحَدِيثِكَ هَذَا . قَالَ سُفْيَانُ : فَلَقِيتُ الزُّبَيْرِيَّ فَسَأَلْتُهُ عَنْ تِلْكَ الْعَطِيَّةِ ، فَقَالَ : لَقَدْ كَانَتْ نَزْرَةً قَلِيلَةً فَقَبِلْتُهَا فَبَلَغَتْ فِي يَدِي خَمْسِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ . (١)

الإمام الباقر عليه السلام لجابر بن يزيد: استكثر لنفسك من الله قليل الرزق؛ تخلصا إلى الشكر. (٢)

١- كنز العمال : ٥٦٦ / ٦ / ١٦٩٦٠ عن ابن النجار؛ مستدرک الوسائل : ٧ / ٢٧٣ / ٨٢١٣ نقلًا عن العلامة في الإيضاح .

٢- تحف العقول : ٢٨٥ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ١٦٣ / ١ .

کنز العمال از عبدالرحمان بن عبدالله بن قریب و زید بن اخرم: سفیان بن عیینه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که وی نزد ابوجعفر منصور برفت ، حال آن که مردی از فرزندان زبیر بن عوام نزد او بود و از او چیزی می خواست . منصور فرمان داد که چیزی به وی دهند ؛ مرد زبیری آزرده خاطر شد و آن را اندک شمرد . منصور از این رفتار آن زبیری خشمگین شد ، چندان که آثار خشم در چهره اش نمودار گشت . امام صادق علیه السلام به او روی نموده ، فرمود: «ای حاکم مؤمنان! پدرم از پدرش علی بن حسین از پدرش از علی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد: هر که هدیه ای را با خشنودی خاطر ببخشد ، بخشنده و بخشیده برکت می یابند » . منصور گفت: «به خدا سوگند! من با ناخشنودی آن را بخشیدم ؛ ولی با این سخت ، خشنود شدم» . سپس امام صادق علیه السلام به آن زبیری روی کرده ، فرمود: «پدرم از پدرش از جدش از امیرالمؤمنین علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد: هر که روزی کم خدای را کوچک بشمرد ، خداوند او را از روزی فراوان محروم فرماید » . مرد زبیری گفت: «به خدا سوگند! آن بخشش نزد من کم بود ؛ اما با این سخت ، برایم بسیار شد» . سفیان گوید: «از آن پس ، آن زبیری را دیدم و از آن هدیه پرسیدم . گفت: مالی بس اندک بود ؛ آن را پذیرفتم و اکنون در دست من به پنجاه هزار درهم رسیده است » .

امام باقر علیه السلام خطاب به جابر بن یزید: با شکر کردن ، روزی اندک خدا را برای خود فراوان گردان .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اسْتَقَلَّ قَلِيلَ الرِّزْقِ حُرِمَ الكَثِيرِ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ قَلِيلَ الرِّزْقِ كَانَ ذَلِكَ دَاعِيَهُ إِلَى اجْتِلَابِ كَثِيرٍ مِنَ الرِّزْقِ ، (وَمَنْ تَرَكَ قَلِيلًا مِنَ الرِّزْقِ كَانَ ذَلِكَ دَاعِيَهُ إِلَى ذَهَابِ كَثِيرٍ مِنَ الرِّزْقِ . (٢))

الكافي عن الحسن بن بسام الجمال: كُنْتُ عِنْدَ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارِ الصَّيرَفِيِّ ، فَجَاءَ رَجُلٌ يَطْلُبُ غَلَّةَ بَدِينَارٍ ، وَكَانَ قَدْ أَغْلَقَ بَابَ الحَانُوتِ وَخَتَمَ الكَيْسَ ، فَأَعْطَاهُ غَلَّةَ بَدِينَارٍ ، فَقُلْتُ لَهُ : وَيَحَكَ يَا إِسْحَاقُ! رَبُّمَا حَمَلَتْ لَكَ مِنَ السَّفِينَةِ أَلْفَ أَلْفِ دِرْهَمٍ . قَالَ : فَقَالَ لِي : تَرَى كَانَ لِي هَذَا ! لَكِنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : مَنْ اسْتَقَلَّ قَلِيلَ الرِّزْقِ حُرِمَ كَثِيرُهُ . ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ فَقَالَ : يَا إِسْحَاقُ ، لَا تَسْتَقِلَّ قَلِيلَ الرِّزْقِ فَتُحْرَمَ كَثِيرُهُ . (٣)

٣ / ٤ طَلَبُ الحَرَامِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيْنَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ ، لَمْ يُبَالِ اللَّهُ مِنْ أَيْنَ أَدْخَلَهُ النَّارَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ اِكْتَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ كَانَ رَادَّهُ إِلَى النَّارِ . (٥)

١- الكافي : ٥ / ٣١١ / ٣٠ ، تهذيب الأحكام : ٧ / ٢٢٧ / ٩٩٣ ، عوالي اللآلي : ٣ / ٢٠٣ / ٣٨ كلها عن إسحاق بن عمار .

٢- الكافي : ٥ / ٣١١ / ٢٩ عن إسحاق بن عمار .

٣- الكافي : ٥ / ٣١٨ / ٥٦ .

٤- تنبيه الخواطر : ٢ / ١١٦ ، عدّه الداعي : ٧٣ وفيه «اكتسب المال» بدل «يأتيه رزقه» ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ١٣ / ٦٣ .

٥- الاختصاص : ٢٤٩ .

۳ / ۴ طلب حرام

امام صادق علیه السلام: هر که روزی اندک را کوچک بشمارد ، از روزی فراوان محروم گردد .

امام صادق علیه السلام: هر که روزی اندک را طلب کند ، همین او را برمی انگیزد که روزی بسیار را کسب نماید ؛ و هر که روزی اندک را رها نماید ، همین او را به از دست دادن روزی بسیار می کشاند .

الکافی از حسن بن بسام جمال: نزد اسحاق بن عمار صیرفی بودم که مردی آمد و مقداری غله به یک دینار خواست ، حال آن که وی در دکان را بسته و صندوق را مهر نهاده بود . پس قدری غله به یک دینار به وی داد . به او گفتم: «وای بر تو ای اسحاق! با کشتی برای تو هزاران درهم کالا می آید» . گفتم: «می بینی که من چنین کردم . اما [بدان این از آن رو است که] من از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هر که روزی اندک را کم بشمارد ، از روزی بسیار محروم گردد . سپس روی به من کرد و فرمود: ای اسحاق! روزی اندک را کم مشمار ؛ که از بسیار آن محروم خواهی گشت » .

۳ / ۴ طلب حرام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس باکی نداشته باشد که روزی اش از کجا فراهم می شود ، خداوند نیز باکی ندارد که او را از کجا به آتش درافکند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که از راه غیر حلال مال به دست آورد ، او را به سوی آتش بکشد .

عنه صلى الله عليه وآله: وَاللَّهِ لَرُدُّ دَاتِقٍ مِنْ حَرَامٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ جَمَعَ مَالًا حَرَامًا ثُمَّ تَصَدَّقَ بِهِ ، لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهِ أَجْرٌ وَكَانَ إِصْرُهُ عَلَيْهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ دِرْهَمًا مِنْ حَرَامٍ أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ، وَمَنْ تَرَكَ دِرْهَمًا مِنْ شُبْهَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ نَبِيٍِّّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: تَرَكَ دَاتِقٍ حَرَامٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ مِائَةِ حَجَّةٍ مِنْ مَالٍ حَلَالٍ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا بَنَ مَسْعُودٍ ، لَا تَأْكُلِ الْحَرَامَ ، وَلَا تَلْبَسِ الْحَرَامَ ، وَلَا تَأْخُذْ مِنَ الْحَرَامِ ، وَلَا تَعْصِ اللَّهَ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِإِبْلِيسَ : « وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتِطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّتِهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (٥) » . (٦)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ جَمَعَ مَالًا مِنْ مَأْتَمٍ فَوَصَلَ بِهِ رَحْمًا ، أَوْ تَصَدَّقَ مِنْهُ ، أَوْ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، جُمِعَ جَمِيعًا فَقُذِفَ بِهِ فِي جَهَنَّمَ . (٧)

١- الفردوس : ٤ / ٣٥٩ / ٧٠٣٢ عن ابن عمر ، ربيع الأبرار : ٢ / ٨١٦ عن ابن عمر رفعه وليس فيه «والله» وفيه «يعدل» بدل «أفضل» ؛ عدّه الداعى : ١٢٩ عن الإمام الصادق عليه السلام ، الدعوات : ٢٥ / ٣٦ ، جامع الأخبار : ٤٤٢ / ١٢٤٩ كلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيها «والله» وفيها «يعدل» بدل «أفضل» ، بحار الأنوار : ٩٣ / ٣٧٣ / ١٦ و ج ١٠٣ / ١٢ / ٥١

٢- المستدرک علی الصحیحین : ١ / ٥٤٨ / ١٤٤٠ ، السنن الكبرى : ٤ / ١٤١ / ٧٢٤٠ كلاهما عن أبي هريره ، كنز العمال : ٦ / ٢٩٩ / ١٥٧٩١ .

٣- تاريخ بغداد : ٥ / ٣٠٩ / ٢٨٢١ عن عبد الله .

٤- تنبيه الخواطر : ٢ / ١٢٠ .

٥- الإسراء : ٦٤ .

٦- مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٥٤ / ٢٦٦٠ عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٠٥ / ١ .

٧- تاريخ بغداد : ٥ / ٤٤١ / ٢٩٦٣ عن أبي هريره ، الزهد لابن المبارك : ٢٢١ / ٦٢٥ عن القاسم بن المخيمره وفيه «أصاب» بدل «جمّع» و«أنفقه» بدل «جاهد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا سوگند! هر کس [حتی] به اندازه یک ششم درهم، مال حرام را کنار نهد، از هفتاد حج نیکو نزد خدا برتر است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که مال حرامی گرد آورد و سپس آن را صدقه دهد، هیچ پاداشی ندارد و وبال آن نیز بر گردن او است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که درهمی از حرام را ترک کند، خدا از آتش بازش دارد؛ و هر که درهمی شبهه ناک را رها نماید، خداوند پاداش یکی از پیامبران را به او عطا فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترک یک ششم درهم از مال حرام، نزد خداوند دوست داشتنی تر از گزاردن صد حج با مال حلال است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابن مسعود! حرام نخور و حرام نپوش و از حرام برنگیر و خدای را نافرمانی مکن؛ که خدای تعالی به ابلیس فرماید: «و با آواز خود، هر که را از آنان بتوانی برانگیز و بلغزان؛ و با سواران و پیادگان بر آنان بانگ زن و در مالها و فرزندانشان شریک باش و به ایشان وعده ده؛ و شیطان آنان را وعده ندهد مگر به فریب».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که از گناه مالی فراهم آورد و آن را برای صله رحم یا صدقه دادن یا جهاد در راه خدا صرف کند، همه جمع گردد و با آن در جهنم پرتاب شود.

عنه صلى الله عليه وآله: لا يَكْسِبُ عَبْدٌ مَالاً مِنْ حَرَامٍ فَيُنْفِقَ مِنْهُ فَيُبَارِكَ لَهُ فِيهِ ، وَلَا يَتَصَدَّقُ بِهِ فَيُقْبَلَ مِنْهُ ، وَلَا يَتْرُكُ خَلْفَ ظَهْرِهِ إِلَّا كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ . إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَمْحُو السَّيِّئَةَ بِالسَّيِّئَةِ وَلَكِنْ يَمْحُو السَّيِّئَةَ بِالْحَسَنِ ؛ إِنَّ الْخَبِيثَ لَا يَمْحُو الْخَبِيثَ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اِكْتَسَبَ مَالاً حَرَاماً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صِدْقَهُ وَلَا عِتْقاً وَلَا حَجّاً وَلَا اعْتِمَاراً ، وَكَتَبَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِعَدَدِ أَجْرِ ذَلِكَ أَوْزَاراً ، وَمَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ . وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهَا وَتَرَكَهَا مَخَافَةَ اللَّهِ كَانَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ وَيُؤَمَّرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: لا- يُعْجِبُكَ امْرُؤٌ كَسَبَ مَالاً مِنْ حَرَامٍ ، فَإِنْ أَنْفَقَ مِنْهُ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ ، وَإِنْ أَمْسَكَ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيهِ ، وَإِنْ مَاتَ وَتَرَكَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: الدُّنْيَا خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ ، مَنْ اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالاً- مِنْ حِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي حَقِّهِ أَثَابَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأُورِدَهُ جَنَّتَهُ ، وَمَنْ اِكْتَسَبَ فِيهَا مَالاً- مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ دَارَ الْهَوَانِ . وَرُبَّ مُتَحَوِّضٍ فِي مَالِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لَهُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (٤)

تنبيه الخواطر: قَالَ بَعْضُهُمْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَنْ الْمُؤْمِنُ؟ قَالَ : الْمُؤْمِنُ مَنْ إِذَا أَصْبَحَ نَظَرَ إِلَى رَغِيْفِهِ مِنْ أَيْنَ يَكْتَسِبُهُ . قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَمَا إِنَّهُمْ لَوْ كُفَّفُوهُ لَتَكَلَّفُوهُ! قَالَ : أَمَا إِنَّهُمْ قَدْ كُفَّفُوهُ وَلَكِنَّهُمْ تَعَشَّقُوا الدُّنْيَا عِشْقاً . (٥)

- ١- مسند ابن حنبل: ٢ / ٣٤ / ٣٦٧٢ ، شعب الإيمان: ٤ / ٣٩٦ / ٥٥٢٤ نحوه وكلاهما عن عبد الله بن مسعود .
- ٢- ثواب الأعمال: ٣٣٤ / ١ عن عبد الله بن عباس وأبي هريره ، بحار الأنوار: ١٠٣ / ١٧ / ٧٦ نقلاً عن أعلام الدين وراجع عوالي اللآلى: ١ / ٣٦٥ / ٥٨ .
- ٣- المعجم الكبير: ١٠ / ١٠٧ / ١٠١١١ ، حليه الأولياء: ٦ / ٢٩٥ نحوه وكلاهما عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال: ١٧ / ٩٢٧٩ وراجع تنبيه الخواطر: ٢ / ١١٥ .
- ٤- شعب الإيمان: ٤ / ٣٩٦ / ٥٥٢٧ عن ابن عمر ، كنز العمال: ٣ / ١٨٤ / ٦٠٧٥ .
- ٥- تنبيه الخواطر: ١ / ٦٢ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای مالی حرام کسب نکند که از آن هزینه کند و در آن برکت یابد؛ و یا از آن صدقه دهد و از وی پذیرفته شود؛ و یا پس از خود باقی نهد، مگر آن که توشه آتشش باشد. همانا خداوند زشت را با زشت محو نسازد، بلکه زشت را با نیک محو کند. هر آینه ناپاک نتواند که ناپاک را محو کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که مال حرامی به دست آورد، خداوند از وی صدقه و آزاد کردن بنده و حج و عمره را نپذیرد و به شماره پاداش این کارها برایش کیفر نویسد و هر چه از آن پس از مرگش باقی ماند، توشه وی به سوی آتش است. و هر که بتواند حرام کسب نکند و آن را از بیم خدا ترک کند، در مهر و رحمت خدا جای گیرد و با آن به بهشت خوانده شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در چشمت بزرگ ننماید آن کس که مالی از حرام فراهم آورد؛ که اگر از آن انفاق نماید، پذیرفته نگردد و اگر به آن چنگ زند، خیری از آن نبیند؛ و اگر بمیرد و آن را باقی نهد، توشه آتشش خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا سرسبز و شیرین است و هر که در آن، مال حلال کسب کند و آن را بجا هزینه نماید، خداوند بر آن پاداش می دهد و به بهشت خود می بردش؛ و هر که در آن، مال حرام کسب نماید و نابجا هزینه کند، خداوند به سرای خواری اندازدش. و چه بسا کسی که در مال خدا و رسولش غوطه خورد و روز قیامت آتش از آن وی باشد.

تنبيه الخواطر: یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ای رسول خدا! مؤمن کیست؟» فرمود: «مؤمن آن است که هر صبح بنگرد که قرص نانش را چه سان به دست آورده است». گفت: «ای رسول خدا! هر آینه اگر بدین کار وظیفه یافته باشند، آن را گردن نهند». فرمود: «هر آینه بدین کار وظیفه یافته اند، اما به دنیا سخت عشق می ورزند».

مسند ابن حنبل عن جابر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابَهُ مَرُّوا بِامْرَأَةٍ فَذَبَحَتْ لَهُمْ شَاةً وَاتَّخَذَتْ لَهُمْ طَعَامًا ، فَلَمَّا رَجَعَ قَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، إِنَّا اتَّخَذْنَا لَكُمْ طَعَامًا ، فَادْخُلُوا فَكُلُوا . فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَصْحَابُهُ وَكَانُوا لَا يَبْدُؤُونَ حَتَّى يَبْتَدِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لُقْمَةً فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُسَيِّعَهَا ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذِهِ شَاةٌ ذُبِحَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ أَهْلِهَا . فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، إِنَّا لَا نَحْتَشِمُ مِنْ آلِ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ وَلَا يَحْتَشِمُونَ مِنَّا ؛ نَأْخُذُ مِنْهُمْ وَيَأْخُذُونَ مِنَّا . (١)

شُعْبُ الْإِيمَانِ عَنْ ثَابِتٍ وَعَبْدِ الْوَهَّابِ بْنِ أَبِي حَفْصٍ : أَمْسَى دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَصَائِمًا ، فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ إِفْطَارِهِ أُتِيَ بِشَرْبِيهِ لَبَنٍ فَقَالَ : مِنْ أَيْنَ لَكُمْ هَذَا اللَّبَنُ؟ قَالُوا : مِنْ شَاتِنَا . قَالَ : وَمِنْ أَيْنَ تَمْنُهَا؟ قَالُوا : يَا نَبِيَّ اللَّهِ ، «مِنْ أَيْنَ» تَسْأَلُ؟ قَالَ : إِنَّا مَعَاشِرَ الرُّسُلِ أُمِرْنَا أَنْ نَأْكُلَ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَنَعْمَلَ صَالِحًا . (٢)

المستدرک علی الصحیحین عن ضميره بن حبيب عن أم عبد الله أخت شداد بن أوس: أَنَّهَا بَعَثَتْ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْهَقْدَحَ لَبَنٍ عِنْدَ فِطْرِهِ وَذَلِكَ فِي طَوْلِ النَّهَارِ وَشَدَّةِ الْحَرِّ ، فَزَدَّ إِلَيْهَا الرَّسُولَ : أَنِّي لَكَ هَذَا اللَّبَنُ؟ قَالَتْ : مِنْ شَاهٍ لِي . قَالَ : أَنِّي لَكَ هَذِهِ الشَّاهُ؟ قَالَتْ : اشْتَرَيْتُهَا مِنْ مَالِي . فَشَرِبَ . فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنَ الْغَدِ أَتَتْ أُمَّ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِاللَّبَنِ مَرِيئَهُ لَكَ مِنْ شَدَّةِ الْحَرِّ وَطَوْلِ النَّهَارِ ، فَزَدَدْتَهَا إِلَيَّ مَعَ الرَّسُولِ! فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بِذَلِكَ أُمِرَتِ الرُّسُلُ أَنْ لَا تَأْكُلَ إِلَّا طَيِّبًا وَلَا تَعْمَلَ إِلَّا صَالِحًا . (٣)

١- مسند ابن حنبل : ٥ / ١٢٤ / ١٤٧٩١ ، المستدرک علی الصحیحین : ٤ / ٢٦٢ / ٧٥٧٩ .

٢- شعب الإيمان : ٥ / ٥٩ / ٥٧٦٩ .

٣- المستدرک علی الصحیحین : ٤ / ١٤٠ / ٧١٥٩ ، الزهد لابن حنبل : ٤٧٦ ، المعجم الكبير : ٢٥ / ١٧٤ / ٤٢٨ ، مسند الشاميين

: ٢ / ٣٥٦ / ١٤٨٨ .

مسند ابن حنبل از جابر: رسول خدا و یارانش بر زنی گذشتند. وی برای ایشان گوسفندی ذبح کرد و غذایی فراهم ساخت. چون پیامبر بازگشت، آن زن گفت: «ای رسول خدا! برای شما غذایی فراهم آورده ایم؛ درون آید و بخورید». رسول خدا و یارانش داخل شدند. آنان لب به غذا نگشودند تا پیامبر آغاز فرمود. پیامبر لقمه ای برگرفت، لیکن نتوانست آن را فرو برد؛ سپس فرمود: «این گوسفند به رضایت صاحب آن ذبح نشده است». آن زن گفت: «ای پیامبر خدا! ما از خاندان سعد بن معاذ پروا نداریم و آنان نیز از ما پروا ندارند؛ ما از مال ایشان برمی گیریم و آنان هم از مال ما برمی گیرند».

شُعَبُ الْإِيمَانِ از ثابت و عبدالوهاب بن ابی حفص: داوود علیه السلام روزه دار بود. به هنگام افطار، برایش شیر آوردند. فرمود: «این شیر را از کجا آورده اید؟» گفتند: «از گوسفند خود». فرمود: «بهای آن چگونه فراهم شده است؟» گفتند: «ای پیامبر خدا! چرا از چگونگی اش می پرسی؟» فرمود: «ما پیامبران فرمان یافته ایم که مال حلال خوریم و کار نیک انجام دهیم».

المستدرک علی الصحیحین از ضمیره بن حبیب از ام عبدالله خواهر شداد بن اوس: پس از روزی دراز و بس سوزان، وی ظرف شیری برای افطار پیامبر فرستاد. ایشان ظرف را به وی بازگرداند که: «این شیر را از کجا آورده ای؟» گفت: «از گوسفند خویش». فرمود: «این گوسفند را از کجا آورده ای؟» گفت: «از مال خود خریده ام». سپس ایشان شیر را آشامید. فردای آن روز، ام عبدالله نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا! از گرمی هوا و درازی روز، دلم بر شما بسوخت و آن شیر را برایتان فرستادم؛ اما شما آن را همراه پیکی بازگردانید!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پیامبران فرمان یافته اند که جز حلال نخورند و جز کار نیک انجام ندهند».

الإمام علي عليه السلام: بِئْسَ الْكَسْبُ الْحَرَامُ. (١)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِي مَا وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ . . . يَا عَيْسَى ، قُلْ لَهُمْ : قَلِّمُوا أَظْفَارَكُمْ مِنْ

كَسْبِ الْحَرَامِ . (٢)

عنه عليه السلام: مَنْ طَلَبَ الْمَالَ بِغَيْرِ حَقٍّ حُرِّمَ بَقَاءُهُ لَهُ بِحَقِّ . (٣)

١- .غرر الحكم : ٤٤٠٧ .

٢- .الأمالى للصدوق : ٦١١ / ٨٤٢ عن أبي بصير ، الكافى : ٨ / ١٣٨ / ١٠٣ عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام ، تحف

العقول : ٤٩٩ ، عدّه الداعى : ١٢٩ عنهم عليهم السلام ، بحار الأنوار : ١٤ / ٢٩٥ / ١٤ .

٣- .تحف العقول : ٣٢١ ، بحار الأنوار : ٧٨ / ٢٣٥ / ٥٧ .

امام علی علیه السلام: چه بد است کسب حرام!

امام صادق علیه السلام: در زمره اندرزهای خداوند به عیسی علیه السلام چنین بود: «... ای عیسی! به آنان بگو: ناخن از کسب حرام برچینید».

امام صادق علیه السلام: هر که مالی به ناحق طلب کند، نگهداری آن مال برای او به حق، بر وی حرام باشد.

الفصل الرابع: ما يعصم من الآفات ٤ / اذكر اللهم امام على عليه السلام عند تلاوته: «يَسْبُحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ* رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ»: إِنَّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا يَدَلًّا ، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ ، يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ ، وَيَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَن مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ . (١)

الإمام الصادق عليه السلام فى قول الله عز و جل : «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ»: كانوا أصحاب تجارته ، فإذا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ تَرَكَوا التِّجَارَةَ وَ انْطَلَقُوا إِلَى الصَّلَاةِ ، وَهُمْ أَعْظَمُ أَجْرًا مِمَّنْ لَمْ يَتَّجِر . (٢)

١- نهج البلاغه : الخطبه ٢٢٢ ، غرر الحكم : ٣٥٧٥ نحوه .

٢- من لا يحضره الفقيه : ٣ / ١٩٢ / ٣٧٢٠ ، تفسير مجمع البيان : ٧ / ٢٢٧ عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلاموفيه «إنهم قوم» بدل «كانوا أصحاب تجارته» ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٢٥١ ، بحار الأنوار: ٦٧ / ٢٧٤ و ج ٦٩ / ٢٥٩

فصل چهارم: آن چه از آفات باز می دارد

۴ / ۱ یاد خدا

فصل چهارم: آن چه از آفات باز می دارد ۴ / ۱ یاد خدا امام علی علیه السلام به هنگام تلاوت این آیه: «صبح و شام در آن خانه ها تسبیح می گویند * مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند»: همانا مردمی هستند که یاد خدا را بر دنیا برگزیدند و هیچ تجارتی یا خرید و فروشی، آنان را از یاد خدای بازندارد. با یاد خدا روزگار می گذرانند و غافلان را با هشدارهای خود از [کیفر] محرمات الهی می ترسانند.

امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند»: آنان اهل تجارت بودند؛ چون وقت نماز می رسید، تجارت را رها کرده، به نماز می شتافتند؛ و پاداش ایشان بیش از غیر تاجران است.

الكافي عن الحسين بن بشار عن رجل رفعه في قول الله عز و جل : «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ (١)» : هُمُ التَّجَارُ الَّذِينَ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ عز و جل ، إِذَا دَخَلَ مَوَاقِيتُ الصَّلَاةِ أَدَّوْا إِلَى اللَّهِ حَقَّهُ فِيهَا . (٢)

تنبيه الخواطر :جاء في تفسير قوله تعالى : «لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ» أَنَّهُمْ كَانُوا حُدَّادِينَ وَخَرَازِينَ ، فَكَانَ أَحَدُهُمْ إِذَا رَفَعَ الْمِطْرَقَةَ أَوْ عَزَزَ الْإِشْفَى فَيَسْمَعُ الْأَذَانَ ، لَمْ يُخْرِجِ الْإِشْفَى مِنَ الْمَعْرِزِ وَلَمْ يَضْرِبْ بِالْمِطْرَقَةِ وَرَمَى بِهَا وَقَامَ إِلَى الصَّلَاةِ . (٣)

٤ / ٢ إِيثَارُ الْآخِرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَيُّهَا النَّاسُ ، أَقْبِلُوا إِلَى مَا كُفِّتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ آخِرَتِكُمْ ، وَأَعْرِضُوا عَمَّا ضَمِنَ لَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ . (٤)

الإمام علي عليه السلام :قَدْ تَكَفَّلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَأَمَرْتُمْ بِالْعَمَلِ ، فَلَا يَكُونَنَّ الْمَضْمُونُ لَكُمْ طَلَبُهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ ، مَعَ أَنَّهُ وَاللَّهِ لَقَدْ اعْتَرَضَ الشُّكُّ وَدَخَلَ الْيَقِينُ ، حَتَّى كَأَنَّ الَّذِي ضَمِنَ لَكُمْ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ ، وَكَأَنَّ الَّذِي قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ قَدْ وُضِعَ عَنْكُمْ ! (٥)

١- النور : ٣٧ .

٢- الكافي : ٥ / ١٥٤ / ٢١ ، بحار الأنوار : ٤ / ٨٣ .

٣- تنبيه الخواطر : ١ / ٤٣ .

٤- أعلام الدين : ٣٣٩ / ٢٣ عن أبي سعيد الخدري ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٨٢ / ٢٣ وج ١٠٣ / ٢٥ / ٢٨ .

٥- نهج البلاغه : الخطبه ١١٤ .

۴ / ۲ ترجیح دادن آخرت

الکافی از حسین بن بشار از مردی در حدیث مرفوع درباره این سخن خداوند: «مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند»: آنان بازرگانانی بودند که تجارت و خرید و فروش از یاد خدا بازشان نداشت؛ هر گاه هنگام نماز فرا رسید، حق خدا را در آن ادا کردند.

تنبيه الخواطر: در تفسیر این سخن خدا: «مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا غافل نمی کند»، آمده است که آنان آهنگر و مهره ساز بودند؛ هر یک از ایشان چون پتک را برمی گرفت یا سوزن را فرو می برد و ندای اذان را می شنید، هنوز سوزن از شکاف نگذشته و پتک فرو نیامده، آن را کناری می افکند و به نماز می ایستاد.

۴ / ۲ ترجیح دادن آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! به وظیفه خویش برای اصلاح آخرتتان روی آورید و از دنیاتان که برای شما تضمین گشته، روی برگردانید.

امام علی علیه السلام: خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما به عمل [به واجب ها] فرمان داده شده اید. پس نباید روزی ای که برایتان تضمین شده، بر وظیفه واجبتان مقدم گردد؛ با این که به خدا سوگند! چنان شک با یقین درآمیخته که گویا آن روزی تضمین شده بر شما واجب است و آن وظیفه واجب از دوش شما برداشته شده است.

عنه عليه السلام: قَدْ كَفَأَكُمْ مَوْ؟ نَهْ دُنْيَاكُمْ ، وَحَثَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ ، وَافْتَرَضَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الذِّكْرَ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِالْمَفْرُوضِ عَلَيْهِ عَنِ الْمَضْمُونِ لَهُ ، وَرَضِيَ بِالْمَقْدُورِ عَلَيْهِ وَهُوَ ، كَانَ أَكْثَرَ النَّاسِ سَيِّئًا فِي عَافِيهِ ، وَرَبِحًا فِي غِبْطِهِ ، وَغَنِيمَةً فِي مَسْرَوْهِ . (٢)

٤ / ١٣ الإجمالُ فِي الطَّلْبِ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُوْفِي عَبْدَهُ مَا كَتَبَ لَهُ مِنَ الرِّزْقِ ، فَأَجْمِلُوا فِي الطَّلْبِ ؛ خُذُوا مَا حَلَّ وَدَعُوا مَا حَرَّمَ . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَسْتَبِطُوا الرِّزْقَ ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَبْدًا لِيَمُوتَ حَتَّى يَبْلُغَ آخِرَ رِزْقِهِ هُوَ لَهُ ، فَأَجْمِلُوا فِي الطَّلْبِ : أَخِذِ الْحَلَالَ وَتَرَكِ الْحَرَامَ . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: أَجْمِلُوا فِي طَلْبِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ كَلًّا مُيَسَّرًا لِمَا خُلِقَ لَهُ . (٥)

١- نهج البلاغه: الخطبة ١٨٣ ، تحف العقول: ٢٣٢ وفيه «... مو؟ نه الدنيا وفرغكم لعبادته وحثكم...» .

٢- غرر الحكم: ٣٦٥٥ .

٣- مسند أبي يعلى: ١٠٠ / ٦ / ٤٥٥٢ ، الدر المنثور: ٤ / ٤٧٩ نقلًا عن أبي الشيخ وكلاهما عن أبي هريره .

٤- المستدرک على الصحيحين: ٢ / ٤ / ٢١٣٤ ، شعب الإيمان: ٧ / ٣٣٩ / ١٠٥٠٥ ، السنن الكبرى: ٥ / ٤٣٤ / ١٠٤٠٤ و ص

٤٣٥ / ١٠٤٠٥ ، المنتقى: ١٤٤ / ٥٥٦ ، حليه الأولياء: ٧ / ١٥٨ والأربعة الأخيره نحوه وكلها عن جابر بن عبد الله .

٥- سنن ابن ماجه: ٢ / ٧٢٤ / ٢١٤٢ ، السنه لابن أبي عاصم: ١٨٢ / ٤١٨ ، حليه الأولياء: ٣ / ٢٦٥ ، مسند الشهاب: ١ / ٤١٦ /

٧١٦ ، المستدرک على الصحيحين: ٢ / ٤ / ٢١٣٣ وفيه «لما كتب له منها» بدل «لما خلق له» ، السنن الكبرى: ٥ / ٤٣٤ / ١٠٤٠٣

وفيه «له ما كتب له منها» بدل «لما خلق له» وكلها عن أبي حميد الساعدي ، كنز العمال: ٤ / ٢٠ / ٩٢٩١ .

۴ / ۳ اعتدال در طلب

امام علی علیه السلام: خداوند نیازمندی های دنیای شما را کفایت کرده و به شکرگزاری الزامتان فرموده و یاد خویش را بر زبان های شما لازم شمرده است .

امام علی علیه السلام: همانا هر که به وظیفه واجب خویش پردازد و به طلب روزی تضمین شده سرگرم نگردد ، و به آن چه به زیان یا سودش مقدر شده ، خرسند باشد ، بیش از همه در سلامت خواهد بود و سود خواهد برد و شادمانانه بهره مند خواهد شد .

۴ / ۳ اعتدال در طلب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همانا خداوند آن روزی مقدر برای بنده خویش را کامل به وی عطا می کند ؛ پس در طلب اعتدال را رعایت کنید ؛ حلال را بگیرید و حرام را واگذارید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزی را کُند م شمارید ؛ که هیچ بنده ای نیست که پیش از مرگ ، همه روزی خود را درنیابد . پس در طلب میانه روی کنید ، حلال را بگیرید و حرام را رها نمایید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در طلب روزی میانه روی کنید ؛ که هر کس به آن چه برایش آفریده شده ، دست یابد .

عنه صلى الله عليه و آله :الدُّنْيَا دُوْلٌ ، فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ حَتَّى تَأْتِيكَ دَوْلَتُكَ . (١)

عنه صلى الله عليه و آله :أَلَا وَإِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ (قَدْ) نَفَثَ فِي رُوعِي ، وَأَخْبَرَنِي أَنْ لَا تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمِلَ رِزْقَهَا ، فَاتَّقُوا اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ ، وَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ ، وَلَا يَحْمِلَنَّكُمْ اسْتِبْطَاءُ شَيْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ . (٢)

عنه صلى الله عليه و آله :أَجْمِلُوا فِي طَلَبِ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ تَكَفَّلَ بِأَرْزَاقِكُمْ . (٣)

عنه صلى الله عليه و آله :لَيْسَ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِمَا كَسَبَ مِنْ أَحَدٍ ، قَدْ كَتَبَ اللَّهُ الْمُصِيبَةَ وَالْأَحْيَالَ ، وَقَسَمَ الْمَعِيشَةَ وَالْعَمَالَ ، فَالْتَّاسُ يَجْرُونَ فِيهَا إِلَى مُنْتَهَى . (٤)

الإمام علي عليه السلام :أَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ ؛ فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ خَائِبٍ وَمُجْمِلٍ لَمْ يَخِبْ ! (٥)

عنه عليه السلام :إِنَّكَ مُدْرِكُ قِسْمِكَ ، وَمُضْمُونُ رِزْقِكَ ، وَمُسْتَوْفٍ مَا كُتِبَ لَكَ ؛ فَأَرِحْ نَفْسَكَ مِنْ شَقَاءِ الْحَرِصِ وَمِإْدَلِهِ الطَّلَبِ ، وَثِقْ بِاللَّهِ ، وَخَفِّضْ فِي الْمُكْتَسَبِ . (٦)

١- الخصال : ٦٣٣ / ١٠ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، كنز الفوائد : ١ / ٦١ وليس فيه «حتى تأتيك دولتك» ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٢٦ / ٣٢ نقلًا عن أعلام الدين .

٢- الكافي : ٥ / ٨٣ / ١١ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام موص ٣ / ٨٠ عن أبي البلاد عن أحدهما عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله و ح ١ ، تهذيب الأحكام : ٦ / ٣٢١ / ٨٨٠ ، التمهيد : ٥٢ / ١٠٠ والثلاثة الأخيره عن أبي حمزه الثمالي عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله و آلهنحوه ؛ المستدرک علی الصحيحين : ٢ / ٥ / ٢١٣٦ ، القناعه والتعفف لابن أبي الدنيا : ٣٨ / ٥٧ كلاهما عن ابن مسعود ، المعجم الكبير : ٨ / ١٦٦ / ٧٦٩٤ عن أبي أمامه وكلها نحوه .

٣- شعب الإيمان : ٧ / ٤٨٨ / ١١٠٨٥ عن عمر ، كنز العمال : ٤ / ٢٢ / ٩٣٠٦ وج ١٦ / ١٥٥ / ٤٤١٨٨ .

٤- حليه الأولياء : ٦ / ١١٦ عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ١ / ١٠٩ / ٥٠٣ .

٥- غرر الحكم : ٢٥٣٨ .

٦- غرر الحكم : ٣٧٨٩ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دنیا دست به دست می گردد ؛ پس بهره خود را با معتدل ترین تلاش از آن برگیر تا باز نوبت تو رسد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هلا که فرشته وحی بر من فرود آمد و آگاهم کرد که هیچ کس نمیرد مگر آن که همه روزی خود را دریابد ؛ پس خدای را پرهیزید و در طلب میانه روی کنید و مبادا آهسته رسیدنِ روزی سبب شود که آن را با نافرمانی خدا طلب نمایید ؛ زیرا آن چه نزد خدای والامرتبه است ، جز با اطاعت او به دست نیاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در طلب دنیا میانه روی پیشه سازید ؛ که خداوند روزی های شما را تضمین کرده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ یک از شما روزی یاب تر از دیگری نیست ؛ خداوند مصیبت و مرگ را بر نوشته و روزی و عمل را هم تقسیم فرموده ؛ پس مردم در این روند به سرانجام راه می سپارند .

امام علی علیه السلام : در طلب روزی میانه روی کنید ؛ که بسا آزمند که کام نیابد و بسا میانه رو در طلب که ناکام نگردد .

امام علی علیه السلام : همانا روزی مقدرت را می یابی و آن برای تو تضمین شده است و همه آن چه قسمت تو است ، نصیبت خواهد شد ؛ پس خود را از تیره بختی حرص و خواری طلب و از هان و به خدا اطمینان کن و از کسب مال بکاه .

عنه عليه السلام: سَوْفَ يَأْتِيكَ مَا قُدِّرَ لَكَ ، فَخَفِّضْ فِي الْمُكْتَسَبِ . (١)

عنه عليه السلام: إِنَّمَا أَنْتَ عَدْدُ أَيَّامٍ ، فَكُلُّ يَوْمٍ يَمْضِي عَلَيْكَ يَمْضِي بَعْضُكَ ، فَخَفِّضْ فِي الطَّلَبِ وَأَجْمِلْ فِي الْمُكْتَسَبِ . (٢)

عنه عليه السلام: ذَلَّلْ نَفْسَكَ بِالطَّاعَةِ ، وَحَلَّهَا بِالْقَنَاعَةِ ، وَخَفِّضْ فِي الطَّلَبِ ، وَأَجْمِلْ فِي الْمُكْتَسَبِ . (٣)

عنه عليه السلام: لَمْ يَصِدُقْ يَقِينٌ مَنْ أَسْرَفَ فِي الطَّلَبِ ، وَأَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي الْمُكْتَسَبِ . (٤)

عنه عليه السلام: لِكُلِّ رِزْقٍ سَبَبٌ ، فَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ . (٥)

عنه عليه السلام: لَنْ يَفُوتَكَ مَا قُسِمَ لَكَ ، فَأَجْمِلْ فِي الطَّلَبِ . (٦)

عنه عليه السلام: لَنْ تُدْرِكَ مَا زُوِيَ عَنْكَ ، فَأَجْمِلْ فِي الْمُكْتَسَبِ . (٧)

عنه عليه السلام: كَفَى بِالْمَرْءِ عَقْلًا أَنْ يُجْمِلَ فِي مَطَالِبِهِ . (٨)

عنه عليه السلام في ما كَتَبَهُ لِلْإِمَامِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِعْلَمْ يَقِينًا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ ، وَلَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ ، وَأَنَّكَ فِي سَبِيلِ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ . فَخَفِّضْ فِي الطَّلَبِ ، وَأَجْمِلْ فِي الْمُكْتَسَبِ ؛ فَإِنَّهُ رَبُّ طَلَبٍ قَدَّ جَزَّ إِلَى حَرْبٍ ، فَلَيْسَ كُلُّ طَالِبٍ بِمَرْزُوقٍ ، وَلَا كُلُّ مُجْمِلٍ بِمَحْرُومٍ . (٩)

١- غرر الحكم : ٥٥٨٦ .

٢- غرر الحكم : ٣٨٧٤ .

٣- غرر الحكم : ٥٢٠١ .

٤- غرر الحكم : ٧٥٦٧ .

٥- غرر الحكم : ٧٣٠٥ .

٦- غرر الحكم : ٧٤٣٩ .

٧- غرر الحكم : ٧٤٤٠ .

٨- غرر الحكم : ٧٠٤١ .

٩- نهج البلاغه : الكتاب ٣١ ، تحف العقول : ٧٧ نحوه ، كشف المحجبه : ٢٣٠ عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٣٩ / ٨٨ ؛ كنز العمال : ١٦ / ١٧٥ / ٤٤٢١٥ نقلًا عن وكيع والعسكري في المواعظ .

امام علی علیه السلام: زود است که آن چه برایت مقدر شده ، تو را دررسد ؛ پس در کسب مال اعتدال را رعایت کن .

امام علی علیه السلام: همانا بهره تو به شماره روزها است ؛ هر روز که بر تو می گذرد ، بخشی از آن برایت فراهم می شود ؛ پس از طلب کم کن و در کسب مال تندروی مکن .

امام علی علیه السلام: جان خود را برای بندگی رام کن و به قناعتش وادار نما و از طلب کم کن و در کسب مال معتدل باش .

امام علی علیه السلام: هر که در طلب زیاده روی نماید و در کسب مال خود را به رنج اندازد ، از یقین بهره ندارد .

امام علی علیه السلام: هر روزی ای را وسیله ای است ؛ پس در طلب مال اعتدال را رعایت کنید .

امام علی علیه السلام: آن چه برایت مقدر شده ، از تو باز گرفته نشود ؛ پس در طلب میانه روی گزین .

امام علی علیه السلام: آن چه را که روزی ات نیست ، نیابی ؛ پس در کسب مال زیاده روی مکن .

امام علی علیه السلام: در خردمندیِ انسان همین بس که در خواسته هایش میانه رو باشد .

امام علی علیه السلام در زمره سفارش هایش به امام حسن علیه السلام : یقین بدان که هرگز به آرزویت نرسی و از اجلت فراتر نروی و در همان راه پیشینیان گام برمی داری . پس از طلب دنیا بکاه و در کسب مال اعتدال را رعایت کن ؛ که بساطلی که به نابودی سرمایه انجامد . هر جوینده ای روزی نیابد و هر مدارا کننده ای محروم نگردد .

عنه عليه السلام: تُحَدِّثُ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَتَاكَ ، وَتَوَلَّى عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ ، فَإِنَّ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ فَأَجْمَلْ فِي الطَّلَبِ . (١)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : مَنْ أَجْمَلَ فِي الطَّلَبِ أَتَاهُ رِزْقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . (٢)

الإمام الحسن عليه السلام: لَا تُجَاهِدِ الطَّلَبَ جِهَادَ الْغَالِبِ ، وَلَا تَتَّكِلْ عَلَى الْقَدَرِ اتِّكَالَ الْمُسْتَسْلِمِ ؛ فَإِنَّ ابْتِغَاءَ الْفَضْلِ مِنَ الشُّنَّةِ ، وَالْإِجْمَالَ فِي الطَّلَبِ مِنَ الْعِفَّةِ ، وَلَيْسَتْ الْعِفَّةُ بِدَافِعِهِ رِزْقًا ، وَلَا الْحِرْصُ بِجَالِبِ فَضْلًا ؛ فَإِنَّ الرِّزْقَ مَقْسُومٌ ، وَاسْتِعْمَالَ الْحِرْصِ اسْتِعْمَالَ الْمَأْثَمِ . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ كَانَ الْعَبْدُ فِي حَجَرٍ لَأَتَاهُ اللَّهُ بِرِزْقِهِ ، فَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ . (٤)

عنه عليه السلام: لِيَكُنْ طَلْبُكَ لِلْمَعِيشَةِ فَوْقَ كَسْبِ الْمُضَيِّعِ ، وَدُونَ طَلَبِ الْحَرِيصِ الرَّاضِي بِعُدْنِيَاهُ الْمُطْمَئِنِّ إِلَيْهَا ، وَلَكِنْ أَنْزِلْ نَفْسَكَ مِنْ ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ الْمُتَعَفِّفِ ؛ تَرْفَعِ نَفْسَكَ عَنْ مَنْزِلَةِ الْوَاهِنِ الضَّعِيفِ ، وَتَكْسِبُ مَا لَا يَدُّ مِنْهُ . (٥)

١- نهج البلاغه: الحكمة ٣٩٣، تحف العقول: ٧٨، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٨ / ٨٣؛ كنز العمال: ١٦ / ١٧٥ / ٤٤٢١٥ نقلًا عن وكيع والعسكري في المواعظ .

٢- شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٣١١ / ٥٦٦ .

٣- تحف العقول: ٢٣٣، أعلام الدين: ٤٢٨ عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٢٧ / ٤١ و ٤٢؛ شرح نهج البلاغه: ٢٠ / ٢٦١ / ٥٨ و ص ٣١٠ / ٥٥٩ كلاهما نحوه .

٤- الكافي: ٥ / ٨١ / ٤ عن أبي خديجه، التمهيد: ٥٣ / ١٠٣ وفيه «جحر» بدل «حجر»، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٥ / ٧١ .

٥- الكافي: ٥ / ٨١ / ٨، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٢ / ٨٨٢، التمهيد: ٥٤ / ١٠٧، تنبيه الخواطر: ١ / ١٣ كلها عن ابن فضال عمّن ذكره، بحار الأنوار: ١٠٣ / ٣٦ / ٧٥ .

امام علی علیه السلام: هر چه از دنیا نصیبت شود، برگیر و از آن چه نصیبت نگشت، روی گردان؛ و اگر چنین نمی کنی، پس در طلب اعتدال را رعایت کن.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: هر که در طلب میانه روی گزیند، خداوند روزی اش را از جایی که گمان ندارد، عطایش فرماید.

امام حسن علیه السلام: همچون چیرگان، در طلب دنیا مکوش و همچون بیچارگان بر قدر تکیه مکن؛ که فضل [خدا] جستن سنت است (۱) و میانه روی در طلب از پاکدامنی؛ پاکدامنی مانع روزی نباشد و حرص ورزیدن هم روزی را فراهم نیاورد؛ پس همانا روزی تقسیم شده است و به کار گرفتن حرص، بهره وری از گناه است.

امام صادق علیه السلام: اگر بنده در میان سنگی به سر برد، خداوند روزی اش را می رساند؛ پس در طلب میانه روی کنید.

امام صادق علیه السلام: باید دنبال روزی رفتنت بیش تر از تباه کننده کسب و کم تر از حرص ورزنده خشنود از دنیا و اعتماد کننده به آن باشد. پس در طلب دنیا، همانند میانه روی پاکدامن باش؛ بدین سان، از سستی و ناتوانی دور می شوی و در حدّ لزوم نیز کسب می کنی.

۱- اشاره است به آیه ۱۰ از سوره جمعه «وابتغوا من فضل الله».

الكافي عن سدير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ عَلَى الرَّجُلِ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ؟ فَقَالَ: إِذَا فَتَحْتَ بَابَكَ وَبَسَّطْتَ بِسَاطِعَكَ، فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ. (١)

الإمام علي عليه السلام في الديوان المنسوب إليه: [من] [وَصَايَاهُ لِابْنِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أُبْنِي إِنَّ الرِّزْقَ مَكْفُولٌ بِهَفْعِ عَلَيْكَ بِالْإِجْمَالِ فِي مَا تَطْلُبُ لَا- تَجْعَلَنَّ الْمَالَ كَسْبَكَ مُفْرَدًا وَتُقَى إِلَيْكَ فَاجْعَلَنَّ مَا تَكْسِبُ كَفَمَلِ الْإِلَهِ بِرِزْقِ كُلِّ بَرِيءٍ وَالْمَالُ عَارِيَةٌ تَجِيءُ وَتَذْهَبُ وَالرِّزْقُ أَسْرَعُ مِنْ تَلْفُتِ نَاطِرٍ سَبَّأَ إِلَى الْإِنْسَانِ حِينَ يُسَبِّبُ وَمِنَ الشُّيُوبِ إِلَى مَقَرِّ قَرَارِهَا وَالطَّيْرِ لِلْأَوْكَارِ حِينَ تُصَوِّبُ (٢).

٤ / ١٤ الإقتصار على الكفايرسول الله صلى الله عليه و آله :خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي. (٣)

١- الكافي: ٥ / ٧٩ / ١، تهذيب الأحكام: ٦ / ٣٢٣ / ٨٨٦، من لا يحضره الفقيه: ٣ / ١٦٥ / ٣٦٠٧.

٢- الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ٤٨ / ١٨؛ تاريخ دمشق: ٤٢ / ٥٢٦ عن الربيع بن الفضل وفيه البيت الأول والثاني فقط.

٣- مسند ابن حنبل: ١ / ٣٦٤ / ١٤٧٧ و ص ٣٨١ / ١٥٥٩ و ص ٣٩٥ / ١٦٢٣، مسند أبي يعلى: ١ / ٣٤٥ / ٧٢٧، شعب الإيمان: ١ / ٤٠٦ / ٥٥٢ و ج ٧ / ٢٩٦ / ١٠٣٦٩ كلها عن سعد بن مالك و ج ١ / ٤٠٧ / ٥٥٤، صحيح ابن حبان: ٣ / ٩١ / ٨٠٩ وفيه «خير الرزق أو العيش ما يكفي» وكلاهما عن سعد بن أبي وقاص؛ إرشاد القلوب: ٧٤.

۴ / ۴ اکتفا کردن به مقدار نیاز

الکافی از سدیر: به امام صادق علیه السلام گفتم: «انسان در طلب روزی چه وظیفه ای دارد؟» فرمود: «چون در گشودی و بساط گستردی، وظیفه خود را انجام داده ای».

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به وی: از سفارش های او به فرزندش حسین علیه السلام: پسر عزیزم! روزی، تضمین شده است؛ پس تو را باید که از طلب بکاهی. تنها در پی مال نباش؛ و تقوای خدا را نیز کسب کن. خداوند روزی هر موجودی را کفالت فرموده؛ و مال امانتی است که می آید و می رود. آن گاه که وسیله فراهم آید، روزی زودتر از نگاه افکندنی، برای انسان حاصل گردد. چون درست بنگری، سیل را برای رسیدن به قرارگاه شوپرنندگان را برای جای گرفتن در آشیان ها، خدا وسیله ساخته است.

۴ / ۴ اکتفا کردن به مقدار نیاز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین روزی آن است که کفایت کند.

عنه صلى الله عليه وآله في عيشه الدنيا : يكفيك منها ما سيد جوعتك ووارى عورتك ، فإن يكن بيتك يكتنك فذاك ، وإن تكن دابته تركبها فبخ ؛ فلق الخبز وماء الجر ، وما بعد ذلك حساب عليك أو عذاب . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : لا يلوم الله على الكفاف . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله : قد أفلح من أسلم ، ورزق كفافا ، وقنع الله بما آتاه . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله : ما طلعت شمس قط إلا بُعثت بجنبتيها ملكان يُناديان يُسمعانِ أهل الأرض إلا الثقلين : يا أيها الناس ، هلموا إلى ربكم ! فإن ما قل وكفى خير مما كثر وألهى . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله : اللهم ارزق مُحَمَّدًا وآل مُحَمَّدٍ وَمَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْعَفَافَ وَالْكَفَافَ ، وَارزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا الْمَالَ وَالْوَلَدَ . (٥)

١- الخصال : ١٦١/٢١١ ، الأمالى للصدوق : ٤٦٩/٦٢٤ ، الأمالى للطوسي : ٤٢٨/٩٥٦ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ١٧٣ كلها عن أبي الدرداء ، روضه الواعظين : ٤٩٩ كلها نحوه ؛ حليه الأولياء : ٥ / ٢٤٩ ، تاريخ دمشق : ٧ / ١٩٤ / ١٩٠٩ كلاهما عن أبي الدرداء نحوه .

٢- الكافي : ٤ / ٢٦ / ١ ، تحف العقول : ٣٨٠ كلاهما عن عبد الأعلى عن الإمام الصادق عليه السلام ، من لا يحضره الفقيه : ٢ / ٥٦ / ١٦٨٨ ؛ مسند ابن حنبل : ٣ / ٢٨٧ / ٨٧٥١ عن أبي هريره .

٣- صحيح مسلم : ٢ / ٧٣٠ / ١٢٥ ، سنن الترمذى : ٤ / ٥٧٦ / ٢٣٤٨ ، مسند ابن حنبل : ٢ / ٥٧٢ / ٦٥٨٣ ، السنن الكبرى : ٤ / ٣٢٨ / ٧٨٦٨ ، شعب الإيمان : ٧ / ٢٩٠ / ١٠٣٤٥ كلها عن عبد الله بن عمرو بن العاص وراجع سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٨٦ / ٤١٣٨ والتاريخ الكبير : ٥ / ٢٩٠ / ٩٤٤ .

٤- مسند ابن حنبل : ٨ / ١٦٨ / ٢١٧٨٠ ، المستدرک على الصحيحين : ٢ / ٤٨٣ / ٣٦٦٢ ، صحيح ابن حبان : ٨ / ١٢١ / ٣٣٢٩ ، المعجم الأوسط : ٣ / ١٨٩ / ٢٨٩١ ، مسند أبي داود الطيالسى : ١٣١ / ٩٧٩ ، حليه الأولياء : ١ / ٢٢٦ / ٢٣٣ كلها عن أبي الدرداء .

٥- الكافي : ٣ / ٢ / ١٤٠ ، عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ٣٦٦/٩٩ ، النوادر للراوندى : ١٢٤ / ١٤٢ ، مشكاه الأنوار : ٢٢٥ / ٦٢٠ ، الجعفریات : ١٨٣ وراجع تنبيه الخواطر : ٢ / ١٨٢ و بشاره المصطفى : ٧٣ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره گذران دنیا: از دنیا همان تو را بس است که گرسنگی ات را رفع نماید و برهنگی ات را بپوشاند. اگر خانه باشد و جایست دهد، نیکو است؛ و اگر چهارپایی باشد و سواری ات دهد، پسندیده است؛ و نیز نیمی نان و مَشکی آب؛ و هر چه بیش از این باشد، مایه مؤاخذه و عذاب تو است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند دارایی به قدر نیاز را ملامت نفرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که اسلام آورد و به قدر کفاف روزی یابد و خداوند به آن چه دهدش قانعش سازد، رستگار گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ گاه خورشید سر بر نزند، مگر آن که در کناره های آن، دو فرشته برخیزند و گونه ای ندا دهند که همه زمینیان، جز جن و انس را نیز بشنوند: «ای مردم! به سوی پروردگارتان بشتابید؛ که آن چه کم باشد و کفایت کند، بهتر از آن است که بسیار باشد و فریبگری کند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! محمّد و خاندانش و نیز هر که محمّد و خاندانش را دوست بدارد، پاکدامنی و روزی کافی نصیب فرما و آن کس را که به محمّد کینه ورزد، مال و فرزند [فراوان] بخش.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ مَنْ آمَنَ بِي وَصَيَّدَقَنِي ، وَعَلِمَ أَنَّ مَا جِئْتُ بِهِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَقْبَلْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ ، وَحَبِّبْ إِلَيْهِ لِقَاءَكَ ، وَعَجِّلْ لَهُ الْقَضَاءَ ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِي وَلَمْ يَصَيِّدَقَنِي وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ مَا جِئْتُ بِهِ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ ، فَأَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ وَأَطِلْ عُمْرَهُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَوْلَ آلِ مُحَمَّدٍ كَفَافًا ؛ فَلَمْ يَطْلُبْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا يَتَمَحَّضُ خَيْرُهُ . (٢)

عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الرِّزْقِ مَا كَانَ يَوْمًا يَبُومُ كَفَافًا . (٣)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ غَنِيٍّ وَلَا فَاقِرٍ إِلَّا وَدَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَّهُ أُوتِيَ مِنَ الدُّنْيَا قَوْلًا . (٤)

عنه صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا ذَرٍّ ، إِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَ مَنْ يُحِبُّنِي كَفَافًا ، وَأَنْ يُعْطِيَ مَنْ يُبْغِضُنِي كَثْرَةَ الْمَالِ وَالْوَلَدِ . (٥)

- ١- سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٨٥ / ٤١٣٣ ، المعجم الكبير : ١٧ / ٣١ / ٥٦ ، أسد الغابه : ٤ / ٢٤٩ / ٤٠٠٤ ، تاريخ دمشق : ٤٦ / ٣٠٤ / ١٠٠٧٠ ، الإصابه : ٤ / ٥٥٤ / ٥٩٤٢ كلها عن عمرو بن غيلان الثقفي ، كنز العمال : ٦ / ٦١٤ / ١٧١٠٣ .
- ٢- تنبيه الخواطر : ١ / ١٥٩ .
- ٣- الفردوس : ٢ / ١٨٠ / ٢٩٠٧ عن أنس ، كنز العمال : ٣ / ٣٩١ / ٧٠٩٦ .
- ٤- سنن ابن ماجه : ٢ / ١٣٨٧ / ٤١٤٠ ، مسند ابن حنبل : ٤ / ٢٣٥ / ١٢١٦٤ ، مسند أبي يعلى : ٤ / ٢٨ / ٣٧٠١ ، شعب الإيمان : ٧ / ٢٩٩ / ١٠٣٧٨ كلها عن أنس ، تاريخ بغداد : ٤ / ٨ / ١٥٨٦ عن عبد الله بن مسعود وكلها نحوه ؛ من لا يحضره الفقيه : ٤ / ٣٦٣ / ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، مشكاة الأنوار : ٢٣٠ / ٦٤٧ كلاهما نحوه .
- ٥- مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٦٩ / ٢٦٦١ ، الأمالى للطوسى : ٥٣٢ / ١١٦٢ ، تنبيه الخواطر : ٢ / ٥٨ كلاهما نحوه وكلها عن أبي ذر

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! هر که به من گروید و تصدیقم کرد و دانست که آن چه آورده ام حقی از سوی تو است، مال و فرزندانش را کم کن و دیدارت را برایش دوست داشتنی نما و عمرش را کوتاه ساز؛ و آن که به من نگرود و تصدیقم نکرد و درنیافت که آن چه من آورده ام، حقی از سوی تو است، مال و فرزندانش را فراوان گردان و عمرش را دراز ساز.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! روزی خاندان محمد را به قدر نیاز قرار ده تا از دنیا جز آن چه سراسر خیرش در آن است، طلب نکند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین روزی آن است که کفاف هر روز را، یک به یک، دهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ توانگر و فقیری نیست، مگر آن که در روز قیامت، آرزو کند که در دنیا تنها به قدر کفافش روزی می داشت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابوذر! همانا خدای ذکرش بشکوه باد را خواسته ام که روزی هر کس مرا دوست می دارد، به قدر کفاف قرار دهد و به هر که مرا دشمن می شمارد، مال و فرزند بسیار بخشد.

عنه صلى الله عليه وآله : إذا دَعَوْتُمْ لِأَحَدٍ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى فَقُولُوا : أَكْثَرَ اللَّهُ مَالَكُمْ وَوَلَدَكُمْ . عنه صلى الله عليه وآله : إذا دَعَوْتُمْ لِأَحَدٍ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى فَقُولُوا : أَكْثَرَ اللَّهُ مَالَكُمْ وَوَلَدَكُمْ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله إذ قالَ لَهُ ثَعْلَبَةُ بْنُ حَاطِبٍ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَدْعُ اللَّهَ ، أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا : قَلِيلٌ تُؤَدِّي شُكْرَهُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ لَا تُطِيقُهُ . (٢)

تنبيه الخواطر عن لقمان عليه السلام لا يبيته : يا بَنِيَّ لَا تَدْخُلْ فِي الدُّنْيَا دُخُولًا يَضُرُّ بِأَخْرَجَتِكَ ، وَلَا تَتْرُكْهَا تَرْكًا تَكُونُ كَلًّا عَلَى النَّاسِ . (٣)

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرَاعِيٍ إِبِلٍ فَبَعَثَ يَسْتَسْقِيهِ ، فَقَالَ : أَمَا مَا فِي ضُرُوعِهَا فَصَبُوحُ الْحَيِّ ، وَأُمِّيَا فِي آيَاتِنَا فَغَبُوقُهُمْ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ . ثُمَّ مَرَّ بِرَاعِيٍ غَنَمٍ ، فَبَعَثَ إِلَيْهِ يَسْتَسْقِيهِ ، فَحَلَبَ لَهُ مَا فِي ضُرُوعِهَا ، وَأَكْفَأَ مَا فِي إِيَّانِهِ فِي إِيَّانِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَبَعَثَ إِلَيْهِ بِشَاهٍ ، وَقَالَ : هَذَا مَا عِنْدَنَا ، وَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ نَزِيدَكَ زِدْنَاكَ . قَالَ : فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الْكَفَافَ . فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، دَعَوْتَ لِلَّذِي رَدَّكَ بِدُعَاءٍ عَامَّتْنَا نُحْبُهُ ، وَدَعَوْتَ لِلَّذِي أَسْعَفَكَ بِحَاجَتِكَ بِدُعَاءٍ كُنَّا نَكْرَهُهُ؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَالْهَى . اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْكَفَافَ . (٤)

١- تاريخ دمشق : ٥٥ / ٢٠٨ / ١١٦٧٩ عن ابن عمر ، كنز العمال : ٣ / ١٨٩ / ٦٠٩٧ .

٢- تاريخ دمشق : ١٢ / ٩ / ٢٨٨٩ ، تفسير الطبري : ٦ / الجزء ١٠ / ١٨٩ فيه «ويحك يا ثعلبه قلى . . .» ، تفسير ابن كثير : ٣ / ١٩٨ وج ٤ / ١٢٤ ، تفسير القرطبي : ٨ / ٢٠٩ ، كنز العمال : ٣ / ٣٩٣ / ٧١٠٤ ؛ تنبيه الخواطر : ٢ / ٢٨٢ ، الأمالى للشجري : ١ / ١٩٨ ، بحار الأنوار : ٢٢ / ٤٠ .

٣- تنبيه الخواطر : ١ / ٧٩ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٢٤ / ١١٢ .

٤- الكافي : ٢ / ١٤٠ / ٤ عن إبراهيم بن محمد النوفلي رفعه ، بحار الأنوار : ٧٢ / ٦١ / ٤ .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از یهودیان و مسیحیان را دعا می کنید، بگویید: «خدا مال و فرزندان را بسیار گرداند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن گاه ثعلبه بن حاطب به وی گفت: «ای رسول خدا! از خدا بخواه که مرا مال بخشد»: مال اندکی که شکرش را به جای آوری، بهتر از مال فراوانی است که نتوانی شکر آن کنی.

تنبيه الخواطر از لقمان خطاب به پسرش: پسر عزیزم! در دنیا چنان درون مشو که به آخرت زیان رساند؛ و آن را چنان وانگذار که سربار مردم گردی.

امام سجاد علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شترچرانی گذر کرد و کس فرستاد تا از او چیزی برای آشامیدن بخواهد. شتربان گفت: «آن چه در پستان شتران است، صبحانه مردم قبیله است و آن چه در ظرف های ما است، غذای شامشان». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بارخدایا! مال و فرزندان او را فراوان ساز». سپس به گوسفند چرانی گذر نمود و کس فرستاد تا از او چیزی برای آشامیدن بخواهد. وی گوسفندها را دوشید و هر چه در ظرف داشت، در ظرف رسول خدا صلی الله علیه و آله ریخت و نیز گوسفندی برای ایشان فرستاد و پیغام داد: «این چیزی است که نزد ما آماده بود؛ اگر خواهی، آن را افزون کنیم». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بارخدایا! او را به قدر کفاف روزی ده». یکی از یارانش گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آن را که خواهشت را رد کرد، چنان دعا فرمودی که ما همه دوستار آنیم؛ و این را که خواهشت را روا نمود، چنین دعا فرمودی که ما همه آن را ناخوش می داریم!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «همانا آن چه کم باشد و کفایت نماید، بهتر از آن است که فراوان باشد و بفریبد. بارخدایا! محمّد و خاندان محمّد را به قدر کفاف روزی بخش».

الأمالى للطوسى عن أبو ذرّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا ذَرٍّ، اسْتَغْنِ بِعَنَاءِ اللَّهِ يُغْنِكَ اللَّهُ. فَقُلْتُ: وَمَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: غَدَاءُ يَوْمٍ وَعَشَاءُ لَيْلَةٍ، فَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ أَغْنَى النَّاسِ. (١)

مسند ابن حنبل عن أبو أمامه عن النبي صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَعْطَبَ النَّاسِ عِنْدِي عَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَفِيفُ الْحَاذِ، ذُو حَظٍّ مِنْ صَلَاةٍ، أَطَاعَ رَبَّهُ، وَأَحْسَنَ عِبَادَتَهُ فِي السَّرِّ، وَكَانَ غَامِضًا فِي النَّاسِ لَا يُشَارُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ، وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا، وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا قَالَ: وَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصْبِحُ بِإِصْبَعِيهِ وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا، وَكَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا، فَجَعَلَتْ مَبِيَّتُهُ، وَقَلَّتْ بَوَاكِيهِ، وَقَلَّ تَرَاتُّهُ. (٢)

تنبيه الخواطر: قِيلَ: خَطَبَ النَّاسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا وَعَلَيْهِ عِبَاءَةٌ شَامِيَةٌ، فَقَالَ: مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ مِمَّا كَثُرَ وَأَلْهَى، وَإِنَّ صَاحِبَ الدَّرْهَمَيْنِ أَطْوَلَ حِسَابًا مِنْ صَاحِبِ الدَّرْهِمِ. (٣)

الإمام علي عليه السلام: خَيْرُ أَمْوَالِكَ مَا كَفَاكَ. (٤)

عنه عليه السلام: مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ، وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعْوَةِ. (٥)

١- الأمالى للطوسى: ٥٣٦ / ١١٦٢، بحار الأنوار: ٧٧ / ٨٨؛ الزهد لابن المبارك: ٤١١ / ١١٦٧ عن واصل مولى أبي عيينه نحوه.

٢- مسند ابن حنبل: ٢٨٢ / ٨ / ٢٢٢٥٩، سنن الترمذى: ٤ / ٥٧٥ / ٢٣٤٧، سنن ابن ماجه: ٢ / ١٣٧٩ / ٤١١٧، المستدرک علی الصحیحین: ٤ / ١٣٧ / ٧١٤٨ کلها عن أبي أمامه نحوه؛ الكافي: ٢ / ١٤٠ / ١ عن أبي عبيده الحدّاء عن الإمام الباقر عليه السلام وص ١٤١ / ٦ عن الأزدى عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد: ٤٠ / ١٢٩ عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ٣٨ کلها عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

٣- تنبيه الخواطر: ٢ / ٢٣٠.

٤- غرر الحكم: ٥٠٣٤.

٥- الكافي: ٨ / ١٩ / ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، من لا يحضره الفقيه: ٤ / ٣٨٥ / ٥٨٣٤، نهج البلاغه: الحكمة ٣٧١، تحف العقول: ٩٠ وفيه «تعجل» بدل «فقد انتظم»، بحار الأنوار: ٦٩ / ٤١١ / ١٢٨.

امالی طوسی از ابوذر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به توانگری ای که خدا دهدت، توانگر شو». گفتم: «ای رسول خدا! آن چیست؟» فرمود: «صبحانه یک روز و غذای شام یک شب؛ پس هر که به آن چه خدا روزی اش نموده، قناعت ورزد، توانگرترین مردم است».

مسند ابن حنبل از ابوامامه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه رشک بردنی ترین مردم نزد من، بنده مؤمنی است که سبکبار باشد و از نماز بهره برده، پروردگارش را فرمان برد و در نهان، خدای را نیک عبادت نماید و در میان مردم گمنام به سر برد، چندان که انگشت نما نباشد؛ و روزی اش به قدر کفاف باشد؛ و روزی اش به قدر کفاف باشد؛ پیامبر در این حال، بانوک دو انگشت خود می کوبید و فرمود: و روزی اش به قدر کفاف باشد؛ و روزی اش به قدر کفاف باشد؛ و مرگش زود فرا رسد؛ و گریه کنندگانش اندک باشند؛ و از او میراث اندک به جای ماند.

تنبیه الخواطر: گفته اند که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم خطبه می خواند، حال آن که عبایی شامی بر دوش داشت. فرمود: «همانا آن چه کم باشد و کفایت نماید، بهتر از آن است که فراوان باشد و بفریید. هر آینه دارنده دو درهم، حسابرسی اش طولانی تر از دارنده یک درهم است».

امام علی علیه السلام: بهترین دارایی ات آن است که تو را کفاف دهد.

امام علی علیه السلام: هر که به قدر کفاف بسنده کند، آسوده به سر برد و در گشایش آسایش جای گیرد.

عنه عليه السلام: لَا تُطْمَعَنَّ نَفْسَكَ فِي مَا فَوْقَ الْكَفَافِ فَيَغْلِبَكَ بِالزِّيَادَةِ . (١)

عنه عليه السلام: قَصِّرْ مِنْ حِرْصِكَ وَقِفْ عِنْدَ الْمَقْدُورِ لَكَ مِنْ رِزْقِكَ ؛ تُحْرِزْ دِينَكَ . (٢)

عنه عليه السلام: اقْنَعُوا بِالْقَلِيلِ مِنْ دُنْيَاكُمْ لِسَلَامَةِ دِينِكُمْ ؛ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ الْبَلِغَةَ الْيَسِيرَةَ مِنَ الدُّنْيَا تُفْنِعُهُ . (٣)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : أَنْعَمَ النَّاسُ عَيْشَهُ مَنْ تَحَلَّى بِالْعَفَافِ ، وَرَضِيَ بِالْكَفَافِ ، وَتَجَاوَزَ مَا يَخَافُ إِلَى مَا لَا يَخَافُ . (٤)

عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ : خَيْرُ الْعَيْشِ مَا لَا يُطْغِيكَ وَلَا يُلْهِيكُ . (٥)

عنه عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ ، مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ . (٦)

عنه عليه السلام: اِعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ تُصَيِّئُهُ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ قُوَّتِكَ فَإِنَّمَا أَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِعَيْرِكَ . (٧)

١- غرر الحكم : ١٠٢٨٩ .

٢- غرر الحكم : ٦٧٨٩ .

٣- غرر الحكم : ٢٥٤٩ .

٤- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٠١ / ٤٤٠ وراجع كنز الفوائد : ١ / ٣٠٤ .

٥- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٣٠١ / ٤٤٣ .

٦- نهج البلاغه : الحكمة ١٩٢ ، خصائص الأئمة عليهم السلام : ١١٢ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ١٤٤ / ٢٨ .

٧- الخصال : ١٦ / ٥٨ عن علي بن الحسين بن رباط رفعه ، روضه الواعظين : ٤٦٨ ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٩٠ / ٦١ .

امام علی علیه السلام: هرگز خود را به بیش از حد کفاف در طمع نینداز؛ مبادا که با زیاده خواهی بر تو چیره شود.

امام علی علیه السلام: از حرص خویش بکاه و به روزی مقدّر خود بسنده کن تا دینت را حفظ کنی.

امام علی علیه السلام: برای سالم ماندن دینتان، به بهره اندک دنیاتان اکتفا کنید؛ که کفاف دنیایی، مؤمن را قانع سازد.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: نعمت یافته ترین مردم آن است که به پاکدامنی آراسته و به قدر کفاف خرسند باشد و از آن چه مایه بیم او است، پرهیز نماید و کاری کند که بیمی در آن نباشد.

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: بهترین زندگانی آن است که مایه سرکشی و فریبت نباشد.

امام علی علیه السلام: ای فرزند آدم! آن چه را بیش از حد نیاز خویش کسب می کنی، برای دیگران ذخیره می نمایی.

امام علی علیه السلام: بدان که هر چه از دنیا بیش از کفایت فراهم می کنی، آن را برای غیر خود ذخیره می نمایی.

عنه عليه السلام في الحكم المنسوبه إليه : إذا استغيت عن شيء فدعه ، وخذ ما أنت محتاج إليه . (١)

الزهد للحسين بن سعيد عن حنان عن أبيه عن الإمام الباقر عليه السلام : سَمِعْتُهُ يَقُولُ : أَتَى أَبَا ذَرٍّ رَجُلٌ فَبَشَّرَهُ بِغَنَمٍ لَهُ قَدْ وُلِدَتْ فَقَالَ : يَا أَبَا ذَرٍّ ، أَبْشِرْ! فَقَدْ وُلِدَتْ غَنَمُكَ وَكَثُرَتْ . فَقَالَ : مَا يَسُرُّنِي كَثْرَتُهَا ؛ فَمَا أَحَبُّ ذَلِكَ ، فَمَا قَلَّ مِنْهَا وَكَفَى أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا كَثُرَ وَأَلْهَى . إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ : عَلَى حَافَتِي الصُّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّحِمُ وَالْأَمَانَةُ ، فَإِذَا مَرَّ عَلَيْهِ الْمَوْصِلُ لِلرَّحِمِ وَالْمُؤَدَّى لِلْأَمَانَةِ لَمْ يَتَكَفَّ بِهٍ فِي النَّارِ . (٢)

الإمام الباقر عليه السلام في دُعَائِهِ : اللَّهُمَّ ارزُقني رزقا حلالاً يكفيني ، ولا ترزُقني رزقا يُطغيني ، ولا تبتلني بفقرٍ أشقى به مُصَيِّقاً عَلَيَّ . أعطني حظاً وافراً في آخرتي ، ومعاشاً واسعاً هنيئاً مريئاً في دنياي . (٣)

الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ ؛ مَعِيشَةً اتَّقَوَى بِهَا عَلَى جَمِيعِ حَوَائِجِي ، وَأَتَوَصَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي ، مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرِفَنِي فِيهَا فَأَطْغِي ، أَوْ تُقَتِّرَ بِهَا عَلَيَّ فَأَشْقِي . أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ ، وَأَفْضِلْ عَلَيَّ مِنْ سَيِّبِ فَضْلِكَ نِعْمَةً مِنْكَ سَابِغَةً وَعَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ ، ثُمَّ لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْتَارِ مِنْهَا تُلْهِينِي بِهِجَتَهُ وَتَفْتِنِي زَهْرَاتُ زَهْوَتِهِ ، وَلَا يَاقِلَالٍ عَلَيَّ مِنْهَا يَقْصِرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَيَمَلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ ؛ أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غَنَىً عَنِ شِرَارِ خَلْقِكَ ، وَبَلَاغاً أُنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ . (٤)

١- شرح نهج البلاغه : ٢٠ / ٢٦٢ / ٥٩ .

٢- الزهد للحسين بن سعيد : ٤٠ / ١٠٩ ، بحار الأنوار : ٢٢ / ٤١٠ / ٢٧ و ج ٧٤ / ١٠٢ / ٥٧ .

٣- تهذيب الأحكام : ٣ / ٧٧ / ٢٣٤ عن أبي حمزة الثمالي ، المقنعه : ١٧٩ ، الكافي : ٢ / ٥٨٩ / ٢٦ عن أبي حمزة ، مصباح المتهجد : ١٧٦ / ٢٦٢ و ص ٥٤٩ / ٦٤٠ وليس في الثلاثة الأخيره «اللهم ارزقني رزقا حلالاً يكفيني» ، بحار الأنوار : ٨٧ / ٣٠١ و ج ٩٤ / ٢٦٩ .

٤- الكافي : ٢ / ٥٥٣ / ١٣ عن أبي بصير .

امام علی علیه السلام در کلمات حکیمانه منسوب به وی: چون به چیزی نیاز نداری، آن را واگذار و آن چه را بدان نیازمندی، فراهم کن.

الزهد للحسین بن سعید از حنان از پدرش از امام باقر علیه السلام: از او شنیدم که فرمود: «مردی نزد ابوذر آمد و او را بشارت داد که گوسفندش بره ای زاده است. گفت: ای ابوذر! تو را مژده باد. گوسفندت بره زاده و افزون شده است. ابوذر گفت: افزون شدن آن مایه شادمانی من نیست؛ من چنین نمی خواهم. هر چه اندک باشد و کفایت کند، برایم دوست داشتنی تر از آن است که بسیار، اما فریبنده باشد. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «؟ بر دو کرانه صراط در روز قیامت، پیوند با خویشان و امانت داری است؛ چون پیوند کننده با خویشان و امانت دار از آن بگذرد، آتش به سوی او میل نماید».

امام باقر علیه السلام در دعای خویش: بار خدایا! مرا روزی حلال عطا فرما که کفایت کند؛ و روزی ای نده که مایه سرکشی ام باشد؛ و به فقری که به سبب تنگنای آن، به تیره بختی افتم، دچارم مکن. مرا بهره فراوان در آخرتم و روزی گشاده گوارای شیرین در دنیایم عطا فرما.

امام صادق علیه السلام: علی بن حسین علیهما السلام چنین دعا می کرد: «بار خدایا! از تو نیکی معیشت خواهم، چنان که با آن، همه نیازهایم را برآورم و زندگانی ام را به آخرت پیوند زدم، بدون آن که مرا در دنیا به ناز پروری و دچار سرکشی شوم یا چنان بر من تنگ گیری که به تیره بختی افتم. روزی حلال خود را با گشایش نصیبم فرما و از افزون بخشی خویش، نعمت پیاپی و بی منت و بی کم و کاست عطایم فرما؛ سپس با نعمت فراوانت که شکوهش مرا بفریبد و زیبایی اش مفتونم سازد، مرا از شکر نعمت خویش غافل مگردان؛ و چندان روزی ام را اندک مساز که دسترنجم کفایم را ندهد و قلبم از اندوه آن پر شود. ای خدای من! بدین سان، از بدان آفریدگانت بی نیازم ساز و مرا به خشنودی خود نائل گردان».

عنه عليه السلام عِنْدَ وَدَاعِ قَبْرِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ ، لَا يَأْكُنَارٌ تُلْهِينِي عَجَائِبُ
بَهَجَتِهَا وَتَفْتِنُنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهَا ، وَلَا يَأْقِلَالٌ يَضُرُّ بِعَمَلِي كُدُّهُ وَيَمَلَأُ صَدْرِي هُمُّهُ ، أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غِنًى عَنِ شِرَارِ خَلْقِكَ ، وَبِلاغَا
أَنَالَ بِهِ رِضَاكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (١)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقَ يَوْمِ بَيْتِمْ ، لَا قَلِيلًا فَأَشْقَى ، وَلَا كَثِيرًا فَأَطْغَى . (٢)

عنه عليه السلام: فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اللَّهُمَّ ارزُقْنِي غُدْوَةً رَغِيْفًا مِنْ شَعِيرٍ ، وَعَشِيَّةً رَغِيْفًا مِنْ شَعِيرٍ ، وَلَا تَرْزُقْنِي
فَوْقَ ذَلِكَ فَأَطْغَى . (٣)

عنه عليه السلام: إِذَا كَانَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهَا مَلَكًا يُنَادِي: أَيُّهَا النَّاسُ ، أَقْبِلُوا عَلَيَّ رَبُّكُمْ ؛ فَإِنَّ مَا قَلَّ وَكَفَى خَيْرٌ
مِمَّا كَثُرَ وَالْهَى ، وَمَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِالشَّمْسِ عِنْدَ طُلُوعِهَا يُنَادِي: يَا بَنَ آدَمَ ، لِدِ اللَّيْلِ ، وَابْنَ الْخَرَابِ ، وَاجْمَعِ لِلْفَنَاءِ . (٤)

عنه عليه السلام: قَالَ لِقَمَانُ لَابِنِهِ: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا بِلَاغَا ، وَلَا تَرْفُضْهَا فَتَكُونَ عِيَالًا- عَلَيَّ النَّاسِ ، وَلَا تَدْخُلْ فِيهَا دُخُولًا يَضُرُّ
بِآخِرَتِكَ . (٥)

- ١- . كامل الزيارات : ٤٣٦ / ٦٦٩ عن يوسف الكناسي و ص ٤٣٩ / ٢ عن أبي حمزه الثمالي ، مصباح المتهجد : ٧٢٨ / ٨١٩
كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ١٠١ / ٢٠٤ / ٣٢ و ص ٢٨١ / ١ و ص ٢٨٢ / ٢ .
- ٢- . تهذيب الأحكام : ٣ / ٧٥ / ٢٣٣ عن عبد الله بن السراج عن رجل ، المقنعه: ١٧٧ ، مصباح المتهجد : ٥٤٧ / ٦٣٨ ، بحار
الأنوار : ٩٧ / ٣٧٥ .
- ٣- . عدّه الداعي : ١٠٤ ، بحار الأنوار : ١٤ / ٣٢٦ / ٤٠ و ج ٧٢ / ٥٤ / ٨٥ .
- ٤- . الاختصاص : ٢٣٤ ، قرب الإسناد : ٣٩ / ١٢٥ ، بحار الأنوار : ١٠٣ / ٣٤ / ٦٤ .
- ٥- . تفسير القمّي : ٢ / ١٦٤ عن حمّاد ، بحار الأنوار : ١٣ / ٤١١ / ٢ .

امام صادق علیه السلام هنگام بدرودِ مزار امام حسین علیه السلام: بار خدایا! در دنیا مرا از شکر نعمت غافل مگردان، نه با بسیار بخشیدن که شگفتی های شکوهش مرا بفریبد و زیبایی های زیتش مفتونم سازد؛ و نه با کم بخشیدن که دسترنجم کفافم را نهد و قلبم از اندوه آن پر شود! بدین سان، از بدان آفریدگانت بی نیازم ساز و مرا به خشنودی خود نائل گردان؛ ای مهرورزترین مهرورزان.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! از تو روزی روز به روز خواهم، نه روزی فراوان که مایه سرکشی ام گردد.

امام صادق علیه السلام: در انجیل آمده است که عیسی علیه السلام گفت: «بار خدایا! صبحگاهان مرا قرص نان جوی روزی فرما و شامگاهان نیز همان را؛ و بیش از حدم مرا روزی مبخش که نافرمانی کنم».

امام صادق علیه السلام: هنگام غروب خورشید، خداوند فرشته ای را مأمور فرماید که ندا دهد: «ای مردم! به پروردگارتان روی آورید؛ که آن چه اندک باشد و کفاف دهد، بهتر از آن است که بسیار باشد و بفریبد». هنگام سرب زدن خورشید هم فرشته ای مأمور است که ندا دهد: «ای فرزند آدم! برای مرگ بزای؛ برای ویران شدن، بساز؛ و برای نیست گشتن، گرد آور».

امام صادق علیه السلام: لقمان به پسرش فرمود: «از دنیا به قدر کفاف بگیر و آن را چندان وامگذار که سربار مردم شوی؛ و چنان در آن درمیا که به آخرت زیان رساند».

٤ / ٥٥ عدم الإغتمام لرزق العَد رسول الله صلى الله عليه وآله : يا عَلِيُّ ، لا تَهْتَمْ لِرِزْقِ غَدٍ ؛ فَإِنَّ كُلَّ غَدٍ يَأْتِي رِزْقَهُ . (١)

عنه صلى الله عليه وآله : يَابْنَ مَسْعُودٍ ، لا تَهْتَمْ لِلرِّزْقِ ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : « وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (٢) » ، وقال : « وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (٣) . (٤) »

المعجم الكبير عن أبو هريره : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ عَلَى بِلَالٍ فَوَحَّيْدًا عِنْدَهُ صَبْرًا مِنْ تَمْرٍ ، فَقَالَ : مَا هَذَا يَا بِلَالُ؟ فَقَالَ : تَمْرٌ أَدَّخِرُهُ . قَالَ : وَيَحِيكَ يَا بِلَالُ! أَوْ مَا تَخَافُ أَنْ يَكُونَ لَهُ بُخَارٌ فِي النَّارِ؟! أَنْفِقْ يَا بِلَالُ ، وَلَا تَخَشَّ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِقْلَالًا . (٥)

حليه الأولياء عن أنس بن مالك : أَهْدَى إِلَيَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَوَائِرَ ثَلَاثٍ ، فَأَكَلَ طَيْرًا وَاسْتَخْبَأَ خَادِمُهُ طَيْرِينَ ، فَرَدَّهُمَا عَلَيْهِ مِنَ الْعَدِّ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَمْ أَنْهَكَ أَنْ تَرْفَعَ شَيْئًا لِعَدِّ؟! إِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِرِزْقِ كُلِّ غَدٍ . (٦)

١- تحف العقول : ١٤ .

٢- هود : ٦ .

٣- الذاريات : ٢٢ .

٤- مكارم الأخلاق : ٢ / ٣٥٦ / ٢٦٦٠ عن ابن مسعود ، بحار الأنوار : ٧٧ / ١٠٦ / ١ .

٥- المعجم الكبير : ١ / ٣٤١ / ١٠٢٤ وص ٣٤٠ / ١٠٢٠ وج ١٠ / ١٥٥ / ١٠٣٠٠ كلاهما عن عبد الله نحوه ، المعجم الأوسط : ٣

/ ٨٦ / ٢٥٧٢ ، مسند أبي يعلى : ٥ / ٣٨٦ / ٦٠١٤ عن أنس نحوه ، كنز العمال : ٦ / ٥٨٠ / ١٧٠٠٤ .

٦- حليه الأولياء : ١٠ / ٢٤٣ ، تاريخ بغداد : ١٤ / ٣١٥ / ٧٦٣٨ وفيه «تدخر» بدل «ترفع» .

۴ / ۵ غم نخوردن برای روزی فردا

۴ / ۵ غم نخوردن برای روزی فردا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! اندوه روزی فردا را مخور؛ که هر فردایی را روزی اش فرا می رسد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابن مسعود! اندوه روزی را مخور؛ که خدای تعالی فرماید: «هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر آن که روزی اش بر عهده خدا است»؛ و هم فرماید: «در آسمان است روزی شما و آن چه وعده داده می شوید».

المعجم الکبیر از ابوهریره: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر بلال درآمد و نزد او قدری خرما یافت. فرمود: «این چیست ای بلال؟» گفت: «ذخیره خرما است». فرمود: «وای بر تو ای بلال! آیا بیم نداری که آن در آتش، دود شود؟! ای بلال! انفاق کن و بیم ندار که خدای دارنده عرش، روزی ات را کم سازد».

حلیه الأولیاء از آنس بن مالک: سه پرنده برای پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه آورده شد. یکی را بخورد و خدمتکارش آن دو دیگر را پنهان نمود. روز بعد، آن دو را نزد پیامبر آورد. وی فرمود: «آیا تو را نهی نکردم که چیزی برای فردا نگذاری؟ همانا خداوند روزی هر فردایی را می رساند».

مسند ابن حنبل عن أنس بن مالك: أَهْدَيْتَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَادِمَهُ طَائِرًا ، فَأَطْعَمَ خَادِمَهُ طَائِرًا ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ أَتَتْهُ بِهِ ، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : أَلَمْ أَنْهَكَ أَنْ تَرْفَعِي شَيْئًا؟! فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَأْتِي بِرِزْقِ كُلِّ غَدٍ . (١)

عيسى عليه السلام: لَا تَحْبِسِ لِعَدِّ رِزْقًا ؛ فَإِنَّهَا خَطِيئَةٌ عَلَيْكَ . (٢)

عنه عليه السلام: لَا تَهْتَمُوا بِرِزْقِ غَدٍ ، فَإِنْ يَكُنْ مِنْ آجَالِكُمْ فَسَيَأْتِي فِيهِ أَرْزَاقُكُمْ مَعَ آجَالِكُمْ ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ آجَالِكُمْ فَلَا تَهْتَمُوا لِآجَالِ غَيْرِكُمْ . (٣)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُوسَى ، احْفَظْ وَصِيَّتِي لَكَ بِأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ . . . الثَّانِيَةُ : مَا دُمْتَ لَا تَرَى كُنُوزِي قَدْ نَفِدَتْ فَلَا تَعْتَمَّ بِسَبَبِ رِزْقِكَ . (٤)

عنه عليه السلام: كَانَ فِي مَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانَ ابْنَهُ أَنْ قَالَ لَهُ : يَا بُنَيَّ ، لِيَعْتَبِرَ مَنْ قَصَرَ يَقِينُهُ وَضَعَفَتْ يَتِيئُهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَهُ فِي ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ مِنْ أَمْرِهِ وَآتَاهُ رِزْقَهُ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ فِي وَاحِدَةٍ مِنْهَا كَسْبٌ وَلَا حِيلَةٌ ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَرِزُقُهُ فِي الْحَالِ الرَّابِعَةِ . أَمَّا أَوَّلُ ذَلِكَ فَمِنْهُ كَانَ فِي رَحِمِ أُمِّهِ يَرِزُقُهُ هُنَاكَ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ حَيْثُ لَا يُؤْذِيهِ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ ، ثُمَّ أَخْرَجَهُ مِنْ ذَلِكَ وَأَجْرَى لَهُ رِزْقًا مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ يَكْفِيهِ بِهِ وَيُرَبِّيهِ وَيَنْعِشُهُ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ بِهِ وَلَا قُوَّةٍ ، ثُمَّ فُطِمَ مِنْ ذَلِكَ فَأَجْرَى لَهُ رِزْقًا مِنْ كَسْبِ أَبِيهِ بِرَأْفَةٍ وَرَحْمَةٍ لَهُ مِنْ قَلْبِهِمَا ، لَا يَمْلِكَانِ غَيْرَ ذَلِكَ حَتَّى إِنَّهُمَا يُؤَثِّرَانِهِ عَلَى أَنْفُسِهِمَا فِي أَحْوَالٍ كَثِيرَةٍ ، حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَعَقَلَ وَاكْتَسَبَ لِنَفْسِهِ ضَاقَ بِهِ أَمْرُهُ ، وَظَنَّ الظُّنُونَ بِرَبِّهِ ، وَجَحَدَ الْحُقُوقَ فِي مَالِهِ ، وَقَتَرَ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ مَخَافَةَ إِقْتَارِ رِزْقٍ ، وَسُوءَ يَقِينٍ بِالْخَلْفِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ ، فَبُئِسَ الْعَبْدُ هَذَا يَا بُنَيَّ! (٥)

١- مسند ابن حنبل : ٤ / ٣٩٤ / ١٣٠٤٢ .

٢- تنبيه الخواطر : ٢ / ٢٢٩ ؛ البدايه والنهائيه : ٢ / ٨٩ نحوه .

٣- تنبيه الخواطر : ١ / ٢٧٨ .

٤- الخصال : ٢١٧ / ٤١ ، التوحيد : ٣٧٢ / ١٤ ، المواعظ العددية : ٢١٦ كَلَّمَا عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نَابَتَةَ ، بحار الأنوار : ١٣ / ٣٤٤ / ٢٦

٥- الخصال : ١٢٢ / ١١٤ عن حماد بن عيسى عن الإمام الصادق عليه السلام ، قصص الأنبياء : ١٩٧ / ٢٤٩ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار : ١٣ / ٤١٤ / ٥ وج ١٧ / ١٣٦ / ٧١ .

مسند ابن حنبل از انس بن مالک: سه پرنده برای پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه آورده شد. یکی را غذای خدمتکارش ساخت. روز بعد، خدمتکار آن را نزد پیامبر آورد. وی فرمود: «آیا تو را نهی نکردم که چیزی ذخیره نکنی؟ همانا خداوند روزی هر فردایی را می‌رساند».

عیسی علیه السلام: برای فردا روزی ذخیره مکن؛ که این کار گناهی بر تو است

عیسی علیه السلام: اندوه روزی فردا را مخورید؛ که اگر سرآمدِ روزی شما باشد، در آن روز، روزی تان با سرآمدتان خواهد رسید؛ و اگر سرآمدِ شما نباشد، پس برای سرآمدِ دیگران اندوه مخورید.

امام علی علیه السلام: خدای والای بشکوه به موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی! سفارش مرا به چهار چیز دریاب: ... دوم اینکه مادام که می‌نگری گنجینه‌های من پایان نیافته، برای روزی ات اندوهگین مباش».

امام علی علیه السلام: در زمره اندرزه‌های لقمان به پسرش چنین بود: «پسر عزیزم! باید عبرت گیرد کسی که یقین او اندک و تئیش در طلب روزی، نارسا است. همانا خداوند والای بشکوه به امر خویش، وی را آفریده و روزی اش داده است؛ و در هیچ یک از این احوال، خود او را چاره و تدبیری نبوده است. پس خداوند والای بشکوه او را در حال چهارم نیز روزی خواهد داد. اما حالت نخست؛ وی در زهدان مادرش، در جایگاهی امن قرار داشت و از گرما و سرما در امان بود. سپس خداوند وی را از آن جای بیرون آورد و برایش از شیر مادرش، روزی ای فراهم آورد که او را کفایت کند و رشدش دهد و نشو و نمایش بخشد، بی آن که وی را هیچ نیرو و توانی باشد. سپس از شیر گرفته شد و خداوند برایش از کسب و کار پدر و مادرش همراه با مهرورزی و عطوفت آن دو، روزی قرار داد، حال آن که آن دو جز این کاریشان نبود و حتی بسیار می‌شد که او را بر خود ترجیح می‌دادند؛ تا آن گاه که رشد و عقل یافت و خود به کار و کسب پرداخت؛ کارش بر وی تنگ شد و به پروردگارش گمان‌هایی برد و حقوق خدا را در مال خود انکار کرد و از بیم تنگدستی و با بدگمانی به آنچه خداوند در آینده نزدیک و دور، برایش جایگزین خواهد فرمود، بر خود و عیالش تنگ گرفت. پس بد بنده ای است چنین کسی، ای پسر عزیزم!».

عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْإِمْسَاكَ! فَإِنَّ مَا أَمْسَكَتَهُ فَوْقَ قَوْتِ يَوْمِكَ كُنْتُ فِيهِ خَازِنًا لِغَيْرِكَ . (١)

عنه عليه السلام: مَنْ اهْتَمَّ بِرِزْقِ غَدٍ لَمْ يُفْلِحْ أَبَدًا . (٢)

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ اهْتَمَّ لِرِزْقِهِ كُتِبَ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ . (٣)

١- .غرر الحكم : ٢٧١٢ .

٢- .غرر الحكم : ٩١١٣ .

٣- .الخصال : ٩٥ / ٦٥ عن الزهري ، الأمالى للطوسى : ٣٠٠ / ٥٩٣ عن عبد الصمد عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عليه السلام ، عدّه الداعى : ٨٣ عن الإمام الصادق عليه السلام ، قصص الأنبياء : ٢٣٠ / ٣٠٠ عن حفص بن غياث النخعى عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ٧٣ / ٩٣ / ٦٩ .

امام علی علیه السلام: از تنگ گرفتن در معاش بپرهیز؛ که هر چه بیش از کفاف روزانه ذخیره کنی، برای غیر خود گرد آورده ای.

امام علی علیه السلام: هر که اندوه روزی فردا را داشته باشد، هرگز کامیاب نگردد.

امام سجاد علیه السلام: هر که غم روزی خود را داشته باشد، بر وی گناه نوشته شود.

توضیحاتی درباره آفات توسعه و پرهیز از آن ها

توضیحاتی درباره آفات توسعه و پرهیز از آن ها برای فهم بهتر مضامین مندرج در روایات این فصل پیرامون آفات توسعه ، و نیز به منظور درک اهداف این روایات ، باید به نکات زیر عنایت نمود: ۱ . تحلیل و فهم مطالب این فصل درباره آفات توسعه و راه های پرهیز از آن ها ، جز در چهارچوب پیوند با توسعه پایدار و فراگیر ممکن نیست ؛ چنان که بدان اشاره شد . (۱) اما اگر مفهوم توسعه به نیازهای مادی و زودگذر محدود شود ، دیگر سخن گفتن از آفات توسعه در این بخش معنا ندارد . همچنین است بحث از موانع توسعه که در قسمت چهارم از آن یاد شد . ۲ . مهم ترین آفت توسعه ، در نگرش مادی به جهان نهفته است . این آفت آن قدر خطرناک است که حتی توسعه را در مفهوم محدود و دنیایی اش نیز به ضد توسعه تبدیل می کند . جهان بینی مادی ، ارتباط انسان را با آفریننده جهان و عالم ابدیت نادیده

۱- .بنگرید به: ص ۵۱۸ (ثروت اندوزی و توسعه).

می گیرد (۱)؛ و غفلت از یاد خدای سبحان و آخرت، خود، از انواع مفسد و آفات است؛ و این از آفات اقتصادی محسوب می شود. در چهارچوب جهان بینی مادی، اصول اعتقادی توسعه هیچ معنا و مفهومی ندارد؛ و به این ترتیب، انسان در انتظار باقی نمی ماند تا تلاش های مشروع او برای دستیابی به اهداف اقتصادی نتیجه دهد؛ بلکه کافی است تا آن تلاش ها دیر به مقصود رسد (۲) یا نتایجی خلاف میل انسان پدید آورد (۳) تا همین، انگیزه ای برای اقدام به اعمال نامشروع گردد. (۴) ممکن است تلاش های نامشروع دارای دستاوردهایی زود رس در عرصه اهداف اقتصادی باشد؛ اما بی تردید، به توسعه فراگیر و پایدار منجر نمی شود. ۳. جهان بینی الهی عامل اصلی در پرهیز از آفات توسعه به شمار می رود. از آن جا که پیوند با آفریننده هستی و ایمان به حیات جاودان، انسان را از در افتادن به ورطه اعمال نامشروع باز می دارد و مانع استفاده از وسایل ناصحیح برای دستیابی به اهداف اقتصادی می شود، طبیعی است که به عاملی برای پرهیز از بروز آفات توسعه تبدیل گردد. بر پایه تفکر توحیدی، ایمان به تقدیر، با مفهوم درست و سازنده اش (۵)، در کنار مدیریت و کار، سبب می شود که انسان با آرامش و آسودگی زندگی کند. هر گاه انسان ایمان داشته باشد که خداوند روزی دهنده است، دیگر اندوه روزی را

۱- بنگرید به: ص ۱۰۱۳ (غفلت از آخرت).

۲- بنگرید به: ص ۱۰۱۵ (آهسته یابی روزی).

۳- بنگرید به: ص ۱۰۱۷ (کم شمردن روزی).

۴- بنگرید به: ص ۱۰۲۱ (طلب حرام).

۵- بنگرید به: ص ۵۰۷ (تقدیر و توسعه).

نمی خورد (۱)؛ زیرا با ایمان به این که خداوند روزی اش را تضمین کرده ، در طلبش تلاش می کند ، همان گونه که حرص نیز نمی ورزد و خود را در کام خطرها و رنج ها و سختی ها بیش از حدی که روا است ، نمی اندازد ؛ بلکه به زندگی کریمانه قناعت می کند (۲) و نیز هر چه را از حدّ نیازش فراتر باشد ، انفاق می نماید که این ، خود ، مایه شکوفایی اقتصاد در سطح جامعه و هم خدمتی به همه انسان ها است . (۳) بار خدایا! ما را از شکر نعمت غافل مگردان ، نه آن گونه که شکوه دنیا ما را بفریبد و زیبایی های زیورش فریفته مان سازد ، و نه به گونه ای که دست رنجمان کفافمان نباشد و دل ما از اندوه آن پُر شود . و بدین سان از بدان آفریدگانت بی نیازمان ساز ، و به خشنودی خود نایل فرما . خداوندا ! این خدمت نیز از ما بپذیر و ذخیره زندگی جاوید ما گردان ای کسی که بدی ها را به نیکی مبدل می سازی ، ای مهر ورزترین مهرورزان .

۱- بنگرید به: ص ۵۳۱ (روزی تقدیر و تقسیم شده است).

۲- بنگرید به: ص ۵۱۷ (قناعت و توسعه).

۳- بنگرید به: ص ۵۱۵ (زهد و توسعه).

ص: ١٠٦٧

..

ص: ١٠٧٠

..

ص: ١٠٧١

..

ص: ١٠٧٢

..

ص: ١٠٧٣

..

ص: ١٠٧٤

..

ص: ١٠٧٧

..

ص: ١٠٧٩

..

ص: ١٠٨٠

..

ص: ١٠٩٠

..

ص: ١٠٩١

..

ص: ١٠٩٢

..

ص: ١٠٩٣

..

ص: ١٠٩٤

..

ص: ١٠٩٥

..

ص: ١٠٩٧

..

ص: ١٠٩٨

..

ص: ۱۱۰۰

..

ص: ۱۱۰۱

..

ص: ۱۱۰۲

..

ص: ۱۱۰۳

..

ص: ۱۱۰۷

..

ص: ۱۱۰۹

..

ص: ۱۱۱۰

..

فهرست منابع و مأخذ

فهرست منابع و مأخذ ١. القرآن الكريم . ٢. إتحاف الساده المتقين بشرح إحياء علوم الدين ، أبو الفيض محمد بن محمد الزبيدي (ت ١٢٠٥ هـ) ، دار الفكر بيروت . ٣. الاثنا عشرية في المواعظ العديده ، أبو القاسم محمد بن محمد الحسيني العاملي (ق ١١ هـ) ، مطبعه الحكمة قم . ٤. الاحتجاج على أهل اللجاج ، أبو منصور أحمد بن علي بن أبي طالب الطبرسي (ت ٦٢٠ هـ) ، تحقيق : إبراهيم البهادري ومحمد هادي به ، دار الأسوه طهران ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ . ٥. إحقاق الحق وإزهاق الباطل ، القاضي نور الله ابن السيد شريف الشوشتری (ت ١٠١٩ هـ) ، مع تعليقات السيد شهاب الدين المرعشي ، مكتبة آية الله المرعشي قم ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ . ٦. إحياء علوم الدين ، أبو حامد محمد بن محمد الغزالي (ت ٥٠٥ هـ) ، دار الهادي بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ٧. الاختصاص ، المنسوب إلى أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، مؤسسه النشر الإسلامی قم ، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ .

٨. اختيار معرفه الرجال (رجال الكتشي)، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، تحقيق: مهدي الرجائي، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ. ٩. آداب المتعلمين، نصير الدين محمد بن محمد الطوسي (ت ٦٧٢ هـ)، تحقيق: محمد رضا الحسيني الجلالى، مكتبه مدرسه إمام العصر (عج) شيراز، الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ. ١٠. الأدب المفرد، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخارى (ت ٢٥٦ هـ)، تحقيق: محمد بن عبد القادر عطا، دار الكتب العلميه بيروت. ١١. الإرشاد فى معرفه حجج الله على العباد، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ. ١٢. إرشاد القلوب، أبو محمد الحسن بن أبى الحسن الديلمى (ت ٧١١ هـ)، مؤسسه الأعلمى بيروت، الطبعة الرابعه ١٣٩٨ هـ. ١٣. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، تحقيق: حسن الموسوى الخراسان، دار الكتب الإسلاميه طهران، الطبعة الأولى. ١٤. الاستيعاب فى معرفه الأصحاب، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر القرطبى المالكى (ت ٣٦٣ هـ)، تحقيق: على محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، دار الكتب العلميه بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ. ١٥. أسد الغابه فى معرفه الصحابه، أبو الحسن عزّ الدين على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيبانى المعروف بابن الأثير الجزرى (ت ٦٣٠ هـ)، تحقيق: على محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، دار الكتب العلميه بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ. ١٦. إصلاح المال، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبى الدين القرشى البغدادى (ت ٢٨١ هـ)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، مؤسسه الكتب الثقافيه بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ.

١٧ . الأصول الستة عشر ، عدّه من الرواه ، دار الشبستري قم ، الطبعة الثانيه ١٤٠٥ هـ . ١٨ . أعلام الدين في صفات المؤمنين ، أبو محمد الحسن بن محمد الديلمي (ت ٧١١ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم . ١٩ . إعلام الوري بأعلام الهدى ، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ . ٢٠ . الإقبال بالأعمال الحسنه فيما يعمل مرّه في السنه ، أبو القاسم علي بن موسى الحلّي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق : جواد القتيومي ، مكتب الإعلام الإسلامي قم ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ . ٢١ . الألقاب ، أبو الوليد عبد الله بن محمد الأزدي الأندلسي المعروف بابن الفرضي (ت ٤٠٣ هـ) ، تحقيق : محمد زينهم محمد عزب ، دار الجيل بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ٢٢ . الأمالي للسيد المرتضى في التفسير والحديث والأدب ، أبو القاسم علي بن الحسين الموسوي المعروف بالسيد المرتضى (ت ٤٢٦ هـ) ، مكتبه آيه الله المرعشي النجفي قم . ٢٣ . الأمالي للشجري (الأمالي الخميسيه) ، يحيى بن الحسين الشجري (ت ٤٩٩ هـ) ، عالم الكتب بيروت ، الطبعة الثالثه ١٤٠٣ هـ . ٢٤ . الأمالي للصدوق ، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه البعثه قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ . ٢٥ . الأمالي للطوسي ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، دار الثقافه قم ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ . ٢٦ . الأمالي للمفيد ، أبو عبد الله محمد بن النعمان العكبري البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) ، تحقيق : حسين أستاذ ولي وعلي أكبر الغفاري ، مؤسسه النشر الإسلامي قم ، الطبعة الثانيه ١٤٠٤ هـ . ٢٧ . إمدادهاى غيبى (الإمدادات الغيبيه) ، مرتضى مطهري (ت ١٣٥٨ش) ، انتشارات صدرا قم ، الطبعة السادسه ، ١٣٧٢ ش .

٢٨. أنساب الأشراف ، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (ت ٢٧٩ هـ) ، تحقيق : سهيل زكار ورياض زركلي ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ . ٢٩ . إنسان وسؤنوشت (الإنسان والمصير) ، مرتضى مطهري (ت ١٣٥٨ ش) ، انتشارات صدرا قم . ٣٠ . الأنوار القدسيه فى بيان آداب العبوديه ، فى هامش الطبقات الكبرى ، أبو المواهب عبد الوهاب بن أحمد الأنصارى (ت ق ١٠ هـ) ، دار الفكر بيروت . ٣١ . الإيضاح ، أبو محمد فضل بن شاذان الأزدي النيسابورى (ت ٢٦٠ هـ) ، تحقيق : جلال الدين الحسينى الأرموى ، جامعه طهران ، الطبعة الأولى ١٣٥١ ش . ٣٢ . بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت ١١١٠ هـ) ، مؤسسه الوفاء بيروت ، الطبعة الثانية ١٤٠٣ هـ . ٣٣ . البدايه والنهايه ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقى (ت ٧٧٤ هـ) ، تحقيق ونشر : مكتبه المعارف بيروت . ٣٤ . بشاره المصطفى لشيعة المرتضى ، أبو جعفر محمد بن محمد بن على الطبرى (ت ٥٢٥ هـ) ، المطبعة الحيدريه النجف الأشرف ، الطبعة الثانية ١٣٨٣ هـ . ٣٥ . بصائر الدرجات ، أبو جعفر محمد بن الحسن الصفار القمى المعروف بابن فروخ (ت ٢٩٠ هـ) ، مكتبه آيه الله المرعشى قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٤ هـ . ٣٦ . البلد الأمين والدرع الحصين ، تقى الدين إبراهيم بن زين الدين الكفعمى (ت ٩٠٥ هـ) . ٣٧ . بهجه المجالس وأنس المجالس ، أبو عمر يوسف بن عبد البر النمري القرطبي (ت ٤٦٣ هـ) ، تحقيق : محمد مرسى الخولى ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٩٨١ م . ٣٨ . البيان والتبيين ، أبو عثمان عمرو بن بحر الكنانى الليثى المعروف بالجاحظ (ت ٢٥٥ هـ) ، تحقيق : عبد السلام محمد هارون ، مكتبه الخانجى القايره ، الطبعة الخامسه ١٤٠٥ هـ . ٣٩ . تاج العروس من جواهر القاموس ، محمد بن محمد مرتضى الحسينى الزبيدى (ت ١٢٠٥ هـ) ، تحقيق : على شيرى ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ .

٤٠. تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ، أبو عبد الله محمد بن أحمد الذهبي (ت ٧٤٨ هـ) ، تحقيق : عمر عبد السلام تدمري ، دار الكتاب العربي بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . ٤١. تاريخ أصبهان ، أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصفهاني (ت ٤٣٠ هـ) ، تحقيق : سيد كسروي حسن ، دار الكتب العلمية بيروت . ٤٢. تاريخ بغداد أو مدينة السلام ، أبو بكر أحمد بن علي الخطيب البغدادي (ت ٤٦٣ هـ) ، المكتبة السلفية المدينة المنورة . ٤٣. تاريخ دمشق = تاريخ مدينة دمشق «ترجمه الإمام علي عليه السلام» ، أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساكر الدمشقي (ت ٥٧١ هـ) ، تحقيق : علي شيري ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ . ٤٤. تاريخ الطبري (تاريخ الأمم والملوك) ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ٣١٠ هـ) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، دار المعارف مصر . ٤٥. التاريخ الكبير ، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري (ت ٢٥٦ هـ) ، دار الفكر بيروت . ٤٦. تاريخ اليعقوبي ، أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح المعروف باليعقوبي (ت ٢٨٤ هـ) ، دار صادر بيروت . ٤٧. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله ، أبو محمد الحسن بن علي الحرّاني المعروف بابن شعبه (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفّاري ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ . ٤٨. تذكره الخواصّ (تذكره خواصّ الأممه فى خصائص الأئمه عليهم السلام) ، يوسف بن فرغلى بن عبد الله المعروف بسبط ابن الجوزى (ت ٦٥٤ هـ) ، تقديم : محمد صادق بحر العلوم ، مكتبة نينوى الحديثه طهران . ٤٩. تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم) ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصرى الدمشقى (ت ٧٧٤ هـ) ، تحقيق : عبد العزيز غنيم ومحمد أحمد عاشور ومحمد إبراهيم البنا ، دار الشعب القاهره .

تفسير أبى الفتوح الرازى = روض الجنان وروح الجنان . تفسير البرهان = البرهان فى تفسير القرآن . ٥٠ . تفسير التبيان ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسى (ت ٤٦٠ هـ) مكتبة الأمين النجف الأشرف . تفسير الدر المنثور = الدر المنثور فى التفسير بالمأثور . تفسير الطبرى = جامع البيان عن تأويل آى القرآن . ٥١ . تفسير العياشى ، أبو النضر محمد بن مسعود السلمى السمرقندى المعروف بالعياشى (ت ٣٢٠ هـ) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلّاتى ، المكتبة العلميه طهران ، الطبعة الأولى ١٣٨٠ هـ . تفسير القرطبى = الجامع لأحكام القرآن . ٥٢ . تفسير القمى ، أبو الحسن على بن إبراهيم بن هاشم القمى (ت ٣٠٧ هـ) ، إعداد : طيب الموسوى الجزائرى ، مطبعة النجف الأشرف . تفسير الكشاف = الكشاف . تفسير مجمع البيان = مجمع البيان في تفسير القرآن . ٥٣ . التفسير المنسوب إلى الإمام العسكرى عليه السلام ، تحقيق ونشر : مدرسه الإمام المهدي (عج) قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . تفسير الميزان = الميزان فى تفسير القرآن . ٥٤ . تفسير نمونه (الأمثل) ، ناصر مكارم شيرازى (معاصر) ، دار الكتب الإسلاميه طهران . ٥٥ . تفسير نور الثقلين ، عبد على بن جمعه العروسى الحويزى (ت ١١١٢ هـ) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلّاتى ، مؤسسه إسماعيليان قم ، الطبعة الخامسة ١٤١٢ هـ . ٥٦ . تقريب المعارف ، أبو الصلاح نجم الدين بن عبيد الله الحلبي (ت ٤٤٧ هـ) ، تحقيق : فارس تبريزيان الحسون ، قم ، ١٤١٧ هـ .

٥٧. التمحيص ، أبو علي محمد بن همام الإسكافي (ت ٣٣٦ هـ) ، تحقيق ونشر : مدرسه الإمام المهدي (عج) قم . ٥٨ . تنبيه الخواطر ونزاهه النواظر (مجموعه ورام) ، أبو الحسين ورام بن أبي فراس (ت ٦٠٥ هـ) ، دار التعارف ودار صعب بيروت . ٥٩ . تنبيه الغافلين ، أبو الليث نصر بن محمد السمرقندي (ت ٣٧٢ هـ) ، تحقيق : يوسف علي بديوي ، دار ابن كثير بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ . ٦٠ . التنقيح في شرح العروه الوثقى (تقريرات بحث آيه الله العظمى الخوئي) ، علي الغروي التبريزي ، دار أنصاريان قم ، الطبعة الثالثة ١٤١٠ هـ . ٦١ . تهذيب الأحكام في شرح المقنعه ، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، دار التعارف بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ . ٦٢ . التوحيد ، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : هاشم الحسيني الطهراني ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الأولى ١٣٩٨ هـ . ٦٣ . توسعه اقتصادى در جهان سؤم (التنمية الاقتصادية فى العالم الثالث) ، مايكل تودارو ، ترجمه : غلامعلي فرجادي ، وزارت برنامه و بودجه ، مركز مدارك اقتصادى طهران ، الطبعة الرابعة ، ١٣٦٦ ش . ٦٤ . ثواب الأعمال وعقاب الأعمال ، أبو جعفر محمد بن علي القمي المعروف بالصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفارى ، مكتبه الصدوق طهران . ٦٥ . جامع الأحاديث ، أبو محمد جعفر بن أحمد بن علي القمي المعروف بابن الرازى (ق ٤) ، تحقيق : محمد الحسينى النيسابورى ، مؤسسه الطبع والنشر التابعه للحضرة الرضويه المقدسه مشهد ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ . ٦٦ . جامع الأخبار أو معارج اليقين فى أصول الدين ، محمد بن محمد الشعيرى السبزواري (ق ٧) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ .

٦٧. جامع بيان العلم وفضله ، أبو عمر يوسف بن عبد البر النمري القرطبي (ت ٤٦٣ هـ) ، تحقيق : إداره الطباعة المنيرية ، دار الكتب العلميه بيروت . ٦٨ . جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري) ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبري (ت ٣١٠ هـ) ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . ٦٩ . الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي) ، أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (ت ٦٧١ هـ) ، تحقيق : محمد عبد الرحمن المرعشلي ، دار إحياء التراث العربي بيروت ، الطبعة الثانية ١٤٠٥ هـ . ٧٠ . الجغريّات (الأشعثيات) ، أبو الحسن محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (ق ٤) ، مكتبة نينوى طهران ، طُبع ضمن قرب الإسناد . ٧١ . جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع ، أبو القاسم علي بن موسى الحلّي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق : جواد القتيومي ، مؤسسه الآفاق قم ، الطبعة الأولى ١٣٧١ ش . ٧٢ . حليه الأولياء وطبقات الأصفياء ، أبو نعيم أحمد بن عبد الله الأصبهاني (ت ٤٣٠ هـ) ، دار الكتاب العربي بيروت ، الطبعة الثانية ١٣٨٧ هـ . ٧٣ . حياه الحيوان الكبرى ، كمال الدين محمد بن موسى الدميري (ت ٨٠٨ هـ) ، دار إحياء التراث العربي بيروت . ٧٤ . الخرائج والجرائح ، أبو الحسين سعيد بن عبد الله الراوندي المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ٥٧٣ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدي (عج) قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . ٧٥ . خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام) ، أبو الحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (ت ٤٠٦ هـ) ، تحقيق : محمد هادي الأميني ، مجمع البحوث الإسلاميه التابع للحضرة الرضويه المقدسه مشهد ، ١٤٠٦ هـ . ٧٦ . خصائص أمير المؤمنين عليه السلام ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي (ت ٣٠٣ هـ) ، إعداد : محمد باقر المحمودي ، الطبعة الأولى ١٤٠٣ هـ .

٧٧. الخصال ، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، مؤسسه النشر الإسلامي قم ، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ . ٧٨. دراسات في ولاية الفقيه وفقه الدولة الإسلامية ، حسينعلي المنتظري ، المركز العالمي للدراسات الإسلامية قم ، الطبعة الثانية . ٧٩. الدرّ الباهره من الأصداف الطاهره ، محمد ابن الشيخ جمال الدين مكى بن محمد بن حامد بن أحمد العاملى النبطنى الجزينى الملقب بالشهيد الأول ، مؤسسه طبع ونشر الآستانه الرضويه المقدسه مشهد ، ١٣٦٥ هـ ش . ٨٠. الدرجات الرفيعه فى طبقات الشيعة ، صدر الدين على بن أحمد المدنى الشيرازى المعروف بسيد عليخان (ت ١١٢٠ هـ) ، مكتبه بصيرتى قم ، الطبعة الثانية ١٣٩٧ هـ . ٨١. الدرّ المشور فى التفسير المأثور ، جلال الدين عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت ٩١١ هـ) ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ . ٨٢. الدروس الشرعية فى فقه الإماميه ، شمس الدين محمد بن مكى العاملى المعروف بالشهيد الأول (ت ٧٨٦ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم . ٨٣. دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشيم ، أبو عبد الله بن محمد بن سلامه القضاعى (ت ٤٥٤ هـ) ، دار الكتاب العربى بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ . ٨٤. دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، أبو حنيفه النعمان بن محمد بن منصور بن أحمد بن حيون التميمى المغربى (ت ٣٦٣ هـ) ، تحقيق : آصف بن على أصغر فيضى ، دار المعارف مصر ، الطبعة الثالثة ١٣٨٩ هـ . ٨٥. الدعوات ، أبو الحسين سعيد بن عبد الله الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت ٥٧٣ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدي (عج) قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ . ٨٦. دلائل النبوه ، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد الأصبهانى (ت ٤٣٠ هـ) تحقيق : محمد رؤاس قلجى وعبد البر عباس ، دار النفائس بيروت ، الطبعة الثانية ١٤٠٦ هـ . ٨٧. الديوان المنسوب إلى الإمام على عليه السلام ، أبو الحسن محمد بن الحسين الكيدرى (ت ق ٥٦ هـ) ، ترجمه : أبو القاسم إمامى ، انتشارات أسوه طهران .

٨٨ . ذخائر العقبي في مناقب ذوى القربى ، أبو العباس أحمد بن عبد الله الطبرى (ت ٦٩٣ هـ) ، تحقيق : أكرم البوشى ، مكتبه الصحابه جده ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ . ٨٩ . ربيع الأبرار ونصوص الأخبار ، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٣٨ هـ) ، تحقيق : سليم النعيمي ، منشورات الرضى قم ، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ . رجال الكششى = اختيار معرفه الرجال . ٩٠ . الرساله القشيرييه فى علم التصوف ، أبو القاسم عبد الكريم بن هوازن القشيري (ت ٤٦٥ هـ) ، تحقيق : معروف زريق وعلى عبد الحميد بلطه جى ، دار الخير دمشق . ٩١ . رشد وتوسعه (النمو والتنمية) ، تيول وال ، ترجمه : منوچهر فرهنگ وفرشيد مجاور حسيني . ٩٢ . روض الجنان وروح الجنان (تفسير أبى الفتوح الرازى) ، أبو الفتوح حسين بن على الرازى (قرن ٥٦ هـ) ، آستانه مقدسه رضويه مشهد ، الطبعة الأولى ١٣٧١ ش . ٩٣ . روضه الواعظين ، محمد بن الحسن بن على الفتال النيسابورى (ت ٥٠٨ هـ) ، تحقيق : حسين الأعلمى ، مؤسسه الأعلمى بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٦ هـ . ٩٤ . الرياض النضره فى مناقب العشره ، أبو العباس أحمد بن عبد الله الطبرى (ت ٦٩٤ هـ) ، دار الكتب العلميه بيروت . ٩٥ . الزهد لابن حنبل ، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشيبانى (ت ٢٤١ هـ) ، دار الكتب العلميه بيروت . ٩٦ . الزهد لابن المبارك ، أبو عبد الرحمن بن عبد الله بن المبارك الحنظلى المروزى (ت ١٨١ هـ) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، دار الكتب العلميه بيروت . ٩٧ . الزهد للحسين بن سعيد ، الحسين بن سعيد الكوفى الأهوازى (ق ٣ هـ) ، المطبعه العلميه قم ، ١٣٩٩ هـ . ٩٨ . الزهد لهناد ، هناد بن السرى الكوفى (ت ٢٤٣ هـ) ، تحقيق : عبد الرحمن الفريوائى ، دار الخلفاء الكويت ، الطبعة الأولى ١٤٠٦ هـ .

٩٩. السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى ، أبو جعفر محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس الحلّى (ت ٥٥٩٨ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الثانية ١٤١٠ هـ . ١٠٠ . سرمایه گذارى در نیروى انسانى وتوسعه اقتصادى (التوظيف فى مجال القوّه الإنسانیه والتنمية الاقتصادیه) ، ترجمه وتأليف : محمود متوسّلى ، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکى طهران ، ١٣٧١ ش . ١٠١ . السنّه ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن أبى عاصم الشيبانى (ت ٢٧٨ هـ) ، المكتب الإسلامى بيروت ، الطبعة الثالثه ١٤١٣ هـ . ١٠٢ . سنّت های تاریخ در قرآن کریم (السنن التاريخیه فى القرآن الکریم) ، محمد باقر الصدر (ت ١٩٧٩م) ، ترجمه : جمال موسوى . ١٠٣ . سنن ابن ماجه ، أبو عبد الله محمد بن يزيد بن ماجه القزوينى (ت ٢٧٥ هـ) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعة الأولى ١٣٩٥ هـ . ١٠٤ . سنن أبى داود ، أبو داود سليمان بن أشعث السجستانى الأزدي (ت ٢٧٥ هـ) ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، دار إحياء السنّه النبويه بيروت . ١٠٥ . سنن الترمذى (الجامع الصحيح) ، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سوره الترمذى (ت ٢٩٧ هـ) ، تحقيق : أحمد محمد شاكر ، دار إحياء التراث بيروت . ١٠٦ . سنن الدارقطنى ، أبو الحسن على بن عمر البغدادى المعروف بالدارقطنى (ت ٢٨٥ هـ) ، تحقيق : أبى الطيب محمد آبادى ، عالم الكتب بيروت ، الطبعة الرابعه ١٤٠٦ هـ . ١٠٧ . سنن الدارمى ، أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن الدارمى (ت ٢٥٥ هـ) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، دار القلم بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ١٠٨ . السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين بن على البيهقى (ت ٤٥٨ هـ) ، تحقيق : محمد عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ . ١٠٩ . السنن الكبرى ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائى ، تحقيق : عبد الغفار سليمان البندارى ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ .

١١٠. سنن النسائي (بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشيه الإمام السندي) ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي (ت ٣٠٣ هـ) ، دار الجيل بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ . ١١١ . السوق في ظلّ الدوله الإسلاميه ، جعفر مرتضى العاملي (معاصر) ، الدار الإسلاميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . ١١٢ . سير أنديشه اقتصادي (مسار الفكر الاقتصادي) ، باقر قديري أصل ، انتشارات دانشگاه تهران طهران ، الطبعة الثامنه ١٣٦٨ ش . ١١٣ . السيره النبويه ، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير البصروي الدمشقي (ت ٧٤٧ هـ) ، تحقيق : مصطفى عبد الواحد ، دار إحياء التراث العربي بيروت . ١١٤ . السيره النبويه ، أبو محمد عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري (ت ٢١٨ هـ) ، تحقيق : مصطفى السقا وإبراهيم أبواري ، مكتبه المصطفى قم ، الطبعة الأولى ١٣٥٥ هـ . ١١٥ . شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام ، أبو القاسم جعفر بن الحسن الحلبي (ت ٦٧٦ هـ) ، تحقيق : عبد الحسين محمد علي البقال ، مؤسسه المعارف الإسلاميه قم ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ . ١١٦ . شرح الأخبار في فضائل الأئمه الأطهار ، أبو حنيفه القاضي النعمان بن محمد المصري (ت ٣٦٣ هـ) ، تحقيق : محمد الحسيني الجاللي ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ١١٧ . شرح نهج البلاغه ، عزّ الدين عبد الحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلي المعروف بابن أبي الحديد (ت ٦٥٦ هـ) ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعة الثانيه ١٣٨٧ هـ . ١١٨ . شعب الإيمان ، أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي (ت ٤٥٨ هـ) ، تحقيق : محمد السعيد بسيوني زغلول ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ .

١١٩. الشكر، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي الدنيا القرشي (ت ٢٨١ هـ)، تحقيق: طارق الطنطاوى، مكتبة القرآن القاهره .
١٢٠. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربيّ، أبو نصر إسماعيل بن حمّاد الجوهري (ت ٣٩٨ هـ)، تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، دار العلم للملايين بيروت، الطبعة الرابعه ١٤١٠ هـ . ١٢١. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، علاء الدين على بن بلبان الفارسي (ت ٧٣٩ هـ)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسه الرساله بيروت، الطبعة الثانيه ١٤١٤ هـ . ١٢٢. صحيح البخارى، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخارى (ت ٢٥٦ هـ)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير بيروت، الطبعة الرابعه ١٤١٠ هـ .
١٢٣. صحيح مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (ت ٢٦١ هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار الحديث القاهره، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ١٢٤. صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، المنسوبه إلى الإمام الرضا عليه السلام، تحقيق ونشر: مؤسسه الإمام المهدي (عج) قم، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . ١٢٥. الصحيفه السجّاديّه، المنسوبه إلى الإمام على بن الحسين عليهما السلام، تصحيح: على أنصاريان، المستشاريه الثقافيه للجمهوريه الإسلاميه الإيرانيه دمشق، ١٤٠٥ هـ . ١٢٦. الصواعق المحرقة فى الردّ على أهل البدع والزندقه، أحمد بن حجر الهيتمى الكوفى (ت ٩٧٤ هـ)، إعداد: عبد الوهاب عبد اللطيف، مكتبه القاهره مصر، الطبعة الثانيه ١٣٨٥ هـ . ١٢٧. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد كاتب الواقدي (ت ٢٣٠ هـ)، دار صادر بيروت . ١٢٨. طبّ النبىّ صلى الله عليه وآله، أبو على محمود بن محمد الجعيني (ت ٦١٨ هـ)، الطبعة الحجريه، ١٣١٨ هـ . ١٢٩. الطرائف فى معرفه مذاهب الطوائف، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ)، مطبعه الخيّام قم، الطبعة الأولى ١٤٠٠ هـ . ١٣٠. عدّه الداعى ونجاح الساعى، أبو العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلّى الأسدى (ت ٨٤١ هـ)، تحقيق: أحمد الموحدى، مكتبه وجدانى طهران .

١٣١ . العدد القويّ لدفع المخاوف اليوميّه ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن عليّ المطهّر الحلّي المعروف بالعلامة (ت ٧٢٦ هـ) ، تحقيق : مهدي الرجائي ، مكتبة آية الله المرعشي قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . ١٣٢ . عقد الدرر في أخبار المنتظر ، أبو عبد الله يوسف بن يحيى المقدسي (ت ق ٥٧ هـ) ، تحقيق : لجنه من العلماء ، دار الكتب العلميّه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٣ هـ . ١٣٣ . العقل والجهل في الكتاب والسنة ، محمد الريشهري (معاصر) ، تحقيق : دار الحديث للطباعة والنشر والتوزيع بيروت ، ١٤٢١ هـ . ١٣٤ . علل الشرائع ، أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القميّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، دار إحياء التراث بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . ١٣٥ . علل الحديث ، أبو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم الرازي (ت ٣٢٧ هـ) ، دار المعرفه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٥ هـ . ١٣٦ . العلم والحكمه في الكتاب والسنة ؛ محمد الريشهري (معاصر) ، تحقيق ونشر : دار الحديث قم ، الطبعة الأولى ١٣٧٦ ش . ١٣٧ . عوالي اللآليّ العزيزيه في الأحاديث الدينيه ، محمد بن عليّ بن إبراهيم الأحسائيّ المعروف بابن أبي جمهور (ت ٩٤٠ هـ) ، تحقيق : مجتبيّ العراقي ، مطبعه سيد الشهداء عليه السلام قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٣ هـ . ١٣٨ . عيون الأخبار ، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبه الدينوري (ت ٢٧٦ هـ) ، دار الكتب المصريه القايره ، ١٣٤٣ هـ . ١٣٩ . عيون أخبار الرضا عليه السلام ، أبو جعفر محمد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القميّ المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : مهدي الحسينيّ اللاجوردى ، منشورات جهان طهران . ١٤٠ . الغارات ، أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن سعيد المعروف بابن هلال الثقفيّ (ت ٢٨٣ هـ) ، تحقيق : جلال الدين المحدّث الأرمويّ ، منشورات أنجمن آثار مليّ طهران ، الطبعة الأولى ١٣٩٥ هـ .

١٤١. غرر الحكم ودرر الكلم ، عبد الواحد الآمدى التميمى (ت ٥٥٥٠ هـ) ، تحقيق : جلال الدين المحمّدث الأرموى ، جامعه طهران ، الطبعة الثالثة ١٣٦٠ ش . ١٤٢ . الغيبة ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن على بن الحسن الطوسى (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : عباد الله الطهرانى وعلى أحمد ناصح ، مؤسسه المعارف الإسلاميه قم ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ . ١٤٣ . الغيبة ، أبو عبد الله محمد بن إبراهيم بن جعفر الكاتب النعمانى (ت ٣٥٠ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، مكتبه الصدوق طهران . ١٤٤ . الفائق فى غريب الحديث ، أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٨٣ هـ) ، تحقيق : على محمد البجاوى ، دار الفكر بيروت ، ١٤١٤ هـ . ١٤٥ . فتح الأبواب ، أبو القاسم على بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق : حامد الخفّاف ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . ١٤٦ . الفتن ، أبو عبد الله نعيم بن حماد المروزى (ق ٥٣ هـ) ، تحقيق : سمير بن أمين زهيرى ، مكتبه التوحيد القاهره ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ١٤٧ . الفردوس بمأثور الخطاب ، أبو شجاع شيرويه بن شهردار الديلمى الهمدانى (ت ٥٠٩ هـ) ، تحقيق : السعيد بن بسيونى زغلول ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٦ هـ . ١٤٨ . فضائل الصحابه ، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل (ت ٢٤١ هـ) ، تحقيق : وصى الله بن محمد عباس ، جامعه أم القرى مكه ، الطبعة الأولى ١٤٠٣ هـ . ١٤٩ . فقه القرآن ، قطب الدين أبو الحسين سعيد بن عبد الله الراوندى (ت ٥٧٣ هـ) ، تحقيق : أحمد الحسينى ، مكتبه آيه الله المرعشى النجفى قم ، الطبعة الأولى ١٣٩٧ هـ . ١٥٠ . الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث ، المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام مشهد . ١٥١ . الفقيه والمتفقه ، أبو بكر أحمد بن على الخطيب البغدادى (ت ٤٦٣ هـ) ، تحقيق : الأنصارى ، دار الكتب العلميه بيروت .

١٥٢. فلاح السائل ، أبو القاسم على بن موسى الحلّي المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق : غلامحسين مجیدی ، مكتب الإعلام الإسلامي قم ، الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ . ١٥٣ . فيض القدير ، زين الدين محمد عبد الرؤوف المناوي (ق ١٠ هـ) ، دار الفكر بيروت . ١٥٤ . القاموس المحيط ، أبو طاهر مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (ت ٨١٧ هـ) ، دار الفكر بيروت . ١٥٥ . قرب الإسناد ، أبو العباس عبد الله بن جعفر الحميري القمّي (ت بعد ٣٠٤ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ . ١٥٦ . قصص الأنبياء ، أبو الحسين سعيد بن عبد الله المعروف بقطب الدين الراوندي (ت ٥٧٣ هـ) ، تحقيق : غلامرضا عرفانيان اليزدي ، مجمع البحوث الإسلامية التابع لمؤسسه الآستانه الرضويه مشهد ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . ١٥٧ . قضاء الحوائج ، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي الدنيا القرشي (ت ٢٨١ هـ) ، تحقيق : محمد عبد القادر أحمد عطا ، مؤسسه الكتب الثقافيه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ . ١٥٨ . القواعد في الفقه الإسلامي ، أبو الفرج عبد الرحمن بن أحمد بن رجب الحنبلي (ت ٧٩٥ هـ) ، تحقيق : طه عبد الرؤوف سعد ، مكتبه الكليات الأزهرية القاهرة ، الطبعة الأولى ١٣٩٢ هـ . ١٥٩ . الكافي ، أبو جعفر ثقه الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت ٣٢٩ هـ) ، تحقيق : على أكبر الغفّاري ، دار صعب ودار التعارف بيروت ، الطبعة الرابعة ١٤٠١ هـ . ١٦٠ . كامل الزيارات ، أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (ت ٣٦٧ هـ) ، تحقيق : جواد القيومي ، نشر الفقيه قم ، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ . ١٦١ . الكامل في التاريخ ، أبو الحسن على بن محمد الشيباني الموصلي المعروف بابن الأثير (ت ٦٣٠ هـ) ، تحقيق : على شيري ، دار إحياء التراث العربي بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . ١٦٢ . كتاب البيع ، روح الله الموسوي الخميني قدس سره ، مؤسسه تنظيم ونشر آثار الإمام الخميني قم .

١٦٣ . الكشاف ، أبو القاسم جار الله محمود بن عمر الزمخشري (ت ٥٣٨ هـ) ، دار المعرفه بيروت . ١٦٤ . كشف الخفاء ومزيل الإلباس عن الأحاديث على ألسنه الناس ، إسماعيل بن محمد العجلوني الجراحي (ت ١١٦٢ هـ) ، دار الكتب العلميه بيروت . ١٦٥ . كشف الريبه عن أحكام الغيبه ، زين الدين العاملي (الشهيد الثاني) ، المكتبه المرتضويه طهران . ١٦٦ . كشف الغمّه في معرفه الأئمّه ، علي بن عيسى الإربلي (ت ٦٨٧ هـ) ، تصحيح : هاشم الرسولي المحلّاتي ، دار الكتاب الإسلامى بيروت ، الطبعه الأولى ١٤٠١ هـ . ١٦٧ . كشف المحجّه لثمره المّهجه ، أبو القاسم علي بن موسى بن طاووس الحلّي (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق : محمد الحسون ، مكتب الإعلام الإسلامى قم ، الطبعه الأولى ١٤١٢ هـ . ١٦٨ . كشف اليقين فى فضائل أمير المؤمنين عليه السلام ، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن علي ابن المطهر الحلّي المعروف بالعلامه (ت ٧٢٦ هـ) ، تحقيق : علي آل كوثر ، مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه قم ، الطبعه الأولى ١٤١١ هـ . ١٦٩ . كفايه الأثر فى النصّ على الأئمّه الاثنى عشر ، أبو القاسم علي بن محمد بن علي الخرزاز القمّي (ق ٤) ، تحقيق : عبد اللطيف الحسينى الكوهكمرى ، انتشارات بيدار قم ، ١٤٠١ هـ . ١٧٠ . كمال الدين وتمام النعمه ، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمّي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفّارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعه الأولى ١٤٠٥ هـ . ١٧١ . كنز العمّال فى سنن الأقوال والأفعال ، علاء الدين علي المتقى بن حسام الدين الهنّدى (ت ٩٧٥ هـ) ، تصحيح : صفوه السقا ، مكتبه التراث الإسلامى بيروت ، الطبعه الأولى ١٣٩٧ هـ . ١٧٢ . كنز الفوائد ، أبو الفتح محمد بن علي بن عثمان الكراجكى الطرابلسى (ت ٤٤٩ هـ) ، إعداد : عبد الله نعمه ، دار الذخائر قم ، الطبعه الأولى ١٤١٠ هـ .

١٧٣ . گفتارهای معنوی (أحاديث معنويه)، مرتضى مطهري (ت ١٣٥٨ش)، انتشارات صدرا قم، الطبعة الثالثة عشره ١٣٧٢ ش .
 ١٧٤ . لبّ اللباب في تحرير الأنساب، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي (ت ٩١١ هـ)، دار صادر بيروت . ١٧٥ .
 لسان العرب، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور المصري (ت ٧١١ هـ)، دار صادر بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ .
 ١٧٦ . اللمعة، محمد بن جمال الدين مكى العاملي (ت ٧٨٦ هـ)، دار الفكر قم . الطبعة الأولى ١٤١١ هـ . ١٧٧ . مائه كلمه، أبو عثمان عمرو بن بحر الكناني المعروف بالجاحظ (ت ٢٥٥ هـ)، تحقيق: رياض مصطفى العبد الله، دار الحكمة دمشق، الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ . ١٧٨ . المبسوط في فقه الإماميه، أبو جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشيخ الطوسي (ت ٤٦٠ هـ)، تحقيق: محمد علي الكشفي، المكتبة المرتضويه طهران، الطبعة الثالثة ١٣٨٧ هـ . ١٧٩ . مجمع البحرين، فخر الدين الطريحي (ت ١٠٨٥ هـ)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، مكتبة نشر الثقافه الإسلاميه طهران، الطبعة الثانيه ١٤٠٨ هـ . ١٨٠ . مجمع البيان في تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان)، أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ٥٤٨ هـ) تحقيق: هاشم الرسولي المحلّاتي وفضل الله اليزدي الطباطبائي، دار المعرفه بيروت، الطبعة الثانيه ١٤٠٨ هـ . ١٨١ . مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي (ت ٨٠٧ هـ)، تحقيق: عبد الله محمد درويش، دار الفكر بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ١٨٢ . المحاسن، أبو جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت ٢٨٠ هـ)، تحقيق: مهدي الرجائي، المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام قم، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ .

١٨٣ . المحجّه البيضاء فى تهذيب الأحياء ، محسن الفيض الكاشانى (ت ١٠٩١ هـ) ، مع حاشيه : على أكبر الغفارى ، جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه قم ، ١٣٨٣ هـ . ١٨٤ . المحيط فى اللغة ، أبو القاسم إسماعيل بن عبّاد الطالقانى (ت ٣٨٥ هـ) ، تحقيق : محمد حسن آل ياسين ، عالم الكتب بيروت . ١٨٥ . مختصر بصائر الدرجات ، الحسن بن سليمان الحلّى (ق ٩) ، انتشارات الرسول المصطفى قم . ١٨٦ . المختصر فى أخبار البشر (تاريخ أبى الفداء) ، أبو الفداء عماد الدين إسماعيل (ت ٧٣٢ هـ) ، مكتبه المتنبي القاهره . ١٨٧ . مختلف الشيعة ، أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر الحلّى (ت ٧٢٦ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين قم . ١٨٨ . مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول ، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت ١١١١ هـ) ، تحقيق : هاشم الرسولى المحلّاتى ، دار الكتب الإسلاميه طهران ، الطبعة الثالثه ١٣٧٠ ش . ١٨٩ . مروج الذهب ومعادن الجوهر ، أبو الحسن على بن الحسين المسعودى (ت ٣٤٦ هـ) ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، مطبعه السعاده مصر ، الطبعة الرابعه ١٣٨٤ هـ . ١٩٠ . مسائل على بن جعفر ، أبو الحسن على بن جعفر الحسينى (ت ٢٢٠ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم . ١٩١ . مساوى الأخلاق ، أبو بكر محمد بن جعفر الخرائطى (ت ٣٢٧ هـ) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، مؤسسه الكتب الثقافيه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ . ١٩٢ . المستدرک على الصحيحين ، أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (ت ٤٠٥ هـ) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ . ١٩٣ . مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل ، حسين النورى الطبرسى (ت ١٣٢٠ هـ) ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ . ١٩٤ . المسترشد فى إمامه أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى

(ت ٣١٠ هـ) ، تحقيق : أحمد المحمودى ، مؤسسه الثقافه الإسلاميه لكوشانبور طهران ، الطبعه الأولى ١٤١٥ هـ . ١٩٥ . مستطرفات السرائر (النوادر) ، أبو جعفر محمد بن منصور بن إدريس الحلى (ت ٥٩٨ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدي (عج) قم . ١٩٦ . مسند أبى داود الطيالسى ، سليمان بن داود بن الجارود البصرى المعروف بأبى داود الطيالسى (ت ٢٠٤ هـ) ، دار المعرفه بيروت . ١٩٧ . مسند أبى يعلى الموصلى ، أبو يعلى أحمد بن على بن المثنى التميمى الموصلى (ت ٣٠٧ هـ) ، تحقيق : إرشاد الحق الأثرى ، دار القبله جدّه ، الطبعه الأولى ١٤٠٨ هـ . ١٩٨ . مسند إسحاق بن راهويه ، أبو يعقوب إسحاق بن راهويه المروزي (ت ٢٣٨ هـ) ، تحقيق : عبد الغفور عبد الحق حسين البلوشى ، مكتبه الإيمان المدينه المنوره ، الطبعه الأولى ١٤١٢ هـ . ١٩٩ . مسند الإمام زيد (مسند زيد) ، المنسوب إلى زيد بن على بن الحسين عليهما السلام (ت ١٢٢ هـ) ، منشورات دار مكتبه الحياه بيروت ، الطبعه الأولى ١٩٦٦ م . ٢٠٠ . مسند البزار (البحر الزخار) ، أبو بكر أحمد بن عمرو العتكي البزار (ت ٢٩٢ هـ) ، تحقيق : محفوظ الرحمن زين الله ، مؤسسه علوم القرآن بيروت ، الطبعه الأولى ١٤٠٩ هـ . ٢٠١ . مسند الحميدى ، أبو بكر عبد الله بن الزبير الحميدى (ت ٢١٩ هـ) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، المكتبه السلفيه المدينه المنوره . ٢٠٢ . مسند الرؤياني ، أبو بكر محمد بن هارون الرؤياني (ت ٣٠٧ هـ) ، تحقيق : أيمن على أبو يمانى ، مؤسسه قرطبه مصر ، الطبعه الأولى ١٤١٦ هـ . ٢٠٣ . مسند الشاميين ، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني (ت ٣٦٠ هـ) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، مؤسسه الرساله بيروت . ٢٠٤ . مسند الشهاب ، محمد بن سلامه القضاعى (ت ٤٥٤ هـ) ، مؤسسه الرساله بيروت .

٢٠٥ . المسند لأحمد بن حنبل ، أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني (ت ٢٤١ هـ) ، تحقيق : عبد الله محمد الدرويش ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ . ٢٠٦ . مشكاة الأنوار في غرر الأخبار ، أبو الفضل على الطبرسي (ق ٧) ، تحقيق : مهدي هوشمند ، دار الحديث قم ، الطبعة الأولى ١٤١٨ هـ . ٢٠٧ . مشكاة المصابيح ، أبو عبد الله محمد بن عبد الله بن الخطيب التبريزي (ت ٧٧٦ هـ) ، تحقيق : محمد ناصر الدين الألباني ، المكتب الإسلامي دمشق . ٢٠٨ . مصباح الشريعة ومفتاح الحقيقة ، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام ، شرح : عبد الرزاق الكيلاني ، نشر صدوق طهران ، الطبعة الثالثة ١٤٠٧ ش . ٢٠٩ . مصباح الفقاهة (تقريرات بحث آيه الله العظمى الخوئي) ، محمد على التوحيدى التبريزي ، دار الهادي الكويت ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ٢١٠ . المصباح في الأدعية والصلوات والزيارات ، تقى الدين إبراهيم بن على بن الحسن العاملى الكفعمي (ت ٩٠٠ هـ) ، منشورات الشريف الرضى قم . ٢١١ . مصباح المتهجد ، أبو جعفر محمد بن الحسن بن على بن الحسن الطوسى (ت ٤٦٠ هـ) ، تحقيق : على أصغر مروريد ، مؤسسه فقه الشيعه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ . ٢١٢ . المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى ، أبو العباس أحمد بن محمد بن على الفيويمى (ت ٧٧٠ هـ) ، مؤسسه دار الهجره قم ، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ . ٢١٣ . المصنّف ، أبو بكر عبد الرزاق بن همّام الصنعانى (ت ٢١١ هـ) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمى ، منشورات المجلس العلمى بيروت . ٢١٤ . المصنّف فى الأحاديث والآثار ، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبى شيبه العيسى الكوفى (ت ٢٣٥ هـ) ، تحقيق : سعيد محمد اللّجّام ، دار الفكر بيروت . ٢١٥ . مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول ، كمال الدين محمد بن طلحه الشافعى (ت ٦٥٤ هـ) ، مخطوط فى مكتبه آيه الله المرعشى قم .

٢١٦. معانى الأخبار ، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ) ، تحقيق : علي أكبر الغفارى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الأولى ١٣٦١ ش . ٢١٧ . المعجم الأوسط ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ) ، تحقيق : طارق ابن عوض الله وعبد الحسن بن إبراهيم الحسينى ، دار الحرمين القاهرة ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ . ٢١٨ . معجم البلدان ، أبو عبد الله شهاب الدين ياقوت بن عبد الله الحموى الرومى (ت ٦٢٦ هـ) ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعة الأولى ١٣٩٩ هـ . ٢١٩ . معجم السفر ، أبو طاهر أحمد بن محمد السلفى الأصفهاني (ت ٥٧٣ هـ) ، شرح : عبد الله عمر البارودى ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ . ٢٢٠ . المعجم الصغير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ) ، تحقيق : محمد عثمان ، دار الفكر بيروت ، الطبعة الثانية ١٤٠١ هـ . ٢٢١ . المعجم الكبير ، أبو القاسم سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (ت ٣٦٠ هـ) ، تحقيق : حمدى عبد المجيد السلفى ، دار إحياء التراث العربى بيروت ، الطبعة الثانية ١٤٠٤ هـ . ٢٢٢ . معجم مقاييس اللغة ، أحمد بن فارس بن زكريا (ت ٣٩٥ هـ) ، شركه مكتبه مصطفى الباقي وأولاده مصر ، ١٣٨٩ هـ . ٢٢٣ . معدن الجواهر ورياضه الخواطر ، أبو الفتح محمد بن علي الكراچكى (ت ٤٤٩ هـ) ، تحقيق : أحمد الحسينى ، المكتبه المرتضويه طهران ، الطبعة الثانية ١٣٩٤ هـ . ٢٢٤ . معراج السعاده ، أحمد بن محمد مهدى النراقى (ت ١٣٤٥ هـ) ، مؤسسه انتشارات هجرت قم ، الطبعة الأولى ١٣٧١ ش . ٢٢٥ . المغنى ، أبو محمد عبد الله بن أحمد بن قدامه المقدسى (ت ٥٦٠ هـ) ، دار الكتاب العربى بيروت .

٢٢٦ . المغنى عن حمل الأسفار ، أبو الفضل عبد الرحيم بن الحسين العراقي (ت ٨٠٦ هـ) ، تحقيق : أشرف بن عبد المقصود ، مكتبه دار طبريه الرياض ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ . ٢٢٧ . مفتاح الكرامه ، محمد جواد الحسينى العاملى (ت ١٢٢٦ هـ) ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم . ٢٢٨ . مفردات ألفاظ القرآن ، أبو القاسم الحسين بن محمد الراغب الأصفهاني (ت ٤٢٥ هـ) ، تحقيق : صفوان عدنان داودى ، دار القلم بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ . ٢٢٩ . مقدّمه ابن خلدون ، عبد الرحمن بن محمد بن خلدون الحضرمى (ت ٨٠٨ هـ) ، دار إحياء التراث العربى بيروت . ٢٣٠ . المقنعه ، أبو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان العكبرى البغدادي المعروف بالشيخ المفيد (ت ٤١٣ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الثانية ١٤١٠ هـ . ٢٣١ . مكارم الأخلاق ، أبو على الفضل بن الحسن الطبرسى (ت ٥٤٨ هـ) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ . ٢٣٢ . مكارم الأخلاق ، عبد الله بن محمد بن عبيد بن أبى الدنيا (ت ٢٨١ هـ) ، دار الكتب العلميه بيروت ١٤٠٩ هـ . ٢٣٣ . الملاحم والفتن (التشريف بالمنن فى التعريف بالفتن) ، أبو القاسم على بن موسى الحلى المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه صاحب الأمر (عج) ، الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ . ٢٣٤ . المناقب (المناقب للخوارزمى) ، الموفق بن أحمد البكرى المكى الحنفى الخوارزمى (ت ٥٦٨ هـ) تحقيق : مالك المحمودى ، مؤسسه النشر الإسلامى قم ، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ . ٢٣٥ . مناقب آل أبى طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، أبو جعفر رشيد الدين محمد بن على بن شهر آشوب المازندراني (ت ٥٨٨ هـ) ، المطبعة العلميه قم .

٢٣٦. مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام (المناقب للكوفى)، محمد بن سليمان الكوفى القاضى (ت ٣٠٠ هـ)، تحقيق: محمد باقر المحمودى، مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه قم، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ٢٣٧. مناقب مرتضى (المناقب المرتضويه)، محمد صالح بن عبد الله الحسنى الترمذى (ت ١٠٦٠ هـ)، مخطوط فى مكتبه آيه الله المرعشى قم. ٢٣٨. المنتخب من مسند عبد بن حميد، أبو محمد عبد بن حميد (ت ٢٤٩ هـ)، تحقيق: صبغى البدرى السامرائى ومحمود محمد خليل الصعدي، مكتبه السنه القاهره، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ. ٢٣٩. من لا يحضره الفقيه، أبو جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: على أكبر الغفارى، مؤسسه النشر الإسلامى قم، الطبعة الثانيه. ٢٤٠. منهج المريد، زين الدين على العاملى المعروف بالشهيد الثانى (ت ٩٦٥ هـ)، مكتب الإعلام الإسلامى قم، ١٤١٥ هـ. ٢٤١. مهج الدعوات ومنهج العبادات، أبو القاسم بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس (ت ٦٦٤ هـ)، تحقيق: حسين الأعلمى، مؤسسه الأعلمى بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ. ٢٤٢. المواعظ، أبو جعفر محمد بن على القمى المعروف بالصدوق (ت ٣٨١ هـ)، تحقيق: محسن عقيل، دار الهادى، بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ. ٢٤٣. المواعظ العددية، على المشكينى الأردبيلى (معاصر)، تحقيق: على الأحمدي الميانجى، دفتر نشر الهادى قم، الطبعة الرابعه ١٤٠٦ هـ. ٢٤٤. موسوعه الإمام على بن أبى طالب فى الكتاب والسنه والتاريخ، محمد الريشهري (معاصر)، تحقيق: مركز بحوث دار الحديث، دار الحديث قم، الطبعة الأولى ١٣٧٩ ش. ٢٤٥. الموطأ، مالك بن أنس (ت ١٥٨ هـ)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربى بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٦ هـ.

٢٤٦ . ميزان الحكمه ، محمد الريشهري (معاصر) ، تحقيق ونشر : دار الحديث قم ، ١٤١٦ هـ . ٢٤٧ . الميزان في تفسير القرآن ، محمد حسين الطباطبائي (ت ١٤٠٢ هـ) ، مؤسسه مطبوعاتي إسماعيليان قم ، الطبعة الثالثه ١٣٩٤ هـ . ٢٤٨ . نثر الدرّ ، أبو سعيد منصور بن الحسين الآبي (ت ٤٢١ هـ) ، تحقيق : محمد علي قرنه ، الهيئه المصريه العامه مصر ، الطبعة الأولى ١٩٨١ م . ٢٤٩ . نزّهه الناظر وتنبيه الخواطر ، أبو عبد الله الحسين بن محمد الحلواني (من أعلام القرن ٥) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدي (عج) قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ . ٢٥٠ . نگاهي نو به مفاهيم توسعه (نظره جديده إلى مفاهيم التنميه) ، ولفانغ زاكس ، ترجمه : فريده فرحي ووحيد بزرگي . ٢٥١ . نظامهای اقتصادي (النظم الاقتصاديه) ، حسين نمازي ، دانشگاه شهيد بهشتي طهران ، الطبعة الأولى ١٣٧٤ ش . ٢٥٢ . النوادر ، فضل الله بن علي الحسنی الراوندي (ت ٥٧١ هـ) ، تحقيق : سعيد رضا علي عسكري ، دار الحديث قم ، الطبعة الأولى ١٣٧٧ ش . ٢٥٣ . نوادر الأصول في معرفه أحاديث الرسول ، أبو عبد الله محمد بن علي الحكيم الترمذي (ت ٣٢٠ هـ) ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلميه بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ . ٢٥٤ . النهايه في غريب الحديث والأثر ، أبو السعادات مبارك بن مبارك الجزري المعروف بابن الأثير (ت ٦٠٦ هـ) ، تحقيق : طاهر أحمد الزاوي ، مؤسسه إسماعيليان قم ، الطبعة الرابعه ١٣٦٧ ش . ٢٥٥ . النهايه في مجرّد الفقه والفتوى ، أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠ هـ) ، دار الكتاب العربي بيروت ، ١٣٩٠ هـ . ٢٥٦ . نهج البلاغه (من كلام أمير المؤمنين عليه السلام) ، اختيار : أبيالحسن الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي (ت ٤٠٦ هـ) .

٢٥٧. نهج الحقّ وكشف الصدق ، جمال الدين الحسن بن يوسف بن المطهر الحلّي (ت ٧٢٦ هـ) ، تحقيق : عين الله الحسنى الأرموى ، دار الهجره قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ . ٢٥٨ . نهج الفصاحه ، أبو القاسم پاينده ، سازمان انتشارات جاويدان طهران . ٢٥٩ . وسائل الشيعة ، محمد بن الحسن الحرّ العاملي (ت ١١٠٤ هـ) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث قم ، الطبعة الأولى ١٤٠٩ هـ . ٢٦٠ . الوسيله ، أبو حفص عمر بن أحمد الإربلى الموصلى (ت ٥٧٠ هـ) ، مطبوعات دائره المعارف العثمانيه حيدرآباد الدكن . ٢٦١ . وفاء الوفا بأخبار المصطفى ، أبو الحسن على بن عبد الله السمهودى ، تحقيق : محمد محيى الدين عبد الحميد ، دار الكتب العلميه بيروت ، ١٣٧٤ هـ . ٢٦٢ . وقعه صفّين ، نصر بن مزاحم المنقرى (ت ٢١٢ هـ) ، تحقيق : عبد السلام محمد هارون ، مكتبه آيه الله المرعشى قم ، الطبعة الثانيه ١٣٨٢ هـ . ٢٦٣ . ينابيع المودّه لذوى القربى ، سليمان بن إبراهيم القندوزى الحنفى (ت ١٢٩٤ هـ) ، تحقيق : على جمال أشرف الحسينى ، دار الأسوه طهران ، الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ .

ص: ۱۱۳۷

..

ص: ۱۱۳۹

..

ص: ۱۱۴

..

ص: ۱۱۴۱

..

ص: ۱۱۴۲

..

ص: ۱۱۴۳

..

ص: ۱۱۴۴

فهرست تفصیلی .

ص: ۱۱۴۵

..

ص: ۱۱۴۷

..

ص: ۱۱۴۹

..

ص: ۱۱۵۰

..

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

